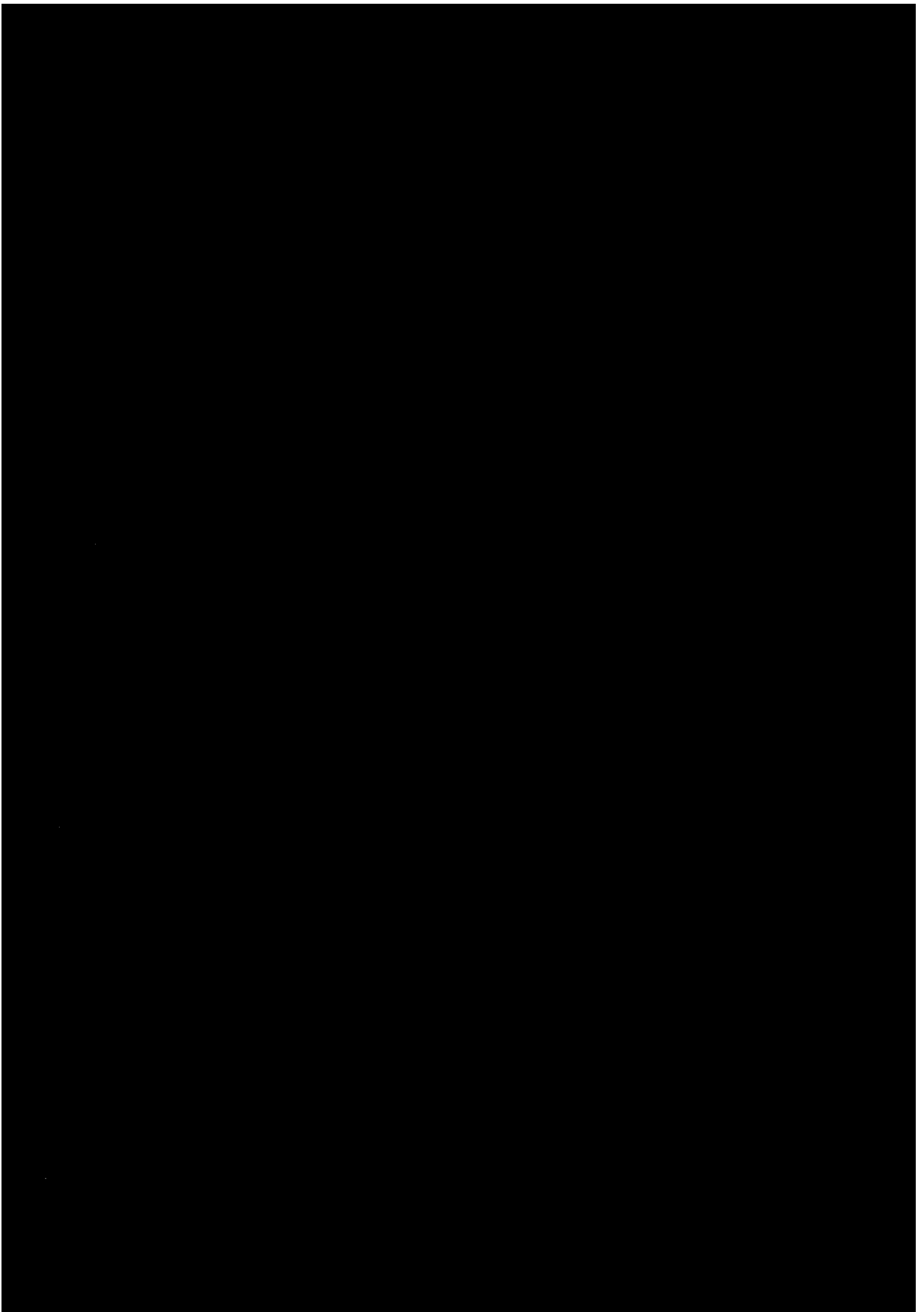


دائرة المعارف منصور

زرین

گروه آذربایجان؛ قلمرو مطبوعاتی محمد



دائرة المعارف
زرین
۶

مگر و آورند
علامه رضا طباطبائی

۸

۱۰

۱۴

۱



۱۵
۱۴

اسکن شد

دایرةالمعارف مصور زرین

(جلد اول)

نگارش :

غلامرضا طباطبایی مجد



دائرة المعارف مصور زرین (جلد اول)

نگارش: غلامرضا طباطبائی مجد

ناظر فنی: بابک حقایق

چاپ دوم - زمستان ۱۳۷۴

تیراژ: ۲۲۰۰ دوره

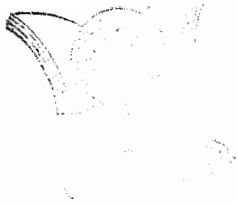
لیتوگرافی: بصیر

چاپ: قیام

انتشارات زرین - بهار شمالی، شهید کارگر ۳۵، کد پستی: ۱۵۶۳۷ - تلفن: ۷۵۰۹۹۹۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۴-۱۹-۰۱۹-۴۰۷-۹۶۴ (دوره ۴ جلدی) (4 Vol. Set) ISBN 964-407-019-4



پیشگفتار

اگرچه دایرةالمعارف‌نویسی در تمدن اسلامی سابقه‌ای کهن دارد و در طول دوره‌ای بیش از هزارسال، طی نهضت علمی عظیمی که از قرن دوم هجری آغاز شده و در قرون سوم و چهارم به اوج خود رسید مسلمانان آثار بسیاری در این زمینه تألیف کرده‌اند، ولی فضل تقدّم نگارش دایرةالمعارف با شیوه‌های جدید که منطبق با اصول علمی و تخصصی باشد، با اروپائیان است. غریبان در امر دایرةالمعارف‌نویسی جدید از قرن هیجدهم میلادی در پی تحولات فکری و رشد و توسعه علوم و فنون و احساس نیاز به کتب مرجع عالی، روشهای علمی متعددی را آزمودند و در طی دوره‌ای افزون بر دو قرن دایرةالمعارفهای عمومی و خصوصی منتشر کردند که علاوه بر نشر معارف در جوامع بشری، به ارتقاء شیوه‌های دایرةالمعارف‌نویسی نیز کمک مؤثری کرده است.

کار تألیف و تدوین دایرةالمعارف در اروپا امروزه به گونه‌ای است که برای هر یک از شاخه‌های علوم و فنون و تکنیک و هنر دایرةالمعارفهای جداگانه‌ای تدوین می‌کنند و هر سال با تجدید نظر کلی در محتوای آنها، اطلاعات تازه و دست‌اول مستند با منابع و مآخذ معتبر را در موضوع مربوطه در اختیار مشتاقان قرار می‌دهند.

اولین گام مؤثر و عملی در تألیف این چنین کتب مرجع در ایران مربوط می‌شود به سال ۱۲۴۲ شمسی که شادروان غلامحسین مصاحب با همتی عالی و اقدامی ستودنی شالوده نگارش اولین دایرةالمعارف فارسی را که به حق از لحاظ علمی و شیوه بیان شانه‌به‌شانه دایرةالمعارفهای غربی می‌سایید در دو جلد^۱ بنا نهاد. ولی متأسفانه با تمام تلاش و سخت‌کوشی که آن بزرگوار و همکاران و همفکران صدیق‌شان در خلق این چنین منبع و مآخذ گرانقدر از خودشان نشان دادند، هنوز هم که هنوز است قسمت دوم جلد دوم آن به حلیه چاپ آراسته نشده است.

دومین کتاب مرجع از این نوع «دانشنامه ایران و اسلام» بود که در سال ۱۲۴۶ شمسی به همت احسان یارشاطر پایه‌گذاری شد. درحقیقت این دایرةالمعارف ترجمه «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» بود که به همت عده‌ای از مترجمین زبده آن دوران به فارسی برگردانده شد. از این دایرةالمعارف هم - که بنا به اظهار مؤسس آن برای آنکه «عنوانی کوتاه‌تر داشته باشد و آسان‌تر تلفظ شود» دانشنامه نامیده شد - فقط ده‌جزء بین سالهای ۱۲۴۶ تا ۱۲۶۰ شمسی منتشر شده؛ یعنی از «آ» تا «الاخوان المسلمون» که کلاً در ۱۱۶۶ صفحه قطع وزیری بوده است.

اگرچه لغتنامه مرحوم دهخدا نیز به نوبه خود مطالب دایرةالمعارف را در خود آورده است، ولی به اتفاق نظر محققین و مرجع‌شناسان، دایرةالمعارف فارسی مصاحب و دانشنامه ایران و اسلام نخستین دایرةالمعارف به معنی اخص کلمه قلمداد می‌شود.

اولین اقدام جدی و همه‌جانبه در تألیف دایرةالمعارفهای فارسی در ایران، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی^۲ به مدیریت کاظم موسوی بجنوردی، دایرةالمعارف شیعه به مدیریت کامران فانی و دیگران، دانشنامه جهان اسلام^۳ زیر نظر احمد طاهری عراقی و دیگران، دانشنامه مصور ترجمه محمدرضا باطنی، دایرةالمعارف کودک و نوجوان^۴ زیر نظر توران

میرهادی (خمارلو) و مرحوم ایرج جهانشاهی، از جمله اقدامات جدی در تألیف و نگارش دایرةالمعارف فارسی است که به همت تعدادی کثیر از محققین و دانشمندان و ادبای زبان فارسی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. اگرچه دایرةالمعارفهای مذکور تخصصی بوده و هنوز مراحل اولیه چاپ و انتشار را سپری می‌کنند، ولی با یک نگرش کلی بر محتوا و سبک تألیف آنها ضرورت تداوم چاپ و نشر آنها درخور تأمل و دقت است.

کتابی که اکنون با عنوان «دایرةالمعارف مصور زین» پیش رو دارید اولین مجموعه علمی، فنی، فرهنگی، ادبی، هنری است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در دسترس مشتاقان قرار می‌گیرد. به دنبال تغییرات مهمی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی کمونیسم در کشور شوراها، در دنیا به وجود آمد، لزوم بازبینی و تجدیدنظر کلی در اکثر مطالب و محتویات تمامی کتبی که با عناوین «اطلاعات عمومی» یا دایرةالمعارفهایی که درحقیقت شکل اطلاعات عمومی را داشتند و در دسترس علاقه‌مندان بودند، بیش از پیش مدنظر تمامی دست‌اندرکاران فرهنگ و ادب جامعه‌مان بود. مدیر و سایر همکاران در انتشارات زین که همواره سعه صدر و روحیه فرهنگی را پشتوانه بلندهمتی خود قرار داده‌اند و در چاپ و نشر آثار ماندگار از هیچ تلاشی فروگذار نیستند، از نخستین اشخاصی بودند که به ضرورت انجام این کار بزرگ و سنگین پی بردند و مقدمات تألیف و نگارش این گنجینه را در چهارسال قبل فراهم آوردند.

در تدوین کتاب حاضر تمامی کتب مرجع از جمله دایرةالمعارفها، اطلاعات عمومی‌ها، دانشنامه‌ها، فرهنگها، کتب رجال، مجلات علمی، فرهنگی، ادبی، طبی، ورزشی، سینمایی و تاریخی مددکار نویسنده بوده است؛ بدین صورت که تمام مطالب مفید علمی، فرهنگی و هنری و غیره مندرج در این منابع پس از بررسی دقیق در صحت آنها و کسب اطمینان کامل از سندیت‌شان، به صورت مختصر و موجز در کتاب حاضر عرضه شده است.

در کتاب حاضر ضمن درج هزاران مطلب و موضوع سودمند در مورد: موسیقی، تئاتر، سینما، ورزش، نجوم، ریاضیات، فیزیک، شیمی، فنون ادبی، سبکها و مکاتب ادبی، مکاتب نقاشی، فهرست اختراعات و اکتشافات، لیست برندگان جوایز نوبل و اسکار، آثار تاریخی ایران و سایر کشورهای جهان، مسایل جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران و جهان - بخصوص بعد از تحولات اساسی در اروپای شرقی - شرح حال صدها تن از مشاهیر جهان اعم از نویسنده، شاعر، سیاستمدار، هنرمند، مخترع، مکتشف، مورخ و... بدون در نظر گرفتن ملیت و مذهب و تخصص آنها به صورت الفبایی در بخشی به نام «مشاهیر جهان» آورده شده است.

انتخاب این روش در ارائه اطلاعات مربوط به شخصیتها، اولین امتیازش این است که خواننده را از سردرگمی نجات خواهد داد. بارها دیده شده است که خواننده‌ای برای پیدا کردن مشخصات شخص مورد نظرش دچار شک و تردید می‌شود، که مثلاً بوعلی‌سینا را در بخش دانشمندان جستجو کند یا در بخش طبیعیان یا در بخش دانشمندان؟ در کتاب حاضر به محض انتخاب شخص مورد نظر، خواننده در کمترین وقت ممکن به واژه مربوطه که به صورت الفبایی ردیف شده مراجعه می‌کند و ضمن مطالعه مشخصات شخص مورد نظر، اطلاعات چندجانبه‌ای درخصوص شخص مزبور به دست خواهد آورد.

بر این قیاس، بخش امکان نیز به همان سبک، بدون در نظر گرفتن حدود و مشخصات جغرافیایی ویژه آنها، کلاً به صورت الفبایی تنظیم یافته است.

در بخش سینما و ورزش نیز سعی شده با مراجعه به آرشیو کتابخانه‌های عمومی و خصوصی با بهره‌جستن از مطالب و مندرجات تمامی کتب و نشریات منتشره در این زمینه آخرین اطلاعات دقیق و سودمند در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

از ویژگی‌های مهم این مجموعه، اختصاص بخش نسبتاً کاملی به «انقلاب اسلامی ایران» است. در این بخش سعی بر این بوده است که سیر تکاملی انقلاب اسلامی را از نخستین روزهای نضج گرفتن تا روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ شمسی پی گرفته شود و مشخصات تمام عوامل و افرادی که به نحوی از انحاء در باروری و پیروزی آن شرکت فعال داشته و اغلب جان خود را در به‌ثمر رسیدن آن از دست داده‌اند، هرچند مختصر، شرح داده شود.

به‌رحال کتابی که تقدیم خوانندگان می‌گردد، مجموعه‌ای است از آخرین اطلاعات دقیق در مورد موضوعاتی که تمامی فارسی‌زبانان به آنها احتیاج دارند. در تدوین و تألیف این مجموعه سعی بر این بوده که تمامی کسانی که امکان مراجعه به نشریات، کتب و سایر وسایل مکتوب را ندارند و دلشان می‌خواهد که حداقل در مورد یکی‌دو موضوع مورد علاقه‌شان اطلاعات دقیق و قانع‌کننده‌ای داشته باشند، با مراجعه به این کتاب در اسرع وقت به‌مطلوب خودشان برسند.

این کتاب همان قدر که برای دیپلمه‌های پشت کنکور، جوانان مشتاق شرکت در مسابقات رادیو-تلویزیونی، افراد طالب کسب اطلاعات بکر و دست‌آورد درخصوص رویدادهای ورزشی و سیاسی جهان مفید فایده است، به همان اندازه نیز می‌تواند مورد استفاده خانمهای خانه‌دار و اشخاص مستی که بیشترین وقت‌شان را صرف حلّ جدول کلمات متقاطع می‌کنند، قرار بگیرد. به دیگر سخن اینکه، کتاب حاضر برای طبقه، سنّ و جنس، مدرک تحصیلی خاصی تدوین نیافته. از کودک ده‌ساله تا پیرمرد هشتادساله می‌توانند با کمی توجّز و مطالعه فهرست مندرجات آن، از آن بهره‌مند شوند.

سخن آخر این‌که در تنظیم این کتاب، به بیش از یکصد کتاب قدیم و جدید ایرانی و خارجی، تمامی نشریات علمی و فرهنگی و هنری و ورزشی مراجعه شده و از محضر اساتید فن کسب فیض شده است، اما علی‌رغم این‌همه تلاش و پشتیبانی مالی و معنوی برادران ریاحی در تنظیم آن و ارائه اطلاعات مفید و متّزن و دست‌آورد، یقین است که کلّ کتاب خالی از نقص و خطا نیست، ولی همین قدر است که کاری انجام شده و قدمی هرچند کوتاه در راه پرپای کردن فرهنگ و ادب و هنر کشورمان برداشته شده است. رهنمودها و نظریات و انتقادات سازنده تمامی دست‌اندرکاران فرهنگی و علمی و هنری کشورمان در هرچه پرپای گشتن این مجموعه در جاهای بعدی، بهترین پاداش برای نگارنده خواهد بود، لذا از خوانندگان و صاحب‌نظران درخواست می‌کنیم این لغزشها را، از هر مقوله که باشد، به اطلاع ناشر برسانند و مؤلف را مرهون فرهنگدوستی خود سازند.

اگر ظرافت، دقت نظر و ابتکار عزیزانم بابک حقایق و سیروس سعدوندیان یاریگر نگارنده و مسئولین مؤسسه انتشاراتی زرین نبود امکان چاپ و نشر این مجموعه به این صورت به هیچ عنوان عملی نبود، لذا با آرزوی هرچه پرپای گشتن قلم و ذوقشان، برای هردو این عزیزان آرزوی توفیق بیشتری می‌نماید.

غلامرضا طباطبایی مجد

فهرست مطالب

	پیشگفتار
	اساطیر
۱-۳۸	از آباس تا یون
	مشاهیر
۳۹-۳۵۲	از آبس خاتون تا یونگر
۳۵۳	نکته‌های نغز در مورد مشاهیر
۳۵۵	القاب مشهور دنیا
۳۵۵	القاب سلاطین و حکمرانان ایران
۳۷۰	بیگانگان مشهور در تاریخ ایران
۳۸۰	نخست‌وزیر و وزیران ایران از ابتدای مشروطیت تا اولین مجلس مؤسسان
۳۸۷	پادشاهان مشهور انگلستان
۳۸۸	رؤسای جمهور مشهور آمریکا
۳۸۹	رؤسای جمهور ترکیه از آغاز دوره جمهوری تا ۱۹۹۱ میلادی
۳۸۹	نخست‌وزیران ترکیه از زمان مصطفی آتاتورک تا کنون
۳۹۰	پادشاهان امپراتوری عثمانی
۳۹۱	نام حقیقی چند تن از شخصیت‌های معروف جهان
۳۹۲	مردان مشهوری که تعدد زوجات داشتند
۳۹۲	مردان بزرگی که معلول بوده‌اند
۳۹۳	پادشاهانی با بیش از ۵۰ سال حکومت
۳۹۴	خائنین بزرگ تاریخ
۳۹۴	قاتلین و مقتولین مشهور جهان
۳۹۵	دیکتاتورهای مشهور قرن بیستم
۳۹۵	سرشناس‌ترین چپ‌دست‌های جهان
۳۹۶	سرشناس‌ترین جوانمرگان
۳۹۶	خطبای بزرگ جهان
۳۹۷	حواریون حضرت مسیح چند نفر بودند؟
۳۹۷	نام آوران جهان که تا پایان عمر مجرد ماندند
۳۹۸	بزرگترین متفکران تاریخ
۳۹۸	سرشناس‌ترین آمریکایی‌ها از تبار غیرآمریکایی
۳۹۹	برجسته‌ترین مردان جهان که فاقد تحصیلات ابتدایی بودند
۳۹۹	کهنسال‌ترین مردان جهان

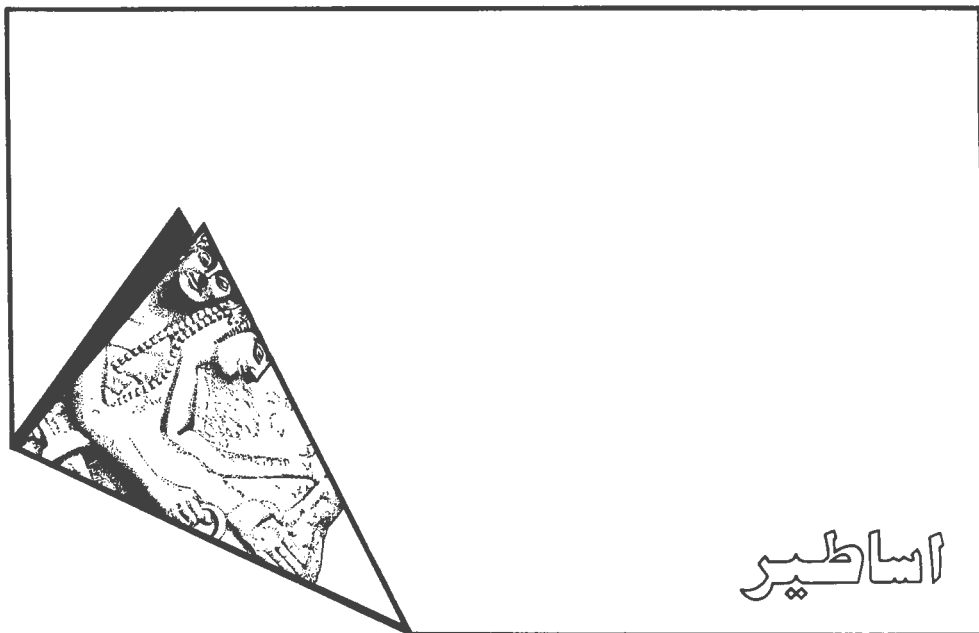
۳۹۹	نخستین فضانوردان جهان
۴۰۰	«پدران» معروف دنیا
۴۰۰	منفوترین افراد تاریخ
۴۰۱	محبوب‌ترین افراد تاریخ
۴۰۲	عده‌ای از شخصیت‌های علمی جهان
۴۰۵	اختصاصات برگزیدگان جهان
۴۰۹	قهرمانان افسانه‌ای جهان
۴۰۹	رمز و رموز خدایان باستانی
۴۱۰	این مردان سرشناس قبلاً چه شغلی داشتند؟
۴۱۳	زنان نامدار جهان
۴۱۶	ملکه‌های مشهور جهان
۴۱۶	پاپ
	واژه‌ها و اصطلاحات
۴۳۱-۵۲۰	از آرپالیتی تا یقظه
	مشاغل و مناصب
۵۲۳-۵۳۹	از آتا تا یوزباشی
	از همه چیز، همه کس، همه جا
۵۴۳	اطلاعات شنیدنی درخصوص جانوران
۵۷۴	اطلاعات شنیدنی درخصوص گیاهان
۵۹۳	اطلاعات شنیدنی درخصوص ادیان و مذاهب و ابنیه مختلف جهان
۶۲۶	موزه‌های مهم دنیا
۶۳۷	بناهای تاریخی و مشهور جهان
۶۴۸	علائم اتومبیل‌های کشورها
۶۴۹	جشنهای ملی در کشورهای جهان
۶۵۰	علامت و سمبل ممالک مختلفه جهان
۶۵۰	غولهای صنعت جهان
۶۵۱	قرون چه زمانی بوده است؟
۶۵۱	کیمونو چیست؟
۶۵۱	تاریخچه منو
۶۵۲	پانتومیم چیست؟
۶۵۲	تأثر عروسکی در چه زمانی به وجود آمد
۶۵۳	عشره بشره چه کسانی بودند؟
۶۵۳	ده فرمان تاریخی حضرت موسی (ع)
۶۵۴	عدد هفت در فرهنگ ملل مختلف
۶۵۶	عجایب هفتگانه جهان

۶۵۸	عجایب هفتگانه قرون وسطی
۶۵۹	عجایب هفتگانه جهان امروز
۶۵۹	هفت علم اولیه
۶۵۹	آثار تاریخی و دیدنی ممالک جهان
۶۶۲	مرتفع‌ترین بناهای جهان
۶۶۲	آلوده‌ترین شهرهای بزرگ جهان
۶۶۴	پیدایش و سرگذشت طلا
۶۷۰	پیدایش و تاریخچه پول
۶۷۸	تاریخچه پیدایش نفت
۶۸۸	اطلاعاتی در مورد هفت خواهران نفتی
۶۸۹	سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)
۶۹۳	مقیاس و اوزان مختلف
۶۹۹	زمان و تقویم در ایران و جهان
۷۱۳	واحد مهم‌ترین پولهای جهان
۷۱۶	خلاصه تاریخ ایران
۷۱۹	پایتخت سلاطین و فرمانروایان ایران
۷۲۴	فهرست جنگهای معروف ایران با دول خارجی
۷۳۱	۱۲ حمله بزرگی که به ایران شده است
۷۳۲	دولت‌هایی که از کودتای سال ۱۲۹۹ تا انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷ شمسی بر ایران حکومت کرده‌اند
۷۸۱	یک دهه ترور (۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱)
۷۸۲	۲۵ علت عجیب مرگ
۷۸۳	وقایع مهم مذهبی در جهان
۷۸۵	ده واقعه تاریخی در ده شهر جهان
۷۸۵	جنگهای صلیبی چه مدت طول کشید؟
۷۸۶	محاکمات غیرجنایی جهان
۷۸۷	سالشمار جنگ جهانی دوم ۱۹۳۹-۱۹۴۵
۸۱۲	گزیده‌ای از رخدادهای مهم تاریخی از دوران باستان تا آغاز قرن بیستم
۸۶۵	تاریخچه مختصر موسیقی
۸۷۴	انواع آلات موسیقی
۸۷۸	شاهکارهای مجسمه‌سازی جهان



1

2



از خدایان المپ بود. وی خداوند موسیقی، پیشگویی و نباتات بود و او را خدای شبانی و جنگ نیز



می دانستند. وی دوبار به سبب اعمال خود موجب خشم زئوس شد.

آتالانت

از زنان اساطیری بود و ماده خرسی به او شیر داد

آباس

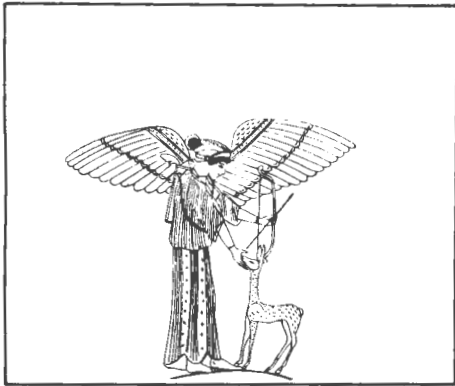
پسر «لینسی» و «هی پرمستر» پادشاه آرگوس که بانی شهر «آبا» شد. وی خون دو برادر از پنج دشمن خود را در وجود خود مخلوط کرد و با دختری به نام «آگلانه آ» ازدواج کرد و صاحب ۲ پسر و یک دختر از او شد.

آبوریژن ها

یکی از دو قوم اصلی نژاد لاتن بودند و رومیان قدیم آنها را «پسران درختها» می دانستند و همیشه در حال آوارگی و سرگردانی بسر می بردند و خوراکشان میوه های وحشی بود و تابع هیچ قانون و عقیده و مرامی نبودند.

آپولون

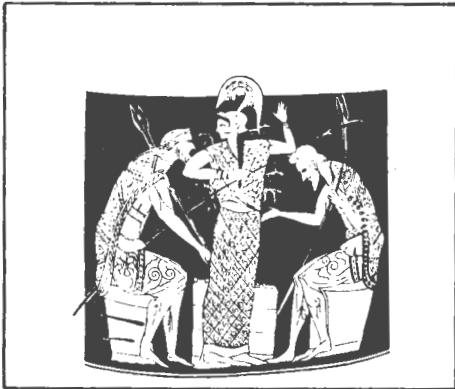
پسر «زئوس» و «لتو» و برادر دوقلوی «آرتمیس»



بود. وی همیشه باکره بود و همیشه مسلح بود و زنان زائو را که درد می کشیدند از میان می برد. قهرمان غول آسای اساطیر به نام «اوربون» نیز توسط او کشته شد و ایفی ژنی دختر آگاممنون هم قربانی او شد.

آژاکس بزرگ

پسر «تلامون» از قهرمانان جنگ «تروا»، بسیار سختگیر و از خدایان هراسان بود. وی به خاطر آنکه



«اولیس» قهرمان قهرمانان معرفی شد به جنون دچار شد و به کشتار جانوران مقدس پرداخت و سرانجام مغضوب شد و خود را کشت.

و به خاطر وفاداری به «آرتمیس» برادر آپولون با کسی ازدواج نمی کرد مگر اینکه در مسابقه دو بر او پیروز شود و جوانی به نام «هیومیس» برنده شد و با او ازدواج کرد ولی زئوس آن دو را به دو شیر مبدل کرد.

آترا

دختر پسته بود و گرچه با «اژه» ازدواج کرد ولی اولین بار با «پوزئیدون» درآمیخت و به این سبب فرزند وی نیمه رب النوع بود و این فرزند «تزه» نام داشت و چون تزه مرد آترا از فرط اندوه و غصه دق کرد و بدرود زندگی گفت.

آتهنا

دختر «زئوس» و «مه تیس» بود و زئوس او را بلعید تا فرزند وی خدای خدایان نشود ولی بعد توسط «هفائیسوس» آتهنا را از سر او بیرون آورد. آتهنا رب النوع جنگ بود و رب النوع عقل و هنر نیز بود. آتن پایتخت یونان به نام اوست.

آدونیس

پسر «میرا» دختر پادشاه سوریه به نام «ته ایاس» بود. میرا به سبب خشم آفرودیت مجبور به هم خوابی با پدر خود شد و بعد به جنگل گریخت و آفرودیت به درختی مبدل شد که آدونیس از آن درخت بوجود آمد و بعدها در جنگ با یک گراز وحشی کشته شد.

آرتمیس

پسر «زئوس» و «لتو» و خواهر دوقلوی آپولون

آژاکس کوچک

پسر «اویله» و جنگاوری خشن بود و به همه خدایان بی اعتنا بود و از این بی اعتنایی بیش از همه «آته‌نا» عصبانی شد و بعد از بلاهای متعددی که برای تنبیه او بسرش آورد، با کمک «پوزئیدون» آژاکس را به دریا افکند و او را غرق کرد.

آکاکالیس

یکی از دختران «مینوس» و معشوقه «هرمس» و «آپولون» بود و از آن دو چهار پسر یافت به نامهای سیدون، ناکوس، میلئوس و آمفی‌تمیس. یکی از فرزندان او را به نام میلئوس به فرمان آپولون ماده‌گرگهای جنگل شیر دادند.

آشیل

پسر «پله» پادشاه شهر «پیته» و مادرش «رب النوع ته‌تمیس» بود. در جریان جنگ تروا، وی با «آگاممنون» یکی از اساطیر اختلاف پیدا کرد. وی پسر آپولون را اشتبهاً کشت و نیز «هکتور» پهلوان افسانه‌ای یونان را بقتل رسانید.

آکالانتیس

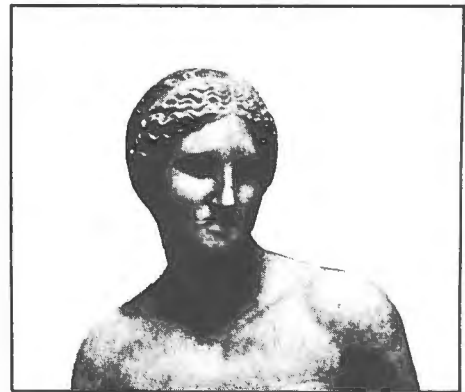
یکی از ۹ دختر پادشاه مقدونیه بود که دایم باهم بر سر اینکه چه کسی بهتر آواز می‌خواند دعوا داشتند و از خدایان قضاوت می‌خواستند و سرانجام نیز خدایان او را به صورت «مرغ سقا» درآوردند و خواهران او نیز هر يك به پرندگی مبدل شدند.

آفردویت

رب النوع عشق و دختر «ژئوس» و «دیون» بود و آرس خدای جنگ را دوست داشت و نیز عاشق

آکاماس

پسر «ته‌سه» و «فدره» بود. در جریان جنگ تروا با دختری به نام «لائودیسه» ازدواج کرد و سپس قبرس را آباد کرد و چون به خود مغرور شد، خدایان از او درخشم شدند و روزی از اسب به‌زیر افتاد و شمشیر خودش در شکمش رفت و او را کشت.

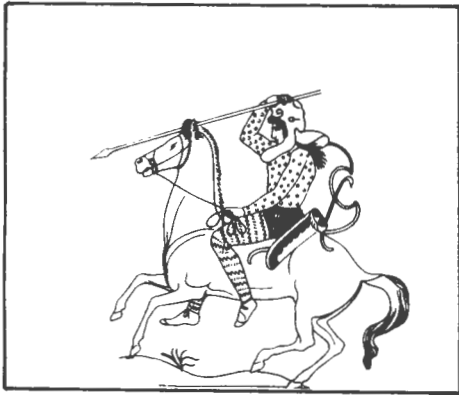


«آدونیس» بود که «پرسه‌فون» رب النوع دیگر نیز عاشق او بود و او را در میان خود قسمت کردند. خشم آفردویت بسیار خطرناک و مدهش بود.

آکه‌لوس

نام خدای رودخانه‌ای به همین نام در یونان است و به خاطر دختری به نام «دژانیر» با هرکول قهرمان معروف اساطیری درافتاد و هنگام جنگ به صورت گاوی درآمد ولی هرکول يك شاخ او را کند و در عوض دریافت آن شاخ، از دژانیر صرف‌نظر کرد.

آکون‌تیوس



آمفی پاراتوس

مورد توجه زئوس بود و آپولون به او قدرت پیشگویی داده بود. چون مورد نفرت آفرودیت بود، به دستور زئوس که تحت تأثیر آفرودیت واقع شده بود صاعقه‌ای بر او نازل شد ولی بعد دوباره مورد توجه واقع شد و عمر ابدی یافت.

آمفیت ریون

ناپدری «هراکلس» فرزند زئوس و شوهر «آلکمن» بود و خود نیز فرزندی به نام «ایفیکلیس» داشت ولی هراکلس اسباب زحمت او بود تا آنجا که او را به شبانی فرستاد و بعدها در جریان يك جنگ به دست دشمنان به قتل رسید.

آمفیون

پسر زئوس و آنتیوپ و برادر دوقلوی زئوس می باشد. زئوس در جنگ مهارت داشت و آمفیون به موسیقی علاقه داشت و چون مادرشان توسط «ایرسه» آزار فراوان دیده بود او را کشتند و بعدها آمفیون با «نیوبه» ازدواج کرد.

وی از اساطیر درجه دوم است. عاشق دختری به نام «سیدی پی‌یه» شد و پدر دختر، او را به مرد دیگری داد ولی هر بار هنگام عروسی با او بیمار شد و ازدواج صورت نگرفت تا سرانجام به توصیه خدایان، پدر «سیدی پی‌یه» او را به عقد آکون تیوس درآورد.

آگامنون

پادشاه «آرگوس» و یا «میس» بود. پسرش «آنه‌روپه-و آتره» با «کلی تمنستر» خواهر «هلن» ازدواج کرد و سه دختر و يك پسر به نام «اورسته» از او یافت. وی از قهرمانان جنگ تروا بود و بخاطر



پیروزی «ایفی ژنی» دختر خود را قربانی کرد.

آمازونها

قومی از زنان بودند از اعقاب «آرس» و «هارمونی» که سالی، يك بار با مردان می آمیختند و بعد پسران را می کشتند و دختران را پرورش می دادند و يك پستان آنها را می بریدند تا هنگام تیراندازی مزاحم آنها نباشد. ملکه آنها به دست آشیل کشته شد.

آنا - پرنا

ارینی‌ها

مجموعه‌ای از رب‌النوع‌های عصبانی بودند که از ریختن خون اورانوس بر زمین بوجود آمدند و هیچ قدرتی حتی زئوس نیز قادر به مقابله با آنها نبود به این سبب از طرف خدایان مأمور اجرای احکام عدالت و تنبیه جنایتکاران و متخلفین بودند.

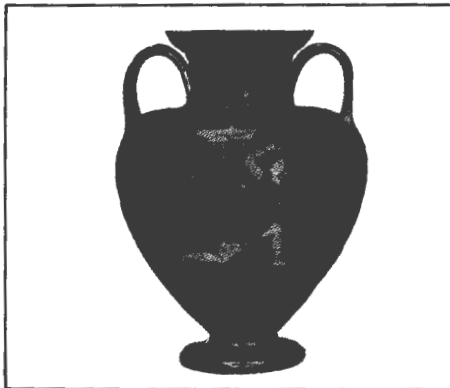
خواهر ملکه دیدون بود و پیگمالیون پادشاه سوریه عاشق او بود ولی آنا پرنا از او می‌گریخت و بعد از مشقات بسیار به «نومیسیوس» خدای یکی از رودخانه‌ها پناه برد و از او درخواست کرد تا او را به صورت یکی از الهه‌های خود درآورد.

آنتیگون

اژه

پسر باندیون پادشاه آتن و برادر «پالاس - نیسون - ایکوس» بود و بعدها پادشاه اژه شد ولی هیچ

فرزند «اودیپ» و ژوکاست بود و ژوکاست مادر اودیپ بود که اودیپ نادانسته با او آمیخته بود و به



دختری از او باردار نمی‌شد تا دختری به نام «اترا» از او پسری به نام «تزه» پیدا کرد و بعدها به خاطر همین پسر، اژه خود را به دریا انداخت و آن دریا به نام او موسوم شد.

همین سبب خود را کور کرد و آنتیگون همراه پدر به تکدی پرداخت تا پدرش مرد و بعدها، خود او نیز در مقبره «لابداسید» خودکشی کرد.

آنتیوپ

اژیست

پسر «تی‌یست» و دختر او «پلوییا» بود و هدف از پیدایش او گرفتن انتقام از «آتره» بود که خواهر تی‌یست محسوب می‌شد و فرزندان تی‌یست را کشته بود. اژیست با شمشیری که آتره به او داده بود او را

دختر نیکنه بود و زئوس با او درآمیخت و آمفیون و زئوس را دوقلو زائید. وی مدتها زندانی «دیرسه»، زن «لیکوس» برادر نیکنه بود و مشقت فراوان دید تا خدایان بر او رحمت آوردند و او را از بندرها کرده و دیرسه به دست پسران وی کشته شد.

کشت و بعدها خود او به دست «اورسته» کشته شد.

کرد.

آندروژه

آنکیز

یکی از پسران مینوس و از پهلوانان معروف بود و در مسابقاتی علیه «اژه» پیروز شد و اژه از فرط حسادت او را مأمور دفع گاو ماراتن کرد و آندروژه در این مأموریت کشته شد و انتقام خون او را پدرش به کمک زنوس از اژه گرفت.

پدر «انه» و پسر «کاپیس» و «تمیسه» بود، آفرودیت عاشق او شد و او را فریب داد و از او فرزندی یافت و او را از افشای راز برحذر داشت ولی روزی آنکیز در حال مستی راز آفرودیت را فاش کرد و زنوس او را کور کرد.

آندروکلوس

آنو

از فرمانروایان و فاتح جزیره ساموس بود. وی طبق يك پیشگویی که گفته بود «يك ماهی و يك گراز وحشی محل شهرى را که او باید بسازد معین می کنند» شهر «افنز» را ساخت. آندروکلوس فرمانروای «کوچ نشین» معروف به نام «الوتی» بود.

خدای آسمان بود و مورد پرستش سومریها قرار داشت و هامورابی پادشاه معروف بابل (که پایتخت سومریها بود) که به پادشاه قانونگذار معروفست، در پرستش آنو که خدای خدایان محسوب می شد سعی فراوان کرد و معابد بزرگ بنا کرد.

آندرومارک

آنیوس

دختر پادشاه تبت و همسر هکتور از قهرمانان اساطیری بود. بعد از قتل هکتور به دست آشیل، اسیر فرزند آشیل به نام «نئوپتولم» شد و همسر او شد و سه فرزند یافت و بعدها شوهر او نیز در جنگی به قتل رسید و خود او پادشاه شد.

از دختران استافیلوس بود، از آپولون باردار شد و پسری زائید که پادشاه دلوس شد. بعد با «دوریه»



ازدواج کرد و سه دختر زائید که قدرت عجیبی

آندرومد

دختر سفه پادشاه حبشه بود و چون مادرش ادعا کرده بود که او از همه نرئیدها (الهه‌های دریا) خوشگلتر است، نرئیدها به پوزئیدون شکایت کردند و او جانوری را مأمور قتل آندرومد کرد ولی او هر سه سر آن جانور را کشت و با آن دختر زیبا ازدواج



سبب می شد تا دختران و پسران عاشق شوند.

اریگونه

دختر ایکاروس بود و «دیونیزوس» عاشق او شد و اریگونه از او دارای پسری به نام استافیلوس شد. دیونیزوس شراب می ساخت و چون ایکاروس از شراب او بخورد مردم داد او را کشتند و به سبب مرگ او دختران آتن همه دیوانه شدند.

اسفنکس

اعراب و مصریها او را «ابوالهول» می خوانند.



داشتند و می توانستند روغن و گندم و شراب از زمین بیرون آورند. بعدها این سه دختر کیوتر شدند.

آپوس لوکوسیوس

از خدایان مرموز و منزوی بود و تنها موقعی که او ظاهر شد وقتی بود که «گلوها» به یونان حمله کردند و او به صورت ندایی خیر حمله گلوها را داد و چون یونانیان اعتنایی به او نکردند گلوها بر آنها مسلط شدند و بعدها برای او معبدی ساخته شد.

آپوس

فرمانده ناوگان در جنگ تروا بود و نقشه ساختن اسب چوبی تروا از او بود ولی بعدها زنان اسیر تروا کشتی های او را آتش زدند. آپوس از هرمس مجسمه ای چوبی ساخت که بعدها این مجسمه نه با تیر شکسته شد و نه در آتش سوزانده شد.

اته اوکل

فرزند اودیپ و ژوکاست و برادر پولی نیس بود. بر اثر نفرین اودیپ که مورد تمسخر دو برادر واقع شده بود بین اته اوکل و پولی نیس اختلاف افتاد و کار به جنگ کشید و همانطور که اودیپ پیش بینی کرده بود دو برادر به دست یکدیگر کشته شدند.

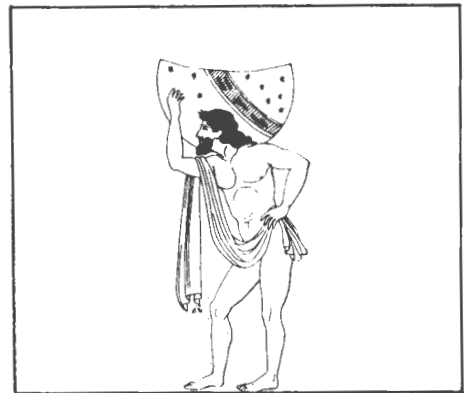
اروس

نام یونانی «کوپیدون» بود. کوپیدون در اساطیر روم قدیم خدای عشق بود که همیشه تیر و کمانی به دست داشت و هر کس را که می خواست عاشق کند تیری از ترکش خود به قلب او می زد و این تیر،

سر انسان و بدن شیر داشت و مردم را می آزد و معمایی طرح کرده بود که هر کس جواب آن را نمی داد او را می خورد تا اودیپ معمای او را حل کرد و اسفنکس خود را از کوهی به زمین انداخت و مرد.

اطلس

از طبقه خدایان قبل از المبی ها بود و قدرت فراوان داشت و چون در جنگ زنان با خدایان، به



کمک زنان ها رفت زئوس برای تنبیه او مجبور شد تا دنیا را به دوش بگیرد و به عقیده بعضی ها وی برادر پرومته و پسر اورانوس یا برادر کروئوس است.

الکترا

دختر «آگامنون» و «کلی تم نستر» بود و پس از مرگ پدرش به دست اژیست با کمک برادر خود «اورست»، اژیست و آلتس پسر او را کشتند و چون خواهرشان ایفی ژنی هم کشته شده بود، با برادرش متفقاً سلطنت را به دست گرفتند.

انه

پسر آنکیز و آفرودیت و از قهرمانان جنگ تروا

بود و به سلطنت تروا رسید. آشیل دشمن او بود و هر بار که آشیل قصد کشتن او را داشت آپولون وی را نجات داد. او بعد از قتل «تورنوس» که مخالفش بود در يك طوفان و رگبار از پای درآمد.

انتو

همسر خداوند بزرگ سومریها به نام «آنو» بود و مشکل گشای مردم محسوب می شد. انتو، همیشه از میان خواهران فرمانروایان سومری انتخاب می شد و هر وقت مشکلی برای مردم پیش می آمد، انتو رفع آن را از انو می خواست و این خواهش همیشه انجام می شد.

اودیپ

پسر لایوس و ژاکاست بود ولی چوپانی او را بزرگ کرد و همان طور که قبلاً پیشگویی شده بود،



لایوس به دست او، به طور ناشناس کشته شد. وقتی به «تبت» که سرزمین پدرش بود رسید، اسفنکس را کشت و با مادر خود درآمیخت و بعد خود را کور کرد و مرد.

اودین

معمول شد.

اورفه

پسر یکی از «موزها» به نام «کالیوب» بود. موسیقی می‌دانست و چنگ می‌نواخت. وی با «اوریدیس» ازدواج کرد و چون ماری همسر او را کشت وی به زنان بی‌اعتنا شد و به این سبب روزی زنان زیبای



سرزمین بر او تاختند و او را کشتند.

اوروپ

دختر «آژنور» و «تلفاسا» بود و زئوس عاشق او بود و به صورت گاوی شناگر او را ربود و از دریاها عبور داد و به جزیره کرت رسید و با او درآمیخت و از او دارای سه پسر به نامهای «سیوس»، «ساریدون» و «رادامانت» شد.

اوریتوس

از تیراندازان قهرمان بود و قول داده بود هر کس بر او پیروز شود، دختر خود را به او بدهد. هراکلس او را شکست داد ولی اوریتوس دختر را به او نداد.

خدای خدایان ژرمنها و ایلینگها بود و قدرت او از هر خدای دیگر بیشتر بود.

اودین پسر «پور» و برادر «اوه» و «ژیلی» بود و این سه برادر، غول سرما به نام «ایمیر» را کشتند و سپس جهان را بوجود آوردند و رفته رفته اودین خدای خدایان شد.

اورانوس

تجسم آسمان و برادر «گایا» بود که تجسم زمین بود و بعد گایا زن اورانوس شد و دارای فرزندان به نامهای «تیتان‌ها، تیتیس تیتانیدها، سیکلوپها، هکاتون شیرها و اقیانوس» شدند، اورانوس به دست



کوچکترین پسرش به تحریک گایا کشته شد.

اورست

پسر آگاممنون و «کلی تم نستر» بود و با «پیلاد» پسر «استروفیوس» دوست شد و مادرش را کشت و آپولون او را تبرئه کرد. وی با «هرمیون» ازدواج کرد و پس از ۹۰ سال زندگی مرد و برای او احترامات خدایی

هراکلس، «ایفی ژنی» پسر او را کشت و بعدها نیز خود او را نابود کرد و دخترش را به غنیمت ربود.

به وسیله پسرش «مله آگر» نجات یافت و مله آگر نیز بعداً به دست مادرش نابود شد.

اوربسته

ایزیس

نوه «پرسه» و مردی ضعیف بود و از هراکلس می ترسید و با این وصف هراکلس را به مقام خدایی رسانید ولی در يك میهمانی به خاطر اینکه به هراکلس گوشت کمتر رسیده بود پسران اوربسته را کشت و خود او نیز بعد در جنگ با هراکلس کشته شد.

از بزرگترین خدایان مصر و همسر «اوزیریس» بود و «هوراس» خدای خورشید فرزند او بود. شوهر او به دست «ست» خدای شب کشته شد و جسد او را آب برد و ایزیس بعد از مشقات زیاد سرانجام جسد او را یافت.

اقیانوس

اتاک

پسر «اورانوس» و «گایا» بود و قسمت عمده دنیا متعلق به او بود. اقیانوس خداوند دریاها و نهرها، با خواهر خود «ته تیس» ازدواج کرد و فرزندان آنها چشمه ها و آبریزها را بوجود آوردند. نام دریاهاى بزرگ را بعدها اقیانوس گذاشتند.

فرزند ژئوس و اژین و فرمانروای سرزمین مورچگان بود که ژئوس مورچه ها را به انسان مبدل کرد. وی پدر «بهله» بود و چون اتاک مورد توجه ژئوس بود، مردم او را برای شفاعت انتخاب می کردند. اتاک مأمور قضاوت بعد از مرگ بود.

اولیس

ایفی ژنی

از بزرگترین قهرمانان اساطیر است. پسر «لانرت» و «آنتیکله» بود و با «پنه لویه» ازدواج کرد. در جنگ تروا، وی فرمانده سپاهیانى بود که در شکم اسب چوبی پنهان بودند. وی بعدها به کمک پسر خود «تلماک» همه مخالفان خود را کشت و به دست پسر دیگرش کشته شد.

دختر آگاممنون و «کلی تم نستر» بود. قرار بود



ایفی ژنی قربانی خدایان شود ولی به کمک

اونه

اولین کسی بود که به وسیله «دیونیزوس» از شراب سازی مطلع شد. وی با «آلته» ازدواج کرد ولی به علت اهانت به «آرته میس» مورد خشم او واقع شد و

تاکستانها و شراب و فرزند «زنوس» و «سمله» بود. «هرا» به او حسادت می کرد ولی زنوس او را نجات داد و او را به صورت بزغاله ای درآورد. باکوس دارای قدرتی بود که هر که را مایل بود دیوانه می کرد.

بریزئیس

او را «هیبودامی» نیز می نامند. بعدها زن «مینه» شد و آشیل شوهرش را کشت زیرا خود، بریزئیس را دوست داشت و سرانجام نیز با او ازدواج کرد. آگاممنون نیز مورد توجه او بود. وی تنها زنی بود که در مراسم تشییع جنازه آشیل شرکت کرد.

بوزیریس

از خدایان مصری و از سلاطین آن کشور بود. پدرش «پوزنیدون» نام داشت. مردی ستمکار و خونریز بود و هر سال يك بیگانه را قربانی می کرد. يك سال هراکلس به چنگ او افتاد ولی قبل از قربانی، هراکلس بندهای خود را پاره کرد و او را کشت.

پاتروکل

از دوستان آشیل و پسر منوتیوس و از قهرمانان معروف بود. در جنگ تروا وی پیروز بود ولی چون به دستور آپولون اعتناء نکرد، هکتور به کمک آپولون او را در میدان جنگ کشت و بعد آشیل با کشتن هکتور انتقام پاتروکل را گرفت.

پاریس

پسر پریام و «هکوب» و عامل اصلی ایجاد جنگ

«آرتهمیس» که او را دوست داشت نجات یافت. ایفی ژنی برادری به نام اورست داشت و بعدها نیز با «آشیل» قهرمان معروف ازدواج کرد.

ایفیکلس

پسر آمفی تریون و آلکمن بود و برادر انسانی هراکلس محسوب می شد. گرچه دلاور بود ولی بیای هراکلس نمی رسید مع هذا در همه جنگها همراه برادر خود بود. در جنگ با پسران «هی پوکون» زخمی شد و بر اثر آن زخم درگذشت.

ایلوس

بانی شهر تروا و پسر تروس بود. به راهنمایی ماده گاوی که مشاور او بود در تپه های «آته» که گاوی ایستاده بود شهر تروا را ساخت و سپس برای مجسمه «پالادیون» که از آسمان به وسط شهر افتاده بوده معبدی ساخت. ایلوس جد پریام و «انه» بود.

باکوس

که نام دیگرش «دیونیزوس» بود رب النوع



انسان و نیمی گوسفند بود و روی پیشانی او دو شاخ وجود داشت. او را پسر زئوس می‌دانند. در دویدن



مهارتی عجیب و در کوهنوردی تخصص داشت و يك چوبدست شبانی و يك تاج از کاج و يك نی علامت او بود.

پاله‌نه

دختر سیتون پادشاه کرسونز و آنکیه بود و زیبایی عجیبی داشت. پدرش او را به جوانی شوهر می‌داد که در جنگ تن بتن بر خواستگار دیگر پیروز شود ولی پاله‌نه عاشق کلیتوس شد و با قتل ناجوانمردانه خواستگار دیگر به نام «دریاس»، پاله‌نه با کلیتوس ازدواج کرد.

پان‌کو

به نظر چینی‌ها اولین بشر روی زمین و خالق زمین و آسمان است که ۱۸ هزار سال برای خلق جهان کار کرد. از نفس خود باد، از صدای خود رعد، از رگهای بدنش رودها، از گوشت خود زمین، از موی خود سبزه‌ها و از استخوان خود فلزات جهان را بوجود آورد.



تروا بود. وی هلن را دزدید و همسر خود کرد و به‌خاطر این عمل جنگ درگرفت و تروا ویران شد. چون «هرا» همسر زئوس مورد بی‌اعتنایی او بود، به تحريك هرا، «فیلوکتت» او را کشت.

پالادیون

مجسمه‌ای است که توسط «آتنا» ساخته شده و در کنار زئوس قرار گرفت تا زئوس آن را از فراز المپ پایین انداخت و مجسمه در محلی فرود آمد که «ایلیوس» بنای شهر تروا را می‌ساخت و مردم تروا آن را هدیه المپ دانستند و معتقد بودند به نیروی آن، یونانیان بر تروا پیروز نخواهند شد.

پالامد

پسر نوبلیوس و کلیمنه بود و سبب رسوایی اولیس شد که برای عدم شرکت در جنگ تروا خود را به دیوانگی زده بود و اولیس نیز یونانیان را که پالامه بارها به آنان خدمت کرده بود، علیه او شورانید و او را کشتند و نوبلیوس نیز انتقام فرزند خود را گرفت.

پان

خداوند گله‌ها و چوپانان بود که نیمی از بدنش

پرومته

بسر ژاپت و یکی از «تایتان»ها بود. او را خیرخواه و دوستدار بشر در میان خدایان دانسته‌اند و لذا



خدایان بر او خشم گرفتند و به دستور ژئوس او را به زنجیر کشیدند و در کوه‌های قفقاز حبس کردند و عقابی هر روز جگر او را می‌خورد تا توسط هراکلس از بند نجات یافت.

په‌له

برادر «تلامون» و پدر «آشیل» بود و پدرش «آتاک» نام داشت. بعدها با «آنتی‌گون» ازدواج کرد و چون په‌له عاشق زن دیگری شد، آنتی‌گون خودکشی کرد و په‌له با ته‌تیس ازدواج کرد و وقتی آشیل پسر او در جنگ تروا کشته شد، به نزد پسر او «نئوپتولم» رفت.

پلوتون

نام دیگرش هادس بود. فرزند کروئوس و «رئا» محسوب می‌شد. او را خدای ارواح و دنیای زیرزمین می‌دانند. وی عاشق پرسه‌فون دختر دمتر و ژئوس شد و سرانجام با نیرنگ با او ازدواج کرد ولی از او

پانتوس

یکی از برجستگان معبد دلف بود که او را مأمور مشاورت پریام پادشاه تروا کرده بودند و خود او نیز از مردم شهر تروا بود. پانتوس که همه پیشگوییهای او درست از آب درمی‌آمد، در جریان تصرف تروا به دست یونانیان کشته شد.

پرسه‌فونه

دختر «ژئوس» و «دمتر» و مورد علاقه «هادس» خداوند ارواح بود که او را دزدید و به پرسه‌فونه انار خوراند تا قادر به بازگشت به آسمان نباشد و سرانجام «دمتر» که مایل به ازدواج پرسه‌فونه و هادس نبود قرار گذاشت قسمتی از سال، دخترش نزد او باشد.

پرسه

فرزند «دانائ» و نوه «آکریزیوس» بود که پیشگویی شده بود به دست پرسه کشته خواهد شد و به این سبب در کودکی به دستور پدر بزرگ به دریا انداخته شد ولی نجات یافت و بعدها در یک مسابقه، آکریزیوس توسط دیسکی که پرسه پرتاب کرده بود به قتل رسید.

پریام

یکی از پادشاهان بزرگ تروا بود که پدرش «لانومدون» محسوب می‌شد و بعدها با هکوب ازدواج کرد و پسرانی چون هکتور و پاریس یافت. در اوقات پیری او بود که یونانیان به تروا حمله بردند، پسرانش را کشتند و «نئوپتولم» سرانجام او را کشت.

۲۰ سال دوری از اولیس به او خیانت نکرد ولی چون خواستگاران او را راحت نمی گذاشتند، روزی اولیس بازگشت و به طور ناشناس همه خواستگاران را از میدان بدر کرد و خود را به همسر خویش شناسانید.

پوزئیدون

از پسران کروئوس و «رئا» بود و ربّ النوع چشمه‌ها و رودخانه‌ها و دریاها شد. او يك چنگال سه شاخه در دست داشت که به وسیله آن توانست



دریاها را خشک کند. وی بعدها با «آمفی تریت» ازدواج کرد و «دمتر» نیز که دختر زیبایی بود معشوقه او بود.

پولی نیس

فرزند اودیپ و ژوکاست بود. ژوکاست مادر اودیپ بود که چون عمل حرام پدر خود را مسخره کرد، اودیپ بر او نفرین کرد که به دست برادرش «اتئوکل» کشته خواهد شد و سرانجام نیز در جریان جنگ معروف «۷ فرمانده» هر دو برادر به دست هم کشته شدند.



صاحب فرزندی نشد. انسانها حق بردن نام هادس را نداشتند زیرا فوراً می مردند.

په لیا س

فرزند نامشروع «پوزئیدون» و «تیرو» و برادر دوقلوی «نه‌له» بود. وقتی بزرگ شد، یکی از مخالفان مادر خود را که «سیدرو» نام داشت به قتل رسانید ولی بعدها به دست برادرزاده خود «ژازون» کشته شد و به افتخار او در میان قهرمانان مسابقه‌های ورزشی گذاشتند.

پنه لوپه

دختر ایکاروس و همسر «اولیس» بود که در مدت



پومون

تهزه

از الهه‌های رومی است که مراقبت از میوه‌ها به‌عهده او بود و جنگل مقدسی به‌نام «پومونال» داشت و کشیش مخصوص مأمور اجرای مراسم مذهبی برای او بود. وی با «ورتومون» که ربّ النوع فصول و حاصلخیزی زمین و مزارع بود ازدواج کرد.

تانتال

پسر زئوس و پلوتونود بود و چون اسرار خدایان المپ را برای انسانها فاش کرده بود، به خشم خدایان گرفتار شد و در کوه «سی‌بیل» زندانش کردند و تخته‌سنگ بزرگی به روی او گذاشتند. وی با «دیونه» ازدواج کرد. او پدر بزرگ «آگامنون» بود.

تانگالوآ

به‌نظر اقوام «پولی‌نزی» در اقیانوس کبیر، وی ربّ النوع دریاها و حامی اشراف بود و رب الارباب یا خدای خدایان پولی‌نزی‌ها محسوب می‌شد. هر سال یک‌بار مردم پولی‌نزی برای تانگالوآ مراسم قربانی برپا می‌کردند تا از او خیر و برکت بیشتر نصیب خود کنند.

ته‌تیس

دختر «اورانوس» و «گایا» و خدای بزرگ دریاها بود که با اقیانوس برادر خود ازدواج کرد و فرزندان بسیار از او پیدا کرد که این فرزندان همان رودخانه‌های جهان هستند. بعدها بین ته‌تیس و اقیانوس اختلافی روی داد که با وساطت «هرا» رفع کدورت شد.

فرزند «اژه» و «آترا» بود و پدر بزرگ او «پیته» نام داشته که پادشاه «ترزن» بود. تهزه بعدها در يك مجلس جشن به‌وسیله شمشیری که پدرش برای او گذاشته بود شناخته شد و از مرگ نجات یافت و پس از ماجراهای فراوانی که برای او پیش آمد به‌دست «لیکومه» کشته شد.

ته‌لامون

برادر پهل بود و پس از بزرگ شدن، برادر دیگر خود فوکوس را کشتند. بعدها با «گلوسه» دختر سیکره ازدواج کرد و پادشاه شد و چون گلوسه درگذشت با «پری‌یونا» ازدواج کرد و «آزاکس» را از او پیدا کرد. ته‌لامون از دوستان هراکلس بود.

ته‌لف

فرزند «هراکلس» و «اوزه» بود که او را بر سر راه گذاشتند و توسط «کورتیوس» پادشاه «تره» بزرگ شد و به پدرخوانده خود کمکهای فراوان کرد. وی در يك جنگ به‌دست آشیل مجروح شد و توسط خود او نیز بهبودی یافت و سرانجام نیز در اواخر جنگ تروا درگذشت.

تلماک

پسر اولیس و پنه‌لویه بود ولی توسط «منتور» از دوستان اولیس بزرگ شد و پس از رسیدن به حد رشد به جستجوی پدرش رفت و گرچه او را پیدا کرد ولی چون اولیس به‌دست الهه‌ها اسیر بود کاری نتوانست بکند تا بعدها پدرش خود آزاد شد. تلماک در جریان

يك جنگ به دست «سرين ها» كشته شد.

كرد.

ته میس

تین دار

از تایتانها و دختر اورانوس و گایا بود و او را رب النوع قانون و تجسم عدالت دانسته اند. وی بعد از «ته تیس» دومین زن زئوس بود و سمت مشاورت زئوس را داشت و در پیشگویی بی رقیب بود و معلم آپولون در پیشگویی محسوب می شد.

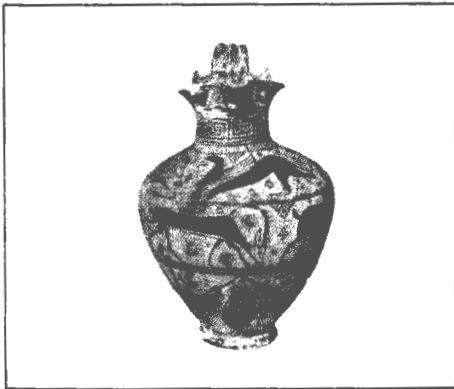
پسر «اوبالوس» و «باتیا» بود. با «لدا» دختر تس تیوس پادشاه کالیدون ازدواج کرد. «هلن» زیبا که عامل اصلی جنگ تروا بود فرزند آنان بود و دو تن از پسران او «کاستور» و «پلوکس» نیز به مقام خدایی رسیدند. تین دار از قهرمانان مورد علاقه اسپارت بود.

تی ده

داردانوس

پسر «اونه» و «پری یونا» بود و از سرداران جنگ «۷ فرمانده» بود و نیز در جنگ «تب» که سرداران بسیاری در آن شرکت داشتند حضور داشت و بسیاری از آنان را کشت که یکی از آنان «ایسمن» دختر اودیپ بود و خود او نیز در پایان کشته شد.

فرزند الکترا و زئوس بود. بعد از مرگ برادر خود «یازون» که در جریان توفان مرد، وارد سرزمین آسیا



تیره زیاس

پسر «اورس» و کاریکلو و از ماهرترین پیشگویان یونانی بود. وی ابتدا مرد بود ولی چون مار ماده ای را در حال جفت گیری با مار نری کشت، مار نر او را به زنی مبدل کرد و ۷ سال بعد دوباره مرد شد. قدرت پیشگویی به فرزندان او نیز رسید.

شد و دختر پادشاه آن سرزمین را گرفت و پس از مرگ پدرزن خویش پادشاه شد و نام آنجا را داردانیا گذاشت. وی بعدها اسرار خدایان را به مردم تروا آموخت.

تیفون

دافنیس

کوچکترین فرزند گایا (زمین) و تارتار بود. وی موجودی عظیم الجثه و قدش از کوهها بلندتر بود. وی به تحریک هرا به مقرر خدایان رفت تا زئوس را بترساند و گرچه ابتدا زئوس را مغلوب کرد ولی بعد زئوس بر او پیروز شد و در زیر کوه اتنا او را محبوس

از نیمه خدایان سیسیلی محسوب می شود. وی فرزند هرمس بود و از «نمفها» محسوب می شد.

دختر «اونه» و خواهر «ملئاگر» بود و در ارا به رانی کم نظیر بود. وی بعدها با هراکلس ازدواج کرد و چون بر اثر حسادت اسباب ناراحتی هراکلس را فراهم آورد (که بر اثر سوزش دائمی تن و بدن هراکلس وی ناچار خود را به آتش زد) دژانیر از غصه خودکشی کرد.

دمتر

از دومین دسته خدایان المپ و فرزند «کرونوس» و «رئا» و خواهر زئوس بود. او را رب النوع زمین و کشتزارها می‌دانند. دمتر دختری به نام پرسه فون داشت که هادس خدای ارواح او را دزدید و سرانجام



نیز هادس که برادر دمتر بود با پرسه فون ازدواج کرد.

دیدون

دختری زیبا بود. پدرش موتو پادشاه صور و برادرش پیگمالیون بود که بعدها با عموی خود «سیکاراباس» ازدواج کرد. به علت طمع «پیگمالیون» به طلاهای سیکاراباس، دیدون با شوهر خود به افریقا رفت و کارتاژ را ساخت و بعدها خود را در آتش سوزانید و خودکشی کرد.

بسیار زیبا بود. آواز گرمی داشت و ذوق شعر داشت. گرچه عاشق الهه‌ای به نام نومیا شد وی چون به او خیانت کرد، «نومیا» او را کور کرد و دافنیس زیبا از غصه هلاک شد.

دانائوس

فرزند بلوس بود و قدرت جنسی فراوان داشت. برادرش «اژیپتوس» ۵۰ پسر داشت که خواستگار دختران او بودند ولی شب عروسی ۴۹ دختر او سر ۴۹ شوهر خود را بریدند جز یکی از آنان که بعدها، هم او بود که دانائوس و ۴۹ دختر دیگرش را به قتل رسانید.

ددال

در معماری و حجاری بی نظیر بود و خواهرزاده اش تالوس شاگرد او بود که بعدها بر استاد برتری گرفت. ددال بعدها بر اثر مخالفت مینوس پادشاه کرت زندانی شد و به کمک بالهایی که برای خود ساخته بود گریخت و در سیسیل ساختمانهای بزرگ برپا کرد.

درستو

یکی از رب النوعهای سوریه بود که نیمه بالای بدن او انسان و نیمه دیگرش ماهی بود. عاشق چوپانسی از مردم شام شد و از ازدواج با او «سمیرامیس» ملکه مشهور بابل متولد شد. کمی بعد، درستو شوهر خود را کشت و فرزندش را سر راه گذاشت و به اعماق دریا رفت.

دژانیر

دیفونتس

از «هراکلیدها» بود. بعد از ازدواج با «هیرنتو» دختر تمنوس، وقتی تمنوس در توطئه‌ای توسط پسران خودش کشته شد، به سلطنت رسید ولی پسران تمنوس سلطنت را از او گرفتند. دیفونتس بعد از قتل چند تن از آنان، خود نیز به قتل رسید.

دیومد

فرزند «تیده» و از قهرمانان جنگ تروا بود و همکار اولیس محسوب می‌شد. در جریان جنگ تروا، نادانسته آفرودیت را زخمی کرد و آفرودیت تحریک کرد تا «اژیاله» همسر دیومد به او خیانت کرد و دیومد بعدها هنگام فرار به دست «دنوس» کشته شد.

رئا

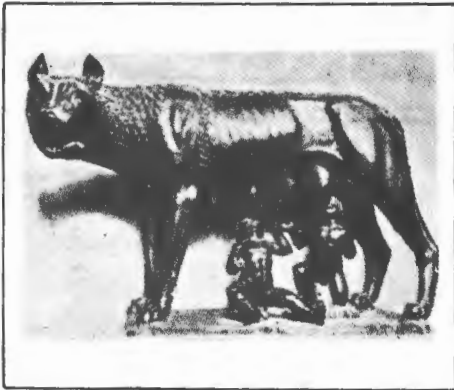
دختر اورانوس و گایا و از «تیتانیدها» بود. وی با برادر خود کروئوس ازدواج کرد و در حکومت زمین و آسمان او را با خود شریک کرد. ژئوس، هستیا، دمتر، هرا، هادس، پوزیدون و نوس فرزندان رئا و گایا بودند.

راتومه‌نا

قهرمان ارابه‌رانی بود که در جریان ارابه‌رانی «تادکن» شرکت کرد. تادکن پادشاه روم دستور داد تا ارابه‌ای از گل پخته درست کنند ولی این ارابه بقدری بزرگ بود که کسی قادر به راندن آن نبود تا راتومه‌نا آن را راند و گرچه خود او کشته شد ولی ارابه تا معبد ژوپیتر پیش رفت.

رموس

برادر دوقلوی رمولوس و پسر «رئاسیلویا» بود. به کمک برادر خود بر فراز ۷ تپه خارج شهر امروزی «رم» به نام کاپیتول، شهر رم را ساخت که نام آن از نام خود او گرفته شد. رموس و رمولوس هنگامی که شیرخوار



بودند توسط ماده‌گرگی بزرگ شدند. رموس به دست برادر کشته شد.

رمولوس

برادر دوقلوی رموس بود که بعدها وقتی به کمک او شهر رم را ساختند، از اینکه نام برادرش بر شهر تازه‌ساز گذاشته شده است دچار حسادت شد و برادرش رموس را با شمشیر کشت و سپس پشیمان شد و برای برادر آرامگاهی بسیار باشکوه برپا کرد.

رونگو

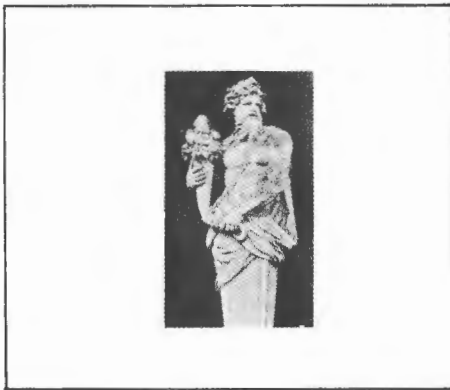
یکی از محترم‌ترین و پرپرستش‌ترین خدایان اهالی پولی‌نزی (جزایری در اقیانوس آرام) بود و بعد از «تانگالوا» رب الارباب محسوب می‌شد. رونگو خدای کشت و زرع و کشاورزی و جنگلها بود و

اساطیر

پسر «اوزون» پادشاه یوکلووس بود ولی بعد از استعفای پدرش، عمویش «پهلیس» به سلطنت رسید. ژازون طبابت و هندسه و جنگ را از «کیرون» فرا گرفت و با «مده» و سپس با گلوسه ازدواج کرد و بعد از قتل پهلیاس توسط «مده»، ژازون به سلطنت رسید.

ژوپیتر

خدای خدایان رومی بود و مقامی چون ژئوس نزد یونانیان داشت و در سلطنت جهان با «ژونون» و «مینروا» شریک بود ولی تنها برای او معبد ساخته



بودند. در زمان حکومت جمهوری در روم، کنسولها خود را وابسته به او می دانستند. معبد ژوپیتر بزرگترین معابد بود.

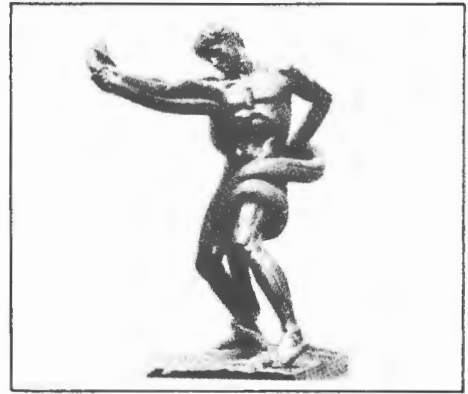
ژوکاست

از مردم تب و همسر لایوس و مادر اودیپ بود و طبق پیش بینی اودیپ، لایوس را به قتل رسانید و خود او به تب آمد و با مادر خویش ژوکاست به طور ناشناس ازدواج کرد و بعدها که متوجه اشتباه خود شد از غصه خود را به دار آویخت و خودکشی کرد.

مجسمه او بیشتر از چوب و منابع جنگلی ساخته می شد.

زیگفرید

پسر زیگموند و «زیگ لیند» و قهرمان قهرمانان نژاد ژرمن است. بعد از مرگ زیگموند، زیگفرید توسط آهنگری به نام «مایم» بزرگ شد و بعد از قتل ازدهای محافظ گنجهای «نیبلونگ» با خون او حمام کرد و روئین تن شد جز نقطه ای از بدنش که برگی



به روی آن افتاد و عادی باقی ماند و سرانجام از همان جا به قتل رسید.

ژئوس

بزرگترین رب النوع و خدای آسمان و روشنایی و صاعقه بود. پدرش کروئوس و مادرش رئا بود. وی مدت ده سال با مخالفان خود جنگید و پیروز شد و سلطنت جهان را یافت. وی با ته میس ازدواج کرد و نیز با «هرا» درآمیخت و جز این دو، زنان دیگری نیز داشت.

ژازون

ژونون

وسایل کشاورزی بود و اختراع داس را منسوب به او می‌دانند.

یکی از خدایان مورد احترام رومیان بود و از حیث احترام و اهمیت در ردیف «ژوپیتر» و «مینروا» قرار داشت. ژونون دارای وظیفه مراقبت از اطفال بود و تعدادشان را به والدین آنها خبر می‌داد. وسیله خبر دادن او غازها بودند. «مارس» پسر ژونون بود.

سانتورها

موجودات عجیبی بودند با بدنی نیمه‌انسان و نیمه‌اسب که وحشی بودند. فقط دو تن از آنان به نام

ژئان‌ها

از فرزندان اورانوس بودند که از ریختن قطرات خون اورانوس بوجود آمدند. موجوداتی بسیار قوی بودند که کوهها را می‌کنند و به سوی خدایان پرتاب می‌کردند و دایم میان ژئان‌ها و خدایان جنگ بود. ژئوس و آتنا و هراکلس و آپولون و آرس از جمله این خدایان بودند.



ساتورن

«کیرون» و «فولوس» مانند انسان‌ها بودند. در جنگ هرکول با سانتورها، کیرون که عمر جاودانی داشت زخمی شد و عمر جاودانی خود را به پرومته بخشید و مرد.

از خدایان قدیمی رومیان بود که او را همردیف کرونوس یونانیان می‌دانند. ساتورن بعدها توسط ژوپیتر از سلطنت بر آسمان خلع شد و به زمین تبعید

سرکوپ‌ها

دو برادر غول‌پیکر بودند از فرزندان «تیا» دختر اقیانوس که روزگار را به دزدی می‌گذراندند و چون اموال هراکلس را ربودند هرکول آن‌دو را اسیر کرد و بعد به سبب شوخی‌هایی که می‌کردند آزادشان کرد و چون باز دزدی کردند هراکلس آنها را به صورت میمون درآورد و به جزایر پرتاب کرد.



سه‌فال

مردی زیبا که مورد علاقه «آورور» یکی از الهه‌ها

شد و در کاپیتول مستقر گردید. ساتورن مخترع

سیرسه

افسونگر و جادوگری زبردست در جزیره‌ای در ایتالیا بود که عده‌ای از همراهان و دوستان اولیس را به حیوانات مبدل کرد تا خود اولیس به کمک هرمس به جنگ او رفت و بر او پیروز شد ولی چون بسیار زیبا بود «اولیس» عاشق او شد و با او ازدواج کرد و دارای فرزندان زیادی از او شد.

سی رن

دختر «هیپسه» و یکی از الهه‌ها بود و مأموریت محافظت گوسفندان پدر را در جنگ‌ها داشت. نیروی زیادی داشت و روزی با دست خالی شیری را کشت و آپولون عاشق او شد و با او درآمیخت و از این آمیزش «آریسته» بوجود آمد.

سی نون

پسر «ازی موس» دایی اولیس بود که از قهرمانان جنگ‌های تروا محسوب می‌شد و عامل اصلی انتقال اسب چوبی تروا به داخل شهر او بود که خود را فراری از ارتش یونان معرفی کرد و پریام پادشاه تروا را فریب داد و اولین سردار فاتح بود که بر شهر تروا پیروز شد.

شن - نونگ

از اساطیر معروف و مورد احترام ملت چین است. او را دومین خاقان بزرگ چین می‌دانند که جانشین «فو-شی» شد. او را مروج کشاورزی، بازرگانی و استفاده از گیاهان در معالجات و بسیاری از رسوم سودمند اجتماعی می‌دانند.

شد ولی الهه دیگری به نام «پروکریس» نیز عاشق او بود و سگی به او داد که قدرت عجیبی در شکار داشت، ولی روزی در جریان شکار نادانسته همسر خود پراکریس را کشت و محکوم به تبعید جاودانی شد و در تبعید با زن دیگری ازدواج کرد.

سکروپس

موجودی بود که از کمر به بالا انسان و از کمر به پایین مار بود و اولین پادشاه آتیک محسوب می‌شد. در ماجرای اختلاف میان آتنا با پوزئیدون، وی به‌عنوان داور از طرف ژئوس انتخاب شد و رأی به‌جانب آتنا داد ولی پوزئیدون سرزمین او را غرق کرد.

سمیرامیس

دختر رب‌النوعی به نام «درستو» بود که بعد از تولد، او را بر سر راه گذاشت ولی در دربار سلطنتی بزرگ شد و به سبب زیبایی عجیبی که داشت نینوس پادشاه بابل خواستار او شد و سپس خود او ملکه بابل شد. او را بزرگترین زنان و یکی از باهوش‌ترین، مغرورترین و هنرمندترین ملکه‌ها و پادشاهان دانسته‌اند.

سی بل

خدای بزرگ «فریژی‌ها» بود و او را مادر خدایان می‌دانند و چون می‌پنداشتند که او خود از خوشگذرانی محروم بوده، در جشنهایی که به‌یاد سی بل برپا می‌شد، عیش و خوشگذرانی به حد افراط می‌رسید و همه این کارها را برای خشنودی و رضایت خاطر «سی بل» انجام می‌دادند.

شو - ين

فوستولوس

کسی بود که رموس و رمولوس را بعد از شیر خوردن از ماده گرگ پرورش داد و بعدها وقتی میان رموس و رمولوس، جنگ درگرفت، فوستولوس که قصد میانجیگری داشت کشته شد و دو برادر برای او مقبره‌ای درست کردند که پرستشگاه رومیان شد.

فو - شی

یکی از ۵ خاقان اساطیری چین باستان و اولین آنهاست که سلطنت را بوجود آورد و به عقیده چینی‌ها او زمین و آدم را آفرید و خود اولین سلطان جهان و چین شد. ماهیگیری، جفت‌گیری زن و مرد، موسیقی، نقاشی و دامداری را او به مردم آموخت.

فیلوکتت

کماندار هراکلس بود و در تیراندازی کم‌رقیب بود. همراه با یونانیان در جنگ تروا شرکت جست، اما ماری پای او را گزید و تا موقعی که یونانیان دنبال او نیامدند در جنگ شرکت نکرد. وی تعداد زیادی از قهرمانان تروا منجمله پاریس پسر پریام را به قتل رسانید.

کابیرها

از خدایان ناشناخته و اسرارآمیز بودند و بیشتر در ساموتراس ساکن بودند و «هفائیس‌توس» را موجد آنان می‌دانند زیرا هفائیس‌توس با «کابیر» ازدواج کرد و پسری به نام کارمیلوس پیدا کرد که کابیرها فرزندان او بودند. آنها را خدایان بزرگ می‌نامند.

پنجمین و آخرین خاقان از ۶ فرمانروای اولیه چین است که مانند چهار خاقان دیگر مقام نیمه‌خدایی دارد و قهرمان حوصله و صبر بود. وی مخترع اوزان و مقیاسات بود و اولین کسی بود که توانست «سد» بسازد و به این ترتیب جلوی طغیانهای رود «هوانگهو» را بگیرد.

شی - هوانگ - تی

سومین خاقان اساطیری چینی‌ها بود و بعد از شن-نونگ به سلطنت رسید. جنگ‌جوترین و دلیرترین خاقانهای پنجگانه چین است. به تاریخ علاقه زیاد داشت و ستاره‌شناسی را رواج داد و اراضی را تقسیم کرد و عمارات آجری ساخت.

فدر

دختر مینوس و پازیفه و خواهر «آریان» و همسر «تزه» قهرمان آتن بود. بعدها عاشق «هیپولیت» پسر زیبای شوهر خود تزه شد و چون هیپولیت بر اثر توطئه فدر توسط «پوزیدون» کشته شد، فدر نیز از غم مرگ او خودکشی کرد.

فلور

رب النوع گله‌ها و گیاهان بود و رومیان او را بسیار محترم می‌داشتند و ماه آوریل را به‌نام او موسوم کردند. فلور به «ژونون» گلی داد که با هر زنی که می‌آمیخت از او باردار می‌شد. یکی از فرزندان او «مارس» بود که بعدها رومیان ماه مارس را به‌نام او موسوم کردند.



جنگی به آگاممنون تعلق گرفت و با او ازدواج کرد.

کانی‌س

ماهرترین غیبگوی زمان و پسر «تستور» و نوهٔ آپولون بود. ساختن اسب چوبی را به یونانیان برای پیروزی در جنگ تروا او آموخت. وی در برخورد با یک پیشگوی دیگر به نام «موپسوس» که بر او برتری داشت از غصهٔ دانش بیشتر او مرد.

کاکوس

خداوند آتش و یکی از قهرمانان مردم روم است و او را پسر «ولکان» می‌دانند. سه سر داشت و از دهانهای آتش می‌ریخت. وقتی گاوهای هراکلس را دزدید، هراکلس برای پس گرفتن گاوهای خود با او جنگید و او را کشت و مردم را از شر او راحت کرد.

کاکولوس

وی از یک جرقهٔ آتش که بر شکم خواهر دو برادر به نام «دیدها» افتاد متولد شد و توسط چوپانان بزرگ شد. بعدها معلوم شد «ولکان» خدای آتش پدر اوست.

کارموس

فرزند «آژنور» و «تلفاسا» بود و مردم تراس به او احترام می‌گذاشتند. وی موجد شهر تب بود و در راه آتنا قربانی‌های زیاد کرد و به سلطنت تب رسید. بعدها به دستور زنوس با «هارمونی» دختر آفرودیت و آرس ازدواج کرد و فرزندان یافت.

کارنا

التهای ساکن سرزمین قدیم روم بود و هرگز دوشیزگی خود را ازدست نداد. در جنگل می‌زیست و خواستگاران خود را فریب می‌داد تا سرانجام «ژانوس» که خدایی دوچهره بود به وصال او رسید و دارای نیرویی شد که می‌توانست بر جادوگران و ساحران پیروز شود و هر جادویی را باطل سازد. وی مأمور محافظت کودکان بود.

کاریت‌ها

سه خواهر از دختران زنوس و از مصاحبین «موزها» بودند و اغلب آپولون را همراهی می‌کردند و به این سبب کلیهٔ امور هنری را به آنها نسبت می‌دهند. کاریت‌ها با آتنا در امور فکری و هنری مشورت می‌کردند و مشاور آفرودیت خداوند عشق نیز بودند.

کاساندرا

فرزند پریام و هکوب و خواهر دوقلوی هلفوس بود که به وسیلهٔ دو مار، قدرت پیشگویی یافت. جنگ تروا و شکست مردم تروا را پیش‌بینی کرد. پس از سقوط تروا به معبدی پناه بود و سپس جزو غنائیم

اطراف کاکولوس را همیشه تعدادی شعله‌های آتش برای محافظت فراگرفته بودند.

کامیل

دختر متابوس پادشاه «پری ورنوم» بود. وقتی خطری جان پدر و دختر را تهدید کرد، متابوس او را وقف «دیان» کرد و بعد او را با نیزه از ساحل رودخانه به ساحل دیگر پرتاب کرد. وی ملکه جنگل شد و بعدها در جریان جنگ با «انه» به قتل رسید.

کرونوس

فرزند اورانوس و گایا بود. در قتل پدرش، با مادر خود همکاری داشت و زندانیان پدرش را که «سیکلوپ‌ها» بودند آزاد ساخت و بعد فرمانروای جهان شد و با خواهر خود رنا ازدواج کرد و فرزندی یافت که ژئوس از آن جمله بود و ژئوس او را اسیر و زندانی ساخت.

کریزئیس

دختر زیبایی از اهالی تروا بود که اسیر آگاممنون شد و آپولون برای نجات او طاعونی به یونانیان فرستاد ولی بعدها با آگاممنون ازدواج کرد و دو فرزند به نام ایفی ژنی و کزیوس پیدا کرد. نام پدر کریزئیس نیز «کریزئیس» بود و جزء روحانیون آپولون بود.

کرون

برادر زن لایوس پادشاه کشور تب بود و به سلطنت آن شهر رسید و گرچه پسر لایوس به نام «اودیپ» مدتی سلطنت تب را داشت ولی دوباره خود



کرون به سلطنت رسید. وی پسر خود را در راه آرس قربانی کرد و در جنگ ۷ فرمانده شرکت داشت.

کلی تم نستیر

فرزند «تیندار» و «لدا» و خواهر هلن بود. آگاممنون شوهر او «تی یست» را کشت و با او ازدواج کرد و چون آگاممنون به او خیانت کرد او نیز به آگاممنون خیانت کرد و بعد نیز او را کشت و ۷ سال بعد «اورست» پسر آگاممنون انتقام او را گرفت.

کوپیدون

خدای عشق در روم قدیم بود و رومیان او را به صورت فرشته‌ای کوچک مجسم می‌کردند که همیشه تیر و کمانی به دست دارد و هرکس تیر او را بخورد عاشق می‌شود. کوپیدون یا خدای عشق در میان یونانیان نیز محترم بود ولی او را «اروس» می‌نامیدند.

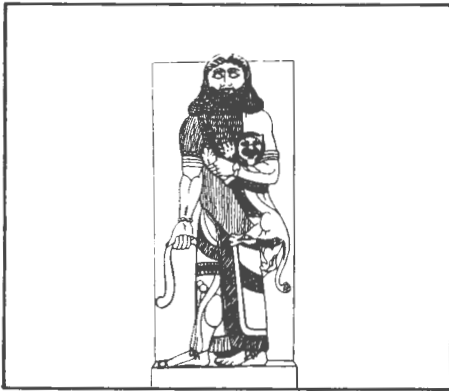
کورسیوس

جوانی قهرمان بود. وقتی در رم گودالی بوجود آمد

دختران دو خدای دریایی بودند که «مدوز» نام داشت. ابتدا بسیار زیبا بود ولی وقتی با پوزیدون همبستر شد، آتنا او را به صورت زشتی درآورد. گورگون‌ها سه نفر بودند و فناپذیر بودند درحالی که «مدوز» فناپذیر بود و سرانجام نیز به دست «پرسه» کشته شد.

گیلگمش

از پهلوانان اساطیری ملت آشور بود که قدرتی برابر با قدرت هرکول رومیان و زیگفرید آلمانها



داشت. بسیار مهربان بود ولی اگر خشم می گرفت آسمان را به زمین می کشید. گیلگمش که می توانست با يك پنجه خود شیری را خفه کند در يك توطئه ناجوانمردانه کشته شد.

لاتینوس

او را پسر اولیس و گاه پسر فونوس می دانند و خدای قوم لاتین بود. در جریان جنگ با «انه» و مردم تروا، ناگهان با او صلح کرد و دختر خود «لاوینیا» را به ازدواج او درآورد ولی بعدها دوباره با «انه» به جنگ پرداخت و در اواسط جنگ ناپدید شد و به آسمان

که هر چه در آن می ریختند بر نمی شد، خدایان گفتند که مردم باید عزیزترین چیزهای خود را در آن بیندازند و چون عزیزترین چیز مردم جوانان آنها بود، کورسیوس برای نجات سایر جوانان، خود را در آن انداخت و گودال به صورت دریاچه ای درآمد.

کیرون

فرزند کروئوس و فیلیرا بود و در شمار «سانتورها» محسوب می شد و عالی ترین آنها بود. در پزشکی و موسیقی دست داشت و معلم بسیاری از خدایان بود. آشیل را او مداوا کرد و در شمار دوستان هرکول بود و با این وصف در جریان جنگ هرکول با سانتورها به دست او نابود شد.

گالن تیاس

دختر پروتهئوس از مردم تب و دوست صمیمی آلکمنن مادر هراکلس بود و در تولد هراکلس خدمات زیادی کرد، به این نحو که خدایان را فریب داد و خدایان نیز به انتقام این عمل او را مبدل به «راسو» کردند ولی هراکلس بعد از مرگ وی برایش آرامگاه باشکوهی برپا کرد.

گایا

همسر اورانوس بود و سمبل «زمین» محسوب می شد و تیتان‌ها، تیتانیدها، سیکل‌وپ‌ها و هکاتون شیرها فرزندان او هستند و نیز کروئوس فرزند او بود که برای رهایی به مادر خود کمک کرد. خلقت گایا پس از «خلاء» و قبل از خلقت عشق بود.

گورگون‌ها

رفت.

کارگران را نداد به خشم آپولون دچار شد و حتی بعدها مأموران خدایان را به زندان انداخت. هراکلس به او حمله کرد و تمام پسرانش جز پریام را کشت. بعدها پریام به سلطنت رسید.

لاونینیا

دختر لاتینوس بود و در زیبایی صورت و اندام نظیر نداشت. وقتی که میان لاتینوس و «انه» جنگ درگرفت به اشاره هاتفی، قرار شد که صلح با ازدواج لاونینیا و «انه» صورت گیرد و عروس و داماد در قطعه زمینی که در اختیار داشتند به کار پرداختند.

لایوس

از وصلت یکی از تایتان‌ها با دختری از تایتانیدها بوجود آمد. زئوس عاشق او شد و او را باردار کرد ولی هرا همسر زئوس که حسادت می کرد، «ایلی تی» رب النوع زایمان را نزد خود نگهداشت و با این وصف لتو، آپولون و آرتمیس را زاید. وی بسیار مورد احترام بود.

فرزند لادباکوس پادشاه تب بود و پس از اینکه بجای پدرش به سلطنت رسید با ژوکاست ازدواج کرد و «اودیپ» از این «وصلت» بوجود آمد و همان طور که غیبگویان پیش بینی کرده بودند، لایوس به طور ناشناس به دست پسرش اودیپ، در يك نزاع کشته شد.

لائوکون

دختر تستیوس پادشاه اتولی بود و بعدها با «تیندار» ازدواج کرد و «کلی تم نستر» و «هلن» از این ازدواج بوجود آمدند ولی نوشته اند گرچه هلن دختر لدا بود ولی پدر او زئوس بود. به هر حال هلن در خانواده لدا و «تیندار» زندگی کرد و پرورش یافت.

از روحانیون معبد آپولون بود و چون بازنی به نام «آنتیوپه» در جلوی مجسمه خداوند همخوابه شد، به خشم آپولون دچار شد و محکوم شد که با دو فرزندش به دست مارها کشته شود. روزی دو مار بزرگ، به فرمان «آپولون» به فرزندان او حمله کردند و چون لائوکون به یاری فرزندانش شتافت خود او نیز در جریان جنگ کشته شد.

لائومدون

لینسه پسر اژیبتوس که با دختر دانائوس ازدواج کرد و توسط او از مرگ نجات یافت، زیرا لینسه ۴۹ برادر و همسر او «هی پرمستر» ۴۹ خواهر داشتند که همه با هم ازدواج کردند و همه دخترها شوهرهای خود را کشتند و فقط همسر او شوهر خود را نکشت و لینسه نجات یافت و بعدها با پدر زن خود آشتی کرد و مورد احترام قرار گرفت.

پسر ایلوس پادشاه تروا بود و به کمک «اناک» و آپولون دیواری به دور شهر کشید و چون مزد

لوسی پوس

لیرکوس

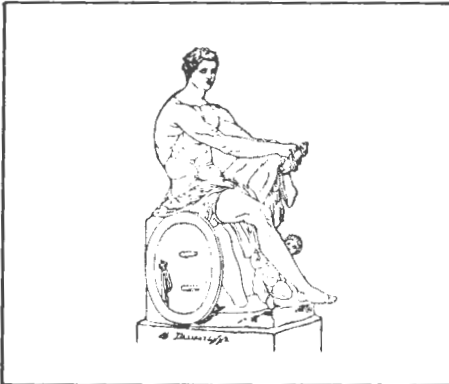
پسر فورونه بود و مأمور جستجوی «یو» که زئوس او را ربوده بود و چون نتوانست او را پیدا کند در بدر شد و در این در بدری با «هیلپی» ازدواج کرد و چون فرزندی نیافت با «همی‌تنا» درامیخت و از این ازدواج که با حقه‌بازی صورت گرفت، فرزندی به‌نام «باسملیوس» بوجود آمد.

لیکورک

از پادشاهان تراس بود و در جنگ بر خدایان بسیاری پیروز شد و خدایان بر او خشم گرفتند و «دیونیزوس» او را به جنون مبتلا ساخت به‌طوری‌که لیکورک همسر و پسر خود را کشت و خود او نیز طبق پیشگویی هاتفی، به‌دست عده‌ای از ملت خود کشته شد.

مارس

خدای جنگ نزد رومیان بود. مادرش ژونون همسر ژوپیتر بود ولی پدرش ژوپیتر نبود بلکه از شاخه گلی که فلور الهه گلها به او داده بود بوجود آمد. مارس و



پسر گزانتیوس و از قویترین خدایان بود. به آفرودیت بی‌اعتنایی کرد و آفرودیت او را عاشق خواهر خودش کرد و لوسی‌پوس با خواهرش همیستر شد ولی گزانتیوس دختر خود را از پای درآورد و لوسی‌پوس به کرت رفت و بعد به آسیا بازگشت و در میله شهری بنا کرد.

لوکوته

از رب‌النوع‌های دریایی بود و ابتدا «اینو» نام داشت و بعد با «آتاماس» ازدواج کرد و فرزندان به‌نام «لئاکوس» و «ملیسرت» بوجود آورد ولی بعد بر اثر خشم هرا، این دو نفر فرزندان خود را کشتند و خود لوکوته نیز خودکشی کرد و خدایان او را رب‌النوع نجات دریانوردان کردند.

لیبی

دختر دیافوس و نوه زئوس و «یو» بود. با پوزئیدون ازدواج کرد و از او فرزندی چون «آزلوز» و «ملوس» یافت که خدایان فنیقی شدند. در روایات مختلف، «اطلس» موجود عظیم‌الجثه و «بوزیریس» حاکم مصر را از فرزندان او نیز دانسته‌اند.

لیتی پرسس

پسر مایداس و قهرمان دروگری بود و عده زیادی را که در مسابقه دروگری با او بازنده شده بودند کشت تا سرانجام هراکلس با او به مسابقه پرداخت و با آواز خوشی که خواند لیتی پرسس در جریان مسابقه به‌خواب رفت و طبق قانون بازنده شد و هراکلس او را کشت و دروگران را از شر او راحت کرد.

ونوس به یکدیگر علاقه و عشق شدید داشتند. رموس و رمولوس بانیان شهر رم فرزندان او بودند.

مارسیاس

یکی از اهالی فریژی بود که با «نی» آتنا که توسط او اختراع شده بود، با جنگ آپولون مسابقه داد و هیچ کدام بر دیگری پیروز نشدند تا آپولون از عصبانیت او را وارونه به درختی آویخت و پوستش را کند و چون از این کار پشیمان شد جنگ خود را شکست و او را به چشمه‌ای مبدل کرد.

ماکائون

پسر «آسکل پیوس» و از عشاق هلن محسوب می شد و در جنگ تروا شرکت داشت و مجروحین را معالجه می کرد. در جریان جنگ، «پارس» بایک ضربه تیر او را مجروح کرد ولی توسط یکی از زنان آشیل معالجه شد و از کسانی بود که داخل اسب چوبی وارد تروا شد.

مایداس

پادشاه فریژی بود و به سبب محبتی که به «سیلن» یکی از سپاهیان «دیونیزوس» که اسیر شده بود کرد قدرتی یافت که به هرچه دست می زد طلا می شد و چون خوراک او نیز طلا شد و از گرسنگی مشرف به مرگ شد، «دیونیزوس» که این کار را کرده بود، قدرت او را گرفت.

مدوز

یکی از سه خواهر موسوم به «گورگن‌ها» بود و

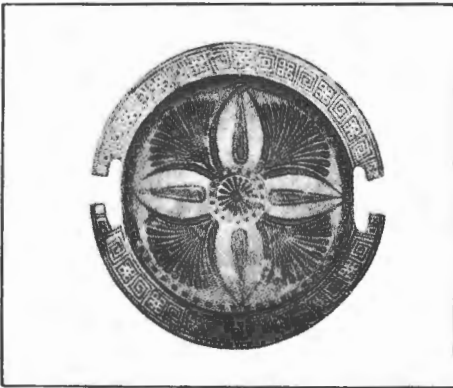
چون به خلاف دو خواهرش فناپذیر بود، به دست «پرسه» کشته شد. وی قدرتی داشت که هرکس به چشمان او نگاه می کرد سنگ می شد و پرسه او را در خواب کشت و سر او را به آتنا داد و او نیز آن را بر سپر خود نصب کرد و از آن پس هر کدام از دشمنان آتنا که به آن سپر می نگرست، سنگ می شد.

مدوس

پسر مده و «اژه» بود. همراه مادر از آتن گریخت و بعد تنها وارد سرزمین عموی خود «پرسس» شد و به دستور او به زندان افتاد. مدتی بعد به سبب قحطی، «مده» به آن سرزمین رفت و شمشیری به مدوس داد تا با آن «پرسس» را کشت و خود پادشاه آن سرزمین شد.

مرکور

خدای بزرگی در روم بود که خدای بازرگانان و حامی مسافرین محسوب می شد و ژوپیترا در کارهایش همراهی می کرد و بالهایی بر پای او وجود داشت که به آسانی و سرعت حرکت می کرد و به این جهت او را «قاصد تندرو» و پیک ژوپیترا نیز دانسته اند.



«لارا» و «اواندر» فرزندان او بودند.

«لیکوس» به تب حمله کرد و کرنون را کشت و چون هراکلس بازگشت، لیکوس را کشت و سپس در یک بحران جنون که عارض هراکلس شده بود مه‌گارا نیز کشته شد.

مده

دختر آنه‌تس بود و روحی مهربان داشت و چون پدرش ظالم بود، او را به زندان انداخت ولی بعد مده از زندان گریخت و با «ژازون» که او را از زندان نجات داده بود ازدواج کرد و بعد که ژازون خواست

ملامپوس

پسر آمی تائون و ایدومنه بود. از کودکی پیشگویی می‌کرد. صدای حیوانات را می‌دانست. وی عاشق دختر پوتوس پادشاه آرگوس شد و با او ازدواج کرد. در جریان ازدواج برادرش «بیاس» با دخترعمویش «پرو»، وی خدمات زیادی به برادر خود کرد.



ملانتوس

یکی از بازماندگان «نه‌له» پادشاه پیلوس بود. در جنگ تن‌بتن میان پادشاه آتن و «گزن‌توس» پادشاه بئوسی‌ها، ملانتوس به کمک پادشاه آتن با گزن‌توس جنگید و به نیرنگ بر او پیروز شد و به همین سبب مردم آتن او را با احترام فراوان به سلطنت برداشتند.

با دختر دیگری ازدواج کند. مده به آسمان رفت و بازنگشت.

مروپه

ملئاگر

پسر اونه و آلتنه و قهرمان شکار محسوب می‌شود. عمر او بسته به سوختن نیمسوزی بود که هنگام تولد او در اجاق بود و مادرش نیمسوز را خاموش کرده در صندوقی گذاشته بود و چون دایی‌های او، به او حسادت کردند و به‌دست او کشته شدند مادرش از خشم نیمسوز را سوزانید و ملئاگر مرد.

دختر «سیب سلوس» از پادشاهان آرکادی بود و با «کرسفون‌تس» ازدواج کرد و بعد از قتل شوهر، با قاتل او «پولی فونتس» ازدواج کرد. بعدها فرزند مروپه و کرسفون‌تس به‌نام «اپیوتس» انتقام خون پدرش را گرفت و خود به سلطنت آرکادی رسید.

مه‌گارا

میمنون

دختر کرنون پادشاه تب است و همسر هراکلس بود و از او فرزندان متعدد یافت. در غیاب هراکلس،

پسر ائوس ربّ النوع صبح کاذب، پسر

به مهربانی رفتار می‌کرد و برای آنها شهرهای مخصوص ساخته بود. او را فاتح ممالک بسیاری از جمله سرزمین گورگونها، مصر، سرزمین اعراب، سوریه و لیبی دانسته‌اند. وی به‌دست موسیوس پادشاه تراس کشته شد.

میسه‌لوس

از «آکه‌ئی»ها بود و شهر «کروتون» را به‌دستور آپولون ساخت و نیز معروفست که هنگامی که او در خواب بود، خدای بزرگ «هراکلس» به خواب او آمد و دستور ساختن شهر کروتون را داد و او نیز بعد از بیداری به ایتالیا رفت و شهر کروتون را در آنجا ساخت.

مینروا

یکی از ۳ خدای کاپیتول در روم بود. همراه با ژوپیتر و ژوتون که معبد مخصوص داشت و روز ۱۹ مارس هر سال روز جشن او بود کارهای معنوی و آموزشی تحت نظارت او انجام می‌شد. مینروا را با «آتنا» خدای یونانی مقایسه کرده‌اند.

مینوتور

مادرش «بازیفه» همسر «مینوس» و پدرش گاوی بود که پوزیدون برای قربانی به مینوس داده بود و به این جهت سرش مثل گاو بود و بدن آدم داشت و خوراک او جوانان آتنی بود تا سرانجام به‌دست «تزه» قهرمان بزرگ اساطیری به قتل رسید و همه راحت شدند.

مینوس

«لاتومدون» و قهرمان جنگ تروا بود که با آژاکس جنگید و مساوی شدند. به سبب قتل «آنتی‌لوگ» که مورد علاقه آشیل بود، بین آشیل و ممنون جنگی اتفاق افتاد که در جریان آن ممنون کشته شد.

منه‌لاس

پسر «یلیستن» و آثروپه و برادر آگامنون و باعث جنگ تروا بود. با هلن ازدواج کرد و پسری به‌نام هرمیون پیدا کرد و چون پاریس پسر پریام پادشاه تروا هلن را ربود، جنگ تروا آغاز شد. وی در پایان عمر به‌وسیله زئوس جاودانی شد و به سرزمین جاودانها رفت.

مورفه

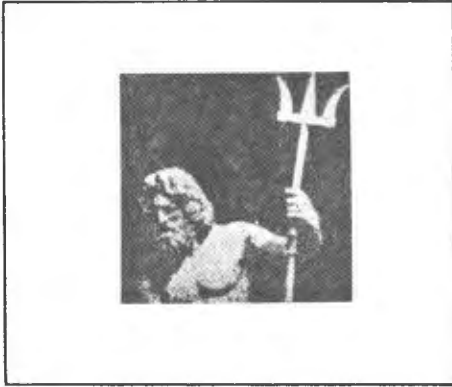
یکی از هزار فرزند هیوس یا «خواب» است که موظف بود به صورت انسان درآمده و در خواب مردم ظاهر شود و مانند همه خدایان خواب، دارای بال بود و بسیار سریع و بی سروصدا در يك لحظه به‌وسیله آن بالها خود را به دورترین نقاط جهان می‌رسانید.

موزها

فرزندان زئوس و «منموزینه» و ۹ دختر به نامهای کالیوب، کلیو، پولیمنی، اتروپ، ترپسیکوره، اراتو، هلیومن، تالی و اورانی بودند که وسیله نادی خدایان المپ را فراهم می‌کردند و هر کدام نماینده و سمبل یکی از علوم و هنرها و فنون بود.

میری‌نا

از ملکه‌های آمازونها و بسیار قوی بود ولی با اسرا



نستور

یکی از ۲ پسر نهله و کلوریس و کوچکترین آنها بود که وقتی هراکلس فرزندان نهله را کشت فقط او معاف شد و پادشاه مسنی شد و بسیار مورد محبت آپولون بود. در ماجرای جنگ تروا به کمک منهلس رفت و ۹۰ کشتی در اختیار او گذاشت ولی پسر خود آنتی لوگ را در جریان آن جنگ از دست داد.

نهله

پسر «تیرو» و پوزئیدون و برادر توأم «پلیاس» بود ولی مادیانی آن دورا بزرگ کرد. بعدها بین دو برادر اختلاف افتاد و نهله به مسنی رفت و شهری بنا کرد و با کلوریس دختر آمفیون ازدواج کرد و صاحب ۱۲ پسر شد که جز یکی بقیه همراه با پدر خود نهله به دست هراکلس کشته شدند.

نهمانوس

همسر «هالکاندروس» پادشاه بیلوس بود. جسد اوزیریس شوهر ایزیس رب النوع مصر در یکی از

پسر ژئوس و اوروپ بود و توسط «آتسریون» پادشاه کرت، پرورش یافت و بعد پادشاه کرت شد. همسر او پازیفه نام داشت که دختر هلیوس بود ولی معشوقه‌های فراوان داشت. مینوس پس از جنگهای فراوان در سیسیل در حالی که به حمام رفته بود کشته شد.

نارسیس

جوانی زیبا بود که می‌بایست صورت خود را نبیند و الا می‌مرد. الهه‌های زیادی عاشق او بودند ولی او به هیچ کدام اعتنایی نداشت، تا خدایان قصد انتقام کردند و روزی که نارسیس از چشمه‌ای آب می‌خورد صورت خود را در آب دید، عاشق خودش شد و سرانجام از غصه این عشق مرد.

نایاداها

دختران اقیانوس و رب النوع چشمه‌ها و رودها بودند و هر کدام در رودخانه‌ای سکنی داشتند که آب تنی در آن ممنوع بود. آبی که نایاداها محافظ آن بودند بسیار پاک و زلال بود و مردم برای شنا از آن استفاده می‌کردند. نایاداها با عمر طولانی خود فناپذیر بودند.

نپتون

از بزرگترین خدایان رومی و خدای آب و دریاهاست که او را با پوزئیدون خدای دریا‌های یونانیان مقایسه می‌کنند. وی جشنی در ۲۳ ژوئیه هر سال داشت که در عین گرما بود. مقر وی در اعماق دریا و اقیانوس بود و یک چنگال سه‌شاخه در دست داشت.

فرزند آشیل و «دیدامی» بود و پیشگویی کرده بودند تا نئوپتولم با یونانیان نباشد در تروا فتح نخواهند کرد. وی از اولین کسانی بود که به انتقام خون پدرش از اسب چوبی وارد تروا شد و بعدها با «هرمیون» و «آندرومارک» ازدواج کرد و سرانجام به دست اورست کشته شد.

وستا

از رب النوع‌های رومی و حامی آتشگاه‌های خانگی بود و دارای معبدی در پالاتن بود. حیوان مقدس او که سمبل او محسوب می‌شد «خر» بود و روز ۱۵ ژوئن هر سال مردم برای یادبود وستا، گُرّه‌خرها را آرایش می‌کردند و سایر خران را از کار معاف می‌داشتند.

ولکان

خداوند آتش بود و مرتب به کار دمیدن آتش مشغول بود. صاعقه را شراره‌های کوره او می‌دانستند



و رموس و رمولوس برای او معبدی ساختند. روز ۲۳ اوت روز جشن او بود و حیوانات زنده را برای شادی او در آتش‌های فراوان می‌سوزاندند.

ستونهای قصر او بود و به کمک نهمانوس، که دلش به حال ایزیس سوخته بود، در تابوت اوزیریس باز شد و به سبب همین کار بر اثر صدای گریه ایزیس، کوچکترین و بزرگترین فرزندان «نهمانوس» مردند.

نوزیکا

دختر «آل سنیوس» پادشاه فئاسین‌ها بود و آتنا از او خواسته بود تا وسایل بازگشت اولیس را به سرزمینش فراهم کند و بعدها که اولیس در جریان سفر خود به سرزمین آنها وارد شد، نوزیکا او را شناخت و به او محبت زیاد کرد و وسایل بازگشتش را فراهم نمود.

نومیتور

پسر پروکاس پادشاه الب بود که به دست آمولیوس برادر کوچکترش تبعید شد و دختر او از مارس باردار شد و پسر او به دست برادرش کشته شد. فرزندان او که از دختر او بوجود آمدند رموس و رمولوس بودند که بعدها انتقام در بدری پدر خود را از عموی خود گرفتند.

نیوبه

دختر تانتال و خواهر «پل‌ویس» و همسر «آمفیون» بود که چون فرزندان زیاد داشت خود را برتر از «لتو» دانست و به این سبب آپولون پسران او و آرتهمیس دختران او را کشتند و بعد خدایان او را به صورت تخته‌سنگی درآوردند که اشک غم به‌طور همیشگی چون چشمه‌ای از آن جاری بود.

نئوپتولم

و با وجود مخالفت «دمتر» مادر معشوقه‌اش با او ازدواج کرد. نام دیگر او «پلاتون» بود.

هبه

دختر زئوس و هرا و خواهر «آرس» و «ایلی‌تی» بود. وی رب النوع و تجسم «جوانی» بود و در مجمع خدایان در کوه المپ شغل ساقیگری داشت و بسیار زیبا بود. وقتی که هراکلس به جمع خدایان پیوست عاشق او شد و خدایان آن‌دورا به عقد هم درآوردند.

هارمونی

دختر آفرودیت و آرس بود که به دستور زئوس، به عقد کارموس برادر اروپ درآمد و «هفائیس‌توس» گردن‌بند جادویی به او داد. کارموس و هارمونی که هر



دو بر تب حکومت داشتند در اواخر عمر استعفا کردند و از تب مهاجرت کردند.

هرا

فرزند کروئوس و «رئا» بود ولی توسط اقیانوس و ته‌تیس بزرگ شد. وی با برادر خود زئوس ازدواج کرد

واندردکن

از قهرمانان اساطیری هلندیهاست. دریانوردی بود که از مادری گناهکار متولد شد و محکوم شده بود که همه عمر در دریاها بسر برد و تنها باشد زیرا هر وقت کشتی او به ساحل می‌رسید توسط امواج بازمی‌گشت (مگر دختری به‌خاطر او خودکشی کند) تا سرانجام به‌خاطر خودکشی دختری که او را دوست داشت، تبعید دائمی او تمام شد.

ونوس

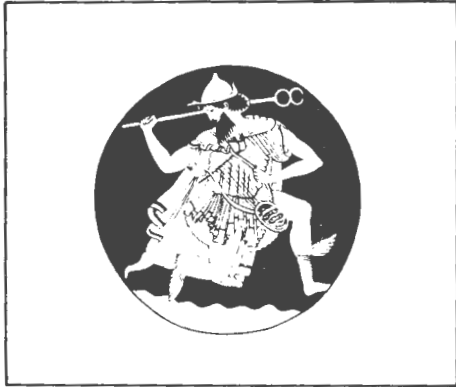
رب النوع بزرگ زیبایی و عشق روم باستان است و حمایت از باغهای سبز را به‌عهده داشت و خدای روابط زناشویی و عشاق نیز محسوب می‌شد و خود با «مارس» معاشقاتی داشت. او را با «آفرودیت» خدای عشق یونانیان مطابق کرده‌اند.



هارس

یکی از فرزندان کروئوس و «رئا» بود و بعد از پیروزی بر تایتانها، دنیای زیرزمین و ارواح و دوزخ دراختیار او گذاشته شد. وی عاشق «پرسه‌فون» شد

پسر زئوس و «مایا» و یکی از پلایدها محسوب می‌شود. در کودکی و شیرخوارگی، گاوهای آپولون را دزدید و آنها را با چنگی که از کاسه لاک پشت و روده گاو ساخته بود عوض کرد. وی از آپولون قدرت



پیشگویی یافت و حامی اولیس شد. او رب النوع شبانان و تجار و راهزنان بود.

هفائیس توس

پسر زئوس و هرا بود و چون «لنگ» متولد شد، مادرش او را به دریا انداخت و دو رب النوع دریا او را بزرگ کردند و پس از آنکه دوباره به المپ برگشت خدای آتش شد و با آفرودیت ازدواج کرد ولی آفرودیت به او خیانت کرد و با «آرس» همخوابه شد.

هکتور

پسر پریام و هکوب و از قهرمانان تروا بود. وی با آندرومارک دختر پادشاه تب ازدواج کرد و دارای پسری به نام «آستیاناکس» شد و آرس و آپولون او را حمایت می‌کردند. در جنگ تروا قهرمانان بسیاری را کشت تا خود طبق قراری که خدایان قبلاً با هم گذاشته بودند به دست آشیل کشته شد.

و «هفائیس توس» خدای آتش و آرس خدای جنگ و ایلی تی رب النوع زایمان و هبه رب النوع جوانی از این ازدواج بوجود آمدند.

هراکلس

یا هرکول فرزند زئوس و «آلکمن» بود، در حالی که آلکمن همسر «آمفیتریون» بود. هراکلس برادر دوقلوی «ایفی کلس» بود و بقدری قدرت داشت که وقتی شیرخوار بود ماری قوی هیکل را کشت.



آلکمن او را سر راه گذاشت و «هرا» به او شیر داد و به این جهت جاودانی شد و چون دیوانه شد برای سلامتی مجدد از دوازده خوان گذشت و سرانجام معالجه شد و جزء خدایان جاودانی درآمد. او قوی‌ترین خدایان اساطیری است.

هرکول

نام وی هراکلس است ولی در داستانهای اساطیری، نام هرکول که علامت قدرت است از نام هراکلس معروف تر است.

هلن

پدر آسمانی او ژئوس و پدر زمینی او تیندار بود و مادر آسمانش «لدا» و مادر حقیقیش «نمزیس» بود.



ابتدا همسر منهلس شد ولی بعد با پاریس پسر پادشاه تروا گریختند و به همین سبب جنگ تروا بوجود آمد و پس از ده سال، وقتی جنگ با پیروزی یونانیان تمام شد هلن به منهلاس رسید.

هلنوس

از فرزندان پریام و هکوب بود و قدرت پیشگویی فراوان داشت و پیشگویی کرده بود که برادرش پاریس سبب نابودی تروا خواهد شد و برادر دیگرش هکتور به قتل خواهد رسید، و از همه پسران پریام تنها او زنده ماند و بعدها با آندرومارک همسر برادرش هکتور ازدواج کرد.

هلیوس

یا خورشید، از تایتانها بود. وی تمام مدت روز با ارایه خود در حرکت بود و تنها شبها استراحت می کرد. با زنان بسیاری ازدواج کرد و فرزندان متعدد

اساطیر

یافت که هلیادها از آن جمله بودند که مراقب گله‌های گاو او بودند. ژئوس خدای خدایان حامی و پشتیبان او بود.

هلیادها

فرزندان هلیوس (خدای خورشید) بودند و مراقبت از گله‌های گاو او را برعهده داشتند.

هیپ سی پیل

دختر «تئوس» و میری نا بود که بر جزیره لمنوس حکومت داشت و زنان این جزیره به سبب بی احترامی به آفرودیت بدنشان بوی زنده‌ای یافته بود که مردان رغبت به آنها نداشتند. پس درصدد قتل مردان برآمدند و تنها هیپ سی پیل بود که پدرش را در صندوقی گذاشت و نجات داد و خود ملکه لمنوس شد و بعدها با ژازون ازدواج کرد و دارای دو پسر به نام «اونه‌نوس» و «نفر و تئوس» از او شد.

هی پر بوری ها

میهماندار آپولون بودند و او را می ستودند و فدایی او بودند و آپولون نیز نیزه خود را نزد آنها گذاشته بود تا به آن وسیله دنیا را طی کنند و هر نود سال یکبار آپولون را می دیدند. هی پر بوری ها که پیشگو بودند، هنگام پیری خود را به دریا می انداختند و دنیا را برای جوانها باز می کردند.

هیپودامی

دختر «اونومائوس» پادشاه «پیز» بود و به سبب زیبایی خواستگاران زیادی داشت. با جوان ارایه رانی

خواب دید که باید تسلیم زنوس شود و با او درآمیخت ولی هرا همسر زنوس او را به صورت گوساله درآورد و آرگوس را که صد چشم داشت مراقب او کرد ولی هرمس او را نجات داد و «یو» پس از مرگ به آسمان رفت و ربّ النوع شد.

یولائوس

پسر گرنروتوس بود که پدرش توسط «ائول» و «دوروس» عموهایش، به آتن و پلوپونز تبعید شد و بعد از ازدواج با «کرتوز»، او و «آکادئوس» برادرش متولد شدند و بعدها یون به سلطنت اژیالوس رسید و سپس فرمانده قوای آتنی‌ها شد و سرانجام در آتن درگذشت.

یون

پسر ایفی کلس و برادرزاده هراکلس که راننده ارابه او بود و در اولین مسابقه المپیک قهرمان ارابه‌رانی شد و پس از مرگ هراکلس فرزندان او را که هراکلیدها بودند جمع کرد و به ساردنی برد. وی بسیار مورد علاقه و توجه زنوس بود و خواسته‌های او زود برآورده می‌شد.

به نام «پلوئیس» ازدواج کرد و چندی بعد پسر پلوئیس به نام «گریزیپوس» به تحریک هیپودامی به قتل رسید و پلوئیس نیز به انتقام او هیپودامی را کشت.

هیپولیت

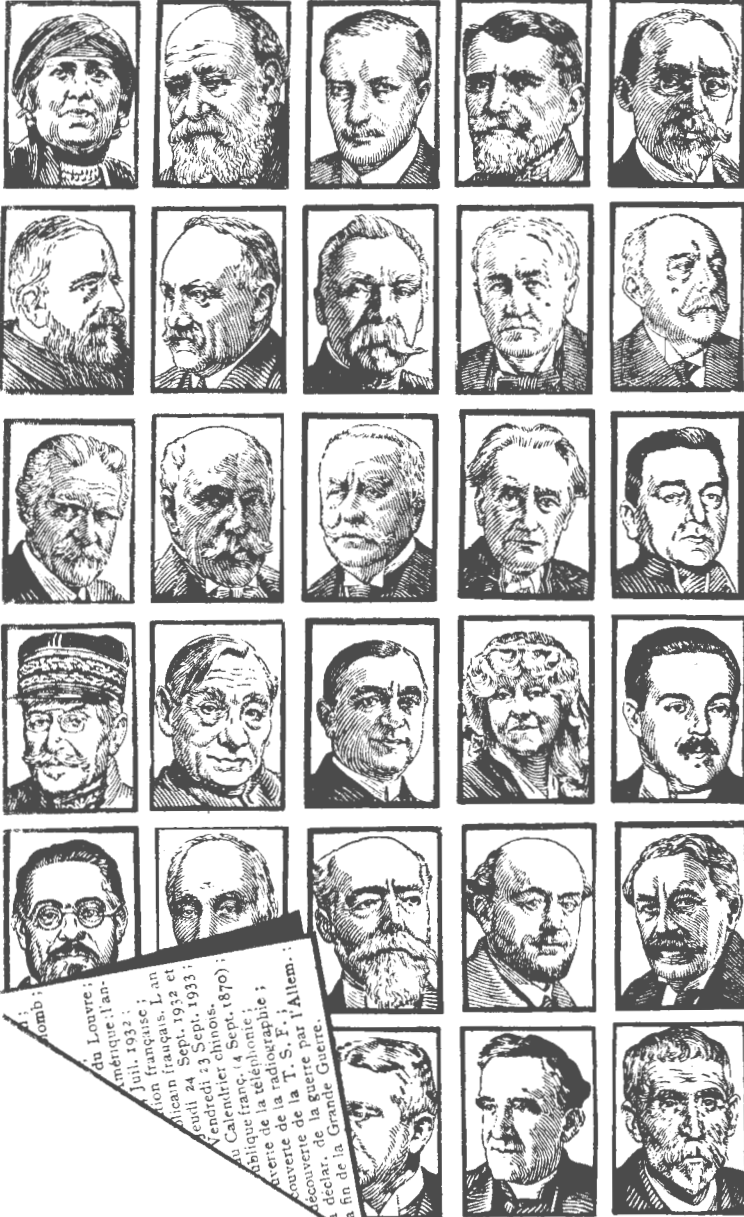
فرزند «هیپولیته» یکی از آمازونها و «تزه» بود که در تیراندازی کم‌نظیر بود. آرتهمیس را گرامی می‌داشت و آفرودیت را تحقیر می‌کرد. زن پدرش «فدر» عاشق او شد و به خواهش تزه، «هیپولیت» توسط یک غول دریایی بلعیده شد و فدر نیز خودکشی کرد.

یوا

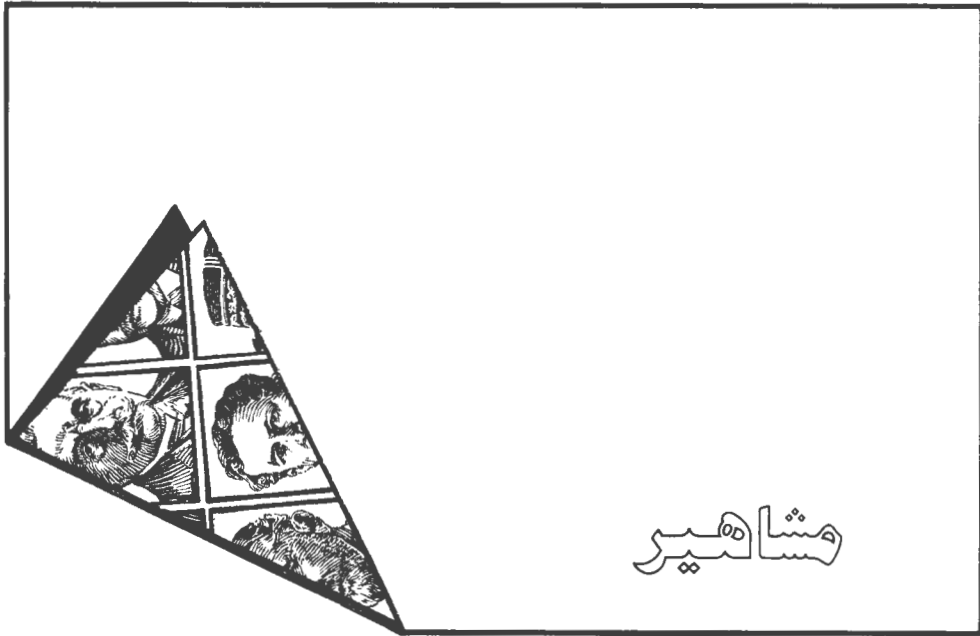
از سلسله سلاطین پنجگانه چین و چهارمین آنها است که در نیکوکاری نظیر نداشت. هرکس به صورت او نگاه می‌کرد پارسا و عابد و نیکوکار می‌شد. طبلی بیرون کاخ خود گذاشته بود که هرکس به تظلم می‌آمد آن را به صدا درمی‌آورد و در نتیجه یوا از او رفع ظلم و ستم می‌کرد.

یو

دختر زیبایی بود که زنوس به او علاقه داشت. در



...omb
 du Louvre ;
 Amérique ; l'an
 17 Juil. 1932 ;
 tion française ; L. an
 24 Sept. 1932 et
 Vendredi 13 Sept. 1933 ;
 Californie ; (4 Sept. 1870) ;
 République chinoise ;
 de la téléphonie ;
 de la T. S. F. ;
 découverte de la guerre par l'Allem. ;
 a déclaré.
 la fin de la Grande Guerre.



آبش خاتون

خورد از این وضع استفاده کرده مردم را به قیام واداشت تا اینکه خلافت و امپراطوری عثمانی را در سال ۱۹۲۲ از میان برد و از آن تاریخ تا سال ۱۹۳۵



رئیس جمهور ترکیه بود. آتاتورک به سال ۱۹۳۸ وفات یافت.

آبل، نیلس هنریک

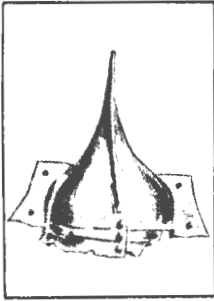
نیلس هنریک آبل ریاضی‌دان نروژی در سال

آخرین فرمانروای سلسله اتابکان فارس، دختر اتابک سعدین ابوبکر بن سعدین زنگی، در سال ۶۶۲ هـ. به فرمانروایی رسید، به عقد منکو تیمور پسر هولاکوخان درآمد، در سال ۶۸۵ هـ. در تبریز درگذشت.

آتاتورک، مصطفی کمال

مصطفی کمال پاشا آتاتورک، در سال ۱۸۸۰ در سالونیک دنیا آمد، در آغاز به ارتش پیوست و در طرابلس با ایتالیاییها جنگید و در جنگهای بالکان سمت فرماندهی یافت. در سال ۱۹۱۶ در تنگه داردانل در برابر انگلیسها ایستادگی کرد. چون به فرماندهی سپاهی رسید در جبهه روس نبرد کرد. پس از جنگ جهانی اول چون دولت عثمانی شکست

نخست به سرزمین بالکان تاختند و چنان ویرانی به بار آوردند که گفته معروف «هر جا سم آتیلا گذشت دیگر علف در آنجا سبز نخواهد شد» از آن زمان در تاریخ معروف گردید. بیش از هفتاد شهر



به کلی ویران گردید و تراس و مقدونیه دستخوش قتل و غارت قرار گرفت.

امپراطور روم مجبور به صلح شد و غرامت جنگی بسیاری به آتیلا پرداخت. درحقیقت سقوط امپراطوری عظیم روم شرقی از همین زمان آغاز شد. پس از این واقعه آتیلا عزم تسخیر سرزمین آباد و حاصل خیز «گل» کرد و با سپاهیان وحشی خود به آن کشور حمله برد و تمام شهرهای آن را با خاک یکسان کرد.

ایتیوس سردار شجاع رومی با سپاهسانی از فرانکها و ویزیگوتها به مقابله در برابر سپاهیان قهار آتیلا پرداخت. این نخستین باری بود که آتیلا در حین تاخت و تاز خود در سرزمین «گل» با مقاومت سپاهی منظم برخورد می کرد و به این جهت فوراً تشخیص داد که بهتر است عقب نشینی کند و محل مناسب تری را برای مضاف با دشمن برگزیند.

در سال ۴۵۲ میلادی آتیلا دوباره مردان جنگی خود را گردآورد و این بار از سمت جنوب به کشور ایتالیا تاخت و تمام شهرهای آباد آن را با خاک یکسان کرد. مردم روم عده ای را به سرپرستی پاپ لئون کبیر برای تقاضای مصالحه نزد آتیلا

در خانواده ای که پدر آن خانواده کشیش فقیری بود چشم به جهان گشود. از آغاز کودکی و در همه دوران کوتاه زندگی با دیو فقر در مبارزه بود و از شدت مسکنت به بیماری سل مبتلا گشت، با این حال همت بلند و نبوغ فراوانش همیشه بکار مطالعه در علم ریاضی در تلاش و کوشش بود.

آبل علم تحصیل ریاضی را چندان ترقی داد و بدان پایه از دقت رسانید که باید این دانشمند را از موجدان ریاضیات جدید دانست. در توابع بیضوی و توابع عالی (آبلی) مطالعات مهمی کرد. از اکتشافات پراهمیت آبل می توان اثبات امتناع حل کلی معادلات بالاتر از درجه چهارم با روشهای معمولی به جبر را برشمرد. آبل در سال ۱۸۲۹ از جهان رخ بریست.

آتسنز

علاءالدوله، ابوالمظفر پسر قطب الدین محمد فرمانروای خوارزم، بعد از فوت پدرش در ۵۲۱ هـ. از طرف سلطان سنجر سلجوقی به جانشینی او در خوارزم تعیین شد، در سال ۳۵۳ هجری، از اطاعت سنجر خارج گشت و چند دفعه با او جنگید اما مغلوب شد، عاقبت ترکان غز را تحریک کرد و آنها را بر خراسان مسلط ساخت و خودش تا سال ۵۵۱ هـ. به آسودگی سلطنت کرد.

آتیلا

آتیلا پادشاه بزرگ هونها در سال ۴۰۶ میلادی تولد یافت. پس از مرگ دایی اش دوگیلاس، در سال ۴۳۳ میلادی به تخت نشست و سلطنت را با برادرش بلدا تقسیم کرد. در ۴۴۱ پس از بسط و نفوذ قدرت خود در سرزمین هونها به روم شرقی حمله برد. هونها

مشاهیر

در شرح حال شاعران پارسی‌گوی تا دوره خود او می‌باشد، و مدت سی سال در تألیف آن صرف وقت کرده، یوسف و زلیخائی نیز بنظم آورده و دیوان اشعار هم دارد، تولد او به سال ۱۱۳۴ هـ. در اصفهان، و وفاتش به سال ۱۱۹۵ هـ. بوده، کتاب تذکره او چند بار به چاپ رسیده است.

آدناتر، کنراد (سیاستمدار)

سیاستمدار آلمانی متولد ۱۸۷۶، فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های فرایبورگ مونیخ و بن در رشته‌های حقوق و اقتصاد. در سال ۱۹۳۳ عنوان شهردار را بدست آورد، در سال ۱۹۳۴ الی ۱۹۴۴ زندانی شد و



در سال ۱۹۴۵ مجدداً بسمت شهردار برگزیده گردید. بدنبال این سمت‌ها مشاغل زیر را دارا بوده است:
عضو مؤسس حزب دمکرات مسیحی راین ۱۹۴۵،
رئیس حزب دمکرات مسیحی در منطقه اشغالی بریتانیا ۱۹۴۶، عضو شورای مشورتی منطقه اشغالی بریتانیا ۴۹-۱۹۴۶، رهبر حزب دمکرات مسیحی در شورای راین، صدراعظم دولت فدرال ۱۹۴۹ (در سالهای ۱۹۴۵، ۱۹۵۳ و ۱۹۶۱ مجدداً به این سمت انتخاب شد). آدناتر در سال ۱۹۶۷ درگذشت.

آذرخش، حسنعلی [دکتر]

دکتر حسنعلی آذرخش فرزند «اسدالله» متخلص

فرستادند. معجزه‌ای بوقوع پیوست و آتیلا که به «تازیانه خدا» معروف است، از ویران کردن روم چشم پوشید.

در سال ۴۵۳ به اتریش امروزی بازگشت و با دختر زیبایی به نام «ایدبکو» ازدواج کرد. در شب جشن عروسی، آتیلا دچار حمله بیماری شد و در آغوش همسر جوانش جان سپرد. با مرگ آتیلا دولت پهناور هون نیز پایان یافت.

آدم

ابولبشر، بوالبشر، پدر آدمیان، نخستین انسان، خلیفه‌الله، صفی‌الله، شوهر حوا، خداوند او را از خاک آفرید و حوا را از پهلوی چپ او خلق کرد و هر دو را در بهشت سکنی داد و آنها را از خوردن گندم و به روایت دیگر از خوردن سیب منع فرمود لکن ابلیس آدم و حوا را اغوا کرد و به خوردن گندم و داشت و به این سبب مورد خشم خداوند واقع گشته و از بهشت رانده شدند. آدم بر کوه سرندیب فرود آمد و مدت صد سال در آنجا به توبه و انابه و طاعت پرداخت تا توبه‌اش قبول شد. و به روایتی شیطان پس از رانده شدن از درگاه حق تعالی برای فریب دادن آدم و حوا به صورت مار درآمده و به پای طاووس پیچید و به بهشت داخل شد و آن دو را به خوردن گندم واداشت. به این سبب آدم و حوا از بهشت رانده شدند، وزشتی پای طاووس دشمنی انسان با مار از این جهت است.

آذربیکدلی

لطفعلی بیگ بن آقاخان بیگدلی متخلص به آذر، از شاعران معروف ایران، معاصر کریم‌خان زند بوده، تذکره‌ای موسوم به آتشکده به نام کریم‌خان نوشته که

پادشاهی را در خوابگاه زن هرمز دوم که آبستن بود آویخته و بچه‌ای را که او در شکم داشت پادشاه خواندند و او همان شاپور دوم است که ملقب به ذوالاکتاف گردید.

آذری، میرسیدعلی

میرسیدعلی آذری فرزند «میرولایت» در سال ۱۲۸۲ خورشیدی در «بادکوبه» متولد شد. او اهل «سراسکندر» کرسی نشین هشترود آذربایجان بود. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس ابتدایی آذربایجان و مدرسه «رحیمیه» مشهد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه «دانش» گذرانید. در سال ۱۲۹۹ خورشیدی به علت ازدست دادن پدر، ترك تحصیل نمود و به خدمت اداره فواید عامه و فلاح و تجارت خراسان درآمد. آذری در حین خدمت به علت علاقه به تحصیل در محضر دانشمندان وقت به کسب فضایل پرداخت. در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به تهران منتقل شد و در وزارت راه و وزارت مالیه به کار پرداخت. در سال ۱۳۱۹ خورشیدی به راه آهن دولتی منتقل شده و در سال ۱۳۳۴ خورشیدی به میل خود بازنشسته گردید. آثار بجامانده از وی عبارتند از: عشق و سرنوشت، پایمردی (شعر)، اپرای زن در قرن دیگر، انقلاب بیرنگ یا قیام کلنل محمدتقی پسیمان در خراسان، زندگی حکیم ابوالقاسم فردوسی، فردوسی و امیر ابوعلی سیمجور، قیام خیابانی پیشوای تجدد و آزادی ایران در تبریز، وصلتهای گوناگون، خورشیدی که در تاریکی تبعید درخشید، اپرا وعده زرتشت با روح سلحشوری ایرانیان.

آراگون، لویی (نویسنده)

لویی آراگون به سال ۱۸۹۸ متولد شد. نخست با

به «شکیبا» در سال ۱۲۸۹ خورشیدی بدنیا آمد. تحصیلات خود را در دبستان «امیراتابک» و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان «ادب» و «دارالفنون» به پایان رسانید. سپس به دانشکده پزشکی تهران وارد شده به ادامه تحصیل پرداخت. پس از آن به فرانسه رفته و دوره مدرسه «سانته پولیک پاریس» را گذرانید. او پس از پایان تحصیلات، به عنوان دستیار پرفسور «مولاره» استاد کرسی بیماریهای عفونی «اونیورسسته پاریس» در بیمارستان «کلودبرنارد» به کار پرداخت.



دکتر آدرخش علاوه بر پزشکی به شعر و شاعری علاقه داشته و اشعاری هم سروده بود. دکتر آدرخش پس از بازگشت به ایران ابتدا سمت ریاست بخش بیماریهای عفونی بیمارستان لشکر لرستان را به عهده داشت. سپس به وزارت بهداشتی منتقل شد و از آغاز نهضت مبارزه با تریاک، سرپرست امور مبارزه با مواد مخدر بود. پس از آن به ریاست اداره اطلاعات و آموزش بهداشت در وزارت بهداشتی رسید. اثر به جا مانده از وی: آفت زندگی، مبارزه با تریاک و الکل و سفلیس و فحشاء.

آذررسی / آذرترسه

پادشاه ساسانی، پسر هرمز دوم و برادر شاپور دوم، در ۳۱۰ میلادی بعد از پدرش به سلطنت رسید و چون بی رحم و خونریز بود در همان سال او را کشتند و تاج

مشاهیر

می‌توان: شش بال علم، اثبات وجود خدا، مرزهای دانش، تاریخ علم، فلسفه‌های بزرگ، مقدمه‌ای بر



فلسفه، مشرق‌زمین گهواره تمدن، علم و مردم، پیدایش و مرگ خورشید، تکامل فیزیک، حساب دیفرانسیل و انتگرال برای همه، چگونه روحهای محکم و زنده سازیم و فلسفه تربیت را نام برد.

آریانپور، عباس (مترجم)

عباس آریانپور در سال ۱۲۸۵ خورشیدی به دنیا آمد. وی فرزند ماشاءالله خان کاشی راهزن معروف است. تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه



«سیروس» به اتمام رسانید و سپس برای طی دوره متوسطه وارد مدرسه «امریکایی» شد و تا کلاس ششم این مدرسه را گذرانید. پس از آن در تاریخ ۱۳۰۷ خورشیدی به مدیریت داخلی مجله «عالم نسوان» منصوب شد و تا سه سال در این سمت باقی بود. او

گروه سوررئالیست‌ها همکاری می‌کرد، اما از سال ۱۹۳۱ که به مسایل اجتماعی و سیاسی علاقمند شد همه آثارش نشانی از اندیشه‌های اجتماعی پیدا کرده است.

مجموعه اشعار بسیار معروفش مربوط به زمان



مقاومت و اشغال فرانسه در جنگ جهانی اخیر است. دل‌آزدگی (۱۹۴۱)، چشمان‌الزا (۱۹۴۲)، دیان فرانسوی (۱۹۴۷) و دل‌آزدگی تازه (۱۹۴۸) از آثار معروف او می‌باشند.

آرام، احمد (مترجم)

احمد آرام، مترجم توانای معاصر، به سال ۱۲۸۱ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشکده حقوق شد ولی چندی بعد طب را برگزید. علاقه زیاد او به تعلیم و تربیت باعث شد که طب را در آخرین سال رها کند و به خدمات فرهنگی در وزارت فرهنگ بپردازد. این دوره فعالیت فرهنگی او از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۳۵ خورشیدی بطول انجامید، و از سال ۱۳۳۵ به بعد در سازمان انتشارات فرانکلین به فعالیت خود ادامه می‌داد. احمد آرام اغلب کتب علمی را به فارسی ترجمه می‌کرد و اکثر ترجمه‌های کنونی کتب علمی متعلق به اوست. آرام مدتها با مجله سخن علمی همکاری داشت. از ترجمه‌های مهم او

(۲۵۶-۳۳۶م.)

آریوبرزن

آریوبرزن سردار رشید هخامنشی در زمان سلطنت داریوش سوم و حمله اسکندر است که مدافع دربند پارس بود. این محل معبری است تنگ که از پارس به شوش می‌رود. می‌گویند اکنون این معبر به تنگ تک‌آب موسوم است.

آریوبرزن، با ۲۵ هزار سپاهی نگهبان این معبر بود و هر دم انتظار حمله اسکندر را می‌کشید. اسکندر پس از رسیدن بدانجا حملات سختی کرد که کاری از پیش نبرد و ناچار شد دستور دهد سربازانش سیرهای خود را روی سر گرفته و عقب‌نشینی کنند، در صورتی که پنداشته بود، بی‌اینکه یکنفر را هم قربانی دهد، معبر را تسخیر خواهد کرد. بالاخره یک اسیر لیکیانی کوره راهی به اسکندر نشان داد که سپاهیان او می‌توانستند از آن راه به پشت جنگاوران پاریسی برسند. اسکندر پس از چند روز راه‌پیمایی پرمشقت در کوهها به مقصد رسید و پاریسیها که غافلگیر شده بودند تسلیم نشدند و جدالی کردند که خاطره آن در تاریخ باقی ماند. در این موقع آریوبرزن با عده‌ای از سواران خود حمله به قوای اسکندر کرد و حلقه محاصره را شکافت تا خود را زودتر از وی به پایتخت برساند و آنجا را تسخیر کند. لیکن دو تن از سرداران اسکندر که به همین منظور، پیش از او حرکت کرده بودند، سر راه بر وی گرفتند و جنگی سهمگین درگرفت و آریوبرزن رشید راضی نشد تسلیم شود، و از جان گذشته خود را به صفوف مقدونی‌ها زد و چندان جنگید تا بالاخره خود و سربازانش شرافتمندانه به خاک افتادند.

آزاد، علی محمد

سپس به شرکت نفت وارد شده، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در امتحانات دوره متوسطه شعبه بازرگانی شرکت نمود و موفق به اخذ دیپلم گردید. پس از مدتی مجدداً به کار در شرکت نفت پرداخت. مدتی نیز به تدریس علوم بازرگانی در دبیرستان «ادب» اصفهان اشتغال داشت. آریانپور پس از طی مراتب مذکور به ترتیب عهده‌دار این مشاغل گشت: مدیر بازرگانی کارخانه خسروی مشهد، رئیس اداره نیازمندیها، رئیس اداره قماش، معاون آمار و اطلاعات مالیات بر درآمد، بازرس وزارت. عباس آریانپور در سال ۱۳۳۵ خورشیدی برای مطالعه امور مالیاتی، مدت ۶ ماه در امریکا بود و در طی سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ خورشیدی به دریافت لیسانس قضایی از دانشگاه تهران نایل آمد. در سرودن شعر به زبان فارسی و انگلیسی نیز توانا بود. وی بنیانگذار مدرسه عالی ترجمه در ایران و دانشگاه مکاتبه‌ای زبان انگلیسی در امریکا است. آریانپور در سال ۱۳۶۳ خورشیدی در امریکا درگذشت. آثار بیجامانده از وی عبارتند از: اشتباهات خنده‌دار، زمینه دانش در علوم طبیعی، سگ باوفا، عروس مدی، کتاب شادمانی، کجا می‌روی؟، ماشین زندگی، نخستین بانوی پزشکی، فرهنگ آریانپور، جیبی (یک جلدی، دو جلدی و پنج جلدی) انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و تاریخ کلیسای شرق.

آریوس

نام کشیشی بوده از مردم اسکندریه که می‌گفت عیسی برابر با خدا نیست بلکه آفریده شده اوست. تعلیمات وی در شورای مذهبی شهر نیسه رد شد و پیروانش مرتد شناخته شدند، مسلک او «آریانسم» پیروان بسیار پیدا کرده بعد رو به انحطاط گذاشت، در قرن شانزدهم دوباره رونقی پیدا کرد

آزاده گیلانی، علی

علی آزاده گیلانی فرزند «شیخ علی اکبر مجتهد» در سال ۱۲۷۴ خورشیدی در «نجف اشرف» به دنیا آمد. پدرش از علماء و محترمین گیلان بود. آزاده تحصیلات مقدماتی را در گیلان گذراند. به جهت علاقه به مشروطیت در بهمن ۱۳۰۲ خورشیدی امتیاز روزنامه «قرن چهارده» را گرفت و به مدت ۲ سال آن را انتشار داد ولی روزنامه توقیف گردید. آزاده در نیمه دوم سال ۱۳۰۵ امتیاز روزنامه «فکر جوان» را گرفت و به مدت ۴ سال مرتباً آن را منتشر ساخت. پس از آن به موجب حکم شهربانی، از نشر و چاپ روزنامه جلوگیری به عمل آمد، و تا شهریور ۱۳۲۰ گرفتار توقیف غیرقانونی بود و آزاده نیز در تبعید به سر می برد. پس از شهریور ۱۳۲۰ مجدداً به انتشار روزنامه «فکر جوان» پرداخت تا دیماه ۱۳۲۱ که به موجب قانون مطبوعات «احمد قوام» روزنامه مجدداً تحت توقیف درآمد. قانون مطبوعات «قوام» بدین صورت بود که: امتیاز تمام جراید لغو می شود و کسانی حق گرفتن امتیاز دارند که واجد شرایطی چون داشتن لیسانس و سپردن ۵ هزار تومان در بانک باشند.



آزاده گیلانی با تلاش زیاد در آذر ۱۳۲۲ خورشیدی مجدداً امتیاز نشر روزنامه «فکر جوان» را کسب و از ۹ آذر ۱۳۲۲ خورشیدی مجدداً به انتشار

علی محمد آزاد همدانی در سال ۱۳۰۲ قمری در همدان متولد شد. او سنین جوانی را به فرا گرفتن علوم فارسی و عربی گذرانده و یک دوره از صرف و نحو و بیان و بدیع و کلام و ادبیات و قسمتی از فقه و اصول و منطق را فرا گرفت. او از همان اوان جوانی، عشق وافری به ترویج فرهنگ و تعلیم و تربیت جوانان کشور از خود نشان می داد. در سال ۱۳۰۰ خورشیدی، به سمت ریاست فرهنگ «کاشان» منصوب و به اصلاح امور فرهنگ و افتتاح «انجمن ادبی» پرداخت و پرچم علم و ادب در آن سازمان برافراخت و در اثر مجاهدت در ترویج علم و ادب به حدی مورد توجه اهالی کاشان قرار گرفت که خود را بنده احسان «آزاد» می شمردند. در این موقع خبر وحشت اثر مرگ ناگهانی فرزند ارشدش، از سنندج رسید و مرگ این جوان، آزاد را پیر و از زندگانی سیر



نمود، ناچار به تهران منتقل شد. در سال ۱۳۱۳ خورشیدی به سمت مدیریت ادبیات و بازرسی اداره فرهنگ همدان منصوب و در سال ۱۳۱۵ به مدیریت دبیرستان «شاهپور» کرمانشاه برگزیده شد و دو سال هم به تربیت و تعلیم دانشجویان آنجا انجام وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۳ به ریاست فرهنگ همدان منصوب و هم خود را به اصلاحات امور فرهنگی این شهرستان مصروف داشت. او در ۹ تیرماه ۱۳۲۴ درگذشت.

آن پرداخت.

آسیه بنت محمد

از زنان باتقوا و نیکوکار قرن سیزدهم هجری است. می‌گویند تمام املاک خویش را جهت قرائت قرآن مجید وقف نمود. از جمله وقایع او سه باب دکان واقع در بازار خرطوم الفیل شهر بغداد بود که تاریخ ۴ شوال ۱۲۷۵ هجری را دارد.

آسیه خانم

زوجه فتحعلیشاه قاجار و مادر عباس میرزا، زنی سخنور و شجاع بود. می‌گویند در بعضی از جنگها با فرزندش عباس میرزا شرکت می‌کرد و در فنون نظامی اظهار نظر می‌نمود و فرمان می‌داد. در هنگام سلام رسمی و اعیاد نیز با حجاب اسلامی در مقدمه صف می‌ایستاد و از نظامیان سان می‌دید.

آسیه خانم

مادر فتحعلیشاه قاجار، از زنان عابد و زاهد و باتقوا که در بذل مال و بخشش و احسان شهرت بسزایی داشت. از کارهای خیر وی تعمیر اساسی مدرسه حکیم هاشم در تهران بود که رو به انهدام می‌رفت. این مدرسه پس از اتمام بنا به نام «مدرسه مادرشاه» شهرت یافت. آسیه خانم در ۱۲۱۷ ق در تهران وفات یافت و بنا بر وصیتش جنازه او را به نجف اشرف بردند و در جوار مشهد امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپردند.

آشتیانی، میرزا اسماعیل (نقاش)

میرزا اسماعیل آشتیانی فرزند مرحوم حاج نبیخ مرتضی آشتیانی، و نوه حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد مشهور، در سال ۱۲۷۱ خورشیدی در تهران متولد شد. مادرش خیرالنساء (آقازاده خانم) دختر «سید محمد طباطبایی» روحانی مترقی مشروطه‌خواه بود. استاد اسماعیل آشتیانی پس از طی دوره مدرسه ابتدایی و مدرسه دارالفنون به مدرسه عالی صنایع مستظرفه رفته و در خدمت مرحوم «کمال‌الملک» به



فراگرفتن هنر نقاشی پرداخت. در سال ۱۳۳۳ قمری موفق به اخذ دیپلم مدرسه صنایع مستظرفه گردید و در عین حال به سمت معلّمی در همانجا انتخاب گردید. وی در سال ۱۳۳۶ قمری علاوه بر معلّمی، افتخار معاونت مرحوم «کمال‌الملک» را یافته و تا پایان کار مدرسه به همین سمت برقرار بود. پس از استعفای مرحوم کمال‌الملک در تاریخ ۲۶ مهر ماه ۱۳۰۷، ریاست کلّ صنایع مستظرفه ایران به او واگذار گردید. وی در سال ۱۳۰۹ طی مسافرتی به اروپا نزدیک به دو سال در کشورهای مختلف به مطالعه و مشاهده سبکهای گوناگون نقاشی پرداخت. پس از مراجعت از اروپا موقتاً در دبیرستان دارالفنون مشغول کار شده و سپس به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی انتقال یافت. در سال ۱۳۲۴ خورشیدی، آشتیانی به کمک جمعی از اهل هنر موفق به تأسیس «انجمن هنرمندان» و ایجاد هنرستانی به نام «هنرستان کمال‌الملک» گردیده و به ریاست انجمن و هنرستان

افتخارالحکماء داشت. در جنبش مخالف با موسیونوز بلژیکی نقش به‌سزایی داشت. در نهضت مشروطیت فعالانه شرکت کرد و علیه استبداد پیاخاست و در دوم ربیع الاول ۱۳۲۷ ق در منزلش واقع در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم ترور شد. وی



در شاعری نیز دست داشت و «صهبا» تخلص می‌کرد. از آثار منظوم او کتاب افتخارنامه حیدری است درجنگهای حضرت امیر (ع) و وقایع زمان خلافت وی که به سبک شاهنامه سروده و در ۱۳۱۰ ق در تهران به طبع رسیده است.

آشفتۀ دزفولی

سیدمحمدباقر (۱۲۱۷-۱۳۳۱ ق) فرزند سیدمهدی بن محمدعلی، از شاعران نیمه دوم سده سیزدهم و نیمه اول سده چهاردهم. وی اصلاً از سادات رضوی کاشان بود، اما در دزفول به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل علوم شرعی و ادبی پرداخت و پس از چندی در جامه درویشی به گردش در ایران پرداخت. در مازندران گرفتار ترکمنان شد، اما از بند آنان گریخته به مشهد رفت و دو سال در بقعه خواجه ربیع معتکف گردید. پس از سفری به کرمانشاه در تهران اقامت گزید و از ناصرالدین شاه لقب فصیح السلطنه گرفت و با مقرری دولتی زندگی می‌کرد. پس از صدوچهارده سال زندگی در راه نجف

انتخاب شد. وی در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۲۵ از طرف وزارت فرهنگ و هنر رسماً «دکتر» شناخته شد و فرمان دکترا برایش صادر گردید. آثار علمی و ادبی وی عبارتند از:

«سفرنامه اروپا» در دو جلد، کتابی در مناظر و مرایا (پرسپکتیو)، که توسط دانشگاه تهران چاپ و منتشر گردیده است، تصحیح و تنقیح دیوان منوچهری دامغانی، «دیوان اشعار» با تخلص «شعله»، «احسن الارعیه»، «فوائد الصلوه» و «الاسماء الحسنی».

آشتیانی، فضل الله

میرزا فضل الله صادقی مشهور به آشتیانی، از حکما و قضات. پس از تحصیل مقدمات در علوم منقول به حوزه درس میرزا محمد حسن آشتیانی درآمد و در فنون معقول در خدمت میرزای جلوه و میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد. گویند درس آقا محمدرضا قمشه‌ای را نیز دریافت که البته این قول با التفات به سال ولادت او (۱۲۹۸ ق) و تاریخ وفات قمشه‌ای (۱۳۰۶ ق) مستبعد است. پس از فراغت از تحصیل به خدمت قضایی درآمد و به مستشاری دیوان عالی کشور رسید، لکن ترك مشاغل علمی نگفت، چنانکه هرگاه که میرزامهدی آشتیانی بیمار می‌گشت یا به مسافرت می‌رفت به اصرار آن استاد به جای وی در مدرسه سپهسالار قدیم درس می‌گفت. از آثار او رساله‌ای است مختصر در باب «حدوث عالم جسمانی» و نیز رساله حمله آقا علی مدرس را به طبع رسانیده است.

آشتیانی، شیخ مصطفی

پسر دوم میرزا حسن آشتیانی که لقب

درگذشت. آشفته در انواع شعر دست داشته و مجموعه اشعاری را که در مدح ائمه اطهار (ع) سروده بود در دفتری گردآورده به نام ضیاء المنیر در تهران به طبع رسانده است.

آغاز بیگم

ملقب به آغا باجی و متخلص به طوطی، دختر ابراهیم خان بی پناه جوانشیر، و همسر فتحعلی شاه قاجار. زنی عابد و زاهد و از شاعران خوش سخن بود. گویند هرگز به فتحعلی شاه روی خوش نشان نداد و همواره از مخالفان دربار و شاهزادگان بود و تمام عمر باکره ماند. نخست خانه‌ای در نزدیکی امامزاده هاشم بنا نمود و اوقات خود را در آنجا می‌گذراند، سپس به قم رفت و اعتکاف گزید و در همانجا در ۱۲۴۸ ق درگذشت.

آغامحمدخان قاجار

مؤسس سلسله قاجاریه در ایران، پسر معد حسنخان رئیس طایفه اشاقه‌باش، در سال ۱۱۴۸ هـ. متولد، در کودکی به امر عادلشاه برادرزاده نادرشاه خصی شده بود، سالها در دربار کریمخان زند به سر برد. بعد از فوت کریمخان به ادعای سلطنت



برخاست، در سال ۱۲۰۳ هـ. با مقاومت شدید

لطفعلی خان زند مواجه شد و میان آنها جنگ سختی در نزدیکی شیراز روی داد و آغامحمدخان به تهران برگشت، در سال ۱۲۰۶ شیراز را گرفت و در سال ۱۲۰۸ کرمان را پس از چهار ماه محاصره تسخیر و قتل عام کرد و فرمان داد که بیست هزار جفت چشم به او تحویل بدهند، لطفعلی خان زند را نیز عاقبت دستگیر ساخت و با دست خود چشمان آن جوان دلیر را بیرون آورد. در سال ۱۲۰۹ هـ. سلطنت خود را اعلام کرد و تهران را پایتخت قرار داد، سپس شهر تفلیس را گرفت و قتل عام کرد. در سال ۱۲۱۰ هـ. تاجگذاری کرد، بعد خراسان را گرفت و شاهرخ ناپینا را به سختی شکنجه و عذاب کرد و خزائن نادرشاه را به تصرف خود درآورد. در این اوقات کاترین ملکه روسیه سپاهی به مرزهای ایران فرستاد و حکام دربند و باکو و شماخی و گنجه و طالش مطیع وی شدند، آغامحمدخان به سوی قفقازیه شتافت اما پیش از آنکه نبردی رخ بدهد کاترین مرد و سپاهیان روسی مراجعت کردند.

آغامحمدخان در سال ۱۲۱۱ هـ. قلعه شوشی را گرفت و درصدد سرکوبی حکامی که مطیع روسیه شده بودند برآمد لکن در یکی از شها در خوابگاه خود بدست چندتن از نوکرهای خودش کشته شد و سران لشکر برادرزاده او باباخان را به نام فتحعلی شاه به جای وی به سلطنت انتخاب کردند. آغامحمدخان پادشاهی بی رحم و سختگیر و کینه‌توز بود.

آق اولی، تقی

تقی آق اولی فرزند اسدالله خان در سال ۱۲۶۴ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. وی پس از فراغت از تحصیل در مدرسه ادب تهران، برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد مدرسه، همراه «علی نقی آصف اعظم» راهی کردستان شد. در آن استان مدتی

نایل آمد. در ۱۳۲۹ق به سامرا رفت و تا ۱۳۵۴ق در آنجا بود و از آن پس رخت به نجف اشرف کشید و تا پایان عمر ۹۶ ساله اش در آنجا زیست. زندگی این مرد بزرگ یکسره در مطالعه و تحقیق و تألیف گذشت، مردی منزوی بود که با روحی سرشار از ذوق ایمان و



عشق به علم و با پشتکاری غریب بزرگترین کتابشناسی تشیع را تدوین کرد. وی از پرکارترین علمای اسلام است و حدود ۲۵ عنوان کتاب که از ۱۰۰ جلد افزون است از خود برجای گذاشته است. مهمترین اثر او کتاب گرانقدر الذریعة الی تصانیف الشیعه است در ۲۵ جلد که ۵۳۵۱۰ کتاب از نویسندگان شیعی در آن توصیف شده است. دومین اثر او کتاب طبقات اعلام الشیعه است در حدود ۲۰ جلد در ذکر احوال و آثار عالمان شیعه از قرن چهارم تا چهاردهم هجری.

آقابزرگ شیرازی

نقاش دوران محمدشاه و ناصرالدین شاه. او در زمینه‌های مختلفی چون رنگ و روغن، آبرنگ، سیاه قلم، لاک کاری و بویژه قلمدان سازی چیره دست بود. در کار شبیه سازی و چهره پردازی دستی قوی داشت. چنانکه با پردازهای هنرمندانه خود با مهارت حالات و خصوصیات صاحب چهره را به بیننده القا کرد. او در کار منظره سازی اصول فنی مناظر و مرایا را

به تدریس و مدیریت مدارس مشغول بود و سپس به تهران بازگشت. تقی آق اولی در زمانی که «مرتضی قلی صنیع الدوله» وزیر مالیه بود به خدمت آن وزارتخانه درآمد و تا آخر عمر در همانجا مشغول خدمت بود. او در آغاز مشروطیت روزنامه «بهلول» را تأسیس کرد. بعد از عقد قرارداد ۱۹۱۹ «وثوق الدوله» با انگلیس، که بر طبق آن ایران رسماً تحت الحمايه انگلستان قرار می گرفت، تقی آق اولی که از مخالفین قرارداد مذکور بود دستگیر و تبعید گردید. یک بار هم ترور شد ولی از این واقعه جان سالم بدر برد. تقی آق اولی طبع شعر داشت و «بینش» تخلص می کرد، و گاهی نیز مقالاتی در روزنامه‌ها می نوشت. او در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در سن ۶۱ سالگی در تهران درگذشت.



آقابزرگ تهرانی

شیخ محمد محسن، کتابشناس و رجلی بزرگ که زبان و ادبیات و فقه و اصول و منطق را در تهران نزد شیخ محمد حسین خراسانی، شیخ علی نوری، سید عبدالکریم لاهیجی و میرزا محمود قمی آموخت. در ۱۳۱۵ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسن نوری تحصیل علم حدیث کرد و در حوزه درس آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی به تکمیل فقه و اصول پرداخت و به درجه اجتهاد

کرمانی، از نویسندگان و آزادیخواهان معروف ایران در زمان ناصرالدین شاه. تولّدش به سال ۱۲۷۰ هـ. پدرش عبدالرحیم خان از خوانین بردسیر کرمان بوده، میرزا آقاخان تحصیلات خود را در کرمان به



پایان رسانید، حکمت الهی و طبیعی را آموخت، به اصفهان و تهران سفر کرد، با شیخ احمد روحی به اسلامبول رفت و در آنجا با سیدجمال الدین اسدآبادی ملاقات کرد و مدت ده سال در آن شهر اقامت داشت. زبان ترکی و فرانسه را فرا گرفت، در تاریخ و فلسفه و ادبیات مطالعات بسیار به عمل آورد، در روزنامه اختر مقالاتی می نوشت و ضمناً در مدرسه ایرانیان به تدریس زبان فارسی و عربی اشتغال داشت. کتابهایی هم به نام هشت بهشت، قهوه خانه، نامه سخن، تاریخ ایران موسوم به آینه اسکندری، انشاءالله ماشاالله و کتابی به نام رضوان به سبک گلستان سعدی تألیف کرد و این کتاب را به نام سلطان حمیدخان ثانی پادشاه عثمانی کرد و سلطان برای او مستمری برقرار ساخت. عاقبت دولت عثمانی او را با خبیرالملک و شیخ احمد روحی به ایران برگردانید و به واسطه مخالفت شدیدی که با دربار و رجال مستبد داشت در ماه صفر سال ۱۳۱۴ هـ. در تبریز به امر محمدعلی میرزا ولیعهد مظفرالدین شاه کشته شد.

آقاخان محلاتی

رعایت می نمود. این هنرمند در کار قلمدان سازی معروفیت بسزائی داشت. شاهکار معروف او قلمدانی است که در موزه هنرهای تزیینی تهران وجود دارد. در رویه قلمدان تصویر دقیق ۲۳ تن از بزرگان شیراز نقش بسته است. در زمینه آبرنگ نیز کار باارزشی از این هنرمند در دست است که در کتابخانه موزه کاخ گلستان نگهداری می شود. در این تابلو چهره هشت نفر از فرماندهان نظامی دوران ناصری نموده شده که از نظر چهره پردازی از جمله کارهای معتبر این هنرمند به شمار می رود.

این هنرمند که در دوران ناصرالدین شاه به او لقب «نقاش باشی» داده شده بود، برای تربیت دوستان را نقاشی «مجمع الصنایعی» ترتیب داده شاگردانی را آموزش می داد.

آقا حسین قلی (موسیقیدان)

آقا حسین قلی، فرزند آقا علی اکبرخان تارزن ناصرالدین شاه، بین سالهای ۱۲۲۴ تا ۱۲۳۴ خورشیدی متولد شده، وی نخست نزد برادر خود میرزا عبدالله و سپس پیش عمویش آقا غلامحسین به نواختن تار مشغول شد و آنقدر تمرین و ممارست کرد تا استاد مشهور زمان شد. وی و برادرش میرزا عبدالله (پدر احمد عبادی استاد سه تار) هر دو از نوازندگان دربار ناصرالدین شاه بوده اند و فرزند وی استاد علی اکبر شهناز اکنون از استادان بنام تار است.

وفات وی در حدود سال ۱۲۹۴ خورشیدی اتفاق افتاده است.

آقاخان کرمانی

میرزا عبدالحسین خان معروف به میرزا آقاخان

از هنرمندان معروف سده سیزدهم قمری که قلمدان ساز بود. او فرزند آقابابا نقاش و متولد اصفهان است. در کار قلمدان سازی از مشهورترین چهره‌های دوران قاجار بود. همچنین در کار ساختن قاب آئینه و جعبه‌های آرایش زنانه با نقش اندازیهای زیبا مهارت داشت. شیوه تصویرپردازی او بیشتر بر چهره‌پردازی و نشان‌دادن حالتها استوار است. او که با آثار هنرمندان ایتالیا آشنایی داشت، بر روی قلمدانهایش تصویرهایی از حضرت مسیح (ع) و حضرت مریم را نقش می‌کرد. تاریخ قلمدانهای او میان سال ۱۲۳۰ تا ۱۲۷۲ ق است. هنر تصویرپردازی او از نظر ظرافت و ارزش مورد تأیید و ستایش استاد حسین بهزاد قرار گرفت. امضای او در پای کارهایش جمله «یا شاه نجف» است. این هنرمند در هفتادسالگی در اصفهان درگذشت.

آقاهاشم اصفهانی (خوشنویس)

محمد هاشم بن محمد صالح لولوی اصفهانی، معروف به «زرگر» پدر «میرزا محمدعلی محرم» و جد «عبدالوهاب محرم یزدی» شاعر دوره قاجار است. محمد هاشم از استادان مسلم خط نسخ قرن دوازدهم و سیزدهم است و در زمان خود در سراسر کشورهای اسلامی شهرت داشت و حتی در خوشنویسی ممدوح شعرای عصر بود و او را در خط نسخ ردیف عبدالمجید درویش در خط شکسته نهاده‌اند. تاریخ وفات وی معلوم نشد، ولی بین سالهای ۱۱۷۲ و ۱۲۱۲ حیات داشته و آثاری که در موزه‌ها از او بجای مانده معرف قدرت وی در خوشنویسی است.

آقاحسن علی‌شاه، پسر شاه خلیل‌الله از سادات حسینی، پدرش که پیشوای فرقه اسماعیلیه بود و نسب خود را به رکن‌الدین خورشاه آخرین ملوک اسماعیلیه الموت می‌رسانید در سال ۱۲۳۲ ه. در یزد بدست مردم کشته شد و فتحعلی شاه برای دلجویی از کسان وی آقاخان را که پسر بزرگ او بود به حکومت قم و محلات منصوب کرد و یکی از دختران خود را هم به او داد. در سال ۱۲۵۱ ه. از طرف محمدشاه به حکومت کرمان تعیین شد، در سال ۱۲۵۵ در کرمان علم مخالفت برافراشت اما مغلوب شد و به امر محمدشاه به محلات روانه گردید، چندی بعد از محلات به یزد رفت و در آنجا قیام کرد باز شکست



خورد و به کرمان رفت و چون در کرمان هم مغلوب شد در سال ۱۲۵۷ از راه قندهار به هندوستان رفت و تحت حمایت دولت انگلیس قرار گرفت و پیروان بسیار پیدا کرد. بعد از فوت وی، پسرش آقاعلی‌شاه جانشین پدر شد و معروف به آقاخان دوم گردید. بعد از آقاعلی‌شاه، سلطان محمدشاه به عنوان آقاخان سوم مقام پیشوایی اسماعیلیه را احراز کرد و علاوه بر آن به نمایندگی مردم هندوستان در مجمع بین‌الملل و نمایندگی در مجلس شورای ملی انگلستان انتخاب شد. وی در تیرماه ۱۳۳۶ خورشیدی در سن هشتاد سالگی در شهر زنو درگذشت.

و در بیشه را نام برد.

آلفرد کبیر

آلفرد از پادشاهان معروف انگلستان و فرزند ائلولوف بود که در سال ۸۷۱ بر نورمانها پیروز گشت و به جای برادرش ائلرد به سلطنت رسید. نورمانها در بین سالهای ۸۷۶-۸۷۸ به حمله بر ضد آلفرد پرداختند و فتوحاتی نیز نمودند، اما سرانجام در محل ادینگتون فعلی شکست خوردند. آلفرد کبیر اقدامات اصلاحی چند از قبیل دایر ساختن تقویم آنگلساکسون، ترویج علم و دانش در میان کشیشان و اشراف، تدوین برخی قوانین و ایجاد یک نیروی دریایی قوی به عمل آورد.

آلفیری، ویتوریو (شاعر)

شاعر نامی ایتالیاست که در سال ۱۷۴۹ تولد یافت. وی جوانی خود را در هوسبازی و ماجراجویی گذراند و بدون هدف خاص قسمت اعظم اروپا را سیاحت کرد و در ۱۶ سالگی شروع به نوشتن کرد و با روح هیجان و حرارتی که داشت پیایی بیست تراژدی نوشت، که لحن همه آنها بخلاف تراژدی نویسان ایتالیایی قبل از او، جدی و محکم بود. تراژدیهای او مورد پسند فراوان مردم ایتالیا قرار گرفت و آنها را «طلیعه تئاتر ملی» ایتالیا شمردند. در ۱۷۸۸ وی با یک کنتس بیوه ازدواج کرد و این زن بخاطر آلفیری بنایی در کلیسای سانتا کروچه فلورانس ساخت که از شاهکارهای بزرگ حجاری ایتالیا بشمار می‌رود. وی در ادبیات ایتالیا «شاعر تراژدی» لقب گرفته. او در سال ۱۸۰۳ درگذشت. مهمترین آثار وی بدین قرارند: پادشاه و ادبیات، فیلیپ دوم، آنتیگون، آگامنون، ویرجینیا، اوکتاویا و

«حاج میرزا عباسعلی» ملقب به حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار، آخوندی بود از مردم ایروان. او ابتدا آموزگار پسران عباس میرزا منجمله محمد میرزا بود. وقتی محمد میرزا به سلطنت رسید او را با خود به تهران آورد و در سال ۱۲۵۲ هـ. منصب صدارت به او داد و تا پایان سلطنت محمدشاه مدت چهارده سال صدراعظم ایران بود. مردی ساده لوح و بی تدبیر بود.

آکوتاگوا، ریونوسه که

ریونوسوکه آکوتاگوا در اول ماه مارس سال ۱۸۹۲ در محله کاسب نشین پایین شهر توکیو به دنیا آمد. وی سومین فرزند و اولین پسر مردی بود که شغل شیرفروشی داشت.

نه ماهه بود که مادرش به اختلال حواس دچار شد و عاقبت در سال ۱۹۰۲ وفات یافت، از این به بعد تربیت وی را خاله اش به عهده گرفت. در سال ۱۹۱۵ در سن ۲۳ سالگی موفق به گرفتن لیسانس شد و در همان سال داستان معروفش راشومون را نوشت. در دسامبر ۱۹۱۶ در مدرسه مهندسی نیروی دریایی در یوکوسوگا به تدریس مشغول شد و دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۸ ازدواج کرد و سپس شغل دیگری در روزنامه نی شی شمیون گرفت و به توکیو بازگشت. در سال ۱۹۲۱ با چند نویسنده دیگر به چین رفت و از شانگهای و پکن دیدن کرد و در ژوئیه همان سال به ژاپن بازگشت. در اواخر سال ۱۹۲۲ سلامت آکوتاگوا رو به ضعف نهاد و در سال ۱۹۲۶ گرفتار حمله عصبی گشت که مجبور شد به چشمه آب گرم برود. در صبح ۲۴ ژانویه سال ۱۹۲۷ وی را بی جان می‌یابند. مرگ او به سبب افراط در خوردن قرص خواب آور بود.

از آثار او می‌توان کتابهای: آش یام، شهید، ازدها

رازگو، الاعراف، ولادیمیر و زنده‌بگور.

تاریخ زندگانی من.

آمیر، آندره (فیزیکدان)

آندره آمیر در بیست و دوم ژانویه ۱۷۷۵ متولد شد. آمیر از کودکی به ریاضیات علاقه داشت و مقدمات حساب دیفرانسیل و انتگرال را نزد یکی از دوستان پدرش مطالعه نمود. در سال ۱۷۹۳ که پدرش فوت کرد ناراحتی عجیبی او را احاطه نمود بطوری که مدت یک سال طول کشید تا به وضع عادی خود برگشت، در همین هنگام که بیست و یک سال بیش نداشت به عشق دختری بیست و سه ساله گرفتار گردید. در سال ۱۸۰۲ به سمت استاد «بورگ» معین شد و مجبور گردید برای مدتی زنش را ترک کند.



آمیر با اولین اکتشاف خود تحت عنوان «مطالعه تئوری ریاضی بازیهای قمار» در سال ۱۸۰۲ مورد توجه ریاضی‌دانها قرار گرفت و با توجه «دلامبر» در شهر لیون محل اقامت زنش به تدریس مشغول شد. در سال ۱۸۰۳ زنش در اثر بیماری خطرناکی جان سپرد. آمیر با ناامیدی و یأس کامل لیون را ترک کرد و به سمت دانشیار مدرسه پلی تکنیک انتخاب شد. آمیر در پاریس با دیدن دختری به نام «ژان پوتو» تمام غم و اندوه خود را فراموش نمود، ولی کار این ازدواج به جایی رسید که یک روز زنش او را از خانه بیرون کرد. در این موقع آمیر سمت استادی مدرسه

آلن پو، ادگار

ادگار آلن پو در نوزدهم ژانویه سال ۱۸۰۹ در شهر «بوستون» چشم به جهان گشود. زندگی او سراسر ماتم و غم و بیچارگی است و عاقبت نیز همین ناراحتیهای درونی و جسمی او را در جوانی از پای درآورد. در نیویورک به انتشار اشعار خویش دست زد، ولی همچنان گمنام بود. پس از مدتی دبیری مجله‌ای



را عهده‌دار شد، و چندی بعد با دختر عموی خویش پیمان ازدواج بست. زنش در جوانی درگذشت و ادگار آلن پو را در تنگنای دنیایی از وحشت و اضطراب تنها گذاشت. از آن پس به دامن مشروب و الکل پناه برد و آثار خویش را که دنیایی از تلخی و ناکامی و نومیدی است، در چنین وضعیتی بوجود آورد.

در ۱۶ اکتبر سال ۱۸۴۹ هنگامی که بیش از چهل سال نداشت در میخانه‌ای واقع در فیلادلفیا چشم از جهان بریست. آثار پو مملو از ابهام و تیرگی‌های زندگی است.

مهمترین آثار آلن پو عبارتند از: کلاغ، نوشته‌ای که در بطری پیدا شد، آدم کشیهای کوچک بزرگ، داستانهای شگفت‌انگیز، الیوزا، سوسک طلایی، بهلن، اسرافیل، دوزخ، دو قتل، مرگ سرخ، تیمور لنگ، بخواب‌رفته، گر به سیاه، بشکه آمونیتیلادو، قلب

حبیب الله آموزگار فرزند «محمد حسین» در سال ۱۲۶۹ خورشیدی در اصطهبانات فارس دیده به جهان گشود. در پنج سالگی پدرش را از دست داد. در سن ۱۲ سالگی به شیراز رفته به تحصیل علوم پرداخت و مقدمات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را در شیراز فرا گرفته در سال ۱۲۹۰ خورشیدی جهت ادامه تحصیل به تهران آمد. آموزگار در تهران به



جرگه مطبوعات وارد شده و به سردبیری روزنامه «آفتاب» و بعد روزنامه «صدای ایران» و همچنین به مدیریت مجله‌های «رهنما»، «علم و اخلاق» رسید. پس از طی دوره سردبیری، وارد فرهنگ شده و ابتدا به ریاست مدرسه دولتی «ادب» منصوب شد، تا سال ۱۳۰۲ که به سمت ریاست فرهنگ فارس (شیراز) رسید و بدان شهر رفت. او تا سال ۱۳۰۴ خورشیدی به این سمت اشتغال داشت و سپس به «تهران» احضار شد. در زمان وزارت «داور» به وزارت دادگستری انتقال و مشاغل مختلفی را برعهده گرفت. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۹ خورشیدی در وزارت دادگستری مستشاری دیوانعالی کشور را برعهده داشت. قبل از رسیدن به این مقام مشاغلی از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضایی و دایاری و بازرسی عالی تمیز را عهده‌دار بود. آموزگار مدتی نیز صاحب امتیاز مجله «روزنامه آینده» بود. در سال ۱۳۳۰ خورشیدی به وزارت فرهنگ رسید و چند دوره نیز سناتور شد. آموزگار نزدیک به

پلی تکنیک را داشت. امیر در سال ۱۸۰۸ بازرس کل دانشگاه و در سال ۱۸۰۹ استاد آنالیز و مکانیک در پلی تکنیک و در سال ۱۸۱۴ عضو آکادمی علوم معین گردید. نام امیر با اکتشافات اساسی او درباره معادلات با مشتق جزئی، در ردیف بزرگترین دانشمندان اروپا قرار گرفته است. در سال ۱۸۲۰ بود که مقاله «ژان کریستیان اورستد» درباره روابط الکتریسته و مغناطیس به زبان لاتین منتشر شد. امیر با مطالعه این مقاله بیشتر وقت خود را صرف این مسأله نمود. روز هیجدهم سپتامبر امیر اولین اکتشاف خود را درباره مغناطیس الکتریکی اعلام کرد. امیر شدت جریان را تشخیص داد و وسیله‌ای برای اندازه‌گیری آن معین نمود.

امیر موفق به تهیه پروژه‌ای برای تلگراف الکتریکی گردید و با اکتشافات خود روز بروز بنای الکترودینامیک را مستحکم می‌نمود.

امیر با اکتشافات خود توانست افتخار جهانی کسب کند، به طوری که در سال ۱۸۸۱ که کنگره بین‌المللی الکتریسین‌ها واحد جریان الکتریسیتیه را امیر نامیدند نام او وارد تمام زبانها گردید. امیر در پانزدهم ژوئن ۱۸۳۶ در شصت و یک سالگی درگذشت.

آملی

شمس‌الدین محمدبن محمود آملی، از علماء ایران، در زمان سلطان محمد خدابنده در مدرسه سلطانیه تدریس می‌کرد، در آخر از سلطانیه به شیراز رفت و به سال ۷۵۳ هـ. در آن شهر وفات یافت. وی در علوم و فنون مختلف استاد بوده، از آثار او کتاب نفائس الفنون و شرح کلیات قانون ابوعلی سینا است.

آموزگار، حبیب‌الله

سلطنت، ملکه ماری آنتوانت زنان پیر درباری را از مقام رسمی خود برکنار کرد و به تجمل و اصراف و تلف نمودن خزانه دولت پرداخت.

مردم او را بانوی کسر بودجه لقب داده بودند. این ولخرجیها و بی بندوباریها سبب انقلاب کبیر فرانسه که از دیرباز جرقه آن درخشیده بود گشت و در جریان این انقلاب به وسیله گیوتین اعدام گشت. تاریخ مرگ وی ۱۷۹۳ می باشد.



آندرسن، هانس کریستین (نویسنده)

نویسنده و داستانسرای بزرگ دانمارکی در سال ۱۸۰۵ در اودنس یکی از شهرهای دانمارک در خانواده‌ای فقیر و تهیدست چشم به جهان گشود. پدرش کفاش فقیری بود که در جوانی درگذشت و ناچار مادرش با انجام دادن کارهای مختلف از قبیل رخت شویی و ظرف شویی زندگی خود و فرزندش را تأمین می نمود.

آندرسن از همان کودکی قیافه‌ای زشت و کریه داشت و مورد تمسخر همسالان خویش قرار می گرفت. این تحقیر در روحیه او بشدت اثر کرد و بعدها یکی از آثارش به نام «اردک زشت» را وصف حال خویش قرار داد. از مدرسه بیزار بود و با همان سواد کمی که داشت کتابهای زیادی مطالعه کرد و می خواست که تراژدی نویس گردد. در سال ۱۸۱۹

۲۰ جلد کتاب و همچنین چند کتاب درسی تألیف نمود. برخی از آثار وی عبارتند از:

آموزش و پرورش، ابومسلم خراسانی، اصلاحات اجتماعی، تاریخ اسلام، جهان و روح آفرینش، راهنمای تربیت یا اصول تعلیم و ترجمه، زن در جامعه، صرف عربی، عالم ارواح، فرهنگ فارسی آموزگار، فلسفه روحی، لغت عربی به فارسی آموزگار، ملکه اسلام، منطق آموزگار، نحو عربی و عمده النحو.

آنتوان (مارک)

یکی از سرداران روم، در ۴۳ ق.م. به اتفاق اکتاویوس و لپیدوس دومین اتحاد سه گانه را تشکیل داد. به جنگ مصر رفت و در آنجا به دام عشق کلئوپاترا ملکه مصر افتاد. با سپاه بسیار عازم ایران شد و از فرهاد چهارم اشکانی شکست سختی خورد. در ۳۱ ق.م. در آکسیوم با اکتاویوس جنگ کرد و منهزم گردید و خود را کشت.

آنتوانت، ماری

نهمین فرزند «ماری ترز» امپراتریس اتریش است که در سال ۱۷۵۵ در شهر وین دیده به جهان گشود. وی زیر دست مادرش تعلیم و تربیت سختی یافت. ماری ترز قصد داشت دختر خود را به ازدواج پادشاه فرانسه درآورد و به همین منظور او را پرورش می داد. سرانجام ماری آنتوانت به عقد ولیعهد فرانسه نوه لویی پانزدهم درآمد در حالی که بیش از ۱۵ سال از سنش نمی گذشت و ازدواج آنها مصلحتی بود میان دو کشور اتریش و فرانسه. مادام دوپاری معشوقه لویی پانزدهم از همان اوان نسبت به او نفرت شدیدی داشت و ولیعهد نیز هرگز به همسر خود رویی نشان نمی داد. پس از جلوس لویی شانزدهم به تخت

برادر خود روبرت شرلی و ۲۵ نفر همراهان خود به ایران آمد و در دربار تقرب یافت و شاه عباس او را مأمور کرد که همراه سفیر ایران به اسپانیا برود و موجبات استقرار روابط دوستی ایران و اسپانیا را فراهم سازد، آنتونی در میان راه جواهرات و هدایای گرانبهایی را که شاه عباس برای پادشاه اسپانیا و بعضی دیگر از سلاطین اروپا فرستاده بود ربود و فرار کرد.

آنتیستن

آنتیستن در حدود سال ۴۴۴ قبل از میلاد متولد شد و گویا مادرش يك برده از اهالی «قریژی» بوده است.

ابتدا در مکتب سوفسطائیان علم بحث آموخت، لیکن بعدها از شاگردان سقراط شده و برای حاضر شدن در جلسات درس او راه زیادی را می‌پیموده است.

آنتیستن در فلسفه معتقد به تقواست و آن را تنها راه رستگاری انسانها می‌داند. شهرت را نابودکننده انسان، و اراده برای تسلط امیال وجودی را برای همه لازم می‌داند. مرگ او ظاهراً بعد از سال ۳۷۱ قبل از میلاد اتفاق افتاده است.

آندروپوف، یوری

یوری آندروپوف در سال ۱۹۱۴ به دنیا آمد. وی تا هنگام مرگش عهده‌دار مشاغل و مسؤولیتهای زیر بود:

- ۱- دبیر اول سازمان جوانان کمونیست یارسالوف (۱۹۳۸-۱۹۴۰)
- ۲- عضو رسمی حزب کمونیست شوروی (۱۹۳۹)
- ۳- دبیر دوم حزب کمونیست جمهوری «کارلوی» شوروی
- ۴- سفیر شوروی در

هنگامی که چهارده سال بیش نداشت راه کپنهاک را پیش گرفت و در آنجا با زحمات زیاد در تئاتر سلطنتی کاری پیدا کرد و به بازی مشغول گشت و چون در آنجا او را بسیار با استعداد یافتند، به ترقی او همت گماشتند، و مدیران تئاتر به خرج پادشاه مقدمات تحصیل او را فراهم آوردند. او بزودی دبیرستان و سپس دانشگاه را به پایان رسانید. پس از مدتی بنوشتن رمانهای مختلف دست زد، و چون موفقیت چندانی کسب نکرد تصمیم به نوشتن يك سری داستانهای کودکانه به صورت ادبی گرفت و در این کار آنچنان موفق شد که شهرتش عالم گیر گردید.



در ۱۸۴۶ سفری به اروپای مرکزی نمود و مورد تقدیر و استقبال بی نظیر مردم واقع گردید. آندرسن در سال ۱۸۷۵ در سن هفتاد سالگی هنگامی که یکی از بزرگترین نویسندگان زمان خویش بود در شهر کپنهاک درگذشت. آثار آندرسن بیشتر بصورت قصه‌ها و افسانه‌هایی است که او در کودکی شنید و به نثری بسیار جالب آنها را از بهترین آثار ادبیات جهان نموده است. از قصه‌های معروف او می‌توان: سوزن، سرباز دلیر سربی، لباس تازه امپراطور، پری دریای، دخترک کبریت فروش و جوجه اردک زشت را نام برد.

آنتونی شرلی

مردی انگلیسی که در زمان شاه عباس کبیر با

مشاهیر

گردید. پس از تحصیلات مقدماتی و عالی به استادی دانشسرای دختران در رشته سبک‌شناسی رسید و خیلی زود کار ادبی خویش را آغاز کرد. اولین اثر خویش را تحت عنوان «درد مطبوع» منتشر ساخت و بدین ترتیب شروع به نوشتن نمود. ابتدا سبک «وریسم» را در ادبیات پیشرو خویش قرار داد و این سبکی بود مملو از طعن و کنایه و بدبینی.



پیر آندلو مدتهای زیادی با این فکر چیز می‌نوشت ولی بعدها تغییر روش داد و در افکار خویش اعتدالی قابل تحمل بوجود آورد. در سال ۱۸۹۷ به استادی دانشگاه «رم» برگزیده گشت و تا سال ۱۹۲۱ در این مقام باقی ماند. پیر آندلو سال ۱۹۳۶ بدرود حیات گفت.

بعضی از آثار پیر آندلو از این قرار است:
عشق بی‌دلستگی، درد مطبوع، سفیدها و سیاهی‌ها، مسخره مرگ و زندگی، نوبت، بذله‌گویی مرحوم ماتیاپاسکال، زمان، زن مطرود و هانری چهارم.

آواگاردنر (بازیگر سینما)

متولد ۲۴ ژانویه ۱۹۲۲ در اسمیتفیلد نیویورک. یکی از شش فرزند دهقانی فقیر بود که دوران کودکی‌اش سخت و ناشاد سیری شد. نخستین فیلمی که در آن نقش کم‌اهمیتی داشت، «ما

مجارستان (۱۹۵۳-۱۹۵۷) ۵- مسئول روابط حزب کمونیست شوروی با سایر احزاب کمونیست جهان (۱۹۵۷-۱۹۶۲) ۶- رئیس کمیته امنیت دولتی (ک.گ.ا.ب) ۷- عضویت در دفتر سیاسی حزب کمونیست (۱۹۷۳) ۸- دبیرکل حزب کمونیست



شوروی (در پی مرگ برژنف در نوامبر ۱۹۸۲) ۹- رئیس جمهور شوروی تا تاریخ وفات. به‌دنبال مرگ آندریوف در سال ۱۹۸۴، کنستانتین چرنینکو، پست دبیرکلی حزب را برعهده گرفت.

آنکتی دوپرون

خاورشناس معروف فرانسوی که در سال ۱۷۲۳ میلادی به دنیا آمد. او برای پیداکردن کتاب اوستا در سال ۱۷۵۴م. به هندوستان رفت و یک نسخه آن را به‌دست آورد، بعد زبان زند را آموخت و کتاب اوستا را به زبان فرانسه ترجمه کرد. او نخستین کسی است که این کتاب را ترجمه کرده و اطلاعاتی راجع به آن انتشار داد. آنکتی دوپرون در سال ۱۸۰۵ وفات یافت.

آندلو، لوئیجی پی‌یر (نویسنده)

از نویسندگان بنام ایتالیا در قرن بیستم به‌سال ۱۸۶۷ در سیسیل جزیره‌ای نزدیک ایتالیا متولد

می‌رقصیدیم» (۱۹۴۲) نام دارد. ازدواج وی در همین سال با میکی‌رونی، سال بعد به جدایی انجامید. سینماورها او را در سال ۱۹۴۶ کشف کردند، زمانی که با بازیگر تازه‌کاری دیگر به نام برت‌لنکستر، در اقتباس از نوول ارنست همینگوی «آدمکشها» همبازی شد. با بازی در «بارقه‌ای از ونوس» (در ایران: ملاقات با ونوس، ۱۹۴۷) «ونوس هالیوود»



لقب گرفت و از این پس با نامدارترین ستارگان مرد دوران خود همبازی شد و سرانجام در بهترین نقش دوران سینمایی‌اش «ماریا وارگاس» در برابر همفری بوگارت در «کنتس پابرهنه» (۱۹۵۴) ظاهر شد. گذرگاه کاساندر (۱۹۷۷) و شهری در آتش (۱۹۷۹) آخرین فیلمهایی است که از او در ایران به نمایش درآمد. او در ژانویه ۱۹۹۰ در یکی از بیمارستانهای لندن درگذشت.

آهی، مهری (مترجم)

خانم مهری آهی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه ژاندارک تهران به پایان رسانید و به سال ۱۳۳۰ در رشته زبان و ادبیات فارسی به گرفتن لیسانس از دانشگاه تهران توفیق یافت. در سال ۱۳۱۱ همراه پدر خود که به سفارت کبرای ایران در اتحاد جماهیر شوروی منصوب شده بود عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسف مسکو به

تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ برای ادامه تحصیلات خود در این رشته به انگلستان و فرانسه مسافرت نمود و پس از مراجعت تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران به عهده وی واگذار گردید. دکتر آهی که از زنان برگزیده کشور ماست، گذشته از زبان روسی که از کودکی از مادر خود آموخته است به زبانهای فرانسه و انگلیسی و ادبیات این زبانها آشنایی کامل دارد. از ترجمه‌های وی مجموعه‌ای از قصه‌های آندرسن، پدران و پسران، قهرمان عصر ما و جنایت و مکافات را می‌توان نام برد.

آیتی، عبدالحسین [آواره]

عبدالحسین آیتی فرزند حاج شیخ محمد مشهور به «حاج آخوند» از روحانیون مشهور یزد در سال ۱۲۸۸ قمری در تفت یزد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه به پایان برد و در ۱۵ سالگی به یزد رفته و دوره صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را تکمیل نمود. پس از فوت پدرش که از روحانیون بلندپایه یزد بود، در سال ۱۳۱۱ قمری به تقاضای اهالی یزد بر مسند پدر نشست و امامت دو مسجد و حل و عقد امور شرعی مردم را عهده‌دار شد. در سی سالگی به مسلک بهائیت گروید و این عقیده را در حدود بیست سال حفظ کرد و پس از آن دوباره به آیین اسلام گروید. عبدالحسین آیتی هنگامی که بهائی بوده کتاب «کواکب الدریه فی مآثر البهائیه» را در دو جلد نگاشته که شرح پیدایش بهائیت است. عبدالحسین آیتی پس از فوت «عبدالها» پیشوای بهائیان در سال ۱۳۴۰ قمری به همراه جمعی دیگر از بهائیان، دوباره مسلمان شد و از آیین بهائیت روی گرداند. او پس از اسلام آوردن کتاب

۱۲۹۹ «رضاخان» آیرم مورد توجه و علاقه سردار سپه قرار می‌گیرد و مدتی به عنوان فرمانده بریگاد مستقل شمال در رشت به خدمات نظامی می‌پردازد، و سپس به جای سرلشکر «امیرطهماسبی» که مورد سوءظن سردار سپه قرار گرفته بود امیرلشکر آذربایجان می‌شود. آیرم در آذربایجان اعمالی انجام می‌دهد که مورد خشم و نفرت عمومی قرار می‌گیرد از آن جمله وی در عاشورای سال ۱۳۰۴ خورشیدی برخلاف معتقدات مذهبی مردم با چند زن بدکاره به استخر شاهگلی تبریز رفته و پس از میخوارگی و الواطی، زنها را برهنه کرده و به استخر می‌اندازد. این تظاهرات مستانه و بی‌ادبانه موجب می‌شود که «آیت‌الله انگجی» پیشوای دینی اهالی تبریز سر خشم آمده و شورش را بر علیه او پدید می‌آورد. آیرم در سال ۱۳۰۶ خورشیدی رئیس بازرسی ارتش شد و پس از آن در سال ۱۳۰۹ عازم اروپا گردید.



پس از مراجعت از اروپا ابتدا به اشاره رضاشاه به ریاست بازرسی پلیس منصوب و پس از مدت کوتاهی به جای سرتیپ «صادق کوپال» رئیس کل شهربانی رضاخان می‌شود. او در تشکیلات پلیس صاحب قدرت مطلقه و بلامنازع گردید و از ارکان قدرت شاه به‌شمار می‌رفت و در دولت شاه هیچکس از او نیرومندتر نبود.

آیرم در اروپا نیز مورد توجه آلمان فاشیستی قرار گرفت، مخصوصاً در شهریور ۱۳۲۰ که کشور ما از

«کشف‌الحیل» را در سه جلد در رد بهائیت نگاشت. خود درباره این کتاب می‌گوید: «دو جلد کتاب کشف‌الحیل طبع تهران در رد بهائیت که اگر چه با قلم زهرآگین و تند و تلخ نگاشته شده ولی يك كلمه بی‌حقیقت و متزلزل و شبهه‌ناک در آن گنجانیده نشده بلکه افتضاحات فزون از شماری دارند که عفت قلمی و مقتضیات محیط مانع از ذکر آن بوده است.» عبدالحسین آیتی سرانجام پس از عمری پرماجرا در سال ۱۳۳۲ خورشیدی، ضمن سفری که به تهران کرده بود بیمار گشت و رخت به سرای دیگر کشید و جنازه او در قم به خاک سپرده شد.

تعدادی از آثار او عبارتند از:

آتشکده یزدان - تاریخ یزد، اشعه حیات، تاریخ فلاسفه، انشاء عالی یا چهار فصل آیتی، چکامه شمشیر، فرهنگ آیتی در لغت، خردنامه، روش نگارش یا موضوع نویسی، سیاحت‌نامه دکتر ژاک آمریکایی، کتاب نبی یا قرآن فارسی، گفتار آیتی، الکوآکب الدریه فی مآثر البهائیه، کشف‌الحیل، ملکه عقل و عفريت جهل، نغمه دل و هوگوی ایرانی یا نخستین پرواز بشر.

آیرم، محمدحسین [سرلشکر]

سرلشکر محمدحسین آیرم در حدود سال ۱۲۶۱ خورشیدی متولد شده، وی فرزند یکی از ایرانیان مهاجر قفقازی (اهل شهر ایروان) است. تحصیلات خود را در تهران و روسیه به پایان برده و سپس وارد شغل سپاهیگری شده و در سال ۱۲۸۰ خورشیدی مأمور دسته پیاده دیویزیون قزاق می‌گردد. در سال ۱۲۹۱ خورشیدی به درجه سرهنگی رسیده و سپس افسر ستاد مرکزی دیویزیون قزاق می‌شود. در سال ۱۲۹۷ به سبب داشتن روابط نامشروع با زنی، دچار بدنامی گشته و از کار برکنار می‌شود. پس از کودتای

آیزنهاور، دوايت ديويد

رئيس جمهور سابق ايالت متحده آمريكا، متولد سال ۱۸۹۰، فارغ التحصيل دانشكده آيكن و آكادمی نظامی ایالات متحده در سال ۱۹۱۵ با درجه ستوان دومی در ارتش آمریکا در قسمت توپخانه خدمت می نمود و به تدریج درجات ابتدایی ارتش را گذراند و در سال ۱۹۴۴ به درجه ژنرال رسید. بین سالهای ۱۹۳۳ الی ۱۹۳۵ ریاست ستاد ارتش آمریکا را داشته و بعد در سال ۱۹۳۵ به عنوان مشاور



نظامی در فیلیپین برگزیده شد.

در جنگ دوم جهانی آیزنهاور شهر برلن را فتح کرده پس از طی يك دوره درجات و پستهای مهم نظامی در سال ۱۹۴۸ به ریاست دانشگاه کلمبیا انتخاب شد و تا سال ۱۹۵۳ در این پست باقیماند. از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۵۲ فرماندهی کل دول متحده را در اروپا داشت. در سال ۱۹۵۲ از ارتش کناره گرفت و در ژانویه سال ۱۹۵۳ به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا برگزیده شد. در سال ۱۹۵۶ مجدداً به این سمت انتخاب شد و در ژانویه سال ۱۹۵۷ رسماً بکار پرداخت.

وی کتابی نیز به نام «جنگ صلیبی در اروپا» به رشته تحریر درآورده که در سال ۱۹۴۸ منتشر شده است. آیزنهاور در سال ۱۹۶۹ بدرود حیات گفت.

طرف قوای بیگانه به اشغال درآمد، آیرم رسماً تحت حمایت پلیس «اس.اس» و شخص «هیملر» قرار گرفت.

از آنجایی که آیرم نتوانست کادر تشکیلاتی منظمی ساخته و خواسته های آلمانیها را که عمدتاً عبارت بود از خرابکاری در داخل ایران بر علیه قوای متفقین، برآورده سازد، مورد سوءظن مقامات آلمان قرار گرفته و بازداشت می گردد و چند ماه قبل از پایان جنگ و ورود قوای متفقین به خاک آلمان، از زندان مرخص می شود.

پس از تسلیم آلمان در جنگ و ورود متفقین به آلمان، آیرم به یکی از روستاهای مرزی آلمان به نام «ول کنشتین» رفته و تبعه آن امیرنشین می گردد، و سرانجام در همانجا می میرد.

آیرون ساید، ویلیام

این ژنرال انگلیسی در آغاز جنگ جهانی دوم رئیس ستاد ارتش بود ولی به دنباله عقب نشینی



نیروهای کشورش از دونکرك، فرمانده نیروهای داخلی گردید. وی در سال ۱۹۲۱ در ایران در برنامه انگلیس ها علیه بلشویک ها شرکت مؤثری داشت. ژنرال آیرون ساید یکی از بانیان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبائی بود. وی در سال ۱۹۵۹ درگذشت.

اباقاخان

دومین پادشاه مغول ایران از ۶۶۳ تا ۶۸۰ هـ. وی با هلاکو پدر خود به ایران آمد و پس از مرگ پدرش بزرگان مغول او را به پادشاهی انتخاب کردند و در مراغه به تخت سلطنت نشست، بعد شهر تبریز را پایتخت کرد و در آبادی آن کوشید. نسبت به عیسویان محبت بسیار داشت. بعد از هفده سال و چند ماه سلطنت در اثر افراط در پادشاهی مسموم شد و مرد. خواجه شمس‌الدین جوینی وزیر او بود. بعد از وی برادرش احمد تکودار جانشین او شد. او را آباقا و اباقان و ابقاآن و ابقاخان نیز گفته‌اند.

ابان بن سعید بن العاص

از اصحاب پیغمبر اکرم (ص) بوده است. وی به پیروی از خاندان رسالت از بیعت کردن با ابوبکر خودداری نمود، و فقط هنگامی که ایشان بیعت کردند او هم بیعت کرد. در کتاب أسد الغابة چنین آمده: «و خالد و برادرش ابان از بیعت ابوبکر تن زدند، و به بنی‌هاشم گفتند: شما درختان بلندبالا و صاحبان میوه‌های پاکیزه‌اید، و ما پیرو شما هستیم. پس چون بنی‌هاشم با ابوبکر بیعت کردند، خالد و ابان نیز بیعت نمودند».

آبان بن عثمان بَجَلی

ابوعبدالله (م ۲۰۰ق) معروف به الاحمر، از فقها و محدثین و شعرای شیعه و مورخ و عالم به ایام و انساب عرب. او از اصحاب و راویان اخبار امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بود. علمای امامیه در صحت روایات او اجماع نموده و هر روایت را که او صحیح شمرده دیگران هم در صحت آن شك

مشاهیر

نمی‌کنند. بعضی علمای رجال آورده‌اند که ابان بعد از رحلت امام صادق (ع) ناووسی شد و مرگ آن حضرت را انکار نمود.

وی علاوه بر مقام ممتازی که در فقهت و حدیث داشت محقق و نویسنده و ادیب و شاعر بود. به علاوه حافظه‌ای چنان قوی داشت که هر کتاب را با یکبار خواندن از بر می‌کرد و بدون يك حرف پس و پیش آن را تکرار می‌نمود. ابوعبیده معربن مثنی لغوی و ابوعبدالله محمد بن سلام جمعی از جمله شاگردان او بودند. وی اهل کوفه بود و گاه در کوفه و گاه در بصره زندگی می‌کرد. تألیف بزرگ و سودمندی که به او نسبت داده‌اند کتاب المبتداء و المغازی و الوفاة و الردة در سیره رسول الله (ص) است.

ابراهیم ادهم

ابواسحق ابراهیم بن ادهم، یکی از مشایخ صوفیه ایران در قرن دوم هجری، از مردم بلخ و مردی پرهیزکار و پارسا بوده است. پس از تصوف به شامات سفر کرد و در آنجا تا هنگام مرگ کار کرد و از دستمزد خود زندگانی می‌کرد. در سال ۱۶۰ هـ. در جنگ میان مسلمانان و امپراتوران بیزانس کشته شد. می‌گویند وی پادشاه یا پادشاهزاده بوده و از سلطنت کناره‌گیری کرده به انزوا و عبادت پرداخت.

ابرهه

ابرهه بن صباح مکنی به ابویکسوم و ملقب به اشرم و صاحب الفیل، مردی حبشی که در قرن ششم میلادی حکمران یمن بود، به قصد خراب کردن کعبه به مکه لشکر کشید و سپاه او به واسطه سنگریزه‌هایی که طیر ابابیل فروریختند هلاک شدند. گویند هنگامی که ذونواس در یمن فرمانروایی داشت چون مسیحیان

از زمان کودکی در بغداد بوده است و از همان سنین ۱۵ و ۱۶ سالگی در محضر علما و بزرگان مشهور بغداد که بیشتر آنها شافعی مذهب بوده اند حضور داشته است و در محافل علمی و ادبی شرکت می‌جسته است.

مهمترین اثر ابن ابی‌الحدید کتاب شرح نهج البلاغه اوست که از کتب مهم و معتبر ادبی و تاریخی و کلامی است و از همان زمان تألیفش شهرت یافته و محل مراجعه و استفاده دانشمندان قرار گرفته است. بر نهج البلاغه شرح متعددی نوشته شده است که مهمترین و مفیدترین آنها همین شرح است که در ۲۰ جزء است.

ابن بابویه

شیخ المشایخ و ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، ملقب و یا مشتهر به شیخ «صدوق» یکی از برجسته‌ترین علمای فقه اسلامی و از پاکبازترین رهروان طریق عرفان است.

علم و عرفان، احساس و معنی، درک و اندیشه، جهان پاک‌بینی و زهد و طهارت، تقدس و پارسایی همه یکجا در وجود او گرد آمده. وی یک عالم ربانی در عین حال شیفته عرفانی است، که از مرز سده‌ها می‌گذرد و گذشت قرون و اعصار را بر دریافته‌های او راه نیست و از این سوی منطق او در توجیه اصول مذهب شیعه، شگفت‌آور، روشن و عمیق و «کامل و کافی» است.

تالیفات عدیده وی را، اعم از رساله و کتاب بالغ بر سیصد جلد ذکر کرده‌اند که از آن میان کتاب بزرگ و معروف او «اتمام النعمه اثبات العینیه» استادی این نابغه دانش و معنی را در شناخت احساس و مکارم آدمی، حق و قدرت نامتناهی و لایزال حق را می‌نمایاند. این اثر بازگویی شگفت‌آور

را شکنجه و عذاب می‌کرد و هرکس را که حاضر نمی‌شد به مذهب یهود درآید می‌کشت و یا در آتش کیاب می‌کرد، پادشاه حبشه ابرهه را که از مردان حبشی بود با سردار دیگری به نام ارباط به جنگ ذونواس فرستاد، سپاهیان حبشه ذونواس را شکست دادند و ذونواس خود را به دریا انداخت و هلاک شد، سپس ابرهه ارباط را کشت و خود فرمانروای یمن گردید، آنگاه درصدد برآمد که در شهر صنعا پایتخت یمن کلیسای بزرگی بنا کند و عربهایی را که به زیارت کعبه می‌رفتند به جانب صنعا و زیارت کلیسا متوجه سازد، اما عربها مخالفت کردند و عربی پنهانی داخل کلیسا شد و آن را ملوث کرد. ابرهه خشمگین شد و سوگند یاد کرد که خانه کعبه را ویران کند، پس با گروهی از سپاهیان و پیلان جنگی به سوی مکه حرکت کرد و همین که خواست وارد مکه شود پرندگان کوچکی موسوم به ابابیل دسته دسته به سپاهیان حبشی حمله کردند و سنگریزه‌هایی را که یکی به منقار و دوتا به چنگ گرفته بودند بر سر حبشی‌ها فرو ریختند و آن سنگریزه‌ها به هرکس اصابت کرد هلاک شد و آن سپاه بزرگ درهم شکست. عربها آن سال را سال فیل و آن سپاه را اصحاب الفیل نامیده‌اند، در قرآن نیز به این واقعه اشاره شده است.

ابن ابی‌الحدید

عزالدین عبدالحمید (۵۸۶-۶۵۶ق) فرزند ابوالحسن هبة‌الله بن محمد بن ابی‌الحدید المدائنی، دانشمند و ادیب و متکلم و فقیه و شاعر که عمده شهرت و معرفیت او به جهت شرح مفید و مبسوطی است که بر کتاب نهج البلاغه نوشته است و مجموعه عظیمی از ادب و تاریخ و کلام و فرهنگ اسلامی است. بنا به گفته‌های متعدد خود ابن ابی‌الحدید او

۲۴ سال بود. در سال ۷۷۹هـ. در مراکش بدرود حیات گفت درحالی که تقریباً تمام ربع مسکون آن عصر را سیاحت کرده بود.

ابن بواب (خوشنویس)

ابوالحسن علی بن هلال پدرش دربان القادر بالله خلیفه عباسی و خود وی از نزدیکان القادر و یا به قولی از ملازمان بهاءالدوله دیلمی بوده و بمناسبت شغل پدرش به ابن البواب معروف شده است.

ابن بواب از دانشمندان و ادیبان عصر بود ولی حسن خط وی بر سایر فضایل او برتری داشت. وی در اقلام بجای مانده از زمان ابن مقله، تصرفات کرد و قواعد تازه در خوشنویسی آورد. گویند ابن بواب ۶۴ قرآن استنساخ کرده است.

مرگ وی در سال ۴۲۳ هجری اتفاق افتاد.

ابن جوزی

ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابوالفضائل جمال الدین بغدادی، منسوب به فرضة الجوز بغداد، از دانشمندان معروف، در علوم فقه و فلسفه و طب و تاریخ دست داشته، در سال ۵۰۸هـ. در بغداد متولد شده و در سال ۵۹۷هـ. در همان شهر وفات یافت. کتب بسیار در علوم مختلفه نوشته است از آن جمله کتاب المنتظم فی تاریخ الامم و کتاب اخبار البرامکه.

ابن حجر عسقلانی

شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی عسقلانی، از علماء و ائمه سنت، در علوم ادب و لغت نیز تبحر داشته، مدت ۲۱ سال قاضی القضاة مصر بود. تعداد تألیفات و تصنیفات او را متجاوز از ۱۵۰ مجلد

واقعیات عینی و جوهر جماد است.

نثر او بی پیرایه و کم نظیر، فصیح و تابناک است، که حتی عوام نیز می توانند از جهاتی معنی مختصری درخور فهم دریابند.

وی در این کتاب از جلوه واقعیتها می گذرد و با بینایی شگرفی به فراسوی واقعیات می رسد.

«ابن بابویه» به سال ۳۸۱ (با استناد به قول معتبرترین تذکره نویسان) چشمان تیزبین از جهان فرو بسته است و اگر بپذیریم که زندگی هفتاد و یکساله او (که اغلب محققین ذکر کرده اند) مستند است، وی به سال ۳۱۰ هجری در شهر قم پای به عرصه گیتی نهاد.

ابن بطوطه (سیاح)

شرف الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله طنجی، جهانگرد و جغرافی دان معروف عرب، در سال ۷۰۳هـ. در شهر طنجه متولد شد. در سن ۲۱ سالگی شروع به جهانگردی کرده از شمال آفریقا و مصر و شام و فلسطین تا مکه رفته و از عراق عرب به ایران آمده، در سفر دوم مجدداً به مکه رفته و مدت دو سال از ۷۲۹ تا ۷۳۰ در آنجا اقامت کرد. در سفر سوم جنوب عربستان و مشرق آفریقا و سوریه و آسیای صغیر و خوارزم و بخارا و افغانستان و هندوستان و هندوچین را سیاحت کرده و در سال ۷۴۸هـ. به عربستان برگشته، در این مسافرت مدت دو سال در دهلی و یک سال و نیم در مالدیو اقامت کرده، در سفر چهارم از مصر به مکه رفته و از آنجا به شمال آفریقا سفر کرده و از سال ۷۵۳ تا ۷۵۴هـ. در سودان به سیاحت پرداخت. سپس به مراکش مراجعت کرده و سیاحت نامه ای به نام تحفة النظار و غرائب الامصار و عجائب الاسفار نگاشته که مشهور به رحله ابن بطوطه است. مجموع مدت مسافرت و سیاحت او

گفته اند، از آن جمله کتاب انباء الغمر فی ابناء العمر و البدایة و النهایة فی التاریخ. در سال ۷۷۳هـ. متولد و در سال ۸۵۲هـ. در قاهره وفات یافته است.

ابن حزم

ابومحمد علی بن احمد اندلسی، از علماء معروف، اهل قرطبه، اصلاً از فارس بوده، در سال ۳۸۴هـ. در شهر قرطبه متولد شد. در علوم شرعیه تبحر یافته، تألیفات بسیار در فقه و حدیث و ادب داشته و تعداد تألیفات او را در حدود چهارصد مجلد گفته اند. در سال ۴۵۶هـ. وفات یافته، از تألیفات او الفصل بین اهل الاهواء والنحل، جمهرة الانساب و الاحکام فی اصول الاحکام را می توان نام برد.

ابن حوقل

ابوالقاسم محمد بن حوقل، از علماء معروف جغرافی، در بغداد متولد شده، در سال ۳۳۱هـ. از بغداد به قصد سیاحت دنیا حرکت کرده و مدت ۲۸ سال در ممالک اسلامی مشغول سیاحت بوده و نقشه ها و اطلاعاتی از اوضاع و احوال ممالک مختلفه فراهم آورده و در کتاب خود «المسالک و الممالک» درج کرد. کتاب جغرافیای ابوزید بلخی را که اصطخری تهذیب کرده بود بار دیگر تصحیح کرد. کتاب المسالک و الممالک او به زبان های مختلف ترجمه شده و متن آن در لیدن چاپ شده است.

ابن ربن طبری

ابوالحسن علی بن سهل بن ربن طبری از پزشکان عالیقدر و مشهور اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم هجری است. گذشته از پزشکی در ادب و

حکمت و منطق و علوم طبیعی نیز استاد بوده است. ابن ربن مدتی در خدمت «مازیار بن قارن» بود، سپس به دستگاه خلفای عباسی راه یافت و نزد «الواتق و المتوکل» قدر و منزلتی پیدا کرد.

از آثار مهم او «فردوس الحکمه» است. روشی که در این کتاب به کار رفته بسیار منطقی است و بعدها دانشمندان بزرگ مانند ابن سینا نیز این روش را به کار بسته اند. فردوس الحکمه شامل تمام اطلاعات طبی زمان است و در آن از اطلاعات پزشکان بزرگ گذشته مانند جالینوس و بقراط و اطباء بزرگ هندی و نیز از آثار پزشکان نزدیکتر مانند «حنین بن اسحق» استفاده شده است. در مقدمه کتاب بحث مفصلی درباره علوم طبیعی زمان شده و از مسایل مهمی مانند «کون و فساد» و فعل و انفعال و تأثیر اقلیم و آب و هوا و بسیار مطالب دیگر سخن رفته است. ابن ربن کتابهای دیگری در طب و داروسازی و غیره داشته است که از میان آنها کتاب «حفظ الصحه» و «کتاب الدین والدوله» را می توان نام برد.

ابن خردادبه

عبیدالله بن احمد بن خردادبه، از علماء معروف ایران در دوره خلفاء عباسی، در اوایل دوره متوکل می زیسته، کتاب المسالک و الممالک را در حدود سال ۲۳۲هـ. تألیف کرد. او را اولین جغرافیای نویسن بزرگ بعد از ظهور اسلام دانسته اند. وفاتش در حدود سال ۳۰۰هـ. بوده. کتاب المسالک و الممالک او به فرانسه ترجمه و چاپ شده است.

ابن خلدون

ولی الدین ابوزید عبدالرحمن بن محمد، از دانشمندان معروف عرب، در سال ۷۳۲هـ. در تونس

۲۲۳هـ. در بصره متولد شده و در همان شهر تحصیل علوم کرد. در سال ۲۵۷ به فارس رفت و به دربار آل میکال پیوست و به ریاست دیوان منصوب شد. در سال ۳۰۸ به بغداد رفت و خلیفه برای او مستمری برقرار ساخت. از آثار وی کتاب الجمهره است در لغت عرب، قصیده مفصلی هم دارد که به مقصود این درید معروف است و عده‌ای از ادباء شرحها بر آن نوشته‌اند. در سال ۳۲۲هـ. در سن ۹۹ سالگی در بغداد وفات یافت.

ابن رشد

محمد بن احمد بن رشد اندلسی فیلسوف شهیر اسلامی در سال ۱۱۲۶ در اسپانیا زاده شد. تحصیلاتش در رشته‌های حقوق و پزشکی بود و مدتها نیز در شهرهای «سویل» و «قرطبه» به کار قضاوت اشتغال داشت. او به بقای ماده و وجود يك حقیقت ابدی یا خدا معتقد بود و متذکر شد که گاهی فلسفه با دین مغایرت تام دارد و از این جهت عقاید دوگانه‌ای اظهار داشته است.

ابن رشد در زمان حیات مورد زجر و طعن و لعن علمای اسلامی بود و از طرف کلیسا نیز آثار او را محکوم دانستند. در فلسفه از طرفداران ارسطو بود و رساله‌های مختلفی نیز در این باره دارد. مرگ ابن رشد در سال ۱۱۹۸ اتفاق افتاده است.

ابن زهر

ابومروان عبدالملک بن زهر، از اطباء مشهور اندلس، در اشبیلیه می‌زیسته، پدرش ابوالعلاء نیز طبیب بود. ابن رشد در نزد او علم طب آموخته، وی از راه تجربه و آزمایش اصلاحاتی در طرز معالجات به عمل آورده و ثابت کرده طبیعت که بر تمام افعال

متولد شده و در همانجا علوم مختلفه را فرا گرفت. در سال ۷۷۵هـ. به فارس رفته و در آنجا به ریاست دیوان رسائل منصوب گردید. در سال ۷۶۴ به غرناطه و در سال ۷۷۶ به اندلس رفته و در ۷۸۰ به تونس مراجعت کرده و به تدریس پرداخته، در سال ۷۸۴ به اسکندریه و بعد به قاهره رفته و در جامع ازهر مشغول تدریس شد. کتاب مهمی به نام دیوان المبتداء والخیر فی ایام العرب والعجم و البربر در هفت مجلد تألیف کرده که به تاریخ ابن خلدون معروف است. شهرت او بیشتر به واسطه مقدمه‌ای است که بر کتاب مزبور در فلسفه تاریخ و اجتماعات نوشته و معروف به مقدمه ابن خلدون است. در سال ۸۰۸هـ. در سن ۷۶ سالگی در قاهره بدرود حیات گفته است.

ابن خلکان

قاضی شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن ابی‌بکر بن خلکان، نسبش به شش واسطه به یحیی بن خالد برمکی می‌رسد. از دانشمندان معروف ایران بوده، در سال ۶۰۸هـ. در شهر اربل نزدیک موصل متولد شده، پس از فرا گرفتن علوم در سال ۶۲۶ به حلب رفته و در سال ۶۳۶ نایب قاضی القضاة مصر و در سال ۶۵۹ قاضی القضاة دمشق گردید. مدت بیست سال در این شغل بوده، کتاب معتبری به نام وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان در ترجمه احوال ۸۴۶ تن از بزرگان اسلام به زبان عربی تألیف کرده که در اروپا و مصر و ایران به طبع رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده است. در سال ۶۸۸هـ. در دمشق وفات یافت.

ابن درید

ابوبکر محمد بن حسن، دانشمند لغوی، در سال

و اعمال بدن تسلط دارد ممکن است بدون دوا و طبیب پاره ای امراض را رفع کند. چندی هم سمت وزارت عبدالمؤمن موحدی را داشته است. وفاتش در سال ۵۵۷هـ. در اشبیلیه بوده، تصنیفات بسیار دارد از آن جمله کتاب التیسیر فی المداوة والتدبیر که به زبان لاتین ترجمه شده است.

ابن زیاد

عبیدالله بن زیاد بن ابیه؛ چون سمیه مادر زیاد که کنیز حارث بود زنی بدکار بود حارث پسر او زیاد را به فرزندى نزد خود نپذیرفت و به این سبب او را زیاد بن ابیه نامیدند. وقتی معاویه به خلافت رسید زیاد را پسر ابوسفیان و برادر خود خواند. زیاد در سال ۵۳هـ. مرد و از او چند پسر باقی ماند که عبیدالله یکی از آنها بود. معاویه در سال ۵۴هـ. او را به حکمرانی خراسان فرستاد و عبیدالله به بخارا لشکر کشید و بعضی نواحی ماوراءالنهر را تسخیر کرد. در سال ۵۶هـ. والی بصره شد، در سال ۶۱هـ. از طرف یزید مأمور جنگ با امام حسین (ع) گردید، مسلم بن عقیل را در کوفه کشت بعد سپاهی به سرکردگی عمر بن سعد به جنگ امام حسین (ع) فرستاد و لشکریان وی آن حضرت را با اصحابش در کربلا به شهادت رسانیدند. پس از مرگ یزید دعوی خلافت کرد لکن کسی زیر بار نرفت و ناچار از عراق به شام گریخت و مروان بن حکم را در امر خلافت یاری کرد، مروان او را متولسی ضبط عراق کرد، پس از مرگ مروان عبیدالملک نیز او را در مقام خود باقی گذاشت. در سال ۶۶هـ. که مختار در کوفه قیام کرد عبیدالله با وی جنگ کرد و در این جنگ به دست ابراهیم بن مالک اشتر کشته شد.

ابن سبا

شخصیتی نیمه افسانه‌ای که گویند یهودی بود و اسلام آورد و همان عقاید غلوآمیز که در یهودیگری نسبت به یوشع داشت در اسلام بر علی (ع) منطبق کرد و پایه‌گذار غالبیگری شد. آورده‌اند که حضرت علی (ع) این سبا را به سبب عقایدش به مدائن تبعید کرد و پیروانش را مجازات نمود و پس از شهادت حضرت، این سبا به کوفه آمد و گفت: من می‌دانم که علی (ع) نمرده است و نخواهد مرد تا عرب را به شمشیر و تازیانه راه برد و می‌گفت علی (ع) هم اکنون نجوای ما را می‌شنود. بعضی محققان وجود تاریخی ابن سبا را منکر شده‌اند و آن را به تعصب یمنی راویان منتسب داشته‌اند. بعضی ابن سبا را مساوی ابن‌الوداء دانسته با عمار یاسر تطبیق کرده‌اند که به کلی بیراه است. آنچه هست، ابن سبا وجود تاریخی داشته باشد یا نه، نتیجه‌گیری‌هایی که بعضی قدما و مستشرقان از نسب یهودی او کرده و تشیع را متأثر از یهودیگری شمرده‌اند یکسره غیر علمی و غلط است.

ابن سعود

کنیه چند تن از امراء که از سال ۱۱۴۷هـ. در جزیره العرب فرمانروایی کرده‌اند: نخستین آنان محمد بن سعود بود که به محمد بن عبدالوهاب بانی مذهب وهابی گروید و به طرفداری از وی قیام کرد و در سال ۱۱۷۹هـ. درگذشت. پس از او پسرش عبدالعزیز، احسا و قطیف را گرفت و در سال ۱۲۱۶هـ. کربلا را غارت کرد، مکه و طائف را نیز به تصرف درآورد و در سال ۱۲۱۸هـ. به دست مردی شیعی کشته شد. در زمان پسرش سعود بن عبدالعزیز وهابیان از لشکریان محمد علی پاشا شکست خورده و شهرهایی را که به تصرف درآوردند بودند از دست دادند. سعود در سال ۱۲۹۰هـ.

ابن طفیل

ابوبکر محمد بن عبدالملک بن طفیل، از حکماء معروف عرب اسپانیا، در اندلس متولد شده، در علوم ریاضی و فلسفه و طب و ادبیات مقامی شامخ پیدا کرد. مدتی وزارت سلطان ابویعقوب یوسف موحدی را داشته، در سال ۵۸۱ هـ. در مراکش وفات یافت. تألیفاتی هم داشته از آن جمله کتاب اسرارالحکمة - الاشرافیة و رساله حی بن یقظان.

ابن مقله

ابوعلی محمد بن علی بن مقله، هنرمند بنام ایرانی در قرن چهارم هجری است. نیاکان این هنرمند از مردم فارس بودند و خود وی در سال ۲۸۲ هجری در بغداد متولد شد. ابن مقله از دانشمندان عصر خود بود و در فقه و تفسیر و قرائت و ادبیات دست داشت و شعر نیز می‌گفت. این مرد بزرگ ایرانی پیشقدم احیای یکی از زیباترین مظاهر هنری یعنی خوشنویسی است و تا ظهور وی، هیچیک از خطاطان به قدرت او در خوشنویسی اقلام مختلف نیامده بود. اینکه بعضی وضع اقلام شش‌گانه را به وی نسبت می‌دهند روا نیست، ولی به طور یقین در تکمیل اقلام موجوده مزبور کوشیده و به آنها سروصورتی داده است.

ابن مقله وزارت سه تن از خلفای بنی عباس (المقتدر بالله، القاهر بالله و الراضی) را عهده‌دار بود تا در زمان خلافت الراضی چنانکه شیوه ناجوانمردانه عباسیان بود، دستها و زبانها را بریدند و سرانجام وی را کشتند.

ابن الندیم

درگذشت سپس افراد دیگری از آن خاندان فرمانروایی مختصری در درعیه و ریاض و احسا داشته‌اند تا زمان عبدالعزیز بن سعود که قسمت عمده جزیره العرب را به تصرف درآورد و در سال ۱۳۴۰ هـ. به پادشاهی رسید و مملکت عربستان سعودی را تشکیل داد. پس از ابن سعود، فرزند او سعود بن عبدالعزیز در سال ۱۹۵۳ م. به سلطنت رسید. وی در ۱۲ آبان سال ۱۳۴۳ مستعفی گردید و برادرش امیر فیصل که نایب السلطنه بود پادشاه عربستان سعودی شد. ملک فیصل در سال ۱۲۸۵ خورشیدی متولد شده و به اغلب کشورهای اروپایی سفر کرده است.

ابن شاذان

ابومحمد فضل بن شاذان، فقیه و محدث شیعی، پدرش شاذان نیز از فقهاء شیعه بود. ابن شاذان در نیشابور اقامت داشت، عبدالله بن طاهر امیر خراسان او را به سبب تشیع به نیشابور تبعید کرد. در سال ۲۶۰ هـ. در بیهق بود و هنگامی که خوارج در خراسان طغیان کردند ابن شاذان از خوف آنان از بیهق رفت و میان راه بیمار شد و به سال ۲۶۰ هـ. درگذشت. تألیفات بسیار داشته و گفته‌اند که بیش از ۱۸۰ کتاب نوشته است.

ابن شهر آشوب

رشیدالدین شمس‌الاسلام ابوعبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب، از فقهاء معروف شیعه، اصلاً مازندرانی بوده، در علم ادب و شعر نیز تبحر داشت. در سال ۵۸۸ هـ. در حلب وفات یافته، تألیفاتی دارد از جمله کتاب معالم العلماء و کتاب مناقب آل ابیطالب.

ابن یمین

امیر فخرالدین محمود بن یمین الدین محمد طفرائی فریومدی، از شعراء معروف ایران، در سال ۶۸۵هـ. در قصبه فریومدی خراسان متولد شد. پدر او طفرائی نیز شاعر بود. ابن یمین چندی در خدمت سرداران بود و چون در زمان وی اختلافات شدید میان امراء خراسان پیدا شد و جنگها و خونریزیهای بسیار به وقوع پیوست و زندگانی او دستخوش حوادث ناگوار شد طبعش ملول و افسرده گشت و به گوشه نشینی و زهد و قناعت راغب گردید. در سال ۷۶۹هـ. بدرود حیات گفت و بیش از هشتاد سال زندگانی کرد. دیوان اشعارش در حدود ده هزار بیت است، اشعار و قطعات بسیار در مضامین اجتماعی و اخلاقی دارد. در سال ۱۳۱۸ خورشیدی دیوان او با مقدمه فاضلانه‌ای از استاد سعید نفیسی در تهران چاپ شد و در اروپا نخستین بار در سال ۱۸۵۲ در وینه با ترجمه آلمانی به طبع رسید. و در سال ۱۹۳۳م. مجموعه‌ای از قطعات او با ترجمه انگلیسی در لندن طبع شد. این مجموعه در هندوستان هم چند دفعه چاپ شده است.

ابوایوب انصاری

خالد بن یزید انصاری، از صحابه حضرت رسول ص. در مدینه اقامت داشت و پیغمبر اکرم هنگام هجرت به مدینه به خانه او وارد شد و در آنجا اقامت گزید. وی در غزوات حضرت رسول شرکت داشت و پس از رحلت پیغمبر به خدمت امیرالمؤمنین علی درآمد. در جنگ جمل و صفین و نهروان در رکاب آن حضرت بود. در سال ۵۲هـ. در خلافت معاویه با مسلمانان برای محاصره قسطنطنیه رفت و در آنجا وفات یافت و در آن شهر دفن شد.

ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحق الندیم الوراق البغدادی، بیشتر به ابن ابی یعقوب اسحق الندیم معروف است. کتاب الفهرست از اوست، در این کتاب اسامی تمام کتبی را که نویسندگان اسلامی تا قرن چهارم هجری تألیف و تصنیف یا ترجمه کرده اند درج کرده و شرح حالی هم از مؤلفین و مترجمین به زبان عربی نوشته است. وی در سال ۲۹۷ متولد و در سال ۳۸۵هـ. وفات یافت. کتاب الفهرست او در مصر و لیبیک چاپ شده و یکی از مهمترین منابع اطلاعات درباره تمدن و ادبیات عرب و ممالک شرق نزدیک است.

ابن هشام

عبدالملک بن هشام بن ایوب الحمیری، از نویسندگان معروف عرب، اصلاً از بصره و تولدش در مصر بوده است. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح و تهذیب سیره ابن اسحق در احوال حضرت رسول که معروف به سیره ابن هشام است. در سال ۲۱۳هـ. در مصر وفات یافت.

ابن هیثم

ابوعلی حسن بن حسن بن هیثم، ریاضی‌دان و مهندس معروف اهل بصره، در سال ۳۵۴هـ. در بصره تولد یافت. الحاکم بامرالله او را به مصر فرا خواند و بسیار عزیزش داشت. در حدود سال ۴۳۰هـ. در قاهره وفات یافت. تألیفات بسیار داشته، تعداد تألیفاتش از پنجاه مجلد بیشتر بوده، بعضی از کتابهای او به لاتینی ترجمه شده، از کتب معروف وی کتاب مناظر است که به زبان لاتینی و ایتالیایی ترجمه شده و کپلر در کتاب مناظر خود از آن استفاده کرده است. او را الحسن هم گفته‌اند.

ابوبکر (خلیفه)

عبدالله بن ابی قحافه، ملقب به عتیق و صدیق و ذوالخلال و شیخ الخلفاء و یارگار نبی، اسمش در جاهلیت عبدالغری یا عبداللات بود و وقتی مسلمان شد، به عبدالله موسوم گشت. شبی که حضرت رسول به قصد هجرت به مدینه عزیمت فرمود همراه پیغمبر حرکت کرد و در غار ثور با آن حضرت پنهان شد لذا به یارگار معروف گردید. تمام اموال خود را غیر از کسائی که آن را با خلالی در پیوسته بود در راه خدا انفاق کرد و از این رو به ذوالخلال مشهور شد. در جنگ بدر و احد و خندق و غزوات دیگر در خدمت حضرت رسول بود، عایشه دختر وی به عقد ازدواج پیغمبر درآمد. پس از رحلت پیغمبر در سال ۱۱ هـ. به خلافت رسید، در زمان او جمع کثیری از اسلام برگشتند و چند تن ادعای نبوت کردند که از آن جمله مسیلمه بود، ابوبکر با آنها جنگ کرد و همه را منکوب ساخت و این وقایع به حرب الردة معروف است. قرآن نیز در زمان او جمع آوری و به دست حفصه دختر عمر که زوجه حضرت رسول بود سپرده شد، لشکر کشی به ایران و روم هم در زمان وی آغاز گردید و دو تن از سرداران او ابوعبیده جراح و خالد بن ولید فتوحاتی کردند، در سال ۱۳ هـ. پس از دو سال و سه ماه و ده روز خلافت در سن ۶۳ سالگی درگذشت و در جنب تربت پیغمبر دفن شد. می گویند پس از وفات فقط سه چیز از او باقی ماند اول یک دست لباس که بر تن می کرد، دوم شتری که بر آن سوار می شد، سوم غلامی که خدمتش را می کرد. در مدت خلافت روزانه پنج درهم از بیت المال برای گذران خود می گرفت.

ابوبکر بن حسن

مشاهیر

فرزند امام حسن مجتبی (ع) از شهدای روز عاشورای حسینی در کربلا، مادرش ام ولد بود. از مدینه تا مکه سپس تا کربلا عموی خویش سیدالشهداء (ع) را همراهی کرد و در روز عاشورا پس از اینکه تمام اصحاب به شهادت رسیدند و بعد از شهادت برادر خویش حضرت قاسم بن الحسن (ع) خدمت عموی خود آمد و اجازه مبارزه خواست، سپس به میدان شتافت و پس از یک نبرد دلیرانه و شرافتمندانه و مجروح نمودن و کشتن جمعی کثیر از لشکر ابن سعد، در بعد از ظهر روز عاشورا، در کنار عموی خویش سیدالشهداء (ع) به دست عبدالله بن عقبه غنوی به شهادت رسید.

قبر وی در مقبره دستجمعی شهدای هاشمیان در پایین پای امام (ع) در حرم مطهر حسینی است. نام وی در «زیارت ناحیه» وارد گشته و آمده است: «السلام علی ابی بکر بن الحسن الولی، المرمی بالسهم الردی لعن الله قاتله عبدالله بن عقبه الغنوی». به روایت برخی منابع ابوبکر با سکنیه دختر امام حسین (ع) ازدواج کرده بود، اما از او فرزندی نماند.

ابوبکر تابیادی

زین الدین، از عرفای قرن هشتم هجری به دو واسطه مرید علاءالدوله سمنانی است و در زمان تیمور که مشایخ جام (اولاد احمد ژنده پیل) و نقشبندیان با او همکاری و همراهی می کردند از رفتن نزد تیمور و در واقع تأیید او خودداری کرد و همین نشان می دهد که او نیز چون شاه نعمت الله ولی متمایل به تشیع بوده است. سید محمد نوربخش (صوفی شیعی متمدنی) نیز زین الدین تابیادی را «از علمای اولیا و اجله عرفا» شمرده. نامه ای از ابوبکر تابیادی باقیست که تیمور را از عواقب کارهایش ترسانیده و تهدید کرده است که «اسیر پنجه انتقام

تقدیر گردد» و گفته است من مردی روستائیم و تکلفات درباری نمی‌دانم و چون خواستم به خدمت بیایم استخاره و اشاره غیبی مانع گردید.

ابوبکر خوارزمی

محمد بن عباس، از نویسندگان و شعراء معروف در زبان عرب، اصلاً ایرانی و معاصر صاحب بن عباد بوده است. چون مادرش طبری و پدرش خوارزمی بوده به طبر خزی معروف شد. مدتی در شام و حلب بسر برده و در آخر در نیشابور اقامت گزید. در سال ۳۸۳ هـ. در آن شهر وفات یافت. او دارای دیوان شعر است.

ابوتمام

حبیب بن اوس الطائی، از شعرای معروف عرب، در سال ۱۹۰ هـ. در قریه جاسم از توابع دمشق متولد شده، بعد به مصر رفته و در شعر و ادب مقام شامخ پیدا کرد. چندین هزار شعر از شعرای بزرگ از برداشته، در سفری که به بغداد رفت در نزد معتصم خلیفه قرب و منزلت یافت. می‌گویند از قبیله طی سه نفر هر کدام در امری به اوج شهرت رسیده‌اند که عبارتند از: حاتم در جود و کرم، داود بن نصیر طائی در زهد و تقوی و ابوتمام در شعر. در سال ۲۳۱ هـ. درموصل درگذشت. دیوان شعر دارد.

ابوالجناب

شیخ نجم‌الدین طامه‌الکبری، احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله صوفی، از محدثین معروف، او را شیخ نجم‌الدین کبری نیز می‌گویند. در سال ۵۴۰ هـ. در خوارزم متولد شده، در جوانی به اسکندریه رفته و

در آنجا رخصت حدیث یافت. در سال ۶۱۸ هـ. در خوارزم در جنگ تاتار کشته شد. سلسله صوفیه خوارزم به او منتهی می‌شود. تألیفاتی دارد از جمله کتاب منازل السائرین.

ابوجهل

کنیه عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی، در زمان جاهلیت کنیه او ابوالحکم بود و در صدر اسلام معروف به ابوجهل گردید زیرا با رسول اکرم عداوت داشت و مسلمانان را می‌آزرد. هنگامی که حضرت رسول به مدینه هجرت نمود مردم مکه را به جنگ با اهل مدینه تحریک می‌کرد. در غزوه بدر در سن ۷۰ سالگی کشته شد. مولوی گوید:

یوالحکم نامش بدو بوجهل شد

ای بسا اهل از حسد نا اهل شد

ابوالحسن اشعری

ابوالحسن علی بن اسماعیل، پیشوای فرقه اشعریان یا اشعریه که فرقه مذهبی و اهل تسنن و معتقد به جبر بوده‌اند. وی از احفاد ابوموسی اشعری بوده که در جنگ صفین از طرف امیرالمؤمنین علی به حکمیت تعیین شد و از عمرو بن عاص فریب خورد. ابوالحسن در سال ۲۶۰ هـ. در بصره متولد شد و نزد ابواسحق مروزی فقیه و ابوعلی جبائی علم آموخت. ابتدا در فرقه معتزله داخل شد اما در سن چهل سالگی از طریقه آنان برگشت و با استاد خود الجبائی که از علماء معتزله بود به مخالفت برخاست و رساله‌های بسیار نوشت و اصول عقاید معتزله را رد کرد و در باقی عمر مشغول مبارزه با این فرقه بود و در اثر مبارزات او نفوذ معتزله روبه کاهش گذاشت و طریقه اشاعره اهمیت پیدا کرد. طریقه اشاعره علاوه

آقاسی در صحن قورخانه دولتی که در پرداخت صحنه و نشان دادن عظمت توپها و شعله‌های آتش، هنرمند مهارت خاصی از خود نشان داده است. این هنرمند از مظفرالدین شاه لقب نقاشباشی دریافت کرد. او این لقب را در رقم خود به صورت: نقاشباشی سرکاری یا نقاشباشی همایونی آورده است.

ابوالحسن میرزا قاجار

معروف به شیخ‌الرئیس و متخلص به حیرت خطیب و شاعر و رجل آزادیخواه اواخر عهد قاجار. پدرش محمدتقی میرزا احسام السلطنه (۱۲۷۸ق) متخلص به شوکت، پسر فتحعلیشاه و مردی ادیب و شاعر بود. شیخ‌الرئیس در تهران و مشهد به تحصیل مقدمات علوم پرداخت و حکمت را در محضر آقاعلی مدرس آموخت. مدتی در سامرا در خدمت میرزای شیرازی تلمذ کرد و چون به ایران بازگشت ناصرالدین شاه وی را لقب شیخ‌الرئیس داده به خدمت در آستان قدس فرستاد. اختلاف او با والی خراسان سبب گردید که خراسان را ترک گفته از راه روسیه در شمال خراسان رهسپار استانبول شود. در عثمانی به انجمن اتحاد اسلام پیوست و سلطان عبدالحمید محبت به او ابراز داشت و شیخ نیز کتاب اتحاد اسلام را به او اتحاف کرد. در ۱۳۰۴ق به خواهش شاه قاجار به ایران بازگشته باری دیگر مأمور خدمت در خراسان گردید، اما این بار نیز از راه عشق‌آباد به پایتخت عثمانی رفت و از آنجا به بیت المقدس و مصر و هند سفر کرد. وی با اینکه خود از شاهزادگان قاجار بود، سالهای دراز عمر خویش را مصروف بیدار کردن اذهان مردم و آماده کردن آنان برای مبارزه با حکومت استبدادی قاجار ساخت و در منابر و مجالس از زشتکاریهای عمال دولتی و ستمگریهای آنان برای مردم سخن می‌گفت. محافل

بر احکام شرع شامل مسایل فلسفی است مانند علم به حقایق امور و ماهیات و معرفت وجود حقیقی یا فرضیه فلسفی حقیقت. ابوالحسن در سال ۳۲۰هـ. وفات یافت. تألیفات بسیار دارد از آن جمله کتاب اللمعه و کتاب الموجز و کتاب ایضاح البرهان.

ابوالحسن خرقانی

جعفر یاعلی بن احمد از مشایخ بزرگ صوفیه اهل خرقان بسطام، در سال ۳۵۲هـ. در خرقان متولد شده و به تحصیل علوم دین پرداخته و بعد به طریقه تصوف گرویده و به مرتبه بلند رسید. ابوعلی سینا و شیخ ابوسعید ابوالخیر و ناصرخسرو نسبت به او توجه و اعتقاد داشته‌اند. گویند سلطان محمود غزنوی از غزنین برای زیارت وی به خرقان رفته، کرامات بسیار از او نقل کرده‌اند. در سال ۴۲۵هـ. در سن ۷۳ سالگی وفات یافت. از آثارش کتاب نورالعلوم است در مبانی عرفان و تصوف به زبان فارسی.

ابوالحسن شیرازی

نقاش و تذهیبکار ایرانی اوایل قرن چهاردهم هجری. او در آبرنگ و تذهیب به ویژه جانورسازی دست داشت. در زمینه خطاطی نیز هنرنمایی می‌کرد و در نوشتن نسخ و طغرا استاد بود. تصویر جالب پرکار و تمام قد یکی از رجال زمان، از کارهای خوب چهره‌پردازی او به شمار می‌رود. در این تصویر تزئینات لباس به خصوص جزئیات مليله کاریها و حمایل به زیبایی طراحی شده است. از این هنرمند شماییلی زیبا از حضرت پیامبر(ص) با کلاه و شنل و پرچم مخصوص همراه با تمثال حضرت علی(ع) با تاریخ ۱۳۲۴هـ. در دست است. از کارهای جالب توجه دیگر او تصویر آب‌رنگی است از حاجی میرزا

شد. در بغداد سکونت داشته و از تلامذۀ ابوسلیمان سجستانی بوده و کتاب مقابسات را تألیف کرده و آن کتابی است مشتمل بر مفاوضات و مباحثاتی که در مجالس متعدده در بغداد مابین حکماء و فلاسفۀ معروف آن عصر روی داده و اغلب آن مباحثات در خانۀ ابوسلیمان سجستانی بوده، این کتاب در هندوستان و مصر چاپ شده است. کتاب دیگری هم به نام الامتاع و الموائسة تألیف کرده، تألیفات دیگر هم در مسایل علمی و ادبی و تاریخی و فلسفی داشته، در سال ۴۰۰ هـ. بدرود حیات گفته است.

ابوریحان بیرونی

محمّدین احمد بیرونی، از دانشمندان بزرگ ایران، در علوم حکمت و تاریخ و جغرافیا و نجوم و ریاضیات مقام شامخ داشته، در سال ۳۶۲ هـ. در حوالی خوارزم متولد شده و از این جهت به بیرونی یعنی خارج خوارزم معروف شده، در دربار مأمون خوارزمشاه قرب و منزلت عظیم داشته، چند سال هم در دربار شمس المعالی قابوس بن وشمگیر به سر برده، در حدود سال ۴۰۴ هـ. به خوارزم مراجعت کرده، موقعی که سلطان محمود غزنوی خوارزم را گرفت درصدد قتل او برآمد و به شفاعت درباریان از کشتن وی درگذشت و او را در سال ۴۰۸ هـ. یا خود به غزنه برد. در سفر محمود به هندوستان ابوریحان همراه او بود و در آنجا با حکماء و علماء هند معاشرت کرد و زبان سانسکریت را آموخت و مواد لازمه برای تألیف کتاب خود موسوم به تحقیق ماللهند جمع آوری کرد.

تألیفات بسیار در نجوم و هیئت و منطق و حکمت دارد، از جمله تألیفات او قانون مسعودی است در نجوم و جغرافیا که به نام سلطان مسعود غزنوی نوشته، دیگر کتاب آثارالباقیه عن القرون الخالیه در

روحانی وابسته به دربار تکفیرش می کردند و کارگزاران دستگاه دولتی به فساد عقیده متهمش می نمودند.

در انتخابات دورۀ دوم به نمایندگی مردم مازندران برگزیده شد و رئیس سنی مجلس گردید. وی به فارسی و عربی شعر می سرود و حتی در سخنان عادی خود نیز سجع و قافیه می آورد. مهمترین آثار وی عبارتند از: اتحاد اسلام، کتاب الابرار در رد احمد قادیانی، منتخب نفیس که دیوان اشعار فارسی و عربی او است و آگهی شهان از کار جهان.

ابوحفص سغدی

ابوحفص حکیم ابن احوص سغدی، از مردم سغد سمرقند شاعر و موسیقی دان معروف بوده، در موسیقی بیش از شاعری شهرت داشته و گویند شاهرود یا شهرود را او اختراع کرده است. در قرن سوم هجری می زیسته، می گویند نخستین شعر فارسی را در اوزان غرب او گفته و این شعر را از او دانسته اند:

آهوی کوهی دردشت چگونه دودا

اوندارد یاری یار چگونه رودا
برخی دیگر محمّد وصیف سجزی را نخستین شاعر پارسی گوی می دانند، لکن عده ای از فضلا این موضوع را رد کرده و معتقدند قدیم ترین شعر فارسی خیلی پیشتر از آنها و در سال ۶۰ هجری گفته شده است.

ابوحیان توحیدی

علی بن محمّد شیرازی یا نیشابوری، معروف به ابوحیان توحیدی، از حکماء و فضلاء معروف ایران در قرن چهارم هجری، در حدود سال ۳۱۵ هـ. متولد

سلطان محمد خدابنده کشت. پسر امیرچوپان موسوم به دمشق خواجه را نیز به اتهام دسیسه و توطئه به قتل رسانید. در زمان وی جنگ با مصر پایان یافت و با الملك الناصر پادشاه مصر قرارداد صلح منعقد ساخت و یکی از شاهزاده خانمهای مغول را به عقد ازدواج او درآورد. طوایف قفقاز نیز به اطاعت درآمدند. امیرچوپان علیه وی قیام کرد، لکن عاقبت کشته شد. مذهب تشیع که در زمان پدرش مذهب رسمی ایران شده بود به مذهب تسنن تبدیل گشت. در سال ۷۳۶هـ. در قراباغ درگذشت و جسد او را در سلطانیه دفن کردند و چون فرزندی نداشت مملکت تجزیه شد و کشمکش میان امراء درگرفت و سلطنت ایلخانان مغول که هولاکو بنیاد نهاده بود تقریباً خاتمه یافت و هرج و مرجی در مملکت پیدا شد که ۳۵ سال ادامه داشت و عاقبت امیر تیمور به ایران حمله کرد و بر اوضاع مسلط گردید.

ابوسعید ابوالخیر

فضل الله بن ابی الخیر، یکی از اعظام مشایخ صوفیه، عارفی بسیار خوش ذوق بوده است. در سال ۳۵۷هـ. در میهنه متولد شده، مدتی در میهنه و مرو و سرخس به تحصیل علوم ادبی و دینی اشتغال داشت. در علم تفسیر و حدیث و فقه تبحر پیدا کرد، مدتی هم در سرخس و نیشابور به ریاضت پرداخت تا عارفی کامل شد. شیخ فریدالدین عطار درباره او گفته است: ابوسعید ابوالخیر پادشاه عهد بود بر جمله اکابر و مشایخ و از هیچ کس چندان کرامت و ریاضت نقل نیست که از او. وفاتش به سال ۴۴۰هـ. در میهنه بوده است. وی قول و سماع را در میان خانقاهیان متداول ساخت. رباعیات و قطعاتی در مضامین عرفانی به او منسوب است.

تاریخ و آداب و عادات ملل و پاره ای مسایل ریاضی و نجومی که در حدود سال ۳۹۰هـ. به نام شمس المعالی قابوس بن وشمگیر تألیف کرده، این کتاب را مستشرق معروف آلمانی زاخانو در سال ۱۸۷۸م. در لیبزیک ترجمه و چاپ کرده و مقدمه ای بر آن نوشته است، دیگر کتاب «تحقیق ماللهند من- مقوله مقبولة فی العقل اورذولة» درباره علوم و عقاید و آداب هندیها که آن را هم پرفسور زاخانو ترجمه کرده و در لندن چاپ شده است، دیگر «التفهیم فی اوائل صناعة التنجیم» در علم هیئت و نجوم و هندسه، رساله ای هم در باب کتب و رسالات محمد بن زکریای رازی نوشته، با ابوعلی سینا درباره مسایل علمی مناظره داشته و او نیز مانند ابن سینا در نزد دانشمندان مغرب شهرت دارد. درباره حرکت وضعی زمین و قوه جاذبه آن دلایل علمی آورده، می گویند وقتی کتاب قانون مسعودی را تصنیف کرد سلطان پیلواری سیم برای او جایزه فرستاد، ابوریحان آن مال را پس فرستاد و گفت من از آن بی نیازم زیرا عمری به قناعت گذرانیده ام و ترک آن سزاوار نیست. در سال ۴۴۰هـ. در سن ۷۸ سالگی در غزنه بدرود حیات گفت.

ابوسعید (مغول)

«سلطان...» بهادرخان، یکی از سلاطین مغول ایران، پسر سلطان محمد خدابنده، نهمین پادشاه و آخرین ایلخانان مغول ایران، در سال ۷۱۷هـ. پس از فوت پدر خود در سن ۱۳ سالگی جانشین وی گردید و زمام امور کشور را به امیر چوپان سلدوز که منصب امیرالامرائی داشته سپرد و خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و خواجه علیشاه گیلانی را به وزارت گماشت، اما در سال ۷۱۸هـ. خواجه رشیدالدین را که بیش از ۷۰ سال داشت به اتهام قتل

ابوسفیان

آن پادشاه نگاهشت. کتابی در تاریخ حکماء به نام صوان الحکمه تألیف کرده و ابوالحسن بیهقی ذیلی بر این کتاب نوشته که معروف است به تتمه صوان الحکمه. غیر از صوان الحکمه تألیفات دیگر هم دارد. گویند ابوسلیمان قریب هشت قرن پیش از نیوتون به قوه جاذبه خورشید پی برد. تولد وی در حدود سال ۳۰۷ و وفاتش در حدود سال ۳۸۰هـ. بوده است.

ابوشکور بلخی

یکی از شعرای نامی ایران، شاعر دربار نوح بن نصر سامانی بوده است. در تذکرها جز نام و موطن وی شرح دیگر ذکر نشده، از اشعارش نیز جز ابیات متفرقه که در تذکرها و لغت نامه‌ها ضبط گردیده چیزی باقی نمانده و همان ابیاتی که باقی است بر قدرت طبع و جودت قریحه او دلالت دارد. منوچهری در قصیده‌ای نام او را در ردیف بزرگان نظم آورده است. می‌گویند وی چهار مثنوی سروده اما غیر از آفرین نامه سایر منظومه‌های او از بین رفته است. وفاتش در حدود سال ۳۷۶ هجری به وقوع پیوست.

ابوطالب

ابن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، عم حضرت رسول و پدر امیرالمؤمنین علی، نامش عمران بوده و به این سبب امیرالمؤمنین را علی‌عمران می‌گویند. حضرت رسول پس از وفات جدّ خود تا مدتی در کفالت ابوطالب بود و سفری هم با او به شام رفت و ابوطالب از آن حضرت در مقابل مشرکین حمایت می‌کرد. در باب اسلام او عده‌ای از روای عامه گفته‌اند اسلام نیاورده، لکن بسیاری از روای سنت و جماعت و قاطبه محدثین شیعه می‌گویند

صخر بن حرب بن امیه بن عبد شمس بن عبدمناف، پدر معاویه، یکی از اشراف قریش بود و عمالی داشت که برای او تجارت می‌کردند و اموال او و دیگران را به شام و کشورهای دیگر می‌بردند و به فروش می‌رسانیدند. در زمان جاهلیت ندیم عباس عم حضرت رسول بود. در فتح مکه مسلمان شد و در جنگ حنین پیغمبر صد شتر و چهل اوقیه سیم از غنایم به او عطا فرمود. دختری به نام ام حبیبه داشت که در مکه با شوهر خود اسلام آورد و بعد به حبشه مهاجرت کرد و پس از فوت شوهرش به ازدواج پیغمبر درآمد. پسری هم به نام حنظله داشت که در جنگ بدر جزو سپاه مشرکین بود و کشته شد و ابوسفیان را به مناسبت نام او ابوحنظله هم گفته‌اند. در جنگ طائف يك چشم ابوسفیان کور شد و در جنگ یرموک هم چشم دیگرش نابینا گشت. در خلافت عثمان در سال ۳۳هـ. در سن ۸۸ سالگی درگذشت.

ابوسلیمان سجستانی

ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی یا سجزی، مشهور به المنطقی، از حکماء معروف قرن چهارم، ساکن بغداد بوده و سمت ریاست حکماء و فلاسفه عصر خود را داشته است. عده کثیری از حکماء در خانه و مجلس درس وی حضور می‌یافته و مباحثات و مذاکراتی میان آنان صورت می‌گرفت و خلاصه آن مباحثات را ابوحنیان توحیدی حکیم و نویسنده معروف که از تلامذه ابوسلیمان بوده جمع کرده و از مجموع آنها کتابی به نام مقایسات تألیف کرده است. عضدالدوله دیلمی نیز وی را بسیار گرامی می‌داشته و ابوسلیمان بعضی از رسائل خود را به نام

دو محبس یکی خانه و دیگری ناینایی خودش بوده است. می‌گویند مدت ۴۵ سال از خوردن گوشت و سایر مواد حیوانی امتناع کرده و به خوردن اغذیه نباتی اکتفا می‌کرده و اغلب اوقات روزه می‌گرفته و تا آخر عمر در حال تجرد می‌زیسته است. شهرت او به واسطه اشعار و رسالاتش در حکمت و فلسفه است و از جمله آثار او «اللزومیات» یا «لزوم مالایلم» است. در سال ۴۴۹هـ. در معره بدرود حیات گفت.

ابوعلی سیمجور

محمد مظفر پسر ابوالحسین از امراء دولت سامانی، پس از پدر خود به فرمانروایی مغرب خراسان رسید، فائق حاکم هرات را شکست داد و نوح بن منصور امارت تمامی خراسان را به او واگذار کرد. چندی بعد از اطاعت امیرنوح خارج شد و در جنگهایی که میان امیرنوح و بغراخان رخ داد امیرنوح را کمک نکرد. امیرنوح، سبکتکین را در سال ۳۸۴هـ. به جنگ او فرستاد. ابوعلی شکست خورده و به فخرالدوله دیلمی پناه برد. چندی بعد با سپاهی عازم خراسان شد و در سال ۳۸۵هـ. با محمود غزنوی در نزدیکی نیشابور جنگ کرد و محمود را شکست داد، اما در نزدیکی طوس از سبکتکین شکست خورد و به طرف کلات گریخت و مدتی متسواری بود تا امیر نوح او را دستگیر کرد و نزد سبکتکین فرستاد و او ابوعلی را به زندان انداخت و در سال ۳۸۵هـ. در حبس درگذشت.

ابوعلی سینا (طیب، فیلسوف)

شیخ الرئيس حجة الحق شرف الملك امام الحكماء ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسین بن علی بن سینا، معروف به ابن سینا، پدرش از مردم بلخ و مادرش

اسلام آورد ولی ایمان خود را پوشیده می‌داشت تا بر حمایت برادرزاده بزرگوار خود قادر باشد. وفاتش در سال دهم بعثت بوده، چهار پسر داشت: طالب، عقیل، جعفر و امیرالمؤمنین علی (ع) و دو دختر: ام‌هانی و جمانه.

ابوالعباس اسفراینی

فضل بن احمد، وزیر سلطان محمود غزنوی بود و چند سال با کمال کفایت و تدبیر وزارت کرد. در آخر به سعایت علی خویشاوند معزول شد و اموال او را مصادره کردند و احمد بن حسن میمندی به جای وی به وزارت رسید. هنگامی که سلطان محمود به هندوستان رفته بود بعضی از امراء بقدری او را در زندان شکنجه کردند که به سال ۴۰۴هـ. درگذشت. می‌گویند وی دفاتر دولتی را که به عربی نوشته می‌شد فارسی کرد و نامه‌ها را نیز فرمان داد به فارسی بنویسند.

ابوالعلاء معری

احمد بن عبدالله بن سلیمان التتوخی، از شاعران و دانشمندان و فلاسفه معروف، نسبت او به معرة النعمان شام بوده و او را تنوخی گفته اند منسوب به تنوخ که قبیله‌ای از عرب بوده است. وی در سال ۳۶۳هـ. در معره متولد شد، در سه سالگی به مرض آبله مبتلا و از دو چشم نابینا گردید. با این حال به تحصیل علم پرداخت و در فنون ادب و حکمت استاد شده و علامه عصر خود گردید. چند تن از فضلاء از او کسب علم کرده‌اند. در سال ۳۹۹هـ. سفری به بغداد کرد و بعد به معره بازگشت و در خانه خود منزوی شد. مدت ۴۵ سال تا پایان عمر در معره بسر برده و خود را رهین‌المحبسین خوانده و منظورش از

«ستاره» از اهل الشنه نزدیک بخارا بود. ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری قمری در الشنه یا خورمشین متولد شد و در بخارا به کسب علم پرداخت.

ادبیات، قرآن و فقه و حساب را نزد پدر آموخت و سپس نزد ابوعبدالله ناتلی منطق و هندسه و نجوم را فرا گرفت و از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و مابعدالطبیعه و طب پرداخت.

ابن سینا پس از معالجه نوح بن منصور پادشاه سامانی به دربار نوح راه یافت. وی در سن بیست و یک سالگی شروع به تألیف کتب مختلف نمود و پس از چندی در سراسر ایران شهرت بسزایی یافت. ابن سینا پس از فوت نوح بن منصور در حدود ده سال در خوارزم و در دربار آل مأمون زندگی کرد و به تألیف مشغول بود و چون سلطان محمود غزنوی آوازه شهرت وی را شنیده بود از او دعوت کرد که به غزنین برود ولی ابن سینا بعلت خشونت و تعصب دینی سلطان محمود دعوت او را نپذیرفت و از بیم جان از خوارزم فرار کرد و مدتی در ترکستان و خراسان متواری بود تا بالاخره به گرگان رفت و در آنجا به طبابت مشغول شد و چندی بعد به ری رفت. در آن زمان مجدالدوله دیلمی به بیماری مالخیولیا مبتلا شده بود، ابن سینا پس از معالجه مجدالدوله به همدان رفت و در همدان دوباره به مقام وزارت شمس الدوله رسید و سالهای آخر عمر را در اصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌رفت در راه بیمار شد و در همدان به سال ۴۲۸ درگذشت.

ابن سینا را می‌توان از نوایغ روزگار نامید. وی عمر خود را در راه کسب علم و دانش و تألیف کتب مختلف صرف کرد و آنی از کار علمی فراغت نیافت. او در مدت ۵۸ سال زندگانی پرمشقت خود کتب و رسالات پرارزش تصنیف و در نتیجه خدمت شایانی به جهان علم و تمدن نموده است. آرامگاه شیخ را در

همدان برپا کرده‌اند و به مناسبت هزارمین سال تولد وی در سال ۱۳۳۱ جشنی برگزار شد که در آن مشاهیر و دانشمندان شرق و غرب شرکت کردند و آثار فارسی او تماماً از طرف انجمن آثار ملی طبع و نشر گردید. تعداد مؤلفات ابن سینا تا یکصد و بیست گفته شده است که اغلب آنها به زبان عربی است و از آن جمله کتاب شفا و قانون و اشارات، شهرت جهانی دارد. معروفترین اثر وی به زبان فارسی دانشنامه علانی است. بسیاری از تألیفات ابن سینا به زبانهای غربی ترجمه شده است.

ابوعلی مسکویه

ابوعلی الخازن، احمد بن یعقوب ملقب به مسکویه یکی از صدیق‌ترین مورخان، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان و از متفکرین بزرگ ایران در قرن چهارم هجری است.

مسکویه در همه علوم متداول عصر خویش استاد بود و در دانش پزشکی، کیمیا، تاریخ و فلسفه، علوم یونان تحقیقات وسیعی داشت و با تلفیق این معارف بر مبنای بینش روشن خویش آثار ارزشمند و بزرگی بوجود آورده است که هم در زمینه تاریخ و هم در فلسفه و اخلاق، هر یک بکر و محکم است و هر کدام از جهتی برای جاودانگی نام او کافی است.

درباره احوال و زندگی ابوعلی مسکویه آنچه را بیقین می‌توان اظهار کرد، اینکه وی در اوایل قرن چهارم هجری متولد شده و در سال ۴۲۱ در اصفهان حیات را وداع گفته است، مدت‌ها در دستگاه «ابومحمد مهلبی» و «ابن عمید» وزیر آل بویه تقرب داشته و خازن کتب ابن عمید بوده است، سپس مورد توجه حکام دیلمی قرار گرفته و در دربار عضدالدوله با عزت زیسته است.

از آثار برجسته مسکویه که اغلب به زبان عربی

ابوالفضل احمدبن حسین بن سعیدبن بشر همدانی ملقب به بدیع الزمان شاعر و نویسنده معروف ایرانی به زبان تازی در ۳۵۸هـ. تولد یافت و در جوانی از معمران دانش آموخت و از جمله استادان وی احمدبن فارس از نحات معروف بود. به سال ۳۸۰ به شهر ری آمد و نزد صاحب اسمعیل بن عباد وزیر معروف مقرب شد، از آنجا به گرگان رفت و ابوسعید محمدبن منصور وی را بسیار گرمی داشت. به سال ۳۸۲ به نیشابور رفت و در راه دزدان هرچه داشت بردند. در نیشابور ابوبکر خوارزمی دبیر و نویسنده معروف آن زمان آنچنان که می بایست قدر او را ندانست و آشکارا مناظره ای میان ایشان درگرفت و چون ابوبکر خوارزمی در سال بعد درگذشت وی در همه کارهای دیوانی جانشین وی شد و سپس سفرهایی به شهرهای خراسان و سیستان و غزنین کرد و همه جا او را محترم داشتند و سرانجام به هرات رفت و در آنجا دختر حسین بن احمد خوشنامی را به زنی گرفت و در سال ۳۹۸ در آن شهر درگذشت. از آثار بدیع الزمان «مقامات» اوست که به نام خلف بن احمد امیر سیستان نوشته و وی اولین کسی است که بدان روش به زبان عربی کتابی نوشته است.

دیگر مجموعه رسائل و مکاتب اوست و دیوان اشعار تازی او نیز بدست است.

ابوفراس

حارث بن ابی العلاء سعیدبن حمدان، شاعر معروف، پسرعم ناصرالدوله و سیف الدوله بن حمدان، امیری فاضل و کریم و در شجاعت و بلاغت مشهور بود. در سال ۳۲۰هـ. متولد شده با پسرعمش سیف الدوله در جنگهای روم شرکت داشته، در یکی از جنگها اسیر شد و مدت چهار سال در قسطنطنیه

با سلامت کم نظیری تألیف شده کتاب «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» را می توان نام برد که خواجه نصیرالدین طوسی به فارسی ترجمه کرده و آن را «اخلاق ناصری» نام نهاده است و نیز کتاب عظیم او را به نام «تجارب الامم و تعاقب الهمم» در تاریخ باید نام برد که وقایع سالم را تا سال ۳۷۲ هجری دربر دارد و از جمله تحقیقات عمیق گذشتگان ما در علوم مختلف و از تواریخ معتبر به شمار می رود. جاودانگی خرد، در ادبیات و شعر از کارهای برجسته اوست و منظومه های لطیف آن که معدود و پراکنده است، نمونه ای کامل از تغزلات دلنشین است که آکنده از احساس و شوراند و تمنای شگفت آوری در آنها به چشم می خورد.

قصاید مسکویه به زبان عربی شاهکارهایی است از انجام و قدرت بیان و نمایشگر تسلط شاعر بر عمق و اصول این زبان. آثار مسکویه در زمینه تاریخ شاید شیوه بیان روشنی و سادگی توضیح وقایع که در کتب مورخین دیگر منجمله آثار «بلعمی» وجود دارد را نداشته باشد، لیکن این آثار از جهت عمق محتوی و استناد به وقایع تاریخی برجسته و بی نهایت درخور مطالعه و بررسی هستند.

ابوالفتوح رازی

حسین بن علی، ملقب به جمال الدین، از علماء بزرگ تفسیر، اصلاً نیشابوری بوده، در حدود سال ۴۸۰هـ. متولد شده، مدتی در ری اقامت داشته و به وعظ مشغول بوده، از جمله تصنیفات او تفسیر قرآن کریم است به زبان فارسی که در تهران چاپ شده است. وفاتش در حدود سال ۵۵۲هـ. در ری بوده.

ابوالفضل بدیع الزمان

ایران، در صرف و نحو زبان عربی و در علوم حکمت استاد بود. اصلش از رنسه نیشابور بوده مدتی در لاهور بسر برده، چندی هم در دربار غزنویان «سلطان ابراهیم بن مسعود و مسعود بن ابراهیم» بوده است. می گویند مسعود سعد سلمان از شاگردان وی بوده و انوری از سبک و اسلوب او در شعر پیروی کرده است. در سال ۵۱۰هـ. وفات یافته، دیوان اشعار او در هند و ایران چاپ شده است. نام او را بلفرج هم نوشته اند.

ابولؤلؤ

فیروز کاشانی، ملقب به باباشجاع الدین، غلام مغیره بن شعبه دراصل نهاوندی بوده است که به اسارت و بندگی در مدینه می زیست. خلیفه دوم عمر، مقرر داشته بود که روزی دو درهم مالیات به بیت المال بدهد و بقولی دیگر صاحبش مغیره مطالبه روزی دو درهم از او می کرد. بهرحال چون فیروز استطاعت پرداخت این مبلغ را نداشت، ناچار از این وضع به خلیفه شکایت کرد. عمر از او می پرسد: چه هنری داری؟ وی در جواب می گوید: آسیاب بادی می سازم. خلیفه جواب می دهد: بنابر این دو درهم در روز زیاد نیست، يك آسیاب بادی نیز برای کارهای بیت المال بساز. فیروز در جواب می گوید: برای خلیفه يك آسیابی می سازم که تا دامنه قیامت دائماً در گردش باشد و هیچوقت سکون نیابد! بهرحال در روز چهارشنبه ۱۶ ذی الحجه سال ۲۳ هجری که چهارشنبه آخر سال عربی بوده وقت صبح در مسجد یا در خیابان، فیروز، خلیفه دوم عمر را به ضربت خنجر مقتول ساخت و می گویند خود نیز با همان خنجر خودکشی نمود.

ابولهیب

بسر برد. صاحب بن عباد درباره او گفته: شعر به پادشاهی آغاز شد و به پادشاهی انجام یافت، و مرادش از پادشاه آغاز امر و القیس و از پادشاه انجام ابوفراس بوده است. ابوفراس در سال ۳۵۷هـ. پس از فوت سیف الدوله قصد تسخیر حمص کرد، ابوالمعالی پسر سیف الدوله سپاهیانی به جنگ او فرستاد و ابوفراس در آن جنگ به سال ۳۵۷هـ. کشته شد. وی دیوان شعر دارد.

ابوالفرج اصفهانی

ابوالفرج علی بن حسین بن محمد بن احمد اصفهانی در گذشته به سال ۳۵۶ هجری کتابهایی در فن موسیقی از خود بجای گذارده که مهمترین آن الاغانی الکبیر است. علاوه بر این اخبار جحظة البرمکی و اخبار القیان و کتاب القیان و اخبار المغنین الممالیک و کتاب الغلمان المغنین و ادب السماع و کتاب الاماء الشواعر و کتاب الحانات و کتاب النغم از آثار اوست. همان طور که نوشته شد بهترین کتاب ابوالفرج اصفهانی کتاب الاغانی الکبیر اوست که آن را دیوان العرب نامیده اند و در شهر حلب در پنجاه سال بدان می پرداخته است. سیف الدوله حمدانی در برابر آن به او هزار دینار و حکم دوم خلیفه اندلس در برابر نسخه ای که برایش فرستاده است به اندازه آن داده است. در آن اغنیه ها و سرودها و ترانه های جاهلی عرب و دوران اسلامی است تا سده سوم با یاد کردن نغمه ها و ایقاعات آنها و با سرگذشت مغنیان و خنیاگران و سرایندگان و سازنوازان.

ابوالفرج رونی

ابوالفرج بن مسعود رونی، از شعرای معروف

که کرده بود به زندان برگشت و بند بر خود گذاشت، وقتی سعد از واقعه خبر یافت گفت به خدا قسم که دیگر تو را به واسطه شرب خمر آزاد نخواهیم کرد. ابومحجن گفت: به خدا قسم که من نیز دیگر شراب نخواهم خورد، و تا آخر عمر به عهد خود باقی ماند.

ابومسلم خراسانی

عبدالرحمن بن مسلم خراسانی یا مروزی، صاحب الدعوة، از دلبران و آزادیخواهان ایران، در سال ۱۰۰هـ. در اصفهان متولد شده، در سال ۱۲۹هـ. در زمان خلافت مروان حمار در مرو سپاهی فراهم کرد و به طرفداران خود دستور داد که لباس سیاه بپوشند، و بسیاری از مردم در مرو و شهرهای دیگر لباس سیاه بپوشیدند، آنگاه برضد بنی امیه قیام کرد و بسیاری از هواخواهان بنی امیه را کشت و در بعضی از شهرهای خراسان خطبه به نام ابومسلم خواندند، نصر بن سیار که از جانب مروان والی خراسان بود از بیم ابومسلم از مقام خود کناره گیری کرد، ابومسلم خراسان را گرفت و سرداران او نیز گرگان وری و اصفهان را به تصرف درآوردند و مردم از هر سو گروه گروه به ابومسلم پیوستند و به یاری او قیام کردند، بعضی مردم پیاده و بعضی اسب سوار و برخی خرسوار بودند و آنها که خرسوار بودند به خر خود مروان خطاب می کردند. ابومسلم در مغرب ایران سپاه مروان را درهم شکست و عراق را گرفت و بنی امیه را از میان برداشت و خلافت را به عباسیان که از خاندان پیغمبر بودند منتقل ساخت و به امین آل محمد ملقب گشت و سفاخ را به سال ۱۳۲هـ. در کوفه بر مسند خلافت نشاند، پس از مرگ سفاخ ابوجعفر منصور خلیفه دوم عباسی که از قدرت ابومسلم بیمناک بود او را با مکر و فریب به مقر خلافت احضار کرد و در سال ۱۳۷هـ. آن مرد دلیر را

عبدالعزی ابن عبدالملطب، عم حضرت رسول، چون چهره او سرخ رنگ و مانند شعله آتش بود مسلمانان به او ابولهب کنیه دادند. وی پس از آنکه پیغمبر آغاز رسالت کرد با آن حضرت بنای مخالفت گذاشت. پس از غزوه بدر در اثر شنیدن خبر شکست کفار قریش از شدت غصه مرد و جسدش چند روز در خانه ماند و گنبدیده شد به طوری که نتوانستند او را بردارند و دفن کنند و پسرش عتبه خانه را بر روی او خراب کرد و جسدش در زیر آوار دفن شد.

ابومحجن ثقفی

از دلاوران و از شعرای معروف عرب، در سال نهم هجرت ایمان آورد. پس از مسلمان شدن نیز در شرب خمر افراط می کرد. عمر بن خطاب در زمان خلافت خود چند دفعه او را حد زد، عاقبت ناچار شد که وی را به محل دیگری تبعید کند، پس او را همراه نگهبانی نفی بلد کرد. ابومحجن در راه خواست نگهبان خود را بکشد. آن مرد فرار کرد و نزد عمر بازگشت و واقعه را نقل کرد، ابومحجن هم به طرف قادسیه رفت و به سپاه سعد بن ابی وقاص پیوست. عمر وقتی خبردار شد به سعد نوشت که ابومحجن را حبس و بند کند، سعد نیز به فرمان عمر او را بند و زندانی کرد. اتفاقاً در همان ایام جنگ بین ایرانیان و اعراب شدت یافته و نزدیک بود که عربها شکست بخورند و خود سعد هم به واسطه بیماری نتوانسته بود در میدان حاضر بشود، ابومحجن از زن سعد درخواست کرد که او را از بند آزاد کند و شمشیر و اسب سعد را به او بدهد تا به کمک مسلمانان برود و شامگاه برگردد، زن سعد او را از بند آزاد کرد و ابومحجن به کمک مسلمانان شتافت و چنان شجاعت و جلاذتی بکار برد که باعث حیرت مسلمانان و شکست ایرانیان گردید و غروب آفتاب بنا به عهدهی

ناجوانمردانه به قتل رسانید.

ابومعشر بلخی

جعفر بن محمد بن عمر بلخی، منجم و ریاضی‌دان معروف، اصلاً از مردم بلخ و از منجمین بزرگ بوده، در علم تاریخ و سیر ملوک نیز دست داشته، مدتی در نزد الموفق بالله خلیفه عباسی به سر برده، می‌گویند در خلافت المستعین بالله عباسی روزی در بغداد حکمی نجومی کرد که درست درآمد و خلیفه فرمان داد او را چوب زدند، در سال ۲۷۲هـ. در سن صدسالگی در شهر واسط بدرود حیات گفته، تصنیفات و تألیفاتی در علم نجوم دارد، بعضی از کتب او به لاتینی ترجمه شده، از تألیفات وی: اثبات علم النجوم، کتاب الامصار، کتاب الجمهوره، اسرار النجوم، تقویم البلدان و طبایع البلدان است.

ابوهریره

عبدالله بن عامر، از صحابه پیامبر (ص). هریره یعنی گربه کوچک، انتساب او به کنیه «ابوهریره» که برخی می‌گویند حضرت رسول (ص) به او داده به جهت علاقه خاص او به گربه‌ها بوده است. وی در سال هفتم هجرت به هنگام غزوه خیبر اسلام آورد. مجموع احادیثی که وی از پیامبر نقل کرده بالغ بر ۵۳۷۴ حدیث می‌شود که با توجه به کوتاهی دوره مصاحبت او با حضرت رسول (ص) در صحت آنها جای شک است و از همان آغاز هم وی متهم به جعل و وضع احادیث، بویژه به نفع معاویه و بر ضد حضرت علی علیه السلام، بوده است. حضرت علی (ع) او را توثیق نمی‌کرد و عایشه و عمر هم او را موثق نمی‌دانستند. ابوهریره در زمان خلافت عمر مدتی عامل بحرین بود و چون در این مأموریت مبلغی زیاد

برای خود برداشته بود، عمر او را برکنار ساخت و اموال را از وی بازپس گرفت. ابوهریره به هنگام محاصره خانه عثمان از او حمایت کرد و به همین جهت مورد حمایت و احترام بنی امیه بود و مروان بن حکم هنگام حکومت بر مدینه، گاهی در غیبت خود، او را نایب و جانشین خود می‌ساخت. وفات او در سال ۵۷ یا ۵۹ گفته‌اند و به هنگام وفات ۷۸ ساله بوده است.

اپنهایمر، رابرت (فیزیکدان)

رابرت اپنهایمر، در ۱۹۰۴ در نیویورک به دنیا آمد. در ابتدای جوانی با تهیه رساله‌ای در مورد انوار مغناطیسی استادانش را در عجباب فرو برد. در دوازده سالگی جوان‌ترین عضو معدن‌شناسان نیویورک بود و جوان‌ترین عضو بعد از او شصت سال داشت. وی در دانشگاه معروف هاروارد، دوره چهارساله را سه ساله به پایان رساند و در سال ۱۹۲۵ درحالی که در کلیه دروس سرآمد دیگران بود فارغ‌التحصیل گردید و سپس به آرزویی که اکثر جوانان دارند، یعنی تحصیل در کمبریج، رسید. وی در حالی که بیش از ۲۵ سال نداشت به مقام پرفسوری نایل گردید. در مارس ۱۹۴۲ سرپرستی تحقیقات وزارت جنگ آمریکا را در لس‌آنجلس به عهده گرفت و از سال ۱۹۴۷ مدیر انجمن مطالعات عالی پرینستون که بودجه هنگفتی داشت و مخصوص ایجاد تماس و اجتماع مغزهای متفکری چون انیشتین، بوهر و الوت بود گردید. وی سازنده واقعی بمب اتمی است. در سال ۱۹۴۵ وقتی به او خبر رسید که اولین بمب اتمی آمریکا وحشیانه در هیروشیما منفجر شده است از فرط پریشانی بیمار شد. وی در این زمان گفت فیزیکدانان به منبعی دست یافته‌اند که مشحون از گناه و شر است و رهایی از آن غیرممکن می‌نماید.

اپیکتت در حدود سال ۱۱۰ درگذشت.

اپیکور (فیلسوف)

اپیکور فیلسوف بزرگ یونانی در سال ۳۴۲ قبل از میلاد در «ساموس» واقع در دریای اژه چشم به دنیا گشود و در سال ۲۷۰ قبل از میلاد در آتن جان سپرد. این فیلسوف یونانی نخست در ساموس زادگاه خویش و سپس در آتن و آسیای صغیر به تحصیل دانش پرداخت و پس از اتمام تحصیل شروع به پایه‌ریزی فلسفه معروف خود که امروزه آن را اپیکوریسم یا مکتب «پرستش لذت» می‌نامند کرد. در این دوره که او سخت در اندیشه کشف رموز جهان بود گاه در جزایر دریای اژه و گاه در آسیای صغیر زندگی می‌کرد. سرانجام در سال ۳۰۶ قبل از میلاد به آتن بازگشت کرد و در حومه این شهر خانه‌ای در میان باغی ساخت. این خانه پایگاه اپیکور و مرکز پخش و گسترش فلسفه وی در آن زمان بود. اپیکور مردی آزاداندیش و عاری از هرگونه تنگ‌نظری و تعصب‌های زمان بود و از این رو بود که برای نخستین بار به زنان نیز اجازه داد در محضر درس او حاضر شوند. او از این زمان به بعد گذشته از چند سفر کوتاهی که به آسیای صغیر کرد در خانه بیلاقی خویش به زندگی ساده و آرام و اعتدال آمیزی پرداخت. او شب و روز را با مریدان خویش بسر می‌برد و از دخول در امور زندگی مردم شهر سخت اجتناب می‌کرد.

کار اپیکور این بود که فکر کند و نشیب و فراز اندیشه‌های خویش را در قالب یک دکتترین تازه به پیروانش ابلاغ کند. اپیکور بر خلاف آنچه که می‌گویند پرستنده لذت بود دردهای جانفرسای زندگی را مردانه تحمل می‌کرد و به گرد هوسهای گذران و عادی نمی‌گشت.

مطالعات پیش از جنگ دوم او پیرامون اتم و تئوری «کوانتوم» راه را برای خرد کردن اتم باز کرد. در بحبوحه جنگ دوم وی در رأس آزمایشگاههای اتمی آمریکا شخصاً سه بمب اتمی اولیه را بوجود آورد. اینها پس از چندی در برابر کنگره آمریکا اظهار داشت که انرژی اتمی باید انقلابی در زمینه امور عمرانی بشر فراهم سازد نه آنکه دنیا را ویران سازد! متعاقب آن از مؤسسه تحقیقات اتمی آمریکا استعفا داد و برای تبلیغ نظریات صلح جویانه خویش رهسپار اروپا شد و در آنجا از طرف لرد برتراند راسل، انیشتین، بوهر و کلیه علمای معروف طی اعلامیه‌هایی تأیید شد. تنها اثر وی «فکر باز» نام دارد.

اپیکتت

اپیکتت در حدود سال ۶۰ میلادی در فریژد به دنیا آمد، او که غلام زاده و خود تحت رقبت و بندگی بود توسط صاحب سفاکی ناقص العضو شده اما در هر حال نمونه یک روح آزاده، نجیب و متکی به نفس بود. و چون به یکی از درباریان نرون فروخته شد، صاحبش به او اجازه داد که دروس رواقی «کائوس موسونیوس روفوس» را تعلیم بگیرد و نزد او بود که فن استخراج یک فلسفه جامع و عمومی را از تجارب شخصی فرا گرفت.

با مرگ روفوس، اپیکتت که در خلال این احوال قانوناً آزادی هم یافته بود در روم به تدریس فلسفه پرداخت. اما «می‌سین» که از آزادی زبان این برده قدیمی وحشت داشت از شهر اخراج گردید. آنگاه به نیکوپولیس رفت که در آنجا بین مستمعین فراوانش «آدرن» امپراطور آینده هم بود و او نفوذ فوق‌العاده‌ای بر امپراطور دیگری یعنی «مارک اورل» اعمال نمود.

بوده، در فلسفه و نجوم و طب و ادبیات عرب نیز دست داشته، اشعار عربی بسیار سروده است. قبل از استیلاء هولاکوخان بر بغداد در مصاحبت سلیمان‌شاه ایوانی که از امرای مستعصم بوده بسر می‌برد. در سال ۶۵۶هـ. بدرود حیات گفت. دیوان شعری با قریب پنج هزار بیت دارد.

احمدبن حسن میمنندی

مکنی به ابوالقاسم و ملقب به شمس الکفاة، وزیر سلطان محمود غزنوی، بعد از فضل بن احمد در سال ۴۰۴هـ. به وزارت رسید. مردی کاردان و با کفایت بود و چون بنا به میل امراء و اعیان رفتار نمی‌کرد عده‌ای از او در نزد سلطان سعایت کردند. عاقبت در سال ۴۱۵هـ. معزول و در حصار کالنجر در نواحی کشمیر محبوس گردید و تا آخر عمر سلطان محمود در حبس بود. وقتی مسعود به سلطنت رسید او را از زندان درآورد و به وزارت گماشت. وی از دوستان حکیم ابوالقاسم فردوسی بود و خودش نیز به فارسی و عربی شعر می‌گفت. فرخی و منوچهری او را مدح کرده‌اند.

احمد حنبلی

ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبلی، یکی از ائمه اربعه اهل سنت و جماعت، مذهب حنبلی منسوب به اوست. در سال ۱۶۴هـ. در بغداد متولد شد و در آنجا نشو و نما یافت و کسب علم کرد. مسافرت‌هایی به مکه و مدینه و مصر و یمن و شام رفته، مردی متقی و یارسا بوده و در ریاضت و کرامت شأن عظیم داشته است. عده‌ای از مشایخ کبار را دیده و از خواص اصحاب شافعی بوده، و امام شافعی درباره او گفته که در بغداد کسی را افقه و اتقی از ابن حنبلی ندیده‌ام. می‌گویند

اپیکور نویسنده پرکار و پرنویسی بود و به شهادت «دیوژن لائرسیوس» که فلسفه وی را در ۲۲۵ سال بعد از میلاد تشریح نموده است وی سیصد طومار نوشته است. این مرد نام چهل کتاب فلسفی او را ارائه داده و نامه‌های وی را نیز جمع‌آوری کرده است. وی مجموعه‌سی وهفت جزوه او را زیر عنوان «در باب طبیعت» گرد آورده بود اما در حال حاضر از اپیکور چیزی جز: ۱- «سه نامه به شاگردان» ۲- مجموعه چهل مقاله اخلاقی زیر عنوان «دکترین اساسی» ۳- مجموعه هشتاد سخن کوتاه پندآمیز در باب اخلاق که در کتابخانه واتیکان بدست آمده ۴- قطعه‌هایی از کتاب «در باب طبیعت» که روی پایروس در ایتالیا کشف شد بجا نمانده است.

اپیکور به مردان خویش می‌آموخت که هدف اخلاقیات «لذت» است اما فقط لذتی که مردان سترگ و ریاضت کشیده و رنج برده احساس می‌کنند قابل احترام است.

اپیکوریسم هفت قرن هوادار داشت اما بیشتر هواداران این مرام، لذت را به معنایی درخور خویش تعبیر می‌کرده‌اند.

اپیکور فلسفه خویش را به منطق، طبیعیات و اخلاقیات تقسیم کرد. او منطق و طبیعیات را تابع اخلاقیات می‌دانست و معتقد بود که این دو بخش از فلسفه تنها برای تذهیب فکر و نهاد انسان باید به کار گماشته شود. مرد واقعی کسی است که برای کسب لذت واقعی از ترس نمی‌ترسد، از آرزو گریزان است و می‌خواهد مقام حقیقی خود را در دستگاه بزرگ آفرینش به دست آورد.

اثیر اومانی

اثیرالدین عبدالله، از شعرای ایران، مردی فاضل و خوش طبع و از مردم اومان «قریه‌ای در همدان»

همان اوقات جنگ جهانی اول آغاز شد، گرچه دولت ایران بی طرفی خود را اعلام کرد لکن قوای روس و انگلیس وارد ایران شد. در سال ۱۳۳۳ هـ. (۱۹۱۵ م.) دو دولت روس و انگلیس قراردادی باهم بسته و ایران را به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم کردند و قرار شد روسها در شمال ایران یازده هزار نفر قزاق داشته باشند و انگلیسها هم در جنوب به همین تعداد قوایی به نام پلیس جنوب تشکیل بدهند. در اواخر سال ۱۹۱۷ م. روسیه دچار انقلاب شد و دولت تزاری از میان رفت و دولت ایران رژیم جدید شوروی را به رسمیت شناخت، دولت جدید روسیه قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ را لغو کرد اما انگلیسها قوایی وارد ایران کرده تا همدان و رشت پیش رفتند و تمام ایران را تحت نفوذ خود درآوردند و در سال ۱۹۱۹ در کابینه وثوق الدوله قراردادی را تحمیل کردند که اختیار امور نظامی و مالی ایران در دست مستشاران انگلیسی باشد لکن در اثر اعتراضات شدید آزادیخواهان و نمایندگان مجلس شورای ملی قرارداد مزبور لغو گردید، اما اوضاع مملکت روزبروز آشفته تر می شد تا در سال ۱۲۹۹ خورشیدی کودتایی به رهبری رضاخان صورت گرفت و رضاخان به سمت رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا انتخاب گردید و در نهم آبان ۱۳۰۴ ش. احمدشاه از سلطنت خلع شد و سلسله قاجاریه پس از ۱۴۰ سال منقرض گشت. احمدشاه در ۱۸ اسفند ۱۳۰۸ در بیمارستان آمریکایی پاریس به مرض ورم کلیه درگذشت و جسدش را به عتبات عالیات بردند.

احمدی، احمد [پزشک]

احمد احمدی مشهور به پزشک احمدی فرزند محمدعلی در حدود سال ۱۲۶۱ خورشیدی در مشهد تولد یافت. نام پزشک احمدی برای رجال سیاسی

هزار هزار حدیث به یاد داشته و ملقب به امام المحدثین بوده است. کتاب مسند از اوست. وفاتش به سال ۲۴۱ هـ. در بغداد بوده، گفته اند که سیصد هزار تن در تشییع جنازه او حضور یافته و در آن روز بیست هزار نفر از نصاری و یهود به دین اسلام درآمده اند.

احمد شاه قاجار

آخرین پادشاه سلسله قاجار، پسر محمدعلی شاه، در سال ۱۳۲۷ هـ. پس از خلع پدرش در سن دوازده سالگی به سلطنت رسید و عضدالملک به نیابت سلطنت او معین شد. در ذی قعدة ۱۳۲۷ هـ. مجلس شورای ملی رسماً افتتاح گردید، در سال ۱۳۲۸ هـ. عضدالملک درگذشت و ناصرالملک به جای او نایب السلطنه شد، در ۱۳۲۹ محمدعلی میرزا به تحریک روسها به استرآباد آمد و سالارالدوله برادر او در مغرب ایران به جمع آوری لشکر پرداخت لکن هردو آنها مغلوب شده و از ایران فرار کردند، سپس



روسها سپاهیان وارد بندر انزلی کرده و در رشت و تبریز عده ای از آزادیخواهان را کشتند و در سال ۱۳۳۰ هـ. از دولت ایران خواستند که مستر شوستر و سایر مستشاران آمریکایی را که تازه از آمریکا آمده بودند اخراج کند و دولت ناچار آنها را خارج کرد. احمد شاه در سال ۱۳۳۲ هـ. تاجگذاری کرد و در

مدتی دستگیر شده و به ایران آورده شد. سرانجام دادگاه دیوانعالی جنایی، پزشک احمدی را قاتل عمدی «فرخی یزدی» و «جعفرقلی خان بختیاری» شناخت و به اعدام محکوم نمود. و بالاخره به قول «سیداحمد کسروی» وکیل مدافع پزشک احمدی در دادگاه، این «بلیدک» در سحرگاه یکی از روزهای سال ۱۳۲۲ خورشیدی در میدان توپخانه تهران به دار مجازات آویخته شد.

اخسیکتی، اثیرالدین (شاعر)

اثیرالدین اخسیکتی اهل قصبه اخسیکت از توابع فرغانه بود، که بیشتر عمر خود را در عراق و آذربایجان بسر آورد. وی اتابکان آذربایجان و بعضی از سلاطین سلجوقی را مدح می گفت. با عده ای از شعرای هم عصر خود چون مجیرالدین بیلقانی، خاقانی شیروانی رابطه داشت. اثیر بین سالهای ۵۷۷ تا ۵۷۹ هجری وفات یافت.

اخوت، یوسف

یوسف اخوت در سال ۱۳۰۵ قمری در «بوشهر» متولد شد. ابتدا در مکتب خانه ها و سپس نزد اساتید وقت به تحصیل پرداخت. در ۲۰ سالگی به شغل «خرازی» پرداخت. پس از چهارسال تجارت داخلی و روابط بازرگانی، ابتدا با بنادر و عربستان و سپس با سایر نقاط روایتی ایجاد و رسماً به تجارت پرداخت. اخوت در سال ۱۳۲۴ قمری به جرگه اصلاح طلبان درآمد. در سال ۱۳۳۶ قمری پس از ضرر هنگفتی که در زمینه تجارت به وی وارد شده بود، در نزد یکی از تجار به منشی گری پرداخت. کم کم سرمایه خود را افزایش داده مجدداً به تجارت مشغول گشت ولی پس از دو سال به علت ورشکستگی دوتن از تاجران طرف



آیرم

معاصر ایران، نامی آشنا و بسیار وحشت انگیز است. پزشک احمدی طبیب مخصوص زندان قصر در دوران رضاشاه بوده و قتلهای سیاسی بسیاری به دست او و با تزریق آمبول هوا صورت گرفته است. وی متهم به قتل «جعفر قلی خان بختیار» (سردار اسعد)، «خانباخان اسعد» (برادر سردار اسعد)، «تیمورتاش» (وزیر دربار رضاشاه) بود. پزشک احمدی تحت فرمان دو رئیس شهربانی، «آیرم» و بعد «مختاری» خدمت کرده است و این دو رئیس شهربانی عوامل کشتار، اختناق و سرکوب مخالفین «رضاشاه» بودند. بخشی از جنایات آنان مربوط به زندانیانی بود که از طریق قانونی نمی توانستند اقدام به نابودی آنان کنند، و ناچار با شیوه های بسیار محرمانه در زندان توسط پزشک احمدی به قتل می رسیدند. پس از شهریور ۱۳۲۰ که نیروهای متفقین خاک ایران را اشغال کردند و «رضاشاه» پس از استعفا، از ایران تبعید شد؛ موقتاً آزادی های سیاسی در ایران دوباره طلوع کرد، و در اثر فشار افکار عمومی و شجاعت برخی از دست اندرکاران دستگاه قضایی، از جمله آقای «دکترجلال عبده» دادستان وقت دیوان کیفر، عاملین کشتار زمان «رضاخان» از قبیل پزشک احمدی، «سرپاس مختاری»، «مصطفی راسخ» و «حسین نیرومند» به پای میز محاکمه کشیده شدند. پزشک احمدی پس از شهریور ۱۳۲۰ به عراق گریخته بود ولی پس از

ارادت داشتند. وی مردی بود وارسته، گوشه‌گیر، کم‌مراوده، بسیار صریح‌اللهجه.

ادیب صابر (شاعر)

ادیب صابر در شهر ترمذ واقع در شمال بلخ متولد شد ولی بیشتر عمر خود را در نیشابور گذراند. صابر ممدوح سلطان سنجر بوده سنجر زمانی وی را مأمور خوارزم نمود که به خدمت علاءالدین اتسز برود و در ظاهر ممدوح او شود و در باطن اخباری را که از آنجا کسب می‌کند به سنجر خبر دهد، اتفاقاً هم‌زمان با موقعی که ادیب در خوارزم بود علاءالدوله دو نفر را مأمور کشتن سنجر نمود و به مرو فرستاد و چون صابر از این خبر آگاه شد مخفیانه سنجر را مطلع نمود، و در نتیجه به دستور سنجر دو نفر مأمور دستگیر و کشته شدند. اتسز سخت خشمگین شد و به انتقام خون آن دو نفر فرمان داد تا دست و پای صابر را بستند و در جیحون افکندند (اغلب تذکره‌نویسان مرگ صابر را در سال ۵۴۶ هجری نقل کرده‌اند).

ادیب صابر از قصیده‌سرایان مشهور بود.

ادیب الممالک فراهانی



میرزا صادق حکیم در سال ۱۲۷۷ هجری قمری متولد شد. وی ابتدا به امیرالشعرا و سپس به

معامله با وی، مجدداً ضرر نمود. پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ انجمنی به نام «انجمن اخوت بوشهر» تأسیس نمود که از اقدامات این انجمن تأسیس دبستان «اخوت» در ۸ کیلومتری بوشهر بود. اما در سال ۱۳۰۴ خورشیدی انجمن منحل شد. اخوت در سال ۱۳۰۸ خورشیدی موفق به دریافت امتیاز روزنامه «خلیج ایران» گردیده آن را ابتدا به صورت هفتگی و از سال ۱۳۱۷ خورشیدی هفته‌ای دو شماره و بعداً به صورت روزانه انتشار داد.

ادیب پیشاوری

سیداحمدرضوی معروف به ادیب پیشاوری، که در فنسون ادب، حفظ اشعار، نحو، لغت، حکمت، ریاضیات و حسن خط در این اواخر به احاطه و تبحر او کمتر کسی دیده شده در ۱۲۶۰ ق. متولد و در سوم صفر ۱۳۴۹ ق. در سن قریب به نود سال در تهران درگذشت. مرحوم ادیب در تمام عمر مجرد می‌زیسته و تأهل اختیار نکرده بود. آن مرحوم معروف بود به



سوء خلق و کمتر کسی طاقت مصاحبت او را داشت، لیکن با کسانی که مانوس و دوست بود کمتر سوء خلق خود را بروز می‌داد.

وی دیوان شعری دارد به فارسی که بسیار فاضلانه و استادانه است. اکثر فضلاء و اعیان به واسطه فضل، بی‌نظری و استغنائی طبعش به وی

ژاک چهارم پادشاه اسکاتلند جدید گماشتند و چون آثار او منتشر شد بیشتر سلاطین وقت به جلب او به دربارهای خویش کوشیدند و چون در آنوقت اصلاح و تعدیل دین مسیحی لازم به نظر می‌آمد او در این معنی با لوتر به مکاتبه پرداخت و آنگاه که لوتر دست به کار دعوت زد وی از مکاتبه با لوتر خودداری کرد و بر ضد وی چیزهایی نوشت و چون در همه تألیفات او حریت فکر و آزادی عقیده مشهور بود بیشتر تألیفات او از طرف واتیکان ممنوع و سوخته شد، مخصوصاً با نوشتن کتاب مدح دیوانگی که با همه اصناف بشری سر و کار دارد و انتقاد می‌کند، طایفه رهبانان با او خصومتی سخت پیدا کردند. وی به سال ۱۵۳۶ در شهر بال بدرود حیات گفت.

اراکي سلطان آبادی، شیخ محمد [سلطان العلماء]

سلطان العلماء شیخ محمد اراکی سلطان آبادی فرزند «محمدعلی» در سال ۱۲۹۶ قمری در اراک تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در اراک گذرانیده پس از آن برای ادامه تحصیلات به اصفهان رفت. سطح را در آنجا تکمیل نموده سپس به عتبات رهسپار شد. در آنجا نزد «میرزا محمد تقی شیرازی» و «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات به اراک بازگشته به تدریس و اداره حوزه علمیه اراک پرداخت. سلطان العلماء در ۲۱ رمضان ۱۳۸۲ قمری وفات یافت. اثر بجای مانده از نامبرده: الحاشیه علی کفایة الاصول.

ارانی، تقی [دکتر]

تقی ارانی فرزند ابوالفتح ارانی در سال ۱۲۸۱

ادیب الممالک ملقب گردید. ادیب مدتی روزنامه ادب را در تبریز منتشر می‌نمود. پدر ادیب الممالک حاجی میرزا حسین متخلص به محیط است. ادیب الممالک در سال ۱۳۳۶ وفات نمود.

ادیسون (مخترع)

توماس آلو ادیسون در سال ۱۸۴۷ در شهر میلان متولد شد، او از لحاظ شنوایی در زحمت بود مع هذا تا هنگام مرگش به سال ۱۹۳۱ در سن ۸۴ سالگی، ۲۵۰۰ اختراع به نام او ثبت شده بود. ابتدا تلگرافچی ساده‌ای بود و اولین اختراع او دستگاه ثبت آراء برای مجلس بود. در سال ۱۸۷۰ طریقه ثبت



حروف مرس را به روی کاغذ کشف کرد. در سال ۱۸۷۷ دستگاه ضبط صوت یا فونوگراف را ساخت و در سال ۱۸۸۰ موفق به کشف نیروی برق شد، بعد از آن عکس متحرک و اختراعات دیگری را تکمیل کرد.

اراسم، دیدیه

دیدیه اراسم دانشمند و فیلسوف و ادیب هلندی و یکی از علماء مشهور قرن پانزدهم میلادی است که به سال ۱۴۶۶ در روتردام متولد شد. پس از اتمام تحصیلات داخل سلسله رهبانان گردید و در بعضی مدارس به تدریس پرداخت. سپس او را به تعلیم پسر

علم الروح، تئوریهای علم، تاریخ علوم، من یک سیاهم، تکامل، تبعیت به محیط، ارث، جبر و اختیار، حقوق و اصول مادی، خوابیدن و خواب دیدن، من و ماتریالیسم، زندگی و روح هم مادیت، عرفان و اصول مادی، گل‌های سفید، فرضیه نسبیه، ماتریالیسم دیالکتیک، هنر و ماتریالیسم هنر در ایران جدید.

اردبیلی، میرزاعلی اکبر

میرزاعلی اکبر اردبیلی فرزند «محسن» فرزند «عبدالله» در سال ۱۲۶۹ قمری به دنیا آمد. در محضر استادان زیادی حاضر نشده ولی مطالعات فراوان او باعث شد در ردیف علما قرار گیرد. او عالم، فاضل، ادیب، کامل، عارف به حکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول بود. در برخی از مؤلفات خود به بعضی از علما که نسبت به مرامشان آگاهی نداشته، چون «ملاحمّد کاظم خراسانی» طعن بسیار زده بدین جهت بعضی از علما از وی دوری می کردند. اردبیلی در ماه شعبان سال ۱۳۴۶ قمری درگذشت.

آثار بجا مانده از وی عبارتند از:

اثبات تقلید میت، صورت سؤال و جواب راجع به واقعه زید، رساله فی بیان البعث و النشور و القیام من الاحداث القبور.

ارسطو

ارسطو در ۳۸۴ پیش از میلاد در «استاژیر» از شهرهای مقدونی به دنیا آمده مدت بیست سال شاگرد افلاطون بود.

وی در سال ۲۳۵ پیش از میلاد دوباره به آتن بازگشت و مکتبی فلسفی به نام «لیسه» ایجاد نمود و در آن به تدریس پرداخت. نام مشاء که برای پیروان

خورشیدی متولد شد. او پس از اتمام دوران اولیه تحصیل در مدرسه‌های «شرف» و «دارالفنون» وارد مدرسه عالی پزشکی تهران شد و پس از مدتی برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در شهر برلن به تحصیل پرداخت. ارانی پس از شش سال تحصیل در رشته فیزیک و شیمی موفق به طی دوره دکتری می شود و پس از اخذ درجه دکتری به عنوان استاد «ادبیات شرق» در برلین به تدریس علم بدیع در اشعار فارسی، عربی و ترکی می پردازد. زمانی که دکتر ارانی در آلمان بود، احزاب آلمان با یکدیگر جنگ قلمی



داشتند و او در آن محیط، تحت تأثیر عقاید سوسیالیستی قرار گرفت و در برلن روزنامه «پیکار» را تأسیس کرد که در «لایبزیگ» طبع و به طور مخفی در ایران منتشر می شد. دکتر ارانی در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به ایران بازگشت و نخست در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه استخدام شد و به تدریس پرداخت، سپس به اداره کل صناعت رفت و با عنوان رئیس تعلیمات اشتغال یافت. او همچنین در دبیرستان‌های تهران به تدریس درس فیزیک پرداخت.

از او اشعار و نوشته‌های بسیاری به جا مانده که ذیلاً به تعدادی از آنها اشاره می شود: اتم و بعدچهارم، تاریخ سازی و هنر، ارزش، قیمت، کار، تکامل موجودات زنده، اصول علم روح، اصول علم شیمی، اصول علم فیزیک، بشر از نظر مادی، پسیکولوژی

و شاگردان وی علم شده بود بدان جهت بود که ارسطو در «لیسه» درحین گردش، به شاگردان تعلیم خود را افاضه می کرد. خشم و کینه مردم و اهالی مقدونی پس از مرگ اسکندر کبیر او را واداشت که اتیک را ترك گوید.

ارسطو در «کالیسی» از بلاد «اوبه» وفات یافت (۳۲۲ ق.م). آثار وی در زمان «سیلا» (قرن اول پیش از میلاد) نشر گردیده یادداشتهایی است که برای تعلیم گردآورده است. اساساً کتابهای وی عبارتند از: منطق، سماع طبیعی، ماوراءالطبیعه، اخلاق، سیاست، معانی و بیان، فن عروض شعر فن، قانون اساسی آتن.

ارشمیدس (ریاضیدان)

ارشمیدس در سال ۲۸۷ قبل از میلاد در سیراکوز متولد شد.

ارشمیدس وقتی به اسکندریه آمد که اقلیدس مرده بود. در این موقع ارشمیدس با بسیاری از دانشمندان موزه طرح دوستی ریخت ولی فقط با سه نفر از دانشمندان زمان خود ارتباط نزدیک داشت، این سه نفر «کانون» اهل ساموس، «راتوستن» مدیر کتابخانه و اولین کسی که برای اندازه گیری کره زمین اقدام نمود و بالاخره ریاضی دان و منجم بزرگ «دوزیته» که اهل کولون بود.

زندگی ارشمیدس با آرامی می گذشت تا اینکه ناگهان طی جنگ دوم کارتاژ سردار رومی مارسولوس شهر سیراکوز را محاصره نمود، اهالی شهر قصد تسلیم داشتند ولی هیرون پادشاه سیراکوز موافقت نکرد و با کمک دوست خود ارشمیدس درصدد دفاع از شهر برآمد ولی سربازان خشن رومی این موضوع را به مسخره گرفتند و با کبر و غرور مخصوصی درصدد حمله برآمدند.

پلوتارک این حادثه را چنین شرح می دهد: رومیها از دو نقطه شروع به حمله کردند، وحشت و ترس در سیراکوز حکمفرما شد. ولی به محض اینکه ارشمیدس ماشینهای خود را به کار انداخت این ماشینها شروع به پرتاب سنگها و وزنه های بسیار عظیم کردند که با سرعت زیاد بر سر پیاده نظام دشمن فرو می ریخت، در این موقع عدم انتظام عجیبی در قشون دشمن پدید آمد و بدین ترتیب مدت سه سال حملات مارسولوس با عدم موفقیت مواجه گشت. مارسولوس به حيله متوسل شد و شهر را از پشت سر مورد حمله قرار داد. بدین مناسبت اهالی شهر مقدمات جشن بزرگی را تهیه کرده و آنقدر شراب نوشیدند که وقتی به خود آمدند شهر به وسیله مارسولوس غارت شده بود.

در این هنگام ارشمیدس در یکی از میدانهای عمومی نشسته شکلی بر روی شنها رسم کرده بود و سرگرم مطالعه آن بود و در این حال بزرگترین نابغه دنیا به دست سربازی حقیر و گمنام به قتل رسید (۲۱۲ قیل از میلاد). آثار ارشمیدس نسبت به اطلاعات دانشمندان زمان خیلی بیشتر بود و آنان قادر به درک تمام آنها نبودند. در این مورد باید ارشمیدس را پدر مستقیم دکارت، نیوتون و لایب - نیتس دانست.

ارشمیدس دو هزار سال از معاصران خود جلوتر بود. اگر معاصران او می توانستند آثار او را بفهمند ریاضیات می توانست از قرن سوم قبل از میلاد به همان ترقیاتی نایل شود که از قرن هیجدهم بعد از میلاد نصیب آن گردید. «پیرارد» مترجم آثار ارشمیدس او را هومر ریاضی دانان جهان نامید. «اریک تامپل بل» او را همراه با نیوتون و گائوس بزرگترین ریاضی دانان جهان می داند. ارشمیدس توانست سطح و حجم اجسامی مانند کره و استوانه و مخروط را حساب کند. ارشمیدس توانست سطح محدود

مشاهیر

مرخص شده به تحصیل در رشته اقتصاد و مدیریت در دانشگاه نورمبرگ سرگرم شد و پس از چندی که آنجا را به پایان رسانید وارد دانشگاه فرانکفورت شد و در سال ۱۹۲۸ درجه دکتری در اقتصاد گرفت. از آن پس در مؤسسات اقتصادی سرگرم کار بود تا اینکه در سال ۱۹۴۵ وزیر اقتصاد باواریا گشت. در سال ۱۹۴۷ بعنوان وزیر اقتصاد به تدریس در دانشگاه مونیخ اشتغال ورزید.

در سال ۱۹۴۹ پس از تأسیس حکومت جمهوری فدرال وزیر اقتصاد و معاون صدراعظم شد. اهرارد بعنوان نماینده مجلس ملی نیز در تمام سه دوره آن انتخاب گردید. اهرارد از سال ۱۹۶۳ تا سال ۱۹۶۶ صدراعظم آلمان بود.

اسپارتاکوس

اسپارتاکوس برده و گلادیاتور رومی و از اهالی تراس بود. در جنگ سرویل که متعاقب طفیان و شورش بردگان درگیر شد و مدت دو سال از ۷۳ تا ۷۱ ق.م ادامه یافت، سمت رهبری قیام کنندگان را برعهده داشت. پس از چندین بار وارد کردن شکست به قوای رومی سرانجام توسط کراسوس مغلوب و کشته شد.

اسپنسر، هربرت

هربرت اسپنسر یکی از بزرگترین فلاسفه قرن نوزدهم به شمار می‌رود. او به سال ۱۸۲۰ متولد گردید. پدر و جدش معلم بودند و خود وی نیز هنگام تحصیل به ریاضیات و علوم فنی علاقمند بود و مهندسی آموخت، لیکن دروس او منظم نبود و به کتاب خواندن نیز اشتیاقی نداشت و معلومات فراوان

منحنی‌هایی از قبیل سهمی و منحنی پیچی را (که نوع مخصوصی از آن به نام خود او معروف است) محاسبه نماید. در اینجا باید متذکر شد که دانشمند سیراکوز بیست قرن قبل از اختراع حساب انتگرال با روش خود سطح سهمی یا يك منحنی پیچی را به دست آورد. به وسیله همین روش توانست مقدار تقریبی عدد پی را محاسبه کند. ارشمیدس اولین کتاب را در علم «استاتیک» (بحث در تعادل اجسام) نوشت. در این کتاب اصول اساسی مربوط به مرکز ثقل و اهرم و اکتشافات دیگر دیده می‌شود. هیرون از اکتشافات او چنان متحیر شده بود که فریاد کشید هرچه را ارشمیدس مدعی شود من آن را ممکن می‌دانم و باور می‌کنم. بیهوده نبود که ارشمیدس اظهار کرد: نقطه اتکائی بمن بدهید تا به کمک اهرم خود جهان را از جا بلند کنم. ارشمیدس بعد از اختراع استاتیک، هیدروستاتیک یا علم تعادل مایعات را بوجود آورد و مشهور است که ارشمیدس علم فوق را به خاطر شخص دغل و متقلبی اختراع کرد.



اهرارد، لودویک (اقتصاددان)

پروفسور دکتر لودویک اهرارد در سال ۱۸۹۷ در آلمان به دنیا آمد، پس از تحصیلات متوسطه مدتی به تحصیل بازرگانی پرداخت که به میدان جنگ اول فرستاده شد، اما چون در آن جنگ آسیب دید،

خود را از راه تجربه و تتبعات شخصی بدست آورد. از آغاز عمر به بحث درباره مسایل سیاسی و دینی و فلسفی علاقه داشت و از مطالعات علوم طبیعی يك رشته تحول و تکامل برایش پیش آمد و تصمیم گرفت يك رشته تصنیفها را به عنوان فلسفه تألیفی مبنی بر همان نظر تصنیف کند. در این وقت چهل ساله بود و نزدیک به چهل سال دیگر برای این مقصود رنج برد و ضعف پیری مانع کارش نگردید. وقتی که به این کار همت گماشت کتاب معروف داروین هنوز نوشته نشده بود و چون این کتاب منتشر شد اسپنسر در فلسفه و عقیده خود استوارتر گردید و از تحقیقات داروین نیز استفاده کرد. اسپنسر آدمی منطقی و جدی و از خیالات شاعرانه به کلی دور بود. اهل ذوق نبود و شور و عشق نداشت و تأهل نیز اختیار نکرد و به ثروت نیز اعتنائی نداشت. از کتابهای او می توان: مبادی اولیه اصول شناخت زندگی، اصول روانشناسی، اصول علوم اجتماعی، اصول اخلاق را نام برد. وی هشتاد و سه سال زندگی کرد و به سال ۱۹۰۳ درگذشت.

استالین



سیاستمدار روسیه و رهبر حزب کمونیست شوروی (سابق)، به سال ۱۸۷۹ در بخش گوری واقع در گرجستان متولد شد، نام اصلی اش جوگاشویلی بود و پس از پیوستن به جنبش انقلابی، خود را «استالین»

[=مرد پولادین] نامید. پدرش کفاش بود. در سال ۱۸۹۴-۱۸۹۹ در مدرسه مذهبی تفلیس تحصیل کرد، ولی به سبب نافرمانی اخراج شد. در دوره تحصیل به ماکسیم گورکی نویسنده نامدار روس گروید و داخل حزب سوسیال دموکرات قفقاز شد. پس از اشعاب حزب سوسیال دموکرات به دو جناح «بلشویک» و «منشویک» در سال ۱۹۰۳، به بلشویکها پیوست و جزء یاران لنین درآمد. از سال ۱۹۱۲ جزء نویسندگان روزنامه پراودا درآمد. از سال ۱۹۱۳ برای تمام عمر به سیبری تبعید شد و تا انقلاب ۱۹۱۷ که مشمول عفو عمومی قرار گرفت در آنجا بود. بعد از انقلاب اکتبر، در دولت لنین به مقام کمیسری خلق ملتها رسید. در سال ۱۹۲۲ دبیرکل حزب کمونیست شد. پس از مرگ لنین در سال ۱۹۲۴، استالین به اتفاق کامنف و زینوویف زمام امور را به دست گرفت. در ۱۹۲۷ موفق شد که دوتن از رقبای عمده حزبی خود - تروتسکی و زینوویف - را دفع کند و به این طریق رهبر بلا معارض حزب گردید. با آنکه تا ۱۹۴۱ رسماً مقام دولتی نداشت، اما به عنوان رئیس پولیتبورو (کمیته اجرایی حزب)، سیاست دولت شوروی را تقریر می کرد.

در تصفیه حزبی سالهای ۱۹۳۰ مخالفین را نابود و دیکتاتور مطلق العنان روسیه گشت. در سال ۱۹۴۱ نخست وزیری را از مولوتف گرفت و اندکی پس از حمله هیتلر به روسیه، تصدی ارتش را نیز عهده دار شد و عنوان مارشالی (۱۹۴۳) و فرماندهی کل قوا (۱۹۴۵) یافت. تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳ که بر اثر خونریزی مغزی اتفاق افتاد، با قدرت کامل بر روسیه حکومت کرد. جسدش را در مقبره لنین، در میدان سرخ مسکو، کنار جسد لنین، دفن کردند.

استاندارل (نویسنده)



آرنانس، گردشهای رم، یادداشتهای يك سیاح، سفر در جنوب، معبد پارم، لوسین لورن، وقایع ایتالیا، رمانها و نولها، نامه‌ها، درباره هنر و ادب، زندگی ناپلئون، یادداشتهای زندگی هانری برولدر و خاطره‌های خودخواهی.

استانیسلافسکی

کنستانین الکسه‌یف که بعدها نام مستعار تئاتری استانیسلافسکی را برای خود اختیار کرد، به سال ۱۸۶۳ متولد شد. او از بدو طفولیت فوق‌العاده کنجکار، عاشق کسب معلومات، جدی و با اراده بود. در ۱۴ سالگی، در سال ۱۸۷۷ روی صحنه آماتوری خانگی در نقش معلم ریاضیات و يك نفر کارمند دولت در «ودویل» که در يك شب اجرا می‌شد ظاهر گشت، و در پاییز سال ۱۸۸۸ به اتفاق فدوتوف رئیس‌سور و کامیساژفسکی موفق شد انجمن هنر و ادبیات را تأسیس کند. در اولین نمایش آن انجمن او دو نقش: بارون را در تراژدی «شوالیه خسیس» اثر پوشکین و نقش سوتانویل را در کمدی «ژورژداندن» اثر مولیر ایفاء کرد. از آن زمان نام او هنرپیشه آماتور و پیوسته معروف‌تر و در محافل هنرمندان روسی محبوب‌تر شد.

در سال ۱۹۲۸ استانیسلافسکی پس از اجرای نمایش «سه خواهر» به عارضه قلبی گرفتار شد و

در ۲۳ ژانویه سال ۱۷۸۳ در شهر گرنوبل به دنیا آمد. در هفت سالگی مادرش را ازدست داد. بچه خردسال مادرش را بی‌حد دوست می‌داشت اما از پدرش بشدت متنفر بود به طوری که این تنفر را در همه یادداشتها و نوشته‌های او می‌توان مشاهده کرد. زندگی کودکی وی بسیار غم‌انگیز بود. با مشاهده اعدام لویی شانزدهم لذت فراوانی برد و تندرویهای جمهوریخواهان را به نظر تحسین نگریست. استاندال در مدرسه اکول سانترال شهر گرنوبل به تحصیل مشغول گشت. در همین مدرسه بود که با آثار شکسپیر آشنایی یافت و به آنها سخت علاقمند گشت. در سال ۱۷۹۹ به پاریس رفت تا وارد مدرسه پلی‌تکنیک آنجا شود اما در امتحان ورودی شکست خورد و پس از آن بیمار گشت. ولی به زودی بر اثر توجه خانواده دارو که با خانواده‌اش نسبتی داشتند بهبودی یافت و مشغول مطالعه در آثار ادبا شد. در این ایام به نوشتن نمایشنامه همت گماشت اما کاری از پیش نبرد. پس از رفتن ناپلئون به جزیره الب وی نیز به ایتالیا رفت و مدت هفت سال در میلان ماند و به معاشرت با اهل ادب پرداخت. در این ایام بود که اولین اثر خود را به نام زندگی آیدن موزاروستاز انتشار داد.

در روزهای پرافتخار ژوئیه که شارل دهم را از سلطنت خلع کردند و سلطنت را به لویی فیلیپ دادند تغییری در طالع استاندال پدید آمد. استاندال کنسول تریست شد اما بر اثر مخالفت مترنیخ به سیویتاویکیا فرستاده شد. این مکان برای استاندال حکم تبعیدگاهی را داشت. استاندال در جریان خدمتهای خود دچار فلج شد و در سال ۱۸۴۲ چشم از جهان پوشید.

آثار استاندال عبارتند از:

سرخ و سیاه، راهبه کسترو، زندگی آیدن و موزار و ماستار، زندگی روسینی، عشق راسین و شکسپیر،



واقعی او با انتشار کتاب «اطاق قرمز» شروع شد که این طلیعه مکتب ادبی ناتورالیسم در سوئد به شمار می‌رود. انتشار این کتاب جنجال بزرگی در سوئد برپا کرد و این جنجال چندی بعد با نشر کتاب دیگری به نام «قلمرو سلطنتی تازه» به حد اعلای خود رسید. وی چندین سال را در فرانسه و سویس گذرانید و در آنجا مجموعه داستانهایی به نام «همسران» انتشار داد که در آنها مخالفت شدیدی با جنس زن نشان داده بود. چندی بعد اعتراف‌نامه‌ای به نام «بسر کلفت» نوشت که باز با جنجال بسیار مواجه شد. از آن پس او صد اثر مختلف نثر و نظم انتشار داد، که غالب آنها از شاهکارهای ادبیات سوئد محسوب می‌شوند. مرگ وی در سال ۱۹۱۲ م. اتفاق افتاد.

استفنسن، جرج (مخترع)

جرج استفنسن در سال ۱۷۸۱ به دنیا آمد. در کودکی به چوپانی اشتغال داشت، در آغاز جوانی در آتشکاری به پدرش کمک می‌کرد، تا اینکه از دیدن ماشین بخار سخت در شگفت شد و مطالعه فراوانی روی آن به عمل آورد. پس از آن به کسب دانش در زمینه‌های مکانیک و ریاضیات پرداخت. در سال ۱۸۱۴ اولین و در سال ۱۸۱۶ دومین و در سال ۱۸۱۷ سومین لوکوموتیو قابل استفاده خود را ساخت که هفتادتن بار را با سرعت ۸ تا ۱۰ کیلومتر حمل می‌کرد.



مجبور گردید برای معالجه به فرانسه برود و در همان دوران بیماری به نوشتن اثر خود تحت عنوان «کار هنرپیشه برای تکمیل هنرش» پرداخت. در سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۳ در تئاتر آکادمیک هنری مسکو دو نمایش تازه تحت سرپرستی او بوجود آمد. این دو نمایش عبارت بودند از: «نفوس مرده» اثر گوگول و «استعدادها و ستایشگران» اثر آستروفسکی.

استانیسلافسکی در تاریخ ۷ ماه اوت سال ۱۹۳۸ درگذشت. او صحنه تئاتر را با نور نبوغ خود درخشان نمود و شهرت و افتخار جاویدان برای هنر تئاتر کسب کرد.

استریندبرگ، یوهان اوگوست

یوهان اوگوست استریندبرگ که به سال ۱۸۴۹ متولد گردید یکی از بزرگترین نویسندگان و شعرای سوئد است. وی در نخستین سالهای جوانی به نوشتن نمایشنامه پرداخت و اولین درامهای خود را به نام «آزادفکر» و «هریسون» به سال ۱۸۶۹ منتشر کرد. اثر معروف او «به سوی رم» در سال ۱۸۷۰ در استکهلم نمایش داده شد. از آن پس چندی روزنامه‌نگار و مدتی نیز کتابدار سلطنتی بود و تحقیقی سیاسی در تاریخی به نام روابط سوئد با چین که شهرت بسیار یافت انتشار داد ولی معروفیت



سیدجمال الدین فرزند سیدصفدر متولد در قصبه اسداباد همدان در سال ۱۲۵۴ هـ.ق بزرگترین متفکر و مصلح اجتماعی شرق، مردی آزادیخواه و آزادمند و دارای افکار و عقاید فلسفی و سیاسی و طرفدار استقرار دموکراسی در ممالک شرق و ایجاد وحدت میان مسلمین و تشکیل اتحادیه دول اسلامی، تمام مدت عمر خود را در مبارزه با استبداد گذراند و پیوسته درحال سفر به شرق و غرب بود. درپاریس روزنامه عروة الوثقی را انتشار داد و سخت به سیاست انگلیس در شرق حمله کرد. در قاهره و استانبول و هند و افغانستان طی نطق‌های پرشوری افکار آزادیخواهانه را به مردم تلقین کرد. در وطن خود ایران پیوسته متواری و تحت تعقیب قوای استبدادی ناصرالدین شاه بود، نفوذ کلام و تأثیر بیان او بحدی بود که در قاهره طی نطقی پرشور ۱۰۰۰۰۰ نفر شنونده خود را به گریه انداخت. نماینده سیاسی انگلیس در قاهره طی تلگرافی لندن را از خطر بزرگی که به علت حضور سید در مصر متوجه انگلیس شده بود آگاه کرد و آن دولت وسایل اخراج سید را از مصر فراهم ساخت. سید بار دیگر در ۱۳۰۶ به لندن رفت و روزنامه ضیاء الخاقین را به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر ساخت و باز مورد تعقیب قرار گرفت و ناچار به ترك خاک اروپا شد. عبدالحمید سلطان عثمانی به طمع استفاده از نفوذ سیاسی واجتماعی سید برای ایجاد اتحادیه مسلمین و به دست آوردن

از آن پس کارخانه کوچکی برای ساختن لوکوموتیو دایر کرد.

در سال ۱۸۲۵ سه لوکوموتیو ساخت که سرعتش ۲۰ کیلومتر و ظرفیت آن ۹۰ تن بود، پس از آن تا سال ۱۸۴۸ که زنده بود مرتباً لوکوموتیوهایش تکامل و ترقی بسیار یافت و خریداران فراوان داشت. استفسن در سال ۱۸۴۸ درگذشت.

استوارت، جیمز (هنرپیشه)



هنرپیشه آمریکائی متولد سال ۱۹۰۸ در ایندیانا، تحصیلاتش را در آکادمی «مرسسیورگ» به پایان رسانید و چندی در انگلستان بود سپس به آمریکا رفت و به بازی در فیلمها پرداخت. از فیلمهای او می‌توان: نمی‌توانی آن را با خود ببری، ساخته شده برای همه، آقای اسمیت به واشنگتن می‌رود، داستان فیلادلفیا، کمان شکسته، پنجره روبه حیاط، تبه‌کار، بزرگترین نمایش روی زمین، طناب، ساعت طلائی، داستان گلن میلر و مردی از لازامی را نام برد. وی به خاطر بازی در فیلم ماجرای فیلادلفیا در سال ۱۹۴۰ موفق به دریافت جایزه اسکار گردید. همچنین جایزه جشنواره ونیز برای فیلم «تشریح یک جنایت» به وی تعلق گرفته است.

اسدابادی، سیدجمال الدین

اسکات، والتر (شاعر، نویسنده)

والتر اسکات در پانزدهم ماه اوت سال ۱۷۷۱ در شهر ادیمبورگ اسکاتلند در خانواده‌ای که در آن علم و دانش مورد توجه و علاقه بود و مادری عفیف و پدری مذهبی داشت به دنیا آمد.

در کودکی در دامن طبیعت و در میان مناظر زیبا پرورش یافت، در مدرسه به پشتکار و ذوق ادبی سرشار و استعداد فراوان مشهور بود. با اینکه پدرش می‌خواست به وکالت پردازد اما والتر در تحصیل حقوق مجاهدتی نشان نمی‌داد و بیشتر توجه و علاقه‌اش مسافرت و مطالعه افسانه و تاریخ بود. مدت ۱۴ سال وکالت کرد اما در این راه توفیقی نصیبش نشد، با این حال در خلال این مدت نسبتاً طولانی به کسب فنون ادب پرداخت. برای مطالعه آثار سروانتس زبان اسپانیولی را فرا گرفت.

طبع فیاض و نبوغ درخشان والتر اسکات رفته رفته درخشانتر می‌شد و اولین اثری را که منتشر ساخت ترجمه اشعار بورگر شاعر آلمانی بود. بعد از آن به انتشار اشعارش که در دوران تحصیل سروده بود به نام اشعار سواحل اسکاتلند پرداخت که مورد استقبال و توجه واقع گردید.

در سال ۱۸۰۵ اولین رمان وی به نام آخرین سرود خنیاگر به زیور طبع آراسته و در دسترس طالبان گذاشته شد. این اثر شهرتی فراوان نصیبش ساخت به طوری که تا سال ۱۸۳۰ بیش از ۴۴۰۰۰ نسخه از این رمان به فروش رسید و به چند زبان نیز ترجمه شد. اسکات در سال ۱۸۴۲ زندگی خود را بدرود گفت.

اسکندر

اسکندر مقدونی در سال ۳۵۶ ق.م. به دنیا آمد.

ریاست عالی اتحادیه از سید بگرمی استقبال کرد اما چون سید قصد داشت پادشاه ایران را به ریاست آن اتحادیه منصوب کند سلطان عثمانی در ۱۳۱۴ سید را مسموم کرد. نشر افکار سید به طور مسلم در تهیه زمینه انقلاب مشروطیت ایران و عثمانی مؤثر بوده است.

اسلامی، محمدعلی (نویسنده، مترجم)



محمدعلی اسلامی ندوشن، به سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد تولد یافت. تحصیلات ابتدایی را در ندوشن و تحصیلات متوسطه را در یزد و تهران به پایان رسانید.

پس از اتمام دوره دانشکده حقوق تهران به اروپا رفت و به اخذ درجه دکترای حقوق از دانشگاه پاریس نایل آمد. تحصیل و مطالعه او در فرانسه و انگلستان پنج سال به طول انجامید. از نوشته‌های دکتر اسلامی: گناه، چشمه، ایران را از یاد نبریم. و از ترجمه‌هایش: پیروزی آینده دموکراسی، بهترین اشعار لاناک فلو، شور زندگی: شرح زندگی ونسان وان گوگ انتشار یافته است. علاوه بر آثار مذکور داستانها و مقالات زیادی از او در مجلات به طبع رسیده است.

از آثار خود او می‌توان دو کتاب: ابرزمانه و ابرزلف و به دنبال سه راهنما نام برد.

دختر «نکر» وزیر نامی لویی شانزدهم است. او که اصلش سویسی بود، در سال ۱۷۶۶ در پاریس تولد یافت. مادرش به ادبیات اشتیاق فراوان داشت و بدین واسطه با نویسندگان و ادیبان عصر خویش معاشرت می‌کرد. مادام اشتال نیز طبعاً در ایام جوانی به مجمع نویسندگان راه یافت و سرانجام دل بر ادبیات نهاد. در سال ۱۷۸۶ با بارون اشتال هوشتاین سفیر سوئد در دربار فرانسه ازدواج کرد. در سالهای انقلاب زندگی وی با بیم و اضطراب فراوان گذشت زیرا خود او از جمله سلطنت‌طلبان و خانه‌اش مرکز هواخواهان شاه بود. حتی زمانی درصدد برآمد که ماری آنتوانت را از زندان برهاند و چون بدین مقصود نایل نشد به سویس میهن اصلی خود گریخت. در سال ۱۷۹۶ بار دیگر به فرانسه بازگشت ولی چون با مخالفین ناپلئون آمیزش داشت در سال ۱۸۰۳ او را از پاریس تبعید کردند. مادام دواشتال از هواخواهان مکتب رمانتیسیم بود. در زمان تبعید سفری به انگلستان و اطریش و روسیه و سوئد کرد و در زمان سلطنت لویی هیجدهم به فرانسه بازگشت و کتاب خود را موسوم به «دوسال تبعید» منتشر ساخت. او در سال ۱۸۱۸ درگذشت. آخرین کتاب وی موسوم به «ملاحظاتی چند درباره انقلاب فرانسه» يك سال بعد از مرگ وی انتشار یافت.

اشتراوس، ریشارد (موسیقیدان)

ریشارد اشتراوس آهنگساز نامی آلمانی در سال ۱۸۶۴ در شهر مونیخ به دنیا آمد. از آنجا که پدرش نوازنده بود، وی از کودکی با موسیقی آشنا شد و بیشتر آهنگهایش را در دوره جوانی ساخت. پس از آشنایی با کار مندلسون، شوپرت، و آگنر و لیسته به ساختن پوئم سنفونی پرداخت. اشتراوس مایه پوئم سنفونی‌های خود را بیشتر از نوشته‌ای ادبی و فلسفی

مادرش زنی به نام اولمپاس بسیار جاه طلب و پدرش فیلیپ سلطانی با اقتدار بود.

در شانزده سالگی به نیابت سلطنت و در ۱۸ سالگی سرداری بزرگ و جنگاور و در ۲۰ سالگی سلطانی جنگجو و خون آشام و بی رحم و سنگدل بود. پدرش گرچه وی را به ارسطو سپرد تا تعلیم دهد اما اسکندر به افکار آزادیخواهانه‌ای که ارسطو به وی تعلیم می‌داد توجهی نمی‌کرد. اساساً جوانی مغرور و خودپسند بود که علم و فلسفه را قابل توجه نمی‌دانست، بلکه خود را از همه بالاتر می‌پنداشت و از مردم توقع داشت که مقامی ربانی برایش قایل شوند.

اسکندر پس از اینکه پدرش فیلیپ کشته شد به سلطنت رسید و برای خوابانیدن شورش و به اطاعت درآوردن یونانیان شهر تبس را بجز معابد و خانه پیندار شاعر، همه را با خاک یکسان کرد. سایر شهرهای یونان از قساوت و بی‌رحمی اسکندر برخوردار شدند و از در تسلیم و اطاعت درآمدند.

فتوحات اسکندر پی‌درپی و یکی بعد از دیگری بود. وی سودای تصرف جهان را در سر داشت؛ برای این منظور سپاهی عظیم فراهم ساخت تا قدرت دولت هخامنشیان را درهم شکند، از این جهت به سوی آسیای صغیر رهسپار گشت.

اولین فتح اسکندر در ساحل رود گرانیکوس بود. هخامنشیان می‌خواستند اسکندر را در خارج از مرزهای خود شکست سختی بدهند تا یارای حمله به سوی ایران را نداشته باشد اما جنگ به نفع اسکندر و به زیان ایرانیان پایان یافت. سال مرگ اسکندر ۳۲۳ ق.م. است.

اشتال

مادام آن لوئیز ژرمن نکر، معروف به مادام دواشتال

متفکرین بزرگ برمی‌گزید. وی آهنگهای زیادی در رشته‌های گوناگون موسیقی ساخت ولی پونم سنفونی‌های او برجستگی بیشتری دارند. او مانند رمانتیک‌ها، بندهای کلاسیسم را از پیش پا برمی‌دارد ولی موسیقی‌اش کمی پیچیده است. ریشارد اشتراوس را یکی از بنیانگذاران موسیقی رمانتیک جدید قرنهای ۱۹-۲۰ می‌دانند. برخی از آهنگهای او عبارتند از: چنین گفت زرتشت، سوارکار گل سرخ، دون کیشوت، لکترا، تیل شینگل. ریشارد اشتراوس در سال ۱۹۴۹ درگذشت.



اشتورم، تئودور (نویسنده)

تئودور اشتورم در آلمان متولد گردید، پس از پایان تحصیلات خود چند سال به وکالت دادگستری و ده سال به قضاوت پرداخت. این نویسنده شاعر با پدید آوردن چند اثر ادبی شهرتی فراوان در آلمان و سایر کشورها به دست آورد. مضامین اجتماعی و تصویر زندگی مردم شمال آلمان یکی از خاصه‌های آثار اشتورم می‌باشد. کلامی نافذ و دل‌انگیز دارد. از آثارش ایمنسی سوار بر اسب سفید را می‌توان ذکر کرد.

میرعبدالفتاح موسوی از دانشمندان معروف مراغه و شیخ الاسلام آن شهر و مرد عارف و دل‌آگاهی بوده است. به صحبت میرمحمد تقی شاهی مشهدی (متوفی ۱۱۵۰) معاصر شاه سلطان حسین صفوی رسیده و مرید او شده و مدّتی شاگردی او کرده است. بعد به زادگاه خود مراغه برگشته و به سال هزار و صد و هفتاد و پنج قمری در آیام سلطنت کریم‌خان زند وفات یافته و در جنوب شهر مراغه در حوالی گورستانی که سر راه محال هشتروند است دفن شده است. روی قبرش گنبدی ساخته‌اند و مزار مردم این شهر است. چون اشراق در زمان حیاتش به میر مشهور بود، تربتش نیز به قبر میر معروف و موصوف است، و جمله «خدایش بیامرز» که مطابق با ۱۱۷۵ است ماده تاریخ درگذشت اوست. در وقفنامه میرزا خلیل و میرزا رحیم فرزندان میرزا جعفر وزیر مراغه که به سال هزار و هفتاد و دو هجری قمری نوشته شده و به امضاء جمع کثیری از علما و دانشمندان تبریز و مراغه رسیده مهر اشراق نیز ملاحظه می‌شود. شکل مهر مربع و نقش آن که با خطّ ثلث است «عبدالفتاح الموسوی» است. حاجی کبیر آقا ملقب به مجذوبعلی شاه و متخلص به مجرم که خود از مشایخ صوفیه بوده از اولاد صاحب ترجمه است. خوابی که میرفتاح درباره مراد خود میرشاهی دیده و آن را در مثنوی ریاض الفتوح به رشته نظم کشیده دلالت بر عظمت و جلالت قد «میر» می‌کند.

اشرف‌الدین حسینی گیلانی، محسن
[نسیم شمال]

سید اشرف‌الدین گیلانی متخلص به «ساعی» فرزند احمد قزوینی حسینی در سال ۱۲۸۸ قمری در قزوین به دنیا آمد. شش ماهه بود که پدرش را از دست داد و در یتیمی چون ملک و مال و خانه‌اش را

اشرف‌الدین می‌نوشت و اشعار دیگر را در آن چاپ نمی‌کرد. اشعار سید اشرف‌الدین متجاوز از بیست هزار بیت است که تعدادی از آن به نام «باغ بهشت» مکرراً در بمبئی و تهران چاپ شده است.

اصفهانی، ابوالحسن [حاج سید]

حاج سید ابوالحسن اصفهانی، از علمای روحانی و از مراجع تقلید شیعه اثنی عشریه واصلاً از سادات موسوی بهبهان بوده، و در سال ۱۲۷۷ق. در قریه مدیسیه لنجان اصفهان متولد شد. تحصیلات اولیه خود را در اصفهان در مدرسه نیآورد به انجام رسانیده و از محضر ابوالمعالی کرباسی استفاده کرده، سپس به نجف رفته و در آنجا مجتهد جامع الشرایط شد. وی از بزرگترین شاگردان مرحومین آخوند ملامحمد کاظم خراسانی هروی و میرزا محمد تقی شیرازی به شمار می‌رفته است. رساله علمیه آن مرحوم موسوم است به «صراط النجات».

وفات ایشان در روز دوشنبه نهم ذی‌الحجه سال ۱۳۶۵ق. در کاظمین عراق، در سن ۸۸ سالگی اتفاق افتاد.

اصفهانی، سیدحسن [آیت‌الله]

آیت‌الله سیدحسن اصفهانی فرزند «آیت‌الله سیدابوالحسن موسوی اصفهانی» در سال ۱۳۱۹ قمری در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را نزد اساتید وقت آموخت و همواره از تعلیمات پدرش بهره‌مند بود. پس از تکمیل دوره مقدمات و سطح و خارج، در سنین جوانی به درجه اجتهاد رسید. در سال ۱۳۴۰ قمری وقتی پدرش «سیدابوالحسن» را به همراه «شیخ محمدحسین غروی نائینی» به مدت یکسال به ایران تبعید کردند،



غصب کردند دچار فقر و تنگدستی شد. مقدمات دانش را در قزوین تحصیل کرد و در حدود سال ۱۳۰۰ قمری جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول پرداخت. بعد از پنج سال به ایران بازگشت و پس از مدتی، در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و در آنجا با پیر روشن ضمیری آشنا شد. در سال ۱۳۲۴ قمری به گیلان رفته و ساکن رشت شد، او در آنجا از شغل کتابت امرار معاش می‌نمود و در ضمن روزنامه «نسیم شمال» را هم راه‌اندازی کرد، اولین شماره «نسیم شمال» در تاریخ دوم شعبان ۱۳۲۵ بیرون آمد و تا انحلال مشروطه دایر بود. او در این دوران مشروطه عضو «کمیته ستار» بود و اشعار او در مجالس ملی و وطنی خوانده می‌شد. وقتی که مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۷ خورشیدی به فرمان پادشاه مستبد قاجار، محمدعلیشاه به توپ بسته شد و مشروطه و انجمن‌ها موقتاً تعطیل شد، «نسیم شمال» نیز توقیف گردید تا در سال ۱۲۸۸ خورشیدی که مشروطه خواهان بر نیروهای استبداد چیره شده و پادشاه مستبد را عزل کردند، با کمکهای مادی و معنوی «محمدولی خان سپهسالار» دوباره انتشار یافت. سیداشرف‌الدین در سال ۱۳۳۳ قمری با «فتح‌الله اکبر» سپهدار اعظم به تهران آمد و روزنامه نسیم شمال را در تهران دایر کرد. مندرجات نسیم شمال را که غالباً اشعار فکاهی و انتقادی بود از سطر اول تا سطر آخر، خود سید

اعتصام الملك، میرزا یوسف



یوسف آشتیانی ملقب به اعتصام دفتر و بعد اعتصام الملك، فرزند میرزا ابراهیم خان آشتیانی (اعتصام الملك) در سال ۱۲۹۴ قمری در تبریز به دنیا آمد. پدرش از مستوفیان آذربایجان بوده و اغلب سمت پیشکاری مالیه ولایات آذربایجان را داشت. میرزا یوسف خان در زمان پدر به لقب اعتصام دفتری منصوب بود و پس از فوت پدرش به اعتصام الملك ملقب گردید. در دور دوم مجلس شورای ملی، وی به جای «میرزا اسماعیل خان نوبری» از طرف مجلس به نمایندگی برگزیده و راهی تهران شد. پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۹ قمری توسط «محمدعلیشاه» وی مجله «بهار» را می نوشت که از پرارزترین کارهای اوست. این نشریه حاوی قطعات ادبی، شعر، بیوگرافی شخصیتها و مخصوصاً ترجمه آثار نویسندگان کلاسیک که اکثراً توسط خود اعتصام الملك تهیه می شدند بود.

میرزا یوسف با اینکه داخل در امور سیاسی نمی شد ولی می توان گفت که مسلک «اعتدالی» داشت. تحصیلات عربی و فارسی او بسیار عالی و بویژه در ترجمه عربی به فارسی مهارت کامل داشت. بعضی از تألیفاتش که به زبان عربی است گویا در مصر چاپ شده است. او همچنین مؤلف فهرست بسیار نفیس کتب خطی کتابخانه مجلس است. از

وی عهده دار شهریه و نان حوزه علمیه گشته و حوزه را اداره نمود. آیت الله سیدحسن در شب ۱۶ صفر ۱۳۴۹ قمری وقتی بین دو نماز مغرب و عشا، مشغول خواندن تعقیبات بود، توسط «شیخ علی اردهالی» به قتل رسید. «اردهالی» پس از بریدن سر وی خود را تسلیم نمود. دوسال در زندان بود، سپس حالت جنون بدو دست داد و در زندان فوت کرد.

پس از درگذشت سیدحسن، «نجف اشرف» به مدت چهل روز عزاخانه شد.

آثار به جا مانده از وی عبارتند از:

- ۱- شرح بر کفایة الاصول آخوند خراسانی.
- ۲- حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری.
- ۳- کتابی درباره طب و طبابت.

اظهر تبریزی

اظهر تبریزی یکی از معروفترین خوش نویسان نستعلیق در قرن نهم هجری است. وی شاگرد میرزا جعفر تبریزی بایسنغری بوده و قدمای خط شناس، اظهر را سومین استاد خط نستعلیق (بعداز امیرعلی و میرزا جعفر) می دانند و بیشتر بر این عقیده اند همچنان که جعفر از میرعلی استاد با واسطه خود بهتر نوشته، اظهر نیز از استاد خود خوشتر می نوشته است. یعنی اگرچه خط جعفر استوار و پخته و نمکین است ولی کند و شکسته می باشد، و اظهر صفات خط استاد را داشته و به علاوه درست و کامل کتابت کرده است. شاگردان معروف اظهر، سلطانعلی قاینی، سلطانعلی مشهدی و شیخ بایزید پورانی بوده اند. صاحب مناقب هنروران و مالک دیلمی، عبدالرحیم انیسی خوارزمی را نیز شاگرد وی دانسته اند. مالک دیلمی سلطانعلی سبز مشهدی و شیخ محمد امامی و غیب الله امامی را علاوه کرده است.

اعتصامی، پروین



پروین اعتصامی فرزند یوسف اعتصامی [اعتصام‌الملک]، ادیب مشهور در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز به دنیا آمد. او در خانواده‌ای فرهنگی و ادیب رشد و نمو یافت. فارسی و عربی و ادبیات این دو زبان را از آموزگاران خصوصی در خانه فرا گرفته و زبان انگلیسی را در تهران در مدرسه آمریکایی دختران آموخت. او علیرغم تحصیل در مدرسه آمریکایی‌ها، تیب زن شرقی بودن را همچنان حفظ کرد. چون او به زبان انگلیسی مسلط و شخصی ادیب بود، از طرف رضاشاه دعوت شد که ندیمه و آموزگار «ملکه» شود ولی نپذیرفت. اشعار پروین مملو از طرح ساده مسایل اجتماعی و عاطفی است. اشعار اخلاقی او بی‌شک از احساس پاک و بی‌شایبه‌اش سرچشمه گرفته است. اشعار پروین را کلاً می‌توان به چند دسته تقسیم کرد، دسته‌ای از آنها مناظره‌های گوناگونی است که بین دو انسان، دو جسم و یا دو حیوان ترتیب یافته و در آنها بیشتر به پند و حکمت‌های اخلاقی پرداخته شده است. دسته دیگر حاوی عواطفی قوی نسبت به فقرا، بی‌سرپرستان و بیچارگان است. دسته سوم از اشعار پروین را می‌توان به اشعار انقلابی او تخصیص داد. پروین در این اشعار، با «بیرحمانه» توصیف کردن نظام اقتصادی جامعه، خواهان دگرگونی آن است و در آن اشعار به نوعی رنجبران را به زیر و رو کردن نهادهای سیستم

عربی و فرانسه نیز چند کتاب به فارسی ترجمه کرده است و به زبان عربی غیر از شرح «اطواق الذهب» زمخشری، داستانی به نام «الثورة الهندیه» ترجمه نموده که در مصر به طبع رسیده است. از مهمترین ترجمه‌های وی از زبان فرانسه می‌توان ترجمه کتاب معروف «بینوایان» اثر «ویکتور هوگو» را نام برد، که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی به چاپ رسید و تأثیر زیادی در سبک نثر نویسی فارسی بجای گذاشت. جز آنچه تاکنون ذکر شد آثار دیگری نیز از او در دست است که نام می‌بریم:

«تربیت نسوان»، ترجمه‌ای است از «تحریر المرأة» اثر «قاسم ایمن مصری»، تبریز، ۱۳۱۸ - تراژدی «خدعه و عشق» اثر فردریک شیللر، برگردان از ترجمه فرانسوی کتاب به قلم الکساندر دوما، تهران، ۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م. - «تیره بختان»، ترجمه‌ای از «میزرابل» اثر «ویکتور هوگو» - «سفینه غواصه»، اثر «ژول ورن» - «ترجمه حال تولستوی» و «مقالات آمریکایی».

از جمله اقدامات ارزشمند اعتصام‌الملک آوردن دستگاه چاپ به تبریز است. او توانست با صرفه‌جویی در مخارج خود چاپخانه‌ای خریداری و به تبریز بیاورد و بدین وسیله کمک بزرگی به صاحبان کتاب و مجلات که تا آن روز با چاپخانه سنگی کار می‌کردند بنماید.

میرزا یوسف خان آشتیانی عضو کمیسیون معارف بوده و در اواخر عمر نیز که مصادف با ابتدای تأسیس کتابخانه مجلس شورای ملی بوده، ریاست آن کتابخانه را به عهده داشته است. وی فرزندان خوبی نیز تربیت کرده است که یکی از آنها خانم «پروین اعتصامی» شاعر بزرگ و پرآوازه ایران است.

میرزا یوسف آشتیانی در یکشنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۱۶ در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی‌شان در قم به خاک سپرده شد.



در زمستان. اقبال آذر گرچه در دامن استبداد پرورش یافته بود، ولی در دلش میل به آزادی و آزادخواهی وجود داشت و تا آخر عمر این ویژگی را حفظ نمود. به گونه‌ای که در مقابل «صمدخان شجاع‌الدوله مراغه‌ای» فرمانروای مطلق‌العنان آذربایجان، به آسانی حاضر نشده بود بخواند. از صفاتش این بود که در برابر ضعیفان مضایقه نمی‌کرد ولی برای قدرتمندان نمی‌خواند. از موسیقی اصیل ایرانی اطلاع کامل داشت و صدایش بسیار قوی بود. صفحه‌های زیادی پر کرده است از جمله افشاری است با ساز «شهنازی». وقت خواندن قیافه مطلوبی به خود می‌گرفت و دهانش را باز نمی‌کرد و فقط هنگام اوج گرفتن صدایش، تبسمی در لبهایش ظاهر می‌شد. هرگز هنرش را به پول نفروخت. ولی برای جمع‌آوری اعانه جهت امور خیریه چون زلزله سلمان، تأسیس مدرسه زرتشتیان و غیره می‌خواند و درآمد حاصله را در اختیار مؤسسات خیریه می‌گذاشت. در سال ۱۳۳۸ خورشیدی به دستور تلگرافی ریاست اداره رادیو ایران به «تهران» آمد، تا تعلیماتی در زمینه موسیقی اصیل ایرانی به نوآموزان دهد. هفت ماه در «تهران» بود و سپس به «تبریز» بازگشت و قرار شد علاوه بر حقوق بازنشستگی، مقرری مخصوصی برایش در نظر گرفته شود و از وجود او در رادیو تبریز استفاده کنند. اقبال آذر پس از ۱۰۰ سال زندگی درگذشت.

اقتصادی تشویق می‌نماید. نخستین بار، دیوان شعر پروین با مقدمه‌ای از «ملک الشعراء بهار» مشتمل بر ۵۰۰ بیت در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، و دومین بار پس از وفات او، توسط برادرش «ابوالفتح اعتصامی» منتشر شد. پروین مدتی نیز کتابدار دانشسرای عالی بود. پروین اعتصامی درحین جوانی، دارفانی را وداع گفت (۱۶ فروردین ۱۳۲۰)، و مرگ او ایران را به عزا نشاند. پیکرش را در شهر قم و در آرامگاه خانوادگیشان به خاک سپردند.

اقبال آذر، ابوالحسن [اقبال السلطنه]

ابوالحسن اقبال آذر در سال ۱۲۹۲ قمری در قریه «مالوندقزوین» تولد یافت. تا مدتها با عنوان «ابوالحسن خان قزوینی» شهرت داشت. در طول عمر خود، بارها به تهران آمد و سه بار قصد اقامت در آن را داشت. بار اول با «محمدعلی میرزای قاجار» آمد و در زمان سلطنت وی در دربار بود. «محمدعلیشاه» بقدری نسبت به او علاقه داشت که وقت پناهندگی در سفارت روس نیز وی را با خود برده بود. ولی اقبال چون به خروج از ایران راضی نبود، به واسطه «ثقة الاسلام» و «ستارخان» از «محمدعلیشاه» می‌خواهد که از بردن وی خودداری کند و او نیز قبول می‌کند. در قدرت و نهیب صدای او چنین گفته شده که در برخی از خانه‌ها، هنگام خواندن او، لاله مردنگی‌ها را جمع‌آوری می‌کردند و پنجره‌ها را باز می‌گذاشتند تا موج صدا آسیب نرسانده و شیشه‌ها را نشکند. او در انجام عقاید مذهبی نیز پابرجا بود. چنانکه در اول جوانی نذر کرده بود تا سه شب احیا را به روی بام خانه خود مناجات گوید و تا پایان حیاتش این کار را انجام داد. در آن سه شب بسیاری از مردم از گوشه و کنار خود را به نزدیک خانه او می‌رساندند، چه در تابستان و چه

اقبال آشتیانی، عباس



عباس اقبال آشتیانی فرزند محمدعلی در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در آشتیان دنیا آمد. پس از آموختن دروس ابتدایی در سال ۱۳۲۸ قمری به تهران آمد و ابتدا به مدرسه «شرکت گلستان» و سپس به مدرسه «دارالفنون» وارد شد. پس از فراغت از تحصیل، در کتابخانه عمومی معارف به کار اشتغال یافت و در همان اوقات در مدرسه دارالفنون، زبان فارسی تدریس می‌کرد. تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس «نظام» و علوم سیاسی در «دارالمعلمین عالی» نیز سالها با او بود. اقبال آشتیانی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی از طرف وزارت جنگ با سمت منشیگری به همراه هیأت نظامی ایران به پاریس رفت و توفیق یافت که از دانشگاه «سوربن» لیسانس در ادبیات را دریافت دارد. چون به ایران بازگشت، دانشگاه تأسیس شده بود و او به سمت استادی در دانشکده ادبیات انتخاب گردید. اقبال در «فرهنگستان ایران» از اعضای پیوسته و دایمی بود. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ او مجله «بادگار» را در تهران منتشر می‌کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا بود. سرانجام در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در سن ۵۷ سالگی، درحالی که رایزن فرهنگی ایران در رم بود درگذشت. او استاد مسلم در ادبیات و تاریخ ایران بود، فقیر و تنگدست مُرد و نام نیکش برای ابد در تاریخ ایران زنده ماند. تعدادی از

تالیفات او عبارتند از:

تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا. - تاریخ ایران، از صدر اسلام تا استیلای مغول. - خدمات ایرانیان به تمدن عالم. - تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت. - ناپلئون و اسلام (ترجمه). - سه سال در دربار ایران و غیره...

اقلیدس (ریاضی دان)

اقلیدس در ۳۳۶ پیش از میلاد مسیح در شهر آتن پا به جهان گذارد، وی در تاریخ مردان بزرگ یونان مقام شامخی دارد. او دانشمند نامداری است که دانش ریاضی را بر مبنای صحیح پایه‌گذاری کرد. وی سخنرانی بزرگ و فیلسوفی روشن بین بود، درباره زندگی اقلیدس با اشاره پراکنده در کتابهای باستان و به استناد پاره‌ای از نوشته‌های خود وی باید گفت که در دوران سلطنت بطلمیوس اول و در دربار و سایه توجه این امپراطور روزگار جوانی را بسر آورده و به امر وی از این دانشمند دعوت شد که در موزه و دانشگاه اسکندریه به تدریس بپردازد.

اقلیدس در سایه امکاناتی که در این شهر برای او فراهم آمد اصول اندیشه‌های علمی خویش را در علم ریاضی بر مبنای صحیحی قرار داد و مکتب نمونه ریاضی خود را ایجاد کرد. وی برای نخستین بار در تاریخ رسماً به کار آموزش علمی ریاضی پرداخت و نخستین کسی است که دانش ریاضی را به عنوان یکی از ارکان مهم علوم بشری معرفی نمود و نظرات وی در این رشته دانش آنچنان دقیق و محکم است که حساب و هندسه جدید هنوز هم از اکتشافات او بی‌نیاز نیست و رشته‌های مختلف ریاضی او تا اواخر قرن نوزدهم عیناً به همان شیوه در دانشکده‌های جهان تدریس می‌شد که اقلیدس

۲۲ قرن پیش از این در موزه اسکندریه تدریس می‌کرد و هنوز هم بیشتر نظریات علمی او با وجود تحولات شگفت‌آور علمی و اجتماعی و دگرگونی در عمق همه دانشها به اعتبار پیشین خود باقی مانده است. دانشمندان ریاضی گیتی در همه حال متکی به روش استدلالی اقلیدس در هندسه هستند.

کتاب مشهور «مقدمات» اثر جامع اقلیدس در استدلال ریاضی آنچنان عمیق و کامل است که در قرن نوزدهم و همچنین در این قرن ازجمله پراشتارترین کتب جهان شناخته شده است. مرگ اقلیدس به سال ۲۸۳ پیش از میلاد اتفاق افتاد.

اگزوپری، آنتوان



آنتوان سن اگزوپری، سومین فرزند کنت ژان دوسن اگزوپری بازرس بیمه‌های اجتماعی شهر پاریس در روز ۲۹ ژوئن سال ۱۹۰۰ در شهر لیون پا به عرصه حیات نهاد. وقتی آنتوان چهارساله شد، پدرش بدرد حیات گفت و خانواده را بی سرپرست گذاشت و از آن به بعد نگاهداری و تربیت او و خواهرش به عهده مادرش افتاد. در سال ۱۹۰۹ آنتوان به مدرسه شبانه‌روزی ژوئیت‌ها به نام «نوتردام دوست کروا» قدم گذاشت و ۵ سال بعد آنجا را ترک گفت. وی در سال ۱۹۱۲ به تنهایی به ترجمه کتاب «ژول سزار» از زبان لاتین اقدام کرد تا

بفهمد ابزار جنگی رومیها در آن زمان چگونه ساخته می‌شده. در ۱۹۲۶ نوولی با عنوان «خلبان» از او چاپ شد که در محافل ادبی پاریس سرو صدا راه انداخت و در بهار همان سال آنتوان در یکی از کمپانیهای هواپیمایی استخدام شد و بی‌درنگ منزل خواهر خود را ترك کرده به تولوز رفت.

در سال ۱۹۲۷ مأموریت خاص او که بیشتر هدایت هواپیمای پستی بود وی را به نوشتن کتابی با نام کنایه‌دار «بیک جنوب» برانگیخت. در سال ۱۹۳۰ سن اگزوپری بر اثر مسافرتها و حوادثی که دیده بود به طرح رمان «پرواز شبانه» پرداخت. این کتاب با استقبال زیادی مواجه گردید و جایزه فمینا به آن تعلق گرفت. او آثار دیگری مثل خلبان جنگی و سرزمین آدمها نوشت. در سال ۱۹۴۴ نویسنده که غم دوری از وطن سخت ناراحتش کرده بود تصمیم گرفت از هیتلریها انتقام بگیرد. سفر ابدی او آغاز شد. در میان راه روز ۳۱ ژوئیه ۱۹۴۴ بنزین هواپیما تمام شد و دیگر پرواز میسر نبود. در صد کیلومتری شمال «باستیا» هواپیماهای آلمانی به او حمله کردند و هواپیمایش آتش گرفت. از میان آثار او می‌توان: «شازده کوچولو»، «قلعه زندانی شن» و «مانون» را نام برد.

الوار، پل

پل الوار، در سال ۱۸۹۵ در «سن دنی» به دنیا آمد. پس از پایان جنگ بین‌المللی اول به جمع طرفداران نهضت سوررنالیسم که بانی آن «آندره برتون» بود پیوست و در اینجا بود که با «لویی آراگون» شاعر معروف فرانسوی آشنا گردید. پس از اینکه اعضاء طرفدار این نهضت باهم اختلاف پیدا کردند و خود را از این مجمع بیرون کشیدند او نیز از انجمن سوررنالیستها جدا گردید و مانند آراگون که قبل از

آمده خانه برادر خود سام میرزا را به غارت داد، شاه طهماسب در دفع او نیز کوشید و سال ۹۵۶ برادرش بهرام میرزا او را مقید به حضور شاه صفوی آورد. شاه طهماسب به ظاهر از خون وی درگذشت و در قلعه الموت محبوسش ساخت. تاریخ فوت او را به سال ۹۸۴ ه.ق. در مشهد مقدس نوشته اند.



الیزابت اول

الیزابت دختر هانری هشتم به سال ۱۵۳۳ به دنیا آمد. در اختلافات مذهبی که در زمان وی درگرفت مذهب مردم انگلیس را با عقاید کالون تطبیق داد و همین اقدام مایه رنجش عده ای کاتولیک گردید. مردم از ملکه ماری استوارت پادشاه اسکاتلند یاری جستند، میان دو ملکه جنگ درگرفت، ملکه اسکاتلند اسیر و زندانی و کشته شد، پادشاه اسپانیا به خونخواهی وی برخاست، اما سپاهش در طوفانی آسیب دید و بقیه آن هم بوسیله انگلیسها تار و مار شد. از آن تاریخ نیروی دریایی انگلستان به صورت نیروی دریایی عظیمی جلوه گر گشت. الیزابت اول در سال ۱۶۰۳ درگذشت.

او به کمونیستها پیوسته بود به حزب کمونیست فرانسه ملحق شد. در طی جنگ دوم جهانی الوار و آراگون در رأس شاعرانی بودند که دلیرانه برای حفظ وطن خود با آلمانها می جنگیدند و اشعار خود را به عنوان سلاحی در مبارزه با آلمانها به کار می بردند. پل الوار با اینکه از نهضت سوررئالیستها کناره گرفته بود ولی هرگز از شیوه شعر سوررئالیسم روی نگرداند. وی به سال ۱۹۵۲ در شهر پاریس درگذشت. مجموعه اشعار او به ترتیب عبارتند از: پایتخت درد، زندگی بیدرنگ، گل برای همه و جریان طبیعی.

القاص میرزای صفوی

فرزند شاه اسماعیل اول به سال ۹۲۲ یا به عرصه حیات نهاد. این شاهزاده در سنه ۹۴۵ از طرف برادرش شاه طهماسب به حکومت شروان گماشته شد ولی به سال ۹۵۳ بر علیه او قیام و خطبه و سکه به نام خود کرد. شاه طهماسب در سنه ۹۵۴ شروان را به تصرف آورده به پسر خود اسماعیل میرزا حکومت داد. القاص میرزا نومیید به استانبول شتافت و با یاری سلیمان خان عثمانی (۹۲۶-۹۷۶) به تبریز حمله آورد ولی شاه طهماسب دفاع کرد و ترکان را از ایران براند. دیگر یار سلیمان خان القاص میرزا را به بغداد روانه کرد و این شاهزاده در سنه ۹۵۵ به همدان

الیزابت دوم



الیزابت دوم ملکه فعلی انگلستان در سال ۱۹۲۶ به دنیا آمد. در سال ۱۹۴۷ به عقد ازدواج پرنس فیلیپ

شاهزاده یونانی درآمد و پس از مرگ پدرش ژرژ ششم در سال ۱۹۵۲ به سلطنت انگلستان رسید.

الیوت، تامس

«تامس استرنالیوت» شاعر معاصر انگلیسی در ماه سپتامبر ۱۸۸۸ در «سنت لوئیز» آمریکا متولد گردید. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی وارد دانشگاه «هاروارد» گردید و در آنجا به ادامه تحصیل مشغول گشت.



پس از مدتی به فرانسه رفت و مدتی در پاریس اقامت داشت و بزودی به آمریکا بازگشت و در هاروارد به تکمیل تحصیلات و اطلاعات خویش همت گماشت. ولی پس از سه سال اقامت در آمریکا، به آلمان سفر کرد و مدتی نیز در این کشور بسر برد. در اوایل جنگ جهانی اول به انگلستان سفر کرد و در «اکسفورد» برای یک سال به تحصیل پرداخت، پس از آن مدتی معلم مدارس انگلستان گردید. چندی بعد بانکدار شد و پس از آن به مطبوعات انگلستان پیوست. در سال ۱۹۲۲ وقتی که اثر منظوم خویش را به نام «سرزمین ویران» انتشار داد به سرعت مشهور گشت. الیوت پس از آنکه اقامتش در انگلستان طولانی شد به تبعیت این کشور درآمد. بتدریج دست از عقاید قبلی خویش شست و مردی مذهبی و متدین گردید. در سال ۱۹۴۱ ازدواج کرد، ولی هفت سال

پس از آن زنش که هنرمند مشهوری بود در سال ۱۹۴۸ بدرود حیات گشت. او در سال ۱۹۴۸ برنده جایزه ادبی نوبل گردید. الیوت آثار متعددی دارد که بیشتر آنها به صورت نظم می باشند و از مهمترین آنها نوشته های زیر را می توان نام برد:

«جنگل مقدس»، «جنایت در کلیسا»، «کوکتیل پارتی»، «شخم»، «سرزمین ویران» و «چهارکوارتت».

الیوت، جورج

جورج الیوت نویسنده شهیر انگلیسی در قرن نوزدهم، بانویی بود که نام حقیقیش «مری آن ایوانس» و از خاندان شریف و متعصبی به شمار می آمد و اسم مستعار «جورج الیوت» را از این جهت برای خود برگزیده بود که او را نشانند.

وی داستان سرایی توانا بود، که به سال ۱۸۱۹ متولد گردید و در مدت عمر شصت ساله خود آثار فراوانی، که هر یک مقام شامخی را در ادبیات انگلیسی دارند، به یادگار گذاشت.

مشهورترین آثار او «آدام بیده» و «آسیاب نهر فلاس» می باشند. آنچه بیش از همه در آثار الیوت به چشم می خورد حالت تمسخر و هجو اعمال زنان و مردان سالخورده انگلیسی است. وی به سال ۱۸۸۰ زخت از جهان بر بست.

امید، حسین

حسین امید در سال ۱۲۶۹ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشوده، تحصیلات خود را در دبستان «دانش» و مدرسه «ادب» که هردو از تأسیسات شادروان «حاج میرزا یحیی دولت آبادی» بوده به پایان رسانده و از محضر اساتید علوم مختلفه نیز استفاده کرده است. او از پیشقدمان تألیف کتب کلاسیک بود

روحانیون داشت، در اوایل سلطنت «رضاخان» به تهران احضار شد، و سپس نزدیک سه سال ریاست معارف و اوقاف خوزستان را داشت. او پس از بازنشستگی از وزارت دادگستری بیش از دو سال و نیم، امور قضایی اداره املاک و مستغلات موقوفه پهلوی را اداره می نمود و از اواخر سال ۱۳۳۲ مدتی نیز در بنگاه خالصجات، به سمت مشاور قضایی و وکالت دعاوی، به خدمت پرداخت. حسین امید سرانجام در سن شصت و چند سالگی در تهران درگذشت و در گورستان امامزاده قاسم شمیران به خاک سپرده شد.

امیراعلم [دکتر]



امیرخان ملقب به [امیراعلم] فرزند حاج میرزا علی اکبر معتمدالوزراء در سال ۱۲۵۵ خورشیدی به دنیا آمد. او پس از طی دوران ابتدایی تحصیل در ایران، به پاریس رفته و در رشته طب فارغ التحصیل می شود. پس از بازگشت به ایران (۱۲۸۹خ) به طور خصوصی به طبابت پرداخته و سپس در ارتش به عنوان «طیب» استخدام می شود. وی در اثر وصلت با خانواده وثوق الدوله [داماد وثوق الدوله شد] به سیاست کشانده شد. دکتر امیراعلم در دوره های دوم و پنجم از مشهد، دوره هفتم از دره جز و دوره های هشتم و نهم از شاهرود به نمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شد. او در کابینه «قوام السلطنه» (۲۸ مهر ۱۳۰۰)



و تألیفات طبع و نشر شده او در زمینه تاریخ عمومی و جغرافی مورد استفاده دانش آموزان قرار گرفت. به تاریخ با آنکه رشته تخصصی او بوده بی اعتنا است می گوید: «بس از تعمق در تواریخ معاصر و قدیم اندیشه بسیار به این نتیجه رسیده که چون تاریخ زاینده تمایلات ارباب قدرت و به منظور ارضای حس خودخواهی آنان بدست خوش آیندگویان ساخته و پرداخته می شود ایمان محکمی به صحت آنها نمی توان داشت. حتی کتیبه های منقور در ابنیه باستانی هم چون بدون شك به اراده ارباب قدرت، بنا و حکاکی شده مشمول همین اندیشه است و بدین علل از تعقیب این رشته که سالیان دراز در آن صرف وقت نمودم، منصرف شدم و آنچه را هم که تهیه شده بود و به طبع نرسیده بود در لهیب آتش از بین بردم». و اضافه می کند که وجود استثنائات در هر امری قابل قبول است.

حسین امید به خدمت معارف و اوقاف درآمد و بیش از چهار سال، معلم و ناظم مدرسه زرتشتیان و یک سال و نیم ناظم، معاون و معلم مدرسه «اسعدیه» زنجان بود و سپس با آغاز جنگ جهانی اول و ورود قوای اشغالگر انگلیس به ایران، او از بیم دستگیری توسط قوای متجاوز به تهران فرار کرد. وی بیش از پنج سال ناظم و معلم مدرسه متوسطه «ادب» و قریب ۱۵ ماه رییس معارف و اوقاف اصفهان شد. و پس از آن طی کشمکشهایی که در اصفهان با برخی از

تکمیل معلومات خود برآمد و از محاضر اساتید بزرگ عصر استفاده کرد و هم در ایام جوانی از ادبا و نویسندگان بنام آذربایجان به شمار آمد. در ایام جوانی به حجرهٔ بزازی پدر رفت و شاگردی کرد. در آغاز مشروطیت مانند اغلب بازرگانان روشنفکر به جمع آزادیخواهان پیوست و در انجمن ایالتی آذربایجان به سمت نمایندهٔ شهر اردبیل و ناظر مرحوم ستارخان برگزیده شد. در پاره‌ای از جنگهای محلی تبریز همراه مشروطه‌خواهان بود. بعد از ورود ارتش روسیه به خاک ایران و افتتاح مجلس شورای ملی که ستارخان مجبور به ترک دیار خود شد و به تهران عزیمت نمود، او نیز همراه سردار ملی به تهران آمد. چندی بعد امیرخیزی به اتفاق «میرزا اسماعیل یکانی» و «امیرحشمت نیساری» به استانبول رفت.

امیرکبیر، تقی خان



میرزاتقی خان امیرکبیر پسر مشهدی قربان هزاوه‌ای فراهانی، آشه‌باشی میرزاعبسی معروف به میرزابزرگ قائم‌مقام است. بودن تقی در خانهٔ قائم‌مقام و هوش و لیاقت فطری او را از شاگردی پدر به همدرسی آقازاده‌ها ترقی داد و در خدمات میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام دوم داخل شد و در سن رشد در همان دستگاه قائم‌مقام و دستگاه محمدخان زنگنه امیرنظام وارد خدمات دولتی شد. میرزاتقی خان مدتی از لشکر نوسان بود و بعد در

اولین بار طعم وزارت را چشید و به وزارتخانهٔ علوم و اوقاف رفت. دکتر امیرخان یکی از عوامل به قدرت رسیدن «رضاخان» در مجلس و طرفدار خلع سلطنت قاجاریه و حکومت «رضاخان» بود. در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به هنگام تشکیل مجلس مؤسسان، او از دره‌جز به نمایندگی برگزیده شد. پس از به سلطنت رسیدن «پهلوی»، دکتر امیراعلم طبیب مخصوص «رضاشاه» شد و همواره در سفر و حضر همراه او بود. امیرخان یار معتمد و ندیم «رضاشاه» نیز به حساب می‌آمد. دکتر امیراعلم صاحب امتیاز مجله «دانشکده پزشکی» بود و در سال ۱۳۲۴ خورشیدی به عضویت هیأت مدیره کنگره پزشکی که با حضور نمایندگان دول متفق در تهران برگزار می‌شود درآمد. در کابینهٔ «ساعد» (۳۰ آبان ۱۳۲۷) پست وزارت بهداشتی به او محول شد و پس از آن مدتی سناتور انتصابی مجلس بود. امیراعلم در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در سن ۸۴ سالگی در تهران درگذشت.

امیر خیزی، اسماعیل [حاج]



اسماعیل امیرخیزی در سال ۱۲۵۵ خورشیدی متولد شد و اصلاً از اهالی «ارونق» بوده اما چون خانوادهٔ او در محلهٔ «امیرخیز» تبریز سکونت داشتند به امیرخیزی مشهور شدند. او مقدمات ادب فارسی و عربی را در چند مکتب خانه مختلف تبریز فرا گرفت، آنگاه به سابقه ذوق و استعداد فطری در پی

مهم و سازنده امیرکبیر می‌توان به اینها اشاره کرد:
 ۱- وارد کردن ناصرالدین شاه به تهران ۲- اصلاح امور مالیاتی، ارتش... ۳- فرو نشانیدن انقلاب بایبان
 ۴- برافراشتن بیرق ایران در ممالک خارجه ۵- بنا و تأسیس دارالفنون ۶- ایجاد روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ ه.ق. ۷- معمول کردن مجدد آبله‌کوبی در ایران ۸- ایجاد چاپخانه ۹- منع کردن مأمورین دولتی از گرفتن رشوه ۱۰- ساختن محلی برای توپ و توپخانه (میدان سپه سابق).

ولی از آنجایی که خائنین داخلی و دشمنان خارجی نمی‌توانستند ترقی ایران و پیشرفت امیرکبیر را تحمل کنند، لذا باتفاق یکدیگر از جوانی و نادانی ناصرالدین شاه سوء استفاده نموده ابتدا او را در ۲۰ محرم ۱۲۶۸ ه.ق. از صدارت معزول و ۵ روز بعد (۲۵ محرم) از امارت نظام و بلکه از تمامی مشاغل دولتی برکنار نمودند و چند روز بعد به کاشان تبعید کردند و سرانجام در ۱۸ ربیع‌الاول همین سال به دستور ناصرالدین شاه در حمام فین کاشان به وسیله حاج علیخان مقدم مراغه‌ای (حاجب‌الدوله) کشته شد.

امیرالکتاب ملک‌الکلامی (خوشنویس)

حاج میرزا عبدالحمید ملک‌الکلامی معروف به امیرالکتاب، به سال ۱۲۶۲ خورشیدی در شهر سنندج متولد شد.

او در انواع فنون و صنایع ظریفه، دارای ذوق سرشار بود و در کلیه اقسام خط، از جمله نستعلیق و ثلث و نسخ و رقاع، از استادان مسلم این عصر به شمار می‌رفت. امیرالکتاب، گذشته از خوشنویسی، در نقاشی و حکاکی روی فلز و رسامی و گراورسازی نیز استادی خود را به منصفه ظهور رسانیده است. از آثار برجسته وی، کتیبه‌های حجاری ملی و

سال ۱۲۵۱ ه.ق. به شغل و لقب مستوفی نظام در لشکر آذربایجان منصوب و ملقب گردید. چندی بعد پس از طی مراحل خدمات صادقانه ملقب به وزیر نظام (رئیس اداره تدارکات - دارائی - حمل و نقل و سررشته‌داری لشکر آذربایجان در آن زمان) شد.

در سال ۱۲۵۳ ه.ق. (۱۹۳۷ م.) به امر محمدشاه با ناصرالدین میرزا به تغلیس و ایروان رفت که نیکلای اول امپراطور روس به نواحی قفقاز آمده بود. در سال ۱۲۶۰ ه.ق. برای رفع اختلافات و تعیین حدود بین ایران و عثمانی - به جای میرزاجعفرخان مشیرالدوله - از تبریز مأمور ارزنة الروم گردید و پس از سه سال معطلی در سال ۱۲۶۲ ه.ق. شورش برعلیه او برپا شد و نزدیک بود که در این آشوب کشته شود، لیکن با ثبات عزم میرزاتقی‌خان، سرانجام معاهده ارزنة الروم در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲ ه.ق. بسته شد.

پس از درگذشت محمدخان امیرنظام زنگنه (در سال ۱۲۵۷ ه.ق.)، لقب و شغل امیرنظامی (فرمانده کل قوا) به وی تفویض شد. ناصرالدین شاه پس از جلوس بر تخت سلطنت در شب ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۶۴ ه.ق. امیرنظام ملقب به امیرکبیر و اتابک اعظم گردید و به سمت صدارت عظمی تعیین و برقرار شد.

ازدواج امیرکبیر با خواهر شاه به این خاطر بود که امیرکبیر خیال می‌کرد با این وصلت خواهد توانست از هر جهت آسوده خاطر گشته و دنباله کارهای اصلاحی خود را بگیرد، ولی پس از ازدواج و استحکام موقعیت خود، دسایس خودی و بیگانه شروع شد.

اولین اقدام اصلاح طلبانه امیرکبیر، اصلاح امر خراسان و فرو نشانیدن فتنه حسنخان سالار پسر الله‌بارخان آصف‌الدوله قاجار دولو بود. از کارهای

موزه ایران باستان و کتیبه‌های آرامگاه حافظ در شیراز است که کتیبه‌های اخیرالذکر به خط ثلث نوشته شده است. امیرالکتاب، پیش از مرگ نیز کتیبه قبر رضاخان پهلوی را در حال رنجوری و بیماری به خط ثلث نوشت. وفات او، در مهرماه ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران اتفاق افتاد.

امین تبریزی

حاجی امین‌الدین مشهور به حاجی دده، حاجی بابا، از سخنوران سده هشتم هـ.ق. است. در علم تفسیر و حدیث ماهر و در فن شعر به غایت قادر بود و اکثر «امین» و گاهی به سبب ارادتی که به شیخ نورالدین اسفراینی داشت «نوری» تخلص می‌نمود. قصاید متعددی در مدح امیر شیخ حسن نویان (متوفی در ۷۵۷) گفته و روزگاری هم در بغداد به منادمت پسر وی سلطان اویس (متوفی در ۷۷۶) گذرانیده است. در اواخر عمر از بغداد به تبریز آمده و باغی ساخته و به افاده پرداخته و به سال ۷۵۸ ق. درگذشته است. مؤلف صحف ابراهیم دیوان ۲۵۰۰ بیتی او را دیده است.

انصاری، عبدالله [خواجه -]

در هرات متولد شد و از دوران کودکی به تحصیل علم و دانش علاقه مفراطی داشت و به همین دلیل در علم فقه و کلام و فلسفه استاد شد. او به عرفان جنبه علمی داد.

از کتب معروف او به زبان عربی منازل المسائرين و ذم الکلام و انوار التحقیق است. عبدالله انصاری کتاب طبقات الصوفیه عبدالرحمن سلمی را به زبان هروی انشاء کرد. مشهورترین اثری که از خواجه عبدالله انصاری

می‌دانند مناجات نامه است. وی به سال ۴۸۱ هجری وفات یافت.

انصاری، کاظم (مترجم)

از مترجمین زبردست عصر حاضر به شمار می‌رود و در ترجمه آثار جاویدان نویسندگان جهان ید طولایی دارد، از ترجمه‌های اوست:

جنگ و صلح (از تولستوی)، آرتامانوفها و چلکاش (از ماکسیم گورکی)، در میان گودال، داستانهای برگزیده، اطاق شماره ۵ (از چخوف)، نفوس مرده (از گوگول)، مردم فقیر (از داستایوفسکی)، میراث (از ماکسیم گورکی) و زمین و آسمان (والکوف).

انگجی، ابوالحسن [آیت الله]

ابوالحسن انگجی فرزند شیخ الشریعه تبریزی در «انگج» یکی از محلات تبریز در سال ۱۲۸۲ قمری به دنیا آمد. ادبیات فارسی و عربی، نجوم، فقه و اصول را در تبریز خواند و از محضر درس اساتیدی همچون «امیرفتح سراپی» و «میرزا محمود اصولی» بهره گرفت. سپس در سال ۱۳۰۴ قمری برای ادامه تحصیلات مذهبی به نجف رفت. در آنجا او به حوزه درس استدلالی فقهی و اصولی «آقا شیخ محمد حسن مامقانی»، «فاضل ایروانی» و «حاج میرزا حبیب الله رشتی» راه یافت و بهره جست. آیت الله انگجی در قضیه تغییر لباس، علیه رضاشاه موضعگیری کرد که منجر به دستگیری و تبعید او به سمنان شد. پس از بازگشت از تبعید، به حوزه درس خود پرداخت و کتابهایی نیز در زمینه دروس مذهبی تألیف کرد که از آن جمله می‌توان کتب زیر را نام برد:

احه الالباس عن حکم المشکوک فیه من اللباس،



آلبرت انیشتین، عالم بزرگ، فیزیکدان نظری، در سال ۱۸۷۹ در اولم آلمان متولد شد. یک سال بعد از تولد او، خانواده اش به حومه شهر مونیخ رفتند. پدر آلبرت صاحب یک کارخانه الکتروشیمیایی بود و مادرش به موسیقی، مخصوصاً به آثار بتهون علاقه فراوان داشت.

انیشتین در سال ۱۹۰۵ به تابعیت سوئیس درآمد و در همین سال سه مقاله منتشر کرد که هر یک پایه شعبه جدیدی در علم فیزیک گردید. در یکی از آن سه مقاله نظریه کوانتوم را در توجیه پدیده نور و برق به کار برد و در نتیجه جایزه نوبل سال ۱۹۲۱ فیزیک را تصاحب کرد. مقاله دوم در باب رابطه جرم و انرژی بود که اساس محاسبه انرژی اتمی است، مقاله سوم، به عنوان روان برق اجسام متحرک مشتمل بر نظریه نسبیت (خاص) بود که اسم انیشتین به آن پیوسته است.

در سال ۱۹۰۹ استاد فیزیک نظری در دانشگاه زوریخ شد. در ۱۹۱۳ عضو آکادمی علوم پروس در برلین گردید. در ۱۹۱۴ استاد فیزیک نظری دانشگاه برلین شد و دوباره به تبعیت آلمان درآمد و در همان سال به مدیریت مؤسسه فیزیکی «کایزر ویلهلم» در برلین منصوب گردید. در سال ۱۹۱۶ نظریه نسبیت عمومی را منتشر کرد. در ۱۹۲۹ نظریه میدان واحد را اعلام کرد که هدفش توجیه پدیده های گرانش و برقائیس و زیر اتمی به وسیله یک دستگاه از قوانین

رساله سؤال و جواب، حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری، حاشیه ریاض، حاشیه مکاتب شیخ انصاری، کتاب الارث، کتاب الحج، کتاب الصلوة، و کتاب الطهاره.

انوری، اوحدالدین علی (شاعر)

اوحدالدین علی ملقب به انوری در قریه بدنه از ولایت ابیورد و دشت خاوران خراسان به دنیا آمد. انوری در جوانی در طوس به تحصیل علوم و ادبیات مشغول بود. وی در نجوم پیشرفت شایانی کرد و شهرتی یافت، ولی به علت فقر مالی نتوانست به آنچنان شهرتی که درخور او بود برسد. پس برای آینده خود تصمیمی گرفت و در مدح سلطان سنجر قصیده ساخت، در نتیجه به دربار سلطان راه یافت و از آن پس شاعر جوان به اوج شهرت و جلال رسید و تا پایان سلطنت سلطان سنجر به وی وفادار ماند. در سال ۵۴۸ هجری که سلطان سنجر مغلوب و اسیر ترکان غز شد، انوری با هزار مشقت از مهلکه جان بدر برد. مدتی در بلخ و زمانی در مرو اقامت گزید، ولی در تمام این مدت با آزار و تحقیر مردم روبرو بود. پس از آن به نیشابور و از آنجا به بلخ رفت و در آنجا هم به علت اینکه درمورد اقتران کواکب پیشگویی نموده و وقوع نیافت هدف استهزاء مردم شد. ناچار گوشه عزلت اختیار کرد و از معاشرت مردم دست کشید. وی بین سالهای ۵۸۵ و ۵۸۷ در همان شهر درگذشت.

انوری از بزرگترین قصیده سرایان ایران است. دیوان وی شامل سیزده هزار بیت از قصیده، رباعی، غزل و قطعه است.

انیشتین، آلبرت

است. در ۱۹۵۰ و دگر بار در ۱۹۵۳ صورت تجدید نظر شده این نظریه را منتشر ساخت. بطوری که گفتیم انیشتین به خاطر تحقیقاتی که روی فوتونها و تئوری کوانتوم انجام داد جایزه نوبل گرفت. وی از موضوع ساختن بمب اتمی ناراحت و متأثر گردید. او امیدوار بود که قدرت تخریبی آن را دولت آمریکا به نمایندگان دولت ژاپن نشان دهد و آنان را از ادامه جنگ برحذر دارد نه اینکه بمب اتمی را بر سر ملت ژاپن فرو ریزد. او آرزو داشت که نیروی اتمی برای بهبود وضع زندگی بشر به کار رود. انیشتین روز ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ درگذشت و تا دم مرگ می کوشید که از قوانین حاکم بر طبیعت به نفع توجیه قوانین ریاضی استفاده کند.

اوحدی مراغه‌یی

شیخ رکن الدین بن حسین به سال ۶۷۰ هجری در مراغه تولد یافت و به سال ۷۳۸ در ۶۸ سالگی در همانجا رخ در نقاب خاک کشید. اکثر تذکره نویسان اوحدی مراغه‌یی را از اصحاب و مریدان اوحدالدین کرمانی قید کرده‌اند درحالی که وی به سال ۶۷۰ یعنی ۲۵ سال پس از فوت اوحدالدین کرمانی یا به عرصه هستی نهاده است. در زمان سلطنت سلطان ابوسعید آخرین ایلخان مغول (۷۱۶-۷۳۶) شهرتش به کمال رسید. اوحدی این پادشاه و وزیرش غیاث الدین محمد فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله را در اشعار خود ستوده است. در مجالس العشاق میرکمال الدین حسین... مسطور است که هیچده کس از اولیاء الله در مجلس حضرت صدرالدین قونوی (متوفی ۶۷۳) فصول الحکم می خواندند، شیخ عراقی و امیرحسینی و شیخ سعید فرغانی و شیخ اوحدی مراغه‌یی از آن هیچده نفر بودند. با توجه به تاریخ تولد اوحدی ۶۷۰ و تاریخ فوت

صدرالدین قونوی (۶۷۳) به نوشته صاحب مجالس العشاق هم نمی توان اعتباری قایل شد. محمدبن بدرجاسرمدی در مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، جامی در نفحات الانس، حاجی خلیفه در کشف الظنون این شاعر را به مناسبت اینکه پدرش اصفهانی بوده و خود نیز چند سالی در آنجا سکنی داشته است اصفهانی خوانده‌اند. آثار او: دیوان اشعارش مشتمل بر قصاید و غزلیات عرفانی و قطعات و رباعیات و ترجیعات است و ابیات آن را از شش الی پانزده هزار بیت نوشته‌اند. مثنوی ده نامه یا منطق العشاق که آن را به نام وجه الدین شاه یوسف نوه خواجه نصیرالدین طوسی ساخته است.

مثنوی جام جم که بر وزن و اسلوب حدیقه سنایی ساخته و در آن سلطان ابوسعید را مدح کرده است. این مثنوی شامل پنجهزار بیت است.

اوریفون (پزشک)

از پزشکان یونانی قدیم یکی هم «اوریفون» است که در آسیای صغیر در مدرسه پزشکی «کنیدس» به تحصیل پرداخت. مدرسه «کنیدس» از مدارس مشهور تدریس کننده علم طب قدیم بوده است و شاگردان آن بیشتر از پزشکان مشهور یونان بوده‌اند. بدین جهت اوریفون نیز که از شاگردان آنجا بود به زودی به واسطه تبحر و استادیش در معالجه به شهرت رسید. «اوریفون» ثابت نمود که در شریانها خون وجود دارد. حال آنکه قبل از آن اطباء می اندیشیدند که در رگهای انسان هوا وجود دارد.

اوستین، جین

جین اوستین خانم نویسنده انگلیسی و کوچکترین



مدرسه درمی آورد.

پس از اتمام دورهٔ مقدماتی تحصیلات خود در آکادمی «بتسی» در شهر «استامفورد» در بایر سال ۱۹۰۶ به دانشگاه «پرینستون» وارد شد. ولی مدتی بعد به علت پرتاب يك بطری آبجو اخراج گردید. ناچار به كمك پدرش كه سهمی از يك بنگاه تجارتي داشت به كار مشغول شد. دو سال بعد به «هندوراس» سفر کرد.

اونیل در «هندوراس» بجای كسب طلا، بیمار شد و چون به آمریکا بازگشت به سمت معاونت ریاست گروهی كه وی در آن گروه به مسافرت‌های هنری می‌پرداخت گماشته شد. مدتی بعد با يك نروژی به بوئنوس آیرس رفت، و در آنجا در شركت‌های وستینگهاوس، سويفت و سینگر به كار پرداخت. سپس به استخدام يك كشتی مخصوص حمل حیوانات درآمد.

او هنری (نویسنده)

او هنری نام مستعار «ویلیام سیدنی پورتر» نویسندهٔ نامدار آمریکایی است. در سال ۱۸۲۶ در آمریکا متولد شد و در سالهای جوانی مدت ۵ سال در داروخانهٔ عمومی خود به كار اشتغال داشت و آنگاه در سال ۱۸۸۲ رهسپار ایالت تكزاس شد و در آنجا به خدمت مطبوعات درآمد. آثار ادبی او در

فرزند از هفت بچهٔ خانواده اش بود كه به سال ۱۷۷۵ در بخش استیوتون ناحیهٔ همپشایر متولد گردید. پنج برادر بزرگ او ازدواج كردند ولی جین و خواهرش كاساندررا هرگز ازدواج نكردند. این دو خواهر از صمیم قلب همدیگر را دوست داشتند و شاید به جرأت می‌توان گفت رابطهٔ بین الیزابت و جین در كتاب معروفش به نام غرور و تعصب آینهٔ تمام‌نمایی از همین علاقهٔ بیش از اندازهٔ نویسندهٔ كتاب و خواهرش می‌باشد. جین كار نویسندگی را از چهارده سالگی برای سرگرمی افراد فامیل آغاز کرد، اولین طرحها و پیش‌نویسهای كتاب «غرور و تعصب» و «كلیسای نورثانگر» را هنگامی كه هنوز به سن بیست و چهارسالگی نرسیده بود نوشت. وی در تمام طول عمرش بیش از شش رمان خلق نكرد ولی همین شش رمان مقام والایی در ادبیات انگلیس دارا می‌باشند. وی در سال ۱۸۱۷ به خاطر دستور پزشك برای مداوای طبی به وینچستر مسافرت كرد و در همان شهر درگذشت. چهار رمان دیگر او عبارتند از: پارك مانسفیلد، اما، تحريك، حس و حساسیت.

اونیل، یوجین

یوجین گلاستون اونیل در ۱۶ اکتبر سال ۱۸۸۸ در شهر «برودوی» به دنیا آمد. پدرش هنرپیشه‌ای بود كه فصل به فصل «در تكمیل پانزده هزار سفر خود» به خاطر نمایش درام مؤثر! «كنت مونت کریستو» در سراسر كشور به مسافرت می‌پرداخت. یوجین اونیل نیز هفت سال نخستین زندگیش را پیوسته همراه با پدر و مادر خود به مسافرت رفت. بعد از این مدت، او رابه مدرسهٔ كاتولیکى و یا در حقیقت به تعدادی از این‌گونه مدرسه‌ها فرستادند، زیرا مقررات خشك و خشن این مؤسسات روحی عاصی و سرکش در او ایجاد می‌كرد و او را به صورت معمایی برای اولیاء

اهلی شیرازی

اهلی شیرازی از شعرای دوره صفویه است. این شاعر در تجنیس و سایر صنایع بدیع استاد بود. شهرت وی بیشتر به خاطر رباعی است که در وصف قلیان سروده و این در زمانی ساخته شده که توتون و تنباکو به وسیله تجار پرتغالی وارد ایران شد. وفات او را در سال ۹۴۲ یا ۹۴۳ نوشته‌اند.



ایبسن، هنریک یوهان



ایبسن نویسنده نروژی در سال ۱۸۲۸ متولد شد. دوران کودکی خود را با سرگردانی، تنهایی و رنج فراوان سپری کرد. در آغاز جوانی سالیان درازی را به کار در روزنامه‌ها و مجلات و تماشاخانه‌ها گذراند. وی به علت حوادث ناگوار و رنج‌هایی که در دوران جوانی خود داشت موفق به انجام تحصیلات دانشگاهی نشد. وی سفرهای دراز زیادی به کشورهای اروپایی کرد و در سال ۱۸۷۷ دانشگاه اوسلا به وی درجه دکترا افتخاری داد. دوران آخر زندگی ایبسن به خلاف دوران کودکی و جوانی با سر بلندی، خوشی و راحتی توأم بود، و در همین دوران نشانها و جایزه‌های فراوانی بدو تعلق گرفت. چند نمایشنامه مشهور او عبارتند از: دشمن مردم، پرگینت، خانه عروسک، اشباح و مرغابی وحشی. مرگ این نمایشنامه نویس بزرگ به سال ۱۹۰۶

روزنامه ادبی این ایالت به نام «رولینگ ستون» و «دیلی پست» انتشار یافت. او هنری ضمناً در یکی از بانکهای نکرزاس به شغل تحویل‌داری مشغول خدمت شد اما چندی بعد مورد اتهام قرار گرفت. او هنری از آن سرزمین گریخت و به نیواورلئان و آمریکای مرکزی رفت. او هنری پس از بازگشت به وطن به زندان افتاد و سه سال در زندان دولتی اوهایو محبوس بود. پس از آزادی بود که آوازه شهرتش با نگارش داستانهای متعدد کوتاه همه جا پیچید ولی قبل از آن که به سن ۴۸ سالگی برسد در اثر بیماری سل دیده از جهان فرو بست. او هنری متجاوز از ۶۰۰ داستان کوتاه از خود به یادگار گذاشته است. داستانهای عجیب وی عموماً نافذ، مهیج و دل‌انگیز است. از خصوصیات داستانهای او این است که غالباً به خلاف تصور خواننده پایان می‌پذیرد.

این دو اثر از جمله داستانهای او هنری است که توسط مسعود فرزاد به فارسی ترجمه شده است:

۱- یز عالی

۲- داروی محبت

سایر آثار او بدین قرار است:

کلم‌ها و شاهان، چهار میلیون، چراغ، قلب مغرب، آواز شهر، جاده‌های سرنوشت، اختیارات، دوکها، کار سخت، شش‌ها و هفت‌ها، سنگهای غلطان ولگردان و آوارگان، نامه‌هایی به لیتوپولیس، داستانهای او هنری، ضمیمه یا ذیل‌ها و او هنری‌انا.

اتفاق افتاد.

ایرج میرزا [جلال الممالک]



ایرج میرزا [جلال الممالک] در اوایل رمضان سال ۱۲۹۱ قمری در شهر تبریز به دنیا آمد. پدرش غلامحسین میرزا (صدرالشعرا) شاعر و تخلص «بهجت» داشت و فرزند ملک ایرج میرزا نصاب، پسر بیست و هفتم «فتحعلیشاه قاجار» بود. ایرج میرزا ایام تحصیل خود را در تبریز گذراند و در خدمت استادانی همچون «آقامحمدتقی عارف اصفهانی» و «میرزانصراالله بهار شیروانی» به شاگردی پرداخت. منطق و معانی بیان را در حوزه درس آشتیانیهای مقیم تبریز، و زبان فرانسه را نزد «مسیولامیر» فرا گرفت. او همچنین زبان پارسی و عربی را در حد تسلط آموخت. «امیرنظام حسنعلی خان گروسی» حاکم تبریز که خود اهل ادب و مردی دانشمند بوده او را تحت حمایت خود گرفته و به او لقب «فخرالشعرا» می‌دهد. ایرج سرودن را از چهارده سالگی آغاز کرد و اشعارش در محفل امیرنظام سزاوارصله و پاداش بود. ایرج در سنین نوجوانی (۱۹ سالگی) پدر را از دست داد و سرپرست خانواده گردید. در تنگدستی به جای پدر در دستگاه ولیعهد (مظفردالدین میرزا) به کار پرداخت و سپس منشی پیشکار جدید آذربایجان «میرزا علی خان امین الدوله» شد و این شغل را حتی هنگامی که «امین الدوله» صدراعظم شده و به پایتخت

مشاهیر

رفت نیز حفظ کرد. ایرج پس از آن مشاغل ریاست اطاق تجارت تبریز (۱۳۱۸ق) و خدمت زیر نظر مستشاران بلژیکی اداره گمرک (تا ۱۳۲۲ق) را عهده دار بود.

وی در سال ۱۳۲۲ قمری به تهران آمد و به جنبش مشروطه پیوست. نامش در جلسه آزادخواهان که روز دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ در باغ «سلیمان خان میکرده» تشکیل شده ثبت است. ایرج میرزا اشعار فراوانی در زمینه سیاست، انتقاد از اوضاع کشور، مدح و ذم رجال سیاسی و هجو سیاستمداران دارد. شعری که او در ثناء «کلنل محمدتقی پسیان» افسر وطنخواه و شورشی ژاندارمری خراسان سروده یکی از بهترین اشعار سیاسی اوست. ایرج میرزا در دیوان خود بخشی دارد باعنوان «عارفنامه» که در هجو «عارف قزوینی» شاعر نامدار ملی سروده. این کینه‌ورزی ایرج نسبت به «عارف» از آنجا ناشی می‌شود که «عارف» در اشعار خود نیش و کنایه‌هایی به خاندان قاجار می‌زده و در ذم آنان اشعاری می‌سروده. ایرج میرزا اشعار بسیاری سروده که مخالف اعتقادات عامه و حتی بعضی از آنها مغایر با اخلاق و عفت عمومی است. خود وی به لحاظ اخلاقی مردی عیاش و خوشگذران بوده، اما از حق نباید گذشت که اشعار او به لحاظ صنعت شعری بسیار قوی و معتبر است. از اشعار زیبا و آبرومند او می‌توان قطعه «مادر» و منظومه «زهره و منوچهر» را که اقتباسی است از «ونوس و ادونیس» و ویلیام شکسپیر نام برد. ایرج میرزا در ۲۲ اسفند ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران در عین فقر و تنگدستی وفات یافت و پیکرش در قبرستان امامزاده قاسم شمیران جنب مقبره «علیخان ظهیرالدوله» به خاک سپرده شد.

ایفل، گوستاو (مهندس)

ایوان مخوف

ایوان چهارم ملقب به مخوف در سال ۱۵۳۰ دیده به جهان گشود. سه ساله بود که پدرش بازیل سوم وفات یافت و مادر او هلن با دو تن از بزرگان و نجبا به نیابت سلطنت پرداخت، ولی چون زنی جاه طلب بود به طرز مرموزی مسموم گردید و درگذشت، و پسرش در محیطی بسیار فاسد پرورش یافت و چون خانواده‌های نجبا همه نیابت سلطنت داشتند با او بسیار بد رفتار می‌کردند. این اهانتها تأثیر شگرفی در روحیه وی ایجاد کرد، به طوری که در تمام مدت عمر به شدت از طبقه نجبا منزجر بود. مدت پنج سال به هوسرانی‌های جوانی مشغول بود ولی در ۲۷ سالگی به فکر ازدواج افتاد و از لذات چشم پوشید و دختری از خانواده متوسط موسوم به «آناستازیا رومانف» را به همسری برگزید. آنگاه اعلام نمود که می‌خواهد به نام تزار روسیه تاجگذاری کند. در ۱۵۶۰ زنش فوت کرد و شایع شد که مشاورینش در قتل او دست داشته‌اند، به همین جهت او ایشان را کشت. معروفست که ایوان در ظرف هشت سال بالغ بر چهار هزار حکم قتل صادر کرد و در سال ۱۵۷۰ اهالی شهر نوگورد را که از دستورش سربلایی کرده بودند قتل عام نمود و ده سال بعد هنگام صحبت با پسرش با عصای آهنی او را از پای درآورد. ولی بعداً پشیمان گشت تا بالاخره در سال ۱۵۸۴ در سن ۵۳ سالگی بدرود حیات گفت.

ایوب خان، محمد

محمد ایوب خان در سال ۱۹۰۸ به دنیا آمد. کارش را از خدمت در ارتش استعماری انگلیس در هند شروع کرد و در خلال جنگ جهانی دوم در برمه خدمت نمود. در سال ۱۹۵۱ به سمت فرمانده ارتش



گوستاو ایفل، مهندس و سازنده برج ایفل در پاریس، به سال ۱۸۳۲ از يك خانواده مرفه در شهر دیزون فرانسه متولد گردید. وی پس از خاتمه تحصیلات خود در امتحان ورودی دانشکده پلی تکنیک شرکت کرد ولی در این امتحان موفق نگردید. مهندس ایفل برای اولین بار در روی رودخانه گارن یک پل از تیر آهن ساخت و ثابت کرد این گونه پلها هم ارزان و هم محکم هستند. بزودی وی یک کمپانی مستقل تشکیل داد و کار او بالا گرفت و مرد ثروتمندی شد، مهندس ایفل برج ایفل را به مناسبت نمایشگاهی که هفتاد سال پیش در پاریس گشایش یافت ساخت. منظور او از ساختن این برج موقتی بود نه دائمی. دولت فرانسه فقط نصف هزینه این برج را به عهده گرفت. در آغاز کار تمام مردم و روزنامه نگاران وی را مسخره و انتقاد می‌کردند که به کار مسخره ای دست زده است، ولی ایفل به کار خود ادامه داد و در ماه مارس سال ۱۸۸۹ برج ایفل خاتمه یافت و مهندس ایفل شخصاً پرچم فرانسه را بر فراز برج به اهتزاز درآورد. برج ایفل طوری ساخته شده که هنوز هم از محکمترین ساختمانهای آهنی جهان به شمار می‌رود. ایفل با این کار خود انقلابی عظیم در معماری جهان به عمل آورد. مهندس ایفل در پانزدهم دسامبر ۱۹۲۳ روزی که نود و یکمین سال تولد خود را جشن گرفته بود دار فانی را وداع گفت.



می باشد در شجره نسبت باخ به این نتیجه رسیده که از بیست فرزند یوهان سباستیان باخ که شانزده نفر عمر طولانی داشته‌اند فقط یکی از باخها توانست دودمان آنها را حفظ نماید و او چهار فرزند داشت که آخرین آنها در سال ۱۸۷۱ درگذشت و از آن تاریخ خانواده باخ بکلی از بین رفت.

امروز کسانی هستند که خود را به خانواده باخ منسوب می‌کنند ولی ادعای آنها عاری از حقیقت است.

یوهان سباستیان باخ در بیست و یکم ماه مارس ۱۶۸۵ در «آیزناخ» به دنیا آمد.

پدرش «آمرزیوس» از نوازندگان دربار و مادرش الیزابت دختر یکی از کارمندان شهرداری بود. یوهان ده ساله بود که پدر و مادرش فوت کردند و او تحت نظر برادر بزرگش بزرگ شد. علاقه او به موسیقی بحدی بود که در دوران کودکی قطعاتی را که برای تمرین از برادرش گرفته بود فراگرفت.

وقتی در سن پانزده سالگی در موقع شرکت در آواز دسته‌جمعی کلیسای «سن میشل» از ارگ نواز مشهور «گنورک بوم» شنید که استادش «راینکن» در کلیسای «سنت کاترین» هامبورگ ارگ می‌نوازد تصمیم گرفت به آنجا برود و از راینکن استفاده برد ولی فاصله او تا هامبورگ ۱۲۰ کیلومتر بود و یوهان استطاعت نداشت که خود را به آنجا برساند ولی بالاخره پیاده عازم شد و از حضور راینکن استفاده کرد.



پاکستان انتخاب شد. از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۵ وزیر دفاع شد و در سال ۱۹۵۸ جانشین رئیس جمهوری پاکستان گردید. در دوره ریاست جمهوری او قانون اساسی ۱۹۷۴ تحت عنوان مبارزه با فساد و فرقه‌بازی ملغی اعلام شد و حکومت استبدادی برقرار گردید. چندی بعد تصمیم گرفت که برخی آزادیهای اجتماعی را احیا نماید و به همین جهت به ایجاد هسته‌هایی به نام «واحد‌های دموکراتیک بنیانی» پرداخت. در سال ۱۹۶۵ در انتخابات ریاست جمهوری بر فاطمه جناح (جیناه) خواهر بنیانگذار پاکستان پیروز شد ولی در سال ۱۹۶۹ بعد از اینکه محصولات کشاورزی به وضع نامساعدی دچار شد و شورش‌های سیاسی گسترش یافت از مقام خود استعفا داد.

محمد ایوب خان در سال ۱۹۷۴ درگذشت.

باخ، یوهان سباستیان (موسیقیدان)

یوهان سباستیان باخ نوزاد خانواده‌ای بود که همه افراد آن پیش از صد سال به موسیقی آشنایی داشتند. خانواده باخ اغلب فنون موسیقی را از یکدیگر می‌آموختند. در خانواده باخ، تفریح، کار، مطالعه و بالاخره همه چیز با موسیقی توأم بود. باخ‌ها در تمام نقاط اروپا پراکنده شدند و موسیقی را رواج دادند. پروفسور «سافرتری» که یکی از محققین باخ



روابط او با زنی لهستانی به نام مادام «هانسکا» است که مدت پانزده سال با او مکاتبه داشته و بالاخره حدود پنج ماه قبل از مرگش به سال ۱۸۵۰ با او ازدواج می‌کند. باوجود آنکه رمانهای بالزاک خریدار بسیار داشت ولی تمام عمر از لحاظ مالی در مضیقه بود.

از شاهکارهای ارزنده بالزاک «اوژنی گراند»، «آرزوهای گمشده»، «مدست می نیون» و «باباگوریو» را می‌توان نام برد.

بامشاد (نغمه‌پرداز)

بامشاد یا بامداد یا بام‌زاد نام خنیاگری مشهور در زمان خسرو پرویز ساسانی است که او نیز مانند بارید در هنر موسیقی عدیل و نظیر نداشته است. نوشته‌اند، این هنرمند نوازنده چنان می‌نواخت و می‌خواند که همه کس را شاد می‌کرد. بیش از این اطلاعی از زندگانی او در دست نیست و نام آهنگی نیز هست به نام خود آهنگساز. منوچهری دامغانی شاعر بزرگ قرن نیمه اول قرن پنجم هجری درباره بامشاد، نغمه‌پرداز باستانی ایران سروده است:

بلبل باغی به باغ دوش نوائی بزد
خوبتر از باربد، نیکتر از بامشاد

بایرون، جرج گوردن [لرد -] (شاعر)

باخ هدفی جز آشنایی با همه آثار استادان بزرگ موسیقی و نواختن قطعات آنان نداشت و برای رسیدن به این مقصود هر مانعی را از راه خود برمی‌داشت. باخ بالاخره با کوشش و زحمت فراوان تمام فنون موسیقی را آموخت و استادی بزرگ و عالیقدر شد چون شاگردی خوب و با پشتکار بود. باخ در سال ۱۷۰۵ به سمت ارگان‌نست «مولهاوزن» منسوب شد و با دخترعموی خود «ماریا باربارا» ازدواج کرد. از سال ۱۷۰۸ به سمت سرپرست ارکستر دوک ساکس و وایمار انتخاب شد و در این زمان بود که بین او و لویی مارشال ارگان‌نست معروف فرانسوی قرار مسابقه گذاشته شد ولی مارشال روز قبل از مسابقه شهر را ترک کرد و باخ پیروز شد. در سال ۱۷۱۷ به کوکن مسافرت کرد و در آنجا رهبری ارکستر دربار را به عهده گرفت.

در سال ۱۷۲۰ بعد از فوت زنتش برای بار دوم با خواننده سوپرانو «آنا ماکدالناولکن» ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد. تاریخ مرگ وی سال ۱۷۵۰ می‌باشد.

بالزاک، انوره دو (نویسنده)

بالزاک داستان‌نویس مشهور در فرانسه متولد شد و به تحصیل در رشته حقوق پرداخت و پس از اتمام تحصیلاتش سه سال از عمر خود را به کار وکالت گذراند ولی در سال ۱۸۲۰ وکالت را رها کرد و به نویسندگی پرداخت.

بالزاک حدود نه سال از عمر خود را به نوشتن رمان و مقالات سیاسی و داستان‌های تراژدی صرف نمود ولی موفقیت او از سال ۱۸۲۹ با نوشتن کتابی به سبک و شیوه «والتر اسکات» آغاز گردید.

بالزاک در داستانهایش از ماجراهای عشقی خود الهام می‌گرفت به طوری که جالبترین آنها ماجرای

خود را ترك كرد و سوگند ياد نمود كه هرگز به اين سرزمين پاى نگذارد.

بعد از بازديد از بروكسل و واترلو به سويس عزيمت كرد و در آنجا «زندانى شيلان» را ساخت كه از شاهكارهاى شعر انگليسى است. در اين دوره ها او پى در پى آثار تازه اى خلق مى كرد.

در آثار بايرون يك روح جاودانى و يك روحيه شاعرانه واقعى به چشم مى خورد. به قول تسوايك بيوگرافى نويس اتريشى، بايرون براى نمايش عظمت و شكوه و غرور خویش شعر مى گفت. همه اين شعرها ساختمان قوی و محکم و بادوام دارد. بايرون آدم بسيار خودپسند و مغرورى بود. او خود را بهترين شاعر غزلسرا و مرثيه گو مى دانست، اما نبوغ او در هجاسازى بود. قدرت توصيف و قدرت نمايش احساسهاى انسانی او زایدالوصف است. شهرت و شخصيت جنجالی او بيشتر زاده حوادث زندگى عجيب و غريب اوست تا مولود اشعارش. نفوذ غيرقابل انكار او در شعراى اروپا بخصوص شعراى روسيه موجب خلق آثار بديعى به تقليد از كارهاى او شده است. در حال حاضر بايرون در خارج از انگلستان مشهورتر است تا در انگلستان. بايرون به سال ۱۸۲۶ درگذشت.

بايسنفرميرزا

بايسنفرميرزا فرزند شاهرخ تيمورى از شاهزادگان خوش طبع و هنرمند و هنرپرور بود. گویند در دربار وی چندان خطاط و نقاش و مذهب و ديگر هنرمندان می زیستند كه در هيچ دوره اى در ميان اميران قبل از او آن اندازه دیده نشده است و چهل كاتب خوش نويس در كتابخانه او پيوسته مشغول كتابت بوده اند. بايسنفرميرزا در خطوط اصول (شش قلم) شاگرد شمس الدين سلطانى يا بايسنفرى است



جرج گوردن بايرون شاعر انگليسى در ژانويه سال ۱۷۸۸ در لندن به دنيا آمد. نژاد او اصلاً فرانسوى بود. مادرش او را بزرگ كرد و بايرون در شرايط نامعين و گوناگونى تربيت شد. در سيزده سالگى او را به مدرسه «هارو» فرستادند و چهار سال بعد به كمبريج روانه اش كردند. در نوزده سالگى نخستين مجموعه شعرش را منتشر ساخت كه ساعات فراغت نام داشت. اين مجموعه نظر منتقدان را جلب كرد و گروهى هم به شدت آن را كوبيدند. بايرون در مقام لجازى هجويۀ معروف «رامشگران انگليسى و منتقدان اسكاتلندى» را ساخت و ناگهان به طرف مشرق زمين حركت كرد. در بازگشت به انگلستان اشعار تازه اى از سفر ارمغان آورده بود و او را در عرض مدتى کوتاه در انگلستان مشهور ساخت. وی از سال ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۵ «گيانور» و «نامزد آبيدو» و چند اثر ديگر ساخت.

كليه اين آثار درخشان و رنگين، زمينه هاى شرقى داشت. اشعار او بيشتر جنبه ملودراماتيك (بدآغاز و خوش فرجام) دارد. اما در تمام آنها شور و احساس موج مى زند. در سال ۱۸۱۵ در بيست و هفت سالگى با زنى به نام «ميلبانك» ازدواج كرد اما اين زن يك سال بعد رسته زناشويى را گسيخت و عنوان كرد كه بايرون با خواهرش گرم گرفته است.

پايان دردناك اين ازدواج آنچنان خشم و غيظ مردم را بر ضد بايرون برانگيخت كه بايرون ناگزير ميهن



در سال ۱۷۸۷ وقتی ۱۷ سال از عمر بتهوون می گذشت به وین رفت و آنجا به حضور موتسارت رسید و از او چند درس موسیقی گرفت. چندی بعد مادرش مرد و او ناچار شد تحصیل موسیقی را قطع کند و برای سرپرستی خانواده اش به بن برگردد.

وقتی برای بار دوم بتهوون توانست به وین برود موتسارت مرده بود. بزرگترین آهنگساز وین هایدن بود. این بار نزد هایدن به تحصیل موسیقی پرداخت و بزودی توانست در مجالس اشراف راه پیدا کند. در سال ۱۷۹۴ پرنس لیخنوسکی او را به کاخ خود آورد و بتهوون دو سال نزد پرنس می زیست.

بزرگترین حادثه عشقی بتهوون در این سالها واقع شد و او که در آنوقت سی سال از عمرش می گذشت به دکترسی به نام جولیتا گیچاردی دل باخت. بتهوون «سونات اپوس ۲۷ شماره ۲» را که بعدها به نام «سونات مهتاب» معروف شد برای او تصنیف کرد.

در خاطرات عاشقانه بتهوون نامهای دیگری از دختران می توان یافت. در حقیقت او در دوران زندگی خود بارها عاشق شد. به قول زیس یکی از شاگردانش «او همیشه عاشق بود». ولی باوجود این با هیچ يك از آنها ازدواج نکرد.

اخلاق و رفتار بتهوون با مردم آن زمان فرق بسیار داشت. بتهوون از آن مردانی بود که هیچ گاه سعی

که شرح احوالش در ورقهای پیش در این تألیف نوشته شد. وی در خط محقق و ثلث از استادان برجسته می باشد. کتیبه پیش طاق مسجد گوهرشاد در مشهد به خط ثلث اوست که در بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت قلم، خطوطی حیرت انگیز به یادگار گذاشته است. بایسنفر میرزا بسیار خوش گذران بوده و با تجمل می زیسته و به سبب افراط در خوش گذرانی در سنین جوانی (سی و پنج یا سی و هشت سالگی) در هرات زندگی را بدرود گفته است. بایسنفر میرزا کتاب دوست ترین و بانی زیباترین مکتب کتاب سازی در ایران بوده است و در هیچ دورانی به اندازه زمان او نسخه های نفیس و زیبا نوشته و تذهیب و تصویر نشده است به طوری که در کمتر کتابخانه ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه بایسنفر میرزا نسخه ای یافت نشود. پس از درگذشت این شاهزاده هنرپرور، شاعران خطاط کتابخانه اشعاری در رثای او سروده و به عنوان تسلیت نامه به حضور شاهرخ تیموری تقدیم داشته اند و آن اشعار در جنگی به خط اظهر در کتابخانه حاج محمد نخجوانی موجود است.

بتهوون، لودویک (موسیقیدان)

در شهر بن از شهرهای غربی آلمان متولد شد. یوهان پدر بتهوون خواننده بود و در دربار کلن کار می کرد. یوهان از چهار سالگی بتهوون را به پیانو آشنا کرد و تا ۹ سالگی کلیه قواعدی که از موسیقی می دانست به او آموخت. لودویک در دوازده سالگی به عضویت ارکستر دربار کلن انتخاب شد.

کریستیان گوتلیپ نفه که در پرورش و تعلیم موسیقی لودویک حق بزرگی دارد درباره شاگرد خود می گفت: «اگر او هم چنانکه آغاز کرده کار خود را ادامه دهد یقیناً روزی موتسارت دوم خواهد شد.»

دارد.

بختیاری، پژمان

در سال ۱۲۷۹ میان يك خانواده بختیاری پا به عرصه وجود گذاشت، پدرش علیمرادخان میرپنج بختیاری از خوانین مشهور ایل بختیاری و مادرش از خاندان میرابوالقاسم قائم مقام و از بانوان فاضله و شاعره عصر خود بود و «زاله» تخلص می کرد. پژمان طی سالهای مطالعه و فعالیت عمر خویش آثار زیر را تهیه و تدوین کرده است:



۱- کتاب بهترین اشعار پژمان ۲- دیوان حافظ ۳- دیوان پژمان ۴- خیام ۵- دیوان جامی ۶- تاریخ پست و تلگراف ۷- سه منظومه «زن بیچاره»، «سیه روز» و «محاكمه شاعر».

وی خود را مقید به پیروی از سبک معینی نمی کرد و بیشتر زبان حافظ و سعدی را انتخاب کرده و سخنش تقریباً در سبک عراقی است. ولی در همان غزل ممکن است با يك یا دو تك بیت کاملاً آمیخته به سبک هندی یا صفوی مواجه شود. پژمان بختیاری در سال ۱۳۵۳ شمسی درگذشت.

براون، ادوارد (مستشرق، ادیب)

ادوارد براون مستشرق و ایران شناس مشهور در

نمی کرد احساسات و حب و بغض خود را تعدیل کند یا مخفی نگاه دارد و محیط اشرافی و تشریفات معموله آن زمان بنظر بتهوون زاید بود و با آنکه از کلیه رسوم درباری اطلاع داشت کمتر درصدد اجرای آنها برمی آمد.

یکی از بزرگترین بدبختی های بتهوون نقل سامعه او بود. وقتی در سی و دو سالگی احساس کرد که چیزی نمی شنود و نمی تواند ساخته های خود را که بیان احساسات اوست درک کند تحمل زندگی برای او مشکل شد. نامه ای به برادرانش نوشت و به قصد خودکشی با آنها وداع کرد ولی بزودی تصمیم گرفت علی رغم «سرنوشت ناسازگار» به حیات خود ادامه دهد. نخستین اثر بزرگ بتهوون سنفونی شماره ۳ بود. در سال ۱۸۰۴ نخستین اپرای بتهوون به نام فیدلیو با موفقیت به صحنه نمایش درآمد. سنفونی چهارم و پنجم و ششم را در همین سالها بوجود آورد. در این مدت غالباً ثقل سامعه او شدت می یافت تا آنکه عاقبت به سال ۱۸۱۹ بکلی کر شد و ارتباطش با دنیای اصوات قطع شد.

در یکی از روزهای سرد پاییز سال ۱۸۲۶ بتهوون به بستر بیماری افتاد و ناچار شدند او را تحت عمل جراحی قرار دهند. ولی حال او بهتر نشد و حتی دیگر قادر به تکلم نبود. بالاخره در روز ۲۶ مارس ۱۸۲۶ چشم از جهان فرو بست. آن روز هم مانند روز مرگ موتسارت طوفان سختی برپا شده بود. در تشییع جنازه بتهوون، شوپرت، چرنی و قریب بیست هزار نفر از مردم وین شرکت داشتند. جنازه او را با کالسکه به آرامگاه او در شواتس شهایزهاوس بردند. اگر هایدن «پدر سنفونی» است، بتهوون در تاریخ موسیقی به نام «پادشاه سنفونی» معروف است. در برابر ۱۰۴ سنفونی هایدن و ۵۰ سنفونی موتسارت، بتهوون ۹ سنفونی تصنیف کرد ولی همین ۹ سنفونی بیش از تمام آثار سنفونیک هایدن و موتسارت ارزش

تامس براون از نویسندگان بزرگ انگلستان در قرن هفدهم بود که سبکی شیوا و نثری پخته داشت. از آثار معروف این طیبیب نویسنده: *مذهب يك پزشك* و *دفن در ظرف می باشد*.

براون، کارل فردیناند (فیزیکدان)

کارل فردیناند براون یکی از علمای بزرگ فیزیک آلمان بود. به واسطه تحقیقاتی که در باب فیزیک به عمل آورد در سال ۱۹۰۹ با مارکونی مشترکاً موفق به دریافت جایزه نوبل در فیزیک شد.

براون، ورنرفن (مخترع)

دکتر ورنرفن براون در ۲۳ مارس ۱۹۱۲ در یکی از شهرهای آلمان دیده به جهان گشود. از ۱۸ سالگی به کارهای علمی و فنی جالبی پرداخت، چندی بعد موشکی به ارتفاع ۲۰۰ متری پرتاب نمود.



در سال ۱۹۳۲ او و ۴۲۰۰ نفر دیگر از دانشمندان را مدتی مأمور و مجبور آماده ساختن موشک ۷-۲ کردند.

در سال ۱۹۳۲ موشکی عظیم توسط براون و همکارانش از آلمان به فضا پرتاب شد که مردم محله‌ای بزرگ از شهر لندن حیرت زده و ترسان علت انفجار و لرزش شدید را از هم می پرسیدند.

سال ۱۸۶۱ در «گاسترشایر» واقع در غرب انگلستان متولد شد. در اوان طفولیت به مدرسه «ایتون» رفت و سپس در پانزده سالگی آن مدرسه را ترک گفت. ابتدا می خواست مانند پدر مهندس شود، ولی پدرش که می دید ادوارد تمایل زیادی به تعقیب این رشته ندارد بهوی پیشنهاد کرد وارد رشته طب گردد. براون پیشنهاد پدر را پذیرفت ولی قبل از دخول به دانشگاه علاقه زیادی به زبانهای شرقی پیدا کرد و از این رو در عین حال که رشته پزشکی را دنبال می کرد زبانهای ترکی، فارسی و عربی را نیز مطالعه نمود و موفق گردید که ظرف دو سال آخر تحصیل در کمبریج به اخذ درجه عالی در دوره عالی زبانهای



سه گانه فوق نایل آید. بعد از مدتی دانشگاه او را مأمور مطالعه در تاریخ ایران نمود. خاطرات این اقامت يك ساله در کتاب «يك سال در میان ایرانیان» وی گردآوری شده است. بعد از بازگشت به کمبریج (۱۹۰۲) کرسی زبان فارسی و عربی به وی واگذار شد و تا سال ۱۹۲۶ یعنی پایان عمرش در این سمت باقی ماند.

یکی دیگر از آثار ادوارد براون درباره ایران «تاریخ ادبیات ایران» است که در چهار مجلد به چاپ رسید. این دو اثر به فارسی نیز ترجمه شده است.

براون، تامس (پزشک، نویسنده)



براونینگ، رابرت (شاعر)

رابرت براونینگ شاعر انگلیسی در سال ۱۸۱۲ متولد گردید. اشعاری شورانگیز سرود. حلقه و کتاب از آثار معروف وی است. براونینگ عاشق شاعره‌ای انگلیسی به نام الیزابت بارت (۱۸۰۶-۱۸۶۱) گردید و سرانجام با این زن ازدواج کرد. گویند زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ای داشتند. داستان انگشتری، شب عید میلاد مسیح، مردان و زنان برخی دیگر از آثارش است. براونینگ در سال ۱۸۸۹ درگذشت.

براهه، تیکو

تیکو براهه در سال ۱۵۴۶ در شهر کوچک «کنودستروپ» در کشور دانمارک متولد شد و در ۲۴ اکتبر سال ۱۶۰۱ بعد از يك مجلس میهمانی درگذشت.

اولین اثر وی به سال ۱۵۷۳ نشر یافت و موضوع آن دربارهٔ سیاره‌ای بود که در ۱۱ نوامبر ۱۵۷۲ در آسمان دیده شده بود و از لحاظ روشنایی با زهره برابری می‌کرد. در اثر نفوذ علمی‌اش از طرف فردریک کبیر يك رصدخانه بنا گردید. به نظر او زمین مرکز ثابت بوده و خورشید به دور آن دوران می‌کند، در حالی که عکس این مطلب صدق دارد.

برت لنکستر (هنرپیشه)

در دوم نوامبر سال ۱۹۳۳ در نیویورک متولد شد و او را «پرتون استیفن لنکستر» نامیدند. در سه‌سالگی به روی صحنه تئاتر ظاهر شد. ۱۵ سال داشت که با «نیک کراوات» (همبازیش در فیلمهای مشعل و کمان و دزد دریایی سرخ‌پوش) آشنا و دوست گردید و مدتی به اتفاق در سیرک کار کردند. آنگاه به

سربازی رفت و پس از مراجعت مأمور آسانسور شد. سپس به سینما راه یافت و در فیلمهایی چون وراکروز، ده مرد رشید، مشعل و کمان، دزد دریایی سرخ‌پوش، بوسه بر دستهای خونین، خال گل سرخ، مارتی و میزهای جداگانه شرکت کرد. او را هنرپیشهٔ بدشانسی لقب داده‌اند زیرا همه ساله در هر فیلم که بازی می‌کرد هنرپیشگانی که نقش مقابلش را بازی می‌کردند جایزه می‌گرفتند ولی او موفق به اخذ جایزه نمی‌گردید تا اینکه سرانجام سال ۱۹۶۲ اولین جایزهٔ اسکار را به‌دست آورد. او دارای استودیوی مستقلی است که به‌نام زنش «نرما» نامیده است. از دیگر فیلمهای عمدهٔ او بندباز، جدال در اوکی کرال، یوزپلنگ، شناگر، عقرب و گذرگاه کاساندر را می‌توان نام برد.

برتلو، پیراوژن

پیراوژن مارسلن برتلو شیمیست فرانسوی در ۲۵ اکتبر ۱۸۲۷ در پاریس دیده به جهان گشود. پدرش پزشک بود. در دوران تحصیل شور و استعداد زیادی از خود نشان داد. به تاریخ فلسفه گرایش بسیار نشان می‌داد. به سال ۱۸۵۱ به سمت دستیار «آنتوان بالار» کاشف پرم و استاد کولژدوفرانس رسید. آزمایشهای شیمیایی او نامش را بر سر زبانها انداخت. در سال ۱۸۵۹ به استادی در دانشکده داروسازی برگزیده



پژوهش‌های روسی (۵۶-۱۹۵۳)، انستیتو پژوهش مسائل کمونیس (۱۹۶۱) و سایر مراکز علمی و تحقیقاتی به تدریس اشتغال داشته و دارد. نامبرده مشاور ویژه کاخ سفید در امور مربوط به امنیت ملی آمریکا (۸۱-۱۹۷۷) در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر سی و نهمین رئیس‌جمهور آن کشور بود. برخی از تألیفات وی عبارتند از:

کنترل‌های سیاسی در ارتش شوروی (۱۹۵۴)،
تصفیه دائمی - سیاست در توتالیتاریسم شوروی (۱۹۵۶)،
دیکتاتوری توتالیتار و اتوکراتیک (۱۹۵۷)،
بلوک شوروی - اتحاد و تعارض (۱۹۶۰)، ایدئولوژی قدرت در سیاست شوروی (۱۹۶۲)، آفریقا و دنیای کمونیست (۱۹۶۳)، قدرت سیاسی: ایالات متحده آمریکا / اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۹۶۴)، در میان دو عصر - نقش آمریکا در عصر تکنوکراسی (۱۹۷۰) و شکوفائی شکننده - بحران و تغییر در ژاپن (۱۹۷۲).

از جدیدترین تألیفات برژینسکی می‌توان از کتاب «قدرت و اصول» وی یاد کرد که در سال ۱۹۸۳ منتشر شد، و حاوی خاطرات او در سال‌های ۸۱-۱۹۷۷ می‌باشد.

آخرین اثر وی نقشه بازی (۱۹۸۶) نام دارد.

برگسن، هانری

شد. پس از ترکیب شیمیایی کافور در سال ۱۸۶۳ توانست با تولید جرقه الکتریکی مابین دو الکتروند ذغالی در داخل محیط نیدروژنی استیلن تولید نماید. برتلو نخستین دانشمندی بود که تولید مصنوعی اجسام آلی را جامعه عمل پوشانید. او یکی از بنیان‌گذاران نظریه نیروی حیاتی از شیمی به‌شمار می‌رود که سهم بزرگی در شیمی نوین دارد. وی در سال ۱۹۰۱ به عضویت فرهنگستان علوم فرانسه درآمد. دیگر از زمینه‌های کار و بررسی برتلو رشته ترموشیمی بود و او می‌کوشید تا دانش ترمودینامیک را در علم شیمی وارد نماید. او در سال ۱۹۰۷ درگذشت.

برتوله، کلودلویی

کنت کلودلویی برتوله در سال ۱۷۴۸ در قریه تالوار فرانسه متولد شد. وی در علم شیمی تخصص داشت و قوانینی در زمینه امتزاج ترکیبات شیمیایی ارائه داد که هنوز به قوت خود باقی است. قانون تجزیه مضاعف را که به نام برتوله مشهور است کشف کرد. با ناپلئون به مصر رفت و اکتشافات مهمی درباره سود محرق بجا آورد، ضمناً تجربیات زیادی درباره آمونیاک و اسیدهای مختلف دارد. قانون سفید کردن چلوار را با کلر او پیدا کرد. همچنین تصفیه آب به وسیله ذغال و کلرات دوتاس از کشفیات اوست. مرگ وی در سال ۱۸۲۲ واقع شد.

برژینسکی، زیگنیوک.

سیاستمدار آمریکایی؛ متولد ۲۸ مارس ۱۹۲۸ در ورشو پایتخت لهستان. وی در سال ۱۹۴۹ به تابعیت آمریکا درآمد و از دانشگاه‌های مک‌گیل و هاروارد فارغ‌التحصیل گردید. برژینسکی در مرکز

برنارد، کلود (زیست‌شناس)

کلود برنارد زیست‌شناس نامدار فرانسوی در سال ۱۸۱۳ در شهر سن ژولین فرانسه به دنیا آمد. نخست به شاگردی در يك داروخانه پرداخت اما بعداً وارد دانشکده پزشکی پاریس گشت. در سال ۱۸۳۹ فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۸۴۷ در کولژدوفرانس به مقام استادی رسید. دو سال بعد بر اثر کشف لوزالمعده و پی بردن به اهمیت آن در بدن به دریافت جایزه‌ای از طرف فرهنگستان علوم نایل شد. در سال ۱۸۵۱ با کشف چگونگی کار کبد و ساختمان قند در بدن جایزه دیگری گرفت. پس از چند سال به چگونگی گردش خون در بدن و ثابت بودن درجه حرارت پستانداران پی برد. در اواخر عمر، پس از سالها کار و تحقیق علمی کتاب «مقدمه‌ای بر طب تجربی» را نوشت. برنارد با ثابت کردن جبر علت و معلول در علم پزشکی آن‌را بر پایه دانشهای مثبت و علمی استوار کرد. او را پدر علم زیست‌شناسی و پزشکی نوین می‌خوانند. در سال ۱۸۷۸ زندگی را بدرود گفت.

بروجردی، حسین [آیت‌الله]

حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی از مراجع تقلید عالم تشیع فرزند حاج سیدعلی، در ماه صفر ۱۲۹۲ ق. در بروجرد متولد شده تحصیلات خود را از ابتداء در بروجرد و بعد در اصفهان و سپس در نجف تکمیل نمود و در شوال ۱۳۸۰ ق. در شهر قم در سن ۸۸ سالگی درگذشت. از آثار خیریه آن مرحوم بنای مسجد اعظم قم می‌باشد که در حدود ۶۰ میلیون ریال صرف بنای آن شده است و قریب شش سال (از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ ق.) ساختمانش طول کشید. مسجد مزبور کتابخانه‌ای نیز دارد که دارای ۹ هزار جلد کتاب

هانری برگسن فیلسوف نامدار فرانسوی در سال ۱۸۵۶ در يك خانواده کلمی در انگلستان به دنیا آمد. پس از مدتی آموزش، به تدریس فلسفه در چند دانشگاه پرداخت. در سال ۱۹۱۸ به عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته شد. فلسفه برگسن بر دوگانگی یعنی کمی و کیفی بودن بسیاری از امور جهان بنیان یافته است. این فیلسوف درک حقیقت را ممکن می‌داند و آن‌را فلسفه می‌خواند، راه رسیدن به آن‌را درون‌بینی می‌انگارد نه عقل، زیرا به عقیده او عقل نمی‌تواند حقیقت مطلق را دریابد. برگسن در سال ۱۹۲۸ به اخذ جایزه ادبی نوبل نایل شد. مهمترین آثار این دانشمند بزرگ عبارتند از: «ماده و حافظه»، «معلومات بی‌واسطه خودآگاهی» و «دو سرچشمه اخلاق و دین». برگسن در سال ۱۹۴۱ به رحمت ایزدی پیوست.

برلیوز، هکتور (موسیقیدان)

هکتور برلیوز آهنگساز نامدار فرانسوی در سال ۱۸۰۳ در يك خانواده ثروتمند به دنیا آمد. از کودکی به موسیقی علاقمند بود، اما پس از چندی برای تحصیل طب به پاریس رفت، لکن در آنجا به موسیقی روی آورد و به کنسرواتوار پاریس وارد شد. در ۱۸۲۸ برلیوز با موسیقی آلمان و آهنگسازان آن: بتهوون و وبر آشنا شد. در سال ۱۸۵۰ انجمن فیلامونیک را بنیان گذارد که چندان پیشرفتی نکرد. برلیوز در پایان زندگی دچار سختی و اندوه فراوان شد و سرانجام در سال ۱۸۷۹ دارفانی را وداع گفت. وی از پیشوایان موسیقی توصیفی فرانسه بشمار می‌رود. مهارت وی در موسیقی سنفونیک و آواز است. چند آهنگ برجسته وی عبارتند از: سنفونی هارولد در ایتالیا، آرتور لیرشاه، سنفونی فانتاستیک، سنفونی رومو و ژولیت و اورتور کارناوال روسی.



همواره رفت و آمد داشت و همه عمر خود را به مباحثه و مطالعه در محضر استادان موسیقی و موسیقی‌شناسان گذراند. نورعلی‌خان برومند اولین استاد گروه موسیقی دانشگاه تهران بود و ردیف آقامیرزا عبدالله را در رشته موسیقی ایرانی دانشگاه تعلیم داد. اهمیت کارش در این بود که علاوه بر اطلاع کامل از ردیف، همه سازهای اساسی ایرانی را در حد کمال می‌نواخت. وی در نواختن سنتور و سه‌تار و ضرب استاد بود و با نواختن ویولون و کمانچه نیز آشنایی داشت. در مدت شش سال که از تأسیس رشته موسیقی دانشگاه می‌گذشت برومند توانسته بود عده‌یی از جوانان با استعداد را به ردیف موسیقی ایرانی آشنا سازد.

نورعلی‌خان برومند در سال ۱۳۵۵ چشم از این جهان بی‌بنیان فرو بست. خدمات ارزنده و بزرگ او به موسیقی سنتی ایران و تربیت جوانان در این هنر، برای همیشه به یاد هنردوستان و موسیقی ایران جاودان خواهد ماند.

بریل، لویی (مخترع)

لویی بریل در حدود ۱۸۰۶ یا ۱۸۰۹ در فرانسه به دنیا آمد. از سه‌سالگی نابینا شد اما با همت و پشتکاری کم‌نظیر در موسیقی و نواختن ارگ به فعالیت پرداخت و از موسیقیدانان بنام فرانسه گردید،



می‌باشد. دیگر از آثار آن شادروان مدرسه نجف است که بنای آن با بتون مسلح و سه طبقه و دارای ۶۴ حجره می‌باشد.

برومند، نورعلی

دکتر نورعلی برومند در سال ۱۲۸۵ شمسی متولد شد. پدرش میرزا عبدالوهاب‌خان بود. نورعلی از کودکی به موسیقی علاقمند بود و برادرش محمودعلی برومند به پرورش گل و گیاه اشتیاق داشت. نورعلی بیش از سیزده سال نداشت که وارد کار موسیقی و اصولاً علاقمند به آن شد، لذا ابتدا نزد درویش‌خان رفت و نزد آن استاد کار کرد. سپس برای ادامه تحصیل روانه آلمان شد ولی متأسفانه در سال آخر دانشکده طب به علت عارضه کسالت چشم، و نابینا شدن آن از اتمام تحصیل در طب بازماند و به ایران بازگشت و با تمام وجود به آموختن موسیقی ایران پرداخت. ابتدا چند سال محضر حبیب سماعی را تجربه کرد و سپس یک دوره کامل ردیف آقامیرزا عبدالله را در مدت ۱۲ سال از اسماعیل قهرمانی فراگرفت و ضمن کار، ردیفها را با اجرای اسماعیل‌خان بر روی نوار ضبط کرد که گنجینه‌یی از موسیقی سنتی و اصیل ایرانی است. حافظه او بی‌نظیر بود و همه گوشه‌ها را از حفظ داشت. به غیر از اسماعیل‌خان با سایر موسیقیدانان بزرگ نیز

سودمند بود که حدی برای آن متصور نیست، زیرا برای نخستین بار گفت که بیماری و تندرستی دردست خدایان نیست بلکه در دست طبیعت و خود انسان است. زیرا اخلاط چهارگانه: خون، صفرا، سودا و بلغم همچنین عناصر چهارگانه: آب، آتش، خاک و هوا در وضع جسمانی انسان مؤثر است. بقراط دستورهای بسیار دقیقی دربارهٔ معالجه و جراحی و طرز سلوک و رفتار مهر و محبت آمیز با بیمار داده بود و نیز مطالبی اخلاقی و مفید که باید یک پزشک شرافتمند رعایت کند و به کار بندد را بیان کرده بود. بقراط می دانست که مغز مرکز شعور می باشد همچنین به واسطهٔ دسترسی نداشتن به کالبدشکافی و تشریح اعتراف به ناقص بودن کار خود می کرد. بقراط به سال ۳۷۰ قبل از میلاد درگذشت.

بکت، توماس (اسقف)

توماس بکت، در سال ۱۱۱۸ میلادی به دنیا آمد. پدر و مادر او هر دو در فرانسه به دنیا آمده بودند. پدرش مردی روحانی و صاحب جاه بود که در بندرگاه لندن شغل مهمی داشت. وی در لندن به مدرسه رفت و چون صاحب زبانی شیرین و حافظه‌ای نیرومند بود پیوسته مورد تحسین و تشویق آموزگاران خود قرار می گرفت. پس از آنکه پدر بکت دچار تنگدستی شد وی ناگزیر گردید که به شغل دبیری بپردازد. دیری نگذشت که بکت به لیاقت شهرت یافت و در سن ۲۴ سالگی به معاونت کلیسای کانتربوری انگلیس برگزیده گشت. بعد از مدتی چون اسقف کلیسا و بکت با فرامین شاه مخالفت کرده بودند دستگیر و زندانی شدند، ولی هر دو از زندان گریخته و به فرانسه رفتند. بعد از مدتی بکت وارد خدمت پادشاه جدید شد و با دل و جان خدمتگزار وی گردید و بعد از مدتی در رأس هیئتی برای انعقاد قرارداد با دولت

اما اهمیت کار این نابغه نابینا اختراع الفبای خاصی است که به وسیلهٔ آن نابینایان می توانند با لمس کردن آنها باسواد شوند و مطالب را بخوانند. اکنون الفبای اختراعی بریل به نام روش و الفبای بریل معروف و در سراسر دنیا رایج و مورد استفاده نابینایان است. بریل در سال ۱۸۵۲ درگذشت.

بطلمیوس، کلود (ستاره شناس)

کلود بطلمیوس ستاره شناس یونانی در سال ۲۴۶ قبل از میلاد در اسکندریه به دنیا آمد. در علوم ریاضی خاصه نجوم معلومات فراوانی داشت. قبل از بطلمیوس ستاره شناس دیگری به نام هیباک به کار رصد ستاره ها و بررسی کره زمین و خورشید و ماه پرداخته بود و در واقع بطلمیوس دنباله کار او را گرفت. از کاوشهای او اندازه گیری فاصله زمین تا ماه، تهیه صورت نام ستارگان و اصلاح طرح علم مثلثات را می توان نام برد. کتاب او «المجسطی» نام دارد که در هیئت و نجوم نوشته شده است و تا قرن پانزدهم بزرگترین سند و نوشته ستاره شناسی بشمار می رفت ولی با اشاعه نظریات کوپرنیک و گالیله ارزش خود را از دست داد. لکن هنوز بعضی از عقاید و تئوریهای او مورد قبول دانشمندان است. این ستاره شناس نامدار به سال ۱۶۸ قبل از میلاد مسیح درگذشت.

بقراط

بقراط پدر طب یونانی حدود ۴۶۰ قبل از میلاد در کوس در نزدیکی آسیای صغیر به دنیا آمد. از شرح زندگی وی جز افسانه های متعدد چیز درستی دردست نیست. تعلیماتش را خود تصنیف نکرد، بلکه شاگردان او بدین کار دست زدند، اما این تعلیمات چنان

اشغال نشده زون زندگی کرد. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ به‌عنوان مترجم در بیمارستان صلیب سرخ «سن لو» خدمت کرد. بکت از ۱۹۴۵ به‌بعد زبان انگلیسی را به‌کلی کنار گذاشت و تمام کتابهایش را به فرانسه نوشت. خود وی نمایشنامه مشهورش «در انتظار گودو» را از فرانسه به انگلیسی ترجمه کرد و در ۱۹۵۴ پاتریک بولز، سه‌نول بزرگش: «مولوی»، «مالون می‌میرد» و «نام ناپذیر» را به انگلیسی ترجمه نمود. سایر آثار او عبارتند از: «وت» و «مورفی».

بکرل، هانری (کاشف)

در ژانویه سال ۱۹۸۶ همه‌جا گفتگو از اکتشاف رنتگن بود.
دکتر اودن و بارتلمی توانسته بودند یکی از تصاویری را که رنتگن به کمک اشعه ایکس به‌دست آورده بود تهیه کنند. این تصاویر توسط «پوانکاره» یکی از اعضای آکادمی علوم در جلسه‌ای که روز بیستم ژانویه سال ۱۸۹۶ تشکیل شده بود ارائه شد.
هانری بکرل با مشاهده تصاویری که از استخوان‌های دست برداشته شده بود پس از اندکی تفکر از خود سؤال نمود که آیا ممکن است اجسامی وجود داشته باشد که تحت تأثیر نور ساده اشعه ایکس ساطع کنند. لذا در دنباله این فکر به یک سری آزمایشات روی املاح اورانیوم پرداخت و در روز دوم ماه مارس ۱۸۹۶ یعنی همان سال نتیجه مطالعات خود را به آکادمی داد و از نتیجه مطالعات او معلوم شد که اورانیوم و املاح آن دارای خاصیت صدور دائم تشعشعات مخصوص می‌باشند که هوا را الکتریسیته‌دار و روی صفحه عکاسی اثر می‌کنند.
به این ترتیب رادیوآکتیویته توسط هانری بکرل که در پانزدهم دسامبر سال ۱۸۵۲ متولد شده بود کشف گردید. هانری بکرل در بیست‌وپنجم اوت

فرانسه به آن کشور رفت و این مأموریت را به‌نحو احسن انجام داد.
در سال ۱۱۵۲ بکت به مقام اسقفی کلیسای کانتربوری برگزیده شد ولی در سن ۵۲ سالگی در محراب کلیسا به‌دست هانری پادشاه انگلیس به قتل رسید.

بکت، ساموئل

ساموئل بکت شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرلندی به سال ۱۹۰۶ در دوبلین متولد شد. تحصیلاتش را در مدرسه سلطنتی «پورتورا» و کالج ترینیتی به‌پایان رسانید و موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته زبانهای ایتالیایی و فرانسه گردید. از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ استاد زبان انگلیسی در مدرسه نورمال سوپریور پاریس بود و در همین شهر نخستین کتابش به‌نام Whoroscope را که شعری بلند بود انتشار داد. سال بعد به کالج ترینیتی بازگشت و عهده‌دار تدریس زبان فرانسه شد. نخستین اثر انتقادی که مقاله‌ای درباره مارسل پروست بود، در همین اوقات منتشر شد.



بکت همکاری نزدیکی با جویس داشت و به‌عنوان منشی با او کار می‌کرد. در اوایل سال ۱۹۳۷ برای همیشه مقیم پاریس شد و از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ که بحرانی‌ترین سالهای جنگ بود در ناحیه

خیابان زرگنده (قلهك) در خانواده‌ای متعین و صاحب جاه، به دنیا آمد. پدرش کریم خان بنان الدوله نوری و مادرش دختر شاهزاده محمدتقی میرزارکنی (رکن الدوله) برادر ناصرالدین شاه یا پسر محمدشاه قاجار بود. از شش سالگی بنا به توصیه استاد نی داود به خوانندگی و نوازندگی ارگ و پیانو پرداخت و در این راه از راهنمایی‌های مادرش که پیانو را بسیار خوب می‌نواخت بهره‌ها گرفت. اولین استاد او پدرش



و دومین استاد، مرحوم میرزا طاهر ضیاء‌ذاکرین رثایی و سومین استادش مرحوم ناصر سیف بوده‌اند. بنان در سال ۱۳۲۱ خوانندگی در رادیو را آغاز کرد، در آن زمان، شادروان روح‌اله خالقی مسؤولیت موسیقی رادیو را برعهده داشت.

از سال ۱۳۲۱ صدای غلامحسین بنان، همراه با همکاری عده‌ای از هنرمندان دیگر از رادیو تهران به گوش مردم ایران رسید و دیری نگذشت که نام بنان زبانزد همه شد و شیفتگان فراوانی در سراسر کشور پیدا کرد. خالقی او را در ارکستر انجمن موسیقی شرکت داد، و با ارکستر شماره یک نیز همکاری را شروع کرد و از بدو شروع برنامه همیشه جاوید «گل‌های جاویدان» بنا به دعوت استاد ارجمند داود پیرنیا همکاری داشت. بنان در طول فعالیت هنری خود، حدود ۴۵۰ آهنگ را اجرا کرد و آنچه که امتیاز مسلم صدای او را پدید می‌آورد، زیر و بم‌ها و تحریرات صدای اوست که مخصوص به خودش

۱۹۰۸ درحالی که سمت منشی دائمی آکادمی علوم را عهده‌دار بود در سن پنجاه و شش سالگی وفات یافت.

بلیه، برتران (فیلمنامه‌نویس و کارگردان)

در سال ۱۹۳۹ زاده شد. پدرش برنار بلیه بازیگر مشهور فرانسوی است. برتران، فیلمسازی را با دستیاری ژرژ لوتز آغاز کرد و در سال ۱۹۶۳ يك مستند اجتماعی / سیاسی به‌نام «هیتلر را نمی‌شناسم» ساخت، اما تا ده سال بعد بیشتر وقت خود را به نوشتن فیلمنامه گذراند که هیچ تهیه‌کننده‌ای آنها را نپذیرفت. سرانجام در سال ۱۹۷۳ با ساختن فیلم «گشت و گذار» از روی یکی از داستانهای خود، و موفقیت غافلگیرکننده آن، ناگهان به شهرت و اعتبار دست یافت.



مهمترین فیلمهای بلیه عبارتند از:

اگر جاسوس بودم (۱۹۶۷)، گشت و گذارها (۱۹۷۳)، کالموس (۱۹۷۵)، دستمال‌هایتان را درآورید (۱۹۷۷)، غذای سرد (۱۹۷۹)، ناپدری (۱۹۸۱)، زن رفیق من (۱۹۸۳)، لباس شب (۱۹۸۵)، و خانه‌داری (۱۹۸۶).

بنان، غلامحسین

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۲۹۰ خورشیدی در تهران



این موقع که فقط ۴۶ سال از عمرش می‌گذشت، مرگ به سراغش آمد و او از رنج و عذاب گرانی نجات یافت.

شاهکار معروف بودلر «گل‌های رنج» نام دارد که مجموعه اشعار وی می‌باشد و همین اثر باعث شهرت و عظمت شاعر رنج‌دیده گردید، به طوری که در صف اول نوابغ نظم فرانسه قرار گرفت.

بورشرت، ولفگانگ

ولفگانگ بورشرت، در سال ۱۹۲۱ در شهر هامبورگ به دنیا آمد. بورشرت مدت کوتاهی عمر کرد و در تمام همین مدت کوتاه زندگانش با شدیدترین مصایب و سختی‌ها در نبرد بود. ابتدا به شغل کتابفروشی مشغول گردید و سپس در شهر لونه‌بورگ وارد عالم هنرپیشگی شد تا اینکه در سال ۱۹۴۱ که جنگ جهانی‌گیر دوم به منتهای شدت خود رسیده بود، در حالی که جوان نوزده‌ساله‌ای بیش نبود به جبهه شرق اعزام شد.

در جبهه به سختی مجروح گردید و پس از معالجه به علت عدم توانایی از اعزام به جبهه معذور گردید. در این موقع احساس سرکش او به منتهای اوج خود رسیده بود و بورشرت را به نویسندگی کشاند. او به علت اظهار عقاید تند و خرده‌گیریهایی که درباره قدرت می‌نمود، درحالی که دچار بیماری یرقان و دیفتری بود دستگیر شد و به ۸ ماه حبس در زندان

می‌باشد. بنان نه‌تنها در آواز قدیمی و کلاسیک ایران استاد بود، بلکه در نغمات جدید و مدرن ایران نیز تسلط کامل داشت. تصنیف زیبا و روح‌پرور «اله ناز» او بهترین معرف این ادعا می‌باشد.

غلامحسین بنان مدتها بود که به ناراحتی جهاز هاضمه مبتلا شده بود، از طرف دیگر حنجره‌اش نیز آمادگی بیان نیازهای درویش را نداشت و به همین دلیل اندک‌اندک از خواندن اجتناب ورزید و از صحنه هنر کناره کشید و دیگر حدود بیست سال آخر عمر را تقریباً فعالیت چشم‌گیری نداشت و روزبه‌روز ناراحتی جهاز هاضمه او را بیشتر رنجور می‌کرد و متأسفانه کوشش‌های پزشکان و خاصه مراقبت‌ها و از خودگذشتگی‌های پری بنان همسر وفادار و مهربانش هم مؤثر نیفتاد و سرانجام در ساعت ۷ بعدازظهر پنجشنبه هشتم اسفند ماه سال ۱۳۶۴ خورشیدی در بیمارستان ایران‌مهر قلهک جهان را بدرود گفت.

بودلر، شارل (شاعر)

شارل در سال ۱۸۲۱ در پاریس متولد شد. پدرش در ۱۸۲۷ از دنیا رفت و جای او را پدرخوانده بیرحمی گرفت که نسبت به این کودک از هیچگونه سختگیری و اذیت و آزار فروگذار نمی‌کرد. ایام جوانی او نیز سراسر با رنج و تلخی و بدبختی گذشت و بالاخره در مارس سال ۱۸۶۶ وارد آخرین و ناگوارترین مراحل عمر شد، بدین معنی که در موقع تماشای کلیسای «سن‌لو» سقوط کرد و مبتلا به فلج نصف بدن شد و قدرت تکلم را بکلی از دست داد. تا اوت سال ۱۸۶۷ یعنی مدت پنجاه ماه به همین وضع باقی بود و از همه ناگوارتر آنکه هوش و حافظه او و تمایزش به صحبت کردن مانند یک آدم کامل و سالم بجا بود، ولی توانایی تکلم نداشت و عاقبت در

سال ۱۹۷۳ در این مقام بود. در این سال به ریاست کمیته ملی جمهوریخواهان رسید. از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ مقامی در حدّ سفارت در پکن داشت. تا سال ۱۹۷۷ رئیس سازمان سیا بود.

در ۱۹۸۰ به معاونت ریگان منسوب شد و زوج «ریگان-بوش» در ۱۹۸۴ از نو به قدرت رسید. در مارس ۱۹۸۸ از طرف جمهوریخواهان نامزد ریاست جمهوری شد و در ۱۹۸۹ سوگند خورد. در پاسخ به پیشنهاد میخائیل گورباچف دایر بر خلع سلاح هماهنگ اروپای غربی در چهلمین سالگرد سازمان آتلانتیک شمالی پیشنهاد برچیدن سلاحها را مطرح ساخت.

جرج بوش چهل و یکمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است.

بوفون

ژرژلوی لکرك بوفون فرانسوی یکی از علمای بزرگ طبیعی در سال ۱۷۰۷ به دنیا آمد. او کتابی عظیم شامل اطلاعاتی وسیع در باب زمین و تاریخ آن و انسان و گیاهان و جانوران و سنگها تألیف کرد. این مرد دانش هر روز از ساعت ۵ از خواب برمی خاست و روزانه بیش از ۱۲ ساعت مطالعه و تحریر می کرد، و مدت ۵۰ سال عمرش را بدین سان صرف کرد.

عیبی که بر بوفون گرفته اند آنست که اهل تجربه نبود، باین حال کتاب تاریخ طبیعی وی با تئری سنگین و شیوا نگارش یافته است. اما از طرفی در این اثر بزرگ بوفون همه جا روح علمی دیده می شود. تاریخ زمین را از روی فسیلها معین کرده و مورد تفحص و بحث قرار داده است. پیدایش زمین را از برخورد یکی از ستارگان دنباله دار با کره خورشید می پنداشت. تغییر و دگرگونی در انواع

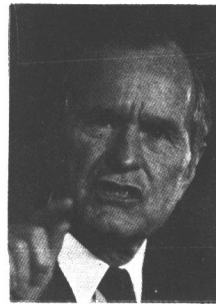
نظامی نورنبرگ محکوم گردید.

در سال ۱۹۴۵ با وضعی خراب درحالی که مبتلا به تب دایمی بود به هامبورگ بازگشت. و در سال ۱۹۴۷ به علت نقاهت شدید و تب، درگذشت. از آثار او باید از نمایشنامه «بیرون، جلوی در» نام برد.

بوش، جرج

جرج هربرت واکر بوش در ۱۲ ژوئن ۱۹۲۴ میلادی در میلتن واقع در ایالت ماساچوست به دنیا آمد و کمی بعد خانواده اش از این شهر به گرینویچ واقع در ایالت کانکتیکات کوچ کرد. پدرش بانکدار بود که به مقام سناتوری هم رسید.

بوش در ۱۹۴۲ به نیروی دریایی پیوست و بلافاصله آمریکا وارد جنگ دوم جهانی شد. در اقیانوس آرام خدمت کرد و به خاطر شجاعتش مورد تشویق قرار گرفت. در ژانویه ۱۹۴۵ با باربارا پیرس ازدواج کرد که از او صاحب چهار پسر و دو دختر شد. در سال ۱۹۴۸ تحصیلاتش را در رشته اقتصاد در دانشگاه ییل به پایان رساند. خانواده او به تکزاس کوچ کرد و جرج شرکت نفت خود را در آنجا تأسیس کرد.



از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱ نماینده تکزاس در مجلس بود. در سال ۱۹۷۰ ریچارد نیکسون او را به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل برگزید و تا

۱۹۲۷ در شورای عالی اقتصاد انجام وظیفه نمود. از سال ۱۹۲۷ الی ۱۹۳۰ عنوان مدیریت امور برق شهر مسکو را داشت و از سال ۱۹۳۱ الی ۱۹۳۷ به سمت ریاست شورای شهر مسکو خدمت نمود. در سال ۱۹۳۷ به ریاست شورای تدارک ملی اتحاد جماهیر شوروی منصوب گشت و تا سال ۱۹۳۸ در این سمت باقی بود. از سال ۱۹۳۸ الی ۱۹۴۱ با حفظ سمت قبلی ریاست بانک دولتی را نیز عهده‌دار گشت. در سال ۱۹۴۱ به عضویت شورای نظامی و کمیته دفاع ملی برگزیده شد.

در سال ۱۹۴۷ به وزارت دفاع رسید و از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ به ریاست شورای وزراء انتخاب گشت. وی بین سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۹ عضویت حزب کمونیست را داشت، بالاخره در سال ۱۹۵۸ به ریاست اقتصادی ناحیه «استاوروپل» منصوب گشت.

بومارشه، پی‌یر کارون

پی‌یر کارون بومارشه در سال ۱۷۳۲ در پاریس متولد شد. در آغاز به ساعت‌سازی مشغول بود و از راه تعمیر ساعت‌های دربار، بدانجا راه یافت. چندی بعد معلم چنگ دختران شاه شد و روز بروز بر مقامش افزوده می‌شد، تا اینکه مقاله‌ای بر ضد مظالم و مفساد دادگستری منتشر کرد و سیاهکاری‌های دستگاه قضایی را برملا نمود. همین امر سبب فروافتادن وی از مقامات مادی گردید، اما کار نوشتن را دیگر رها نساخت. بعد از وقوع انقلاب کبیر به زندان افکنده شد، اما پس از چندی آزاد شد و مأموریتی از طرف دولت در هلند به وی داده شد. از آثارش:

ریش تراش سویل، عروسی فیگارو ذکر می‌گردد. بومارشه در سال ۱۷۹۹ وفات یافت.

حیوانات از افکار بوفون است. وی می‌گفت که میمون انسانی بود که به درجه پایین‌تری نزول کرد. با این حال در این کتاب اشتباهاتی وحشتناک و کودکانه وجود دارد.

با اینکه دستگاه روحانیت و دانشگاه سربون به مخالفت با وی برخاستند اما بوفون با زیرکی خاصی خود را از چنگ آنها رهانید. همه مجلدات تاریخ طبیعی بوفون که شامل ۴۴ جلد بود به طبع رسیده است. بوفون در سال ۱۷۸۸ درگذشت.

بوکاچیو

بوکاچیو نویسنده و شاعر معروف ایتالیایی است که به سال ۱۳۱۳ میلادی متولد گردید. در شهر فلورانس به تعلیم و تربیت پرداخت و در جوانی به ناپل رفت. در سال ۱۳۴۱ از ناپل به فلورانس بازگشت و به مطالعه نجوم و زبان یونانی پرداخت و سپس به چند شهر ایتالیا مسافرت کرد. وی در ۱۳۶۵ میلادی با منصب سفارت از فلورانس به دربار پاپ رفت و پس از مراجعت از آنجا چند سالی نگذشته بود که مجدداً به سفارت تعیین شد.

بهترین و معروفترین کتاب وی «دکامرون» نام دارد که از کتب مهم ادبی و کلاسیک ایتالیا به‌شمار می‌رود و به اغلب زبانهای زنده دنیا ترجمه گردیده. بوکاچیو به سبب دوستی نزدیک با پترارک بیشتر در آثار خود تحت تأثیر و نفوذ ادبی وی قرار گرفته است. وی به سال ۱۳۷۵ رخت از جهان بریست.

بولگانین، مارشال نیکلا آلکساندرو

سیاستمدار روسی، متولد ۱۸۹۵ در سال ۱۹۱۷ به حزب کمونیست پیوست. از سال ۱۹۱۸ الی ۱۹۲۲ در «چکا» کار می‌کرد و از سال ۱۹۲۲

بومدین، هواری

سیاستمدار الجزایری در سال ۱۹۲۵ میلادی به دنیا آمد. او ابتدا معلم مدرسه بود. در سال ۱۹۵۴ به جبهه آزادیبخش ملی الجزایر پیوست و دوست نزدیک بن بلا گردید. در سال ۱۹۶۵ کودتایی ترتیب داد که به سقوط بن بلا انجامید و خود نیز زمام کشور را به دست گرفت. وی در دسامبر ۱۹۷۸ در دفتر کارش فوت کرد و جای خود را به شاذلی بن جدید سپرد.

به آذین (مترجم)

م.ا. به آذین، به سال ۱۲۹۳ در رشت تولد یافت. پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۱۱ برای تحصیل در رشته مهندسی از طرف وزرات فرهنگ به فرانسه اعزام شد. اما در آن کشور به خدمت نیروی دریایی ایران درآمد و پس از اتمام دوره دانشکده مهندسی دریایی «برست» و دانشکده ساختمان دریایی پاریس به ایران مراجعت کرد. در سال ۱۳۲۳ از نیروی دریایی به خدمت فرهنگ انتقال یافت و از همان اوان به فعالیت ادبی دست زد و آثار متعددی منتشر کرد. ترجمه‌های او بسیارند که از میان آنها می‌توان باباگوریو، چرم ساغری و دون آرام را نام برد.

ترجمه کتاب گرانهای ژان کریستف و نیز جان شیفته که هر دو تألیف رومن رولان نویسنده فرانسوی هستند از مهمترین آثار به آذین به‌شمار می‌آید.

بهاءالدین کاتب (خوشنویس)

ابوالفضل زبیر بن محمد بن علی بن یحیی بن

مشاهیر

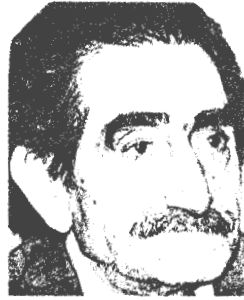
الحسن بن جعفر بن منصور بن عاصم المهلبی العتکی ملقب به بهاءالدین کاتب یکی از فضلا و نیکوترین شعرا و ثنویسان و خطاطان عصر خویش است. او در مصر به خدمت ملک الصالح نجم الدین و ابوالفتح ایوب بن کامل پیوست و در رکاب او به شهرهای شرقی رفت و در آنجا اقامت گزید تا اینکه ملک صالح دمشق را تسخیر کرد و بهاءالدین کاتب به ملازمت او به دمشق رفت. بهاءالدین به ملک صالح بسیار وفادار بود، چنانکه ملک صالح مدتی پس از شکست خوردن در یکی از جنگهایش در بند بود و بهاءالدین کاتب می‌توانست به خدمت امیر دیگری بپیوندد، ولی او این کار را نکرد و همچنان وفادار باقی ماند تا ملک صالح دوباره آزاد گشت و شکستها را جبران نمود.

آن‌طور که از سخن ابن خلکان برمی‌آید وی در سال ۵۸۱ در مکه به دنیا آمده و در روز یکشنبه چهارم ذی القعدة سال ۶۵۶ در قاهره وفات یافته است. بهاءالدین کاتب آنچنان مورد اعتماد بود که بر تمام اسرار پادشاه واقف و وساطت‌هایش غالباً مورد قبول واقع می‌شد. از خط زیبای او چند نسخه هم اکنون موجود است.

بهاری، علی اصغر

علی اصغر بهاری، از دایی‌های خود چیزهایی را که باید بیاموزد آموخت تا اینکه در هجده سالگی همراه با ارکستر ابراهیم خان منصوری در کنسرتی که در يك سالن برپا شده بود شرکت می‌کند و از همین جا آوازه شهرت بهاری به گوش موسیقی‌دانان می‌رسد و او را به نام يك نوازنده خوب و آگاه به نواختن گوشه‌هایی ایرانی می‌پذیرند.

بهاری پس از چندی در مشهد کلاس موسیقی جهت تعلیم می‌گشاید و يك سال هم با حبیب سماعی



ظهیرالدین بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل اول، خوشنویس و سخنور بوده است. در تاریخ ۹۳۶ والی خراسان شده و شب سه‌شنبه ۱۹ رمضان سال ۹۵۶ در عنفوان شباب و کامرانی در حالی که سی‌وسه سال داشته درگذشته است. تاریخ فوت او در پیدایش خط و خطاطان سال ۹۵۳ و در نتایج الافکار ۹۵۴ و در مجمع الفصحا ۹۵۵ و در روضة السلاطین و قاموس الاعلام ۹۵۷ و در آتشکده آذر و دانشمندان آذربایجان ۹۵۶ قید شده است. امیر یحیی‌بن عبداللطیف قزوینی (متوفی ۹۶۰) کتاب لب‌التواریخ را به نام او تألیف نموده است.

سلطان حسین میرزا، بدیع‌الزمان میرزا و ابراهیم میرزا متخلص به جاهی هر سه فرزندان بهرام میرزای صفوی‌اند.

بهزاد، حسین (نقاش)

مرحوم حسین بهزاد، استاد مشهور و بزرگ مینیاتور معاصر متولد سال ۱۲۷۳ خورشیدی است. پدرش نقاش و قلمدان‌ساز بود و به مرض وبا درگذشت. استاد مینیاتور، پس از کمال‌الدین بهزاد هراتی، بزرگترین استاد مینیاتور بود. از آثار معروف بهزاد یکی تابلوی صفی‌الدین ارموی و دیگری تابلوی رودکی است. وی در سال ۱۳۴۷ به رحمت ایزدی پیوست.

بهزاد هروی (نقاش)

استاد کمال‌الدین بهزاد از تصویرگران نامی ایران در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. تاریخ تولدش چنان‌که از قرائن برمی‌آید در اواسط نیمه دوم قرن نهم هجری در هرات مرکز هنر و فرهنگ ایرانی در دوره تیموری اتفاق افتاده و در

استاد سنتور کار می‌کند و شاگرد تعلیم می‌دهند و بعداً به تهران می‌آید و توسط استاد روح‌الله خالقی به مدرسه موسیقی جهت تعلیم دعوت می‌شود و در هنرستان شروع به همکاری می‌نماید.

وی با همکاری با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، شاگردان خوبی را تربیت کرد که هر کدام هم‌اکنون یکی از بهترین کمانچه‌کش‌های کشور می‌باشند. اصغر بهاری مردی است صادق و خوشرو و بی‌تکبر و خلاصه استاد و هنرمندی است از هر جهت والامقام و برای آموختن به شاگردان خود از هیچ کوشش و از خودگذشتگی دریغ نمی‌کرد.

در سال ۱۳۳۲ به رادیو دعوت می‌شود و در ارکسترهای مختلف که استادانی نظیر: صبا، عبادی، حسین تهرانی و غیره شرکت داشتند، همکاری می‌کند. علی‌اصغر بهاری، مدتی نیز در دانشگاه تهران به تعلیم هنرآموزان می‌پردازد و اولین هنرمندی است که در تلویزیون تکنوازی کرد و مدت هشت‌بار به دعوت دولتهای فرانسه، بلژیک و آلمان جهت اشاعه و شناساندن موسیقی ملی و این‌ساز اصیل ایرانی، به آن ممالک مسافرت کرد. علی‌اصغر بهاری، یکی از اساتید و بهترین کمانچه‌کش‌های ادوار موسیقی سنتی و نوین ایران می‌باشد.

بهرام میرزای صفوی

میرزا رحیم معروف به مشیرالاطبا از پزشکان تبریز و از شاگردان لعلی و شخصی راستگو و متین بود و در پیشرفت آموزش و پرورش و فرهنگ مجاهدت می نمود. از تألیفاتش رساله مدینه در دفاع از دین اسلام چاپ شده، کتابی هم در مضرات نوشابه‌های الکلی و تضعیف قوای عقلی نوشته است. وی به سال ۱۳۵۱ هجری قمری در تبریز وفات یافت و در طوباییه رخ در نقاب خاک کشید.

بیزه، ژرژ (موسیقیدان)

ژرژ بیزه به سال ۱۸۳۸ به دنیا آمد. وی از کودکی نزد پدرش موسیقی فرامی گرفت. پس از تحصیل در رشته موسیقی به ملاقات و معاشرت با هالوی استاد کنسرواتوار، دختر این مرد را به زنی گرفت.



در سال ۱۸۶۳ اپرایی به نام صیادان مروارید در پاریس تصنیف کرد. چندین سال بعد اپرایی جمیله را بوجود آورد و چندی بعد اپرایی کارمن را تصنیف کرد. این موسیقیدان بزرگ در سال ۱۸۷۵ درگذشت.

بیسمارک

پرنس اوتوادوارد لثوپولد فون بیسمارک - شوین‌هاوس به سال ۱۸۱۵ در خانواده‌ای اشرافی به دنیا آمد. دوره تحصیلات دانشگاهی را همراه با منازعات با مردم به پایان رسانید. چندین زبان

همانجا نشو و نما یافته است. گزارش اوایل زندگانی این نقاش معروف چیره‌دست که صیت شهرتش عالم را فراگرفته مجهول است. چون سلطان حسین میرزا در سال ۹۱۱ هجری وفات یافت دو پسرش «بدیع الزمان میرزا» و «مظفرحسین میرزا» در هر شهر که بودند، دم از خودسری می زدند و خطبه سلطنت به نام خود می خواندند، بدین علت سرزمین خراسان را نظمی مترتب نشد، تا آنکه شیبک خان اوزبک ظهور کرد و شاه اسماعیل نخستین فرمانروای دولت نوپای صفوی به منظور تسخیر خراسان در سال ۹۱۶ هجری بدان سرزمین لشکر کشید و شیبک خان را شکست داد و کشت. پس از این واقعه که منجر به استیلای دولت صفویان بر خراسان بزرگ (خراسان فعلی، و قسمتی از افغانستان و تاجیکستان شوروی) گردید شاه اسماعیل صفوی برخی از هنرمندان آن سامان از جمله استاد بهزاد هروی نقاش را که در هرات می زیستند با خود به تبریز برد. بهزاد نخستین نقاشی است که اسلوب نقاشی مغولی را در ایران متروک ساخت و شیوه خوش مخصوص ایرانیان را به وجود آورد. استاد بهزاد با شاه اسماعیل صفوی به تبریز رفت و پیوسته در خدمت این پادشاه معزز و محترم به سر می برد و هر روز بر قدر و منزلتش می افزود، مقام وی در نزد این پادشاه به کمال رسید و به ریاست کتابخانه شاهی ارتقاء جست. با توجهات شاه اسماعیل و سپس شاه طهماسب صفوی که پس از وفات پدر در سال ۹۳۰ هجری به سلطنت رسید، بهزاد در تبریز شاگردان بسیار تربیت کرد که خواجه عبدالعزیز و استاد مظفرعلی سرآمد آنان بودند. استاد بهزاد همچنان روزگار می گذرانید تا آنکه در سال ۹۴۲ هجری در تبریز زندگی را بدرود گفت.

بهشتی تبریزی



فراگرفت. در جریان شورش‌های سال ۱۸۴۸ میلادی که در ناحیه پروس نهضت ملی برپاخواست مجلس شورایی تشکیل گردید و نمایندگانی برای نظارت بر امور دولت از طرف مردم برگزیده شدند. نماینده‌ای که از محل بیسمارک انتخاب شد بیمار گشت لذا وی را به‌جای آن نماینده به مجلس فرستادند. چون بیسمارک در مجلس برلن به خطابه‌های آتشین و دفاع از منافع اشراف و حق‌خدایی پادشاه پرداخت، مورد توجه محافظه‌کاران قرار گرفت. پادشاه را به اعمال زور تشویق کرد.

بیسمارک بعد از مرگ ویلیام اول مدتی در مقام صدراعظمی آلمان باقی بود اما بزودی میان ویلیام دوم و بیسمارک اختلاف عقیده و سلیقه پدید آمد و بعد از مدتی بیسمارک در خانه خود بحال قهر ماند تا شاید امپراتور آلمان وی را احضار و عذرخواهی کند اما امپراتور دست به چنین اقدامی نزد بیسمارک به این طریق از صدراعظمی آلمان معزول گشت. از آن پس به املاک اجدادی خود رفت و به نوشتن وصیتنامه سیاسی خود به‌نام «اندیشه و آگاهی» در ۳ جلد پرداخت که دو جلد آن راجع به دوران صدراعظمی و اقدامات جنگی و سیاسیش و جلد سوم مربوط به زمانی بود که از کار صدراعظمی معزول شده و بر امپراتور آلمان خرده‌ها و انتقادات فراوانی وارد ساخت. بیسمارک به سال ۱۸۹۸ درگذشت.

بیگجه‌خانی، غلامحسین

غلامحسین بیگجه‌خانی به سال ۱۲۹۷ شمسی در تبریز متولد شد و از همان اوان کودکی با نوای ساز پدرش که تار می‌نواخت آشنا گردید.

بیش از ده بهار از عمرش نگذشته بود که پدر را از دست می‌دهد و با این سن کم این کودک هنرمند علاوه بر هزینه‌های خود، مخارج خانواده را نیز به‌عهده گرفت و از همین زمان بود که بالاچار با شخصی به‌نام رضاقلی‌خان به مجالس جشن و عروسی‌ها رفت و در این مجالس به تار زدن پرداخت و این به جهت احتیاج شدید و مبرم وی به پول بود و کار دیگری نداشت، ضمناً همکاری با هنرمندانی چون: میرعلی‌عسگر و ابوالحسن اقبال‌آذر را آغاز کرد و در محضر آن استاد، با ردیف‌های موسیقی سنتی ایران آشنا شد. چندی بعد که رادیو تبریز تأسیس شد، همکاری خود را با این رادیو شروع کرد و در حدود ۲۵ سال سرپرستی ارکستر شماره یک رادیو تبریز به‌عهده وی بود و در ضمن موسیقی، برنامه کودک رادیو تبریز را تهیه می‌کرد. وی مدت چهار سال در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران تدریس و همکاری داشته است و مدتی هم کارشناس موسیقی رادیو تلویزیون آذربایجان شرقی بود و تدریس تار را در کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان تبریز عهده‌دار بود.

بیلقانی، مجیرالدین (شاعر)

مجیرالدین بیلقانی اهل بیلقان اران واقع در شمال آذربایجان بود. وی در جوانی به شروان رفت. ابتدا ممدوح شروانشاه و سپس مداح سلاجقه عراق و اتابکان آذربایجان گردید و از طرف اتابکان حکمران اصفهان شد. وفات مجیرالدین در سال ۵۸۶ یا ۵۹۴ هجری اتفاق افتاد. پیکر او در تبریز و در مقبره الشعرا مدفون است.

۱- دبیر اول حزب کمونیست اوکرائین (۱۹۵۳-۱۹۵۱) ۲- عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست در مسکو (۱۹۵۶) ۳- عضو دفتر سیاسی (۱۹۶۰) ۴- رئیس جمهور شوروی از ۱۹۶۴. نامبرده تا اواخر زمامداری لئونید برژنف همچنان در پست خود باقی ماند تا آنکه برژنف هر دو پست دبیر کلی حزب کمونیست و صدر هیئت‌رئیس اتحاد جماهیر شوروی را شخصاً به‌عهده گرفت و پادگورنی نیز بالطبع از کار برکنار شد.

پاردی، لئو (شاعر)

بزرگترین و رماتیک‌ترین شاعر ایتالیایی، لئوپاردی است که «بایرون» ایتالیا بشمار می‌رود. وی خیلی جوان (در ۲۹ سالگی) مرد.

در تاریخ ادبیات جهان بندرت می‌توان شاعری یافت که زندگانش به اندازه لئوپاردی با رنج و غم و بدبختی آمیخته باشد. در کودکی چون هیچ محبتی از طرف پدر و مادر و کسان خود ندید. به‌دامان تحصیل پناه برد و در سن کم، به‌تنهایی زبانهای لاتین و یونانی و عربی و فرانسه و انگلیسی و اسپانیایی را آموخت و در ۱۶ سالگی مجموعه محققانه‌ای در این باره نوشت که هنوز مورد اعجاب دانشمندان است. اما تندرستی خود را بر سر این کار گذاشت چنان‌که در بیست‌سالگی با پستی خمیده و چشمی نیمه‌کور، روحی رنجور و نومید پیوسته آرزوی مرگ می‌کرد. چندین بار به پیروی از طبع شاعرانه خود عاشق شد، اما هر بار عشقش به ناکامی می‌انجامید. اشعار لئوپاردی در ادبیات ایتالیا مقامی خاص و منحصر به فرد دارد. بارها گفته‌اند که «از سطر سطر نوشته لئوپاردی بوی غم می‌آید». همیشه نیز گفته‌اند و می‌گویند که وی ظریف‌ترین و محبوب‌ترین شاعر ایتالیایی است.

بینش تبریزی

محمدعلی پسیان ملقب به کشاف‌الاسرار و متخلص به «بینش» از شاعران صوفی‌مشرّب اوایل سده ۱۴ هجری قمری است. اصلش از قراباغ ولی از طول اقامت در تبریز به تبریزی معروف است. وی عموی کنل محمدتقی خان پسیان است، و خود رییس فقرای وقت ذهبیه تبریز بود و در شعبان ۱۳۳۶ قمری وفات یافت. سال ۱۳۱۹ ق. منظومه‌ای به نام «هفت مجمر» سروده که به سال ۱۳۲۳ قمری در تبریز به چاپ رسیده است و بعد با یک مجمرالحاقی در ضمن جلد دوم جلالیه نیز چاپ شده است. از اشعارش در «جلالیه» و رساله «مجموعه حاضر» و تذکره‌الاولیای پرویزی آمده است.

پاپن، دنی (مخترع)

دنی پاپن در سال ۱۶۷۴ در فرانسه متولد گشت. در آغاز در پاریس به تحصیل طب پرداخت. پس از چندی به لندن رفت و با ربرت بویل در تکمیل ماشین فشار هوا همکاری کرد. بعدها به فکر افتاد که از نیروی بخار استفاده کند، لذا با کوشش و فعالیت کم‌نظیری موفق به اختراع دیگ بخار که بنام دیگ بخار پاپن معروف است گردید. همچنین یک کشتی که با نیروی بخار کار می‌کرد اختراع نمود، اما از همه این مساعی مهم و مفید سودی نبرد. عاقبت در سال ۱۷۱۴ در فقر و تنگدستی در لندن چشم از جهان فروبست.

پادگورنی، نیکلای ویکتوریچ

سیاستمدار معروف شوروی، متولد سال ۱۹۰۳ که مقام‌های ذیل را برعهده داشت:

پاسکال، بلز (ریاضیدان)

بلز پاسکال را که می‌توان در ردیف دکارت و فرما و برابر گالیله در علم فیزیک دانست در ۱۹ ژوئن ۱۶۲۳ در کلرمون فران متولد شد. پدرش ایتن پاسکال مردی حقوقدان و از رؤسای محاکم قضایی بود و برای پیشرفت علوم سعی فراوان می‌نمود.



بلز در دوازده سالگی از شنیدن صدایی که از برخورد کارد و بشقاب چینی بوجود آمد مشغول تهیه کتابی درباره مبحث صوت گردید. در این موقع که پاسکال بیش از دوازده سال نداشت پدرش ترجیح داد که راه جهان ادب را پیش گیرد و بدین منظور سعی می‌داشت تا تمام کتبی را که از ریاضیات گفتگو می‌کردند از او پنهان دارد. ولی این موضوع مانع پیشرفت نبوغ کودک ۱۲ ساله نگردید و یک‌روز هنگامی که پدرش سرزده وارد اتاق او شد مشاهده نمود که او با ذغال شکلی رسم نموده و به تفکر مشغول است. پدرش با تعجب پرسید: به چه فکر می‌کنی؟ او جواب داد: می‌خواهم ثابت کنم مجموع زوایای داخلی هر مثلث ۱۸۰ درجه است. پدر از تعجب حیران ماند و ضمن چند سؤال از او دریافت که پسرش بدون آنکه کتاب هندسه‌ای مطالعه کرده باشد بسیاری از احکام قضایای اولیه اقلیدس را خودبخود کشف نموده است. خواهر پاسکال چنین

می‌گوید:

«پدرم از عظمت و قدرت او چنان متحیر شد که بدون ذکر کلمه‌ای او را ترك نمود و فوراً نزد دوست دانشمند خود «لوپایور» رفت و در حالی که از شوق اشک می‌ریخت فریاد زد: فرزند من ریاضیات را از نو بوجود آورده است».

در شانزده سالگی کتابی درباره مقاطع مخروطی نوشت و هنوز یکی از قضایای آن به نام او مشهور است.

پاگانی نی (موسیقیدان)

او که بزرگترین ویولونیست قرن ۱۹ بود از حیث قدرت نوازندگی و ابتکار و سهولت اجرای قطعات بسیار مشکل در تاریخ موسیقی بی نظیر است.

نیکلو پاگانی نی فرزند آنتونیو از بازرگانان «جنوا» بود. چون از کودکی به موسیقی علاقه داشت پدرش او را با ویولون آشنا کرد. هنگامی که در ۹ سالگی در حضور عده‌ای ویولون نواخت حضار از استادی او تعجب کردند. در ۱۶ سالگی پاگانی نی به مقامی رسید که هیچ استادی خود را لایق تعلیم او نمی‌دانست. بعد از آن پاگانی نی برای کنسرت به شهرهای مختلف ایتالیا مسافرت کرد.



در سال ۱۸۲۸ برای اولین بار به وین رفت. وین در آن زمان مهمترین شهر موسیقی بود و مردم آن

تحقیقات فیزیولوژی پس از تحصیل نیز به کار بررسی درباره گردش خون پرداخت. پاولوف در سال ۱۹۳۶ درگذشت.

پایور، فرامرز

فرامرز پایور در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شده و تحصیلات عمومی خود را در مدرسه دارالفنون و دبیرستان دارائی به پایان رسانده است. پدرش علی پایور هنرمند نقاش و استاد زبان فرانسه در دانشگاه‌های تهران بوده و جدش مصورالدوله نقاش چیره‌دست و وزیر پست و تلگراف، در زمان صدارت مستوفی‌الممالک بوده است و در عین حال با موسیقی آشنایی کامل داشته و ویلن و سنتور و سه‌تار را خوب می‌نواخته و در این زمینه از دوستان مرحوم رکن‌الدین خان مختاری بوده است.

فرامرز پایور تحصیلات موسیقی خود را از سال ۱۳۲۸ شروع نموده و نزد استاد ابوالحسن صبا، استاد موسیقی ایرانی به فرا گرفتن سنتور اشتغال ورزید و پس از ده سال تحصیل مداوم یک دوره کامل از ردیف موسیقی ایرانی را که توسط استاد صبا برای سنتور تنظیم شده بود فرا گرفت و موفق به دریافت تقدیرنامه‌یی از طرف استاد شد. مهارت او در این ساز به جایی رسید که استاد صبا از او خواست که به اتساق قطعانی نواخته و روی نوار ضبط نمایند که اکنون نیز چند نمونه از آنها در آرشیو رادیو موجود می‌باشد. پایور فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۳۳ در وزارت فرهنگ و هنر که در آن موقع اداره کل هنرهای زیبا نامیده می‌شد شروع نمود و از همان وقت تا به امروز برنامه‌هایی از موسیقی اصیل ایرانی تهیه نموده و در کنسرت‌ها و همچنین در رادیو و تلویزیون اجرا می‌نمود.

اکنون نیز فعالیت او منحصرأ در زمینه موسیقی

استقبال بی‌نظیری از او کردند، پس از آن پاگانی‌نی برای کنسرت به ممالک دیگر جهان و اروپا مسافرت کرد و همه جا با اعجاب و تحسین فوق‌العاده مردم استقبال شد. تا جایی که بعضی مردم عوام تصور می‌کردند که او در نواختن ویولون واقعاً جادو می‌کند و بهمین جهت او را همدست شیطان می‌دانستند. در سال ۱۸۸۶ پاگانی‌نی به کشور خود مراجعت کرد ولی حال مزاجی او مختل شده بود و ناچار برای بهبودی به ماری‌نی رفت و سال بعد در نیس بدرود حیات گفت. پاگانی‌نی در کنسرت‌های خود نمی‌توانست به نواختن آثار آهنگسازان دیگر اکتفا کند زیرا تکنیک او از قطعات بسیار مشکل آنها نیز بالاتر بود و ناچار برای نمایش هنر ویولون به تصنیف آهنگ پرداخت و قطعات فنی مشکل تصنیف کرد. از آثار ویولن او ۲۴ کاپرس مانده که هرچند از لحاظ موسیقی اهمیت زیادی ندارد ولی اجرای آنها فقط برای نوازندگان بسیار زبردست ممکن است.

وقتی دروین یکی از آثار خود را اجرا می‌کرد در هر قسمت یکی از سیم‌های ویولون را از کار می‌انداخت به طوری که قسمت چهارم را روی یک سیم اجرا کرد. یکی از روزنامه‌ها در این مورد می‌نویسد: «تنها کسی می‌تواند او را مغلوب کند که بتواند قسمت پنجم را بدون سیم بنوازد».

پاولوف، ایوان پتروویچ (پزشک)

ایوان پتروویچ در سال ۱۸۴۹ در یکی از شهرهای روسیه در خانواده‌ای روحانی قدم به دنیا گذارد. در آغاز در یک مدرسه مذهبی به تحصیل پرداخت، اما بزودی از ادامه تحصیل در این رشته روبرتافت و وارد دانشکده علوم طبیعی پترزبورگ شد و به فراگرفتن طب کمر همت بر بست. در سال ۱۸۷۹ پاولوف فارغ‌التحصیل گردید، اما بر اثر شوق به مطالعات و



شمسی در جعفرآباد فوجان کشته شد. از طرف چند تن از دوستان او کتابی به عنوان شرح حال کلنل تدوین و به سال ۱۳۰۶ شمسی در برلن به وسیله مجله ایران شهر انتشار یافت. اجداد وی ظاهراً پس از جنگ ۱۲۴۳ قمری از قراباغ کوچ کرده و به ایران آمده‌اند. او خود می‌نویسد: من به سال ۱۳۰۹ هجری قمری در تبریز متولد شدم و از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ ق. ابتدا در منزل و مکتب و سپس چند ماهی در «لقمانیه» اولین مدرسه تبریز به فراگرفتن فارسی و عربی و منطق و زبان خارجه پرداختم و سال ۱۳۲۴ ق. برای تکمیل تحصیلات به طهران رفتم و سال ۱۳۲۹ به خدمت ارتش درآمدم و... میرزا حبیب‌الله خان پور رضا می‌نویسد:

کلنل محمدتقی خان در فن انشاء و تحریر نویسنده قابل بود. نه فقط در فن نثر مهارت داشت بلکه از فن شعر و موسیقی نیز بی‌بهره نبود و چندین سرود نظامی از خود به یادگار گذارده است. وی به ادبیات فارسی علاقه وافری داشت و در نامه‌ای می‌نویسد: «فارسی زبان شعر و ادب است و با آن هر دل سخت را می‌توان رام کرد».

پطر کبیری

پطر اول یا پطر کبیر در سال ۱۶۷۲ در مسکو به دنیا آمد. چون پدرش آلکسی میخایلوویچ درگذشت

ملی است زیرا پایور علاوه بر دوره‌هایی که نزد استاد صبا آموخت یک دوره از ردیف قدیم و همچنین کلیه تصانیف قدیم را که متعلق به شیدا، عارف، سماع حضور و ظهیرالدوله و سایر اساتید قدیمی بودند نزد آقای عبدالله دوامی استاد آواز فرا گرفت و به خط «نت» درآورد و آقای دوامی طی تقدیرنامه‌یی که برای او نوشته صحت و اصالت نوشته او را نیز تأیید نموده‌اند. علاوه بر آن پایور یک دوره ردیف آقامیرزا عبدالله را که به نام کتاب موسیقی ایران نامیده می‌شود نزد استاد صبا فرا گرفت و ضمناً کلیه آثار رکن‌الدین مختاری و آثار درویش‌خان را جمع‌آوری و به خط «نت» درآورده است.

سعی و کوشش پایور همیشه بر این استوار بوده که آثار موسیقی دانان متقدم ایران را که به دست فراموشی سپرده شده بود به شنوندگان معرفی کند و با کمک اساتید دیگر موسیقی‌سازی و آوازی و همچنین با گروه کوچکی از نوازندگان سازهای ملی، آنچه که قبلاً از اساتید خود فراگرفته به موقع اجرا گذارد.

ذوق سرشار و استعداد ذاتی او در تنظیم و ارائه موسیقی اصیل ایرانی و همچنین تکنیک و تبحر او در نواختن ساز سنتور موجب شده است که روزبه‌روز به علاقه‌مندان موسیقی اصیل ایرانی اضافه شود و باجرات می‌توان پایور را یکی از بزرگان موسیقی اصیل و ملی ایران دانست و به واسطه همین دانش و آگاهی و زحماتی که او برای حفظ و اشاعه آن متحمل گشته بود از طرف استاد صبا موفق به اخذ تقدیرنامه گشت.

پسیان تبریزی

کلنل محمدتقی خان پسیان به سال ۱۳۰۹ قمری در تبریز متولد شد و سال ۱۳۴۰ قمری مطابق ۱۳۰۰

هنگامی که او را بر سر دار می بردند گفت: مرا سرنگون به دار آویزد زیرا من شأن و مقام عیسی را ندارم که مثل او به دار آویخته شوم.

پلوتوس

پلوتوس نمایشنامه نویس و شاعر فکاهی نویس رومی است که در حدود ۲۵۰ قبل از میلاد متولد گشت. از زندگی و تحصیلات اولیه او اطلاع چندانی در دست نیست، اما احتمال دارد که وی به هنگام جوانی به رم آمده و در آنجا به تحصیل زبان لاتین پرداخته باشد.

اگر چه وی در روستا زاده شده است، اما در شرح زندگانی روستاییان و ماجراهای خنده آور آنان به قلم فرسایی و مبالغه پرداخته است.

وی همیشه چون کسی که خود زاده شهر باشد چیز می نوشت و انس و الفتی فراوان با زندگی شهری خصوصاً با طبقات متوسط و پیشه ور داشت. در رم بود که به کار تئاتر پرداخت و از این طریق به اندازه ای پول گردآورد که توانست رم را ترک گفته و به تجارت پردازد. نمایشنامه هایش علاقه شدید وی را به دریانوردی و حادثه جویی و خرید و فروش کالا بخوبی نشان می دهد.

اما پلوتوس در کار تجارت طوری بود، که شاعر و نمایشنامه نویس بزرگ را به فقر و تنگدستی کشاند. در این هنگام که پلوتوس ۳۰ سال داشت جنگهای سه گانه رم با قرطاجنی ها درگیر شد و او با نوشتن ۳ نمایشنامه توانست از فقر و تنگدستی درآمده و بقیه عمر را در رم به راحتی بگذراند.

وی در حدود ۱۳۰ نمایشنامه نوشت که همگی با موفقیت مواجه شد. از نمایشنامه های او می توان: آمفی تریون، اولاربا و اسیر را نام برد.



در سال ۱۶۸۲ به سلطنت رسید. اما دوره حکومت واقعی پتر اول از سال ۱۶۸۹ آغاز شد.

پتر اول برای ترقی روسیه و اقتباس تمدن جدید اروپای غربی مردم روسیه را به کوشش واداشت و در عین حال به فتوحات نظامی و افزودن بر منطقه نفوذ روسیه پرداخت.

فتوحاتی در دریای سیاه نصیبش شد و روسیه به دریای سیاه و مدیترانه راه یافت. در جنگی که با شارل دوازدهم پادشاه سوئد کرد در آغاز شکست خورد اما بعد از ۹ سال پتر به دریای بالتیک نیز راه یافت.

پتر به دریانوردی علاقه ای وافر داشت و هر صبح قایقرانی میکرد و در یکی از همین قایقرانی های تفریحی سخت سرما خورد و آنگاه دو ماه بعد مرد. شهر پترزبورگ را با مجاهدت بسیار ساخت و پایتخت تابستانی خود کرد. با همه صفات ناپسند و متضادی که پتر اول داشت خدمات مهمی برای ترقی روسیه نمود. وی در سال ۱۷۲۵ درگذشت.

پترس پاك

پترس پاك یکی از حواریون عیسی بود که از توجهات مخصوص مسیح برخوردار بود. چون عیسی به دار آویخته شد به نشر دین مسیح پرداخت، اما مخالفان آیین ترسا وی را گرفته به دار آویختند. در

پوانکاره، هانری (ریاضیدان)



هانری پوانکاره ریاضیدان معروف فرانسوی است که در سال ۱۸۵۴ از خانواده‌ای بنام و سرشناس در شهر نانسی فرانسه به جهان آمد. در سال ۱۸۷۳ وارد هنر سرایعالی فنی پاریس شد. پس از پایان دوره هنر سرایعالی، به‌استادی در دانشگاه «کان» برگزیده شد. در ۲۷ سالگی کشف بزرگی کرد و «توابع فوکس» را به جهان عرضه داشت. بررسی‌های پوانکاره دربارهٔ پیدایش جهان، آنالیز، نور و الکتريسته و همچنین جبر و هندسه و حساب احتمالات بسیار مهم و دقیق است. وی در فلسفه و علوم نظری صاحب نظر و محقق بود. پوانکاره به کشف و حل مسایل بسیاری در ریاضیات نایل آمد که تا آلمان به بی‌بردن آنها ناتوان بودند. کتابهای زیادی در زمینه‌های گوناگون علمی نوشت که برجسته‌ترین آنها در ریاضیات و فلسفه عبارتند از: علم و فرض، علم و روشنی، مفروضات تکوینی، روشهای نوین در مکانیک آسمانی و ارزش علم. هانری پوانکاره در سال ۱۹۱۲ درگذشت.

پوشکین، آلكساندر (شاعر و نویسنده)

آلكساندر پوشکین شاعر و نویسنده بزرگ روسی در ششم ژوئن ۱۷۹۹ در مسکو تولد یافت و در ده فوریه سال ۱۸۳۷ در پترزبورگ به قتل رسید. این شاعر آزاده روسی از يك خانواده اشرافی بود. پوشکین در سال ۱۸۱۷ وارد خدمت وزارت خارجه روسیه شد. سه سال بعد در ۱۸۲۰ او با انتشار يك مجموعه شعر شهرت بزرگی بدست آورد. پوشکین در سال ۱۸۲۰ قصیده‌ای در ستایش آزادی سرود که موجب تبعید او گردید. او در این شعر باشجاعت گفته‌های نگفته‌ای را به‌زبان آورد. با

اینهمه او همچنان در وزارت خارجه اشتغال داشت. بازدید از قفقاز در سال ۱۸۲۲ قطعاً «زندگانه قفقاز» را به او الهام کرد.

پوشکین در ۱۸۲۴ از شغل خود منصرف گردید زیرا مقاصد امنیت آن‌روز دولت تزاری عقاید آزادیخواهانه او را مسری و مضر می‌دانستند. پوشکین در این سال به ملک پدرش در پسکوف پناه برد و در آنجا بود که او آثار بزرگی آفرید. از جمله آثار وی در این زمان «بوریس گودنف» و «اوگنی اونژین» بود. این کتاب آخری سرگذشت خود اوست. پوشکین داستان منظومی به‌نام «چشمه باغچه‌سرای» سرود که اهمیت و شهرت یافت. این اثر بسیار رنگین و دلایزست. در ۱۸۲۷ او «کولها» را خلق کرد.

پوشکین در ۱۸۳۱ با زنی به نام «ناتالیا» ازدواج کرد. در این زمان پوشکین به مقام «تاریخ‌نگار» دربار روسیه منصوب گردید.

پوشکین در این دوره کتاب «تاریخ شورش پوکاچف» را نوشت. داستان «دختر کاپیتان» نیز از جمله آثار تاریخی است. این کتاب از ظریف‌ترین آثار منشور اوست.

اگرچه پوشکین در شورش ۱۸۲۵ دست داشت اما سرانجام در سال ۱۸۳۲ دوباره او را در وزارت خارج روسیه استخدام کردند.

پوشکین مرد پرکاری بود اما زندگی کوتاهی



صورتگری پرداخت و در سال ۱۹۰۳ مقیم پاریس شد. در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۱۰ به اتفاق ژرژ برک، مکتب کو بیسم را پایه‌گذاری نمود.

براک نخستین کسی بود که سنجاق و میخ را با نقاشی‌هایش توأم نمود و پیکاسو تخته و چیزهای دیگری هم به آن افزود.

پیکاسو در سبک خود شهرت فراوانی کسب نمود و پیروانی فراوان به‌دست آورد. وی در سال ۱۹۷۲ درگذشت.

تاگور، رابیندرانات (شاعر، فیلسوف)

رابیندرانات تاگور شاعر برجسته هندی در ششم ماه مه ۱۸۶۱ در کلکته متولد شد و در هفتم اوت ۱۹۴۱ در همان شهر جان سپرد. پدرش یکی از روحانیون بزرگ بود. تاگور به یک خانواده ممتاز بستگی داشت و پدران او همه از مردان بزرگ هند بودند. تاگور در نزد معلمین خصوصی درس خواند و در هفده سالگی از انگلستان دیدن کرد و در این زمان او به سرودن شعر پرداخت. تاگور نخست از کار شعرای بزرگ هند تقلید می‌کرد. وی در هیجده سالگی ترانه‌های آفتاب و ترانه‌های شامگاه را منتشر کرد. در این اشعار رمانتیسم نوینی را خلق کرد. در ۱۸۸۴ ازدواج کرد و برای ادارهٔ املاک پدرش در سواحل گنگ رحل اقامت افکند.

دانت. او با آنکه به معاشرت و مراقبت و وقت‌گذرانی علاقه تام داشت اما همیشه می‌نوشت. مقام پوشکین در ادبیات روس عالی و انکارناپذیر است. نمایشنامه‌های زیبای او، داستان‌های منظومش، غزل‌های زنده و جاندارش و آثار دیگرش همه از جمله آثار طراز اول ادبیات روس محسوب می‌شود. او رومان‌تیک بود و سبک تازه‌ای در ادبیات روسیه ارائه کرد. پوشکین در ۳۸ سالگی در یک دوئل یک زخم کاری برداشت و در اثر آن درگذشت.

پولیویوس

مورخ یونانی به سال ۲۰۵ قبل از میلاد در مگالوپولیس متولد شد. ابتدا در ارتش آکیان خدمت کرد ولی در ۱۶۸ ق.م به عنوان زندانی سیاسی به روم برده شد و مدت هفده سال در تبعید بسر برد. در این ضمن با سیپو جوانتر آشنا و دوست شد و به وسیلهٔ او عضو خارجی هیئت ادبای رومی گردید و در ۱۴۷ ق.م سیپو را تا آفریقا همراهی کرد و به هنگام نابودی و ویرانی کارتاژ حضور داشت. از آن پس با نوشتن کتاب عظیمی به نام «تاریخ‌ها» خود را مشغول کرد. این کتاب یک تاریخ عمومی از روم و کشورهای همجوار مابین سال‌های ۲۰۰ تا ۱۴۶ ق.م و شامل ۴۰ جلد می‌باشد، که فقط ۵ جلد اول و پاره‌ای از کتب دیگر موجود است. پولیویوس در سال ۱۲۵ ق.م درگذشت.

پیکاسو، پابلو (نقاش و پیکرتراش)

پابلو پیکاسو در ۱۸۸۱ در «مالا» از شهرهای اسپانیا متولد شد ولی تحصیلات خود را در فرانسه با تمام رسانید.

پیکاسو نزد پدرش که استاد نقاشی بود به آموختن



نیویورک، مونیخ و پاریس به معرض نمایش گذاشته شد. تاگور آهنگساز بزرگی نیز بود. او سه هزار ترانه نگاشت و برای برخی از آنها آهنگ ساخت. وی شصت کتاب شعر منتشر کرد و چندین کتاب منثور نوشت. داستانهای طولانی، داستانهای کوتاه، مقالات، مواعظ و نمایشنامه‌های او در همه جای دنیا خواننده دارد. بیشتر کتاب‌های او به وسیله خودش یا دیگران به انگلیسی ترجمه شده است. برخی از کتابهای او عبارتند از: پادشاه طالار سیاه، میوه جمع کن، ناسیونالیسم، شعرهای خبیر، داستانهایی از تاگور، بندهای گسسته، نامه‌هایی به یک دوست، مذهب بشر، شخصیت، نکته‌هایی از بنگال، پیوند خلاق، چشم درد، باغبان، هدیه عاشق و ...

تجویدی، علی (موسیقیدان)

علی تجویدی به سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران خیابان ری متولد شد و از همان اوان کودکی زیر نظر مستقیم پدرش هادی خان تجویدی که خود هنرمندی بزرگ و از شاگردان ممتاز کمال‌الملک و اولین استاد مینیاتور در ایران بود، قرار داشت و چون پدر علاوه بر نقاشی و مینیاتور با موسیقی هم آشنایی داشت و تار را نزد درویش فرا گرفته بود و آن را شیرین می‌نواخت، کم‌کم علی را با این آشنا ساخت و پس از جندی که وی به مرحله نوجوانی رسید و وارد پیشاهنگی شد نواختن فلوت و «نت» موسیقی را نزد آقای ظهیرالدینی آموخت و از شانزده سالگی ویلن را ابتدا نزد آقای سپهری آموخت و سپس مدت دو سال نزد استاد حسین یاحقی به فراگرفتن ردیفهای موسیقی ایرانی مشغول گردید.

علی تجویدی به حق یکی از بزرگترین آهنگسازان معاصر این سرزمین است که ساهکارهای بیشماری در پهنه هنر موسیقی از خود به یادگار

در آنجا او با زندگی مردم عادی آشنایی یافت و شعرهای تازه گفت و داستان‌های ساده هیجان‌انگیز و نمایشنامه‌های کوچک و بزرگی به رشته تحریر درآورد. همه این آثار از زندگی روزانه مردم الهام گرفته شده است. بهترین آثاری که او در این زمان انتشار داد عبارتند از: باغبان و سنگهای گرسنه، داستانهای دیگر و ماه درخشان.

پس از هفده سال زندگی در کنار رودخانه گنگ وقایع حزن‌انگیزی برای او اتفاق افتاد. زن و دخترش و کوچکترین پسرش یکی پس از دیگری جان سپردند.

تاگور در ۱۹۰۱ در «سانتینیکان» مدرسه‌ای باز کرد. این مدرسه بعدها به صورت یک کانون آموزش جهانی درآمد. او بیشتر اوقات خود را صرف تعلیم و تربیت می‌کرد. در ۱۹۱۲ دوباره از انگلستان دیدن کرد. در انگلستان بسیاری از اشعارش را به شعر انگلیسی ترجمه کرد. تاگور از بسیاری از کشورهای اروپا، از شوروی، ژاپن، آمریکا، ایران، آمریکای جنوبی، چین و کانادا دیدن کرد.

در سال ۱۹۱۳ جایزه جهانی نوبل به او تعلق گرفت. وی در سال ۱۹۳۰ به سخنرانی‌های استادانه‌ای در دانشگاه اکسفورد انگلستان پرداخت. تاگور همه هنر بود. او در سن شصت و هشت سالگی به آموزش نقاشی پرداخت.

تابلوهای نقاشی او در مسکو، بیرمنگام، برلین،

قساوت‌های زمامداران و افراط‌کاریهای طبقه عوام نسبت به مسیحیان اعتراض نمود. گذشته از مدیحه اولی، سه کتاب از او باقی مانده که همه حاکی از شور و حرارت و معرفت او به زمان خودش و گذشته است. او عقیده داشت ایمان مافوق عقل است و در مدت بیست سال در تمام گفتگوهایی که ارتباط با آیین مسیح داشت او مداخله داشت. در سالهای آخر عمر تمایلات پارسایانه‌اش وی را به فرقه مونتانیست‌ها کشانید، و به اتهام کفر محکوم گردید. تر تولین در سال ۲۴۰ میلادی درگذشت.

تروتسکی، لئون

لئون داویدویچ برونشتین تروتسکی در سال ۱۸۷۹ از پدر و مادری یهودی در نزدیکی الیزاوتگراد تولد یافت. پدرش مستأجر زمینهای کشاورزی در ایالت خرسون در جنوب روسیه بود. تروتسکی تحصیلاتش را در دانشگاه اودسا به پایان رسانید و بعد به انقلابیون پیوست و به عملیات انقلابی دست زد.



در ۱۸۹۸ به سبب انتشار مطبوعات انقلابی، توقیف و به سیبری تبعید گشت. در ۱۹۰۲ به انگلستان گریخت و در آنجا با لنین و پلخانوف ارتباط دوستانه یافت و در زمان دودستگی بر سر روزنامه جرقه به حزب منشویک پیوست. از ۱۹۰۵ کار تروتسکی بالا گرفت و به ریاست

برجای نهاده، ترانه‌های پرآوازه و دلنشین او که در آرشیو برنامه‌های «گلها» ضبط و نگاهداری شده یکی از میراث‌های گرانبهای هنر این مرز و بوم است.

ترانه‌هایی چون: «مرا عاشقی شیدا»، «شیرین‌بر»، «آزاده‌ام»، «آتش کاروان»، «نه همزبانی»، «دیدی که رسوا شد دلم»، «صبرم عطاکن»، «پشیمانم» و صدها ترانه پرآوازه و پر بار دیگر که هر یک یادآور خاطره‌ایی از گذشته‌های هنری این استاد ارجمند است. آثاری که نمایانگر استعداد شگرف و متعالی او در هنر آهنگسازی است که یاد آن هیچگاه از خاطر هنردوستان و شیفتگان عالم موسیقی اصیل ایرانی بیرون نخواهد شد.

تجویدی، محمد (نقاش)

محمد تجویدی به سال ۱۳۰۳ در تهران متولد شد، پدر وی محمد‌هادی تجویدی استاد نقاشی هنرهای زیبا از شاگردان کمال‌الملک بود که خود شاگردانی تربیت کرده است که امروز از اساتید فن نقاشی و مینیاتورند. محمد تجویدی پس از پایان تحصیلات متوسطه در هنرهای زیبا به فراگرفتن نقاشی پرداخت. سپس در کنکور به عنوان استاد انتخاب شد، اندکی بعد خود کارگاهی در خارج از محیط هنرهای زیبا ایجاد کرد و شخصاً به تربیت شاگرد پرداخت.

ترتولین، کوئینتس

کوئینتس ترتولین که پسر یک افسر ارشد رومی بود به سال ۱۶۰ میلادی متولد شد. در ۴۰ سالگی به آیین مسیحیت گروید و از پرحرارترین ستایشگران آن شد. او که در زمان سلطنت سپتیمیوس سور و کاراکالا می‌زیست دلیرانه بر علیه



سناتور انتخاب گشت و تا سال ۱۹۴۴ در این سمت باقیماند. از ژانویه تا آوریل سال ۱۹۴۵ نیابت ریاست جمهوری دول متحده آمریکا به وی واگذار شد.

در ۱۲ آوریل سال ۱۹۴۵ به جانشینی روزولت بعنوان ریاست جمهور آمریکا برگزیده شد. در سال ۱۹۴۹ مجدداً عنوان ریاست جمهوری آمریکا را برای خود حفظ نمود و تا سال ۱۹۵۳ در این سمت باقیماند.

وی به اخذ چندین نشان و درجات افتخاری نایل آمده است. درجه افتخاری دکترای حقوق از دانشگاه آکسفورد، جایزه وودراو ویسون به خاطر خدمات برجسته وی در سازمان ملل متحد (۱۹۵۰) و نشان افتخار از نیویورک سیتی (۱۹۵۹) از آن جمله‌اند.

از آثار وی: سالهای تصمیم، رعیت، در سالهای دادرسی و امید را می توان نام برد.

تریولین

سر جورج اوتوتریولین تاریخ نگار انگلیسی تنها پسر چارلز ادوارد از همسر دومش «هانامورماکولی» و خواهر لرد ماکولی به سال ۱۸۳۸ متولد شد. در ۱۸۶۱ از کمبریج فارغ التحصیل گردید. در هند منشی خصوصی پدرش شد و شروع به نگارش

سویت (مجلس) نمایندگان کارگران سن پترزبورگ برگزیده شد اما دوباره توقیف و محکوم به حبس ابد و به سیبری تبعید گشت. این بار نیز گریخت و به عضویت هیأت تحریریه آریبترزیتونگ و پراودا پذیرفته شد و رهبری حزب انقلابی خود را عهده دار گشت. در ۱۹۱۴ علیه جنگ جهانی مقالات متعدد و آتشینی نوشت و در آلمان به زندان افتاد. بعد از انقلاب مارس ۱۹۱۷، به روسیه بازگشت و در همین سال به حزب بلشویک پیوست و در حکومت سویت به عضویت شورای کمیسرهاى مردم و کمیسر امور خارجه معین شد و در ۱۹۱۸ پیمان صلح برست لیتوسک را با آلمانی‌ها بست. آنگاه کمیسر جنگ گشت و سپاهی گردآورده در جنگ‌های داخلی در ۴ جبهه جنگید و بر مخالفان پیروز گردید و با اینکه از لحاظ پاره‌ای عقاید با لنین مخالف بود، ولی همچنان به لنین وفادار ماند. هنگام مرگ لنین در جنوب روسیه به شکار مرغابی رفته بود و چون با استالین اختلاف داشت و قدرت به دست استالین افتاد، تروتسکی در ژانویه ۱۹۲۵ برکنار و به سیبری تبعید گردید و در ۱۹۲۷ به اتهام عملیات ضدحزبی از حزب کمونیست اخراج و در ۱۲ فوریه ۱۹۲۹ از روسیه به استانبول تبعید شد و از آنجا به نروژ و سپس به آمریکا رفت و از ۱۹۳۷ در مکزیك بسر برد، تا اینکه در ۲۱ اوت ۱۹۴۰ به تحریک استالین کشته شد.

ترومن، هاری (سیاستمدار)

سیاستمدار آمریکایی متولد سال ۱۸۸۴، فارغ التحصیل مدرسه حقوق کانزاس سیتی. از سال ۱۹۲۲ الی ۱۹۲۴ در محکمه ایالت جاکسون میسوری به قضاوت پرداخت. از سال ۱۹۲۶ الی ۱۹۳۴ از ایالت میسوری به عنوان

تسوايگ به سال ۱۹۴۲ در برزیل خودکشی کرد.

تسه تونگ، مائو (سیاستمدار)

مائوتسه تونگ در سال ۱۸۹۳ در ایالت هونان چین در خانواده‌ای کشاورز و فقیر متولد شد. از ۸ سالگی در مزرعه پدرش به کار پرداخت. در ۱۴ سالگی وی، يك شورش دهقانی در چین درگرفت که متوجه بی عدالتی‌های اجتماعی شد.

پس از چندی علاقه به شغل معلمی در وی پیدا شد و از آن به بعد به تحصیل مشغول گشت و وارد دانشگاه ملی چین در پکن شد. در سال ۱۹۱۹ که در روسیه حکومت کمونیستی روی کار آمده بود مائوتسه تونگ با آن مرام آشنا شد تا اینکه در سال ۱۹۲۱ به عضویت پولیت بورو درآمد.



مدنی دراز میان چیانکایچک و مائوتسه تونگ همکاری و روابط دوستانه برقرار بود تا اینکه چیانکایچک از حزب کمونیست که با آن ائتلاف کرده بود روگردانید و به کشتن کمونیستها پرداخت.

مائو در سال ۱۹۳۸ رهبر بلانمازع حزب کمونیست چین شد و گروه بیشماری به وی پیوستند تا اینکه برای پیروزی قطعی اقدام به يك سفر ۶۰۰۰ میلی با هشت هزار نفر از اطرافیانش از کوههای خطرناک و راههای دشوار نمود و به شهرین نان رسید و در آنجا مزارع را میان کشاورزان تقسیم نمود.

کتابهای فانتزی و خنده دار مثل خانه چاپار و يك کتاب جدی به نام Gawnpore نمود. در ۱۸۶۵ عضو پارلمان گردید، و از ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۴ صدراعظم ایرلند بود. از کتابهای او می توان اینها را نام برد: زندگی و نامه های لرد ماکولی، تاریخ ابتدایی چارلز جیمزفاکس و انقلاب آمریکایی. تریولین در سال ۱۹۲۸ م. درگذشت.

تسوايگ، اشتفان (نویسنده)

اشتفان تسوايگ نویسنده اتریشی در سال ۱۸۸۱ از يك خانواده ثروتمند اتریشی در وین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در رشته حقوق به مسافرت در کشورهای اروپایی پرداخت. تسوايگ کار نویسندگی و ترجمه خود را از سال ۱۸۹۴ شروع کرد. وی پیرو آیین یهود بود و پس از روی کار آمدن نازیها در آلمان، به برزیل رفت و در آنجا خودکشی کرد. تسوايگ نویسنده ای ژنالیست بود. او در نوشته هایش می کوشید که غریزه ها، عشق ها،



تمایلات و جریانهای روانی قهرمانانش را تشریح کند و در این راه به ریزه کاریهای روانشناسی و جامعه شناسی و دیگر دانشها توجهی ژرف از خود بروز می داد. اهم نوشته های او عبارتند از: نامه يك زن ناشناس، آموک، شطرنج باز در زمینه بیوگرافی: بالزاک، ماژلان، فروید و ماری استوارت.

داستانهایش بیان کند؛ از زبان مردم ناکام و رنج‌دیده آمریکا. او بسیار ساده می‌نویسد ولی در همین نوشته‌های ساده و همه‌کس‌فهم بسیاری از نکات و دقایق روانشناسی و جامعه‌شناسی قرن بیستم را نمودار می‌سازد. اهم آثار او عبارتند از: اتوبوسی به نام هوس، ناگهان تابستان گذشته، گربه روی شیروانی داغ، باغ وحش شیشه‌ای و شب ایگوانا.

تنکابنی، محمدولی خان

از رجال مشروطیت و یکی از دو فاتح تهران است. او در سال ۱۲۶۴ قمری به دنیا آمد. وی فرزند حبیب‌الله‌خان سردار فرزند ساعدالدوله سردار محمدشاه بود.



مقارن انقلاب مشروطیت به سپهدار اعظم لقب یافت. در ذی القعدة ۱۳۲۷ قمری رئیس الوزرا شد و تا ربیع الثانی ۱۳۳۴ قمری که سپهسالار اعظم لقب گرفت چهاربار به رئیس الوزرای برگزیده گشت. تاریخ مرگ وی ۱۳۴۵ قمری است.

تنگ شیائوپینگ

سیاستمدار چینی و متولد ۲۲ اوت ۱۹۰۴؛ دارای تحصیلات نظامی، رئیس ستاد ارتش سرخ چین (۱۹۳۰) و رئیس بخش تبلیغات (۱۹۳۲)، بوده و در

سرانجام در ۱۹۴۹ بیرق کمونیستی را بر فراز دروازه شهر پکن برافراشت و حکومت کمونیستی را برقرار کرد. چیانگ‌کایچک به فرمز گریخت و مائوتسه‌تونگ به رهبری چین کمونیست رسید. مائو در سال ۱۹۷۶ درگذشت.

تفتازانی، سعدالدین

مسعودبن عمر تفتازانی در سال ۷۲۲ هجری در تفتازان خراسان متولد شد. در تحصیل علوم در زمان خود استاد بود. تیمور پس از آنکه به خراسان دست یافت تفتازانی را به سمرقند آورد و مورد احترام و توجه قرار داد و تا آخرین دم حیاتش مورد تکریم تیمور بود. وی به سال ۷۹۱ یا به قولی ۷۹۷ هجری درگذشت.

تنسی ویلیامز، توماس لاینر

تنسی ویلیامز نویسنده مشهور آمریکایی در سال



۱۹۱۶ در شهر کلمبیا در استان میسوری از خانواده گمنامی به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۳۸ وارد دانشگاه آیوا شد. پس از پایان تحصیلات خود شغل‌های گوناگونی به دست آورد و در همین زمانها به انتشار آثار خود دست زد. ویلیامز پیوسته در نوشته‌هایش می‌کوشد تا اندیشه‌های خود را از زبان قهرمانان

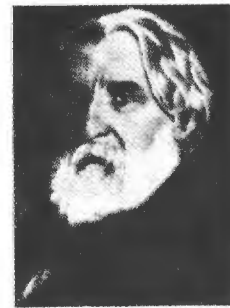
تورگنیف مانند دیگر ملاک‌زادگان روس در نزد استادان و آموزگاران سرخانه تعلیم و تربیت یافت. تورگنیف زبان روسی را خیلی دوست داشت و همیشه از این که استادان زبان مادری‌اش را به او یاد نمی‌دادند متأسف بود. سرانجام به وسیله یکی از دهقانان املاک پدر توانست يك کتاب روسی به دست آورد و با حرص و ولع تمام بخواند. ایوان در شانزده سالگی به دانشگاه مسکو رفت، اما در سال ۱۸۳۵ او را به دانشگاه سن پترزبورگ منتقل ساختند. در آنجا در رشته زبان‌شناسی به تحصیل پرداخت و در این زمان احساس کرد که می‌خواهد چیز بنویسد و به نویسندگی پردازد، او نخست با تقلید از یکی از آثار بایرون شاعر بزرگ انگلیسی يك قطعه شعر خوب سرود اما استادش بدون آنکه او را رسوا سازد به او گفت: «فکر می‌کنم تو می‌توانی چیزی شوی».

او در این زمان تشجیع شد و در روزنامه‌ها آثار شعری خود از جمله «کاخ کهن» را منتشر ساخت. در سال ۱۸۳۸ او به برلن رفت. او تصور می‌کرد که تحصیل حقیقی در خارج از روسیه میسر است. وی در آنجا دوسال به تحصیل فلسفه و زبانهای قدیمی و تاریخ پرداخت. تورگنیف در این دوره سخت تحت تأثیر افکار فیلسوف آلمانی هگل قرار گرفت. او بدین ترتیب خود را از زیر بار افکار نژاد اسلاو خارج ساخت و به افکار غربیها گروید و تا آخر عمر غربی می‌اندیشید. در بازگشت به روسیه یگراست به مسکو رفت. مادرش که زن تندخوی دیکتاتوری بود در مسکو زندگی می‌کرد. تورگنیف داستانهای زیادی درباره رفتار خشن مادرش با دهاقین روسی تعریف کرده است.

او در سال ۱۸۴۳ يك داستان به شعر منتشر کرد و چنانکه در خاطراتش می‌نویسد با انتشار آن پای در اقلیم ادبیات گذاشت. بلینسکی نقاد بزرگ روس

راهپیمائی بزرگ (۳۶-۱۹۳۴) شرکت داشته است. در جنگ با ژاپن کمیسر سیاسی بوده است. در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ عضویت پولیت‌بوروی حزب کمونیست چین را دارا بوده و پست معاونت امور نظامی کمیته مرکزی حزب را به عهده گرفت (۷۶-۱۹۷۵)؛ در آوریل سال ۱۹۷۶ از پستهای خود برکنار گردید و مجدداً از سال ۱۹۷۷ به عضویت یازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درآمد و از سال ۱۹۸۱ ریاست فرماندهی نظامی حزب را نیز عهده‌دار شده است. از تألیفات او: آثار منتخب (۸۲-۱۹۷۵) را می‌توان نام برد. تنگ شبائوپینگ از سوی مجله تایم آمریکا به عنوان مرد سال ۱۹۸۵ انتخاب شد.

تورگنیف، ایوان



ایوان تورگنیف رمان‌نویس روسی در نهم ماه نوامبر ۱۸۱۸ در «اورال» به دنیا آمد و در سوم سپتامبر ۱۸۸۳ در سن شصت و پنج سالگی در فرانسه درگذشت. او به يك خانواده اشرافی روسیه متعلق بود. اجدادش از شخصیت‌های معروف روس بودند. پدر تورگنیف در ارتش روسیه مقام سرهنگی داشت. این مرد در سال ۱۸۲۰ وقتی تورگنیف دوساله بود زن و سه پسرش را به اروپای غربی برد و به گردش در کشورهای این منطقه پرداخت. در بازگشت به روسیه



رابطه برقرار کند. سه سال بعد او دانشگاه را ترک گفت و خود به مطالعه کتابها پرداخت. تولستوی املاک زیادی داشت و دهقانان بسیاری در زیر فرمان او بودند. وی کوشش می کرد املاک خود را آبادتر و وضع دهقانان را روزبروز بهتر سازد، اما در این راه موفقیت قابل توجهی بدست نیاورد. تولستوی چندی بعد به مسکو و سن پترزبورگ رفت و در این دو شهر ستاره محافل و مجالس ادبا و اعیان محسوب می شد. با این همه آنچنان که در یادداشتهای خود می نویسد از زندگی بی هدف و از مغز کنجکاو اطفاء ناپذیرش به ستوه آمده بود. تولستوی می نویسد: «خودسازی کاری دشوار است. من یک مرد خودساخته هستم اما برای این کار رنجهای توان فرسایی کشیدم».

تولستوی در ۱۸۵۱ به قفقاز رفت و داوطلبانه وارد هنگ توپخانه قفقاز گردید. وی در این دوره با عشایر و قبایل آن سامان چند جنگ کرد که شرح آنها را در کتابهای خود آورده است. تولستوی در ۱۸۵۷ از قشون کناره گیری کرد و مدتی در سن پترزبورگ رحل اقامت افکند، وی بعد از دو سفر به خارج برای همیشه در املاک خود اقامت گزید. او در املاک خود مدرسه ای باز کرد و فرضیه های تربیتی خود را در آنجا به معرض آزمایش گذاشت. وی در ۱۸۶۲ یعنی در سی و چهار سالگی ازدواج کرد. او پانزده سال بعد را به خوشی و کامیابی گذراند و صاحب سیزده فرزند شد. وی شاهکارهای بزرگ خود به نامهای «جنگ و

اولین اثر او را پسندید. تورگنیف می گوید: «ستایش بلینسکی بیشتر مرا دستاچه کرد... من هر جا می رفتم تکذیب می کردم که من آن اثر را منتشر کرده ام».

نخستین اثر منشور او کتابی به نام خاطرات یک ورزشکار بود که بین سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۵۰ نوشته شد. وی در این کتاب وضع بد زندگی دهاقین روسیه را مورد تنقید قرار داد و آن را سخت کوبید. مقامات دولت تزاری از انتشار این کتاب رنجیدند اما بهانه ای برای بازداشت تورگنیف پیدا نکردند. ولی وقتی تورگنیف در مقاله ای از گوگول نویسنده روسی تمجید کرد او را یک ماه به زندان انداختند و سپس تبعیدش کردند. او از این دوره برای مطالعه و نگارش استفاده زیادی کرد. در این زمان او «آشیانه یک اشرافزاده» را نگاشت. در تمام کارهای او ردپای مشخص یک مرد هنرمند دیده می شود. تورگنیف در این زمان بیشتر در غرب شهرت به دست آورد تا در وطنش. وی در ۱۸۶۲ در «بادن بادن» آلمان خانه بزرگی خرید و تا ۱۸۷۰ در آنجا زیست.

تولستوی، لئو (نویسنده، فیلسوف)

لئو تولستوی داستان نویس، فیلسوف اخلاقی و مصلح بزرگ اجتماعی روس در نه سپتامبر ۱۸۲۸ در ایالت «تولا» به دنیا آمد و در بیست نوامبر ۱۹۱۰ جهان را بدرود گفت. تولستوی از اشرافزادگان روس بود. پدر و مادرش وقتی او کودک بود مردند و زنان خویشاوند او را بزرگ کردند.

تولستوی در محضر استادان غیر روسی تعلیم و تربیت یافت. وی در ۱۸۴۸ یعنی شانزده سالگی در دانشگاه «کازان» نام نویسی کرد. در این دانشگاه برخی از دروس او خوب بود اما کوشش تولستوی صرف این می شد که با طبقات عالی مردم شهر کازان

جهانی اول، در قسمت سیاسی وزارت امور خارجه انگلیس مشغول به کار بود و در سال ۱۹۱۹ نیز به مناسبت مقام سیاسیش به عنوان نماینده انگلیس در کنفرانس صلح پاریس شرکت جست. بین سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ استاد تاریخ، ادبیات، زبانهای یونانی و یونانی جدید در دانشگاه لندن بود و از سال ۱۹۲۵ به بعد کرسی استادی تاریخ بین‌المللی این دانشگاه را در اختیار گرفت. او تاکنون کتابهای زیادی درباره تاریخ یونان و سرگذشت شمون نگاشته است، کتاب تحقیقی در تاریخ نیز از آثار وی می‌باشد.

تهرانی، حسین

حسین تهرانی در سال ۱۲۹۰ شمسی در تهران، خیابان ایران متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان امیراتابک به پایان رساند.

تهرانی در کودکی زحمات و مصائب فراوانی متحمل شده بود و آثار آلام و مصائب دوران طفولیت تا پایان عمر در چهره‌اش باقی بود. وی در جوانی با آن که از حیث مادی در مضیقه بود ولی هیچگاه از عشق خود که همین يك مشت پوست و چوب باشد مأیوس نشد و ضرب را به زیر عبا می‌گرفت و با پشتکار و جدیت به نزد استاد خود، حسین خان اسماعیل‌زاده می‌رفت. تهرانی از سال ۱۳۰۷ کار جدی خود را نزد اسماعیل‌زاده آغاز کرد و به علت رایج نبودن خط موسیقی، تمرین‌های تنبک را به کمک اصطلاحاتی مثل: «بله و بله و بعله‌دیگه» و «یکصدویست و چهار، یکصدویست و چهار» و غیره به حافظه می‌سپرد.

تا قبل از حسین تهرانی، آلت ضرب یا تنبک از کم‌ارج‌ترین آلات موسیقی بود و نوازنده تنبک بی‌ارج‌ترین عضو يك ارکستر به‌شمار می‌رفت و

«صلح» و «آناکارینا» را در این دوره به‌رشته تحریر درآورد.

تولستوی اندک‌اندک احساس نارضایی از زندگی می‌کرد. تردید و زدگی در قلب او ریشه می‌دواندند. او مدام در جستجوی معنای زندگی بود و به آنچه که به‌دست آورده بود خرسند نبود. در معنای مسیحیت غور کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که انجیل خطاها و تحریفات بسیار دربردارد. اما منکر معنای اصلی مسیحیت نشد. تولستوی می‌گفت: «نباید درصد اطفال نفس حیوانی بود. باید مهربانی کرد. زندگی بدون مهربانی معنا ندارد». تولستوی به این پنج فرمان انجیل اعتقاد داشت: خشنم‌نك مشو، شهوترانی مکن، در برابر آن‌کس که شرور است مقاومت مکن، نسبت به دادگران و بیدادگران مهربان باش، ناسزا مگو و سوگند مخور.

در سالهای آخر عمر تولستوی در جهان مشهور گردید و مردم دنیا برای دیدن او به املاکش می‌رفتند. تولستوی سرانجام در هشنادودسالگی از املاک خود گریخت. او می‌گفت: «شرمم می‌آید که من در فاه و راحت زندگی کنم و دیگران با گرسنگی بسر برند». مدتها با زنش بر سر تقسیم املاکش گفتگو داشت. زن او نمی‌خواست تولستوی املاکش را از دست بدهد. او وقتی فرار کرد خود را به خدا نزدیک‌تر می‌دید. چند روز بعد از فرار در يك ایستگاه راه‌آهن جان سپرد و جسدش را برای دفن به املاکش بردند. بهترین کتابهای او عبارتند از: تاریخ دیروز، کودکی، جوانی، سهم‌گ، جنگ و صلح، آناکارینا، ماجراهای سیاست و پول و باباسرزی...

توین بی

آرنولد جوزف توین بی تاریخ‌نویس معاصر انگلیسی به سال ۱۸۸۹ متولد شد. در طول جنگ



شرکت نمود، بعد به یوگسلاوی مراجعت نمود و تا سال ۱۹۲۷ به عنوان مکانیک و متخصص ماشین آلات در کارخانه‌های مختلف مشغول شد. از سال ۱۹۲۷ الی ۱۹۲۸ ریاست اتحادیه کارگران فلزکاری را به عهده گرفت. بعد در فعالیتهای حزب غیرقانونی کمونیست یوگسلاوی شرکت نمود و در سال ۱۹۲۸ به شش سال حبس به علت وسیله‌سازی و توطئه‌چینی محکوم گشت. پس از آزادی، کشور یوگسلاوی را ترک نمود و از سال ۱۹۳۶ الی ۱۹۳۸ به تشکیل بریگارد بین‌المللی در جنگهای ساحلی اسپانیا همت گماشت. قبل از پایان جنگ جهانی دوم به یوگسلاوی مراجعت نمود و پس از حمله قوای پارتیزانها در سال ۱۹۴۳ به ریاست کمیته ملی حزب آزادیخواه انتخاب گشت. از سال ۱۹۴۵ الی ۱۹۵۳ سمت وزیری و وزارت دفاع ملی به وی واگذار شد.

در سال ۱۹۵۳ به ریاست جمهوری و شورای اجرایی فدرال و فرمانده کل قوای یوگسلاوی نایل آمد. وی در سال ۱۹۸۰ از دنیا رفت.

ثانی صفوی

شاه عباس دوم فرزند شاه صفی صفوی شب جمعه ۱۸ جمادی الاخره سنه ۱۰۴۲ در قزوین تولد یافت و در ده سالگی در کاشان جلوس کرد و به تاریخ

موظف به انجام کارهای دیگر افراد ارکستر بود و مثلاً آلات موسیقی را از محل کار به درشکه و از درشکه به محل جشن یا مهمانی می‌برد و می‌آورد و در یک کلمه «پادو»ی ارکستر بود زیرا نواختن تنبک تنها، کار مهمی به‌شمار نمی‌رفت و واقعیت هم همین بود. صفحه‌های موسیقی که در پنجاه شصت سال پیش ضبط شده‌اند نشان می‌دهند که نوازندگان ضرب یک صدای مبهم و بی‌ارزشی از ضرب درمی‌آوردند که هیچ شباهتی با صدایی که اکنون از تنبک درمی‌آید ندارد.

اما حسین تهرانی با نبوغ ذاتی و استعداد خدادادی و گذشت و فداکاری این آلت موسیقی را از ذلت نجات و به درجه و مقام کنونی خود رساند. حسین تهرانی چه در زمان حیات چه پس از مرگ از ثروت و مال و منال دنیا بهره‌چندانی نداشت. همه ثروت او منحصر به خانه محقری در یکی از محلات دوردست تهران بود که با قرض از بانکها و کمک وزارت فرهنگ و هنر تهیه کرده بود. او شاید از افراد نادری است که در طول تاریخ هنر و هنرمندی استعداد و نبوغ خود را صرفاً در راه احیا و اشاعه هنر خود صرف کرد و به کار دیگری نپرداخت.

تیتو، یوزیپ بروز

یوزیپ بروز در ۲۵ مه ۱۸۹۲ در دهکده کومروویچ ایالت کولدرات (در آن زمان بخشی از امپراتوری اتریش - هنگری بود) تولد یافت. وی یکی از ۱۵ پسر نعلبندی بود که در ۱۲ سالگی چوپانی و در ۱۵ سالگی نزد قفل‌سازی شاگردی می‌کرد و به کلاس‌های شبانه می‌رفت. از سال ۱۹۱۴-۱۹۱۵ در ارتش مجارستان خدمت نمود. از سال ۱۹۱۵ الی ۱۹۱۷ بدفعات در اردوگاههای نظامی شوروی زندانی گشت. در انقلاب روسیه



حکمت و کلام در تاریخ و جغرافیا و نجوم و ادب و علم الرجال و کتاب‌شناسی نیز تسلط داشت و ... به زبان پارسی و عربی و ترکی و فرانسه مسلط بود. شعر نیکو می‌سرود و خط را خوش می‌نوشت و در ترسل و انشاء، به روش قائم‌مقام فراهانی و امیر نظامی گروسی، نثری شیرین و سبکی نمکین و اسلوبی ملمع و مرصع داشت. در سیاست و اجتماع، با آگاهی و وقوفی کامل و شامل، خطیبی فصیح و بلیغ و ناطقی نافذ‌الکلام و طلیق‌اللسان بود... ثقة‌الاسلام در هفتم رجب سال ۱۲۷۷ قمری به دنیا آمد و در ۱۰ محرم ۱۳۳۰ قمری در ۵۳ سالگی در شهر تبریز شربت شهادت نوشید. او را با چند تن دیگر در تبریز در محل سر‌بازخانه دولتی (که امروز کتابخانه تربیت و دانشسرای راهنمایی در آن محل تأسیس یافته) بردارش کردند. بعد از شهادت او مراثی و ماده تاریخی‌هایی سروده‌اند.

جابرین حیّان (شیمیدان)

جابرین حیّان از دی کوفی از دانشمندان و شیمیدانان مشهور اسلامی است. شهرت جابر مربوط می‌شود به سالهای بین ۱۵۹-۱۸۶ هـ.ق. وی مدتها در کوفه بسر برده است. در کتابخانه‌های اروپا ۲۲ رساله عربی به نام جابر هست که پنج عدد از آنها به چاپ رسیده: کتاب الملك، کتاب الموازین الصغیر، کتاب الرحمة، کتاب التجمیع و کتاب الزیبق

۲۵ ربیع‌الاول سال ۱۰۷۷ در خسروآباد دامغان درگذشت و در قم دفن شد. این پادشاه در اصفهان آثار و ابنیه‌ی از خود به یادگار گذاشته؛ عالی‌قاپو و چهل‌ستون و عمارات سعادت‌آباد از آن جمله است. میرزا محسن تأثیر مثنوی گلزار سعادت را در توصیف همین سعادت‌آباد منظوم ساخته و ولی قلی بیگ شاملو قصص خاقانی را به سال ۱۰۷۲ به نام همین پادشاه تألیف کرده است. به نوشته نصرآبادی دقت طبع این پادشاه در محاسبات دفتری به مرتبه‌ی بوده که در حاشیه ارقام و احکام تصرف و اعتراض می‌فرموده که به خاطر شمس سیاق نرسد. طبعش در ایراد معانی کمال قدرت را داشته و نانی تخلص می‌کرد.

ثقة‌الاسلام تبریزی

ثقة‌الاسلام میرزا علی آقا پسر حاج میرزا موسی آقا ثقة‌الاسلام پسر حاج میرزا شفیع آقا صدر ثقة‌الاسلام و او پسر میرزا محمدجعفر صدر و او پسر میرزا محمدشفیع و او پسر میرزا یوسف و او پسر میرزا محمدعلی است. میرزا محمدشفیع (جد چهارم ثقة‌الاسلام) معاصر نادرشاه بود و طبق فرمان این پادشاه در جمادی‌الاولی سال ۱۵۵۳ هـ.ق. به منصب مستوفیگری دارالسلطنه تبریز گماشته شد. جد ثقة‌الاسلام از مجتهدان زمان خود و صاحب کشف و کرامات بود. در مقدمه کتاب زندگینامه ثقة‌الاسلام مسطور است که: اصل این خانواده از خراسان است که در ۲۵۰ سال قبل به تبریز آمدند و در این جا وطن جستند. تحصیلات ثقة‌الاسلام، از لحاظ علوم معقول و منقول، در ایران و عتبات عالیات انجام گرفت. تا آن حد که به درجه رفیع و مقام منبع اجتهاد نایل آمد. به قول حکیم بارع و علامه جامع‌آقای سیدمحمدکاظم عصار ادام‌الله عمره الشریف (دوست و هم‌مجلس آن مرحوم) وی علاوه بر فقه و اصول و

الشرقی.

جاربردی

ابوالمکارم فخرالدین احمد بن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم، که در سال ۷۴۶ ه.ق در تبریز از دنیا رفت. علت نامیده شدن وی به جاربردی مربوط می‌شود به جاربرد - شهری واقع در شمال ارس و شمال جمهوری آذربایجان - که در آن شهر به دنیا آمده بود.

وی پیوسته مواظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به تعلیم طالبان علم ممارست می‌نمود. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدین ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات زیادی داشته، از جمله: شرح شافیة ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشف المغنی که رساله‌ای است در نحو.

جاکسن، ویلیامز

ویلیامز جاکسن خاورشناس آمریکایی، که تحصیلات اولیه خود را در آلمان به پایان برد و در باب تاریخ و اصول دین زردشت و زبان اوستایی و فرهنگ ایران قدیم مهارت تمام یافت و در دانشگاه کلمبیای آمریکا استاد زبانهای هند و ایرانی و فرهنگ ایران بود و به ایران نیز مسافرت کرد. از آثار مهم جاکسن می‌توان به «زردشت پیامبر ایران قدیم»، «تبعات زردشتی» و «ایران، در گذشته و حال» اشاره کرد. مرگ وی در سال ۱۹۳۸ میلادی اتفاق افتاده است.

جالینوس (پزشک)

معروفترین پزشک یونان باستان که در سال ۱۳۱ قبل از میلاد در آتن به دنیا آمد. وی در تشریح، کشفیات گرانهایی دارد و آثار او در اسلام نیز معروف

نظریات رسمی و اختصاصی جابر در کتب یاد شده، مخصوصاً در کتاب الرحمة که اصالت آن قطعی است عبارت است از عقیده تجسم و عقیده‌ای که روح را علت غایی موجودات داند. دیگر آنکه فلزات را ذی حیات تصور می‌کند. آنها در سینه زمین هزاران سال به صورت ناقص مانده (مانند سرب) و سپس کمال یافته‌اند (مانند طلا). علم کیمیا برای تسریع این کمال و دیگرگونی است.

جاحظ

عمرو بن بحر بن محبوب بن فزارة کتانی بصری، مکنی به ابو عثمان و معروف به جاحظ. علت شهرت وی به جاحظ این بوده که وی بدصورت و ناخوش منظر بود و به همین جهت او را جاحظ که به معنی «برآمده چشم» است نامیده‌اند. وی در سال ۱۶۰ ه.ق در بصره به دنیا آمد و در این شهر زندگی کرد و از اصمعی و ابو عبیده و ابوزید و دیگران تعلیم‌ها دید و استفاده‌ها برد و با بسیاری از نویسندگان و مترجمان فارسی و سریانی آمیزش داشت. به بغداد بسیار سفر می‌کرد و در عهد وزارت محمد بن الزیات نزد او رفت، سپس مجدداً در بصره اقامت کرد تا به مرض فالج به سال ۲۵۵ ه.ق در همین شهر درگذشت.

جاحظ ریاست فرقه معروف جاحظیه از فرقه‌های معتزله را به عهده داشت. از آثار معروف او الاصنام، البخلاء، البیان و التبین، التاج فی اخلاق الملوك، الحنین الی الاوطان، الحيوان، رسائل الجاحظ، المحاسن والاضداد، و صد کلمة حضرت علی (ع) را می‌توان نام برد.

وی خوش خط و نیکوسخن بود.

او به کثرت تألیفات شهرت یافته. بعضی آثار او را به حساب حروف تخلص وی ۵۴ رساله و کتاب ذکر نموده‌اند. از مهمترین آثار منشور جامی: بهارستان، نفعات الانس، نقدالنصوص، لوايح، شواهدالنبوه و اشعةاللمعات می باشد.

دیوان وی شامل قصیده، ترجیع بند، غزل، ملمع، قطعه و رباعی است. علاوه براین، هفت مثنوی به نام سبعة یا هفت اورنگ سروده است. جامی در سال ۸۹۸ هجری وفات یافت.

هفت اورنگ وی شامل هفت مثنوی به تقلید خمسة نظامی است به نامهای: سلسله الذهب، سلامان و ايسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری.

جانی کاشانی

حاج میرزا جانی کاشانی پسر حاج محمدحسن معروف به پرپا، مؤلف کتاب معروف «نقطة الکاف» در شرح احوال سیدعلی محمد باب و اصحاب و اتباع او و حوادث آن دوره پر آشوب در تاریخ فرقه بابیه و از تجار کاشان و از قدمای گروندگان غیابی به باب بوده است. وی همان کسی است که وقتی حاج میرزا آقاسی باب را تحت الحفظ از اصفهان به آذربایجان و به ماکو می بردند چون به حوالی کاشان رسیدند، با پرداخت هزار تومان زر نقد به رئیس مستحفظین، باب را يك شب در کاشان در منزل خود نگهداشت. وی در آن شب مانند کمترین خدام دست به سینه مشغول به خدمتگزاری وی شد.

پس از توطئه ترور به جان امیرکبیر، حاج میرزا جانی نیز جزو ۲۸ نفری بود که دستگیر شد و به اشد انواع عقوبتها از جمله شمع آجین نمودن محکوم شد و پس از کشته شدن در گورستان مزار سید ولی در تهران دفن شد.

جبران خلیل جبران

و مورد استفاده بوده است. اهمیت جالینوس در تدوین و تنظیم اطلاعات علمی و عملی یونانیان در طب، کوشش در استوار کردن این علم بر مبانی تجربه است. اجساد متعددی از حیوانات و معدودی جسد آدمی را تشریح کرد؛ در رشته‌های تشریح، فیزیولوژی، جنین شناسی، آسیب شناسی، درمان شناسی و داروشناسی اطلاعات تازه‌ای به دست آورد.

جالینوس عالمی بسیار نوین و تیزبین بود. به سبب وسعت اطلاعات، هوش سرشار و بیان ساده اش آثار وی تا قرن ۱۶م. از حیث اعتبار بی رقیب بود. در دوره اسلامی بسیاری از تألیفات وی به وسیله حنین بن اسحاق و دیگر مترجمین به عربی ترجمه شده است. در تاریخ تولد و مرگ جالینوس اختلاف است.

جامی (شاعر)

نورالدین عبدالرحمن جامی در سال ۸۱۷ هجری در خرچردجام متولد شد. وی در جوانی به اتفاق پدرش از جام به تهران رفت و در مدرسه نظامیه آنجا مشغول تحصیل شد. جامی به علت ارادتی که به شیخ الاسلام احمد جام داشت و نام مولدش، تخلص جامی گرفت. وی از علما و عرفای بزرگ ایران است. جامی صوفی و از پیروان طریقه نقش بندیه و سنی بود ولی از تعصبات خشک این مذهب برکنار بود.

جامی نه تنها در ایران بلکه در هندوستان، افغانستان و آسیای صغیر هم معروف بود. سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی وی را محترم می شمردند و او را اکرام می کردند. سلاطین عثمانی با او مکاتبه و روابط دوستانه داشتند. به علت اطلاعات زیادی که در خصوص علوم مختلفه داشت آثار وی بسیار و از تنوع برخوردار است بحدی که

۱۳ آوریل ۱۷۴۳ دیده به جهان گشود. در سال ۱۷۶۷ به وکالت پذیرفته شد و پی‌درپی موفقیت‌هایی کسب نمود.

در ۱۷۶۹ به عضویت کانون وکلا درآمد و در همانجا بود که با شوق و علاقه به کمیته انقلابی پیوست. در سال ۱۷۷۴ به عنوان يك وکیل به کنگره ملی فرستاده شد و در آنجا اعلامیه معروف خود را در زمینه استقلال قرائت کرد. طی سالهای بعدی مرتباً مشاغلی نصیب جفرسون می‌شد، تا اینکه در سال ۱۷۸۴ با فرانکلین و آدامز به عنوان وزیر مختار به فرانسه رفت. در همان سال پیشنهادی درباره الغاء بردگی داد که رد شد، اما آن چنان بر سر این کار پافشاری کرد که در ۱۷۸۶ به تصویب رسید.

در ۱۷۹۶ معاون رئیس جمهوری و چهارسال بعد رئیس جمهور شد و دو دوره در این سمت باقی ماند. مردم آمریکا علاقه‌مند بودند که او را برای سومین بار نیز به ریاست جمهوری انتخاب کنند، اما او خود کناره گرفت و بقیه عمر را در ملک شخصی خویش به نویسندگی و کشاورزی و نواختن موسیقی پرداخت تا بالاخره در ۴ ژوئیه ۱۸۲۶ وفات یافت.

جلالی اصفهانی (شاعر)

میرزا فتح‌الله اصفهانی پسر میرزا عبدالرحیم افسر خلف میرزا محمدعلی مسکین است. دیوان بیگی در جلد اول حدیقه الشعراء درباره وی می‌نویسد: «خط نستعلیق را خوب می‌نوشت به قسمی که جد و اقراش اصرار می‌کردند که رشیدا تخلص نماید و پدرش به ملاحظه این که مغرور نشود می‌گفت لایق این تخلص نیست. هنوز هم تخلص دیگر اختیار نکرده بود. اما شعرش با این سن (۱۷ سالگی) به اعتقاد فقیر قابل تحسین است و اگر مربی و مشوق ببیند البته خیلی ترقی خواهد کرد. تربیت جد و پدر خاصه مسکین، همین قدر است که

از شاعران عرب بود که در لبنان تولد یافت (سال ۱۸۸۳ میلادی) و سبکی نو پدید آورد. وی از پیشوایان نهضت روشنفکری و ادبیات جدید عرب بود. از آثارش می‌توان به: بالهای شکسته، پیامبر، ارواح سرکش، عیسی پسر انسان اشاره کرد. مرگ جبران در سال ۱۹۳۱ میلادی بوده است.

جعفر طیار

جعفر بن ابی‌طالب، ملقب به ذوالجناحین و مشهور به جعفر طیار، و برادر علی بن ابی‌طالب (ع)، که در غزوه موهه رایب مسلمانان را برعهده داشت و با مشرکان جنگید تا آنگاه که هر دو دست وی را بیفکندند، و او با دو دست بریده پرچم اسلام را باز برپای می‌داشت تا زمانی که کشته شد (سال هفتم ه.ق). حضرت رسول (ص) فرمود: «ان الله قد بدله بهما جناحین یطیر فی الجنة حیث ما شاء. یعنی: خدای تعالی او را به جای آن دو دست دوبال عطا فرمود که بدانها در بهشت پرواز کند به هر جای که خواهد.»
قبر او در موهه است.

جغتای

دومین پسر جنگیزخان مغول که در زمان حمله جنگیز به ایران یکی از فرماندهان مغولان بود و جنگیز او را مأمور اجرای احکام جنگیزی و انجام دادن مجازاتها و سیاستها کرد. جنگیز در حیات خود ممالک سابق قراختانیان و ماوراءالنهر را به جغتای داد.

جلوس جغتای به تخت سال ۶۲۴ ه.ق و مرگ وی به سال ۶۳۹ ه.ق بوده است.

جفرسون، توماس

توماس جفرسون سومین رئیس جمهور آمریکا در

انتشار داد، بعضی‌ها جنگ با تقدیر و طبیعت را مغایر با موازین دینی دانستند و مبارزات او را علیه بیماری آبله تقبیح کردند. بهر حال عقاید گوناگونی در مورد نظریات او ابراز شد. همین که هیجان مردم فرو نشست جنر به آرامی نظریات و کشفیاتش را به اثبات رسانید و متعاقب آن شهرت و موفقیت از همه سوی دنیا برایش به ارمغان آمد.

ادوارد جنر پس از احراز این موفقیت از لندن به گلوکسترشایر بازگشت تا باقی عمر را در مزرعه شخصی‌اش بگذراند. او در ژانویه ۱۸۲۳ وفات یافت.

جواهر رقم (خطاط)

سیدعلی بن میرزامقیم از اولاد میرشاهمیر ساکن اصفهان و شاعر و خطاط بوده که در سال ۹۴۰ هـ.ق در دهلی دار فانی را وداع گفت. وی نستعلیق را از پدر خود - که شاگرد میرعماد بود - تعلیم یافت و با ممارست در مشق از خط میرعماد، شیوه وی را فرا گرفت.

در عهد سلطنت شاه جهان به همراهی پدر به هند رفت و به دربار عالمگیر راه یافت و از ملازمان پادشاهی گردید و به خطاب «خان» و لقب «جواهر رقم» و منصب کتابداری خاصه سرافراز شد.

جورن، ناتان

ناتان جورن اصلاً اتریشی است. در سال ۱۹۰۷ متولد شد. بعد از اتمام تحصیلاتش در وین، آرشیوتکت سرشناسی شد. پس از انجام کار طراحی صحنه چند فیلم آلمانی و اتریشی، بعد از مدتی به هالیوود سفر کرد (۱۹۳۷) و در مقام طراح دکور و صحنه در فیلمهای متعددی فعالیت کرد (این زمینه کارش تا سال ۱۹۵۲ ادامه داشت) و یک بار هم برنده جایزه اسکار بهترین طراح صحنه برای فیلم «دره من چه

از علم و فن آگاهی حاصل نماید. ولی تربیت بزرگان و احسان وصله و تحسین ایشان ذوقی خاص می‌آورد.»

دیوان شعرش متضمن غزل، قصیده و رباعی است.

جناح، محمدعلی (سیاستمدار)

از پیشوایان سیاسی پاکستان بود که تحصیلاتش را در انگلستان گذرانید. وی ملقب به قائد اعظم، رهبر مسلمانان هند است که در سال ۱۲۹۳ هـ.ق در کراچی به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۸ هـ.ق در همین شهر از دنیا رفت. محمدعلی جناح در رهبری مردم شبه‌قاره هند به سوی آزادی و استقلال کوشش بسیار کرد و پس از کسب استقلال پاکستان نخستین رئیس حکومت آن کشور گردید.

جنر، ادوارد (کاشف)

ادوارد جنر، در ۱۷ مه ۱۷۴۹ در «گلوکسترشایر» انگلیس متولد شد. پدرش که مردی مذهبی بود، او را برای تحصیلات مقدماتی، به مدرسه محلی فرستاد. ادوارد بزودی علاقه‌اش را در شناسایی علم‌الحیات نشان داد و در رشته طب به تحصیل پرداخت. یک راه برای تحصیل طب در آن زمان این بود که در نزد پزشکی دیگر تحصیل کرد و ادوارد جنر شاگرد جراحی به نام «دانیل لادلو» گردید. در سن ۲۱ سالگی، به بیمارستان «سنت جرج» لندن رفت تا تحت نظر «جان هانتز» تحصیل و کار کند. جان هانتز مشهورترین جراح عصر خود بود. پس از مدتی همکاری با جان هانتز، شخصاً به مطالعه و تحقیق در مورد بیماری آبله که در آن عصر بیرحمانه مردم را به دیار عدم می‌فرستاد، پرداخت. شب و روز در راه کشف سلاح ضد آبله کوشید و به دنبال این کوششها به کشفیاتی هم نایل گردید. هنگامی که کشفیاتش را

سبز بود» گردید و چندین بار نیز کاندید دریافت اسکار شد.

وی در سال ۱۹۵۳ با کارگردانی فیلم «قلعه سیاه»، فعالیتش را در این زمینه آغاز کرد. فیلم «قلعه سیاه» او چه از نظر کیفی و چه از جهت مالی توفیقی نسبی داشت و نظرها را معطوف او ساخت و ناتان جورن که از نظر مادی نیز موقعیت خوبی داشت، علاوه بر کارگردانی و طراحی صحنه، تهیه فیلمهای معروفی چون: دود اسلحه، قانون و حکم، شاهراه خطر، تیغه طلایی، تار عنکبوت بدشکل، کوس عبور از رودخانه و ... را بوجود آورد که هر چند فیلمهای شاخصی نیستند، ولی همگی از ارزشهای نسبی برخوردار بوده‌اند.

جووانی، خوزه (کارگردان سینما)

کارگردان و نویسنده فرانسوی، متولد ۱۹۲۳ در کورس، که در جریان جنگ جهانی دوم، عنصر فعال نهضت مقاومت ملی فرانسه بود و به همین علت به زندان افتاد و همین جریانات سیاسی او را از تحصیلات عالی دور نگاه داشت و دروسش نیمه تمام ماند. در زندان کار نویسندگی را شروع کرد و اولین داستانش را به نام «حفره» در سال ۱۹۵۷ منتشر کرد. در ۱۹۶۰، همین داستان را با همکاری یک فیلمنامه‌نویس تبدیل به سناریو کرد و از ۱۹۶۶ دست به کارگردانی زد. داستان اکثر فیلمهایش را خودش نوشته است.

آثار او در مقام فیلمنامه‌نویس: زندگی پرخطر (۱۹۵۹)، حفره (۱۹۶۰)، دومین نفس (۱۹۶۵) و حادثه جویان (۱۹۶۷).

آثار او در مقام کارگردان: قانون بقا (۱۹۶۶)، پرنده شکار (۱۹۶۸)، آخرین اقامتگاه (۱۹۶۹)، بلیط یک سره (۱۹۷۰)، تام کجاست (۱۹۷۱)، دسته‌ای از مارس (۱۹۷۲)، دو مرد در

شهر (۱۹۷۳)، کولی (۱۹۷۵)، مثل یک بومرنگ (۱۹۷۶) و فاضلاب بهشت (۱۹۷۹).

جوهری کردستانی (شاعر)

خسرو بیک، متخلص به جوهری، از انجباب کردستان است که در خدمت ولایت بصری می‌برد. وی از معاصران رونق از شعرای باذوق دوره قاجار کردستان است. جوهری علی‌رغم اینکه در آن حدود تقیه شدید برای شیعه بود - حتی سلسله ولایت هم که تمامی شیعه بودند محض حفظ ملک خود کمال تقیه می‌نمودند - وی به اظهار مراثی و مدایح ائمه اطهار خیلی اصرار می‌ورزید.

جوهری علاوه بر مراثی و محامد اهل بیت عصمت، غزلیاتی نیز سروده است از جمله:

مجلسست خواست مصور به قلم آرآید

دف‌زنان مشتری و رقص کنان زهره کشید

جینز (ستاره‌شناس)

جیمز هاپوود جینز، ستاره‌شناس، ریاضیدان و فیزیکدان انگلیسی، که مدتها در دانشگاه پرینستون تدریس کرد. وی درباره زمین و منظومه خورشیدی بررسی‌هایی کرد و نظریه سحابی را معتبر ندانست. کتابهای نظیر: دینامیک گازها، نظریه برق و مغناطیس و جهان اطراف و فضا و زمان را تألیف کرد.

جیوسن، نورمن

کارگردان صاحب سبک و نام‌کانادایی، متولد ۱۹۲۶ در شهر تورنتو، که تحصیلاتش را در دانشگاه محل تولدش به پایان رساند. مدتی شاگرد مک لوهان، نویسنده و هنرپیشه معروف تلویزیون بی.بی.سی لندن می‌شود و سپس در مقام تهیه‌کننده و کارگردان تلویزیون بی.بی.سی به کشورش کانادا بازمی‌گردد. از ۱۹۵۸ به آمریکا مسافرت کرده و در تلویزیون

در سال ۱۹۲۳ م. با برادرش نمایشنامه‌ راز ماکرو- پولوس را نوشت. وی زندگی‌نامه‌ گونه‌ای مفصل از مازاریک نیز نوشته است. کارخانه‌ مطلق سازی و داستانهای جنّ و پری نیز از آثار این نمایشنامه‌ نویس است. هر دو کتاب به فارسی ترجمه شده است.



چاپلین، چارلز

چارلز اسپنسر چاپلین معروف به چارلی، فیلمساز مؤلف و یکی از نامدارترین هنرمندان سینما در جهان، در ۱۶ آوریل سال ۱۸۸۹ در حومه‌ لندن دیده به جهان گشود. پدر و مادرش هر دو در تالارهای موسیقی آن روز لندن نسبتاً شهرت داشتند. پدر چاپلین در اثر افراط در خوردن الکل در سن سی‌وهفت سالگی درگذشت و مادرش به علت فقر و تنگدستی چارلی پنج ساله را به نوانخانه سپرد. چاپلین در هفت سالگی به خانه بازگشت. بدین ترتیب دوران کودکی این نابغه بزرگ با سختی و محنت گذشت.

در سال ۱۹۰۱ چارلی به اتفاق برادرش سیدنی به مدت چند سال به نمایشهای دوره‌ای می‌روند، تا اینکه در ۱۹۰۷ به گروه «فرد کارنو» می‌پیوندند و به نمایشهای دوره‌ای در فرانسه و آمریکا و کانادا می‌پردازند. چارلی که حالا از نظر مالی وضعیت نسبتاً خوب شده مادرش را به آمریکا می‌آورد و به یک بیمارستان خصوصی می‌فرستد. طی سالهای ۱۹۱۴

نیویورک چند سریال را کارگردانی می‌کند و سرانجام از سال ۱۹۶۲ دست به کارگردانی فیلم می‌زند. در سال ۱۹۶۵ بجای سام پکین‌پا، فیلم «قمارباز سین سیناتی» را کارگردانی می‌کند و آنگاه فیلم معروف «بیلی دوکلاسه» را تهیه می‌کند. آثار مهم او عبارتند:

چهل کیلو دردسر (۱۹۶۲)، مهیج‌ترین آنها (۱۹۶۳)، برای من گل نفرست (۱۹۶۴)، هنر عشق (۱۹۶۵)، بچه سین سیناتی (در تهران: قمارباز سین سیناتی - ۱۹۶۹)، روسها دارند می‌آیند (۱۹۶۶)، در گرمای شب (۱۹۶۷)، ماجرای توماس کراون (۱۹۶۸)، گیلی گیلی (۱۹۶۹)، ویلن زن روی بام (۱۹۷۱)، مالک (۱۹۷۲)، عیسی مسیح، سوپرستار (۱۹۷۲)، رولربال (۱۹۷۵)، مشت «فیست» (۱۹۷۸) و عدالت برای همه (۱۹۸۰)



چاپک، کارل (نویسنده)

نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس چکسلواکی، طی دوره جنگ جهانی اول به روزنامه‌نگاری پرداخت و پس از جنگ از معاشران صمیمی مازاریک بود. انتشار اولین نمایشنامه‌اش به نام روباتهای عمومی روسوم (۱۹۲۱ م.) سبب شهرت جهانی او شد. این نمایشنامه در هجو و انتقاد از تمدن ماشینی است که به زعم وی میلیونها انسان را از کار برکنار خواهد ساخت.

(۱۹۵۷) و کنتسی از هنگ کنگ (۱۹۶۷).



چایکوفسکی (آهنگساز)

پیتر و ایلیچ چایکوفسکی آهنگساز معروف روسی در ۲۵ آوریل ۱۸۴۰ در شهر «وتکینگ» به دنیا آمد. در ۱۹ سالگی فارغ التحصیل شد و در سال ۱۸۶۵ به کنسرواتوار پترزبورگ وارد شد. مدتی در نزد «رون شتاین» آهنگساز روسی شاگردی کرد. در کنسرواتوار مسکو به استادی برگزیده شد. اپرای «ایرچینک» به سال ۱۸۷۲ شهرت زیادی برای او به ارمغان آورد. در میان اپراهای او، اپرای «اوژن اونگین» شهرت بیشتری دارد. در زندگی عشقی شکست خورد. مدتی با عشقی مفرط به ساختن سمفونیها پرداخت. آهنگهای او به سبک غربی ساخته شده است. موسیقی او دلکش، جذاب و حساس است.

آثار برجسته او عبارتند از:

- ۱- سونات پیانو در سل ماژور ۲- سمفونی های ۴، ۵ و ۶، اورتورهای رمنو و ژولیت، هملت، توفان، بالتهای دریاچه قو و زیبای خفته.
- در سال ۱۸۹۳ به بیماری وبا در سن ۵۳ سالگی درگذشت.

آثار چایکوفسکی مشحون از ملودیهای زیبا است و رقت و شکفتگی احساسی که در آنها وجود دارد، او را در شمار بزرگترین آهنگسازان رمانتیک قرار داده

و ۱۹۱۵ در سی و پنج فیلم بازی می کند. در سال ۱۹۱۵ چارلی شروع به نگارش سناریو و کارگردانی می نماید و بیست فیلم از سی و پنج فیلم فوق را خود کارگردانی می کند. از این تاریخ است که چارلی به مقام کارگردانی و نویسندگی فیلمهایش ارتقاء می یابد.

در سال ۱۹۱۶ چارلی به شهرت قابل توجهی می رسد و به همین جهت کمپانی «میوچوال» او را برای ساختن دوازده فیلم به استخدام درمی آورد. در سال ۱۹۱۸ کمپانی «فرست نشنال» قراردادی به مبلغ یک میلیون و هفتاد و پنج هزار دلار در مقابل ساختن هشت فیلم ظرف مدت هجده ماه به اضافه مخارج تهیه با او می بندد. در سال ۱۹۱۹ چارلی، گریفیث، مری پیکفورد و داگلاس فربنکس به اتفاق هم کمپانی «یونایتد آرتیستز» را تأسیس می کنند. چارلی در ۱۹۲۱ اولین فیلم بلند خود به نام «پسریچه» را می سازد. در سال ۱۹۲۳ فیلم «زنی از پاریس» را برای یونایتد آرتیستز کارگردانی می کند.

از سال ۱۹۴۷ اتهامات سیاسی، توجه مردم را نسبت به او بیشتر می کند و بالاخره در سپتامبر ۱۹۵۲ حکم تبعید چارلی چاپلین از آمریکا صادر می شود و در همین سال چارلی پس از فروش قسمت اعظم سهام یونایتد آرتیستز آمریکا را با همسرش «اونا اونیل» ترک می گوید و از ۱۹۵۳ ساکن سوییس می شود. چارلز چاپلین در سال ۱۹۷۷ درگذشت.

تعدادی از فیلمهای مشهور این نابغه مسلم سینما به شرح ذیل است:

- خیابان آرام (۱۹۱۷)، ماجراجو (۱۹۱۸)، زندگی سگی (۱۹۱۸)، دوش فنگ (۱۹۱۸)، پسریچه (۱۹۲۱)، جویندگان طلا (۱۹۲۵)، سیرک (۱۹۲۸)، روشنائیهای شهر (۱۹۳۱)، عصر جدید (۱۹۳۶)، دیکتاتور بزرگ (۱۹۴۰)، مسیو وردو (۱۹۴۷)، لایم لایت (۱۹۵۲)، سلطانی در نیویورک



سه خواهر (۱۹۰۱) و باغ آلبالو (۱۹۰۴) از جمله نمایشنامه‌های او بود که در مسکو با موفقیت مواجه گردید. وی در سال ۱۹۰۱ با یک هنرپیشه به نام «اولگا» ازدواج کرد. در سال ۱۹۰۰ چخوف به به عضویت آکادمی علوم پذیرفته شد اما وقتی دولت عضویت ماکسیم گورکی را لغو کرد او استعفا داد. چخوف در دوم ژوئیه سال ۱۹۰۴ در «باون وایلر» واقع در جنگل سیاه درگذشت.

چرچیل

سِر وینستون چرچیل از چهره‌های سیاسی معروف انگلستان است که در سال ۱۸۹۵ میلادی به خدمت ارتش انگلستان درآمد. در کوبا با قوای اسپانیا و در جنگهای آفریقا شرکت جست. از سال ۱۹۳۶ نماینده منچستر شد و تا ۱۹۴۵ نمایندگی حزب محافظه‌کار را داشت. در سال ۱۹۵۱ عنوان لُرد درباری گرفت. مدتی وزیر دفاع ملی و چندبار به نخست‌وزیری رسید. نقش وی در مقاومت مردم انگلیس در مقابل حملات نازیها و بالاخره پیروزی متفقین بر دول محور آشکار و انکارناپذیر است. چرچیل نویسنده زبردستی بوده است؛ کتابهای تاریخی، زندگینامه‌ها و خاطراتی نوشته است. از آثارش «بحران جهانی» (۴ جلد، ۲۴-۱۹۲۳) و سلسله کتابهایی است که تحت عنوان عمومی جنگ جهانی دوم نوشته: طوفان نزدیک می‌شود (۱۹۴۸)،

است و احتمالاً ساخته‌های او بیش از آثار دیگر آهنگسازان اجرا می‌شود و رواج دارد.

چخوف، آنتوان

آنتوان پاولویچ چخوف درام‌نویس و داستانسرای روسی در روز هفدهم ژانویه سال ۱۸۶۰ در «تساگانروک» به دنیا آمد. پدرش تاجر و فرزندیک دهقان بود. چخوف در ژیمنازیوم مسقط الرأس خود تحصیل کرد و در ۱۸۷۹ (نوزده سالگی) به دانشگاه مسکو رفت و به تحصیل پزشکی پرداخت. وی در سال ۱۸۸۴ در بیست و چهار سالگی، درجه دکترای طب گرفت. اما جز در دوره آبیومی وبا در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ به طبابت نپرداخت. وی هنوز دانشجوی بود که زندگی ادبی را آغاز کرد و بزودی جزو بهترین نویسندگان جراید فکاهی درآمد. نخستین داستانهای او با نام مستعار «چخوف» انتشار یافت. در سال ۱۸۸۶ برخی از داستانهای او به صورت کتاب به نام «داستانهای رنگارنگ» منتشر شد. این کتاب موفقیت بسیار کسب کرد. در سال ۱۸۸۷ وی نخستین نمایشنامه خود به نام «ایوانوف» را تحریر کرد و در سال ۱۸۹۰ به جزیره ساخالین سفر کرد و نتیجه سفر او کتابی به همین نام بود که در سال ۱۸۹۱ انتشار یافت. این کتاب تاحدودی رژیم پلیسی تزار را که محکومین را به جزیره ساخالین می‌فرستاد تعدیل کرد. چخوف از سال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ با پدر و مادرش در ملکی که در نزدیکی مسکو خریده بود زندگی کرد. بعد از ۱۸۹۷ که در معرض تهدید مرض سل قرار گرفت ناگزیر شد قسمت اعظم اوقات خود را در کریمه و خارج از کشور بگذراند. وی در سال ۱۸۹۶ دومین نمایشنامه خود به نام «مرغ نوروزی» را انتشار داد. این اثر در پترزبورگ با عدم موفقیت روبرو شد، ولی دو سال بعد (۱۸۹۸) در مسکو از این نمایشنامه تجلیل شایانی شد. دایمی وانیا (۱۸۹۹)،



بهترین لحظاتشان (۱۹۴۹)، اتحاد بزرگ و محور سرنوشت (هر دو ۱۹۵۰)، حلقه بسته می‌شود (۱۹۵۱) و پیروزی و تراژدی (۱۹۵۳).

چنگیزخان مغول

نام اصلی وی تموچین و پسر یسوکای بهادر رئیس قبیله قیات از قبایل مغول بود، که پس از ابراز شجاعت و بیرحمی و سنگدلی به چنگیز ملقب شد. لفظ چنگیز در لغت به معنی قوی، محکم و بزرگ است. وی پس از مرگ پدر بر قبیله کرائیت غلبه یافت و سپس قوم اوغور را منقرض کرد و در سال ۶۱۶ هـ.ق به ممالک خوارزمشاهی حمله برد و در ظرف دو سال شهرهای ایران را تسخیر کرد و در سال ۶۱۹ هـ.ق به مغولستان بازگشت و پنج سال بعد درگذشت.

چنگیزخان، یاسای چنگیزی را - که راه و روش مملکتداری بود - پس از خود لازم الاجرا اعلام نمود، تا جایی که تیمور لنگ به این یاسا احترام می‌گذاشت و به آن عمل می‌کرد.

چیس، چارلی (سینماگر)

کارگردان و هنرپیشه آمریکایی متولد ۱۸۹۳ در مری‌لند. کار خود را با شوخیها و آوازاها و رقصهای ایرلندی در نمایشهای مختلف شروع کرد و از همان اوان اسم مستعار چارلی چیس را بر خود نهاد (اسم

اصلی او چارلز پاروت بود). در ۱۹۱۴ همکاری خود را با چارلی چاپلین آغاز می‌کند و در چند فیلم او بازی می‌کند. در ۱۹۱۶ به کمپانی فوکس وارد شده و از سال ۱۹۱۷ به کارگردانی مشغول می‌شود. در ضمن از بازی در فیلمها نیز غافل نبود و نه تنها در همه آثار خودش بازی می‌کرد، بلکه در بسیاری از فیلمهای دیگران، از جمله آثار برادرش «جیمز پاروت» بازی کرده است. در سال ۱۹۴۰ به علت حمله قلبی با زندگی وداع کرد.

آثار مهم او در مقام کارگردانی و بازیگری عبارتند از:

شغل جدید او (۱۹۱۴)، شکار (۱۹۱۵)، خمیر و دینامیت (۱۹۱۶)، درود به دردسر (۱۹۱۷)، معامله قرن (۱۹۳۳)، یک چیز ساده (۱۹۳۴)، در یک روز اتفاق افتاد (۱۹۳۵)، آه، چه شوالیه‌ای (۱۹۳۷)، نیمه‌راه هالیوود (۱۹۳۸) و شورش در جسم (۱۹۳۹).

چین، ارنست بوریس (زیست‌شناس)

چین، در برلین تحصیل کرد و در ۱۹۳۰ از دانشگاه فریدریش ویلهلم فارغ‌التحصیل شد. زندگی آرام و مرفه وی بر اثر روی کار آمدن هیتلر، در آغاز سال ۱۹۳۳ مختل و پریشان گردید. چین، چون دید که سلامت در دوری از وطن است، به انگلستان مهاجرت کرد و در کمبریج زیر نظر هابکینز به کار پرداخت. فلوری در ۱۹۴۳، او را به آکسفورد دعوت کرد. از آن پس این دودانشمند کارهای عمده و جالب خود را در زمینه پنی سیلین آغاز کردند؛ و همین رشته تبعات جالب بود که موجب شد چین و فلوری و فلمینگ مشترکاً به اخذ جایزه نوبل سال ۱۹۴۵ در رشته طب و فیزیولوژی نایل آیند.

کار علمی دیگر چین، کشف آنزیم موسوم به پنی سیلیناز است و آن آنزیمی است که نقش

حدود سال ۷۲۶ هجری در شیراز تولد یافت، پدرش بهاء‌الدین از اهالی اصفهان و مادرش ظاهراً از اهل کازرون بوده است. حافظ در زادگاه خود به تحصیل علم پرداخت و مجالس درس علما و فضلاء بزرگ زمان خود از جمله قوام‌الدین عبدالله (متوفی ۷۷۲ ه.ق) را درک نمود و در علوم به مقامی رفیع رسید. حافظ قرآن را بسیار مطالعه می‌کرد و آن را در حفظ داشت و تخلص شعری وی نیز به همین مناسبت بوده است.

وفات خواجه به سال ۷۹۱ هجری، یعنی درست صد سال بعد از وفات سعدی در شیراز اتفاق افتاد و در خاک مصلی به خاک سپرده شد.

حافظ با داشتن ذوقی لطیف که در درک مسایل عرفانی داشت، تعالیم حکمت را با آیات قرآنی درآمیخت و غزلیاتی سرود که غالب ابیات آنها از این گونه معانی عرفانی و فلسفی مشحون است. از ویژگیهای حافظ خوش‌آهنگ بودن کلام، تنوع مضامین، روانی گفتار و استواری لفظ و معنی است و اغلب به آیات قرآنی و احادیث نبوی مزین است و امثال فراوانی در شعر حافظ تلمیح شده و یا خود گفتار حافظ به صورت ضرب‌المثل و امثال سائره درآمده است.

گویند روزی که درگذشت تعدادی مغرض با استناد به بعضی از ابیات حافظ - که معنی درست آنها را نفهمیده بودند - مانع از دفن او در قبرستان مسلمانان شدند و آخر قرار شد از دیوان خود حافظ - که به همت دوستش محمد گلندام جمع‌آوری شده بود - تفألی بزنند، وقتی که دیوانش را گشودند این بیت آمد:

قدم دریغ مدار از جنازهٔ حافظ

اگر چه غرق گناهست می‌رود به بهشت

دانشمندی که آنجا حاضر بود فریاد کشید که به خدا او «لسان‌الغیب» است و از همان لحظه این

کاتالیزور را ایفا می‌کند.

پس از جنگ جهانی دوم چین به مدیریت علمی انستیتوی بهداشت رم برگزیده شد و با کمال خوشوقتی از این شغل استقبال کرد، چه می‌پنداشت در آنجا وسایل کار بهتری در اختیار خواهد داشت. با این حال، در ۱۹۶۱، به دانشگاه لندن بازگشت.

حاج خلیفه

مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، معروف به حاج خلیفه، مورخ و نویسندهٔ ترک، که در سال ۱۰۱۷ ه.ق در قسطنطنیه متولد و در سال ۱۰۶۷ ه.ق درگذشت. آثار عمدهٔ وی از این قرارند: جامع‌المتون؛ مشتمل بر سی متن از متون معتبر که مؤلف خود، بار دیگر دوازده متن آن را انتخاب کرد و «مختصر جامع‌المتون» نامید، تقویم التواریخ به ترکی؛ و آن نتیجهٔ کتب تاریخ و فهرست‌مانندی است برای آنها، جهان‌نما به ترکی؛ در هیأت و جغرافیا (دو نسخه)، سلم‌الوصول الی طبقات الفحول به عربی در ترجمهٔ احوال بزرگان و کشف الظنون.

حارث

حارث بن کلدۀ بن عمرو بن ابو‌علاج ثقفی مکنی به ابو وائل از مردم طائف، از بطن ثقیف مولای ابوبکرهٔ ثقفی، طبیب مشهور عرب، معاصر رسول‌الله (ص)، که در سال ۱۳ ه.ق از دنیا رفت. وی طب را در ایران در بیمارستان جندی‌شاپور آموخت و گویند دوبار به ایران آمد و در این کشور به طبابت پرداخت و بعضی از بزرگان ایرانی را معالجه کرد و از این راه مالی گردآورد.

گفته‌اند که حضرت محمد(ص) کسانی را برای معالجه نزد او می‌فرستاد.

حافظ، خواجه شمس‌الدین (شاعر)

تعریف لقب حافظ شد.

اشخاص موثق می شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالباً جانب حقیقت و راستی را گرفته.

وی زبانهای عربی و ترکی را می دانسته و در سرودن شعر نیز دست داشته. آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافیا، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جوامع التواریخ رشیدی.

حالت، ابوالقاسم (شاعر، محقق)

ابوالقاسم حالت شاعر، مترجم و محقق پرکار معاصر، در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات در شرکت نفت استخدام شد و در سال ۱۳۵۲ بازنشسته گردید. حالت از همکاران و عضو تحریریه مجله توفیق بود و در دهه اخیر نیز با مجله «گل آقا» همکاری داشت. آثار حالت در زمینه طنز با نامهای مستعار خروس لاری، هدهدمیرزا و ... چاپ شده است.

ابوالقاسم حالت سراینده نخستین سرود جمهوری اسلامی بود و در قوالب کهن نیز شعر می سرود و دستی در تذکره نویسی داشت. در این زمینهها از حالت دیوان او شامل قطعات، مثنویها، قصاید، غزلیات، رباعیات و نیز پروانه و شبنم شامل قصاید اخلاقی و عرفانی سعدی و تذکره شاهان شاعر برجای مانده است. در زمینه طنز نیز می توان از آثاری چون گلزار خنده، فکاهیات حالت، دیوان ابوالعینک، دیوان شوخ و ... از او نام برد.

ابوالقاسم حالت گاه به ترجمه آزاد می پرداخت و در این زمینه می توان به آثاری چون فروغ بینش، شکوفه های خرد، راه رستگاری، کلمات علی بن ابی طالب (ع)، کلمات قصار حسین بن علی (ع) و ترجمه کامل ابن اثیر اشاره کرد. تاریخ فتوحات مغول، تاریخ تجارت، ناپلئون در تبعید، زندگی من، زندگی بر روی می سی سی بی، پیشروان موشک بازی،

حافظ فقط دو مثنوی کوتاه و چند قطعه و رباعی سروده و بقیه اشعار او غزل هستند. او توانست با تلفیق اندیشه های عرفانی و عاشقانه سبک خاصی در شعر فارسی ایجاد کند که تا امروز نظیر ندارد. او سخن را به صنایع لفظی و بدیعی خاصه صفت ایهام چنان آراسته است که تمام غزلهای او واقعاً بین الغزل معرفت است و در ساختن ترکیبات چنان قدرت و کمال ذوق از خود نشان داده است که هیچ شاعری را با او نمی توان مقایسه کرد. سخنش با فکر لطیف و از علو فکر و طبع بی نظیر برخوردار است و او تمام عمر را با ریاکاران و زهدفروشان دروغین مبارزه کرده است. او در به کار بردن واژه های جدید نیز استاد بی نظیری بوده است و کلماتی نظیر: دیر مغان، پیر مغان، رطل گران، سالوس، طاغوت، کنشت و مضجه برای اولین بار در شعر حافظ به کار رفته است.

باید گفت که تا امروز صدها جلد کتاب و هزاران مقاله تحقیقی در شناخت حافظ و شرح اشعار او نوشته شده است. دیوان خواجه شامل مثنوی، قصیده، ملامع، غزل، قطعه، ترجیع بند، رباعی، مغنی نامه و ساقی نامه است که بعد از وفات وی به همت دوستش محمد گندام جمع آوری شده است.

حافظ ابرو

شهاب الدین عبدالله بن عبدالرشید، مورخ نامی دوره تیموری است که در سال ۸۳۴ هـ.ق درگذشت. وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت می کرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمندی یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم او بود. حافظ ابرو به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصاً از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته های خود تا حد امکان آنچه را که می دیده یا از

وی علاقه‌مند به ورزش نیز بوده و در فن کشتی نیز مهارت داشته است. سماع حضور از درویشان نعمت‌اللهی بود و هر روز بعد از وضوگرفتن سنتور می‌نواخت و می‌گفت: «من وقتی ساز می‌زنم با خدای خود راز و نیاز می‌کنم. انسان وقتی به طرف خدا می‌رود باید پاک و مطهر باشد».

حبیب سماعی فرزند سماع حضور بعدها جانشین پدر شد و مقامی را در سنتور یافت که همه او را استاد مسلم زمان خود می‌دانستند.

حجاج بن یوسف

حجاج بن یوسف بن حکم ثقفی، از خطیبان، سرداران و فرمانروایان بنی‌امیه بود که همچون خلفای اموی خونخوار و ستمگر بود. عبدالملک بن مروان فرماندهی سپاه را بدو داد و او نظم و نسقی در سپاه پدید آورد و از جانب خلیفه مأمور سرکوبی عبدالله بن زبیر شد و با منجیق خانه خدا را خراب کرد و عبدالله را بکشت و سر او را به شام فرستاد و جسد وی را به‌دار آویخت و سپس در حجاز مردم را به بیعت عبدالملک ملزم ساخت و نسبت به صحابه و مردم حرمین انواع بی‌حرمتیها و عقوبتها روا داشت. عبدالملک علاوه بر حجاز، حکومت عراق را نیز بدو داد و دامنه اقتدار و حکومت او تا حدود هند و مغولستان رسید. وی در مدت ۲۰ سال حکومت خود در کوفه و بصره و دیگر نواحی عراق مظالم بسیار مرتکب شد. شهر واسط را بنا کرد و عاضه ملک خویش ساخت. پس از مرگ عبدالملک، به زمان ولید اقتدار حجاج فزونی یافت و تا زمان مرگ در مقام خود بود تا در سن ۵۴ سالگی به مرضی مدهش درگذشت. وی تعصب شدیدی به عربیت داشت و نام وی همدریف ظلم و بیدادگری است.

حجازی، محمد (نویسنده)



بهار زندگی، جادوگر شهر زمرد و بازگشت به شهر زمرد از آثار او در زمینه ترجمه است. ابوالقاسم حالت در سوم آبان‌ماه ۱۳۷۱ بر اثر سکته قلبی در سن ۷۳ سالگی درگذشت.

حایری

آیت... حاج شیخ عبدالکریم بن محمدجعفر مهرجردی یزدی، مرجع تقلید شیعیان، که در سال ۱۲۷۶ هجری در مهرجرد یزد متولد شد و در سال ۱۳۵۵ هـ.ق در قم رحلت نمود. آن حضرت در عتبات نزد حاج میرزا محمدحسن شیرازی، میرزا محمدتقی شیرازی، شیخ فضل‌الله نوری، آخوند ملاکاظم خراسانی و سیدکاظم یزدی تلمذ کرد و از محضر سیدمحمد فشارکی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران حوزه علمیه قم را تشکیل داد. از آثار اوست: تقریرات؛ و آن تحریر تقریرات سیدمحمد فشارکی است، درالفوائد فی الاصول، کتاب الرضاء، کتاب الصلوة، کتاب المواریث و کتاب النکاح.

حبیب سماع حضور (موسیقیدان)

وی از هنرمندان نامی نوازنده سنتور در اواخر دوره قاجاریه است. حبیب نزد محمدصادق خان هنرمند استاد نخست ضرب‌گیر بوده و بعد به نواختن سنتور مشغول گردیده است.



موقعی که حرّ از قصر ابن زیاد خارج شد تا به قصد امام حسین برود، صدایی شنید که می گفت: «ای حرّ، بهشت بر تو مزده باد». حرّ برگشت ولی کسی را ندید. با خود گفت: به خدا این حرف نمی تواند درست باشد، زیرا جنگ با حسین و بهشت!»

این جریان را به خاطر داشت که شب عاشورا دگرگونی مهم در روحش به وجود آمد و روز عاشورا به خدمت امام حسین (ع) درآمد.

حرّ عاملی

محمد بن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری، از دانشمندان و فقیهان بزرگ اسلامی است که در سال ۱۰۳۳ هـ.ق در مشغریل عامل متولد و در سال ۱۱۰۴ هـ.ق در مشهد وفات یافت. وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دوبار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت.

آثار مهم او عبارتند از: اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، الاثناعشریة فی ردالصوفیه، الاجازات، احوال الصحابه، اربعین حدیث، ارجوزة در زکات و ارجوزة در هندسه.

پس از وفات در سال ۱۱۰۴ هـ.ق او را در صحن آستانه قدس نزدیک مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.

حزین

محمد علی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی، معروف به حزین، متولد ۱۱۰۳ هـ.ق در اصفهان و متوفی سال ۱۱۸۱ هـ.ق در بنارس هندوستان، از شاعران بنام زبان فارسی است. وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی مراد شیخ صفی الدین اردبیلی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از

از نویسندگان زبردست ایرانی است که در سال ۱۲۸۰ شمسی در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلاتش را در رشته مهندسی تلگراف در فرانسه گذراند و چون به ایران بازگشت به استخدام پست و تلگراف درآمد و در عین حال به نویسندگی روی آورد. آثار مهم او عبارتند از: هما، پریچهر، زیبا، آینه، پروانه، ساغر، پیام و محمود آقا را وکیل کنید.

حرّین یزید

حرّین یزید ریاحی، اولین شهید روز عاشورا در رکاب سیدالشهدا حسین بن علی (ع) بوده است. وی در رأس سپاه هزار نفری در دومین روز محرم سال ۶۱ هجری جلو کاروان کربلا را گرفت و به دستور ابن زیاد اجازه نداد حسین بن علی (ع) حرکت کند. ولی در روز عاشورا از عمل خود پشیمان شده با برادر و پسر و غلامش به محضر امام حسین (ع) آمد و از کردار بد خود توبه کرد و مورد لطف و بخشش امام قرار گرفت.

حرّ در دوران جاهلیت و اسلام در میان قومش مورد احترام بود، زیرا جدش عتاب در ردیف نعمان بود و بعد از او پسرش قیس همایه نعمان شد و شیبانیها با او جنگیدند و جنگ «یوم الطخفه» به وجود آمد. حرّ پسرعموی اخوص صحابی شاعر بود. حرّ در کوفه رئیس بود که بنا به دعوت ابن زیاد با هزار جنگجو به مقابله امام حسین (ع) خارج شد. گویند

شد و در آنجا مهندسی برق و مهندسی معدن خواند. به علت علاقه شدیدی که به فیزیک پیدا کرد و استعدادی که از خود نشان داد با رفتن او به دانشگاه سوربن و گذراندن دوره دکتری فیزیک موافقت شد. دکترای فیزیک را با درجه ممتاز گذراند و عازم آمریکا شد. پس از حدود دو سال تحقیق در دانشگاه شیکاگو و چند سالی تدریس در دانشگاه پرینستون با دلی آکنده از عشق به وطن و هموطنان خود به ایران بازگشت و اولین مدرسه مهندسی راه را تأسیس کرد. سپس در دارالمعلمین عالی به اتفاق چند استاد خارجی به تدریس فیزیک پرداخت. اساتید ارجمند فیزیک نظیر استاد دکتر کمال‌الدین جناب، استاد دکتر علی اصغر آزاد، استاد دکتر محمدباقر محمودیان، استاد دکتر علی اصغر خمسوی، استاد دکتر کشی افشار، مرحوم استاد ضیاء‌الدین اسماعیل بیگی، مرحوم استاد دکتر مهدی برکشلی از جمله دانشجویان دوره‌های نخستین او بوده‌اند. دکتر حسابی توانست با کمک این افراد فیزیک ایران را به موفقیت امروز برساند که هزاران نفر فارغ‌التحصیل دارد. استاد فقید از جمله پایه‌گذاران دانشگاه تهران بود و دانشکده فنی و دانشکده علوم دانشگاه تهران را تأسیس کرد. اولین رصدخانه تعقیب ماهواره‌ها در شیراز، پایه‌گذاری مؤسسه ژئوفیزیک و مرکز اتمی دانشگاه تهران و تدوین قانون استانداردها گوشه دیگری از خدمات ارزنده استاد حسابی است.

استاد حسابی باوجودی که عضویت انجمن فیزیک اروپا، انجمن فیزیک آمریکا، انجمن فیزیک فرانسه، آکادمی علوم نیویورک و بسیاری انجمنهای معتبر جهانی را داشت و به عنوان یک نظریه پرداز فیزیک در بالاترین سطح علمی جهان مطرح بود، تدریس در ایران و انتقال دانسته‌های خود به دانشجویان را بر هر کاری ترجیح می‌داد و هرگز پیشنهاد کار در خارج را نپذیرفت و همیشه حتی تا

آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هندوستان شتافت و تا پایان عمر خود در آنجا بود.

حزین کتابی در احوال شاعران، به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی از خود با ذکر حوادث ایام خویش به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندی هستند.

حزین دیوان شعر خود را در چهار قسمت مدون کرده و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است. سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.



حسابی، محمود (استاد)

استاد حسابی در ۱۲۸۱ در تهران در یک خانواده تفرشی متولد شد. در چهار سالگی به همراه خانواده به بغداد رفت و پس از دو سال به دمشق و پس از یک سال به بیروت عزیمت کرد و در مدرسه فرانسوی بیروت به تحصیل پرداخت. دکتر حسابی برای ادامه تحصیلات به مدرسه آمریکایی بیروت رفت و در ۱۷ سالگی از دانشگاه آمریکایی بیروت لیسانس ادبیات گرفت. بعداً در دانشکده فرانسوی بیروت مهندس راه و ساختمان شد. بعد از بازگشت از دانشگاه آمریکایی بیروت به تحصیل اخترشناسی، ریاضی، تاریخ و زیست‌شناسی پرداخت و سپس راهی فرانسه

آخرین روزهای عمر در کنار دانشجویانش باقی ماند. استاد حسابی به امر واژه‌گزینی و اعتلای زبان علمی فارسی شدیداً عشق می‌ورزید. قریب شصت سال کار روی يك فرهنگ لغات علمی فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی مبین علاقه استاد به این امر است.

استاد حسابی در سال ۱۹۹۰ میلادی عنوان مرد سال علمی جهان را - که هر پنج سال یکبار از طرف مؤسسه زیست‌نگاری آمریکا گزینش مرد علمی سال انجام می‌گیرد - در بین ۵۰۰۰ نفر شخصیت علمی، از آن خود کرد و لوحه و جایزه خاص این مؤسسه را تصاحب کرد.

استاد دکتر محمود حسابی بزرگمردی که مدت هفتاد سال برای شناساندن و اعتلای فیزیک در ایران تلاش کرد در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۷۱ روی در نقاب خاک کشید و جامعه علمی ایران یکی از ستاره‌های درخشان علمی خود در صد سال اخیر را از دست داد.

حسنک وزیر

ابوعلی حسن بن محیط سیکال معروف به حسنک وزیر، وزیر سلطان محمود غزنوی. چون به هوداداری پسر کوچک سلطان محمود به نام محمد برخاست و به مسعود پیغام داد اگر تو به پادشاهی رسیدی حسنک را بردار باید کرد، مسعود پس از جلوس او را به زندان افکند، اموالش را مصادره نمود و به تهمت کیش اسمعیلی او را در سال ۴۲۱ ه.ق بردار کرد. گویند پیکر او هفت سال و به قولی هفت روز بر بالای دار بود.

حسین صفوی

شاه سلطان حسین صفوی آخرین پادشاه رسمی سلسله صفوی که در سال ۱۱۰۵ ه.ق بر تخت سلطنت جلوس کرد و در سال ۱۱۳۵ ه.ق از

سلطنت مخلوع و در سال ۱۱۴۲ ه.ق به قتل رسید. وی به سبب کثرت ترحم حتی در موقع لزوم سطوت و سیاستی نشان نمی‌داد. از فقه بی اطلاع نبود و خود را به لقب «ملا» می‌خواند. مردی ضعیف‌النفس و موهوم‌پرست بود و بارنجاندن پیروان ادیان مختلف مانند عیسویان و زردشتیان و نزاع بین شیعه و سنی موجب ضعف سلطنت صفوی گردید. خدمتگزاران لایق و امرای کافی دلسر شدند و به تدریج لشکریان تن‌پرور گشتند.

همه این عوامل باعث شد که لشکریان افغان تحت قیادت محمود افغان به آسانی توانستند از قندهار به اصفهان برسند و پایتخت را محاصره کنند. عاقبت شاه سلطان حسین به دست خود تاج‌شاهی را تسلیم محمود کرد و او را فرزند خود خواند. پس از محمود، پسرعمویش اشرف افغان به سلطنت رسید و دستور داد شاه سلطان حسین را که در زندان بود به قتل رسانیدند.

حماد موصلی (ادیب و موسیقیدان)

حماد پسر اسحاق، پسر بهمن، پسر نسک ارجانی فارسی معروف به موصلی ادیب و موسیقیدان و راویه، که از ابی‌عبیده و اصمعی سماع داشته و کتابهای بسیار در ادب نوشته و بیشتر علم پدر را فراگرفته.

ابن ندیم لیست کتب حماد را بدین شرح نوشته است: کتاب الاشرنه، کتاب اخبار الحطینه، کتاب اخبار ذی‌الرمه، کتاب اخبار عروه بن اذینه، کتاب مختار غنی ابراهیم ماهان جدّ خود، کتاب اخبار رویه، کتاب اخبار عبیدالله بن قیس الرقیات و کتاب اخبار الندامی.

حمورابی

ششمین پادشاه سلسله اول بابل بود که بین سالهای ۲۰۶۷ تا ۲۰۲۵ یا ۱۷۰۴ تا ۱۶۴۲ قبل از

- فارسی را می‌توان نام برد.

خاقانی شروانی

افضل‌الدین بن علی نجار متخلص به خاقانی در شهر شیروان متولد شد. پدرش نجار بود و به شهرت پسرش مباحثات می‌کرد و به واسطه اشعار عرفانی که او ساخته بود فرزندش را بدیل (یعنی نظیر) سنانی لقب داد. چندی بعد خاقانی حقایقی تخلص گرفت، ولی بعد به احترام خاقانی حکمران شیروان و به تکلیف ابوالعلاء گنجوی استادش، تخلص خاقانی گرفت.

خاقانی از دسترنج مادرش امرار معاش می‌کرد و زیر نظر عمویش کافی‌الدین عثمان که مردی دانشمند و فاضل بود تعلیم می‌گرفت و تربیت می‌شد. او از کافی‌الدین انواع علوم، صرف و نحو، فلسفه، ریاضی، نجوم و شعر و ادب را نزد ابوالعلاء گنجوی آموخت. ابوالعلاء به وی توجهی خاص داشت، چنانچه او را به دربار خاقان منوچهر شیروانشاه نزدیک نمود و دختر خویش را به عقد وی درآورد، ولی چندی بعد به علت اشتها و تقریبی که در دربار سلطان یافته بود محسود استاد خویش واقع شد و هدف استهزاء وی قرار گرفت و ابیاتی چند در هجو وی سرود و خاقانی به پاسخ آن قصیده‌هایی ساخت.

خاقانی در حدود سال ۵۵۱ هجری به زیارت حج رفت و قصایدی در وصف مکه و اعمال و مناسک حج سرود. وی در بغداد به خدمت المقتفی لامرالله خلیفه عباسی رفت و خلیفه شغل دبیری به او تکلیف نمود، ولی خاقانی نپذیرفت. وی در مراجعت از مشاهده طاق کسری و ایوان مدائن سخت به هیجان آمد و متأسر شد و همین هیجان و تأثر قصیده‌های مدائن را به وجود آورد. قصیده‌های مدائن آهی است که از دل برآمده و به همین دلیل بر دل می‌نشیند. خاقانی در

میلاد در بابل سلطنت کرد و بر قلمرو خود افزود. از کارهای برجسته‌اش این بود که بر سنگی سیاه و بزرگ ۲۸۲ قانون مورد اجرای بابل حک کرد که آن را قوانین حمورایی نامند که قدیمی‌ترین قانون مدون جهان است. این مجموعه قوانین اصلش در موزه لوور پاریس و نمونه‌گچی آن در موزه ایران باستان وجود دارد.



حنانه (موسیقیدان)

مرتضی حنانه، در سال ۱۳۰۱ شمسی در تهران به دنیا آمد. وی همکاری با رادیو و تلویزیون ملی ایران را بزودی شرح کرد. حنانه از استادان مسلم موسیقی ایرانی بود که پس از ۶۷ سال عمر در سال ۱۳۶۸ شمسی رخت از جهان بریست. آثار او عبارتند از: کاپریس برای پیانو و ارکستر سنفونیک، دعا برای کروسولوها و ارکستر سنفونیک، صبر و ظفر: دو قطعه برای ارکستر مجلسی با هارپ و پیانو برای بزرگداشت فردوسی.

حییم، سلیمان

سلیمان حییم از فرهنگ‌نویسان بزرگ بود که تحصیلاتش را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانیده به زبانهای انگلیسی و فرانسه تسلط کامل پیدا کرد. از مهمترین تألیفاتش: فرهنگ انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی، فارسی - فرانسه و فرانسه

مهدی خالدى در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ شمسی طی سفرى به هندوستان همراه دلکش، بدیع‌زاده، کاموسى، زاهدی و زرین پنجه، تعدادی صفحه ضبط کردند که عبارت بودند از: «ایران و هند» با صدای بدیع‌زاده، «دل پریشان» آواز بدیع‌زاده، سرود «آذربایجان» با صدای بدیع‌زاده، «خوان اشم و هو» با صدای بدیع‌زاده و «خسر و خوبان» و «تاج محل» هر دو با صدای بدیع‌زاده.

خالقى، روح الله (موسیقیدان)

روح الله خالقی در سال ۱۲۸۵ شمسی در کرمان متولد شد. سالها شاگرد ممتاز استاد علینقی وزیرى و از مفاخر موسیقی ملی ایران بود. بهترین سالهای زندگی اش را صرف دل‌انگیزترین هنرها کرد و به تشخیص اهل فن موسیقی ایرانی و فرنگی، شناخت او صلاحیت کامل یافت و در سال ۱۳۲۵ شمسی انجمن موسیقی ملی به همت او تأسیس گردید و سه سال پس از آن با تأسیس هنرستان ملی موسیقی به یکی از آرمانهای هنری کشور جامه عمل پوشانید. انتشار آثار متعدد شامل متد و دستوره‌های علمی برای تدریس موسیقی ملی خدمت بزرگی به هنر کرد. هم‌اکنون قطعات آواز، قطعات ارکستری، اتودها، آثار ساده مدرسه‌ای، کتابها و رسالات علمی مانند نظری به موسیقی، از او به جای مانده است که هر کدام دارای ارزش فراوانی است.

خالقی علاوه بر ریاست هنرستان موسیقی ملی تا هنگام فوتش رهبری ارکستر «گلها» و عضویت شورای موسیقی رادیو ایران را دارا و مدتها سرپرستی ارکسترهای شماره یک و دو رادیو را برعهده داشت. خالقی در مدت ۲۷ سال که در رشته موسیقی ایرانی کار کرد بیش از صد آهنگ و دو جلد کتاب «نظری به موسیقی» که جلد اول آن مربوط به قواعد و اصول کلی موسیقی است و جلد دوم تاریخچه

زندگی سخته‌ها کشید و ناملايمات فراوان دید. بزرگترین مصیبتی که به او روی آورد مرگ پسر و درگذشت همسرش بود که دو مرتبه برای این دو مصیبت ساخت. وی در اواخر عمر دست از کار دیوانی کشید و گوشه عزلت اختیار نمود. دیوان خاقانی شامل هجده هزار بیت از قصیده، غزل، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و رباعی است. وی بنا به نوشته بعضی در سال ۵۹۲ و بنا به روایتی در سال ۵۹۵ هجری در تبریز وفات یافت. قبر خاقانی در محله سرخاب تبریز در مقبره الشعراء می‌باشد.

خالدى، مهدى (موسیقیدان)

مهدی خالدى در سال ۱۲۸۰ شمسی در خیابان خیام تهران چشم به جهان گشود. از کودکی به نواختن ویولون علاقه‌مند بود و عاقبت هم این عشق وی را به موسیقی کشانید.

مهدی خالدى یکی از بدعت‌گزاران و آهنگسازان دوره جدید آهنگسازی در موسیقی ایران است که تاروپود آهنگسازی در ایران را به هم ریخت و راهگشایی برای بسیاری از آهنگسازان شد. وی خود دارای سبکی مشخص بود و هنوز ویولون وی را هر صاحب نظری بشنود بی‌می‌برد که نوازنده آن خالدى است.

وی جزو بهترین و شاخص‌ترین آهنگسازان موسیقی اصیل و ملی ایران است که در آهنگسازی سبک و شیوه خاصی را به وجود آورد که بعداً در موسیقی ایران رواج یافت و آن این بود که روش قدیمی پیش‌درآمد، آواز، چهارمضراب و تصنیف رنگ را به شکل تصنیف، آواز، چهار مضراب و تصنیف درآورد و متداول شد که امکان بیشتری به خواننده برای خواندن می‌دهد.

خالدى بالغ بر ۳۵۰ پیش‌درآمد و آهنگ ساخت که حدود ۲۵۰ عدد آن از رادیو پخش شده است.

۱۹۴۶ به ریاست شورای وزرا در اوکراین برگزیده شد. از سال ۱۹۴۹ الی ۱۹۵۳ دبیرکل کمیته حزب کمونیست شد. در سال ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ به ریاست و دبیراولی حزب نایل گردید.

در سال ۱۹۵۸ ریاست شورای وزرا و نخست‌وزیری به وی تفویض شد. وی به اخذ نشانهای لنینی و پرچم سرخ و داس و چکش نایل آمده است. بعد از کناره‌گیری از سیاست درگذشت.

خزعل

شیخ خزعل خان پسر حاج جابرخان نصره‌الملک متولد ۱۲۸۰ ه.ق. از طایفه اعراب بنی‌کعب عرب خوزستان ملقب به القاب نصره‌الملک، معزالسلطنه، سردار ارفع، سردار اقدس و امیر نویمان و دارای نشانها و حمایل نظامی هم بوده و از طرف دولت انگلستان لقب سری نیز داشته است. حکمران معروف بسیار بانفوذ و متمول محمره (خرمشهر کنونی) پس از مرگ شیخ خزعل برادرش در سنه ۱۳۱۵ ه.ق. که معروف است شیخ خزعل او را کشت، حاکم خرمشهر و مضافات آن گردید و در حدود ۲۹ سال حاکم خوزستان یعنی استان ششم بود. در این مدت حکومت خوزستان اسماً به احکام اعزامی از مرکز بوده لکن رسماً با خود شیخ خزعل بود. در سال ۱۹۱۴ (آغاز جنگ بین‌الملل اول) دولت انگلستان پیمانی با خزعل بست.

بعد از جنگ بین‌الملل اول که موضوع اتحاد اعراب به خوزستان نیز سرایت کرد، شیخ خزعل به امید انتزاع خوزستان و تشکیل سلطنتی مستقل، سلسله جنیان «قیام سعادت خوزستان» شد. در سال (۱۳۰۴ شمسی) پس از مختصر جنگی با قوای دولتی دستگیر و به تهران آورده شد. در سال ۱۳۰۷ از رضاخان پهلوی درخواست نمود که به او اجازه داده شود که برای معالجه خود رهسپار اروپا شود. شاه با

موسیقی و قواعد و اصول موسیقی ایرانی است و کتاب دیگری نیز با نام «همآهنگی موسیقی» راجع به توافق و تناسب اصوات نوشته است که در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۷ و ۲۰ به چاپ رسیده است.

مرحوم خالقی در موسیقی سخت پیرو استادش مرحوم کلنل علینقی وزیری بود و همواره اعتقاد داشت که وزیری خدمت بزرگی به موسیقی ایرانی کرده است.



خروشچف، نیکیتا (سیاستمدار)

سیاستمدار روسی، متولد سال ۱۸۹۴، فارغ‌التحصیل آکادمی صنعتی مسکو، در سال ۱۹۱۸ به حزب کمونیست پیوست. در امور مربوط به حزب در مسکو و اوکراین فعالیت فراوانی از خود نشان داد. از سال ۱۹۳۲ الی ۱۹۳۷ دبیرکلی کمیته حزب کمونیست شهر را به عهده داشته و از سال ۱۹۳۷ الی ۱۹۵۳ دبیر اول حزب بود.

در سال ۱۹۳۴ عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق را پذیرفت. از سال ۱۹۳۸ الی ۱۹۴۹ دبیرکل کمیته مرکزی حزب در اوکراین شد. از سال ۱۹۳۹ الی ۱۹۵۳ اداره سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق به عهده وی واگذار شد. در جنگ دوم جهانی به عضویت شورای نظامی قسمتهای جنوبی و جنوب غربی، استالینگراد و اوکراین درآمد. در سال

و نما یافت و به مکه و بصره و دینور و کوفه و غیره سفر کرد و علم آموخت و به بغداد بازگشت و از آنجا به شام رفت و مدتی در دمشق و صور و طرابلس و حلب اقامت گزید. از جمله تصنیفات وی می توان به اینها اشاره کرد:

تاریخ بغداد در ۱۴ جلد، البخلاء، الکفایة فی علم الروایة و الفوائد المنتخبة (حدیث).



خطیب تبریزی (ادیب)

ابوزکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی از بزرگان لغت و ادب عرب، متولد ۴۲۱ هـ.ق و متوفی سال ۵۰۲ هـ.ق. اصل وی از تبریز است ولی در بغداد نشو و نما یافت و به مصر رفت و سپس به بغداد بازگشت و در آنجا درگذشت.

از کتب او شرح دیوان الحماسة لابی تمام در چهار جزو بزرگ، تهذیب اصلاح المنطق لابن السکیت، شرح سقط الزند للمعزی و اعراب القرآن را می توان نام برد.

خمینی، روح الله [امام -]

حضرت آیت الله العظمی امام سید روح الله موسوی خمینی در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ هـ.ق در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والد ایشان - آیت الله سیدمصطفی خمینی - در اواخر سال ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فنودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبتهای برادر بزرگوارش آیت الله پسندیده رشد کرد و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین، در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ هـ.ق سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه - آیت الله حائری - حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری

درخواست وی موافقت ننمود و گفت: «ممکن است که دکتر درجه یک برای معالجه چشم از اروپا خواسته شود و می توانید در ایران بخوبی معالجه شوید». وفاتش در شب چهاردهم خرداد سنه هزاروسیصد و پانزده خورشیدی به این ترتیب واقع شد که چند نفر از طرف شهربانی به منزل او در تهران رفته آن پیرمرد هفتادوپنج ساله را خفه کردند. بازماندگانش جسد او را در امامزاده عبدالله واقع در شش کیلومتری جنوب تهران نزدیک مزار مشهور حضرت عبدالعظیم حسنی به امانت گذاشتند. شیخ عبدالحمید سردار اجل پسر دوش که قرار بود بعد از شیخ خزعل جانشینش شود، او هم در سال ۱۳۱۷ خورشیدی درگذشت.

خضر

نزد مسلمانان نام یکی از انبیاست که موسی را ارشاد کرده و نزد صوفیان نیز مقامی ممتاز دارد. محققان غربی در تشخیص هویت او اختلاف دارند. بعضی گویند دو شخصیت «ایلیا»ی نبی و «جرجیس» قدیس به صورت خضر درآمده. به موجب بعضی از روایات اسلامی وی یک از جاویدانان است.

خطیب بغدادی (مورّخ)

ابوبکر احمدبن علی بن ثابت مورّخ معروف عرب، که در سال ۳۹۲ هـ.ق در غزیه متولد و به سال ۴۶۳ هـ.ق در بغداد از جهان رفت. وی در بغداد نشو





رهبر كبير انقلاب (ره)

از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصتهای مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ق به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیت الله سیدمصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید، و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران اخراج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود (۲۲ بهمن ۱۳۵۷). امام در طول سالهای پربرکت عمر خود، علاوه بر تألیف کتب عمیق فقهی و فلسفی، مجموعه‌ای از اشعار و قصاید در دوران جوانی سروده بودند که متأسفانه پاره‌ای از آنها مفقود شده، ولی اشعار عرفانی معظم‌له اخیراً به چاپ رسیده است. کتب عرفانی و فقهی امام به شرح زیر است:

- ۱- مصباح الهدایة
- ۲- شرحی بر دعای سحر
- ۳- حاشیه بر نصوص الحکم فیضری
- ۴- حاشیه بر مفتاح الغیب
- ۵- رساله فی الطلب والاراده
- ۶- حاشیه به رساله شرح حدیث راس الجالوت
- ۷- اربعین حدیث
- ۸- کشف الاسرار
- ۹- اسرارالصلوة یا معراج السالکین
- ۱۰- آداب الصلوة
- ۱۱- الرسائل در ۲ جزء
- ۱۲- شرح حدیث جنود عقل و جهل
- ۱۳- تحریرالوسیله، متن کامله دوره فقه
- ۱۴- البیع
- ۱۵- کتاب الطهاره
- ۱۶- تهذیب الاصول

در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل فلسفه و عرفان پرداخت و از محضر آیت الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوان برد. آوازه شهرت وی به عنوان يك استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوا در طلاب می‌شد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت - رضاخان - گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق همزمان با ورود آیت الله بروجرودی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوا نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.

در سال ۱۳۴۰ ه.ق با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه - که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت آمریکا در ایران بود - مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی، آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از يك سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسواکننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجباراً در حوزه نجف اقامت گزید، و

فروبت و در تنگ الله اكبر شیراز مدفون شد. در سال ۱۳۷۰ شمسی کنگره‌ای در بزرگداشت وی در شهر کرمان برگزار شد.

خواجه عبدالله انصاری

از مشاهیر عرفا و محدثین و کتبه‌اش ابواسماعیل و لقب مشهورش شیخ الاسلام است. در چهار سالگی به مکتب رفت و در نه‌سالگی شعر سرود و حافظ سیصد هزار حدیث بود. تولد وی در سال ۳۹۷ هـ.ق در هرات و مرگش در ۴۸۱ هـ.ق در همین شهر اتفاق افتاد. مناجاتهای او مشهور است. از تألیفات دیگر وی «شمس‌المجلس» و مناجات فارسی که اثری بسیار نفیس و فلسفی است.

خواجه اختیار منشی

خواجه اختیار از معروفترین خوش‌نویسان تعلیق در اواخر قرن دهم هجری است. وی مدت سی سال در زمان فرمانروایی سلطان محمد خدابنده فرزند شاه طهماسب اول صفوی در خراسان به کار انشاء آن امیر صفوی اشتغال داشت. کسانی که نام خواجه اختیار را ذکر کرده‌اند همگی وی را از مردم هرات دانسته‌اند، ولی مرقعی از آثار خطوط زیبای وی دیده شده که نام و نسبت خود را در آن چنین ذکر کرده است:

«اختیار المنشی بنی علی الجنابدی فی شهر سنة ۹۶۴» که بدین ترتیب نسبت گنابادی او در آنجا جای تردید نیست. تاریخ وفات وی را سال ۹۹۰ هجری نوشته‌اند.

خواجه شهاب‌الدین صیرفی (ادیب، موسیقیدان)

خواجه شهاب‌الدین عبدالله صراف صیرفی تبریزی از هنرمندان و موسیقی‌شناسان قرن هشتم

۱۷- نیل الاوطار فی بیان قاعده لا ضرر و لا ضرر

۱۸- رساله فی الاجتهاد

۱۹- توضیح المسائل

۲۰- زبده الاحکام

۲۱- حکومت اسلامی

۲۲- جهاد اکبر

۲۳- مکاسب محرمة

۲۴- رساله‌ای مشتمل بر فوایدی در بعضی از مسائل مشکله

بالاخره آن مرد بزرگ الهی روز چهاردهم خردادماه سال ۱۳۶۸ شمسی این جهان خاکی را در راه رسیدن به لقاء الله ترک کرد و به ملکوت اعلی شتافت و جهان اسلام و مستضعفین را با يك دنیا آرزو و حسرت در ماتم گذاشت. راهش پر رهرو و پردوام باد.

خواجهوی کرمانی (شاعر)

کمال‌الدین ابوالعطا خواجه در سال ۶۷۹ هجری در کرمان متولد شد. وی پس از تحصیل علم به مسافرت پرداخت. کمال‌الدین در تصوف از شاگردان علاءالدوله سمنانی بود. وی اواخر عمرش به خدمت شیخ ابواسحق اینجو در شیراز رسید و تقریبی خاص یافت. دیوان خواجهوی کرمانی شامل قصیده، قطعه و غزل است و خمسه‌ای دارد که در حدود بیست هزار بیت می‌باشد.

خمسه خواجه که به تقلید خمسه نظامی سروده شده شامل: همای و همایون، گل و نوروز، روضه الانوار، کمال‌نامه و گوهرنامه است. قسمتی از قصاید خواجه در مدح امرای عصر و قسمت دیگر عرفانی و حاکی از مشرب تصوف شاعر است. خواجه در غزلیات شیوای خود مقلد سنایی، عطار، مولوی و سعدی بوده است. وی هم عصر ابوسعید بهادر بوده و در سال ۷۵۳ هجری در شیراز دیده از جهان

حکمت، ریاضی و نجوم استاد شد. خواجه نصیرالدین زمانی در زندان اسمعیلیه بسر برد و موقعی که هلاکو قلعه الموت را فتح نمود او را آزاد و از مقربان خویش نمود، سپس به امر هلاکو در مراغه رصدخانه‌ای تأسیس و خواجه نصیرالدین زیجی ترتیب داد و کتابخانه‌ای که در حدود چهارصد هزار کتاب داشت برای استفاده دانشمندان تهیه نمود. آثار خواجه غالباً به زبان عربی است. از مهمترین آثار فارسی وی اخلاق ناصری در اخلاق، اساس الاقتباس در منطق، معیار الاشعار در عروض و قافیه، ما اوصاف الاشراف در عرفان، تذکرة نصیریة در هیئت و رساله سی فصل در نجوم است. وی اشعاری هم به زبان فارسی دارد. خواجه در سال ۶۷۲ وفات یافت.

خواجه نظام الملک

ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی، وزیر باتدبیر و دانشمند آل ارسلان و ملکشاه سلجوقی و صاحب کتاب معروف «سیاست نامه» است که در سال ۴۱۰ ه.ق متولد و در سال ۴۸۰ ه.ق در سن هفتادسالگی در نزدیکی کرمانشاه به دست طاهرارانی از فدائیان اسمعیلی کشته شد و در اصفهان مدفون گردید.

مدرسه نظامیه بغداد از بناهای اوست. خواجه دارای ۱۲ فرزند بود که هرکدام مصدر امور کشور بودند. معروفترین آنها ضیاء الملک، مؤید الملک، شمس الملک، عماد الملک، عز الملک و ابومقسم نام داشتند.

خوارزمی، محمدبن موسی (منجم، ریاضیدان)

از زندگی خوارزمی چندان اطلاع قابل اعتمادی در دست نیست، الا اینکه وی در حدود سال ۷۸۰

هجری است. وی خوش نویس و خنیاگر نیز بوده و به روش صفی الدین ارموی خلاصه الافکار فی معرفة الادوار ساخته است که در تاریخ ادبیات ایران تألیف مرحوم جلال الدین همایی وصف شده است (ص ۷۲ و ۳۳۲ / ج اول). در روضات الجنان کربلایی سرگذشت وی آمده است.

صیرفی در برخی جاها با صفی الدین ارموی خلاف ورزیده است. نسخه‌ای از کتاب خواجه شهاب الدین در کتابخانه مرحوم ثقة الاسلام در تبریز بوده است و نسخه دستنویست مؤلف در اختیار شادروان اقبال آشتیانی بوده.

خواجه میرک هروی (نقاش)

خواجه میرک هروی از نقاشان نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. خواجه در علم تصویر و تذهیب و خط در عهد خود بی نظیر بود. اکثر کتیبه‌های عمارات هرات را در آن عهد او می نوشت. وفاتش در زمان استیلای محمدخان شیبانی بر خراسان (۹۱۳ ه.ق) اتفاق افتاده است.

خواجه عبدالوهاب کاشانی (نقاش)

خواجه عبدالوهاب پدر خواجه عبدالعزيز کاشانی است. وی از هنرمندان قرن دهم هجری و از خاصان دستگاه شاه طهماسب اول صفوی بوده و مورد توجه و احترام زیاد بوده است. مؤلف گلستان هنر درباره وی می نویسد: «خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزيز از کاشان اند، در امر تصویر بی قرینه بودند».

خواجه نصیرالدین طوسی (دانشمند)

ابوجعفر نصیرالدین محمد از دانشمندان معروف ایرانی است که از کودکی به تحصیل دانش علاقه مفرطی داشت. وی هنوز جوان بود که در علوم،

خوارزمی قرن‌ها در اروپا مأخذ و مرجع دانشمندان و محققین بوده و یوهانس هیسپالنسیس و گرادوس کرمونتسیس و رابرت چستری در قرن دوازدهم هر يك آن را به زبان لاتینی ترجمه کردند.

خوارزمی در سایر رشته‌های علوم و مخصوصاً نجوم هم کارهای جالب و سودمندی انجام داد، از جمله دو کتاب در اصطلاح نوشت، اطلسی از نقشه آسمان و زمین تهیه کرد و نقشه‌های جغرافیایی بطلمیوس را اصلاح نمود.

خوشنواز

از موسیقیدانهای زمان ناصرالدین شاه بوده که در فن زدن کمانچه مهارت زیادی داشته است. گوینو نویسنده و محقق فرانسوی که از سال ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸ میلادی مطابق با ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۵ هجری قمری وزیر مختار فرانسه در ایران بوده در کتاب «سه سال در آسیا» تألیف خود درباره خوشنواز می‌نویسد: «دو هنرپیشه دیگر در ایران هستند که هر دو معروفیت دارند. یکی خوشنواز که در زدن کمانچه ماهر است و برعکس علی‌اکبر مردی خوش‌مشراب می‌باشد، و دیگری محمدحسن که خیلی خوب سنتور می‌زند، لیکن محمدحسن برعکس خوشنواز مردی ساکت و کم‌حرف است و کمتر او را دیده‌اند که بخندد».

خوشنواز

پادشاه هپتالان (هیاطله) که در زمان فیروز ساسانی (۴۵۹ - ۴۸۳ م.) به مشرق ایران حمله برد. فیروز مجبور به صلح شد و بار دیگر درصدد تلافی درآمد و مجدداً شکست خورد و فیروز و بسیاری از لشکریان فیروز در خندقی پرآب غرق شدند. این واقعه در سال ۴۸۳ میلادی اتفاق افتاد.

خوندمیر

میلادی در خوارزم (خیوه کنونی) متولد شد و در حدود سال ۸۴۸ میلادی مطابق با ۲۳۲ هـ.ق درگذشت.

شهرت علمی وی مربوط به کارهایی است که در ریاضیات، مخصوصاً در رشته جبر، انجام داده، به طوری که هیچ يك از ریاضیدانان قرون وسطی مانند وی در فکر ریاضی تأثیر نداشته‌اند.

خوارزمی کارهای دیوفانتوس را در رشته جبر دنبال کرد و به بسط آن پرداخت؛ خود نیز کتابی در این رشته نوشت، در آن اصطلاح «جبر و مقابله» را به کار برد و از همین جا نامش بلندآوازه گشت. معمولاً در حل معادلات دو عمل معمول است، خوارزمی این دو را تنقیح و تدوین کرد و از این راه به وارد ساختن جبر به مرحله علمی کمک شایانی انجام داد.

کتاب وی، موسوم به «حساب الجبر والمقابله» با عنوان الجبرا به لاتینی ترجمه گردید و همین کلمه است که اکنون در زبانهای اروپایی به معنای جبر به کار می‌رود. نام خوارزمی هم در ترجمه به جای «الخوارزمی» به صورت «الگوریسمی» تصحیف گردید و الفاظ آلگوریسم و نظایر آنها در زبانهای اروپایی، که به معنی فن محاسبه ارقام یا علامات دیگر است، مشتق از آن می‌باشد.

خدمت شایان دیگر خوارزمی به جهان علم این است که وی حساب هندی و ارقام هندی را در دنیای متمدن انتشار داد و اروپاییان را با استعمال صفر برای نشان دادن مرتبه خالی آشنا ساخت (هم‌اکنون لفظ معادل صفر در بیشتر زبانهای اروپایی مأخوذ از کلمه صفر می‌باشد). هنگامی که در قرن دوازدهم، کتاب خوارزمی به زبان لاتینی ترجمه شد، این ارقام، که به غلط «ارقام عربی» نامیده می‌شود، از طریق آثار فیبوناتچی به اروپا وارد گردید. همین ارقام است که انقلابی در ریاضیات به وجود آورد و هرگونه اعمال محاسباتی را مقدور ساخت. باری، کتاب جبر

حکیم ابوالفتح عمر بن خیام نیشابوری منجم، ریاضیدان، دانشمند و متفکر بزرگ، در اوایل قرن پنجم هجری تولد یافت و در زمان سلطان سنجر پسر ملکشاه را که به بیماری آبله دچار بود درمان کرد. گرچه مقام علمی خیام خیلی بالاتر از مقام ادبی او می‌باشد ولی شهرت وی بیشتر به واسطه وجود رباعیات حکیمانه اوست که به اغلب زبانهای دنیا ترجمه شده است و بالغ بر ۱۰۰ رباعی می‌باشد. فیتز جرالد برای اولین بار رباعیات خیام را به زبان انگلیسی برگرداند. خیام در سال ۴۵۶ هجری به کمک چندتن از دانشمندان تقویم زبان فارسی را اصلاح نمود که به تقویم جلالی معروف است.

از آثار فارسی خیام غیر از رباعیات او، نوروژنامه و تاریخ آداب جشن نوروزی باقی مانده است. رساله جبر و مقابله او در سال ۱۸۵۱ میلادی توسط یک دانشمند فرانسوی به زبان فرانسه ترجمه شده است. عده‌ای از تذکره‌نویسان خیام را شاگرد ابن سینا و عده‌ای دیگر او را شاگرد امام موفق عارف معروف شناخته‌اند. مرگ خیام را بین سالهای ۵۱۷ تا ۵۲۰ و به روایتی در حدود سال ۵۳۶ هجری می‌دانند. مقبره خیام در نیم فرسنگی نیشابور و در صحن امامزاده محروق بنا شده است.

خیرالدین مرعشی (خطاط)

وی از خوشنویسان قرن هشتم است که خط را از عبدالله صیرفی تبریزی - شاگرد سید حیدر جلی‌نویس - فرا گرفت و به غایت زیبا می‌نوشت. خلق کثیری نزد او برای تعلیم گرد آمدند و از او استفاده بردند، از آن جمله است: حمداله اماسی در اوایل تعلیم.

خیرالدین مرعشی که احتمال داده می‌شود از مرعشیان مازندران باشد در سال ۸۷۶ هجری رخت از جهان بریست.

غیاث‌الدین بن هماد الدین، مورخ معروف، متوفی سال ۹۴۱ هجری. پدرش هماد الدین شیرازی سالی چند وزارت سلطان محمود میرزا بن ابوسعید گورکانی را داشت، و مادرش دختر میرخوند صاحب «روضه‌الصفاء» است. دختر میرخواند در دوره امیرعلیشیر نوایی و تحت حمایت او می‌زیسته. از آثار او می‌توان به: خلاصه‌الخبار، خلاصه روضه‌الصفاء و حبیب‌السير اشاره کرد. وی اوایل عهد صفوی را دریافته و احوال شاه اسماعیل را در کتاب حبیب‌السير آورده است.



خیابانی

شیخ محمد خیابانی از روحانیون آزادیخواه تبریز است که در سال ۱۲۱۹ ه.ق در تبریز متولد و در سال ۱۳۳۸ ه.ق در همین شهر بدست استبداد مقتول گشت. وی در جنگ بین الملل اول در برابر فشار روسهای تزاری ایستادگی کرد و پس از جنگ مذکور چون وضع حکومت مرکزی خوب نبود با حکومت مزبور مخالفت نمود و در عین حال از نفوذ کمونیسم جلوگیری می‌کرد. عاقبت با ورود والی جدید مخبرالسلطنه در تبریز به قتل رسید. وی بنیانگزار روزنامه تجدد است که تمام آراء و افکار آزادیخواهی خود را در سرمقاله‌ها و خطابه‌های چاپ شده در آن بازگو می‌کرد.

خیام، عمر (منجم، شاعر)

داروین، چارلز



اثرش را به نام «پیدایش انسان» منتشر ساخت که به وسیله آن شهرتش عالمگیر گردید. داروین در این کتاب سعی نموده تا نیاکان انسان را پیدا نماید. داروین که بزرگترین حیات شناس جهان بشمار می رود در نوزدهم آوریل ۱۸۸۲ فوت نمود. قبر او مجاور قبر نیوتون در وست مینستر می باشد.

داسن، ژول

کارگردان فرانسوی که در سال ۱۹۱۱ در آمریکا متولد شده است. او فارغ التحصیل دانشکده «موریس» می باشد. در سال ۱۹۳۶ وارد مدرسه دراماتیک اروپا شد. در سال ۱۹۴۰ به خدمت آلفرد هیچکاک کارگردان معروف درآمد. در آمریکا فیلمهایی را خود کارگردانی کرده است.

لز فیلمهای او می توان: دیوهای آزادی، شهر بی نقاب و دزدان شب را نام برد.

از سال ۱۹۶۴ در فرانسه اقامت گزیده است و در این کشور فیلمهایی از قبیل ریفی فی و قانون را کارگردانی کرده است و به اخذ جایزه کارگردان و همچنین جایزه فستیوال کان برای فیلم «ریفی» نایل آمده است (۱۹۶۵).

داستایوسکی، فتودور (نویسنده)

چارلز داروین پسر دکتر روبر داروین در دوازدهم فوریه سال ۱۸۰۹ متولد شد. در سال ۱۸۱۸ که مادرش فوت کرد او را به مدرسه گذاشتند و در شانزده سالگی برای تحصیل علم طب به ادیمبورگ رفت ولی شوق تحصیل طب در او وجود نداشت و پدرش تصمیم می گیرد او را کشیش کند. او قبول می کند که برای تحصیل علوم الهی به دانشگاه کمبریج برود ولی در این درسها هم توفیقی نیافت. بالاخره در سال ۱۸۳۱ فارغ التحصیل شد.

در همین اوقات بود که مطالعه یادداشتهای الکساندر هومبولد و جون هرشل علاقه شدیدی در او نسبت به علوم طبیعی بوجود آورد و در همین هنگام به عنوان یک طبیعی دان جزو هیاتی به امریکای جنوبی و جزایر غربی اقیانوس آرام سفر نمود. داروین در این سفر که مدت پنج سال به طول انجامید مطالعات بسیاری درباره جانوران و سنگواره های گذشته نمود.

در سال ۱۸۵۶ تصمیم گرفت مطالعات خود را بنویسد. ولی در یکی از روزهای همین سال بود که کتابی خطی به عنوان هدیه برای او فرستادند. مؤلف این کتاب آلفرد روسل والاس بود. داروین از خواندن کتاب بسیار متعجب و ناراحت شد زیرا نتیجه ای را که از بیست سال مطالعه به دست آورده بود مؤلف در کتاب خود خاطر نشان ساخته بود.

داروین که از موضوع سخت ناراحت شده بود در صدد چاره برآمد و بالاخره به پیشنهاد دوستانش در روز اول ژانویه ۱۸۵۸ در جلسه جامعه لینه در لندن هنگامی که اثر والاس معرفی شد داروین هم نتایج خود را قرائت نمود. سپس داروین به نوشتن کتاب «اصل انواع» مشغول شد و با انتشار این کتاب شهرت عجیبی بدست آورد. در سال ۱۸۷۱ دومین

را که به او مهر مخصوصی دارد تشریح می‌کند. این داستان را به نکراسف دوستش داد تا بخواند. نکراسف سحرگاه روز بعد به سراغ داستایوسکی رفت و او را از خواب بیدار کرد و بوسید و گفت: شاهکار کرده‌ای! بلینسکی منقد با ذوق روسی پس از مطالعه این کتاب گفت: جوان، می‌دانی چه نوشته‌ای؟ خیر نمی‌دانی. تو هنوز نمی‌توانی به این مطالب پی ببری.

بالاخره شهرت به سراغ داستایوسکی آمد اما فقر و قمار گریبانش را رها نمی‌کرد.

عشق مفرط به بازی وی را به قمار کشانده بود. از آغاز طفولیت میل به برد و باخت داشت.

در سال ۱۸۴۹ او را به جرم قیام بر ضد سلطنت و مخالفت با کلیسا دستگیر و محکوم به اعدام کردند. اما تزار محکومیت او را به چهارسال حبس تخفیف داد. او را به سیبری بردند و در آنجا پیرزنی به او انجیلی داد. داستایوسکی در تمام مدتی که در آنجا بود انجیل می‌خواند. پس از رهایی از سیبری تحت تأثیر انجیل، تسلیم و رضا پیشه کرد. در این موقع حتی به نفع تزار برضد آزادیخواهان قیام کرد. او دیگر در برابر بدی مقاومت نمی‌کرد و تبهکاران را تقویت می‌نمود، صوفی شده بود و می‌گفت: آدمی خوشبخت نیست زیرا نمی‌داند خوشبخت است. هرگاه کسی این حقیقت را دریابد فوراً خوشبخت خواهد شد.

وضع شومی در روحیه و آثارش منعکس شد. در این دوره قهرمانان او آدمهای مطرود و تحقیر شده و فراموش گشته و درمانده و دردمند و راه گم کرده بودند. او در داستانهایش کوشش می‌کند پرده از رازهای روح انسان بردارد و تضادهای باطنی روح را کشف نماید. از مختصات آثار او ایمان و اعتقاد به دوگانگی احترام ناپذیر و غیرقابل استیلا درون انسان است. او معتقد بود پیوسته در درون ما مبارزه با نیک و بد و خیر و شر ادامه دارد. از این رو او که این پیکار درون



فئودور داستایوسکی داستانسرای روس در سال ۱۸۲۱ در مسکو متولد شد و در سال ۱۸۸۱ در سن شصت سالگی جهان را بدرود گفت. او خالق آثار عمیقی است که در همه آنها تمایل شدید به رقت و ترحم و یک دید روانی قوی به چشم می‌خورد. نفوذ داستایوسکی در نویسندگان و فلاسفه بعدی حیرت‌انگیز است. نیچه می‌گوید: من روانشناسی را از داستایوسکی آموختم و تسوایک او را عجب‌بده ضد رئالیسم نامیده است. داستایوسکی در بیمارستان فقرای مسکو به دنیا آمد، پدرش طبیب این بیمارستان و مادرش تاجرزاده مطرودی بود. روزی دهقانان، پدر دائم‌الخمر او را کشتند. در این موقع او ۱۷ سال داشت و پسری محبوب و افسرده و ساکت بود. علت انزوای او فشار پدرش بود که او را از بازی با بچه‌ها محروم می‌ساخت. داستایوسکی از همان کودکی به کتاب علاقه یافت و هر نوشته‌ای به دستش می‌رسید می‌خواند. وضع مالی او بد بود و از کودکی قوه تصویری فوق‌العاده داشت. ظاهرش آرام و باطنش آکنده از احساسات آتشین بود. مدتی در دانشکده مهندسی پترزبورگ تحصیل کرد. با آنکه آه در بساط نداشت اما جوان اسراف‌کاری بود. بر اثر فقر شدید به نویسندگی روی آورد و قلم را وسیله ارتزاق قرار داد.

نخستین داستانش مردم فقیر نام داشت. او در این کتاب با قلم شیوا و ساده‌ای احساسات دختر و مردی

دالامبر (ریاضیدان، فیزیکدان)

صبح یکی از روزهای ماه نوامبر سال ۱۷۱۷ ناله کودکی از داخل بسته‌ای در کنار کلیسای «سن ژان لورن» توجه زنی خیرخواه و نیکوکار را به خود جلب می‌نماید. زن نیکوکار که زوجه شیشه‌بر فقیری به نام «روسو» بود کودک را به فرزندى خود قبول می‌کند.

زن نیکوکار کودک را مانند فرزند خود تربیت می‌کند و کودک هم بعدها حق‌شناسی بی‌مانندی درباره این مادر می‌ذول می‌دارد. ولی مدتها بعد معلوم شد که پدرش ژنرال «دئوش» و مادرش مادام «تنس» می‌باشند.



طولی نکشید که دالامبر سرراهی بزرگ شد و دانشمند شهیری گردید ولی هیچ‌وقت مادرخوانده خود را فراموش نکرد و به مادام تنس که مایل بود او را پیش خود ببرد گفته بود که شما فقط نامادری من هستید و مادر حقیقی من همان زن شیشه‌بر است. دالامبر در بیست و دو سالگی با انتشار مقاله‌ای درباره حساب انتگرالها خود را شناساند و در سال ۱۷۴۳ کتاب دینامیک را منتشر کرد. دالامبر با همکاری «دیدرو» برای تهیه دایرة المعارف اقدام کرد. وی در سال ۱۷۵۴ عضویت آکادمی علوم فرانسه انتخاب شد و در سال ۱۷۵۸ همکاری با تهیه دایرة المعارف را ترك گفت.

را غلبه ناپذیر می‌دانست هر نوع مبارزه طبقاتی و هر وسیله انقلابی تغییر جامعه را طرد می‌کرد. از آثار داستایوسکی جنایت و مکافات، تسخیرشدگان، برادران کارامازوف، خانه اموات، ابله و آزدگان را می‌توان نام برد.

دالایی لاما

حاکم و پیشوای مذهبی تبت، متولد سال ۱۹۰۴. در ۱۹۳۹ در «لهاسا» بر مسند حکمرانی نشست. از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۰ نیابت سلطنت را داشت. در سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۵۹ عهده‌دار ریاست کمیته موقت ناحیه خودمختار تبت شد. در سال ۱۹۵۹ تبت را به قصد هندوستان (پس از مقاومت بسیار در برابر کمونیستهای چینی) ترك نمود.

در این هنگام بود که از جانب سایر بوداییها به پیشوایی برگزیده شد. در سال ۱۹۵۹ به اخذ درجه دکترا در فلسفه بودا نایل آمد.

دالایی لاما از سال ۱۹۶۰ در شمال هند در تبعید بسر می‌برد. او خواستار آزادی سرزمین تبت، بدون خشونت و بدون خونریزی، از سلطه چین است. تبت از سال ۱۹۵۰ مورد تجاوز و اشغال چین است. در سال ۱۹۸۷ میان مردم تبت و اشغالگران چینی برخوردهایی خونین روی داد. از سال ۱۹۵۰ تاکنون در حدود یک میلیون و دوست هزار نفر از اهالی تبت به وسیله اشغالگران چینی به قتل رسیده‌اند.

اهدای جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۸۹ به دالایی لاما، خشم حکومت چین را برانگیخت، ولی برعکس باعث شادمانی بیش از اندازه اهالی تبت و تبتی‌های تبعیدی شده است.

دالایی لاما به زبان فارسی به معنی «اقیانوس عقل» است.

مشاهیر

علاقه فراوانی از خود نشان می‌داد و در سال ۱۹۶۵ به تدریس فلسفه در کوبا پرداخت.

در این زمان کتابی به نام انقلاب در انقلاب تألیف کرد که در آن الگوهای انقلابی خاصی برای آمریکای لاتین در برابر الگوهای چینی و ویتنامی ارائه داد.

دبره در سال ۱۹۶۷ به بولیوی رفت و با گروه چه‌گوارا ارتباط برقرار کرد. در ماه آوریل همان سال دستگیر و در سپتامبر سال ۱۹۶۷ توسط یک دادگاه نظامی به سی سال زندان محکوم شد ولی بر اثر اعتراضات بین‌المللی در دسامبر ۱۹۷۰ آزاد شد.

دبره، میشل

میشل دبره اولین نخست‌وزیر جمهوری پنجم فرانسه (۱۹۵۹-۱۹۶۲)، در سال ۱۹۱۳ به دنیا آمد. وی از هواداران سرسخت دوگل به‌شمار می‌رفت و در دوران جنگ و در خارج از فرانسه با دوگل همکاری نزدیک داشت. در زمان ریاست جمهوری دوگل، میشل دبره سمت‌های وزیر دادگستری و وزیر دارایی را به عهده داشت. در ترمیم کابینه پمپیدو در سال ۱۹۵۸، وی به سمت وزیر خارجه فرانسه تعیین شد و این سمت را تا سال ۱۹۵۹ حفظ کرد. در فاصله سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۶۲ نخست‌وزیر فرانسه شد. میشل دبره در دوران ریاست جمهوری پمپیدو سمت وزیر دفاع را داشت.

درویش عبدالحمید (خوشنویس)

درویش عبدالحمید، از مشاهیر خطاطان قرن دوازدهم است. تولد وی در سال ۱۱۵۰ در طالقان قزوین اتفاق افتاد، در جوانی به اصفهان نقل مکان نمود و به مشق خط پرداخت. دیری نپایید که در هنر

دالامبر در روز ۲۹ اکتبر ۱۷۸۳ در شصت و شش سالگی زندگی را بدرود گفت.

دالتون، جان (کاشف)



جان دالتون در سال ۱۷۶۶ در خانواده‌ای فقیر در الگرفیلد انگلستان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه کواکر به پایان رسانید. دالتون در ریاضی استعداد فراوانی داشت اما بیشتر وقتش را صرف مشاهدات روزانه‌ای در باب هواشناسی می‌کرد به طوری که تعداد صفحات این یادداشتها به ۲۰۰,۰۰۰ صفحه رسید. چون جزوه‌هایی از مشاهدات هواشناسی خود منتشر کرد به انجمن ادبی و فلسفی منچستر راه پیدا کرد و برای آن انجمن مقالات متعددی نوشت. تئوری اتمی این دانشمند، محاسبات ریاضی را در علم شیمی وارد کرد. وی وجود الکتربسته را در اجسام ثابت نمود. دالتون در سال ۱۸۴۴ وفات یافت.

دبره، رژی

روزنامه‌نگار فرانسوی که در سال ۱۹۴۱ در شهر پاریس به دنیا آمد و در «اکول نرمال سوپریور» به تحصیل فلسفه پرداخت. به مسایل آمریکای لاتین

شکسته نویسی استاد مسلم شد. از شاگردان معروف او می توان میرزا کوچک اصفهانی را نام برد. وفات او در ایام جوانی و در محرم سال ۱۱۸۵ هجری قمری اتفاق افتاد و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. از گرانبهاترین آثار وی کلیات سعدی است که اکنون در کتابخانه سلطنتی سابق ایران نگهداری می شود.

دریفوس، آلفرد

آلفرد دریفوس افسر ارتش فرانسه به سال ۱۸۵۹ از پدر و مادری یهودی در آلزاس متولد شد. در ۱۸۹۵ به جرم خیانت به ارتش فرانسه محکوم و در جزیره دویلز زندانی گردید. در آغاز امر امیل زولا نویسنده بزرگ فرانسه که بر بی گناهی دریفوس واقف بود مقاله هایی تحت عنوان «من متهم می کنم»، منتشر کرد. این مقاله ها در محافل سیاسی و قضایی فرانسه تأثیری عمیق بخشید، چنانکه بی درنگ دولت فرانسه امیل زولا را تعقیب و به یک سال حبس و پرداخت ۳۰۰ فرانک محکوم ساخت. دریفوس متهم بود که نقشه های نظامی فرانسه را به آلمان فروخته است ولی بعداً معلوم شد که این اسناد توسط سرگرد استرالوزی لهستانی و سرتیپ هانری جعل گردیده بود. ژرژ بیکار یکی از ژنرالهای فرانسوی نیز در قضیه دریفوس به همکاری امیل زولا شتافت. دولت فرانسه با علم بر بی تقصیری دریفوس، از افشای حقیقت خودداری کرد و موضوع را همچنان مکتوم گذاشت. ولی این امر خشم و عصبان غریبی میان مردم فرانسه بوجود آورد. هرچند شاه دریفوس را بخشید ولی خود او از زندان بیرون نیامد تا اینکه در سال ۱۹۰۶ از طرف دیوان عالی تمیز تبرئه شد. این امر تزلزلی بسیار در احزاب آن موقع فرانسه بوجود آورد و باعث شد از آن پس احزاب تازه ای پیدا شدند

و به جبران تهمتی که به دریفوس زده بودند چند درجه افتخاری به وی اعطا کردند. وی به سال ۱۹۳۵ درگذشت.

دقیقی (شاعر)

ابومنصور محمدبن احمد دقیقی از شعرای دربار چغانیان و سامانیان بود. گرچه این شاعر عمر کوتاهی داشت ولی با این عمر کوتاه شهرتی بسزا یافت. شهرت وی بیشتر به خاطر شاهنامه ایست که به امر نوح بن نصر شروع به نظم آن کرد و قریب هزار بیت آن را فردوسی طوسی در شاهنامه آورده است. دقیقی زرتشتی بود و تعصبی شدید نسبت بمذهب زرتشت ابراز و خود بدین مذهب مباهات می کرد.

از دقیقی جز شاهنامه و ابیاتی چند اثر دیگری به جای نمانده است. شاهنامه دقیقی که در حدود ۱۰۵۸ بیت است شامل تولد زرتشت و ظهور او در سلطنت گشتاسب و جنگ او با ارجاسب می باشد که بعلت قتلش ناتمام ماند. فردوسی اشعار دقیقی را در مقدمه شاهنامه خود عیناً آورده و علت آن را این طور بیان می کند که شبی دقیقی را در خواب دیدم و او از من تقاضا کرد که اشعارش را از تندباد حوادث محفوظ بدارم.

دقیقی به سال ۳۲۰ یا ۳۳۰ هجری تولد یافت و در سال ۳۶۹ هجری شبی به دست غلام ترك خود کشته شد.

وی تألیفات مهمی در تاریخ دارد. کتاب او (سنی ملوک الارض و الانبیاء) از حیث مطالب و اطلاعات اهمیت بسزا دارد.

دکارت

در روز ۳۱ ماه مارس ۱۵۹۶ متولد شد.

فلاماند و گالیله و بعد از آنها شایز لکه‌های خورشید را مشاهده نموده بودند.

دکارت تحت تأثیر این وضع شروع به تفحص عمیقی در دانش آسمان نمود. ابتدا به ساختن دوربین دقیق و کاملی شخصاً اقدام کرد و مجبور شد برای انتخاب بهترین نوع عدسی، انکسار اشعه نورانی در عدسیها را مورد مطالعه قرار دهد. در سال ۱۶۲۶ درحالی که کارگران مشغول تراشیدن شیشه‌ای به امر او بودند موفق به کشف قانون انکسار نور گردید. طولی نکشید که نجوم علمی را کنار گذاشت تا بتواند مطالعات نظری خود را دنبال کند.

دکارت هندسه تحلیلی را بوجود آورد که وسیله ذیقیمتی برای پیشرفتهای علمی بود زیرا مطالعه هندسه اقلیدسی فقط برای عده معدودی از دانشمندان که دارای استعداد خارق‌العاده هستند ممکن است ولی اکنون با روش دکارت می‌توان به قسمتهای عالی نیز دسترسی پیدا نمود.

دکارت ریاضی‌دان بزرگی بود که چندان به ریاضیات علاقه نداشت.

دکارت در ۱۱ فوریه ۱۶۵۰ زندگی را بدرود گفت.

دلارینتس، دینو

تهیه‌کننده ایتالیایی، متولد سال ۱۹۱۹. در سال ۱۹۴۳ عنوان تهیه‌کننده و مسئول «لوکس فیلم» را داشت و در سال ۱۹۲۸ استودیوی سافیر و تئاتر دلافارنزا را تأسیس نمود. فیلمهای متعددی تهیه نموده که اکثر آنها جوایزی به‌دست آورده است. ازجمله فیلم «جاده» است که جایزه اسکار را برده و «طوفان» که جایزه روبان نقره‌ای را دریافت نمود و بالاخره «ارویای ۵۹» که جایزه شیر نقره‌ای و نیز را ربوده است.



او اهل موزن و فرزند یکی از مشاورین پارلمان برتانی بود. در سال ۱۶۰۶ هنگامی که پسر ده ساله‌ای بود هرروز با بیم و وحشت به مدرسه ژوئیتها به نام لامنش می‌رفت. درسهایی که می‌گرفت از ادبیات قدیم بود که تحت تأثیر فکر ارسطویی قرار داشت. در روز ششم ژوئن ۱۶۱۱ دکارت در یک جلسه سخنرانی تحت عنوان «اکتشاف چند سیاره سرگردان در اطراف مشتری» شنید که در آن سال گالیله چه اکتشافاتی کرده است.

این سخنرانی در روح او که کم‌کم آماده تحقیر اسکولاستیک شده بود تأثیر فراوان کرد.

دکارت در سال ۱۶۱۶ امتحان خود را در رشته حقوق گذرانید و در این هنگام وارد قشون پرنس‌دوناسو شد و وقتی در پادگان بردا مشغول خدمت بود تصمیم گرفت که در زندگی هیچ سنوالی را بی‌جواب نگذارد و در اطراف مسایل تفکر نماید.

این اصل کم‌کم در او قوت گرفت تا آنکه در دهم نوامبر ۱۶۱۹ که تعطیلات زمستانی خود را در توابع اولم می‌گذرانید توانست علمی را بوجود آورد که به‌وسیله آن برده تاریکی را از روی معرفت دور سازد.

دکارت اهل جنگ و نظام نبود و به‌همین مناسبت در بیست و چهارسالگی خدمت نظام را ترك کرد و در سال ۱۶۲۶ به پاریس رفت. در این سال همه‌جا صحبت از اکتشافی بود که به‌وسیله دوربینهای نجومی انجام می‌گرفت. ژان فابریسیوس اهل

وی در سال ۱۹۷۱ کارگاه فیلمسازیش را به دولت می‌فروشد.

دموستن (خطیب، سیاستمدار)

دموستن خطیب و سیاستمدار بزرگ آتنی در سال ۳۸۴ قبل از میلاد به دنیا آمد. پدر و مادرش از نژادهای ناشناس غیرآتنی بودند و به همین جهت بعدها وقتی می‌خواستند دموستن را مورد حمله قرار دهند او را به نژادهای وحشی نسبت می‌دادند. دموستن وقتی هفت سال داشت پدرش جان سپرد و برای او یک کارخانه شمشیرسازی که در آن زمان ۳ هزار و پانصد لیره ارزش داشت به ارث گذاشت. این کارخانه سالیانه ششصدلیره (به پول امروز انگلستان) درآمد داشت. دموستن خردسال بود و دوتن از اقوام پدرش سرپرستی این کارخانه را به دست گرفتند اما وقتی دموستن بالغ شد بسیاری از اموال او را به خود تخصیص دادند و اندکی را به او بازگرداندند.

دموستن دادخواستی علیه آنها تنظیم کرد و به دادگاه سپرد و در دادگاه دفاع جانانه‌ای کرد که در محافل آتن جار و جنجال بپا کرد و رأی دادگاه به نفع او صادر شد. از اینجا بود که او به عنوان یک نویسنده و خطیب بزرگ مشهور شد. او پول می‌گرفت و برای این و آن لواایح دفاعی می‌نوشت.

دموستن برای آنکه یک خطیب واقعی بشود فلفل در دهان می‌گذاشت و سخنرانی می‌کرد و به خاطر آنکه نفسش در ضمن خطابه نگیرد هر روز از تپه‌ها بالا می‌رفت و به این طرف و آن طرف می‌دوید. دموستن برای ورزیده ساختن خود تمرینات خطرناکی می‌کرد که باورکردنی به نظر نمی‌رسید. سخنرانی‌های سیاسی دموستن بسیارهیجان‌انگیز و پرشور بود و هیچ کس یارای برابری و مقاومت درمقابل سخنان او

را نداشته است. همه می‌گفتند که اگر می‌خواهید اسیر کلام دموستن نشوید به خطابه‌های او گوش نکنید. دموستن در سال ۳۰۰ قبل از میلاد نخستین نطق سیاسی خود را ایراد کرد.



دموستن در اواخر عمر به وسیله اسکندر مقدونی دستگیر شد و بعدها به جزیره کالوری فرار کرد و در یک معبد دوردست با زهر خودکشی کرد. در حال حاضر شصت نطق از دموستن باقی مانده است. دموستن از میهن پرستان واقعی و از هواداران بقای حکومت آتن بود. او مرد عمل بود و آستین بالا می‌زد و کوشش می‌نمود که حیثیت آتن را حفظ کند. او از جمله کسانی بود که مدتها مردم آتن را در برابر خطر حمله فیلیپ مقدونی پدر اسکندر حفاظت کرد و آنان را به مقابله با این خطر برانگیخت. اراده شکست‌ناپذیر، استقامت شگفت‌انگیز و شور و هیجان شدید او برای تنویر افکار مردم او را تا درجه یک پیامبر بزرگ بالا برده است. دموستن را نخستین ناطق دنیای قدیم و بزرگترین آنها خوانده‌اند. او یک روانشناس واقعی و نویسنده‌ای شورانگیز بود. زبان او فصیح، روشن، نافذ و نیرومند بود. با حرکات و سکنات خود انواع و اقسام معانی خاص را در ذهن

می باشد کودکی دیده به جهان گشود که والدینش نام عبدالله را برای او برگزیدند. عبدالله دوران کودکی را در این ده سپری کرد و تحصیلات ابتدایی را نزد تنی چند از روحانیون ده فراگرفت. وی پس از چندی به تهران آمد و در مدرسه تربیت نام نویسی کرد و در این مدرسه با رکن الدین خان مختاری همکلاس بود. وی شبی در منزل شخصی به نام مجدالممالک که از دوستانش بود با علی خان نایب السلطنه که از خوانندگان بزرگ آن زمان بود آشنا شد و در حضور وی قطعه ای بنا به درخواست مجدالممالک می خواند که مورد قبول علی خان نایب السلطنه قرار می گیرد و او دوامی را تشویق می کند که نزد وی آواز را کار کند و اولین مشق خود را که دستگاه «شور» بود نزد علی خان آغاز می کند که اولین استاد وی همین شخص می باشد.

دوامی قبل از انقلاب مشروطیت برای شناساندن موسیقی اصیل و سنتی ایران و برای حفظ و حراست و اشاعه آن قرار شد که به اتفاق اقبال السلطان، باقرخان و مشیرهمایون شهردار و عده ای دیگر برای ضبط صفحه به برلن بروند ولی به واسطه جنگ جهانی اول وقفه ای در این مسافرت هنری پیش آمد که اجباراً به جای برلن به تفلیس و قفقاز رفتند و تصمیم خود را در آنجا عملی کردند. استاد دوامی مدت هفت سال در اداره پست کار کرد و پس از این مدت به وزارت دارایی منتقل و تا پایان دوران بازنشستگی در این وزارتخانه مشغول کار بود. وی از فروردین ماه ۱۳۳۴ همکاری خود را با سازمان رادیو و تلویزیون وقت و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران شروع کرد که به واسطه کبر سن شاگردان را در منزل تعلیم می داد. گفته می شود از شاگردان خوب استاد دوامی شاپور حاتمی (وی خواهرزاده عبدالله خان دوامی است)، پرویز مشکاتیان، داریوش طلایی و... هستند و استادانی چون، نورعلی خان برومند و

شنوندگان خود بوجود می آورد. مانند یک هنرپیشه فوراً به خشم درمی آمد، بلافاصله شادمان می شد و هر آن که می خواست قیافه خود را عوض می کرد. بعد از مرگش آثنی ها یک مجسمه عالی برای او ساختند.

دموکریت



دموکریت فیلسوف یونانی به سال ۴۶۰ قبل از میلاد در شهر آپدر به دنیا آمد. او سفرهای بسیار نمود و ۵ سال با مهندسان مصری کار کرد.

دموکریت نخستین کسی بود که از اتم سخن گفت و آن را جزء لایتجزایی دانست که دنیا از آن ساخته شده است. دموکریت همیشه آماده استقبال از چیزهای خوب و محبوب زندگی بود. آفرینش را کامل می دانست و پیوسته در شکوه نبود. آثار دموکریت که در عهد عتیق شهرت فراوان یافته بود بدست ما نرسیده است، تنها دیوژن عنوان چند اثر از آثار او را یاد کرده است:

درباره آرامش روان، درباره طبیعت انسان، دوزخها، درباره سه نسل، علل زمینی هماهنگی و اعداد.

دوامی، عبدالله (موسیقیدان)

به سال ۱۲۷۰ در «طا» که یکی از دهات تفرش

حاج آقا محمد مجرد ایرانی نزد دوامی پاره ای از تصانیف را آموخته اند. استاد عبدالله خان دوامی در بیستم دی ماه ۱۳۵۹ دارفانی را وداع گفت.

دوده، آلفونس

آلفونس دوده نویسنده نامدار فرانسوی در سال ۱۸۴۰ در فرانسه به دنیا آمد. در ۱۵ سالگی شهر و دیار خود را ترک کرد و به پاریس رفت. در جوانی با نوشتن «نامه های آسیای من» مشهور شد. وی عشق زیادی به میهن خود داشت و آنرا پیوسته ستایش می کرده است. نمونه این عشق و دوستی در داستان آخرین کلاس در کتاب «داستانهای دوشنبه» بخوبی آشکار است. برجسته ترین آثار دوده عبارتند از: نامه های آسیای من، همسران هنرمندان، داستانهای دوشنبه، سافو، آرنوین و ماجراهای عجیب و غریب. آلفونس دوده در سال ۱۸۹۷ در سن پنجاه و هفت سالگی درگذشت.

دورکیم، امیل (فیلسوف)



امیل دورکیم در سال ۱۸۵۸ در فرانسه متولد گردید. او که مؤسس جامعه شناسی نوین است ارزش انسان را در داشتن اخلاق و درجه تربیت او می داند. زندگی فردی را غیرممکن و محال دانسته و

اجتماعی بودن انسان را باطنی برای پیشرفت علم و ترقی می داند. دورکیم در قسمتهای مختلف روانشناسی و زیباشناسی نیز استاد بود و درباره مذهب نیز نظریاتی دارد. دورکیم در سال ۱۹۱۷ درگذشت. مهمترین اثر او «تقسیم کار اجتماعی» نام دارد.

دوسن پیر، برنارد (نویسنده)

در سال ۱۷۳۷ در لهاور متولد شد و در سال ۱۸۱۴ جهان را بدرود گفت. ابتدا در صنف مهندسی ارتش بی آنکه موفقیتی کسب کند به خدمت پرداخت. سپس هلند و روسیه و لهستان و آلمان را به جستجوی کار و یافتن مقام مناسبی زیر پا گذاشت و در سال ۱۷۶۹ برای مدت دوسال به مأموریتی به این دوفرانس که امروزه به جزیره موریس معروف است عزیمت کرد و به مهندسی پرداخت. در مراجعت به پاریس چون مست و مسحور مناطق رویانگیز و زیبای خارج شده بود به تشویق ژان ژاک روسو فیلسوف معروف فرانسوی که هردو از نظر احساسات وجه تشابهی دارند، به انتشار آثار خود مثل، مسافرت به ایل دو فرانس (۱۷۷۳) و مطالعاتی در طبیعت (۱۷۷۴) دست زد. پل ویرژینی (۱۷۸۷) و کلبه هندی (۱۷۹۰) از جمله آثار اوست.

دوفو، دانیل

دانیل دو فو، نویسنده بزرگ انگلیسی در سال ۱۶۶۰ در لندن متولد گردید. خانواده او از نظر عقاید مذهبی با مردم دیگر انگلستان توافق چندانی نداشتند. ولی با این همه دانیل توانست در مدرسه نوبینگتن که يك مدرسه مذهبی انگلیسی بود تحصیل

نمی‌توانست در برابر نیروی آنان مقاومت و مبارزه کند لذا به پرتقال بازگشت و بسا ۲۰ کشتی در سال ۱۵۰۲ به سوی کالیکوت از راه دماغه امیدنیک به راه افتاد و با اعراب به جنگ پرداخت و به خلیج عمان دست‌یافت و قدرت پرتقال را در آنجا با سوزانیدن کشتی‌های اعراب و جنگ مستقر ساخت.

دوگاما پس از بازگشت از سفر مورد بی‌مهری پادشاه وقت قرار گرفت و مدت ۲۰ سال خانه‌نشین شده بود تا بالاخره با عنوان نایب‌السلطنه هند از طرف ژان سوم پادشاه پرتقال بدان سامان اعزام گردید.

دوگل، شارل (سیاستمدار)

متولد سال ۱۸۹۰ در شهر لیل، فارغ‌التحصیل مدرسه عالی سن سیر و دانشگاه نظامی فرانسه. در سال ۱۹۴۰ فرماندهی قسمتی از قوای حومه پاریس به عهده وی بود. در زمان اشغال آلمانها رهبری نهضت مقاومت فرانسه را در دست داشت. پس از تسلیم حکومت فرانسه به آلمان و روی کار آمدن دولت ویشی به انگلستان گریخت و بالاخره دولت فرانسه آزاد را به کمک متفقین تشکیل داد. در سال ۱۹۴۴ همراه قوای امریکایی و انگلیسی و نیروهای فرانسه آزاد در خاک فرانسه پیاده شد و تا سال ۱۹۴۶ رئیس حکومت فرانسه بود. در این سال از سیاست کناره گرفت و در سال ۱۹۴۸ یک حزب سیاسی به نام حزب ا.پ.اف تشکیل داد.

وی به‌هنگام انقلاب الجزایر دست از کار و فعالیت سیاسی خود کشید ولی در سال ۱۹۵۸ که در الجزایر کودتا شد، مجدداً روی کار آمد و به الجزایر رفت و پس از بررسی کامل نظر خود را دایر بر خودمختاری الجزایر اعلام نمود. در سال ۱۹۵۹ ژنرالهایی را که علیه وی شورش کرده بودند دستگیر

نماید. پس از مدتی به تجارت پرداخت و به کشورهای مختلف، آلمان، ایتالیا و اسپانیا از طریق خشکی و دریا سفر کرد و کالاهای تجارتي از کشوری به کشور دیگر حمل کرده و می‌فروخت. اما بزودی ورشکست شد و به انگلستان بازگشت و مدت چهارسال از ۱۶۹۵ تا ۱۶۹۹ منشی محاکم حقوقی در لندن بود.

در سال ۱۷۰۲ به علت نوشتن مقاله‌ای علیه دولت وقت دستگیر و زندانی گردید و تا سال ۱۷۰۳ در حبس باقی‌ماند.

بعد از آزادی مدتها به کارهای سیاسی و انجام مأموریت‌های کشوری مشغول بود ولی به تدریج از سیاست کناره گرفت و به ادبیات روی آورده با انتشار کتاب رابینسون کروزو در سال ۱۷۲۰ شهرت به سراغ او آمد و نویسندگان زیادی نیز مانند سویتف به پیروی از او آثاری مشابه بوجود آوردند. دانیل دفو در سال ۱۷۳۱ در مورفیلد درگذشت. از مهمترین آثار او کتابهای زیر را می‌توان نام برد:

رابینسون کروزو، تاریخ جنگهای شارل هفتم، خاطرات یک سوار، کامیابها و شکستهای مل فلاندر مشهور و زندگی کاپیتان سینگلتون دزد دریایی.

دوگاما، واسکو (کاشف)

واسکو دوگاما یکی از کاشفان بزرگ و بحریمایان جسور پرتقال بود که در سال ۱۴۹۷ وسایل سفر را برای راه یافتن به هند آماده ساخت و در همان تاریخ به سوی دماغه امید نیک به راه افتاد و از آنجا گذشت و به سواحل زنگبار و کالیکوت رسید.

در آن روزگار تجارت میان هند و کشورهای غربی هند با اعراب بود از این جهت واسکودوگاما

و بازنشسته کرد و در سال ۱۹۶۱ با قدرت شگرف خود علی‌رغم مخالفت دست‌راست‌ها که او را تهدید می‌کردند رفراندوم معروف خود را به نفع خودمختاری الجزایر عملی ساخت.
پس از کناره‌گیری از سیاست درگذشت.



دوما، الکساندر (پدر)

دهان پدر خود شنید، و بعدها در رمان‌های خود توانست صحنه‌های مهیج و مخوف آن‌را با قلم سحر خویشت مجسم کند. اسناد و مدارک و یادداشتهای خصوصی نیز که در طی سنوات مختلف به دستش افتاد، او را در نوشتن رمان‌های متعددی که زمینه همه آنها تاریخ فرانسه است بسیار کمک کرد.

آثار دراماتیک او که در زمان خود نیز شهرت بسیار داشت عبارتند از:

سه تفنگدار، گردن بند خانم مونسورو، ملکه مارگو، ژوزف بالسامو، غرش توفان، پاسداران چهل‌پنج‌گانه، آموری، لاله سیاه، تأثرات سفر، گودال جهنم، خدا وسیله ساز است، تبعیدشدگان، ابوالهول سرخ، آسکانیو، برج کج و کنت‌مونت کریستو.

دوما، الکساندر (پسر)

الکساندر دوما یکی از مشهورترین رمان‌نویسهای فرانسه است که در سال ۱۸۰۳ در ویلرکوترت به دنیا آمد. وی پسر یکی از ژنرال‌های فرانسه بود.



الکساندر دومای پسر، پسر غیرشرعی الکساندر دومای بزرگ، نویسنده معروف فرانسوی است که چون از رابطه نامشروعی بوجود آمده بود، دوران کودکی اسفانگیز و ملال‌آوری را گذراند. وی در اواخر سال ۱۸۲۴ متولد گردید.

پدر و مادرش بر سر امر نگاهداری و تربیت او به نزاع برخاستند و کارشان به محکمه کشید. خاطرات و تأثرات کودکی این نویسنده، راه و روش دوران بزرگی را برای او تعیین کرد و تردیدی نیست که این خاطرات در طرزفکر و اشتغالات او در زندگی، اثری قاطع و بزرگ بخشیده است. داستان زندگی این مرد در واقع با آثارش مخلوط است. شاهکار او کتاب لادم او کاملیا است که در سال ۱۸۴۸ به رشته تحریر کشیده شد. وی در سن بیست‌سالگی، جوانی رعنا، خوش‌اندام و چهارشانه بود و با پدر خود الکساندر دوما در ویلای زیبای به نام «ویلامدیس» در

پس از اتمام تحصیلات چون دارای خطی زیبا بود ابتدا در یک دفترخانه به کار منشی‌گری پرداخت و سپس به‌عنوان منشی وارد خدمت یکی از بزرگان آن دوره گشت. جزئیات انقلاب کبیر فرانسه را از

گرانادا جنگید. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ نایب السلطنه عمویش آلفونسوی ششم بود. سپس مدت ۱۳ سال در جنگهای داخلی بر علیه شاه جنگید و دو سال هم در تبعید به سر برد آنگاه با آلفونسو صلح کرد و دوباره بر علیه مورز جنگ نمود. آثار تاریخی، دینی و تربیتی بسیاری نوشته است که مشهورتر از همه کنت لوکانور نام دارد. دیگر مجموعه‌ای ست از ۴۹ افسانه رومانیتیک که همه دارای شخصیت‌های شرقی می‌باشند و پیوسته به عنوان نمونه کاملی مورد استفاده نویسندگان بزرگی چون بوکاجیو، چوسر، کالدرون و احتمالاً شکسپیر قرار گرفته است. مرگ وی در ۱۳۴۹ میلادی اتفاق افتاد.

دونوای، کنتس (شاعره)

کنتس دونوای که نام اصلی وی «پرنس آناماتیا برانکودان» می‌باشد، به سال ۱۸۷۶ چشم به جهان گشود. بی‌شک او عاشق پیشه‌ترین شاعره فرانسه و یکی از خونگرم‌ترین شاعره‌های دنیاست. این شاعره زیبا گذشته از شیوایی و لطف جمال، شایسته علاقه و احترامی خاص است، زیرا وی یکی از بزرگترین عاشقان سعدی است. حافظ و سعدی دوستان تنهایی و خلوت وی بودند و وی به‌طوری مقتون این دو شاعر پارسی گردیده بود که یک‌بار شاعره زیبای فرانسه نوشت: «کاش در روزگار سعدی و حافظ بودم و از ایشان گدایی عشق می‌کردم». دونوای مقدمه‌ای بر ترجمه فرانتن توسن که گلستان سعدی را ترجمه کرده است نوشته که از زیباترین آثار ادبیات معاصر فرانسه است. در نظر این شاعره زیبا زندگی فرصت کوتاهی است که باید حد اعلای استفاده را از آن نمود.

از لحاظ ادبی شعر کنتس را باظرافت و زیبایی لامارتین و دوموسه نمی‌توان مقایسه کرد، معهداً

سن ژرمن آن‌لی زندگی می‌کردند و چون از مدعوین با مهمان‌نوازی پذیرایی می‌کردند ویلای آنها محل رفت و آمد دوستان و آشنایان بود. روزی وارد تئاتر «کمدی فرانسز» می‌شود و یک دختر زیبا و ثروتمند به نام آلفونس پله سیس ملقب به ماری دوپله سیس که در لژ جای گرفته بود توجه او را جلب می‌کند. ماری دوپله سیس - به طوری که بعدها الکساندر دومای پسر در کتاب خود تشریح کرده است - زنی بود بلندقد، باریک اندام با موهای کاملاً سیاه و چهره سفید و دندان‌هایی سفید و زیبا. پدر ماری آدم مشهوری نبود و خود وی در سال ۱۸۱۴ متولد گردیده و تقریباً با دومای جوان همسن بود. وی زنی فوق‌العاده بوالهوس و ولخرج بود و الکساندر دومای پسر حتی قادر نبود مخارج یک شب ماری را به عهده بگیرد. او می‌بایست هر شب به تئاتر و کافه رود و هر روز گل‌های کاملیا را عوض کند. الکساندر دومای پسر حقوق و درآمد کافی نداشت و مرتباً برای کسر خرج خود از پدر پول قرض می‌گرفت.

چندماه پس از دوستی نزدیک، ملامت و سرزنش جای لطف و نوازش را گرفت و کمتر به سراغ ماری می‌رفت. در سی‌ام ماه اوت ۱۸۴۵ الکساندر دومای پسر تصمیم گرفت کاملاً با ماری قطع رابطه نماید، و این کار را نیز کرد. سال بعد پدر و پسر مسافرتی به الجزایر و اسپانیا کردند و مدتی از پاریس دور ماندند. مرگ دومای پسر به سال ۱۸۹۵ میلادی به‌وقوع پیوست.

دون ژوان

دون ژوان مانوئل نظامی، سیاستمدار و نویسنده اسپانیایی به سال ۱۲۸۲ متولد شد. او پسر بزرگ فردیناند سوم پادشاه لئون و کاستیل و برادرزاده آلفونسوی پنجم بود. در جوانی بر علیه مورز در

بسیاری از اشعار وی بسیار عالی است. دیوانهای او موسومند به: سایه ایام، زندگان و مردگان، خیرگیها، افتخار رنج، شعر عشق، قلب ناشمردنی، دل در همه جا، نیروهای جاودانی و اشعار کودکی. این شاعره زیبا به سال ۱۹۳۸ چشم از جهان فرو بست.

دهخدا، علامه بزرگ

علامه علی اکبر دهخدا محقق، ادیب گرانمایه و شاعر بزرگ معاصر ایران به سال ۱۲۹۷ هجری قمری در تهران پا به دنیا گذارد. پس از آموزش مقدماتی به عنوان نخستین شاگرد مدرسه علوم سیاسی قدیم تهران در این مدرسه عالی جدید به تحصیل پرداخت و پس از پایان دوره برای تکمیل دانش خود به اروپا رفت و مدت ۵ سال در کشورهای اروپایی با دانش جدید و آشنایی با زندگی و جهات فکری مردم اروپا گذرانید. بازگشت وی به ایران مصادف با نخستین طلیعه افکار آزادیخواهانه و نخستین پیکارهای جنبش مشروطه بود. دهخدا که از استبداد و مظالم آن زمان دل پر خونی داشت به صف مبارزان پیوست و به همراهی میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل در جهت بیداری مردم و مبارزه با جهل و فساد به پیکار پرداخت.

دهخدا در این هنگام با نگارش مقالات تند و طنزآمیزش به امضای مستعار «دخو» رسالت يك نویسنده مینهن پرست را انجام داد. کارهای ادبی و انتقادی دهخدا در نوع خود سبک و سلیقه ای کم نظیر در زمان خود محسوب می شد و کار نوآوری وی در طنزنویسی بی شک مکتبی تازه در زبان و ادبیات پارسی به وجود آورد.

در شعر، دهخدا آثاری برجسته دارد که هر کدام می تواند نمونه کاملی از احساس متعالی و لطیف يك انسان و يك شاعر باشد. اشعارش با بیانی ساده و

شیوه ای تازه و دلنشین بود. دهخدا با تهیه کتاب «امثال و حکم» که مجموعه ای است از ۲۴ هزار ضرب المثل فارسی نخستین فرهنگ نامه فولکلوریک را در زبان فارسی پایه گذاری کرد، اما بزرگترین و آخرین شاهکار علمی و ادبی دهخدا «لغت نامه» اوست که آنچنان کاری بزرگ و پرمایه و غنی است که می توان آن را یکی از شاهکارهای بزرگ زبان پارسی در قرن اخیر دانست.

استاد دهخدا مردی قانع، درویش صفت و بزرگواری بود. آخرین مقام علمی وی ریاست دانشکده حقوق بود و از آن پس به کار تهیه لغت نامه پرداخت. لغت نامه دهخدا که بیش از یکصد و اندی جلد است خود گنجینه نفیسی را تشکیل می دهد. استاد دهخدا در ۷ اسفند ۱۳۳۴ در تهران دیده از جهان بست.

دهلوی، امیر خسرو (شاعر)

امیر خسرو در سال ۶۵۱ هجری در پتالی از شهرهای شمال غربی هندوستان به دنیا آمد. پدرش لاجین نام داشت و از ترکانی بود که در دوره استیلای مغول از ترکستان به هندوستان فرار کرد. امیر خسرو پس از تحصیل علوم و ادبیات به خدمت شاهان هند درآمد. وی ممدوح علاءالدین خلجی بود. دیوان امیر خسرو شامل قصاید و ترجیع بند و مسقط است و علاوه بر این دیوان، پنج مثنوی سروده و داستانهایی از زبان سانسکریت به نظم فارسی ترجمه نموده است. پنج مثنوی امیر خسرو شامل ۱۸ هزار بیت است که در مدت سه سال از ۶۹۸ تا ۷۰۱ هجری سروده شده. وی آثار دیگری به نظم و نثر دارد که از آن جمله قران السعدین، مفتاح الفتوح، خزائن الفتوح و مسایل الاعجاز است.

امیر خسرو در سال ۷۲۵ در دهلی وفات یافت.



دنيس دیدرو نویسنده و فیلسوف بزرگ فرانسوی به سال ۱۷۱۳ چشم به جهان گشود. وی پسر چاقوسازی فرانسوی بود و در قوت بیان و سرعت انتقال و درک مسایل مشکل و دریافتن مطالب تازه کمتر نظیر داشت و در تدوین کتاب بزرگ دائرةالمعارف با دالامیر همکاری نمود. غرض او و سایر نویسندگان این کتاب بیش از همه آشنا کردن عامه به معارف عمومی و تربیت افکار و اذهان ایشان بود و برای آنکه از طرف مأمورین دولت مورد اعتراض قرار نگیرند، در مسایل مذهبی از عقاید عامه تجاوز نمی کردند، لیکن در تقریر مسایل علمی و اجتماعی مقالات را طوری ترتیب می دادند که راه بحث و نظر بر عموم خوانندگان در خصوص اوضاع زمان باز باشد و اساس تقلید و تعبد تزلزل پذیرد. با این همه تدوین دائرةالمعارف بیست و یک سال طول کشید، زیرا او درضمن تألیف دوبار به عنوان اینکه مردم را بر ضد خدا و شاه تحریک کرده توقیف شد. سرانجام در سال ۱۷۷۲ تألیف آن به پایان رسید و خود او نیز ۱۲ سال بعد از آن یعنی در سال ۱۷۸۴ درگذشت.

چارلز دیکنز در هفتم فوریه سال ۱۸۱۲ متولد شد و وضع زندگانی او در کودکی آنچنان بود که از همان ابتدا از زندگی مردم تنگدست مطلع شد. او به خاطر امرار معاش در انباری تاریک و کثیف کار می کرد و به طوری که خودش گفته است فقط يك مرتبه روزنه ای در زندگی پدرش بوجود آمد تا او توانست تحصیل علم نماید.

خانواده دیکنز در لندن زندگی می کردند. دیکنز ابتدا به عنوان منشی در دفتر وکیل شروع به کار نمود و بعداً خبرنگار پارلمانی روزنامه شد و آغاز نویسندگی او از زمانی ست که مقالاتی در يك مجله منتشر می نمود. دیکنز بعداً این مقالات را به صورت کتابی درآورد و استعداد فکاهی نویسی او بر اهل ذوق معلوم شد.



بعد از انتشار این کتاب از او دعوت شد تا تفسیرهایی برای طراحی های مزاح آمیز روبرت سیمور معروف بنویسد.

از این تاریخ آثار دیکنز یکی پس از دیگری منتشر می شد و یکی از شاهکارهای او دیوید کاپرفیلد است که در سال ۱۸۴۹ منتشر شد. به عقیده عامه مردم این اثر شاهکار دیکنز است.

از دیگر آثار دیکنز، نیکلانیکل بای، اولیورتویست، براندی راج، دوریت کوچک، کاغذهای پیک ویک و آرزوهای بزرگ را می توان نام برد.

در نویسندگی دیکنز سهل انگاری فراوانی نسبت به اصول و قواعد ادب و زبان دیده می شود که آن را با قدرت استادیش در ظرافت و بذله گویی برطرف نموده است.

دیکنز در نهم ژوئن سال ۱۸۸۰ درگذشت و جسدش در صومعه وست مینستر به خاک سپرده شد.

دیوئی، جان

جان دیوئی در سال ۱۸۵۹ در ورمونت امریکا پا به عرصه وجود گذاشت. پس از پایان تحصیلات به استادی دانشگاه کلمبیا انتخاب گشت، مدتی جان دیوئی در کشور چین بسربرد و به مردم آن سامان روش تعلیم و تربیت جدید را آموخت، و نیز برای تهیه گزارشی از وضع تعلیم و تربیت ترکیه مدتی در این کشور اقامت گزید. این فیلسوف و مربی بزرگ تعلیم و تربیت تألیفات فراوانی از جمله: آموزشگاههای فردا، رشد شخصیت، دموکراسی در تعلیم و تربیت و بنیاد فلسفه داشت. دیوئی در سال ۱۹۴۲ درگذشت.

دیوئی، ملویل

ملویل دیوئی از دانشمندان بزرگ آمریکایی در سال ۱۸۵۱ به دنیا آمد. او عقیده به تقسیم معرفت آدمی به ده قسم مهم داشت و هر یک از این اقسام دهگانه خود به ده قسمت فرعی تقسیم می شود الخ... اولین تصنیف دیوئی در سال ۱۸۷۶ فقط در ۲۴ صفحه بود. بعدها در آن جرح و تعدیل و حذف و اضافه به عمل آورد و در دوره حیاتش دوازده بار به زور طبع آراسته شد. بعد از مرگش باز این کتاب به طبع رسید تا اینکه در چاپ شانزدهم به سال ۱۹۵۹ به صورت دو جلد بزرگ منتشر شد.

دیوئی شیوه خاصی در فن کتابداری و تنظیم

کتابخانه اعلام کرد که در عالم مورد توجه فراوان قرار گرفت. دیوئی در سال ۱۹۳۱ وفات یافت.

دیوژن

دیوژن به سال ۴۱۲ پیش از میلاد در «سیتوب» متولد شد. در جوانی به خاطر اینکه متهم شد پول تقلبی ساخته مجبور شد به آتن بگریزد. او در آتن نزد آنتیس تنس به تحصیل پرداخت. دیوژن معتقد بود که تا حد امکان باید از تجملات چشم پوشید و از احتیاجات زندگی کم کرد. به همین واسطه تا آخر عمر خود تنها سرمایه اش يك عصا، يك بالاپوش و يك کاسه بود. بی نیازی او بحدی بود که روزی اسکندر نزد وی رفت و به دیوژن گفت: «چه می خواهی؟» دیوژن در جواب می گوید: «خواهش می کنم از پیش من آنسوی تر رو و با سایه خود مرا از آفتاب محروم نکن».

دیوژن در سال ۳۲۳ پیش از میلاد درگذشت.

رازی، فخر [امام -]

امام فخر رازی در سال ۵۴۴ هجری در ری متولد شده و از مشهورترین دانشمندان عصر خود بود. فخر رازی تألیفاتی در حکمت، فلسفه، تصوف، منطق و کلام دارد که معروفترین آنها که به زبان عربی است عبارتست از: شرح اشارات ابن سینا، کتاب المباحث المشرقیه در طبیعیات و الهیات و المخلص در منطق و حکمت. وی رسالاتی به زبان فارسی نگاشته است. فخر به علت ایراداتی که بر فلاسفه پیشین داشت به امام المشککین ملقب شد. فخر رازی در سال ۶۰۶ هجری در هرات وفات یافت.

رازی، محمد زکریا (پزشک، شیمیدان)

زیاد و مداوم از نعمت بینایی محروم شد و محل و تاریخ وفات او بدرستی معلوم نیست. بیرونی درگذشت او را در ماه شعبان ۳۱۳ دانسته و تعداد تألیفات او را بیش از پنجاه و شش کتاب و رساله نوشته است.

راسپوتین

گریگوری یفیموویچ راسپوتین کشیش روسی در سال ۱۸۷۲ به دنیا آمد. وی که دهقان زاده‌ای کم‌اطلاع بود به واسطه حقه‌بازی و نیرنگ به دربار روسیه راه یافت و بر عقل و فکر نیکلای دوم امپراطور روسیه و ملکه آن تسلط پیدا کرد. او با هوسرانیها و شهوات تند و آزمندی خویش قدرت فراوانی داشت و هر که با وی مخالفت می‌کرد معزول می‌شد. سرانجام عده‌ای از آزادیخواهان روسی در سال ۱۹۱۶ وی را کشتند.

رامبراند

هارمونتس وان‌ریم رامبراند نقاش معروف هلندی در سال ۱۶۰۶ در لید متولد شد و در سال ۱۶۶۹ در آمستردام درگذشت. پدر او آسیابان ثروتمندی بود، که وی را از چهارده سالگی برای تحصیل نقاشی نزد یکی از نقاشان معروف فرستاد.

رامبراند مدتی با «لاستمان» نقاش و پرتره‌ساز هلندی کار کرد و پس از چندی که در آمستردام زندگی کرد، به لید بازگشت و شاگردانی پیدا کرد. «ژریدو» نقاش معروف نیز از جمله شاگردان او بود. رامبراند در سال ۱۶۲۸ تابلوی «صراف» را ساخت که معروفیت زیادی برای او کسب کرد. وی در سال ۱۶۳۴ با دختر زیبای یکی از ثروتمندان آمستردام ازدواج کرد. وی تصاویر زیادی از زن خود کشید، اما این زن در

ابوبکر محمدزکریای رازی پزشک و شیمیدان بزرگ ایرانی که یکی از مفاخر جهان بشمار می‌رود در ری متولد شده است.

در سالهای جوانی به تحصیل موسیقی و فلسفه و ادبیات و ریاضیات و نجوم پرداخت و بعد به شیمی (کیمیا) و پس از آن متوجه طب گردید و در تمام رشته‌ها مقامی ارجمند یافت.

رازی در سی سالگی به بغداد رفت و چون به علم طب دلباخته بود به تحصیل آن پرداخت و چون در آن چیره دست شد به ری بازگشت و از طرف منصورین اسحق حاکم ری سرپرست بیمارستان ری شد. رازی چندسال بعد مجدداً به بغداد رفت و ریاست بیمارستان مقتدر به او واگذار شد و چنان شهرتی در بغداد یافت که هرگز سابقه نداشت.

از مهمترین آثار او الحاوی است که به نظر بعضی از قانون ابن‌سینا مهمتر است و این کتاب چند قرن مورد مطالعه و مراجعه بلکه تنها کتاب اصلی درسی طب به شمار می‌رفته است. رازی این کتاب را به صورت یادداشتهای متعدد و پراکنده‌ای تهیه کرده بود و بعد از مرگش به دستور ابن عمید از روی یادداشتهای او کتاب را استنساخ و تنظیم نمودند. مقدار زیادی از نتایج آزمایشها و مطالعات رازی در این کتاب جمع است.

طب‌المنصوری اثر دیگر رازی است که به نام منصورین اسحق تألیف شده است. از دیگر آثار او کتاب من لایحضره الطیب شامل دستورهای ساده طبیبی و کتاب براء الساعه است.

در علم کیمیا رازی سرآمد دانشمندان اسلامی است و از کارهای مهم او که متکی به آزمایشهای متعدد بوده کشف جوهر گوگرد و الکل است.

از جمله کتابهایی که در کیمیا به رشته تحریر درآورده است کتاب‌الاکسیر و کتاب‌التدبیر را می‌توان نام برد. رازی در سالهای آخر عمر بعلت کار



است. برخی وی را با رام و رامین (رامتین) عاشق ویس، که کتاب «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی بر پایه آن به نظم درآمده، یکی دانسته‌اند. داستان ویس و رامین در سال ۴۴۶ هجری یا بعد از آن سال توسط فخرالدین اسعد گرگانی (متوفی سال ۴۶۶ هجری) از بهلولی به نظم پارسی درآمده است. در آن داستان رامین جوانی است زیباروی و خوش اندام، که شیفته لذت و زیبایی است، چنگ نیکو می‌نوازد و سرود خوش می‌خواند و حتی به عقیده فخرالدین اسعد گرگانی وی واضع چنگ است.

رامسس اول

رامسس اول دومین فرعون از نوزدهمین سلسله فراغنه مصر در حدود سال ۱۳۱۵ قبل از میلاد تولد یافت. در سنین رشد به مقام فرعونی رسید و در طول دوران زمامداریش کارهای مهمی کرد که از آن جمله طرح نقشه و شروع ساختمان تالار ستون دار کارناک بود. پسر رامسس اول، ستی اول نام داشت.

سال ۱۶۴۲ جان سپرد و پسری برای او به یادگار گذاشت. این پسر هم بعدها جان سپرد و رامبراند با ثروتی که از همسرش به او رسیده بود در خارج از شهر رحل اقامت افکند و در همین جا بود که آثار ذقیمت خود را با الهام از طبیعت خلق کرد.

چوپان و سه روستایی از جمله آثار این عصر هستند. آثار او از ۳۵۰ متجاوز است. سوژه‌های مذهبی، تاریخی، اخلاقی، طبیعی و انسانی در آثار او منبع الهام واقع شده است. او برای نمایش احساسش از اصیل‌ترین وسایل انتقال احساس کمک گرفته است و با پخش نور و سایه، سوژه‌های دلخواه را تجسم داده است. هرگز نقاشی مانند او در سایه‌روشن و در به‌کار بردن نور و تاریکی تأمل، مطالعه و دقت نکرده است.

رامتین (چنگ‌نواز)

نام رامتین در آثار شاعران دوران بعد از اسلام به‌عنوان موسیقی‌دان و واضع چنگ و استاد در نواختن این ساز در دوره ساسانی ثبت و ضبط شده



رامسس دوم چهارمین فرعون از نوزدهمین سلسله فراعنه مصر در سال ۱۲۹۲ پیش از میلاد متولد شد. وی پسر ستی اول بود. در نخستین سالهای سلطنتش در جنبش و نهضت مهمی بر علیه هیتی‌تس شرکت جست، جنگهای بی نتیجه‌ای نیز در سوریه کرد و با شجاعت بی نظیرش سرزمین مصر را از تجاوز بیگانگان مصون نگاه داشت. پس از چند سال دیگر جنگیدن و خرابی بیار آوردن، سرانجام در ۱۲۷۲ صلح نامه همیشگی با هیتی‌تس حکمروای فلسطین و فرمانروای سوریه منعقد کرد. چندی بعد با دختر شاه هیتیت ازدواج کرد و باقی عمر را به آرامی و صلح و صفا گذراند. از کارهای مهم او تکمیل برج ستی در آیدوس بود. معابد چندی نیز در کارناک و لوکسور بنا نمود. در شهر تب برج بزرگی برای دفن مردگان ساخت و بر دیوارها تصویر خود را نقاشی نمود. بسیاری از مصرشناسان وی را فرعون ظلم و ستم می‌نامند، زیرا که با زور و ظلم مردان قوم یهود را وادار به ساختن بناهای عظیمی می‌نمود. مرگ او به سال ۱۲۲۵ قبل از میلاد اتفاق افتاد.

نجم‌الدین ابوبکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی از محققان و نویسندگان قرن هشتم هجری، از خوشنویسان اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است. خاندان او از عالمان عراق بودند. وی در راوند کاشان ولادت یافت و پس از قحطی سال ۵۷۰ هجری که در اصفهان روی داد به عزم تحصیل به اصفهان و همدان و شهرهای عراق سفر کرد و از سال ۵۷۷ هجری به دربار طغرل پسر ارسلان سلجوقی راه یافت و سپس به خدمت سلیمان شاه پسر قلیچ ارسلان سلجوقی اختصاص یافت و به تعلیم پسران وی مأمور گشت و بیشتر این روزها را در همدان گذراند و پس از انقراض سلسله سلجوقیان ایران (۵۹۰ هجری) به روم رفت و در دربار سلطان غیاث‌الدین ابوالفتح کیخسرو پسر قلیچ ارسلان پذیرفته شد. او مؤلف کتاب معروفی است در تاریخ سلجوقیان به نام راحة الصدور و آية السرور که در سال ۵۹۹ هجری تألیف کرده و یکی از بهترین کتابهای نثر فارسی است که با فصاحت و روانی نوشته شده است. راوندی در شعر نیز دست داشته و اشعار فارسی را نیکو می‌سروده است.

رپین، ایلیا (نقاش)

ایلیا رپین نقاش بزرگ روسی به سال ۱۸۴۴ متولد شد. دوران کودکیش را در شهر چوگوف گذراند و در همانجا مقدمات نقاشی را آموخت. در اثر سه سال زحمت و کوشش تابلوی قایق‌رانان ولگارا خلق کرد. در سال ۱۸۸۳ او شاهکار خود را به نام گروه مذهبی در شهرستان کورسک به پایان رسانید. آثار بعدی رپین عبارتند از: تحت الحفظ (۱۸۷۷)، بازداشت پول (۱۸۷۸)، و ورود غیرمنتظره



(۱۸۸۴).

در سال ۱۸۸۵ رپین تابلوی عظیم و مشهورش موسوم به ایوان مخوف و فرزندش ایوان را به اتمام رسانید. این تابلو که ظلم و ستم تزارها را به نحوی بارز نشان می‌داد به دستور تزار توقیف شد. او در سال ۱۹۳۰ هنگامی که ۸۶ سال از سنش می‌گذشت درگذشت.

رسیف، فردریک (فیلمساز)

مستندساز بزرگ فرانسوی است که در ۱۴ اوت سال ۱۹۲۲ در سیتیه واقع در منطقه مونت نگر و (یوگسلاوی) متولد شد. پس از جنگ جهانی دوم وارد لژیون خارجی فرانسه شد و چندین سال به عنوان نقشه‌کش کارخانجات رنو و سیتروئن به کار پرداخت. همکاری وی با سینماتک فرانسه به عنوان کارمند است و در دهه ۱۹۵۰ میلادی گاهگاهی برای تلویزیون فرانسه برنامه‌سازی می‌کرد. در سال ۱۹۵۸ شروع به ساخت فیلمهای کوتاه کرد و سال ۱۹۶۱ نخستین فیلم بلند مستند او «مرگ در مادرید» ساخته شد و بسیاری از ساخته‌های وی نیز جوایز متعددی در جشنواره‌های مختلف ربوده‌اند. فیلمهای فردریک روسیف عبارتند از:

عصر گنو (۱۹۶۱)، حیوانات (۱۹۶۳)، انقلاب اکتبر (۱۹۶۷)، دیواری در اورشلیم (۱۹۶۸)، چرا آمریکا (۱۹۶۹)، به دوری عشق (۱۹۷۱) و جشن وحوش (۱۹۷۶).
مرگ فردریک در سال ۱۹۹۰ اتفاق افتاد.

رشید یاسمی، غلامرضا

غلامرضا رشید یاسمی در سال ۱۲۷۴ خورشیدی در کرمانشاه متولد شد. وی فارغ‌التحصیل مدرسه سن لونی بود و مدتها با ملک الشعراء بهار همکاری داشت. رشید یاسمی به زبانهای عربی و پهلوی و فرانسه تسلط داشت. او در سال ۱۳۳۸ شمسی درگذشت. اشعاری نغز و شیوا و تألیفاتی در تاریخ و ادبیات دارد.

رشیدا (خوشنویس)

عبدالرشید دیلمی که در ایران به نام عبدالرشید و رشیدا و در هندوستان به نام آقارشید و آقا خواننده می‌شد از هنرمندان نامی خوشنویس قرن یازدهم هجری است. او خواهرزاده و شاگرد میرعماد بود و پس از قتل میرعماد چندی در اصفهان بسر برد و

سیاسی روبسپیر افزایش یافت و در سال ۱۷۹۲ به عضویت کنوانسیون معین گردید.

روبسپیر در برانداختن دشمنان خود و ضدانقلابیون بیرحمی بسیار به خرج داد. سرانجام شورای انقلاب روبسپیر را محکوم به مرگ کرد و در سال ۱۷۹۴ با گیوتین اعدام گردید.

روحانی، انوشیروان

انوشیروانی روحانی به سال ۱۳۱۸ در شهر پرتراوت و سرسبز رشت عروس شهرهای استان گیلان دیده به جهان گشود. پدرش رضا روحانی مهندس کشاورزی، در استان گیلان بود که در کار نواختن ویولون و سرودن شعر نیز تجربیات زیادی داشت. او از لحظه تولد فرزندش «آنوش»، وی را تحت مراقبت‌های خود قرار داد و هر وقت که ساز را به دست می‌گرفت آهنگ ملایم و مشهور «لالایی» را برای او در کنار گهواره‌اش می‌نواخت و در واقع می‌توان گفت که روحانی از زمان شیرخوارگی گوشش با نوای موسیقی آشنا می‌شود.

انوشیروان روحانی، در سن ۷ سالگی با راهنمایی‌های پدر، با خط «نت» آشنا می‌شود و در همین اوقات وارد هنرستان موسیقی شده و جواد معروفی استاد پیانوی ایران، تعلیم وی را به عهده می‌گیرد. انوشیروان از این تاریخ به بعد مدارج ترقی را به سرعت طی نموده و با آشنایی که پدر وی با آقای عباس شاپوری داشت به سوی رادیو کشانده و راه یافت.

انوشیروان روحانی از سن یازده سالگی عضو روزمزد رادیو می‌شود و در سن هجده سالگی در کنسرواتوار پاریس مشغول تحصیل و از این مرکز فارغ التحصیل می‌گردد. اولین آهنگی که می‌سازد و در رادیو اجرا می‌شود «اسرار ساز» نام داشت که

سرانجام به هندوستان عزیمت کرد و به دربار شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۹ هجری) راه یافت و روز بروز به تقرب وی افزوده شد تا جزو ملازمان خاص پادشاه گردید. رشیدا پس از مرگ شاه جهان در زمان کشورداری اورنگ زیب نیز می‌زیسته و در اکبرآباد (اگره) به شغل بیوتاتی مشغول بوده و مرفه زندگی می‌کرده و در آن شهر دارای عمارات عالی و رباط و غیره بوده است. رشیدا از هنرمندانی است که به حسن طینت و آراستگی اخلاق موصوف و از مراتب دانش بهره‌مند بوده و به واسطه همین خصایل مورد احترام اطرافیان و معدوح شاعران عصر واقع شده است. از شاگردان او محمد اشرف خواجه‌سرا، سعیدای اشرف، عبدالرحمن فرمان‌نویس و میرجامی بوده‌اند که هر یک از استادان معروف خط در هندوستان می‌باشند. مرگ او به سال ۱۰۸۱ هجری در هندوستان اتفاق افتاده است.

روبسپیر، ماکسیمیلیان



ماکسیمیلیان روبسپیر از انقلابیون بزرگ فرانسوی در سال ۱۷۵۸ به دنیا آمد. دوران کودکی را در دامن فقر شدید گذرانید. در جوانی به تحصیل علم حقوق پرداخت. به عضویت مجلس ملی از طرف طبقه سوم انتخاب شد. رفته‌رفته نفوذ اجتماعی و

پوران می‌خواند. انوشیروان روحانی بیش از ۲۵ سال نداشت که عضو شورای موسیقی رادیو ایران می‌شود و تا آخر که فعالیت در آن سازمان را داشت، این سمت را عهده‌دار بود. وی از اوایل برنامه «گلها» با این برنامه همکاری فراوان داشت و رهبری ارکستر شماره ۸ به عهده ایشان بود.

رودکی (شاعر)

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی در سال ۲۶۰ هجری در یکی از قرا رودک سمرقند و یا به قول بعضی در نزدیکی نسف بخارا به دنیا آمد و به همین مناسبت رودکی تخلص یافت. پس از مدتی بعضی از نویسندگان این نام را از کلمه رود که يك نوع آلت موسیقی زهی است گرفتند و چون رودکی مهارتی در زدن آن داشت معتقد بودند که به این مناسبت تخلص رودکی گرفته.

رودکی کور بود و بعضی را عقیده بر این است که کور مادرزاد بوده ولی درمورد شاعری که در وصف و تشبیه طبیعت استاد بوده این عقیده به نظر صحیح نمی‌آید. رودکی شاعر دربار نصر بن احمد سامانی بود و در حدود يك میلیون شعر به او نسبت داده اند که فقط چند هزار بیت آن باقی مانده.

رودکی دارای طبع موزون و آوازی دلنشین بود و رود را با استادی می‌نواخت. در غالب علوم اسلامی اطلاع و آفری داشته، وی کلیله و دمنه را به نظم درآورد و چند مثنوی با وزنهای مختلف ساخت. در اقسام مختلف شعر، غزل، رباعی، قصیده اشعاری سروده که متأسفانه مقدار ناچیزی از آن باقی مانده است.

هم عصر رودکی شاعرانی در دربار سامانی مانند ابوالعباس الفضل بن عباس فضالی زنجی بخاری، ابوعبدالله محمد بن حسن معروفی بلخی، ابوعبدالله محمد بن صالح نوایحی مروزی، ابوشعیب صالح بن

محمد هروی، ابوزراعه معمری الجرجانی، حکیم ابوطاهر بن محمدالصیب خسروانی بودند. رودکی در سال ۳۲۹ هجری درگذشت.

روزولت، تئودور

در سال ۱۸۵۸ از پدر و مادری اسکاتلندی در نیویورک زاده شد. تحصیلات خویش را در دانشگاه هاروارد به پایان رسانید. در ۱۸۸۴ جزو هیئت مقننه و در سال ۱۸۹۵ رئیس پلیس ایالت نیویورک گردید. در ۱۸۹۸ در جنگهای کوبا شرکت کرد و سرانجام دشمن را شکست داد و با سمت معاون وزارت دریاداری به امریکا بازگشت.

در سال ۱۹۰۱ به عنوان معاون ریاست جمهوری از طرف حزب جمهوریخواه انتخاب گردید و در همان سال به علت قتل مک کینلی، رئیس جمهور وقت، به ریاست جمهوری امریکا رسید. در ۱۹۰۵ در انتخابات پیروز و در نتیجه دوباره رئیس جمهور شد. در ۱۹۱۰ سفر بزرگی را که به منظور شکار به کشورهای آفریقای مرکزی کرده بود، پایان داد و خود را با عجله به امریکا رسانیده، برضد جمهوریخواهان یعنی همان‌هایی که توسط او قدرت یافته بودند شروع به فعالیت نمود و در انتخابات به عنوان کاندید رئیس جمهوری از طرف ترقی خواهان شرکت کرد و مغلوب پریزیدنت تافت شد. پس از آن به مسافرتی در برزیل پرداخت و به دنبال سیاحت در ریودوویدا، به امریکا بازگشت و سرانجام در ۶ ژانویه ۱۹۱۰ وفات یافت.

روسلینی، روبرتو

کارگردان فیلمهای ایتالیایی، متولد سال ۱۹۰۶. از جمله فیلمهایی که در تهیه و کارگردانی آن دخالت

کارگر استفاده می‌کنند. کارفرما که پول دارد کار نمی‌کند و کارگر بی‌پول باید صد برابر کار کند.» روسو در کتاب معروف امیل اصول تعلیم و تربیت را آموخت. روسو از فلاسفه اجتماعی و سوسیالیستی است که افکار او مقدمات انقلاب فرانسه را فراهم ساخت. سایر آثار او، بحث درباره لزوم صنایع و علوم، بحث درباره اصول عدم مساوات بین مردم، نامه‌ای به دالامبر، هلوئیز جدید، قراردادهای اجتماعی، اعترافات روسو و تفکرات يك گردش‌کننده می‌باشد.

روسو در تمام مدت زندگیش از شهری به شهر دیگر می‌رفت. او با زنان بی‌شوهر، زنان اشراف و شخصیت‌های سیاسی و ادبی در این سفرها آشنا می‌شد. وی معمولاً در نزد زنان متمکن بسر می‌برد و هرگز رسماً ازدواج نکرد.

روسو در اواخر عمر دوباره به فرانسه مراجعت کرد و در املاک یکی از اعیان فرانسه جان سپرد (سال ۱۷۷۸). در جریان انقلاب کبیر فرانسه برای تجلیل از مقام روسو جسد او را از املاک این اعیان به پاریس منتقل کردند. روسو معتقد بود که انسان ذاتاً خوب است و تمدن او را ضایع می‌کند و باید به طبیعت پناه برد.

رولان، رومن (نویسنده)

رومن رولان از نویسندگان بزرگ فرانسه و استاد بیوگرافی نویسی، در سال ۱۸۶۶ در نیورنه واقع در کلامی فرانسه متولد گردید. تحصیلات خویش را در رشته تاریخ به پایان رسانید ولی به ادبیات علاقه خاصی داشت، از این جهت دست به نوشتن نمایشنامه‌هایی زد که با شکست روبرو گردید و ناچار دست از نویسندگی برداشت و به تهیه و نوشتن شرح حال و بیوگرافی بزرگان جهان دست زد. در سال ۱۹۰۳ شرح زندگی بتھوون و در سال ۱۹۰۵

داشته می‌توان ژاندارک در آتش را نام برد.

ازجمله فیلمهای مشهوری که در مقام کارگردان در آنها ظاهر گشت می‌توان: رم شهر بی‌دفاع (۱۹۴۵)، پاییزا (۱۹۴۶)، آلمان سال صفر (۱۹۴۷) را نام برد.

وی در سال ۱۹۵۹ برای کارگردانی فیلم ژنرال دلاروره جایزه شیرطلایی جشنواره ونیز را به دست آورد. روسلینی در سال ۱۹۷۷ درگذشت.

روسو، ژان ژاک (فیلسوف، نویسنده)



ژان ژاک روسو فیلسوف و نویسنده فرانسوی - سویسی در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد. آثار اخلاقی و سیاسی و اجتماعی او در قرن هیجدهم در مردم فرانسه نفوذ بسزایی کرد.

زندگی او پراز حوادث بود و عمر خود را در سرگردانی گذرانده کتابهایش را چندبار سوزاندند، اما همه را دومرتبه نوشت و عقاید خود را که مبنای حکومت سوسیالیستی بود منتشر کرد. روسو با تمام قوانین اجتماع مخالف بود، علوم فیزیک و شیمی و هندسه را مدیون سرمایه‌داری و باعث اسارت طبقه محروم می‌دانست. در مسابقه ادبی شرکت کرد و نوشت: «تمدن امروز ویران‌کننده آزادی فردی است، مالداران از هندسه برای مساحی زمین و از فیزیک برای انباشتن ثروت که با دزدی اندوخته شده به ضرر

فرمانده نیروهای آلمان در آفریقا بود. در ژانویه ۱۹۴۲ طرابلس را از نیروهای انگلیسی پس گرفت و آنان را تا العلمین در مصر عقب‌نشانید و متعاقب آن به درجه «ژنرال فیلد مارشال» ترفیع یافت. در نوامبر ۱۹۴۲ توسط نیروهای انگلیسی به فرماندهی ژنرال برنارد مونتگمری از مصر و لیبی رانده شد. در مارس ۱۹۴۳ مجبور شد از تونس نیز عقب‌نشینی کند. در ژوئن ۱۹۴۴ مراکز دفاعی آلمان را در ایتالیا، بالکان و اروپای غربی به‌هنگام هجوم متفقین، اداره و رهبری نمود و سرانجام در اثر جراحات ناشی از یک بمباران هوایی همان سال درگذشت. رومل به سبب جنگهایی که در صحراهای آفریقا نمود، به روباه صحرا معروف است.

رید، سرکارول

تهیه‌کننده و کارگردان انگلیسی، متولد سال ۱۹۰۶ فارغ‌التحصیل مدارس کینگ و کانتربری. در سال ۱۹۲۴ برای اولین بار در تئاتر امپایر لندن به‌روی صحنه آمد. از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ در نقشهای کوچکی ظاهر گشت. در سال ۱۹۲۷ به ادگاروالیس به‌عنوان هنرپیشه و تهیه‌کننده پیوست و در سال ۱۹۳۰ تئاتر را ترك کرد و به کارهای سینمایی پرداخت. از آن‌زمان به بعد فیلمهای زیر را کارگردانی کرده است:

تعطیلی بانك، رفیقهُ شما کیست، صحبت از شیطان، دختری باید زندگی کند، ستارگان به پایین می‌نگرند، قطار شبانه به مونیخ، نامه‌ای از وطن، مرد سوم، بزغاله دویوبی، کلید و مرد ما در هاوانا. وی در جنگ دوم جهانی در ارتش خدمت می‌کرده است.

رینولدز، جاشوا



میکل آنژ را منتشر ساخت و به شهرت و افتخار رسید. در جنگ جهانی اول به سوئیس رفت و در سال ۱۹۱۶ به دریافت جایزه ادبی نوبل موفق گردید. مدت هشت سال از زندگی خویش را صرف نوشتن شاهکار خویش «ژان کریستف» نمود. این کتاب شرح زندگی یک موسیقیدان خیالی است و با دیگر کارهای رومن رولان تفاوت کامل دارد.

در اواخر عمر به اندیشه‌های عرفانی شرق بخصوص هندیان پیوست و از طرفداران رهبر آزادی هند گردید و در سال ۱۹۳۲ در سوئیس به دیدار گاندی نایل شد. پس از ۷۸ سال زندگی در سال ۱۹۴۴ چشم از جهان فرو بست.

رومل، اروین

اروین رومل سردار آلمانی به سال ۱۸۹۱ متولد شد. در جنگ جهانی اول در ارتش خدمت کرد. پس از آن عضو حزب ناسیونال سوسیالیست گردید و در سال ۱۹۳۳ آجودان مخصوص هیتلر شد. تشکیلات هیتلری را در اتریش، سورتلند و همچنین به‌هنگام تصرف پراگ و به وقوع پیوستن جنبش لهستان رهبری نمود (۱۹۳۹). بین سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳

ویزدم و تری توماس حرف می زد؛ به طوری که شهرت نورمن ویزدم در ایران تا حدّ زیادی مدیون صدای زرنندی است.

وی در دوازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷ در سن ۶۳ سالگی به دلیل سکنه مغزی درگذشت

زنجانی، ابراهیم [شیخ]

شیخ ابراهیم زنجانی، پسر شیخ هادی خمسه ای، از فضیلات زنجان و از آزادیخواهان و روشنفکران بوده، در دوره های اول (۱۳۲۴ ق)، سوم (۱۳۳۳ ق)، و چهارم (۱۳۳۹ ق) مجلس شورای ملی (سابق) از زنجان و در دوره دوم (۱۳۲۸ ق) از تبریز نماینده مجلس شد. در سال ۱۳۲۸ ق که حاج شیخ فضل الله نوری مجتهد معروف در دادگاه محاکمه و بعد به دار آویخته شد، شیخ ابراهیم دادستان آن دادگاه بود. در سال ۱۳۲۹ ق که دولت روسیه اولتیماتوم معروف خود را به دولت ایران داد، شیخ ابراهیم برخلاف رأی شعبه پارلمانی فرقه دموکرات که خود جزء آن بود، رأی به قبول کردن اولتیماتوم داد؛ این امر به مقام حزبی او خلل وارد ساخت.

شیخ ابراهیم پس از نمایندگی دوره اول و دوم، رئیس مدرسه ثروت (۱۳۲۹ ق)، و بعد در دوره سوم (۱۳۳۳ ق) مجدداً نماینده مجلس گردید و پس از انحلال دوره سوم مدتی رئیس اداره اوقاف بود. وی از اعضای جمعیت فراماسون بوده و در آذرماه سال ۱۳۱۳ شمسی درگذشت.

زنون

زنون رواقی به سال ۳۴۰ قبل از میلاد در شهر فریژی متولد شد. وی بنیانگذار مذهب رواقی است (تقریباً تمام مبعوثین اولیه اش آسیایی بوده اند).

سرجاشوا رینولدز به سال ۱۷۲۳ در بندر پلیموت واقع در انگلستان به دنیا آمد. روزی در این بندر با یکی از ملاحان برخورد نمود و با او آشنا شد و ملاح تابلوهایی که او ترسیم نموده بود پسندید و حاضر شد با کشتی خود که آماده حرکت بود او را به ایتالیا ببرد. رینولدز در ایتالیا به مطالعه تابلوهای مشهور پرداخت و وقتی به انگلستان برگشت کارگاهی ترتیب داد و مشغول کار شد. رینولدز سامعش معیوب بود، او با خواهر و بعضی اقارب نزدیک خود زندگی می کرد و با وجودی که زن و فرزند نداشته مع ذلک تابلوهایی از چهره اطفال و مناظر کودکانه نزدیکان و اقوام خود تهیه کرده است.

از بهترین تابلوهای او می توان: تائیس، سموئیل و زمان بیگناهی را نام برد. در آخرین سالهای زندگی یکی از چشمهایش کور شد و از بیم اینکه چشم دیگرش به این درد مبتلا شود بسیار نگران بود، تا این که در سال ۱۷۹۲ بدرود حیات گفت.

زرنندی، محمدعلی (دوبلور، بازیگر سینما)

بازیگر و دوبلور قدیمی سینما و تئاتر، در سال ۱۳۰۴ شمسی در شهرری به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات متوسط به دانشگاه راه یافت و در رشته معقول و منقول از دانشکده الهیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. سپس برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی رفت و در رشته روانشناسی کودک فوق لیسانس گرفت. او از جوانی همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و همزمان وارد دوبله فیلم شد. زرنندی به دلیل تبخّر و تجربه ای که در فولکلور داشت توانست یکی از معروفترین تیهیهای رادیویی (شاباجی خانم) را ارائه دهد و در سال ۱۳۳۷ در فیلمی به نام شاباجی خانم ساخته صادق بهرامی با همین تیپ بازی کرد. در کار دوبله عمدتاً به جای نورمن

مذهب رواقی نام خود را از يك رواق (استوا) در آتن اخذ کرد که در آنجا به زنون تعلیم می داد و او از کشور زادگاه خود که در جزیره قبرس واقع بود بعد از آنکه ثروتی از راه تجارت به دست آورد به شهر آتن رفت. از ۴۶ سالگی کتابی نوشت که اکنون قطعاتی از آن در دست است ولی غالب آثارش از بین رفته. عقیده زنون ترکیبی از جهان شناسی هراکلیت، اخلاق کلبی و قسمتی از منطق ارسطویی است. زنون در سال ۲۶۵ قبل از میلاد درگذشت.

زنون دله

زنون دله در حدود سال ۴۹۰ پیش از میلاد متولد گردید. وی شاگرد پارمنید بود و در موضوع وحدت و عدم امکان دگرگونی با استادش هم عقیده. دلایل او برضد مفهوم حرکت بر این اصل استوار بود که کوچکترین حرکت را باید در بی نهایت به آخر رساند و سفسطه های مشهور او درباره آشیل و لاک پشت و تیری که پرواز می کند از همین استدلال سرچشمه گرفته است.

زنون نیز مانند پارمنید چندسالی در آتن اقامت گزید و فن جدل و مناظره را که سقراط از او یاد گرفت بدو نسبت می دهند. زنون دله در حدود ۴۳۰ پیش از میلاد درگذشت.

زولا، امیل (نویسنده)

«امیل ادوارد شارل آنتوان زولا» داستان نویس بزرگ فرانسوی در دوم ماه آوریل سال ۱۸۴۰ در پاریس متولد شد و در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۰۲ در همان شهر جان سپرد. او در کالج «اکس» و سپس در مدرسه سن لویی پاریس به تحصیل پرداخت. در این مدرسه او کمک هزینه تحصیلی دریافت می کرد. وی در

سال ۱۸۶۰ پس از شکست در امتحان ادبیات مدرسه را ترك نمود. چندسالی در منجلاب فقر و بدبختی دست و پا زد و بالاخره در سال ۱۸۶۱ در بنگاه نشریات «هاشت» استخدام گردید. زولا اوقات بیکاری خود را به مطالعه آثار ادبی پرداخت و اندک اندک شروع به همکاری با مجلات و روزنامه های پاریس کرد و مقالات انتقادی و داستانهای کوتاه برای آنها فرستاد. در سال ۱۸۶۴ وی مجموعه داستانهای خود را به نام «داستانهای نینون» انتشار داد. در این مجموعه بهترین داستانهای او جمع آوری شده است. کار زولا با انتشار کتابهای تازه تری که در آن کوششها و رنجهای جوانی را منعکس کرده بود تدریجاً رو به پختگی می رفت. «آرزوی يك مرده» از کارهای پخته اوست که در سال ۱۸۶۶ انتشار یافت. زولا اندک اندک در آثار خود فجایع، جنایات، تعرض ها و بی عدالتی های جامعه را تشریح کرد. وی در دهه هفتم قرن نوزدهم تدریجاً شالوده رشته ای به نام «خانواده روگن ماگار» را پایه ریزی کرد. این اثر در عرض يك ربع قرن نوشته شد و زولا آن را «تاریخ طبیعی و اجتماعی يك خانواده در عصر امپراتوری روم» نامید.

زولا از پایه گذاران مکتب ناتورالیسم بود. او در آثار خود واقعیات را با تلخترین و خشن ترین جنبه های آن تشریح می کرد. زولا از درجه يك دانشمند دقیق و ریزه کار به زندگی می نگریست و با دقت خسته کننده ای آن را نقاشی می کرد. او می گفت: «من کثافت و مرض اخلاقی را نقاشی می کنم.»

داستان «نانا» که زولا آن را در سال ۱۸۸۰ نگاشت نمونه ای از این گونه آثار اوست. زولا در زمانی که به اوج افتخار و اشتهار رسیده بود با انتشار مقاله «من متهم می کنم» از دریفوس افسر کلیمی ارتش فرانسه دفاع کرد. اما خود در سال ۱۸۹۸ به علت مداخله در ماجرای دریفوس گرفتار شد و پس

ژامبلیک

ژامبلیک در حدود ۲۸۳ میلادی متولد شد. او اقدام به مرتب کردن فلسفه افلاطون نمود و تفسیراتی راجع به افلاطون و خدایان یونانی و هم چنین دربارهٔ فرضیه‌های باطنی مصریها و کلدانی‌ها و آشوریها نوشته است. تا سدهٔ نوزدهم، ژامبلیک به عنوان یکی از بزرگترین فلاسفهٔ بشریت شناخته شده بود و در قرون اخیر بی اندازه مورد ستایش بود. شاگردانش نامه‌هایی ساختگی منسوب به مراتوژولین درست کردند که در آنها ژامبلیک به عنوان: «گنجینه یونان» و یا «شناهنده روحها» خوانده می شد. ژامبلیک در سال ۳۳۳ میلادی درگذشت.

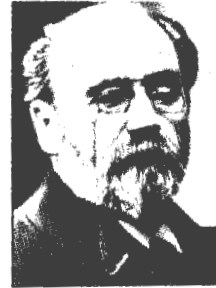
ژانداریک

ژانداریک در ۶ ژانویه ۱۴۱۲ در «دامرمی» پای به عرصهٔ وجود گذاشت.

او دختری متدین بود و ادعا می کرد که از طرف میشل و کاترین مقدس به وی وحی می رسد و وی را به قیام برای نجات فرانسه از سلطهٔ انگلیسیها می خوانند. وی به وساطت «رابرت دوبدریکو کاپینی»، در هنگام محاصرهٔ اورلئان به حضور شارل هفتم پادشاه فرانسه رسید و او را با اصرار و پافشاری بسیار راضی کرد که وی را به فرماندهی گروهی از لشکریان خود انتخاب نماید.

ژانداریک با این عدهٔ کم انگلیسیها را مجبور به ترك محاصرهٔ اورلئان کرد و در محلی به نام «پاتی» بر ایشان پیروز گردید و در ریمس تشریفات تاجگذاری شارل هفتم را به جای آورد و سپس قصد تسخیر پاریس را نمود، ولی بعد از آنکه در نبردی مجروح شد، به امر پادشاه از این حمله جلوگیری شد.

ژانداریک به علت خیانت بعضی از اطرافیان خود



از دو محاکمه آزاد گردید. مدتی پس از آزادی هنگامی که او را احضار کردند به انگلستان گریخت و تا سال ۱۹۰۰ که متهمین توطئهٔ دریفوس مورد عفو قرار گرفتند به فرانسه بازنگشت.

امیل زولا در اواخر عمر مورد توجه شدید مردم قرار گرفت و آکادمی فرانسه او را به عضویت قبول کرد اما زولا دعوت آکادمی را نپذیرفت. داستانهای زولا بیشتر حاوی بررسی های دقیقی در شناسایی مردم و خوی و نژاد و طبیعت آنهاست.

زین العابدین اشرف الکتاب (خوشنویس)

زین العابدین بن محمدتقی اصفهانی، از استادان مسلم خط نسخ و از کتاب دربار ناصرالدین شاه قاجار بود و به همین مناسبت «سلطانی» رقم می کرد و این شاه وی را به «اشرف الکتاب» ملقب کرده است. آقا زین العابدین، در خط نسخ شاگرد «آقا محمود اصفهانی» بود ولی از روی خط «میرزا احمد تبریزی» مشق بسیار و نام وی را به عظمت یاد کرده است.

در حدود ۱۰۰ سال زیسته و بیش از هشتاد سال خوشنویسی کرده است و شاگردان بسیار تربیت نموده و آثار گرانبهای فراوان به یادگار گذاشته و به سال ۱۳۰۰ در اصفهان درگذشت.

به دست بورگینیونها افتاد و سپس کنت لوکزامبورگ او را به انگلیسیها فروخت و آنان وی را در کلیسایی محاکمه کردند و ژاندارک با کمال شجاعت از خود دفاع کرد.

سرانجام محکمه، او را به تکفیر و فساد عقیده متهم و به زنده سوزاندن محکوم ساخت و در ۳۰ مه ۱۴۳۱ یعنی در ۱۹ سالگی در میدان ویومارشه، زنده سوزانیده شد.

ژرژ ساند



لوسیل اوروردوین به سال ۱۸۰۴ در ناحیه پری تولد یافت و در عنفوان جوانی با بارون دودوان ازدواج کرد. چون نتوانست با شوهر خود بسازد، پس از چندی او را ترک گفت و در سال ۱۸۳۰ به پاریس رفت.

نخست به راهنمایی هانری دولاتوش مدیر روزنامه فیگارو وارد روزنامه نگاری شد و بعدها ژول ساندو یکی از رمان نویسان خوب فرانسه در آن زمان استعداد واقعی او را که رمان نویسی بود به وی آشکار ساخت. اولین رمان خود را موسوم به «روز ویلاتش» با همکاری ژول ساندو نوشت و بزودی تخلص ژرژ ساند به خود گرفت. از آن به بعد در محیط ادبی آن عصر

بسر برد و با وجود يك زندگى منقلب و پراشوب هرشب مرتباً چند صفحه از رمانهای خود را نوشت. وی در انقلاب ۱۸۴۸ وارد سیاست شد و مقالاتی تحت عنوان «دو نامه به ملت» منتشر ساخت. وی مدتی با آلفرد دوموسه نویسنده نامی فرانسه بسر برد و سفری نیز با او به ایتالیا کرد ولی بعداً دل در گروی عشق فردریک شوپن بست و در آن موقعی که شوپن از بیماری رنج می برد کار پرستاری او را به عهده گرفت. این نویسنده نامی بسرعت متأثر می شد و به سهولت تحت نفوذ دوستان خود قرار می گرفت و اغلب اوقات در دریای تفکرات غوطه ور بود و در وادی تخیلات سیر می کرد و در همین تفکر و تخیلات بود که قهرمانان داستانهای او در نظرش مجسم می شدند. ژرژ ساند سالهای آخر عمر را در ملك خود که موسوم به نوهان بود گذراند. در آنجا گاهی چیز می نوشت ولی بیشتر اوقات خود را صرف مواظبت نواده هایش می نمود. مردم آن ناحیه وی را «خانم مهربان نوهان» می نامیدند. ساند به سال ۱۸۷۶ رخت از جهان پر بست. از آثار او: ژان دولارش، اعترافات زن، يك دختر جوان، مادموازل دومرگان، نامه های يك مسافر و تاریخ زندگى من را می توان نام برد.

ژُفر، ژوزف

ژوزف ژاک ژفر مارشال فرانسوی به سال ۱۸۵۲ در «ریوز» تولد یافت. در خلیج تنکن و ماداگاسکار و سودان به واسطه پیروزیهایش شهرت زیادی کسب کرد و از ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴ فرمانده کل سپاه فرانسه بود. وی فاتح نبرد اول مارن در سپتامبر ۱۹۱۴ می باشد.

وفات ژُفر به سال ۱۹۳۱ اتفاق افتاد.

ژنه، ژان

مشاهیر

نیز با تمام قوا با آن به مقابله پرداخت و ارزش آنرا به هیچ گرفت. ژنه انسان عاصی و تنهای قرن ماست که در دنیایی که برای او نیست می‌خواهد زندگی کند.

ژوزفین

نام اصلی وی «ماری ژوزف رزتاشه دولا پاژری» می‌باشد که سال ۱۷۶۳ در جزیرهٔ مارتینیک متولد گردید. وی به سال ۱۷۷۹ به همسری ویکنت الکساندر بوهارنه درآمد و نام ژوزفین دو بوهارنه به خود گرفت و پس از مرگ شوهر به پاریس آمد و در جرگهٔ درباریان وارد گردید و بارونسیر انقلابی معروف آشنا شد. در موقعی که ناپلئون ژنرال ساده‌ای بیش نبود، به خاطر آنکه به مقامات بالا دست‌یابد، ناگزیر به ازدواج با او شد و این ازدواج در سال ۱۷۹۶ بنا به مقتضیات فردی صورت گرفت و ژوزفین در سال ۱۸۰۴ به امپراطریسی فرانسه رسید. می‌گویند که وی در غیاب ناپلئون و در موقعی که او به مصر لشکر کشیده بود با چند تن مراده پیدا نمود و همین کارهای وی باعث گردید که در سال ۱۸۰۹ ناپلئون وی را طلاق دهد و ۵ سال بعد از این واقعه یعنی در سال ۱۸۱۴ وی درگذشت.

ژید، آندره (نویسنده)

ژید در ۲۲ نوامبر سال ۱۸۶۹ در پاریس به دنیا آمد. پدرش از مردم کوهستانهای مرکزی فرانسه و مادرش از یک خانوادهٔ صنعتگر و بازرگان نرماندی بود. در پنجمین سال تحصیل بر اثر سوءرفتار از دبستان اخراج شد. ژید یازده ساله بود که پدرش مرد و هنگامی که مادر می‌خواست برای بار دوم او را به مدرسه بفرستد، ژید دچار حمله‌های عصبی شد، ولی چون تشنهٔ مطالعه بود آثار همه شاعران را

ژان ژنه نابغهٔ دزد و منحرف که ژان پل سارتر دربارهٔ زندگی و تحلیل آثارش کتابی در ششصد صفحه به نام ژنه مقدس، کم‌دین و شهید نوشته و منتقدان وی را بزرگترین شاعر درام‌نویس فرانسه پس از جنگ می‌دانند و نمایشنامه‌هایش همچون: «کلفتها» و «بالکن» در پاریس غوغا کرده و در برداری پرفروشترین برنامهٔ آن سالها گردیده، به سال ۱۹۱۰ در یک زایشگاه عمومی مخصوص فقرا از مادری ناشناس و پدری ناشناس تر متولد می‌شود. در کودکی به دارالتأدیب فرستاده شد، در آنجا دست به دزدی زد و به همین خاطر بیرونش کردند. سپس وارد ارتش شد و پس از چند روز چمدان افسر خود را برداشت و به اسپانیا گریخت و به بارسلون رفت و در محلهٔ بدنام «باروشینو» که پایگاه سرقت و فحشاء و انحراف بود منزل گزید. از آنجا به ایتالیا، آلبانی، یوگسلاوی، اتریش، چکسلواکی، لهستان و آلمان هیتلری رفت. در بلژیک پالتوی کنسول فرانسه را دزدید و مجموعهٔ تمام این ولگردیها را در کتابی به نام خاطرات یک دزد فراهم آورد. در ۱۹۳۸ در پاریس به زندان افتاد و در ۱۹۴۵ پس از آزادی پاریس از جنگ نازیها از طرف رئیس‌جمهور وقت، ونسان اوریول، بخشیده شد. تا این زمان ژنه آثار دیگری مانند معجزه گل سرخ و محکوم به مرگ را منتشر کرده بود. پس از آن دست از دزدی کشید تا به نوع دیگری از دزدی بپردازد؛ تا شاعر شود، نمایشنامه بنویسد و به وسیلهٔ سازمان‌های نشر کتاب شیوهٔ دزدی خود را تغییر دهد. خود او می‌گوید: با شاعر شدن، اگر شده باشم، به دزدی که بودم خیانت کردم.

آثار ژنه نمایشگر عصبانی است برضد دنیای قراردادی و اجتماع قلبی، اجتماعی که قبل از آنکه به دنیا بیاید، از آن بیرونش کردند، طردش کردند و او

زنشونی ژید محور زندگی و آثار اوست. شهرت جهانگیر ژید روزبروز بالا می‌گرفت تا سرانجام در سال ۱۹۴۷ به دریافت جایزه جهانی نوبل در ادبیات نایل آمد. ژید در ۱۹ فوریه سال ۱۹۵۱ در سن هشتاد و دو سالگی بدرود حیات گفت. بعضی از کتب آندره ژید که به فارسی برگردانده شده عبارتند از:



- ۱- مائده‌های زمینی توسط جلال آل احمد، پرویز داریوش، حسن هنرمندی، سیروس ذکاء.
- ۲- در تنگ توسط عبدالله توکل.
- ۳- آهنگ روستایی توسط اسحق لاله‌زاری.
- ۴- سکه‌سازان توسط حسن هنرمندی.
- ۵- بازگشت از شوروی توسط جلال آل احمد.
- ۶- پرومته سست زنجیر توسط عباس شوقی.
- ۷- تزه توسط محسن خواجه‌نوری - محسن فارسی.

سافو

زیباترین شاعره یونانی است که سبکی خاص در

می‌خواند و بالاخره موفق شد دیپلم ادبی را بگیرد. ژید در شانزده سالگی نخستین مراسم آیین پروتستان را بجای آورد اما تعلیمات کشیش چنان در نظرش خشک و خشن جلوه کرد که از آن گریزان گشت. نخستین کتاب ژید «دخترهای آندره والتر» نام داشت. همین کتاب باعث شد که وی بتواند با دخترخاله‌اش (امانوئل) ازدواج کند.

مبارزه آدمی با شهرت مضمون اصلی دخترهای آندره والتر است. ژید پس از انتشار این کتاب از محضر مالارمه شاعر فرانسوی استفاده می‌کرد و در انجمن ادبی او شرکت می‌جست. در همین ایام بود که ژید توسط لوئیس با پل والرئ آشنا شد. ژید نماینده هنر پیشرو بود. در یکی از جلسات انجمن ادبی مالارمه بود که ژید با اسکار وایلد آشنا گردید. جوانی ژید بیهوده سپری می‌شد و پرهیزکاری زیاده از حدش او را آزاد می‌داد. در این احوال ناگاه اندیشه سفر در سرش پیدا شد و به سوی صحراهای سوزان آفریقا رهسپار گشت. در الجزایر ذوقی بی نظیر برای زندگی و نیازی شدید برای زیستن و لذت بردن ژید را به سوی خود کشید. همه آثار او و بنیاد اخلاقی او بر پایه‌های غرایزی است که ژید توانست در این هنگام در خود بشناسد و آنها را آزاد بگذارد، اما در همین سرزمین بود که مرض سل به سراغش آمد. لذا از ادامه سفر سر باز زد و زمستان را در شهر کوچک بسکره بسر برد و در همین جا بود که دوران بهبودی وی آغاز شد. کتاب مائده‌های زمینی نتیجه دوران بیماری اوست. ژید پس از بهبودی به فرانسه بازگشت اما شرق و دیدار آفریقا دوباره وی را بدان دیار کشید. ژید یک بار دیگر به فرانسه بازگشت، اما چون نوبه‌ای بدو دست داد یک لحظه اندیشه خودکشی از ذهنش گذشت. در این احوال به خاطر بیماری مادرش به «لاروک» فراخوانده شد. پس از مرگ مادر، با «مادلن روندو» دخترخاله خویش ازدواج کرد.

ساوجی، سلمان

جمال‌الدین سلمان بن علاء‌الدین محمد ساوجی یکی از شاعران و سخنسرایان نام‌آور قرن هشتم هجری است، که قدرت بیان و نحوه دید و دریافت وی شگفت‌آور و درخور تعجب است و نام وی را در تاریخ ادب برجسته می‌دارد. سلمان ساوجی را در حقیقت می‌باید آخرین شاعر و قصیده‌سرای بزرگ ایران پس از ایلغار مغول دانست، هر چند از جهت نحوه بیان نتوانسته است از استادان پیشین برتر باشد، لیکن بی‌تردید عمق دریافت‌های وی و قدرت دید و جهانبینی خاص او از ایشان بسی پیشی جسته است.

سلمان تا روز مرگ در سال ۷۷۸ هجری (۱۳۷۶ میلادی) در تکاپوی عظیم خود بالاخره به سوی عرفان گرایش می‌یابد و مرشدی شایسته در عالم عظیم عرفان می‌شود. علاوه بر این سلمان ساوجی را باید نخستین و حتی تواناترین محقق در ادبیات تا سده هشتم دانست. چه پیش از او شاعران بلندآوازه هیچ‌یک این توانایی را نداشته‌اند. سلمان شاعری است که در انواع شعر پارسی به روانی به بیان احساس پرداخته و برخلاف اغلب شعرای پیشین و معاصر خود مضمون برای قافیه نساخته، بلکه قافیه و شعر را برای بیان اندیشه خود به کار گمارده است. از این روست که اشعار او همه قالبی موزون دارد. در غزل‌های سلمان ساوجی لطف کلام و شور را به غایت می‌توان دید و به‌همین علت است که تذکره پردازان اغلب، غزلیات وی را با غزل‌های آسمانی و پاک حافظ اشتباه کرده‌اند. دو داستان منظوم «جمشید و خورشید» و «فراق‌نامه» قدرت دید و تسلط بر عواطف بشری او را کاملاً می‌نمایاند. در شرح حال و زندگی آثار سلمان ساوجی در نیمه دوم قرن اخیر تبعات بسیار و لازمی انجام شده، که از آن میان دیوان

شعر گفتن پدید آورد و در موسیقی و آواز استاد بود. چندین بار در فعالیت‌های سیاسی تبعید و مغضوب شد ولی زود از سیاست کناره گرفت و فقط به عشق و هنر دل سپرد، اما عشق او عشق عادی نبود، عشقی بود که هنوز هم در دنیا به «عشق سافو» مشهور است. وی عمری در به روی عشق مردانی که پروانه‌وار به دورش طواف می‌کردند بست و فقط زنان زیبا را نزد خود پذیرفت، با اینهمه روزی حس کرد که خودش عاشق مردی شده است. ناچار درصدد برآمد که انتقام خود را از این دل‌بستاند. یک روز جامه‌ای به سفیدی برف و لطافت بامدادی بر تن کرد و چنگ خویش را برداشت و به بالای صخره بلندی در کنار دریای «لسبوس» رفت و نغمه‌ای به افتخار الهه عشق و بینایی‌ساز کرد و سپس خود را به درون امواج افکند. هنگام مرگ سی و چند سال داشت.

ساگان، فرانسواز (نویسنده)

این نویسنده فرانسوی تحصیلات خود را در پاریس به‌تمام رسانید و هنگامی که فقط ۱۸ سال داشت اولین کتاب خود را به‌نام «سلام بر غم» منتشر کرد، و شهرت بسزایی به‌دست آورد، به‌طوری‌که کتابش در کلیه محافل ادبی فرانسه مورد بحث قرار گرفت و در عرض مدت قلیلی بیش از نیم میلیون فرانسوی کتاب وی را خواندند. صراحت لهجه و مهارت شگفت‌آور ساگان در بیان احساسات و غرایز و تمایلات و تجزیه و تحلیل روانی حالات و روحیات افراد، وی را در شمار نویسندگان معروف فرانسه درآورده است.

کتابهای ساگان که به فارسی برگردانده شده بدین قرار است:

سلام بر غم، یکتوع لبخند، در یکماه، آیا برامس را دوست دارید و ابرهای شگفت.

«سلمان ساوجی» با تحقیق و تحشیه مرحوم «رشید یاسمی» قابل امعان نظر و در خور استناد است. البته زحمات ارزنده دیگران را نیز در این راه فراموش کردن خطاست.

سایه «هوشنگ ابتهاج»

در سال ۱۳۰۶ متولد شد. آثار سایه از بدو شروع به شاعری مورد توجه اهل ادب قرار گرفت. از آثار چاپ شده او به صورت کتاب می توان «سراب»، «سیاه مشق» و «زمین» را نام برد. در شعر «سایه» جنبه های کاملاً متفاوت به چشم می خورد. نیمی غزلیات بسیار شیوا و دل انگیز و نیمی دیگر مجموعه اشعاری است که به اصطلاح امروز در قالب نوین موزون ولی غیر مقفی سروده است.

سپینوزا (فیلسوف)



باروخ سپینوزا فیلسوف بزرگ ایتالیایی یکی از شخصیت های بزرگ قرن هفدهم است. او در ۲۴ نوامبر ۱۶۳۲ در خانه پدرش تولد یافت. سپینوزا اول مدرسه عبرانی جامعه یهود را تمام کرد و بعد دارالتعلیم مذهبی «پری را» را گذراند. از پدر خود میشل، زبانهای اسپانیولی و پرتغالی را آموخت و سپس به آموزش زبان لاتین پرداخت و به کمک

شخصی موسوم به «وان دن اندن» فیزیک و ریاضیات و طب را یاد گرفت. وان دن بسیاری مسایل علمی دیگر را هم به شاگرد نابغه خود آموخت و او را به فلسفه و طرز تفکر اسکولاستیک و عقاید دکارت آشنا ساخت.

سپینوزا به علت تعلیمات علمی کم کم به مبادی مذهبی بی اعتقاد شد. این عدم توجه او رفته رفته آشکار گردید، زیرا به طور نامرتب به معبد کلیسای می رفت و مناسک و آداب مذهبی را به فراموشی سپرد و سخنانش در مؤمنین مذهب یهود هیجان و عصبانیت تولید کرد. کوششهای فراوانی از طرف مقامات مذهبی برای بازگشت سپینوزا به مذهب معمول گردید و درهرحال بی نتیجه ماند، زیرا سپینوزا با طرز تفکر جدید خود هرگز نمی توانست یک قدم به عقب برگردد. نسبت به اوسوء قصدی به وسیله یک فرد متعصب به عمل آمد ولی سپینوزا جان سالم بدر برد و به علت عدم تأمین جانی آمستردام را ترك گفت و بالاخره جامعه یهود در ماه ژوئیه ۱۶۵۶ حکم تکفیر سپینوزا را صادر کرد و معاشرت با او را ممنوع ساخت. سپینوزا بعد از تکفیر یادداشتهایی در دفاع از خود نوشت که متأسفانه این یادداشتهای از بین رفته است.

سپینوزا یکی از شخصیت های فلسفی بزرگ جهان است. کتاب «اصول فلسفه دکارت» او در ۱۶۶۴ منتشر شد و سر و صدای زیادی را موجب شد. شهرت فراوان سپینوزا بر اثر مصاحبات و مکاتبات فلسفی او با دوستانش بود. در این مکاتبات و مصاحبات اصول عقاید خود را تشریح می کرد و با شخصیت های بزرگی همچون «لایب نیتس» و «نیوتن» آشنایی و مراوده داشت.

مرگ سپینوزا در ۲۱ فوریه سال ۱۶۷۷ اتفاق افتاد، او در آن هنگام چهل و چهار سال داشت. در کتابخانه سپینوزا آثار دکارت، منطقی پورروایال، عناصر فلسفه هوبس، علم معانی و بیان ارسطو،

کوشش فراوان به کمک يك تاجر مسیحي در الجزایر او را بازخرید نمودند و نجات دادند. در سال ۱۵۸۱ برای انجام مأموریتی به «اوران» سفر کرد و مدتی نیز در جنگهای آزروس شرکت نمود. پس از آن ازدواج نمود و چون متوجه شد که نمی‌تواند از راه جنگ و ستیز زندگی خویش را اداره کند تصمیم گرفت نویسنده شود، چندین نمایشنامه و اشعار مختلفی نوشت که مورد توجه هیچکس واقع نشد و سروانتس نیز دلسرد شده ادبیات را رها نمود و به شهر سویل رفت تا در آنجا کاری پیدا کند، ولی پس از آنکه موفقیتی حاصل نکرد باز دست به قلم برد و این بار شاهکار بزرگ خود «دون کیشوت» را در مدت پانزده سال در دو قسمت به رشته تحریر درآورد. تاریخ مرگ او سال ۱۶۱۶ می‌باشد.

سروش اصفهانی

میرزا محمدعلی متخلص به سروش از مداحان ناصرالدین شاه بود و از طرف سلطان به شمس الشعرا ملقب گردید. سروش قصیده و غزل‌های نیکی سروده و از وی دو مثنوی به نام الهی‌نامه و ساقی‌نامه موجود است که چندان شهرتی ندارد. درگذشت سروش به سال ۱۲۸۵ هجری قمری بوده است.

سعدی

شیخ مشرف‌الدین مصلح‌الدین سعدی شیرازی که بزرگترین استاد نظم و نثر زبان فارسی است در حدود ۵۸۰ هجری در شیراز متولد شد. پدر وی نابهنگام درگذشت و در سال ۵۹۱ هجری که اتابک‌زنگی به حکومت فارس رسید به‌ادامه تحصیل او در مدرسه نظامیه بغداد کمک نمود و بدین ترتیب دوران تحصیلی او شروع شد. سعدی در همین دوره زیر

رساله اپیکنت، مکالمه اموات اثر لوسین، خلاصه آثار سن اوگستن، تورات و انجیل جمع‌آوری شده بود که بعد از مرگ او بجای ماند. بعد از مرگ سپینوزا، کتاب علم اخلاق، رساله سیاست و بهبود عقل او به وسیله دوستش ژان ریورترز در آمستردام منتشر شد. «زیان» می‌گوید: «سپینوزا مردی بود که عمیق‌تر از هرکس در خدا نگرست.» زندگی سپینوزا در نهایت قناعت و صرفه‌جویی گذشت. این مرد بزرگ اوقات فراغت خود را به ساختن و صیقلی کردن شیشه عینک می‌گذراند و از دسترنج خود امرار معاش می‌کرد.

سروانتس

در سال ۱۵۴۷ در شهر آلکالا از شهرهای اسپانیا متولد شد. پدرش پزشک دوره گردی بود که به شهرهای مختلف سفر می‌نمود و در این سفرها فرزند خردسال خویش را به‌همراه می‌برد و بدین جهت سروانتس نتوانست به تحصیل علم بپردازد، لیکن بزودی شمشیرزنی را فرا گرفت. بیست و سه‌ساله بود که سفری به ایتالیا نمود و به خدمت قشون دولتی درآمد.

در سال ۱۵۷۱ در يك نبرد دریایی شرکت جست و زخمی گردید. پس از آن مدتی در خدمت دون ژوان اتریشی، فرمانده ارتش بود و وقتی که در سال ۱۵۷۵ به اسپانیا باز می‌گشت به دست اعراب اسیر و به غلامی رفته شد.

يك سال بعد از اسیری دست به فرار زد، ولی دوباره دستگیر و زندانی شد. مدتی بعد به وسایلی طرحی برای تصرف الجزایر، که خود در آنجا زندانی بود برای سران اسپانیا فرستاد که مورد قبول آنها واقع نگشت.

چون سروانتس از کمک دولت اسپانیا مأیوس شد، دست به‌دامان پدر و مادر خویش زد و آنها با



سقراط در ۴۶۹ سال پیش از میلاد مسیح در آتن متولد شد. پدر وی پیکر سازی شایسته بود و مادر وی قابلیت می کرد. سقراط هندسه و نجوم و موسیقی را که دانشهای متداول آن زمان بود در مدت اندکی آموخت.

سقراط با همه مردم رفتاری بس انسانی داشت و از اینکه مردم او را دانشمند و برتر می دانستند سخت ناراحت می شد و همیشه می گفت من «معرفت به نادانی» خود دارم و بس. وی پیش از آنکه شاگردانی بپذیرد همچون يك سپاهی ساده به خدمت سر بازی در ارتش میهن درآمد و شجاعت کم نظیری از خود نشان داد. پس از خدمت لشکری به کار تعلیم پرداخت و اندک ماهی که از نقره داشت به دوست و شاگردش «کریتون» سپرده بود تا تجارت کند و همین او را از دریافت دستمزد آموزش از شاگردانش بی نیاز می کرد. این کار سایر استادان را علیه وی برانگیخت و همه با هم کوشیدند تا لکه ای بر دامن وی بسته و او را از تعلیم باز دارند. بر اثر کوشش دشمنان و افکار روشن و آزادیخواهانه و ضد خرافات وی، حکام وقت حکم توقیف وی را صادر کردند و دادگاه فرمایشی او را محکوم به مرگ کرد.

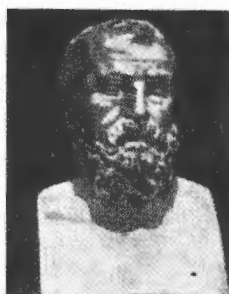
شاگردانش که او را می پرستیدند بارها وسیله ای برانگیختند تا وی از زندان بگریزد لکن او به خاطر احترام به قانون کشورش، تهیه و تدارکی شجاعانه برای مرگ خود دید و شهادت او وقتی جام شوکران

نظر استاد خود شیخ شهاب الدین سهروردی مؤسس سلسله سهروردیه به تحصیل عرفان مشغول شد. در نتیجه حمله مغول، حامی او سعدبن زنگی ملك فارس را از دست داد، هرج و مرج به فارس روی آورد و مردم آن سرزمین پریشان حال شدند و عده ای هم جلای وطن کردند، از آن جمله سعدی بود که خاک غربت را بر وطن خویش ترجیح داد و عزم سفر کرد و به سیاحت شام، فلسطین، آسیای صغیر، شمال آفریقا، هندوستان و بسیاری کشورهای دیگر رفت. در این جهانگردی با مردم مختلف آشنا شد. در این دوران سختیها و خوشیها، گرمیها و سردیهای گروزگار او را پخته نمود و تجربه ها آموخت و به مولد خویش شیراز مراجعت کرد. در این زمان در شیراز آرامش و صلح بار دیگر برقرار شده و فرزند ولینعمت سابق سعدی، اتابك ابوبکر بن سعد زمام امور را به دست گرفته بود. شیخ سعدی به دربار اتابك راه یافت و دوره سوم زندگی خویش را شروع نمود. وی تخلص خود را از اتابك سعدبن زنگی گرفت. در این زمان سعدی به تألیف و تصنیف پر مغزترین منظومه های پندآموز خود که نتیجه ۳۰ سال تجربه و جهانگردی و مردم شناسی بود دست زد. این اثر بزرگ به بوستان معروف است که آنرا سعدی نامه هم می گویند. وی در سال ۶۵۶ دومین اثر خود گلستان را عرضه نمود. گلستان شیواترین نثر فارسی است که به صورت حکایات اخلاقی و اجتماعی در هشت باب نوشته شده است.

دیوان سعدی شامل قصاید، قطعات، غزلیات، ترجیعات، رباعیات است. سعدی در سال ۶۹۱ هجری وفات یافت. مدفن وی در خانقاه شیراز در کنار آب رکن آباد است.

ایران مسلط شد، لیکن به دست یکی از سرداران خلیفه به نام جوهرین مراد در جنگ خونینی که نزدیکی همدان با او کرد از پای درآمد. رویهمرفته قیام سندباد تا کشته شدن او فقط ۷۰ روز طول کشید.

سولون



سولون، قانونگذار و شاعر معروف آتن و یکی از حکمای هفتگانه یونان بود که در حدود ۶۴۰ پیش از میلاد در سالامیس متولد گردید. در ایام جوانی به تجارت پرداخت و بسیاری از ممالک بیگانه را سیاحت کرد، سپس به خدمت لشکری داخل شد و به سرداری سپاهیان آتن با مردم «مکارا» که سالامیس را از آتنی‌ها گرفته بودند به جنگ پرداخت. او برای آتن قوانین جدیدی ترتیب داد و پس از آنکه آتنی‌ها را سوگند داد که ده سال پیرو قوانین وی باشند به مسافرت پرداخت و به آسیای صغیر و مصر و قبرس رفت و چون به آتن بازگشت آن شهر را گرفتار مخالفت احزاب و فرق مختلف دید و چون کوشش وی در برقراری نظم به جایی نرسید، به جزیره قبرس رفت و در همانجا به سال ۵۵۹ مرد. او شاعر لطیفه‌گویی بود و به هنگام جنگها اشعاری می‌سرود، که معروفتر از همه اشعاری درباره فتح سالامیس می‌باشد.

(زهر) را می‌نوشید تحسین و ستایش معاصران و آیندگان را برانگیخت. شاگردان برجسته او که بسیاری از آنها از نجبا و اشراف بودند همانند: قرون، اقلیدوس و افلاطون راه او را دنبال کردند و افلاطون به چنان عظمتی در دنیای تفکر رسید که نه تنها راه استاد را روشن کرد بلکه در ظلمات قرون و اعصار چراغی روشن و پر توان برافروخت، چراغی که هرگز خاموش نمی‌شود. تاریخ مرگ سقراط نامعلوم است.

سنائی غزنوی

ابوالمجد مجدودبن آدم متخلص به سنائی در اواسط قرن پنجم (در حدود سال ۴۶۵ هجری) در غزنین متولد شد. در جوانی شاعر دربار پادشاهان غزنوی بود و مدح آنان می‌گفت ولی ناگهان تحولی در روح وی پدید آمد و تغییر روش داده به حج رفت و پس از آن گوشه عزلت اختیار نمود و از آن مدح گفتن متنفر و منزجر شد.

بزرگترین اثر سنائی «حدیقه الحقیقه» است که در سال ۵۲۵ هجری تمام شده و پس از وفات وی، محمدعلی الرقا به امر بهرامشاه غزنوی کتاب مزبور را که نوشته‌های آن پراکنده بود جمع‌آوری نمود. در مقدمه این کتاب وفات سنائی روز یکشنبه یازدهم ماه شعبان سال ۵۲۵ هجری در غزنین نوشته شده است.

سندباد مجوسی

قتل ناجوانمردانه ابومسلم به دست منصور، یکی از طرفداران او به نام سندباد مجوسی را در خراسان به خونخواهی او برانگیخت و جمعی از ایرانیان استقلال طلب گرد او را گرفتند و طرفداران آیین مزدکی نیز او را یاری کردند تا بر قسمتی از شمال

سویفت، جوناتان (نویسنده)



بزان، دادخواست خانم فرانسیس هاریس (سفرنامه)، اندیشه‌ای دربارهٔ دسته چارو (هجو)، نصیحتی به کلوب اکتبر، چکامه پیندای، سخنرانی دربارهٔ تصمیمات آتن و رم، بوسیس و فیله مون (داستان منظوم)، پیشگویی مرلین، داستان خانه و انبرو، پیشنهادهای دربارهٔ پیشرفت زبان انگلیسی، تاریخچهٔ چهار سال آخر سلطنت ملکه «آن»، مسافرت به داخل چند کشور دور دست دنیا، دستورالعملهایی برای خدمتگزاران (هجو)، گفتگوی مؤدبانه، باشگاه هنگ، پیشنهادهای دربارهٔ این که چگونه باید اطفال را تربیت نمود تا سربار والدین و کشورشان نباشند.

سهروردی، شهاب‌الدین (فیلسوف)

شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق در علم و فلسفه مقامی والا دارد. وی حکمت اشراق را که ریشهٔ قدیمی داشت زنده کرد و حکمت منشاء را مورد انتقاد قرار داد. چون افکار و عقاید شهاب‌الدین سهروردی با علمای دین سازگار نبود و در همه حال عقاید خود را بی‌پروا اظهار می‌داشت، فقها و روحانیون علیه او برخاستند و آخرالامر در سال ۵۸۷ هجری در حلب به امر صلاح‌الدین ایوبی به قتل رسید.

سیاسی، علی‌اکبر

دکتر علی‌اکبر سیاسی استاد دانشگاه تحصیلات خود را در مدارس خرد و سلطانی و علوم سیاسی تهران آغاز کرد و در فرانسه به پایان رساند و از دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی پاریس درجهٔ دکترا دریافت نمود. دکتر سیاسی چندین دوره وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود و هنگام تصدی خود اقدامات مفیدی انجام داد. مهمترین آثار او از

سویفت یکی از بزرگترین نویسندگان ایرلند است که نثر را به فصاحت سعدی می‌نوشته و مانند عبید زاکانی به طنز و طیبت از اوضاع زمان انتقاد می‌کرده است.

وی در سال ۱۶۶۷ در شهر دوبلین پایتخت ایرلند از پدر و مادری انگلیسی متولد شد و پس از پایان تحصیلات عالی، منشی یکی از اشراف نامدار انگلستان شد و بعد از چندین سال به ریاست کلیسای ایرلند نایل آمد.

سویفت در مبارزه‌ای که بین دولت انگلیس و ملت ایرلند در گرفت علمدار جنبش ملی ایرلند شد و در دل مردم آن سامان آتشی روشن کرد که هنوز نمرده است.

این مرد بزرگ در پایان عمر، عقل و هوش خود را از دست داد و عاقبت در سال ۱۷۴۵ به سن هفتاد و هفت سالگی دیده از جهان فرو بست.

«سفرنامهٔ گالیور» از شاهکارهای انتقادی نثر انگلیسی است که به دست این نویسندهٔ معروف نگاشته شده است و هنوز هم مایهٔ لذت و سرگرمی کودکان و بزرگسالان است.

سایر کتابهای او بدین قرار است:

جنگ و ستیز کتابها، قصهٔ لاوک، دفتر ثبت وقایع روزانه برای استلا، لک‌نوس دوان (منظومه)، نامه‌های

اندیش و از مریدان روسو بود. مرگ مادرش ضربه بزرگی به او زد و برادرش در سال ۱۷۹۴ به دار آویخته شد و خواهر و زنش به زندان افتادند. خواهرش در زندان درگذشت و همه اینها موجب افسردگی خاطر شدید او شد. در سال ۱۸۰۰ به پاریس بازگشت و «جلال مسیحیت» را نگاشت. این اثر يك شاهکار ارزنده هنری است. تالیران وزیر خارجه ناپلئون در سال ۱۸۰۳ او را به سمت وابسته سفارت فرانسه در رم منصوب کرد. در اینجا «مادام دوبوسون» با او بود و در همین شهر درگذشت. او بزودی پس از مرگ معشوقه از سمت خود کناره‌گیری کرد و در سال ۱۸۰۷ از ناپلئون انتقاد شدیدی کرد و او را به نرون تشبیه کرد و در نتیجه روزنامه او توقیف شد.

در زمان سلطنت لویی فیلیپ وی در عین ناامیدی می‌زیست و در همین دوره بود که اثر معروف میلتن شاعر انگلیسی را به نام «بهشت گمشده» ترجمه کرد. شاتو بریان در چهارم ژوئیه سال ۱۸۴۸ درگذشت. او در پانزده سال آخر عمرش «خاطرات پس از مرگ» را نگاشت و به یک ناشر سپرد تا پس از مرگش انتشار دهد اما ناشر به عهد خود وفا نکرد و آن را در زمان حیاتش منتشر ساخت.

او در این کتاب غرور، خودپرستی و عدم صداقت خود را بخوبی نشان می‌دهد. آثار او آمیخته‌ای از سبک کلاسیک و رمانتیک است و در آنها لطافت، احساس قوی، ظرافت هنری و دلشکستگی و نومیدی به چشم می‌خورد، چنان که بسیاری از جوانان قرن نوزدهم پس از خواندن آثار او خودکشی می‌کردند.

شاردن، ژان (جهانگرد، نویسنده)

شوالیه ژان شاردن، جهانگرد و فیلسوف بزرگ فرانسوی در سال ۱۶۴۳ چشم به جهان گشود. وی

این قرارند: علم‌النفس یا روانشناسی جدید، روانشناسی پرورش، مبانی فلسفه، علم‌الفن ابن سینا، روانشناسی جنایی و نمایشنامه‌های عشق و وطن، ماهیار يك قربانی دیگر و عشق و تجدد ایران در تماس با مغرب زمین. دکتر سیاسی در سال ۱۳۶۹ از دنیا رفت.

شاتو بریان، فرانسوزا رنه (شاعر، نویسنده)

فرانسواز رنه شاتو بریان نویسنده معروف و شاعر فرانسوی، جوان‌ترین پسر یکی از کنت‌های فرانسه در چهار سپتامبر ۱۷۶۸ در سان مالو به دنیا آمد. او یکی از درخشان‌ترین چهره‌های ضد انقلاب فرانسه بود. فطرت شاعرانه او در کودکی تحت تأثیر عوامل خاصی مانند خودداریهای اسرار آمیز پدر و تقدس زیاده از حد مادر و سنن خاندان قدیمی‌اش و همچنین افسانه‌ها و رسوم محلی و مظاهر طبیعت بخصوص دریا بروز کرد. صمیمی‌ترین دوستش خواهرش «لوسیل» بود. این دختر قلب حساسی داشت و زندگی خود را وقف مذهب و برادرش ساخته بود. شاتو بریان نخست می‌خواست کشتی شود، به همین جهت به مدرسه کشتیان رفت، اما پس از چندی تصمیم خود را تغییر داد و در نظر گرفت که به ارتش فرانسه وارد شود. در سال ۱۷۸۸ فرمان عضویت در هنگ شوالیه‌های مالتا را دریافت داشت. او در پاریس با بسیاری از شخصیت‌های روز آشنایی یافت و از همه آنان خاطراتی در کتابهایش آورده است. در سال ۱۷۹۱ به امریکارفت تا در کشف نقاط شمال غربی آن سرزمین شرکت کند.

نخستین اثر شاتو بریان اثری بود به نام «مقاله‌ای تاریخی، سیاسی و اخلاقی درباره انقلاب»، او در این کتاب خود را متفکری متوسط الحال که نه شاه پرست و نه انقلابی است معرفی کرد. او در مورد مذهب، آزاد



تصویر شوالیه شاردن

دلاوریهای پهلوانان ایران داد سخن رفته است». شاردن به سال هزار و هفتصد و سیزده میلادی فوت کرد و در وست مینستر لندن مدفون گشت.

شارلمانی

شارلمانی، یکی از بزرگترین کشور گشایان جهان به شمار می‌رود و در طول مدت چهل و سه سال پادشاهی خود پیوسته در حال تهاجم و لشکرکشی بود. او در خاندانی متولد شده بود که افرادش مدتی سلطنت کرده بودند. وی در سال ۷۴۲ میلادی تولد یافت و هنگام تولد پدرش پادشاه «طوایف فرانک» بود. او برادری موسوم به کارلمان داشت که پدر کشور بهناور خود را میان آن دو تقسیم کرده بود لیکن کارلمان بزودی وفات یافت و شارلمانی تنها وارث

یکی از مشاهیر بزرگ فلاسفه جهان در عهد جدید است و مورخین و محققین مشهور قرن هجدهم از قبیل منتسکو و روسو در تدوین نظریات تاریخی و تهیه آثار علمی گرانیهای خود از عقاید فلسفی و اجتماعی این سیاح عالیقدر فرانسوی مایه گرفته‌اند. او با تحقیقات دقیق و تتبعات علمی مخصوص خویش، ایران و ایرانیان را برای اولین بار چنان که باید و شاید به جهانیان معرفی کرد. او با شیوه نوین انتقادی و تاریخی خود دانش ایران‌شناسی را در مغرب بنیان نهاد. وی اولین کسی بود که کتابی در شرح ابنیه تخت جمشید انتشار داد. ادوارد براون مستشرق معروف فرانسوی درباره وی می‌گوید: «شاردن معتبرترین مورخ عهد صفوی است. سیاحت نامه‌ای که وی نوشته است را از پاره‌ای جهات با شاهنامه فردوسی مقایسه می‌نمایند که در آن از

سناریست‌های سینمایی نیز هست. او اکثر آثار خود را منجمله شیرهای جوان و دو هفته در شهر بیگانه را به صورت سناریو درآورد که اولی در سال ۱۹۵۸ در کمپانی فوکس قرن بیستم و دومی در سال ۱۹۶۰ در کمپانی متروگلدوین مایر به صورت فیلم درآمد. ایروین شاو در سال ۱۹۵۶ رمان پیک نیک را به صورت سناریو درآورد که در همان سال ساخته شد.

شاه نعمت‌الله ولی کرمانی (عارف)

امیر سید نورالدین، شاه نعمت‌الله ولی کرمانی سرسلسله گروهی از متصوفین و شاعر و عارف و متفکر بزرگ در سال ۷۳۱ هجری قمری در قصبه کوبنان کرمان زاده شد. وی مؤسس سلسله مشهور نعمت‌اللهی بود که در عرفان دارای مقامی بلند است، و شاهرخ بن تیمور و احمدشاه والی دکن و عدّه زیادی از دانشمندان معاصر نسبت به وی ارادتی مخصوص داشتند. از او رسالات متعددی باقی است که درخصوص عرفان بهرشته تحریر درآمده. دیوان اشعار شاه نعمت‌الله عرفانی است. شاه نعمت‌الله به سال ۸۳۴ هجری وفات یافت.

شبستری، محمود [شیخ -]

سعدالدین محمود شبستری که در عهد الجایتو و ابوسعید در شبستر آذربایجان می‌زیست از عرفا و علمای برجسته قرن هفتم هجری است. وی مثنوی گلشن راز را در سال ۷۱۷ هجری به‌نظم درآورد. مثنوی مزبور در پاسخ پرسشهای امیر سیدحسن هروی است. شبستری دو مثنوی دیگر به‌نام شاهدنامه و سعادت‌نامه سروده است. وی علاوه بر ذوق شاعری در نثرنویسی هم دست داشته و رسالاتی در مسایل دینی و عرفانی تألیف کرده است. شبستری در سال ۷۲۰ هجری درگذشت.

تخت و تاج پدر گردید. در دوران سلطنت خود با طوایف مختلف جنگها و نبردهای بسیاری نمود. شارلمانی از حیث قیافه و اندام نمونه پادشاهان اقوام وحشی بود. وی در اوایل سال ۸۰۰ میلادی به‌رم رفت و در آنجا پاپ لئون سوم که متهم به‌سوء رفتار شده بود به‌دربار وی پناه آورد. در روز عید میلاد مسیح، شارلمانی در برابر محراب کلیسای «سن پیر» زانو زد و پاپ لئون سوم تاج امپراطوری رم را بر سر او نهاد. این حادثه یکی از وقایع مهم تاریخ است زیرا معلوم نیست که شارلمانی قبلاً آگاهی داشته که می‌خواهند تاج امپراطوری را بر سر او بگذارند یا خیر. شارلمانی در سال ۸۱۴ میلادی رخت از جهان بر کشید.

شاو، ایروین (نویسنده)

ایروین شاو نویسنده معاصر آمریکایی در سال ۱۹۱۳ متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی به‌کالج بروکلین وارد گردید و از آنجا نیز فارغ‌التحصیل شد.

مدتی در رادیو به‌عنوان گوینده و نویسنده کار کرد و هنگام جنگ جهانی دوم در ارتش آمریکا به‌خدمت پرداخت و در جنگهای آفریقا و اروپا به‌نفع متفقین به نبرد پرداخت و پس از اتمام جنگ و بازگشت به ایالات متحده همکاری خویش را با روزنامه‌ها و مجلات آغاز کرد.

در همین مدت کار نویسندگی خویش را نیز دنبال نموده آثار زیادی از خود منتشر ساخت که مهمترین آنها عبارتند از: برگشت به‌شادی، مرده‌ها را دفن کنید، شیرهای جوان، به‌شهر خوش آمدید، هوای طولانی، مردم بی‌سروصدا، پسران و نظامیان، محاصره و دو هفته در شهر بیگانه.

ضمناً ایروین شاو یکی از برجسته‌ترین

شجریان، محمدرضا

اکثر آنها توسط موسیقیدانهای معروف بازسازی شده اجرا نمود که هریک از آنها از لطافت و شیوایی خاصی بهره‌مند است.

شرو دینگر، اروین



وی به سال ۱۸۸۷ در وین زاده شد و تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه وین به پایان رسانید. پس از جنگ جهانی اول وی به آلمان رفت و از سال ۱۹۲۱ در دانشگاه اشتوتگارت به تدریس پرداخت. هنگامی که از نظریه لویی ویکتور دو بروی فیزیکدان فرانسوی، درباره ماهیت موجی ماده و مفهوم الکترون دارای خواص موجی آگاه شد در صدد برآمد تا تغییراتی در مدل اتمی «بور» بدهد تا بتوان این ماهیت موجی را نیز به نحوی در آن مجسم ساخت. کار وی را در واقع می‌توان تکمیل کار بور به‌شمار آورد.

شرو دینگر نتایج کارهای خود را در سال ۱۹۲۶ به چاپ رسانید، بعداً معلوم شد که مکانیک ماتریس هایزنبرگ که در ۱۹۲۵ عرضه شده بود و مکانیک موجی شرو دینگر با یکدیگر برابرند و هر پدیده‌ای را که آن توجیه کند، این نیز تحلیل و تشریح خواهد کرد. از جنبه روانی، مکانیک موجی جالبتر بود، زیرا سیمای قابل تصویری از اتم را جلوه‌گر می‌ساخت، گرچه درک آن مشکلتر می‌نمود. شرو دینگر در سال ۱۹۲۸ به جای ماکس پلانک به‌عنوان استاد فیزیک نظری در دانشگاه برلین منصوب گردید. در سال ۱۹۳۳ به‌مناسبت ابداع مکانیک موجی، مشترکاً با دیرک به دریافت جایزه نوبل در رشته فیزیک نایل گردید. در همین سال که هیتلر به قدرت رسید، شرو دینگر که نمی‌توانست فاشیسم را تحمل کند به زادگاه خود اتریش رفت. در سال ۱۹۳۸ پس از آنکه اتریش به تصرف نازیها درآمد، به انگلستان عزیمت

محمدرضا شجریان در مهرماه ۱۳۱۹ در شهر مقدس مشهد متولد شد و از چهار سالگی به خوانندگی علاقمند بود و گاهگاهی در منزل زمزمه‌هایی می‌کرد و چون پدرش دارای صدایی خوب و صاحب آواز بود، او را تشویق می‌کرد و از وی می‌خواست که برای او بخواند و او با لحن کودکانه‌اش برای پدر می‌خواند. در اوایل از هرکس چیزی یاد می‌گرفت و آوازهای خوانندگان معروف را دنبال و از سبک آنان پیروی می‌کرد و چون دارای صدایی صاف و رسا بود، در سال ۱۳۳۷ رادیو خراسان او را به همکاری در رشته آواز دعوت کرد و شجریان در آغاز کار بدون همراهی ساز با خواندن اشعار لطیف عارفانه جلب توجه هنر دوستان را نموده، دیری نپایید که آوازه شهرت او به تهران رسید و برای اجرای برنامه‌هایی در «گلها»، توسط روانشاد پیرنیا دعوت شد و در سال ۱۳۴۵ با این برنامه همکاری اش را شروع کرد. اولین برنامه‌اش «برگ سبز» شماره ۲۱۶ در مایه افشاری بود که به همراهی سنتور شادروان رضا ورزنده اجرا شد و پس از آن در بیش از یکصد برنامه «گلها» و «برگ سبز» شرکت جست و در حدود ۲۵۰ برنامه دیگر را در رادیو اجرا نموده است. او تقریباً ۷۵ تصنیف جدید و قدیم را که

محمد شفیع هروی حسینی معروف به شفیعا از خوشنویسان نامی خط شکسته و از هنرمندان اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. به قول نامه دانشوران وی شاگرد مرتضی قلی خان شاملو و بنابه نوشته تذکره نویسان شاگرد فصیحی شاعر بوده که در دستگاه مرتضی قلی خان شاملو بسر می برده است. او خط نسخ و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشته و خط شکسته را پیش از وی کسی بدرستی و محکمی وی ننوشته، این هنرمند ایرانی شیوایی این خط را به جایی رسانیده بود که بعضی به نام وی آن را خط شفیعی نامیده اند. علاوه بر این شعر نیز می سروده و در نقاشی و تذهیب دست داشته است. شفیعا سفری از هرات به هندوستان کرده و در بازگشت مدتی در اصفهان بسر برده است.

او در دربار شاه عباس دوم خوشنویس مقرر و موظف بود چنانکه در بعضی قطعات «عباسی» رقم کرده است. لازم به توضیح است که در نیمه قرن یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم هجری دو محمد شفیع حسینی بوده اند که آثار آنان در هم آمیخته است.

تاریخ مرگ شفیعا را سال ۱۰۸۱ نوشته اند. در صورتیکه آثاری از محمد شفیع حسینی به تاریخ ۱۰۹۲ و ۱۱۱۶ و ۱۱۲۴ و ۱۱۲۸ هجری موجود است.

شلی، پرسی بیسش

پرسی بیسش شلی، در سال ۱۷۹۲ متولد گردید. وی بی تردید رمانتیک ترین شخصیت مکتب رمانتیسیم انگلستان به شمار می رود. هر قدر بایرون پر سر و صداست، اثر شلی لطیف و احساساتی و بی شائبه است. تفاوت اساسی این دو شاعر در این است که هرچه در طول نیم قرن اخیر از مقام و اهمیتی که

کرد و در ۱۹۴۰ استاد دانشکده پژوهشی دوبلین گردید و در این جا با دیرک همکار بود. سرانجام در سال ۱۹۵۶ به وین بازگشت و بقیه عمر خود را تا ۱۹۶۱ در کشور خود بسر برد.

شریف زاده، حسن [سید-]

سید حسن شریف زاده یکی از مشروطه طلبان و آزادیخواهان صدر مشروطیت بود که کوشش زیادی در بیداری مردم و نطقهای مهیجی بر علیه استبداد و حکومت مطلقه می نمود. مدتی در دبیرستان یادبود پسرانه تبریز وابسته به دسته مبلغین آمریکایی در آن شهر آموزگار بود. تولد وی در سال ۱۲۹۸ و وفاتش در سال ۱۳۲۶ ق. درحالی که از مرکز انجمن ایالتی تبریز - که در آن عضویت داشت - به خانه خود می رفت، هدف چند تیر گلوله گردید و بسختی مجروح شد و پس از چند ساعت درگذشت و معلوم نشد که قاتلین او را چه کسانی تحریک کرده بودند.

شفا، شجاع الدین

شجاع الدین شفا یکی از مشهورترین مترجمان معاصر است که در سال ۱۲۹۷ شمسی تولد یافته است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی را در پاریس به پایان رسانید. ترجمه های مهم او عبارتند از: بهشت گمشده، کمدی الهی، منتخبی از شاهکارهای شعر جهان، نغمه های ایرانی، دیوان شرقی، نغمه های شاعرانه، ترانه های بیلی تیس، بهترین اشعار آمریکایی، کتاب آوازا، سایه ایام، شراب شیراز، جامعه ارغوانی، کاندیدا و برفا کلیمانجارو.

شفیعا

شمس الدین بایسنغری



شمس الدین محمدبن حسام هروی بایسنغری معروف به شمس بایسنغری و شمس سلطانی از هنرمندان خوشنویس قرن نهم هجری است. وی شاگرد معروف بغدادی استاد خوشنویس دربار سلطان احمد جلایر و اسکندربن عمر شیخ بن تیمور گورکان (۸۱۳-۸۱۷ هجری) و شاهرخ تیموری است ولی پایه هنر او به مراتب از استاد فراتر است. شمس سلطانی یا بایسنغری استاد بایسنغر میرزا تیموری بوده است. در گلستان هنر آمده است که جمله خطوط سته را خوش می نوشته و خط وی کم از هیچیک از استادان سته و یاقوت نیست، و در خط نستعلیق نیز استاد بوده است. از آثار وی بعضی کتیبه های آستان قدس رضوی در مشهد و دیگر قرآنی در موزه آثار اسلامی ترک در استانبول است که به اشتباه کتابت آن را به بایسنغر نسبت داده اند و به قلم نسخ و ثلث و رقاع و توقیع عالی از روی خطوط یاقوت به امر بایسنغر نقل کرده است. دیگر مرععی است در موزه مذکور که از روی خط یاقوت به قلم ثلث و نسخ و رقاع نوشته و تاریخ ۸۲۹ هجری دارد و با رقم «محمدبن حسام المشتهر شمس الدین سلطانی» می باشد که آن را در هرات نوشته است و نیز قطعه ای به قلمهای ثلث و نسخ و توقیع و رقاع و نستعلیق عالی به خط وی در کتابخانه طوب قاپوسرای در ترکیه موجود است. خواند میر مؤلف حبیب السیر آورده است که شمس الدین هروی شاگرد مولانا معروف بود و به یمن تربیت میزا بایسنغر در حسن خط به مرتبه ای ترقی کرد که بسیاری از خطوط خویش را به نام یاقوت مستعصمی نمود و مبصران نکته دان این معنی را قبول فرمودند.

شنیتسلر، آرتور

بایرون پیش از این داشت کاسته شده، ارزش و مقام معنوی شلی به همان اندازه افزایش یافته است. زندگی و مرگ شلی نیز رمانتیک و شاعرانه بود. زیرا وی در زندگانی کوتاه خود عشق و شهرت و افتخار و تمجید و غربت و ناکامی همه را آزموده و آخر نیز در آن هنگام که نبوغ او به حد اعلای درخشندگی خویش رسیده بود ناگهان درسی سالگی دور از وطن چشم از جهان فرو بست.

شلی همیشه طرفدار و مبلغ عشق و صفا و آزادی بود و در همه عمر با ستمگران و زورمندان مبارزه کرد. وی خیلی زود فهمید که بزرگترین حادثه عصر انقلاب کبیر فرانسه می باشد و خود پیرو افکار این انقلاب، «قهرمان آزادی» شد. بسیاری از نویسندگان شلی را بزرگترین «ایده آلیست انگلستان» و منادی دنیای نو لقب داده اند. مهمترین آثار شلی عبارتند از: عصیان اسلام، اودنائیس، الاستور یا روح تنهایی، پرومته از بند رسته. ولی مشهورترین شعر او قطعه باد غرب است که نه تنها بهترین اثر منظوم شلی به شمار می رود بلکه منتقدین ادب در انگلستان در طول صد سال اخیر آن را عالی ترین اثر غنایی انگلستان و یکی از بزرگترین آثار منظوم جهان شمرده اند. او به دریافت لقب «سر» مفتخر گردید. همسر او خانم ولستن کرانت نویسنده کتاب مشهور فرانکشتاین می باشد. شلی به سال ۱۸۲۲ در سن سی سالگی درگذشت.

به وعظ، تدریس، نوازندگی و نویسندگی پرداخت. در سال ۱۹۱۳ آلبرت با زنتش به آفریقا رفت و با زحمات فراوان توانست نخستین بیمارستان را در قلب جنگل سیاه برپا کند. در جنگ اول فرانسویان او را دستگیر و جزو اسرای جنگی قرار دادند. در نوامبر ۱۹۱۸ یعنی هنگامی که پیمان متراکه جنگ منعقد گردید آزاد گشت.

سرانجام در سال ۱۹۲۴ همراه با یک دانشجوی انگلیسی دوباره به آفریقا رفت. به این ترتیب شواپتزر سالها در آفریقا زیست و به بومیان آن سرزمین کمک کرد. در سال ۱۹۵۳ شواپتزر نوبل گرفت، و در سال ۱۹۶۵ درگذشت.

شوبرت، فرانتس (موسیقیدان)

در قریه لیختنتال نزدیکی وین در سال ۱۷۹۷ به دنیا آمد. پدر او معلم بود و زندگانی محقری داشت. در دوازده سالگی توسط پدرش به دسته آواز دربار معرفی شد و مدت پنج سال در آموزشگاهی به نام «کنویک» درس موسیقی خواند. برای امرار معاش و پیدا کردن شغل تلاش فراوان کرد و ناچار مجبور شد تصنیف آهنگ کند، ولی موفقیتی به دست نیاورد. بالاخره در مدرسه‌ای که پدرش معلم بود با حقوق کمی استخدام شد، ولی از این کار راضی نبود تا اینکه در یک تعطیل تابستان توانست برای تدریس موسیقی همراه فرزندان کنت استرهایتی به یکی از ویلاهای هنگری برود ولی پس از پایان تحصیلات شغل خود را از دست داد. شوبرت در تمام عمر نتوانست به زندگی محقر خود سر و صورتی بدهد، تمام روز را آهنگ می‌ساخت و عصرها با دوستان متعدد خود در میخانه‌ها جمع و به‌خنده و شوخی مشغول می‌شدند و یا به صدای بلند آواز می‌خواندند. شوبرت برخلاف بتهوون مقام و شخصیت واقعی خود را درک نکرد و

آرتور شنیتسلر نویسنده اتریشی در سال ۱۹۰۲ در شهر وین متولد گردید. تحصیلات خویش را در رشته پزشکی به پایان رسانید، ولی به زودی از طبابت روی گردان شد و به نویسندگی و ادبیات علاقه زیادی نشان داد.

شنیتسلر نه تنها نویسنده‌ای برجسته به شمار می‌رفت بلکه روانشناس متبحری نیز بود که در بیشتر آثار خویش به تجزیه و تحلیل روانی مهمی دست زده و سعی نموده است آنچه‌ان که باید روحیات حقیقی بشر را درک کند.

اولین اثر خویش را در ۲۴ سالگی به رشته تحریر درآورد و پس از آن نیز آثار با ارزشی انتشار داد که او را مشهور ساخت. شنیتسلر از جمله نویسندگان محدودی است که توانسته آن‌طور که باید فروید را شناخته، و او را به دیگران بشناساند.

مهمترین آثار او بدین قرار است:

بشائریس، انتقام گربه، انسان، مرگ یک مرد عزب، دوشیزه آله، پروفیسور برنهایدی، فرار در تاریکی، داوطلب، مردن، مراجعت کازانسوا، جوان، طوطی سبز و چرخ و فلک.

شواپتزر، آلبرت

آلبرت شواپتزر در سال ۱۸۷۵ در آلاس متولد شد. او برای گذراندن دوره دبیرستان نزد عموی خود که در شهری واقع در نزدیکی مرز سویس بود رفت. سختگیرها و تشویق‌های زن عمویش که فرزندی نداشت، سبب گردید که آلبرت نواختن پیانو را بخوبی فرا گیرد. وی پس از موفقیت در امتحان ادبیات به تحصیل در دانشگاه سوربن پرداخت. در سال ۱۸۹۹ به خدمت کلیسایی در استراسبورگ منصوب و سال بعد معاون کشیش ناحیه شد. مدتی بعدوی در الهیات و فلسفه درجه دکترا گرفت و آنگاه

بعد از مرگش مقام حقیقی خود را احراز کرد. سنفونی بزرگ او (شماره ۹) شش سال بعد از مرگش توسط شومان کشف شد، ولی عجیب تر از همه داستان سنفونی ناتمام شوبرت است که اصلاً در سال ۱۸۲۲ تصنیف شده و ۴۲ سال بعد کشف شد.

شوپن، فردریک (موسیقیدان)



در ۱۲ فوریه ۱۸۱۰ در یکی از قرای نزدیک ورشو به دنیا آمد. پدر فردریک فرانسوی بود و در جوانی به لهستان آمده بود اما مادرش لهستانی بود و در این صورت نسب شوپن از نژاد اسلاواست. فردریک از هفت سالگی با پیانو آشنا شد. در هشت سالگی کنسرت او با موفقیت بی نظیری استقبال شد. وقتی که الکساندر اول تزار روسیه به ورشو آمد، شوپن در حضور او پیانو نواخت و به دریافت یک انگشتر الماس نایل شد. شوپن وقتی کنسرت پاگانینی را در ورشو دید به فکر افتاد که قدرت او را در موسیقی بدست آورد و به این منظور سفری به آلمان کرد و با پیانیست های مشهور آشنا شد.

شوپن خیال داشت به لهستان برگردد اما به او خبر دادند که ورشو استقلال جزئی خود را هم از دست داده و سربازان روسی شهر را اشغال کرده اند و بسیاری از دوستان او را کشته اند. این خبر تأثیر بدی در روح جوان و حساس شوپن باقی گذاشت به طوری که به فکر یک انقلاب بزرگ برای آزادی لهستان افتاد. در این واقعه شوپن اتود اپوس ۱۰ شماره ۱۲ را به نام اتود انقلابی تصنیف کرد و برای میهن پرستان لهستان باقی گذاشت، و بعد از آن دیگر به وطن خود مراجعت نکرد و به فرانسه رفت. در نخستین کنسرت شوپن که در پاریس داده شد لیست و مندلسون حضور داشتند و او را تحسین کردند و

دوستانش هم نمی توانستند باور کنند کسی که هر روز با آنها می خندد و تفریح می کند اهمیت جهانی دارد و یکروز آثارش در سراسر جهان مورد احترام قرار خواهد گرفت. سه سال قبل از مرگش بود که سنفونی ناتمام را نوشت. با آنکه دوثلث از آثار شوبرت حاکی از عشق شدید و توأم با هیجان است، مع هذا نکته شگفت آور این است که هیچ کس در زندگانی او این عشق و علاقه را به خود معطوف نکرد. داستانهایی برای عشق شوبرت جعل کرده اند ولی هیچ یک از آنها حقیقت ندارد. تنها یک بار شوبرت درصدد برآمد با دختر یکی از دوستان پدرش ازدواج کند. در آن زمان او معلم بود و حقوق سالیانه اش از ۴۰ فلورین تجاوز نمی کرد به این جهت به فکر عایدی دیگری افتاد و این کار آنقدر طول کشید که دخترک با مرد دیگری ازدواج کرد.

مردم هیچگاه از کنسرتهای شوبرت استقبال نکردند. حتی آخرین کنسرت او که به مناسبت سال وفات بتهوون برپا شده بود موفقیت زیادی نداشت. چند ماه بعد شوبرت به مرض تیفوس دچار شد و در شب ۱۶ نوامبر ۱۸۲۸ زمانی که فقط ۳۱ سال از عمرش می گذشت درگذشت و او را همان طور که وصیت کرده بود در جوار آرامگاه بتهوون به خاک سپردند.

شوبرت جوان ترین آهنگسازی است که در عمر کوتاه خود به مقام موسیقیدانهای بزرگ رسید اما فقط

به فرانسه مراجعت کرد. دوستانش برای او يك خانه اجاره کردند و سه تن از پزشکان فرانسه او را تحت مراقبت قرار دادند، ولی او در ۱۷ اکتبر ۱۸۴۹ وفات یافت و او را در آرامگاه پرلاشز به خاک سپردند. به این ترتیب يك جسم ضعیف از میان رفت و يك روح بزرگ از خود باقی گذاشت.

شوپنهاور، آرتور (فیلسوف)



آرتور شوپنهاور، فیلسوف آلمانی در سال ۱۷۸۸ در دانتزیگ به دنیا آمد. پدرش تاجر و سرمایه دار بود اما او رغبتی به تجارت نداشت و تحصیل علم را خوشتر می دانست. چون به هفده سالگی رسید پدرش درگذشت. مادرش که نویسنده معروفی بود به پسر علاقه نداشت و بزودی مادر و پسر جدا شدند و همه جا از یکدیگر بد می گفتند، آثار یکدیگر را مسخره می کردند و نامه های استهزاء آمیز به یکدیگر می نوشتند. گفته می شود عدم برخورداری شوپنهاور از مهر مادری در آثار او تأثیر بسزایی گذاشته است. شوپنهاور پس از اتمام تحصیلات خود با گوته شاعر معروف آلمان آشنا شد و به سبب آمیزش با یکی از خاورشناسان از عقاید هندوها و بودا آگاه گشت و نسبت به بودا و تعلیمات بودایی اعتقاد تام یافت. او به تحصیل معاش احتیاجی نداشت اما طالب نام افتخارآمیز بود. زمانی خواست استادی کند اما کارش

دوستی شوپن با لیست از همانجا آغاز شد. بعد از کسب شهرت، شوپن سفری به آلمان کرد و در آنجا با دوست دوره کودکیش ماریاودزیسکا که دختر زیبایی شده بود ملاقات کرد. پس از مدتی شوپن با ماری نامزد شدند ولی به علت ضعف مزاج و مضیقۀ مالی شوپن، خانواده ماری با ازدواج این دو دلداره مخالفت کردند و نامزدی آنها بهم خورد. ماریا با کنت لهستانی ازدواج کرد ولی پس از مدتی از او جدا شد و تا آخر عمر خود خاطر شوپن را فراموش نکرد. تنها یادگار او والس وداع بود که شوپن در روز قطع روابط نامزدی به او تقدیم کرده بود.

پس از این واقعه شوپن به پاریس مراجعت کرد. در پاریس در منزل کنتس داگو محبوبه لیست برای اولین بار ژرژسان را ملاقات کرد. در آن وقت شوپن ۲۲ سال و ژرژسان ۳۲ سال داشت. ژرژسان زن نویسنده ای بود که با انتشار کتاب ایندیانا مشهور شده بود. او از بین صدها مرد که او را احاطه کرده بودند شوپن را انتخاب کرد و ابتدا خود او به شوپن اظهار علاقه کرد. شوپن در اوایل نتوانست عشق او را بپذیرد ولی به تدریج چنان به او مأیوس شد که به هیچ علتی نمی خواست از زندگی با او چشم پپوشد.

شوپن و ژرژسان با هم به جزیره ماژورک مسافرت کردند ولی در آنجا حال شوپن بدتر شد و ناچار مراجعت کردند. بعد از این مسافرت شوپن واقعاً عاشق ژرژسان شد. ژرژسان در همه اوقات مراقب شوپن بود و مانند مادری از او پرستاری می کرد. بالاخره به واسطه اختلاف خانوادگی فرزندان ژرژسان، شوپن ناچار شد از او جدا شود، ولی نامه های ژرژسان و چند تار موی او در پاکتی که دو حرف F و ژ یعنی ژرژ و فردریک روی آن نوشته بود بعد از مرگ او بین آثارش پیدا شد.

در ژانویه ۱۸۴۹ شوپن تقریباً به حال احتضار

نگرفت و شاگردان به محضر «هگل» استاد دیگر آلمانی می‌رفتند، به همین جهت او با هگل مخالف شد. او در سی سالگی کتاب اساسی خود را تحت عنوان «جهان‌نمایش و اراده است» منتشر کرد اما کتابش هم طرف توجه واقع نشد و شوپنهاور سخت از مردم روزگار رنجید و از این که نسبت به اثر عظیم او توجهی نکردند ناراحتی شدیدی احساس کرد.

شوپنهاور با کسانی که فلسفه را مایه معاش خود ساخته بودند و آن‌را خادم دین و دولت کرده بودند مخالف بود. او می‌گفت: انسان با فلسفه زیست می‌کنند نه برای فلسفه. او با هگل و خلاصه با همه فلاسفه جز افلاطون و بودا و کانت مخالف بود و می‌گفت مردم با خواندن کتابهای کانت به این نتیجه رسیدند که سخن هرچند پیچیده و تاریک و معلق باشد ممکن است بی‌معنا نباشد، از این رو فیخته و شلینگ از این امر سوء استفاده کردند و در فلسفه تاریخ و عینکبوتهای زیبا بافتند.

شوپنهاور از هستی‌بیزار بود. او در شمار فلاسفه بدبین قرار گرفته است. او معتقد بود که باید دنیا را سوزاند و بشر را از رنج و درد نجات داد. هنر و فلسفه جز این که زمانی کوتاه انسان را از درد به دور دارند کاری نمی‌کنند. شوپنهاور اولین کسی بود که گفت: بدبختی‌ها از اراده ماست. شوپنهاور در سال ۱۸۶۰ درگذشت.

شوکشین، واسیلی

شوکشین نویسنده، فیلمساز، هنرپیشه و کارگردان را می‌توان یکی از محبوب‌ترین و پر طرفدارترین هنرمندان شوروی (سابق) دانست. او در سال ۱۹۲۹ در دهکده سورستکی واقع در ناحیه آلتای از نواحی جنوب سیبری به دنیا آمد. در نیروی دریایی خدمت کرد و بعد وارد انستیتوی سینماتوگرافی شد و در رشته

کارگردانی فارغ‌التحصیل شد.

او همزمان با کار سینما به نوشتن داستان کوتاه پرداخت و به بازی در فیلم نیز مشغول شد. فیلم گل بداغ قرمز را در واقع می‌شود کار فردی او دانست. او سناریوی فیلم را خود نوشت، آن را کارگردانی کرد و نقش اول آن را نیز عهده‌دار شد. این فیلم ماه‌ها روی اکران بود و محبوبیتی فراوان یافت.

بیشترین علاقه شوکشین به نوشتن داستان کوتاه بود و اتفاقی نیست اگر بهترین آثار هنری او را در میان داستان‌های کوتاه‌اش بیابیم. سه مجموعه داستان‌های کوتاه او به نامهای آنجا (۱۹۶۸)، روستائیان (۱۹۷۰) و شخصیت‌ها (۱۹۷۳) را می‌توان جزو پر فروش‌ترین کتابهای داستان کوتاه در سالهای اخیر در شوروی (سابق) به‌شمار آورد. آثار او را روشنفکران و مشکل‌پسندان هنر با همان رغبت و علاقه می‌خوانند که مردم عادی و غیر حرفه‌ای. همین سرشت توده‌گیر بودن آثارش است که جایزه لنین را نصیب‌اش کرد.

متأسفانه عمر او دیری نپایید و در چهل‌وشش سالگی هنگامی که نقش لوباخین را در فیلم «آنها به‌خاطر میهن‌شان می‌جنگیدند» اثر شولوخوف و به‌کارگردانی سرگئی باندراچوک بازی می‌کرد قلبش از تپیدن ایستاد.

شولوخوف درباره او می‌گوید: «او با زبانی ساده و با لحنی پر اعتماد برای مردم از چیزهای بسیار ساده و غیر قهرمانی سخن گفت. به این طریق بود که آثار او در قلب میلیون‌ها نفر جا گرفت...»

شولوخوف، میخائیل

میخائیل الکساندروویچ شولوخوف در سال ۱۹۰۵ در وشنسکایا، روستائی از ناحیه دن قزاقستان (روستف فعلی) متولد شد. تحصیلات دبیرستانی خود

در این راه گریبانگیر روستاییان و مسؤلان برنامه بود، اشاره می‌کند.

در جنگ جهانی دوم شولوخوف داوطلبانه برای مقابله با دشمن فاشیست به جبهه شتافت و به عنوان خبرنگار جنگی به کسب تجارب دست اول از جنگ پرداخت. شولوخوف در سال ۱۹۵۷ سرنوشت يك انسان را که موضوع آن را مستقیماً از تجارب خود در جنگ گرفته بود، منتشر کرد. سپس مجموعه طرحها و مقالات خود درباره جنگ را در کتابی به نام کلامی درباره سرزمین مادری که بین سالهای ۱۹۵۷-۱۹۵۱ نوشته شده بود منتشر ساخت. آخرین اثر او رمان بزرگ «آنها به خاطر میهنشان جنگیدند» بود که عمر او کفاف پایان بردنش را نداد و این رمان به صورت ناقص به چاپ رسید.

شهابی، محمود (خوشنویس)

خواجه محمودابن اسحاق شهابی سیواشانی، از شاگردان میرعلی هروی از استادان زبردست خط نستعلیق قرن دهم است. خواجه محمود شهابی سفرهایی به بخارا و سمرقند و بلخ کرده و در حدود سال ۹۹۳ در بلخ درگذشته است.

از آثار شیوای او يك نسخه دیوان هلالی در کتابخانه سلطنتی سابق است، که به سال ۹۶۱ نگاشته شده. خواجه محمود جز هنر خوشنویسی از شعر و موسیقی سررشته داشت و ارغنون را نیکو می‌نواخت.

شهناز، جلیل

جلیل شهناز به سال ۱۳۰۰ در شهر افتخار آفرین و هنرپرور اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش علاقه وافری به موسیقی سنتی ایران داشت و هر روز



را در مدرسه گرامر به پایان رساند و در سال ۱۹۲۰ هنگامی که ناحیه دن درگیر جنگ داخلی بود، داوطلبانه به ارتش سرخ پیوست تا با گارد سفید مبارزه کند. در سال ۱۹۲۲ به مسکوف رفت و دو سال در آنجا اقامت کرد. اما دوباره به وشنسکایا بازگشت و تا آخر عمر در آنجا ماند.

نخستین مقاله او در سال ۱۹۲۲ به نام يك امتحان در روزنامه پراودا به چاپ رسید. سپس نشریات مسکو پشت سرهم به انتشار داستانهای کوتاه او درباره جنگ داخلی ناحیه دن پرداختند. این داستانها در سال ۱۹۲۶ در دو مجموعه به نامهای داستانهایی از دن و استپ آزور به چاپ رسیدند.

در فاصله سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ شولوخوف شاهکار خود دن آرام را در چهار جلد منتشر کرد. او در این اثر که با بهترین آثار رئالیستی قرن نوزدهم برابری می‌کند به سه مرحله از زندگی قزاقان دن: قبل از انقلاب، سالهای جنگ داخلی و بعد از جنگ داخلی می‌پردازد. تصاویر غنی از زندگی و طبیعت و روابط پیچیده انسانهای درگیر يك تحول بزرگ اجتماعی، دن آرام را به صورت رمانی ماندگار درآورده و جایزه نوبل سال ۱۹۶۵ را نصیب نویسنده آن ساخته است. پس از انتشار رمان دن آرام، اثر دیگری در دو جلد به نام زمین نوآباد از او منتشر شد. این اثر به پیاده شدن نظام اشتراکی زمین-کالخوزها و ساخوزها- در روستاهای دن و مشکلات عظیمی که

منزلش محفلی گرم برای دوستانان این هنر بود. پسر دیگرش حسین شهناز تار را بس دل انگیز می نواخت. پدر از همان اوان کودکی مشوق او در یاد گرفتن و نواختن این ساز اصیل ایرانی گردید، و به همین سبب جلیل را به دست برادرش حسین سپرد تا او را با نوای ساز آشنا کند. از این زمان، جلیل بود و حسین و تار که لحظه‌ای این سه دلداده از یکدیگر جدا نبودند. هر وقت حسین کاسه تار را در آغوش می گرفت و می نواخت، جلیل از کنار او دور نمی شد و چون دلداده‌ای شیدا به پنجه‌های سحار او می نگریست و در پیچ و تاب نوای آن، خواسته‌های کودکی خود را جستجو می کرد و عطش خود را فرو می نشاند. ایام کودکی سپری شد و دوران جوانی فرا رسید، هر روز که جلیل از مدرسه بازمی گشت یکسر به نزد برادر آمده با لحن کودکانه از او می خواست که تار بنازد و حسین هم سخاوتمندانه هرچه داشت در طبق اخلاص نهاده و به او می آموخت.

جلیل پس از چندی به تهران آمد و به رادیو راه یافت و در ارکسترهای مختلف این دستگاه شرکت جست و پس از مدتی در برنامه «گلها» شرکت و یکی از بهترین نوازان آن گردید.

جلیل شهناز علاوه بر نواختن تار که ساز اختصاصی وی می باشد با نواختن ویولون، سنتور و ضرب نیز آشنایی کامل دارد و آنها را بسیار دلنشین می نوازد. نواخته‌ها و آثار شهناز در موسیقی ایران بخصوص گلها از آثار بزرگ و ممتاز موسیقی ایران است.

شیخ بهائی

شیخ بهائی به سال ۹۵۲ هجری در بعلبک شام در خاندانی متدین و ایرانی متولد گردید و خانواده‌اش در هنگامی که وی کودکی خردسال بود به ایران

بازگشتند و این سالها مصادف است با سالهای گسترش علوم و فرهنگ بویژه دانش هیئت و ریاضیات در کشور. سلاطین صفوی به همان مقدار که به هنر شعر ارج می نهادند در تعزز دانشمندان کوشا بودند و خود اغلب برای نجات مردم از قیود گران سنن مخرب و بدآموزیهای خلفای عباسی و اموی و ایجاد تحرك در ارواح خسته مردمان فلسفه‌ای خاص که با دانش عصر هماهنگی داشت برگزیده و در برابر علمای خشك اندیش به عنوان سنت شکن، قد علم کرده و به نحوی دیگر راه وصول به خالق و حق را تعلیم می دادند و آنچنان که می دانیم سرسلسله این دودمان خود قطب صادق درویشان بود.

شیخ بها با استعداد شگفت آور خویش توانست در خردسالی در پاره‌ای از علوم متداول زمان به مرحله استادی رسد و صیت شهرت و آوازه نوغ او شاه عباس را بر آن داشت که وی را به دربار فراخواند و مقامی شایسته نامش به وی بازبخشد و پس از چندی به او لقب شیخ الاسلام داده شد.

شیخ در این احوال و در سایه توجه سلطان صفوی توانست با آرامش به تدوین کتب گرانقدر و ارزنده‌ای چون «جامع عباسی»، «کشکول»، «در روایات و اخبار»، «شیر و شکر»، «نان و حلوا» به زبان پارسی و «تشریح افلاک»، «خلاصه حساب» و چند اثر برجسته دیگر در علم شیمی و هیئت پردازد.

مرگ این عارف بزرگ و دانشمند گرانمایه را به سال ۱۰۳۰ هجری در پایان هفتاد و هفتمین سال حیاتش ذکر کرده‌اند. وی در شهر اصفهان روی در نقاب خاک کشید و مریدان پیکره او را با شکوهی که سالیسته شأن وی بود به مشهد بردند و در جوار حرم هشتمین امام شیعیان به خاک سپرده شد.

شیخ عطار

شیدا، علی اکبر

علی اکبر شیدا فرزند شاه ولی در شهر شیراز متولد و در تهران به سلك درویشان خانقاه صفی علیشاه پیوست و تا پایان عمر نیز در همان خانقاه زیست. علاقه و اعتقاد او به خانقاه و طریقت درویشی بحدی بود که تصنیفی زیبا در مایه سه گاه به نام «مولد نبی، (ص)» ساخت که یکی از بهترین آثار هنری او به شمار می‌رود.

میرزا علی اکبر شیدا را باید پایه گذار اصلی تصنیف و ترانه به معنی و مفهوم امروزی بدانیم. او راه گشا و راهنمای عارف در تصنیف سازی بود و به عبارت دیگر تاریخ تصنیف سازی و ترانه سرایی در ایران با شیدا آغاز می‌شود، چه تصنیف های پیش از او، هرگز شکل تصنیف های او را نداشته و با شعر و موسیقی تا این حد همگام نبوده است.

علی اکبر شیدا، موسیقیدان و شاعر تصنیف ساز ایرانی که تصانیف او مقبول عموم بود و عارف او را بر خود مقدم می‌دانست و از او به نیکی یاد کرده است. شیدا مردی درویش و وارسته بود، مختصر سه تاری می‌زد و خط نستعلیق را هم خوش می‌نوشت. آهنگها و اشعارش بسیار مطلوب و دلنشین است، ولی صورتی نازیبا و قلبی پر از مهر و وفا، که همواره به کمند عشق زیبا رویان گرفتار بود، داشت. آهنگ های وی، با آن که متجاوز از ۵۰ سال از تاریخ سرودن آنها می‌گذرد، هنوز دارای لطف و جاذبه است.

شیرازی، محمدحسین (خوشنویس)

میرزا محمد حسین بن حاج محمدعلی، ملقب به کاتب السلطان، در شیراز کسب کمالات کرد. به تهران آمد و از خوشنویسان مقرر و مقرب دربار

شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری در حدود ۵۳۷ هجری در روستای «کدکن» نیشابور به دنیا آمد و چون در آن شهر به دارفروشی و عطاری اشتغال داشت بدین لقب معروف شد.

عطار در دکان دارفروشی، به درمان بیماران می پرداخت و به کسب دانش و درک صحبت مشایخ و بزرگان اهل تصوف مانند شیخ نجم الدین کبری و دیگران نیز روزگار می گذراند، تا خود از پیشوایان این طریقت گشت و مقامش به جایی رسید که مولانا جلال الدین محمد گفت:

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم يك كوچه ایم
عطار در سال ۶۲۷ هجری در فتنه مغولان به قتل رسید و درباره قتل او به دست مغولان داستان هایی نقل کرده اند.

نوشته های عطار در نظم و نثر به عدد سوره قرآن (۱۱۴) دانسته اند و معروفترین آن ها عبارتست از: دیوان قصاید و غزلیات او که در حدود ده هزار بیت است، دیگر «الهی نامه»، «پندنامه»، «خسرو نامه»، «اسرارنامه»، «مصیبت نامه» و از مثنویهای بسیار مشهور او «منطق الطیر» است که نزدیک به هفت هزار بیت دارد و مراتب سیر و سلوک و رسیدن به حق و توحید را از زبان مرغان که در طلب سیمرغ حرکت می کنند بیان می دارد و هفت منزل: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فنا را در آن شرح می دهد.

از تألیفات مهم شیخ عطار به نثر فارسی کتاب «تذکره الاولیاء» است که آن را در سال ۶۱۷ هجری نوشته و شرح احوال و گفتار و کرامات ۹۶ تن از پیشوایان طریقت تصوف و عارفان بزرگ را به نثری ساده و شیوا نگاشته است.

عطار از شاعران بزرگ و هم از عارفان نامی ایران است. عطار به سال ۶۲۷ هجری وفات یافت.

استوارت. لاپوسلر دورلثان، گیوم تلا و کتب تاریخی وی مثل تاریخ جنگ سی ساله و اشعار تغزلی لطیف او همگی از يك نبوغ بزرگ الهام گرفته‌اند.

درامهای بزرگ شیلر مجموعه و اختلاطی است از تراژدی عصر کلاسیک و درام شکسپیری. با آنکه شخصیت‌های شیلر قدری قراردادی و سبک وی پر طمطراق است اما آثار او همگی هیجان انگیز و دلپذیر هستند. نویسندگان فرانسه زیر نفوذ عقاید او درباره درام آثار فراوانی به وجود آوردند. شیلر در سال ۱۸۰۵ در سن ۴۶ سالگی درگذشت.

صبا، محمودخان (شاعر)

محمودخان ملك الشعرا فرزند محمدحسین خان عندلیب و از نوادگان فتح علی خان صباى کاشانی بود. وی در سال ۱۲۳۸ هجری قمری در تهران متولد شد. اصلاً آذربایجانی بود ولی اجداد او در دوره زندیه از آذربایجان به عراق رفتند. محمودخان در اواخر سلطنت محمدشاه سمت پیشکاری الله قلیخان ایلیخانی والی کردستان را داشت و چون طبعی موزون و قریحه شاعری داشت بزودی مشهور شد. وی علاوه بر طبع شاعری خطی خوش داشت و از هنر نقاشی و مجسمه‌سازی و منبت کاری بهره کافی داشت. نمونه‌ای از کارهای هنری وی در کاخ گلستان موجود است. محمودخان در سال ۱۳۱۱ هجری درگذشت.

صبا، ابوالحسن

ابوالحسن صبا به سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد. ابتدا در کودکی نزد پدرش کمال السلطنه با تعلیم سه تار آشنایی پیدا کرد و سپس ضرب را نزد یکی از بستگانش شروع کرد و چندی بعد نزد حاجی خان نوازنده مشهور ضرب آن زمان تکمیل نمود.

ناصرالدین شاه گردید و تا زمان جلوس مظفرالدین شاه نیز مستوفی دیوان و کاتب سلطانی بوده است. میرزا محمدحسین، یکی از چیره‌دست‌ترین نستعلیق نویسان است، که خط وی با خط بزرگترین خوشنویسان قرون اخیر برابر می‌کند. اینک که سالها از مرگ وی می‌گذرد، هنوز خوشنویسی در کتابت نتوانسته به پایه و مایه وی برسد. از آثار گرانبهای خطوط وی در کتابخانه سلطنتی سابق ایران به تعداد زیادی موجود و مثنوی وی یکی از نفیس‌ترین آثار خطوط نستعلیق ایران است.

میرزا محمدحسین تا سال ۱۳۱۶ در سنین هشتاد سالگی حیات داشت و اندکی بعد در تهران درگذشت.

شیلر، فردریش (شاعر و نویسنده)



فردریش شیلر شاعر و نویسنده آلمانی در سال ۱۷۵۹ در «مارباخ» واقع در «دورتمبرگ» به دنیا آمد. شیلر از همان ابتدای تحصیل به تاریخ علاقه داشت. او مدتها در فقر می‌زیست، بعدها با گوته شاعر و نویسنده بزرگ آلمانی و چند تن دیگر از بزرگان آلمان آشنایی یافت و معمولاً گوته و او را یکجا نام می‌برند. شیلر در ادبیات آلمان مانند گوته ایجاد کننده سبکی نو بود و یکی از فصول درخشان ادبیات قرن نوزدهم آلمان تعلق به وی دارد. درامهای تاریخی وی مانند: راهزنان، توطئه فیسک، والنشتین، ماری

صفی‌الدین اردبیلی

شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مشاهیر عرفای آذربایجان بود. به سال ۶۵۰ تولد یافت و پس از طی مراحل رشد به منظور دیدار مشایخ راهی شیراز شد و با ظهیرالدین فرزند و جانشین شیخ نجیب‌الدین بزغوش و رکن‌الدین بیضاوی و شیخ سعدی و سایرین ملاقات کرد و به راهنمایی آنان طالب شیخ زاهد گیلانی شد و سرانجام ارادت وی را گزید و با دختر وی بی‌بی فاطمه ازدواج کرد. به سال ۷۰۰ خلیفه و جانشین شیخ زاهد گشت و صبح دوشنبه ۱۲ محرم ۷۳۵ در سن ۸۵ سالگی در اردبیل وفات یافت و همانجا دفن شد. حمدالله مستوفی درباره شیخ می‌نویسد: مردی صاحب وقت بود و قبولی عظیم داشت. درباره نسبت حضرت شیخ و احوال طفولیت و مراحل و کمالات و شهرت و عظمت و ملاقات او با شیخ زاهد گیلانی و کلمات و نصایح و تحقیقات و توضیحات وی بر بعضی از آیات و احادیث و سیرت و کیفیت رحلت شیخ و... این بزاز در «صفوة الصفا» و حافظ حسین کر بلایی در «روضات الجنان و جنات الجنان، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۷۰» و شیخ حسین در «سلسله‌النسب» و عبدالکاظم محمد اردبیلی در کتاب «صفوة الآثار فی اخبار الاخیار» که به سال ۱۱۱۸ به نام شاه حسین تألیف شده، مشروحی نوشته‌اند. درباره سیادت او عقاید مختلف است، بعضی او را شافعی و برخی سید علوی و شیعه دانسته‌اند.

صفی‌الدین ارموی

صفی‌الدین عبدالؤمن پسر یوسف پسر فاخر از هنرمندان به نام ایرانی در قرن هفتم هجری است. وی در سال ۶۱۳ هجری در ارومیه آذربایجان متولد شد و تحصیلات خود را در بغداد به انجام رساند.

صبا اصول نواختن سه تار را از آقامیرزا عبدالله و غلامحسین خان درویش آموخت و پیش از آشنایی با ویلن، نزد حسین خان اسماعیل‌زاده به فرا گرفتن کمانچه همت گماشت و ویلن را نزد حسین خان هنگ‌آفرین آموخت و در سال ۱۳۰۲ به کلاس درس کلنل وزیری، در مدرسه عالی موسیقی رفت.

آثار صبا را می‌توان به دودسته تقسیم کرد. دسته اول شامل: اجراهای ویلن، سه تار و تار، که اکثر آنها به صورت صفحه در دست است. دسته دوم شامل: تصنیف‌ها، آهنگهای گردآوری شده محلی و آثار تئوریک است. صبا کتابی تحقیقی درباره شناسایی سازهای ایرانی و تاریخچه آنها نیز تألیف کرده است. اکثر موسیقیدانان بزرگ و معروف ایران نظیر: حبیب سماعی، حسین تهرانی به راهنمایی او با موسیقی علمی آشنا شدند و شاگردانی نظیر: مهدی خالدی، علی تجویدی، حبیب‌الله بدیعی، فرامرز پایور، مجید وفادار از شاگردان سرشناس او می‌باشند. گفته می‌شود طبق يك آمار تقریبی نزدیک به دو هزار نفر از محضر استاد صبا در رشته‌های: ویلن، کمانچه، سه‌تار، تار، سنتور، قانون، ضرب و فلوت تربیت شده‌اند.

استاد ابوالحسن خان صبا نه فقط از جمله بزرگ موسیقیدانان ایران است که راه جدید موسیقی ملی و سنتی را با نوشتن کتابها و متدهای گوناگون هموار کرد، بلکه فصل جدیدی در ترانه و تصنیف‌سازی گشود که سالها مورد تقلید قرار گرفت.

یکی از خدمات ارزنده استاد ابوالحسن صبا، گردآوری و اجرای درخشان ترانه‌های بومی به صورت موسیقی اصیل ایرانی است.

از آثار صبا: زنگ شتر، کاروان، زرد ملیجه (گنجشک زرد)، بزندان در شوشتری، در قفس، کوهستانی، رقص چوبی قاسم‌آباد، به یاد گذشته در دشتی و چهار مضربهای مختلف را باید نام برد.

نخست در کتابخانه خلیفه عباسی خط می نوشت و از خوشنویسان بنام بود. بعد نواختن عود را آغاز کرد و هنر او چنان مطلوب خاطر مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی واقع شد که همواره ملازم حضور و ندیم بزم و طرب خاص گردید و مالی فراوان بدست آورد، ولی بیشتر آن را صرف خوشی و کامرانی کرد و بر خوان مهمانی خویش به طور اسراف انفاق نمود. هنگامی که هولاکو خان مغول بغداد را فتح کرد (۶۵۶ هجری) صفی الدین نزد او رفت، و هنرمندی وی موجب احترام بسیار در دستگاه ایلخان مغول شد. سپس به ریاست دارالانشاء علاء الدین عطا ملک جوینی رسید. بعد به تبریز رفت و به اشاره شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان، فرزندش شرف الدین هارون را درس موسیقی داد و رساله «شرفیه» را به نام او تألیف کرد. در آخر عمر زندگانی صفی الدین ارموی آشفته شد و روزگاری بسختی گذرانید و چون وام دار بود و نتوانست دین خود را بپردازد به حکم قاضی به زندان افتاد و سرانجام در روز هجدهم صفر سال ۶۹۳ هجری در هشتاد سالگی زندگی را بدرود گفت.

از شاگردان مشهور او در خط، شمس الدین سهروردی و علی ستابی و حسن زامر و حسام الدین قتلغ بوغا بوده اند. از آثار او «رساله شرفیه» که در سال ۶۷۴ هجری به پایان رسانیده و معروف ترین کتاب موسیقی اوست و «کتاب الادوار فی حل الاوتار» در میان اهل فن مانند بهترین آثار جاویدان دست به دست گشته و تازگی و ارزش خود را از دست نداده است.

صلاح الدین ایوبی

صلاح الدین ایوبی در سال ۵۳۲ هـ. به دنیا آمد. وی از سرداران و قهرمانان مسلمان در جنگهای

صلیبی بود که سلسله ایوبی را در مصر تأسیس کرد و از دشمنان سرسخت صلیبی ها به شمار می رفت. صلاح الدین در تکریت به دنیا آمد و در اصل از نژاد کرد بود. صلاح الدین ده سال در دمشق بسر برد و به عموی خود امیر شیرکوه بر ضد فاطمی های مصر کمک کرد. چون عمویش درگذشت صلاح الدین بجای وی قرار گرفت. چندی نگذشت که صلاح الدین اعلان استقلال و خود را سلطان اعلام کرد و بر دمشق، موصل، حلب، یمن و فلسطین دست یافت. در جنگهای صلیبی چندبار مسیحیان را شکست داد، از جمله ریشارد شیردل را شکست داد. صلاح الدین ایوبی مردی دانش دوست و شجاع بود. بناها و مساجدی چند به امر وی ساخته شد. تاریخ مرگ وی ۵۸۹ هـ. می باشد.

صنیع الملك (نقاش)

میرزا ابوالحسن غفاری، صنیع الملك، فرزند میرزا محمد غفاری و از نواده قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی، متولد ۱۲۲۹ هجری قمری است. وی بزرگترین نقاش دوره قاجاریه است، که در محافل او را رافائل ایران نام نهاده اند. وی اول نقاشباشی و سپس صنیع الملك لقب یافت. صنیع الملك پس از فرا گرفتن فن نقاشی در ایران، در اواسط سلطنت محمد شاه قاجار در سال ۱۲۵۶ هجری قمری به تشویق و مساعدت حسینعلی خان نظام الدوله، مشیر الملك، به ایتالیا سفر کرد و چند سال در موزه های فلورانس و رم مشغول نقاشی بود. یکی از آثار وی که از روی یکی از تابلوهای رافائل کشیده شده، در موزه واتیکان موجود است. این تابلو متعلق به میرزا علی اصغر خان اتابک «امین السلطان» صدر اعظم بود، که در تالار پارک وی نصب گردیده بود. در جنگی که بین دولتبان با ستارخان در گرفت، تابلوی



امين لشكر (كار صنيع الملك)

گردید.

وی در ایامی که زمزمه آزادی و مشروطیت در میان مردم بود، به انجمنهای سرّی و مجامع مخفی راه یافت و در سال ۱۳۲۴ به همراهی چند نفری از همفکران خود روزنامه صورا سرافیل را تأسیس کرد و ۳۲ شماره منتشر نمود و پس از به توپ بستن مجلس، در ۲۳ جمادی الاولی سال ۱۳۲۶ هـ. به امر محمد علیشاه در باغشاه تهران کشته شد.

صورتگر، لطفعلی



در سال ۱۲۷۹ شمسی در شیراز تولد یافت و تحصیلات ابتدایی را در شیراز و متوسطه را در هندوستان و انگلستان به پایان رساند. در سال ۱۳۰۶ شمسی از طرف دولت برای ادامه تحصیلات در رشته ادبیات و زبان انگلیسی عازم اروپا شد و در این رشته به دریافت درجه لیسانس نایل آمد و پس از مراجعت از اروپا مدتی در دانشگاه به تدریس پرداخت، سپس مجدداً در سال ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیلات عالی و اخذ درجه دکترا در این رشته به لندن رفت و به دریافت درجه دکترا از دانشگاه ادبیات انگلیس (لندن) نایل گشت. پس از آن به مطالعه و تحقیقات خود ادامه داد که نتیجه آنها به قرار زیر است:

سیک رمانتیزم در انگلستان، تاریخ ادبیات انگلیسی به زبان فارسی، اصول علم اقتصاد، سخن

مزبور مورد اصابت گلوله قرار گرفت و سوراخ شد، لیکن تابلو توسط میرزا علی اکبرخان کاشانی، مزین الدوله تعمیر شد و تا این اواخر در مدرسه کمال الملک به دیوار آویخته بود. نام این تابلو «رافائل، مادونای فرلین یو» است و چگونگی وجود آن در واتیکان معلوم نیست. او در سال ۱۲۷۳ هجری قمری صورتهای تالار نظامیه را به اتمام رسانید که دارای ۸۴ تصویر از رجال دربار قاجاریه است، و صف سلام ناصرالدین شاه را نشان می دهد.

وی مؤسس اولین مدرسه نقاشی در ایران است و در روزنامه اش «دولت علیّه ایران» که ابتدا نامش «وقایع اتفاقیه» بود، برای قبول شاگرد اعلان کرده است. او در سال ۱۲۸۳ هجری قمری به مرض سخته وفات یافت.

صورا سرافیل، جهانگیرخان

میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر روزنامه صورا سرافیل پسر آقا رجبعلی در سال ۱۲۹۲ در يك خانواده فقیر در شیراز متولد شد. در کودکی پدرش را از دست داد و امور زندگی اش به عهده عمه و جدّه اش افتاد. در سال ۱۲۹۷ با عمه و جدّه به تهران آمد و در



سال ۱۳۰۶ به شیراز بازگشت و با تنگی معیشت مشغول به درس خواندن شد. در سال ۱۳۱۱ مجدداً به تهران آمد و در دارالفنون مشغول به تحصیل

می‌زد و طاهرزاده فرا می‌گرفت. وی با درویش خان آشنا شد و با وی برای ضبط صفحه به‌خارج سفر کرد. طاهرزاده تنها کسی است که در میان خوانندگان قدیم سبک ممتازی دارد. طاهرزاده در شهریور ماه سال ۱۳۳۴ درگذشت.

طوسی، نصیرالدین [خواجه -]

ابوجعفر نصیرالدین محمد از دانشمندان معروف ایرانی است که از کودکی به‌تحصیل دانش علاقه مفراطی داشت. وی هنوز جوان بود که در علوم و حکمت، ریاضی و نجوم استاد شد. خواجه نصیرالدین زمانی در زندان اسماعیلیه بسر برد و موقعی که هلاکو قلعه الموت را فتح نمود او را آزاد و از مقریان خویش نمود. سپس به امر هلاکو در مراغه رصدخانه‌ای تأسیس و خواجه نصیرالدین ریجی ترتیب داد و کتابخانه‌ای که در حدود چهارصد هزار کتاب داشت برای استفاده دانشمندان تهیه نمود. آثار خواجه غالباً به زبان عربی است. از مهمترین آثار فارسی وی: اخلاق ناصری در اخلاق، اساس الاقتباس در منطق، معیارالشعار در عروض و قافیه، اوصاف الاشراف در عرفان، تذکره نصیریه در هیئت و رساله سی فصل در نجوم است. وی اشعاری هم به‌زبان فارسی دارد. خواجه در سال ۶۷۲ وفات یافت.

ظریف، هوشنگ

هوشنگ ظریف به‌سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد و از همان دوران کودکی مانند بسیاری از بزرگان موسیقی ایران، علاقه و آفری به‌این هنر ظریف و اسمانی داشت و از میان سازها به‌تار بیش از همه نظر داشت. هوشنگ ظریف نوجوانی بیش نبود که جهت فراگیری موسیقی نزد استادانی مثل: موسی

سنجی، برگهای پراکنده، جغرافیای تاریخی ایران تألیف لوسترانج و غیره...
از آثار نظم او «برگهای پراکنده» چاپ و منتشر شده است. قطعات و منظومات مختلف شاعر در کمال روشنی و روانی است. او سخت پایبند اصول و قواعد عروضی بود.

طالس (تالس)

حکمای علم فلسفه همگان و تقریباً بالاتفاق تأیید کرده‌اند که اولین مکتب فلسفی به‌وسیله شخصیتی به‌نام «تالس» پی‌ریزی گشته است.
تالس گویا که یونانی الاصل نبوده، بلکه از نژاد سامی بوده و مقدمات بعضی از علوم را در بابل و مصر فرا گرفته است و در بیشتر رشته‌های علوم از قبیل هندسه و نجوم و فیزیک سرآمد اقران بوده و مهمتر از همه توانسته بود کسوفی را در ۲۸ مه سال ۵۸۵ پیش از میلاد پیش‌بینی نماید.
تالس آب را ریشه حیات و موجودیت تمام موجودات می‌دانست. او به خاصیت کهر با پی برده بود. در مکتب تالس شاگردان زیادی تحصیل می‌کردند، که همه یا بیشتر آنها فیلسوفان بعدی و پایه‌گذاران مکتهای فکری بوده‌اند. از تالس کتابی به‌جا نمانده و عقاید او بیشتر به‌وسیله افلاطون از زبان شاگردانش بیان شده. تالس در حدود ۵۴۵ پیش از میلاد جان سپرد.

طاهرزاده (خواننده)

طاهرزاده در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در اصفهان متولد شد. در سن هفده سالگی به تهران آمد و نزد حسام السلطنه قاجار، که جوان صاحب‌دلی بود شروع به آموختن کرد، به‌این ترتیب که حسام السلطنه ویلن



محدودیت‌های محیط و اجتماع بسیار شایان توجه و قابل اهمیت بود به انعکاس افکار خویش پرداخت و بدین ترتیب طبع سرکش و دمکرات خود را در هدایت جامعه و آشنا ساختن مردم به حقوق اجتماعی به کار وا داشت.

پس از آن که ندای مشروطه‌خواهی از هر سو بلند شد، عارف که خود ستمها دیده و روحی آزاده داشت، به آزادیخواهان پیوست. او بیشتر از هرکس در تنویر افکار و روشن نمودن اذعان توده مردم، در زمان مشروطیت و آزادیخواهی ملت ایران اثر گذاشت. در سالهای آخر عمر، غم و اندوه او شدت گرفت و در همدان انزوا گزید و در همانجا بدرود حیات گفت. قبر وی در صحن آرامگاه بوعلی سینا است.

عبادی، احمد

به سال ۱۲۸۳ احمد عبادی در تهران، خیابان ایران متولد شد. پدرش میرزا عبدالله، دومین فرزند آقاعلی اکبر فراهانی، پس از فراگیری اصول اولیه موسیقی نزد برادر بزرگترش میرزا حسن، این هنر را در مکتب پسر عمیش آقا غلامحسین، کامل کرد. وی در تعلیم موسیقی به دیگران برخلاف بسیاری از موسیقیدانان آن زمان بسیار گشاده دست بود، به طوری که اگر دست و دلبازی و تشویق و مهربانی‌های آن شادروان نبود موسیقی ایران به این

معروفی و علی اکبر شهنازی می‌رود و از محضر این اساتید کسب فیض می‌نماید و پس از چندی برای کسب و آموختن موسیقی علمی در هنرستان عالی موسیقی ثبت نام می‌نماید. در سال ۱۳۳۷ از این هنرستان فارغ‌التحصیل شده در همین سال به‌استخدام فرهنگ و هنر به‌عنوان هنرآموز سرود و موسیقی درمی‌آید، سپس مشغول تدریس در سازمان پیش‌آهنگی ایران شد و در سازمان خدمات اجتماعی کشور با سمت هنرآموز موسیقی کشور به نایب‌نایان مشغول گردید.

استاد ظریف از ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۹ در هنرستان عالی موسیقی ملی به مدت ۱۷ سال به تدریس اشتغال و از سال ۱۳۶۱ استاد تار واحد موسیقی سازمان زرتشتیان ایران «فروهر» می‌باشد.

عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم

شادروان ابوالقاسم عارف در شهرستان قزوین متولد و دیری نپایید که استعداد سرشار و بخصوص لطف صدای او، وی را به مجامع مختلف اعیان و اشراف وقت کشانید.

ابوالقاسم عارف، چون سری پر شور و طبعی آزاده داشت به کمک صدای دلنشین خود، محبوبیت و معروفیت بسیار یافت و چون ارزش هنر خود را شناخته بود در سن ۱۳ سالگی به دنیای موسیقی وارد و تحت تعلیم «حاجی صادق خرازی» به تعلیم صدا و فرا گرفتن اصول علمی موسیقی پرداخت و در این راه با سرعتی عجیب و قابل ملاحظه پیشرفت تا آنجا که تقریباً در هنر موسیقی به نسبت تحصیل و مطالعه رشد سریعی نمود و به ساختن تصنیف پرداخت. عارف اولین کسی است که شعر و موسیقی را به صورت «تصنیف» با مضامین بکر اجتماعی توأم ساخت و با این ابتکار که از نظر روح احساس و

را از این ساز ملی و سنتی رفع نماید و با زحمات زیاد و کوششهای شبانهروزی فاصله سیمها را از صفحه کاسه سه تار که خیلی کم بود عوض کند و به این طریق سبک و صدای سه تار تغییر می کند و حالیه ما می بینیم و می شنویم که صدای سه تار بسیار دل انگیزتر از سابق گردیده است.

عباسی، علی رضا

علی رضا عباسی از مشهورترین هنرمندان خوشنویس ایران در قرن یازدهم هجری است. وی تبریزی بود و در بدایت حال نزد علاء بیگ همچنان در تبریز می زیست. پس از آن به قزوین رفت و در مسجد جامع این شهر مسکن گزیده به کتابت مشغول گردید. در همین زمان بود که به ملازمت فرهادخان قرامان لو (مقتول به سال ۱۰۰۷ هجری) از امیران دربار شاه عباس اول درآمد و از آن امیر رعایت و تربیت دید و در مسافرتها مازندران و خراسان همراه وی بود. پس از دو سال شاه عباس اول به حال این هنرمند آگاه شد و او را از فرهاد خان بازستاند. علی رضا به اصفهان رفت و به دربار شاه صفوی پیوست.

بعضی نوشته اند که علی رضا معارض و رقیب میرعماد بوده و در قتل او که شرح آن در ورقهای پیش نوشته شد دست داشته است. بهر حال به درستی معلوم نیست، ولی شاه عباس علی رغم میرعماد زیاد به علی رضا توجه و مهربانی می کرد.

علی رضا در همه اقلام متداول قوی بوده و در خط ثلث در زمان خود نظیر نداشته است. شیوه نستعلیق او از خط ملا محمدحسین استادش دور نیست. وی علاوه بر خوشنویسی دارای فضایی بوده و قریحه شعر نیز داشته است. میرزای سنگلاخ به حسب معمول خود و بعض متأخرین به تبعیت او به علی رضا



پایه نمی رسید. او ردیفهای موسیقی ایرانی را جمع آوری کرده به شاگردانش از جمله: سید حسین خلیفه، شاگرد و معاون کلاشش و میرزا مهدی خان صلحی و مهدقلی هدایت آموخت. تا آن زمان موسیقی به صورت سینه به سینه حفظ و آموخته می شد. میرزا عبدالله برای سهولت در کار فراگیری موسیقی، دستگاههای دوازده گانه موسیقی ملی را مورد تجدیدنظر قرار داد و با ادغام بعضی از آنها در هم، هفت دستگاه مفصل و مستقل را پدید آورد. از این نظر میرزا عبدالله خدمت بزرگی به موسیقی ایران کرد و شاگردان بزرگی چون: اسماعیل قهرمانی، سید علیمحمد مستوفی، سید مهدی دبیری و فرزندش احمد عبادی را پروراند که هر کدام از آنها نیز شاگردان بزرگ دیگری تربیت و خدمات شایانی به موسیقی اصیل ایران نمودند.

احمد عبادی ساز سه تار را که مهجور مانده بود و فقط تا حدودی در نقاط دور و اطراف کشور نواخته می شد به مردم سرزمین کشورش بیشتر شناساند. وی در نواختن، سبکی مخصوص خود دارد به طوری که هنگامی صدای سازش به گوش هر شنونده آگاه و بیدار دلی برسد می فهمد که صدا، صدای ساز استاد عبادی است. عبادی چون مدت ها احساس می کرد که سبک زدن سه تار بسیار بد و تند نواخته می شود که در شنونده اثر اصلی سه تار را نمی کند و تقریباً صدا ناهنجار است لذا روزی به فکر افتاد که این نقیصه

لقب «شاهنواز» داده‌اند و میرزا سنگلاخ گوید که به مناسبت عمر طولانی وی را شیخ الخطاطین خطاب کرده‌اند. اینکه صاحب پیدایش خط و خطاطان، علی‌رضای تبریزی را نقاش و مذهب دانسته اشتباه می‌باشد و او را با رضای عباسی و آقارضای کاشانی نقاش یکی تصور کرده است.

علی‌رضا عباسی در تمام زمان شاه عباس اول زنده بود و در سال ۱۰۳۸ هجری (سال مرگ شاه عباس) هنوز می‌زیسته است. تاریخ وفات او معلوم نیست و اگر قول میرزا سنگلاخ را درست بدانیم که یکصد و بیست و پنج سال زندگی کرده است، سالها پس از مرگ شاه عباس در قید حیات بوده است.

عبدالباقی تبریزی (خوشنویس)

عبدالباقی تبریزی از هنرمندان نامی قرن یا زدهم هجری است. وی شاگرد علاء‌بیگ و از استادان برجسته کتابه‌نگاری است که اکنون کتیبه‌های ایوان شمالی و کتیبه‌های داخل ایوان بزرگ مسجد شاه اصفهان و اطراف محوطه زیر گنبد به خط او جلوه‌گری می‌کند. این کتیبه‌ها را در تاریخ ۱۰۳۵ هجری و ۱۰۳۶ هجری نگاشته است. به‌طوری‌که نوشته‌اند عبدالباقی پس از اکتساب علوم و فضایل و فنون خط از تبریز به بغداد رفت و شاه عباس بزرگ او را از بغداد فرا خواند و نوشتن کتیبه‌های مسجد شاه اصفهان را به وی واگذاشت. علاوه بر کتیبه‌ها، قطعاتی از خطوط این هنرمند توانا در موزه‌ها موجود است. سال مرگش معلوم نیست. برخی از تذکره‌نویسان او را شاعر و حکیم و عارف دانسته و نوشته‌اند که بسیار مهربان و درویش مشرب بوده و در شعر «باقی» تخلص می‌کرده است.

خواجه کمال‌الدین عبدالقادرین غیبی حافظ مراغه‌ای معروف به گوینده از هنرمندان و استادان نامی و دانشمند ایرانی در نیمه دوم و نیمه اول قرن نهم هجری است. وی در روز بیستم ذی‌قعدة سال ۷۵۴ هجری متولد شد، در چهارسالگی به مکتب رفت و در هشت سالگی حافظ قرآن شد و در ده سالگی از فراگرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافت. نخست در دربار سلطان شیخ اویس جلایر (۶۷۷-۷۵۷ هجری) بود و سپس ملازم سلطان احمد جلایر (مقتول در سال ۸۱۳ هجری) شد و در این مدت در تبریز و بغداد زیسته است. مراتب لطف و عنایت سلطان احمد ملایر پادشاه شعرشناس و موسیقی دوست نسبت به عبدالقادر مراغه‌ای چنان بود که او را «یار عزیز» خطاب می‌کرد. از نوشته‌های او چنان برمی‌آید که وی ابتدا کتایی به نام کنزالالحن تألیف کرده و در آخر آن نغمات موسیقی را که خود ساخته با خط مخصوص (به‌صورت نت) نوشته است ولی از این کتاب اثری در دست نیست. دیگر از مؤلفات او: لحنه، مجالس، مجموعه شعر فارسی و ترکی است که در آن عبدالقادر تخلص می‌کرده است. به‌طوری‌که نوشته‌اند، این موسیقیدان بزرگ و شاعر زبردست همراه پدر به مجالس عرفا می‌رفته. به‌رحال عبدالقادر مراغی آخرین موسیقیدان بزرگ و وارث موسیقی کلاسیک ایران است و کتابهای او سرشار از اطلاعات دقیق درباره موسیقی نظری و عملی و سازها و آوازهای قدیم و اقوال موسیقیدانان بزرگ به اضافه آراء و تحقیقات شخصی اوست.

عبدالله بیانی (مروارید)

خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید متخلص به بیانی فرزند خواجه شمس‌الدین محمد کرمانی از

عبدالقادر حافظ مراغی (مراغه‌ای)

اشراف کرمان و وزیر دربار سلطان حسین بایقرا (تیموری) بود. گویند پدرش از طرف امیران تیموری وقتی به بحرین رفت در بازگشت چند دانه مروارید به ارمغان آورد. از آن وقت به مروارید معروف شد و این نام در خاندان وی بماند. خواجه عبدالله به حسن سیرت و صورت و مکارم اخلاق و لطف گفتار موصوف بود و در جوانی به خدمت سلطان حسین بایقرا رسید و پیوسته به منزلت وی افزوده شد تا همان طور که در ورقهای پیش از این تألیف نوشته شد سمت صدارت یافت. پس از مرگ آن امیر گوشه نشینی گزید و به عبادت و کتابت قرآن مشغول گردید تا اینکه شاه اسماعیل صفوی بر خراسان دست یافت، او را مأمور نظم تاریخ شاهی کرد. خواجه عبدالله بیانی به اکثر علوم و فنون متداول زمان آشنا بود. در نظم و نثر دست قوی داشت و جمله خطوط را خوش می نوشت. صاحب حالات هنروران وی را در خطوط اصول شاگرد عبدالله طباطبائی و در خط تعلیق شاگرد خواجه تاج سلمانی دانسته است و در تاریخ رشیدی آمده است که خط نستعلیق را پس از سلطان محمد نور کسی به شیوایی و شیوه او چون خواجه عبدالله بیانی ننوخته است. شاه اسماعیل صفوی او را به معلمی فرزند خود ابوالنصر سام میرزا گماشت. فرزند خواجه عبدالله مروارید به نام محمد مؤمن کرمانی که دست پرورده و شاگرد پدر خود بوده از استادان مسلم و یکی از ارکان بنای خط در قرن دهم هجری است.

عبدالله صیرفی

عبدالله صیرفی فرزند محمود تبریزی از خوشنویسان قرن هشتم هجری است. وی شاگرد سید حیدر کنده نویس و در کتیبه نویسی تسلط داشته است و بسیاری از کتیبه های عمارات تبریز از جمله

عرفی شیرازی (شاعر)



جمال الدین محمد عرفی در شیراز متولد شد ولی از دوران جوانی به هندوستان مسافرت کرد و در شمار شعرای دربار اکبرشاه قرار گرفت و در آسیای صغیر، هند و افغانستان شهرت بسزایی داشت. دیوان عرفی شامل قصیده، غزل و مثنوی است. عرفی در سال ۹۹۹ هجری وفات یافت.

عطار نیشابوری (شاعر)

سفیر، نخست‌وزیر، وزیر دربار، نماینده مجلس و سناتور شد. با وجود همه این سمتها معذالك شخص عادى و معمولی بود. تولد وی در سال ۱۲۶۲ هجری شمسی و وفاتش در سال ۱۳۴۳ اتفاق افتاد.

عنصرى (شاعر)

ابوالقاسم حسن بن احمد بلخی متخلص به عنصری در سال ۳۵۰ هجری در بلخ متولد شد. وی در دوران جوانی به خدمت نصر بن ناصرالدین برادر کوچکتر سلطان محمود رسید و پس از چندی به وسیله امیرنصر به دربار محمود راه یافت و در خدمت سلطان به مقام ملك الشعرايى رسید. عنصری در نتیجه بدل و بخشش‌های محمود به ثروت و مکتبی بی حد و حساب رسید و تا بجایی که گویند چهارصد غلام زرین کمر در خدمت او بودند. عنصری شاگرد ابوالفرج سگزی شاعر قرن چهارم بود. دیوانش را قریب سه هزار بیت نوشته‌اند ولی اکنون مجموع اشعار وی در حدود دو هزار بیت است که در دسترس می‌باشد. فوت عنصری در سال ۴۳۱ هجری اتفاق افتاد.

عين القضاة همدانی

ابوالفضائل عبدالله بن محمد میانجی ملقب

محمد فریدالدین عطار، بزرگترین عارف ایرانی است. وی در نیشابور متولد شد. جوانی خود را وقف کسب علم و دانش نمود. عطار به علت اینکه داروخانه داشت و بیماران را درمان می‌کرد تخلص عطار گرفت. وی به کثرت شعر و تألیف مشهور است. تعداد نوشته‌های او را مجموعاً (از نظم و نثر) بعدد سوره‌های قرآن ۱۱۴ کتاب به‌وی نسبت داده‌اند که مقداری از آنها موجود و بقیه از بین رفته است. مشهورترین آثار او به نام تذکرة الاولیاء است که به نثر و فارسی نوشته شده، پس از آن منطق الطیر است که شامل پنج هزار بیت است.

درمورد وفات شیخ عطار اختلاف نظر فراوان است، ولی آنچه مسلم است تاریخ وفات او از سال ۵۸۶ تا ۶۲۷ می‌باشد. اغلب تذکرة نویسان سال وفات او را ۶۲۸ هجری نوشته و ذکر نموده‌اند که به دست يك نفر مغول کشته شد. مقبره وی در نیشابور است.

علاء، حسین (سیاستمدار)

حسین علاء فرزند میرزا محمد علیخان علاءالسلطنه که پیش از معمول شدن نام خانوادگی ملقب و معروف به معین‌الوزاره بود. وی مدتی رئیس دفتر وزارت خارجه بود و بعد چندبار وزیر مختار،

تألیفات غزالی «احیاء العلوم» که در فقه نوشته شده است و مقاصد الفلاسفه را که برضد فلاسفه اسلامی نوشته و معیارالعلوم را در منطق تألیف نموده و علاوه بر این در رد بعضی از مذاهب مخصوصاً اسمعیلیه کتاب‌هایی انشاء کرده است.

فارابی

ابونصر محمد بن طرخان اهل فاراب خراسان در سال ۲۶۰ هجری تولد یافت و پس از تحصیلات مقدماتی به بغداد رفت و در آنجا اقامت گزید. پس از فرا گرفتن زبان عربی نزد ابی بشر متی بن یونس علوم حکمت و منطق آموخت، آنگاه به شهر حران رفت و نزد حکیم و پزشک یوحنا بن جیلان به تحصیل و تحقیق ادامه داد، سپس به بغداد برگشت و در علوم یونانی و آثار ارسطو چنان تبحر یافت که از معاصران خود پیشی گرفت و در فلسفه و علوم نظری و عقلی سرآمد گردید و استاد ثانی لقب یافت (استاد اول ارسطوست). گویند نسخه‌ای از کتاب النفس ارسطو یافت شده است که در آن فارابی به خط خود یادداشت کرده است که این کتاب را صدبار خوانده است. این فیلسوف بزرگ ایرانی بی تردید به زبانهای عربی و سغدی و فارسی و یونانی آشنایی داشته است. وی موسیقیدانی میرز و نوازنده‌ای زبردست بود و در آواز هم دست داشت. چنانکه شاهزاده سیف الدوله حمدانی که فرمانروایی دانش دوست و هنرپرور بود او را به حلب خواند و در آنجا چنان شهرت یافت که شاگردان بسیار از اطراف و اکناف برای استفاده از محضر این فیلسوف و موسیقیدان بزرگ به مجالس درس او حاضر می‌شدند. سیف الدوله به سبب دانش و هنر فارابی احترام و لطف خاصی به او داشت، به همین سبب همراه سیف الدوله به دمشق رفت و سرانجام در سال ۳۳۹

به عین القضاة از دانشمندان بنام و از عرفای بزرگ قرن ششم هجری است. وی شاگرد احمد غزالی بود و با استاد خود مکاتبه داشت. ابوالفضائل در بیان عقاید خود بی‌پروا و همیشه عقاید خویش را که از فهم مردم عامی و فقهای متعصب و کوتاه بین دور بود آشکارا اظهار می‌نمود و بالاخره هم به خاطر همین صراحت لهجه در سال ۵۲۵ هجری به دستور ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان سنجر و به فتوای فقهای آنروز در همدان کشته و سوخته شد. عین القضاة با آنکه عمر کوتاهی داشت و فقط ۳۳ سال داشت که کشته شد آثار متعددی از نثر عربی و فارسی از خود به یادگار گذارد، از آن جمله کتاب یزدان پاک و تمهیدات و رباعیاتی چند به عربی و فارسی از او باقی است.

غزالی، احمد (عارف)

امام احمد غزالی طوسی برادر کوچکتر ابو حامد محمد غزالی از عرفای بنام و از واعظین مشهور بوده که رساله «سوانح العشاق» را نگاشته است. وی مدتی به جای برادر خویش در مدرسه نظامیه درس می‌داد. در آن زمان کتاب احیاء العلوم برادر را خلاصه و به نام «لباب الاحیاء» نامید. علاوه بر این تألیفات احمد غزالی در شعر سرودن هم ذوقی وافی داشت.

غزالی، محمد [امام-] (فیلسوف)

حجة الاسلام امام ابو حامد محمد غزالی در سال ۴۵۶ هجری در طوس متولد شد. وی از دانشمندان مشهور و بنام دوره سلجوقی است. غزالی تمام عمر خود را صرف مبارزه با فلاسفه و تکفیر آنان کرد و بنابه تقاضای نظام الملك در مدرسه نظامیه بغداد به مدت چهارسال تدریس نمود. از مشهورترین



هجری بعد از آنکه آثار بسیار ارزنده‌ای در حکمت و منطق و فلسفه و موسیقی به‌جای گذارد جهان را بدرود گفت. آثار مربوط به منطق، فلسفه و حکمت فارابی در تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (از ظهور رودکی تا شهادت سهروردی) آمده است.

تالیفات فارابی در فن موسیقی عبارتند از: کتاب موسیقی کبیر، کتاب در احصاء ایقاع، کتاب در نقره اضافه شده بر ایقاع و کلام در موسیقی.

فارادی

فارادی که در زمان حیاتش از لحاظ علمی به‌درجه‌ای عالی رسیده بود، مردی متواضع، محجوب و ساده بود. عنوان اشرافی بارون را که به‌وی پیشنهاد کرده بودند نپذیرفته و گفته بود: «چون این لقب چیزی به‌من نمی‌آموزد، بنابراین مورد استفاده‌ام نخواهد بود». فارادی به‌سال ۱۸۶۷ درگذشت.

فارابی، ظهیر (شاعر)

ظهیر در نواحی بلخ متولد شد ولی دوران جوانی را در نیشابور به کسب علم و ادب گذرانید. چندی بعد برای کسب معاش ابتدا به‌اصفهان رفت و به‌خدمت صدرالدین خجندی رسید و سپس به‌عراق و از آنجا به آذربایجان رفت و به‌خدمت اتابک غزل‌ارسلان رسید. ظهیر فارابی در سال ۵۹۷ هجری در تبریز درگذشت و او را در مقبره‌الشعراء دفن نمودند.

فاست، هوارد (نویسنده)

هوارد فاست در خانواده‌ای تهیدست در سال ۱۹۱۴ متولد گردید. از کودکی به‌تلاش معاش مجبور بود. پس از چندی برای تحصیل به آکادمی ملی رفت و فارغ‌التحصیل شد. چندی در کارخانه‌ها به‌کار

فارادی فرزند نعلبند فقیری است که در بیست و دوم سپتامبر ۱۷۹۱ در انگلستان متولد شد. در سیزده سالگی در دکان صحافی به‌عنوان شاگرد مشغول کار شد و هنگام فراغت به‌مطالعه کتابهای موجود در دکان صحافی می‌پرداخت. مطالعه یکی از تالیفات شیمی‌دان سوئیسی «ژان مارسه» او را به خط سیر علوم وارد نمود. فارادی از آن پس در کلاس سرهمفردی دیوی شیمی‌دان مشهور حاضر می‌شد و مقالاتی هم در این باره می‌نوشت و برای استاد می‌فرستاد.

در سال ۱۸۱۳ سر همفردی دیوی او را به‌عنوان دستیار خود انتخاب نمود. وی در سال ۱۸۲۳ در ردیف شیمی‌دانان قرار گرفت و در همین سال موفق گردید بعضی گازها را به‌صورت مایع درآورد. در سال ۱۸۲۵ به‌ریاست «آزمایشگاه پادشاهی» منصوب گردید.

دیوی نسبت به‌فارادی نظر خوبی نداشت و او را همان شاگرد فقیر سابق می‌دانست در صورتی که در این هنگام فارادی مقامی همانند دیوی کسب نموده بود. فارادی در سالهای ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ اثر خود را که شامل «الکتریسیته القائی» بود به‌جامعه پادشاهی داد و همین اثر بود که نام او را در دنیا ابدی ساخت.



نام حشرات به چاپ رسید و در سال ۱۹۲۸ اولین رمان خود از سری داستانهای یوکنایاتافارا را به نام سارتورس منتشر ساخت. یوکنایاتافا نامی است خیالی که فالکنر برای سرزمین مادری اش، جنوب آمریکا، انتخاب کرده است. ماجراهای دیگر آثار فالکنر که پس از این کتاب نوشته شد همگی در این ناحیه اتفاق می افتند و زندگی ساکنان ناحیه، از جنبه‌های مختلفی زیر ذره بین هنرمندانه فالکنر قرار می گیرند. مایه اصلی آثار فالکنر رنج انسانی اوست از نابسامانی اجتماعش، بویژه مسأله سیاهان و تبعیض نژادی. آثار فالکنر غالباً پیچیده است و سبک او بغرنجی خاص خود را دارد. تأثیر او بر رمان نو در آمریکا و حتی کشورهای دیگر انکارناپذیر است. بیشتر منتقدان فالکنر را یکی از بزرگ‌ترین منابع تغذیه فکری و سبکی گابریل گارسیا مارکز در آفرینش صد سال تنهایی می دانند. فالکنر در سال ۱۹۵۰ جایزه نوبل را نصیب خود ساخت و در سال ۱۹۶۲ از دنیا رفت.

عمده ترین آثار فالکنر عبارتند از: مزد سرباز (۱۹۲۶)، حشرات (۱۹۲۷)، سارتورس (۱۹۲۹)، خشم و هیاهو (۱۹۲۹)، من در بستر مرگ (۱۹۳۰)، محراب (۱۹۳۱)، روشنایی در آگوست (۱۹۳۲)، آبسلم آبسلم (۱۹۳۶)، تریلوزی هاملت (۱۹۴۰)، مردی که در غبار آمد (۱۹۴۸)، شهر (۱۹۵۷)، خانه مجلل (۱۹۵۹) و آخرین آثارش The Reivers

اشتغال ورزید. با بروز بحران ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ او را اخراج کردند. وی به کار نویسندگی پرداخت و چون خود نمره رنج و نمونه کاملی از محرومیت بود به حمایت از طبقه کارگر در نوشته‌هایش پرداخت. در دوران جنگ دوم در قسمت رادیو بیسیم کار می کرد. در سال ۱۹۴۷ به استادی دانشگاه ایندیانا برگزیده شد. مدتی نیز به کار سیاست سرگرم شد. از آثار این نویسنده: فرزندان، اسپهاتاکوس، راه آزادی، مغلوب، آخرین مرز، خدای برهنه، غرور و آزادی، زادگان آزادی، رام نشدگان، همشهری، توم پین و برادران عزیز من را می توان نام برد.

فالکنر، ویلیام

ویلیام فالکنسر به سال ۱۸۹۷ در نیوآلبانی می سی سی پی به دنیا آمد و در آکسفورد بزرگ شد. در سالهای آخر تحصیل دبیرستانی بود که درس را رها کرد و به منظور شرکت در جنگ جهانی اول، که کشورش درگیر آن بود، در نیروی هوایی سلطنتی کانادا به آموزش خلبانی مشغول شد. جنگ پیش از پایان دوره آموزشی خاتمه یافت و او دوباره به آکسفورد بازگشت. مدت کوتاهی در دانشگاه به تحصیل پرداخت، اما بزودی آن را ترك کرده و برای امرار معاش دست به کارهای مختلفی زد.

نخستین کار ادبی او يك مجموعه شعر به نام The Merbel Faun بود که در سال ۱۹۲۴ منتشر شد. این مجموعه چندان مورد استقبال قرار نگرفت و خود فالکنر بیشتر از همه دریافت که زمینه خلاقیت او شعر نیست و باید دست به تجربه در زمینه‌های دیگر بزند. در همین ایام بود که با شروود اندرسن، نویسنده مشهور، آشنا شد و این آشنایی برای او نخستین رمانش به نام مزد سربازان را، در سال ۱۹۲۵، به ارمغان آورد. يك سال بعد اثر دیگرش با

(۱۹۶۲) و فرود آی موسی است.

فانی زنوزی



فتحعلیشاه بود. دیوان وی شامل قصیده، غزل و رباعی است و به تقلید شاهنامه، «شهنشاهنامه» را سروده که در تاریخ قاجاریه آورده شده است. فتحعلیخان، مثنوی دیگری هم به نام «خداوند نامه» سروده است. وی در سال ۱۲۳۸ هجری در گذشت.

فخرالدینی، فرهاد

فرهاد فخرالدینی به سال ۱۳۱۶ در خطه قهرمان-پرور و مهد تمدن و فرهنگ ایران زمین، آذربایجان در خانواده‌یی هنردوست دیده به جهان گشود. پدرش محمد علی فخرالدینی متخلص به «محزون» (۱۳۶۵-۱۲۷۸)، از شعرای مردمی آذربایجان بوده که در نزد مردم آن سرزمین از احترام خاصی برخوردار بود. او صاحب دو کتاب شعر به زبان ترکی

میرزا محمد حسن زنوزی متخلص به فانی فرزند میر عبدالرسول زنوزی از سادات حسینی است. در هجدهم صفر سنه ۱۱۷۲ در خوی تولد یافت و دو ساله بود که والدش به زادگاه نیاکان خود زنوز کوچ کرد. فانی در سنین جوانی در تبریز نزد مولانا محمد شفیع دهخوار قانی تربیت یافت، و بعد از آن ۵ سال در خدمت مولانا عبدالنبی طسوجی پسر شرف الدین محمد در اکثر علوم ادبی و ریاضی کسب فیض نمود، تا در سنه ۱۱۹۵ روانه عتبات عالیات شد و در آنجا در خدمت آقا محمد بهیانی و میرزا مهدی شهرستانی و آقا سید علی تحصیل کرد و به سال ۱۲۰۳ به مشهد مقدس رفت و پس از دو سال توقف به سال ۱۲۰۵ سفری به اصفهان کرد و مدتی نیز در آنجا از افاضات فضلا تمتع برد و به خوی مراجعت کرد و آنجا حسب الامر حسینقلی خان دنبلی کتاب «بحرالعلوم» و «ریاض الجنه» را تصنیف نمود. تألیفات وی عبارتند از:

بحرالعلوم کتابی است ملمع و کشکول مانند در هفت جزو. این کتاب را مؤلف در خوی به نام حسینقلی خان دنبلی به سال ۱۲۰۹ نگاشته است. ریاض الجنه کتابی است در یک مقدمه و هشت روضه و یک خاتمه که به سال ۱۲۱۶ به دستور حسینقلی خان دنبلی نوشته شده است.

علاوه بر دو کتاب مذکور، زبده الاعمال و وسیلة النجات در ادعیه و اوارد نیز از تألیفات اوست.

فتحعلیخان صبا

فتحعلیخان صبای کاشانی، ملك الشعراء دربار

فرانس، آنا تول (نویسنده)

نام اصلی او «آنا تول فرانسوا تیبو» است. این نویسنده را پادشاه نثر فرانسه نامیده‌اند. آنا تول فرانس در سال ۱۸۴۴ در پاریس متولد شد و در سال ۱۹۲۴ درگذشت. او پسر کتابفروشی به نام «فرانسوا» بود که نام مستعار فرانس از آن گرفته شده است. وی تحصیلات رسمی نداشت و شخصاً مطالعه می‌کرد. در سال ۱۸۷۳ یعنی از بیست‌ونه سالگی «اشعار طلایی» را منتشر ساخت. او در جوامع ادبی پاریس رفت‌وآمد می‌کرد و به جریانات ادبی علاقه وافر داشت و تدریجاً به داستان‌نویسی و نگارش آثار منثور ذی‌علاقه شد.

در سال ۱۸۷۹ «ژوسکات و گربه‌لاغر» و در سال ۱۸۸۱ «جنایت سیلوستر بونار» اثر جذابی که موجب معروفیت او شد و در سال ۱۸۸۵ «کتاب دوست من» را که گلچینی از خاطرات زیبای کودکی اوست نوشت. وی از ۱۸۸۷ تا ۱۸۹۳ صفحه ادبی نشریه «تان» را اداره می‌کرد. آنا تول فرانس مجموعه‌های خود را در این نشریه جمع‌آوری کرد و در چهار جلد منتشر ساخت. بعد از این وی دوباره به نگارش داستان پرداخت و در سال ۱۸۸۹ بالتازار، در سال ۱۸۹۰ تائیس، در سال ۱۸۹۳ عقاید ژروم کوانار و در سال ۱۸۹۴ چنگ قرمز را نوشت. در سال ۱۸۹۶ وی وارد آکادمی فرانسه شد، در این زمان وی مجله «تاریخ معاصر» و «آقای برژه در پاریس» (۱۹۰۱) را نوشت که مانند داستانها و رمانهای او مورد استقبال قرار گرفت.

وی نگرانی‌های بشر قرن بیستم را در مقالات کوتاه و در داستانها و آثار دیگر خویش منعکس کرد و سخت درصدد پیدا کردن راه‌حل برای رفع آن می‌شد. او در کتابهای «روی سنگ سپید» ۱۹۰۵ و «جزیره پنگوئن‌ها» ۱۹۰۸ و «عصیان فرشتگان»

است. فرهاد چهارمین فرزند خانواده است و سه خواهر و سه برادر دارد.

فرهاد فخرالدینی از هنرمندان بسیار پر کار بوده و در راه موسیقی با عشق و علاقه و ایثار قدم برداشته و حاصل سالها تجربه و فعالیت او آثار پر ارجی است که در آرشیو رادیو و تلویزیون از آنها نگهداری می‌شود. آثار او را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: موسیقی با کلام، موسیقی بدون کلام، تنظیم آهنگ‌های هنرمندان دیگر.

فرهاد فخرالدینی، صرف نظر از این که هنرمندی بسیار شایسته می‌باشد، به گواهی همه کسانی که او را از دور و نزدیک می‌شناسند، انسانی والا و شخصیتی ممتاز می‌باشد. در میان خانواده و دوستان و همکاران خود، همیشه محبوب و گرمی بوده، دور از حب و بغض با استغناى طبع، توأم با فروتنی بسیار توانسته نمونه يك هنرمند واقعی باشد. او در زندگی هنری خود همواره پیشرو بوده با طبعی سرشار از ذوق و احساس بسیار لطیف، یکی از نوپردازان موسیقی نوین ایران است و همواره توانایی آن را داشته که از موسیقی سنتی و ملی خود به نحو مطلوب برداشت نموده و آن را به شیوه‌ی نو و متناسب با زمان عرضه نماید و در



آثار او می‌توان به آسانی این سیر صعودی را مشاهده کرد.



شد. بنیامین فرانکلن دانشمند و فیلسوف آمریکایی یکی از بنیان بزرگ استقلال آمریکاست. زندگی او نمونه و سرمشق کاملی از یک زندگی پر از کار و فعالیت صمیمانه همراه با فداکاری و جوانمردی می باشد که در راه پیشرفت دانش و خیر و صلاح انسان به کار رفته است.

فرانکلن به همه کار می پرداخت. ابتدا یک روزنامه و یک چاپخانه تأسیس کرده به تأسیس باشگاهها و کتابخانهها و بیمارستانها پرداخت.

فرانکلن به مطالعات جالب توجهی درباره نیروی برق دست زد و او بود که برقیگر عمارات را اختراع کرد.

در زمان خود فرانکلن یکی از بزرگترین نویسندگان و روزنامه نگاران آمریکا بود. ایالات متحده آمریکا در آن زمان به صورت سیزده ایالت و جزو مستعمرات انگلستان بود. فرانکلن در مبارزاتی که برای استقلال آمریکا صورت می گرفت شرکت مؤثری داشت، و به عنوان نماینده در نخستین کنگره ایالات متحده انتخاب شد. فرانکلین به سال ۱۷۹۰ درگذشت.

فرانکو، فرانچسکو

فرانچسکو فرانکو دیکتاتور و رئیس کل سپاه کشور اسپانیا بر اثر انقلابات سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۹ برضد مردم اسپانیا قیام کرد و با همه مبارزاتی که مردم

۱۹۱۴ مضحکه نبردهای سیاسی و اجتماعی و بنیست های فناپذیر اندیشه بشر را منعکس نمود. «خدایان تشنه اند» ۱۹۱۲ آئینه ای است که آنا تول فرانس در آن «فاجعه» انقلاب فرانسه را با رنگ و لعاب خاص منعکس ساخته است.

در سال ۱۹۰۸ کتاب «زندگی ژاندارک» را براساس عقاید خود به رشته تحریر درآورد که شاهکار شگفت انگیز تاریخی است. پس از جنگ جهانی اول که ضربه بزرگی به روح بزرگ و لطیف او زد، آنا تول فرانس در دام هرج و مرجهای فکری و روشنفکران عصر گرفتار شد. در نگارش دو جلد کتابی که آخرین آثار او هستند از خاطرات شیرین کودکی الهام گرفت. این دو کتاب عبارتند از «پیر کوچک» که در سال ۱۹۱۹ نوشته شد و «زندگی در آغوش گلها» که در ۱۹۲۱ به رشته تحریر درآمد. در سال ۱۹۲۱ وی جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد. در



این زمان آوازه شهرت او در جهان پیچیده بود. آنا تول فرانس در سال ۱۹۲۴ درگذشت

فرانکلن، بنیامین (فیلسوف)

بنیامین فرانکلن در ۱۷ ژانویه سال ۱۷۰۶ متولد

خود انتشار داده بود، وزیر فرهنگ پروس بخشنامه‌ای صادر کرد که چون منظور از کودکستان تزریق مسلك انکار خدا در جوانان است تأسیس آن مجاز نیست. در نتیجه این ستمکاری فریل پس از يك سال رنج و اندوه به سال ۱۸۵۲ درگذشت.

فرخی (شاعر)

ابوالحسن علی بن جولوغ متخلص به فرخی از شعرای معروف و بنام زمان غزنویان است. وی در سیستان خدمت دهقانی می‌کرد و چون ذوق ادبی داشت و به مهارت شعر می‌گفت و در آن زمان در دربار چغانیان، در دوران ابوالمظفر چغانی از شعرا و ادبا استقبال شایانی می‌شد، فرخی هم به دربار چغانیان راه یافت و پس از آنکه شهرتی یافت به دربار غزنین روی آورد و در خدمت سلطان محمود به منتهای شهرت و مقام رسید. فرخی در مدح سلطان محمود، محمد، مسعود، امیر سیف، امیر نصر برادر محمود و چندی از وزرا و ندمای سلطان قصایدی ساخته و از هر يك صله‌های نیکو گرفته است.

فرخی در لشکرکشی‌های سلطان محمود شرکت می‌کرد و در میدان‌های نبرد حاضر می‌شد و به همین دلیل فتوحات سلطان را بخوبی شرح داده، وقایع را چون نقاشی زبردست مجسم نموده است.

دیوان فرخی شامل غزل، قطعه، قصیده، رباعی و ترجیع بند است که همه ساده و روان می‌باشد. فرخی علاوه بر هنر شعر سرودن، به استادی چنگ می‌نواخت. وی به سال ۳۵۰ تولد و به سال ۴۲۹ هجری در غزنین وفات یافت.

فرخی یزدی (شاعر)

محمد فرخی یزدی فرزند محمد ابراهیم در سال

و آزادیخواهان برضد وی کردند قدرت را در سال ۱۹۳۶ در دست گرفت. در سال ۱۹۳۷ عنوان رهبری و در سال ۱۹۳۹ نخست وزیری و سرانجام دیکتاتور کشور اسپانیا شد.

در سال ۱۹۳۷ احزاب این کشور مگر يك حزب را منحل کرد و باز در سال ۱۹۴۲ آن حزب را نیز منحل کرد. با اینکه موسولینی و هیتلر می‌کوشیدند که اسپانیا را نیز در جریان جنگ بین المللی دوم به میدان بکشند نپذیرفت. فرانکو در سال ۱۹۷۵ درگذشت.

فریل، فردریش

فردریش فریل فیلسوف آلمانی به سال ۱۷۸۳ در دهکده‌ای که در جنگل تورنیک واقع است، به جهان آمد. دوره کودکی را در محیط دینی خانواده گذراند و به واسطه گرفتاری پدر وقت بسیار برای گردش در جنگل داشت و این مسأله شاید مایه گرویدن او به تصوف و جستجوی وحدت در کثرت گردید.

زمانی که وارد دانشگاه «ینا» شد فلسفه اصالت تصور و جنبش رومانسیسم و توجه مخصوص به علوم طبیعی و ریاضی در آنجا رایج بود. پس از دو سال به واسطه اشکالات مالی مجبور شد ینا را ترک گوید و در سال ۱۸۰۵ در فرانکفورت به معلمی آموزشی که از روی شیوه پستالزی برپا شده بود گماشته شد. وی در سال ۱۸۱۱ به دانشگاه گوتینگن و سال بعد به دانشگاه برلن رفت.

کتاب معروف او «پرورش آدمی» به سال ۱۸۲۶ انتشار یافت که محتوی اصول و نظریات خود او بود. به واسطه بیماری زنش او مجبور گردید به آلمان باز گردد و در آنجا کودکستانی دایر کرد، آنگاه پنج سال به مسافرت و سخنرانی پرداخت. متأسفانه در اثر اشتباه راجع به نظریات او و عقاید برادرزاده اش «کاری فریل»، که رساله‌ای درباره افکار اشتراکی



محمود، بحضرت سلطان راه یافت، اما قدر استاد عالیقدر آن طور که باید شناخته نشد و رنجیده خاطر گردید و از غزنین بیرون آمد و مدتی متواری شد.

فردوسی به طوس رفت و شاهنامه را برداشت و به طبرستان سفر کرد و نزد «سپهبد شهریار» فرمانروای طبرستان رفت و خواست شاهنامه را به نام او کند ولی او قبول نکرد و گفت: «در باره تو بدگویی کرده اند و بزودی سلطان تو را می خواند و تو را ارج می گذارد و تو شاهنامه را به نام محمود بگذار.»

فردوسی بعد از آن به طوس بازگشت و در موطن اصلی خود مسکن گزید و چندی بعد به کمک «احمد بن حسن میمندی» سلطان محمود فردوسی را به خاطر آورد و از رفتار خود نسبت به او پشیمان شد و جایزه ای بس گرانبها برای او به طوس فرستاد اما این جایزه هنگامی رسید که فردوسی چشم از جهان فرو بسته بود. استاد طوس در سال ۴۱۱ هجری درگذشت و در بیرون دروازه در باغی که ملک خود او بود دفن شد و اکنون آرامگاهش در همانجا است.

شاهنامه فردوسی در حدود ۶۰ هزار بیت شعر دارد و بزرگترین حماسه ملی ایران است.



۱۳۰۶ هجری قمری در یزد متولد شد. وی در دوره هفتم تقنینیه از طرف اهالی یزد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. فرخی در سال ۱۳۴۰ هجری قمری روزنامه طوفان را منتشر نمود. وی شاعری خوش قریحه بود و اشعارش غالباً دارای اثر خاصی است. فرخی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی وفات یافت.

فردوسی، ابوالقاسم (شاعر)

حکیم ابوالقاسم حسن بن اسحق بن شرفشاه فردوسی، زنده کننده زبان و ملیت ایرانی در حدود سال ۳۲۹ هجری در قریه «باز» از قرای «طایران» طوس به دنیا آمد. فردوسی از طبقه دهقانان بود و به خط و آثار نژادی و باستانی ایران علاقه وافر داشت و بنا بر همین علاقه به ملیت و افتخارات ایرانی در حدود سال ۳۷۰ هجری به نظم شاهنامه پرداخت و این کار را قبل از او چندین نفر به نظم یا به نثر آغاز کرده بودند اما به انجام نرسیده بود.

استاد بزرگ و سخنسرای نامی طوس پس از سی و پنج سال رنج و زحمت و صرف عمر و مال، نظم شاهنامه را به انجام رساند و این شاهکار عالی ادبیات جهانی را بوجود آورد. در حدود سال ۳۹۵ هجری آن را نزد سلطان محمود غزنوی برد و ابتدا به پایمردی ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی، وزیر سلطان

فرزاد، مسعود (ادیب، مترجم)



مسعود فرزاد، به سال ۱۲۸۵ خورشیدی در سنج تولد یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۸ به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن به تحصیل علم اقتصاد و ادبیات همت گماشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسی در دانشکده افسری و دارالفنون پرداخت و در اوایل جنگ دوم جهانی از طرف بنگاه سخن پراکنی انگلستان برای قسمت ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال بدین شغل در رادیو لندن مشغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صنعت نفت چون حاضر نشد مقالات ضد ملی را در رادیو بخواند از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد. فرزاد مترجم، نویسنده و شاعر یا استعدادی است و گذشته از فارسی و ادبیات عربی بخصوص به زبان و ادبیات انگلیسی وقوف کامل دارد. از آثار منظوم او تاکنون سه مجموعه به نامهای کوه تنهایی، گل غم و بزم درد به طبع رسیده است. وی دارای تألیفاتی نیز به زبان انگلیسی است که از مهمترین آنها وزن رباعی، ترجمه غزلهای حافظ، مردی که فکر می کند و ترجمه انگلیسی موش و گربه است. او از دوستان نزدیک صادق هدایت بود و کتاب

مشاهیر

«وغ و غ ساهاب» را این دو نویسنده با همکای یکدیگر نوشته اند. ترجمه رؤیا در نیمه شب تابستان و هملت از مهمترین کارهای او محسوب می شود.

فروغ، مهدی (مترجم)

دکتر مهدی فروغ، به سال ۱۲۹۰ در اصفهان تولد یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و شیراز و تحصیلات عالی در شعبه زبانهای خارجه دانشسرای عالی تهران به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۶ به انگلستان رفت و در دانشگاه «اکستر» و آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک و آکادمی پادشاهی موسیقی لندن تحصیل کرد. در سال ۱۳۲۴ به ایران آمد. در سال ۱۳۲۹ رهسپار آمریکا شد و در دانشگاه کلمبیا به فرا گرفتن تاریخ ادبیات دراماتیک پرداخت. در سال ۱۳۳۶ از طرف هنرهای زیبای کشور مأمور تأسیس اداره هنرهای دراماتیک شد. آثار مهم ترجمه او: کتاب موسیقی، نمایشنامه پدر، باغ وحش شیشه ای، فن نمایشنامه نویسی، خانه عروسک و اشباح می باشند.

فروغی، محمد علی

دانش وسیع و اطلاعات عمیق سیاسی، فروغی را در امور دارای متانت و استواری خاصی کرد که از این جهت ممتاز بود. محمد علی فروغی ملقب به ذکاء الملك در ۱۲۵۷ خورشیدی تولد یافت. وی فرزند میرزا محمد حسین فروغی پسر آقامحمد مهدی ارباب اصفهانی و از پرورش یافتگان مشروطیت است. به وکالت و ریاست مجلس شورایی و ریاست دیوان عالی تمیز و چند نوبت به وزارت نایل گردید و سه مرتبه نخست وزیر شد. وی در سال ۱۹۲۹ در مجمع اتفاق ملل که در ژنو تشکیل گردید

والی کرمان گرفت. این شاعر از غزلسرایان دوره قاجاریه و دارای ذوق عرفانی بود. وفات وی به سال ۱۲۷۴ هجری قمری اتفاق افتاد.

فروید، زیگموند (روانشناس)

زیگموند فروید پایه‌گذار مکتب روانکاوی، در سال ۱۸۵۶ در «فوی برگ» اطریش به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۹ در انگلستان درگذشت. فروید اصلاً کلمی بود. نخست در رشته پزشکی تحصیلاتی کرد سپس به فرانسه رفت و از محضر چند استاد علم الروح استفاده کرد. از این زمان در ذهن فروید جوان اندیشه‌های تازه و شگرفی پدید آمد. این اندیشه‌ها به مرور ایام تکامل یافت و مکتب مشهور روانکاوی را بنیاد نهاد. این مکتب که هر یک از پدیده‌های اسرارآمیز روان را به نحو تازه‌ای تعبیر و توجیه می‌کند، انقلابی در روانشناسی پدیدآورده است. قبل از این که او بررسی‌های نبوغ‌آمیز خود را آغاز کند کسی از دنیای شگفت‌انگیز ضمیر ناخودآگاه به‌درستی اطلاعی نداشت. فروید ضمیر ناخودآگاه را کشف کرد و همه تظاهرات عجیب و غریب روح‌های بیمار را به آن منسوب داشت. فروید در تکمیل و تعمیم عقاید خود دچار دشواریها و ناراحتیهای فراوان گردید، از یک طرف فشار سنگین بررسی‌های دشوار روانی و از سوی دیگر مخالفت و عناد مردمی که مکتب نو بنیاد روانکاوی و تجزیه و تحلیل روح را یک دکان تازه می‌دانستند او را رنج می‌داد.

فروید ریشه‌های مکتب نوظهور روانکاوی را در آثار دو فیلسوف بزرگ آلمانی شوپنهاور و نیچه باز یافت و آن دو را نخستین کسانی خواند که از «ضمیر ناخودآگاه» به‌طور مبهم سخن گفته‌اند و کلید بسیاری از رموز روانکاوی را به‌دست او سپرده‌اند. فروید خیلی وسواس داشت و کوشش می‌کرد در



از طرف دولت ایران سمت نمایندگی داشت و به ریاست مجمع انتخاب شد. فروغی مردی دانا و بصیر به اوضاع بوده به زبانهای فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. آثار بسیار تألیف و ترجمه کرده است که می‌توان از آن جمله: سیر حکمت در اروپا، حکمت سقراط، آیین سخنوری، فن سماع طبیعی، تصحیح کلیات سعدی، از بده دیوان حافظ و رباعیات خیام را نام برد. فروغی، ادیب، سیاستمدار، محقق و دانشمند شایسته‌ای بشمار می‌رفت. در ۶ آذر ۱۳۲۱ درگذشت و در ابن بابویه در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد.

فروغی بسطامی

میرزا عباس بسطامی فرزند آقا موسی در سال ۱۲۱۳ هجری قمری در عتبات متولد گردید و در سنین جوانی به ایران آمد و به خدمت فتحعلیشاه درآمد. ابتدا تخلص مسکین و بعد تخلص فروغی را از لقب فروغ‌الدوله فرزند شاهزاده شجاع السلطنه

پیشرفت تمدن در اعماق روح مخفی تر می شود و بیشتر به آزار انسان می پردازد. فروید می گوید ناراحتی ها و گرفتاریهای روانی گذشته اشخاص به ضمیر ناخودآگاه رخنه کرده اند و فراموش شده اند. اگر با روش مخصوص سنوال و جواب، ناراحتی فراموش شده اشخاص بیمار را به یادشان آوریم بیماری آنها بهبود می یابد.

فلویر، گوستاو (نویسنده)



نویسنده شهیر فرانسوی در سال ۱۸۲۸ در شهر «روان» پای به عرصه وجود نهاد، پدرش جراح ثروتمندی از اهالی «نرماندی» بود. پس از تحصیلات مقدماتی در سن ۱۸ سالگی به پاریس رفت و به تحصیل علم حقوق پرداخت، و هرچند یکبار سفری نیز به شهر و دیار خویش می کرد، تا آنکه تحصیلاتش به پایان رسید و بعد از مرگ پدرش در سال ۱۸۴۵ با ثروت هنگفتی که برای او به ارث گذاشته بود ویلایی در «کرواسه» خرید و تا آخر عمر در همین ویلا زندگی کرد و به جز برای دیدن دوستانی مانند «تورگنیف»، به پاریس سر نمی زد. هنر فلویر در نوع خویش بی نظیر است. او گرچه آثار متعددی ندارد لیکن همان چند کتابش هریک از شاهکارهای جهانی ادب بشمار می روند. وقتی که «مادام بواری» انتشار یافت خیلی ها او را مستحق مجازات دانستند



بنیادگذاری مکتب خود از تأثیر افکار و ایده های دیگران برکنار ماند، اما خود می گوید: «هرگز نتوانستم از زیر تأثیر اسرارآمیز نیچه بگریزم. او یک روانکاو غیر حرفه ای بوده است».

فروید در تفسیر خواب، در احوالات بیماران روحی در آرزوهای ساده و پیچیده بشر از ابتدا تا زمان خویش دقت های روانکاوای خاصی مبذول داشت و کشفیات عجیبی کرد. دکتر «بریل» از هواداران آمریکایی فروید می گوید: «برای پی بردن به ضمیر ناخودآگاه که بنیاد فلسفه روانی فروید را تشکیل می دهد باید در رؤیایها غور و تعمق کرد. رؤیا برای فروید بهترین زمینه برای کشف ضمیر ناخودآگاه بود».

فروید دریافته بود که فشارهای شدید قوانین اجتماعی و فرامین مذهبی انگیزه ها و آرزوهای طبیعی بشر را به قعر ضمیر می راند، این انگیزه ها و آرزوهای وحشی که از نظر تمدن عوامل مخرب و غیر قابل قبولی تلقی شده اند در ضمیر ناخودآگاه اجتماع می کنند و پای به وجدان بیدار یا ضمیر خودآگاه می گذارند و خواب را آشفته می سازند و سکون بیداری را بهم می ریزند. فشار دنیای اسرارآمیز ضمیر ناخودآگاه می تواند شخص را به بیماریهای روحی دچار سازد. نوابغ و صاحبان افکار بلند و سازندگان ایده های عجیب و غریب بلاشک اسیر ضمیر ناخودآگاه خویش هستند. ضمیر ناخودآگاه با

و حتی از طرف مقامات رسمی مورد تعقیب و مؤاخذه واقع گشت.

در دورانی که رمانتیسزم اوج ترقی خود را می‌پیمود، فلورن رئالیسم را ترقی داد، و در این کار نیز موفقیتی تام به‌دست آورد. او در سال ۱۸۸۰ در نرماندی در همان ملک شخصی خویش جان سپرد. کتابهای زیر از بهترین آثار فلورن به‌شمار می‌روند: مادام بواری، سالامبو، وسوسه سنت آنتوان و تربیت احساساتی.

فلوری، هوارد والتر

هوارد والتر فلوری به‌سال ۱۸۹۸ در استرالیا پا به‌جهان گذارد. در شهر آدلاید استرالیا در سال ۱۹۲۱ درجه دکترا گرفت و به انگلستان رفت. در سال ۱۹۲۷ در کمبریج دکترا گرفت و در آکسفورد به‌تدریس آسیب‌شناسی پرداخت. پس از آنکه دماک در ۱۹۳۰ پرونتوزیل را کشف کرد، فلوری آزمایشهای خود را روی لیزوزیم (ضد باکتری) انجام داد. وی موفق شد که گردی زردرنگ از کپک آبگوشت به‌دست آورد که عامل ضد باکتری بود.

در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ سالهای تحقیقات دانشمندان جهان روی آنتی‌بیوتیکهای باکتری کش آغاز گردید. نخستین استفاده علمی از پنی‌سیلین در سال ۱۹۴۳ در تونس و سیسیل به‌عمل آمد که نتایج فوق‌العاده‌ای داشت.

پس از جنگ، پنی‌سیلین داروی مهم و مؤثری در درمان بیماریها گردید و هم‌اکنون یکی از آنتی‌بیوتیکهایی است که بیش از سایر انواع که بعداً کشف شد اهمیت دارد.

فلوری در ۱۹۴۴ لقب «سر» گرفت و در ۱۹۴۵ با شرکت دو تن دیگر از محققان موفق به‌دریافت جایزه نوبل در رشته پزشکی و فیزیولوژی گردید. آن

دو عبارت بودند از «جین» و «فلمنگ» کاشف پنی‌سیلین. در سال ۱۹۵۸، وی با استفاده از فرمول ساختمانی شیمیایی، پنی‌سیلین صنعتی را ساخت. این گونه پنی‌سیلین‌ها را می‌توان علیه باکتریهایی که در برابر پنی‌سیلین‌های طبیعی مصونیتی یافته‌اند مورد استفاده قرار داد.

فلوطین

فلوطین مؤسس مکتب نو افلاطونیان است. وی به سال ۲۰۴ میلادی به دنیا آمد. او اهل «لیکوپولیس» واقع در مصرعلیا بود و در سال ۲۴۴ میلادی به روم آمد و در «آمدت» ۲۰ سال فلسفه تدریس کرد.

در ۲۸ سالگی در اسکندریه نزد ساکاس به فرا گرفتن فلسفه پرداخت و سپس به قصد تکمیل معلومات عرفانی خویش با گردیانوس امپراطور روم که برای جنگ به ایران لشکری بسیج کرده بود، رهسپار شرق گشت تا در مشرق زمین به تحصیل عرفان بپردازد، ولی در اثر کشته شدن امپراطور در بین‌النهرین دست خالی به روم برگشت.

در روم وی با املیوس که مدت ۲۴ سال به بررسی و تحقیق در عرفان پرداخته بود، آشنا شد. فلوطین در طی همین سالها بود که در املاک یکی از شاگردانش در کمپانیا مؤسسه‌ای براساس اصول جمهوریت افلاطون تأسیس کرد ولی در همین موقع مریض شد و به سال ۲۶۹ میلادی درگذشت. او کتابی دارد که شامل ۶ قسمت است: اخلاقیات، طبیعیات، ماوراءالطبیعه، روان، خرد و وحدت.

فنلن

در ششم اوت سال ۱۶۵۱ در قصر فنلن واقع در

به عقیده او قلمرو هستی به وسیله عقل بوجود نیامده بلکه به خودی خود موجود است و چون عقل نمی‌تواند خلق کند، پس باید اصل و منشایی وجود داشته باشد که نه در عقل هست و نه در جهان موجود و آن اصل است که اشیاء را هستی می‌بخشد. او این اصل را «واحد حقیقی اولی» می‌نامد. فلسفه جدید عقلانی و تاریخ فلسفه چین از تألیفات اوست.

فورد، جان



جان فورد یا «شون لوسیوس اوفینی» فیلمساز فقید ایرلندی الاصل آمریکایی در سال ۱۸۹۵ در مین پورتلند متولد و در سال ۱۹۷۳ فوت کرد. او کوچکترین فرزند خانواده اش بود که پس از اتمام تحصیلات به هالیوود نزد برادر بزرگش فرانسیس فورد رفت که در یونیورسال قرارداد کارگردانی، نویسندگی و بازیگری داشت. جان فورد ابتدا کار سینما را به عنوان هنرپیشه بدل شروع کرد تا در ۱۹۱۴ به مقام دستیاری کارگردانی فیلمهای دو حلقه‌یی به کارگردانی برادرش رسید. سه سال بعد فورد اولین فیلمهای دو حلقه‌یی اش را نوشت و کارگردانی نمود. سومین فیلمش، اولین فیلم از بیست و شش فیلمی است که با هری کری ساخت. فورد بعد از مدتی کار در یونیورسال به فوکس رفت و در آنجا به فعالیت پرداخت تا آنکه اولین فیلمش را با دادلی نیکولز نویسنده در سال ۱۹۳۰ تحت عنوان

کرسی متولد گردید. تحصیلات خویش را ابتدا در مدرسه کاهور و سپس در پاریس در دبیرستان پلسی به پایان رسانید و مدتی در دانشکده دینی سن سولیس مطالعات خویش را در رشته الهیات و علوم دینی تکمیل نمود. در سال ۱۶۷۸ در سن ۲۷ سالگی به مدیریت مؤسسه کاتولیکهای جدید که کارش تبلیغ جوانان پروتستان بود، انتخاب شد.

پس از مدتی مورد توجه پادشاه واقع گشت و به نگهداری و تربیت دوک دوپورگونی کوچک مأمور گشت. فنلن در این راه زحمات فراوان کشید به امید آنکه این کودک روزی پادشاه گردد و به آرزوهای خویش جامه عمل بپوشاند. به تدریج بین او و پاپ اختلاف نظر شدیدی افتاد، به طوری که پاپ او را محکوم نمود. از طرفی پادشاه وقت یعنی لویی چهارم نیز بر اثر انتشار کتاب تلماک اثر فنلن به او بدگمان گشت و بنابراین در زحمت و ناراحتی شدیدی افتاد. تنها امیدش کودک تحت تعلیمش بود که متأسفانه در اوان طفولیت درگذشت و آرزوهای فنلن را به یأس مبدل ساخت. پس از این شکست فنلن به شدت متأثر و نا امید گشت و طولی نکشید که پس از مرگ شاهزاده کوچک، او نیز در سال ۱۷۱۵ بدرود حیات گفت.

از فنلن سه اثر مهم و با ارزش بجا مانده که عبارتند از: تلماک (۱۶۹۰)، رساله‌ای درباره تربیت دختران (۱۶۸۷) و نامه‌ای به آکادمی (۱۷۱۵).

فونگ، یولانگ

پروفسور یولانگ فونگ به سال ۱۸۹۵ متولد شد. او نه تنها یک مورخ فلسفه است، بلکه یک فیلسوف اصولی است که روش و اندیشه او، با آنکه به شدت از سنن و شعایر کنفوسیونیسم متأثر است شباهتهای نمایانی با نظرات جرج سانتانیا دارد.

فیتز جرالد، ادوارد

ادوارد فیتز جرالد، به سال ۱۸۰۹ در وودبریج واقع در سوفولک ناحیه‌ای که اقامتگاه وی در تمام مدت زندگانش بود متولد شد. پدر و مادرش سرشناس و ثروتمند بودند. در کودکی به مدرسه رفت و در سن هفده سالگی به دانشگاه کمبریج داخل شد و در سال ۱۸۳۰ دانشگاه را به پایان رسانید، آنگاه سفری به فرانسه کرد. نخستین کتابش که شهرتی به دست آورد «یوفرانو» نام داشت، آنگاه به فرا گرفتن زبان و ادبیات کشورهای خاور زمین بخصوص ایران پرداخت. راهنمای او در آشنایی با ادبیات ایران بویژه خیام، پروفیسور کادل بود.

فیتز جرالد با آثار سعدی و حافظ و همچنین خیام بخوبی آشنا شد. ترجمه رباعیات خیام را نخستین بار در سال ۱۸۵۹ به چاپ رسانید. این ترجمه نخست شهرت چندانی نیافت و آنگاه رفته رفته آوازه اش بلند گردید. فیتز جرالد در سن هفتاد و چهار سالگی در اوج شهرت و محبوبیت درگذشت. ترجمه او از رباعیات خیام زیباترین و معروفترین ترجمه‌ای است که از این رباعیات انجام شده است.

فیثاغورث

فیثاغورث در سال ۵۷۲ قبل از میلاد متولد شد و در سال ۵۳۰ یعنی در چهل و دو سالگی از حکومت ملوک الطوائفی به ایتالیا فرار کرد و مکتب جدیدی را در «کروتون» بوجود آورد. بعد از تشکیل مکتب جدید، فیثاغورث که به علت عقایدش از ساموس تبعید شده بود به میدان خود توصیه نمود که عقاید قدیم را بپذیرند.

فیثاغورثیان افکار و عقاید مخصوصی بوجود آورده بودند که فیثاغورث به منزله پاپ آنها محسوب

«مردان بدون زن» کارگردانی کرد. او در زمان جنگ در قسمت فیلمبرداری نیروی دریایی آمریکا کار کرد و پس از جنگ، در خلال کارهایش، دو مستند درباره کره (۱۹۵۹ و ۱۹۵۱) و یک مستند درباره ویتنام (۱۹۶۸-۷۱) ساخت.

فورد سپس به تلویزیون رفت و در آنجا چهار مجموعه تلویزیونی به وجود آورد (۶۲-۱۹۵۵) که در یکی از آنها جیمز استوارت نیز شرکت داشت. او به خاطر کارگردانی فیلمهای خبرچین (۱۹۳۵)، خوشه‌های خشم (۱۹۴۰)، چقدر دره من سبز بود (۱۹۴۱)، مرد آرام (۱۹۵۲) و همچنین به خاطر ساختن دو فیلم مستند نبرد میدوی (۱۹۴۲) و هفتم دسامبر (۱۹۴۳) برنده جایزه اسکار بهترین کارگردانی گردید.

فونتنس، گرگوریو

گرگوریو لوپونزی فونتنس شاعر و نویسنده مکزیکی در سال ۱۸۹۷ در یک ملک قدیمی، نزدیک «زونت کوماتلان» مکزیک، در میان سرخپوستان به دنیا آمد و بزرگ شد. او در آثار خود معتقدات و آداب و رسوم مردم ایالت زادگاه خود، ورا کروز را به طور واقعی و حقیقی منعکس می‌سازد. فونتنس دوره ادبی خود را با انتشار دو کتاب شعر آغاز می‌کند و بعد به روزنامه‌نگاری و داستان‌نویسی پرداخت.

او تعداد زیادی داستان کوتاه و در حدود ۹ ناول نوشته است که یکی از آنها به نام «Indio» جایزه «نشنال پرایز» را در سال ۱۹۳۵ برایش به ارمغان آورد. فونتنس به علت دانش و آگاهی شخصی‌اش از مسایل و مشکلات مربوط به زمین و سرخپوستان، در میان تأثرات، دلتنگیها و غم و اندوه و طنز مردم کشورش، بی اندازه موفق بوده است.

تحت تأثیر و نفوذ فلسفه کانت قرار بگیرد و بسیاری از عناصر فلسفی او را جزو دستگاه فلسفی خود بنماید.

در سال ۱۷۹۴ به عنوان استاد در دانشگاه «ینا» استخدام گردید و دیری نگذشت که رهبری ایده آلیسم جدید آلمان در اختیار او گذاشته شد. در اثر بروز اختلافاتی بین او و دانشگاه ینا، او استعفاء داد و به برلین رفت و بین سالهای ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۸ خطابه‌های زیادی برضد ناپلئون برای مردم آلمان بازگو کرد و آنها را تشویق نمود که علیه او بجنگند. در سال ۱۸۰۹ وی استاد فلسفه دانشگاه برلین گردید. او در سال ۱۸۱۴ میلادی درگذشت. فلسفه فیخته «ایده آلیسم اخلاقی» محسوب می‌گردد.

فیلدینگ، هنری

هنری فیلدینگ، داستان پرداز و نمایشنامه‌نویس بزرگ انگلیسی در دوم آوریل سال ۱۷۰۷ در شارخام پارک نزدیک سامرست شایر به دنیا آمد.

فیلدینگ قبل از مرگ مادرش تحت تعلیم کشیشی به نام آلیور بود و بعد وارد دانشگاه «اتان» شد. پس از فراغت از تحصیل بود که ذوق نویسندگی در وی قوت گرفت و در ۱۷۲۸ اولین نمایشنامه خویش را انتشار داد. شهرت وی پس از انتشار دو کتاب دیگر به نامهای «نمایش مضحك مؤلف» و «نامه نویسان» افزون گشت و پس از آن دست به نوشتن آثار ارزنده دیگری زد که هر يك از شاهکارهای ادبی و با نمایشی به حساب می‌آیند.

فیلدینگ در سال ۱۷۵۴ بدروید حیات گفت. دیگر آثار مهم او عبارتند از:

دن کیشوت در لندن، قهوه‌خانه، سیاستمدار، شوهر متجدد، جوزف آندروز، جوانان وایلد، تام جونز، آملیا و خاطرات سفر لیسبون.

می‌شد. افکار و عقاید این افراد با روح آزادی و دموکراسی که روزبروز در ایتالیا توسعه می‌یافت و عاقبت در سال ۵۱۰ قبل از میلاد سبب سقوط رژیم سلطنت گردید کاملاً مخالف بود. فیثاغورث در سال ۵۰۰ قبل از میلاد در متابونت وفات یافت. پس از فوت فیثاغورث شاگردانش مهاجرت نمودند و به مطالعه مشغول شدند. آنها معتقد بودند که موجودات بر سه نوع اند: مردم عادی، خدایان و اشخاصی که به فیثاغورث شباهت دارند. آنها می‌گفتند فیثاغورث رب‌النوعی است که به صورت انسان برای گفتن حقایق به‌زمین آمده است.

مورخین هیچ‌گونه اشاره‌ای راجع به اکتشافات و اختراعات فیثاغورث نموده‌اند و اکتشافات علمی که به فیثاغورث نسبت داده شده متعلق به پیروان اوست. پیروان فیثاغورث به کرویت زمین پی برده بودند و چون عدد ده را عدد کاملی می‌دانستند، معتقد بودند که يك کره زمین نامرئی وجود دارد تا اینکه تعداد کرات ده شود. پیروان فیثاغورث حساب و موسیقی و هندسه و هیئت را توسعه دادند و در علم طب پیشرفت‌های عمده‌ای نمودند چنان که بقراط که یکی از بزرگترین پزشکان قدیم می‌باشد، در این دوره زندگی می‌کرده است.

فیخته، یوهان

یوهان گوتلیپ فیخته به سال ۱۷۶۲ در ساکسونی به دنیا آمد. وی پسر بافنده فقیری بود و در کودکی غاژچرانی می‌کرد در اثر ابراز هوش فوق العاده مورد توجه يك مرد ثروتمند قرار گرفت و به وسیله او در مدرسه به تحصیل پرداخت. در الهیات لیسانس گرفت ولی به علت بی‌میلی به شغل کشیشی، معلم سر خانه گردید.

مطالعه در آثار کانت باعث شد که وی شدیداً

قآنی (شاعر)

قمری در سراب و به قولی در تبریز ولادت یافت و در آغاز جوانی به طریقه تصوف درآمد. در اوایل به شیخ صدرالدین اردبیلی ارادت داشت و بعد به صحبت شیخ صدرالدین علی یمنی رسید. به زیارت حج نایل شد و هنگام مراجعت به گیلان و سپس به خراسان رفت و در هرات سکنی گزید. در زمان تیمور و پسرش شاهرخ مریدان بسیار یافت و کارش بالا گرفت، به طوری که شاهرخ در زمان سلطنت خود به دیدن او می‌رفت. پس از مدتی به خراسان بازگشت و در خرگرد ولایت جام رحل اقامت افکند و به سال ۸۳۷ در همانجا رخ در نقاب خاک کشید. وی از مشاهیر عرفا و مردی بی باک و دلیر بود، به همین سبب گروهی از اطرافیانش او را کافر می‌دانستند، و برخی هم او را از بیروان طریقه حروقیه می‌پنداشتند. از تألیفات او: کلیات، امامت، حواریه، سند خرقه قاسم انوار و رساله عرفانی را می‌توان نام برد.

قاضی، محمد (مترجم)

محمد قاضی، به سال ۱۲۹۲ خورشیدی در شهر مهاباد تولد یافت. تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر به پایان رسانید و سپس در سال ۱۳۰۸ برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در سال ۱۳۱۸ از شعبه قضایی دانشکده حقوقی دانشنامه لیسانس گرفت و دو سال بعد به خدمت دولت درآمد. محمد قاضی کار ادبی خود را از سال ۱۳۳۰ با ترجمه کتاب جزیره بنگوئن‌ها اثر نویسنده معروف فرانسوی آناتول فرانس آغاز کرد و آنگاه در سال ۱۳۳۴ کتاب سپیدندان اثر فناپذیر جک لندن را به فارسی ترجمه نمود. پس از آن قاضی با کوشش خستگی‌ناپذیر به ترجمه آثار متعددی نظیر در آغوش خانواده، شاهزاده و گدا، شازده کوچولو، نظری به طبیعت و اسرار آن، ساده دل و مادام بواری (با

میرزا حبیب متخلص به قآنی از مشهورترین شعرای دوره قاجاریه می‌باشد. وی طبعی موزون و ذوقی وافر داشت. قآنی مداحی برای فتحعلیشاه و محمدشاه و ناصرالدین شاه سروده است. قصاید خود را به تقلید عنصری و فرخی می‌سرود و در مداحی بحدی غلو نمود که مقام شعر و شاعری را بی‌نهایت تنزل داد. قآنی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری درگذشت.

قائم مقام فراهانی

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی فرزند میرزا بزرگ در سال ۱۱۹۳ هجری قمری متولد شد. وی مردی دانشمند و مدبر بود. در جوانی به خدمت عباس میرزا نایب‌السلطنه درآمد و بعد از پدرش به وزارت عباس میرزا منصوب شد و از طرف فتحعلی شاه به قائم مقام ملقب گردید. وی سالی به خدمتگزاری محمد شاه قاجار مشغول بود ولی در اثر بدگویی درباریان فاسد به امر محمد شاه قاجار به دست اسمعیل خان قراچه داغی رئیس فراشان در روز ۳۰ ماه صفر سال ۱۲۵۱ هجری قمری در باغ نگارستان خفه شد و به قتل رسید. قائم مقام از نویسندگان و گویندگان بنام و مشهور عصر خود می‌باشد. در شعر تخلص ثنائی می‌کرد. يك مثنوی ساخته که به نام «جلایر» معروف است. وی علاوه بر غزل و مثنوی قصاید نیکویی هم ساخته است.

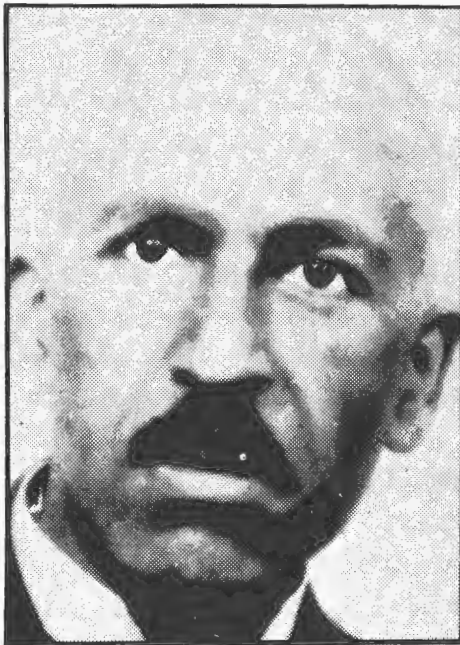
قاسم انوار

معین‌الدین علی بن نصیر بن ابوالقاسم معروف به قاسم انوار و متخلص به «قاسم» به سال ۷۵۷ هجری

جسدش را به چاهی افکندند.

قزوینی، محمد [علامه -]

محمد قزوینی فرزند ملا عبدالوهاب قزوینی از



همکاری رضا عقیلی) پرداخت. ترجمه دوره کامل دن کیشوت اثر سروانتس نویسنده بزرگ اسپانیایی در سال ۱۳۳۸ به‌اخذ عنوان بهترین ترجمه سال از طرف مجله سخن نایل آمد. از دیگر آثاری که با قلم شیوای قاضی به ترجمه درآمده است عبارتند از: صلاح الدین ایوبی، نان و شراب، تلماک، کورش کبیر و ...

قره‌العین، طاهره

مؤلفان «نامه دانشوران ناصری» بود. وی در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۴ هجری در تهران زاده شد. تحصیلاتش در علوم قدیمی و ادبیات بود. در سال ۱۳۲۲ به اروپا رفت و مدتی در فرانسه، انگلستان و آلمان اقامت گزید و بسیاری از کتابهایش را در این سفر نوشت. در سال ۱۳۵۹ هجری به ایران بازگشت و در ۷ خرداد ماه ۱۳۶۹ هجری (۱۳۲۸) در تهران درگذشت.

از آثار مهم وی، تصحیح متون مهم فارسی که با مقدمه‌های جالب و حواشی سودمند نوشته از این قرار است: تاریخ جهانگشای جوینی، المعجم فی معانی اشعارالعجم، شدالازار، چهارمقاله عروضی،

زرین تاج قزوینی در سال ۱۲۲۸ هجری به‌دنیا آمد. وی دختر ملا صلاح برغانی و عروس شیخ محمدتقی که به شهید ثالث معروف بود. سید کاظم رشتی پیشوای شیخیه به وی لقب قره‌العین و سید علی محمد باب او را طاهره نامیده است. قره‌العین شاعری خوش ذوق بود و در میان زنان شاعر شهرت خاصی دارد. وی را در سال ۱۲۶۴ هجری قمری مدتی در باغ ایلخانی به‌جرم بابی‌گری محبوس و پس از چندی فراش‌های عزیزخان سردار کل که مأمور تعقیب و کشتن بابیان بودند دستمالی به گردن او بستند و آنقدر کشیدند تا خفه شد و پس از آن

نیشابوری و کمال‌الدین حسن فارسی هر یک در قرن هشتم و شاید به‌طور کلی رکنی از ارکان مهم دانش زمان خود بوده‌اند.

وی مردی زیرک و بذله‌گو بود و شعر می‌گفت و رباب می‌نواخت و در شعبده و شطرنج استاد بود. مرگش در ۷۱۰ هجری اتفاق افتاد.

قوام‌الدین شیرازی [استاد-]

استاد قوام‌الدین پسر زین‌الدین شیرازی، معمار معروف قرن نهم هجری است. از آثار جاویدان وی بنای تاریخی زیبای مسجد گوهرشاد در جوار مزار حضرت امام رضا (ع) در مشهد است که تاریخ ۸۲۱ هجری دارد، و نیز احتمال داده می‌شود مسجد تالیب‌آباد خراسان از بناهای وی باشد. مدرسه غیائیه در خارگرد خراسان هم از ساختمانهای اوست که بنای آن را شروع کرده و در تاریخ ۸۴۸ به دستیاری شاگرد خود او استاد غیاث‌الدین شیرازی بنای آن به‌اتمام رسیده است. وفات استاد قوام‌الدین را در شوال سال ۸۴۴ هجری ثبت کرده‌اند.

قوامی، حسین

حسین قوامی در سال ۱۲۸۸ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. پدرش رضاقلی قوامی به موسیقی ایرانی بسیار علاقمند بود به‌طوری که در منزل تمام صفحات خوانندگان آن زمان را داشت و هر روز تعدادی از آنها را روی گرامافون می‌گذاشت و ساعتها به‌نوی آنها گوش می‌داد و در این میان حسین قوامی که کودکی بیش نبود کنار پدر می‌نشست و گوش می‌داد و بیش از همه صدای خوانندگانی نظیر: طاهرزاده و ظلی جلب توجهش را می‌کرد و لذت می‌برد و اغلب در منزل از صدای آنان

مرزبان‌نامه، یک جلد از لباب‌الالباب محمد عوفی، سمط‌العلی، دیوان حافظ و چند رساله جداگانه در احوال مسعود سعد سلمان و ابوسلیمان منطقی و مقاله‌ای درباره کتاب «نفثة‌المصدر» و رساله‌ای درباره «مدوحان سعدی»... دو جلد شامل مقالات وی در چهار جلد از یادداشت‌هایش نیز چاپ شده است. وی را در کنار مزار شیخ ابوالفتح رازی در شهر ری به‌خاک سپردند.

قطب‌الدین شیرازی

وی در سال ۶۳۴ هجری در شیراز پا به جهان گشود. پدرش پزشکی معروف بود، ۱۴ ساله بود که پدرش درگذشت و شغل او را در بیمارستان به‌وی سپردند، وی «کلیات قانون» ابن‌سینا را خواند و به‌مطالعه کتب علمی و فلسفی پرداخت. در هنگامی که رصدخانه مراغه ساخته می‌شد به عشق دیدن خواجه‌نصیرالدین طوسی عزم مراغه کرد و دانش هیئت و اشارات را نزد حکیم خواند و مشکلات «قانون» را از وی آموخت و سپس به چند شهر و از آنجمله اصفهان و بغداد و سرانجام به دیدن مولانا جلال‌الدین به قونیه رفت و مدتی قاضی «سیواس» بود و پس از سفر مصر به تبریز آمد و ۱۴ سال به‌کار تصنیف و تألیف پرداخت.

آخرین کتاب وی کتاب «درة‌التاج» است که در زبان پارسی گنجینه‌ای گرانها و جامع تمام علوم و از هر کتابی به‌شفای ابن‌سینا نزدیکتر است. وی در این کتاب از اقسام حکمت نظری بحثهای دقیق دارد، با این تفاوت که آن را در ریاضی بسط داده است. این کتاب در حقیقت دایرةالمعارفی است که در آن از ۱۲ رشته علم سخن رفته است. او را «علامه شیرازی» یا «ملاقطب» نیز گفته‌اند. از شاگردان وی تاج‌الدین علی تبریزی، قطب‌الدین محمد، نظام‌الدین

کاتر، ویلا

ویلا کاتر نویسنده نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیست آمریکا به سال ۱۸۷۵ در «ویرجینیا» چشم به جهان گشود لیکن قسمت اعظم زندگی خویش را در شهرهای ایالت نبراسکا گذراند. از دانشگاه ایالت مزبور فارغ التحصیل شد و در مدرسه‌ای به شغل معلمی پرداخت.

بزودی دست از این شغل کشید و پس از مدتی سردبیری مجله‌ای را پذیرفت، چندی بعد دست به انتشار داستانهای کوتاهی زد که تا آن موقع نوشته بود و یا می‌نوشت. به تدریج شهرت او بالا گرفت و او توانست آثار بهتری را انتشار دهد. نوول مشهور «پل الکساندر» اولین اثر مفصل وی بود که تا حدود زیادی شهرت وی را محرز ساخت، او داستانهای کوتاه و بسیار جالبی را نیز به رشته تحریر درآورده است که هر یک در نوع خود اثری ارزنده به‌شمار می‌رود. او به سال ۱۹۴۷ درگذشت.

کاترین کبیر

پتر سوم در سال ۱۷۶۲ توسط همسر با هوش و استعدادش از سلطنت معزول شد و خود کاترین دوم به‌جای او بر تخت سلطنت نشست. او پادشاهی جسور و خودخواه و خوش قریحه بود و برای کسب شهرت بیشتر با نویسندگان هم عصر خود مانند ولتر، دیدرو و دالامیر باب مکاتبه آغاز کرد. وی در عمران و آبادی شهرها و رونق بازار تجارت و بسط و توسعه کشاورزی، اهتمام فوق العاده‌ای داشت.

در زمان او شورش عظیمی به‌رهبری بوگاچف آغاز شد، ولی با دستگیری او و جمعی دیگر، این شورش از میان رفت.

او جنگهای عظیمی با دولت عثمانی کرد و



تقلید می‌کرد. این شوق و علاقه موجب شد به کار خوانندگی ادامه دهد تا زمانی که برادرش، علی قوامی مشغول فرا گرفتن تار شد و در نتیجه با تعدادی از خوانندگان و نوازندگان قدیمی امثال: استادان عبادی، حسین یاحقی و حاج علی اکبرخان شهنازی و عده‌ی دیگر آشنایی پیدا کرد و این آشنایی موجب دوستی بین آنان و تشکیل محافل و مجالس دوستانه شد.

حسین قوامی در سال ۱۳۰۹ به خدمت وظیفه احضار و در سال ۱۳۱۱ پس از انجام خدمت وظیفه به استخدام ارتش درآمد و در سال ۱۳۱۴ وارد آموزشگاه ستوانی شد و در سال ۱۳۱۷ با درجه ستوان سومی آموزشگاه را به‌تمام رسانید و در سال ۱۳۴۱ با درجه سرهنگ دومی بازنشسته شد. او در درجه ستوان یکمی بود که هم‌کاریش را با رادیو شروع کرد. لازم به تذکر است که چون استاد حسین قوامی افسارتنش بود و مشکلات و محظوراتی برایش موجود بود، لذا بنا به پیشنهاد استاد روح‌اله خالقی نام «فاخته» که اسمی مستعار بود توسط وی انتخاب گردیده بود. استاد قوامی در سنین ۸۰ سالگی به‌خوبی می‌خواند و هنوز این چشمه فیاض الهی در وجودش خشک نشده بود. وی روز پنجشنبه ۱۳۶۸/۱۲/۱۷ در بیمارستان ایران مهر در ساعت ۸/۳۰ شب فوت شد و در امامزاده ظاهر کرج در جوار غلامحسین بنان و مرتضی حنانه به‌خاک سپرده شد.

سپاهیان آن دولت را شکستی سخت داد و با دولت پروس و اطریش معاهده‌ای مبنی بر تجزیه لهستان امضاء نمود. در آخر عمر عزم تسخیر قفقاز و جنگ با آقا محمّد خان را داشت، ولی اجل مهلتش نداد و در هفدهم نوامبر سال ۱۷۹۶ درگذشت.

کارتیه، ژاک (دریانورد)

ژاک کارتیه، دریانوردی از اهالی «سن مالو» بود که در سال ۱۴۹۱ دیده به جهان گشود. وی نخست به ایسلند و گروئنلند سفر کرد و سپس عازم برزیل گردید و از غنایم تجارتی سهمی بسزا برد. اولین بار جان سباستیان کابو قدم به خاک کانادا گذارده بود لیکن پس از او کسی دنباله اکتشافات وی را نگرفته بود. در بیستم ماه آوریل سال ۱۵۲۴ ژاک کارتیه همراه دو کشتی و شصت نفر از دریانوردان سفر خود را آغاز کرد و به کرانه‌های شمالی «نیوفونلند» رسید و بدین ترتیب راه شمالی مهمی را کشف نمود. سفرهای مهمی که وی در اکتشافات شمال باختری نمود راههای جدیدی را برای وی آشنا ساخت و هم او بود که نام کانادا را بر روی این سرزمین نهاد. کانادا به‌زبان بومی به‌معنی قصبه می‌باشد که به حسب تصادف، او این نام را برای این سرزمین انتخاب کرد. او دریانوردی بود که کشورش یعنی فرانسه را نیز در جرگه مکتشفان جغرافیایی وارد ساخت و بالاخره در سال ۱۵۵۷ چشم از جهان فروبست.

کازان، الیا

الیا کازان فیلمساز معتبر و با ارزش سینما در سال ۱۹۰۹ در استانبول به دنیا آمد. اسم اصلی اش، «الیا قزن اغلو» و از والدین یونانی الاصل می‌باشد که در

۱۹۱۳ به‌همراه خانواده‌اش به نیویورک مهاجرت می‌کند. او ابتدا در دانشگاه ییل دوره آموزشی هنرهای نمایشی را می‌گذراند و سپس در ۱۹۳۱ در سن بیست و دو سالگی برای اولین بار دست به کارگردانی تئاتر می‌زند. او که ابتدا به‌عنوان بازیگر وارد عالم تئاتر گردیده بود، کار بازیگری را تا سال ۱۹۴۱ ادامه می‌دهد، ضمناً در ۱۹۳۴ برای نخستین بار در یک فیلم ظاهر می‌گردد. از این تاریخ به بعد فعالیت خود را بیشتر در سینما متمرکز می‌کند تا اینکه بالاخره اولین فیلم بلند خود را در سال ۱۹۴۵ بوجود می‌آورد و با همین اثر خود را در جمع سینماگران مطرح می‌کند. در ادامه کارش، او به کارگردانی در تئاتر و سینما می‌پردازد. در این دوره است که او کتابهای چندی از جمله آمریکا، آمریکا (۱۹۶۲)، سازش (۱۹۶۷)، آدمکشها (۱۹۷۱) را می‌نویسد که بعد توسط خودش به فیلم درمی‌آید. الیا کازان اسکار بهترین کارگردانی را به‌خاطر فیلمهای قرارداد شرافتمندانه (۱۹۴۷) و دربارانداز (۱۹۵۴) از آن خود می‌کند. یک سال بعد یعنی از ۱۹۵۵ او در مقام تهیه‌کننده فیلمهای بچه عروسک (۱۹۵۶)، چهره‌بی در جمعیت (۱۹۵۷) و رود وحشی (۱۹۶۰) در شرکت فیلمسازی خود فعالیت می‌نماید. چنانکه ذکرش رفت کازان در ۱۹۲۹ وقتی که بیست سال داشت به بازی در پيسه‌های مختلف پرداخت و ضمناً در چندین فیلم نیز ظاهر شد، ولی بعد از ساختن دومین فیلمش بود که در سال ۱۹۶۶ توانست نظر منتقدین را نسبت به خود جلب کند. به‌طور خلاصه آنچه کازان معمولاً در آثارش مورد انتقاد قرار می‌دهد، مادی‌گرایی آمریکایی است که آن را به مثابه انحراف اخلاقی و معنوی مطرح می‌کند.

کاسترو، فیدل (سیاستمدار)

مشاهیر

علاء‌الدین علی فرزند محمد معروف به ملاعلی قوشجی و غیاث‌الدین جمشید کاشانی بوده‌اند، همچنین معین‌الدین خواهرزاده غیاث‌الدین در تنظیم زیج همکاری داشته است. از آثار غیاث‌الدین جمشید: مفتاح الحساب و رساله محیطیه و رساله‌ای در ابعاد اجسام آسمانی و رساله دیگری در استخراج قوس يك درجه است. وی برای زمین پیمایی دستگاهی به نام «مسطره» اختراع کرد.

از کارهای ابتکاری وی محاسبه نسبت محیط دایره به قطر آن است که تا حد زیادی در آن پیش رفته بود. ولی مهمتر از همه، اختراع کسره‌های اعشاری است که اروپاییان آن را به فرانسوا وی‌ت فرانسوی و سیمون استون بلژیکی نسبت می‌دهند. شاید این را بتوان پذیرفت که این دو دانشمند ۱۵۰ سال پس از این دانشمند ایرانی موفق به اختراع کسر اعشاری گردیده‌اند و در غیر این صورت چیز دیگری نمی‌توان اندیشید.

کافکا، فرانتس

فرانتس کافکا نویسنده بزرگ چکسلواکی در سوم ژوئیه سال ۱۸۸۳ در پراگ و در يك خانواده یهودی چشم به جهان گشود. پدرش تاجر سختگیر و خشنی بود و کافکا از کودکی از او وحشت داشت. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی از دانشگاه پراگ درجه دکترای حقوق گرفت. مدتی در پراگ به کارهای حقوقی مشغول بود و سپس به پاریس رفت. زندگی گذشته کافکا بشدت او را رنج می‌داد، و نفرت عجیبی او را در خود فرو می‌برد، به طوری که با کمتر کسی دوستی داشت و بدبینی خاصی به مردم پیدا کرده بود. از همان زمان که دانشجویی بیش نبود، مطالعه آثار ادبی نویسندگان بزرگ را آغاز نمود. با نویسنده‌ای از اهالی آلمان



فیدل کاسترو در سال ۱۹۴۵ بعد از تحصیلات متوسطه وارد دانشکده حقوق شد اما بعد از مدتی درس را ترك کرد و به سپاه کوچکی پیوست. در سال ۱۹۵۰ دانشنامه حقوق را از دانشگاه هاوانا گرفت. در سال ۱۹۵۲ دعوایی در دادگاه مطرح و تقاضای محکومیت باتیستا رئیس جمهور کوبا را کرد، اما چون نتیجه‌ای نگرفت او و یارانش هر چه داشتند فروختند و اسلحه خریدند ولی بعد از چندی عده‌ای از آنها اسیر و به ۱۵ سال زندان محکوم گشتند اما در سال ۱۹۵۵ کاسترو و با طرفدارانش به کوهستان پناه برد و سرانجام باتیستا را که حکومتی خیانتکارانه داشت فرار داد و خود زمام امور را در کف گرفت و اکنون رئیس جمهور حکومت سوسیالیستی کوبا است.

کاشانی، غیاث‌الدین

غیاث‌الدین جمشید فرزند مسعود، فرزند محمود طبیب، ریاضیدان بزرگی است که در کارهای بنای رصدخانه و تنظیم «زیج الغ بیکی» که معروف به «زیج سلطانی» بود سهمی بزرگ داشته است. الغ بیکی فرزند شاهرخ و نواده امیر تیمور گورکان پادشاهی دانش پرور بود و خود وی در شمار ریاضیدانان است. او برای تنظیم زیجی از چند تن از دانشمندان معاصر خود دعوت کرد که به سمرقند بروند، که از آن جمله موسی فرزند محمود قاضی‌زاده رومی و

در جوانی مدتی به آمریکای مرکزی سفر کرد و وقت خویش را به ولگردی و کارهای گوناگون از قبیل خبرنگاری و بازی فوتبال حرفه‌ای گذراند. هر روز به کار جدیدی دست می‌زد ولی در هیچ یک از شغلهایی که پیشه خویش ساخت موفقیت قابل توجهی کسب نمود تا دوباره به اتازونی بازگشت و این بار تصمیم گرفت که نویسنده شود.

کالدول از جمله نویسندگان آمریکایی است، که ادبیات قرن بیستم را آن‌طور که باید ترقی دادند. آثارش همه مملو از ریشخند و طعنی است که طبقه مخصوصی از اجتماع را مورد تحقیر قرار می‌دهد. این طبقه در کتابهای کالدول آدمهایی هستند که وجود دیگران را برای آسایش خویش ناخیز می‌شمرند. مهمترین آثار کالدول بدین قرار است:

جاده تنباکو، غوغای ژوئی، یک وجب خاک خدا، دست چپ خدا، آفتاب جنوبی، خانه‌ای در کوهستان، گرتا، راههای جنوب، کلودل انگلیش، اسمش را تجربه بگذار، بازی، سرزمین آمریکا، مکانی به نام استرویل، زمین حزن‌آور، در سرتاسر شب و شمال دانوب.

کامو، آلبر (نویسنده)



نویسنده فرانسوی (۱۹۱۳-۱۹۶۰) در الجزایر به دنیا آمد و هم در آنجا بزرگ شد. پس از پایان تحصیل کارهای گوناگونی را در شمال آفریقا پیشه



به‌نام «ماکس برود» که او هم یهودی بود، دوستی نزدیک داشت و این شخص بارها کوشید تا بتواند کافکا را نسبت به جامعه و زندگی خوشبین کند.

ولی بعدها بین آنها اختلاف افتاد و کافکا دیگر همیشه تنها بود. یک بار در زندگی عشق به سراغش آمد، ولی هرگز نتوانست ازدواج کند. وقتی احساس کرد که مریض است و فهمید که سل به سراغش آمده بشدت مأیوس شد. بعد از آن مسافرتهاى زیادى نمود و آخر الامر نیز در وین روز سوم ژوئن ۱۹۲۴ در یک آسایشگاه جان سپرد. در آخرین لحظات زندگی وصیت کرد که همه آثارش را بسوزانند تا در گمنامی بمیرد. ولی هم اکنون همه کافکا را می‌شناسند و با آثارش آشنایی دارند. آثار مهم وی عبارتند از: قصر، دیوار چین، گروه محکومین، مسخ، طبیب دهکده، آمریکا و آشکار.

کالدول، ارسکین

ارسکین کالدول نویسنده برجسته آمریکایی در سال ۱۹۰۳ متولد گردید. در کودکی همراه پدر و مادر و خانواده خویش به آمریکا مهاجرت کرد. در این کشور بود که او توانست ذوق ادبی خود را بیازماید و موفقیت‌های شایان و قابل توجهی کسب نماید. او از دو دانشگاه مشهور پنسیلوانیا و ویرجینیا دانشنامه گرفت.

کپلر



کپلر در ۱۶ ماه مه ۱۵۷۱ در اوپل، متولد شد. دوران کودکی کپلر با فقر و بدبختی توأم بود. کپلر برای تحصیل به مدرسهٔ طلاب پرتستان رفت و در اثر هنر و استعدادی که از خود نشان داد، به‌وسیلهٔ استادانش روانهٔ دانشگاه «توبینگن» شد. کپلر در سال ۱۵۹۴ به سمت معلم ریاضیات مدرسهٔ شبانه روزی پرتستان در «گراتز» انتخاب شد. کپلر در اثر مطالعات در علم نجوم با خود گفت «چون به موجب هیئت کوپرنیک سیارات به دور خورشید دوایری طی می‌کنند بنابراین مجموعه تمام اوضاع مریخ که به وسیلهٔ تیکو رصد شده است باید روی یک دایره فضایی قرار گیرد».

کپلر کوشش نمود که همهٔ این اوضاع روی یک دایره قرار گیرد ولی با کمال تعجب ملاحظه کرد که نقاط بر چنین مکانی قرار نمی‌گیرند. کپلر در سال ۱۶۰۹ ناگهان به نیروی الهام متوجه حقیقت شد که «سیارهٔ مریخ روی مسیر بیضی است». وقتی کپلر مسیر بیضی شکل سیاره را کشف کرد، شروع به پیش‌بینی حرکت آن نمود و گفت که فلان وقت باید در فلان موضع قرار گیرد و همه جا ستاره را در رأس موعده در محل موعود مشاهده کرد.

در سال ۱۶۰۹ در کتاب «نجوم جدید»، دو قانون

کرد، سپس به کار روزنامه‌نگاری پرداخت و به فرانسه آمد. کامو گذشته از کار روزنامه‌نگاری در فرانسه به نوشتن داستان و نمایشنامه نیز دست زد و با انتشار داستانها و نمایشنامه‌هایی مانند، طاعون، افسانهٔ سیزف، بیگانه و سقوط، شهرت جهانی یافت.

کامو جایزهٔ ادبی نوبل را در سال ۱۹۵۷ دریافت کرد و در سال ۱۹۶۰ در یک سانحه کشته شد. آلبر کامو مانند ژان پل سارتر نویسنده‌ای فیلسوف است و فلسفهٔ او فلسفهٔ اگزیستانسیالیسم است.

فلسفهٔ او در پیوچی و دردناکی جهان خلاصه می‌شود. نوشته‌هایش همه بوی مرگ و خودکشی یا نومیدی و رنج جاودانی می‌دهد. خامه‌اش زیبا و ساده است. با دید ویژهٔ خود به تجزیه و تحلیل قهرمان‌های داستان‌هایش می‌پردازد و با ژرف بینی و بدبینی شگرفی آنها را نقاشی می‌کند.

کاوندیش، هانری

هانری کاوندیش که در سال ۱۷۳۱ متولد شد فرزند یک‌کنفر لرد و از نوادگان دوکها بود، اما او اشراف را تحقیر و زندگانی خود را وقف علوم کرد و به‌طوری که دیدیم در علم شیمی نیز صاحب اکتشافات مهمی است.

کاوندیش برای اندازه‌گیری وزن کرهٔ زمین میزان جاذبهٔ بینهایت کوچک گلوله‌ای از سرب به وزن ۱۵۸ کیلوگرم را معین کرد. تعیین جرم مخصوص زمین از روی آن فقط محاسبهٔ ساده‌ای بود و وی آن را مساوی ۵/۴۸ به‌دست آورد، یعنی طبق نتیجهٔ کاوندیش یک متر مکعب از کرهٔ زمین ۵۴۸۰ کیلوگرم وزن دارد و عددی که امروز مورد قبول است ۵/۵ می‌باشد. آنگاه با عمل ضرب مختصری وزن زمین را معین کرد. کاوندیش در سال ۱۸۱۰ در لندن وفات یافت.

کریستی، آگاتا (نویسنده)

خانم داستان‌نویس انگلیسی و نویسنده داستانهای جنایی به سال ۱۸۹۱ به دنیا آمد. وی مؤلف کتابهای تار عنکبوت، مهمان ناخوانده، پس از تشییع جنازه، انگشت متحرک، گریه‌ای در میان کیبوتران، حماقت مرده، به طرف سفر، مرگ در رود نیل، کارتهای روی میز، آنها وارد بغداد شدند، سرودهای غم‌انگیز، چهار تبه‌کار مخوف و بسیاری دیگر می‌باشد. آگاتا کریستی از جمله نویسندگانی است که در نگارش آثار جنایی سبک بخصوصی دارد و این شیوه در سراسر دنیا طرفداران بی‌شماری کسب کرده است.

کرین، استیفن (نویسنده)

استیفن کرین شهرت خود را در ادبیات امریکا تقریباً مدیون کتاب «نشان سرخ دلیری» است که بر صحنه‌های هیجان‌انگیز و تکان‌دهنده جنگهای داخلی آمریکا دور می‌زند و او را در میان داستان‌سرایان جوان آمریکا انگشت‌نما نمود. کرین با نگارش این کتاب و داستانهای جالب کوتاه دیگری که در صدر فهرست آنها عنوان «زورق بی‌حفاظ» قرار دارد، مقام شامخی در بین نویسندگان دنیای نو احراز نمود. کرین در شهر نیویورک در استان نیوجرسی به دنیا آمد. دوران کوتاه عمر ۲۹ ساله او سراسر پر از رنج و آلام و بیماری بود. کوشش مداوم او در خبرنگاری و روزنامه‌نویسی، به جایی نرسید و با شکستهای فراوان روبرو شد. اندیشه‌های بلند و سلیقه خاص او در داستان‌نویسی مورد پسند روزنامه‌نگاران و ناشرین قرار نگرفت. از طرفی ضعف جسمانی و بیماری مداوم او نیز مزید بر علت شده، سرانجام او را در غربت از نعمت حیات محروم

که اولی نام او را ابدی ساخت را ذکر نمود. این بار دیگر حرکت دایره‌ای که اینقدر در نظر بطلمیوس عزیز بود بکلی از بین رفت و نجوم قدیم را همراه برد. کیلر پس از چندین سال مطالعه در حرکت سیارات در سال ۱۶۱۸ موفق به کشف قانون سوم خود شد. کیلر در ۱۵ نوامبر ۱۶۳۱ در اطاق میخانه‌ای زندگی را بدرود گفت. کیلر بزودی پس از مرگ از خاطرها رفت و هیچکس آثار او را مطالعه نمی‌کرد ولی دوران افتخار او زمانی آغاز گردید که نیوتون و لاپلاس شناخته شدند. او خود قبلاً در این خصوص چنین نوشته بود:

«من کتاب خود را می‌نویسم خواه خوانندگان آن مردان فعلی یا آیندگان باشند تفاوتی ندارد. این کتاب می‌تواند سالها انتظار خوانندگان واقعی را بکشد».

کرامول، الیویر

پس از اعدام چارلز اول، الیویر کرامول نماینده مجلس، در نتیجه یک سلسله اقدامات به مقام ریاست جمهوری نایل گردید و چون اهالی ایرلند با وی مخالف بودند با سپاهیان زیادی به آنجا رفت و فجایع بسیاری مرتکب شد، به طوری که از آن پس یک خصومت همیشگی بین مردم ایرلند و انگلیس بوجود آمد.

چندی بعد مردم اسکاتلند را مجبور به اتحاد با انگلیس کرد. پس از مدتی بین کرامول و مجلس عامه بر سر مسایل نظامی اختلاف حاصل شد.

کرامول برای خاتمه دادن به این اختلافات، در سال ۱۶۵۳ نمایندگان را از مجلس بیرون کرد و جمله معروف «این خانه اجاره داده می‌شود» را بر سردر آن نوشت. وی تا سال ۱۶۵۸ که سال مرگ اوست در کمال اقتدار و استبداد حکومت کرد.



استاد کسای شاکردان زیادی به جامعه هنری کشور، تحویل داده و در اوج شکوفایی گوشه‌گیری اختیار کرد و هم اکنون در زاویه استغنا به سر می‌برد و می‌گوید: «این بود عاقبت ثمر باغبانیم».

کسرائی، سیاوش (شاعر)

سیاوش کسرائی در سال ۱۳۰۴ تولد یافت و پس از گرفتن دیپلم ادبی خود از دارالفنون وارد دانشکده حقوق تهران گردید و موفق به دریافت دانشنامه لیسانس در رشته حقوق سیاسی گردید. او علاوه بر شعر نو گاهی نیز دو بیتی و ترانه می‌سراید. کتابهای چاپ شده او از این قرارند: آوا، آرش کمانگیر، دماوند خاموش و خون سیاوش.

کلاویخو (جهانگرد)

کلاویخو که در تاریخ، تولد وی در هیچ‌یک از منابع موجود یافت نمی‌شود از خاندان اشراف و نجیب‌ای اسپانیا بود. در جوانی ندیم خاص هانری سوم پادشاه کاستیل بود. پس از آنکه این پادشاه به تخت و تاج رسید، از جمله درباریان و مقربان او شد. تقرب وی در دستگاه هانری سوم چنان بود که پادشاه کسی را جز او برای سفارت و امر خطیر ملاقات با تیمور شایسته ندید. کلاویخو مردی تیزبین

ساخت.

از دیگر آثار او: مگی، دختر ولگرد، سواران سیاه، هیولا و چند داستان دیگر، داستانهای ویلیام ویل، مادر ژرژ، مهمانخانه آبی، عروس به آسمان زرد می‌آید، هنگ کوچک، زخمها در باران و جنگ دوستانه است.

کسای، حسن

حسن کسای در سال ۱۳۰۷ شمسی در خانواده تاجر پیشه‌یی در اصفهان تولد یافت. پدرش حاج سید جواد کسای که یکی از بازرگانان بزرگ و سرشناس اصفهان بود به موسیقی سنتی ایران عشق می‌ورزید و به همین دلیل، هنرمندان ممتاز کشور در خانه وی رفت و آمد داشتند که کسای از هنگام طفولیت با آنان مانوس می‌گردد و به موسیقی علاقمند می‌شود. حسن کسای از صدایی خوش نیز برخوردار بود که ابتدا نزد استادانی چون: تاج و ادیب به فراگیری آواز می‌پردازد ولی از دوازده سالگی بنا به توصیه و راهنمایی پدر، به فرا گرفتن نی نزد استاد مهدی نوایی می‌پردازد و چند ماهی که از محضر استاد برخوردار می‌شود بقیه را بر اثر استعداد و کوششهای پی‌گیر خود می‌آموزد تا به مقامی شامخ در نواختن نی می‌رسد.

کسای صدا در آری و سبک نواختن نی را به شیوه استادانه و سنجیده و دلنشین اعتلاء بخشید که مکمل مکتب اصیل نایب اسداله می‌باشد. او از محضر استاد بزرگ موسیقی ایران، ابوالحسن خان صبا استفاده سرشار برد. استاد حسن کسای به جز نی، سه تار، سنتور و فلوت نیز می‌نوازد، ولی ساز اختصاصی او نی می‌باشد. وی یکی از هنرمندانی بود که دائماً با برنامه گلهای رادیو و تکنواز آن سالها همکاری داشت و نوای نی وی، شور و حال مخصوصی به برنامه‌های گلهای داد.

کلر، هلن

هلن کلر، در ۲۷ ژوئن سال ۱۸۸۰ به دنیا آمد. پدرش آرتور کلر از يك خاندان قدیمی سويس بود که در آغاز دوران مستعمراتی آمریکا به این سرزمین کوچ کرده بود و مادرش کیت آدامز که همسر دوم آرتو بود سالها از او جوانتر بود و از حیث نسب به ژنرال «ربرت لی» سردار نامی آمریکایی و فرمانده کل نیروهای ائتلافی می‌رسید. اقامتگاه هلن شهر کوچک «توسکومبیا» از توابع آلابامای شمالی بود. در شش ماهگی زبان به سخن گشود و هنوز يك سال نداشت که تبی سوزنده بر او مستولی گشت و از سه حس بزرگ حیاتی یعنی بینایی و شنوایی و تکلم محروم شد. علت این بیماری مرموز هرگز تشخیص داده نشد. در پنج سالگی بیشتر کارهای خانه را انجام می‌داد و با حافظه‌ای عجیب و نیروی مافوق تصور، همه چیز را به کمک احساس درک می‌کرد. در هفت سالگی برای اولین بار زنی به نام «آن مانسفیلد سولیوان» قدم به خانه هلن گذاشت تا تعلیم و تربیت وی را به عهده گیرد. آن سولیوان زنی که به حقیقت سرنوشته هلن را تغییر داد با صبر و حوصله بسیار خواندن و نوشتن را به کمک انگشتان به هلن آموخت. هلن در دوازده سالگی به دبستان و دبیرستان و سپس به دانشگاه رفت. در تمام این مدت آنچه را که استاد می‌گفت آن سولیوان به کمک انگشتان به او می‌فهماند. وی در سال ۱۹۰۲ کتاب «داستان زندگی من» را نوشت و دو سال بعد که این کتاب منتشر شد مردم استقبالی عجیب از آن به عمل آوردند. در سال ۱۹۱۳ هلن کلر شروع به يك سلسله سخنرانی کرد و به شهرهای مهم آمریکا و اروپا سفر نمود و در همین سالها اثر دیگر خود را به نام «خارج از دنیای تاریکی» نگاشت. در بیستم اکتبر ۱۹۳۱ دوست وفادار او یعنی خانم آن سولیوان چشم از جهان

و نکته‌سنج و با تدبیر بود، با قلم توانای خود آنچه در طی این مسافرت طولانی از اسپانیا به قسطنطنیه و شمال ایران تا سمرقند و در برگشت مشاهده کرده در سفرنامه خود فراهم آورده است. زندگی وی سراسر در رفاه و آسایش گذشته و در حدود سال ۱۴۰۶ میلادی یعنی سال بازگشت از سفر به میهنش در گذشته است.

کلئوپاترا

کلئوپاترا در سال ۶۹ قبل از میلاد دیده به جهان گشود. پدرش بطلمیوس دوازدهم در سال ۴۱ پیش از میلاد وفات یافت و تاج و تخت مصر را به دو فرزند خود کلئوپاترا ۱۷ ساله و برادرش بطلمیوس ۱۴ ساله وا گذاشت. این برادر و خواهر قرار بود بر طبق سنن قدیمی خاندان سلطنتی مصر با یکدیگر ازدواج نمایند. کلئوپاترا که از نژاد یونانی و بسیار جاه طلب بود هوس این را در سر می‌پروراند که به تنهایی بر مصر سلطنت نماید. وارد شدن ژول سزار به مصر و کشته شدن پمپی به دست بطلمیوس این آرزو را به حقیقت نزدیکتر نمود و گویند که کلئوپاترا خود را در فرش ظریفی پیچید و روی آن قالی گرانبهایی انداخت و آن را نزد سزار فرستاد. سزار تصمیم گرفت که برادر و خواهر را با هم به سلطنت مصر رساند ولی بطلمیوس شورش کرد و در این واقعه خودش به قتل رسید و آنگاه سزار کلئوپاترا را به عنوان ملکه مصر انتخاب نمود. کلئوپاترا از سزار فرزندی به دنیا آورد که او را سزار یون نام نهاد. بعد از کشته شدن سزار در سنا، کلئوپاترا با مارک آنتونی سردار رومی در تابستان سال ۴۱ قبل از میلاد ملاقات کرد. پس از اتحاد با مارک آنتونی و شکست در جنگ با رومیان، در ۳۹ سالگی خودکشی کرد.

خوشنویسان دوره قاجاریه است. وی در سال ۱۲۴۵ هجری متولد شد. در آغاز جوانی به مقتضای رسوم خانوادگی و ایلی به سواری و تیراندازی پرداخت و از این رو مردی خوش دیدار و قوی هیکل بار آمده بود. پس از گذراندن دوره نوجوانی به تهران آمد و نزد میرزا محمد خوانساری شاگرد محمد مهدی تهرانی تعلیم خط گرفت. پس از آن به مشق از روی خطوط میرعماد پرداخت. سفری به اصفهان رفت تا از روی کتیبه میرعماد در تکیه میرفندرسکی مشق کند. گویند از این کتیبه و کتیبه‌ای دیگر به خط میردر قزوین چربه برداشته و پیوسته از روی آنها مشق می‌کرد، تا در این فن به شهرت رسید.

ناصرالدین شاه قاجار که به تشویق و ترغیب هنرمندان تمایل داشت پس از آگاهی از شهرت میرزامحمدرضا کلهر او را احضار کرده و نوازش نمود و حتی گاهی از او تعلیم خط گرفت و خواست وی را در وزارت انطباعات به کار کتابت بگمارد. ولی از آنجا که مردی بلند همت و آزادمنش بود، نپذیرفت و به کتابت آزاد می‌پرداخت و به حق‌الکتابه آن قانع بود. فقط يك بار که ناصرالدین شاه به خراسان می‌رفت، میرزا محمدرضا کلهر به شوق زیارت آستانه حضرت رضا (ع) در اردوی همایونی شرکت کرد و در ضمن راه روزنامه وقایع اردوی همایونی را به خط خود می‌نوشت، و با چاپ سنگی منتشر می‌شد. این هنرمند نامی و توانا در بازگشت از سفر خراسان در وبای عام سال ۱۳۱۰ هجری قمری در سن ۶۵ سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت و در گورستانی واقع در ضلع شمالی میدان حسن‌آباد که اکنون محل آتش‌نشانی تهران است به خاک سپرده شد.

کلینی

بربست و هلن را تنها گذاشت. این زن عجیب ۱۲ کتاب را تألیف نموده و به خاطر شهرت عجیبش در همه جا معروف و مشهور است.

کلمب، کریستف (کاشف، دریانورد)

کریستف کلمب، در سال ۱۴۵۱ در شهر جنوا دیده به جهان گشود. از سالهای نخستین زندگانی وی اطلاعی در دست نیست ولی وقتی بزرگتر شد تصمیم گرفت دریانورد شود، به همین جهت به آموختن نجوم، جغرافیا و رسم مشغول گشت. در چهارده سالگی به کار در يك کشتی پرداخت و در سال ۱۴۴۷ سفری به دریای شمال کرد و از جزیره ایسلند دیدن نمود. هنگامی که تصمیم گرفت خود را به هندوستان برساند و این افتخار را نصیب هموطنانش یعنی مردم جنوا نماید آنها به او و نقشه‌اش خندیدند و بالاخره او توانست با حمایت فردیناندوایزابل پادشاه و ملکه اسپانیا به این سفر خود اقدام نماید و در سوم اوت سال ۱۴۹۲ با سه کشتی آبهای اقیانوس اطلس را به جانب باختر ترك گفت. وی در این هنگام ۴۱ سال داشت. اولین جایی که قدم گذاشت یکی از جزایر هند باختری بود که کریستف کلمب آنجا را «سان سالوادر» نامید. در این سفرها خطرات زیادی برای کلمب ببار آمد ولی او به سفر دریایی خود ادامه داد و قاره‌ای بزرگ را کشف نمود که تصور می‌کرد هندوستان است. بعد از بازگشت به اسپانیا و سفرهای مجدد بالاخره در سال ۱۵۰۶ در فقر و گمنامی از جهان رخت بر بست.

کلهر، میرزا رضا (خوشنویس)

میرزا محمدرضا کلهر فرزند محمد رحیم بیک سردار سوار از ایل کلهر کردستان از نامی‌ترین

عبدالعلی شاگرد علیشاه جامی از استادان موسیقی زمان خود بوده است. این هنرمند ایرانی همه سازها را می‌تراشیده و عصای سرخمی داشته که يك تار بر آن بسته بود و هجده نغمه اصلی را که همه نغمات و مقامات منشعب از آن است با آن می‌نواخت و همه ابعاد و اجناس را در آن جمع می‌کرد. پایان زندگی را در بلخ گذرانده و همواره به تدریس مشغول بوده است.

کمال الملك (نقاش)

محمد غفاری مشهور به «کمال الملك» فرزند آقا میرزا بزرگ غفاری یکی از بزرگترین نقاشان نامی اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی است. وی در سال ۱۲۶۴ هجری در کاشان متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در آن شهر به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون مشغول تحصیل شد. آنچه که بیشترین توفیقات کمال الملك را در کسب هنر والای نقاشی سبب گردیده بود برخورداری فوق العاده او از نبوغ و قریحه سرشار و قدرت آفرینش گری شگفت در محیط خانوادگی مساعد و هنرمندی و هنردوستی کسان و خویشان است، و همین امر نقش مؤثری در پرورش و بالندگی استعداد کمال الملك داشته است. زیرا خاندان غفاری کاشانی در دو قرن اخیر هنرمندان بسیاری به عالم هنر ایران عرضه داشته که هر يك نامدارانی در تاریخ هنر محسوب می‌شوند. از آن جمله میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع الملك) عموی کمال الملك را می‌توان نام برد. از دیگر شخصیت‌های این خاندان می‌توان میرزا ابوتراب غفاری برادر کمال الملك را نام برد که جوانی هنرمند و کارآمد بود و مدت ۷ سال در منصب «نگارگر روزنامه علیه ایران» که از طرف وزیر انطباعات آن زمان به وی داده شده بود فعالیت هنری می‌نموده و آثار

شیخ اجل ثقة الاسلام ابوجعفر محمدبن یعقوب ابن اسحق کلینی رازی، از بزرگان علما و فقهای شیعه در دو قرن سوم و چهارم هجری می‌باشد که در ایام غیبت صغری از مروجان آیین شیعه اثنی عشری است.

کلینی از فقهای بسیار موفق شیعه و نخستین کسی است که اخبار را تدوین کرده و در سال ۳۲۹ هجری درگذشت. آرامگاهش در بازار آن شهر، نزدیک پل مشهور، و زیارتگاه می‌باشد. تألیفات وی عبارتند از: کتاب «کافی» که مهمترین کتابهای او و از کتب چهارگانه شیعه می‌باشد و برای تألیف آن بیست سال کاوش و کوشش کرده است. کتاب رسائل الاثمه، کتاب رد بر قرامطه، کتاب تعبیر رؤیا، کتاب رجال، کتاب اشعاری که در مدح ائمه گفته است و مانند آن.

کمال الدین حسین هروی (خوشنویس)

حافظ قرآن بود و خطوط ششگانه را خوش می‌نوشت. از خراسان به عراق آمد، و در قم به خدمت شاه طهماسب اول صفوی رسید، و مهربانها دید. درویش مسلک بود، به سیر و سیاحت علاقه داشت و درویشانه پیاده سفر می‌کرد.

در پایان زندگی به خراسان بازگشت و به سال ۹۷۴ در مشهد درگذشت. از آثار خطوط وی جز قطعات و کتابها، کتیبه چندی از آیین صفوی است.

کمال الدین میرمحمد نجفی [مولانا]

مولانا کمال الدین میر محمد نجفی از هنرمندان نامی قرن دهم هجری است. وی از مردم روستای نجفی واقع در ناحیه تبادکان و ارداک مشهد بوده و مردی دانشمند و درویش مشرب به شمار می‌رفته و در موسیقی و شعر مهارت داشته و از شاگردان ملا

شد.

کنت اوگوست (فیلسوف)

اوگوست کنت در سال ۱۷۹۸ متولد شد. شانزده ساله بود که در امتحان مسابقه ورودی مدرسه پلی تکنیک موفق شد ولی او را به واسطه بی انضباطی نپذیرفتند.

کنت از جمله دانشمندانی بود که هم درباره ریاضیات و هم درباره علوم الهی مطالعه می نمود. اوگوست کنت برای آنکه عقاید خود را برای دیگران شرح دهد در بیست و هشت سالگی مجلسی در خانه خود تشکیل داد. تحقیقاتش بقدری قابل توجه بود که بعضی از دانشمندان درجه اول در مجلسش حاضر می شدند. اوگوست کنت بعد از جلسه سوم به علت زیادی کار مریض شد و دو مرتبه بعد از دو سال آن مجالس را دایر نمود. بعد از چندی تمام عقایدش را در کتابی به نام «فلسفه تحقیقی» جمع آوری کرد که از بزرگترین آثار او محسوب می شود. اوگوست کنت آثار دیگری هم دارد که از آنها «دیانت انسانیت» و «سیاست تحقیقی» را می توان نام برد. یکی از مهمترین کارهای کنت طبقه بندی علوم بود، وی تمام علوم را مورد مطالعه قرار داد و آنها را درجه بندی نمود. در این طبقه بندی ریاضیات در رأس علوم و جامعه شناسی در ردیف آخر قرار داشت. در حقیقت می توان گفت اوگوست کنت فیلسوف مشهور با قرار دادن ریاضیات در رأس علوم، عقاید مردم را در نظر گرفته بود.

کنت در سن پنجاه و نه سالگی به سال ۱۸۵۷ درگذشت.

کندی، آرتور (بازیگر سینما)



ارزشمندی از او باقی مانده است.

پدر کمال الملك «آقا میرزا بزرگ غفاری کاشانی» نیز که طبق قرائنی در ایام تحصیل کمال الملك در تهران خود از کارگزاران دربار قاجار بوده و یکی از علل قابل توجه در ارتباط یافتن کمال الملك با دربار قاجاریه شاید همین باشد، خود نیز از خاندان علم و هنر محسوب و در سفرنامه «حکیم الملك» که وقایع نگار نخستین سفر ناصرالدین شاه به مشهد است تصاویری به امضای او به چشم می خورد.

ولی نامدارترین هنرمندان این خاندان کمال الملك است که در اثر نبوغ ذاتی و خلاقیت و قدرت اعجاز آور قلمش در سنین جوانی شهرت و مقبولیتی بیش از آنان بدست آورده و آثارش توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است.

کمال الملك در روز یکشنبه بیست و هفتم مرداد سال ۱۳۱۹ خورشیدی دو ساعت بعد از ظهر به مرض حبس البول در نیشابور زندگی را بدرود گفت و در کنار مقبره شیخ فریدالدین عطار نیشابوری شاعر و عارف بزرگ قرن ششم و هفتم هجری به خاک سپرده



دموکرات شد و بالاخره در سال ۱۹۶۱ به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب گردید و قبل از پایان دوره ریاست جمهوری ترور شد.

در تألیفات وی می‌توان: چرا انگلستان بخواب رفت (۱۹۴۰) و سیمای شجاعان (۱۹۵۶) را نام برد.

کنفوسیوس (فیلسوف)

کنفوسیوس در سال ۵۵۰ قبل از میلاد متولد شد. وی در بیست سالگی مکتبی بوجود آورد تا جوانان را برای حکومتی بهتر تربیت نماید و برای این منظور به پایتخت رفت ولی با «لاتوسه» بانی «ناتوئیسیم» مذاکره نمود. وی در سن چهل و هفت سالگی با گرفتن شغل سیاسی وارد خط سیر سیاست گردید و توانست افکار سیاسی خود را مورد آزمایش قرار دهد. این آزمایش بقدری موفقیت همراه داشت که کشورهای مجاور را به وحشت انداخت و آنها هم با نیرنگ و دسیسه بازی سیزده سال تمام او را از زادگاهش دور نگهداشتند.

کنفوسیوس پس از گذشت سیزده سال به زادگاهش مراجعت نمود و بقیه عمر را صرف تألیف مباحث تاریخی و اشعار محلی نمود. دو قرن پس از درگذشت او، «تسین» امپراتور چین سعی نمود تا آثار او را از بین ببرد ولی موفق نشد زیرا زمامداران بعدی

جان آرتور کندی فارغ التحصیل انستیتوی تکنولوژی کارنگی در رشته هنرهای دراماتیک بود. در دوران رکود اقتصادی به نیویورک رفت و در سال ۱۹۳۶ به عضویت یک گروه تئاتری ویژه آثار کلاسیک درآمد و در چندین نمایشنامه شکسپیر به بازیگری پرداخت. سال ۱۹۴۰ به همراه همسر و دو فرزندش به هالیوود رفت. در فیلم «شهری برای فتح» مقابل جیمز کائگی ظاهر شد که بلافاصله منجر به عقد قراردادی با «برادران وارنر» شد. کندی برای این استودیو در شش فیلم به بازی پرداخت، از آن جمله فیلم کلاسیک «بلندیهای سیرا».

وی بازیگری بود که به خاطر بازی زیرکانه و طبیعی اش مشهور شد و به لحاظ نرمش در بازیگری توانست هرگونه نقشی از شخصیت‌های خیرخواه گرفته تا آدمهای خبیث را با مهارت کامل بازی کند. کندی در سال ۱۹۹۰ درگذشت.

فیلمهای معروف او عبارتند از: لارنس عربستان (۱۹۶۲)، المرگنتری (۱۹۶۰)، ضربه فنی (۱۹۵۵)، نواداسمیت (۱۹۶۶)، باراباس (۱۹۶۱)، پیتون پلیس (۱۹۵۷)، محاکمه (۱۹۵۵). آخرین فیلم وی پس از ده سال دوری از صحنه به خاطر بیماری، «بابا بزرگ» بود.

کندی، جان (سیاستمدار)

سیاستمدار آمریکایی متولد سال ۱۹۱۷، فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد. از سال ۱۹۴۱ الی ۱۹۴۵ در نیروی دریایی آمریکا خدمت می‌کرد. در سال ۱۹۴۵ در سرویس خبرگزاری بین‌المللی خبرنگار بوده از سال ۱۹۴۷ الی ۱۹۵۳ عضویت مجلس را داشته و در سال ۱۹۵۴ به نمایندگی مجلس سنا از ماساچوست انتخاب شد. در سال ۱۹۶۰ کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا از حزب

متروگلدین مایر ماند. اما برای آزادی بیشتر در امر فیلمسازی، شرکت تهیه فیلم خودش را به وجود آورد و مصممانه به کار پرداخت، تا اینکه در ۱۹۶۰ به جای آنتونی مان فیلم «اسپار تاکوس» را کارگردانی نمود و خود را به عنوان فیلمسازی خلاق به جهان سینما معرفی کرد. کوبریک از ۱۹۶۰ به انگلستان رفته و در آنجا ساکن گردید.

باید افزود که استانیلی کوبریک تصویرگر اندیشه‌های بزرگ است چرا که او در هر اثرش يك مسئله مهم اجتماعی، سیاسی و یا فلسفی را مطرح می‌کند، به علاوه او را يك فیلمساز یاغی نیز خوانده‌اند زیرا به دور از جریانات رایج سینمایی و بی‌اعتنا به روابط اقتصادی که بر سینمای حرفه‌ای آمریکا حاکم است، در خط و به شیوه‌ای که خود می‌پسندد، فیلم می‌سازد. در مورد آثارش باید گفت که سه فیلم اول کوبریک به نامهای ترس و هوس، بوسه قاتل و قتل که در فاصله سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ ساخته شده‌اند، هر چند با آثار بعدی او قابل مقایسه نیستند اما بیان‌گیری آنها حکایت از تمایز سازنده‌اش می‌کنند. راههای افتخار (۱۹۵۷) فیلم بعدی او يك اثر ضد جنگ است که روابط و نظام پدیدآورنده جنگ را بررسی می‌کند. جالب اینکه تا پیش از فیلم «راز کیهان»، خط اصلی تفکر کوبریک درباره جنگ و موقعیت انسان در برابر این پدیده مخرب و این لکه بر دامن تمدن بود. کوبریک با نخستین آثار خود احساس خویش را درباره خطر جنگ، اضطراب و موقعیتهای مختلف انسان در برابر این پدیده‌ها نشان می‌داد. اما باراز کیهان او جلوتر از اینها رفت و به جستجوی راز هستی و مبداء وجود پرداخت و اولین فیلم فلسفی درباره کائنات را به وجود آورد. در این میان پرتقال کوکی یکی دیگر از آثار برجسته کوبریک است که جایزه ۱۹۷۱ مجمع منتقدان نیویورک را به دست آورد. در این فیلم نیز



به تجلیل و ستایش او پرداختند، چون آنها از طرفداری و علاقه مردم نسبت به او مطلع شده بودند. افکار و عقاید و تعالیم کنفوسیوس امروزه که بیش از ۲۵۰۰ سال از تاریخ زندگی می‌گذرد در چین از زبان میلیونها نفر شنیده می‌شود، ولی با اینهمه اعتقادی که مردم چین نسبت به او دارند هیچ وقت جنبه مذهبی به خود نگرفته است.

کوبریک، استانیلی

کوبریک فیلمساز بزرگ آمریکایی در ۱۹۲۸ در نیویورک زاده شد و از آنجایی که پدرش يك پزشک بود، تقریباً در خانواده‌ای مرفه پرورش یافت. در آغاز جوانی به عکاسی روی آورده و در ۲۱ سالگی بعد از چهار سال کار برای مجله «لوک» در حرفه خود تثبیت گردید و در همین ایام به سینما متمایل گشت. در ۱۹۵۱ دو فیلم مستند ۱۶ میلی متری به نام «روز نبرد» و «کشیش پرنده» ساخت. دو سال بعد در ۱۹۵۳ اولین فیلم بلند خود را تحت عنوان «ترس و هوس» با سرمایه دوستان و خویشانش کارگردانی کرد. در پی موفقیت نسبی این فیلم، دومین اثرش را به نام «بوسه قاتل» در ۱۹۵۵ ساخته و يك سال بعد سومین فیلم خود را با نام «قتل» به وجود آورد. سرانجام در ۱۹۵۷ فیلم برتر «راههای انفجار» را ساخت و به شهرت رسید. از ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹، بی‌استفاده تحت قرارداد



دارد. از نظر او، تصویرنامه بهترین عنصر فیلم را تشکیل می‌دهد. وی هرچند خود تصویرنامه‌نویس برجسته‌ای است اما اغلب تصویرنامه‌های خود را با همکاری دوستان خویش می‌نویسد. استعداد درخشان کوروساوا با فیلمی به نام «مردانی که پا به دم بیر گذاشتند» جلوه‌گر شد، اما گفتنی است که قوای متفکین این فیلم را توقیف کردند. کوروساوا کارش را با ساختن فیلمهای خوبی مثل «فرشته مرگ» و «جنجال» ادامه می‌دهد تا اینکه بالاخره در سال ۱۹۵۱ یکی از بهترین آثارش به نام «راشومون» (۱۹۵۰) در جشنواره ونیز جایزه اول را می‌گیرد و کوروساوا به شهرتی جهانی دست پیدا می‌کند. لازم به توضیح است که کوروساوا این فیلم را براساس داستانی از «آکوتاگاوا» به همین نام ساخته که خود از آثار مشهور ادبیات ژاپن می‌باشد. «راشومون» اولین فیلم آسیایی بود که توجه و تحسین همه علاقمندان، منتقدان و فیلمسازان جهان را نسبت به خود جلب کرد. از فیلم راشومون به بعد آثار کوروساوا همیشه نشاندهنده تعهد اجتماعی و علاقه او به بیان واقعیتهای بودند. آثار کوروساوا را می‌شود به‌طور کلی به دو دسته تقسیم کرد:



کو بریک به‌تصویر آینده می‌پردازد، منتها محور سنجش، اخلاقیات و معیارهای آن در جهان آینده است.

آثار مهم سینمایی کو بریک عبارتند از: راههای افتخار، لولیتا، دکتر استرنج لاول، ۲۰۰۱ یک اودیسه فضایی (در تهران: راز کیهان)، اسپارتاکوس، باری لیندون و غلاف تمام فلزی.

کوروساوا، آکیرا

آکیرا کوروساوا در سال ۱۹۱۰ در ژاپن به دنیا آمد. ابتدا به مطالعه نقاشی پرداخت و سپس به نوشتن درباره مسایل نظری سینما و تصویرنامه علاقمند شد و آنگاه حرفه فیلمسازی خود را با دستیاری کاجی رویاماموتو آغاز کرد. کوروساوا اولین فیلم خود را در سال ۱۹۴۳ موسوم به «افسانه جودو» ساخت. وی یکی از کارگردانان بسیار فردگرای ژاپنی است که برای اولین بار همه محدودیتهای هنری را که بر سینمای ژاپن تحمیل شده بود از میان برداشت و قوانین متعارف سینمای ژاپن را درهم شکست.

کوروساوا بر فنون فیلمسازی تسلطی شگرف

ظاهر شد می‌توان: لارنس عربستان، فرمان گمشده، قرارداد مارس، بیرها گریه نمی‌کنند، بچه‌های سانج، کاروانها، گذرگاه و شیر صحرا را نام برد.

کوپر، گاری (هنرپیشه)



هنرپیشه فقید آمریکایی متولد هفتم مه سال ۱۹۰۱ در شهر هلنا. از جمله فیلمهایی که در آن ظاهر شد می‌توان: وداع با اسلحه، برای که زنگها به صدا درمی‌آیند، ماجرای نیمروز، تسخیر ناپذیر، دالاس، باغ شیطان، وراکروز، ترغیب دوستانه، نیزه‌دار بنگال، توپ آتشین و مراکش را نام برد. به خاطر بازی در فیلم «گروهبان یورک» در سال ۱۹۴۱ و به خاطر بازی در فیلم ماجرای نیمروز در سال ۱۹۵۲ به دریافت جایزه اسکار نایل گردید. گاری کوپر در سال ۱۹۶۱ پس از شصت سال زندگی به‌مرض سرطان درگذشت. این هنرپیشه در بسیاری از فیلمهای وسترن نیز شرکت کرده و در سراسر دنیا طرفداران بسیاری داشته است. گاری کوپر سفری هم به ایران کرد.

کوپرنیک (منجم، ریاضیدان)

کوپرنیک در نوزدهم فوریه سال ۱۴۷۳ در شهر تورن واقع در لهستان متولد شد و چون پدرش را از دست داده بود تربیت و پرورش او به دست عمویش

اول: درامهای سامورایی
دوم: فیلمهای مربوط به مسایل معاصر
آثار مهم سینمایی کوروساوا عبارتند از: راشومون، هفت سامورایی، یوجیمبو، سانجرو، دودسکادن، درسو اوزالا، شبخ جنگجو، آشوب، رؤیاهای واپسودی در ماه اوت.

کوئین، آنتونی



هنرپیشه و کارگردان آمریکایی، متولد سال ۱۹۱۶، در سال ۱۹۳۶ برای اولین بار روی صحنه تئاتر ظاهر شد و بعد به تدریج در فیلمهای زیر نقشهای عمده‌ای را به عهده گرفت:
شهرت زندگی، لاسترادا، مردی از دل ریو، ثعلب سیاه، وارلوك، آخرین قطار گان‌هیل، تصویر سیاه، زنده‌باد زاپاتا، توپهای ناواران، گوژبشت نتردام، باراباس و زوربای یونانی.
از فیلمهایی که کارگردانی کرده می‌توان «بوکانیر» را نام برد. جایزه سینمایی و نیز را برای فیلم لاسترادا و جایزه اسکار درجه ۲ را برای فیلمهای زنده‌باد زاپاتا در سال ۱۹۵۲ و شهرت زندگی در سال ۱۹۵۶ به‌دست آورده است.

آنتونی کوئین با دختر «سیسیل ب. دومیل» ازدواج کرده و اکنون شخصاً در هالیوود فیلمهایی تهیه می‌کند.
از دیگر فیلمهایی که به‌عنوان هنرپیشه در آن

در بیست و چهارم ماه مه سال ۱۵۴۳ هنگامی که فقط چند روزی از انتشار کتابش تحت عنوان «دوران اجسام آسمانی» می گذشت وفات یافت.

کوخ، رابرت (پزشک، کاشف)



کوخ در سال ۱۸۴۳ در هارتسز متولد شد و تحصیلات خود را در گوتینگن به اتمام رسانید. آغاز کار کوخ از هنگامی است که سیاه زخم در احشام شیوع پیدا کرد. کوخ خون حیوان مبتلا را آزمایش کرد و ملاحظه نمود که باسیل هایی در آن وجود دارد. به وسیله همین باسیل ها سرم سیاه زخم را درست کرد و برای اولین مرتبه موفق شد میکروب مرضی را در خارج پرورش دهد و به همین مناسبت در سال ۱۸۷۶ نتیجه مطالعات خود را درباره علل سیاه زخم منتشر نمود. کوخ نشان داد که چگونه می توان میکروبها را به وسیله رنگ کردن در زیر میکروسکوپ مشاهده نمود. همچنین چگونگی کشف میکروب را در داخل بعضی عصارات شفاف معین نمود.

کوخ در سال ۱۸۸۲ موفق به کشف میکروب سل شد و در سال ۱۸۸۳ اعلام نمود که با تلقیح سرم همه جانداران را می توان از بروز امراض مصون داشت. در سال ۱۸۹۱ ریاست انستیتوی امراض عفونی را عهده دار شد و در سال ۱۹۰۵ افتخار اخذ جایزه نوبل پزشکی نصیبش شد. کوخ به علت مسافرت های زیاد و خسته کننده از پا درآمد و به مرض سل مبتلا



انجام گرفت. عمویش که یکی از کشیشان بزرگ بود او را برای تحصیل به دانشگاه کراکوی فرستاد. کوپرنیک در بیست و سه سالگی برای تحصیل در رشته طب به دانشگاه پادوا وارد شد و ضمناً در دانشگاه بولونی تحصیل نجوم می کرد.

طولی نکشید که در اثر بروز استعداد خویش یک کرسی تدریس ریاضیات را به دست آورد، ولی در این موقع عمویش مقام کشیش شهر فرونبورگ را برایش مناسب دید. کوپرنیک با غم فراوان در سال ۱۵۰۶ به آنجا بازگشت. در این هنگام کوپرنیک زندگی آرامی داشت و به معالجه بیماران می پرداخت. ولی در عین حال از مطالعه دست برنداشت و به مطالعه آثار منجمین گذشته پرداخت. کوپرنیک پس از مدتی مطالعه در آثار منجمین در سال ۱۵۰۳ اعلام داشت که با عقیده فیلولائوس مبنی بر حرکت دورانی زمین موافق است و قبول نمود که زمین در هر بیست و چهار ساعت یک بار به دور خود می چرخد.

کوپرنیک با این عمل خود مطلبی را که هیچده قرن پیش مطرح شده بود زنده نمود و اما برای آنکه لطمه ای به زندگی آرامش وارد نشود مدت چهار سال تمام از انتشار افکار و عقاید خود چشم پوشی نمود. ولی عاقبت تصمیم به انتشار آن گرفت و نسخه اصلی کتاب خود را به یکی از شاگردان دانشمندش به نام «رتیکوس» داد و او هم که یکی از فداکارترین شاگردان او بود به چاپ آن فوراً اقدام نمود. کوپرنیک

آثار وی می‌توان: رمثو و ژولیت، اورفه و آنتیگون را که برای تئاتر و باله نوشته شده است نام برد. کوکتو در سال ۱۹۶۳ درگذشت.

کیتز، جان (شاعر)

این شاعر زیبا و حساس که بسیاری از قطعات او از شاهکارهای مسلم ادب انگلیس و اروپاست خیلی زود رخت از جهان بر بست زیرا بیماری سل در ۲۶ سالگی او را به جنگ مرگ سپرد.

هشت سال بود که کیتز با این بیماری دست به‌گریبان بود. شاید اگر زندگانی عاقلانه و منظمی داشت سالهای دراز دیگر نیز می‌توانست زنده بماند، ولی وی که به‌خلاف بایرون فقط دل در گرو یک عشق داشت نتوانست با غم و عشق دست و پنجه نرم کند و در ۱۸۲۵ به ایتالیا رفت و همانجا مرد.

گار، روژه

روژه مارتین دوگار، نویسنده فرانسوی به سال ۱۸۸۱ در «نویی سورسن» متولد گردید. تحصیلات خویش را در رشته علوم باستانی و خطوط و نوشته‌های قدیمه به پایان رسانید.

در سال ۱۹۰۹ رساله‌ای راجع به خطوط باستانی انتشار داد که آوازه او را بلند ساخت. در سال ۱۹۱۲ رمان بزرگی به‌نام «ژان باروا» منتشر نمود که در مشهور ساختنش سهم بسزایی داشته است. بعد از آن دست به نوشتن شاهکار واقعی خویش یعنی «خانواده تیبو» زد و آن را در یازده مجلد منتشر ساخت. مارتین دوگار سالهای زیادی را صرف نوشتن این اثر گرانبها نمود و از این جهت نتوانست آثار مهم دیگری انتشار دهد. او در سال ۱۹۵۸ در شهر بلم درگذشت.

گردید و در نتیجه در بیست و هفتم مه ۱۹۱۰ در شصت و پنج سالگی درگذشت.

کوخ که بعد از پاستور بزرگترین میکروب‌شناس دنیاست خدمات بزرگی را به عالم بشریت مبذول داشته است. آخرین اثر او راجع به سرایت سل است که شش هفته قبل از مرگش نوشته بود.

کوزه کنانی، احمد

فرزند عبدالله کوزه کنانی از علمای معروف آذربایجان و از شاگردان آقا سید حسین کوهکمری و ملا محمد ابروانی بود. در حدود سال ۱۳۲۶ هجری قمری در کاظمین به رحلت ایزدی پیوست و در نجف در جوار مقبره آقا شیخ حسن ممقانی دفن شد. از جمله تألیفاتش کتاب هدایة الموحیدین فی اصول الدین (در ۳ جلد)، کتاب ایقاظ العلماء و تنبیه الامرا و کتاب روضة الامثال می‌باشد که در تبریز به چاپ رسید. به نوشته مرحوم تربیت او اشعاری هم به زبان فارسی سروده است.

کوکتو، ژان

ژان کوکتو، نویسنده، نقاش و فیلمساز معروف فرانسوی در سال ۱۸۸۹ پا به عرصه حیات نهاد. او نابغه معاصر سینما و تئاتر فرانسه، نویسنده و نقاش هنرمندی بود که به تئاتر و سینمای فرانسه خدمات شایانی نمود. در ضمن وی بزرگترین کارگردان تئاتر و سینمای فرانسه محسوب می‌گشت. نبوغ وی در تهیه فیلمهای عمیق و نمایشنامه‌هایی بود که مسایل بغرنج زندگی را نمودار می‌سازند و همین‌ها باعث گردید که او را به عنوان یک نویسنده و نماینده عالیقدر هنر تئاتر و سینمای فرانسه به جهانیان بشناساند. ژان کوکتو عضو آکادمی فرانسه بود و از

گاریبالدی، جوسپی



جوسپی گاریبالدی فرزند يك ملاح فقير بود كه در ۴ ژوئيه ۱۸۰۷ در نيس فرانسه متولد گرديد. بزودي گاریبالدی همانند پدر راه دریا را پیش گرفت. در ۱۸۳۴ وارد نهضت «ایتالیای جوان» به رهبری مازینی شده و به جرم شرکت در تسخیر شهر جنوا محکوم به مرگ شد. سرانجام به آمریکای جنوبی گریخت. پس از مدتی چوپانی، ملاحی کشتی و تدریس ریاضیات، در ۱۹۴۷ به جنگجویان مونته-ویدو پیوست و بر ضد نیروهای آرژانتین جنگید و خود را به عنوان يك فرمانده و رزیده ارتش ایتالیا شناسانید.

در ۱۸۴۹ به دولت انقلابی رم پیوست و برای حکومت جمهوری رأی داد و با سپاه خود ارتش فرانسه را مجبور به عقب نشینی کرد. در این هنگام که نیروهای ایتالیایی پی در پی بر دشمن پیروز می شدند مازینی فریب خورد و حاضر به متارکه جنگ گردید. فرانسه از فرصت استفاده نمود و به یکباره رم را محاصره کرد. گاریبالدی دفاع درخشانی از شهر نمود، ولی بالاخره مجبور به عقب نشینی شده از طرف قوای اتريش تا سواحل دریای آدریاتیک تعقیب شد. در این جنگ سردار فرانسوی کشته شد، ولی گاریبالدی دستگیر شد و به نیویورک تبعید گردید.

در آنجا هیجده ماه به عنوان شمع ساز کار کرد و سپس کاپیتان يك کشتی تجارتي شد. در ۱۸۵۴ بار دیگر به ایتالیا بازگشت و در جزیره کاپریا به کشاورزی پرداخت. در ۱۸۵۹ جنگ آزادی ایتالیا فرصتی به او داد تا خدمت شایسته‌ای به ویکتور امانوئل کند.

هنگامی که ویکتور امانوئل با آراء عمومی مردم به عنوان پادشاه برگزیده شد، گاریبالدی از پذیرش

هرگونه هدیه‌ای سرباز زد و در ۱۸۶۳ با کشتی به پایتخت فرانسیس پادشاه اسبق ایتالیا حمله برد، ولی دولت فرانسیس به مقابله او آمد و سرانجام وی را دستگیر و در ۲۸ اوت زندانی کردند. او از زندان گریخته و به انگلستان رفت، ولی از طرف دولت ویکتور امانوئل به ایتالیا دعوت شد و در جنگ ۱۸۶۶ در تیرول، وی رهبری «سرخ جامگان» را به عهده گرفت. در این اوان ونیز دوباره به ایتالیا واگذار شد. در ۱۸۷۰ معاون امور ویکتور امانوئل شد. وی در ۲ ژوئن سال ۱۸۸۲ درگذشت.

گاندی، مهاتما (سیاستمدار)

گاندی در سال ۱۸۶۹ متولد شد و برای کسب دانش عازم انگلستان شد و پس از اتمام تحصیلاتش به وطن بازگشت و در بمبئی و سپس در افریقای جنوبی به کار سیاست وارد شد و در اثر مبارزه او برای دفاع از هندیان مقیم آنجا در سال ۱۹۱۴ يك هیئت انگلیسی به افریقای جنوبی رفت و قسمتی از مقررات ظالمانه را لغو نمود. وی پس از این پیروزی به هندوستان برگشت و مبارزه سخت تر و بزرگتری را آغاز نمود. در این موقع روز بروز بر پیروان او افزوده می گشت و این موضوع خود او را در کاری که آغاز نموده بود مصمم تر و استوارتر می کرد. قدرت و نفوذ او آنچنان شد که در سال ۱۹۲۱ کنگره ملی همه

مشاهیر

خانواده گاگارین به شهر دژاسکی بازگشت یوری تحصیل را از سر گرفت. در ۱۹۴۹ وارد سازمان جوانان حزب کمونیست شد. در ۱۹۵۱ هنرستان را تمام کرد و در صنایع فولادسازی به قالب‌ریزی پرداخت. به سال ۱۹۵۵ دانشکده فنی ساراتوف را به پایان رساند و در آموزشگاه خلبانی آربورک شاگرد اول شد (۱۹۵۷). پس از ختم دانشکده افسری در ارتش شوروی به خلبانی اشتغال یافت و در ۱۹۶۰ وارد حزب کمونیست شد.

روز ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ یوری گاگارین سرگرد نیروی هوایی با کشتی واستوک (خاور) به وزن ۴۷۲۵ کیلوگرم کره زمین را در ۸۹ دقیقه دور زد و موجد بزرگترین تحول تاریخ معاصر شد، و با این اقدام متهورانه از رجال معروف و سرشناس جهان گشت. وی در سال ۱۹۶۸ در یک سانحه هوایی کشته شد.

گئورگیو، ویرژیل (نویسنده)

ویرژیل گئورگیو نویسنده رومانی در سال ۱۹۱۶ متولد گردید. تحصیلات خود را در رشته فلسفه در بخارست انجام داد و سپس در هایدلبرگ آلمان تحصیلاتش را در زمینه علوم الهی تعقیب نمود. در پایان جنگ جهانی دوم به عنوان عضو وزارت امور خارجه رومانی نخست در آلمان از طرف قوای متفقین تحت نظر قرار گرفت و سپس برای مدتی در اردوگاه اسرای جنگی زندانی شد و پس از استخلاص از اردوگاه به پاریس رفت و از آن زمان تاکنون فرانسه وطن دوم این نویسنده گردیده است.

از آثار گئورگیو که شهرت جهانی دارد، می‌توان اینها را نامبرد: دومین شانس، محمد پیغمبری که باید از نو شناخت و ساعت ۲۵.



اختیارش را به او واگذار نمود. او با شیوه خاصی که در مبارزه داشت (مقاومت منفی) کشمکشهایی بوجود آورد که به زندانی شدنش در سال ۱۹۲۲ منجر گردید و او را به جرم توطئه علیه حکومت به محاکمه کشانیدند.

در این محاکمه به شش سال حبس محکوم گردید، ولی مدت زندانی بودن او دو سال بیشتر دوام نیافت و پس از آزادی به ریاست کنگره ملی هندوستان برگزیده شد و با عزمی راسخ به مبارزه علیه بیگانگان ادامه داد.

دو مرتبه انگلیسها او را روانه زندان کردند ولی او هر دفعه به علت محبوبیت جهانی که کسب نموده بود و استفاده از اعتصاب غذا از زندان رهایی یافت تا اینکه در سال ۱۹۴۶ انگلستان طرحی را برای استقلال و آزادی هند پیشنهاد نمود، ولی در سال ۱۹۴۸ گولهای به زندگی گاندی قهرمان خاتمه داد و موفق نگردید تا نتیجه مبارزات خود را به چشم ببیند.

گاگارین، یوری (فضانورد)

مردی که دروازه آسمانها را گشود، در ۱۹۳۴ به دنیا آمد. یوری از کودکی شیفته پهنه آسمان بود و با ساختن هواپیماهای کاغذی شوق خود را فرو می‌نشانید. در ۱۹۴۱ به دبستان رفت ولی جنگ جهانی او را از تحصیل بازداشت. پس از جنگ که

گرومیکو، آندره (سیاستمدار)

ژولین گرین، داستان‌نویس بزرگ فرانسوی در نهم ماه سپتامبر سال ۱۹۰۰ در پاریس به دنیا آمد. پدر ژولین آمریکایی بود و قسمت اول زندگی او بین فرانسه و آمریکا گذشت. وی نویسنده‌ای است دو زبانی و شدیداً تحت تأثیر نویسندگان انگلیسی - آمریکایی مخصوصاً بلیک، هاتورن و دیکنز قرار گرفته است. رویاگر، سفر سیاه، روزگار خوش و موئیرا از آثار اوست.

گرینجر، استوارت

هنرپیشه انگلیسی الاصل متولد پنجم ژوئن ۱۹۱۳ در شهر لندن. وی ابتدا می‌خواست طبیب شود اما در همان اوایل به هنرپیشگی علاقمند شد، و بالاخره دنبال تحصیل طب را رها نمود و در سال ۱۹۳۳ وارد هنرستان هنرپیشگی «وبرادگلس» شد. او در رشته روزنامه‌نگاری نیز فارغ‌التحصیل شد و چندی در انگلستان روزنامه‌ای منتشر می‌ساخت. از سال ۱۹۳۴ الی ۱۹۳۶ در تماشاخانه پیرمنگام مشغول کار گردید. در سال ۱۹۳۸ در فیلم «پس این است لندن» ظاهر شد. پس از آن به علت جنگ به ارتش پیوست و در سال ۱۹۴۲ کار هنرپیشگی خود را دوباره آغاز نمود. در سال ۱۹۴۲ در فیلم «مأموریت سری» شرکت جست و سپس در فیلم «ربه‌کا» نقشی را به عهده گرفت.

از فیلمهای او می‌توان: بچه پنجشنبه، مرد خاکستری پوش، چراغ هنوز می‌سوزد، چراغ گاز، آدم و حوا، داستان عاشقانه، راه واترلو و غروب عشق را نام برد. استوارت گرینجر از هنرپیشگان معروف آمریکا است و با جین سیمونز ازدواج کرده است.

گزنفون

در ناحیه «ارشیبا» واقع در «اتیک» در حدود ۴۳۰ پیش از میلاد به دنیا آمد. او به خانواده‌ای اشرافی

سیاستمدار روسی، متولد سال ۱۹۰۹، فارغ‌التحصیل فلاحی و اقتصادی مسکو. در سال ۱۹۳۱ به عضویت حزب کمونیست درآمد. در سال ۱۹۳۹ به عنوان يك محقق در آکادمی علوم مسوول شورای ملی در اداره امور خارجه خدمت نمود. از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۳ عنوان رایزنی سفارت شوروی در واشنگتن را داشت. در سال ۱۹۴۳ به سمت سفیرکبیر روسیه در آمریکا و کوبا برگزیده شد و تا سال ۱۹۴۶ در این پست باقی ماند. در سال ۱۹۴۸ به نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی به شورای امنیت رفت و در سال ۱۹۵۲ به سفیرکبیری شوروی در بریتانیای کبیر انتخاب گردید. در سال ۱۹۵۲ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست درآمد و در کنفرانسهای تهران و یالتا و پوتسدام شرکت نمود. در سال ۱۹۵۷ به وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی منصوب شد. گرومیکو در سال ۱۹۹۱ درگذشت.

گرین، گراهام

گراهام گرین داستان‌سرای انگلیسی دوم اکتبر سال ۱۹۰۴ در برکامستد به دنیا آمد. در ذهن این نویسنده همیشه نیکی و بدی در تضاد است و انعکاس خود را در آثارش آشکار می‌کند. هر کتابی که او می‌نویسد از جهتی مهیج و تکان دهنده است، اما در آن زشتی و وحشت به شکلی عریان در الوهیت و زیبایی تصویر می‌شود. بهترین کتاب او که قدرت و جلال نام دارد نظریه او را که رستگاری از طریق تحمل و رنجیدگی است عرضه می‌دارد.

وزارت ترس، پایان کار، اطلاق نشیمن، آمریکایی آرام، انسان و درونش از آثار اوست.

گرین، ژولین

از مهمترین قطعات منظوم وی می‌توان قطعات زیر را نام برد: آلبرتوس، کمدی مرگ، اسپانیا و کتاب بسیار معروف Emauxetcamees که شاهکار او به شمار می‌رود و با قطعه شعر زیبایی درباره حافظ آغاز می‌گردد.

گوتیه در میان ادبا و هنرمندان عصر، بزرگترین طرفدار عقیده هنر برای هنر بود و عقیده داشت که هنرمند جز هنر خود به هیچ اصل اجتماعی و اخلاقی نباید کار داشته باشد. به غیر از آثار منظوم، چندین رمان معروف نیز از او باقیمانده است که عبارتند از: پای مومیایی، کاپیتان فراکاس و دو کتاب دیگر به نام تاریخ هنر دراماتیک و تاریخ رمانتیسیم. او به سال ۱۸۸۲ درگذشت.

گوتمبرگ، یوهان (مخترع)

گوتمبرگ که با اختراع چاپ موجب ترقی تمدن بشر گردیده است و اختراعش وسیله‌ای جهت ثبت وقایع و اتفاقات است با کمال تأسف از این وسیله برای شرح حال او استفاده نگردیده است و به همین جهت از زندگی او اطلاعی در دست نیست و معلوم نیست که او چگونه و به چه طریقی اقدام به اختراع چاپ نموده است.

او در شهر «منتز» واقع در آلمان به سال ۱۳۹۸ از یک خانواده اشرافی بوجود آمد ولی بعداً تمام خانواده او از آنجا تبعید شدند.

یوهان گوتمبرگ در ابتدای زندگی به علت قرض از طرف مقامات دولتی مورد تعقیب واقع می‌شود و برای جبران آن اقدام به تأسیس شرکتی با دوسه تن از دوستان می‌کند ولی به علت عدم توافق کارشان به دادگستری منتهی می‌گردد.

از سال ۱۴۴۴ تا ۱۴۴۸ هیچ‌گونه اطلاعی از او در دست نیست. در سال ۱۴۵۰ شرکت دیگری با «جو هام فوست» تشکیل می‌دهد و شریکش متعهد

تعلق داشته است. حوادث مهم زندگانی وی یکی برخورد با سقراط است که کاملاً نقش پذیر نفوذ اخلاقی این فیلسوف می‌گردد و دیگری شرکت وی در لشکرکشی کورش دوم و پس از شکست «کناک» عقب‌نشینی او به سرکردگی ده‌هزار سرباز مزدور یونانی است و سومی شرکت وی با سردار اسپارتی «آت آرزیلاس» در جنگ آسیا و سپس در جنگ با تب و آتن و سرانجام بازگشت به «سیلنت» ملک شخصی اوست. گزنفون در ۳۷۱ به حوالی «کرت» نقل مکان کرد و در حدود ۳۵۰ درگذشت. اثر مهم وی اساساً دو کتاب تاریخ است. «آنا بازس» که داستان لشکرکشی ده‌هزار تن یونانی است و دیگری «هلنی‌ها» که در آن از سال ۱۴۱۱ پیش از میلاد دنباله تاریخ ناتمام «توسیدید» را می‌نویسد و یک کتاب به نام «خاطرات» که خاطرات خود را درباره سقراط در آن نگاشته و چهارمی کتاب «تربیت کورش» است که در این کتاب زندگی کورش بزرگ را به نحوی افسانه‌آمیز به رشته تحریر درآورده است و اخلاق و عادات این پادشاه را مثال‌العی و سرمشق شهریاری و کشورداری نشان می‌دهد و دیگر از آثار این مورخ، رسائلی است که درباره اقتصاد و شکار و اسب‌سواری و فرماندهی سواره نظام نوشته است.

گوتیه، تنوفیل

تنوفیل گوتیه در سال ۱۸۱۱ در شهر تارب متولد گردیده است. او را شاعر آب و رنگ نامیده‌اند زیرا اشعار او همه کار یک نقاش هنرمند است.

وی در جوانی به پاریس رفت و تا آخر عمر در آنجا مقیم شد، در اواخر عمر شهرت او فوق‌العاده زیاد بود، به طوری که شارل بودلر کتاب معروف خود گلهای بدی را بدو ارمغان داد و در آن وی را جادوگر ادبیات فرانسه نامید. نخستین اثر شاعرانه او در سال ۱۸۳۰ انتشار یافت.



رسانید. در سال ۱۷۷۵ به عنوان شخص برجسته سیاسی و ادبی شناخته شد و به ایتالیا و سویس مسافرت نمود که نتیجه آنها کتابهای ایفی ژنیا، گمونت، تاسو و چند کتاب دیگر بود.

گوته در سال ۱۷۹۲ در جدال علیه فرانسه شرکت نمود و بعد از درگذشت «ساکس ریمار» يك مرتبه از سیاست کناره گرفت و تا ۲۲ مارس ۱۸۳۲ که تاریخ وفاتش می باشد به کار نویسندگی پرداخت. گوته که از متفکران نامی قرن هیجدهم می باشد دارای قوه تفکر بسیار قوی بود، و همین امر باعث شد که به چنین مقام جهانی که واقعاً در خور اوست مفتخر گردد.

گورباچف، میخائیل سرگیویچ

اولین رئیس جمهوری که به طور دمکراتیک در اتحاد جماهیر شوروی انتخاب شد، در دوم مارس ۱۹۳۱ در دهکده «پریولنوی» در منطقه استاوروپول واقع در جنوب روسیه به دنیا آمد.

او در سال ۱۹۵۵ از دانشکده حقوق دانشگاه دولتی مسکو و در سال ۱۹۶۷ از انستیتوی کشاورزی استاوروپول فارغ التحصیل شد. گورباچف از اواسط دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۸ رهبری «کومسومول» منطقه ای (سازمان جوانان حزب کمونیست) و تشکیلات حزبی استاوروپول را به عهده داشت. در سال ۱۹۷۸ دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد



می شود که در مقابل ماشین چاپی که او می سازد ۸۰۰ گیلدر به خود او و ۳۰۰ گیلدر بابت مخارج آن بپردازد. ولی گویا هیچ کدام تمهیدات خود را اجرا نمی کنند، و فقط در این که با فوست به کار چاپ مشغول بوده چند کتاب به طبع می رساند که یکی کتاب لغتی است به نام «کاتولیکن» که اکنون در دست نیست. گوتمبرگ که اختراعش او را در ردیف مخترعین بزرگ قرار داده است در سال ۱۴۸۶ زندگی را بدرود گفت.

گوته، یوهان ولفگانگ (نویسنده)

گوته در سال ۱۷۴۹ در فرانکفورت متولد شد. ابتدا به تحصیلات مقدماتی پرداخت و در شانزده سالگی برای تحصیل حقوق به دانشگاه لایپزیک رفت، ولی او به مطالعه ادب و فلسفه پرداخت. هنگامی که تحصیلات خود را در رشته حقوق به اتمام رسانیده بود سخت دلباخته دختر نوزده ساله ای گردید. ماجرای این عشق اثری عمیق در روح حساس گوته گذاشت، به طوری که دیگر تن به ازدواج نداد. او پس از گذشت چند سال از این ماجرا با زنی به نام کریستیان طرح دوستی ریخت و مدتی در «ونزلار» بسر برد و «آلام ورتن» را که نام او را در جهان ابدی ساخته است در همانجا نوشت. بعد از این اثر، «فاوست»، را شروع کرد و با زحمت فراوان شاهکار خود را که میان انگلیسها شهرت فراوان دارد به اتمام



ناگهان پدرش فوت کرد، برای امرار معاش مجبور شد شغل محقری را که عایدی ناچیزی داشت در یکی از بانکهای پاریس بپذیرد. هرگز به خاطر هیچ کس خطور نمی کرد که این حسابدار ساده بانک که از صبح تا شب با اعداد و ارقام سر و کار داشت و در کار خود بسیار دقیق و منظم بود، روزی هنرمند از کار درآید و به عنوان یکی از بزرگترین نقاشان جهان نامش در صفحات تاریخ هنر جاویدان بماند. پل هنگامی که ۲۷ سال از عمرش می گذشت با يك معلمه زیبای دانمارکی به نام «مت گاد» آشنا شد و بزودی با او ازدواج کرد. مت معلم نقاشی بود و چون شوهرش وی را بسیار دوست می داشت به هنرش نیز علاقمند شد و غالباً روزهای تعطیل و اوقات فراغت خود را صرف نقاشی می کرد. اما این علاقه پل به نقاشی بزودی از حدود تفنن تجاوز کرد و حتی عشق او را به زنش تحت الشعاع قرار داد و بزرگترین تحول را در زندگی او پدید آورد، به طوری که پنج سال پس از ازدواج با مت به خاطر نقاشی تصمیم گرفت به همه چیز پشت پا بزند. از شغل خود در بانک استعفا داد و همین امر موجب شد که وضع عادی او بکلی متزلزل شود. تابلوهایی که می کشید خریدار نداشت و فقر و تنگدستی او عاقبت باعث دلسردی و دلتنگی همسرش گردید. مت سه فرزندی را که از او به دنیا آورده بود برداشت و با خود به کپنهاگ برد و دست کشیدن پل از نقاشی را شرط مراجعت خود قرار داد،



شوروی و در ۱۱ مارس ۱۹۸۵ دبیرکل حزب شد. در سال ۱۹۸۹، کنگره نمایندگان خلق، گورباچف را به ریاست شورای عالی اتحاد شوروی برگزید. وی در مارس ۱۹۹۰ رئیس جمهور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شد.

فعالیت وی در اجرای «پروستاریکا» و «گلاسنوست» در جمهوری های شوروی و به دنبال آن در کشورهای اروپای شرقی، او را به عنوان دموکراتیک ترین رهبر کمونیستی جهان معرفی کرد و جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۰ را برای او به ارمنان آورد. به دنبال استقلال جمهوری های شوروی سابق و ایجاد فدراسیون بین جمهوری های روسیه، اوکراین و روسیه سفید، کار گورباچف به عنوان رئیس جمهور شوروی به پایان رسید و به همین جهت گورباچف از اول سال مسیحی ۱۹۹۲ نقش اجرایی و سیاسی در امور کشورهای تازه به استقلال رسیده شوروی سابق ندارد، ولی اعلام کرده است که همچنان در راه تبلیغ نظریات اقتصادی و اصلاح طلبانه خویش تلاش خواهد کرد.

گوگن، پل (نقاش)

پل گوگن نقاش معروف قرن نوزدهم فرانسه در سال ۱۸۴۸ در پاریس به دنیا آمد. پدرش روزنامه نگار بود و میل داشت پسرش نیز همان حرفه وی را انتخاب کند. پل پس از اتمام تحصیلات خود، چون



فراقهای قرن هفدهم اقتباس شده است، شهرت فراوانی برای او کسب کرد. در سال ۱۸۳۴ «مالکین عصر گذشته» و «منازعه ایوان ایوانویچ» و «پالتو» را نگاشت. رالیسم قوی گوگول در این آثار تازه‌اش همراه با شور و احساس نیرومند وی انسان را دچار هیجان خاصی می‌سازد. نفوذ آثار او در آثار دیگر ارباب قلم روسیه انکارناپذیر است. وی در سال ۱۸۴۲ پس از سفری به رم در آنجا «نامه‌های مذهبی» را نگاشت و «نفوس مرده» را منتشر کرد. این اثر شاید بهترین شاهکار ادبیات روسیه محسوب می‌گردد. او به دنیای تئاتر هم قدم گذاشت. یک کمدی معروف او که در سال ۱۸۳۸ منتشر شد تابلوی بسیار زنده‌ای از وضع اداری عصر تزار است. گوگول رهبر و پیشاهنگ مکتب ناتورالیسم روسیه است. گوگول با زبان انعطاف‌پذیر و بسیار قوی خویش جنبه‌های مختلف زندگی مردم روسیه را بخوبی نقاشی می‌کند.

گوگول در اواخر عمر به ناراحتی فکری دچار شد و بسیاری از نسخ خطی آثارش را معدوم ساخت. وی در سال ۱۸۵۲ جان سپرد.

گونئی، یلماز (فیلمساز)

در سال ۱۹۳۷ در روستایی واقع در جنوب ترکیه به دنیا آمد. در رشته حقوق در دانشگاه آنکارا و اقتصاد در دانشگاه استانبول تحصیل کرد. در سال

زیرا معتقد بود وی در این فن استعداد ندارد و بی‌جهت وقت خود را تلف می‌کند. اتفاقاً دوستان گوگن نیز بالاتفاق همین نصیحت را به او می‌کردند. اما نه جدایی زن و فرزند، نه سختی معیشت و تنگدستی و گرسنگی و نه سرزنش و بی‌اعتنایی دوستان، هیچ‌یک نتوانست آتش عشق عجیبی را که نسبت به نقاشی ناگهان در نهاد او زبانه کشیده بود خاموش کند. در سال ۱۸۸۲ چون محیط پاریس را برای خود خفقان آورو تحمل ناپذیر تشخیص می‌داد، با پول مختصری که از دوستان خود قرض کرد، در بندر بر دو سوار کشتی شد و راه مسافرت به جزیره دورافتاده هائیتی واقع در اقیانوس آرام را در پیش گرفت و از آن پس تا پایان عمر در این جزیره و در میان بومیان زندگانی کرد و شب و روز با علاقه عجیبی به ترسیم تابلوهایی از مناظر طبیعی و زندگی بومیان مشغول بود. یک بار به پاریس آمد و تابلوهای خود را برای فروش عرضه کرد، ولی همه با لبخند تمسخر و تحقیر او را استقبال کردند و گوگن ناچار دوباره به جزیره «هائیتی» بازگشت و در این نقطه دور افتاده و عاری از تمدن به زندگی ادامه داد. شهرت و موفقیت چند ماه پس از مرگ او که در سال ۱۹۰۳ روی داد به سراغش آمد.

گوگول، ژانوسکی (نویسنده)

ژانوسکی گوگول داستانسرا و درام‌نویس روسیه که از نژاد اوکراین بود در سال ۱۸۰۹ در «سورو چیزی» به دنیا آمد و در سال ۱۸۵۲ در مسکو جان سپرد. وی در سال ۱۸۳۱ نخستین داستانهای خود را به نام «شب نشینی‌ها در مزرعه»، «دیکانجا» و اندکی بعد «میرگورود» را منتشر کرد. در کتاب اخیر با نیشخندهای خوشمزه اوکراین را وصف می‌کند. گوگول در سال ۱۸۳۲ «تازاس بولبا» حماسه بزرگ اوکراین را نگاشت. این اثر منشور که سوژه‌اش از

مشهور است که لاپلاس برای ملاقات دالامبر ریاضیدان با ارزش در یکی از روزهای سال ۱۷۷۰ به خانه او می‌رود و با وجود توصیه‌هایی که ارائه می‌دهد معهدا کمک قابل توجهی از طرف ریاضیدان بزرگ نسبت به او نمی‌شود. لاپلاس مایوس نمی‌شود و نامه‌ای برای دالامبر می‌فرستد و در آن افکار خویش را درباره اصل مکانیک شرح می‌دهد. دالامبر به محض خواندن نامه نویسنده را احضار می‌کند و به او می‌گوید «چنانچه ملاحظه می‌کنید من به توصیه و سفارش ترتیب اثر نمی‌دهم ولی شما برای شناساندن خود وسیله خوبی بدست آوردید». دالامبر فوراً لاپلاس را به سمت استاد مدرسه نظامی پاریس انتخاب می‌کند.

اولین مسئله مورد توجه لاپلاس دنبال نمودن کار نیوتون بود زیرا نیوتون قانون اصلی مکانیک آسمانی را یافته بود و لاپلاس می‌خواست این قانون را در مورد تمام اجسام منظومه شمسی به کار برد. لاپلاس شروع به تعیین قوانین مکانیک سیارات کرد تا نشان دهد که این اجسام مانند سایر اجسام تابع قوانین فیزیکی هستند. اولین موضوعی که لاپلاس نزد خود مطرح می‌کند موضوع ثبات دستگاه شمسی است که آیا به وضعی که داراست می‌ماند یا بالاخره ماه روی زمین سقوط می‌کند و سیارات بر جرم خورشید پرتاب شده و معدوم می‌گردند. نیوتون هم این سؤال را مطرح کرد بوده و به این نتیجه رسیده بود که باید گاهی دست خداوند در کار بیاید و حرکات آنها را به جریان عادی برگرداند. ولی لاپلاس گفت اگرچه وضع سیارات نسبت به خورشید تغییر می‌کند ولی این تغییرات تناوبی است. لاپلاس تمام این اکتشافات را تحت عنوان «مکانیک آسمانی» منتشر ساخت ولی چون فهم مطالبش برای همه کس مقدور نبود لذا تصمیم گرفت کتابی دیگر بنویسد که مردم عادی هم از آن بهره‌مند گردند. این کتاب تحت عنوان شرح

۱۹۵۸ اولین مجموعه داستانهای کوتاه خود را منتشر کرد و در همین سال به عنوان فیلمنامه نویس، بازیگر و دستیار کارگردان با عاطف یلماز همکاری کرد. در سال ۱۹۶۱ به جرم نوشتن رمان «معامله‌ای با سه بیگانه» به یک سال و شش ماه حبس و شش ماه تبعید محکوم شد. در سال ۱۹۷۲ به هنگام ساختن فیلم «بیچارگان» به جرم پناه دادن به چند دانشجوی آنارشیست دستگیر شد و بدون اینکه محاکمه شود به مدت ۲۶ ماه در زندان بسر برد. در سال ۱۹۷۴ به دنبال عفو عمومی از زندان آزاد شد، اما دوباره در ماه اوت همان سال به اتهام شلیک به یک قاضی به ۲۴ سال زندان محکوم شد.

در سال ۱۹۸۱ و به دنبال کودتای نظامیان در ترکیه فیلمهایش توقیف شد و یک سال بعد به زندان دیگری منتقل شد. چندی بعد به فرانسه گریخت و چون از بازگشت به ترکیه امتناع کرد، از شهروندی ترکیه خلع شد. فیلم «راه» را در تبعید ساخت و مطرح شدن این فیلم در فستیوال کن اوج اشتهار این فیلمساز بزرگ ترک است.

یلماز گونی در سال ۱۹۸۴ در اثر سکته قلبی از دنیا رفت. فیلم‌های مهم وی عبارتند از:

اسب، زن و سلاح (۱۹۶۶)، گرگهای گرسنه (۱۹۶۹)، فراری‌ها (۱۹۷۱)، رفیق (۱۹۷۴)، اضطراب (۱۹۷۴)، گله (۱۹۷۸)، دشمن (۱۹۷۹)، راه (۱۹۸۱) و دیوار (۱۹۸۲).

لاپلاس، پی‌یر (ریاضیدان)

لاپلاس در بیست و سوم مارس ۱۷۴۹ در حوالی «بون لوک» متولد شد. پدرش دهقان فقیری بود و از کودکی خودش اطلاعی در دست نیست. خود او هم به محض اینکه ریاضیدان مشهوری شد و افتخاراتی کسب نمود اصل و نسب خود را مخفی نگاه می‌داشت.

دستگاه جهانی منتشر شد. لاپلاس علاوه بر نجوم و ریاضیات، استادی عالیقدر در علم فیزیک بود و دربارهٔ لوله‌های موئین و انتشار امواج صوتی مطالعات فراوانی داشت. از مهمترین آثار لاپلاس «تنوری تحلیلی احتمالات» را که در سال ۱۸۱۲ نوشته است می‌توان نام برد.

لاپلاس را که دانشمندی بی‌همتا می‌توان گفت متأسفانه نسبت به تمام حکومت‌هایی که بی‌دری بی‌عوض می‌شدند تملق می‌گفت و از آنها استفاده می‌کرد. در مقابل ناپلئون تا زانو تعظیم می‌کرد و به همین علت‌ها بود که از طرف امپراطور به مقام‌های کنت، سناتور و ریاست مجلس سنا و اعیان انتخاب شد. تاریخ مرگ وی سال ۱۸۲۸ می‌باشد.

لارنس عربستان

شاوتوماس ادوارد لارنس، به سال ۱۸۸۸ در شهر تریمادوک متولد گردید و تحصیلات خود را در دانشگاه آکسفورد به پایان رسانید. او در جنگ جهانی اول از طرف دولت انگلستان به عربستان فرستاده شد و در آنجا ریاست قوای عرب را در جنگ با عثمانی به عهده گرفت. در سال ۱۹۲۲ به اخذ مدال افتخار و دریافت لقب «شاه» نایل شد و سپس با شغل مکانیسین هواپیما به خدمت خود ادامه داد. کتاب «هفت رکن حکمت» که تاکنون به زبانهای مختلف ترجمه شده است از نوشته‌های وی می‌باشد. لارنس به سال ۱۹۳۵ در یک حادثه موتورسیکلت درگذشت.

لاروس، پیر (ادیب)

پیر لاروس، بوجود آورنده بزرگترین دایرةالمعارف فرانسه و شاید دنیا، پسر یک آهنگر بود که در شهر پاریس با این شغل امرار معاش می‌کرد. وی در سال ۱۸۱۷ در پاریس متولد گردید. وضع مالی

پدرش بقدری بد بود که قدرت نداشت حتی برای پسرش یک لباس آبرومند خریداری نماید و لاروس کوچک با شلوار پاره و مندرس در دبستان و دبیرستان مورد تمسخر و استهزاء دانش آموزان قرار می‌گرفت. او تا سن ۱۵ سالگی در کارگاه پدرش به عنوان شاگرد آهنگر، اسب نعل می‌کرد و از این سن بی‌عده که در دبستان تحصیل کرد، دائم به این فکر بود که فرهنگ جامعی تهیه نماید. در دوران تحصیل همیشه شاگرد اول بود و بنابراین به خرج دولت فرانسه برای تکمیل تحصیلات خود در لیسه و رسای قبول شد. او در این آموزشگاه علاوه بر درس آموزشگاه، تمام کتب منتشره در فرانسه و سایر نقاط جهان را مطالعه می‌کرد و در عین حال هر روز فرهنگ خود را به نام «لاروس» تکمیل می‌نمود. وقتی تحصیلات وی خاتمه یافت و فرهنگ او نیز که کامل شده بود انتشار یافت در سرتاسر فرانسه کسی نبود که اسم لاروس را نشنیده باشد.

لاروس بر اثر کار مداوم به بیماری معده مبتلا شد و در سوم ژانویه سال ۱۸۷۵ دارفانی را وداع گفت، درحالی که دایرةالمعارف بزرگ او به کلمه «ح» رسیده بود.

لافونتن، ژان دو (ادیب، شاعر)

ژان دولافونتن شاعر فرانسوی در هشتم ژوئن سال ۱۶۲۱ میلادی در «شاتونیزی» به دنیا آمد. پدرش شارل، سرپرست امور آب و جنگلهای موطن وی بود. پدر و مادر او از طبقات متوسط شهرستانی بودند. لافونتن در کالج «رمس» تحصیل کرد. قرار بود نخست وکیل عدلیه شود. در سال ۱۶۴۷ پدرش از شغل خویش استعفا داد و یک دختر شانزده ساله به عقد او درآمد. رشته این ازدواج در سال ۱۶۵۸ گسیخت اما طلاق هرگز اتفاق نیفتاد. لافونتن تقریباً چهل سال آخر عمر را در پاریس گذراند. لافونتن



لاک، جان

جان لاک به سال ۱۶۳۲ در نزدیکی بریستول به دنیا آمد. پدرش وکیل دادگستری بود و از آزادیخواهان به شمار می‌رفت.

لاک در ۲۰ سالگی وارد آکسفورد شد و مدتی به تحصیل فلسفه پرداخت، ولی به این درس علاقه‌ای نشان نداد. سپس وارد دانشکده طب شد، ولی آن را به پایان نرساند. مطالعه آثار دکارت و گاسندی ذوق فلسفی او را بیدار کرد و در نتیجه خودش شروع به تحقیق درباره بعضی مسایل مهم فلسفی نمود.

علیرغم این که جان لاک مسلول بود و در طول عمر سرگردان می‌گشت، معهذاً همیشه درحال مطالعه و تحقیق بسر می‌برد. کتاب مهم خود یعنی «درباره فهم انسانی» را موقعی نوشت که بیش از ۶۰ سال داشت. او در سال ۱۷۰۴ درگذشت.

لامارتین، آلفونس. دو (نویسنده، شاعر)

آلفونس دولامارتین شاعر و ادیب و سیاستمدار فرانسوی در ۲۱ اکتبر ۱۷۹۰ در «ماکون» به دنیا آمد. روزگار کودکی و جوانی را در دهکده گذراند. اشعار زیبا و ژرف او بیشتر از این دوره الهام گرفته است. او در بیست سالگی برای خاطر سلامتی خود به ایتالیا عزیمت کرد و در آنجا بود که با گرازیلا آشنا شد. گرازیلا نام خاطره‌انگیزی است که بیشتر در

نویسندگی را از سی سالگی آغاز کرد.

او در آغاز قصاید، ترانه و قطعات مختلف می‌سرود و در اثر آشنایی با اشرافزادگان از کمکهای مالی و معنوی آنها استفاده می‌کرد. بسیاری از اشعار او خطاب به دوک‌ها و دوشس‌های فرانسوی است. لافونتن نخستین اثر زنده و زیبای خود را به نام «داستانها» برای یک دوک و دوشس خلق کرد. این اثر در سال ۱۶۶۴ انتشار یافت. در این زمان یک محفل ادبی به نام «رودویو کولومبیر» با شرکت راسین، مولیر، بوالو و لافونتن تشکیل گردید. لافونتن در سال ۱۶۶۶ دومین جلد «داستانها» را منتشر کرد و در سال ۱۶۶۸ اولین جلد از شش جلد «افسانه‌ها» را انتشار داد. در سال ۱۶۸۲ لافونتن به عنوان بهترین ادیب و شاعر در فرانسه شهرت یافت و نامزد عضویت آکادمی فرانسه شد. ماجرای نامزدی و عضویت وی در آکادمی کشمکش‌های جدیدی را در زندگی او بوجود آورد.

قسمت اعظم آثار لافونتن قابل ملاحظه و جاویدانی است. «افسانه‌ها»ی او در همه جهان شهرت دارد. او با استفاده از سنتها و داستانها و آثار فکری شرق بویژه کلیله و دمنه، «افسانه‌ها»ی خود را به‌شعر درآورد. در این افسانه‌ها، پند و اندرزهای فراوانی به چشم می‌خورد. او بهترین پنندهای اخلاقی را از زبان جانوران بازگو می‌کند. او برخی از داستانهای خود را از کاجیو اقتباس کرد و با تغییر در قسمتهای مختلف آنها را به صورت تازه و بکری درآورده و قدرت عجیب خود را به بهترین وجهی نشان داده است. لافونتن استعداد عجیب خود را در همه رشته‌های ادبی عصر خویش نمایش داده است. طرز فکر لطیف و در عین حال زیرکانه او در عصر خویش نیز معروفیت و اشتها مخصوصی پیدا کرد. لافونتن در سال ۱۶۹۵ درگذشت.



اشعار او به چشم می خورد.

او از خانواده اشراف بود. لامارتین پس از تجدید سلطنت «بوربون»ها در قرن نوزدهم در فرانسه از شخصیت‌های برجسته سیاسی به حساب می آمد. نخستین کتابش «اندیشه‌های شاعرانه و مذهبی» در سال ۱۸۲۰ (سی سالگی) منتشر شد و در سال ۱۹۲۳ «اندیشه‌های تازه» را منتشر ساخت. شعر فلسفی و هماهنگ و موزون او به سبب تازگی و زیبایی و دلپذیری خاصی که داشت مردم را متوجه وی ساخت. وی در سال ۱۸۳۰ «هماهنگی‌ها» را منتشر کرد که خود آن را انعکاس صمیمانه احساسهای روزمره اش خواند و این اثر را دفتر دل خویش نامید. اشعار این کتاب بیشتر جنبه اندیشه داشت تا جنبه تغزلی. وی «سقوط یک فرشته» و «ژوسلین» را در سال ۱۸۳۷ منتشر کرد و آخرین اثر شعری اش به نام «برگزیده‌ها» در سال ۱۸۳۹ انتشار یافت. لامارتین حوادث عادی زندگی روزمره را به زبان ساده و با یک دید زیبای شاعرانه به رشته تحریر درآورد. لامارتین به زندگی آمیخته به تقوی، مذهب کاتولیک، به پرستش طبیعت آن چنان که روسو و برناردن دوسن نیز توصیف کرده بودند و به احساسهای مادام دواستال نویسنده معروف فرانسوی و آثار شاتوبریان و بایرون علاقه داشت.

لامارتین در کشور خویش معروف تر از سایر نقاط جهان است. لامارتین در عین اینکه شاعر و

ادیب بود در سیاست نیز مداخله می کرد. او در سال ۱۸۲۳ به سمت منشی سفارت فرانسه در ناپل برگزیده شد. در این سال او با یک زن انگلیسی تقریباً ثروتمند ازدواج کرد. او سالهای ۱۸۲۴ تا ۱۸۲۹ را در فلورانس گذراند و در سال ۱۸۲۹ تغییر مأموریت پیدا کرد. وی در سالهای ۱۸۳۲ و ۱۸۳۴ به خاور نزدیک سفر کرد. در مدت غیبتش او را به نمایندگی مجلس فرانسه برگزیدند. او در مجلس زیاد نطق می کرد و اندک اندک به جناح چپ گرایید. در انقلاب فوریه سال ۱۸۴۸، لامارتین به عضویت دولت موقت فرانسه برگزیده شد و از جمله پنج عضو کمیته اجرایی دولت بود. وی در ۲۸ فوریه سال ۱۸۶۹ در فقر و نداری جان سپرد.

لاووازیه، آنتوان

آنتوان لوران لاووازیه در ۲۶ اوت ۱۷۴۳ در پاریس از پدر و مادری ثروتمند و مرفه زاده شد. او زیر نظر استادانی قابل، نجوم و گیاه شناسی و شیمی و زمین شناسی را به خوبی فرا گرفت. پس از اتمام دوره حقوق بار دیگر به علوم گرایید و ۳ سال بعد در آن هنگام که جوانی ۲۵ ساله بود به عضویت فرهنگستان سلطنتی علوم برگزیده شد. از جمله خطراتی که جان لاووازیه را به مخاطره انداخته بود و بیشتر جنبه سیاسی داشت هنگام انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ یعنی در آن هنگام که انقلابیون زمام امور پاریس را در دست داشتند رخ داد.

لاووازیه رساله معروفی در باب اقتصاد سیاسی موسوم به «ثروت‌های زیر زمینی فرانسه» به رشته تحریر درآورد. این کتاب یکی از مهمترین کتبی است که در مبحث اقتصاد نوشته شده است.

سرانجام آنتوان لوران لاووازیه در سال ۱۷۹۴ در دادگاه انقلابی به ریاست ژان باتیست کوفن هال به جرم خیانت به ملت همراه چندتن دیگر تسلیم تیغه

کشید و به کار و داشت و چندی بعد او را از خانه خود راند. در همین زمان وی با آندره ژید و پل والرئ آشنا شد و به تشویق آنان دست به نوشتن زد ولی آنچه که می‌نوشت و منتشر می‌کرد در ابتدا با ذوق عامه پسند هم عصرانش وفق نداشت. به همین علت برخلاف ژید و والرئ و کلودل به شهرت و افتخاری که خود نیز از آن بیزار بود نرسید. تنها در سالهای آخر عمر و پس از جنگ دوم جهانی بود که تا اندازه‌ای معروف شد و قدرش شناخته گردید. لئوتو لحن طنزآمیز و سبک تند ولتر را داشت. از آثارش: در سوگ پدرم و دوستان کوچولو را می‌توان نام برد. وی در سال ۱۹۵۶ در زادگاهش پاریس چشم از جهان فرو بست.

لئوینس، سینکلر

سینکلر لئوینس در هفتم فوریه سال ۱۸۸۵ در «سوک سنتر» واقع در مینه سوتا به دنیا آمد و در دهم ژانویه ۱۹۵۱ درگذشت. لئوینس از برجسته‌ترین داستان‌سرایان آمریکاست و اولین نویسنده آمریکایی بود که جایزه نوبل گرفت. او در بسیاری از نولهایش به طبقه متوسط آمریکای صنعتی شده به واسطه ستایش از راحت‌طلبی و ایده‌آلیزم توخالی و بی‌معنایش حمله می‌کند.

بابیت، اروسمیت، المرگنتری و دام انسان از جمله آثار اوست. لئوینس جایزه پولیتزر را که به خاطر نوشتن کتاب اروسمیت به او اعطا کردند رد کرد.

لرمانتوف، میخائیل (نویسنده)

میخائیل ایروویچ لرمانتوف به سال ۱۸۱۴ در مسکو متولد گردید. سه ساله بود که مادر خویش را از دست داد و پدرش نیز هنگامی که او را نزد مادرزنش گذاشت، وی را ترك گفت. در مدارس شبانه‌روزی نزد سایر اعیان و بزرگان به تحصیل پرداخت، لیکن



گیوتین شد.

لایب نیتس

گوتفرید ویلهلم فون لایب نیتس، به سال ۱۶۴۶ در لایپزیک متولد شد. حقوق، فلسفه و ریاضیات را در دانشگاه ینا فرا گرفت. در سال ۱۶۷۲ یعنی در ۲۶ سالگی دکترای حقوق خود را گرفت و به عنوان سفیر آلمان به پاریس عزیمت کرد. مدتی کتابدار و مشاور درباری حاکم هانور گردید و این مقام را تا زمان فوت حفظ کرد.

لایب نیتس متأهل نشد و موقع مرگ ثروت زیادی از خود برجای گذارد که به برادرزاده‌اش رسید. او حقیقت را واحد می‌داند، ولی در عین حال مانند دکارت قایل به کثرت است و می‌گوید حقیقت واحد به صورت اجزاء بسیار درآمده است. لایب نیتس این اجزاء را موند می‌خواند که همان اتم دموکریت است، منتهی اتم جاننداری که قوه خلاقه‌اش در درون خودش است.

لایب نیتس در سال ۱۷۱۶ درگذشت.

لئوتو، پل

پل لئوتو نویسنده فرانسوی، به سال ۱۸۶۲ در پاریس به دنیا آمد. او تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی نداشت. پدرش هنرپیشه تئاتر و مردی عیاش بود و در پانزده سالگی پل را از مدرسه بیرون



لطفی، محمدرضا

محمدرضا لطفی در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر گرگان متولد شد. پس از فراگیری اصول اولیه نوازندگی و اتمام دوران تحصیل به تهران آمد و در هنرستان شبانه موسیقی ملی مدت پنج سال به شاگردی حبیب اله صالحی و استاد علی اکبر شهنازی درآمد. در این دوران با تئوری موسیقی علمی و ردیف میرزا حسینقلی و آثار علینقی وزیری آشنا گردید و در فعالیتهای ارکستری هنرستان روزانه شرکت کرد و سپس به عنوان نوازنده قادر به ارکستر صبا که زیر نظر حسین دهلوی مسوول هنرستان اداره می شد به فعالیت پرداخت. آشنایی با ردیف آوازی استاد عبدالله دوامی ردیف دان برجسته، او را مرید این استاد گوشه گیر کرد تا آنجا که تا واپسین لحظات عمر استاد از ایشان کسب فیض می نمود. وی کلیه ردیفهای آوازی و تصنیفهای قدیمی ایرانی را با همه دشواریهایی که در این راه بود با سخت کوشی فراوان آموخت و در ضبط ردیفهای استاد مجدانه کوشید.

شور و شوق پرداختن به ردیف موسیقی ایران زمین، او را واداشت تا پس از اتمام خدمت نظام وظیفه وارد دانشکده هنرهای زیبا گردد و افتخار شاگردی موسیقی خاصه نورعلی برومند و محمدتقی مسعودیه را داشته باشد. پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به فعالیت در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی ایران که در آن دوران مستقیماً با نظر استاد نورعلی برومند هدایت می گردید پرداخت. ره آورد او

هرگز برای خویش دوستی جز ادبیات برنگزید. علاقه او به پوشکین شاعر بزرگ روسی بسیار زیاد بود و تحت تأثیر وی اشعار زیبایی می سرود. در شانزده سالگی وارد مدرسه نظام گردید و در سال ۱۸۳۲ وارد دانشکده نظامی سن پترزبورگ شد. مدتی تحت تأثیر شرایط محیط نظامی، کار ادبی مهمی انجام نداد. ولی پس از دو سال که کمی وضعیتش بهتر شد، دوباره آغاز به سرودن شعر نمود. در سال ۱۸۳۷ زمانی که پوشکین به قتل رسید، لرمانتوف نیز تغییر کرد.

او که از مرگ شاعر ناراحتی زیادی احساس می نمود، در منظومه زیبایی تحت عنوان «مرگ شاعر» مسبب قتل نویسنده بزرگ روسیه و پدر ادبیات این کشور را رسوا و علناً ایشان را تحقیر نمود. انتشار این اثر خشم اشراف را برانگیخت و لرمانتوف به قفقاز تبعید گشت. دو سال در تبعید بسر برد، پس از بازگشت هنوز چند هفته ای از ورودش نگذشته بود که به علت دوئل با پسر سفیر فرانسه به نام «ارنست دوبارانت» دوباره تبعید گشت. بدین ترتیب عده ای که می دیدند لرمانتوف سد راه اجرای فجایع آنهاست، تصمیم به نابودیش گرفتند. روزی لرمانتوف با یکی از آشنایانش به نام «نیکلامارتینف» که دست نشانده دشمنان او بود نزاع سختی کرد و پس از آن مارتینف از او درخواست دوئل نمود.

روز ۱۵ ژوئیه سال ۱۸۴۱ لرمانتوف ناچار به

سیاستمدار و نویسنده آمریکایی، متولد سال ۱۸۹۲، از سال ۱۹۰۲ الی ۱۹۱۰ در کالج نیویورک مشغول تحصیل بود و درجه لیسانس خود را از دانشگاه کلمبیا گرفت (۱۹۱۶). از سال ۱۹۱۷ الی ۱۹۱۸ به خدمت ارتش درآمد و در قسمت سرویس محرمانه انجام وظیفه نمود (جنگ جهانی اول). از سال ۱۹۴۳ الی ۱۹۴۵ به ریاست انجمن دوستداران آمریکایی خاورمیانه منصوب گشت. وی تا به حال چندین نشان دریافت نموده است که از جمله نشان علمی از دولت ایران را می توان نام برد (۱۹۳۲). آثار زیر از تألیفات اوست:

جنگیزخان (۱۹۲۷)، تیمورلنگ (۱۹۲۸)، جنگهای صلیبی (۱۹۳۰)، شعله اسلام (۱۹۳۱)، عمر خیام (۱۹۳۴)، سلیمان (۱۹۵۱)، تودور و امپراطور (۱۹۵۲) و کورش کبیر.

لندن، جک (نویسنده)

جک لندن نویسنده بزرگ آمریکایی روز دوازدهم ژانویه ۱۸۷۶ به دنیا آمد و روز ۲۳ دسامبر ۱۹۱۶ درگذشت. تا سن ۱۹ سالگی دست به مشاغل مختلف زد و چندین بار به جرم گدایی و ولگردی محکوم به زندان گردید.

در ۱۹ سالگی اتفاقاً روزی به کتابخانه‌ای رفت و شروع به مطالعه کتاب «روبنس کروزه» کرد. این کتاب جک را بقدری به مطالعه علاقمند ساخت که از آن پس روزی ده پانزده ساعت از وقتش را در کتابخانه می گذرانید و همین موضوع او را تشویق کرد که به دبیرستان برود. دوره چهارساله دبیرستان را فقط در مدت سه ماه به پایان رسانید و سپس به دانشکده رفت، اما نتوانست به تحصیل ادامه بدهد.

جک لندن در مدت ۱۸ سال نویسندگی پنجاه و یک کتاب بزرگ و یکصد و بیست و پنج داستان کوتاه نوشت و همان گدای ولگرد در اواخر عمر کارش



از این دوران آشنایی با شیوه‌ها و ارزش‌های موسیقی کلاسیک ایران و ردیف میرزا عبدالله نیز دگرگونی بنیادی مهم در نگرش وی بود.

محمدرضا لطفی پس از کناره‌گیری از مرکز حفظ و اشاعه موسیقی مدت دو سال در گروه گردآوری و سناخت موسیقی بومی رادیو تلویزیون ملی ایران به کار تحقیقاتی پرداخت و از سال ۱۳۵۳ به عنوان عضو هیئت علمی در استخدام دانشکده هنرهای زیبا درآمد و تداوم کار خود را در همین دوران با واحد موسیقی رادیو آغاز کرد و گروه شیدا را تأسیس نمود. در طول فعالیت گروه در این مرحله که حدود چهارسال به طول انجامید آثاری تولید و به مردم ارائه گردید که از آن جمله است: آثاردرویش، شیدا، عارف قزوینی، موسی معروفی، کنسرت نوا در باغ فردوس و جشن هنر شیراز، کنسرت سه‌گانه در جشن هنر طوس که با همکاری خوانندگان نامی چون محمدرضا شجریان و شهرام ناظری اجرا گردیده است.

محمد رضا لطفی پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران، مدت یک سال و نیم سرپرستی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران را عهده‌دار بود و بیشتر فعالیت خود را در این امر دانشگاهی متمرکز نمود و اکنون در خارج از ایران سکونت دارد.

لمب، هارولد (سیاستمدار)



چنان بالا گرفت که درآمدش دو برابر حقوق رئیس جمهور آمریکا بود.

آثار مهم جک لندن عبارتند از: آوای وحش، سپیددندان، مارتین ایدن، گرگ دریا و خاموشی سپید.

عده‌ای عقیده دارند که داستان عشق زندگی شاهکار جک لندن است. جک لندن خود را پیرو مکتب اجتماعی می‌داند ولی مخصوصاً طرفدار زندگی ابتدایی و بدوی است. از آنجا که خود در تنگدستی بسر برده از زندگی فقیرانه بخوبی آگاهی دارد و غالب حوادث و وقایعی که در داستانهایش آورده است به سر خود او آمده است.

این نویسنده بزرگ در سن چهل سالگی بر اثر افراط در کار درگذشت.

بعضی از کتب جک لندن که به فارسی برگردانده شده عبارتند از: آتشپاره زرین، پاشنه آهنین، پسر آفتاب، آشتی ناپذیر، دختر برفها، دزدان خلیج، سرگذشت کشتی اسنارک، سپید دندان، سرگذشت‌ها، سگ سیرک، از خودگذشتگی، در تلاش آتش، خاموشی سپید، کشتی شکسته‌ها، آوای وحش، اعتراف، تب طلا، جای پای خورشید، جزیره وحشت، حماسه شمال، داستانهای دریای جنوب و مارتین ایدن.

لویی سیزدهم

لویی سیزدهم فرزند هانری چهارم، در سپتامبر سال ۱۶۰۱ در فوتتن بلو متولد گردید و در ۹ سالگی

جانشین پدر شد.

مادرش ماری دومدیسسی، تا سال ۱۶۱۷ از جانب او زمام امور فرانسه را در دست داشت، ولی به علت بی‌تدبیری این زن هرج و مرجی در اوضاع فرانسه بوجود آمد و این هرج و مرج در هنگامی که لویی سیزدهم، آن دیتریش دختر پادشاه کاتولیک مذهب اسپانیا را به زنی اختیار کرد، بیشتر شد.

لویی سیزدهم به منظور اعاده نظم و آرامش، آرماند-دوژان کاردینال ریشلیو را به مقام صدارت عظمی برگزید. این مرد، با کفایت ذاتی خود تمام شورشهای داخلی و خارجی را خوابانید. لویی سیزدهم به سال ۱۶۴۳ وفات یافت.

لویی چهاردهم

لویی چهاردهم ملقب به لوگران کبیر فرزند لویی سیزدهم و ملکه آن دیتریش است، که به سال ۱۶۳۸ در سن ژرمن متولد گردید و بین سالهای ۱۶۴۳ تا ۱۷۱۵ پادشاهی فرانسه را به عهده داشت. در زمان این پادشاه، شعرا و دانشمندانی نظیر رنه دکارت، ژان دولافونتن و ژان راسین ظهور کردند.

لویی چهاردهم مدت سی سال بجننگ با دول مختلفی از قبیل هلند، اسپانیا و انگلستان پرداخت و افتخاراتی نیز برای فرانسه کسب کرد و همان گونه که اشاره شد سرانجام در سال ۱۷۱۵ وفات یافت.

لویی پانزدهم

لویی پانزدهم سومین پسر لویی دوک دو بورگنی و ماری آدلاید دوساوا و اسه و کوچکترین نوه لویی چهاردهم است، که به سال ۱۷۱۰ در ورسای متولد گردید. هنگامی که بیش از ۵ سال نداشت به سلطنت جلوس کرد و زمام امور را دوک فیلیپ دواورلنسان (برادرزاده لویی چهاردهم) به نیابت از طرف پادشاه در دست گرفت. لویی پانزدهم مردی عیاش و

ماری لوییز به سال ۱۷۹۱ در فرانسه به دنیا آمد. او دختر آرشیدوک فرانسیس که بعداً به نام فرانسیس اول امپراطور اتریش شد بود. ماری لوییز دومین همسر ناپلئون بناپارت بود که در سال ۱۸۱۰ با امپراطور ازدواج کرد. فرزند او ناپلئون دوم يك سال پس از ازدواجش به دنیا آمد. هنگامی که ناپلئون از مقامش استعفاء کرد، او با پسرش به شونبرون دروین رفت (۱۶-۱۸۱۴). از ۱۸۱۶ تا ۱۸۳۱ او به ترتیب: دوشس پارما، پیاسترا و گاستالا شد. خط مشی سیاسی او معتدل ولی به طور کلی خالی از هرگونه تدبیر دیپلماتیک بود. در ۱۸۲۱ با یکی از اشراف به نام کنت فون نیپرگ ازدواج کرد ولی این پیوند چندی به طول نکشید و ماری لوییز در ۱۸۳۳ به طور محرمانه با کنت بومبلس ازدواج نمود. مرگش به سال ۱۸۴۷ اتفاق افتاد.

لودویک، امیل

امیل لودویک در ۲۵ ژانویه ۱۸۸۱ در شهر برسلاو در يك خانواده یهودی به دنیا آمد. در آغاز عمر مدتی به تجارت پرداخت و پس از آن به تحصیل حقوق مشغول گشت و وکالت کرد. چندین نمایشنامه نوشت که در تئاترهای آلمان و کشورهای دیگر به معرض نمایش گذاشته شد. از آن جمله برژیا، ناپلئون، تریستان و ایزوت، آتلانتا و بالت اریان می باشد. امیل لودویک پیش از جنگ بین الملل اول چندی در انگلستان بسر برد و پس از شروع جنگ از طرف یکی از جراید بزرگ آلمان به سمت خبرنگار سیاسی در کشورهای آلمانی زبان اروپایی مأموریت یافت. در این دوره بود که کتابهای مانفرد و هلن و لوتا و بعضی قطعات مربوط به تئاتر را تصنیف کرد. مهمترین آثار لودویک بیوگرافی هایی است که درباره رجال هنر و سیاست نوشته است. این بیوگرافیها از نظر روان شناسی و تجزیه و تحلیل

بوالهوس بود و اقدامات خرابکارانه او زمینه انقلاب کبیر را در فرانسه ایجاد کرد.

اوضاع اقتصادی فرانسه به علت جنگهای طولانی و بی دریبی لویی چهاردهم فوق العاده خراب شده بود و دولت مبالغ زیادی مقروض گردیده بود و مردم دچار فقر و فلاکت تأسف آوری شده بودند. در سال ۱۷۲۳ دوك دواورلئان درگذشت و لویی پانزدهم مستقلاً امور فرانسه را به عهده گرفت و کاردینال فلوری را که مردی درستکار و مطلع بود، مقام صدارت بخشید.

این وزیر نیکوکار، به انجام کارهای عمرانی زیادی نایل شد، اما دیری نپایید که در سال ۱۷۳۳ درگذشت و از آنجایی که لویی پانزدهم پادشاهی بی کفایت بود، اختیارات بکلی از دستش خارج شد و به دست عده ای از معشوقه های درباری او از جمله لامارکیزدو پمپادور و کنتس دوباری افتاد. این وضع فرانسه را به سراسیمگی يك انقلاب عظیم می برد تا سرانجام در سال ۱۷۷۴ این پادشاه درگذشت.

لویی شانزدهم

لویی شانزدهم فرزند لویی ولیعهد و نواده لویی پانزدهم و پرنسس ماری ژزف دوساکس به سال ۱۷۵۴ در ورسای متولد گردید. او ماری آنتوانت دختر ماری ترز ملکه اتریش را به همسری گرفت و گو اینکه خود مردی پرهیزکار و نیک نفس بود، ولی زن هوسباز خود خواهش بی نهایت خشم مردم ستم دیده فرانسه را برانگیخت و اساس انقلاب را استوارتر کرد.

سرانجام درباریان که مانع تشکیل مجلس طبقات عامه می شدند بالاخره کاسه صبر ملت را لبریز کردند و انقلابی تاریخی رخ داد. لویی شانزدهم در ۲۱ ژانویه سال ۱۷۹۳ پس از محکومیت، با گیوتین اعدام شد.

لوییز، ماری

در سال ۱۹۳۳-۱۹۳۴ برای دومین بار به آمریکا رفت و در طی این سفر چندین سخنرانی ایراد کرد. در دسامبر سال ۱۹۳۴ به اسپانیا بازگشت. در ژوئیه ۱۹۳۶ در شورش فرانکو به دست ایادی او کشته شد.



لوزی، جوزف

جوزف لوزی به سال ۱۹۰۹ در شهر لاکراس در آمریکا متولد شد. کارگردانی در سینما را با فیلم «اسلحه در دست» در سال ۱۹۴۵ آغاز کرد. فیلمهای بعدی این کارگردان عبارتند از:

پسرك مو سبز (۱۹۴۸)، مرد بی قانون (۱۹۴۹)، ولگرد (۱۹۵۰)، M (۱۹۵۰)، شب بزرگ (۱۹۵۱)، برخورد (۱۹۵۱). لوزی در سال ۱۹۵۲ به علت فعالیتهای ضد آمریکایی نزد کمیته تحقیق احضار گردید و از آن پس هیچ استودیویی به او کار نداد و لوزی به اجبار عازم انگلستان شد. در انگلستان او فیلمهای زیر را ساخت:

بیر خفته (۱۹۵۴)، این فیلم با نام مستعار ویکتور هنسبوری کارگردانی شد، زمان بی رحم (۱۹۵۶)، کولی و آقا (۱۹۵۷)، ملاقات اتفاقی (۱۹۵۸)، تبهکار (۱۹۶۰)، ایوا (۱۹۶۱)، جنگل بتونی (۱۹۶۳)، مستخدم (۱۹۶۴)، مودستی بلیز (۱۹۶۵). جوزف لوزی در سال ۱۹۸۴ درگذشت.

روحی چنان دقیق بود که برای او شهرتی فراوان کسب نمود. امیل بین سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۴۰ در سویس زندگی کرد و بعد از آن به آمریکا رفت و در تمام مدت جنگ بین الملل دوم آنجا ماند و سرانجام به سال ۱۹۴۹ در آمریکا بدرود حیات گفت. از آثار او می توان کتب زیر را نام برد:

استالین، بتهوون، آبراهام لینکلن، يك غروب، ناپلئون، بورژیا، ترستان وایزوت، آتلانتا، مانفروبلن، دیانا، دریای چراغ، فردريك وليعهد پروس، گوته، واگنر، بیسمارك، مردم و تاج، آزادی، نبوغ و شخصیت، ویلهلم دوم، مسیح فرزند انسان، نیل، روزولت و مدیرانه.



لورکا، فدریکو

فدریکو گارسیا لورکا شاعر برجسته اسپانیایی در ۵ ژوئن سال ۱۸۹۹ در دهکده فونتوکرو در ایالت قرناطه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در آلمریا به پایان رسانید و در همین شهر بود که در سال ۱۹۲۳ لیسانس خود را در رشته ادبیات و حقوق گرفت. در سال ۱۹۱۹ روانه مادرید شد و در آنجا با دالی، بونوئل و خوزه برگامتن آشنایی یافت. در سال ۱۹۲۱ «کتاب شعرها»ی او انتشار یافت. در بهار ۱۹۳۰ به نیویورک و کویسا رفت. در سال ۱۹۳۱ با ادوارد دوگارت که مدیر تئاتر دانشگاه باراکا بود همکاری کرد و در چند نمایشنامه شرکت نمود.

لوساژ، آلن

آلن رنه لوساژ از نویسندگان دراماتیک قرن هفدهم و هیجدهم فرانسه است که در سال ۱۶۶۸ متولد گردید. در کودکی یتیم شد و قیامش تمام دارایی او را خورد و او مجبور گشت که خود برای امرار معاش کار کند. بدین جهت دست به ترجمه و تألیف آثار ادبی زد و نمایشنامه‌هایی نیز با اقتباس از آثار ادبی اسپانیا بوجود آورد.

لوساژ گرچه تمام عمر در پاریس می‌زیست، لیکن با هیچیک از محافل ادبی دوستی و رفت و آمد نداشت. تنها راه رفع احتیاجاتش هنرش بود و همیشه از جاه‌طلبی برحذر بود. در بعضی آثارش بشدت از وضع اجتماعات آن روز که مبنای آنها بیشتر بر کلاهبرداری و حقه‌بازیهای مزورانه بوده است انتقاد می‌نماید. گرچه لوساژ موضوع بیشتر داستانهای خویش را از رمانهای اسپانیا و نویسندگان آنها اقتباس نموده است، ولی او با هنرمندی خویش آنها را به طرز جالب‌تر و زیباتری درآورد که هم اکنون از بهترین آثار ادبی فرانسه به شمار می‌روند. برای مثال کتاب شیطان لنگ (۱۷۰۷) را نام می‌بریم. این کتاب به وسیله نویسنده دیگری از اهالی اسپانیا به نام «دوگوارا» نوشته شده و لوساژ نیز خود اعتراف می‌کند که برای خلق این اثر از نویسنده اسپانیایی کمک گرفته و موضوع داستان را از او اقتباس نموده است ولی سبکی که لوساژ در این کتاب به کار برده مسلماً جالب‌تر و بهتر از روش نویسنده اسپانیایی است.

آلن رنه لوساژ، در سال ۱۷۴۱ چشم از جهان بر بست. مهمترین آثار لوساژ عبارتند از: ژیل بلاس، شیطان لنگ، فارغ‌التحصیل سالامانک، ماجراهای بوشن، کریسپین رقیب از باب خویش است، استبانیل گونزالس و تورکاه.

لوکا، امیل

امیل لوکا نویسنده معروف اتریشی در سال ۱۸۷۷ در شهر وین متولد شد. نخستین آثاری که انتشار داد مربوط به فلسفه و روانشناسی بود. اثر معروف او در رشته اخیر کتاب «تخیل» است که اصول قدرت خلاقه فکری را برای اولین بار تشریح و با آن علمی را که «کاراکتریولوژی» نامیده می‌شود پی‌ریزی کرده است. اندکی بعد، لوکا شروع به نشر رمانها و داستانهای کوتاه کرد که همه آنها براساس تحلیل و تجزیه عواطف و احساسات روحی نوشته شده. اشعار او نیز در آلمان مورد توجه و علاقه بسیار قرار گرفت. نخستین رمان بزرگ او رمان «مرگ و زندگی» بود که قهرمان آن شخصی است که به جنون تحلیل و تجزیه عواطف خودش گرفتار است و از این راه زندگی را برای خود به صورت شکنجه‌ای درآورده است و شاید لوکا در این کتاب در حقیقت خودش را نقاشی کرده باشد. دو رمان معروف دیگر او ترستان و ایزولد و یک دختر باکره هر دو در ادبیات آلمان مقامی خاص دارند. در رمان اخیر وی تراژدی روحی دخترانی را که بخاطر آزادی و دوری از زندگی پر هیجان خانوادگی به سراغ تحصیلات عمیق می‌روند و «دکتر» و «پروفیسور» می‌شوند ولی آنچه را که همیشه دنبالش هستند به دست نمی‌آورند، تشریح می‌کند. با انتشار این رمان در آلمان تپ تازه‌ای از این دختران وارد ادبیات شد. کتاب دیگر او به نام آریان و آمریکا در سال ۱۹۱۰ بهترین رمان زبان آلمانی شناخته شد.

لومومبا، پاتریس (سیاستمدار)

سیاستمدار سیاهپوست کنگویی، متولد سال ۱۹۲۵ در ایالت ادیانتال، فارغ‌التحصیل مدارس ابتدایی کنگو و مدرسه عیسویان تیسویل و استانلی-ویل. لومومبا از اوایل دوره تحصیلات متوسطه خود افکار استقلال طلبی داشت و به همین جهت مورد

رساله محتشم قرن‌ها بدو منسوب بوده از ۲۱۳ تا ۲۷۴ بعد از میلاد می‌زیسته و حال آنکه می‌بایستی این رساله ۵۰ سال پیش از میلاد نوشته شده باشد. شاعران و نقادان چندی به استعمال سبکی که اصولاً توسط این افلاطونی ناشناس انشاء گردیده ادامه می‌دهند همان طوری که بوالو، میلتن، تابورک و کانت، علم زیبایی شناسی و نقد را از این نویسنده الهام گرفته‌اند.



خشم بلژیکیها قرار گرفت (۱۹۴۱).

در پایان سال ۱۹۵۴ بود که موفق به اخذ درجه لیسانس دانشکده سوریل فرانسه (به وسیله مکاتبه) شد. در سال ۱۹۴۹ وارد اداره پست کنگو شد. وی پس از اتمام تحصیلات خود یک حزب سیاسی تشکیل داد و مبارزه به خاطر استقلال را تشدید نمود. طی این جریان‌ها چندین بار دستگیر و تبعید شد تا آنکه بلژیکیها از او دعوت نمودند که برای مذاکره درباره استقلال کنگو به بروکسل برود. در بازگشت انتخابات کنگو آغاز شد، حزب لومومبا اکثریت آورد و به این طریق می‌بایستی رئیس جمهور شود ولی او خود شخصاً با ریاست جمهوری کازابو موافقت نمود و تنها سمت نخست وزیری را به عهده گرفت. بعد از استقلال کنگو اختلافات شدیدی بین لومومبا و سایر رجال درگرفت و لومومبا جان خویش را بر سر این تحریکات گذاشت و در ششم فوریه ۱۹۶۱ به طرز فجیعی در کاتانگا به قتل رسید.

لونژن، کاسیوس

کاسیوس لونژن احتمالاً به سال ۲۷۴ قبل از میلاد متولد شد. او مؤلف «رساله محتشم» و بعد از ارسطو، بزرگترین نقاد ادبی یونان قدیم نامیده شده. راجع به او هیچ چیزی درست نیست، تنها یک موضوع مسلم است و آن اینکه لونژن وزیر ملکه «زنوبی پالمیر» مؤلف این رساله نیست. لونژن که



لین، دیوید

دیوید لین فیلمساز مشهور و قدیمی انگلیسی متولد ۱۹۰۸ کرویدون می‌باشد که از نوزده سالگی کارش را در کارگاههای فیلمبرداری آغاز می‌کند. بعد از یک سال یعنی در ۱۹۲۸ با سمت دستیار فیلمبردار در کمپانی گومون استخدام می‌شود. چندی نیز به عنوان دستیار اتاق تدوین فعالیت می‌نماید تا اینکه در اواخر ۱۹۲۸ به مقام دستیار کارگردانی می‌رسد. بعد از دو سال یعنی از ۱۹۳۰ به تدوین فیلم می‌پردازد. بالاخره اولین فیلمش را در ۱۹۴۲ با همکاری نونل کووارد کارگردانی می‌کند. البته این همکاری و اقتباس از نوشته‌های کووارد در سه فیلم بعدی دیوید لین تکرار می‌شود. دیوید لین دوبار برنده جایزه اسکار گردیده، بار اول به خاطر فیلم «پل رودخانه کوای» (۱۹۵۷) و بار دوم به خاطر فیلم «لارنس عربستان» (۱۹۶۲). او ضمناً در فیلم

برده‌فروشان جنوب، کشور را به جنگ داخلی کشیدند. این جنگ طولانی سرانجام به شکست نیروهای ژنرال لی و پیروزی لینکلن انجامید و عصر نوینی در تاریخ آمریکا آغاز شد. از پایان جنگهای داخلی ۵ سال نگذشته بود که در ۱۸۶۵ لینکلن را به قتل رساندند تا از آبادانی سرزمینهای جنوب جلوگیری کنند.

لینکلن رئیس جمهوری آزادی بخش، نویسنده‌ای توانا و سخنرانی بلندپایه بود. مردم دوستی و روشن بینی این رادمرد گرانبامه را از آثارش می‌توان دریافت.

ماتیسن

س. م. ماتیسن از نویسندگان معاصر انگلیسی است که متأسفانه به عللی از جمله گوشه‌گیری وی از اجتماع، خصوصیات کامل زندگی او را نمی‌دانیم لیکن روشن است که وی در حوالی قصبه «لیس‌کرد» متولد گشت و دوران خویش را نیز در همین جا سرنموده است.

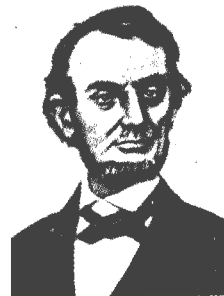
به علت علاقه زیادش به کشاورزی در کالج «اسپارت شولت» در شهر «وینچستر» به فرا گرفتن این فن اشتغال یافت. در جنگ جهانی اول به عضویت سازمان زنان مخصوص کمک به کشاورزان درآمد و یکی از اعضای فعال این دسته گردید.

در سال ۱۹۱۸ ولیعهد کشور، سمت میرآخوری خود را در ایالت کورن‌وال به وی تفویض نمود، لیکن پس از مدت کوتاهی دست از این کار کشید و به «پرنس تاون» رفت و تا به آخر عمر گوشه‌انزوا اختیار نمود.

از این پس زندگی او در پرده‌ای از ابهام فرو می‌رود و دیگر کمتر با مردم تماس می‌گیرد. مردم آن زمان استقبال چندانی از آثار او نمی‌کردند و شاید همین بی‌اعتنایی مردم باعث گوشه‌گیری وی از

«بزرگترین داستان عالم»، صحنه‌های «کلودرینز» را کارگردانی می‌کند. دیوید لین دوبار ازدواج کرد که زن اولش کی والش و زن دومش آن تاد نام داشتند. سه فیلم از آثار دیوید لین، در میان صد فیلم پر فروش تاریخ سینما قرار دارند که این برای هر فیلمسازی غرورانگیز است. دیوید لین در سال ۱۹۹۱ وفات یافت.

تعدادی از مهمترین آثار سینمایی دیوید لین عبارتند از: الیورتویست (در ایران: یتیم - ۱۹۴۸)، دوستان پرشور (۱۹۴۹)، انتخاب اضطراری (۱۹۵۳)، تابستان پرخاطره (۱۹۵۵)، بل رودخانه کوای (۱۹۵۷)، لورنس عربستان (۱۹۶۲)، دکتر زیواگو (۱۹۶۵)، دختر رایان (۱۹۷۰)، گذرگاهی به هندوستان (۱۹۸۴).



لینکلن، آبراهام (سیاستمدار)

آبراهام لینکلن به سال ۱۸۰۹ به دنیا آمد و در هفت سالگی بی‌مادر شد. پیش از یک سال به مدرسه ترفت ولی همواره با کتاب سر و کار می‌داشت. تا سی سالگی کارهای مختلف در پیش گرفت و از ۱۸۳۹ به شغل قضاوت پرداخت. لینکلن پیوسته با کرجی خود در رودخانه‌ها سفر می‌کرد و به تماشای بازارهای برده‌فروشی می‌رفت. به سال ۱۸۴۶ به نمایندگی کنگره رسید و در ۱۸۵۸ پرچم مبارزه با برده‌فروشی را برافراشت. چون بر اثر استقبال مردم، لینکلن به ریاست جمهوری آمریکا رسید، زمین‌داران و



اجتماع گردیده باشد. سبک ماتیس در نویسندگی آنچنان که به خوبی از کتاب «پر» هویداست رمانتیسیم می باشد. از او تعدادی کتاب برجا مانده که معروف تر از همه پر و مورنای سبزپوش می باشند.

ماخ، ارنست (فیزیکدان)

ارنست ماخ فیزیکدان و فیلسوف اتریشی در سال ۱۸۳۶ متولد گردید. ارنست ماخ با انتقاد از اصول مکانیک کلاسیک جزو پیشقدمان نظریه انیشتین در مورد ایجاد مکانیک نسبیتی قرار گرفته است. وی انتقادات خود را نسبت به اصول مکانیک کلاسیک در دو کتاب به نام «مکانیک» منتشر نمود. تاریخ فوت فیلسوف اتریشی به سال ۱۹۱۶ می باشد.

مادام کوری (کاشف)

ماری اسکلو دووسکا در هفتم نوامبر ۱۸۶۷ در ورشو متولد شد. در بیست و سه سالگی برای دریافت دانشنامه لیسانس علوم از سوربون به پاریس رفت. وی در سال ۱۸۹۵ با پییر کوری استاد فیزیک و شیمی شهر پاریس ازدواج نمود. ماری اسکلودووسکا را که بعد از ازدواجش به عنوان مادام کوری می شناسیم برای گذراندن دوره دکترای خود بنا به پیشنهاد شوهرش درصدد جستجوی اجسامی غیر از اورانیوم که دارای همان خواص باشند برآمد. مادام کوری مواد معدنی را مورد آزمایش قرار داد و ملاحظه نمود که تشعشع یکی از مواد معدنی به نام «پسبلاند» به مراتب قوی تر از اورانیوم است.

مادام کوری و شوهرش هر دو مشغول کار شدند و روزهای هیجدهم و بیست و ششم ژوئیه سال ۱۸۹۸ به اکتشاف پولوتونیوم و رادیم موفق گردیدند. پییر کوری به اتفاق بکرل و مادام کوری در سال ۱۹۰۳ به دریافت جایزه نوبل مفتخر شد، ولی

در سال ۱۹۰۶ در ۴۷ سالگی به علت تصادف با اتومبیل درگذشت. مادام کوری پس از مرگ شوهرش به مطالعات خود ادامه داد و در سال ۱۹۱۰ موفق به تهیه رادیوم خالص گردید. در این هنگام استاد سوربون و عضو آکادمی علوم شد و در سال ۱۹۱۱ برای دومین بار به دریافت جایزه نوبل نایل شد. مادام کوری در چهارم ژوئیه ۱۹۳۴ یعنی بیست و هشت سال بعد از شوهرش درگذشت.



مارکز، گارسیا

گابریل گارسیا مارکز - و به قول دوستانش گابو - در سال ۱۹۲۸ در آراکاتاکا، از شهرهای کوچک کلمبیا به دنیا آمد. این شهر کنار یک مزرعه موزکاری در نزدیکیهای محلی به نام ماکوندو قرار دارد و به مراتب از آراکاتاکا کوچکتر و در دل هیچستانی بنا شده که گارسیا مارکز از کودکی در آنجا به کشف و سیاحت می پرداخته است.

دستنویسش را که به دورش رویان رنگینی پیچیده بود، در قعر چمدانی مدفون کرد. بعد، برای ازدواج با نامزدش مرسدس، همان مرسدس «مخمور چشم» صد سال تنهایی که نامزد گابریل می‌شود به کلمبیا برگشت. سپس چند سالی در ونزویلا بسر برد که در آنجا ضمن کار روزنامه‌نویسی کتاب تشییع جنازهٔ مادر بزرگ را نوشت. بعد در مقام نمایندهٔ خبرگزاری کوبایی پرنسالاتینا، از کاراکاس به نیویورک شتافت. اما پس از چند ماه از این شغل استعفا داد و پس از آنکه جنوب ایالات متحده را گشت، در سال ۱۹۶۱ چند سالی در مکزیکو ماندگار شد. و باز در آنجا هم دوستان گارسیا مارکز بودند که ترتیب انتشار دو کتاب آخرش را در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ دادند و این همزمان با نشر کتاب روزگار فلاکت بود که در مکزیکو نوشته شد و برندهٔ جایزه مسابقه ادبی کلمبیا شد. در اینجا هم پس از آنکه به اصرار دوستان عنوان داستان را به این قوم پلید برگرداند، هم به تشویق و توصیه آنان دستنویس داستانش را برای شرکت در مسابقه فرستاد.



مارکس، کارل

کارل مارکس فیلسوف سوسیالیست مشرب آلمانی در سال ۱۸۱۸ متولد شد. او صاحب آراء و افکار تازه در اقتصاد و سیاست و اجتماع بود و یکی از موجدین مکتب سوسیالیست افراطی به شمار

سالها بعد، گارسیا مارکز این سرزمین اساطیری را که بعدها محل وقوع بسیاری از داستانهایش شد، ماکوندو نامید که با کتاب صد سال تنهایی، حلقهٔ این داستانهها کامل می‌شود. نوشتن صدسال تنهایی را گارسیا مارکز در هجده سالگی آغاز کرد. اما به خاطر جوانی و خامی و از آنجا که «... نه از زندگی تجربه‌ای داشت و نه از ادبیات بهره‌ای...» این کتاب را - که آنوقتها نامش را «خانه» گذاشته بود - به پایان نبرد و در عوض به نوشتن اولین کتابش، توفان برگ پرداخت. بعد از سالها تلاش و تقلا که تا سال ۱۹۶۷ طول کشید، بالاخره پنجمین کتابش صد سال تنهایی را نوشت که در بوئوس آیرس منتشر شد. ماریو بارگاس یوسا رمان نویس پرویی در باره اش نوشت: «...گویی زلزله‌ای ادبی در سراسر امریکای لاتین رخ داده است. این کتاب هم از چشم منتقدان شاهکاری از هنر رمان نویسی است و هم تجدید چاپهای فوری آن مؤید این نظر از سوی مردم است. گویا یکشبه گارسیا مارکز ره صدساله رفته و شهرتی هم ارز بزرگترین بازیکنان فوتبال یا مشهورترین خوانندگان بولرو بهم زده است.» در سال ۱۹۶۹ فرهنگستان فرانسه ترجمهٔ این کتاب را به عنوان بهترین کتاب خارجی سال برگزید و ترجمه‌های دیگر نیز به نوبه خود چنین سرنوشتی یافتند.

گارسیا مارکز شهرت و موفقیت خود را مدیون دوستانش است - دوستانش بودند که وقتی در مقام خبرنگار روزنامهٔ ال اسپکتادور در سال ۱۹۵۴ به ایتالیا سفر کرد، دستنویس توفان برگ او را که در کشوی میز تحریرش جا مانده بود، در سال ۱۹۵۵ به چاپخانه سپردند. بعد، در سال ۱۹۵۷، پس از آنکه رژیم دیکتاتوری روخاس پینیا در روزنامه را بست، گارسیا مارکز که در هتل لاتین کوارتر با قرض و قول روزگار می‌گذرانید، داستان کسی به سرهنگ‌نامه نمی‌نویسد را نوشت. ولی چون آن را ضعیف یافته بود

مارینونی

ایبولیت مارینونی عالم فرانسوی در سال ۱۸۲۳ به دنیا آمد. وی مخترع ماشین چاپ روتاتیو (طریقه جدیدی است برای چاپ روزنامه‌ها و مجلات کثیرالانتشار. در این چاپ حرفچینی و چاپ همه به طور اتوماتیک انجام می‌شود و راندمان آن نسبت به ماشینهای چاپ معمولی چندین برابر است) می‌باشد. ابتدا شاگرد یکی از مؤسسات کوچک مکانیکی گردید. بعداً رفته رفته صاحب مؤسسه شد و آن محل را توسعه بسیار دارد و کارخانه ساختن ماشین احداث نمود. یک ماشین پنبه پاک کنی و ماشین تا کردن روزنامه ساخت و روزبروز اختراعات خود را تکمیل کرد تا توانست ماشین روتاتیو را که ساعتی ۶۰۰۰۰۰ نسخه روزنامه چاپ می‌کند عرضه کند. اختراع ماشین چاپ چندرنگ نیز از اختراعات اوست. مرگ وی به سال ۱۹۰۴ اتفاق افتاد.

مازراس، آلفونس

آلفونس مازراس، از نویسندگان برجسته اسپانیولی در آغاز قرن کنونی است. وی به سال ۱۸۸۴ در «کاتالونیا» متولد شد. از چهارده سالگی به سرودن اشعار و نوشتن داستانهای کوتاه و مقالات انتقادی و ادبی پرداخت. که همه در روزنامه‌های محلی کاتالونیا به چاپ رسید. در نوزده سالگی پس از ختم تحصیلات خود به پاریس رفت و دو سال در آنجا ماند سپس به بارسلون رفت و سردبیر یک روزنامه مهم یومیه شد.

اندکی بعد دست از روزنامه نویسی برداشت و صرفاً به ادبیات پرداخت. مجموعه اشعار او به نام «دلیریوم» با موفقیت مواجه شد، ولی موفقیت اصلی وی مربوط به انتشار رمان معروف «ادمون» بود که آن را آغاز تحولی در داستان نویسی اسپانیا دانستند. در سال ۱۹۰۹ رمان دیگر او به نام تازه پسر شهرتی

می‌آید. کتاب مشهور سرمایه خلاصه‌ای است از آراء و عقاید مارکس. وی به دستگیری انگلس نخستین مانیفست کمونیسم را تدوین کرد و خود مؤسس اولین کنگره بین‌المللی کمونیسم (بین‌الملل اول) گردید. فلسفه او که به مارکسیسم مشهور است بر اساس ماتریالیسم استوار گردیده و کلیه تحولات اقتصادی و حتی تاریخی را معلول عوامل مادی می‌داند و با تمرکز سرمایه در دست عده‌ای معدود مخالف و رژیم سرمایه‌داری را محکوم به زوال و راه تأمین یک سیستم عادلانه را در استقرار رژیم تعاون در اقتصاد و بالا بردن ارزش کار و جاننشین ساختن کار بجای سرمایه می‌داند. مارکس در سال ۱۸۸۳ درگذشت

مارکنی (مخترع)

گوگلیلمو مارکنی در سال ۱۸۷۴ در ایتالیا تولد یافت و تحصیلات منظم و خوبی را گذرانید. از آغاز جوانی به رشته برق علاقه فراوانی داشت و هر خبری که راجع به برق در مجلات و روزنامه‌ها و جاهای دیگری می‌یافت با دقت می‌خواند. در دوران دبیرستان با دانشمندان بزرگ مکاتبه و سنوالاتی راجع به برق از آنان می‌کرد.

در آن روزگار، هنریش رودلف هرتر آلمانی راجع به برق و اینکه فضا و هوا ناقل امواج الکتریکی می‌تواند باشد یا نه بحث می‌کرد.

مارکنی پس از کسب اطلاعات مختلف و متفرق در زمینه برق و حرکت امواج الکتریکی در هوا به آزمایشی دست زد که پس از مدتی دراز کوشش وی منتهی به اختراع رادیو شد. پس از اینکه اختراع خود را به ثبت رسانید اخباری به فاصله ۲۰ کیلومتری مخابره کرد، تا سرانجام در سال ۱۹۱۰ طریقه فرستادن خبر را به طور صحیح و فنی کشف و از آن پس اختراع را کاملتر کرد. مارکنی به سال ۱۹۴۷ درگذشت

سرمینه‌های استوایی می‌باشند که ماژلان به اتفاق همراهان خود آنجا را تسخیر نموده و ذخایر فراوانی از ادویه را بار کشتیهای خود کردند. کشف راهی به طرف هندوستان از طرف دماغه امید نیک از اکتشافات وی بود. این دریانورد شجاع در سال ۱۵۲۱ در زدو خوردی نابهنگام هلاک گردید.

ماکسول، جیمز کلرک (فیزیکدان)

ماکسول در سیزدهم نوامبر ۱۸۳۱ در ادیمبورگ متولد شد و از کودکی به ریاضیات و فیزیک علاقه فراوانی داشت، چنان که در پانزده سالگی یکی از اکتشافات خود را در قسمت ریاضی به جامعه پادشاهی تقدیم نمود.

در سال ۱۸۶۰ برای تدریس فیزیک در کالج پادشاهی لندن پذیرفته شده بود و در همین جا افتخار آشنایی با استاد عالیقدر فارادی را به دست آورد و به مطالعه مقایسه سرعت نور و سرعت مغناطیسی که مورد توجه استاد بود پرداخت. ماکسول پس از یک سری مطالعات و نوشتن معادلات بی‌شمار اظهار داشت که در حقیقت موجات نورانی و موجات الکترومغناطیسی چیز واحدی هستند.

در سال ۱۸۶۹ این نظریه تأیید شد و نابهغه قرن نوزدهم ثابت نمود که نور چیزی جز ترکیب موجات الکتریکی و موجات مغناطیسی نیست.

ولی در همین هنگام بود که فارادی فوت نمود و شاگردش تنها در مقابل تمسخر و انتقاد مردم قرار گرفت و همین امر باعث توقف کار ماکسول گردید. وی به اسکاتلند رفت و مدت پنج سال تمام به مطالعه و تفکر پرداخت. در سال ۱۸۷۳ کتاب خود را به نام «دوره الکتریسته و مغناطیس» منتشر ساخت و بلافاصله به سمت استاد کرسی فیزیک دانشگاه انتخاب شد ولی عمرش کوتاه بود و در پنجم نوامبر سال ۱۸۷۹ در چهل و نه سالگی وفات یافت.

فراوان یافت و او را در ردیف بزرگترین نویسندگان اسپانیا قرار داد. از میان آثار او می‌توان پایان یک ماجرای عشقی و گفتار و کردار استاد مارتی را نام برد.

مازیار (ماه ایزدیار)

در سال ۲۰۸ ه.ق از جانب خلیفه مأمون عباسی حاکم قسمت کوهستانی طبرستان و رویان و ماوند شد و در اندک مدتی سراسر طبرستان را به تصرف درآورد و از سال ۲۲۴ به تحریک افشین از اطاعت خلیفه سرپیچید و مجدداً به دین زرتشتی درآمد و به منظور احیاء استقلال ایران با بابک خرمنی یکی دیگر از مخالفان خلیفه مأمون، علیه دستگاه بیگانه تازیان پیمان بست ولی کوهیار برادر جنایتکار مازیار، به امید اینکه خود بر طبرستان حکومت کند وسایل دستگیری مازیار را به دست عمال خلیفه فراهم ساخت. مازیار پس از تحمل شکنجه‌ها، زیر تازیانه دژخیمان معتصم خلیفه عباسی در سال ۲۳۰ ه.ق در بغداد جان سپرد.

ماژلان (جهانگرد)

فردیناند ماژلان دریانورد معروف پرتغالی در سال ۱۴۸۰ متولد گردید. او را می‌توان اولین مسافر به دور دنیا دانست. در جوانی به خدمت سربازی جزو هیأتی که پادشاه پرتغال به جزایر هند خاوری می‌فرستاد درآمد. در آن زمان پرتغالیها در پی توسعه منافع بازرگانی خود بودند و دائماً با بومیان جزایر و مردم سواحل در پیکار و جنگ بودند و ماژلان نیز در این پیکارها شرکت می‌جست و دلیریهای فراوان از خود نشان می‌داد، تا بالاخره به منصب فرماندهی نایل آمد و آنگاه مأموریت یافت که به اکتشافات در جزایر ادویه برود. این جزایر که امروز به نام «ملوک» مشهورند و نزدیک گینه جدید واقع هستند از



ماکسیم گورکی

ماکسیم گورکی نام مستعار آلکسی ماکسیموویچ پشکوف نویسنده شهیر روسی است. وی در سال ۱۸۶۸ در «نیژنی نوو گوردو» چشم به دنیا گشود. پدرش در پنج سالگی او مرد و مادرش دوباره ازدواج کرد. گورکی در کودکی در خانه پدر مادرش که یک صباغ بود زندگی می‌کرد، اما وضع زندگی پدر بزرگ هر روز بدتر از پیش می‌شد و گورگی مجبور شد در نه سالگی معاش خود را تأمین کند. از این سال تا پانزده سال بعد وی در جستجوی شغل تمام صفحات شرقی و جنوب روسیه را از نیژنی تا دانوب و گرجستان زیر پا گذاشت و در عین حال کوشش می‌کرد تحصیل کند و به مطالعه بپردازد.

وی داستان نویسی را خیلی زود شروع کرد. وقتی در تفلیس در کارگاه خطوط آهن کار می‌کرد موفق شد یک داستان خود را در روزنامه محلی تفلیس منتشر سازد. او، ماکسیم گورکی نام مستعار خود را از آن زمان انتخاب کرد. ماکسیم گورکی به زبان روسی معنی «پند تلخ» را می‌دهد. در این زمان او یک روزنامه نویس شهرستانی شد و در سال ۱۸۹۵ یک مجله معروف پترزبورگ داستان معروف او «چلکاش» را منتشر ساخت. دو سال بعد داستانهای او به صورت کتاب انتشار یافت و موفقیت بسیار درخشانی پیدا کرد. گورکی اندک اندک احساس کرد

که در نظر مردم روسیه مقامی نظیر تولستوی دارد. چیزی نگذشت که آوازه شهرت او از مرزهای روسیه عبور کرد و نام او در ردیف مشاهیر جهان ادب درآمد. از سال ۱۸۹۹ گورکی داستانها و نمایشنامه‌های بلندتر و طولانی‌تری نوشت. گورکی در این آثار بزرگ خود با یک دید عمیق و وسیع زندگی مردم روسیه را مورد توجه قرار داد و برای حل مشکلات اجتماع در جستجوی راه‌های قاطع و نتیجه‌بخش درآمد.

داستان معروف او «مادر» که برای طبقه کارگر روسیه نوشته شده است در روسیه شوروی به صورت یک فیلم عظیم درآمد. دوره سوم زندگی ادبی گورکی با انتشار کتاب «دوران کودکی» در ۱۹۱۳ آغاز می‌شود. کتابهای بعدی او به نام «در جهان»، «دانشکده‌های من»، «یادبودهای جوانی من» و «میراث» همه شرح حال زندگی اوست.

داستانهایی که گورکی در این عهد نگاشت همه از آثار جاویدان ادبی جهان است. گورکی در روش خاص داستان نویسی خود که کاراکترهای مخصوص روسها را بخوبی شرح می‌دهد، در ادبیات روسیه رقیب ندارد. بعد از ۱۹۲۶ گورکی به داستانهای اجتماعی تمایل کرد. گورکی در سال ۱۹۳۶ جهان را بدرود گفت.

ماکیاولی، نیکلا

نیکلا ماکیاولی سیاستمدار و مورخ ایتالیایی در سال ۱۴۶۹ در فلورانس به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در سال ۱۴۹۴ به خدمت دولت درآمد. در این دوران به سفرهای زیادی رفت و سرزمینهای تازه‌ای دید که از آن میان سفری به دربار قیصر «بورژیا» در او اثر بسیار برجای گذارد. در ۱۵۰۶ به وزارت جنگ جمهوری فلورانس برگزیده شد. حکومت جمهوری به سال ۱۵۱۲ از کار افتاد و

گردونه‌های آلتنبورگ و روان‌شناسی هنر را نام برد. مالرو در سال ۱۹۷۶ درگذشت

مان، آنتونی

آنتونی مان سینماگر برجسته آمریکایی متولد سال ۱۹۰۶ در سن دیه‌گو، که نام اصلی‌اش «امیل باندزمان» است. او کسی بود که دوران کودکی‌اش را در بیابانها و دشتهای غرب آمریکا گذراند و در ۱۶ سالگی از زادگاهش درآمد و به گردش در آمریکا پرداخت. در ۲۴ سالگی با شش سال سابقه کار توانست کارگردان تئاتر شود و با رژیورهای معروف تئاترهای نیویورکی مثل روبن ماملیان، دیوید بلاسکو و چستر ارسکین کار کرد تا اینکه در سال ۱۹۳۸ دیوید سلزنیك تهیه‌کننده معروف، مان را کشف کرده و ابتدا او را به عنوان ستاره‌یاب به استخدام خود درآورده و بعداً پایش را به سینما بازکرد.

پس از گذشت سه سال بالاخره او توانست نخستین فیلم خود را در ۱۹۴۲ کارگردانی کند. در طی این سالها او از همکاری با دیگران نیز خودداری نکرد، چنانکه در سال ۱۹۵۰ کارگردانی «وینچستر ۷۳» را به جای فریتزلانگ انجام داد و کارگردانی صحنه آتش‌سوزی شهر رم در فیلم «کجا می‌روی؟» را بدون ذکر نام به عهده گرفت و در سال ۱۹۶۰ فیلم اسپارتاکوس را شروع کرد که بنا به دلایلی استانیلی



ماکیاولی تبعید و زندانی گردید. از سال ۱۵۱۳ که آزاد شد پژوهشهای خود را در اندیشه‌ها آغاز نمود. وی در نوشته‌های خود تابلویی از يك دولت پرشکوه و نیرومند رسم می‌نماید و راه نیرومند شدن و پیروز گردیدن را به دولت‌ها می‌نمایاند. او کتابهای: «شاهزاده»، «هنر جنگ» و «عبث در باره نخستین دهه تیت‌لیو» را نوشت و مکتب جدیدی به نام ماکیاولیسم را بنیان نهاد. نیکلا ماکیاولی در سال ۱۵۲۷ بدرود زندگانی گفت.



مالرو، آندره

سیاستمدار و داستان‌نویس فرانسوی متولد سال ۱۹۰۱، از سال ۱۹۳۹ الی ۱۹۴۰ در جنگهای داخلی اسپانیا در قسمت هنگ موتوریزه خدمت نمود. در سال ۱۹۴۰ به عنوان زندانی جنگ اسیر گشت اما به فرانسه گریخت و در نهضت مقاومت ملی شروع به فعالیت کرد.

از سال ۱۹۴۵ الی ۱۹۴۶ وزیر اطلاعات بود. در سال ۱۹۵۸ به سمت وزیر فرهنگ و تبلیغات (در کابینه دوگل) انتخاب شد. در سال ۱۹۵۹ در کابینه میشل دیره نیز همین سمت را داشت. موفق به اخذ مدالهای متعددی از جمله لژیون دونور شده است. از تألیفات متعدد وی می‌توان: سرنوشت بشر، ضد خاطرات، امید، وسوسه غرب، جاده شاهی،



پس چند اثر دیگر از او انتشار یافت که به ترتیب می‌توان تریستان، گرسنگان، تولیو کروگر، ساعت دشوار، در آینه، اعلیحضرت، فونتان پیر، شامیو و مرگ در ونیز را نام برد.

کتاب بعدی توماس مان «کوه جادو» نام داشت، که در سال ۱۹۱۲ نوشته شد و چنان اهمیتی به توماس مان بخشید که چند سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۹ جایزه ادبی نوبل به او اهداء گردید.

از دیگر آثار مهم او: گوته و تولستوی، تلاشها، گوته نماینده بورژوازی، ماریو و جادوگر، خلاصه زندگی، یوسف جوان، یوسف در مصر و شوپنهاور می‌باشند.

توماس مان از سال ۱۹۵۳ در قریه کوچک ارنلباخ در نزدیکی شهر زوریخ در کشور سویس اقامت گزید و تا آخر عمر خود را در همانجا گذراند.

مایاکفسکی، ولادیمیر

ولادیمیر مایاکفسکی، در سال ۱۸۹۴ متولد شد. هیچ شاعری در این نیم قرن حکومت شوروی (سابق) مانند او مورد ستایش قرار نگرفته است. علت اساسی این موفقیت فوق‌العاده این بود که گذشته از داشتن افکار تند انقلابی، در طرز شعر گفتن نیز انقلابی پدید آورد. او بوجود آورنده مکتبی تازه در شعر است که «شعر روزنامه‌ای» نام دارد. وی در سال ۱۹۳۰ درگذشت.

کوبریک جایش را گرفت.

مان از سال ۱۹۶۱ ساکن اروپا شد و در ۱۹۶۷ بعد از تهیه و کارگردانی ۳۹ فیلم، در حین فیلمبرداری آخرین اثرش در شهر برلین درگذشت. فیلم مذکور را هنرپیشه اش، لارنس هاروی، بدون ذکر نام وی، به اتمام رسانید.

آنتونی مان یک سری آثار مشهور در زمینه‌های فیلمهای پرشکوه وسترن و حماسه‌های تاریخی دارد که به ویژه آثار وسترن او از شهرت بیشتری برخوردار هستند. وی در دهه ۱۹۵۰ یازده فیلم وسترن ساخته است. قهرمانان مان کمتر از زور بدنی و اسلحه استفاده می‌کنند و همیشه جنبه انسانی قهرمانان فیلمهای وی بر جنبه تخیلی آنها چربیده است.

مهمترین آثار سینمایی مان عبارتند از:

مهباب در هاوانا، نامید، خدایان انتقام، خلیج رعد، مردی از لارامی، سرناد، مردی از غرب، سیمازون، ال سید، سقوط امپراتوری رم و قهرمانان تلمارک.

مان، توماس

توماس مان روز ۶ ژوئن سال ۱۸۷۵ در شهر لوبک که یک بندر در شمال آلمان و جزو شهرهای قدیمی و تاریخی آن کشور است متولد شد. پدرش بازرگان غلات بود که بعدها به مقام سناتور شهر آزاد لوبک رسید.

تحصیلاتش تا ۱۹ سالگی در لوبک گذشت و در سال ۱۸۹۴ دوره دوم دبیرستان را به پایان رساند. مدتی بعد توماس مان در همین شهر به خدمت یک شرکت بیمه وارد شد و در ساعات فراغت نخستین اثر ادبی خود را به نام افتاده‌ها نوشت. در سال ۱۸۹۷ مدتی همراه برادرش هانریش به رم رفت و در همان سال بود که کتاب «بودنبروکها» را آغاز کرد. از آن

ادبی نوبل را ربود و به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب گردید و پادشاه بلژیک در جشن هفتاد سالگی خود او را به لقب اشرافی کنترل ملقب ساخت و پادشاه انگلستان نیز قصری در کشور خود به او تخصیص داد. مترلینگ در جمیع فنون شعر و نثر و فلسفه تبحر داشت. آثار نغز و پر مغز او گواه این امر است. جنگ اول و دوم در روحیه مترلینگ آثار بدی بجا گذاشت. نمونه تأثیرات روحی او مقالاتی است که به نام «بقایای جنگ» در انگلستان و «کشتار معصومان» در آمریکا انتشار یافته است.

یکی از وقایع بزرگ زندگی مترلینگ ظهور زنی است به نام ژرژت لیلان که خواهر همان موريس لیلان نویسنده داستانهای معروف «آرسن لوپن» است. کمکهای این زن به مترلینگ بی حد و حساب است. در سال ۱۹۴۰ پس از حمله هیتلر به بلژیک، مترلینگ باتفاق ژرژت به آمریکا گریخت و تا آخر عمر در همان کشور اقامت داشت. ژرژت در سال ۱۹۴۱ جهان را بدرود گفت و موريس نیز در سال ۱۹۴۹ بر اثر سکته قلبی درگذشت.

مترلینگ به ترجمه آثار دیگران علاقه داشت و شکسپیر را تجلیل می کرد. مترلینگ در آثار فلسفی خود مسایل تازه ای را طرح کرد که مجامع مذهبی و اخلاقی جهان را برضد خود شوراند. اینک چند اثر از آثار او:

عقل و سرنوشت (۱۸۹۸)، فراست گلما (۱۹۰۷)، مرگ (۱۹۱۲)، زندگی زنبوران عسل (۱۹۰۱) مورچگان (۱۹۳۱)، موریانه (۱۹۲۶)، عنکبوت زجاجی (۱۹۳۵)، در برابر خدا (۱۹۳۷)، شاهزاده خانم مالن (۱۸۹۷)، پرنده آبی (۱۹۰۸)، معجزه سن آنتوان (۱۹۰۳)، موناوانا (۱۹۰۲) و اندیشه های يك مغز بزرگ.



مترلینگ، موريس (نویسنده)

«موريس پلیدور برنارد مترلینگ» شاعر، درام نویس، متفکر، نویسنده و محقق بلژیکی در ۲۹ اوت سال ۱۸۶۲ در شهر گان قدم به عرصه وجود نهاد. تحصیلات ابتدائی را در کالج سن برب و تحصیلات عالی را در دانشگاه گان به پایان رسانید و در رشته حقوق دانشنامه گرفت. وی در سال ۱۸۸۶ به عضویت کانون وکلای شهر گان انتخاب شد. اما چون به حقوق بی علاقه بود دست از وکالت کشید و هرگز تا پایان عمر گرد آن نگشت. در سال ۱۸۸۷ با دلی بر از امید به باریس رفت تا در این شهر پر هیاهو نام خود را به عنوان يك نویسنده بزرگ بلندآوازه سازد. اما شش ماه بعد پدرش جان سپرد و او ناگزیر به شهر گان بازگشت.

مترلینگ از سال ۱۸۸۹ نویسندگی را آغاز کرد. يك نمایشنامه نسبتاً عالی او نظر محافل ادبی را جلب کرد اما شهرتش از شهر تجاوز نکرد، ولی چند سال بعد به جایی رسید که وی را شکسپیر بلژیک نامیدند.

در سال ۱۸۹۶ دوباره به پاریس سفر کرد. در آنجا با ارباب علم و ادب و از جمله با رهبران کتب ادبی سمبولیسم آشنایی یافت. در این سفر بود که ساهکارهای جاویدانش را به جهان ادب عرضه کرده بیشتر خود را مشهور ساخت. در سال ۱۹۱۹ جایزه



مقبولیت و احترام بسزایی در میان قاطبۀ اهالی خوانسار برخوردار بود، از همان اوان کودکی محمود به وی توجه خاصی مبذول می‌داشت، زیرا عمیقاً به طبع حساس فرزندش پی برده بود. به همین لحاظ محمود را زیر نظر گرفته و در فرصت‌هایی که به دست می‌آورد فرزند دلبندهش را با اصول مقدماتی فقه و عربی و آثار ادبا و شاعرانی نظیر: سعدی، حافظ، مولانا و غیره آشنا می‌نمود. صوت دلنشین محمود در همان دوران خردسالی همگان را به تحسین و اعجاب وامی‌داشت و او که راه خود را شناخته بود با اشتیاق زائدالوصفی به آواز خوانندگانی مانند: طاهرزاده، ادیب خوانساری و تاج اصفهانی گوش فرا می‌داد و با استفاده از هوش سرشار و استعداد خدادادش از صدای این بزرگان بهره می‌گرفت، مضافاً این که در سال ۱۳۲۵ با احداث کارخانه برق در شهر خوانسار امکان به کارگیری از رادیو در سطح گسترده‌تری برای مردم فراهم گردید و محمود با شنیدن آوای هنرمندان مورد علاقه‌اش همه چیز را به فراموشی می‌سپرد.

محمودی خوانساری در آواز از صدایی گرم و سبکی مخصوص به خود برخوردار بود. وی ضرب را خوب می‌شناخت و می‌نواخت و در اجرای قطعات ضربی احاطه‌ای کامل داشت و به سه تار نیز علاقمند و آشنا بود. وی در اثر مطالعات مستمر در امر شعر و موضوع تلفیق شعر و هنر آواز شناخت

پرنس کلمنس لوترونسل مترنیک در ۱۵ مه ۱۷۷۳ در کیلنتز متولد شد. در استراسبورگ و ماین تحصیل کرد. در سن بیست و هشت سالگی در درسدن به مقام وزارت فرانسوای اول رسید. از ۱۸۱۸ به بعد او برجسته‌ترین و فعالترین شخصیت سیاسی اروپا بود. انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه در تمام کشورهای اروپایی از جمله اتریش تأثیر بسزایی گذاشت و دولت وین سقوط کرد، لذا مترنیک به انگلستان رفت و در ۱۸۵۱ از سیاست کناره‌گیری کرد و در کاخ ژوهانسبورگ راین منزوی گردید و سرانجام در ۱۱ ژوئن ۱۸۵۹ در وین درگذشت.

مجمر اصفهانی

وی در زواره از نواحی اصفهان متولد شده و پس از تحصیل علوم ادبی به تهران آمد و به وسیله نشاط به دربار فتحعلیشاه راه یافت و مورد احترام واقع شد و به لقب «مجتهد الشعراء» ملقب گردید. مجمر در سال ۱۱۲۵ هجری وفات یافت.

محتشم کاشانی

محتشم از شعرای معروف دوره صفویه و معاصر با شاه طهماسب اول بود. وی اشعار دینی و مرثیه نیکو می‌سرود و اصولاً تشویق سلطان صفوی بود که محتشم را از مدح و غزل ساختن به سرودن مرثیه وادار نمود. وی مرثیه غرائی در مرگ برادر خود عبدالغنی سرود. مرگ محتشم در سال ۹۹۶ هجری بوده است.

محمودی خوانساری، محمود

محمود محمودی خوانساری به سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در شهر زیبا و سرسبز خوانسار و خانواده‌ای متقی دیده به جهان گشود. پدرش حجت‌الاسلام آقا سیدجمال‌الدین محمودی که از

اسپانیولی را به خوبی فرا گرفت، پروسپر پس از اتمام مدرسه حقوق به اسپانیا سفر کرد، مشاهده آثار تاریخی و اخلاق و ظواهر مردم این کشور در روحیه وی تأثیری عمیق به جای گذاشت و به همین جهت در اغلب داستانهای او قهرمان و شخصیت‌های اصلی از اهالی اسپانیا می‌باشند. پروسپر مدتی نیز در سالنهای ادبی فرانسه، که گروهی از نویسندگان معروف آنزمان مانند سن بوو و مادام رکامیه در آن شرکت داشتند، رفت و آمد کرد و بعداً فعالیتهای سیاسی خود را آغاز نمود، که نتیجه‌اش رسیدن به نمایندگی مجلس فراماسونری بود. او در سال ۱۸۷۰ در سن شصت و هفت سالگی در شهر گان بدرود حیات گفت. از آثار او می‌توان: دو اشتباه، کولومبا، کولیس و کارمن را نام برد.

مستوفی، حمدالله

نویسنده دانشمند «تاریخ گزیده»، حمداله مستوفی قزوینی متولد سال ۶۸۰ فرزند تاج‌الدین ابوبکر از خاندان مستوفی قزوینی است که نسب خود را به «حرریاحی» می‌رساند.

پدر و برادر حمداله و اعضای مهم این خاندان مصدر مشاغل عالی بوده‌اند و این نویسنده توانا نیز خود دبیر محبوب خواجه رشیدالدین فضل‌اله و ملازم فرزندش غیاث‌الدین رشیدی از وزیران نامدار ایلخانان مغول بوده و زمانی هم سمت فرمانداری و استیفای شهرستان خمسه را داشته است.

این تاریخ نویس بزرگ ۷۰ سال عمر کرد و در سال ۷۵۰ هجری درگذشت. تاریخ گزیده، خلاصه بسیار مفید از سرگذشت جهان تا وزارت غیاث‌الدین رشیدی و شرحی از احوال بزرگانست.

اثر دیگر مستوفی «نزهة القلوب» در جغرافیای ایران و سرزمینهای مجاور آن و وصفی از احوال زمین و آسمان است. این دو اثر شاهد ذوق و توانایی

عمیقی در این زمینه کسب نموده بود که در آثار جاودانه وی این تأثیر به خوبی مشاهده می‌شود. محمود خوانساری در سال ۱۳۶۶ رخت به سرای بافی شتافت.

مراویا، آلبرتو

آلبرتو مراویا، که نام اصلیش آلبرتو پین کروله است، داستانسرای معاصر ایتالیایی است که در ۲۸ نوامبر ۱۹۰۷ در شهر رم پای به عرصه گیتی نهاد. این نویسنده بزرگ در سال ۱۹۲۹ با انتشار اولین داستان خود به نام بی‌تفاوتها که جنبه قوی روان‌شناسی دارد توجه مردم را ناگهان به سوی خود جلب کرد. این داستان که طرحی اعتراضی و روشی رئالیستی دارد در آن سال به وسیله ناشناس ۲۲ ساله‌ای به رشته تحریر درآمد و از همان زمان انقلاب هنر برای هنر در ادبیات ایتالیا به وقوع پیوست.

مضمون تند داستان «بی‌تفاوتها» گفتگو از افرادی می‌کند که زندگی بی‌رحم و سنگدل با قساوت هرچه بیشتر اشتیاق و شور وفای به عهد را در آنان نابود می‌سازد.

مراویا عقیده دارد که روانشناسی و اهمیت مضامین روانی باید در ادبیات وجود داشته باشد. از میان آثار مهم مراویا می‌توان: عشق و زناشویی لیدا، افسانه‌های رومی و سرکشی را نام برد.

مریمه، پروسپر (نویسنده)

پروسپر مریمه یکی از نویسندگان معروف فرانسه است که در بیست و هشتم سپتامبر سال ۱۸۰۳ در پاریس متولد گردید. پدرش ژان فرانسوا مریمه معلم مدرسه هنرهای زیبا بود و مادرش نیز در هنر نقاشی دست داشت.

او ابتدا بر اثر تعلیمات پدر و مادرش به پیشرفتهای زیادی نایل آمد و زبانهای انگلیسی و

شانزده هزار بیت شعر از قصیده، مثنوی، مقطعات، ترجیعات، مسمط و رباعی و غزل است. یکی از مصیبت‌هایی که در زمان بندی بودن وی به او روی آورد فوت پسر شجاع و دلیرش صالح بود که وی را سخت ناراحت نمود. از قصاید معروف وی قصیده حصار نای است.

مسممر (پزشك)

فرانتس آنتوان مسممر در ۱۷۳۳ در اتریش به دنیا آمد و تحصیلات خود را در رشته طب انجام داد. ولی به جای آن که به کار طبابت بپردازد، اوقات خود را صرف مطالعه و تحصیل برای کشف طرق تازه جهت معالجه امراض نمود و پس از مدتها مطالعه موفق شد از هیپنوتیزم برای درمان بسیاری از امراض روحی استفاده کند. حکومت اتریش به تحریک مخالفین او را به جرم جادوگری و شعبده‌بازی به جلائی وطن مجبور ساخت. مسممر ناگزیر به فرانسه رفت و در این کشور نیز شهرت و موفقیت عظیمی به دست آورد.

قدرت او در هیپنوتیزم و تلقین بنفس به حدی بود که در يك جلسه بیماران را خواب می‌کرد و به وسیله تلقین مرض آنها را شفا می‌داد.

سرو صدایی که در اطراف مسممر و معالجات معجزه‌آسای او در فرانسه راه افتاد باز آتش کینه و حسد عده‌ای از اطباء را برانگیخت و لویی پانزدهم هیأتی را مأمور رسیدگی و تحقیق در نحوه معالجات مسممر کرد و این هیأت که از مخالفین مسممر تشکیل یافته بود او را کلاهدار و شعبده‌باز و عوام‌فریب معرفی کرد. بدین ترتیب بار دیگر به دستور حکومت مجبور شد فرانسه را ترك گوید.

سالهای آخر عمر او در سویس به انزوا گذشت و وقتی در ۱۸۱۵ در سن ۷۲ سالگی درگذشت. کسی حدس نمی‌زد که درست صد سال پس از مرگش

نویسنده خود در نثر بلیغ و استوار و شیرین است. مثنوی «ظفرنامه» مستوفی نیز که حاوی ۷۵ هزار بیت از اشعار وی به بحر تقارب است، موضوع آن تاریخ ایران از دوره اسلام تا زمان گوینده می‌باشد و معرف ذوق وی در شعر و شاعری است.

مسعودبن سعدبن سلمان (شاعر)

مسعودبن سعدبن سلمان در لاهور متولد شد. سال تولد او را بعضی ۴۳۸ و عده‌ای ۴۴۰ هجری نوشته‌اند. مسعود سعد پس از کسب علم و دانش، جزء ملازمان سیف‌الدوله محمود پسر ابراهیم بن مسعود به هندوستان رفت. سیف‌الدوله محمود مغضوب پدر شد و بالاخره به امر پدرش سلطان ابراهیم در حدود سال ۴۸۰ هجری گرفتار و زندانی شد و به همین خاطر ملازمان و ندیمان او هم محبوس و دربند شدند، از آن جمله مسعود سعد که مدت هفت سال در قلعه‌های سووهك و سه سال هم در قلعه‌های نای زندانی بود.

پس از ده سالی که مسعود سعد دربند سلطان ابراهیم بود آزاد گردید ولی چندی نکشید دوباره دربند و در قلعه مریخ زندانی گشت. وی مجموع سالهای طولانی را که در قید و زندان بود نوزده سال گفته است. گویند این واقعه به علت بدگویی و تهمت حسودان اتفاق افتاده است. مسعود سعد در دوران زندان رنج فراوان دید، قصایدی که او در روزهای سخت زندگی سروده گواه این مدعاست. وی پس از نوزده سال حبس، در زمان سلطنت بهرامشاه غزنوی با عزت و احترامی شایسته از زندان آزاد شد، ولی به علت سختی‌های فراوان که در این مدت کشیده و در نتیجه شکسته و فرتوت شده بود بیش از سه سال از نعمت آزادی برخوردار نگردیده و در سال ۵۱۵ هجری وفات یافت. مسعود سعد از قصیده سرایان مشهور و بنام زبان فارسی است. دیوان وی شامل

استعداد ذاتی و محیط مناسب، چون از زندگانی تأمین شده‌ای برخوردار بود و مجال تمرین بسیار داشت، سالها کار کرد تا این که به اخذ نشان تیر زین طلا از دست درویش خان نایل آمد و از مبرزترین نوازندگان زمان خود شد.

موسی معروفی در دورانی از تاریخ ایران می‌زیست که اجتماع آن روز، فاقد قابلیت در اختیار گذاشتن بستر مناسب برای پرورش مقاصد وی بوده و تا آنجا که میسر بود، از آزدن و شکستن وی کوتاهی نکرد. سالها در پیچ و خمهای توانفرسای سلسله مراتب اداری در فشار بود و برای انتشار هر یک از آثار خود، زحمات و سختی‌های فراوان کشید. اوقاتی از عمرش در مشاغل بیهوده اداری تلف شد و ناگزیر به هنرستان بازگشت تا کار تعلیم را ادامه دهد. بیش از سی سال برای جمع و تدوین و نوشتن ردیف موسیقی زحمت کشید و مختصر شرح زحمات خود را در مجله موزیک ایران (سال ۱۳۴۱) نوشته که مطالعه آن برای علاقمندان واجب است.

موسی معروفی مردی درویش مسلک و وارسته و به حد افراط پر آرم و مهربان بود. دستی گشاده داشت و مال دنیا در کف او قرار نمی‌گرفت. او در امر تعلیم، سخی و مهربان و پرحوصله بود و استادی دلسوز و مسؤول. ساخته‌های دلنشین او، در همان محدوده موسیقی ایرانی است که تا حد زیادی متأثر از سبک و شیوه آهنگسازی کلنل وزیری است.

موسی معروفی در شهریور ماه سال ۱۳۴۴ از دنیا رفت.

مک آرتور

نظامی آمریکایی، متولد سال ۱۸۸۰، فارغ‌التحصیل دانشگاه نظامی امریکا. در سال ۱۹۰۳ از دانشگاه نظامی فارغ‌التحصیل شده و در سال ۱۹۱۸ به درجه سرهنگی و در آخر

فروید او را پدر روانشناسی و روانپزشکی جدید و نخستین پیشقدم «پسیکانالیز» بخواند.

مشیر همایون شهردار (پیانیست)

مشیر همایون شهردار، در سال ۱۲۶۴ متولد شد. او نخستین پیانیست بزرگ ایرانی است که آکوردهای پیانو را در موسیقی ایرانی وارد کرد. مشیر همایون از روی قواعد سنتور تکنیک پیانوی ایرانی را به وجود آورد و چهار مضراب‌هایی به سبک سنتور برای پیانو ساخت، به علاوه چند پیش‌درآمد برای دشتی، شور، اصفهان و همایون تصنیف کرده است.

معروفی، موسی

موسی معروفی، فرزند امین‌الملک به سال ۱۲۶۸ شمسی متولد تهران، در خانواده‌ی متین و موسیقی دوست بزرگ شد، اکثر اساتید موسیقی سنتی آن روز از معاشران دایمی خانواده او بودند. موسی خان، به موازات تحصیلات قدیمه (کلاسیک)، نزد آقا یوسف صورتگر که از عکاسان خاصه دربار ناصری بود، نواختن سه‌تار را شروع کرد و گاه پیانویز می‌نواخت. سپس به محضر اساتید بزرگ آن زمان و دست‌آخر، نزد درویش خان رفت و شاگردی «یابیرجان» را به اشتیاق پذیرفت. موسی معروفی، غیر از داشتن



صدرالدین محمد شیرازی بعد از ابن سینا مشهورترین دانشمند و فیلسوف ایرانی است. وی در جوانی به اصفهان رفت و در آنجا از مجالس درس شیخ بهائی استفاده می نمود، سپس در قم به تدریس مشغول شد و پس از مدتی به فرمان شاه عباس دوم به زادگاه خود شیراز رفت. از تألیفات او: شواهد الربوبیه، اسفار اربعه و المبداء و المعاد است که به زبان عربی نوشته شده. وی در هفتمین سفری که به حج می کرد در شهر بصره به سال ۱۰۵۰ هجری وفات نمود و در همانجا او را دفن کردند.

ملاهادی سبزواری

حاج ملاهادی فرزند حاج محمد سبزواری در خانواده ای اهل علم در شهر سبزواری متولد گردید. پس از کسب فیض از محضر پدر و فرا گرفتن اصول مقدماتی دانش، برای ادامه تحصیلات ادبی به مشهد رفت، سپس در شهر اصفهان به آموختن علم کلام و فقه و اصول پرداخت و برای امرار معاش، در منازل اعیان شهر خدمت و گهگاه تدریس خصوصی می کرد و پایه تفکرات عظیم و بینش عمیق خود را استوار می نمود.

اندک اندک شهرت مجالس درس و عمق نظرات او و پایه و مایه دانش وی شهرتی در بین مردم فاضل برایش مهیا می کرد و وی به عنوان بزرگترین معلم اخلاق و حکیمی شایسته در فقه و همچنین ادبیات پارسی و تازی شناخته شده بود. درسهایش که رنگ روشن مبارزه با جهل و تعصب داشت خاطر مفتی و شیخ و شحنه را می آزد.

وی از بیسودی گروه بیشمار ملاهای روحانی نما و کج فکر و از عدم قدرت پذیرش مسایل اصولی طلاب رنج می برد و دستهای تبهکاری که پیوسته کوشیده اند واقعیت رفیع اسلام را در پندارهای نابخردانه و خرافه و پیرایه های نامعلوم بیوشانند



سال ۱۹۱۸ به درجه سرلشگری نایل گردید. در سال ۱۹۴۴ به فرماندهی سپاه آمریکا و ریاست ستاد ارتش رسید. وی به اخذ مدالهای متعددی نایل آمده است. ژنرال مک آرتور در جنگهای کره به سمت فرمانده سپاهیان آمریکا شرکت کرده و همان کسی است که معتقد بود ارتش آمریکا باید سرزمین منچوری متعلق به چین کمونیست را بمباران نماید. وی در سال ۱۹۶۴ درگذشت

مک میلان، هارولد (سیاستمدار)

سیاستمدار و ناشر انگلیسی متولد سال ۱۸۹۴. فارغ التحصیل کالج های اتان و بالیوال و آکسفورد، مدیر سابق شرکت مک میلان با مسؤلیت محدود و مدیر شرکت حروف ریزی. از سال ۱۹۱۴ الی ۱۹۱۸ در ارتش خدمت می کرد. مقامهای سیاسی زیادی داشته است. تا سال ۱۹۵۴ با سمت وزیر دفاع به کار ادامه داد. در سال ۱۹۵۵ پست وزارت امور خارجه به وی محول گشت. از سال ۱۹۵۵ الی ۱۹۵۷ پست وزارت مالیه و سرمایه داری انگلستان را عهده دار بود و در ژانویه سال ۱۹۵۷ به نخست وزیری انگلستان نایل آمد. در سال ۱۹۶۰ ریاست دانشگاه آکسفورد نیز به وی تفویض گشت.

ملاصدرا (فیلسوف)

می‌کند و متوجه می‌شود این شخص جز سبزواری کسی دیگر نیست. سبزواری که متوجه می‌شود شناخته شده زن و فرزند را برمی‌دارد یکسره به سبزواری و پس از چندی به سوی مکه و به سفر حج می‌رود. در بازگشت از سفر حج مدت بسیاری نمی‌پاید و به سال ۱۲۸۹ وفات می‌یابد.



منتسکیو (فیلسوف)

نویسنده و فیلسوف فرانسوی در سال ۱۶۸۹ در نزدیکی بوردو پا به جهان گذاشت. با آنکه از خانواده‌ای معتبر بود در میان دهقانان بزرگ شد. تاریخ و حقوق را در بوردو خواند و در ۱۷۰۸ به وکالت دادگستری رسید. در ۲۷ سالگی در آکادمی بوردو خطابه‌ای درباره جنبه‌های سیاسی مذهب درم خواند. در این دوران به علوم طبیعی و فیزیک بیشتر علاقه داشت و بیشتر آثارش در همین زمینه بود. در ۱۷۲۱ «نامه‌های ایرانی» را نوشت که در آن فرانسویان را دعوت می‌کند همانطوری که ایرانیها و اصفهان را نگاه می‌کنند به شهر و رسوم خودتان هم به چشم ایرانیانی بنگرید که به اینجا می‌آیند. از آن پس به سیاست و اخلاق گروید و رساله‌های «شهرت»، «وظیفه» و «گفت‌وگوی سیلا» را نوشت. در عین حال روی علت رعد و برق مطالعه کرد و بالاخره کتاب روح القوانین را منتشر کرد که بزرگترین اثر اوست و بیست سال روی آن کارکرده

می‌شناخت. از همین رو است که می‌بینیم به نگارش کتب عظیم و گراندوری برای شناسایی فلسفه عمیق و زنده اسلامی پرداخت.

از مهمترین آثاری که در این دوران تصنیف کرده است می‌توان کتب «اسرارالحکم» در حکمت الهی را به زبان فارسی و «لالی منتظمه» را نام برد. این دو کتاب آنچنان تحولی در اذهان عموم روشنفکران و غوغایی شگفت در جامعه کهنه‌پرستان و متعصبین برانگیخت تا بدانجا که حاج ملاهادی ناچار شد مخفیانه و به طور ناشناس از راه کویر لوت و خراسان با لباس پادوها به کرمان سفر کند. در کرمان در مدرسه خاندان قلی بیگ که در آن موقع طلبه‌های بی‌شماری داشت به عنوان پادو استخدام شد و چهار سال همچنان بدون اینکه خود را بشناساند به اسم «هادی» ناشناس زیست و فرمانبرداری طلاب می‌کرد. پس از هشت ماه از ورود هادی به کرمان، خادم آن مدرسه مجذوب تقوای بی‌پیرایه و اخلاق عالی این پادو شد و دخترش را به زوجیت او درآورد و حکیم سنت شکن، از این ازدواج دارای دو فرزند شد. ولی همچنان ناشناس بود.

پس از چهار سال که حاجی سیدجواد شیرازی یکی از معلمین بزرگ فقه زمان خویش شرح منظومه «لالی منتظمه» را تدریس می‌کرد تصادفاً سبزواری در پی فرمان خادم از مسجد جامع که حوزه درس بود می‌گذرد و متوجه می‌گردد که چطور افکار او غلط تفسیر و تلقین می‌شود. در پایان درس به دنبال رکاب آقا می‌دود و در کرباس در به آقا می‌گوید: عرضی دارم. آقا که تصور می‌کند تمنایی برای کمک دارد می‌گوید فردا بیا. سبزواری اظهار می‌کند: احتیاجی به کمک ندارم و نیازمند نیستم بلکه تعلیم امروز شما ناپسندم افتاد و بیدرنگ به بحث در آن قسمت می‌پردازد و بی‌تأمل پی کار خود می‌رود. و مرحوم سیدجواد متفکر شده يك ساعت در کرباس در توقف

است. او معتقد است که استبداد بر پایه ترس و سلطنت بر پایه اقتضار و جمهوری بر پایه و روح مدنی استوار است و برای این يك فضیلتی قابل است. او می گوید: «وقتی اصول فاسد شود رژیم سرنگون می گردد». او به تفکیک سه قوه حکومتی معتقد است و این جدایی را ضامن آزادیهای سیاسی می شمارد.

منتسکیو از متفکران بزرگ قرن هجده و از نویسندگان بزرگی بود که در آن زمان مایه انقلاب به شمار آمد. دیگر آثارش «سفرها»، «افکار من»، «تاریخ حقیقی» تا سال ۱۷۳۸ منتشر شد. مجموعه آثار او تنها در سال ۱۹۵۰ به دست مردم رسید. منتسکیو در ۱۷۵۵ در پاریس درگذشت.

مندل

یوهان گریگور مندل عالم اتریشی به سال ۱۸۲۲ در براویا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه هیتردوروف به اتمام رسانید و گاهی اوقات به پدرش در مزرعه کمک می کرد. چون پدر او وضع مالی خوبی نداشت یوهان از آغاز جوانی به تلاش پرداخت و پس از چندی که تحصیلاتش را در مدارس دینی به پایان رسانید به خدمت کلیسا پیوست و در اندک مدتی به مقام کشیشی رسید.

مندل به طبیعت عشقی فراوان داشت و در شغل ولباس کشیشی در باغ کلیسا به بزرگترین اکتشافات که عبارت از کشف قانون وراثت است نایل گشت. وی در سال ۱۸۸۴ میلادی درگذشت.

مندلیف، دیمتری. ایوانوویچ (شیمیدان)

مندلیف زیر و رو کننده علم شیمی و فرزند یکی از مدیران مدرسه محلی در هفتم فوریه ۱۸۳۴ در شهر توبولسک واقع در روسیه متولد شد. وی در سال ۱۸۶۹ دکتر علوم و استاد شیمی دانشگاه شد و در

همین سال ازدواج نمود. در این هنگام فقط شصت و سه عنصر از نظر شیمی دانهها شناخته شده بود. مندلیف در این فکر بود که خواص فیزیکی و شیمیایی عناصر تابعی از جرم اتمی آنها است. بنابر این مطابق با این فکر جدولی درست کرد و شصت و سه عنصر شناخته شده را به ترتیب جرم اتمیشان در جدول قرار داد.

تعداد عناصر در سطرهای جدول یکی نبود، مثلاً سطر پنجم ۳۲ عنصر داشت در حالی که سطر ششم فقط شامل ۶ عنصر بود. ولی عناصری که خواص آنها شبیه هم بود در این جدول نزدیک هم قرار داشتند، و بدون علت مقداری از خانههای جدول خالی ماند. مندلیف در مورد خانههای خالی اظهار داشت که خانههای خالی متعلق به عناصری است که تاکنون شناخته نشده است. وی این نتیجه را در سال ۱۸۶۹ به جامعه شیمی روسیه تقدیم نمود.

جدول مندلیف که پیش بینی وجود ۹۲ عنصر را می نمود جز لوترمایر که يك سال بعد از مندلیف جدولی مشابه با جدول مندلیف انتشار داده بود طرفداری نداشت ولی يك مرتبه در سالهای ۱۸۷۵ و ۱۸۷۹ و ۱۸۸۷ با کشف عناصر گالیوم، اسکاندیوم و ژرمانیوم جدول مندلیف مشهور شد زیرا جرم اتمی این عناصر طوری بود که سه خانه خالی جدول مندلیف را پر نمود. علاوه بر این، با اکتشاف آرگون در سال ۱۸۹۴ و هلیوم و اینکه «رامزی» بر طبق نظریه جدول مندلیف وجود نئون و کریبتون و گزنون را پیش بینی نمود جدول مندلیف شهرت عجیب و فوق العاده ای کسب نمود. در این سالها بود که تمام آکادمی های کشورهای جهان غیر از مملکت خودش او را به عضویت دعوت نمودند، زیرا مندلیف مردی آزادیخواه و طرفدار جدی حقوق زن بود و به این علت مورد لطف قرار نگرفت. مندلیف در دوم فوریه ۱۹۰۷ در هفتاد و سه سالگی درگذشت.



غزالی در بغداد، خداوند الموت، شاه جنگ ایرانیان در چالداران، سلیمان خان قانونی و شاه طهماسب، عارف دیهیم‌دار، کنیز ملکه مصر، سرزمین جاوید، اسپارتاکوس، سه تفنگدار، غرش طوفان، ژوزف بالسامو، سینوهه پزشک فرعون، سفرنامه مازلان و... تنها نمونه‌ای از صدها کتابی است که او در طول حیات پر بارش به ترجمه-اقتباس آنها دست یازیده است.

ذبیح الله منصورى در شامگاه روز هیجدهم خرداد ۱۳۶۵ دیده از جهان فرو بست.

منوچهری (شاعر)

ابوالقاسم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از شعرای نیمه اول قرن پنجم هجری است که در اواخر قرن چهارم و یا اوایل قرن پنجم متولد شده است. او تلخیص خود را از ممدوح خویش فلك المعالی منوچهر بن شمس العمالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی گرفت. میر محمد تقی کاشانی (مؤلف کتاب خلاصه الافکار) را عقیده بر این بود که منوچهری شاگرد ابوالفرج سگزی بوده.

منوچهری از سال ۴۲۱ به بعد به دربار غزنه رفت و جزء شعرای سلطان مسعود غزنوی شد. وی در جوانی به آموختن ادبیات عربی همت گماشت. او جوانی با استعداد بود و از علم طب و نجوم بهره داشت و زبان عربی را به خوبی می‌دانست.

به طوری که می‌دانیم از هنگامی که جدول مندلیف به وجود آمد خانه‌های خالی آن یکی پس از دیگری با کشف عناصر پر می‌شد و آخرین خانه خالی جدول در سال ۱۹۳۸ با کشف «آکتینوم» در پاریس پر شد.

منصوری، ذبیح‌الله

«ذبیح الله حکیم الهی دشتی» که بعدها به ذبیح‌الله منصورى شهرت یافت در سال ۱۲۷۸ در خانواده‌ای با فرهنگ به دنیا آمد. پدرش مردی با ذوق و دوستدار شعر و ادب و مادرش بانویی فاضل و مؤمن بود. خیلی زود آغاز به تحصیل کرد و در زمینه مطالعه متون قدیم و دیوان شعرای بزرگ پارسی زبان، آموزش زبان عربی و آموزش زبان فرانسه به پیشرفتهای خیره‌کننده‌ای نایل شد. در اوان جوانی به علت فوت پدر و قبول سرپرستی خانواده تحصیل را رها کرد.

ذبیح‌الله منصورى در میان حرفه‌های مختلف در آن زمان (دهه آخر سده سیزدهم هجری شمسی) کار در چاپخانه را انتخاب کرد و به زودی در یکی از روزنامه‌های آن عصر به عنوان خبرنگار مشغول به کار شد، و پس از چندی به ترجمه آثار نویسندگان بزرگ جهان رو آورد.

او قریب هفتاد و پنج سال با قلم و در میان انبوهی از کتابهای گوناگون و مجلات مختلف زیست و تا آخرین هفته‌های زندگی از این یاران همیشگی خود جدا نشد.

موريس مترلینگ، آگاتا کریستی، میکاواتاری، هوارد فاوست، موريس دوکسبرا، ادوارد براون، کنستانتین ویرزیل گئورگیو، کینت گریک، زان گوره، کورت فریشلر، اشتن متز و حتی الکساندر دوما تنها تعدادی از نویسندگانی هستند که ذبیح‌الله منصورى به جامعه فارسی‌زبانان معرفی کرد. سقوط قسطنطنیه،

یافت. در آغاز جنگ اخیر سمت نمایندگی وزارت اطلاعات انگلستان را در پاریس به عهده داشت. نمایشنامه‌های موآم نیز فوق‌العاده مشهور است. از کتب معروف او می‌توان: ماه و شش پیشین، تسخیرنایذیر، خانه بیلاقی، وفای زن، گذرگاه خطرناک و لبه تیغ را نام برد که همگی به فارسی ترجمه شده است. سامرست موآم در سال ۱۹۶۵ درگذشت.

موتسارت

ولفگانگ آمادئوس موتسارت در ژانویه سال ۱۷۵۶ در سالزبورگ اتریش به دنیا آمد. پدرش آهنگساز و ویولونیست بود و فرزندان خود را از کودکی به موسیقی آشنا کرد. موتسارت در ۵ سالگی شروع به تصنیف آهنگ کرد، استعداد خارق‌العاده او باعث شد که پدرش برای معرفی او به شهرهای دیگری مسافرت کند. به این منظور او را در شش سالگی به وین، مونیخ، روتنبرگ، فرانکفورت، آخن و بروکسل برد. در کنسرت‌هایی که برای او ترتیب داد موتسارت ویولون می‌زد و خواهر موتسارت پیانو می‌نواخت. نخستین اثر معروف موتسارت چهار سونات برای کلاوسن بود که موتسارت آن را در سفر پاریس نوشت. در سفر انگلستان که یک سال و نیم طول کشید موتسارت با فرزند کوچک باخ یعنی کریستیان باخ آشنا شد و تحت تأثیر او قرار گرفت. پس از انگلستان مسافرت‌های دیگر به شهرهای فرانسه و سوئیس کرد. موتسارت به واسطه کار فوق‌العاده و تغییر محیط چندین بار به سختی بیمار شد. هنگام مراجعت به وین موتسارت اولین اپراوفای خود را به نام «دختر ساده» تصنیف کرد. در این زمان فقط ۱۲ سال از سن او می‌گذشت. در چهارده سالگی همراه پدر خود به ایتالیا رفت و در میلان اپرای معروفش را به نام «مهرداد پادشاه پونتو» به

منوچهری به دلیل وسعت اطلاع در باره شعر و ادبیات عربی قصاید بعضی از شاعران عرب را استقبال نموده است. منوچهری در اشعار خود طبیعت و زیبایی را با تمام مظاهرش به استادی وصف نموده و در تجسم مناظر طبیعی مهارتی به خرج داده که کمتر شاعری توانسته به پای او برسد. منوچهری به سال ۴۳۲ هجری وفات یافت.



موآم، سامرست (نویسنده)

معروفترین رمان نویس انگلیسی قرن بیستم است و در حال حاضر آثارهیچ داستان نویس انگلیسی به اندازه او در دنیا اشتهار ندارد. چنان که یک داستان کوتاه او حداقل ۵۰۰ لیره از طرف روزنامه‌ها و ناشرین کتاب خریداری می‌شود.

موآم در ۲۵ ژانویه سال ۱۸۷۴ در پاریس به دنیا آمد. در سال ۱۸۹۸ عضو کالج فیزیک‌دانهای انگلیسی شد. نخستین اثر او به نام «لیدی فردریک» در پاریس انتشار یافت. پیش از جنگ اول جهانی، سالها در اطراف و اکناف گردش کرد. در دوره جنگ اول مدتی عضو صلیب سرخ و سپس عضو اداره جاسوسی انگلستان شد و کتاب «مسترآشندن مأمور مخفی» یادگار همین دوره از زندگی اوست. معروفترین کتاب او «اسارت بشری» است که در ۱۹۱۶ انتشار یافت.

موآم در سال ۱۹۲۸ مسلول شد ولی بعد بهبودی

سرا» رهبری کرد. سپس او داستان «عروسی فیگارو» اثر بومارشه نویسنده فرانسوی را به اپرا برگرداند و سال بعد اپرای دون ژوان و سنفنی معروف دیگر خود به نام پراگ را تصنیف کرد. در سال ۱۷۸۸ آثار معروف دیگری از قبیل سه سنفنی بزرگ و کنسرتو پیانوی خود را که معروف به کنسرتوی تاجگذاری است تصنیف کرد. در اواخر سال ۱۷۹۰ موتسارت سفری به فرانکفورت رفت. مسافرت‌های پی‌درپی او، رفته رفته سلامت او را مختل کرد ولی با این وجود دو اپرای معروف و بزرگش به نام «نی سحرآمیز» و «کلانس دوتیتوس» را در همین سالها تصنیف کرد. در اواخر عمر مردی ناشناس او را به نوشتن یک رکویم تشویق کرد، موتسارت پس از اپرای نی سحرآمیز به تصنیف رکویم پرداخت، ولی پیش از اتمام این رکویم مریض و بستری شد. یکروز پیش از مرگ، موتسارت خوانندگان را ببالین خواند تا این رکویم را اجرا کنند، ولی تا قطعاً «لاکریموزا» توانست آنها را هدایت کند و پس از آن توانایی خود را از دست داد. فردای آنروز موتسارت در عین جوانی به سن ۳۵ سالگی درگذشت. مرگ موتسارت به سال ۱۷۹۱ اتفاق افتاد. روزی که قرار بود او را به خاک بسپارند، زن او مریض بود و نتوانست در تشییع جنازه او شرکت کند و تشییع کنندگان به واسطه شدت باران از وسط راه برگشتند، به این جهت موتسارت را در محلی دفن کردند که روز بعد هیچکس مکان آن را پیدا نکرد.

مویاسان، گی دو (نویسنده)

هانری رنه آلبرت دومویاسان نویسنده و داستان‌سرا و شاعر فرانسوی در پنج اوت سال ۱۸۵۰ در «شاتو دومیرومانسیل» به دنیا آمد. پدر بزرگش از زمین‌داران بزرگ لورن بود و ثروت هنگفتی برای پدر وی به ارث نهاد. مویاسان در مدرسه اوتو و دبیرستان روئن تحصیل کرد. در این دوره که فلسفه می‌آموخت



مورد اجرا گذارد. از این اپرا به قدری استقبال شد، که تماشاگران مکرر فریاد می‌زدند: «زنده باد استاد کوچک».

در مراجعت به وین موتسارت با هایدن آشنا شد و بزودی بین آنها دوستی پایداری ایجاد شد. در سال ۱۷۷۸ او ضمن مسافرت به پاریس با دختری به نام آلوژیابویر آشنا شد. آلوژیابویر که دختری سبک‌سر بود نتوانست پی به شخصیت موتسارت ببرد، در صورتی که موتسارت، که جوانی حساس بود، به این دختر علاقمند شد به طوری که وقتی مجبور شد به دستور پدر بقیه سفر را ادامه دهند هیچ گاه چند روزی را که با آلوژیابویر بود از یاد نبرد. در پاریس موتسارت موفقیتی نیافت. سنفنی ۳۱ او که به نام پاریس معروف است از آثاری بود، که موتسارت برای این شهر و این مردم نوشته بود، ولی این اثر هم ناموفق بود. هنگام برگشت به وین در مانهایم دوباره آلوژیابویر را دید و به او پیشنهاد ازدواج کرد، دخترک که در این شهر شهرتی یافته بود پیشنهاد او را رد کرد. این نخستین ضربه روحی برای موتسارت بود.

آغاز سال ۱۷۷۹ مقارن با شاهکارهای موتسارت است. نخستین اپرای بزرگ او به نام ایدومنه در این سال تصنیف شد. در سال ۱۷۸۲ موتسارت که آلوژیابویر و خانواده او را فراموش نکرده بود با کنستانس خواهر کوچک او ازدواج کرد و همین ازدواج او را به ایجاد نخستین زینگ شپیل آلمانی به نام «دستبرد در



در «مادمازل فی فی» استادی خود را برای چندمین بار نشان داد و در همین سال «داستان يك زندگي» را نوشت که در آن چشم انداز تازه ای مشاهده می شد. در سال ۱۸۹۱ در آثار او توجه به مذهب دیده شد. وی مرتباً انجیل می خواند. بیماریهای عصبی موروثی و کار توانفرسا و افراط در خوردن داروهای مختلف او را از پای درآورد. در این زمان نفرت شدید او از بشر و خیالات و اوهامی که به سرش زده بود شدت پیدا می کرد. او کم کم دچار فلج عمومی بدن شد. تصمیم گرفت زمستان ۱۸۹۱ را در کان بگذراند. اما از این کار منصرف شد و در ژانویه ۱۸۹۲ دست به خودکشی زد. او را به پاریس منتقل کردند و در روز ۶ ژوئیه سال ۱۸۹۳ در بدترین شرایط جان سپرد. مویاسان از پیروان فلور و زولا بود. او از آخرین ناتورالیستهای فرانسه به شمار می رود که ناتورالیسم را ویران ساخت. مویاسان فرضیات روان شناسی و هنری و اغراض اجتماعی و اخلاقی و تخیل انقلابی و افکار آشفته نداشت. نفوذ دنیای خارج در او بی اثر بود و هرگز چیزی را که ندیده بود وصف نمی کرد و به علت همین محدودیتها بود که هنر او در چهار چوبه محدودی پرورش و گسترش یافت.

موریاك (نویسنده)

فرانسوا موریاك داستان پرداز فرانسوی در سال ۱۸۸۵ چشم به جهان گشود. پس از تحصیلات

يك مجموعه شعر به نام « خداوند متعال» منتشر کرد. او در وزارت دربار فرانسه استخدام گردید. رئیس او گزارش داد که مویاسان کارمند خوبی نیست و تمام مدت یا قایقرانی می کند و یا به دیدار گوستاوفلوبر می رود. مویاسان به دروغ به رئیس خود می گفت: «گوستاوفلوبر نویسنده و شاعر بزرگ فرانسوی از اقوام اوست.» و حال آنکه این مرد از دوستان قدیمی مادرش بود. مویاسان کمتر در مجامع ادبی حضور پیدا می کرد و بنا به گفته امیل زولا، تورگنیف، آلفونس و دیگران او ظاهراً به يك جوان قهرمان ورزشکار شباهت داشت. حتی گوستاوفلوبر که آثاری از او خوانده بود هرگز فکر نمی کرد مویاسان استعدادی داشته باشد، اما فلور او را تشویق می کرد. نخستن اثر مویاسان يك قطعه درام بود که در حضور گوستاوفلوبر، تورگنیف و چندتن از شخصیتهای ادبی دیگر فرانسه نمایش داده شد. مویاسان خودش در این نمایش نقش يك زن را بازی می کرد. در طول هفت سال بعد او به شاگردی در محضر گوستاوفلوبر پرداخت و در سال ۱۸۸۰ در سی سالگی يك مجموعه شعر به نام «منظومه ها» منتشر کرد و بلافاصله بر علیه او دادخواستهای قانونی به وزارت دادگستری فرانسه فرستاده شد و گوستاوفلوبر که در اثر نگارش «مادام بوری» مورد تعقیب قرار گرفته بود، به مویاسان به علت شباهت سرنوشتشان تبریک گفت. این اثر او يك تجربه جالب بود زیرا به مویاسان نشان داد که آهنگ کلمات او در شعر دلچسب نیست. او اندك اندك با انتشار داستانهای کوتاه، خود را در دریف مشاهیر ادب فرانسه قرار داد. مردم او را يك نثرنویس قابل ستایش و يك داستانسرای عالیقدر می شناختند. بعد از کسب این موفقیت ها، او «خانه تلیر» را منتشر کرد، این اثر کلیه کسانی را که مویاسان را ناچیز می شمردند مسحور ساخت. مویاسان در سال ۱۸۸۳

کاردینال» نوشت و سپس با دختر فقیر و مستمندی به نام راشل ازدواج کرد (موسولینی تا پایان عمر نسبت به این زن وفادار ماند) و سپس در اثر فعالیتهای سیاسی به زندان افکنده شد و کتاب «زندگی من» را در زندان نوشت. پس از آزاد شدن از زندان سردبیر يك مجله سوسیالیستی گردید و نوشته‌های او بقدری جلب سوسیالیستها را نمود که او را به سردبیری روزنامه آوانتی برگزیدند.

در همین اوقات با فلسفه نیچه و تعالیم جرج سورل آشنایی پیدا کرد و این متفکرین موجب شدند موسولینی مسیر خود را تغییر دهد و با سوسیالیستها قطع رابطه کرده و روزنامه شخصی خود را که سالها به نام «مردم ایتالیا» به چاپ می‌رسید، انتشار دهد. دیری نگذشت که حزب فاشیست تشکیل و موسولینی به سال ۱۹۲۱ پیروزمندانه وارد رم شد و زمام امور را در دست گرفت.

موسولینی در آغاز کار برنامه‌های اصلاحی متعددی به مرحله اجرا درآورد و باطلاهای اطراف رم را از بین برد و در سرتاسر ایتالیا جاده‌های طراز اول ساخت و کار برای بیکاران پیدا کرد و اصلاحات بسیار دیگر نمود ولی کم کم هوس جهانگیری و میل به فرمانروایی موجب گردید مانند سزارهای قدیمی رم، به ظلم و استبداد گراییده و ملت خود را به پرتگاه جنگ جهانی دوم بکشاند. ایتالیا که آماده جنگ نبود از همان آغاز با شکستهای فاحشی روبرو شد تا اینکه در سال ۱۹۴۵ سرتاسر ایتالیا در دست امریکاییها افتاد و موسولینی با طرزی فجیع در «کومو» به دست عده‌ای از طرفداران کمونیسم به قتل رسید.

موسولینی برخلاف هیتلر که تحصیلات عالی نداشت، رشته حقوق را به پایان رسانده، نویسنده‌ای چیره‌دست و ناطق بی‌همتایی بود. علاوه بر نطقها و نوشته‌های سیاسی فراوانش، وی آثار متعددی بر



دانشگاهی به نویسندگی پرداخت تا اینکه به عضویت آکادمی فرانسه و دریافت جایزه نوبل ادبی موفق گردید. از آثارش می‌توان تاریخ شعر را ذکر کرد.



موسولینی

بنیتو موسولینی روز ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۳ در «وارونا دی کستنا» متولد شد. پدرش يك آهنگر سوسیالیست بود که زندگی مشقت باری داشت. موسولینی در مدرسه از دانش‌آموزان تیزهوش بود ولی در اثر کینه شدیدی که نسبت به طبقه اغنیا داشت يك بار با چاقو یکی از همکلاسان خود را مجروح کرد و در اثر همین عمل از مدرسه اخراج شد! موسولینی پس از ترك تحصیل در سوئیس به کارگری سرگرم گردید و چون روحی ناآرام داشت به سوسیالیستها پیوست و بالاخره به عنوان يك شورشی از سوئیس اخراج شد. در همین اوقات موسولینی رمانی به نام «معشوقه

جای گذاشته است که از جمله آنها «حکومت صدروزه ناپلئون» و «زندگی من» است.

موسه، آلفرد

لویی شارل آلفرد دوموسه نویسنده و شاعر فرانسوی در سال ۱۸۱۰ به دنیا آمد. او از ۱۸ سالگی به مکتب رمانتیک ادبی فرانسه پیوست و با انتشار اولین اثرش به نام قصه‌های اسپانی و ایتالیا به شهرت رسید. از آن پس به نوشتن داستان و نمایشنامه‌های متعدد پرداخت اما غمی عظیم و اتفاق بزرگی برای این شاعر نویسنده پیش آمد و آن ملاقات و سفر با ژرژساند بود. این نویسنده زن، روح و قلب شاعر شوریده را تسخیر کرد و با جدایی آن دو، قلب موسه در هم شکست. از آن پس قلب نویسنده شاعر در تب و تاب بود اما موفق به خلق آثار بدیعی از جمله: اعتراف يك كودك، قرن، نورنت چيو، خاطرات و مجموعه اشعار دل‌انگیز و زیبایش گردید. آلفرد دوموسه در سال ۱۸۵۷ درگذشت.

مولوی (عارف، شاعر)

جلال‌الدین محمدبلخی محمدبن حسین الخطیبی البکری در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هجری در بلخ متولد شد. وی از بزرگترین شعرای مشرق زمین است. پدرش محمدبن حسین الخطیبی البکری ملقب به بهاء‌الدین از بزرگان مشایخ عصر خود بود و بعلت شهرت و معروفیتی که داشت مورد حسد سلطان محمد خوارزمشاه گردید، ناچار فرار را برقرار ترجیح داد و با پسرش جلای وطن نمود و از طریق نیشابور ابتدا به زیارت شیخ عطار نایب آمد و سپس از راه بغداد به زیارت مکه مشرف شدند و از آنجا به شهر ملطیه رفتند. از آنجا به ولارنده رفته و مدت هفت سال در آن شهر ماندند و در آنجا بود که جلال‌الدین تحت ارشاد پدرش قرار گرفت و در دانش و دین به مقاماتی

رسید. در این زمان سلطان علاء‌الدین کیقباد از سلجوقیان روم از آنان دعوتی کرد و آنان بنا بر این دعوت به شهر قونیه که مقر حکومت سلطان بود عزیمت کردند. در شهر قونیه بهاء‌الدین پدر جلال‌الدین در تاریخ هیجدهم ربیع‌الثانی سال ۶۲۸ هجری دارفانی را وداع گفت. جلال‌الدین تحصیلات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت وی در خدمت یکی از شاگردان پدرش برهان‌الدین ترمذی که در سال ۶۲۹ هجری به قونیه آمده بود تحصیل علم عرفان می‌نمود و پس از آن تحت ارشاد عارفی به نام شمس‌الدین تبریزی درآمد. شمس‌الدین تبریزی با نبوغ معجزه‌آسای خود چنان تأثیری در روان و ذوق جلال‌الدین نمود که وی مرید شمس گشت و به احترام و یاد مرادش بر تمام غزلیات خود به جای نام خویشتن نام شمس تبریزی را ذکر نمود. مولانا جلال‌الدین پس از فوت شمس سفری به دمشق کرد و پس از مراجعت مجدداً به ارشاد مردم پرداخت.

مولوی دو طائر بزرگ و برجسته از خود باقی گذارد: یکی مثنوی است که به مثنوی معنوی معروفست و دیگر غزلیات و رباعیات و ترجیع بند وی است که همانطور که ذکر شد به احترام و عقیده‌ای که به مراد خویش داشت، دیوان شمس تبریزی نام نهاد. غزلیات مولانا از بزرگترین آثار نظم زبان فارسی به شمار می‌رود. وی پس از ۶۸ سال عمر در سال ۶۷۲ هجری درگذشت و پسرش در سال ۶۸۴ هجری در قونیه جانشین پدر گردید و آثار وی را به نام «فیه مافیة» جمع نمود. دفتر هفتم مثنوی را به او نسبت داده‌اند.

مولیر، ژان باپتیست (نمایشنامه‌نویس)

ژان باپتیست پوکلن مولیر ادیب کم‌دی نویس فرانسوی در سال ۱۶۲۲ در پاریس به دنیا آمد. او



نظامی سندهارست به سال ۱۹۰۸، به عنوان ستوان پیاده نظام وارد هنگ واردیکشار گردید. مدت سه سال در طول جنگ جهانی اول در فرانسه و بلژیک خدمت کرد و دوبار زخمی شد.

در نیمه شب سی و یکم ژوئن ۱۹۴۰ مردانش را در «دونکرك» پیاده نمود و در دسامبر ۱۹۴۱ مسئولیت فرماندهی جنوب شرقی فرانسه را که حیاتی ترین پست دفاعی در مقابل تجاوز آلمانها بود، قبول کرد. در ۱۸ اوت ۱۹۴۲ مونتگمری فرمانده لشکر هشتم (لشکر نیل) که توسط فیلد مارشال اروین رومل آلمانی از لیبی به مصر عقب نشانده شده بود، گردید. در طول ماههای متمادی در شمال آفریقا رهبری مدیرانه و درخشانی که وی را به عنوان یکی از بزرگترین ژنرالهای جنگ معروف کرد، آشکار گردید. پس از تهیه و تجدید قوا در ۲۳ اکتبر حمله ای بر ضد آلمانها و ایتالیائیها که در العلمین سنگر بسته بودند، نمود و زمانی که خطوط دفاعی آنها درهم شکست، باقیمانده قوای دشمن را تا لیبی تعقیب نمود. این نخستین پیروزی متفقین بر علیه قوای آلمان بود.

جرج ششم پادشاه انگلستان، به خاطر این موفقیت بزرگ مونتگمری را ملقب به شوالیه کرد و علاوه بر آن نامش را بر تمام مطبوعات با عنوان ویسکونت و لرد ذکر کردند. پس از فتح العلمین در ژوئیه ۱۹۴۳ به جزیره سیسیل رفت و آنجا را هم از قوای آلمانها تخلیه نمود. در ۲۲ مه ۱۹۴۵ به

زمانی هنرپیشه و موقمی گرداننده تروپ و چندگاهی کارگردان بود. در آغاز کار با دشواریهای فراوان روبرو شد و زندگی بر او بسیار سخت می گذشت. اما سرانجام حمایت قطعی لویی چهاردهم و تشویق و ترغیب یوالو از او، وی را بر آن داشت که زندگی هنری را ادامه دهد. او از این بعد از منقدان و دشمنان خویش بیم و هراس به دل راه نمی داد، اما آنها تعدادشان رو به افزایش بود. مولیر يك آفریننده خستگی ناپذیر بود. شبها گاهی اصلاً نمی خوابید و کار می کرد. وی در تمام قلمرو هنر خویش گردش کرد و به جستجو و تفحص پرداخت. شاهکارهای او نمایشنامه هایی هستند که وی در آنها شرارت و تراویر روح بشر را مورد انتقاد شدید قرار می دهد و بر انحرافات ذهن و خبط دماغ فقیر و غنی با سخت ترین ضربه ها تازیانه می کوبد و به شخصیت هایی که خود را در ردیف نقشهای برجسته جاودانی جا زده اند حمله می برد. در آثار او فلسفه اخلاقی جدید موج می زند. او به انسان توصیه می کند که هرگز پای از گلیم خویش بیرون نگذارد و در همان چهارچوبه و حدودی که عقل سلیم برای طبیعت انسان لازم می داند زندگی کند. نمایشنامه های کمدی اصلی او عبارتند از: مضحکه های دقیق (۱۶۵۹) مکتب شوهران (۱۶۶۱)، مکتب زنان (۱۶۶۲)، دون ژوان، طبیعت عشق (۱۶۶۵)، مردم آزار، زرزندان خسیس (۱۶۶۸)، ریاکار، آقای پورسونیاك (۱۶۶۹)، آقای تروتمند (۱۶۷۰)، حقه بازیهای اسکاپن، کنت دستکاربانيا (۱۶۷۱)، زنان فضل فروش (۱۶۷۲) و بیمار خیالی (۱۶۷۳).

مولیر در سال ۱۶۷۳ درگذشت.

مونتگمری

برناردلوا مونتگمری در ۱۷ نوامبر ۱۸۸۷ در لندن متولد شد. پس از پایان تحصیلات در آکادمی سلطنتی

همسر خود مشاعره می نمود. مهستی در سال ۵۷۶ یا ۵۷۷ وفات یافت.

میرابو

انوره گابریل ریکتی میرابو، ناطق و رهبر انقلابی فرانسه در ۹ مارس ۱۷۴۹ در بیگون نزدیک نمر فرانسه متولد شد. پسر زشت رویی بود و از کودکی تحت تربیت صحیحی قرار نگرفت، لذا آدم قمارباز و عیاشی به بار آمد. اقامت او در زندانها این مجال را داد که با مطالعه زیاد خود را به صورت یکی از مغزهای متفکر عصر درآورد. در اوت ۱۷۸۴ به لندن رفت و هنگام بازگشت به فرانسه تصمیم به مبارزات سیاسی در برابر مفاسد دربار گرفت. شارل الکساندر کالون، ژنرال لویی شانزدهم که متوجه خطر او شده بود، وی را به يك مأموریت سری در پروس فرستاد. در ۱۷۸۹ به فرانسه بازگشت و در انتخابات ناحیه اکس بر اثر نطقهای آتشین پیروز شد. بزودی نطقهای او شهرت بسیار کسب کردند. در مدت کوتاهی بخاطر مقاومتش در برابر استبداد و مفاسد دربار شهره خاص و عام گردید. هم پیش و هم بعد از این موفقیت میرابو سخنرانیهای گوناگونی ایراد کرد که وی را به عنوان «دموستن فرانسوی» مشهور ساخت.

در ۱۶ ژانویه ۱۷۹۱، به عنوان نماینده پاریس و در ۲۹ ژانویه همان سال به عنوان عضو کمیته ملی انتخاب گردید. در ۲ آوریل همان سال ناگهان وفات یافت.

میرخواند بلخی

سید محمد بن امیر برهان الدین معروف به «میرخواند» از سادات ماوراءالنهر و از خاندان سیداجل بخاری است و نسبت این دودمان به زیدبن علی بن حسین (ع) می رسد.

فرماندهی کل قوای انگلیس منصوب شد و از ۱۹۵۰ به بعد هم به علت کهولت سن فقط چند مقام نیمه رسمی را قبول کرد. مونتگمری در سال ۱۹۷۶ درگذشت.

مونتنی، میشل (نویسنده)

میشل، دومونتنی، یکی از مشهورترین نویسندگان دوره رنسانس و از اومانئیستهای این دوره می باشد که در سال ۱۵۲۳ به دنیا آمد. وی از اشراف فرانسه بود و سفرهای بسیار کرد و کتب زیادی نوشت که مهمترین آنها کتاب «تحقیق» است که در سه جلد منتشر گردید. در این کتاب عقاید وی در خصوص آموزش و پرورش تشریح شده است. او عقیده داشت که اگر روش تعلیم دلپذیر باشد دیگر آموزشگاه چون زندان نخواهد بود و نیاز نیست که چوب و تازیان و وسیله انتظام باشد. عقاید مونتنی رویهمرفته تأثیر بسیاری در مدارس آن زمان نکرد ولی در افکار روسو و بیکن مستقیماً اثر نمود. این شخصیت بزرگ در سال ۱۵۹۲ درگذشت.

مهستی گنجوی (شاعر)

مهستی گنجوی که نام اصلیش منیژه بود در سال ۴۹۰ یا ۴۹۱ هجری متولد شد. وی معروفترین زنی است که به زبان فارسی شعر سروده و شهرت او بیشتر به خاطر رباعیاتش می باشد. مهستی در زمان سلطان سنجر می زیسته و از ملازمان دربار او بود، ولی برخی او را معاصر با سلطان محمود غزنوی دانسته اند. مهستی علاوه بر اینکه استادانه شعر می سرود چنگ و عود را نیکو می نواخت. دارای رویی خوش و اندامی زیبا بود. خواستاران فراوان داشت از جمله امیراحمد تاج الدین بن خطیب فرزند خطیب گنجه بود که عاقبت به عقد او درآمد. امیراحمد خود در شعر گرفتن دست داشت و غالباً با

سیاحت مشغول بود. مدت ۲۵ سال در کشورهای عثمانی و مصر گذرانید و در محضر محمدعلی پاشا و دیگر اعیان آن کشورها محترم زیست.

از تألیفات او تذکره خوشنویسان به نام «امتحان الفضلا» است که در دو جلد بزرگ با خط خوش و چاپ زیبا به سال ۱۲۹۱ هجری در تبریز چاپ و منتشر شده است. وی در این کتاب مطالب سودمند تذکره محمد صالح اصفهانی فرزند «ترابا» را در لفاف الفاظ ناهنجار و پیچیده در آورده و مطالب ناهموار بسیاری به آن افزوده است.

میرزای شیرازی [حسن]

حاج میرزا حسن یا میرزا محمد حسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی، فرزند میرزا محمود خوشنویس، مرجع تقلید عموم شیعه اثنی عشری در عصر خود در حدود سال ۱۲۳۰ هجری در شیراز متولد شد. ابتدا در شیراز درس خواند و سپس در سن ۱۸ سالگی به اصفهان رفت و در ۵۸ سالگی در سال ۱۲۸۸ به مکه مشرف شد. از کارهای مهمی که در زمان ایشان صورت گرفت موضوع الغاء امتیاز توتون و تنباکو (انحصار دخانیات) است که از طرف دولت یعنی شاه و صدراعظم در مقابل گرفتن مبلغ ناچیزی به عنوان رشوه به انگلیسها داده شده بود.

موضوع فتوای تحریم توتون و تنباکو را در سال ۱۳۰۹ هجری به ایشان نسبت دادند، و مضمون فتوای مزبور بدین شرح بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم محاربه با امام زمان است.»

وی در روز دوشنبه هشتم شعبان سال ۱۳۱۲ در سن ۸۲ سالگی در سامره مرحوم شد و از آنجا جنازه او را روی دوش به نجف برده در یکی از حجرات صحن در مقبره خاصی دفن نمودند.

این نویسنده نامی به سال ۸۳۷ در بلخ متولد شد و در جوانی به هرات رفت. منظور نظر امیرعلیشیر والترین شخصیت دربار سلطان حسین بایقرا واقع و در دستگاه وی تربیت شد و تاریخ مشهور خود «روضه الصفا فی سیره النبیا و الملوك و الخلفاء» را به تشویق و به نام امیر نامبرده در شش جلد نوشت و وقایع جهان را از آغاز آفرینش تا سلطنت بایقرا در آن آورد، ولی بیماری دردناکی در شصت و شش سالگی به زندگیش پایان داد و در دوم ذیقعدة سال ۹۰۳ در خانقاه «اخلاصیه» هرات که مسکن او بود درگذشت و تاریخ وی ناتمام ماند.

جلد هفتم روضه الصفاى خواند میر در شرح پادشاهی سلطان حسین و احوال فرزندانش براین کتاب افزود و در زمان قاجاریان نیز «رضا قلیخان هدایت» دنباله آن را در سه جلد نوشت و «روضه الصفاى ناصری» نام نهاد. تاریخ مفصل میخواند از منابع مفید تاریخ است و انشائی فاضلانه و متنوع دارد.

میرداماد

میرمحمد باقر بن محمد استرآبادی از دانشمندان معروف دوره صفویه است. مجالس درس او در اصفهان مورد استفاده طالبان علم بود. از تألیفات او کتاب صراط المستقیم و کشف الحقایق در حکمت است که به زبان عربی نگاشته شده. میرداماد در سال ۱۰۴۱ وفات یافت.

میرزا سنگلاخ

محمدعلی قوچانی ملقب به «میرزا سنگلاخ» از خوشنویسان و شاعران دوره قاجاریه است. وی مردی درویش مسلک و لاابالی و در عین حال بلند پرواز بود. در دوره طولانی زندگی خود که بیش از یکصد سال بوده است همسری برنگزید و بیشتر به

مرددهگان» را سرود. عشقی شاعری آزادخواه بود و بالاخره هم به خاطر همین افکار آزادیخواهانه در تیرماه ۱۳۰۳ خورشیدی به قتل رسید. وی علاوه بر ذوق شاعری پیس نویسی قابل بود.

میرعماد (خوشنویس)

میرمحمدین حسین سیفی قزوینی ملقب به عمادالملک و مشهور به میرعماد در حدود سال ۹۶۱ هجری قمری در قزوین پای به عرصه وجود نهاد. دوران کودکی را در آن شهر به تحصیل مقدمات علوم و تعلیم خط گذرانید. پس از اخذ تعلیمات مقدماتی سفری به تبریز و خاک عثمانی و حجاز کرد و به ایران بازگشت و به دربار شاه عباس راه یافت. وی به اتکاء هنر بی نظیر خویش، چاپلوسی شاه و درباریانش را نمی کرد و به همین سبب هم شاه بیشتر به او احترام می گذارد. سرانجام عده ای از حاسدان مغرض، از آن جمله علیرضا عباسی خوشنویس مشهور دیگر آن عصر، وی را متهم به سنی بودن کردند و شاه بدین بهانه، مقصود بیک مسگر قزوینی را مأمور کشتن میرعماد ساخت. مقصود بیک و گروهی از همدستانش در رجب سال ۱۰۲۴ هجری قمری، در کوچه تاریکی بر سر او ریختند و قطعه قطعه اش کردند.

جوارح میرعماد تا چند روز بر روی زمین ریخته بود و کسی جرأت نداشت آن را از روی زمین بردارد تا اینکه ابوتراب اصفهانی که از شاگردان میرعماد بود، جنازه او را در مسجد مقصودبیک واقع در دروازه طوقچی به خاک سپرد. بدون تردید، میرعماد را باید بزرگترین و زبردست ترین نستعلیق نویس تاریخ خطاطی ایران دانست.

میسترال، گابریلا

گابریلا میسترال، بزرگترین و معروفترین شاعره معاصر امریکای لاتین می باشد. این شاعره معروف



میرزاده عشقی

سیدمحمد رضا فرزند ابوالقاسم کردستانی در تاریخ دوازدهم جمادی الآخر سال ۱۳۱۲ هجری قمری مطابق ۱۲۷۲ خورشیدی در شهر همدان متولد شد. وی در کودکی همانند کودکان دیگر آن روز به مکتب خانه می رفت و چون به سن هفت سالگی رسید ابتدا در آموزشگاه الفت و سپس در مدرسه الیانس تحصیل زبان فارسی و فرانسه نمود. عشقی به علت افکار تند و شاعرانه در ۱۵ سالگی ترک تحصیل کرد. وی در اوایل جنگ بین الملل اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) در همدان اقامت داشت و در آن زمان از هواخواهان عثمانیها بود و به همین دلیل با چند هزار مهاجر ایرانی به استانبول رفت و در آنجا در شعبه علوم اجتماعی و فلسفه در دارالفنون به طور مستمع آزاد شرکت می کرد. در استانبول اپرای رستاخیز شهریان ایران را نوشت. مشاهده ویرانه های مدائن شاعر جوان را سخت تهییج نمود و در نتیجه این هیجان منظومه زیبای رستاخیز شهریان ایران بوجود آمد. وی در سال ۱۳۳۳ هجری قمری «نوروزی نامه» را در استانبول سرود. عشقی پس از چند سال اقامت در استانبول به همدان و از آنجا به تهران بازگشت. وی چند سال آخر عمر را در تهران بسر برد و قطعه «کفن سیاه» که در دفاع از زنان ایران ساخته شده و مسمط «ابده آل

وی را تحت تعقیب قرار داده و اعمال وی را محدود کرده بود. بزودی میلتون و عقایدش پیروزیهای بزرگی به دست آوردند، لیکن او همچنان راحت ننشست و در دفاع از آزادی فکر و قلم شعر می سرود و مردم را تشویق می نمود.

این دوران نیز دیری نیاید و حکومت استبدادی دوباره جانسین افکار آزادی طلب گردید و بدین ترتیب میلتون که خویش را دیگر شکست خورده احساس می نمود گوشه انزوا گرفت و دست از هر فعالیتی کشید. چندی بعد از نعمت بینایی نیز محروم گشت و بدبختی هایش به آخرین درجه رسید.

در این میان میلتون در همان گوشه انزوا به خلق آثاری موفق گردید که هم اکنون جامعه ادبی انگلستان به وجود آنها افتخار می کند. میلتون در سال ۱۶۷۴ درگذشت در حالی که هرگز نتوانست آنچه را که می خواست به چشم ببیند. دو اثر مشهور او بهشت گم شده و بهشت بازیافته از شاهکارهای بزرگ ادبی دنیاست.

میلر، آرتور

آرتور میلر در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۱۵ در شهر نیویورک به دنیا آمد. پدرش کارخانه دار و صاحب مغازه بود که در بحران اقتصادی امریکا در اوایل دهه سی ورشکست شد و آرتور جوان برای امرار معاش مجبور به ترک دبیرستان شد و دست به کارهای مختلفی زد. او مدتی در یک تعمیرگاه اتوموبیل کار کرد و چند صباحی هم راننده کامیون شد. اما لحظه ای از فکر ادامه تحصیل باز نماند، تا اینکه سرانجام در دانشگاه میشیگان برای رشته روزنامه نگاری پذیرفته شد. در سالهای تحصیل در دانشگاه بود که به نوشتن نمایشنامه و داستانهای رادیویی پرداخت و توانست از این طریق جوایزی را نصیب خود کند. اولین نمایشنامه اش به نام مردی که تمامی شانس با او بود

تنها نویسنده و شاعر امریکای لاتین است که جایزه ادبی نوبل به او تعلق گرفته است. وی اهل شیلی است و بعد از «روبن داربو» شاعر بزرگ نیکاراگوئه بزرگترین نویسنده ادبی امریکای لاتین به شمار می آید. این نکته نیز قابل تذکر است که در امریکای لاتین زنان از لحاظ سیاسی و اجتماعی رشد زنان اروپایی را ندارند و قید و بندهای فراوانی آنان را دربر گرفته و با این حال در هیچ کجای دنیا نسبت زنان شاعر و نویسنده به اندازه امریکای جنوبی نیست. شعر گابریلا به خلاف بسیاری از شعرهای شاعره های امریکای جنوبی نظیر آگوستینی آمیخته با هوس و عطش جسمانی نیست، بلکه آنچه که در اشعار این شاعره بزرگ جلب توجه می کند تحسین و تجلیل فوق العاده او از احساسات و عواطف مادری و مقام بزرگ مادر است. همچنین یک نوع تلخی و افسردگی خاص نیز در آن دیده می شود. جایزه نوبل ادبیات به سال ۱۹۴۵ به خانم گابریلا میسترال به خاطر نوول معروف «دعا به خاطر آنها که خودکشی کردند» تعلق گرفت.

میلتون، جان

شاعر بزرگ قرن هفدهم انگلستان در سال ۱۶۰۸ متولد گردید. در کودکی عشق و علاقه عجیبی به ادبیات و مخصوصاً شعر پیدا نمود و همین موضوع سبب گردید که بزودی خود نیز شعر بسراید، به طوری که در اوان جوانی چندین قطعه و اثر عالی نوشت. در بیست و یک سالگی اولین اثر مشهور خویش «سرود تولد مسیح» را سرود و بزودی سرشناس و معروف گشت. وقایع آنزمان جامعه انگلستان بشدت روح او را آزار می داد به طوری که به تدریج روحی مبارزه طلب پیدا کرد و تصمیم گرفت بر علیه بیدادگری قیام کند. از این به بعد دوران بدبختی، مبارزه و شهرت آغاز گشت. حکومت بشدت

میلر در آثار خود همواره به درگیری انسانها در نظام پر از ستم و نابرابری سرمایه‌داری می‌پردازد و هر چند ریشه‌های رنج و بدبختی آنها را نمی‌تواند بخوبی تحلیل کند، باز نظام موجود را غیرعادلانه دانسته و نفرت خود را از جنگ و ستم و خونریزی نشان می‌دهد.

او در سال ۱۹۶۸ در پاریس رهبری تظاهراتکنندگان برای صلح را به عهده گرفت و به جنگ تجاوزکارانه آمریکا در ویتنام اعتراض کرد و همواره جزو یکی از سرسخت‌ترین مخالفان این جنگ باقی ماند.

از میلر، نمایشنامه‌ها و فیلمهای زیادی در دست است و به رغم گذشت زمان نسبتاً طولانی از نخستین موفقیت‌های او در چاپ آثارش، هنوز هم می‌توان او را یکی از معروفترین نویسندگان آمریکا حساب کرد. مهم‌ترین آثار او عبارتند از: مردی که همه شانس با او بود (۱۹۴۴)، فوکوس (۱۹۴۵)، تمامی پسرانم (۱۹۴۷)، مرگ يك فروشنده (۱۹۴۷)، کورده آهنگری (۱۹۵۳)، چشم اندازی از پل (۱۹۵۵)، پس از پاییز (۱۹۶۴)، حادثه در ویشی (۱۹۶۴)، قیمت (۱۹۶۸)، دیگر به تو احتیاجی ندارم (۱۹۶۸) و در روسیه (۱۹۶۹).

میلر، هنری

هنری میلر در ۲۶ دسامبر ۱۸۹۱ از پدر و مادری آمریکایی در شهر نیویورک دیده به جهان گشود. تا زمانی‌که به مدرسه رفت فقط آلمانی صحبت می‌کرد و با وجود اینکه پدر و مادرش زاده آمریکا بودند، مع‌ذالك محیط میلر، محیطی آلمانی بود. هنوز چند ماهی از ورودش به کالج نگذشته بود که آنجا را ترك نمود، زیرا از محیطش بسیار متنفر شده بود. یکی دو سال در ناحیه صنعتی شهر کار کرد ولی این کار هم وی را قانع ننمود. تا سی سالگی زندگی یاغی-



در سال ۱۹۴۴ روی صحنه آمد، و سال بعد رمان او با نام فوکوس منتشر شد. او در این رمان احساسات ضد یهودی و فاشیستی در شهرهای آمریکا را مورد انتقاد قرار داد.

در سال ۱۹۵۶، کمیته مبارزه با فعالیتهای ضد آمریکایی که تحت نظر سناتور مک کارتی فعالیت می‌کرد، او را نیز همراه صدها نویسنده و هنرمند دیگر، به بهانه داشتن رابطه با نیروهای چپ به محاکمه کشید. در این محاکمه از او خواسته شد که نام چند نویسنده کمونیست را که هشت سال پیش با او در جلسه‌ای شرکت داشتند، فاش کند. او از این کار امتناع ورزید و همچنان بر عقاید خود مبنی بر مخالفت با فاشیسم و سلطه سرمایه‌داری پافشاری کرد و در نتیجه آثار او تا مدتی عملاً با توطئه سکوت در آمریکا روبه‌رو شد.

در سال ۱۹۶۰ جان هوستون کارگردان معروف آمریکایی، فیلمی از روی یکی از آثار او به نام ناجورها ساخت. ماجرای این فیلم، پیرامون زندگی آن دسته از غرب‌نشینان (وسترن) آمریکایی است که دوران زندگی رمانتیک‌شان بسر رسیده و با امید اینکه در شهرهای بزرگ به علت جذبۀ خاص وسترنی خود مورد استقبال قرار خواهند گرفت، راهی آنجاها می‌شوند، اما با بی‌اعتنایی مردم این شهرها روبه‌رو می‌شوند. این فیلم بسیار مورد توجه قرار گرفت و نام میلر را دوباره بر سر زبانها انداخت.

یکی از بزرگترین نویسندگان معاصر دنیا است. کارهای مهمش عبارتند از: مدار رأس السرطان، مدار رأس الجدی، بهار سیاه، دانایی دل، مجسمه ماروسی و مکاتبه فلسفی.



نایلتون بناپارت [نایلتون اول]

نایلتون بناپارت، در ۱۵ اوت سال ۱۷۶۹ در اژاکو واقع در جزیره کرس متولد گردید. در سال ۱۷۷۹ وارد مدرسه نظامی «براین» شد و در ۱۷۸۴ از آنجا به پاریس منتقل گردید. در ۱۷۸۵ به مقام ستوان دومی توپخانه رسید.

در ۱۷۹۵ فرمانده «باراس» شد و پاسخ خوبی به حملات دسته‌های پارسی دارد. در فوریه ۱۷۹۶ دولت فرانسه او را که به درجه ژنرال تایل شده بود، به ریاست قشون ایتالیا منسوب کرد.

در ۹ مارس همان سال او با ژوزفین، بیوه ژنرال زیکرمت دوبوهارنه ازدواج نمود و دوروز بعد به سمت ایتالیا، جایی که نبوغ نظامی اش را آشکار ساخت، حرکت کرد. در این زمان ۳۶۰۰۰ سپاهی به فرمان او در میان ناحیه سوانا مستقر گردید و با فرمان نایلتون شجاعانه به جنگ ۳۸۰۰۰ اطریشی رفتند و در خاک ایتالیا به آنها شکست سختی وارد کردند.

نایلتون پس از احراز این موفقیت به مصر لشکر کشید و پس از مدتی جنگ با قوای عثمانی و انگلیس آنجا را نیز به تصرف درآورد. در ماه اکتبر

گرانه‌ای داشت و از آنجایی که آدم صمیمی، صادق و سخاوتمندی بود، در هر کاری سمت رهبری را به عهده می‌گرفت. زندگی میلر از ابتدا تاکنون مشحون از حوادث گوناگون است و فقط به طور خلاصه می‌توان گفت که در زمان جنگ اول به واشنگتن رفت ولی به علت کسالت پدرش دوباره به نیویورک آمد و مدیر کارگزینی یک شرکت عظیم شد. در ۱۹۲۳ کتابی نسبتاً قطور به نام پیام‌آور عجیب نوشت که اثری مبتذل و پیش پا افتاده بود ولی باعث شد که میلر کارش را ترک کند و تمام وجودش را صرف نوشتن نماید. از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ داستانه‌ها و مقالات زیادی نوشت که هیچکدام مورد قبول ناشران واقع نشد. سرانجام خودش کتابهایش را چاپ کرد و با کمک همسرش آنها را در دستورها و کلوبهای شبانه فروخت. عاقبت کار میلر به گدایی در خیابانها کشید، ولی یک شانس غیرمنتظره به او فرصت داد تا در ۱۹۲۸ به اروپا و نهایتاً به پاریس برود و ۹ سال در آنجا اقامت کند. مدار رأس السرطان که به عنوان اولین کتابش شهرت یافته یک سال پس از اقامت در پاریس نوشته شد. خود میلر خیلی کم امید داشت که پس از نوشتن، کتابش چاپ شود. انتشار این کتاب توسط بنگاه نشر ابلیسک درهای موفقیت را به روی او گشود. وی در ۱۹۳۹ مسافرتی به آتن کرد و بعد هم به نیویورک بازگشت تا بار سفری را به پولی-نیزی، چین، هند و تبت ببندد. هنری میلر بلاشک



«سخن» پرداخت. تألیفات او از این قرارند: روانشناسی، یوسف و زلیخا، چهار مقاله، رستم و سهراب و سفرنامه ناصر خسرو. اسعار دکتر خانلری را بیشتر قصاید و قطعات و غزلیات او تشکیل می‌دهد. زبان او در قصیده بلند و سخنش رساست. در سال ۱۳۶۹ از دنیا رفت.

ناصر خسرو

حکیم ناصر خسرو در سال ۳۹۴ هجری در قبادیان از نواحی بلخ متولد شد. وی پس از مسافرت هفت ساله خود که به قصد مکه رفت، در مصر به مذهب اسمعیلی درآمد و از طرف خلیفه فاطمی مأمور تبلیغ این مذهب در ایران گردید. پس از آن ناصر خسرو در بلخ به دعوت مردم به فرقه اسمعیلیه پرداخت و با مخالفت شدید اهل تسنن برخورد کرد، ناگزیر از بلخ فرار و به کوهستانهای بدخشان رفت و در غاری به نام یمگان مسکن گزید و بالاخره در همانجا به سال ۴۸۱ هجری وفات یافت. دیوان ناصر خسرو شامل یازده هزار بیت است که از قصیده و قطعه تشکیل شده. وی نخستین کسی است که مددوحی نداشته و بسختی از مدح گفتن بیزار و متنفر بوده است.

ناصر خسرو علاوه بر اینکه شاعری زبردست بوده نثرنویسی قابل و شناسیده نیز به شمار می‌آید. از آثار برجسته وی: زادالمسافرین، خوان اخوان، وجه

۱۷۹۷ ناپلئون از مصر به پاریس آمد و در آنجا به کمک شارل موریس دو تالیبران و گروهی بسیار از هواخوان خود مقدمات تغییر حکومت و تأسیس هیأت اجرائیه «مرکب از سه کنسول» را فراهم نمود. ابتدا پاره‌ای از نمایندگان با نظرش مخالف بودند، ولی ناپلئون به کمک زور همه آنها را مجبور به قبول نظریه‌اش کرد. در سال ۱۸۰۲ با رأی مردم به مقام کنسول دائمی رسید و در ۱۸ مه ۱۸۰۴ به مقام امپراطوری نایل گشت. در این زمان ششمین اتحادیه بین دول سوئد و انگلیس و روسیه علیه فرانسه منعقد شد و امپراطور فرانسه با ۳۵۰ هزار سپاهی ورزیده به روسیه حمله برد، اما سرمای بیش از حد روسیه و قحطی و مرض باعث شد که اکثریت سپاه ناپلئون تلف شوند و امپراطور فرانسه بناچار با سی هزار سرباز و افسر باقیمانده راه فرانسه را در پیش گرفت. آخرین جنگ امپراطور بزرگ، جنگ مشهور واترلو بود.

وی در ۱۵ مه سال ۱۸۲۱ در جزیره سنت هلن درگذشت و جنازه‌اش در ۱۸۴۰ به پاریس برده شد و در مقبره انوالید مدفون گردید.

ناتل خانلری، پرویز

در سال ۱۲۹۲ متولد شد و هنوز چهارمین بهار زندگی او پایان نیافته بود که سرودن شعر در نهاد او سرکشی کرد. او بیش از نیمی از عمر خود را در راه علم و دانش و مطالعه درباره شعر و ادب گذرانده است. دکتر خانلری با نگارش پایان‌نامه‌ای راجع به «تحقیق در عروض فارسی» به دریافت درجه دکترای ادبیات نایل شد. ابتدا در سال ۱۳۲۲ سمت دانشیاری کرسی تاریخ زبان فارسی و سپس به استادی این کرسی در دانشکده ادبیات تهران نایل آمد.

خانلری از سال ۱۳۲۲ به انتشار مجله ادبی

دین، سفرنامه و روشنائی نامه است.

ناظم حکمت

ناظم حکمت از شعرای دوره رفیرم آتانورکی است که در سال ۱۹۰۲ در «سلانیک» تولد یافت. زندگیش شباهتی شگرف با زندگی شاعر آگاه و انقلابی ایران ابوالقاسم لاهوتی دارد. هر دو افسر ارتش بودند، هر دو از ارتش اخراج شدند، هر دو بر علیه دیکتاتوری و خفقان جنگیدند، هر دو به مرگ محکوم شدند، نشر آثار هر دو در میهنشان و به زبان هم میهنانشان مجاز نبود و بالاخره هر دو در تبعید مسکو و دور از وطن جان سپردند. ناظم حکمت پس از به پایان رسانیدن دوره متوسطه وارد ارتش شد و از مدرسه افسری نیروی دریایی ترکیه فارغ التحصیل گشت. ولی در سال ۱۹۲۰ به دنبال يك گزارش پزشکی از ارتش اخراج شد و همان سال به روسیه شوروی سفر کرد و در یکی از دانشگاه‌های مسکو به تحصیل در رشته اقتصاد سیاسی پرداخت. او پس از پایان تحصیل راهی کشورش شد و بین سالهای ۱۹۳۱-۳۶ به مشاغل مختلف پرداخت و در دفاتر روزنامه و نشریات سرگرم بود. بین سالهای ۱۹۳۶-۳۸ هنگام قدرت یافتن فاشیزم در ترکیه به مبارزه با آن برخاست و با سرودن اشعار انقلابی و ضد فاشیستی بین هموطنانش بویژه افسران جوان و روشنفکر «مدرسه حرب» ترکیه محبوبیتی بی نظیر یافت که همین امر سبب شد از سوی حکومت تحت نظر قرار گیرد.

در سال ۱۹۳۸ به دنبال تماسهایی که بین افسران و ناظم حکمت برقرار شد، زمینه‌ای را فراهم ساخت برای پی‌ریزی فکر يك قیام رهایی‌بخش از سوی افسران آگاه و جوان ترکیه. اما پیش از اینکه این فکر به مرحله عمل درآید، ناظم و گروهی از افسران دستگیر شدند که پس از محاکمات، او به ۲۸ سال و

مشاهیر

چهارماه زندان محکوم شد. ناظم حکمت مدت ۱۲ سال از عمرش را در زندانهای استانبول، آنکارا، چانقری و بورسا گذراند. اما پس از آزادی از زندان که با استفاده از قانون عفو عمومی صورت گرفت مدام تحت نظر بود و آنگاه که مسجل شد از سوی عوامل حکومت فاشیستی، دسیسه‌ای برای کشتنش طراحی شده است، مخفیانه ترکیه را ترک گفت. او نخست به رومانی سپس لهستان و آنگاه به صوفیا رفت و پس از مدتی اقامت در آن شهر راهی مسکو شد و در همین ایام بود که از تابعیت ترکیه طرد شد. ناظم حکمت مانده عمرش را در شوروی و دیگر نقاط جهان گذراند و بالاخره در سال ۱۹۶۳ به بیماری قلبی در مسکو درگذشت.

ناظم سرودن شعر را از ۱۲ سالگی آغاز کرد و نخستین مجموعه اشعارش را در سال ۱۹۱۴ در قالب وزن و قافیه، با امضای محمد ناظم منتشر کرد و تا زمانی که برای تحصیل به مسکو رفت از همین سبک پیروی می‌کرد. اما طی سالهای تحصیلش در شوروی و ضمن آشنایی با مایاکوفسکی شاعر شهیر روس، وزن و قافیه را به یکسو نهاد و با ایجاد سبکی نو، دگرگونی بنیادی در شعر معاصر ترکیه پدید آورد که تأثیر آن را در آثار شعرایی که پس از وی در زمینه شعر و شاعری قلم زدند، به روشنی می‌توان دید. در اشعار ناظم حکمت که اکثراً از قید وزن و قافیه آزاد است، واژه‌ها سخت آهنگین و کلمات در مجموع از



يك موسیقی نامرئی برخوردارند. کلام ناظم گاهی به هنگام تشبیه اندکی پیچیده می شود ولی کلاً، اشعارش ساده، روان و از درون گرایی روشنفکرانه به دور است و در سرودن، صمیمی و بی پیرایه.

ناظم در طول زندگی نسبتاً کوتاهی که با زندان، تبعید و دربدری همراه بود هرگز در اعتقادش به آینده و انسانها سستی راه نیافت و علیرغم همه تهمت های مرسوم، تا پایان عمر وطنش را و مردم وطنش را عاشقانه دوست داشت.

نایتینگل، فلورانس

فلورانس نایتینگل، دختر ویلیام ادوارد در ۱۲ ماه مه ۱۸۲۰ در شهر فلورانس تولد یافت. همه ایام جوانی را در انگلستان بسر برد. هجده سال بیشتر نداشت که متوجه شد او را برای کار بزرگی آفریده اند. ابتدا خواست که در بیمارستان یکی از ولایات شمال انگلیس مشغول کار شود اما وضع پرستاری در آنوقت چنان بدنام بود که مادرش راضی نشد. وی ناچار مدتی در انگلستان بسر برد و به مطالعه پرستاران و بیماران پرداخت و چون در سال ۱۸۵۳ به انگلستان بازگشت ریاست بیمارستان کوچکی را که مخصوص زنان بود بدو سپردند و او بی درنگ به تربیت پرستار مشغول شد، اما جنگ کریمه کار او را ناتمام گذاشت و او برای کمک به سربازان زخمی بدانجا سفر کرد و با فداکاری خود و با کار ۲۰ ساعت در شبانه روز شماره مردگان ناشی از زخمهای جنگ را از ۴۲ درصد به ۲ درصد تقلیل داد. شبها چراغ به دست در میدان جنگ به دنبال زخمیها می گشت و او را بانوی چراغ به دست لقب داده بودند. فلورانس نایتینگل اولین پرستار دنیا به شمار می رود. وی در سال ۱۹۱۰ درگذشت.

نشاط اصفهانی

میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله از شعرا و ادبا و گذشته از مقام ادبی، وی از رجال مشهور دربار فتحعلیشاه بود. نشاط در نثر و نظم فارسی و عربی دست داشت. دیوان وی به گنجینه معروف است که علاوه بر قصیده، غزل، مثنوی و رباعی، شامل قطعات نثر، مراسلات، خطبه و منسّات می باشد.

نشاط توجهی به تصوف داشت. وی در سال ۱۲۴۴ هجری وفات یافت.

نظام تبریزی

نظام العلما محمد رفیع فرزند میرزااعلی اصغر مستوفی فرزند میرزا رفیع الدین و او فرزند میرزا ابوطالب وزیر و او فرزند میرزا سلیم نایب الصدر طباطبایی تبریزی است. نظام العلما به سال ۱۲۵۰ هجری تولد یافت. از افاضل علما و اکابر علمای امامیه تبریز بود و اوقات خود را همواره مصروف مطالعه می نمود و به سال ۱۳۲۶ هجری در انقلاب هجری قمری در انقلاب تبریز به باسمنج انتقال یافت و در آنجا مریض شد و به قول مؤلف علمای معاصرین در همانجا درگذشت و در صحن بزرگ حضرت معصومه در قم رخ در نقاب خاک کشید. تألیفاتش به شرح زیر است:

آداب الملوك، اسرار الشهادة، انیس الادبا و سمیرالسعداء، تحفة الامثال، تحفه خاقانیه، حقوق دول و ملل، حقوق نظامیه، حقیقه الامر، سفرنامه غروی، لؤلؤة البحار فی منقبه الانمة الاطهار، کنوزالسعادة ورموز الشهادة (عربی)، مجالس حسینیه، مجالس النظامیه در احکام دینی، مجمع الفضائل در فضائل امیرالمؤمنین، مصابیح الانوار و مفاتیح الاسرار، مفاتیح الكنوز، مقالات نظامیه، وسیلة الزائرین و دیوار رضوی.

نظام وفا

در سال ۱۲۶۶ شمسی در آران کاشان تولد یافت و در اواخر ۱۳۴۳ به سرای باقی شتافت. او پس از فراغت از تحصیل هفت ساله در نجف به ایران بازگشت و در غائله مشروطه در شمار آزادیخواهان درآمد و به آنان پیوست و به جرم آزادیخواهی و سربازی در دوران محمدعلیشاه در باغشاه محبوس شد. اما با وساطت «احمدآقا» که با پدر نظام دوستی داشت، نظام از سیاست معاف شد. نظام وفا يك عمر معلمی کرد و این خود افتخاری جاویدان برای او کسب کرد. حاصل عمر نظام تألیفات متعددی است از قبیل:

تا چهل سالگی، جیب درباب فروز و فرزانه، ستاره و فروغ، پیوندهای دل، یادگار اروپا، پیروزی دل، کاکلی، مهتاب، منطق وفا، رمز شاعری و نویسندگان واقعی معاصر.

نظامی گنجوی (شاعر)

حکیم نظامی الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن موید نظامی گنجوی در حدود سال ۵۳۵ هجری در گنجه متولد شد. وی سالهای عمر خود را در گنجه گذراند. پس از تحصیل دانش به شاعری پرداخت. نظامی مدایح خود را در گنجه می سرود و به خدمت اتابکان آذربایجان و ابوالمظفر اخستان می فرستاد. نظامی سنی و سخت پای بند عقاید مذهبی خویش بود. وی با تنها شاعر معاصر خود خاقانی رابطه داشت و پس از مرگ خاقانی بسختی ناراحت شد.

نظامی در کودکی از داشتن پدر محروم گردید و این واقعه وی را به جانب ریاضت کشانید، ولی چندی نگذشت که ذوق شاعری در وی بیدار شد و او را از این حالت به مرور خارج نمود. اولین طلیعه این ذوق مثنوی «مخزن الاسرار» است که آن را در

مشاهیر

حدود ۵۷۴ یا ۵۷۵ هجری به پایان رسانید و پس از دو سال، منظومه «خسر و شیرین» و پس از آن منظومه «لیلی و مجنون» را به نظم درآورد. چهارمین شاهکار نظامی «هفت پیکر» است که آن را قصه بهرام گور نیز گویند. از این چهار منظومه گذشته «اسکندرنامه» است.

مجموعاً پنج منظومه نظامی را خمسه نظامی گویند. بین سالهای ۵۹۷ تا ۶۱۴ زندگی را بدورد گفت، و وی را در گنجه دفن نمودند. دیوان او شامل قصاید، غزلیات و قطعه است.



نفیسی، سعید (ادیب)

سالهاست که هر کس اهل مطالعه و تحقیق است با نام سعید نفیسی آشنا می باشد. استاد نفیسی در ۱۸ خرداد ۱۲۷۴ در تهران متولد شد. وی فرزند علی اکبر ناظم الاطباء که از اولاد حکیم برهان الدین نفیسی مؤلف شرح اسباب بوده است می باشد. نفیسی پس از اتمام دوره اول متوسطه برای تحصیل عازم اروپا شد و در ۱۲۹۷ به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت فواید عامه وارد خدمت شد و پس از طی مقامات مختلف در ۱۳۰۸ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات به تعلیم ادبیات و تاریخ اشتغال ورزید. وی از اعضای پیوسته فرهنگستان ایران بود. در بسیاری از مؤسسات فرهنگی و دانشگاههای کشورهای اروپایی و آسیایی

دارایی برگزیده شد ولی در حقیقت وظیفه نخست وزیر را انجام می‌داد. در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ به خاطر وقوع انقلاب و فتح باستیل به طور ناگهانی معزول گردید. نکر در سپتامبر ۱۷۹۰ استعفاء داد و به ملکش در نزدیکی ژنو رفت. معروفترین کتاب او اساس اقتصاد نام دارد. نکر در ۱۸۰۴ درگذشت.

نویمان، جان

در ۲۸ دسامبر ۱۹۰۳ در شهر بوداپست پا به جهان گذارد و در ۸ فوریه ۱۹۵۷ در واشنگتن بدرود حیات گفت. وی ریاضیدانی بزرگ بود. او تحصیلاتش را در سوئیس و آلمان انجام داد و با «اوین هایمر» دانشمند معاصر آشنا شد. در سال ۱۹۳۰ نویمان به آمریکا رفت و در رشته‌های ریاضیات عالی‌ه کارهای مهمی انجام داد. از جمله در مکانیک کوانتوم در ۱۹۴۴ ثابت کرد که مکانیک موجی شرودینگر و مکانیک ماتریسی هایزنبرگ از نظر جنبه ریاضی برابر است.

وی رشته جدیدی در ریاضیات مطرح ساخت به عنوان نظریه «بازیها» که در سال ۱۹۲۸ انتشار یافت. همچنین وی با استعداد و نبوغ ریاضی خود در راه ساختن حسابگرهای غول پیکر اهتمام کرد. همین حسابگرها بودند که محاسبات مربوط به شکافت هسته را با سرعت و دقت هر چه بیشتر انجام دادند و کار ساختن بمب هیدروژنی را تسریع کردند. حتی برخی چنین پیش‌بینی می‌کنند که در آینده جنگ حتی با فشار دادن دکمه‌ای آغاز نمی‌شود بلکه این مغزهای الکترونیکی هستند که به وسیله معادلات نظریه بازیها حتی همان دکمه را نیز فشار خواهند داد. در مورد نظریه بازیها که در سال ۱۹۴۴ کتابی زیر نام نظریه بازیها و رفتار اقتصادی انتشار یافت باید توضیح داد: براساس این نظریه در صنایع و امور جنگی و همه مسایلی که مستلزم ایجاد بهترین روش

سمت عضویت و استادی داشت. سفرهای بسیار که برای شرکت در جشنها و مراسم فرهنگی و ایراد کنفرانسها و تعلیم ادبیات فارسی به ممالک مختلف کرده شهرتی فراوان برای ایشان فراهم ساخته است. پرکاری و کثرت تألیفات نفیسی مشهور همگان است. تسلط و آشنایی به زبانهای خارجی، علاقه فراوان به کتاب، تشکیل کتابخانه شخصی کم نظیر و مطالعات عمیق و مداوم وی را دارای اطلاعات و معلومات فراوان در رشته‌های ادبی و تاریخ کرد. استاد سعید نفیسی در رشته‌های مختلف نویسندگی، تحقیق، تاریخ، شعر و لغت آثاری بوجود آورد که بسیاری از آنها در نوع خود از بدیعترین نمونه‌ها می‌باشد. نفیسی در مسایل اجتماعی و هواداری از افکار مترقی از پیش‌آهنگان ایران معاصر می‌باشد. خدمات اجتماعی و ادبی ایشان هیچگاه فراموش ایرانیان نمی‌شود. از نوشته‌های دیگر او: ماه نخشب، فرنگیس، بابک خرم دین و... را می‌توان نام برد. سعید نفیسی در سال ۱۳۴۵ شمسی درگذشت.

نکر، ژاک

ژاک نکر سیاستمدار و اقتصاددان فرانسوی به سال ۱۷۳۲ در ژنو متولد شد. از ۱۷۴۷ تا ۱۷۶۲ در مدرسه علوم بانکداری پاریس تحصیل کرد. از ۱۷۶۲ به کارهای بانکی دست زد و در طول جنگ هفت ساله ثروت زیادی اندوخت. پس از برکناری تورگو، در ۱۷۷۶ وزیر دارایی لویی شانزدهم شد و تا ۱۷۸۱ در این مقام بود. وی موفق شد قوانین جدیدی برای بهبود وضع دارایی به تصویب مجلس برساند و اخذ مالیات و تشکیلات سازمانهای اقتصادی را بر طبق اسلوب صحیحی پایه‌ریزی کند. ولی شاه پس از چندی وی را معزول کرد و ظاهراً علت آن پروتستان بودن نکر و اصرار و پافشاری اش در کاهش هزینه‌های غیرضروری وی بود. دوباره در ۱۷۸۸ به عنوان وزیر

روابط دولتهای مشترك المنافع انتخاب شد. در اوت سال ۱۹۴۷ به نخست وزیری و وزارت امور خارجه هند نایل می شود. از سال ۱۹۵۳ الی ۱۹۵۴ وزارت دفاع هند را نیز عهده دار شد. در سال ۱۹۵۶ وزارت مالیه و مسؤولیت اداره انرژی اتمی نیز به وی تفویض گردید. نهر و در سال ۱۹۶۴ درگذشت.

نی داود، مرتضی

مرتضی نی داود، در خانواده ای موسیقی دوست، در تهران چشم به جهان گشود. پدرش «بالاخان» نوازنده تنبک بود. مرتضی در سن پنجسالگی، نزد خود با تار آشنا شد و با زحمت، نواهایی از آن استخراج کرد. پدرش به استعداد او پی برد و فرزند را نزد اساتید زمان به آموزش گذاشت. نخست نزد دو تن از تارنوازان گمنام به مدت کوتاه و سپس نزد میرزا حسینقلی، بزرگترین استاد زمانه به شاگردی رفت. محیط خانواده نی داود محیط آرامی آکنده از ساز و موسیقی بود بخصوص جو آن زمان که خالی از هرگونه موسیقی مبتذل و وارداتی بود، در پرورش و ذوق وی سهم بسیاری داشت. نی داود پس از گذراندن دوره ردیفهای میرزا، نزد بهترین شاگرد او درویش خان رفت و کار خود را ادامه داد. نی داود جوان، بهترین و محبوبترین شاگرد درویش شد و در ضمن اتمام دوره کلاسهای وی، سرپرستی قسمتی از اداره امور کلاس را به عهده گرفت و طی سالها، به دریافت سه مدال از دست درویش خان نایل شد. (مس، نقره و طلا).

مهمترین خدمت نی داود، ضبط ردیفهای موسیقی ایران در نوار است که از مهمترین مراجع برای پژوهش موسیقی سنتی به شمار می آید. در دهه ۱۳۵۰ رادیو از او دعوت به این کار کرد. نی داود با وجود کهولت سن، پذیرفت و طی ماهها کار، تعداد ۲۹۷ نوار آماده شد که شامل تمام محفوظات این پیر

برای مغلوب ساختن رقیب است، از این نظریه استفاده می شود که پژوهش های علمی را به نحوی در مسایل زندگی جاری وارد ساخته و می کوشد با کشف اسرار جهان بی جان پیروز شود. نویمان در سال ۱۹۵۵ به عضویت کمیسیون انرژی اتمی آمریکا منصوب گردید و در سال ۱۹۵۶ به اخذ جایزه فرمی نایل آمد. در سال ۱۹۵۴ به هنگامی که اوپن هایمر دانشمند مشهور با گسترش بمب اتمی مخالفت می کرد و عده ای علیه وی به مبارزه برخاستند، نویمان دست از حمایت اوپن هایمر برداشت.



نهر و، جواهر لعل (سیاستمدار)

متولد سال ۱۸۸۹، فارغ التحصیل کمبریج، در سال ۱۹۱۲ وکیل مدافع بوده و در محکمه عالی الله آباد به شغل قضاوت اشتغال داشته است. در سال ۱۹۱۸ به عضویت کمیته پارلمان درآمد در سال ۱۹۲۹ به دبیر کلی پارلمان نایل آمد. در سال ۱۹۲۰ در نهضتی که به دست گاندی پایه گذاری شده بود شرکت جست و بانهضتهای ملی تشریک مساعی نمود. چندین بار به علت داشتن فعالیتهای سیاسی زندانی گشت. در سال ۱۹۲۹ دبیر کلی پارلمان هند به وی واگذار شد و در همین سال به جانشینی پدر خود که ریاست کنگره ملی هند را به عهده داشت برگزیده شد. در سالهای ۱۹۳۶ و ۳۷ و ۴۱ و ۵۱ و ۵۴ به همین سمت منصوب گشت. در سال ۱۹۴۳ به معاونت دولت مرکزی و عضویت امور خارجی و



استعارات و تشبیهات نیرومند از هر دری سخن گفته است. او را يك فیلسوف شاعر و گوته را يك شاعر فیلسوف نامیده‌اند.

نیچه اصلاً لهستانی بود. آلمانها را بی فرهنگ می‌دانست و فرانسویان و فرهنگ ژرف آنان را می‌ستود و انگلیسها را بدترین آدمهای روی زمین می‌نامید. او معتقد بود که اخلاق معنا ندارد. هر کس نوعی اخلاقیات را برای نجات و پیروزی خودش در این دنیا پیش می‌گیرد. در هر حال همه خود را می‌پرستند و این بشر باید پرستش خویش را به اوج خود رساند. نیچه آثار متعددی دارد که نامی‌تر از همه همان چنین گفت زرتشت است. نیچه در این کتاب اغراض و عقاید خویش را به صورت افسانه‌ای درآورده است که قهرمانش زرتشت است. نیچه می‌گفت: زرتشت نخستین کسی بود که اخلاق را آفرید و هم خود اوست که باید از این کار استغفار کند. به همین جهت بود که نیچه زرتشت را در این کتاب به صورت مردی درآورد که ارزشهای اخلاقی دیگری به جهان ارائه می‌کند و در جستجوی جهان‌های نو و مرزهای نامکشوف است. زرتشت دنبال آبرمرد می‌گردد و کسی است که از میان بشر برخواهد خاست و از همه برتر و بالاتر است. وجود جهان به خاطر اوست

نیچه می‌گوید: مردم دنیا دو دسته‌اند، یکی زیردستان و دیگر خواجهگان. اصالت و شرف متعلق

استاد بود از آموخته‌هایش، و شامل گوشه‌هایی مهجور که اکثر موسیقیدانان میان سال و جوان ایرانی را با آنها آشنایی نبود. جالب توجه این که نی‌داود، با این که از طرف مسؤولین رادیو اصرار فراوانی شد، در قبال این زحمت طاقت فرسا هیچگونه هدیه و پولی را نپذیرفت و اظهار داشت: «من برای وطنم ایران این کار را کرده‌ام... دلم به همین خوش است. دیگر موسیقی ما نمی‌تواند پایمال بدخواهان شود».

در اواخر دهه ۱۳۵۰، استاد پیر به همراه فرزند و خانواده خود به خارج از کشور مهاجرت کرد و اکنون نیز در آن سوی آبها، به یاد ایران و موسیقی است و هنوز می‌نوازد، با موسیقی و برای موسیقی زنده است و می‌گوید اگر روزی دستهایم از کار بیفتد، خواهم مرد. مرتضی نی‌داود، از لحاظ ارزشیابی موسیقیایی، يك نوازنده کامل العیار موسیقی سنتی ایران است و ادامه منطقی راه افرادی چون: آقا غلامحسین، میرزا حسینقلی و درویش خان.

نیچه، فردریک ویلهلم

فردریک ویلهلم نیچه فیلسوف و شاعر آلمانی در سال ۱۸۴۴ به دنیا آمد. خانواده پدر و مادرش همه کشیشان پروتستان بودند. مادرش او را به تحصیل الهیات گذاشت اما او از الهیات و مسیحیت رویگردان گردید و در زبان یونانی و علوم ادبی تبحر یافت و سرانجام در بیست و سه چهار سالگی به استادی دانشگاه بال برگزیده گشت. در جوانی مرید شوپنهاور حکیم بزرگ آلمانی و دوست صمیمی واگنر آهنگساز معروف بود. اما بعدها عقیده‌اش از هر دوی آنها برگشت و از همه دوستان برید و علم مخالفت با همه آنها برافراشت و در گوشه انزوا به ایجاد آثار فلسفی و ادبی خود پرداخت. نیچه در فلسفه پایه‌های تازه‌ای گذاشت. او در کتاب «چنین گفت زرتشت» با

و دانشگاه دانشجویان خود را مرخص کرد. نیوتون به زادگاه خود مراجعت نمود و همین موقع بود که هوش و استعداد نابغه بزرگ آشکار گشت زیرا تمام کتابها و جزوه‌های خود را در دانشگاه جا گذاشته بود و فکر خود را آزاد گذاشت که به تنهایی از منابع خاص خود استفاده نماید. در این هنگام نیوتون بیش از بیست و دو سال نداشت ولی بیش از ارشمیدس و دکارت درباره معرفت ساختمان جهان دقیق شده بود. نیوتون ضمن دو سالی که در وولس تورپ بود، «حساب عناصر بی نهایت کوچک» و «قانون جاذبه عمومی» را کشف کرد و تئوری نور را بنیان گذاشت.

بدون تردید می‌توان گفت در تاریخ بشریت نامی مافوق نام نیوتون وجود نداشته و هیچ اثری از لحاظ عظمت و بزرگی مانند کتاب «اصول» او نخواهد بود. لابلاس بزرگترین ادامه‌دهنده اکتشافات او درباره اش چنین میگوید: «کتاب اصول بنای معظمی است که تا ابد عمق دانش نابغه بزرگی را که کاشف مهمترین قوانین طبیعت بوده است به جهانیان مدلل خواهد داشت». لاگرائز درباره او چنین می‌گوید:

«نیوتون خوشبخت بود که توانست دستگاه جهان را توصیف کند! افسوس که در عالم بیش از يك آسمان وجود ندارد».

نیوتون در اواخر عمر به مرض سنگ مثانه مبتلا شد و در بیستم مارس ۱۷۲۷ درگذشت. نیوتون را در کلیسای وست مینستر در جوار پادشاهان انگلستان به خاک سپردند.

وات، جیمس (کاشف)

مکانیسین و مهندس انگلیسی در ۱۷۳۶ در اکوس (شمال بریتانیا) به دنیا آمد و چون به تحصیل پرداخت به رشته‌های علمی کشانیده شد به طوری که در ۲۸ سالگی در ردیف دانشمندان بنام انگلیسی

به خواجگان است و آنها غایت وجودند و زیردستان، آلت و وسیله اجرای اغراض ایشان هستند. ترقی دنیا و بسط زندگانی انسان به وسیله بزرگان و خواجگان و سرداران صورت می‌پذیرد که معدودند. نیکی و راستی و زیبایی امور حقیقی و مطلق نیستند. آنچه حقیقت دارد این است که همه کس خواهان توانایی است و می‌خواهد زندگی خود را بالا ببرد. غایت وجود پیدایش مرد برتر است و ترتیب زندگانی را اصول اخلاقی باید جنان باشد که مرد برتر ظهور کند. نیچه با اشعار حافظ آشنایی داشت و درباره او ترانه‌هایی ساخته است.



نیوتون، اسحق (کاشف)

اسحق نیوتون در چهارم ژانویه ۱۶۴۳ در «وولس تورپ» متولد شد. او بسیار ضعیف و ناتوان و بی‌رنگ و بی‌صدا بود و آنقدر کوچک بود که مادرش می‌گفت در يك شیشه جا می‌گیرد، ولی با این حال به زندگی ادامه می‌داد و بقدر کافی قوی شد.

نیوتون در هیجده سالگی مجاناً وارد دانشگاه کمبریج شد. ابتدا هندسه اقلیدسی و سپس هندسه دکارت را مورد مطالعه قرار داد. نیوتون نابغه بزرگ در ابتدای زندگی هیچ‌گونه هنری از خود نشان نداد. او را جزو شاگردان ممتاز نمی‌توان قلمداد کرد و امتحانات او هیچوقت درخشان نبود.

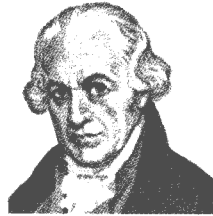
در حدود سال ۱۶۶۳ مرض طاعون شیوع یافت

و مدیترانه در دستستان بود او را مجبور نمود که به کشورش بازگردد و مدت ۲۰ سال خانه نشین شود. در زمان ژان سوم، پادشاه پرتغال او را با سمت نایب السلطنه به هند اعزام کرد ولی به سال ۱۵۲۵ در شهر «بالامار» بدرود زندگی گفت.

واگنر (موسیقیدان)

در ۲۲ مه ۱۸۱۳ در لایپزیک به دنیا آمد. پدرش از کارمندان شهرداری بود که چند ماه بعد از تولد فرزندش در شیوع بیماری تیفوس درگذشت. ریشارد وقتی ۱۴ سال داشت یک نمایشنامه بسیار غم‌انگیز نوشت و خواست آن را به موسیقی درآورد. بالاخره توانست نخستین اپرای خود را به نام پریانها بنویسد.

چون استعداد و کارهای واگنر مورد توجه واقع شد او را به ریاست ارکستر تئاتر ماگدبورگ انتخاب کردند. در آنجا واگنر به خواننده زیبا مینا پلاتر علاقمند شد و پس از چندی با او ازدواج کرد. در سال ۱۸۴۸ واگنر درصدد برآمد که اپرای «حلقه نبلولک» را که چهار قسمت بود و داستان آن افسانه زیگفید روبین که بزرگترین افسانه ملی آلمان است تهیه کند. این دوره با انقلاب سیاسی مهمی مواجه شد و واگنر در صف طرفداران انقلاب قرار گرفت. ولی جریان به زیان انقلابیون تمام شد و واگنر مجبور شد به ایماز برود و بعد به زوریخ رفت. در جریان این احوال واگنر با بازرگان ثروتمندی به نام اتو وزندونک آشنا شد که به او کمک مالی بسیار کرد. اما واگنر عشق سندیی نسبت به زن بازرگان پیدا کرد که نامش ماتیلد بود. ناگزیر همه قیود اخلاقی را زیر پا گذاشت و صمیمانه به او اظهار علاقه کرد. تحت تأثیر این عشق واگنر به تصنیف یک اپرای عاشقانه پرداخت. ماتیلد خوب شعر می‌گفت و واگنر قسمتی از اشعار او را به موسیقی درآورد. وقتی عفو عمومی سال ۱۸۶۲



درآمد. از هنگامی که مشغول تعمیر یک ماشین نمونه بود به کشف قوه بخار نایل آمد. تا سال ۱۷۶۴ بشر غافل از آن بود که در فشار بخار چه قدرتی نهفته است. وات در لندن ساختن اسباب و ادوات فنی را فرا گرفته بود و در گلاسکو به مطالعه کاملاً عملی درباره خواص بخار یعنی ارتباط تکائف و شدت بخار و فشار نسبت به حرارت مشغول شده بود. مهمترین نکته‌ای که وات کشف کرد آن بود که موتورهای پیشین در استوانه‌ها کار لازم را انجام نمی‌دادند پس بایستی از «حرارت بخار فشرده» کاست یعنی دستگاه فشردن بخار را باید جدا از استوانه قرار داد، و این پایه اصلی کار ماشین بخار است. لکوموتیوها و کشتیهای بخاری محصول همین اکتشاف اند. قوه بخار در حمل و نقل و ماشین سازی انقلابی بوجود آورد که اساس تمدن و صناعت امروزی بشر است. وات به سال ۱۸۱۹ درگذشت.

واسکودوگاما (جهانگرد)

در همان اوقات که کریستف کلمب راهی را به طرف هندوستان جستجو می‌نمود، واسکودوگاما دریانورد پرتغالی در جستجوی راهی از طرف دماغه امیدنیک بود تا از طریق خلیج عمان به هند برسد. اولین سفر او در سال ۱۴۹۷ انجام گردید و وی از دماغه امیدنیک عبور کرد و به سواحل زنگبار رسید ولی مخالفت اعراب که تا آن زمان بازرگانی بین هند

مشاهیر

چون از ریاضیات و علوم روگردان بود به ادبیات رو آورد و به مطالعه آثار نویسندگان بزرگی مانند: گوته، بودلر، پو، استفین و مالارمه پرداخت. در سال ۱۹۸۹ هنگامی که تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رسانید نخستین شعر دل‌انگیزش در یکی از مجلات هفتگی مارسی انتشار یافت و با پیرلویس عهد دوستی بست. دیری نگذشت که ژید و مالارمه نیز با او راه دوستی پیش گرفتند و این مناسبات بدانجا رسید که والرئ اذهان روشنفکران و نویسندگان وقت را به خود فریفت. در سال ۱۸۹۲ اندیشه‌های شاعر را نومیدیه‌های فلسفی بسیار فرا گرفت. در روزهای بحرانی چهارم و پنجم اکتبر همان سال لحن یادداشت‌های خصوصی والرئ گریان و لرزان می‌شود و او روگردان و بیزار از خلق به تنهایی مطلق فرو می‌رود. در شبی که نومیدی پل والرئ به اوج خود رسیده است، شاعر خاموشی عمیق و سکوت سمج و غم‌آلود خود را می‌شکند و می‌گوید «وقتی می‌نویسم مثل خدایان در هاله‌ای از زیبایی و خلقت فرو می‌روم و هنگامی که از نوشتن باز می‌مانم اهریمنان بر من حمله می‌آورند». والرئ را می‌توان مردی افسرده چهره و بلند قامت در میان مسایل عصر ماشینی که فقط به عشق زن می‌اندیشد نمودار ساخت. او را می‌توان جزو رمانتیک‌ترین شاعران قرن بیستم دانست. وی رسالات فلسفی چندی نیز نوشت و سرانجام در روز بیستم ژوئیه ۱۹۴۵ در حالی که شاعر آوازه‌ای جهانگیر به دست آورده بود دیده بر هستی فرو بست.

وایلد، اسکار

اسکار فینگال اقله‌رتی ویلز وایلد نمایشنامه‌نویس و داستان‌سرای بزرگ ایرلندی در ۱۶ اکتبر سال ۱۸۵۴ به دنیا آمد. پدر و مادرش اهل ادب بودند. نخستین شعر خود را در باره مرگ خواهر

در آلمان اعلام شد، واگنر بعد از ۱۳ سال دوری از وطن به آلمان مراجعت کرد.



واگنر که از مدتی پیش با زن خود متارکه کرده بود بعد از ماتیلد به کوزیما دختر لیست دل باخت. کوزیما شوهر خود را رها کرد و نزد واگنر آمد و رسماً پس از طلاق کوزیما با هم ازدواج کردند و فرزندی پیدا کردند که او را زیگفرید نام گذاشتند. در سال ۱۸۷۲ واگنر به بایرویت رفت و در آن شهر که تا آخر عمر اقامت گزیده بود تئاتر بایرویت را بنیاد گذاشت که باشاهکار واگنر «حلقه پنبلونک» افتتاح شد. در این نمایش عده‌ای از مردان بزرگ مانند: لیست، نیچه و همچنین ویلهلم اول امپراطور آلمان و لودویک دوم پادشاه باویر حضور داشتند. واگنر در سفری که به ونیز کرد بسختی بیمار شد و عاقب روز ۱۳ فوریه ۱۸۸۳ به سن هفتاد سالگی درگذشت. جنازه او را با احترام به بایرویت آوردند و در تشییع جنازه او لودویک دوم و بسیاری از هنرمندان و چندین هزار تن از مردم بایرویت شرکت کردند و او را در ویلای وانفرید به خاک سپردند و بعد از آن هر ساله برای اجرای آثار واگنر در بایرویت جشنی برپا می‌شود.

والرئ، پل (شاعر)

پل والرئ در روز سی‌ام اکتبر سال ۱۸۷۱ چشم به جهان گشود. در سیزده سالگی در مدرسه شبانه‌روزی مون‌پلیه به تحصیل علم پرداخت، ولی

فرانک ودکیند، نمایش نویسن معروف آلمانی در ۲۴ ژوئیه سال ۱۸۶۴ متولد شد. به سال ۱۸۸۳ به کار روزنامه نگاری پرداخت. پس از آن مدتی مدیریت يك آژانس تبلیغاتی را برعهده گرفت. در سال ۱۸۹۰ در سیرکی به کار مشغول گشت. در سال ۱۸۹۷ به کار هنرپیشگی و تهیه فیلمهایی از نمایشنامه‌های خود پرداخت.



کارهای تئاتری وی عبارتند از: بیداری بهار، جن، کاخ تراشتین و فرانسیسکا. نمایشنامه‌های فرانک ودکیند به سبک سمبولیک نوشته شده است. وی دست به شعر و شاعری نیز برده و منظومه‌هایی به نام چهار فصل دارد. وی همچنین مجموعه مقالاتی از خود به یادگار گذاشته. ودکیند در نهم مارس ۱۹۱۸ در مونیخ از دنیا رفت.

وردزورث، ویلیام

ویلیام وردزورث به سال ۱۷۷۰ متولد گردید. وی اولین شاعر رئالیست انگلستان است. در تاریخ ادب انگلستان آغاز واقعی مکتب «رئالیسم» را سال ۱۷۹۹ می‌دانند که در آن سال مجموعه اشعاری به نام «نغمه‌های شاعرانه» از طرف وردزورث و کالریج انتشار یافت.

وی قسمت اعظم زندگیش را در لیک ویستریکت واقع در شمال انگلستان در کنار مردم روستایی گذراند و احساسات طبیعی و مناظر طبیعت و صفای باطن مردم این ناحیه الهام بخش آثارش گردید. به هنگام کودکی مطالعات زیادی به عمل آورد و بعد از مراجعت از این سفر با کالریج شاعر دیگر انگلیس مدتی بسر برد و پس از سفری به آلمان به لیک ویستریکت مراجعت کرد. وردزورث دنیا را با چشم عرفان می‌نگریست. در نظر او طبیعت مظهر جمان مطلق و مربی ذوق و احساسات بشری است. زیباست و زندگی در دامان طبیعت ساده و شیرین و

جوانش. سرود. او سفری به آمریکا کرد و در سال ۱۸۸۲ به پاریس آمد و دو درام خود ورا و دوشس دوپارورا نوشت. مردی بود که در محافل ادبی فرانسه راه داشت و مانند بایرون در قاره اروپا بلندآوازه بود. آثار برجسته شعر و درام و داستانهایش را در سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۱ پدید آورد. شاهزاده خوشبخت، تصویر دوریان گری، جنایت لرد آرتور و سالومه را در سال ۱۸۹۱ برای خانم سارا برنار هنرپیشه بزرگ فرانسه نوشت.

نمایش این آثار در انگلستان قدغن شد. ولی کم‌دی‌هایش مانند بادبزن خانم ویندرمیر، زبی، اهمیت، شوهر دلخواه و اهمیت ازتست بودن، چنان در تئاترهای لندن استقبال شد، که برایش ثروت کلانی فراهم آورد. ولی سرانجام روزگار بدی پیدا کرد و با حبس، بدنامی و ورشکستگی دمساز شد. اسکار وایلد در ۲۰ نوامبر ۱۹۰۰ در پاریس درگذشت.

وحشی بافقی

وحشی بافقی در اواخر دوره سلطنت شاه اسمعیل صفوی در سال ۹۲۹ هجری در فصبه بافق به دنیا آمد. وی غزل و مسمط را بهتر از دیگر اشعار می‌سروده. شاهکار او ترکیب بندی است که در ادبیات فارسی در نوع خود بی‌نظیر است. وحشی در سال ۹۹۱ هجری قمری درگذشت.

ودکیند، فرانک

مشاهیر

شده، باربارا، وردی یا رمان اپرا، چهل روز موسی، داغ، پاسکارلا، آسمانهای از دست رفته و بازیافته.



وزیری، کلنل علینقی

استاد وزیری اولین پایه گذار موسیقی جدید ایران بعد از انقلاب مشروطیت بود که ردیفهای آقا میرزا عبدالله و آقا حسینقلی را نوشت و برای اولین بار تعلیم صحیح ویلن را به عهده گرفت و به شاگردانش آموخت که نواختن ویلن از کمانچه جدا می باشد. علینقی وزیری شاگردانی تربیت کرد که هر يك از آنها در موسیقی ایران از اساتید فن گشتند که از میان آنها می توان از: ابوالحسن صبا، روح الله خالقی، موسی معروفی، جواد معروفی، حسینعلی فلاح و فروتن راد نامبرد.

استاد وزیری در ساختن و پرداختن مارشهای ملی و میهنی زحمات فراوانی کشید و قطعاتی مانند: «خاک ایران»، «ای وطن» و «مارش ظفر» را ساخت و بعد ازعارف نخستین کسی بود که موسیقی ایران را از انزوا بیرون آورد و در دسترس عامه به طور عملی قرار دارد.

زنده یاد کلنل وزیری، برای شناساندن موسیقی اصیل و سنتی کشور چه در داخل ایران و چه در خارج آن فعال و کوشا بود به طوری که علاوه بر کنسرتهای متعددی که در سراسر کشور برپا می کرد از هر فرصتی جهت شناسایی موسیقی ملی ایران

سرشار از شادی و خرسندی است. در شعر وردزورث انسان تماشاگری است که از دورزیباییهای طبیعت رامی بیند و تأثیر می پذیرد. اشعار او مثل همه اشعار رمانتیک بسیار ظریف و آمیخته با تخیلات فراوان شاعرانه است و در آنها شاعر غالباً بیش از آنکه با حقیقت و منطق سروکار داشته باشد با روح و احساسات خود سرگرم است. در آثار او همه جا این نظر پیداست که زندگانی روزمره، برای بشر پر از لذت و شادکامیهای معنوی است و وظیفه بشر است که روح خود را برای استفاده از آنها آماده نماید. وردزورث در سال ۱۸۵۰ درگذشت.

ورفل، فرانسیس

فرانسیس ورفل یکی از بزرگترین نویسندگان آلمانی زبان قرن بیستم است. وی اصلاً یهودی بود و در سال ۱۸۹۰ در شهر پراگ متولد گردید. در فاصله دو جنگ جهانی، او و توماس مان و اشتفن تسوایگ کانون ادبی معروفی داشتند که از مهمترین مراکز ادب آلمان بشمار می رفت و آثاری که مورد قبول این کانون قرار می گرفت در همه آلمان با استقبال فراوان مواجه می شد. در آغاز جنگ بین الملل دوم، ورفل از راه فرانسه به آمریکا رفت و تا پایان جنگ در آمریکا ماند. یادگار ادبی این سفر او کتاب آواز برنات است که تقریباً به تمام زبانهای برجسته دنیا ترجمه شده و فیلم معروف آن که «هفت معجزه» لقب گرفته شهرت این کتاب را جهانگیر کرده است. او در آمریکا به آیین کاتولیک درآمد و در سال ۱۹۴۵ در کالیفرنیا رخت از جهان بریست. وی از استادان بزرگ مکتب ادبی تحلیل و تجزیه است و بسیاری از آثار او از شاهکارهای ادبی قرن بیستم آلمان محسوب می شوند.

از رمانهای او می توان اینها را نام برد: مرگ يك خرده بورژوا، قربانی گناهکار است، گذشته زنده

استفاده می‌برد.

وزیری، عبدالعلی

به سال ۱۲۹۳ شمسی عبدالعلی وزیری در خانواده‌ای هنردوست دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را از هفت سالگی در مدرسه شرف شروع کرد و از ده سالگی بنا به توصیه و سفارش پدرش نزد پسر عموی هنرمند خود کنل علینقی وزیری به مدرسه عالی موسیقی رفت و در رشته آواز تحت تعلیم قرار گرفت و چون از صدایی گرم و جذاب برخوردار بود، زیر نظر مستقیم کنل، خواندن نت و اصول موسیقی را به زودی فرا گرفت و پس از آن نواختن تار را نیز آغاز کرد. عبدالعلی وزیری اولین خواننده‌ای بود که در برنامه پرشکوه «گل‌های جاویدان» شرکت و در ضمن سولیست خوانندگان ارکستر انجمن موسیقی ملی نیز شد و آهنگهای بسیاری را در رادیو با ارکستر اجرا نمود. او آهنگها و ساخته‌های کنل وزیری و روح‌الله خالقی را از همه بهتر می‌خواند و علت آن بوده که بیشتر با آنان مانوس بود و کاملاً احساس ایشان را درک می‌کرد. صدای او کوتاه ولی گرم، پرحال و سبک مخصوصی در خواندن داشت که پراز احساس و جذبۀ خاص بود و در زمان خود طرفداران فراوانی داشت. وزیری یکی از خوانندگان خوب و باارزش دوران معاصر ایران به شمار می‌رود و تار بسیار خوبی هم می‌زد که هر چند نتوانست جای خالی استاد و پسر عموی خود را پر نماید ولی وقتی که مضراش به سیم آشنا می‌شد، زنگ صدای استادش به گوش شنونده می‌رسید.

وسکر، آرنولد

نمایشنامه‌نویس انگلیسی، در سال ۱۹۳۲ در یک خانواده یهودی در لندن به دنیا آمد. اولین نمایشنامه

او به نام سوپ مرغ با جو بس از اینکه چندین بار از طرف تئاترهای مختلف برای اجرا رد شد، در سال ۱۹۵۸ در تئاتر بلگراد کاونتری روی صحنه آمد. این نمایشنامه که داستان آن زندگی یک خانواده یهودی را بین سالهای ۱۹۳۰-۱۹۵۰ در لندن نشان می‌دهد، به نوعی زندگینامه شخصی وسکر به حساب می‌آید. پس از این نمایشنامه بلافاصله دو اثر دیگر او به نامهای ریشه‌ها و من از اورشلیم سخن می‌گویم روی صحنه آمد. داستان این دو نیز در واقع دنباله همان نمایشنامه اول بود و منتقدان این سه اثر او را «تریلوزی» وسکر می‌دانند.

در سال ۱۹۶۲ یکی از جنجالی‌ترین نمایشنامه‌های وسکر روی صحنه آمد. این نمایشنامه چپیس با همه چیز (در ایران با نام «سربازها» ترجمه و منتشر شده است) نام دارد. داستان آن در یک یادگان آموزشی می‌گذرد. وسکر، سلسله مراتب موجود در یادگان و انسان‌های در بند این سلسله مراتب را زیر ذره بین می‌گذارد. اما نمایشنامه در واقع تمثیلی است از کل جامعه انگلیس و یامی شود گفت از یک جامعه سرمایه‌داری که در آن انسانها درگیر نظام و سلسله مراتبی دست و پاگیر و بر از بی‌عدالتی شده‌اند. وسکر را به خاطر دید انتقادی و اعتراضش به نظام نابرابر و غیرانسانی جامعه‌اش و به سبب تمسخر و رد اشرافیت و اسنویسم انگلیسی می‌توان یکی از بارزترین نمونه‌های «جوانان عصبانی» دانست. این نام را منتقدان پس از نمایش «با خشم به یادار» اثر جان آیزن به او دادند. در واقع، آیزن نماینده آن دسته از هنرمندانی بود که بویژه پس از جنگ دوم بی به تظاهر و دورویی طبقات حاکم برده و هر آنچه که در نظر یک انگلیسی سنتی و اشرافی جزو اصول خدشه‌ناپذیر و ابدی جلوه می‌کرد به استهزاء گرفتند. علاوه بر آثار فوق، می‌توان از دو اثر دیگر او به نامهای دوستان (۱۹۷۰)

بعد به سمت محرر بزرگ وابسته به پاپ منصوب گردید. در ۱۶۲۷ در الهیات به مقام اجتهاد رسید. او نویسندهٔ بیش از ۱۸۰۰ نمایشنامه و چند صد شعر و داستان مذهبی می‌باشد که از میان آنها ۴۳۱ نمایشنامه و ۵۰ شعر و داستان مذهبی موجود است. او در سال ۱۶۳۵ درگذشت.



ولتر (فیلسوف، نویسنده)

ولتر نویسندهٔ نامدار فرانسوی در سال ۱۶۹۴ در پاریس متولد شد و در مدرسهٔ ژزوئیتها به تحصیل پرداخت. نام حقیقی و اصلی او فرانسوآماری است که در سال ۱۷۱۸ پس از اینکه نخستین تراژدی خود را به نام «اودیپ» نوشت و به نثر تبدیل کرد، بدین نام مشهور شد. ولتر در ابتدای کار ادبی خویش در يك اقتراح ادبی فرهنگستان شرکت کرد ولی موفقیتی به دست نیاورد و به همین مناسبت انتقادی مزاح‌آمیز به زبان شعر در بارهٔ حریف خود که جایزهٔ فرهنگستان را برده بود سرود که با چند شعر دیگرش تا حدی موجب شهرت او شد. ولتر به خاطر توهینی که در نوشته‌ها و اشعارش به نایب‌السلطنه کرده بود مدتی را در تبعید و زندان گذراند و چند سال بعد از آزادی هنگامی که با شوالیه دروان شابوت به نزاع برخاسته بود مجدداً به زندان افتاد. بعد از این جریان و اتمام مدت زندان، دو سال به انگلستان تبعید شد و موقعی که در سال ۱۷۲۸ به پاریس بازگشت از طریق

و قدیمی‌ها (۱۹۷۲) یاد کرد.

وطواط، رشیدالدین (شاعر، ادیب)

رشیدالدین محمد که به علت کوچکی اندام و جثه به وطواط معروف بود در بلخ متولد شد و جوانی خود را در آنجا به کسب علم و ادب گذراند و پس از آن به خدمت علاءالدین اتسز خوارزم شاه رسید و مدت ۳۰ سال شاعر دربار بود و خدمت دیوانی خوارزمشاه را می‌کرد، ولی پس از فتح هزارسف و شکست اتسز به دست سنجر، زندگی وی در هم ریخته شد و کانون آسایشش بهم خورد. پس از وفات اتسز چندی رشید در خدمت ایل ارسلان پسر اتسز بود. در سال ۵۶۸ که سلطان علاءالدین تکش به امارت خوارزم رسید، وطواط به علت پیری از خدمت معاف گردید. وی در سال ۵۷۳ هجری وفات یافت. «حداثق السحر» در علم بدیع از تألیفات مهم وطواط است.

وصال شیرازی

میرزا شفیع شیرازی متخلص به وصال از غزلسرایان معروف دورهٔ قاجاریه است. وی در ساختن مثنوی مهارت داشت. وصال علاوه بر این که شاعری خوش ذوق بود از خوشنویسان عصر خود به شمار می‌رفت. وصال در سال ۱۱۹۳ هجری متولد شد و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

وگا

لوپ فلیکس دووگا کاریبو، شاعر دراماتیک اسپانیا و بنیانگذار درام ملی اسپانیایی به سال ۱۵۶۲ در مادرید تولد یافت. در سال ۱۵۸۸ در نتیجهٔ يك دوئل از کاستیل تبعید شد و در همان سال به خدمت در ارتش اسپانیا مشغول گردید. سپس منشی دوک آلبا شد. در ۱۵۹۶ به مادرید بازگشت و پس از مرگ همسر دومش در ۱۶۱۴ به مقام کشیشی رسید و دو سال



و بینش سیاسی صحیحش سرچشمه می گرفت به کارهایش وجه تمایزی خاص می داد. وی با اینکه در محیط اشرافی بزرگ شد اما تحت تأثیر این فضای خاص و تزینات و تجملات آن فرار نگرفت. وی از ابتدای جوانی به هنرهای نمایشی گرایش پیدا کرد چرا که پدرش دوک جوزیه ویسکونتی دی مودرونه به تئاتر علاقه فراوان داشت و با همسرش تئاتر کوچکی در قصرشان به وجود آورده بودند. ویسکونتی در سال ۱۹۷۶ درگذشت.

مهمترین آثار سینمایی ویسکونتی عبارتند از: وسوسه (۱۹۴۲)، روزهای پیروزی (۱۹۴۵)، شبهای سفید (۱۹۵۷)، روکو و برادرانش (۱۹۶۰)، بوکاجو ۷۰ (ایزود شغل، ۱۹۶۲)، یوزیلنگ (۱۹۶۳)، ستارگان زیبای دب اکبر (۱۹۶۵)، سقوط خدایان (در ایران: نفرین شدگان، ۱۹۶۹)، مرگ در ونیز (۱۹۷۱)، لودویگ (۱۹۷۲)، قطعه مکالمه بی (در ایران: خشونت و شهوت، ۱۹۷۴) و بی گناه (۱۹۷۶)

ویل دورانت

ویل دورانت تاریخ نویس برجسته معاصر امریکایی به سال ۱۸۸۵ در شهر نورث آدامس واقع در ایالت ماساچوست متولد شد. تحصیلات او در مدارس کاتولیکی و کالج ژنونیتها و دانشگاه کلمبیا صورت گرفت و در سال ۱۹۱۷ به اخذ درجه دکترا در فلسفه نایل شد. موفقیت عظیم تاریخ فلسفه وی

معاملات و سفته بازی ثروتی به دست آورد. ولتر با وجودی که در کادر معاملات تجاری افتاده بود معهدا از نویسندگی منصرف نشد و در همین موقع مجموعه ای به نام «نامه های درباره ملت انگلیس» منتشر ساخت که در مردم فرانسه بسیار مؤثر افتاد. ولتر مدتی را در قصر دوست خود مادام دوشاتله گذراند و در این مدت آثار ارزنده ای عرضه داشت و بعد از مرگ مادام دوشاتله به دعوت فردریک کبیر مدتی در دربار او اقامت گزید، ولی بالاخره به پاریس بازگشت و در اثر کار زیاد در سال ۱۷۷۸ درگذشت.

ویسکونتی، لوکینو

لوکینو ویسکونتی یکی از بزرگترین مؤلفین سینمای ایتالیا (همراه با فدریکو فلینی و میکل آنجلو آنتونیونی) و پدر سینمای نئورالیست (همراه با روسلینی و دسیکا) می باشد. او متولد دوم نوامبر ۱۹۰۶ در میلان و یک اشراف زاده بود. ویسکونتی کارهای نمایشی را با فعالیت در تئاتر و اپرا شروع کرد. در ۱۹۳۶ با دستیاری ژان رنوار وارد کار نمایشنامه شد و دستیار سوم رنوار در ساختن فیلم «یک بازی بیلاقی» گردید. در این سالها بود که ویسکونتی به جریانات سیاسی و اجتماعی اروپا آگاهی یافت. در ۱۹۴۲ فیلم «وسوسه» را براساس داستان «پستچی همیشه دوبار زنگ می زند» نوشته جیمز کین کارگردانی کرد. پس از فیلم «زمین می لرزد» او دوباره به تئاتر بازگشت و این بار مارچلو ماسترویانی را کشف کرد و فرانکو زفیره لی را به عنوان دستیار خود برگزید.

ویسکونتی فیلمسازی بود با بینشی صحیح و طرز تفکری درست که فیلمهایش دال بر این مدعاست. او هیچ گاه خود را در اختیار سینمای پرزرق و برق تجاری قرار نداد و همیشه با اعتقاد و ایمان خویش کار کرد و این اعتقاد او که از مطالعاتش، تجربیاتش



ویلسن برای بار دوم انتخاب گردید. ولی در همان سال ایالات متحده مجبور گردید در جنگ دخالت کند.

وقتی آلمانها تقریباً شکست خوردند ویلسون پیشنهاد ۱۴ ماده‌ای خود را به عنوان پایه مذاکرات صلح عرضه داشت. ویلسن در سال ۱۹۲۴ درگذشت.

ویلیامز، تنسی

تنسی ویلیامز نمایشنامه‌نویس بزرگ آمریکایی، به سال ۱۹۱۶ در شهر کلمبیا واقع در استان میسوری از خانواده گمنامی متولد شد. در سال ۱۹۲۸ همراه خانواده اش به شهر سنت لویی نقل مکان کرده پس از دوره متوسطه به فروشندگی پرداخت. در سال ۱۹۳۸ به دانشگاه آیوا وارد شد و در آنجا تحصیل کرد. نوشته‌های او بیشتر نمایشنامه است و برجسته‌ترین آنها عبارتند از: باغ وحش شیشه‌ای، اتوبوسی به نام هوس، گربه روی شیروانی داغ، ناگهان تابستان گذشته، پرنده شیرین جوانی، تابستان دود، دوران تفاوت، خال گل و شب ایگوانا. ویلیامز از استادان بزرگ نمایشنامه‌نویسی به شمار می‌رود. او با استادی بی‌مانندی حالات و اندیشه‌ها و سرشتهای خود را از زبان قهرمانانش و توده مردم بیان می‌کند. زبان او زبان مردم ساده و رنج دیده و ناکام امریکاست و روانشناسی و روانکاوای قرن بیستم در نوشته‌های او اثر فراوان دارد.

که به سال ۱۹۲۷ انتشار یافت باعث شد که ویل دورانت متقاعد شود تا تمام عمر خود را وقف نوشتن «تاریخ تمدن» نماید. در ۱۹۳۰ برای مطالعه به مصر و خاور نزدیک و هند و چین و ژاپن و روسیه سفر کرد و نخستین جلد از دوره تاریخ تمدن را به عنوان میراث شرقی (ترجمه فارسی: مشرق زمین گاهواره تمدن) به سال ۱۹۳۵ منتشر کرد. در ۱۹۳۹ زندگی یونان و در ۱۹۴۴ قیصر و مسیح را منتشر کرد. کتاب عصر ایمان در ۱۹۵۰ منتشر شد. رنسانس در ۱۹۵۵، عصر اصلاح مذهبی در ۱۹۵۷، عصر عقل در ۱۹۶۰، قرن لویی چهاردهم در ۱۹۶۳ و قرن ولتر در ۱۹۶۵ منتشر گردید. آخرین جلد کتاب تاریخ تمدن موسوم به «اومرد انقلاب» است. ویل دورانت در سال ۱۹۹۰ درگذشت.

ویلسن

ویلسن بیست و هشتمین رئیس جمهور ممالک متحده آمریکا به شمار می‌رود. او پسر یک کشیش بود که در ۲۸ دسامبر سال ۱۸۵۶ تولد یافت. پدر با پسر بسیار صمیمی بود و اوقات زیادی را با وی می‌گذرانید و در مطالعه او راهنمایی می‌کرد. یک سال در دانشگاه دیویدسون تحصیل کرد و از دانشگاه پرینستون فارغ‌التحصیل شد و درجه دکترای خود را از دانشگاه جانز هاپکینز دریافت کرد. یک دفتر وکالت بازکرد، ولی بزودی تدریس نویسندگی پیشه نمود و رئیس دانشگاه پرینستون گردید و بعد از مدتی مورد توجه رهبران سیاسی قرار گرفت و برای فرمانداری ایالت نیوجرسی انتخاب شد. در سال دوم ریاست جمهوری او، جنگ اول جهانی در اروپا شروع شد، ولی ویلسون تصمیم داشت که آمریکا را از این جنگ دور نگاه دارد و برای دو سال موفق گردید با نطق آتشین خود آمریکا را مصون نگاه دارد. در انتخابات ریاست جمهوری،

هابز، تامس

تامس هابز فیلسوف انگلیسی در سال ۱۵۸۸ متولد شد. هنگامی که ۴ سال داشت به یک مدرسه کلیسایی واقع در وست پورت رفت. در پانزده سالگی در اکسفورد شروع به فرا گرفتن فلسفه کرد. ولی مدتی بعد به تحصیل علوم طبیعی و ریاضی پرداخت. او تحقیقات دانشمندانی امثال کپرنیک و گالیله و هاروی را قبول داشت و نظریات مکانیکی فلسفه مادی آنها را می‌پسندید. هابز عقیده داشت که دین باید تابع دولت باشد. از آثار هابز می‌توان کتاب «لواتیان» را نام برد (لواتیان کلمه‌ای است عبری، و در تورات ذکر شده است که لواتیان یک حیوان آبی و وحشت‌آوری شبیه اژدها است). مرگ هابز به سال ۱۶۷۹ اتفاق افتاد.

هابل، ادوین پاول

هابل متولد ۲۰ نوامبر ۱۸۸۹ در میسوری آمریکا، در آغاز به تحصیل در رشته حقوق و سپس به ستاره‌شناسی پرداخت. وی در رصدخانه مونت ویلسن آغاز به کار کرد و باتلسکوپ صدایتچی رصدخانه به پژوهش پرداخت و به سحابی‌ها علاقه‌مند شد. در آن ایام سخن بر سر این بود که آیا در وراء ابرهای «ماژلانی» و آنسوی کهکشان چیزی وجود دارد. هابل معتقد بود که در ورای آن هم سحابی‌ها وجود دارد، مانند سحابی امرأة المسلسلة. این دانشمند در ۱۹۲۴ موفق به کشف ستارگان درون سحابی شد و از آن به بعد تحقیقات خود را در این زمینه ادامه داد. هابل بدین نحو مطالعه در جهان ماورای کهکشان را بنیان نهاد و نام آنها را سحابی‌های برون کهکشان نام داد که بعدها کهکشان نام گرفت. بنظر هابل کهکشان‌ها از ما دور می‌شوند، بر حسب محاسبات هابل قسمتی از جهان که قابل شناخته شدن است عبارتست از کره‌ای به

قطر ۲۶ بیلیون سال نوری.

اگر نظر هابل درست بود ستاره‌شناسان می‌توانستند سرعت عقب‌روی کهکشان‌ها را برای تعیین مسافت یک سحابی مورد استفاده قرار دهند. تحقیقات دامنه‌داری که در این پهنه به عمل آمد نشان داد که کهکشان‌ها جملگی کوچکتر از کهکشان هستند. نتیجه‌ای که از قبول ارقام هابل حاصل می‌شود سن زمین در حدود ۲۰ بیلیون سال تخمین زده شد که به نظر زمین‌شناسان مطابق با واقعیت نیست. کلیه طرح‌های گیاهشناسی عظیم امروزی باید انبساط جهان را مورد نظر قرار دهد و از توجیه آن برآید، چه براساس یک سلسله تئوری‌ها جهان انبساطی است، زیرا درگذشته‌های بسیار دور انفجاری در آن روی داده است و این همان نظریه انفجار عظیم است که به وسیله لومتر و گاموف عرضه گردید. هیوماس کارهای هابل را در باب پس‌روی‌ها بسط داد. هابل در سال ۱۹۵۳ درگذشت.

هاتورن، ناتانیل

ناتانیل هاتورن به سال ۱۸۰۴ در نیوانگلند آمریکا چشم به جهان گشود و سالها با نام بی‌بی نام به انتشار داستانهای خود در روزنامه‌ها اشتغال می‌ورزید، تا اینکه در ۴۶ سالگی همای شهرت بر سرش نشست زیرا انتشار کتاب «نامه ارغوانی» مایه معروفیت وی گردید. از آثارش: نیم حیوان مرمرین، خانه هفت شیروانی، میهمان شهرت طلب، عشق بلیدال، فان شاو، داغ ننگ، افسانه‌هایی از نوگفته شده، صندلی پدر بزرگ، دفترچه یادداشت آمریکایی، دفترچه یادداشت انگلیسی و دختر راپسینی را می‌توان نام برد. او به سال ۱۸۶۴ رخت از جهان بر بست.

هارتمان

مشاهیر

آثار خود گردش خون را ثابت کرده بودند، اما هاروی در اروپا برای اولین بار چنین عقیده‌ای را ابراز کرد. سال مرگ وی ۱۶۵۷ می‌باشد.

هاکسلی، آلدوس (نویسنده)

آلدوس لنونارد هاکسلی در ۲۶ ماه جولای ۱۸۹۴ در چارترهاوس متولد شد. در سال ۱۹۱۸ با ماریانسی ازدواج کرد. هاکسلی از داستانسرایان و شرح حال نویسان مشهور انگلیسی است که در فاصله سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به عنوان زیرک‌ترین نویسنده جوان شناخته شد. وی سبکی گیرا و بیانی دلنشین دارد و برای ابراز مفاهیم خود موضوعاتی جالب و در عین حال طنزآمیز انتخاب می‌کند. در سالهای میانه عمر جدی و عمیق شد، جنبه تلخ رمان «جهان نوشجاع» مبین این امر است.

در کتاب «زمان باید وقفه‌ای داشته باشد» با برخورد‌های عرفانی و مادی وی مواجه می‌شویم.

هاوکز، هوارد

هاوکز در سال ۱۸۹۶ در ایندیانا ای آمریکا دیده به جهان گشود. در کودکی به همراه خانواده اش به آمریکا رفت. بعد از پایان تحصیلات ابتدایی وارد دانشگاه گردید و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه کرنل نیویورک تحصیل کرد. در جنگ جهانی اول در نیروی هوایی آمریکا به عنوان خلبان خدمت کرد. در این هنگام از راه رانندگی ماشینهای مسابقه امرار معاش می‌کرد. بعداً چندین فیلم کوتاه و کمدهای دو حلقه‌ای می‌سازد. سپس در کمپانی پارامونت سرپرست قسمت داستان گردیده و از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۶ در آنجا کار می‌کند. او قراردادی را با فوکس تا ۱۹۲۹ امضا کرده و مشغول کار می‌شود. بعد از این تاریخ او مستقلاً کار کرد. هاوکز بدون ذکر نامش در تمامی فیلمنامه‌هایش همکاری دارد. او بنا به دلایلی

کارل رابرت ادوارد فون هارتمان فیلسوف بزرگ آلمانی که پایه سیستم متافیزیک خود را روی «یوج» نهاده، در ۲۳ فوریه سال ۱۸۴۲ در برلین به دنیا آمد. وی در نظر داشت که در ارتش خدمت نکند، ولی شکستگی زانو موجب شد تا به فلسفه روی آورد. هارتمان کتابهای بسیاری نگاشته که مهمترین آن کتاب «فلسفه یوج» نام دارد و این کتاب به طریقی علمی نوشته شده و دارای سبکی روان است. در نظر هارتمان اراده، عقل و اساس تمام هستی و وجود روح بوجی است. او تحت تأثیر افکار هگل و شوپنهاور فرار گرفته و می‌کوشید اتلکتوآلیسم هگل را با وولنتاریسم شوپنهاور آشتی دهد. هارتمان در ۵ ژوئن سال ۱۹۰۶ درگذشت.

هاروی، ویلیام (کاشف)

ویلیام هاروی انگلیسی کاشف جریان خون در سال ۱۵۷۸ در انگلستان به دنیا آمد. در ۱۹ سالگی در دانشگاه پادوا به تحصیل اشتغال ورزید. در ۱۶۰۲ به لندن بازگشت و به استادی تشریح در مدرسه پادشاهی پزشکان منصوب گشت.

هاروی می‌گفت که علم تشریح را باید با کالبد شکافی و تجربه فرا گرفت نه به وسیله کتابها. در سال ۱۶۲۸ همه آزمایشها و تجربه‌های خود را به صورت جزوه کوچکی منتشر کرد.

چون مضامین جزوه هاروی مخالف عقیده توده مردم بود از این جهت مورد نفرت گروه بیشماری قرار گرفت. افکار این پزشک عالیمقام تا پایان زندگی در مورد گردش خون مورد تفر بود، اما پس از مرگش صحت عقیده‌ای که می‌گفت غذا پس از گوارش واد خون می‌گردد و خون به قلب می‌رود واز قلب به نقاط مختلف بدن به وسیله رگها به گردش درمی‌آید مورد قبول واقع شد. هاروی کاشف جریان خون بود. گرچه طبق مدارک موجود پزشکان شرقی در

نماید. مدت ده سال نیز در لندن به این کار اشتغال داشت و در مواقع فراغت، جراحی را نیز فرا می‌گرفت. به تدریج پس از مطالعات کافی در باره این علم در بیمارستان سنت جورج به کار پرداخت و تا آخر عمر خویش یعنی تا سال ۱۷۹۳ که در گذشت در این بیمارستان مشغول کار بود.

هانتر، ویلیام (پزشک)

ویلیام هانتر، پزشک معروف قرن هیجدهم انگلستان با برادرش جان هانتر از معروفترین اطباء زمان خویش بودند. ویلیام هانتر ابتدا تصمیم داشت کتیش کرد و بدین جهت در دانشگاه گلاسکو مشغول تحصیل علوم دینی و عرفانی گردید. بعدها به علت ملاقاتش با بزسکی به نام ویلیام کولن به این علم علاقمند گردید و تحصیل خویش را ناتمام گذارده به طب روی آورد. پس از سه سال مطالعه و تحصیل به ادیمبورگ رفت و چندی بعد رهسپار لندن گشت. در آنجا به آموختن علم تشریح پرداخته و پس از اتمام تحصیلات به هامپلتون سفر کرد و در آنجا با کولر مطبی دانه کردند. لیکن بزودی دست از این کار کشید و به لندن بازگشت و در آنجا به تدریس خصوصی علم تشریح مشغول گشت. مدتی نیز شغل مامایی داشت و با یکی دیگر از دوستانش مطبی باز کرده مشغول معالجه بیماران شد.

هانتر در علم تشریح تبحر و استادی فراوان داشت و نظریه‌های او در این باره قابل توجه و اهمیت است. ویلیام هانتر در سال ۱۷۸۳ درگذشت.

هایدگر، مارتین

مارتین هایدگر به سال ۱۸۸۹ در جنگل سیاه واقع در آلمان متولد شد. از ابتدای جوانی علاقه‌اش او را به طرف فلسفه و الهیات کشاند. به سال ۱۹۱۵ در فرایبورگ به تحصیل فلسفه پرداخت و در آنجا



از ساختن سه فیلم زیر دست می‌کشد: زنده باد ویلا (۱۹۲۴)، بیابان برین‌دار (۱۹۳۶) و یاغی (۱۹۴۰). باید گفت که او قبلاً در ۱۹۲۶ اولین فیلم مستقلش را به نام «در راه افتخار» ساخته بود.

مشاغل اولیه او عبارتند از: خلبانی، کارگری در یک کارخانه هواپیماسازی، رانندگی اتوموبیل‌های مسابقه‌ای، کار در قسمت بخش وسایل و اثاثیه موسسه فیلمسازی مری بیکنفورد، کار با سیسیل ب دومیل، کار در قسمت مونتاژ، نوشتن فیلمنامه، دستیاری کارگردان، نوشتن و کارگردانی دو فیلم کوتاه و به همین ترتیب تا سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ که در ابتدای کارنامه فعالیت‌های سینمایی‌اش دو عنوان جدی به ثبت می‌رسند: فیلمنامه «عشق وحشی» و داستان «خیاط پاریسی».

هاوکز در ۱۹۸۰ دیده از جهان فرو بست.

بعنی از مهم‌ترین آثار سینمایی هاوکز عبارتند از: صورت زخمی، زنده باد ویلا، گروهبان یورک، داستان و نداشتن، رود سرخ، ریوبراوو، هاتاری، خط سرخ، الدورادو و ریولو بو.

هانتر، جان (پزشک)

جان هانتر برادر ویلیام هانتر پزشک مشهور در قرن هیجدهم در انگلستان می‌زیسته است. او دهسال از برادرش ویلیام جوانتر بود. در بیست سالگی به لندن نزد او رفت تا در توسعه علم تشریح به او کمک

نشده است. هاینه به سال ۱۸۵۶ در فرانسه درگذشت.



هدایت، صادق

به سال ۱۲۸۱ در تهران زاده شد. پس از تحصیلات متوسطه به دانشکده علوم پاریس رفت ولی رشته مهندسی را رها کرد و در دانشکده ادبیات به آموختن زبانهای کهن سانسکریت و پهلوی پرداخت.

نویسندگی را از سال ۱۳۰۶ در پاریس آغاز کرد. «افسانه آفرینش» و کتابهای زنده بگور، اوسانه، نیرنگستان، سه قطره خون و سانه روشن را تا سال ۱۳۱۲ نوشت. بوف کور و سفرنامه‌های اصفهان و جاده نمناک نیز یادگار همین سالهاست. هدایت در سال ۱۳۱۵ از تهران به هند رفت و در بمبئی یکسال را به غور در زبان پهلوی کوشید. از سال ۱۳۲۰ هدایت دوباره به فعالیت ادبی افتاد و سنگ ولگرد، ولنگاری، حاجی آقا و آب زندگی را تصنیف کرد. علاوه بر این، هدایت ترجمه‌هایی از پهلوی و فرانسه و تنبعاتی در مورد خیام و آثار فولکلور زبان فارسی و چند نمایشنامه دارد. جمع آثارش به ۲۹ کتاب می‌رسد. صادق هدایت نویسنده‌ای دانشمند و مطلع و نوآور و توانا بود. مردم دوست، آزاده، و صورتی از

تحت تأثیر هوسرل قرار گرفت. به سال ۱۹۲۳ استاد فلسفه در ماربورگ گردید و چهار سال بعد کتابی منتشر کرد. سال بعد وی جانشین هوسرل در فرایبورگ گردید، ولی مدتی بعد استعفا کرد و در بالای یکی از کوه‌های جنگل سیاه منزوی گردید. اگرچه هایدگر خود را اگزیستانسیالیست نمی‌داند ولی آثارش در رشد و تکامل اگزیستانسیالیسم اثری فوق‌العاده دارد.

هاینه، هاینریش

هاینریش هاینه که از لحاظ قدرت نغمه‌سرایی بی‌بردی هیچ شاعر آلمانی به پای او نمی‌رسد در سال ۱۷۹۷ در یک خانواده یهودی به دنیا آمد. تولد او در زمان تسلط سربازان ناپلئون بر آلمان صورت گرفت و بدین جهت زندگانی او از اول بین آلمان و فرانسه تقسیم شد. در جوانی بر اثر فشارهایی که به یهودیان در آلمان وارد می‌شد به نارس رفت. نخستین شعر خود را در شانزده سالگی سرود و در همین سن بود که برای اولین بار غاسق شد، ولی معسوفه او که «خنجر» «جلادساهی» بود به مردی دیگر دل باخت. دومین عشق او عشق به دختر عموی زیبایس آملی بود که تقریباً هاینه در همه عمر گرفتار آن بود و تا کمی در این عشق بود که بزرگترین اثر ادبی او و یکی از شاهکارهای شعر جهان یعنی قطعه معروف «ینترمتسو» را بوجود آورد. هاینه پس از چند سال قامت در آلمان این سرزمین را ترک گفت و برای همیشه در فرانسه اقامت گزید. او شاعری روماتیک بود و حیانتش از عشق و غم ساخته شده بود. شاید هیچ شاعری در این باره به پای هاینه نرسد.

بیسمارک صدراعظم آلمان با همه دشمنی که با طرز فکر هاینه داشت او را بزرگترین شاعر غرنسرای آلمان می‌خواند. در خارج از آلمان نیز شاعر هیچ شاعر آلمانی به اندازه اشعار هاینه ترجمه

عشق و آرزو بود. هنر اصلی او در نوشتن داستانهای کوتاه است که در زبان فارسی بی سابقه بوده است. پاره‌ای از این حکایات نمونه زیباترین و عالیترین آثار ادب فارسی است که به زبانهای مختلف ترجمه شده است. تاکنون نویسنده‌ای بسان او نتوانسته است روح و آداب و سرشت افراد این سرزمین را بیان کند. هدایت در سال ۱۳۳۰ ش. درپاریس خودکشی کرد.

هرتز، گوستاو

گوستاو هرتز دانشمند معروف و فیزیکدان معاصر آلمانی در سال ۱۸۸۷ متولد شد. او را باید یکی از قدیمیترین دانشمندان رشته اتم دانست. وی قوانین بزرگی را در باره الکترون کشف کرد و فیزیک جدید مدیون اوست. او بسبب مطالعات و بوجود آوردن فرضیه علمی تولید اشعه نورانی در سال ۱۹۲۵ موفق به دریافت جایزه نوبل در رشته فیزیک گردید. گوستاو هرتز در سال ۱۹۷۵ درگذشت.

هرتز، هنریش

هنریش هرتز در ۲۲ فوریه ۱۸۵۷ متولد گردید. ابتدا وارد رشته مهندسی شد و در آغاز میل چندانی نسبت به علوم نداشت و از آن هنگام که افتخار شاگردی هلمهولتز را یافت توجه وی نسبت به علوم معطوف شد. در سال ۱۸۸۳ که در کارلسروهه استاد فیزیک، مدرسه عالی فنی بود درصدد برآمد افکار ماکسول را مورد مطالعه قرار دهد و صحت آنها را تأیید کند. وی که در ۱۸۸۹ به سمت استاد دانشگاه گتینگن رسید بعد از پنج سال بعد از آن تاریخ در اول فوریه ۱۸۹۴ وفات یافت. در نتیجه کوششهای او علم الکتریکی شناخته شد.

هرسی، جان

جان هرسی نویسنده معاصر آمریکایی به سال

۱۹۱۴ در تین تسین واقع در خاک چین چشم به جهان گشود. پدر و مادرش از مبلغین دین مسیحی بودند که برای تبلیغ به آن دیار سفر کرده بودند. هرسی کوچک ده ساله بود که به آمریکا آمد و برای همیشه در موطن اصلیش جایگزین شد. در سال ۱۹۳۷ از دانشگاه ییل فارغ التحصیل شد و تحصیلات فوق عالی خویش را در دانشگاه کبیر ادامه داد.

مدتی منشی نویسنده شهیر سینکلر لویس بود و در این مدت با ادبیات آشنایی بیشتری پیدا کرد. بعدها سردبیر مجله تایم گردید و مدتی هم پس از آن سردبیری لایف به او واگذار گردید. در سال ۱۹۴۵ به علت نوشتن کتاب «ناقوسی برای آوانو» جایزه پولیتزر را ربود و بدین ترتیب مقام ادبی خویش را استوار و محرز نمود. اثر مشهور دیگر هرسی کتاب «دیوار» می باشد.

هرشل، ویلیام

ویلیام هرشل را که به عنوان کاشف اعماق آسمان می شناسیم روز ۲۵ نوامبر ۱۷۳۸ در هانوور از متصرفات انگلیس متولد شد. هرشل تا چهارده سالگی گوسفندچرانی پیش نبود و تا ۱۸ سالگی در دسته موسیقی فراولان بادساهی «هوت بوآ» یک نوع از سازهای بادی را می نواخت. یک روز بر حسب اتفاق کتابی در باره نجوم به دستش رسید و چون مطالعه در علم نجوم محتاج به دانستن پاره‌ای از مباحث نور می باشد لذا هرشل مطالعه نور را وظیفه خود دانست و آنگاه متوجه شد که مطالعه نور هم بدون ریاضیات امکان پذیر نیست. بنابر این اجباراً به مطالعه جبر و هندسه پرداخت و پس از مدتی مطالعه ریاضیات و نور و نجوم، دیدار جهان ستارگان بقدری هرشل را به شوق آورده بود

برد.



هسه، هرمان

هرمان هسه به سال ۱۸۷۷ در آلمان در خانواده‌ای مذهبی متولد گردید. خود نیز در جوانی به کارهای دینی پرداخت. این نویسنده صلح طلب از طرف مادر سوئسی و پدرش از مردم استونی بود. اولین مجموعه شعر خود را در ۲۰ سالگی منتشر ساخت. هرمان هسه شوق سفر در دل داشت، روی همین اصل به کشورهای شرقی سفر کرد. مدتی در هند بسر برد و تحت تأثیر تعالیم اخلاقی آن سامان قرار گرفت. در سال ۱۹۱۲ به تابعیت سوئیس درآمد و تا پایان عمر در سوئیس اقامت کرد. چندی به نام مستعار امیل سینکلر به انتشار آثارش پرداخت.

هرمان هسه در سال ۱۹۴۵ جایزه گوته و در سال ۱۹۴۶ جایزه ادبی نوبل را ربود. برخی از آثارش عبارتند از: شادی نقاشی، نظریات سیاسی، گرگ بیابان، گرترو، بازی، ترگس و زرین دهن، دمیان و سیدارتا. هرمان هسه در سال ۱۹۶۲ درگذشت.

هشترودی، محسن [دکتر]

محسن هشترودی در ۲۲ دیماه ۱۲۸۶ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد. دبستان و دبیرستان را در اقدسیه و دارالفنون گذرانید و در سال ۱۳۰۶ وارد دانشکده پزشکی شد. پس از ۴ سال تحصیل به

که خانه خود را به کارگاهی برای تلسکوپ تبدیل نمود. هرشل با کوشش فراوان موفق به ساختن تلسکوپی گردید که فاصله کانونی آن ۳۹ پا و قطر آئینه اش ۱۴۷ سانتیمتر و وزن آن در حدود ۱۰۰۰ کیلوگرم بود. در یکی از روزهای مارس سال ۱۷۸۱ هنگامی که هرشل مشغول رصد بود ستاره‌ای را مشاهده نمود که مانند سایر ستارگان نبود. هرشل فوراً اکتشاف خود را به اطلاع مدیر رصدخانه گرینویچ رسانید و بعد از او «مسیه» و پشت سر او تمام منجمین به این اکتشاف علاقمند شدند.

بزودی متوجه گردیدند که ستاره جدیدی را که دنباله‌دار تصور می‌نمودند خواص ستارگان نوع خود را ندارد.

هرشل سیاره جدیدی را کشف کرده و با کشف اورانوس دستگاه شمسی را که از زمان قدیم محدود به زحل می‌دانستند وسعت داد. وی در روز بیست و پنجم ماه اوت سال ۱۸۲۲ در سن هشتاد و چهارسالگی بدرود حیات گفت.

هروی، میرعلی (خوشنویس)

در هرات کسب دانش و هنر کرده و به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و عنوان «سلطان» و کاتب‌السلطان یافت و تا سال ۹۱۹ در هرات می‌زیست و پس از آن تا سال ۹۱۹ که شاه اسماعیل اول صفوی هرات را فتح کرد، گاه در هرات و گاه در مشهد روزگار می‌گذرانید و تا سال ۹۳۵ که عبیدخان ازبک امیر بخارا، به خراسان تاخت و هرات را گشود پس از اندک زمانی ناگزیر به گریز گردید و میرعلی به بخارا کوچ کرد.

وی یکی از بزرگترین خوشنویسان نستعلیق است که از آغاز وضع خط نستعلیق تا زمان او، هیچیک از خوشنویسان به پای او نرسیده‌اند. از خطوط او می‌توان: هفت اورنگ جامی و جام جم اوحدی را نام



طرف دانشگاه تهران چاپ و منتشر شده است و بعضی دیگر در مجلات ریاضی فرانسه مندرج است. هشرودی از حافظه‌ای بس قوی برخوردار بود، به عقیده بسیاری وی یکی از دویست تن دانسمند معاصر بوده است که یکصد مدال علمی گرفته است. وی علاوه بر ریاضی به افکار و آثار فلاسفه یونان (حکمت افلاطون، منطق ارسطو، فرضیات علمی فیثاغورث و دیالکتیک سقراط) و به نظرات دانشمندانی مانند: گالیله، کپلر، کیرنیک، نیوتون، اینشتین و دیگران ارجح می‌نهاد. وی تفکر و تعقل را بالاترین لذات زندگی می‌دانست. در ادبیات و شعرشناسی نیز کم‌نظیر بود. آثار علمی خیام را بسیار نیکو معرفی کرد و حماسه‌های ملی را می‌ستود. استاد هشرودی در روز شنبه ۱۳ شهریور سال ۱۳۵۵ دیده از جهان فرو بست. پیش از مرگ گفته بود: «آرزو می‌کردم که در دانشگاه دفن شوم که باز خاک‌نشین رهگذر قدم این جوانان باشم». ولی در بهشت زهر به خاک سپرده شد.

هگل (فیلسوف)

ژرژ ویلهلم فردریک هگل به سال ۱۷۷۰ در اشتوتگارت آلمان متولد و تحصیلاتش را در رشته علوم الهی به پایان رسانید، اما چون قوه بیان و نطق خوبی نداشت شغل کشیشی را رها ساخت. بعد از چندی در برن و بعد از آن در فرانکفورت معلم سرخانه شد. در این هنگام کتابی به نام نقد خرد محض و خرد عملی به دستش افتاد و به مطالعه آن پرداخت و پیرو فلسفه اصالت عقل گردید و تحت تأثیر این عقیده‌های فلسفی کتاب زندگی مسیح را تألیف کرد.

هگل با اینکه در جوانی مردی دانسمند بود اما همواره چنگال عفریت فقر گلویش را می‌فشرد، تا اینکه پس از چندی رئیس دبیرستان نورنبرگ شد و از

ریاضی روی آورد و به اروپا رفت و از دانشکده علوم پاریس لیسانس و در سال ۱۹۳۷ دکترای دولتی گرفت. رساله‌اش زیر عنوان «فضای تصویری عنصر» بود. در ۱۳۱۵ دانشیار دانشکده علوم و دانشسرای عالی شد، در ۱۳۲۰ به استادی رسید و در سال ۱۳۳۰ رئیس دانشگاه تبریز شد و در سال ۱۳۳۶ به ریاست دانشکده علوم دانشگاه تهران برگزیده شد.

وی در ۱۳۲۳ در سی و هفت سالگی ازدواج کرد و صاحب سه فرزند شد، یک پسر و دو دختر (دختر بزرگتر استاد در ۱۳۳۳ درگذشت).

مهمترین تألیفات و مقالات هشرودی آنچه راجع به ریاضیات است اینها هستند: ۱- چندین مقاله راجع به هندسه فضاهای عادی و اشکال عمومی بخصوص فضاهای غیر هلنوم ۲- چند مقاله راجع به هندسه فضاهای عادی و اشکال با مشابهت درونی ۳- چند مقاله راجع به مکانیک تحلیلی و مسیرهای دینامیک ۴- چندین مقاله راجع به هندسه فضاهای عادی و اشکال قضایای اولر در کسره‌های مسلسل ۶- به کار بستن کسره‌های زنجیری در حل معادلات دیفرانسیال و بخصوص تشخیص حالات قابل حل معادله ریکاتی ۷- قانون جبر دوگانه در مکانیک فضاهای عالی ۸- فضاهای وایل بالتصاق قائم ۹- فضاهای سخوتن با انواربانه‌های ثابت و چند مقاله دیگر. بعضی از این مقالات به صورت مجموعه‌هایی به زبان فرانسه و از

کلود آدرین هلوسیوس به سال ۱۷۱۵ در فرانسه متولد شد. او از فلاسفه بزرگ مادی فرانسه است، که در سال ۱۷۶۵ بنا به دعوت فردریک کبیر به برلین رفت. فلسفه او دارای چهار اصل است که عبارتند از:

- ۱- تمام استعدادهای بشری مدرکات حسی اند، حتی حافظه.

- ۲- نفع پرستی روی پایه اصل دفع رنج و جذب لذت بنا شده.

- ۳- هوش و استعداد همه افراد یکسان است.

- ۴- حکام فیلسوف می توانند با تنظیم قوانین مناسب یک دنیای معنوی برقرار سازند.

هلوسیوس در سال ۱۷۷۱ درگذشت.

همینگوی، ارنست (نویسنده)

ارنست همینگوی به یقین بزرگترین نویسنده آمریکایی و به احتمال بزرگترین نویسنده دنیا در قرن بیستم است. او در واقع متبکر و پایه گذار داستان کوتاه نویسی بود. هنگامی که اولین مجموعه داستانهای کوتاه وی منتشر شد دید تازه ای از زندگی در ادبیات پدید آمد و شیوه نویسی برای انتقال احساس و برداشت نویسنده به خواننده ارائه گردید. او همچنین به عنوان نخستین کسی که خط فاصل و مرز میان روزنامه نگاری (ژورنالیسم) و ادبیات اصیل را پاک کرد شناخته شد. شیوه کار نویسندگی او که بیان موجز و قیاس ساده و گریز از توضیح مسائل احساساتی است بظاهر عادی و قابل تقلید می نماید و به همین علت مقلدان بسیاری یافته است. اما آثار این پیروان نیز همچون آثار سایر مقلدان، با اصالت فاصله زیادی دارد. او از به کار بردن صفات عالی و آه و ناله و زاریها که مایه و ابزار کار نویسندگان احساساتی بود شدیداً پرهیز کرد و با نوشتن قصه های به ظاهر ساده و کم اهمیت اثری قوی و بادوام در خواننده بجا گذارد. خواننده بس از خواندن



در سال ۱۸۱۲ رساله معرفت منطقی را نوشت. در سال ۱۸۱۶ به استادی فلسفه در دانشگاه هایدلبرگ انتخاب گردید. در همین اوقات مکتب فلسفی ثانوی را بنیان گذارد و کتابی درباره علوم فلسفه تصنیف کرد. در سال ۱۸۱۸ به برلین رفت و در آنجا تا پایان عمر به مطالعه و نشر عقاید فلسفی خود پرداخت. از آثارش: اصول فلسفی حقوق، دائرة المعارف علوم فلسفی و معرفت علم منطقی را می توان نام برد. هگل در سال ۱۸۳۱ رخت از جهان بریست.

هلالی جغتائی (شاعر)

بدالدین یا نورالدین هلالی جغتائی یکی از بزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. وی اهل استرآباد است، اما آن طور که تذکره نویسان متذکر شده اند تمام و یا قسمتی از عمرش را در هرات گذرانیده. هلالی زیر نظر امیرعلیشیر نوانی تربیت شد. چند مثنوی از او به نامهای «شاه و درویش»، «صفات العاشقین» و «لیلی و مجنون» باقی است. ولی شهرتس بیشتر به خاطر غزلیاتی است که سروده. هلالی در سال ۹۲۷ یا ۹۳۶ هجری به فرمان ابوالغازی عبیدالله خان بن ازبک پنجمین پادشاه سلسله شیبانیان ازبک و به دست سیف الله نامی در چهارسوق شهر هرات به قتل رسید.

هلوسیوس

در اواخر عمر شدیداً خسته و افسرده شده بود. او در تیرماه سال ۱۳۴۰ هنگامی که تفنگ شکاری خود را پاك می کرد كشته شد و به روایتی خودكشی کرد.

هندل، فردريك (موسیقیدان)

در سال ۱۶۸۵ در حال از ایالت ساكس آلمان به دنیا آمد. هندل از كودکی علاقه به موسیقی داشت ولی پدرش با او مخالفت می کرد و میل داشت پسرش حقوقدان شود. ساكس که استعداد هندل را در هشت سالگی دریافت بر خلاف میل پدرش وسایل موسیقی را برای او فراهم آورد. بدین ترتیب هندل كوچك نزد ویلهلم تساخو، ارگ نواز مشهور، به تحصیل موسیقی مشغول شد. پدر هندل در سال ۱۶۹۷ وفات یافت و هندل به احترام میل پدرش به تحصیل حقوق پرداخت و به سمت نوازندگی ارگ در کلیسای دونكرک انتخاب شد.

در سال ۱۷۰۳ هندل به هامبورگ رفت و دراپرای آن شهر به عنوان ویولونیست مشغول کار شد. در همان شهر بود که نخستین اثر موسیقی خود را به عنوان پاسیون سن ژان تصنیف کرد. سپس دو اپرا به نام المیرا و نرون نوشت و موفقیت بزرگی به دست آورد. هندل در بیست و دو سالگی به ایتالیا رفت و در شهرهای ایتالیا به مسافرت پرداخت و با آهنگسازان ایتالیایی آشنا شد. در ضمن دو اپرا به سبك ایتالیایی نوشت. هندل در سال ۱۷۲۶ با قبول تابعیت انگلستان توانست در ردیف آهنگسازان آن کشور قرار گیرد. در سفری که هندل برای عیادت مادرش به حال رفت با فریدمان فرزند باخ آشنا شد و او هندل را نزد پدرش به لایپزیک دعوت کرد، اما هندل مجبور بود به انگلستان برگردد به این جهت این دو آهنگساز بزرگ هیچ گاه یکدیگر را ندیدند. هندل آخرین اوراتوریوی خود را به نام یفتاح در سال ۱۷۵۱ آغاز کرد. در این زمان هندل شصت و شش سال داشت و هنگام تصنیف



قصه های کوتاه همینگوی نیروی خیال و تفکر خود را به کار می اندازد و در حاصل کار و تجربه ماجرا سهیم می شود و این تجربه را روشن و قابل لمس احساس می کند. خود همینگوی كوچكترین كمك مستقیمی به تأثیر احساس مثبت یا منفی داستان در خواننده نمی کند.

یکی از درخشانترین آثار او پیرمرد و دریا است. در این داستان بیش از هر چیز كشمکش يك پیرمرد و يك دریا و يك ماهی نشان داده می شود که می توان هر کدام از آنها را به نوعی تعبیر و تفسیر کرد و به هر کدام معنایی داد. از آثار دیگر او می توان وداع با اسلحه، خورشید همچنان می دمد، ناقوسها برای که به صدا درمی آید و آنسوی رودخانه و در میان درختان را نام برد.

اما شیوه بیان غیرمستقیم همینگوی بیشتر در داستانهای کوتاه او همچون برفهای کلیمانجارو، آدمکشها و زندگی خوش کوتاه فرانسیز مکومبر، تجلی می یابد. او در هر کدام از داستانهای کوتاه خود در حیطه ای محدود احساس غم انگیز يك واقعه ساده و ترازدی آدمهایی را بیان می کند که خود خاموشند و از دردی گنگ رنج می برند.

همینگوی که در طول عمر خود رفتار غریب و سرکشی داشت و غالب اوقات خود را به شکار و تماشای مسابقات گاوبازی و میخوارگی می گذراند و ریش می گذاشت به ظواهر زندگی اهمیتی نمی داد.



را نصیبش کرد و در همین موقع شاتو بریان او را کودک عالی خواند.

هوگو زمانی طرفدار و هواخواه دربار شد و اشعاری در مدح و ستایش آن سرود. زمانی به ادبیات انقلابی رمانتیسیم پرداخت و در زمره سخنسرایان نو گردید. در سالهای بین ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۵ به داستان‌نویسی پرداخت و در این راه پیروزی فراوانی به دست آورد.

هوگو چون جاه طلب و مقام پرست بود مدتی وارد عالم سیاست شد و ناپلئون سوم او را به جزیره کزنری تبعید کرد و مدت ۱۸ سال در آنجا بسر برد، ولی وقتی رژیم جمهوری مستقر گردید به پاریس بازگشت و سالهای آخر عمر را با شهرت و محبوبیت فراوان گذراند.

هوگو آثار زیادی دارد که معروفترین آنها که در تمام نقاط جهان شهرت و آوازه دارد بینوایان است. هوگو در شعر و شاعری مقامی والا و ارجمند دارد و معروف است که وقتی از خود او می‌پرسند بزرگترین شاعر معاصر فرانسوی کیست، جواب می‌دهد: بدبختانه ویکتورهوگو. هوگو دو سال بعد از مرگ همسر باوفای خود ژولیت در سال ۱۸۸۵ درگذشت. از دیگر آثار او: گوژپشت نتردام، کارگران دریا، آخرین روزهای يك محكوم، و کلود ولگرد رامی توان نام برد.

برده دوم اوراتوریو نابینا شد. با این وصف به هر صورتی بود آن را به پایان رسانید ولی پس از آن از کار موسیقی کناره گرفت.

هندل در ۱۴ آوریل ۱۷۵۹ چشم از جهان فرو بست و در جوار کاخ وست مینستر به خاک سپرده شد. بنای آرامگاه او را روبیك مجسمه ساز معروف ساخته است.

هندل مردی آزادمش و خیرخواه بود. كمك و دستگیری از موسیقیدانهای فقیر و کودکان بیوا خصلت طبیعی او بود. از بین اوراتوریوهای هندل، اسرائیل در مصر، مسیح، سامسون، یوداس ما، کابئوس و بالاخره یفتاح مشهورند.

هوفمان (نقاش)

هوفمان نقاش آلمانی در سال ۱۷۷۶ به دنیا آمد. او از رمانتیک‌های برجسته آلمانی بود و به قول خود: «من یکی از این بچه‌هایی هستم که در روز یکشنبه به دنیا آمدم و موجوداتی در عالم خیال می‌بینم که هرگز به چشم خاکیان نخواهد آمد.» وی به حقوق و موسیقی هر دو توجه داشت. آثارش از قبیل: تابلوهای شبانه، استاد مارتن بشکه‌ساز و شاگردانش و مجموعه نولهایش معروف می‌باشد. هوفمان در سال ۱۸۲۲ درگذشت.

هوگو، ویکتور (شاعر، نویسنده)

ویکتور هوگو شاعر بزرگ فرانسوی در طول زندگی خود دوران گوناگونی را گذرانده و حوادث فراوانی را پشت سر گذاشته است. چون پدر او از ژنرالهای ناپلئون بود همراه او به جنگهای ایتالیا و اسپانیا می‌رود و وقایع این روزگاران در روحیه او اثرات بسیاری به جای می‌گذارد. هوگو به واسطه ذوق و استعداد فراوانی که داشت در سنین بین هفت تا سیزده سالگی اشعاری سرود که جایزه فرهنگستان

همراه پدرش به روسیه رفت. چون پدر او درگذشت به زادگاه خود بازگشت. پس از چندی به اروپا رو آورد و در پاریس اقامت گزید. هویسلر شیوه نقاشی اروپایی و ژاپنی و چینی را درهم آمیخت. از آثارش: شاهزاده خانم چینی و تصویر کارلایل عالم معروف را می توان نام برد. هویسلر در سال ۱۹۰۲ در گذشت.



هیتلر، آدولف

رهبر سیاسی آلمان. وی در ناحیه بروناتو واقع در اتریش در سال ۱۸۸۹ به دنیا آمد. پدرش کارمند دون پایه گمرک بود و شیکل گرابر نام داشت. هیتلر آرزو داشت که هنرمند بشود ولی در امتحان يك بورس هنری رد شد و به نقشه کشی در دفتر يك مهندس معمار مشغول شد. در جنگ جهانی اول گروهبان ارتش باواریا بود و مدال صلیب آهنی نیز به دست آورد. بعد از جنگ به حزب کارگران آلمان در مونیخ پیوست و بعدها آن را تبدیل به حزب ناسیونال سوسیالیست (نازی) نمود که ابزار صعود او به قدرت محسوب می شود. بعد از ترتیب دادن يك کودتای نافرجام به همراهی ژنرال لودن دورف (۱۹۲۳) برای ۹ ماه به زندان افتاد (کودتای آبخو فروشی). در همین زمان بود که عقایدش را با دوستش ردولف هس در میان گذاشت و این عقاید به صورت کتاب «نبرد من» شهرت یافته است. از سال ۱۹۲۵ به سازماندهی مجدد حزب پرداخت و این بار از کمک سرمایه دارهایی که او را فردی ضد یهود، ضد مارکسیست و ناسیونالیست افراطی و مانعی در مقابل لیبرالها و کمونیستها می دیدند برخوردار بود. هیتلر نظام سختی در داخل حزب برقرار نمود و به تبلیغات وسیعی پرداخت. هیتلر گروههایی از هواداران سرسخت خود تحت عنوان «بیراهن قهوه ای ها» ایجاد نمود و يك گازد ویژه (اس. اس) تشکیل داد. بروز حالت زکود

هومر (مورخ)

متأسفانه درباره زندگی هومر سخنور و شاعر نابینای یونان قدیم اطلاعی دقیق در دست نیست، اما هرودوت مورخ یونانی اظهار داشته است که در هشتصد و پنجاه سال قبل از میلاد می زیسته است. عده ای دیگر دوران زندگی او را تا ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد هم حدس زده اند. در خود یونان هفت شهر این ادعا را دارند که هومو در آنجا می زیسته است ولی محل سکونت و اقامت او به درستی در دست نیست. در افسانه ها آمده است که هومر در سالهای پیری و آخر عمر از دو چشم نابینا شد و برای امرار معاش اشعاری بنوای چنگ می خوانده و از مردم چیزی می گرفته است. دو اثر ادبی بزرگ «ایلیاد» و «ادیسه» که به همه زبانهای ملل متمدن ترجمه شده است از پرارزش ترین آثار هومر است.

نخستین کسی که اشعار پراکنده هومر را جمع آوری کرد و نگذاشت دستخوش تغییر گردد «اریستارکوس» رئیس کتابخانه اسکندریه است که ۱۵۰ سال قبل از میلاد دو کتاب منتشر ساخت و تقریباً این آثار همان است که امروز باقی مانده است.

هویسلر

هویسلر در سال ۱۸۳۴ در اتازونی متولد گردید و

برابر هجوم کمونیسم می‌دانستند و عده‌ای دیگر با وجود آگاهی از خطر موجود، به برنامه‌های خلع سلاح دل بسته بودند. سرانجام فرانسه و بریتانیا در مقابل تجاوز هیتلر به لهستان (۱۹۳۹) آرام نماندند، گرچه نتوانستند جلوی او را بگیرند. در بهار سال (۱۹۴۰) ارتش آلمان فرانسه را نیز اشغال کرد. هیتلر در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ به شوروی حمله کرد، موفقیت‌های جنگی آلمان تا سال ۱۹۴۲ همچنان ادامه یافت. از این تاریخ به بعد قوای مشترک بریتانیا، شوروی و آمریکا رؤیاهای هیتلر درباره حکومت «هزارساله رایش» را درهم ریختند. در آوریل سال ۱۹۴۵ طومار رایش سوم درهم نوردیده شد.



هیث، ادوارد

ادوارد هیث سیاستمدار معروف و نخست‌وزیر انگلستان در آغاز دهه ۱۹۷۰ در سال ۱۹۱۶ به دنیا آمد. وی فعالیت‌های زیادی را انجام داد که عبارتند از:

- ۱- وزیر کار (۱۹۵۹-۱۹۶۰) ۲- مه‌ردار سلطنتی و مسؤول مسایل خارجی (۱۹۶۰-۱۹۶۳)
- ۳- وزیر صنایع و رئیس اتاق تجارت (۱۹۶۳-۱۹۶۴) ۴- رئیس هیأت نمایندگی بریتانیا در مذاکرات مربوط به عضویت آن کشور در بازار مشترک اروپا (۱۹۶۱-۱۹۶۳) ۵- نخست‌وزیر (۱۹۷۱-۱۹۷۵).



اقتصادی باعث شد که حرفه‌ای او درباره اقتصاد به نظر قابل اجرا و قابل قبول برسد و تعداد کثیری از بیکاران به هواداری او پرداختند. در انتخابات سال ۱۹۳۰ تعداد نازیها در رایش‌تاک (مجلس آلمان) از ۱۲ به ۱۰۴ رسید و در ژوئیه سال ۱۹۳۲ تعداد آنها کم شد ولی هیندنبِرگ هیتلر را به صدراعظمی آلمان منصوب کرد. حریق رایش‌تاک که نازیها اتهام آن را به گردن کمونیستها گذاشتند باعث شد که بهانه‌ای برای کسب قدرت‌های دیکتاتوری به دست هیتلر بیفتند. هیتلر آلمان را به صورت تک‌حزبی درآورد و کلیه رقیب را از بین برد. در عرض يك شب «روهم» و عده دیگری از رقیبای هیتلر توسط اس.اس‌ها کشته شدند. به دنبال مرگ هیندنبِرگ (۱۹۳۴) هیتلر، رئیس‌جمهوری آلمان شد ولی ترجیح می‌داد که به عنوان پیشوا خوانده شود. هیتلر به سرعت تسلیح کشور را آغاز کرد و راین‌لند را در سال ۱۹۳۶ تصرف نمود. در همین سال محور رم - برلن را تشکیل داد و در بهار ۱۹۳۸ اتریش را ضمیمه آلمان کرد و با انعقاد پیمان مونیخ در پاییز ۱۹۳۸ ناحیه سودت را متصرف شد. در بهار سال ۱۹۳۹ مابقی خاک چکسلواکی را اشغال نمود و يك قرارداد عدم تجاوز با شوروی امضا کرد. فرانسه و انگلیس نتوانستند در مقابل هیتلر به همکاری کارسازی دست بزنند و برخی سیاستمداران به فکر تطمیع و راضی کردن هیتلر افتادند. مردم این کشورها نیز گنج شده بودند و عده‌ای او را مانعی در

هیروهیتو

هیروهیتو امپراتور کشور ژاپن در ۲۹ آوریل ۱۹۰۱ به دنیا آمد و در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۲۶ جانشین پدرش امپراطور یوشی هیتو شد. هیروهیتو در ۲۶ ژانویه ۱۹۲۴ با پرنسس ناگاکوکونی (متولد مارس ۱۹۰۳) فرزند پرنس کونی ازدواج کرد و دارای شش فرزند شد.

او در سالهای آخر پادشاهی پدرش نایب السلطنه بود و در مدتی که ژاپن منجوری را تصرف کرده بود، ارتش ژاپن به چین نیز حمله کرد و در خلال جنگ جهانی دوم با متفقین نیز به نبرد پرداخت.

پس از پرتاب بمبهای اتمی بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی در سال ۱۹۴۵، هیروهیتو به طرقداری از دولتمردانی پرداخت که معتقد به تسلیم بلاشرط ژاپن بودند. به همین دلیل آمریکاییها اجازه دادند که او در مقام امپراتوری باقی بماند. براساس قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی ژاپن این مقام به صورت تشریفاتی درآمد. هیروهیتو در سال ۱۹۸۹ درگذشت.

هیلاسلاسی

هیلاسلاسی در سال ۱۸۹۱ به دنیا آمد. از سال ۱۹۳۰ امپراتور اتیوپی گردید. قبل از رسیدن به سلطنت نامش راس تافاری بود و پدرش (راس ماکونن) برادرزاده امپراتور منلیک محسوب می شود. هیلاسلاسی رهبری شورش علیه نوه منلیک موسوم به لیچی یاسو را به عهده داشت و از سال ۱۹۱۷ تا زمان فوت دختر منلیک، زودیتو (۱۹۳۰) نایب السلطنه بود. حمله ایتالیا به اتیوپی باعث شد که به انگلستان فرار کند (۱۹۳۶) ولی در زمان جنگ جهانی دوم انگلیسها قوای ایتالیا را از اتیوپی بیرون راندند و حکومت اتیوپی را به هیلاسلاسی پس دادند (۱۹۴۱). از سال ۱۹۷۳ مخالفان حکومت او افزایش یافتند. وی در

سال ۱۹۷۴ از سمت خود برکنار شد و از سال ۱۹۷۵ نیز نظام ناهمی برچیده شد. هیلاسلاسی در سال ۱۹۷۵ درگذشت.

هیلری، پاتریک جان

دکتر باتریک جان هیلری متولد سال ۱۹۲۳ و رئیس جمهور سابق ایرلند، در رشته پزشکی تحصیل کرده و متساغل عمده او عبارتست از:

- ۱- وزیر آموزش و پرورش (۱۹۵۹-۱۹۶۵) ۲-
- وزیر تجارت و بازرگانی (۱۹۶۵-۱۹۶۶) ۳- وزیر
- کار (۱۹۶۶-۱۹۶۹) ۴- وزیر امور خارجه
- (۱۹۶۹-۱۹۷۲) ۵- نایب رئیس بازار مشترک اروپا
- و مسؤول امور اجتماعی (۱۹۷۳-۱۹۷۶) ۶- رئیس
- جمهور ایرلند از دسامبر ۱۹۷۶.

هیملر، هاینریش

سیاستمدار آلمان نازی در سال ۱۹۰۰ به دنیا آمد. از سال ۱۹۲۹ رهبر نیروهای ویژه اس.اس در آلمان بود و بعد از به قدرت رسیدن هیتلر به ریاست پلیس مخفی او که گشتابو خوانده می شد منصوب گردید (۱۹۳۴). و از سال ۱۹۳۶ تمامی نیروهای پلیس آلمان تحت فرمان او قرار گرفتند. این مرد آرام و خبیث که ابتدا مدیر مدرسه بود، مسؤول کشتار عده زیادی از یهودیان و تبعید و اعزام آنها به اردوگاههای کار اجباری و شکنجه آنهاست. در سال ۱۹۴۴ هیملر فرمانده ارتش داخلی شد و در آستانه شکست نهایی آلمان در سال ۱۹۴۵ تلاش نمود که با متفقین به نحوی کنار بیاید ولی موفق نشد. وقتی به دست نیروهای انگلیسی افتاد با زهر خودکشی کرد. (۱۹۴۵).

هیومونرو، هکتور

هیومونرو از طنزنویسان مشهور انگلیسی است

بسر می‌برد. منزل استاد یاحقی در آن زمان محل اجتماع و رفت‌وآمد موسیقیدان بزرگی نظیر ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، علی‌اکبر تنهنازی، رضا محجوبی و غیره بود. پرویز از اوان کودکی و نوجوانی با یکایک این استادان از نزدیک آشنا شده با سبک و سیاق نوازندگی و خوانندگی آنها آشنا گردید و مورد تشویق یکایک آنان قرار گرفت.

پرویز یاحقی در احیای هنر موسیقی اصیل و سنتی ایران و زنده کردن گوشه‌های پربار و غنی دستگاه‌های آن و نمایاندن نقش ویلن در ساز سلو و تکنوازی سهم چشمگیر و بسیار مؤثری را به خود تخصیص داده است. چرا که در اجرای موسیقی ملی از ویلن تنها در ارکسترها و کارهای دسته‌جمعی استفاده می‌شد، لیکن او توانست با استفاده از سیمهای بم و مهجور ویلن، به قدرت تأثیر و وسعت هرچه بیشتر آن بيفزاید.

یاقوت مستعصمی

جمال‌الدین یاقوت مستعصمی که بعدها به او لقب «قبلة‌الکتاب» داده‌اند، مردی ادیب و عالم و فاضل و شاعر بود و پایه حسن خط را به جایی رسانید که قبل از وی کسی به آن درجه نرسیده و بعدها نیز کمتر نظیر داشته است. یاقوت از غلامان مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی (۶۴۰-۶۵۶ هجری) و از دست‌پروردگان وی بود و به همین جهت یاقوت خود را مستعصمی می‌خواند و خلیفه وی را می‌نواخت و از تربیت وی دقیقه‌ای فرو نمی‌گذاشت. یاقوت در نزد مستعصم بسیار معزز می‌زیست و کاتب دیوان بود و در زمان خود شهرت فراوان یافت. او زمان هولاکوخان مغول و اوایل دوران غازان‌خان را نیز دریافت و نزد خاندان جوینی منزلتی پیدا کرد. آتابک علاء‌الدین جوینی نیز وی را می‌نواخت و فرزندان خود و برادرش شمس‌الدین جوینی را برای تعلیم

که در ۱۸ دسامبر سال ۱۸۷۰ در آکیاب برمه به دنیا آمد. پس از این که دوره تحصیلات دبیرستانی را در کزماوت و بدفورد انگلستان به پایان رساند، در سال ۱۸۹۳ به برمه بازگشت و به عضویت پلیس برمه درآمد. سال بعد دوباره به انگلستان بازگشت و در روزنامه وست‌مینستر گازت به کنییدن طرحها و کاریکاتورهای سیاسی به نیبوه لوئیس کارول پرداخت. مونرو، این طرحها را که با نام ساقی (که از رباعیات خیام اقتباس کرده بود) امضا می‌کرد، در سال ۱۹۰۲ تحت عنوان «وست‌مینستر آلیس» منتشر کرد. از این سال تا سال ۱۹۰۸ به عنوان خبرنگار روزنامه مورنینگ‌پست به اروپا سفر کرد.

ساقی پس از اثر جدی‌اش به نام «ظههور میراتوری روسیه» که در سال ۱۹۰۰ نشر شد، شروع به نوشتن داستانهای کوتاهی با عنوان «رجینالد» نمود که در سال ۱۹۰۴ به چاپ رسید.

پس از این مجموعه «مجموعه رجینالد در روسیه» را در سال ۱۹۱۰ منتشر ساخت. «رجینالو» و «رجینالد در روسیه» مثل «خاطرات کلاویس» (۱۹۱۱) و «حیوانات و ابرحیوانات» (۱۹۱۴) طنز تلخ و گزنده ساقی را به بهترین وجهی نشان می‌دهد. هیومور و علاوه بر داستانهای کوتاه، نمایشنامه‌های متعدد و نیز زمان خوبی به نام «سینگتن غیرقابل تحمل» (۱۹۱۲) نوشته است. این نویسنده در ۱۳ نوامبر سال ۱۹۱۶ در جنگ جهانی اول در حین عملیاتی در بومون هامل واقع در فرانسه کشته شد.

یاحقی، پرویز (آهنگساز)

پرویز صدیقی پارسی، معروف به پرویز یاحقی، در سال ۱۳۱۵ شمسی در تهران تولد یافت. پدر پرویز از مردان روشنفکر و تحصیل کرده زمان خود بود و از آنجا که بیشتر در مأموریت‌های اداری بسر می‌برد، پرویز در خانه استادحسین یاحقی دایی هنرمند خود



و مادرش به فرانسه رفتند و تا سیزده سالگی در فرانسه ماندند. مادرش اصلیت فرانسوی داشت. یونسکو در سال ۱۹۲۵ به رومانی برگشت تا در آنجا دوره دبیرستان را ببیند و بعد به دانشگاه بخارست برود. در همین دوره مجموعه مقالاتی با عنوان «نه» منتشر کرد.

در سال ۱۹۳۸ با یک بورس دولتی به فرانسه رفت. در همین زمان شروع به نوشتن نمایشنامه کرد. در سال ۱۹۴۹ «آوازخوان تاس»، ۱۹۵۱ «درس»، ۱۹۵۲ «صندلی‌ها»، ۱۹۵۴ «آمده» یا چگونه از شرش خلاص بشویم را به رشته تحریر درآورد. نمایشنامه کرگدن در سال ۱۹۵۹ برای اولین بار در دوسلدورف به روی صحنه آمد و شهرت بسیاری برای یونسکو به ارمغان آورد.

یونگر، ارنست (نویسنده)

ارنست یونگر، نویسنده بزرگ آلمانی در سال ۱۸۹۵ در آلمان متولد گردید. او را می‌توان جزو نویسندگان معدودی دانست که برای حقوق فردی ارزش بسیار قایل است. این نویسنده رئالیست در میان مردم آلمان موقعیت و ارزش خاصی دارد، زیرا از فرزندان جنگ و نهبان حقوق انسان آزاد است. مهمترین اثر این نویسنده «کارگران» و کتابی موسوم به «عبور از خط» می‌باشد.

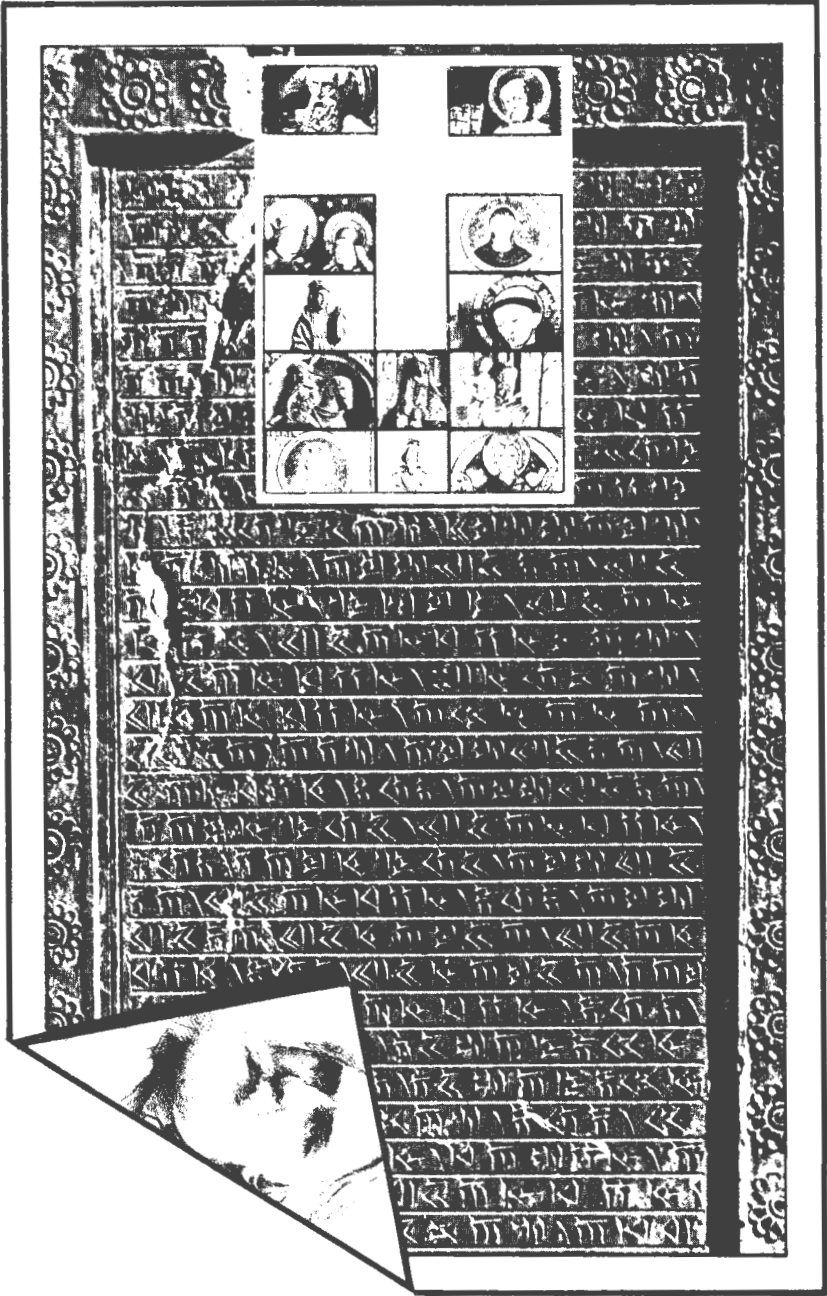
خط به وی سپرد، و غالب اکابر بغداد فرزندان خود را برای تعلیم نزد او گذارده بودند. تاریخ مرگ یاقوت را ۶۶۷ و ۶۹۶ و ۶۹۷ هجری ثبت کرده اند ولی سال ۶۹۸ هجری بیشتر مورد تأیید است. وفات یاقوت در بغداد اتفاق افتاده و در جوار قبر احمد بن حنبل به خاک سپرده شده است. یاقوت را علاوه بر خوش نویسی به تندنویسی نیز ستوده اند، چنانکه بعضی گفته اند سبصد و شصت و چهارمین قرآن به خط وی را دیده ایم. درمصور الخط العربی نوشته شده است که: یاقوت در اصل رومی بود و ترکها لقب قبله‌الکتاب و جمال‌الدین به وی داده اند و کنیه او ابوذر و ابومجد است و خط را با واسطه از ابن بواب اخذ نموده و مدت طولانی از روی قطعه خط این بواب مشق و تقلید می‌کرده تا استاد گردیده و همه اقسام خط را استادانه نوشته است به ویژه ثلث را...

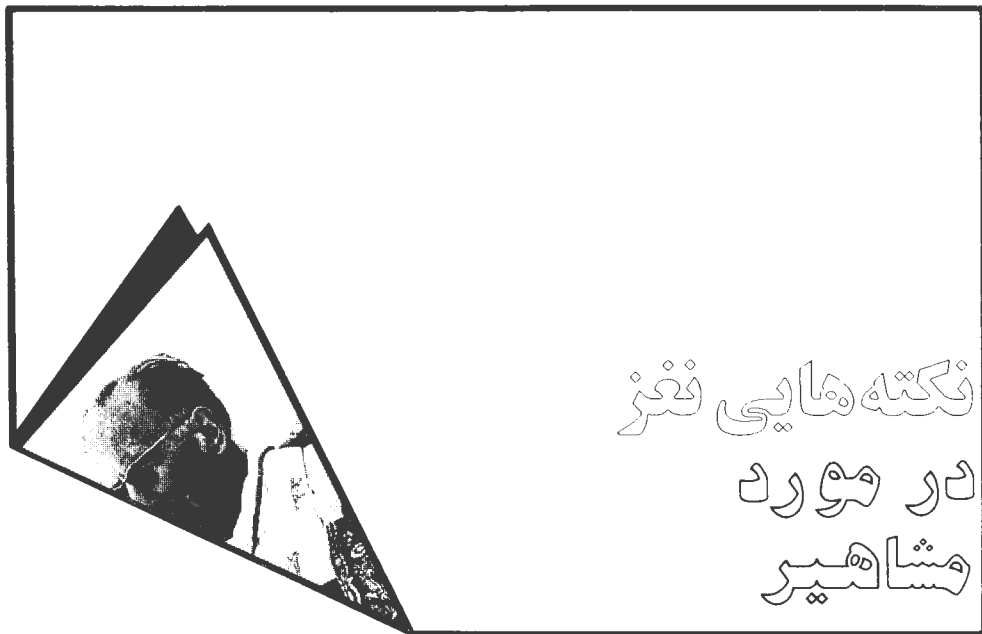
یوسف برهان حاجی

خواجه یوسف برهان حاجی از هنرمندان عارف ایرانی در قرن نهم هجری است. وی از بازماندگان شیخ الاسلام احمد جام بوده و در جام می‌زیسته و در همانجا زندگی را بدرود گفته و در جوار جدش شیخ احمد جام به خاک سپرده شده است. به طوری که نوشته‌اند خواجه یوسف برهان حاجی علاوه بر شاعری در موسیقی نیز دست داشته و برای اشعار خود آهنگهای موسیقی می‌ساخته و بیشتر استادان موسیقی این عصر شاگرد او بوده‌اند. از جمله امیر علیشیر نوایی موسیقی را از وی فرا گرفته است. از آثار موجود خواجه یوسف برهان حاجی، ترسلی است که شامل منشآت نویسندگان پیش از او بوده است.

یونسکو، اوژن

اوژن یونسکو به سال ۱۹۱۲ در اسلاتینا واقع در جنوب رومانی متولد شد. یک ساله بود که به اتفاق پدر





القاب مشهور دنیا

هندوستان	۸) راجه	ایران	۱) آقا
انگلستان	۹) سر	فرانسه	۲) بارون
عربستان	۱۰) سید	افغانستان	۳) بناغلی
آلمان	۱۱) فون	ترکیه و مصر	۴) پانسا
فرانسه	۱۲) کنت	چین	۵) جونن
آلمان	۱۳) هر	ایران	۶) خان
		اسپانیا و پرتغال	۷) دون

القاب سلاطین و حکمرانان ایران

حاکمان در طول زندگی خویش بنا به عوامل گوناگونی برای خود القابی انتخاب کردند که در زیر فهرست وار به آنها اشاره می‌شود:

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سرزمین پهناورمان پادشاهان و حکام زیادی به روی کار آمدند که پس از مدتی سلطنت، زندگی و پادشاهی را گذاشتند و به دار بقا رفتند. این پادشاهان و

لقب	«سلسله»	«نام پادشاه»
گلشاه. پادشاه کوه	پیشدادیان	۱. کیورث
پیشداد	پیشدادیان	۲. هوشنگ
دیوبند	پیشدادیان	۳. تهمورث
جم	پیشدادیان	۴. جمشید
ماردوش	پیشدادیان	۵. ضحاک
عقیم	پیشدادیان	۶. نوذر
دراز دست	کیانیان	۷. بهمن
با اقتدار	ماد	۸. هو و خشر
اژدها	ماد	۹. آس تیاگس
کبیر	هخامنشیان	۱۰. کوروش
غاصب	هخامنشیان	۱۱. گئوماتای مغ
کبیر	هخامنشیان	۱۲. داریوش
دراز دست	هخامنشیان	۱۳. اردشیر اول
خوش حافظه	هخامنشیان	۱۴. اردشیر دوم
بی رحم	هخامنشیان	۱۵. اردشیر سوم
نیکاتور (فاتح)	سلوکیان	۱۶. سلوکوس اول
سوتر (ناجی)	سلوکیان	۱۷. آنتیوکوس اول
ته اوس (خداوندگار)	سلوکیان	۱۸. آنتیوکوس دوم
کالی نیکوس (فاتح درخشان)	سلوکیان	۱۹. سلوکوس دوم
کراتونوس (ناجی مهربان)	سلوکیان	۲۰. سلوکوس سوم
نامدار	اشکانیان	۲۱. اشک اول
شاه بزرگ	اشکانیان	۲۲. اشک دوم (تیرداد اول)
فیلا دلفوس (برادر دوست)	اشکانیان	۲۳. اشک ششم (مهرداد اول)
پدرکش	اشکانیان	۲۴. اشک دوازدهم (مهرداد سوم)
پاپکان	ساسانیان	۲۵. اردشیر اول
کشور گشا	ساسانیان	۲۶. شاپور اول
سکان شاه	ساسانیان	۲۷. بهرام سوم
ذوالاکناف	ساسانیان	۲۸. شاپور دوم
الجمیل (نیکوکار)	ساسانیان	۲۹. اردشیر دوم
جنگجو (غازی)	ساسانیان	۳۰. شاپور سوم
کرمانشاه	ساسانیان	۳۱. بهرام چهارم
گناهکار	ساسانیان	۳۲. یزدگرد اول

لقب	«سلسله»	«نام پادشاه»
بهرام گور	ساسانیان	۳۳. بهرام پنجم
فیروزان	ساسانیان	۳۴. هرمز سوم
انوشیروان (عادل)	ساسانیان	۳۵. خسرو اول
پرویز	ساسانیان	۳۶. خسرو دوم
شیرویه	ساسانیان	۳۷. قباد دوم
ذوالیمینین	طاهریان	۳۸. طاهر اول
فاضل	طاهریان	۳۹. طلحه بن طاهر
صفار	صفاریان	۴۰. یعقوب لیث
حریص	صفاریان	۴۱. عمرو لیث
شیر لباده	صفاریان	۴۲. لیث بن علی
خلف بانو	صفاریان	۴۳. خلف بن احمد
امیر ماضی	سامانیان	۴۴. امیر اسماعیل
امیر سعید	سامانیان	۴۵. احمد بن اسماعیل
امیر شهید	سامانیان	۴۶. نصر بن احمد
امیر حمید	سامانیان	۴۷. نوح بن نصر
ابوالفوارس	سامانیان	۴۸. عبدالملک بن نوح اول
ابوصالح	سامانیان	۴۹. منصور بن نوح
ابوالقاسم	سامانیان	۵۰. نوح بن منصور
ابوالحارث	سامانیان	۵۱. منصور بن نوح
ابوالفوارس	سامانیان	۵۲. عبدالملک بن نوح دوم
یمین الدوله / سلطان	غزنویان	۵۳. محمود غزنوی
جلال الدوله	غزنویان	۵۴. محمد بن محمود
شهاب الدوله	غزنویان	۵۵. مسعود بن محمود
شهاب الدوله	غزنویان	۵۶. مودود بن مسعود
کافر نعمت	غزنویان	۵۷. طغرل غزنوی
داعی کبیر	علویان	۵۸. حسن بن زید علوی
داعی	علویان	۵۹. محمد بن زید علوی
ناصر کبیر	علویان	۶۰. ابو محمد حسن بن علی
داعی صغیر	علویان	۶۱. حسن بن قاسم
ظهیر الدوله	زیاریان	۶۲. بهستون
شمس المعالی	زیاریان	۶۳. قابوس بن وشمگیر
فلك المعالی	زیاریان	۶۴. منوچهر بن قابوس

٦٥. كيكاس
٦٦. علي بن بويه
٦٧. حسن بن بويه
٦٨. احمد بن بويه
٦٩. پناه خسرو
٧٠. علاء الدين حسين
٧١. سيف الدين محمد
٧٢. غياث الدين ابو الفتح
٧٣. طغرل اول
٧٤. الب ارسلان
٧٥. ملكشاه
٧٦. سنجر
٧٧. حسن صباح
٧٨. حسن بن محمد
٧٩. نور الدين محمد
٨٠. جلال الدين بن نور الدين
٨١. ركن الدين بن علاء الدين
٨٢. سنقر
٨٣. اتسز
٨٤. تكش
٨٥. علاء الدين محمد
٨٦. سلطان جلال الدين
٨٧. تگودار
٨٨. غازان خان
٨٩. اولجايتو
٩٠. ابوسعيد
٩١. امير تيمور
٩٢. ميرزا شاهرخ
٩٣. ميرزا الغ بيگ
٩٤. قره محمد
٩٥. قره يوسف
٩٦. امير حسن بيگ
- زياريان
بوئيان (آل بويه)
بوئيان (آل بويه)
بوئيان (آل بويه)
بوئيان (آل بويه)
غوريان
غوريان
غوريان
سلجوقيان
سلجوقيان
سلجوقيان
سلجوقيان
اسمعيان
اسمعيان
اسمعيان
اسمعيان
اسمعيان
اتابكان فارس
خوارزمشاهيان
خوارزمشاهيان
خوارزمشاهيان
خوارزمشاهيان
ايلخانيان
ايلخانيان
ايلخانيان
ايلخانيان
گوركانيان
گوركانيان
قره قويونلو
قره قويونلو
آق قويونلو
- عنصر المعالي
عماد الدوله
ركن الدوله
معز الدوله
عضد الدوله
جهانسوز
خادم فقرا
شمس الدين
ابوطالب
عضد الدوله
جلال الدوله
سلطان السلاطين
سيدنا
كوره كيا
خداداد
نومسلمان
خورشاه
مظفر الدين
سلجوق شاه
سلطان
ظل الله اسكندر تاني
منكبرني
سلطان احمد
محمود
خدا بنده
بهادرخان
گوركان
معين الدوله
منجم
تورمش
خاموش
اوزون حسن

مرشد کامل	صفویان	۹۷. شاه اسمعیل اول
خدابنده	صفویان	۹۸. سلطان محمد
کبیر	صفویان	۹۹. شاه عباس اول
پسر شمشیر	افشاریان	۱۰۰. نادرشاه
عادلشاه	افشاریان	۱۰۱. علیقلی خان
وکیل الرعایا	زندیان	۱۰۲. کریم خان زند
خواجه / غازی	قاجاریان	۱۰۳. آغامحمدخان
خاقان / مغفور	قاجاریان	۱۰۴. فتحعلی شاه
صاحبقران	قاجاریان	۱۰۵. ناصرالدین شاه
غازی	قاجاریان	۱۰۶. محمدشاه

القاب مردان بزرگ جهان

هر يك از مردان بزرگ و برجسته سیاسی، هنری، دینی و سلاطین جهان، به اقتضای اخلاق و روش و سیاستهای خود، به لقبی و عنوانی ملقب و مشهور شده اند، به طوری که همین لقب بیش از نام اصلی خود شخص در اذهان مردم معمولی می ماند. در این بخش بدون در نظر گرفتن شخصیت، تخصص، ملیت هر کدام از مردان، به ذکر بعضی از این القاب می پردازیم:

ژولیانوس، امپراتور روم	لقب	آپوستا
مصطفی کمال پاشا، سردار و رئیس جمهور معروف ترکیه	لقب	آتاتورک
رویسپیر، یکی از سران انقلاب فرانسه	لقب	آتش افروز
والتر، نویسنده فرانسوی	لقب	آروئه
سیمون دو بولیوار، بانی استقلال ممالک آمریکای جنوبی	لقب	آزادی بخش
سی پیون، سردار روم در جنگ با کارتاژ	لقب	آفریقائی
ابن سینا، طبیب و فیلسوف ایرانی	لقب	آویسن
سرژیر و کفیف، آهنگساز روسی	لقب	آهنگساز مردم
ژولیانوس، امپراطور روم	لقب	آهنین سر
فیروز، قاتل عمر بن خطاب	لقب	ابولؤلؤ
هرودوت، مورخ یونانی	لقب	ابوالمورخین
والیک، پادشاه مجارستان بعد از مسیحی شدن	لقب	اتین
لانگ فلو، ادیب آمریکائی	لقب	ادیب پرکار
کلودپرو، معمار بزرگ فرانسوی.	لقب	استاد

استاد پرتره	لقب	ریگو، نقاش فرانسوی.
استاد سنفونی	لقب	فرانتس شوبرت، موسیقیدان آلمانی.
استاد ملودی	لقب	گابریل فوره، موسیقیدان فرانسوی.
اسکندر شمال	لقب	شارل ۱۲، پادشاه سوئد.
اکتاوی	لقب	ژان ۱۲، پاپ معروف.
اعتراف گیرنده	لقب	ادوارد، روحانی معروف قرن ۱۱ میلادی.
افلاطون ثانی	لقب	آراتوسن، ادیب و مورخ یونانی.
اگوستول	لقب	رمولوس، اولین فرمانروای روم.
اگوست صغیر	لقب	رمولوس، اولین فرمانروای روم.
اگوستین ثانی	لقب	سنت آنسلم، فیلسوف مردم.
الکن	لقب	لوئی، پسر شارل لوشو پادشاه فرانسه.
امپراتور بی خواب	لقب	ژوستی نین، امپراتور روم.
امپراتور صدروزه	لقب	اوتون، امپراتور روم.
امپراتور	لقب	نایلتون.
امپراتور ژرمانیک	لقب	فرانسوای اول، امپراتور اتریش در قرن ۱۸ م.
امپراتور فیلسوف	لقب	مارک اورل، امپراتور روم.
امپراتور کامل	لقب	آنتونن، امپراتور روم.
امپراتور کبیر	لقب	اوتون، پادشاه آلمان در قرن ۱۰ م.
امپراتور محصل	لقب	پطر کبیر، امپراتور روسیه.
امپراتوریس هند	لقب	ملکه ویکتوریا، ملکه بزرگ انگلیس.
امین	لقب	حضرت محمد (ص).
اوازور	لقب	هانری، پادشاه سلسله ساکس آلمانی.
بابوجی	لقب	گاندی، رهبر استقلال هند
بادشمال	لقب	کلیر، وزیر خشک و بد اخلاق لوئی ۱۲.
بارون دوپلاسی	لقب	رابرت کلایو، عامل استعمار هندوستان برای انگلیس.
بارون دولابرد	لقب	مونتسکیو، نویسنده فرانسوی.
باربروس	لقب	فردریک، دومین پادشاه پروس.
بالاف ره	لقب	هانری دوگیز، سردار معروف فرانسه.
بانی دادگستری جدید لقب	لقب	جان مارشال، حقوقدان آمریکائی.
بانوی با چراغ	لقب	فلورانس نایتینگل، موجد پرستاری انگلیسی.
بیر فرانسه	لقب	ژرژ کلمانسو، نخست وزیر فرانسه.
بچه	لقب	لوئی لانفان، از سلاطین اولیه فرانسه.

بزرگترین مردان	لقب	الیزابت اول، ملکه انگلستان.
بزرگوار	لقب	کاترین کبیر، ملکه روسیه.
بسی جوان	لقب	الیزابت اول، ملکه انگلستان.
بلبل شرق	لقب	ام کلثوم، خواننده شهیر مصری.
بلبل فرانسه	لقب	ادیپ پیاف، خواننده فرانسوی.
بلبل هند	لقب	ساروجینی نایدو، شاعره آزادیخواه هند.
بویکرت	لقب	هانری اول، پادشاه انگلیس.
بهترین پادشاه	لقب	فردریک هشتم، پادشاه قرن ۲۰ م. دانمارک.
بی‌پرده	لقب	مارسل پره‌وو، نویسنده فرانسوی.
بی‌زمین	لقب	ژان سان‌تر، پادشاه انگلیس.
بی‌عرضه	لقب	لونی، جانشین شارلمانی امپراتور روم.
بینوا	لقب	گوتیه، اولین سردار جنگ‌های صلیبی.
بیوه اتریشی	لقب	ماری آنتوانت، ملکه فرانسوی.
بیوه بوهارنه	لقب	ژوزفین، ملکه فرانسوی، همسر ناپلئون.
پاپ صلح	لقب	جان ۲۳، پاپ قرن بیستم م.
پاپ مسافر	لقب	پل ششم، پادشاه فرانسه.
پادشاه آفتاب	لقب	لونی ۱۴، پادشاه فرانسه.
پادشاه آسیا	لقب	اسکندر مقدونی، پادشاه و فاتح معروف یونان.
پادشاه پیانو	لقب	آنتوان راین، پیانیست آلمانی.
پادشاه بسیار عیسوی	لقب	فرانسوا اول، پادشاه فرانسوی.
پادشاه روم	لقب	ناپلئون دوم، پسر ناپلئون بناپارت.
پادشاه سیار	لقب	اوتون، امپراتور آلمان.
پادشاه شوالیه	لقب	فرانسوا اول، پادشاه فرانسه.
پادشاه مقروض	لقب	جرج چهارم، پادشاه انگلیس.
پادشاه ناپل	لقب	لونی ۱۲، پادشاه فرانسه.
پادشاه ناپل	لقب	لونی ۱۲، پادشاه فرانسه.
پادشاه نژاد فرانسه	لقب	آنا تول فرانس، نویسنده فرانسوی.
پادشاه والس	لقب	یوهان اشتراوس، موسیقیدان اتریشی.
پادشاهان کاتولیک	لقب	الیزابت و فردیناند، ملکه و پادشاه اسپانیا.
پارسا	لقب	آنتونین، امپراتور روم.
پاندیت	لقب	نهر و، نخست وزیر هندوستان.
پدر آزادی	لقب	جورج واشنگتن، اولین رئیس جمهور آمریکا.
پدر اتم	لقب	آلبرت انیشتین، ریاضیدان آلمانی.

مارکونی، مخترع رادیو، ایتالیائی.	لقب	پدر اختراع
ژوزف کوینو، مخترع فرانسوی.	لقب	پدر اتومبیل
گراهام بل، مخترع انگلیسی.	لقب	پدر ارتباطات سریع
توماس ادیسون، فیزیسیں آلمانی.	لقب	پدر الکتریسیته
دنيس پاپن، مکتشف فرانسوی.	لقب	پدر بخار
مارکونی، مخترع رادیو، ایتالیائی.	لقب	پدر بی سیم
فردیش وهلر، آلمانی.	لقب	پدر پتروشیمی
هرودوت، مورخ یونانی.	لقب	پدر تاریخ
آتاتورك، اولین رئیس جمهور ترکیه.	لقب	پدر ترکیه
آکساندر هومبولد، آلمانی.	لقب	پدر جغرافیای نو
گوتبرگ، مخترع آلمانی.	لقب	پدر چاپ
پل مولر، شیمیدان سویسی.	لقب	پدر د.د.ت
ورنرفون براون، آلمانی.	لقب	پدر سفاین فضائی
آنتوان لاوازیه، شیمیست فرانسوی.	لقب	پدر شیمی
هرمان اشتودینگر، شیمیست آلمانی.	لقب	پدر شیمی نو
آلبرت کبیر، شیمیست آلمانی.	لقب	پدر شیمی کهن
هومر، شاعر یونانی.	لقب	پدر شعر
بقراط، طبیب یونانی.	لقب	پدر طب
زیگموند وزالیوس، طبیب فرانسوی.	لقب	پدر طب روانی
آندره وزالیوس، طبیب فرانسوی.	لقب	پدر علم تشریح
لوئی لومیر، مخترع فرانسوی.	لقب	پدر سینما
داروین، دانشمند انگلیسی.	لقب	پدر طبیعیات
بتھون، موسیقیدان آلمانی.	لقب	پدر سنفونی
پیلاتردوروزیه، مخترع آلمانی.	لقب	پدر فضانوردی
پیراوزرو، سردار معروف فرانسه	لقب	پدر فرانسه
جیمز مادیسون، سیاستمدار آمریکائی.	لقب	پدر قانون اساسی
هانس کریستین آندرسون، دانمارکی.	لقب	پدر قصه
ارسطو، فیلسوف یونانی.	لقب	پدر فلسفه
ژنه دکارت، فیلسوف فرانسوی.	لقب	پدر فلسفه جدید
لوئی دوازدهم، پادشاه فرانسوی.	لقب	پدر ملت
رابرت گدارد، فزیکدان آمریکائی.	لقب	پدر موشک
یوهان اشتراوس، آهنگساز اتریشی.	لقب	پدر والس
فردریک وسار، پزشک آلمانی.	لقب	پزشک بین المللی

لب	بسرژوپیتز
لقب	بسر هرکول
لقب	پرسن دوینه وان
لقب	پوست دوز
لقب	پونتیف کبیر
لقب	پیرترین ولیعهد
لقب	پیانیست افسونکار
لقب	تازیانه خدا
لقب	تعمید دهنده
لقب	جادوگر ادبیات
لقب	جسور
لقب	جنجال طلب
لقب	جوان
لقب	چکمه کوتاه
لقب	حجار مرمرین
لقب	حریف بداقبال
لقب	حکیم کونکورد
لقب	خالق کارمن
لقب	خاموش
لقب	خبیث
لقب	خداوند ارقام
لقب	خداشناس
لقب	خداایگان
لقب	خسیس
لقب	خطیب انقلابی
لقب	خمزه نشین
لقب	خورشیدکلاه
لقب	داس سر
لقب	داستانسرای افسونگر لقب
لقب	دریان جبال آلپ
لقب	دریستال
لقب	دزد دلها
لقب	دشمن عالم
لقب	دیوکلہ سیانوس، امپراتور روم.
لقب	ماکزی سین، امپراتور روم.
لقب	تالیران، وزیر ناپلئون بناپارت.
لقب	گیوم دونورماندی، پادشاه انگلیس.
لقب	پوستوموس، امپراتور روم غربی.
لقب	ویلیام چهارم، پادشاه قرن ۱۸ م. فرانسوی.
لقب	فرانتس لیست، پیانیست مجارستانی.
لقب	آتیلان، پادشاه اقوام وحشی هون.
لقب	ژان بابتیست، از روحانیون صدر مسیحیت.
لقب	توفیل گوتیه، نویسنده فرانسوی.
لقب	فیلیپ سوم، پادشاه فرانسوی.
لقب	بن ونوتوچلینی، هنرمند ایتالیایی.
لقب	لوئی ۷، پادشاه فرانسوی.
لقب	روبرت، پادشاه انگلیس.
لقب	هودن، بیکر تراش فرانسوی.
لقب	زیگموند وورمسر، سردار اتریشی قرن ۱۸ م.
لقب	رالف والدو امرسون، فیلسوف آمریکایی.
لقب	ژرژبیزه، موسیقیدان فرانسوی.
لقب	گیوم دوناسو، سردار مشهور هلندی.
لقب	گیوم دونورماندی، پادشاه انگلیس.
لقب	آلبرت انیشتن، ریاضیدان آلمانی.
لقب	لوئی، جانشین شارلمانی، امپراتور اروپا.
لقب	دومی سین، امپراتور روم.
لقب	لوئی ۱۲، پادشاه فرانسه.
لقب	دانتون، از سران انقلاب فرانسه.
لقب	دیوژن، فیلسوف یونانی.
لقب	کاترین کبیر، ملکه روسیه
لقب	شارل لوشو، پادشاه فرانسه.
لقب	هانس کریستین آندرسون.
لقب	دوک دوساوا، فرمانروای ایتالیا.
لقب	پین دوم، پادشاه فرانسوی.
لقب	لردبایرون، شاعر انگلیسی.
لقب	ناپلئون بناپارت.

دماغ نقره ای	لقب	تیکو براهه، منجم دانمارکی.
دوچه	لقب	موسولینی.
دوست حیوانات	لقب	هانری برک، طبیعیدان فرانسوی.
دوک دوترانت	لقب	ژوزف فوشه، وزیر پلیس ناپلئون.
دوک دوراگوز	لقب	مارشال مارمون، سردار فرانسوی.
دوک دوویندسور	لقب	ادوار هشتم، پادشاه انگلستان.
دوشیزه اورلتان	لقب	ژاندارک.
دوفرانس	لقب	لوئی هشتم، پادشاه فرانسه.
دوناوار	لقب	هانری چهارم، پادشاه فرانسه.
رئیس	لقب	عبدالناصر، رئیس جمهور مصر.
رئوف	لقب	شارل کبیر (شارلمانی)، امپراتور اروپا.
رسول	لقب	پولس، اولین کسی که در تجزیه مسیح از یهود کوشید.
روح آنالیز ریاضی	لقب	لئونارد اولر.
روباه	لقب	اشته تین، سیاستمدار پروس.
روباه سیاه	لقب	موسی چومبه، نخست وزیر حیلہ گر کنگو.
روباه صحرا	لقب	مارشال رومل، سردار مشهور نازی.
رہبر بزرگ	لقب	توسکانی نی، آهنگساز ایتالیائی.
ریش آبی	لقب	فردریک، دومین پادشاه آلمان.
زخم‌دار	لقب	هانری دوگیز، سردار نامدار فرانسوی.
زن خونخوار تاریخ	لقب	لوکرس بورژیا، شاهدخت ایتالیائی.
زن هزار مجسمه	لقب	اوا پرون، همسر ژنرال پرون رئیس جمهور آرژانتینی
زوجه کاپه	لقب	ماری آنتوانت، ملکه فرانسه.
زهره دنیای شعر	لقب	دلیرا اوگوستینی، شاعره ارگوئنه.
زیبا	لقب	فیلیپ چهارم، پادشاه فرانسه.
زیبا	لقب	فیلیپ چهارم، پادشاه اتریش.
ژنرال بدشانس	لقب	ژنرال واندام، سردار فرانسه در قرن ۱۸م.
ساجمو	لقب	لوئی آرمسترانگ، جازبست آمریکائی.
ساده	لقب	شارل لوسمیل، پادشاه فرانسه.
سان تر (بدون زمین)	لقب	ژان، پادشاه انگلیسی.
سپهسالار	لقب	هانری دوگیز، سردار بزرگ فرانسه.
ستون دنیا	لقب	پرنس مترنیخ، صدراعظم مستبد اتریش.
سلحشور	لقب	فردریک گیوم اول.
سلطان ادبیات ایتالیا	لقب	ماکیاول، نویسنده ایتالیائی.

ویکتور هوگو، نویسنده فرانسوی.	سلطان ادبیات فرانسه لقب
کلنل لاورنس، عامل نفوذ انگلیس در عربستان.	سلطان بی تخت و تاج لقب
انریکو کاروزو، خواننده ایتالیایی.	سلطان خوانندگان لقب
اینوسان، پاپ بزرگ.	سلیمان عصر لقب
کاترین کبیر.	سمیرامیس شمال لقب
لوئی نهم، پادشاه فرانسه.	سن لوئی لقب
ماکسی میلیان دویتون، صدراعظم فرانسه.	سولی لقب
تورگو، وزیر دارائی لوئی ۱۶.	سولی جدید لقب
امام حسین (ع).	سید الشهداء لقب
شارل پنجم، امپراتور اتریش و اسپانیا.	شارلکن لقب
شارل کبیر، امپراتور بزرگ.	شارلمانی لقب
راینرماریا ریلکه، شاعر آلمانی.	شاعرانندیشه‌های والا لقب
ویلیام موریس، شاعر انگلیسی.	شاعر اجتماع لقب
کلمنتس برنتانو، شاعر ایتالیایی.	شاعر بزرگ لقب
پل الوار، شاعر فرانسوی.	شاعرترین شعرا لقب
پل والر، شاعر فرانسوی.	شاعر دریائی لقب
پل الوار، شاعر فرانسوی.	شاعر سیاح لقب
شارل بودلر، شاعر فرانسوی.	شاعر غم لقب
محمد اقبال، شاعر پاکستانی.	شاعر ملی لقب
دلیرا اوگوستینی، شاعره اروگوئه.	شاعره عاشق پیشه لقب
مانوئل گودونی، صدراعظم اسپانیا.	شاهزاده صلح لقب
لوسین بناپارت، برادر ناپلئون.	شاهزاده کانینو لقب
مارشال نی، سردار نامدار فرانسه.	شاهزاده مسکو لقب
حضرت علی بن ابی طالب (ع).	شاه مردان لقب
نیکولو پاگانی نی، ویولونیست ایتالیایی.	شریک شیطان لقب
آلفرد کورتو، پیانیست سویسی.	شو پن دوم لقب
شارل گوستاو، پادشاه قرن ۱۷م.	شیر بزرگ لقب
ژاندارک، فرانسوی.	شیر زن اورلئان لقب
ژان هانری فابر، فرانسوی.	شیفته حشرات لقب
بیسمارک، صدراعظم تاریخی پروس.	صدراعظم آهنین لقب
فردریک دوسار، طبیب آلمانی.	طبیب بین المللی لقب
جان هانتز، طبیب انگلیسی.	طبیب لندن لقب
فیلیپ اگوست، پادشاه فرانسوی.	عافل لقب

عرب مغربی	لقب	لودوویگ اسفورزا، فرمانروای اروپائی.
عموهو	لقب	هوشی مینه، رئیس جمهور فقید ویتنام شمالی (سابق).
غاصب	لقب	ناپلئون بناپارت.
غلام آزادی	لقب	روبسییر، از سران اصلی انقلاب فرانسه.
فاتح	لقب	سلطان محمد، امپراتور عثمانی.
فاتح	لقب	ویلیام اول، پادشاه انگلیس.
فاتح پرو	لقب	فرانسیسکو پیزارو، سردار اسپانیائی که پرو را گرفت.
فاتح قطب جنوب	لقب	روالد آموندسن، قطب شناس و کاشف نروژی.
فاتح مکزیك	لقب	فرناندو کورتز، سردار اسپانیائی که مکزیك را تصرف کرد.
فاتح وردن	لقب	مارشال پتن، سردار فرانسوی.
فاضل	لقب	هانری اول، پادشاه انگلیس.
فراش نوتردام	لقب	مارشال دولوگزامبورگ، سردار فرانسوی.
فر به	لقب	لوئی هشتم، پادشاه فرانسوی.
فرزند تئاتر	لقب	یوجین اونیل، نویسنده آمریکائی.
فرومایه سیسیلی	لقب	کاردینال مازارن، صدراعظم لوئی ۱۴.
فکر کننده	لقب	کنسی، عالم بزرگ اقتصادی فرانسه.
فوهرر	لقب	آدولف هیتلر.
فیلسوف خیالیباف	لقب	کاستون یاشلار، ادیب فرانسوی.
فیلسوف خیالی	لقب	کاستون یاشلار، ادیب فرانسوی.
قانونی	لقب	سلطان سلیمان، امپراتور عثمانی.
قانونگذار	لقب	سولون، حکیم و مقنن یونانی.
قسى القلب	لقب	پتر کبیر، امپراتور روسیه.
قصاب اکوس	لقب	دوک دوکمبرلند، سردار انگلیسی.
قصاب ساراگوس	لقب	مارشال لان، سردار ناپلئون.
قوی	لقب	روبرلوفور، پادشاه فرانسه.
کارگردان ترس	لقب	آلفردهیچکاک
کاشف اقیانوس	لقب	واسکونونه بالبوآ، کاشف اسپانیائی.
کاشف میکروپ	لقب	لوئی یاستور.
کالیگولیا	لقب	کایوس، امپراتور روم.
کامپیدور	لقب	ال سید، سردار اسپانیائی.
کبیر	لقب	پومپه، سردار روم باستان.
کبیر	لقب	لوئی ۱۴، پادشاه فرانسه.
کبیر	لقب	ژوستی نین، امپراتور معروف روم.

کیبر	لقب	هوک، پادشاه قدیم فرانسه.
کیبر	لقب	شارلمانی، امپراتور بزرگ اروپا.
کیبر	لقب	آلفرد، پادشاه انگلیس.
کیبر	لقب	کنوت، پادشاه دانمارک در قرن ۱۱م.
کیبر	لقب	اوتون پادشاه آلمان.
کیبر	لقب	دوک دانگن، سردار فرانسوی.
کیبر	لقب	ایوان سوم، پادشاه روسیه.
کیبر	لقب	آرنو، روحانی و دانشمند زمان لوئی ۱۴
کیبر	لقب	کاترین دوم، ملکه بزرگ روسیه.
کیبر	لقب	پتر اول، امپراتور روسیه.
کیبر	لقب	ناپلئون، امپراتور فرانسه.
کلیم الله	لقب	حضرت موسی (ع).
کنت دارتوا	لقب	شارل دهم، پادشاه فرانسه.
کنت دوپروونس	لقب	لوئی ۱۸، پادشاه فرانسه.
کورت هوز	لقب	روبرت، پادشاه انگلیس.
کوردلیون	لقب	ریشارد، پادشاه انگلیس.
کیسه بر (جیب بر)	لقب	پرنیس، صدراعظم لوئی ۱۵ که دزد بود.
گران مادمازل	لقب	مون پانسیو، از زنان متنفذ و بزرگ زمان لوئی ۱۳
گرگ	لقب	راسپوتین، کشیش مکار در بار نیکلای دوم.
گوینده کلمه ایمان	لقب	ادوارد، پادشاه انگلیس در قرن ۱۶م.
لاقول	لقب	ژان، ملکه اتریش.
لانفان (بچه)	لقب	لوئی، از سلاطین قدیم فرانسه.
لرد پشتیبان جمهوری	لقب	اولیویر کرامول.
لردچاتام	لقب	پیت اول، نخست وزیر انگلستان.
لوئی عادل	لقب	لوئی ۱۶.
لوبک	لقب	لوئی، پادشاه فرانسه.
لوبو (زیبا)	لقب	فیلیپ، پادشاه اتریش.
لوبرف	لقب	پین اول، امپراتور اروپا.
لوبون	لقب	فیلیپ پنجم، پادشاه فرانسه.
لوبل	لقب	فیلیپ چهارم، پادشاه فرانسه.
لوبیو	لقب	لوئی، جانشین شارلمانی.
لورو	لقب	گیوم دونور ماندی، پادشاه انگلیس.
لودیابل	لقب	گیوم دونورماندی، پادشاه انگلیس.

لوسن	لقب	هانری سوم، پادشاه آلمان.
لوسمپل	لقب	شارل، امپراتور فرانسه.
لوشو	لقب	شارل، امپراتور فرانسه.
لوکنفسور	لقب	ادوارد، پادشاه انگلیس در قرن ۱۱ م.
لوگرو	لقب	لوئی هشتم، پادشاه فرانسه.
لوگران	لقب	لوئی چهاردهم، پادشاه فرانسه.
لونور	لقب	کلبر، وزیر خشک لوئی ۱۴.
لوفور	لقب	روبر، مؤسس سلسله لوفور فرانسه.
لوهاردی	لقب	فیلیپ سوم، پادشاه فرانسه.
لوهوتون	لقب	لوئی نهم، پادشاه فرانسه.
لوئی مقدس	لقب	لوئی نهم، پادشاه فرانسه.
مارتل	لقب	شارل، جانشین مابین پادشاه فرانسه.
ماگینوس	لقب	پومیه، سردار بزرگ روم قدیم
مارکی دوپومبال	لقب	کاروالو، وزیر ژوزف اول پادشاه پرتقال.
مادام دفی سیت	لقب	ماری آنتوانت، ملکه فرانسه.
ماده گرگ	لقب	ماری آنتوانت، ملکه فرانسه.
محتشم	لقب	بد، روحانی دانشمند انگلوساکسون
مخوف	لقب	ایوان چهارم، پادشاه روسیه.
محبوب	لقب	لوئی ۱۵، پادشاه فرانسه.
مدافع دین	لقب	هانری هشتم، پادشاه انگلیس.
مرد انقلاب	لقب	ناپلئون بناپارت.
مرد بیچاره	لقب	لوئی ۱۶، پادشاه فرانسه
مسیو کاپه	لقب	لوئی ۱۶، پادشاه فرانسه
مسیو وتو	لقب	لوئی ۱۶، پادشاه فرانسه
مشعل پروونس	لقب	میرابو.
معصوم فسادناپذیر	لقب	روبیسپیر.
معتقد خوب	لقب	ماکسی میلیان دویتون، صدراعظم هانری چهارم .
معظم	لقب	لوران دومدیدیسی.
مقدّس	لقب	هانری دوم، پادشاه آلمان.
مقدّس	لقب	لوئی نهم، پادشاه فرانسه.
ملکه جنایت	لقب	آگاتا کریستی.
ملکه ناوار	لقب	جین سوم، ملکه فرانسه.
ملکه هنگری	لقب	ماری ترز.

فرديك گيوم، پادشاه پروس.	لقب	منتخب كبير
آلفونس دوم، پادشاه آراگون اسپانيا.	لقب	منفور
گيوم دونورماندى، پادشاه انگليس.	لقب	موخرمائي
لئوپولد دوم، امپراتور اتریش.	لقب	موسيقيدان
حيثم وايزمان، اولين رئيس جمهور اسرائيل.	لقب	موسى قرن بيستم
گاندى، ليدر استقلال طلبان هند.	لقب	مهاتما
نايته، نقاش معروف فرانسوى.	لقب	مجنوب زنان
حضرت عيسى (ع).	لقب	مسيح
کنفوسیوس.	لقب	مظهر حکمت
		مشعلدار تبلیغات
ایلیا ارنبورگ.	لقب	کمونیستی
فرانسوا مالرب، نویسنده فرانسوی.	لقب	مصلح ادبیات
مارتین لوتر، کشیش معروف فرانسوی.	لقب	مصلح كبير
پل ورنلن، شاعر فرانسوی.	لقب	ملك الشعرا
لینه، طبیعیدان سوئدی.	لقب	موجدنیات شناسی
آلدوس شومینگ، نقاش انگلیسی.	لقب	ناپلئون هنر
ژنرال نیول، افسر فرانسوی.	لقب	ناجی وردن
یطروس، روحانی معروف که عامل جنگهای صلیبی شد.	لقب	ناسک
پرنس مترنیخ، صدراعظم اتریش.	لقب	نایب خدا
دوک دورلثان، سردار فرانسوی.	لقب	نایب السلطنه
سیمون بولیوار، ناجی آمریکای جنوبی.	لقب	نجات بخش
کریستیان دوم، پادشاه دانمارک.	لقب	نزون شمال
ژرار دو، نقاش هلندی.	لقب	نقاش خانوادگی
پل گوگن، نقاش فرانسوی.	لقب	نقاش بدیخت
نايته، نقاش فرانسوى.	لقب	نقاش زنان
ونسان وان گوگ.	لقب	نقاش دیوانه
فرانسوا بوشه، نقاش فرانسوی.	لقب	نقاش کودکان
واتو، نقاش فرانسوی.	لقب	نقاش مجالس بزم
آندره مالرو، نویسنده فرانسوی.	لقب	نویسنده ترسو
تیتوس، امپراتور روم.	لقب	نیکخواه نوع بشر
کلوویس، از سلاطین اولیه فرانسه.	لقب	والی
ووبان، سردار و معمار بزرگ فرانسه.	لقب	وطن پرست بزرگ
پیت اول، صدراعظم انگلیس.	لقب	وکیل بزرگ

ولتر خانم	لقب	مادام دوتانسون، فرانسوی.
ولتر شاه	لقب	ولتر، نویسنده فرانسوی.
ونوس ادبیات	لقب	دلمیرا اگوستینی، شاعره اروگوئه.
ولیعهد پیر	لقب	فردریک هشتم، پادشاه قرن ۲۰ م. دانمارک.
همایون	لقب	کلوویس، از اولین سلاطین فرانسه.
همایون	لقب	شارل کبیر، امپراتور بزرگ اروپا.
همایون	لقب	اوتون، پادشاه آلمان.
هومر اسپانیا	لقب	گنکورآ آرگورت، شاعر اسپانیایی.
یاووز	لقب	سلطان سلیم اول، امپراتور عثمانی.

بیگانگان مشهور در تاریخ ایران

ایرانی را داشته‌اند، به عللی در تاریخ ایران شهرت یافته‌اند، بعضی از این اسامی «بیگانه مشهور در ایران»، از این قرار است:

علاوه بر شخصیت‌های زن و مرد ایرانی که به انحاء و انواع مختلف در تاریخ ایران دارای نام و شخصیت برجسته‌ای بوده و شهرت تاریخی یافته‌اند. بعضی از اشخاص بیگانه نیز که ملیت‌های غیر

آشوریانی پال. پادشاه کشور آشور	در زمان فرورتیش	مادی
آمادی یس. پادشاه سکاها	در زمان هو و خشتر	مادی
آمازیس. پادشاه و فرعون مصر	در زمان کمبوجیه	هخامنشی
آریستوگراس. دیکتاتور یونانی	در زمان داریوش کبیر	هخامنشی
آزه ژیلان. پادشاه اشارت	در زمان اردشیر دوم	هخامنشی
آنتونینوس. امپراتور روم	در زمان اشك ۲۵	اشکانی
آیویدیوس کاسیوس. سردار رومی	در زمان اشك ۲۵	اشکانی
آتیلان. امپراتور اقوام هون	در زمان شاپور دوم	ساسانی
آرکادیوس. امپراتور روم شرقی	در زمان یزدگرد اول	ساسانی
آناستازیوس. امپراتور روم	در زمان قباد اول	ساسانی
آلیوکرک. دریاسالار پرتغالی	در زمان شاه اسماعیل اول	صفوی
آلکسیس. امپراتور روسیه	در زمان شاه عباس دوم	صفوی
آنتیوکوس. سفیر روم در ایران	در زمان یزدگرد اول	ساسانی
آلکساندر اول. امپراتور روسیه	در زمان فتحعلی شاه	قاجار
●		
اکنایوس. امپراتور روم	در زمان اشك ۱۴	اشکانی

ساسانی	در زمان شاپور اول	اودناتوس، پادشاه تدمر
ساسانی	در زمان بهرام اول	اورلیانوس، امپراتور روم
ساسانی	در زمان شاپور دوم	ارشک ارمنی، پادشاه ارمنستان
ساسانی	در زمان انوشیروان	ابرهه، سردار حبشه
ساسانی	در زمان انوشیروان	اورانیوس، فیلسوف و طبیب رومی
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	المثنی، سردار عرب مسلمان
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	ابوسیره، سردار عرب مسلمان
صفاری	در زمان یعقوب لیث	الموفق، برادر المعتمد خلیفه بغداد
غزنوی	در زمان سلطان محمود	ایلك خان، پادشاه ترکستان
سامانی	در زمان منتصر	ابن بهیح، قاتل آخرین پادشاه سامانی
دیلمی	در زمان عضدالدوله	ابوالفرج، حاکم منطقه عمان
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	التتمش، فرمانروای هند
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	ایوانه، سردار ارمنی
مغول	در زمان چنگیز خان	اولاغ نویان، سردار مغول
مغول	در زمان چنگیزخان	الش ایدی، سردار مغول
مغول	در زمان گیوک خان	ایلچیکدای، سردار مغول
گورکانی	در زمان تیمور	ایلدروم بایزید، امپراتور عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس دوم	اورنگ زیب، امپراتور هند
صفوی	در زمان شاه عباس دوم	امامقلی ازبک، سردار ازبکستان
صفوی	در زمان شاه طهماسب دوم	الله یارخان، سردار افغان
صفوی	در زمان شاه عباس	الیزابت اول، ملکه انگلیس
صفوی	در زمان شاه عباس	استیل، نماینده انگلستان
صفوی	در زمان شاه سلیمان	ابارنل، نماینده آلمان
صفوی	در زمان شاه سلیمان	اوری نئی، سفیر روسیه
صفوی	در زمان طهماسب دوم	احمدپاشا، سردار عثمانی
افشاری	در زمان نادرشاه	ابوالفیض خان، حاکم بخارا
افشاری	در زمان نادرشاه	ایلبارس خان، حاکم خوارزم
افشاری	در زمان نادر شاه	ابوالخیرخان، حاکم قرقیزستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	اوزلی (سرگور)، نماینده انگلستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ایشپخدر، سردار روسیه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	اریستوف، سردار روسیه
پهلوی	در زمان رضا شاه	استالین، فرمانروای روسیه

هخامنشی	در زمان داریوش	بطلیموس. سردار اسکندر مقدونی
ساسانی	در زمان قباد اول	بلیزار یوس. سردار رومی
ساسانی	در زمان خسرو پرویز	بازان. حکمران یمن
سلجوقی	در زمان طغرل اول	بساسیری. سردار ترك نژاد خلیفه بغداد
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	بوئزو. سردار گرجی
مغول	در زمان هولاکو	برکای. پسر جوجی و نوه چنگیزخان
گورکانی	در زمان تیمور	برقوق. سلطان مصر
صفوی	در زمان اسماعیل اول	بایزید دوم. امپراتور عثمانی
صفوی	در زمان طهماسب اول	با یزید عثمانی. شاهزاده پناهنده به دربار ایران
صفوی	در زمان شاه عباس	بارکر (توماس). نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	بن تان. نماینده فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	بهادر جنگ. سفیر هند در ایران
قاجار	در زمان ناصرالدین	بوهلر. افسر فرانسوی
قاجار	در زمان مظفرالدین شاه	باسکر ویل. آزادیخواه آمریکائی
●		
اشکانی	در زمان اشك ۱۱	پومیه. سردار معروف رومی
مغول	در زمان گیخاتو	پولاد چینگ سانگ. سفیر چین در ایران
صفوی	در زمان طهماسب دوم	پطر کبیر. امپراتور روسیه
صفوی	در زمان شاه عباس	پاول. نماینده انگلیس در ایران
صفوی	در زمان سلطان حسین	پادری. نماینده فرانسه در ایران
صفوی	در زمان اسماعیل اول	پطروس (فراتر). نماینده ایران در آلمان
قاجار	در زمان آغامحمدخان	پل اول. امپراتور روسیه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	پاسکویچ. سردار روسیه
قاجار	در زمان محمد شاه	پوتینجر. افسر انگلیسی
●		
هخامنشی	در زمان خشایار شاه	تمیستوکلس. سردار یونانی
هخامنشی	در زمان اردشیر سوم	تب نیت. پادشاه صیدا
اشکانی	در زمان اشك ۲۲	تراژان. امپراتور روم
هخامنشی	در زمان داریوش سوم	تائیس. معشوقه اسکندر مقدونی
ساسانی	در زمان نرسی	تیرداد. پادشاه ارمنستان
ساسانی	در زمان شاپور سوم	تودوزیوس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان انوشیروان	تیبیریوس. امپراتور روم
خوارزمشاه	در زمان سلطان محمد	تایانگو. سردار قراختائی

خوارزمشاه	در زمان جلال‌الدین	تایماس. سردار مغول
خوارزمشاه	در زمان جلال‌الدین	تاینال. سردار مغول
مغول	در زمان چنگیز	تفاجار. سردار مغول
صفوی	در زمان طهماسب دوم	توپال عثمان پاشا. سردار عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	تیمورشاه. پادشاه افغانستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	تالیران. نخست وزیر فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	تولستوی. سفیر روسیه در پاریس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	تورمسوف. نماینده روسیه
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	تالبوت. رئیس مؤسسه رژی
●		
غزنوی	در زمان سبکتکین	جیبال. پادشاه هندوستان
مغول	در زمان چنگیز	جبه نویان. سردار مغول
صفوی	در زمان طهماسب اول	جن کین سون. اولین سفیر انگلیس در ایران
●		
صفوی	در زمان اسماعیل اول	چاوش بالابان. سفیر عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس	چاشنی گرباشی. نماینده عثمانی در قرارداد با ایران
صفوی	در زمان شاه عباس	چغال اوغلی. سردار عثمانی
پهلوی	در زمان رضا شاه	چرچیل. نخست وزیر انگلیس
●		
ساسانی	در زمان انوشیروان	حارث بن جبلة. پادشاه غسان
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	حرمله. سردار عرب مسلمان
صفوی	در زمان شاه عباس	حیدر میرزا. نماینده عثمانی در قرارداد با ایران
صفوی	در زمان شاه عباس	حافظ احمد پاشا. سردار عثمانی
افشار	در زمان نادر شاه	حمال اوغلی. سردار عثمانی
●		
ساسانی	در زمان فیروز اول	خوشنواز. پادشاه هپتالیان
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	خالدین ولید. سردار عرب مسلمان
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	خالدبن عرفطه. سردار عرب مسلمان
سلجوقی	در زمان سنجر	خاقان محمود. فرمانروای ماوراءالنهر
صفوی	در زمان شاه عباس	خلیل پاشا. سردار عثمانی
صفوی	در زمان شاه صفی	خسرو پاشا. سردار عثمانی
افشار	در زمان نادرشاه	خان دوران. سردار و سیاستمدار هندی
●		

هخامنشی	در زمان اردشیر سوم	دموستتس. خطیب و دانشمند یونانی
اشکانی	در زمان اشك اول	دیودوت. پادشاه کشور باختر
ساسانی	در زمان بهرام سوم	دیوکلسین. امپراتور روم
ساسانی	در زمان انوشیروان	دیزابول. پادشاه ترك
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	درهم بن نصر. جنگجوی عرب
صفوی	در زمان شاه عباس	دین محمد خان. پادشاه ازبك
صفوی	در زمان شاه عباس	دوگوا. نماینده اسپانیا
صفوی	در زمان شاه عباس	دومر کوتون. نماینده انگلیس
صفوی	در زمان شاه عباس	دوپروونس. نماینده فرانسه
صفوی	در زمان شاه عباس	دریابل. نماینده آلمان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	داوودپاشا سردار عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	دالگروکی. سفیر روسیه
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	دیولافوای. باستانشناس فرانسوی
قاجار	در زمان محمدعلی شاه	دلکاسه. وزیر خارجه فرانسه
قاجار	در زمان مظفرالدین شاه	داریسی. دارنده امتیاز نفت
		●
صفوی	در زمان طهماسب دوم	ذوالفقارخان. سردار افغان
		●
صفاری	در زمان یعقوب لیث	رتیبیل. پادشاه بودائی مذهب کابل
صفاری	در زمان عمر ولیث	رافع بن هرثمه. سردار عرب
سلجوقی	در زمان الب ارسلان	رومانوس دیوجانوس. امپراتور روم
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	رومیو. نماینده فرانسه
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	روسودان. ملکه ارمنستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	رتیشف. نماینده روسیه
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	رویترا. (انگلیسی). دارنده امتیاز راه آهن
پهلوی	در زمان رضا شاه	روزولت. رئیس جمهوری آمریکا
		●
ساسانی	در زمان شاپور اول	زنوبیا. ملکه تدمر
قاجار	در زمان آغامحمدخان	زوبوف. سردار روسیه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	زمان شاه دوم. پادشاه افغانستان
		●
ساسانی	در زمان شاپور دوم	ژولیانوس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان قباد اول	ژوستی نیوس. امپراتور روم

ساسانی	در زمان انوشیروان	زوستی نیانوس دوم. امپراتور روم
ساسانی	در زمان خسرو پرویز	ژرمانیوس. سردار روم
صفوی	در زمان شاه سلیمان	ژون شر. نماینده فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ژرژ سوم. پادشاه انگلیس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ژرژ چهارم. پادشاه انگلیس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ژوبر. نماینده انگلیس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ژوانن. نماینده فرانسه
●		
اشکانی	در زمان اشك نهم	سولا. سردار روم
اشکانی	در زمان اشك ۲۶	سپتیم سوروس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان فیروز اول	سهاك. پادشاه ارمنستان
ساسانی	در زمان قباد اول	سیتاس. سردار روم
ساسانی	در زمان انوشیروان	سیف ذویزن. پادشاه حمیری عرب
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	سلمی. سردار مسلمان عرب
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	سعدبن ابی وقاص. سردار مسلمان عرب
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	سائب بن الاقرع. سردار مسلمان عرب
مغول	در زمان چنگیز خان	سو بوتای بهادر. سردار مغول
صفوی	در زمان طهماسب اول	سلیم اول. امپراتور عثمانی
صفوی	در زمان اسماعیل اول	سلیمان قانونی. امپراتور عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس	سلطان احمد. امپراتور عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس	سیمون دومیلا. فرمانده پرتغالی هرمز
صفوی	در زمان طهماسب دوم	سلطان احمد سوم. امپراتور عثمانی
صفوی	در زمان سلطان حسین	سیورمیشل. نماینده فرانسه
افشار	در زمان نادرشاه	سعادت خان. سردار هندی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	سلیم سوم. امپراتور عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	سی سیانوف. سردار روسیه
●		
صفاری	در زمان یعقوب لیث	شیل. فرمانروای عرب در فارس
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	شلوه. سردار ارمنی
صفوی	در زمان اسماعیل اول	شیخ شاه. پسر پادشاه شروان
صفوی	در زمان اسماعیل اول	شبیك خان. پادشاه ازبک
صفوی	در زمان شاه عباس	شرلی (آنتوان). یکی از دو برادران شرلی
صفوی	در زمان شاه عباس	شرلی (رابرت). یکی از دو برادران شرلی

صفوی	در زمان شاه عباس	شیلینگ. سردار انگلیسی و متحدشاه عباس
صفوی	در زمان شاه عباس سوم	شاه جهان. پادشاه هندوستان
صفوی	در زمان اسماعیل اول	شانسلور. نماینده انگلیس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	شارل دهم. امپراتور فرانسه
قاجار	در زمان محمدعلی شاه	شاپشال. فرمانده قزاقخانه ایران
قاجار	در زمان محمدعلی شاه	شوستر. مستشار آمریکائی
●		
صفاری	در زمان یعقوب لیث	صالح بن نصر کنابی. فرمانروای عرب
صفاری	در زمان یعقوب لیث	صاحب الزنج. قیام کننده علیه خلیفه بغداد
صفوی	در زمان طهماسب دوم	صیدل خان. سردار افغان
●		
ساسانی	در زمان شاپور دوم	طایر. سردار عرب
صفاری	در زمان یعقوب لیث	طوق. سردار عرب
صفوی	در زمان شاه عباس	طهمورت خان. پادشاه گرجستان
●		
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	عیاض بن غنم. سردار عرب مسلمان
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	عتبه. حکمران بصره
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	علاء. سردار مسلمان عرب
صفاری	در زمان یعقوب لیث	عمار. رئیس خوارج سیستان
صفاری	در زمان یعقوب لیث	علی بن حسین شیل. فرمانروای عرب در فارس
صفاری	در زمان یعقوب لیث	علی بن محمد خارجی. قیام کننده علیه خلیفه بغداد
خوارزمشاه	در زمان سلطان محمد	عثمان خان. فرمانروای سمرقند
صفوی	در زمان شاه طهماسب	عبیداله خان. پادشاه ازبکستان
صفوی	در زمان محمد خدا بنده	عادل خان. پادشاه دشت قبیچاق
صفوی	در زمان محمد خدا بنده	عثمان پاشا. سردار عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس	عبدالمؤمن خان. پادشاه ازبک
صفوی	در زمان شاه عباس	عبیدالله خان دوم. پادشاه ازبک
صفوی	در زمان طهماسب دوم	عبدالله پاشا. سردار عثمانی
صفوی	در زمان طهماسب دوم	عارف پاشا. سردار عثمانی
صفوی	در زمان کریمخان زند	عمر پاشا. سردار عثمانی
صفوی	در زمان کریمخان زند	عبد الحمید اول. امپراتور عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	عبدالرحمن پاشا. سردار عثمانی
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	عبدالعزیز اول. امپراتور عثمانی

هخامنشی	در زمان داریوش سوم	فیلیپوس. پادشاه مقدونیه
ساسانی	در زمان شاپور اول	فیلیپ عرب. سردار روم
ساسانی	در زمان هرمز چهارم	فیلیپیکوس. سردار روم
ساسانی	در زمان خسرو پرویز	فوکاس. سردار روم
صفوی	در زمان اسماعیل اول	فرخ یسار. پادشاه شیروان
صفوی	در زمان شاه عباس	فیگوئر و آ. نماینده اسپانیا
صفوی	در زمان شاه عباس	فان هاسلت. نماینده هلند
صفوی	در زمان شاه سلیمان	فون لینن. نماینده هلند
صفوی	در زمان سلطان حسین	فابر. نماینده فرانسه
●		
ساسانی	در زمان شاپور دوم	قسطنطین. امپراتور روم
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	قعقاع بن عمر. سردار مسلمان عرب
اموی	در زمان مروان حمار	قحطبه. سردار مسلمان عرب
دیلمی	در زمان احمد معزالدوله	قهرمانه. از زنان دربار المستکفی بالله
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	قباچه. فرمانروای سند
●		
هخامنشی	در زمان کوروش کبیر	کروزوس. پادشاه کشور لیدی
اشکانی	در زمان اشك ۱۳	کابی نیوس. سردار روم
اشکانی	در زمان اشك ۱۳	کراسوس. سردار روم
اشکانی	در زمان اشك ۲۰	کومودوس. امپراتور روم
اشکانی	در زمان اشك ۲۲	کر بولو. سردار روم
اشکانی	در زمان اشك ۲۷	کاراکالا. امپراتور روم
ساسانی	در زمان شاپور اول	کوریاویس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان بهرام دوم	کاروس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان شاپور	کنستانتینوس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان انوشیروان	کنت تیبریوس. امپراتور روم
خوارزمشاه	در زمان جلال الدین	کوکبوری. سردار ناصر، خلیفه عباسی
مغول	در زمان هولاکو خان	کیتوبوقا. سردار مغول
صفوی	در زمان شاه عباس	کونوک. نماینده انگلیس
صفوی	در زمان شاه عباس دوم	کونائس. نماینده هلند
صفوی	در زمان شاه عباس	کمنی. نماینده آلمان
زندیه	در زمان کریمخان زند	کتیپ هوزن. رئیس بازرگانی هلند
قاجار	در زمان آغامحمدخان	کاترین دوم. ملکه روسیه

قاجار	در زمان فتحعلی شاه	کریستی. افسر انگلیسی
قاجار	در زمان محمد علی شاه	کلمانسو. صدراعظم فرانسه
		●
هخامنشی	در زمان اردشیر دوم	گزنفون. سردار و مورخ یونان
ساسانی	در زمان شاپور اول	گردیانوس دوم. امپراتور روم
ساسانی	در زمان نرسی	گالریوس. سردار روم
ساسانی	در زمان شاپور دوم	گرمبات. پادشاه هیتالیان
خوارزمشاه	در زمان سلطان محمد	گورخان. پادشاه قراختائی
صفوی	در زمان طهماسب دوم	گولیت سین. نماینده روسیه
قاجار	در زمان آغامحمدخان	گودوویچ. سردار روسیه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	گاردان. ژنرال فرانسوی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	گرگین خان. پادشاه گرجستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	گریبایدوف. نماینده روسیه
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	گلد اسمیت. مهندس مخابرات انگلیس
قاجار	در زمان مظفرالدین شاه	گرت دوف. نماینده انگلیس
		●
هخامنشی	در زمان خشایارشا	لئونیداس. پادشاه اسپارت
اشکانی	در زمان اشك ۲۵	لرسیوس وروس. سردار روم
صفوی	در زمان شاه صفی	لالن. نماینده فرانسه
صفوی	در زمان شاه صفی	لابولای. نماینده فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	لوئی هیجدهم. امپراتور فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	لوئی فیلیپ. امپراتور فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	لابلانن. نماینده فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	لیندسی. افسر انگلیسی
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	لیانازوف. دارنده امتیاز شیلات
		●
هخامنشی	در زمان خشایارشا	میل تیادس. سردار یونانی
اشکانی	در زمان اشك ۱۴	مارك آنتوان. امپراتور روم
اشکانی	در زمان اشك ۲۵	مارك اورل. امپراتور روم
اشکانی	در زمان اشك ۲۸	ماکرینوس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان قباد اول	مندرسوم. پادشاه عرب
ساسانی	در زمان انوشیروان	مکان خان. پادشاه ترك
ساسانی	در زمان انوشیروان	موریس. سردار روم

ساسانی	در زمان هرمز چهارم	موستاکون. سردار روم
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	مثنی بن حارثه. سردار مسلمان عرب
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	محمد بن واصل. سردار مسلمان عرب
غزنوی	در زمان سلطان محمود	مأمون بن مأمون. پادشاه خوارزم
خوارزمشاه	در زمان جلال‌الدین	ممنّا. سردار گرجی
صفوی	در زمان شاه عباس	محمد پاشا. سردار عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس	مراد چهارم. امیراتور عثمانی
صفوی	در زمان شاه عباس	مونوکس. نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس
صفوی	در زمان سلطان حسین	میر ویس. رئیس ایل غلجائی افغانستان
صفوی	در زمان شاه عباس	مورالس. نماینده اسپانیا
صفوی	در زمان سلطان حسین	ماری پتی. نماینده فرانسه
افشار	در زمان نادر شاه	محمد شاه گورکانی. پادشاه هندوستان
زندیه	در زمان کریمخان زند	میرمهنا. فرمانروای بندر ریگ
زندیه	در زمان کریمخان زند	مصطفی خان سوم. امیراتور عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	محمود دوم. امیراتور عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ملکم (سرجان). نماینده انگلستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	منجیکوف. نماینده انگلستان
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	مدداوف. سردار روسیه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ماکدونالد (سرجان). نماینده انگلیس
قاجار	در زمان محمد شاه	ماک نیل. نماینده انگلیس



هخامنشی	در زمان کوروش کبیر	نبوید. پادشاه بابل
اشکانی	در زمان اشك ۲۲	نرون. امیراتور روم
ساسانی	در زمان شاپور دوم	نسطوریوس. بانی مذهب نسطوری
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	نعمان بن مقرن. سردار مسلمان عرب
طاهری	در زمان عبداللّه بن طاهر	نصر بن شیبث. سردار مسلمان عرب
صفوی	در زمان شاه عباس سوم	نظیر محمد. پادشاه ازبک
افشار	در زمان نادرشاه	نظام‌الملک. سیاستمدار هندی
افشار	در زمان نادرشاه	نیکقدم ازبک. سوء قصد کننده بیجان نادرشاه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ناپلئون بناپارت. امیراتور فرانسه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	نیکلای اول. امیراتور روسیه
قاجار	در زمان ناصرالدین شاه	ناپلئون سوم. امیراتور فرانسه
قاجار	در زمان محمدعلی شاه	نوز. مستشار بلژیکی

اشکانی	در زمان اشك نهم	وال ارشك. پادشاه ارمنستان
ساسانی	در زمان شاپور اول	والریانوس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان شاپور دوم	والنتیانوس. امپراتور روم غربی
ساسانی	در زمان شاپور دوم	والانس. امپراتور روم شرقی
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	وردان مامی کنی. سردار ارمنی
ساسانی	در زمان بلاش	واهان. پادشاه ارمنستان
مغول	در زمان هولاکوخان	وارطان. مشاور ارمنی خان مغول
صفوی	در زمان شاه سلیمان	ولینسکی. سفیر روسیه
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ولسلی (لرد). فرمانروای انگلیسی هند
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	ویلیام سوم. امپراتور انگلیس
●		
اشکانی	در زمان اشك ۲۳	هادریانوس. امپراتور روم
ساسانی	در زمان خسرو پرویز	هراکلیوس. سردار و امپراتور روم
ساسانی	در زمان خسرو پرویز	هرقل. نام عربی هراکلیوس
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	هلال بن علقمه. قاتل رستم فرخ زاد سردار ایرانی
ساسانی	در زمان یزدگرد سوم	هاشم بن عتبه. سردار مسلمان عرب
صفوی	در زمان شاه طهماسب اول	همایون شاه گورکانی. پادشاه هند
صفوی	در زمان شاه عباس	هووارد (جان). نماینده انگلیس
صفوی	در زمان سلطان حسین	هوگ کامر. نماینده هلند
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	هارفورد (جونز). نماینده انگلیس
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	هراکلیوس مسیحی. پادشاه گرجستان
●		
ساسانی	در زمان شاپور دوم	یووی یانوس. امپراتور روم
مغول	در زمان چنگیزخان	یلواج (محمود).
مغول	در زمان چنگیز خان	یساوور. سردار مغول
صفوی	در زمان شاه عباس	یان اشمیت. نماینده هلند
افشار	در زمان نادرشاه	یکن محمد پاشا. سردار عثمانی
قاجار	در زمان فتحعلی شاه	یرملوف. نماینده روسیه

نخست وزیر و وزیران ایران از ابتدای مشروطیت تا اولین مجلس مؤسسان

نخستین دولتی که بعد از صدور فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه روی کار آمد به ریاست

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله بود و وزرای او عبارت بودند از:

مشیرالسلطنه «وزیر عدلیه».

ناصرالملک «وزیر مالیه».

علاء السلطنه «وزیر امور خارجه».

وزیر افخم «وزیر داخله».

علاء الملک «وزیر علوم».

مخبرالملک «وزیر تجارت».

دبیرالدوله «وزیر لشکر».

مهندس الممالک «وزیر معادن و طرق و شوارع».

دومین کابینه در ۲۹ اسفند سال ۱۲۸۵ بریاست وزیر افخم تشکیل شد. و وزرای او عبارت بودند از: وزیر افخم رئیس الوزراء و وزیر داخله.

علاء السلطنه «وزیر خارجه».

کامران میرزا «وزیر جنگ».

ناصرالملک «وزیر مالیه».

مهندس الممالک «وزیر فوائد عامه».

مهدیقلی خان هدایت مخبرالسلطنه «وزیر معارف».

فرمانفرما «وزیر عدلیه».

نظام الملک کاشی وزیر همایون «وزیر تجارت».

کابینه میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم

کابینه میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم در ۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۶ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:

اتابک اعظم «وزیر داخله».

علاء السلطنه «وزیر خارجه».

مستوفی الممالک «وزیر جنگ».

ناصرالملک «وزیر مالیه».

علاء الملک «وزیر عدلیه».

مهندس الممالک «وزیر فوائد عامه».

وزیر همایون «وزیر تجارت».

مخبرالسلطنه «وزیر معارف».

کابینه میرزا احمدخان مشیرالسلطنه

کابینه مشیرالسلطنه در ۱۶ شهریور ۱۲۸۶ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:

سعدالدوله «وزیر خارجه».

مستوفی الممالک «وزیر جنگ».

قوام الدوله «وزیر مالیه».

مشیرالدوله «وزیر عدلیه».

مهندس الممالک «وزیر فوائد عامه».

مجدالملک «وزیر تجارت».

نیرالملک «وزیر معارف».

کابینه ناصرالملک

کابینه ناصرالملک در ۴ آبان ۱۲۸۶ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از: آصف الدوله «وزیر داخله».

مشیرالدوله «وزیر خارجه».

مستوفی الممالک «وزیر جنگ».

ناصرالملک «وزیر مالیه».

مخبرالسلطنه «وزیر عدلیه».

مؤتمن الملک «وزیر تجارت».

صنیع الدوله «وزیر فوائد عامه و معارف».

کابینه نظام السلطنه مافی

کابینه نظام السلطنه در دیماه ۱۲۸۶ تشکیل شد و تا اردیبهشت ۱۲۸۷ دو دفعه وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در کابینه اول عبارت بودند از:

نظام السلطنه «وزیر مالیه».

ظفرالسلطنه «وزیر جنگ».

مخبرالسلطنه «وزیر عدلیه».

صنیع الدوله «وزیر فوائد عامه و معارف».

وزیر همایون «وزیر تجارت».

کابینه مشیرالسلطنه

کابینه میرزا احمد خان مشیرالسلطنه در ۱۷ خرداد ۱۲۸۷ تشکیل شد و تا اردیبهشت ۱۲۸۸ دو دفعه وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در کابینه اول

کابینه مستوفی الممالک	عبارت بودند از:
کابینه مستوفی الممالک در اول مرداد ۱۲۸۹	مشیرالدوله «وزیر داخله».
تشکیل شد و تا اسفند ۱۲۸۹ بر سر کار بود و در این	علاء السلطنه «وزیر خارجه».
مدت يك دفعه وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در	مستوفی الممالک «وزیر جنگ».
کابینه اول عبارت بودند از:	صنيع الدوله «وزیر مالیه».
فرمانفرما «وزیر داخله».	محتشم السلطنه «وزیر عدلیه».
حسینقلی نواب «وزیر خارجه».	مخبرالدوله «وزیر پست و تلگراف».
قوام السلطنه «وزیر جنگ».	مؤتمن الممالک «وزیر فوائد عامه و وزیر تجارت».
حکیم الملک «وزیر مالیه».	مشیرالدوله «وزیر معارف».
دبیرالملک «وزیر عدلیه».	کابینه ناصرالملک
شهاب الدوله «وزیر پست و تلگراف».	کابینه ناصرالملک در دوم اردی بهشت ۱۲۸۸
کابینه سپهدار اعظم	تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:
کابینه محمد ولی خان سپهدار اعظم در ۲۰ اسفند	فرمانفرما «وزیر داخله».
۱۲۸۹ تشکیل شد و تا مرداد ۱۲۹۰ دو دفعه وزرای	سعدالدوله «وزیر خارجه».
خود را تغییر داد. وزرای او در کابینه اول عبارت	مستوفی الممالک «وزیر جنگ».
بودند از:	امیرنظام «وزیر مالیه».
مستشارالدوله «وزیر داخله».	مشیرالدوله «وزیر عدلیه».
محتشم السلطنه «وزیر خارجه».	مخبرالدوله «وزیر پست و تلگراف».
سپهدار اعظم «وزیر جنگ».	مهندس الممالک «وزیر فوائد عامه».
ممتازالدوله «وزیر مالیه».	مؤتمن الملک «وزیر معارف».
مشیرالدوله «وزیر عدلیه».	کابینه سپهدار اعظم
معاون الدوله «وزیر پست و تلگراف».	کابینه محمدولی خان سپهدار اعظم در نهم مهر
علاء السلطنه «وزیر معارف».	ماه ۱۲۸۸ تشکیل شد و تا مرداد ۱۲۸۹ سه دفعه
کابینه صمصام السلطنه	وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در دولت اول
کابینه صمصام السلطنه در سوم مرداد ۱۲۹۰	عبارت بودند از:
تشکیل شد و تا دیماه ۱۲۹۱ چهار دفعه وزرای خود	سردار اسعد «وزیر داخله».
را تغییر داد، وزرای او در کابینه اول عبارت بودند از:	ناصرالملک «وزیر خارجه».
صمصام السلطنه «وزیر جنگ».	سپهدار اعظم «وزیر جنگ».
قوام السلطنه «وزیر داخله».	مستوفی الممالک «وزیر مالیه».
وثوق الدوله «وزیر خارجه».	وثوق الدوله «وزیر عدلیه».
حکیم الملک «وزیر مالیه».	سردار منصور «وزیر پست و تلگراف».
مشیرالدوله «وزیر عدلیه».	صنيع الدوله «وزیر معارف».
دبیرالملک «وزیر پست و تلگراف».	

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

مشارالسلطنه «وزیر مالیه».
نصرالملك «وزیر پست و تلگراف و تجارت و فوائد عامه».

کابینه عین الدوله
کابینه عین الدوله در ۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۴ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:
فرمانفرما «وزیر داخله».

محتشم السلطنه «وزیر خارجه».
عین الدوله «وزیر جنگ».
امیر نظام «وزیر مالیه».
سردار منصور «وزیر عدلیه».
حکیم الملك «وزیر معارف».
مهذب السلطنه «وزیر پست و تلگراف و وزیر تجارت و فوائد عامه».

کابینه مستوفی الممالک
کابینه مستوفی الممالک در ۲۶ مرداد ۱۲۹۴ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:
محتشم السلطنه «وزیر داخله».

مستوفی الممالک «وزیر خارجه».
سیهدار اعظم «وزیر جنگ».
وثوق الدوله «وزیر مالیه».
علاء السلطنه «وزیر عدلیه».
مستشارالدوله «وزیر پست و تلگراف».
شهاب الدوله «وزیر تجارت و فوائد عامه».
کابینه فرمانفرما

کابینه فرمانفرما در سوم دیماه ۱۲۹۴ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:
فرمانفرما «وزیر داخله».

مشاور الممالک انصاری «وزیر خارجه».
سیهدار اعظم «وزیر جنگ».
یمین الملك «وزیر مالیه».
علاء السلطنه «وزیر عدلیه».
سردار منصور «وزیر پست و تلگراف».

علاء السلطنه «وزیر معارف».

کابینه علاء السلطنه
کابینه علاء السلطنه در ۲۸ دیماه ۱۲۹۱ تشکیل

شد و وزرای او عبارت بودند از:
عین الدوله «وزیر داخله».

مستوفی الممالک «وزیر جنگ».
وثوق الدوله «وزیر خارجه».

قوام السلطنه «وزیر مالیه».
ممتازالدوله «وزیر عدلیه».

مستشارالدوله «وزیر پست و تلگراف».
مؤتمن الملك «وزیر تجارت».

مشیرالدوله «وزیر علوم و اوقاف».
کابینه مستوفی الممالک

کابینه مستوفی الممالک در ۲۶ مرداد ۱۲۹۲ تشکیل شد و تا اسفند ۱۲۹۳ دوام داشت و در این مدت يك دفعه عده‌ای از وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در کابینه اول عبارت بودند از:

عین الدوله «وزیر داخله».

علاء السلطنه «وزیر معارف».

حاج محتشم السلطنه «وزیر مالیه».

معاون الدوله «وزیر خارجه».

صاحب اختیار «وزیر جنگ».

مخبر السلطنه «وزیر عدلیه».

شهاب الدوله «وزیر پست و تلگراف».

مهندس الممالک «وزیر تجارت و فوائد عامه».

کابینه مشیرالدوله

کابینه مشیرالدوله در ۲۲ اسفند ۱۲۹۳ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از:

مشیرالدوله «وزیر جنگ».

معاون الدوله «وزیر خارجه».

مستشارالدوله «وزیر داخله».

حکیم الملك «وزیر معارف».

ذکاء الملك «وزیر عدلیه».

- صارم الدوله «وزیر فوائد عامه و تجارت».
- شهاب الدوله «وزیر معارف».
- کابینه سیهسالار
- کابینه محمدولی خان سیهسالار اعظم در ۱۴ اسفند ۱۲۹۴ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از: سیهدار اعظم (سردار منصور) «وزیر داخله».
- صارم الدوله «وزیر خارجه».
- سردار کبیر «وزیر جنگ».
- یمین الملک «وزیر مالیه».
- علاء الملک «وزیر عدلیه».
- مشیر اعظم «وزیر پست و تلگراف و فوائد عامه».
- ممتاز الملک «وزیر معارف».
- کابینه وثوق الدوله
- کابینه وثوق الدوله در هفتم شهریور ۱۲۹۵ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از: سیهدار اعظم «وزیر داخله».
- وثوق الدوله «وزیر خارجه».
- حشمت الدوله «وزیر جنگ».
- مشار الملک «وزیر مالیه».
- نصرت الدوله «وزیر عدلیه».
- امین الملک «وزیر پست و تلگراف».
- قوام الدوله «وزیر فوائد عامه».
- ممتاز الملک «وزیر معارف».
- کابینه علاء السلطنه
- کابینه علاء السلطنه در ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ تشکیل شد و تا آبان ۱۲۹۶ دوام داشت و در این مدت یک مرتبه عده ای از وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در کابینه اول عبارت بودند از: مستشار الدوله «وزیر داخله».
- علاء السلطنه «وزیر خارجه».
- مشیر الدوله «وزیر جنگ».
- محتشم السلطنه «وزیر مالیه».
- ممتاز الدوله «وزیر عدلیه».
- مؤتمن الملک «وزیر تجارت».
- حکیم الملک «وزیر معارف».
- کابینه عین الدوله
- کابینه عین الدوله در اول آذر ۱۲۹۶ تشکیل شد و وزرای او عبارت بودند از: قوام السلطنه «وزیر داخله».
- علاء السلطنه «وزیر خارجه».
- مشیر الدوله «وزیر جنگ».
- مشار الملک «وزیر مالیه».
- مخبر السلطنه «وزیر عدلیه».
- امین الملک «وزیر پست و تلگراف».
- مؤتمن الملک «وزیر تجارت و فوائد عامه».
- وثوق الدوله «وزیر معارف».
- کابینه مستوفی الممالک
- کابینه مستوفی الممالک در ۲۷ دیماه ۱۲۹۶ تشکیل شد و تا اردیبهشت ۱۲۹۷ دوام داشت و در این مدت یک دفعه عده ای از وزرای خود را تغییر داد، وزرای او در کابینه اول وی عبارت بودند از: مستوفی الممالک «وزیر داخله».
- مشاور الممالک «وزیر خارجه».
- مشیر الدوله «وزیر جنگ».
- مخبر الملک «وزیر مالیه».
- مخبر السلطنه «وزیر عدلیه».
- سردار اسعد «وزیر پست و تلگراف».
- میرزا حسین خان علاء «وزیر تجارت و فوائد عامه».
- مؤتمن الملک «وزیر معارف».
- کابینه صمصام السلطنه
- کابینه صمصام السلطنه در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۷ تشکیل شد و تا مرداد ۱۲۹۷ دوام داشت و در این مدت یک مرتبه چند تن از وزرای خود را تغییر داد، وزرای کابینه اول او عبارت بودند از: صمصام السلطنه «وزیر داخله».
- مشاور الممالک «وزیر خارجه».

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

و تا اسفند ۱۲۹۹ دوام داشت و در این مدت یکبار چند تن از وزیران خود را تغییر داد، وزیران کابینه اول او عبارت بودند از:
سپهدار اعظم «وزیر داخله».
ناظم‌الملک «کفیل وزارت خارجه».
امیرنظام «وزیر جنگ».
امین‌الملک «وزیر مالیه».
سلیمان‌خان میکده «وزیر عدلیه».
سردار معتمد «وزیر پست و تلگراف».
سالار لشکر «وزیر تجارت و فوائد عامه».
وحیدالملک «وزیر معارف».
نصرالملک «وزیر مشاور».

کابینه سید ضیاء‌الدین طباطبائی

کابینه سید ضیاء‌الدین طباطبائی در سوم اسفند ۱۲۹۹ تشکیل شد:
سید ضیاء‌الدین طباطبائی - نخست وزیر و وزیر داخله.
مدیرالملک «محمود جم» - وزیر خارجه.
ماژور مسعود خان «مسعود کیهان» - وزیر جنگ.
میرزا عیسی خان - وزیر مالیه.
منصورالسلطنه - کفیل وزارت عدلیه.
مشیر معظم - وزیر پست و تلگراف.
موقرالذوله - وزیر تجارت و فوائد عامه.
نیرالملک - وزیر معارف.
مؤدب‌الدوله - وزیر صحیه و امور خیریه.
این کابینه چندی بعد بشرح زیر ترمیم شد و تا خرداد ماه ۱۳۰۰ دوام داشت:
رضاخان - وزیر جنگ.
سید ضیاء‌الدین طباطبائی - نخست وزیر و وزیر داخله.
معززالدوله - وزیر خارجه.
مدیرالملک «محمود جم» - وزیر مالیه.

امیر مفخم «وزیر جنگ».
مشارالملک «وزیر مالیه».
نصرالملک «وزیر عدلیه».
مشارالسلطنه «وزیر پست و تلگراف».
میرزا حسین خان علاء «وزیر تجارت و فوائد عامه».
حکیم‌الملک «وزیر معارف».
کابینه وثوق‌الدوله
کابینه وثوق‌الدوله در ۱۵ مرداد ۱۲۹۷ تشکیل شد و تا دیماه ۱۲۹۹ دوام داشت و در این مدت دوبار عده‌ای از وزیران خود را تغییر داد، وزرای کابینه اول او عبارت بودند از:
وثوق‌الدوله «وزیر داخله».
مشاورالممالک «وزیر خارجه».
سردار همایون «کفیل وزارت جنگ».
مشارالملک «وزیر مالیه».
نصرت‌الدوله «وزیر عدلیه».
محاسب‌الممالک «کفیل وزارت پست و تلگراف».
دبیرالملک «وزیر تجارت و فوائد عامه».
نصیرالدوله «وزیر معارف».
کابینه مشیرالدوله
کابینه مشیرالدوله در ۱۳ دیماه ۱۲۹۹ تشکیل شد و وزیران او عبارت بودند از:
حسنمت‌الدوله «وزیر داخله».
مشارالسلطنه «وزیر خارجه».
وثوق‌السلطنه «وزیر جنگ».
مخبرالسلطنه «وزیر مالیه».
مصدق‌السلطنه (دکتر محمد مصدق) «وزیر عدلیه».
نیرالملک «وزیر پست و تلگراف».
اعتلاءالسلطنه «وزیر فوائد عامه».
حکیم‌الملک «وزیر معارف».
مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک «وزیران مشاور».
کابینه سپهدار اعظم
کابینه سپهدار اعظم در بهمن ۱۲۹۹ تشکیل شد

- مشیر معظم - وزیر پست و تلگراف.
 نیرالملک - وزیر معارف.
 مؤدب الدوله - وزیر صحیہ و امور خیریه.
 کابینہ قوام السلطنہ
- کابینہ قوام السلطنہ در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۰۰ تشکیل شد و تا بهمن ۱۳۰۰ دوام داشت و در این مدت دوبار ترمیم شد، بشرح زیر:
 قوام السلطنہ - نخست وزیر و وزیر داخلہ.
 رضا خان - وزیر جنگ.
 محتشم السلطنہ - وزیر خارجہ.
 معتمد السلطنہ - کفیل وزارت مالیه.
 عمید السلطنہ - وزیر عدلیہ.
 مشار السلطنہ - وزیر پست و تلگراف.
 ادیب السلطنہ - وزیر تجارت و فوائد عامہ.
 ممتاز الدوله - وزیر معارف.
 حکیم الدوله - وزیر صحیہ و امور خیریه.
 در کابینہ سوم «۱۶ مهر ۱۳۰۰»
 قوام السلطنہ - رئیس الوزراء و وزیر داخلہ.
 رضا خان - وزیر جنگ.
 مشار السلطنہ - وزیر خارجہ.
 مصدق السلطنہ - وزیر مالیه.
 عمید السلطنہ - وزیر عدلیہ.
 شهاب الدوله - وزیر پست و تلگراف.
 نیرالسلطان - وزیر تجارت و فوائد عامہ.
 امیر اعلم - وزیر معارف.
 کابینہ مشیرالدوله
- کابینہ مشیرالدوله در ۳ بهمن ۱۳۰۰ تشکیل شد بشرح زیر:
 رضا خان - وزیر جنگ.
 حکیم الملک - وزیر خارجہ.
 مدیرالملک - وزیر مالیه.
 سردار معظم خراسانی «تیمور تاش» - وزیر عدلیہ.
 اعتلاء السلطنہ - وزیر پست و تلگراف.
- ادیب السلطنہ - وزیر تجارت و فوائد عامہ.
 نیرالملک - وزیر معارف.
 کابینہ قوام السلطنہ
- کابینہ قوام السلطنہ در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۰۱ بشرح زیر تشکیل شد:
 قوام السلطنہ - رئیس الوزراء و وزیر داخلہ و وزیر خارجہ.
 رضا خان - وزیر جنگ.
 فہیم الملک - وزیر مالیه.
 مشار السلطنہ - وزیر عدلیہ.
 وحیدالملک - وزیر پست و تلگراف.
 عمید السلطنہ - وزیر تجارت و فوائد عامہ.
 محتشم السلطنہ - وزیر معارف.
 کابینہ مستوفی الممالک
- کابینہ مستوفی الممالک در ۲۶ بهمن ۱۳۰۱ بشرح زیر تشکیل شد:
 مستوفی الممالک - رئیس الوزراء و وزیر داخلہ.
 رضا خان - وزیر جنگ.
 محتشم السلطنہ - وزیر معارف.
 ذکاء الملک - وزیر خارجہ.
 نصرالملک - وزیر مالیه.
 ممتاز الملک - وزیر عدلیہ.
 کابینہ مشیرالدوله
- کابینہ مشیرالدوله در ۲۶ خرداد ۱۳۰۲ تشکیل شد بشرح زیر:
 مشیرالدوله - نخست وزیر و وزیر داخلہ.
 رضا خان - وزیر جنگ.
 مصدق السلطنہ - وزیر خارجہ.
 ذکاء الملک - وزیر مالیه.
 حکیم الملک - وزیر عدلیہ.
 فہیم الدوله - وزیر پست و تلگراف.
 عدل الملک - کفیل وزارت تجارت و فوائد عامہ.
 حکیم الدوله - وزیر معارف.

ادیب السلطنه - وزیر عدلیه.	دولت رضاخان سردار سپه
سردار اسعد - وزیر پست و تلگراف.	در تاریخ ۶ آبان ۱۳۰۲ دولت سردار سپه
سردار معظم «تیمورتاش» - وزیر تجارت و فوائد عامه.	(رضاخان) تشکیل گردید و تا آذر ماه ۱۳۰۴ سه دفعه
کابینه چهارم «۱۷ مرداد ۱۳۰۴»	ترمیم شد بشرح زیر:
رضاخان - رئیس الوزراء و وزیر جنگ.	کابینه اول «۶ آبان ۱۳۰۲»
قوام الدوله - وزیر داخله.	رضاخان - رئیس الوزراء و وزیر داخله و وزیر جنگ.
مشارالملك - وزیر خارجه.	ذکاء الملك - وزیر خارجه.
ذکاء الملك - وزیر مالیه.	مدیر الملك - وزیر مالیه.
نصرت الدوله - وزیر عدلیه.	معاضد السلطنه - وزیر عدلیه.
سردار اسعد - وزیر پست و تلگراف.	سرلشکر خداپارخان - وزیر پست و تلگراف.
سردار معظم «تیمورتاش» - وزیر تجارت و فوائد عامه.	عزالملك اردلان - وزیر تجارت و فوائد عامه.
عماد السلطنه - وزیر معارف.	سلیمان میرزا - وزیر معارف.
کابینه فروغی	کابینه دوم «۲۵ فروردین ۱۳۰۳»
نخستین کابینه‌ای که در ابتدای سلطنت رضاشاه	رضاخان - رئیس الوزراء و وزیر داخله و وزیر جنگ.
در ۲۸ آذر ماه ۱۳۰۴ تشکیل شد کابینه محمد علی	ذکاء الملك - وزیر خارجه.
فروغی بود بشرح زیر:	مدیر الملك - وزیر مالیه.
محمد علی فروغی - نخست وزیر.	معاضد السلطنه - وزیر عدلیه.
حسین دادگر - وزیر داخله.	محمودخان انصاری - وزیر پست و تلگراف.
مشارالملك - وزیر خارجه.	نظام الدین حکمت «مشارالدوله» - کفیل وزارت
سرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی - وزیر جنگ.	تجارت و فوائد عامه.
مرتضی قلی بیات «سهام السلطان» - وزیر مالیه.	مستشارالدوله - وزیر معارف.
سردار اسعد - وزیر پست و تلگراف.	کابینه سوم «۷ شهریور ۱۳۰۳»
علی اکبر داور - وزیر تجارت و فوائد عامه.	رضاخان - رئیس الوزراء و وزیر جنگ.
یوسف مشاراعظم - کفیل وزارت معارف.	محمودخان انصاری «امیر اقتدار» - وزیر داخله.
	مشارالملك - وزیر خارجه.
	ذکاء الملك - وزیر مالیه.

پادشاهان مشهور انگلستان

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱- ویلیام اول (۱۰۶۶ - ۱۰۸۷) میلادی | ۵- هانری دوم (۱۱۵۴ - ۱۱۸۹) میلادی |
| ۲- ویلیام دوم (۱۰۸۷ - ۱۱۰۰) میلادی | ۶- ریچارد اول (۱۱۸۹ - ۱۱۹۹) میلادی |
| ۳- هانری اول (۱۱۰۰ - ۱۱۳۵) میلادی | ۷- ژان (۱۱۹۹ - ۱۲۱۶) میلادی |
| ۴- استفان (۱۱۳۵ - ۱۱۵۴) میلادی | ۸- هانری سوم (۱۲۱۶ - ۱۲۷۲) میلادی |

- ٩- ادوارد اول (١٢٧٢ - ١٣٠٧) ميلادى
 ١٠- ادوارد دوم (١٣٠٧ - ١٣٢٧) ميلادى
 ١١- ادوارد سوم (١٣٢٧ - ١٣٧٧) ميلادى
 ١٢- ريچارد دوم (١٣٧٧ - ١٣٩٩) ميلادى
 ١٣- هانرى چهارم (١٣٩٩ - ١٤١٣) ميلادى
 ١٤- هانرى پنجم (١٤١٣ - ١٤٢٢) ميلادى
 ١٥- هانرى ششم (١٤٢٢ - ١٤٤١) ميلادى
 ١٦- ادوارد چهارم (١٤٤١ - ١٤٨٣) ميلادى
 ١٧- ادوارد پنجم (١٤٨٣ - ١٤٨٥) ميلادى
 ١٨- ريچارد سوم (١٤٨٥ - ١٥٠٩) ميلادى
 ١٩- هانرى هفتم (١٥٠٩ - ١٥٤٧) ميلادى
 ٢٠- هانرى هشتم (١٥٤٧ - ١٥٥٣) ميلادى
 ٢١- ادوارد ششم (١٥٥٣ - ١٥٥٨) ميلادى
 ٢٢- ملكه جين گرى (١٥٠٣ - ١٥٥٣) ميلادى
 ٢٣- ملكه ماري اول (١٥٥٣ - ١٥٥٨) ميلادى
 ٢٤- ملكه اليزابت اول (١٥٥٨ - ١٦٠٢) ميلادى
 ٢٥- جيمز اول (١٦٠٣ - ١٦٥٢) ميلادى
 ٢٦- چارلز اول (١٦٢٥ - ١٦٤٩) ميلادى
 ٢٧- اوليويه كرامول (١٦٤٩ - ١٦٥٨) ميلادى
 ٢٨- ريچارد كرامول (١٦٥٨ - ١٦٥٩) ميلادى
 ٢٩- چارلز دوم (١٦٥٩ - ١٦٨٥) ميلادى
 ٣٠- جيمز دوم (١٦٨٥ - ١٦٨٩) ميلادى
 ٣١- ملكه ماري سوم (١٦٨٩ - ١٦٩٤) ميلادى
 ٣٢- ويليام سوم (١٦٩٤ - ١٧٠٢) ميلادى
 ٣٣- ملكه آن (١٧٠٣ - ١٧١٤) ميلادى
 ٣٤- ژرژ اول (١٧١٤ - ١٧٢٧) ميلادى
 ٣٥- ژرژ دوم (١٧٢٧ - ١٧٦٠) ميلادى
 ٣٦- ژرژ چهارم (١٨٢٠ - ١٨٣٠) ميلادى
 ٣٧- ويليام چهارم (١٨٣٠ - ١٨٣٧) ميلادى
 ٣٨- ملكه ويكتوريا (١٨٣٨ - ١٩٠١) ميلادى
 ٣٩- ادوارد هفتم (١٩٠١ - ١٩١٠) ميلادى
 ٤٠- ژرژ پنجم (١٩١٠ - ١٩٣٦) ميلادى
 ٤١- ادوارد هشتم (١٩٣٦ - ١٩٣٩) ميلادى
 ٤٢- ژرژ هشتم (١٩٣٦ - ١٩٥٢) ميلادى
 ٤٣- ملكه اليزابت دوم (١٩٥٢) ميلادى

رؤسای جمهور آمريكا

- ١- جرج واشنگتن ١٧٨٩ الى ١٧٩٧ سال
 ٢- جان آدامس ١٧٩٧ الى ١٨٠١ سال
 ٣- توماس جفرسون ١٨٠١ الى ١٨٠٩ سال
 ٤- جيمز مديسون ١٨٠٩ الى ١٨١٧ سال
 ٥- جيمز مونرو ١٨١٧ الى ١٨٢٥ سال
 ٦- جان كوينسى آدامس ١٨٢٥ الى ١٨٢٩ سال
 ٧- آندرو جاكسون ١٨٢٩ الى ١٨٣٧ سال
 ٨- مارتين ون بورن ١٨٣٧ الى ١٨٤١ سال
 ٩- ويليام هنرى هريسون ١٨٤١ الى ١٨٤١ سال
 ١٠- جان تيلور ١٨٤١ الى ١٨٤٥ سال
 ١١- جيمز بولك ١٨٤٥ الى ١٨٤٩ سال
 ١٢- زاخارى تيلور ١٨٤٩ الى ١٨٥٠ سال
 ١٣- ميلارد فيلمور ١٨٥٠ الى ١٨٥٣ سال
 ١٤- فرانكلين پيرس ١٨٥٣ الى ١٨٥٧ سال
 ١٥- جيمز باكانان ١٨٥٧ الى ١٨٦١ سال
 ١٦- آبراهام لينكلن ١٨٦١ الى ١٨٦٥ سال
 ١٧- اندرو جانسون ١٨٦٥ الى ١٨٦٩ سال
 ١٨- يوليس گرانت ١٨٦٩ الى ١٨٧٧ سال
 ١٩- راتر فورد هايز ١٨٧٧ الى ١٨٨١ سال
 ٢٠- جيمز كارفيلد ١٨٨١ الى ١٨٨١ سال
 ٢١- چستر آرتور ١٨٨١ الى ١٨٨٥ سال
 ٢٢- گراور كليولند ١٨٨٥ الى ١٨٨٩ سال
 ٢٣- بنيامين هاريسون ١٨٨٩ الى ١٨٩٣ سال
 ٢٤- گراور كليولند ١٨٩٣ الى ١٨٩٧ سال

٢٥- ويليام مك كينلي	١٨٩٧ الى ١٩٠١ سال	٣٤- دوايت، ديوييت
٢٦- تودور روزولت	١٩٠١ الى ١٩٠٩ سال	آيزنهاور
٢٧- ويليام تافت	١٩٠٩ الى ١٩١٣ سال	٣٥- جان فيتزر جردلديكندي
٢٨- وودر ويلسن	١٩١٣ الى ١٩٢١ سال	٣٦- ليندون جانسون
٢٩- وارن هاردينج	١٩٢١ الى ١٩٢٣ سال	٣٧- ريجارد نيكسون
٣٠- كلوين كوليچ	١٩٢٣ الى ١٩٢٩ سال	٣٨- جرالدفورد
٣١- هربرت هوور	١٩٢٩ الى ١٩٣٣ سال	٣٩- جيمي كارتر
٣٢- فرانكلين	١٩٣٣ الى ١٩٤٥ سال	٤٠- رنالدریگان
دلانو روزولت	١٩٤٥ الى ١٩٥٣ سال	٤١- جورج بوش
٣٣- هاري اس. ترومن	١٩٤٥ الى ١٩٥٣ سال	٤٢- بيل كلينتون

رؤسای جمهور ترکیه از آغاز دوره جمهوری تا ١٩٩١ میلادی

١. مصطفى کمال پاشا (آتاتورک) ١٢٩ اکتبر ١٩٢٣ م.	٦. ژنرال جمال گورسل	٢٧ مه ١٩٦٠ م.
٢. عصمت اینونو (عصمت پاشا) ١١ نوامبر ١٩٣٨ م.	٧. ژنرال جودت سونای	١٩٦٦ م.
٣. عصمت اینونو (بار دوم) ٨ مارس ١٩٤٣ م.	٨. درياسالار فخری کورتوک	٢٠ آوریل ١٩٧٣ م.
٤. عصمت اینونو (بار سوم) ١٥ اوت ١٩٤٦ م.	٩. ژنرال کنعان اُورن	١٢ سپتامبر ١٩٨٠ م.
٥. محمود جلال بابار	١٠. تورگوت اوزال	٣١ اکتبر ١٩٨٩ م.

نخست وزیران ترکیه از زمان مصطفى آتاتورک تا کنون

١. عصمت اینونو	٣ اوت ١٩٢٣ م.	١١. شمس الدین گونالتای	١٣ ژانویه ١٩٤٩ م.
٢. فتحي اوکیار	٢١ نوامبر ١٩٢٤ م.	١٢. عدنان مندرس	١٩ مه ١٩٥٠ م.
٣. عصمت اینونو (دومین بار)	٦ مارس ١٩٢٤ م.	١٣. عدنان مندرس (دومین بار)	١٤ مه ١٩٥٤ م.
٤. جلال بابار	٢٦ اکتبر ١٩٣٧ م.	١٤. عدنان مندرس (سومین بار)	١ نوامبر ١٩٥٧ م.
٥. جلال بابار (دومین بار)	١١ نوامبر ١٩٣٨ م.	١٥. ژنرال جمال گورسل	٢٧ مه ١٩٦٠ م.
٦. رفیق سیدام	٢٥ ژانویه ١٩٣٩ م.	١٦. عصمت اینونو (سومین بار)	٢٠ نوامبر ١٩٦١ م.
٧. شوکر و سراج اوغلو	٩ ژوئیه ١٩٤٢ م.	١٧. سلیمان دمیرل	١١ اکتبر ١٩٦٥ م.
٨. شوکر و سراج اوغلو (بار دوم)	٨ مارس ١٩٤٣ م.	١٨. نيهات اريم	١٢ مارس ١٩٧١ م.
٩. رجب یکر	٥ اوت ١٩٤٦ م.	١٩. بولنت اجویت	١٠ آوریل ١٩٧٣ م.
١٠. حسن سکا	١٠ سپتامبر ١٩٤٧ م.	٢٠. پروفیسور سعدي ایرماک	١٧ نوامبر ١٩٧٤ م.

۲۱. سلیمان دمیرل (بار دوم) ۲ آوریل ۱۹۷۵م.
 ۲۲. سلیمان دمیرل (بار سوم) ۱۰ اوت ۱۹۷۷م.
 ۲۳. بولنت اجویت (دومین بار) ۱۵ ژانویه ۱۹۷۸م.
 ۲۴. سلیمان دمیرل (چهارمین بار) ۱۵ نوامبر ۱۹۷۹م.
 ۲۵. بولنت اولوسور
 ۲۶. تورگوت اوزال
 ۲۷. ایلدرم آتی بلوت
 ۲۸. مسعود یلماز
 ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰م.
 ۶ نوامبر ۱۹۸۳م.
 ۳۱ اکتبر ۱۹۸۹م.
 ۱۷ ژوئن ۱۹۹۱م.

پادشاهان امپراتوری عثمانی

تورک» منقرض شد، در مدت ۶۴۳ سال حکومت، سی‌ونه امپراتور بدین ترتیب در آن کشور روی کار آمدند:

از سال ۶۹۹ هجری قمری که سلسله تاریخی و مقتدر عثمانی در سرزمین جمهوری امروزی ترکیه به وجود آمد، تا سال ۱۳۴۲ هجری قمری برابر با ۱۹۲۳ میلادی که بدست مصطفی کمال پاشا «آتا

۱. عثمان اول (مؤسس و سرسلسله سلاطین آل عثمان)
۲. اورخان
۳. مراد اول
۴. بایزید اول (ایلدرم) معاصر تیمور گورکانی
۵. محمد اول
۶. مراد دوم
۷. محمد دوم
۸. بایزید دوم، معاصر شاه اسماعیل اول
۹. سلیم اول (یاووز)، معاصر شاه اسماعیل اول
۱۰. سلیمان اول (قانونی)، معاصر شاه طهماسب اول
۱۱. سلیم دوم، معاصر شاه طهماسب اول
۱۲. مراد سوم، معاصر شاه اسماعیل دوم
۱۳. محمد سوم، معاصر شاه عباس کبیر
۱۴. احمد اول، معاصر شاه عباس کبیر
۱۵. مصطفی اول، معاصر شاه عباس کبیر
۱۶. عثمان دوم، معاصر شاه عباس کبیر
۱۷. مصطفی اول، معاصر شاه عباس کبیر (بار دوم)
۱۸. مراد چهارم، معاصر شاه عباس کبیر و شاه صفی
۱۹. ابراهیم اول، معاصر شاه عباس دوم صفوی
۲۰. محمد چهارم، معاصر شاه سلیمان صفوی
- ۶۹۹ تا ۷۲۶ هجری قمری
- ۷۲۶ تا ۷۶۱ هجری قمری
- ۷۶۱ تا ۷۹۲ هجری قمری
- ۷۹۲ تا ۸۰۵ هجری قمری
- ۸۰۵ تا ۸۲۴ هجری قمری
- ۸۲۴ تا ۸۵۵ هجری قمری
- ۸۵۵ تا ۸۸۶ هجری قمری
- ۸۸۶ تا ۹۱۸ هجری قمری
- ۹۱۸ تا ۹۲۶ هجری قمری
- ۹۲۶ تا ۹۷۴ هجری قمری
- ۹۷۴ تا ۹۸۲ هجری قمری
- ۹۸۲ تا ۱۰۰۳ هجری قمری
- ۱۰۰۳ تا ۱۰۱۲ هجری قمری
- ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۶ هجری قمری
- ۱۰۲۶ تا ۱۰۲۷ هجری قمری
- ۱۰۲۷ تا ۱۰۳۱ هجری قمری
- ۱۰۳۱ تا ۱۰۳۲ هجری قمری
- ۱۰۳۲ تا ۱۰۴۹ هجری قمری
- ۱۰۴۹ تا ۱۰۵۸ هجری قمری
- ۱۰۵۸ تا ۱۰۹۹ هجری قمری

۲۱. سلیمان دوم، معاصر شاه سلیمان و شاه سلطان حسین
 ۲۲. احمد دوم، معاصر شاه سلطان حسین صفوی
 ۲۳. مصطفی دوم، معاصر شاه سلطان حسین صفوی
 ۲۴. احمد سوم، معاصر شاه سلطان حسین
 ۲۵. محمود اول، معاصر نادرشاه افشار
 ۲۶. عثمان سوم معاصر شاهرخ افشار و کریم خان زند
 ۲۷. مصطفی سوم، معاصر کریم خان زند
 ۲۸. عبدالحمید اول، معاصر کریم خان زند
 ۲۹. سلیم سوم، معاصر آغا محمدخان و فتحعلی شاه
 ۳۰. مصطفی چهارم، معاصر فتحعلی شاه
 ۳۱. محمود دوم، معاصر فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار
 ۳۲. عبدالمجید اول، معاصر محمد شاه و ناصرالدین شاه
 ۳۳. عبدالعزیز اول، معاصر ناصرالدین شاه
 ۳۴. مراد پنجم، معاصر ناصرالدین شاه
 ۳۵. عبدالمجید دوم، معاصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه
 ۳۶. محمد پنجم، معاصر احمد شاه قاجار
 ۳۷. محمد ششم، معاصر احمد شاه قاجار
 ۳۸. عبدالحمید دوم، معاصر احمد شاه قاجار
 ۳۹. عبدالعزیز دوم، معاصر احمد شاه قاجار

نام حقیقی چند تن از شخصیت‌های معروف

جهان

نام حقیقی	نام مستعار
ویلیام سیدنی پورتر	او. هنری
هانری بیل	استاندا
اریستوکلِس	افلاطون
لوسی کودی آزکایکا	گابریلا میسترال
توماس لاینر	تنسی ویلیامز
الکسی پشکوف	ماکسیم گورکی
آنا تول فرانسوا تیبو	آنا تول فرانس
ماری رنه، الکسی لژه	سن ژان پرس
ماریان ایوانز	جرج الیوت
پیرلوتی	ژولین ویو
داریوش سوم	کدمن
جالینوس	کلودیوس گالن
کنتس دونوای	پرنس آنامایتو برا نکودان
مادام اشتال	آن لوتیز ژرمن نکر
مولیر	ژان بابتیست یوکلن
ژرژساند	لوسییل ارور، دوپن
آندره موروا	امیل هرزوک
موریس دوکیرا	موریس تسیه

اسکار افل هرتی ویلز	اسکار وایلد	جان گریفیت لندن	جک لندن
ذوگاشویلی	استالین	مینی مک لی	ماری کرلی
هرمان کهن	امیل لودویک	آلبرتو بین کرله	آلبرتو مروایا

مردان مشهوری که تعدد زوجات داشتند

۴۹ زن	۸. جوزف اسمیت (آمریکا)	۹۰۰۰ زن	۱. سلطان مانگوت (تایلند)
۳۵ زن	۹. ابن سعود (عربستان سعودی)	۷۰۰۰ زن	۲. سلطان موتسا (اوگاندا)
۲۷ زن	۱۰. بریام یانگ (آمریکا)	۱۰۰۰ زن	۳. فتحعلی شاه قاجار (ایران)
۲۱ زن	۱۱. هیر ونموس (رم قدیم)	۳۶۵ زن	۴. پهلوان آگوستس (انگلستان)
۱۶ زن	۱۲. آیک وارد (آمریکا)	۱۱۰ زن	۵. ناصرالدین شاه قاجار (ایران)
۹ زن	۱۳. پانچو ویلا (مکزیک)	۱۰۰ زن	۶. فون بیگم (کامرون)
		۱۰۰ زن	۷. سلطان سو بهوزا (سوازیلند)

مردان بزرگی که معلول بوده اند

۹. گنوماتای مغ: جانشین کمبوجیه هخامنشی، گوش نداشت.
۱۰. نلسون: دریاسالار معروف انگلیس، یک دست و یک چشم نداشت.
۱۱. لودویک وان بتهوون (۱۸۲۷ - ۱۷۷۰): وی در ۳۲ سالگی کم شنوا شد و در ۴۶ سالگی بکلی ناشنوا شد.
۱۲. سارا برنسر (۱۹۲۳ - ۱۸۴۴): بزرگترین هنرپیشه فرانسوی که با عنوان «سارای آسمانی» مشهور است در سال ۱۹۰۵ شل شد و نه سال بعد (۱۹۱۳) پایش را از دست داد، اما تا پایان عمر به بازی در صحنه ادامه داد.
۱۳. لویی بریل (۱۸۵۲ - ۱۸۰۹): مخترع خط بریل برای نابینایان، که خود از ۳ سالگی کور بود.
۱۴. بشارین برد (۷۸۳ - ۷۱۳ م): مقدم شعری عرب که همه از زبانش می ترسیدند، از مادر کور زاده
۱. آغا محمّدخان قاجار: مؤسس و سرسلسله قاجاریه، که خواجه و عقیم بود.
۲. آنیبال: سردار بزرگ کارتاژی، که از یک چشم کور بود.
۳. ادیب نیشابوری: از شعرای معروف قرن ۱۳ و ۱۴، که از یک چشم کور بود.
۴. امیر تیمور گورکانی: مؤسس سلسله گورکانیان ایران، که لنگ بود.
۵. طاهر ذوالیمینین: مؤسس سلسله طاهریان، از یک چشم کور بود.
۶. عمرولیث صفّاری: از پادشاهان سلسله صفّاری، از یک چشم کور بود.
۷. کرامول: دیکتاتور معروف انگلیس، لکنت زبان داشت.
۸. گابریل فوره: موسیقیدان معروف فرانسوی، نقل سامعه داشت.

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

برای برنامه‌های کاباره مولن روژ پاریس، شهرت جاودان برای خود پیدا کرد.

۱۹. ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی (متوفی ۳۲۹ ق): بزرگترین شاعر دوران سامانی که موسیقی نیز می‌دانست و آواز خوشی نیز داشت و چنگ را به نیکی می‌نواخت، از هر دو چشم نابینا بود.

۲۰. فراکلین دلانور روزولت (۱۸۸۲-۱۹۴۵): وی که در ۳۹ سالگی در اثر بیماری فلج زمینگیر شد، اولین آمریکایی است که چهار بار به ریاست جمهوری آمریکا رسید.

۲۱. میگل دسروانتس (۱۶۱۶ - ۱۵۴۷): خالق «دن کیشوت» که در سال ۱۵۷۱ در نبرد لیانتو دست چپش را از دست داد.

۲۲. هلن کلر (۱۹۶۸ - ۱۸۸۰): خطیبی موفق و نویسنده بزرگی که از دو سالگی کور و کر بود.

۲۳. هومر (قرن نهم ق. م.): حماسه سرای بزرگ یونان و خالق «ایلیاد» و «ادیسه»، نابینا بود.

شد. وی از ده سالگی شعر می‌گفت و کنیه‌اش ابومعاز بود.

۱۵. خورخه لوئیس بورخیس (متولد ۱۸۹۹): بزرگترین شاعر و داستان‌سرای آرژانتینی که نابینا است.

۱۶. جوزف پولیتزر (۱۹۱۱ - ۱۸۴۷): روزنامه نگار و نماینده کنگره آمریکا که در ۴۰ سالگی نابینا شد، ولی بقیه ۲۴ سال عمر خود را در کارهای مهم فرهنگی بکار برد. یکی از این کارها ایجاد جایزه‌های پولیتزر است.

۱۷. جیمز تریبر (۱۹۶۱-۱۸۹۴): نویسنده و نمایشنامه نویس آمریکایی که در کودکی בעلت حادثه‌ای يك چشم خود را از دست داد و پس از بلوغ دیگر چشمش نیز کور شد.

۱۸. هانری دوتولوز لوترک (۱۹۰۱ - ۱۸۶۴): در ۱۴ سالگی בעلت شکستن هر دو پایش، رشدش متوقف ماند، ولی با کشیدن پوستهای بسیار زنده و زیبایی

پادشاهانی با بیش از ۵۰ سال حکومت

۹۰ سال	(۲۴۷۶ - ۲۵۶۶ ق.م)	۱) پیی دوم، شاه مصر
۷۲ سال	(۱۶۴۳ - ۱۷۱۵ م)	۲) لویی چهاردهم، شاه فرانسه
۷۱ سال	(۱۸۵۸ - ۱۹۲۹ م)	۳) جان دوم، پادشاه لیختن شتاین
۶۹ سال	(۳۱۰ - ۳۷۹ م)	۴) شاپور دوم ساسانی، پادشاه ایران
۶۷ سال	(۱۸۴۸ - ۱۹۱۶ م)	۵) فرانتس یوزف، امپراتور اتریش
۶۴ سال	(۱۸۳۷ - ۱۹۰۱ م)	۶) ویکتوریا، ملکه انگلستان
۶۰ سال	(۱۷۶۰ - ۱۸۲۰ م)	۷) جورج سوم، پادشاه انگلستان
۵۹ سال	(۱۷۷۴ - ۱۷۱۵ م)	۸) لویی پانزدهم، پادشاه فرانسه
۵۸ سال	(۱۸۳۱ - ۱۸۸۹ م)	۹) پدرو دوم، امپراتور برزیل
۵۸ سال	(۱۸۹۰ - ۱۹۴۸ م)	۱۰) ویلهلمینا، ملکه هلند
۵۸ سال	(۱۹۱۶ - ۱۹۷۴ م)	۱۱) هایله سلاسی، امپراتور حبشه
۵۶ سال	(۱۲۱۶ - ۱۲۷۲ م)	۱۲) هنری سوم، پادشاه انگلیس
۵۶ سال	(۴۵۵ - ۵۱۱ ق)	۱۳) فریبرز، از پادشاهان شروان

۱۴) طهماسب اول صفوی، پادشاه ایران	(۹۳۰-۹۸۴ ه. ق.)	۵۴ سال
۱۵) فردريك سوم شاه آلمان	(۱۴۴۰-۱۴۹۳ م.)	۵۳ سال
۱۶) اكبر شاه گوركانی، شاه هند	(۹۶۳-۱۰۱۴ ه. ق.)	۵۱ سال

خائنین بزرگ تاریخ

۱- يهودا	کسی که حضرت مسیح (ع) را لو داد.
۲- بروتوس (رومی)	کسی که سزار را کشت.
۳- لیبوس	کسی که به خاطر خوشایند اسکندر، داریوش سوم را کشت.
۴- میرابو (فرانسوی)	همدست لوئی شانزدهم در انقلاب کبیر فرانسه.
۵- فوشه (فرانسوی)	رئیس پلیس ناپلئون که سبب نابودی وی شد.
۶- راسبوتین (روسی)	سبب نابودی خانواده ترار نیکلای دوم شد.
۷- رودلف هس (آلمانی)	معاون هیتلر که اسرار هیتلر را فاش کرد.
۸- دکتر فوکس (انگلیسی)	کسی که اسرار بمب اتمی انگلیسها را به روسها فروخت.
۹- موسی چومبه (کنگویی)	سبب نابودی لومومبا شد.
۱۰- پیرلاوال (فرانسوی)	در زمان اشغال فرانسه از طرف آلمانها رئیس دولت بود.
۱۱- اسوالد (آمریکائی)	سبب قتل جان اف کندی شد.
۱۲- کاوریلو	قاتل آرشیدوک فرانسوا ولیعهد اطریش و آغاز جنگ بین الملل اول.

قاتلین و مقتولین مشهور جهان

در صفحه تاریخ هر کشوری، ترورهای متعددی رخ داده است که برخی از این ترورها اثرات بزرگی از خود بجای گذاشته و همراه با قاتل و مقتول شهرت بسیار یافته. برخی از این ترورها عبارتند از:

ابن ملجم	قاتل	حضرت علی علیه السلام (عرب)
منصور (خلیفه عباسی)	قاتل	ابومسلم خراسانی (ایرانی)
فیروز کاشانی معروف به ابولولو	قاتل	عمر، خلیفه دوم (عرب)
میرزا رضا کرمانی	قاتل	ناصرالدین شاه قاجار (ایرانی)
شارلوت کوردای	قاتل	ژان پل مارا (از سران انقلاب فرانسه)
ژاک مورنارد	قاتل	لئون تروتسکی (از سران انقلاب روسیه)
مأمون (خلیفه عباسی)	قاتل	حضرت امام رضا (عرب)
جان ویلکزبوت	قاتل	آبراهام لینکلن (آمریکائی)
لی هاروی اسوالد	قاتل	جان کندی (آمریکائی)
معتصم (خلیفه عباسی)	قاتل	مازیار بن قارن (ایرانی)

(سردار ایرانی)	قاتل	افشین	معتصم (خلیفه عباسی)
(کشیش ریاکار روسی)	قاتل	راسپوتین	پرنس پوسوپوف
(پادشاه سلجوقی)	قاتل	الب ارسلان	یوسف کوتوال
(رهبر روسی)	قاتل	لنین	فانی یروادکاپلان
(رئیس جمهور فرانسه)	قاتل	مسیوپل دومر	گرگولوف
(خلیفه عباسی)	قاتل	متوکل	بغا
(پادشاه فرانسه)	قاتل	هانری سوم	زاک کلمان
رئیس جمهور آمریکا	قاتل	گارفیلد	چارلز کیتو
رئیس جمهور آمریکا	قاتل	ویلیام مکینلی	چل گوزی
ولیعهد اطریش	قاتل	فردیناند	گاوریللو پرنزیپ
(رهبر هندی)	قاتل	مهاتما گاندی	ناتورام گدزه

دیکتاتورهای قرن بیستم با بیش از ۲۰ سال حکومت

تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۱۶ م.	(حبشه)	۱) هایله سلاسی
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۴۱ م.	(ایران)	۲) محمدرضا پهلوی
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۴۴ م.	(آلبانی)	۳) انور خوجه
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۴۵ م.	(یوگسلاوی)	۴) مارشال تیتو
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۴۱ م.	(کره شمالی)	۵) مارشال کیم ایل سونگ
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۴۹ م.	(موناکو)	۶) پرنس راینیر سوم
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۵۲ م.	(اردن)	۷) ملک حسین اول
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۵۴ م.	(پاراگوئه)	۸) ژنرال آلفرد استروسز
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۵۷ م.	(تونس)	۹) حبیب بورقیبه
تاریخ به قدرت رسیدن ۱۹۵۸ م.	(گینه)	۱۰) سکوتوره

سرشناس‌ترین چپ دست‌های جهان

آهنگساز آلمانی	۱) کارل فیلیپ امانوتل باخ
رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا	۲) هری اس. ترومن
امپراتور روم	۳) تیبیر یوس
پادشاه انگلستان	۴) جورج دوم
هنرپیشه و کارگردان انگلیسی	۵) چارلی چاپلین
هنرمند و مخترع ایتالیایی	۶) لئونارد داوینچی

- ۷) جرالڊ فورڊ
۸) میکل آئز
۹) هوراشیونلسن
۱۰) جیمز آ. گارفیلڊ
- رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا
پیکر تراش ایتالیائی
قهرمان جنگهای دریائی انگلیس
رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

سرشناس ترین جوانمرگان

- ۱) آن فرانک، یهودی آلمانی و خاطره نویس
۲) تامس چترتن، شاعر انگلیسی
۳) توت آغنج آمون، فرعون مصر
۴) ژاندارک، قهرمان فرانسوی و قدیسۀ کلیسای کاتولیک
۵) بشاتریچه پورتیناری، زن اشرافزاده ایتالیائی
۶) جیمزدین، هنرپیشه آمریکائی
۷) جان کیتس، شاعر انگلیسی
۸) اوبری بیردزلی، نقاش انگلیسی
۹) لوکانوس، شاعر رومی
۱۰) جان ویلکس بوث، قاتل آبراهام لینکلن
۱۱) پرسی بیش شلی، شاعر انگلیسی
۱۲) کریستوفر مارلو، شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی
۱۳) ان بولین، زوجه انگلیسی هنری هشتم پادشاه انگلیس
۱۴) مانولت، گاو باز اسپانیائی
۱۵) رودولف والتینو، هنرپیشه آمریکائی
۱۶) فرانسیس شو برت، آهنگساز اتریشی
۱۷) نرون، قیصر روم
- در ۱۵ سالگی
در ۱۷ سالگی
در ۱۸ سالگی
در ۱۹ سالگی
در ۲۳ سالگی
در ۲۴ سالگی
در ۲۵ سالگی
در ۲۵ سالگی
در ۲۶ سالگی
در ۲۶ سالگی
در ۲۹ سالگی
در ۲۹ سالگی
در ۲۹ سالگی
در ۳۰ سالگی
در ۳۱ سالگی
در ۳۱ سالگی
در ۳۱ سالگی

خطبای بزرگ جهان

در برهه‌ای از تاریخ بشریت موجودیت خودش را به اثبات برساند. در پائین به تعدادی از این خطبای اشارت می‌رود:

هر قوم و ملتی بنابه قدمت تاریخی خود حداقل يك نفر بعنوان خطیب زبان آور و قدرتمند داشته است که در سایه لیاقت و قدرت خطابت وی توانسته است

مارك اورل	امپراتور و فیلسوف رومی	قرن اول میلادی.
میرابو	انقلابی معروف فرانسه	قرن ۱۸ میلادی.
اراتوستن	منجم و ریاضی دان یونان	قبل از میلاد.
پریکلز	سردار یونان قدیم	قبل از میلاد.
ژاك بنین بوسوئه	فرانسوی	قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی.
کامیل دمولن	فرانسوی	قرن ۱۸ میلادی.
ژان ژور	فرانسوی	قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی.
سیسرون	رومی	قرن اول میلادی.

حواریون حضرت مسیح چند نفر بودند؟

اسامی حواریون و پیروان حضرت عیسی (ع) که
آخرین شام را با خود حضرت عیسی (ع) تناول
کرده اند عبارتند از:

- | | |
|--------------|----------------|
| ۱. سنت پطرس | ۷. سنل بنوا |
| ۲. سنت لوقا | ۸. سنت پاتریک |
| ۳. سنت متی | ۹. سنت جان |
| ۴. سنت یوحنا | ۱۰. سنت گرگوار |
| ۵. سنت فلیکس | ۱۱. سنت پل |
| ۶. سنت نابور | ۱۲. یهودا |

پایها اغلب اسامی خود را از روی اسامی حواریون حضرت عیسی (ع) انتخاب می کنند.

نام آوران جهان که تا پایان عمر مجرد ماندند

- | | |
|---|---|
| ۱) لودویک بتهوون، آهنگساز آلمانی | ۸) فلورانس نایتینگل، پرستار انگلیسی |
| ۲) جیمز باکانان، رئیس جمهور آمریکا | ۹) ولتر، نویسنده و فیلسوف فرانسوی |
| ۳) فردریک شوپن، آهنگساز و بیانیست لهستانی | ۱۰) هانری دوتولوز، نقاش فرانسوی |
| ۴) الیزابت اول، ملکه انگلستان | ۱۱) آرتور شوپنهاور، فیلسوف آلمانی |
| ۵) ژاندارک، قدیس و بانوی قهرمان فرانسوی | ۱۲) الکساندر پوپ، شاعر طنزپرداز انگلیسی |
| ۶) چارلز لم، مقاله نویس انگلیسی | |
| ۷) ایزاک نیوتن، ریاضیدان و فیزیکدان انگلیسی | |

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| ۱۳) هنری جیمز، رمان نویس انگلیسی | ۱۸) ماریامونته سورى، پزشك ایتالیائی |
| ۱۴) آدام اسمیت، اقتصاددان انگلیسی | ۱۹) سیسیل رودز، سرمایه‌دار بریتانیائی |
| ۱۵) امیلی دیکینسون، شاعر آمریکائی | در آمریکای جنوبی |
| ۱۶) جین آوستون، رمان نویس انگلیسی | ۲۰) هنری دیوید ثورو، نویسنده آمریکائی |
| ۱۷) ادگار هوور، رئیس اف.بی.آی. | |

بزرگترین متفکران تاریخ

- ۱) کنفوسیوس (کونگ - فو - تسو) فیلسوف چینی
- ۲) افلاطون (پلاتون ۳۴۷ - ۴۲۷ ق.م) فیلسوف یونانی
- ۳) ارسطو (آریستوتلس ۳۲۲ - ۳۸۴ ق.م) فیلسوف یونانی
- ۴) توماس آکویناس قدیس (حکیم آسمانی ۱۲۲۵ - ۱۲۷۴ م) فیلسوف ایتالیائی
- ۵) کوپرنیک (نیکلاس کوپرنیکوس ۱۴۷۳ - ۱۵۴۳ م) اخترشناس لهستانی
- ۶) فرانسیس بیکن (۱۵۶۱ - ۱۶۲۶ م) فیلسوف انگلیسی
- ۷) سرآیزک نیوتن (۱۶۴۲ - ۱۷۲۷ م) ریاضیدان و فیزیکدان انگلیسی
- ۸) ولتر (فرانسوا - ماری آرونه ۱۶۹۴ - ۱۷۷۸ م) نویسنده فرانسوی
- ۹) ایمانوئل کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م) فیلسوف آلمانی
- ۱۰) چارلز داروین (۱۸۰۹ - ۱۸۸۲ م) طبیعی‌دان انگلیسی

سرشناس‌ترین آمریکائی‌ها از تباری غیر آمریکائی

- ۱) آلبرت اینشتین، فیزیکدان معروف، متولد اولم، آلمان (۱۸۷۹ م)
- ۲) ورنر فون براون، معروف به پدر موشک، متولد ویرزیتس، آلمان (۱۹۱۲)
- ۳) الکساندر گراهام بل، مخترع تلفن، متولد ادینبورگ، اسکاتلند (۱۸۴۷ م)
- ۴) جوزف پولیتزر، روزنامه‌نگار، متولد بوداپست، مجارستان (۱۸۴۷ م)
- ۵) تامس پین، انقلابی و نویسنده، متولد ترفورد، انگلستان (۱۷۳۷ م)
- ۶) اندرو کارنگی، غول صنعت فولاد، متولد دانفرملاین، اسکاتلند (۱۸۳۵ م)
- ۷) هنری کسینجر، وزیر امور خارجه آمریکا، متولد فورت، آلمان (۱۹۳۸ م)
- ۸) جان مویبر، طبیعی‌دان، متولد دانبار، اسکاتلند (۱۸۳۸ م)
- ۹) رودولف والناتینو، هنرپیشه فیلمهای صامت، کاستلانتا، ایتالیا (۱۸۹۵ م)
- ۱۰) آلفرد هیچکاک، کارگردان سینما، متولد لندن، انگلستان (۱۸۹۹ م)

برجسته‌ترین مردان جهان که فاقد تحصیلات ابتدائی بودند.

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) چارلی چاپلین، | هنرپیشه و کارگردان انگلیسی |
| ۲) چارلز دیکنز، | نویسنده انگلیسی |
| ۳) تامس ادیسون، | مخترع آمریکائی |
| ۴) ماکسیم گورگی، | نویسنده روسی |
| ۵) مارک تواین، | طنزنویس آمریکائی |
| ۶) هنری استانلی، | کاشف انگلیسی |
| ۷) کلودمونه، | نقاش فرانسوی |
| ۸) آلفرداسمیت، | سیاستمدار آمریکائی |
| ۹) نونل کاورد، | هنرپیشه و کارگردان و سناریست انگلیسی |
| ۱۰) جان فیلیپ سوسا، آهنگساز و رهبر ارکستر آمریکائی | |

کهنسال‌ترین مردان جهان

- ۱) زاروآفا، اهل ترکیه، در ۲۹ ژوئن ۱۹۳۴ م در ۱۶۴ سالگی فوت کرد.
- ۲) توماس پار، اهل انگلیس، در ۱۳ نوامبر ۱۶۳۵ در ۱۵۲ سالگی فوت کرد.
- ۳) محمود عبوض اف، اهل آذربایجان شوروی، در سال ۱۹۵۸ م سالگرد ۱۵۰ سالگی گرفت.
- ۴) آقامیرموسی، اهل کلاردشت مازندران، در سال ۱۹۸۳ م در ۱۴۰ سالگی فوت کرد.
- ۵) محمدخلیل عبدالحواء، اهل اورشلیم، در سال ۱۹۵۷ م سالگرد ۱۳۶ سالگی خود را جشن گرفت.
- ۶) گابریل سانچز، اهل اکوادور، در سال ۱۹۵۸ م ۱۳۵ سال عمر داشت.
- ۷) میچل واتکینز، اهل آمریکا، در ۱۹۷۶ م سالگرد ۱۳۴ سالگی خود را جشن گرفت.
- ۸) گابریل ارازو، اهل ویلکابامبا، در سال ۱۹۷۳ م ۱۳۰ سال داشت.
- ۹) تانزومبی دویی، اهل کالیفرنیا، در ۱۹۷۰ م در ۱۲۰ سالگی درگذشت.
- ۱۰) جرج فروتس، اهل آمریکا، در ۱۸۷۶ م در سن ۱۱۴ سالگی درگذشت.

نخستین فضا نوردان جهان

۱. یوری گاگارین (شوروی، سفینه وستوک ۱، ۱۲ آوریل ۱۹۶۱).
۲. آلن شپارد (آمریکا، سفینه فریدوم ۷، ۵ مه ۱۹۶۱).
۳. ویرجیل گریسام (آمریکا، سفینه لیبرتی بل ۷، ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۱).
۴. گرمان استپاننویچ تیتف (شوروی، سفینه وستوک ۲، ۶ اوت ۱۹۶۱).
۵. جان هرشل گلن (آمریکا، سفینه فرنڈشیپ ۷، ۲۰ فوریه ۱۹۶۲).

۶. مالکوم اسکات کارینتر (آمریکا، سفینه آرورا ۷، ۲۴ مه ۱۹۶۲).
۷. آندریان گریگوریویچ نیکلایف (شوروی، سفینه وستوک ۳، ۱۱ اوت ۱۹۶۲).
۸. پاول رومانوویچ پوپوویچ (شوروی، سفینه وستوک ۴، ۱۲ اوت ۱۹۶۲).
۹. والتر مارتی شیرا (آمریکا، سفینه زیگما ۷، ۳ اکتبر ۱۹۶۲).

«پدران» معروف دنیا

پدر اتم،	انیشتین (آلمانی)	پدر شیمی،	آلبرت کبیر (انگلیسی)
پدر اتومبیل،	فورد (آمریکایی)	پدر ژئوشیمی،	گلداشمیت (آلمانی)
پدر برق،	ادیسون (آمریکائی)	پدر طبیعیات،	داروین (انگلیسی)
پدر بمب نیدروژن،	آندره ساخاروف (روسی)	پدر طب،	بقراط (یونانی)
پدر تاریخ،	هرودوت (یونانی)	پدر فلسفه،	ارسطو (یونانی)
پدر جغرافیا،	هومبولت (آلمانی)	پدر موشک،	گدارد (آمریکائی)
پدر چاپ،	گوتمبرگ (آلمانی)	پدر هواپیما،	پیلاتر دوروزیه (فرانسوی)
پدر سینما،	لومیر (فرانسوی)	پدر موسیقی،	باگانی نی (ایتالیائی)
پدر شعر،	هومر (یونانی)	پدر فیزیک نوین،	رابرت اندرومیلیکان (آمریکا)

منفورتترین افراد تاریخ

که از میان زندگان و مردگان از چه اشخاصی بیشتر احساس نفرت می‌کنند، آمار بدست آمده از این قرارند.

از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶، موزه مادام توسو در لندن، هر سال به ۳۵۰۰ تن از جهانگردانی که به آن موزه می‌رفتند، پرسشنامه‌ای می‌داد تا در آن بنویسند

۱) آمار سال ۱۹۷۰	۲) مائوتسه دون
۲) آدولف هیتلر	۳) ریچارد نیکسون
۳) مائوتسه دون	۴) جک ناموس در
۴) ایناک پاول	۵) ایناک پاول
۵) ریچارد نیکسون	۶) دراکولا
۶) اسپیرو آگینو	سال ۱۹۷۲
۷) ادوارد هیث	۱) ریچارد نیکسون
۸) آدولف هیتلر	۲) عیدی امین
	۳) مائوتسه دون
	۴) آدولف هیتلر

- | | |
|-------------------|-------------------|
| سال ۱۹۷۵ | (۵) شیطان |
| (۱) آدولف هیتلر | سال ۱۹۷۳ |
| (۲) عیدی امین | (۱) ریچارد نیکسون |
| (۳) دراگولا | (۲) آدولف هیتلر |
| (۴) ریچارد نیکسون | (۳) جک ناموس در |
| (۵) جک ناموس در | (۴) موشه دایان |
| سال ۱۹۷۶ | (۵) عیدی امین |
| (۱) آدولف هیتلر | سال ۱۹۷۴ |
| (۲) عیدی امین | (۱) آدولف هیتلر |
| (۳) جان کریستی | (۲) هارولد ویلسون |
| (۴) جیمی کارتر | (۳) ریچارد نیکسون |
| (۵) دراگولا | (۴) جک ناموس در |
| | (۵) دراگولا |

محبوب‌ترین افراد تاریخ

کدام شخصیت تاریخی را بیشتر دوست دارند.

موزه مادام توسو همچنین به ۳۵۰۰ تن از دیدار کنندگان پرسشنامه‌ای می‌داد تا در آن بنویسند که

- | | |
|----------------------|------------------|
| (۲) آبراهام لینکلن | آمار ۱۹۷۰ |
| (۳) هوراشیونلسن | (۱) وینستن چرچیل |
| (۴) جان اف. کندی | (۲) عیسی مسیح |
| (۵) وینستون چرچیل | (۳) جان اف کندی |
| آمار ۱۹۷۳ | (۴) هوراشیونلسن |
| (۱) عیسی مسیح | (۵) ژاندارک |
| (۲) وینستن چرچیل | آمار ۱۹۷۱ |
| (۳) جان اف. کندی | (۱) وینستن چرچیل |
| (۴) ژاندارک | (۲) ژاندارک |
| (۵) ناپلئون | (۳) جان اف کندی |
| آمار ۱۹۷۴ | (۴) ناپلئون |
| (۱) وینستون چرچیل | (۵) هوراشیونلسون |
| (۲) هوراشیونلسن | آمار ۱۹۷۲ |
| (۳) فلورانس نایتینگل | (۱) ژاندارک |

(۵) ناپلئون	(۴) ژاندارك
آمار سال ۱۹۷۶	(۵) جان اف. كندى
(۱) ژاندارك	آمار ۱۹۷۵
(۲) وينستون چرچيل	(۱) وينستون چرچيل
(۳) عيسى مسيح	(۲) جان اف. كندى
(۴) جان اف. كندى	(۳) ژاندارك
(۵) هوراشيونلسن	(۴) رابين هود

عده‌ای از شخصیت‌های علمی جهان

اسم	تخصص	ملیت	قرن
فرانسوا آراگو	ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
سرادوارد ویکتور ایلتون	فیزیک‌دان	انگلیسی	۲۰
آندره ماری آمپر	فیزیک‌دان	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
آمده آوگادرو	فیزیک‌دان	ایتالیائی	۱۸ - ۱۹
رابرت اپنهايمر	فیزیک‌دان	آمریکائی	۲۰
اوترهان	اتم‌شناس	آمریکائی	۲۰
ژرژسیمون اهم	فیزیک‌دان	آلمانی	۱۸ - ۱۹
ژان کریستین اورستد	فیزیک‌دان	دانمارکی	۱۸ - ۱۹
آلبرت انیشتین	ریاضی‌دان و فیزیک‌دان	آلمانی	۱۹ - ۲۰
چارلز بیچ	ریاضی‌دان	انگلیسی	۱۸ - ۱۹
مارسلن برتولو	شیمیست	فرانسوی	۱۹
ورنرفن براون	دانشمند فضائی	آلمانی	۲۰
جان لاجی برد	فیزیک‌دان	انگلیسی	۱۹ - ۲۰
کلودلوی برتوله	شیمیست	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
کلودبلمیوس	ستاره‌شناس	یونانی	۱ قرن پیش از میلاد
هانری بکرل	فیزیک‌دان	فرانسوی	۱۹ - ۲۰
دنيس پاپن	فیزیک‌دان	فرانسوی	۱۷
بلزیاسکال	فیلسوف و ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۷
جوزف پرستلی	شیمیست	انگلیسی	۱۸ - ۱۹
ماکس پلانک	فیزیک‌دان	آلمانی	۱۹ - ۲۰
هانری پوانکاره	ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۹ - ۲۰
ویلیام تامسون	فیزیک‌دان	انگلیسی	۱۹

اسم	تخصص	ملیت	قرن
آن ویلهلم کارین تسلیوس	شیمیست	سوئدی	۲۰
آونز لیستا تریجلی	فیزیک‌دان	ایتالیائی	۱۷
تیکو براهه	منجم	دانمارکی	۱۶
دالامبر	ریاضی	فرانسوی	۱۸
جان دالتون	ریاضی‌دان	انگلیسی	۱۸ - ۱۹
سرهفم‌ری دیوی	شیمیست	انگلیسی	۱۸ - ۱۹
لوئی ویکتوردوبروی	فیزیک‌دان	فرانسوی	۲۰
زان بابتیست دوما	شیمیست	فرانسوی	۱۹
سر رابرت رابینسون	شیمیست	انگلیسی	۲۰
ارنست راترفورد	شیمیست	انگلیسی	۱۹ - ۲۰
ویلهم کنراد رونتگن	فیزیک‌دان	آلمانی	۱۹ - ۲۰
برنارد ریمان	ریاضی‌دان	آلمانی	۱۹
جیمز کسلوت ژول	فیزیک‌دان و شیمی‌دان	آلمانی	۱۹
مایکل فارادی	فیزیک‌دان	انگلیسی	۱۸ - ۱۹
پیردوفرما	ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۷
اوگوستن فره‌نل	فیزیک‌دان	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
لئون فوکو	فیزیک‌دان	فرانسوی	۱۹
انریکو فرمی	فیزیک‌دان	ایتالیائی	۲۰
جرج فرانسیس فیتزجرالد	ریاضی‌دان	ایرلندی	۱۹
یوهان کپلر	منجم	آلمانی	۱۶ - ۱۷
کانزری کاوندیش	شیمیست	انگلیسی	۱۸ - ۱۹
لوئیس کرل	ریاضی‌دان	انگلیسی	۱۹
نیکلا کوپرنیک	منجم	لهستانی	۱۵
شارل اوگوستن کولن	فیزیک‌دان	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
ماری کوری	فیزیک‌دان و شیمی‌دان	لهستانی	۱۹ - ۲۰
گالیلو گالیله	منجم	ایتالیائی	۱۶ - ۱۷
شارل فردریک گائوس	ریاضی‌دان	آلمانی	۱۸ - ۱۹
اواریست گالوا	ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۹
ژوزف لوئی گی لوساک	شیمیست	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
پیرسیمون لاپلاس	ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۸ - ۱۹
گوگلیلمو مارکنی	فیزیک‌دان	ایتالیائی	۱۹
ژوزف لوئی لاگرانژ	ریاضی‌دان	فرانسوی	۱۸ - ۱۹

١٨	فرانسوى	شيميست	آنتوان لوران دولاو وازيه
١٩	انگلىسى	فيزيك دان	جيمز كلارك مكسول
١٩	روسى	شيميست	ديميتري مندليف
١٩ - ١٨	فرانسوى	رياضى دان	گاسپارمونژ
١٨ - ١٧	انگلىسى	فيزيك دان و رياضى دان	اسحق نيوتون
١٩ - ١٨	ايتاليائى	فيزيك دان و شيمى دان	الكساندر ولتا
١٩	آلمانى	فيزيك دان	هانرى هرتز
١٨	انگلىسى	منجم	ويليام هرشل
١٩	انگلىسى	رياضى دان	ويليام هاميلتن
١٧	انگلىسى	فيزيك دان	رابرت هوک
١٧	هلندى	فيزيك دان	کريستيان هويگنس
١٩	فرانسوى	زيست شناس	کلودبرنارد
٢٠ - ١٩	آلمانى	پزشک و فيزيک دان	اميل فون بهرينگ
١٦	فرانسوى	پزشک	آمبروازپاره
١٩	فرانسوى	پزشک	لوئى پاستور
٢٠ - ١٩	روسى	پزشک	ايوان پاولوف
١٩ - ١٨	انگلىسى	پزشک	ادواردجنر
١٩	انگلىسى	طبيعى دان	چارلز رابرت داروين
١٧	انگلىسى	پزشک	توماس سيدنهام
٢٠ - ١٩	اتريشى	روانکاو	زيگموند فرويد
١٩	اتريشى	کاشف قانون وراثت	يوهان گريگورمندل
٢٠ - ١٩	انگلىسى	پزشک	الكساندر فلمينگ
١٩	آلمانى	پزشک	رابرت کخ
١٦	بلژيکى	پزشک	آندره وزالويس
١٨	انگلىسى	پزشک	ويليام هانتز
١٦	انگلىسى	پزشک	ويليام هاروى
١٥	ايتاليائى	رياضى دان، طبيعى دان و فيلسوف	لئوناردو داوينچي
١٧	ايرلندى	شيميست	روبرت بويل
١٩	آلمانى	شيميست	فردريك وهلر

اختصاصات برگزیدگان جهان

طالس ملطی	بانی مکتب ایونی (۶۳۸ ق. م)
اناکسیماندر	واضع مدرسه فلسفی یونان
فیثاغورث	واضع علوم ریاضی و هندسه و تئوریهای زوایا و مثلث‌ها
زنون ایلینائی	واضع مکتب ایلینائی (۴۸۰ ق. م)
بقراط	پدر علم پزشکی (۴۶۰ ق. م)
سوفسطائیان	واضع مذهب استدلالی (۴۸۵ ق. م)
افلاطون	واضع مکتب آکادمی (۳۴۷ ق. م)
ارسطو	شاگرد افلاطون (۳۸۴ ق. م) و واضع مکتب لیسه
سقراط	فیلسوف یونانی و واضع علوم اخلاقی
اقلیدس	معلم بزرگ ریاضی و بیغمبر هندسه (۳۳۰ ق. م) - مبحث نور - علم مناظر و مرایا - تقسیم محیط دایره - چند ضلعی‌ها
ارشمیدس	هومر ریاضی دانان یونانی (۲۸۷ ق. م)
اپولنیوس	معلم بزرگ ریاضی و واضع مقاطع مخروط هندسی
ذیمقراط	یا اتومیسیم یونان و واضع مذهب ذره
بطلمیوس	(۱۲۷ ق. م) منجم و ستاره شناس یونانی
دیوفانت	واضع علم جبر و قوانین حساب اهل یونان (۲۵۰ ق. م)
جالینوس حکیم	از اهالی شهر پرگام پزشک عالیقدر (۱۳۰ ق. م)
	بعد از رنسانس
دنی پاپن	فرانسوی اولین دیگ بخار را ساخت (۱۷۰۷)
ژرژ استفانسون	مکانیسین انگلیسی مخترع لکوموتیو (۱۷۸۱).
جیمزوات	مهندس و مکانیسین اسکاتلندی مخترع ماشین بخار
فرانکلین	آمریکائی کاشف برق گیر (۱۷۰۶)
کلودشباب	فرانسوی اولین دستگاه تلگراف را اختراع کرد (۱۷۶۳)
میشل فارادی	انگلیسی پدر الکتروتکنیک و کاشف بنزین
انتوان بکرل	فرانسوی سازنده پیل الکتریکی (۱۸۷۷)
هانری بکرل	کاشف رادیو اکتیو تیه
لئون فوکو	فرانسوی سازنده پاندول معروف فوکو به طول ۶۷ متر برای اثبات حرکت زمین (۱۸۱۹)
هانری هرتز	آلمانی استاد فیزیک در جرقه‌های الکتریکی (۱۸۵۷)
شارل بورسل	فرانسوی استاد فیزیک (۱۹۱۲)
گراهام بل	آمریکائی (۱۸۳۱) مخترع تلفن

سوندی (۱۸۹۶ - ۱۸۳۳) کاشف دینامیت.	آلفرد نوبل
انگلیسی مخترع رادیومتر (۱۹۱۹).	ویلیام کروکس
روسی مخترع آنتن بی سیم (۱۹۰۵).	الکساندر پویوف
ایتالیائی واضع تلگراف بی سیم و مخترع رادیو.	کیوم مارکونی
آلمانی استاد فیزیک و کاشف قوانین انرژی (۱۸۵۸).	ماکس پلانک
لهستانی کاشف رادیوم (۱۹۳۴ - ۱۸۶۷).	ماری کوری

در شیمی، طبیعی، پزشکی

انگلیسی کاشف گردش بزرگ و کوچک خون (۱۶۵۸).	ویلیام هاروی
شیمی دان معروف	ژوزف پرستلی
فرانسوی شیمی دان معروف کاشف اکسیژن (۱۷۴۳).	لاووازیه
استاد دیرین شناس (۱۷۶۹).	ژرژ گویه
فرانسوی کاشف میکروبیهای طفیلی (۱۸۲۲).	لویی پاستور
آلمانی کاشف میکروب سل (۱۸۴۳).	روبرت کوخ
انگلیسی کاشف پنی سیلین در (۱۹۲۸).	الکساندر فلمینگ
انگلیسی بزرگترین حیات شناس (۱۸۰۹).	چارلز داروین
بزرگترین فسیل شناس انگلیسی (۱۸۹۵).	ویلیام گرافورد
دیمتری مندلیف روسی واضع جدول شیمی.	مندلیف
انگلیسی قانونگذار اوزان اتمهای شیمی (۱۸۴۴).	جون رالتون
اسکاتلندی مخترع استر تو سکوپ (۱۸۶۸).	سر دیوید بروستر
فرانسوی گیاه شناس (۱۷۴۴).	ژان دولامارک
انگلیسی کاشف بخار هلیوم (۱۹۰۲).	نرمان لوکی یر
فرانسوی کاشف الکل اتیلیک (۱۸۹۱).	اوگوست کاهور
فرانسوی بنیان گذار شیمی فیزیکو شیمی (۱۷۲۷).	برتلو
آلمانی کاشف نیل مصنوعی (۱۹۱۷).	آدلف مایر
آلمانی کاشف میکروب دیفتری (۱۹۱۵).	فردریک لوفلر
آلمانی کاشف میکروب کزاز (۱۸۸۴).	نیکولامر
فرانسوی کاشف میکروب طاعون (۱۹۴۳).	الکساندر یوس
فرانسوی کاشف تزریق سرم ابتدائی (۱۹۳۵).	شارل ریشه
تزریق سرم خنثاق (۱۹۳۳).	امیل روکن
آلمانی سرم ضد دیفتری (۱۹۱۷).	امیل فوتی بهرنیک

در ریاضیات

فرانسوی بانی علم جدید هندسه تحلیلی (۱۵۹۶).	دکارت
اسکاتلندی کاشف لگاریتم (۱۶۱۷).	بارون جون نیر
ریاضی‌دان عارف فرانسوی واضع اصل تجربی (۱۶۶۲).	بلز پاسکال
انگلیسی کاشف جاذبه عمومی (۱۶۲۷).	نیوتون
آلمانی واضع آنالیز عناصر بی نهایت کوچک (۱۶۲۷).	لایب نیتز
سوئدی روح مجسم آنالیز ریاضی (۱۷۰۷).	لئونارد اولر
فرانسوی بزرگترین عالم ریاضی و مکانیک تحلیلی.	لاگرانژ
فرانسوی بانی هندسه ترسیمی (۱۸۱۸).	گاسپار مونژ
فرانسوی (۱۸۵۴) ریاضی‌دان قرن ۱۹ در مباحث نور - الکتروسیسته و مکانیک کتابهای مفصل نوشت.	هانری پوانکاره
ریاضی‌دان ایرلندی (۱۸۶۰ - ۱۸۰۵) در اصول معادلات جبری و فضائی مطالعات داشت.	ویلیام هامیلتون
آلمانی (۱۸۲۶ - ۱۷۸۷) در مبحث نور و قوانین عدسی‌ها کوشش زیاد کرد.	ژوزف فرسهوتر
فرانسوی (۱۸۲۲ - ۱۷۴۹) ریاضی‌دان فرانسوی نصف النهار بین دونکرك و پارسلون را حساب کرد.	ژان دالامبر
فرانسوی (۱۸۰۴ - ۱۷۴۴) - نقشه بردار و ریاضی‌دان بود.	پیرمیشن
(۱۷۹۴ - ۱۷۴۳) ریاضی‌دان فرانسوی مقیاسات سیستم متریک را بنا کرده است.	کند ورسه
فرانسوی (۱۷۸۹) ریاضی‌دان مبحث کمیت‌ها و توابع جبری را شرح داد.	آگوستن کوشن
آلمانی (۱۸۲۶) استاد هندسه و مفروضات هندسی بود.	برنارد ریمان

چهره‌های درخشان در کیهان‌شناسی

کیهان‌شناس معروف که رصدخانه‌های نجومی در دانمارک و آلمان بسا کرد و فهرستی از سیارات ترتیب داد که از جدول بظلمیوس جامع‌تر بود (۱۶۲۰).	تیکوبراهه دانمارکی
قانونگذار کیهان (۱۶۵۰ - ۱۵۷۱) واضع سه قانون مهم و اصلی برای سیر و حرکت سیارات.	کپلر آلمانی
(۱۴۷۳) پایه‌های علم نجوم را استوار ساخت.	کپرنیک آلمانی
(۱۵۶۴ - ۱۶۴۲) کاشف قوانین حرکت سیارات و مکانیک آسمانی و واضع قانون دینامیک برای ایجاد نیرو.	گالیله ایتالیائی
انگلیسی (۱۸۷۱) کاشف سیاره اورانوس بود.	ویلیام هرشل

کاسبی فرانسوی
پیرسیمون لابلاس
(۱۶۲۵) کاشف حرکت وضعی مریخ و کاشف قمر زحل.
(۱۸۲۷ - ۱۷۴۹) ستاره شناس فرانسوی و واضع فرضیه ایجاد کیهان.

چهره های درخشان در الکتریسیته و اتم

استفن گری انگلیسی
لویی گالوانی
آندره آمپر
ژان کریستیان اورستد
ژرژسیمون اوهم
جیمز کلارک ماکسول
توماس ادیسون
کیوم رونتگن
ماکس فون لو
فوکس نیکولز
(۱۷۳۶ - ۱۶۷۰) کاشف قوانین مثبت و منفی الکتریسیته.
(۱۷۹۸ - ۱۷۳۷) استاد دانشگاه بولونی و کاشف الکتریسیته حیوانی.
فرانسوی (۱۷۷۵) نیروی برق را تجزیه کرد و واضع قوانین برق بود.
دانمارکی (۱۷۷۷) واضع و کاشف الکترو دینامیک و رابطه الکترومغناطیسی.
آلمانی (۱۸۵۴ - ۱۷۸۷) کاشف قوانین مقاومت الکتریکی.
ایرلندی (۱۸۳۱) کاشف قوانین برق و مغناطیس.
آمریکائی (۱۹۳۱ - ۱۸۴۷) مخترع برق و سازنده فونوگراف.
هلندی (۱۸۴۵) کاشف اشعه مجهول.
آلمانی (۱۸۹۷) ارتعاشات الکتروماتیکیک را ثابت کرد.
(۱۸۸۰ - ۱۹۲۴) و جیمز دویتتر (۱۸۹۲) فیزیک دان آمریکائی اشعه
ماوراء قرمز را به امواج الکتریکی نزدیک کردند.
فرانسوی (۱۸۹۰) کاشف اشعه ماوراء بنفش بود.
آمریکائی (۱۸۶۸) بار الکتریکی الکترونها را حساب کرد.
(۱۸۶۹) مسیر اتمها و نوترونها را کشف کرد.
اهل زلاند جدید (۱۸۷۱) کاشف جهان اتم بود و اشعه ها را نام گذاری کرد.
آلمانی (۱۸۷۹) کاشف نیروی اتم و تئوری معروف نسبیت.
ایتالیائی (۱۹۰۱) کاشف قوانین اتم و نوترونها اتم.
فرانسوی (۱۹۱۸ - ۱۸۴۳) سازنده موتورهای الکتریسیته.
آمریکائی (۱۸۷۳) چراغ سه الکترودی را اختراع کرد.
(۱۹۱۲ - ۱۸۷۹) اشعه های ایکس و امواج الکتریکی را بررسی کرد.
(۱۸۹۰ - ۱۹۴۱) کاشف اشعه ماورای بنفش.
ایرلندی (۱۸۹۱) فاتح الکترونها اتم بشمار می آید.
انگلیسی (۱۹۴۰ - ۱۸۵۶) گردش الکترونها را ثابت کرد.
انگلیسی (۱۸۶۹) صاحب فرضیه ها در الکترونها اتم.
(۱۸۷۵) سازنده تلگراف زیر دریائی و طیف اشعه مجهول.
(۱۸۴۱) سازنده قرقره های القائی.
آمریکائی سازنده تلگراف زیر دریائی - گالوانومتر - آمپر متر - الکترومتر.

لردپیر ویلیام تومسون

قهرمانان افسانه‌ای جهان

بطوری که از کتب مختلف تاریخی بر می‌آید، تمام اقوام و طوایف در سرتاسر تاریخ، برای خودشان قهرمان افسانه‌ای داشته‌اند که به آن قهرمان

۱- سامسون	پهلوان افسانه‌ای	فلسطین	۷- ویلهلم تل	قهرمان افسانه‌ای	اتریش
۲- هرکول	پهلوان افسانه‌ای	یونان	۸- زیگفرید	قهرمان افسانه‌ای	آلمان
۳- ماسیست	پهلوان افسانه‌ای	مصر	۹- تارزان	قهرمان افسانه‌ای	آمریکا
۴- رموس	پهلوان افسانه‌ای	روم	۱۰- چانه‌چونگ	قهرمان افسانه‌ای	چین
۵- اولیس	پهلوان افسانه‌ای	یونان	۱۱- رستم	قهرمان افسانه‌ای	ایران
۶- گیلگمش	پهلوان افسانه‌ای	بابل			

رمز و رموز خدایان باستانی

اسم یونانی	اسم رومی	نمودار قدرت	نماینده	رمز زمینی
آپولون	فوبوس	خورشید	هنر و ادب	کمان و چنگ
آتنه	مینره را	آذرخش	هوس	زیتون و جغد
آرته میس	دیان	ماه	تقوی	آهو و هلال ماه
آرس	مارس	طوفان	جنگ	کلاه خود و نیزه
آفرودیت	ونوس	عشق	زیبائی	کبوتر
اهر	پلوتون	آسمان	ازدواج	طاوس
پوزیدون	نپتون	دریا	خشم	اسب و نیزه
دمتر	سررس	زمین	بارآوری	علف و داس
زنوس	ژوپیتر	هوا	خدای خدایان	عقاب و صاعقه
هرمس	مرکور (مریخ)	باران	سختوری	پر
هفائیس توس	ولکان	آتش زیر زمینی	صنعت	چکش و سندان
هستیا	وستا	کانون خانوادگی	پاکدامنی	آتش مقدس

این مردان سرشناس قبلاً چه شغلی داشتند؟

- | | | |
|----------------------|----------------------------|-------------------------|
| نقاش بوستر | دیکتاتور آلمان | ۱. آدولف هیتلر |
| منشی اداره ثبت | فیزیکدان | ۲. آلبرت انیشتین |
| راننده کامیون | خواننده | ۳. الویس پریشلی |
| آشپز | صدر اعظم ناصرالدین شاه | ۴. امیر کبیر |
| گاوجران | نویسنده | ۵. اوهنری |
| بوکسور | هنرپیشه | ۶. باب هوب |
| دلال مستغلات | هنرپیشه | ۷. بوریس کارلف |
| دلال سهام | نقاش | ۸. پل گوگن |
| دوزنده کرسٹ | نویسنده سیاسی | ۹. تامس پین |
| مانکن لباس مردانه | رئیس جمهور آمریکا | ۱۰. جرالدفورد |
| تکنیسین الکترونیک | قهرمان بوکس جهان | ۱۱. جورج فورمن |
| ملوان | انقلابی ایتالیایی | ۱۲. جوزپه گاریبالدی |
| بادام کار | رئیس جمهور آمریکا | ۱۳. جیمی کارتر |
| کشاورز | شاعر | ۱۴. رابرت برنز |
| هنرپیشه سینما | رئیس جمهور آمریکا | ۱۵. رونالد ریگان |
| بنا و راننده کامیون | هنرپیشه سینما | ۱۶. شون کانتری |
| چوب بر | هنرپیشه سینما | ۱۷. کلارک گیبل |
| نقاش ساختمان | نویسنده | ۱۸. ویلیام فالکنر |
| فروشنده لباس مردانه | رئیس جمهور آمریکا | ۱۹. هری ترومن |
| معلم مدرسه و مدادساز | نویسنده | ۲۰. هنری دیوید ثورو |
| دکتر طب | اولین رئیس جمهور چین | ۲۱. سوت یات سن |
| وکیل دادگستری | رهبر فقید هند | ۲۲. گاندی |
| کشاورز | اولین رئیس جمهور آمریکا | ۲۳. جرج واشنگتن |
| فیلسوف | امپراتور روم باستان | ۲۴. مارک اورل |
| پوستین دوز | مؤسس سلسله افشاریه | ۲۵. نادرشاه افشار |
| مشمع ساز | مخترع و سیاستمدار آمریکائی | ۲۶. فرانکلین |
| کارگر معدن | نخست وزیر فقید شوروی | ۲۷. خروشچف |
| رویگر | سر سلسله صفاریان | ۲۸. یعقوب لیث |
| ماهی گیر | از سلاطین آل بویه | ۲۹. احمد معزالدوله |
| ساریان | سر سلسله امرای سامانی | ۳۰. امیر اسماعیل سامانی |
| غلام زرخرید | سر سلسله غزنویان | ۳۱. آلبتکین |

- | | | |
|-----------------|---------------------------|-------------------------|
| شکارچی | سر سلسله آل زیار | ۳۲. وشمگیر زیاری |
| کارگر کشاورز | شاعر مشهور ایران | ۳۳. فرخی سیستانی |
| شبان‌ی / تجارت | پیامبر بزرگ اسلام | ۳۴. حضرت محمد (ص) |
| نجار | پیامبر بزرگ مسیحیت | ۳۵. حضرت عیسی (ع) |
| چوپان | پیامبر بزرگوار یهود | ۳۶. حضرت موسی (ع) |
| وکیل دادگستری | نخست وزیر هند | ۳۷. یاندیت نهر و |
| روزنامه نویس | دیکتاتور ایتالیا | ۳۸. موسولینی |
| ورزشکار حرفه‌ای | رئیس جمهور فنلاند | ۳۹. ککونن |
| فیلسوف | امپراتور روم باستان | ۴۰. مارک اورال |
| نقاش | مخترع آمریکائی | ۴۱. سامونل مورس |
| مهندس کشاورزی | وزیر خارجه سابق شوروی | ۴۲. آندره گرومیکو |
| افسر ارتش | نویسنده و شاعر دوره نزاری | ۴۳. لرمانتوف |
| وکیل دادگستری | مؤسس روسیه شوروی | ۴۴. ولادیمیر لنین |
| کارگر کشتی | نویسنده آمریکائی | ۴۵. جک لندن |
| معلم | نویسنده فرانسوی | ۴۶. آلبر کامو |
| بازرگان | نویسنده آلمانی | ۴۷. امیل لودویک |
| مهندس کشاورزی | رئیس جمهور آلمان | ۴۸. هاینریش لوبکه |
| پشم ریس | رئیس جمهور آمریکا | ۴۹. میلارد فیلمور |
| خیاط | رئیس جمهور آمریکا | ۵۰. اندریو جاکسون |
| انباردار چرم | رئیس جمهور آمریکا | ۵۱. ژنرال یولیسیس گرانٹ |
| کارگر کشتی | رئیس جمهور آمریکا | ۵۲. جیمز گارفیلد |
| کتابدار | رئیس جمهور آمریکا | ۵۳. گروور کلیولند |
| معلم | رئیس جمهور آمریکا | ۵۴. جان آدامس |
| وکیل عدلیه | رئیس جمهور آمریکا | ۵۵. توماس جفرسون |
| شاگرد میخانه | رئیس جمهور آمریکا | ۵۶. مارتین وان بورن |
| خبرنگار | رئیس جمهور آمریکا | ۵۷. وارن هاردینگ |
| وکیل دادگستری | رئیس جمهور آمریکا | ۵۸. کالوین کولیدج |
| معدن شناس | رئیس جمهور آمریکا | ۵۹. هربرت هوور |
| واکسی | رئیس جمهور آمریکا | ۶۰. لیندون جانسون |
| وکیل دادگستری | رئیس جمهور آمریکا | ۶۱. ریچارد نیکسون |
| هیزم شکن | رئیس جمهور آمریکا | ۶۲. آبراهام لینکلن |
| قاضی | رئیس جمهور آمریکا | ۶۳. ویلیام تافت |
| استاد دانشگاه | رئیس جمهور آمریکا | ۶۴. وودرو ویلسون |

کارمند مجله	نویسنده آلمانی	۶۵. ادوارد موریکه
کارمند دریاداری	نویسنده فرانسوی	۶۶. گی دوموپاسان
خلبان	نویسنده فرانسوی	۶۷. آنتوان سنت اگزوبری
خلبان	نویسنده ایتالیائی	۶۸. دانو نزیو
منشی	نویسنده انگلیسی	۶۹. چارلز دیکنز
فوتبالیست	نویسنده آمریکائی	۷۰. ارسکین کالدون
کتابفروش	نویسنده فرانسوی	۷۱. آنا تول فرانس
کارگر ساده	نویسنده آمریکائی	۷۲. هوارد فاست
هنرپیشه	نویسنده بزرگ فرانسوی	۷۳. مولیر
شاگرد بزاز	نویسنده بزرگ انگلیسی	۷۴. هربرت جورج ولز
خبرنگار	نویسنده بزرگ آمریکائی	۷۵. ارنست همینگوی
هنرپیشه سیار	نویسنده بزرگ انگلیسی	۷۶. ویلیام شکسپیر
دانشجوی حقوق	رئیس جمهور کوبا	۷۷. فیدل کاسترو
مهندس	رئیس جمهور اندونزی	۷۸. ژنرال سوکارنو
فروشنده پوست	سردار بزرگ شوروی در جنگ دوم	۷۹. مارشال ژوکف
دکان دار	شخصیت معروف نازی	۸۰. هاینریش هیملر
افسر ارتش	رئیس جمهور چین ملی	۸۱. ژنرال چیانگ کایچک
افسر ارتش	پادشاه سوئد	۸۲. مارشال برنادوت
کارگر راه آهن	سیاستمدار و وزیر امور خارجه شوروی	۸۳. مولوتف
وکیل دادگستری	قائد اعظم پاکستان	۸۴. محمد علی جناح
کشیش	صدراعظم معروف فرانسه	۸۵. کاردینال ریشلیو
فلزکار	رئیس جمهور فقید یوگسلاوی	۸۶. مارشال تیتو
نانوا	رهبر فقید ویتنامی ها	۸۷. هوشی مینه
کشاورز مزدور	رئیس جمهور چین کمونیست	۸۸. مائوتسه تونگ
خاک شناس	سیاستمدار شوروی	۸۹. لئونید برژنف
کشیش ساده	رئیس جمهور قبرس	۹۰. اسقف ماکاریوس
فیلسوف و ریاضی دان	رئیس جمهور فرانسه	۹۱. ریموند پوانکاره
شیمیدان	اولین رئیس جمهور رژیم اشغالگر	۹۲. حثیم وایزمان
بانکدار	رئیس جمهور اسبق فرانسه	۹۳. ژرژ میپیدو
افسر توپخانه	امیراتور فرانسه	۹۴. ناپلئون بناپارت
افسر ارتش	نخست وزیر ترکیه	۹۵. عصمت اینونو
تیرانداز سپاه نادرشاه	مؤسس سلسله زندیه	۹۶. کریم خان زند
منشی	صدراعظم ناصرالدین شاه	۹۷. میرزاتقی خان امیرکبیر

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

جوپان	شخصیت نیمه مذهبی وقهرمان فرانسوی	۹۸. ژاندارك
طلاكار	رئيس جمهور آمريكا	۹۹. جيمز پولك
قاری قرآن	دانشمند و وزير فرهنگ مصر	۱۰۰. طه حسين
ساعت ساز	كارخانه دار آمريكائى	۱۰۱. هانرى فورد
كارگر قرقره سازى	كارخانه دار آمريكائى	۱۰۲. آندريو كارنگى
تلگرافچى	مخترع بزرگ آمريكائى	۱۰۳. توماس ادیسون
صحاف	فيزيكدان انگليسى	۱۰۴. مايكل فارادى
نقاش	فيزيكدان انگليسى	۱۰۵. رابرت هوک
كارگر كارخانه	بنیانگذار جايزه نوبل	۱۰۶. آلفرد نوبل
روزنامه نويس	مرد اقتصادى شوروى	۱۰۷. آناستاس ميكويان
پادوى مغازه	مخترع سينماى عروسكى	۱۰۸. والت ديزنى
واكسى	موسيقيدان جاز	۱۰۹. لوئى آرمسترانگ
مكانيك	بزرگترين خواننده ايتاليا	۱۱۰. انريكو كاروزو
سنگ تراش	نقاش و مجسمه ساز ايتاليائى	۱۱۱. ميكلائو

زنان نامدار جهان

آمريكائى	نويسنده داستانهاى جنائى	آگاتا كريستى
رومانى	از سياستمداران	آناپوكر
روسى	دختر تزار روسيه	آناستازيا
آلمانى	همسر آدولف هيتلر	اوا برون
آرژانتينى	همسر ژنرال پرون ديكتاتور آرژانتين	اوا برون
آمريكائى	همسر روزولت رئيس جمهور آمريكا	النتور روزولت
هندى	نخست وزير هندوستان	ايندرا گاندى
فرانسوى	زن لوئى سيزدهم	آن دوتريش
انگليسى	زن هانرى هشتم	آن يولين
انگليسى	ملكه	اليزابت اول
انگليسى	ملكه	اليزابت دوم
سيلانى	نخست وزير سيلان	باندراناتيك
پاكستانى	همسر آقاخان	بيگم آقاخان
آمريكائى	سياستمدار	مادام بوث لوث
ايرانى	پادشاه ساسانى	بوراندخت

ایرانی	شاعره	پروین اعتصامی
یونانی	معشوقه اسکندر مقدونی	تائیس
ایرانی	پادشاه ساسانی	توران دخت
پاکستانی	سیاستمدار	فاطمه جناح
آمریکائی	نویسنده	جین وبستر
انگلیسی	ملکه	جین گری
انگلیسی	نویسنده	دافنه دوموریه
سوئدی	ملکه	دزیره
ایرانی	شاعره	رابعه
فرانسوی	سیاستمدار	مادام رولان
فرانسوی	شخصیت نظامی و مذهبی	ژاندارک
هندی	شاعره	ریب النساء بیگم
هلندی	ملکه	ژولیاننا
فرانسوی	نویسنده و شاعره	ژرژساند
هندی	شاعره	ساروجینی نایدو
فرانسوی	هنرپیشه	سارا برنارد
بابل	ملکه	سمیرامیس
فرانسوی	از زنان انقلابی فرانسه	شارلوت کوردای
فرانسوی	نویسنده	فرانسوازاگان
انگلیسی	اولین پرستار دنیا	فلورانس نایتینگل
آمریکائی	نویسنده	کاتلین وینسور
فرانسوی	معشوقه لویی پانزدهم	کنتس دوپاری
آمریکائی	هنرپیشه و ملکه موناکو	گریس کلی
آمریکائی	نویسنده	گرترود استاین
مصر	ملکه	نفر تی تی
مصر	ملکه	نورایمان
آمریکائی	نویسنده	هاریت بیچراستو
آمریکائی	بانوی نابینا و دانشمند	هلن کلر
اسرائیلی	سیاستمدار	گلداماير
روسی	نخستین زن فضانورد جهان	والنتینا تراشکوا
نروژی	برنده جایزه نوبل ادبیات	زیگريد اوندست
اروگوئه	شاعره	دلмира اوگوستینی

آمریکائی	نویسنده	پرل. س. باک
انگلیسی	شاعره	الیزابت بارت براولینگ
انگلیسی	نویسنده	امیلی برونته
آمریکائی	نویسنده	دورتی پارکر
سوئدی	نویسنده، برنده جایزه ادبی نوبل	سلمالاکرلوف
انگلیسی	نویسنده	ماتیسن
فرانسوی	شاعره	کنتس دونوای
انگلیسی	نویسنده	اتل لیلیان وینیچ
انگلیسی	ملکه	ملکه ویکتوریا
ایتالیائی	معشوقه موسولینی	کلاراپتاجی
آلمانی	شاعره، زن شومان	کلاراشومان
مصر	ملکه	کلئوپاترا
شیلی	نویسنده و شاعر	گابریلامیسترال
ایتالیائی	ملکه خونخوار و ظالم	لوکرس بورژیا
آمریکائی	نویسنده	مارگارت میچل
یونانی	خواننده اپرا	ماریا کالاس
چینی	سیاستمدار	مادام چیانکایچک
لهستانی	دانشمند فیزیک و شیمی	ماری کوری
آمریکائی	همسر ادوارد هشتم	مادام سیمسون
لهستانی	معشوقه ناپلئون	ماری والوسکا
آلمانی	جاسوسه زیبا	ماتاهاری
اتریشی	قهرمان ماجرای مایرلینگ	ماری وسترا
فرانسوی	ادیب و شاعره	مادام روکامیه
فرانسوی	ادیبه	مادام سوینییه
انگلیسی	نویسنده، زن پرسی شلی	مری وستن کرافت
فرانسوی	ادیبه	مادام دواشتال
انگلیسی	ملکه	ماری تودور
اسکاتلند	ملکه	ماری استوارت
آمریکائی	نخستین رئیس سازمان صلیب سرخ	کلارابارتون
فرانسوی	نویسنده	مادام فرانس کولت
اسکندریه	نخستین زن شناخته شده در	هیپاتیا
(مصری)	ریاضیات در ۳۷۰ میلادی	

فرانسوی	ریاضیدان	مارکیز دوشاتله
ایتالیائی	ریاضیدان	ماریا گائانا آینه زی
فرانسوی	ریاضیدان	سوفی ژرمن
اسکاتلندی	ریاضیدان	مری فیرفکس

ملکه های مشهور جهان

ملیت	همسر	ملکه
ایرانی	داریوش کبیر	آتوسا
بلژیکی	لئوپولد	آسترید
انگلیسی	هانری هشتم	آن بلین
فرانسوی	ناپلئون سوم	اوژنی
اسپانیائی	فردینالد	ایزابیل
فرانسوی	لوئی سیزدهم	آن دتریش
ایرانی	خشایارشا	استر
رومی	نرون	پومپه
روم	زوستی نین	تئودور
ایرانی	محمد خوارزمشاه	ترکان خاتون
عرب	هارون الرشید	زبیده خاتون
ایرانی	نادرشاه افشار	رضیه خانم

پاپ

مسیح نیز «پاپ» گفتند. قبل از پرداختن به لیست اسامی پاپها که تاکنون بر مسند قدرت دینی غرب نشسته اند، مختصری در خصوص شروع قدرت پاپ، نحوه و شرایط انتخاب پاپ آورده می شود:

شروع قدرت پاپ: باید دانست قدرت پاپها از زمان سلطنت شارلمانی به بعد شروع شد. تا این زمان پاپ و دربار آنها چندان قدرتی نداشتند.

«پاپ» که امروزه به عالی ترین مرجع روحانی دین مسیح و مذهب کاتولیک اطلاق می شود، از کلمه یونانی «پاپاس» که به معنی پدراست اقتباس شده و در مشرق اروپا به اسقفها و کشیشها اطلاق می شد، اما در مغرب زمین و مخصوصاً در ایتالیا کم کم به علل خاص، منحصر به اسقف روم شد و چون اسقف روم بر همه اسقفها تقدم داشت و پایتخت امپراتوری نیز روم بود، از این حیث به جانشینان بعدی حضرت

«بین» نیاز «بطروس حواری» کرده بود یادآوری نمود و شارل با رغبت بدان رضا داد... چند ماه پس از اینکه «دیدیه» شکست خورد راه دیری را پیش گرفت و شارل تاج آهنین را بر سر نهاده عنوان پادشاه لمبارد یافت. چون لئون سوم پاپ روم شد، کلیدهای بقعه بطروس و پرچم شهر را برای شارلمانی فرستاد. (پاپ مستقل) لقب نیکلای دوم. چون در زمان او بود که مقام و اختیارات پاپ رسمی و مستقل شد. (پاپ پادشاه) لقب آلکساندر سوم. چون سلاطین اروپائی، او را سلطان و پادشاه خود خطاب کردند. جوانترین کسی که به مقام پاپی رسید «بنوای نهم» بود که در ۱۲ سالگی پاپ شد! و جز او «ژان دوازدهم» در ۱۶ سالگی و «گرگواز پنجم» در ۲۵ سالگی به عالی‌ترین مقامات روحانی جهان مسیحیت رسیدند.

پیرترین کسی که به مقام پاپی رسید «هونوریوس سوم» بود که در ۹۰ سالگی انتخاب شد و جز او «گرگوار نهم» در ۸۶ سالگی و «سستن سوم» در ۸۵ سالگی و «بونیفاس هشتم» در ۷۷ سالگی پاپ شدند. عمر دو تن از پاپها از ۱۰۰ سال تجاوز کرد ۱- سستن سوم ۲- هونوریوس سوم.

پاپ فرمانروای يك سپاه بزرگ مذهبی است که درجات بعد از او و تعداد دارندگان آن درجات از این قراراند:

۲- خلیفه اعظم ۱۰ نفر

۴- اسقف ۴۲ نفر

۶- کشیش محترم ۱۲۳۲ نفر

۸- مدیر جانشین ۱۲ نفر

۱۰- معاون ۲۰۶ نفر

۱۲- هیئت عالی ۷ نفر

۱۴- تارك دنیا (مرد وزن) ۱۲۷۰۰۰۰ نفر

شارلمانی به سال ۷۷۱م. پس از مرگ «گارلمان» به تنهایی بر تخت سلطنت فرانسه تکیه زد. در آن موقع پادشاه لمبارد که دشمن پاپ و به نام «دیدیه» بود بر ایتالیا حکومت داشت. شارلمانی به مقر حکومت لمباردها لشکر کشید و آنجا را محاصره نموده در حین محاصره به روم شتافته عهد اتحاد خود را با پاپ محکم کرد. به قراری که در «پاپ‌نامه» آمده هنگامی که قشون شارلمانی جلوی مقر پادشاه لمبارد اردو زده بودند شارلمانی میل کرد به زیارت آستانه حواریون بیاید مخصوصاً که عید فصح هم نزدیک می‌شد. چون به يك میلی رم رسید «پاپ آورین اول» کلیه سپاهیان و طلاب مدارس را به استقبال او فرستاد. پیشواز کنندگان شاخه نخل و زیتون در دست داشتند و پادشاه فرانک را به فریاد بلند ثنا می‌گفتند. شارل چون از دور چشمش به صلیب‌ها و تصاویر مقدس افتاد از اسب پیاده شد و پای پیاده به کلیسای «سن پیر» رو آورد. این صلیب‌ها و تصاویر مقدسه همان بود که معمولاً جلوی والی ایتالیا و خلیفه اعظم روم می‌بردند. پاپ در کلیسای مزبور روی پلکان منتظر مقدم شارل بود. شارل پله‌ها را یکی یکی بوسید و چون به رواق رسید پاپ را در آغوش کشیده دست او را گرفت و به این ترتیب وارد کلیسا شد. سپس هر دو به بقعه بطروس رفتند و در آنجا هر دو قسم یاد کردند. بعد از آن پاپ به پادشاه فرانک رو کرده و به لحنی پدرانہ آنچه را که پدرش

۱- کاردینال ۸۵ نفر

۳- نایب کل ۵ نفر

۵- کشیش اعظم ۸۸۳ نفر

۷- عالی‌مقام با لباس بنفش رنگ ۷۹ نفر

۹- ناسک ملل آسیائی ۱۹ نفر

۱۱- مطران ۱۲۲ نفر

۱۳- کشیش ۳۶۵ هزار نفر

اولین پایی که مقام او به رسمیت شناخته شد «ژول اول» در سال ۳۴۴ م بود. تنها پایی که به دلخواه از روم به فرانسه رفت و در آنجا ساکن شد «کلمان پنجم» در سال ۱۳۷۸ م بود. بیشترین مدت پایی و زمامداری مذهبی، متعلق به

اولین پاپ یعنی «سن پیر» به مدت ۳۷ سال و بعد از او متعلق به پاپ ۲۵۷ یعنی «پی نهم» به مدت ۳۲ سال است و ۸ پاپ دیگر که بیشتر از دیگران حکومت کردند عبارتند از:

پاپ ۲۵۸ (لئون ۱۳) ۲۵ سال	پاپ ۲۵۲ (پی ۶) ۲۴ سال
پاپ ۲۰۹ (اوزن ۴) ۲۴ سال	پاپ ۲۵۳ (پی ۷) ۲۳ سال
پاپ ۹۸ (آدرین ۱) ۲۲ سال	پاپ ۱۷۰ (آلکساندر ۳) ۲۲ سال
پاپ ۹۹ (لئون ۳) ۲۱ سال	پاپ ۳۴ (سیلوستر ۱) ۲۱ سال

کمترین مدت پایی که از يك سال کمتر بود و حتی به چند روز بالغ شده است مربوط به این پاپها بوده

است:

پاپ ۲۲۴ (مارسل ۲) ۲۱ روز	پاپ ۵ (آنامکت) سه ماه
پاپ ۳۲ (اوزب) سه ماه و ۸ روز	پاپ ۲۳۴ (لئون ۱۱) ۴ ماه و ۱۱ روز
پاپ ۲۳۲ (اینوسان ۹) چهار ماه و نیم	پاپ ۲۱۷ (پی ۳) ۵ ماه و ۲ روز
پاپ ۱۸۶ (آدرین ۵) ۵ ماه و ۱۰ روز	پاپ ۶۸ (بونیفاس ۳) ۵ ماه و ۱۱ روز

پاپ ۱۰۳ (والنتین) - پاپ ۱۱۶ (رومن) - پاپ ۱۲۱ (کریستف) - پاپ ۱۲۳ (آناستاز) - پاپ ۱۳۷ (ونوس) - پاپ ۱۴۴ (ژان ۱۷) - پاپ ۱۴۹ (گرگوار

۶) - پاپ ۱۷۳ (گرگوار ۸) - پاپ ۱۸۵ (اینوسان ۵) - پاپ ۱۸۶ (ژان ۱۹) - پاپ ۲۳۰ (اورین ۷) - نیز هر يك چند ماه زمامدار بودند.

در طی فرمانی که از جانب شارلمانی به سال ۷۸۵ صادر شده چنین آمده است: هر کس به قصد استخفاف دین نصاری روزه بزرگ را احترام نکند کشته خواهد شد.

هر کس جسد مرده ای را به رسم مشرکین طعمه آتش کند مجازاتش اعدام است! هر کس از سردم ساکس که غسل تعمید نکند و مشرک باشد محکوم به اعدام خواهد شد، هر کس به عنف وارد نماز خانه ای شود کشته خواهد شد. تمام اطفال را باید در سال تولد تعمید دهند. هر کس در این امر قصور ورزد و

چنانچه بدون جلب رضایت روحانیون باشد جریمه خواهد شد. شارلمانی در اواخر سال ۸۰۰ به دعوت پاپ «لئون سوم» به روم آمد تا در مقابل مدعیان از پاپ دفاع کند چون در آنجا به سمت سر حکم تعیین شد حق را به جانب پاپ داد. در این موقع حادثه ای اتفاق افتاد که در مردم آن عصر بسیار اثر کرد و آن اینکه در شب میلاد مسیح هنگامی که شارلمانی در کلیسای «سن پیر» مشغول عبادت بود، پاپ تاج امپراطوری را بر سر وی گذاشت. این واقعه را در سالنامه های دولتی آن زمان نگاشته اند: «در عید

چهارده کشور باشد که قانون کلیسا اجازه داده است. درجه و منصب روحانیت او شرط نیست و چه بسا کشیش عادی هم می‌تواند به این سمت انتخاب شود. عدم سلامتی مزاج نیز مانعی برای انتخاب شدن او نیست حتی گاهی بیماری در انتخاب پاپ کمک مؤثری به شمار می‌رود مثلاً موقع انتخاب «لئون» دوازدهم اگر او بیمار نبود مسلماً انتخاب نمی‌شد و بالاخره بر خلاف آنچه که در انتخابات عمومی نمایندگان یا سناتورها یا اعضای انجمن شهرداری هر کشوری حداقل و اکثری برای سن انتخاب شونده‌گان پیش‌بینی شده، در مورد انتخاب پاپ و مقامات درباری پاپ چنین محدودیتی وجود ندارد. لیکن سنین جوانی متوسط سد و حایلی برای انتخاب پاپ است، زیرا تقوی و تجربه دو اصلی است که در مورد انتخاب پاپ حتماً بایستی مراعات شود، از اینرو مرد جوان را هرگز به این سمت انتخاب نمی‌کنند. لیکن در قرون وسطی، در آن ایام شوم و تیره‌ای که تاج امپراطوری «سن پیری» به دست خانواده‌های بزرگ و فتوادلهای رم بود مشاهده می‌شود که بسیاری از جوانان بر مسند «پاپ» تکیه زده‌اند تا جایی که می‌بینیم جوان شانزده ساله‌ای مانند «جان دوازدهم» و حتی کودک دوازده ساله‌ای مانند «بنوای نهم» به مقام پاپی رسیدند. «گرگوار پنجم» جوانی بیست و سه ساله و نوه امپراطور بود که به سعی و کوشش عموزاده اش «اوتون سوم» موقع اخذ رأی پیروز شد. ولی همین جوان با اینکه بیش از سه سال در این مقام نبود کارهایی انجام داد. پس از اصلاحاتی که در قرن یازدهم به عمل آمد از آن به بعد مراعات سن پاپ را می‌کردند. مسلماً «کاردینال دوسینی» که بعدها پاپ «اینوسان سوم» می‌بایستی بشود، باسی و هشت سال سنی که داشت در نظر بسیاری جوان می‌نمود ولی چون به تاریخچه زندگی و کارهای او نظر می‌افکنیم می‌بینیم که از پیر مردان

مسیح هنگام نماز جماعت، شارلمانی به زانو در آمده در برابر محراب پطروس عبادت کرد. چون برخاست پاپ لئون، تاجی بر سر او گذاشت و از مردم روم هر که حاضر بود به فریاد بلند گفت: شارل فرخنده که تاج را از خداوند دارد و امپراطور صلحجو همواره قرین عزت باد. بعد از این شادباش به رسم امپراطوران قدیم بر او دعا کرد و از آن به بعد او را امپراطور همایونی خواندند... دعای پاپ به رسم امپراطوران قدیم از آن جهت بود که شارلمانی جانشین قیصره و لقب «همایون» یافت. قبل از اینکه شارلمانی تاج امپراطوری به سر گذارد خلیفه بیت المقدس کلید صندوق تربت عیسی را به خدمت او فرستاد زیرا شارلمانی را رئیس جهان مسیحیت می‌دانست. از این به بعد شارلمانی هم رئیس روحانیت و هم مدیر امور دولت شد، یا به عبارت دیگر دین و سیاست را به هم آمیخت و برای امور مذهبی و دولتی قانون می‌گذاشت. در مجالس مشاوره اعضای دین و صاحب‌منصبان دولتی را مشترکاً طرف شور قرار می‌داد و در مأموریتها يك مأمور دولتی را با يك روحانی برای تفتیش به شهرستانها می‌فرستاد. مشیر و مشاور او در دربار يك نفر پیشکار حکومتی و يك نفر روحانی به عنوان خزانه‌دار آثار متبرکه بود. اینها و بسیاری اقدامات دیگر سبب تثبیت قدرت و احترامات پاپ شد. شاید بتوان گفت از دوران سلطنت این پادشاه بود که قدرت پاپ پایه‌گذاری شد و مقر پاپ، قبله آمال فقیر و غنی و رعیت و پادشاه گردید.

پاپ چگونه انتخاب می‌شود؟ انتخاب پاپ تحت قوانین و مقررات متعدد و بسیار دقیقی صورت می‌گیرد ولی برای انتخاب شونده چندان شرایط زیادی مورد لزوم نیست مثلاً طبقه اجتماعی پاپ چندان ملاک عمل نیست و همچنین به ملیت او توجهی نمی‌شود فقط بایستی دارای ملیت یکی از

عالی، ۳۵۶ هزار کشتیش معمولی در حدود يك ميليون زنان راهبه و ۲۷۰ هزار مردان تارك دنیا می باشد به عهده دارد.

پنجم) پاپ یگانه حافظ دیانت مسیح و منبع کشف و الهام است. او وظیفه دارد که کتب مقدس و اناجیل اربعه را از نسلی به نسل دیگر برساند.

ششم) پاپ مجتهد جامع الشرائط مسیحیت و معلم اول کلیساست، هنگامی که به سخن می آید یعنی وقتی به تعلیمات امور دین مسیحیان می پردازد و یا یکی از مسایل دینی و اخلاقی مسیحیت را شرح و توصیف می کند هیچکس نباید و نمی تواند گمان و خطا و اشتباه بر گفته های او برد و این بدان معنی است که تفسیرات و تأویلات پاپ بطلان ناپذیر است، اما او مجاز نیست به عنوان کشف و الهامات آسمانی فرضیه های تازه ای به مذهب بیفزاید، چه دوران کشف و شهود الهامات آسمانی پایان یافته است

هفتم) پاپ دارای دولت و حکومت است. او بر کشوری حکومت می کند که کلیه دول حکومت او را به رسمیت شناخته اند. باید دانست که حتی شورویها هم او را به عنوان رئیس کشور به رسمیت می شناختند و برای اولین بار به سال ۱۹۵۶ کاردار سفارت شوروی در ایتالیا به عنوان سفیر شوروی در دربار واتیکان نزد خلیفه اعظم (کاردینال اول که در حقیقت وزیر امور خارجه پاپ است) رفت. وی از طرف دولت متبوع خود مأموریت داشت که درباره طرح خلع سلاح عمومی با پاپ به عنوان رئیس دولت و کشور واتیکان وارد مذاکره شود و موافقت او را جلب کند.

هشتم) از نقطه نظر تاریخی پاپ وارث و جانشین مقام مذهبی روم است و اسقفها در امور مشکل به دامن عنایت او متوسل می شوند. بعد از قسطنطین امپراطور بزرگ روم خلاصی در آن امپراطوری ایجاد

کارآمدتر و مجرب تر بود. لئون دهم سی و هشت سال و «گرگوار» یازدهم چهل سال داشتند. ولی چون به این طرف قضیه بنگریم ملاحظه می کنیم که «بونیفاس هشتم» در حین انتخاب هفتاد و هفت ساله و «سستن سوم» هشتاد و پنج ساله و «گرگوار نهم» هشتاد و شش ساله و «هونوپوس سوم» نود ساله بودند. عمر دو نفر از پاپها از صد سال تجاوز کرد. اولی «سستن سوم» متوفی سال ۱۱۹۸ و دیگری «هونوریوس سوم» متوفی به سال ۱۲۲۷ بود. از آغاز قرن نوزدهم انجمن کاردینالها غالباً کسانی را به مقام پاپی انتخاب کرده اند که سنشان بین ۶۰ و ۶۸ سال بود (البته به استثنای پی نهم که در سن ۵۴ سالگی و جان بیست و سوم که در هفتاد و شش سالگی انتخاب شدند).

پاپ در چه شرایطی قرار گرفته؟ اول عقیده و ایمان او به مذهب کاتولیک است. پاپ در حقیقت نائب مناب و قائم مقام مسیح است بدین معنی که پاپ فعلی دویست و شصت و چهارمین جانشین «پی بر حواری» است که عنوان «مقدس» و لقب «شاهزاده حواریون» را دارد.

دوم) پاپ رئیس کلیسا یا اسقف رم است و به همین دلیل ریاست عالی بر کلیه کلیساهای کاتولیک جهان دارد.

سوم) پاپ بر جامعه عظیم مسیحیت که در پنج قاره کره ارض متجاوز از يك میلیارد و ششصد میلیون نفر می باشد ریاست روحانی دارد.

چهارم) پاپ ریاست کشتیها و کلیه روحانیون کلیساهای کاتولیک جهان را که شامل ۸۵ کاردینال، ده نفر خلیفه اعظم، پنج نفر نایب مناب، ۴۲ اسقف، ۸۸۳ کشتیش اعظم، ۱۲۳۲ کشتیش، ۷۹ صاحب منصب درباری که مجاز به پوشیدن لباس بنفش رنگ هستند، ۱۲ مدیر جانشین و ۱۹ مناسک در ملل آسیایی، ۲۰۶ قائم مقام، ۱۲۲ مسطران، هفت هیئت

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

۱۵	زفورینوس مقدس	۱۹۹-۲۱۷ م
۱۶	کالیکستوس مقدس اول	۲۱۷-۲۲۲ م
۱۷	هیپولوتوس مقدس (ناپاپ)	۲۱۷-۲۳۵ م
۱۸	اوربانوس مقدس اول	۲۲۲-۲۳۰ م
۱۹	پونتیانوس مقدس	۲۳۰-۲۳۵ م
۲۰	آنترویس مقدس	۲۳۵-۲۳۶ م
۲۱	فابیانوس مقدس	۲۳۶-۲۵۰ م
۲۲	کورنلیوس مقدس	۲۵۱-۲۵۳ م
۲۳	نواتیانوس (ناپاپ)	۲۵۱-
۲۴	لوکیوس مقدس اول	۲۵۳-۲۵۴ م
۲۵	ستفانوس مقدس اول	۲۵۴-۲۵۷ م
۲۶	سیکستوس مقدس دوم	۲۵۷-۲۵۸ م
۲۷	دیونوسیوس مقدس	۲۵۹-۲۶۸ م
۲۸	فیلکس مقدس اول	۲۶۹-۲۷۴ م
۲۹	انوکیانوس مقدس	۲۷۵-۲۸۳ م
۳۰	کایوس مقدس	۲۸۳-۲۹۶ م
۳۱	مارکلینوس مقدس	۲۹۶-۳۰۴ م
۳۲	مارکلوس مقدس اول	۳۰۸-۳۰۹ م
۳۳	انوسیوس مقدس	۳۰۹ یا ۳۱۰ م
۳۴	ملکیادس مقدس	۳۱۱-۳۱۴ م
۳۵	سولوستر مقدس	۳۱۴-۳۳۵ م
۳۶	مارکوس مقدس	۳۳۶
۳۷	یولیوس مقدس اول	۳۳۷-۳۵۲ م
۳۸	لیبریوس	۳۵۲-۳۶۶ م
۳۹	فلیکس دوم (ناپاپ)	۳۵۵-۳۶۵ م
۴۰	داماسوس مقدس اول	۳۶۶-۳۸۴ م
۴۱	اورسینوس (ناپاپ)	۳۶۶-۳۶۷ م
۴۲	سیریکیوس مقدس	۳۸۴-۳۹۹ م
۴۳	آناستاسیوس مقدس اول	۳۹۹-۴۰۱ م
۴۴	اینوکتیوس مقدس اول	۴۰۱-۴۱۷ م
۴۵	زوسیموس مقدس	۴۱۷-۴۱۸ م
۴۶	یونیفاکیوس مقدس اول	۴۱۸-۴۲۲ م
۴۷	انولالیوس (ناپاپ)	۴۱۸-۴۲۲ م

شده بود و فقط مقام و مناصب پایی بود که توانست آنرا بر کند. مؤسسات دینی از روی دواير امپراطوری مرتب گردید و حوزه روحانیت با تقسیمات مملکتی منطبق گشت.

نهم) پاپ یا بهتر بگوئیم این مقام بزرگ روحانی بوته زرگری است که در آن بوته جریانات روحانیت و مذهبی و جهان منجمله عالم عبری آسیا، دنیای مصر، جهان یونان و ژرمن با یکدیگر در آمیخته و آنچه که امروزه به نام کلیسای روم مشهور است اختلاط و امتزاج همین معنویات است که افکار لاتینی آنرا تصفیه و معطر ساخته است.

دهم) و بالاخره پاپ کلید این گنبد مقدس است. تاکنون ۲۶۳ پاپ و عده ای مقدسین دیگر بر دنیای مسیحیت فرمان‌روایی کرده‌اند.

سن پیر و جانشینانش

پاپ ژان پل دوم دو بیست و شصت و چهارمین جانشین سن پی بر است. اسامی سایر پاپها و پاپها یعنی جانشینان سن پی بر به ترتیب عبارت است از:

ترتیب	نام	دوره پاپی و ناپاپی
۱	پتروس مقدس	فوت ۶۴ م
۲	لینوس مقدس	۶۷-۷۶ م
۳	کلتوس مقدس (اناکلتوس)	۷۶-۸۸ م
۴	کلمنس مقدس اول	۸۸-۹۷ م
۵	اواریستوس مقدس	۹۷-۱۰۵ م
۶	آلكساندر مقدس اول	۱۰۵-۱۱۵ م
۷	سیکستوس مقدس اول	۱۱۵-۱۲۵ م
۸	تلسفوروس مقدس	۱۲۵-۱۳۶ م
۹	هوگینوس مقدس	۱۳۶-۱۴۰ م
۱۰	پیوس مقدس اول	۱۴۰-۱۵۵ م
۱۱	آنیکتوس مقدس	۱۵۵-۱۶۶ م
۱۲	سوتروس مقدس	۱۶۶-۱۷۵ م
۱۳	الوتریوس مقدس	۱۷۵-۱۸۹ م
۱۴	ویکتور مقدس اول	۱۸۹-۱۹۹ م

م ٤٤٩-٤٤٢	٨٠	تودوروس اول	٤٨	كلستينوس مقدس اول	م ٤٣٢-٤٢٢
م ٤٥٥-٤٤٩	٨١	مارتينوس مقدس اول	٤٩	سيكستوس مقدس سوم	م ٤٤٠-٤٣٢
م ٤٥٧-٤٥٥	٨٢	اثوگنيوس مقدس اول	٥٠	لثوى مقدس اول	م ٤٤١-٤٤٠
م ٤٧٢-٤٥٧	٨٣	ويتاليانوس مقدس	٥١	هيلاريوس مقدس	م ٤٤٨-٤٤١
م ٤٧٦-٤٧٢	٨٤	آدثوداتوس دوم	٥٢	سيمپليكيوس مقدس	م ٤٨٣-٤٤٨
م ٤٧٨-٤٧٦	٨٥	دونوس	٥٣	فليكس مقدس سوم / دوم	م ٤٩٢-٤٨٣
م ٤٨١-٤٧٨	٨٦	آكاتو مقدس	٥٤	گلاسيون مقدس اول	م ٤٩٦-٤٩٢
م ٤٨٣-٤٨٢	٨٧	لثوى مقدس دوم	٥٥	آناستاسيوس دوم	م ٤٩٨-٤٩٦
م ٤٨٥-٤٨٤	٨٨	بنديكٲوس مقدس دوم	٥٦	سوماكوس مقدس	م ٥١٤-٤٩٨
م ٤٨٦-٤٨٥	٨٩	يوانس مقدس پنجم	٥٧	لاورنتيوس (ناپاپ) / ٤٩٨ / ٥٠١-٥٠٥	م ٥٠٥-٥٠١ / ٤٩٨
م ٤٨٧-٤٨٦	٩٠	كونون	٥٨	هورميسداس مقدس	م ٥٢٣-٥١٤
٤٨٧-	٩١	تودوروس (ناپاپ)	٥٩	يوانس مقدس اول	م ٥٢٦-٥٢٣
٤٨٧-	٩٢	پاسكاليس (ناپاپ)	٦٠	فليكس مقدس چهارم / سوم	م ٥٣٠-٥٢٦
م ٧٠١-٤٨٧	٩٣	سرگيوس مقدس اول	٦١	يونيفا كيوس دوم	م ٥٣٢-٥٣٠
م ٧٠٥-٧٠١	٩٤	يوانس ششم	٦٢	ديوسكوروس (پاپ وناپاپ)	٥٣٠
م ٧٠٧-٧٠٥	٩٥	يوانس هفتم	٦٣	يوانس دوم	م ٥٣٥-٥٣٢
٧٠٨-	٩٦	سيسينيوس	٦٤	آكاتوس مقدس اول	م ٥٣٤-٥٣٥
م ٧١٥-٧٠٨	٩٧	كنستانٲينوس اول	٦٥	سيلوريوس مقدس	م ٥٣٧-٥٣٤
م ٧٣١-٧١٥	٩٨	گرگوريوس مقدس دوم	٦٦	ويگيلبيوس	م ٥٥٥-٥٣٧
م ٧٤١-٧٣١	٩٩	گرگوريوس مقدس سوم	٦٧	يلاغيوس اول	م ٥٤١-٥٥٥
م ٧٥٢-٧٤١	١٠٠	زاكارياس	٦٨	يوانس سوم	م ٥٧٤-٥٤١
٧٥٢-	١٠١	ستفانوس دوم	٦٩	بنديكٲوس اول	م ٥٧٩-٥٧٤
م ٧٥٧-٧٥٢	١٠٢	ستفانوس سوم (دوم)	٧٠	پلاغيوس دوم	م ٥٩٠-٥٧٩
م ٧٦٧-٧٥٧	١٠٣	پاولوس مقدس اول	٧١	گرگوريوس مقدس اول	م ٦٠٤-٥٩٠
م ٧٦٩-٧٦٧	١٠٤	كنستانٲينوس دوم (ناپاپ)	٧٢	ساينيانوس	م ٦٠٦-٦٠٤
٧٦٨-	١٠٥	فيلبيوس (ناپاپ)	٧٣	يونيفاكيوس سوم	٦٠٧-
م ٧٧٢-٧٦٨	١٠٦	ستفانوس چهارم / سوم	٧٤	يونيفاكيوس مقدس چهارم	م ٦١٥-٦٠٨
م ٧٩٥-٧٧٢	١٠٧	هادريانوس اول	٧٥	دنوسديت مقدس اول	م ٦١٨-٦١٥
م ٨١٦-٧٩٥	١٠٨	لثوى مقدس سوم		(آدثو اتوس اول)	
م ٨١٧-٨١٦	١٠٩	ستفانوس پنجم / چهارم	٧٦	يونيفاكيوس پنجم	م ٦٢٥-٦٢٥
م ٨٢٤-٨١٧	١١٠	پاسكاليس مقدس اول	٧٧	هونوريوس اول	م ٦٣٨-٦٢٥
م ٨٢٧-٨٢٤	١١١	اثوگنيوس دوم	٧٨	سورينوس	٦٤٠-
٨٢٧-	١١٢	والٲينوس	٧٩	يوانس چهارم	م ٦٤٢-٦٤٠

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

۹۶۵-۹۶۳ م	۱۴۶ لئوی هشتم	۸۴۷-۸۲۷ م	۱۱۳ گرگوریوس چهارم
۹۶۶-۹۶۴ م	۱۴۷ بندیکتوس پنجم (یکی از این دو باب بودند)	۸۴۴-۸۴۴ م	۱۱۴ یوانس (ناپاپ)
۹۷۲-۹۶۵ م	۱۴۸ یوانس سیزدهم	۸۴۷-۸۴۴ م	۱۱۵ سرگیوس دوم
۹۷۴-۹۷۳ م	۱۴۹ بندیکتوس ششم	۸۵۵-۸۴۷ م	۱۱۶ لئوی مقدس چهارم
۹۸۵-۹۷۴ م	۱۵۰ یونیفاکیوس هفتم (ناپاپ)	۸۵۵-۸۵۵ م	۱۱۷ بندیکتوس سوم
۹۸۳-۹۷۴ م	۱۵۱ بندیکتوس هفتم	۸۶۷-۸۵۸ م	۱۱۸ آناستاسیوس (ناپاپ)
۹۸۴-۹۸۳ م	۱۵۲ یوانس چهاردهم	۸۷۲-۸۶۷ م	۱۱۹ نیکولاوس مقدس اول
۹۹۶-۹۸۵ م	۱۵۳ یوانس پانزدهم	۸۸۲-۸۷۲ م	۱۲۰ هادریانوس دوم
۹۹۹-۹۹۶ م	۱۵۴ گرگوریوس پنجم	۸۸۴-۸۸۲ م	۱۲۱ یوانس هشتم
۹۹۸-۹۹۷ م	۱۵۵ یوانس شانزدهم (ناپاپ)	۸۸۴-۸۸۴ م	۱۲۲ ماریونوس اول
۱۰۰۳-۹۹۹ م	۱۵۶ سولوستر دوم	۸۸۵-۸۸۴ م	۱۲۳ هادریانوس مقدس سوم
۱۰۰۳-۱۰۰۳ م	۱۵۷ یوانس هفدهم	۸۹۱-۸۸۵ م	۱۲۴ استفانوس ششم (پنجم)
۱۰۰۹-۱۰۰۴ م	۱۵۸ یوانس هیجدهم	۸۹۶-۸۹۱ م	۱۲۵ فورموس
۱۰۱۲-۱۰۰۹ م	۱۵۹ سرگیوس چهارم	۸۹۶-۸۹۶ م	۱۲۶ یونیفاکیوس ششم
۱۰۲۴-۱۰۱۲ م	۱۶۰ بندیکتوس هشتم	۸۹۷-۸۹۶ م	۱۲۷ استفانوس هفتم / ششم
۱۰۱۲-۱۰۱۲ م	۱۶۱ گرگوریوس (ناپاپ)	۸۹۷-۸۹۷ م	۱۲۸ رومانوس
۱۰۳۲-۱۰۲۴ م	۱۶۲ یوانس نوزدهم	۸۹۷-۸۹۷ م	۱۲۹ تنودوروس دوم
۱۰۴۸-۱۰۴۷ م	۱۶۳ بندیکتوس نهم	۸۹۸-۹۰۰ م	۱۳۰ یوانس نهم
۱۰۴۵-۱۰۴۵ م	۱۶۴ سولوستر سوم (باب/ناپاپ)	۹۰۰-۹۰۰ م	۱۳۱ بندیکتوس چهارم
۱۰۴۶-۱۰۴۵ م	۱۶۵ گرگوریوس ششم (باب / ناپاپ)	۹۰۳-۹۰۳ م	۱۳۲ لئوی پنجم
۱۰۴۷-۱۰۴۶ م	۱۶۶ کلمنس دوم (باب/ناپاپ)	۹۰۳-۹۰۴ م	۱۳۳ کریستوفوروس (ناپاپ)
۱۰۴۸-۱۰۴۸ م	۱۶۷ داماسوس دوم	۹۰۴-۹۱۱ م	۱۳۴ سرگیوس سوم
۱۰۵۴-۱۰۴۹ م	۱۶۸ لئوی مقدس نهم	۹۱۱-۹۱۱ م	۱۳۵ آناستاسیوس سوم
۱۰۵۵-۱۰۵۵ م	۱۶۹ ویکتور دوم	۹۱۳-۹۱۴ م	۱۳۶ لاندونیوس
۱۰۵۸-۱۰۵۷ م	۱۷۰ استفانوس دهم / نهم	۹۱۴-۹۱۴ م	۱۳۷ یوانس دهم
۱۰۴۵-۱۰۴۵ م	۱۶۴ سولوستر سوم (باب / ناپاپ)	۹۲۸-۹۲۸ م	۱۳۸ لئوی ششم
۱۰۴۶-۱۰۴۵ م	۱۶۵ گرگوریوس ششم (باب/ناپاپ)	۹۲۹-۹۳۱ م	۱۳۹ استفانوس هشتم / ششم
۱۰۴۷-۱۰۴۶ م	۱۶۶ کلمنس دوم (باب / ناپاپ)	۹۳۱-۹۳۱ م	۱۴۰ یوانس یازدهم
۱۰۴۸-۱۰۴۸ م	۱۶۷ داماسوس دوم	۹۳۶-۹۳۶ م	۱۴۱ لئوی هفتم
۱۰۵۴-۱۰۴۹ م	۱۶۸ لئوی مقدس نهم	۹۳۹-۹۳۹ م	۱۴۲ استفانوس نهم / هشتم
۱۰۵۵-۱۰۵۵ م	۱۶۹ ویکتور دوم	۹۴۲-۹۴۲ م	۱۴۳ ماریونوس دوم
۱۰۵۷-۱۰۵۵ م	۱۶۹ ویکتور دوم	۹۴۶-۹۵۵ م	۱۴۴ آگاپتوس دوم
		۹۵۵-۹۶۴ م	۱۴۵ یوانس دوازدهم

۱۱۸۷ -	۲۰۳ گرگوریوس هشتم	۱۰۵۷ - ۱۰۵۸ م	۱۷۰ ستفانوس دهم / نهم
۱۱۸۷ - ۱۱۹۱ م	۲۰۴ کلمنس سوم	۱۰۵۸ - ۱۰۵۹ م	۱۷۱ بندیکتوس دهم (ناپاپ)
۱۱۹۱ - ۱۱۹۸ م	۲۰۵ کلستینوس سوم	۱۰۵۹ - ۱۰۶۱ م	۱۷۲ نیکولایوس دوم
۱۱۹۸ - ۱۲۱۶ م	۲۰۶ اینوکتیوس سوم	۱۰۶۱ - ۱۰۷۳ م	۱۷۳ آلکساندر دوم
۱۲۱۶ - ۱۲۲۷ م	۲۰۷ ہونوریوس سوم	۱۰۶۱ - ۱۰۷۲ م	۱۷۴ ہونوریوس دوم (ناپاپ)
۱۲۲۷ - ۱۲۴۱ م	۲۰۸ گرگوریوس نهم	۱۰۷۳ - ۱۰۸۵ م	۱۷۵ گرگوریوس مقدس (ہشتم)
۱۲۴۱ -	۲۰۹ کلستینوس چہارم	۱۰۸۰ - ۱۱۰۰ م	۱۷۶ کلمنس سوم (ناپاپ)
۱۲۴۳ - ۱۲۵۴ م	۲۱۰ اینوکتیوس چہارم	۱۰۸۶ - ۱۰۸۷ م	۱۷۷ ویکتور سوم
۱۲۵۴ - ۱۲۶۱ م	۲۱۱ آلکساندر چہارم	۱۰۸۸ - ۱۰۹۹ م	۱۷۸ اوریانوس دوم
۱۲۶۱ - ۱۲۶۴ م	۲۱۲ اوریانوس چہارم	۱۰۹۹ - ۱۱۱۸ م	۱۷۹ پاسکالیس دوم
۱۲۶۴ - ۱۲۶۸ م	۲۱۳ کلمنس چہارم	۱۱۰۰ -	۱۸۰ تئودریکوس (ناپاپ)
۱۲۶۸ - ۱۲۷۱ م	۲۱۴ گرگوریوس دہم	۱۱۰۲ -	۱۸۱ آلبرتوس (ناپاپ)
۱۲۷۶ -	۲۱۵ اینوکتیوس پنجم	۱۱۰۵ - ۱۱۱۱ م	۱۸۲ سولوستر چہارم (ناپاپ)
۱۲۷۶ -	۲۱۶ ہادریانوس پنجم	۱۱۱۸ - ۱۱۱۹ م	۱۸۳ گلاسیوس دوم
۱۲۷۶ - ۱۲۷۷ م	۲۱۷ یوانس بیست ویکم / بیستم	۱۱۱۸ - ۱۱۲۱ م	۱۸۴ گرگوریوس ہشتم (ناپاپ)
۱۲۷۷ - ۱۲۸۰ م	۲۱۸ نیکولایوس سوم	۱۱۱۹ - ۱۱۲۴ م	۱۸۵ کالیکستوس دوم
۱۲۸۱ - ۱۲۸۵ م	۲۱۹ مارتینوس چہارم	۱۱۲۴ - ۱۱۳۰ م	۱۸۶ ہونوریوس دوم
۱۲۸۵ - ۱۲۸۷ م	۲۲۰ ہونوریوس چہارم	۱۱۳۰ - ۱۱۴۳ م	۱۸۷ کلستینوس دوم (ناپاپ)
۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ م	۲۲۱ نیکولایوس چہارم	۱۱۳۰ - ۱۱۴۳ م	۱۸۸ اینوکتیوس دوم
۱۲۸۸ - ۱۲۹۴ م	۲۲۲ کلستینوس مقدس پنجم	۱۱۳۰ - ۱۱۳۸ م	۱۸۹ آناکلتوس دوم (ناپاپ)
۱۲۹۴ - ۱۳۰۳ م	۲۲۳ بونیفاکیوس ہشتم	۱۱۳۸ -	۱۹۰ ویکتور چہارم (ناپاپ)
۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ م	۲۲۴ بندیکتوس یازدہم	۱۱۴۳ - ۱۱۴۵ م	۱۹۱ کلستینوس دوم
۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ م	۲۲۵ کلمنس پنجم	۱۱۴۵ - ۱۱۴۵ م	۱۹۲ لوکیوس دوم
۱۳۰۵ - ۱۳۱۴ م	۲۲۶ یوانس بیست و دوم	۱۱۴۵ - ۱۱۵۳ م	۱۹۳ ائوگنیوس سوم
۱۳۱۴ - ۱۳۱۶ م	۲۲۷ نیکولایوس پنجم (ناپاپ)	۱۱۵۳ - ۱۱۵۴ م	۱۹۴ آناستاسیوس چہارم
۱۳۱۶ - ۱۳۲۸ م	۲۲۸ بندیکتوس دوازدہم	۱۱۵۴ - ۱۱۵۹ م	۱۹۵ ہادریانوس چہارم
۱۳۲۸ - ۱۳۳۴ م	۲۲۹ کلمنس ششم	۱۱۵۹ - ۱۱۸۱ م	۱۹۶ آلکساندر سوم
۱۳۳۴ - ۱۳۵۲ م	۲۳۰ اینوکتیوس ششم	۱۱۸۱ - ۱۱۶۴ م	۱۹۷ ویکتور چہارم (ناپاپ)
۱۳۵۲ - ۱۳۶۲ م	۲۳۱ اوریانوس پنجم	۱۱۶۴ - ۱۱۶۸ م	۱۹۸ پاسکالیس سوم (ناپاپ)
۱۳۶۲ - ۱۳۷۰ م	۲۳۲ گرگوریوس یازدہم	۱۱۶۸ - ۱۱۷۸ م	۱۹۹ کالیکستوس سوم (ناپاپ)
۱۳۷۰ - ۱۳۷۸ م	۲۳۳ اوریانوس ششم	۱۱۷۸ - ۱۱۸۰ م	۲۰۰ اینوکتیوس سوم (ناپاپ)
۱۳۷۸ - ۱۳۸۹ م	۲۳۴ کلمنس ہفتم (ناپاپ)	۱۱۸۰ - ۱۱۷۹ م	۲۰۱ لوکیوس سوم
۱۳۸۹ - ۱۳۹۴ م	(اویینیون)	۱۱۸۱ - ۱۱۸۵ م	۲۰۲ اوریانوس سوم
		۱۱۸۵ - ۱۱۸۷ م	

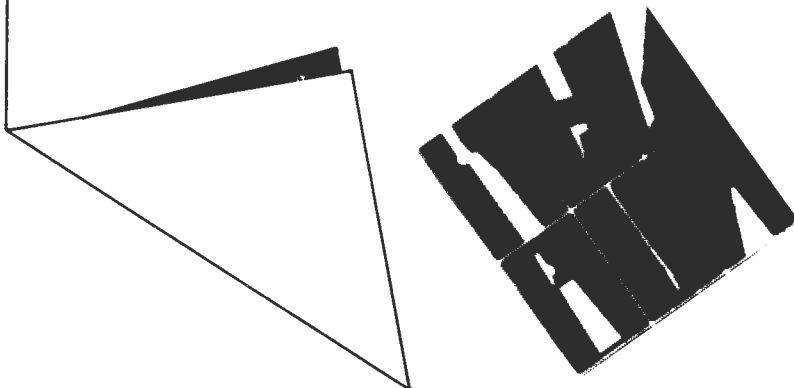
۱۵۸۵ - ۱۵۷۲ م	۲۶۴	گرگوریوس سیزدهم	۱۴۰۴ - ۱۳۸۹ م	۲۳۵	یونیفاکئوس نهم
۱۵۹۰ - ۱۵۸۵ م	۲۶۵	سیکستوس پنجم	۱۴۲۳ - ۱۳۹۴ م	۲۳۶	بندیکتوس سیزدهم («آوینیون» «ناپاپ»)
۱۵۹۰ - ۱۵۹۰ م	۲۶۶	اوربانوس هفتم	۱۴۰۶ - ۱۴۰۴ م	۲۳۷	اینوکتیوس هفتم
۱۵۹۱ - ۱۵۹۰ م	۲۶۷	گرگوریوس چهاردهم	۱۴۱۵ - ۱۴۰۶ م	۲۳۸	گرگوریس دوازدهم
۱۵۹۱ - ۱۵۹۱ م	۲۶۸	اینوکتیوس نهم	۱۴۱۰ - ۱۴۰۹ م	۲۳۹	آلکساندر پنجم («پیزا» «ناپاپ»)
۱۶۰۵ - ۱۵۹۲ م	۲۶۹	کلمنس هشتم	۱۴۱۵ - ۱۴۱۰ م	۲۴۰	یوانس بیست و سوم («پیزا» «ناپاپ»)
۱۶۰۵ - ۱۶۰۵ م	۲۷۰	لئوی یازدهم	۱۴۳۱ - ۱۴۱۷ م	۲۴۱	مارتینوس پنجم
۱۶۲۱ - ۱۶۰۵ م	۲۷۱	پاولوس پنجم	۱۴۲۹ - ۱۴۲۳ م	۲۴۲	کلمنس هشتم («آوینیون» «ناپاپ»)
۱۶۲۱ - ۱۶۲۱ م	۲۷۲	گرگوریوس پانزدهم	۱۴۳۰ - ۱۴۲۵ م	۲۴۳	بندیکتوس چهاردهم («آوینیون» «ناپاپ»)
۱۶۲۳ - ۱۶۲۳ م	۲۷۳	اوربانوس هشتم	۱۴۴۹ - ۱۴۳۹ م	۲۴۴	فیلکس پنجم (ناپاپ)
۱۶۴۴ - ۱۶۲۳ م	۲۷۴	اینوکتیوس دهم	۱۴۵۵ - ۱۴۴۷ م	۲۴۵	نیکولوس پنجم
۱۶۴۴ - ۱۶۴۴ م	۲۷۴	اینوکتیوس دهم	۱۴۵۵ - ۱۴۵۵ م	۲۴۶	کالیکستوس سوم
۱۶۵۵ - ۱۶۴۴ م	۲۷۵	آلکساندر هفتم	۱۴۵۸ - ۱۴۵۵ م	۲۴۷	پیوس دوم
۱۶۶۷ - ۱۶۵۵ م	۲۷۵	آلکساندر هفتم	۱۴۶۴ - ۱۴۵۸ م	۲۴۸	پاولوس دوم
۱۶۶۹ - ۱۶۶۷ م	۲۷۶	کلمنس نهم	۱۴۷۱ - ۱۴۶۴ م	۲۴۹	سیکستوس چهارم
۱۶۶۹ - ۱۶۷۰ م	۲۷۷	کلمنس دهم	۱۴۸۴ - ۱۴۷۱ م	۲۵۰	اینوکتیوس هشتم
۱۶۷۶ - ۱۶۷۰ م	۲۷۷	کلمنس دهم	۱۴۹۲ - ۱۴۸۴ م	۲۵۱	آلکساندر ششم
۱۶۸۹ - ۱۶۷۶ م	۲۷۸	اینوکتیوس یازدهم	۱۵۰۳ - ۱۴۹۲ م	۲۵۲	پیوس سوم
۱۶۸۹ - ۱۶۸۹ م	۲۷۹	آلکساندر هشتم	۱۵۰۳ - ۱۵۰۳ م	۲۵۳	پولیوس دوم
۱۶۹۱ - ۱۶۸۹ م	۲۸۰	اینوکتیوس دوازدهم	۱۵۱۳ - ۱۵۰۳ م	۲۵۴	لئوی دهم
۱۷۰۰ - ۱۶۹۱ م	۲۸۰	اینوکتیوس دوازدهم	۱۵۲۱ - ۱۵۱۳ م	۲۵۵	هادریانوس ششم
۱۷۰۰ - ۱۷۰۰ م	۲۸۱	کلمنس یازدهم	۱۵۲۳ - ۱۵۲۲ م	۲۵۶	کلمنس هفتم
۱۷۲۱ - ۱۷۰۰ م	۲۸۱	کلمنس یازدهم	۱۵۲۳ - ۱۵۲۳ م	۲۵۷	پاولوس سوم
۱۷۲۱ - ۱۷۲۱ م	۲۸۲	اینوکتیوس سیزدهم	۱۵۴۹ - ۱۵۳۴ م	۲۵۸	پیولوس سوم
۱۷۲۴ - ۱۷۲۱ م	۲۸۲	اینوکتیوس سیزدهم	۱۵۵۵ - ۱۵۵۰ م	۲۵۹	پولیوس سوم
۱۷۳۰ - ۱۷۲۴ م	۲۸۳	بندیکتوس سیزدهم	۱۵۵۵ - ۱۵۵۵ م	۲۶۰	مارکلوس دوم
۱۷۳۰ - ۱۷۳۰ م	۲۸۳	بندیکتوس سیزدهم	۱۵۵۹ - ۱۵۵۵ م	۲۶۱	پاولوس چهارم
۱۷۴۰ - ۱۷۳۰ م	۲۸۴	کلمنس دوازدهم	۱۵۵۹ - ۱۵۵۹ م	۲۶۲	پیوس چهارم
۱۷۴۰ - ۱۷۴۰ م	۲۸۵	بندیکتوس چهاردهم	۱۵۶۵ - ۱۵۵۹ م	۲۶۳	پیوس مقدس پنجم
۱۷۴۰ - ۱۷۴۰ م	۲۸۵	بندیکتوس چهاردهم	۱۵۷۲ - ۱۵۶۶ م		
۱۷۵۸ - ۱۷۴۰ م	۲۸۶	کلمنس سیزدهم			
۱۷۶۹ - ۱۷۵۸ م	۲۸۶	کلمنس سیزدهم			
۱۷۶۹ - ۱۷۶۹ م	۲۸۷	کلمنس چهاردهم			
۱۷۷۴ - ۱۷۶۹ م	۲۸۷	کلمنس چهاردهم			
۱۷۷۵ - ۱۷۷۵ م	۲۸۸	پیوس ششم			
۱۷۹۹ - ۱۷۷۵ م	۲۸۸	پیوس ششم			
۱۸۰۰ - ۱۸۰۰ م	۲۸۹	پیوس هفتم			
۱۸۲۳ - ۱۸۰۰ م	۲۸۹	پیوس هفتم			
۱۸۲۳ - ۱۸۲۳ م	۲۹۰	لئوی دوازدهم			
۱۸۲۳ - ۱۸۲۳ م	۲۹۰	لئوی دوازدهم			
۱۸۳۰ - ۱۸۲۹ م	۲۹۱	پیوس هشتم			
۱۸۳۰ - ۱۸۲۹ م	۲۹۱	پیوس هشتم			
۱۸۴۶ - ۱۸۳۱ م	۲۹۲	گرگوریوس شانزدهم			
۱۸۴۶ - ۱۸۳۱ م	۲۹۲	گرگوریوس شانزدهم			
۱۸۷۸ - ۱۸۴۶ م	۲۹۳	پیوس نهم			
۱۸۷۸ - ۱۸۷۸ م	۲۹۴	لئوی سیزدهم			
۱۹۰۳ - ۱۸۷۸ م	۲۹۴	لئوی سیزدهم			
۱۹۱۴ - ۱۹۰۳ م	۲۹۵	پیوس دهم			
۱۹۱۴ - ۱۹۱۴ م	۲۹۵	پیوس دهم			
۱۹۲۲ - ۱۹۱۴ م	۲۹۶	بندیکتوس پانزدهم			

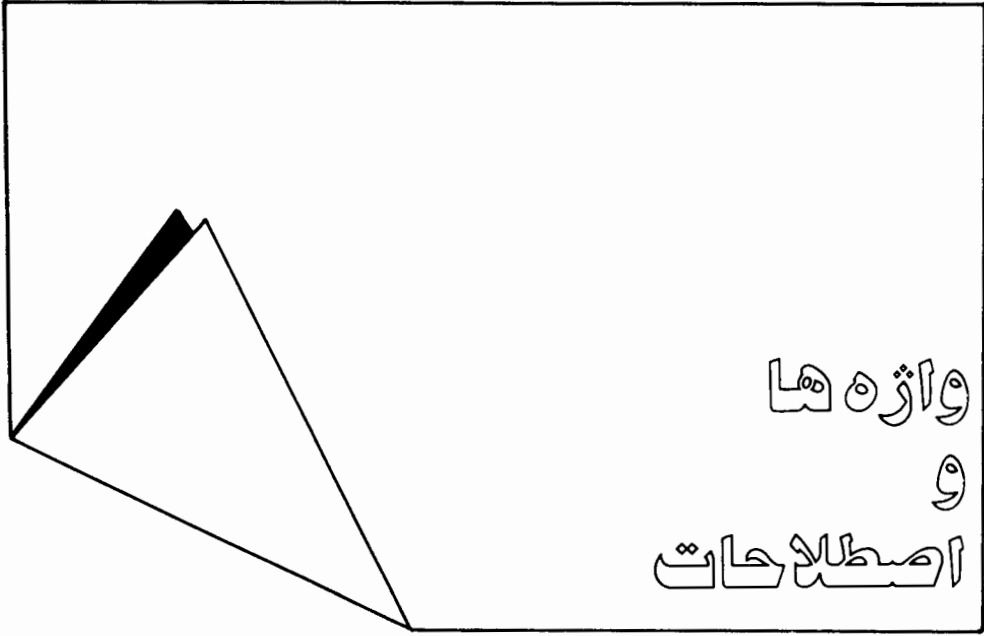
مدت زمامداری خود با رهبران ممالک برای حفظ صلح در تماس بود.	۲۹۷ پیوس یازدهم	۱۹۲۲ - ۱۹۳۹ م
(پاپ صلح) لقب ژان بیست و سوم. چون در تمام مدت زمامداری خود با رهبران ممالک برای حفظ صلح در تماس بود.	۲۹۸ پیوس دوازدهم	۱۹۳۹ - ۱۹۵۸ م
(پاپ مسافر) لقب پل ششم. چون اولین پاپی بود که به مسافرت در ممالک پرداخت و حتی به آفریقا رفت.	۲۹۹ یوانس بیست و سوم	۱۹۵۸ - ۱۹۶۳ م
(پاپ شهید) لقب سن پیر. چون وی اولین پاپی بود که در راه حفظ دین مسیح بدست نرون کشته شد.	۳۰۰ پل ششم	۱۹۶۳ - ۱۹۷۸ م
(پاپ تبعیدی) لقب پی هفتم. چون به امر ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه مجبور به تبعید به آوینیون (در فرانسه) شد.	۳۰۱ ژان پل دوم	۱۹۷۸ -
(پاپ کبیر) لقب گرگوار اول. چون وی خدمات فراوان بعالم مسیحیت کرد و به این جهت جزء اولیاء الله محسوب می شد.	بیشترین نامی که توسط پاپها انتخاب شد «ژان» بود که ۲۳ پاپ خود را به آن نامیدند زیرا ژان (یا - یحیی) نام یکی از مقدس ترین حواریون عیسی مسیح بود و بنام «یحیی تعمید دهنده» شهرت داشت. بعد از ژان، بیشترین نام‌ها که توسط پاپها انتخاب شده است به این ترتیب است:	
(پاپ انقلاب) لقب پی ششم. چون انقلاب کبیر فرانسه در زمان او صورت گرفت.	گرگوار (۱۶ نفر)	بنوا (۱۶ نفر)
(پاپ گرفتار) لقب لئون دهم. چون در زمان وی ماجیرای «مارتین لوتر» و پیدایش مذهب پروتستان اتفاق افتاد.	کلمان (۱۴ نفر)	اینوسان (۱۳ نفر)
(پاپ صلیب) لقب گرگوار هفتم. چون جنگهای صلیبی در زمان زمامداری وی اتفاق افتاد.	لئون (۱۳ نفر)	پی (۱۰ نفر)
(پاپ مغرور) لقب بونیفاس هشتم. چون از بس غرور داشت، به پادشاهان کودک ابله و نادان خطاب می کرد.	اتین (۱۰ نفر)	بونیفاس (۹ نفر)
(پاپ مبارک) لقب سن لین. چون مسیحیان معتقدند اولین کسی بود که توسط «سن پیر» (اولین پاپ جهان) تبرک شد.	اورین (۸ نفر)	آلکساندر (۸ نفر)
(پاپ جوان) لقب بنوای نهم. چون وی در دوازده سالگی به مقام پاپی رسید.	آدرین (۶ نفر)	پل (۶ نفر)
(پاپ زیبا) لقب گرگوار پنجم. چون جوانی زیبای روی بود و در ۲۵ سالگی نیز به مقام پاپی انتخاب شد.	بعضی از پاپها بسبب اقداماتی که مرتکب شده بودند بنام «آنتی پاپ» یا «مخالف پاپ» معروف شدند و در فهرستهای واتیکان و دربار پاپ، نام این پاپها و مدت زمامداری روحانی آنها در شمار رهبران کاتولیک محسوب نمی شود.	
	بعضی از پاپها نیز بسبب خدمات مهم یا کارهای کم نظیری که کرده اند به لقبهایی معروف شده اند از جمله:	
	(پاپ جنگجو) لقب ژول دوم. چون زره می پوشید و شمشیر می گرفت و بجنگ دشمنان دین می رفت.	
	(پاپ فاسق) لقب آلکساندر ششم. چون بسیار فاسد بود و کلیساها را به میکده ها و عشرتکده ها مبدل ساخت.	
	(پاپ نازی) لقب پی دوازدهم. چون در جنگ دوم جهانی وی متهم به طرفداری از آلمان نازی علیه یهودیان شد.	

نکته‌هایی نغز در مورد مشاهیر

«اوتون کبیر» امپراتور آلمان از مقام خود خلع شد.
(پاپ مقتدر) لقب اینوسان سوم. چون آغاز قدرت روحانی پاپ‌ها از دوران او شروع شد.
(پاپ خبیث) لقب نیکلای دوم. چون بسیار بد جنس و شقی بود و بهمین جهت به او «جانور» نیز لقب داده بودند.

(پاپ زندانی) لقب پاپ سیلور. چون وی توسط امپراتور روم باتهام مقاومت علیه امپراتور دستگیر و زندانی شد.
(پاپ تاج بخش) لقب لئون سوم. چون وی بدست خود تاج امپراتوری روم را بر سر شارلمانی گذاشت.
(پاپ مخلوع) لقب ژان دوازدهم. چون از طرف





آریالیق

گزیدگی ایشان براساس وراثت و شرف خونی است و بنابراین می‌توان آن را «حکومت اشراف» ترجمه کرد. البته یافتن یک معیار جهانی (جز وراثت) برای گزیدگی سخت دشوار است و در عمل تاکنون کمتر معیاری برای انتخاب بهترین کسان به کار رفته است. در فلسفه سیاسی یونان آریستوکراسی به معنای حکومت کسانی است که به ایده‌آل کمال انسانی از همه نزدیکترند. ارسطو بهترین انواع حکومت را پادشاهی، آریستوکراسی، و حکومت قانونی می‌داند.

آستر بدرقه

در اصطلاح صحافی، ورق کاغذی که نصف آن (یک لت) به مقوای جلد کتاب چسبیده و نصف دیگر آن (لت دیگر) اولین ورق کتاب را تشکیل می‌دهد. در طرف دیگر (در پایان کتاب) نیز آستر بدرقه به همین ترتیب هست.

نوعی خاص از مقرری و درآمد نقدی یا جنسی در نظام اداری و مالی دولت عثمانی که به طرق و صور گوناگون نسبت به دوره‌های مختلف، به عنوان اضافه حقوق در هنگام اشتغال به خدمت، یا پس از بازنشستگی و برای تأمین معزولیت و کناره‌گیری از کار، به عنوان حق بازنشستگی و برای تأمین زندگی به مأموران عالی‌رتبه اداری و علمای طراز اول پرداخت می‌گردید. این اصطلاح واژه‌ای است ترکی مرکب از «آریا» [= جو] و پسوند «لیق» روی هم به معنی تحت‌اللفظی «پول جو».

آریستوکراسی

معنای اصلی این کلمه که در عین حال متضمن توجیه اخلاقی نیز هست، حکومت گزیدگان است که

آفازی

یا بند آمدن زبان، در روانشناسی، فراموش کردن موارد استعمال کلمات.

آکادمی

باغ آکادمی در یونان محلّی بود که افلاطون در آنجا تدریس می‌کرد و پیروان او را پیرو مکتب آکادمی می‌گفتند.

اما امروز يك مؤسسه علمی و ادبی است که برای توسعه ادبیات و بالا بردن سطح فرهنگ ملتها تأسیس می‌شود.

آفاقی

اصطلاح فقهی مربوط به حج، به معنی کسانی که از خارج مواقیت به حرم آیند. در کتب فقهی، آفاقی در برابر اهل مکّه آمده و این اصطلاح پیش‌تر در فقه اهل سنت به کار رفته است. آفاقی از میقات معینی احرام می‌بندد، ولی منزل کسی که از این میقاتها به حرم نزدیک‌تر باشد، میقات اوست.

آکورد

در علم صوت‌شناخت، استماع توأم چند نُت را گویند. اگر تأثیر آن خوشایند باشد آنرا مطبوع و اگر ناخوشایند باشد آنرا نامطبوع خوانند. آکورد ساده آن است که از دو نُت تشکیل شود؛ آکورد مرکب با بیش از دو نُت تشکیل می‌گردد.

آفبیت (Offbeat)

معمولاً ضربه دوم و چهارم در يك خط میزان را آفبیت می‌گویند. در موسیقی جاز، علی‌الخصوص در راک اندرول (Rock'n'Roll) به آن اهمیت بسیار می‌دهند.

آلای

واژه‌ای در زبان ترکی به معنای طایفه، گروه، فوج و جماعت و نیز اصطلاحی نظامی در سازمان سپاه عثمانی و ارتش نوین جمهوری ترکیه، معادل «هنگ». این واژه، به تشریفات نظامی و درباری و برخی مراسم مذهبی نیز اطلاق می‌شده است. از ترکیب این کلمه با واژه‌های دیگر، اصطلاحات نظامی، اداری، تشریفاتی و درباری به شرح زیر پدید آمده است.

آلای امینی، آلای ارکانی، آلای اماسی، آلای بیگی (که هر چهار اصطلاح نظامی هستند)، آلای چاووشی، آلای قانونی، آلای کاتبی، آلای کوشکی، آلای میدانی، آلای مفتی‌سی، آلای همایون، بایرام آلای (مراسم عید)، صُره آلای، قلیچ آلای (شمشیر بندان)، مولود آلای (اصطلاح دینی).

آق‌صو / آق‌سو

لفظ ترکی است به معنای «آب سفید». اصطلاح فنی برای بستر اصلی رود که از آن نهری منشعب می‌شود.

آکسیون (Action)

در لغت به معنی عمل است و در سینما به اعمال، جنبش‌ها و اتفاقاتی که غالباً پدیدآورنده حوادث است اطلاق می‌گردد.

آلتون تمغا

عندیت) هم نامیده‌اند و شاه نعمت‌الله ولی آن را «نفس رحمانیه» نیز خوانده است.

آنارشیزم

نظریهٔ سیاسی، تئوری، یا فلسفه‌ای که قدرت سیاسی را به هر شکل که باشد نامطلوب می‌شمارد و در واقع افراطی‌ترین شاخهٔ اندیویدالیزم است. هستهٔ مرکزی آنارشیزم دشمنی با دولت است. ولی در عین حال هر نوع قدرت سازمان‌یافتهٔ اجتماعی و دینی را نیز محکوم می‌کند. آنارشیزم قوانین دولتها را سرچشمهٔ تعرض و منشاء همهٔ شرور اجتماعی تلقی می‌کند و به این دلیل خواستار از میان رفتن همهٔ دولتها به معنای امروزی آنهاست و به جای آن هوادار همکاری داوطلبانه است. آنارشیزم - برخلاف آنچه که معروف است - هرج و مرج طلب نیست و جامعهٔ بدون نظم نمی‌خواهد، بلکه به نظامی می‌اندیشد که نتیجهٔ همکاری آزادانه باشد که بهترین شکل آن ایجاد گروههای خودمختار است. زیرا آنارشیزمها انسان را اساساً و ذاتاً اجتماعی می‌پندارند.

آنالوطیقا

واژه‌ای است یونانی که در اصطلاح منطق شامل بحث از قیاس به‌طور عام و خاص می‌گردد. آنالوطیقا را به آنالوطیقای اول و آنالوطیقای ثانی یا دوم تقسیم می‌کنند: آنالوطیقای اول: بحث در باب انواع قیاس به اعتبار مواد آنهاست، یعنی بحث در باب صناعات خمس. آنالوطیقای دوم: بحث از برهان یا قیاس برهانی است که گونه‌ای خاص از قیاس به شمار می‌آید.

واژهٔ مغولی و مرکب از دو جزء «آلتون» = طلا، و «تمغا» = مهر؛ و به اثر مهرهائی گفته می‌شود که با مرکب طلائی برنامه‌ها و فرمانهای پادشاهان مغول و ایلخانان ایران می‌زدند. شکل و مضمون آلتون تمغاها مانند آل تمغاها، ولی مورد به‌کار بردن آنها برای نامه‌هائی بوده است که به ملوک و پادشاهان می‌نوشته‌اند، و نیز برای امور لشکری و بروات خزانه و معاملات آب و زمین اختصاص داشته است.

آلگرو

اصطلاحی است در موسیقی اروپایی - لفظ ایتالیایی به معنی بشاش - که نشان می‌دهد که قطعهٔ موسیقی که این لفظ در ابتدای آن نوشته شده، باید تند اجرا شود.

آمیل

در اصطلاح شیمی. رادیکال يك ظرفیتی (C₅H₁₁)

آن دائم

اصطلاحی عرفانی، به معنای امتداد حضرت الهی که به این امتداد ازل در ابد مندرج است. ازل و ابد در «وقت» حاضر هستند و وقت مجمع ازل و ابد است و آن دورا متحد سازد؛ از این جهت آن را «باطن زمان» و «اصل زمان» نیز خوانند، زیرا آنات زمانی مانند نقوشی بر آن هستند و او بر حال خود دائماً و سرمداً ثابت است. آن دائم را بنسایر فرمایش معصوم (ع) که «لَيْسَ عِنْدَ رَبِّكَ صَبَاحاً وَ لَآ مَسَاءٌ» (نزد پروردگارت صبح و شامی نیست) «حضرت

آنتی سمیتیزم

در مبارزه با بورژواها نیز موضع رهبری مشابهی داشته باشد؛ سرانجام این واژه پس از ۱۹۱۰م در بسیاری از کشورها به آن عده از نوآوران فرهنگی اطلاق می شده است که سواى همبستگی های سیاسی شان خارج از چارچوب درك عامه بودند. اگر چه این اصطلاح هنوز می تواند هنرمندانی را که خلاقیّت کمتری دارند و کمتر شك می کنند، واسطه ها و نیز منتقدانی را که از پیوستگی به گروه اقلیت احساس ثمربخشی دارند از میدان بدر کند، اما از رواج افتاده است، زیرا انواع گونه گون هنر، موسیقی و ادبیات وابسته به آن دیگر از اقبال عامه و حمایت رسمی برخوردار شده اند.

آینه

قلب انسان کامل است و انسان را از جهت مظهریت ذات و صفات و اسماء آینه گویند و این معنی در انسان کامل که مظهریت تامه دارد اظهر است.

آینه کائنات، مظهر تمثال نیست

حسن تو در آینه گشته عیان فی المثل.

(شاه نعمت الله)

آئین مونروئه

آئین پیشنهادی مونروئه رئیس جمهور سابق آمریکا که در ۲ دسامبر ۱۸۲۳ تقدیم کنگره گردید و تصویب شد و طبق آن از نفوذ کشورهای قاره های دیگر در کشورهای آمریکائی جلوگیری به عمل آمد و همچنین دخالت آمریکا در امور کشورهای اروپائی منع گردید.

ابجد

در زبانهای اروپایی به معنای «ضدیت باسامی» و به صورت عنوان خاص به معنای «ضدیت با یهود» است. در اروپای قرن بیستم خصومت ورزیدن با یهودیان که سابقاً مبنای دینی داشت، جای خود را به خصومت نژادی داد، و آلمان نازی مرکز ترویج این نظریه شد. ضدیت با یهود، به عنوان نژاد، در نیمه قرن نوزدهم، همزمان با پیدایش تئوریهای برتری نژاد آریایی یا نوردیک، نضج یافت، و طرفداران این عقیده کوشیدند تا برای آراء خود پایه های علمی بیابند. لیکن یکی از عوامل مهم پیدایش این نظریه در واقع رشك غیر کلیمیان به موفقیتهای اقتصادی این قوم است که در امور بازرگانی و حرفه های آزاد موفقیتهای ممتاز بدست آورده اند. و عامل دیگر وجود بحران اقتصادی و اجتماعی آلمان شکست خورده پس از جنگ جهانی اول بود که هیتلر و پیروانش علت آن را گروه نژادی خاص، یعنی یهودیان، می دانستند.

آوه ماریا

دعایی است خطاب به مریم عذرا، به معنای «درود! مریم». که کاتولیکهای رومی می خوانند. برای این دعا آهنگهای موسیقی متعدّد ساخته اند از جمله شوبرت و گونو.

آوانگارد

اصطلاح نظامی فرانسوی که تا پیش از ۱۸۴۸م برای هر گروه سیاسی جمهوری خواه یا سوسیالیست پیشتاز به کار برده می شد و بعدها آنرا برای این فرض به کار بردند که هنر «پیشرفت» باید

عده و مرتبه ابدال، صوفیه اتفاق نظر ندارند.

ابر

ابر در اصطلاح اهل الله حجابی است که سبب فصول گردد و پرده عبودیت و ربوبیت است، و در اصطلاحات صوفیه است که: ابر حجابی است که سبب وصول شهود باشد بواسطه کوشش و اجتهاد تا دلیل از آن گیرد.

ابر فضلش چون بتابد بر زمین ممکنات،
آن زمین و آسمان را پر زماه و خور کند.

(مغربی)

أبر

یکی از اصطلاحات هفتگانه هنر نگارگری ایران، که منظور از آن نگاشتن ابر در مینیاتورها و تصویرها به انواع گوناگون است. نویسندگانی که در زمینه اصطلاحات هنری ایران آثاری به جا نهاده‌اند، مانند عبدی بیگ شیرازی، قطب‌الدین محمد قصه‌خوان، سیداحمد آهو چشم‌مشهدی، صادق بیگ افشار کتابدار، و قاضی احمد منشی قمی، همه ابر را شاخه‌ای از شاخه‌های هفتگانه هنر نگارگری نام نهاده‌اند. ابر بجز نگارگری، گاه در نقشه‌قالی، طرح پارچه و زری، حل‌کاری، تشعیر، کنده‌کاریهای ظروف فلزی، گچ‌بری، نقش‌کاشی و جلدهای سوخت و ضربی و روغنی نیز بکار رفته است، اما بیشترین کاربرد آن در نگارگری و مینیاتوری است.

أبرار

ابرار عبارت از متوسطان در سلوکند و از بندگان خاص خداوند که مدارجی از سیر الی الله را طی کرده

واژه‌ای شکل‌یافته از نخستین چهار حرف الفبای قدیم سامی که بویژه به کار برد حروف به جای اعداد (حساب ابجد = حساب جمل) یعنی به ارزش عددی حروف در ترتیب اصلی الفبای سامی باستان اشاره دارد. در مشرق، این حروف به صورت هشت لفظ و احتمالاً به خاطر سرعت در حفظ کردن به صورت کلمات تلفظ بدون معنی می‌آورند که این الفاظ به ترتیب چنین است:

ابجد (۴،۳،۲،۱)

هوز (۷،۶،۵)

حطی (۱۰،۹،۸)

کلمن (۵۰،۴۰،۳۰،۲۰)

سعفص (۹۰،۸۰،۷۰،۶۰)

قرشت (۴۰۰،۳۰۰،۲۰۰،۱۰۰)

نخذ (۷۰۰،۶۰۰،۵۰۰)

ضظغ (۱۰۰۰، ۹۰۰، ۸۰۰)

خصوصاً در ماده تاریخ فراوان بکار رفته است.

ابد

امتداد زمان در طرف آینده است و نزد متصوفه ابد و ازل از نعوت الهی‌اند و فرق میان آندو، آنکه ازلت را بدایتی نیست و ابدیت را نهایی نیست. ابدیت اشاره بترك انقطاع و محو اوقات است در سرمد (واسطی).

ابدال

ابدال جمع بدل است. ابدال در تصوف از خاصان و اولیاء خدا هستند که مردم آنرا نمی‌شناسند، لذا اینان را رجال الغیب نیز گفته‌اند. طبق عقاید صوفیه زمین از ابدال خالی نیست، زیرا ابدال در نظم جهان می‌کوشند و به درماندگان یاری و کمک می‌کنند. در

باشند و در قرآن مجید آمده است که «توفنامع الابرار و یشریون من کاس کان مزاجها کافوراً».

اِبراء

شخص یا اشخاص از طریق مأموران دادگستری، طبق تشریفات و شرایط خاص، ابلاغ یا قانونی است یا واقعی. در نوع اول موضوع ابلاغ از طریق رسمی به شخص می‌رسد بدون آنکه به رؤیت طرف برسد؛ ولی در ابلاغ واقعی، ابلاغ به خود طرف یا وکیل او مستقیماً تسلیم می‌شود.

اصطلاحی فقهی و حقوقی، علمی انشائی است که موجب سقوط تعهدات می‌شود و در نتیجه آن برائت ذمه مدیون است. این نتیجه در نظر بعضی از فقها معلول این است که حقیقت ابراء عبارت است از اسقاط ذمّین از طرف داین، در حالی که به نظر برخی دیگر از فقها حقیقت ابراء تملیک دین به مدیون است و برائت ذمه مدیون ناشی از این مطلب است.

ابری

در موسیقی، یکی از متعلقات دستگاه شور، که گامش با آن یکی است و تنها اختلاف آن با شور در توقف مکرر روی درجه چهارم (نت شاهد) و درجه دوم (نت ایست) است. حجاز نیز شبیه به ابوعطا است، و بیشتر برای خواندن مناجات‌های مذهبی و قرآن بکار می‌رود، و دارای چهار ردیف و گوشه است: درآمد، حجاز، گبری، و نشیب و فراز.

کاغذی که با درآمیختن رنگهای گوناگون نقوشی درهم و شبیه به ابر یا امواج آب بر آن پدید آرند. این واژه غیر از اصطلاح «ابر» و «ابرسازی» است که یکی از شاخه‌های هفتگانه هنر نگارگری ایران به شمار می‌آید. کاغذ ابری برای آراستن حاشیه کتابهای خطی نفیس، مرقعات، متن قطعات خط و نقاشی، روی جلد، آستر بدرقه کتاب، زمینه قلمدان و جعبه‌های روغنی به کار می‌رفت، و امروزه بیشتر برای قطعه‌نویسی به کار می‌رود. ساختن کاغذ ابری به مواد و وسایلی نیاز دارد که ویژگیها و روش تهیه و آماده‌سازی آنها به شیوه رایج در ایران احتیاج به تخصص و کارایی ویژه‌ای دارد.

اِبرا ← اوِبرا

اِپرای اِسبِی

اصطلاح تحبیب و تحقیر برای فیلمهای وسترن، و احتمالاً دو نکته علت این نامگذاری است، یکی این حقیقت که بهترین دوست قهرمان این جور فیلمها معمولاً اسبش بود، و دیگر آنکه پس از پیدا شدن سینمای سراسر گفت و گو، که به سقوط هرچند موقت وسترن سراسر حادثه انجامیده بود، گاوچران سوار هم آواز می‌خواند.

اِپرای صابونی

اصطلاحی تحقیر آمیز برای برخی از فیلمها یا برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، که پیش از رسیدن به

به معنی رسانیدن است، و در اصطلاح عبارت است از به‌رؤیت رسانیدن و به اطلاع رسانیدن

مجال ماند.

اتّصالی

در برق، اصطلاحی حاکی از قطع شدن غیرمترقبه جریان برق در برقرآهه برآثر عوارضی از قبیل پریدن فیوز یا گسستن مسیر برق.

اتّفاق

در لغت با هم یکی شدن و متوافق بودن است. و در اصطلاح علم بدیع، آوردن اسم ممدوح یا تخلص شاعر به نحوی جالب و مآهرآنه است که تصادفی و اتّفاقی جلوه نماید. مانند:

سِرِّ غم عشق بوالهوس را ندهند،
نور دل پروانه مگس را ندهند.
عمری باید که یار آید به کنار،
این دولت سرمد همه کس را ندهند.

(سرمد کاشی)

اتلاف مال غیر

موجب ضمان قهری است و مُتَلَف باید مثل یا قیمت مال تلف شده را بپردازد، اعم از اینکه آنرا عمداً یا سهواً تلف کرده باشد، و مال هم اعم است از عین یا منفعت.

اتوبیوگرافی

بیوگرافی به معنای شرح حال و زندگی افراد است و اگر کسی بیوگرافی خود را شخصاً بنویسد آنرا اتوبیوگرافی گویند.

پایان خوش، غم ملودرامی را تا جا دارد کیش می دهند. وجه تسمیه این اصطلاح آن است که در میان کسانی که در قبال پخش آگهی تجارّتی خرج مجموعه‌های رادیوئی رادیو آمریکا را در اوائل دهه ۱۹۳۰م می دادند، تولیدکنندگان صابون از همه بیشتر بودند.

اُپورتونیزم

فرصت طلبی، ابن السّوقّتی، تغییر جهت دادن برحسب تغییر اوضاع به خاطر منافع شخصی. در سیاست، «اُپورتونیزم» بر کسانی اطلاق می شود که همواره به سوی قدرت و حاکم وقت گرایش دارند و پایبند اصولی نیستند و یا اصول خود را فدا می کنند.

اِتّساع

در علم بدیع، سخن گفتن که آنرا به چند گونه معنی و تفسیر توان کرد؛ مانند:

لیان لعل تو با هر که در حدیث آمد
براستی که ز چشمش بیوفند مرجان

(سعدی)

(براستی= به حقیقت یا سوگند به راستی؛ از چشم اوفتادن= فروریختن یا خوار گشتن؛ مرجان= اشک خونین چون مرجان، یا جان)

اتّصال

اتّصال در لغت به معنی پیوستن در مقابل گسستن و انفصال است. در اصطلاح سالکان نهایت جمله احوال شریفه اتّصال محبّ به محبوب است و آن بعد از فنای وجود محبّ و بقای او به محبوب صورت بندد، چه قبل از فنا امکان وصول نیست، آنجا که سطوات انوار قدم تاختن آرد ظلمت حدّثان را چه

اتوکراسی

که يك نفر ثقه | = شخص مورد اعتماد از لحاظ علم و تقوا | به کسی داده می شود که از او حدیث یا مطلبی را نقل کند؛ حال این اجازه ممکن است نقل حدیث از همه مسموعات مجیز باشد، یا اینکه از کتاب و مطلب معینی. اجازه ممکن است کتبی یا شفاهی باشد. بعضی گفته اند که مجیز حتماً لازم نیست که از مجاز برتر باشد.

اجتهاد

اصطلاح فقهی، عبارت از کوششی است که فقیه در مورد يك قضیه یا حکم فقهی می کند تا به طریق ظنی که برای او حجت دارد - یعنی به گمانی که به موجب آن نتواند حکم قطعی صادر کند - برسد؛ و این از راه مراجعه به قرآن و حدیث نبوی حاصل می آید.

اجماع

یکی از اصول چهارگانه فقه اسلامی - سه اصل دیگر: کتاب، سنت، عقل - به معنی اتحاد کلمه فقهای اسلامی در مسئله خاصی. بدین ترتیب اجماع، عوام را شامل نمی شود. بعضی از فرقه های اسلامی مقصود از اجماع را اجماع اصحاب پیغمبر در امری می دانند، بعضی دیگر اجماع فقهای مدینه و برخی هم اجماع فقهای دو شهر بصره و کوفه را معتبر می شمارند. وهابیه تنها اجماع اصحاب پیغمبر را قبول دارند.

احتراس

در علم بدیع، سخنی لطیف و سنجیده در ردّ اعتراضی محتمل از پیش گفتن، مانند: پرسم ز تو پرسیدن اگر عیب نباشد،

نوعی بنیاد قدرت که دارای این مختصات است: الف) تفوق آشکار يك فرد در رأس يك سلسله مراتب اداری؛ ب) نبودن قوانین یا سنتهایی که بر عمل فرمانروا نظارت کند؛ پ) نامحدود بودن قدرت فرمانروا در عمل. اتوکراسی ممکن است بر وفاداری اتباع یا بر ترس آنها از مجازات متکی باشد. صاحب قدرت (اتوکرات) ممکن است که قدرت خود را از طریق قراردادهای و سنتهای اجتماعی کسب کرده باشد یا آن را به زور به دست آورده باشد که در صورت اول اتوکراسی مشروع از طریق وراثت یا همکاری و در صورت دوم دیکتاتوری است. سلطنتهای مطلقه از نوع حکومت های اتوکراتیک هستند.

اثنیت

یاثنویت، دوگانگی یا دوگانه پرستی مقابل توحید است که یکتا پرستی است.

اجابت

عهد و پیمان عبد است با حق. پیر طریقت گفت: صحبت با حق دو حرف است: اجابت و استقامت. اجابت عهد است و استقامت وفا. اجابت شریعت است و استقامت حقیقت است. درك شریعت را هزار سال به ساعتی در توان یافت و درك حقیقت ساعتی به هزار سال نتوان یافت.

اجازه

در اصطلاح علم حدیث عبارت است از اجازه ای

احدیت

در نزد صوفیه، بر بلندترین و شامخ‌ترین مرتبه و مقام خداوند دلالت می‌کند که اسم و رسمی ندارد و به هوهو بیان و اشاره می‌گردد، و در فلسفه قسمت ناپذیری ذات خداوند را گویند.

احرام

احرام عبارت از این است که زائرین خانه خدا از محلّ معینی که میقات باشد قصد و نیت انجام فرائض حج کنند و لباس مخصوص بر تن کنند و بسیاری از مباحات در خارج از حرم بر آنها حرام شود.

احوال

جمع حال است و در لغت به معنای تحوّل از حالتی به حالت دیگر آمده است، و گویند «حال حولا و حولا» یعنی تحوّل یافت از حالی بحال دیگری و «حالت الدار» یعنی احوالی بر آن آمد و عارض او شد، «حوله تحویلا» یعنی آنرا از مکانی به مکانی دیگر نقل کرد، «حواله الیه» یعنی برگردانید او را بسوی آن، «احال الیه الحول» یعنی بر آن سالی گذشت و یا احوالی عارض شد.

اخاذی

طریقه غیرقانونی تحصیل پول یا مال با به‌کار بردن زور، تولید وحشت، یا سوء استفاده از مقام.

اختلاس

عاشق چونمی‌خواهی، معشوق چرائی
(خواجوی کرمانی)

احتساب

نگاهداری نظم اجتماع اسلامی در معاملات و مراعات، و جلوگیری مردم از تخطّی به حدود و حقوق یکدیگر. دیوان احتساب یا حسبه در بلاد اسلامی قدیم کارهایی انجام می‌داده که اکنون در اختیار ادارات شهرداری و شهربانی و دادگستری است.

احتکار

در اصطلاح فقه اسلامی عبارت است از انبار کردن غلات و مایحتاج ضروری، و در اصطلاح مدنی انبار کردن چیزی که مورد نیاز مردم است تا آنرا به نرخ بالاتر بفروشد. در اسلام کسی که غلات را احتکار کرده در موقع قحط و کمبایی وی را مجبور به فروش کالا می‌کنند، در صورت خودداری، حاکم می‌تواند آنچه احتکار شده است در معرض فروش عمومی بگذارد.

احتمال (ریاضی)

بنابراین تعریف، احتمال اینکه بین چند امر، که امکان وقوع آنها یکسان است، آنکه مطلوب است پیش آید، نسبت عدّه حالات مطلوب است به عدّه کلیّه حالات ممکن. مثلاً در بازی شیر یا خط با یک سکه، احتمال شیر $\frac{1}{2}$ و نیز احتمال خط $\frac{1}{2}$ است. امروزه این حساب در مباحث مختلف - از جمله در علم آمار - اهمیت بسیار دارد.

ادراك

ادراك مصدر باب افعال و به معنای دریافتن است. ادراك به اصطلاح صوفیان بر دو وجه است یکی ادراك بسیط که ادراك وجود حق است با ذهول از این ادراك و از آنکه ادراك وجود حق است و دیگر ادراك مرکب و آن عبارت از ادراك وجود حق است با شعور به آن ادراك و به آنکه مدرك حق تعالی است و این ادراك محل فکر و خطا و صواب است و حکم ایمان و کفر راجع بدان می باشد و فضیلت اهل معرفت به آن است.

ادماج

در علم بدیع، در ضمن سخنی از مدح یا ذم یا غیر آن، سخنی دیگر از همان جنس یا جز آن آوردن چنانکه بر شیوائی و لطف سخن پیشین بیفزاید، مانند:

در عهد شاه عادل اگر فتنه نادرست
این چشم مست و فتنه خونخوار بنگرید.

(سعدی)

ادوار وجود

مراد گردش وجود است در مدارج کمالات ممکن خود و عودت آن بسوی مبداء المبادی. لاهیجی گوید: از اول مراتب موجودات که خلق اول است تا آخر تنزلات که مرتبت انسانی است و از مرتبت انسانی تا مرتبت الهیت که نقطه آخرین دایره به اول متصل می شود يك خط مستدیر مرهوم است که از تجدد تعینات نقطه وحدت نموده می شود و بر و خلق جهان گشته مسافر.

تصرف و برداشتن مال غیر را بدون اذن و اجازه و حق، اختلاس گویند. مأمورین مرتکب به اختلاس، تعقیب و پی گرد قانونی دارند.

أخْرَب (عروض) ← خرب.

أخْرَم (عروض) ← خرم.

اخلاص

به معنای خلوص و تصفیة عمل است از تمام شوائب مانند ریا و عجب و کبر و آنچه حاجب حقیقت و مایه فساد عمل گردد از حظوظ نفسانی اعم از آنکه مبطل ذات عمل باشد و یا موجب تباهی روح و حقیقت اعمال گردد.

اخی

در اصطلاح جوانمردان، طبقه ای خاص از مردم ایران و سایر بلاد اسلامی، که بخشندگی و کارسازی و دستگیری از مردم را شعار خویش کرده و با آداب و رسوم خاصی این آیین فتوت و جوانمردی را به کار می بسته اند. آیین جوانمردی و اخوت - که نام اخی نیز از همین کلمه مشتق شده است - که در واقع عبارت از اعتقاد به تمام صفات يك جوان تمام عیار بوده است، در آغاز جنبه اخلاقی قوی داشته، و ظاهراً از تأثیر مروّت و فروسیّت عرب جاهلی خالی نبوده است.

أخِيف (بدیع) ← خیفاء

ادب طلب (در علم بدیع) ← حُسن طلب

ارتجاعی

صفت یا اسمی که به کسانی اطلاق می‌شود که هم در مقابل هر گونه دیگرگونی سرسختی نشان می‌دهند و هم درصددند که زمان را به عقب برگردانند و به دوره قدیمتر جامعه برگردند که به نظر آنها دارای مختصاتی است (مثل انضباط، احترام به مرجعیت و شأن، ساخت سلسله مراتب، حسن انجام وظیفه) که در زمان حال فاقد آنها است. واژه ارتجاع را عموماً متضاد با «پیشرفت» و ترقی می‌دانند.

ارتشاه

دریافت غیرقانونی وجه یا مالی از طرف مأمورین دولتی برای انجام دادن کاری که وظیفه آنان است، اعم از اینکه آن کار را انجام دهند یا ندهند، و انجام دادن آن برطبق حقانیت بوده یا نبوده باشد.

ارسال المثل (بدیع)

در علم بدیع، گنج‌نابیدن مثلی مشهور یا سخن حکمتی در شعر؛ مانند:
آب کز سرگذشت در جیحون
چه بدستی، چه نیزه‌ای، چه هزار.
(سعدی)

ارسال المثلین (بدیع)

در علم بدیع، آوردن دو مثل در شعری؛ مانند:
نصیح‌ همه عالم چو باد در قفس است
به‌گوش مردم نادان چو آب در غربال.

اراده عبارت از صفت قدیم است که زائد بر ذات است و قائم بدان است و شأن آن تخصیص ممکنات به بعضی از آنچه حائز است. اراده از نظر لغوی به معنای خواستن و قصد کردن و توجه کردن آمده است و حکما عزم راسخ را که بعد از مقدمات فعل که تصور، میل، عشق و شوق باشد حاصل می‌شود اراده می‌گویند که مقدمه قریب فعل است.

ارباب ریاضت

کسانی را گویند که ترک شهوات کرده و کم‌خورند و نوشتند و مجاهدت با نفس کنند و دائماً ذکر کنند و خود را از قیود مادی و حجب ظالمسانی دنیوی مستخلص گردانند و در نتیجه بر آنها انوار روحانی ظاهر گردد و امور غریبه غیبی برای آنان آشکارا گردد و بواسطه مشاهده اشباح روحانی انواع حوادث و معلومات را دریابند و آنچه را بخواهند بدانند.

ارباب قلوب

صاحبان حال نه مقال و زنده دلان راه حقیقت که گهی در قبض باشند، گهی در بسط، گهی در هیبت، گهی در انس، ساعتی غیبت برایشان غالب، ساعتی حضور، ساعتی سکر، ساعتی صحو، ساعتی بقاء، ساعتی فنا.

ارباب کشف و شهود

کسانی می‌باشند که حق را مشاهده می‌کنند در هر نفسی که متجلی به تجلی دیگر شود و تجلی او را تکرار نیست، بواسطه مجاهدات و ریاضات و تزکیه نفس و تهذیب باطن، از ظاهر به باطن رفته و حق را در تمام

ارکان سلوک

ارکان سلوک عبارتند از هدایت‌کنندگان سالکان طریق و نیز صاحبان ارادت و محبت که مریدان را لازم است در مقابل آنان ترك رأی و اندیشه و نیز ارکان سلوک، هدایت، ارادت، محبت، اطاعت، انقیاد محض است.

ارقط (بدیع) ← رَقْطَاء.

ارواح قدسی

ارواح قدسی عبارت از ارواح مجردة ملكوتیه‌اند که ارواح عالیه هم می‌نامند. و ارواح انسانی و ارواح مکرّمه هم گویند.

إزّاره (معماری)

در اصطلاح معماری، قسمت پایین دیوار که با سنگ یا آجر یا کاشی و امثال آنها نماسازی می‌شود و از باقی دیوار متمایز است.

أزَلّ (عروض) ← زَلَل

ازل (تصوّف)

ازل به معنی قدم است و ازلیت مخصوص خداوند است، و ازل نامی از نامهای خداست و ازلیت صفتی از صفات اوست و آنچه را اوّل نیست ازل گویند چنانکه، ابدی چیزی است که او را آخر نباشد.

در اصطلاحات صوفیه است که ازل امتداد فیض را گوید از مطلق معنی و ظهور ذات احدیت در مجالی اسماء بر وجهی که مسبوق بر ماده و مدّت نباشد.

اسب تروا

در ادبیات سیاسی، اصطلاحی برای اشاره به حیل و مکر استراتژیک و یا دیپلماتیک است.

اسپرانتو

زبانی است بین‌المللی از ابتکارات دکتر زمان اف در سال ۱۸۸۷ شامل دستور زبان بسیار ساده و حداکثر تا ۱۶ قاعده بسیار سهل که الفبای آن نیز لاتین است.

استافیلوکوک (Staphylocoque)

در لاتین به معنی دانه انگور است و در اصطلاح عبارت از میلیونها میکرب زنده هستند که در روی پوست بدن و مخاط و مراکز نرم بدن و در گردوغبار و روی نباتات به رنگهای زرد و لیمونی و سفید پراکنده هستند.

استالینیزم

اصطلاح منسوب به یوسف و یساریونویچ استالین (تولد ۱۸۷۹ - مرگ ۱۹۵۳) نخست‌وزیر، فرمانده کلّ قوا، دبیر کل حزب کمونیست، و دیکتاتور سابق شوروی. استالینیزم ایدئولوژی خاصی نیست، بلکه شامل روشهای اعمال مارکسیزم - لنینیزم در روسیه شوروی در دوران حکومت استالین و مقداری تفسیر آن تئوریه‌ها و انطباق آنها با عمل است.

استبداد

مراد از آن بنیاد سیاسی است که دارای این

یکی استجابات توحید دیگر استجابات تحقیق. توحید یکتا گفتن مؤمنان است، تحقیق یکتا بودن عارفان است. توحید صفت روندگان است، تحقیق حال ربودگان است، آن صفت خلیل است و این صفت حبیب است. خلیل رونده است بر درگاه عزت، بر مقام خدمت ایستاده که فرمود « وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض ».

استحسان

مراد از استحسان استحباب امری و اختیار چیزی است که متصوفه آنرا به اجتهاد خود وضع کرده اند از آن جهت که صلاح حال طالبان بوده بدون آنکه برهان واضح و دلیل محکمی از سنت بر آن باشد مانند لباس خرقة و بنای خانقاه و اجتماع از برای سماع و چله نشستن و غیره آن، که نص صریحی بر آنها موجود نیست این گونه بدعتها را مذموم نمی دانند و می گویند بدعت دو نوع است یکی بدعت مذموم و دیگری بدعت ممدوح، که مفاسدی بر آن مترتب نباشد و متضمن مصالح و محاسنی هم باشد از آن جهت متصوفه، خود آنها را وضع کرده اند از جهت فوائد و منافی که در بر دارد و سالکان را مفید واقع شود.

استخاره

در اصطلاح روایات دینی به آن می گفتند که کسی برای بیرون آمدن از تردید در اقدام به کاری دو رکعت نماز بگذارد، و دعا بخواند، و بنشیند تا خداوند به او راه راست را الهام کند. در این اواخر استخاره را از روی باز کردن قرآن و خواندن آیات ابتدای صفحات یا خیر و شر کردن با دانه‌های تسبیح و نظایر آن می کنند.

مشخصات باشد: الف) نبودن حدود سنتی یا قانونی برای قدرت دولت. ب) وسعت دامنه قدرتی که عملاً به کار برده می شود. معیار دوم مستلزم آن است که دستگاه اداری متمرکزی وجود داشته باشد. استبداد، اتوکراسی، و دسیوتیزم مفاهیم مشترکی هستند اما برهم منطبق نیستند؛ همچنانکه توتالیتریزم مستلزم استبداد است اما هر استبدادی توتالیتر نیست. در دنیای باستان حکومت‌های تمدنهای کهن، مانند آشور، بابل، مصر، ایران و غیره، مستبدانه بود و تنها یونان و روم از این قاعده کلی برکنار بودند و آنها تنها دیکتاتوریهایی موقت داشته‌اند.

استتباع (بدیع)

در علم بدیع، سخن در مدح یا ذم چنان گفتن که دنباله آن به سختی دیگر از همان جنس - مدح یا ذم - کشیده شود، مانند:

از آن به طلعت زیباش روی اهل دل است،

که نیست روی دل الا به سوی یزدانش.

(ربّانی)

استثناء (بدیع)

در علم بدیع، با آوردن یکی از الفاظ استثناء و سخنی که در پی آن آید، بر لطف سخن پیشین و تمامی آن افزودن؛ مانند:

کس از فتنه در پارس دیگر نشان،

نبیند مگر قامت مهوشان.

(سعدی)

استجابات

استجابات بر لسان اهل اشارت بر دو وجه است:

استخدام

در علم بدیع، واژه‌ای به چند معنی در سخن آوردن، و از خود آن معنی و از ضمیری که بدان باز می‌گردد معنی دیگر خواستن؛ مانند:

امید هست که روی ملال درنکشد،
ازین سخن که گلستان نه‌جای دلتنگی ست.
علی‌الخصوص که دیساجه همایونش،
به‌نام سعدابوبکر سعدبن زنگی است.

(سعدی)

استدراج

استدراج در لغت به معنی تقرب و ارتقاء از درجه‌ای به درجه بالاتر آمده است و در سخنان متکلمان و متشرعان به معنای امری خارق العاده است که از دست کافر مدعی صادر شود، موافق با آنچه ادعا کرده است.

مشهور آن است که امر خارق عادت اگر از مدعی رسالت و نبوت ظاهر شود اگر موافق با ادعای او باشد معجزه نامیده می‌شود و اگر مخالف ادعای او باشد اهانت نامند. استدراج نزد اهل معانی شنوایدن کلامی است که متضمن بیان حقیقت باشد به نحوی که موجب خشم و غضب مخاطب نشود.

استدراك

در علم بدیع، دو جمله متغایر را - معمولاً با الفاظ استثنا - از یکدیگر جدا کردن، چنانکه در سخن لطافتی پدید آورد؛ مانند:

گفت سختی، این جنبم لیک در جنگ عدو
گفت خاری، همچنانم لیک در چشم خصام

استسلام

تسلیم شدن و خواستن و خود را یکبار فراموش کردن «قال اسلمت لرب العالمین». و گفته‌اند که از ابراهیم استسلام خواستند و آن از اعمال بنده است و غایت آن پیدا و حد آن معلوم ازین جهت گفت «اسلمت لرب العالمین» و از مصطفی علم خواستند و علم از احوال بنده بیرون است و حد آن نامفهوم و غایت آن ناپیدا.

استصحاب

در اصول فقه، عبارت از آن است که هنگام شك در بقاء حکمی از احکام یا موضوعی از موضوعات که دارای حکم است، حکم به باقی بودن حالت سابقه نمایند. مثلاً هرگاه غیبت کسی طولانی شود و از مرگ یا زندگی او آگاه نباشند، بنابر اصل استصحاب همه احکام مانند آنکه وی زنده باشد قوت خود را حفظ می‌کند. استصحاب در احکام را استصحاب حکمی و در موضوعات را استصحاب موضوعی گویند.

استطراد

در علم بدیع، از موضوع اصلی سخن به سخنی دیگری - که گاه در بیان آن غرض خاص هست - بیرون شدن و باز بر سر آن آمدن؛ مانند:

حسن تو نادر است درین وقت و شعر من
من چشم بر تو و دگران گوش بر منند

(سعدی)

استعاره

در علم بیان، به کار بردن لفظی به مجاز در معنی

است: یکی از حق به خلق، نشان بیگانگی است، و از اجابت نومییدی؛ یکی از خلق به حق است که راه مسلمانی است و شرط بندگی؛ یکی از حق به حق که وسیلت دوستی است و اجابت دستوری. او که از حق به خلق نالد، درمان یابد، او که از حق به حق نالد حق بیند.

استغراق

یعنی غرق شدن و فرورفتن و در اصطلاح عارفان به معنای توجه مفرط و غوطه‌ور شدن در بحر توحید است و به این معنی است که دل عارفِ ذاکر در حال ذکر متوجه و ملتفت به ذکر باشد و متوجه به خود نشود که این حالت را فناء گویند.

استغناء

بی‌نیازی و قطع علاقه از حطام و بهره‌های دنیا از جاه و مقام و منال. بیار باده که در بارگاه استغناء چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست ازین رباط دودر، چون ضرورتست رحیل رواق و طاق معیشت چه سربلند و چه پست (حافظ)

استفتاء

فتوی طلبیدن مقلدین از مرجع تقلید هنگامی که در وظایف دینی خود دچار تردید می‌شوند.

استقبال

در شعر، آن است که شاعر به وزن و قافیۀ شعری

لفظی دیگر به سبب مشابهتی که میان معنی آن دو هست، و در حقیقت، به سبب اشتراك آن دو در صفتی واحد. مانند «نرگس» در این شعر حافظ، که به مجاز در معنی چشم مست به کار رفته است:

نرگسش عربده جوی و لیش افسون‌کنان،

نیمه‌شب مست به بالین من آمد بنشست.

استعمار

استعمار در لغت به معنای «طلب عمران» و «آباد کردن» است و در این معنی معادل معنای اولیه «کولونیزاسیون» است که مقصود از آن مهاجرت گروهی از یک کشور و تشکیل یک واحد مسکون جدید در سرزمینهای تازه است. اما معنای دیگر و رایج‌تر آن، که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، و اقتصادی یک ملت قدرتمند بر یک سرزمین یا قوم یا ملت ضعیف است. هر نوع توسعه ارضی عمل استعماری شمرده نمی‌شود، و استعمار بیشتر بر اعمال ملتهایی اطلاق می‌شود که امپراتوری دریایی و ناپوستگی خاک آنها مانع تشکیل یک واحد سیاسی متشکل (شبه امپراتوریهای زمینی) می‌شود؛ چنانکه متصرفات آسیایی روسیه را مستعمره نمی‌خواندند و آنرا جزئی از کشور شوروی محسوب می‌داشتند، اگر چه تصرف آنها در ابتدا با قدرت نظامی و به صورت توسعه‌طلبی بود. همچنین سرزمینهایی را که روزگاری جزء امپراتوری ایران بودند مستعمره نمی‌توان خواند.

استغاثت

فریادرس خواستن و التجاء بردن و پناه خواستن، که فرمودند: «ادعونی استجب لکم» و «ان الله لایستجیب دعاء من قلب لاه» استغاثت سه قسم

از شاعری دیگر نظمى پردازد؛ مانند این غزل حافظ:

گل در بر می در کف و معشوقه به کام است،

سلطان جهانم به چنین روز غلام است.

در استقبال از این غزل سعدی:

بر من که صبوحی زده ام خرقة حرام است،

ای مجلسیان راه خرابات کدام است؟

و به موسی خطاب آمد: خواهی که همه آن رود که
مراد تو بود و ...

اسفار

اسفار جمع سفر «بفتح» و هم جمع سفر «بکسر»
آمده است. صدرالدین شیرازی گوید: برای سالک از
عرفا و اولیاء چهار سفر است، اول سفر از خلق به
حق، دوم سفر به حق در حق، سوم سفر از حق به
خلق و چهارم سفر به حق در خلق.

در صفحات الانس آمده است: که نخستین سفر از
خلق بسوی حق است و درین سفر سالک از کثرت
موجودات روی گردانیده، بسوی حقیقت و عالم
وحدت توجه کند و این سفر را مراحل و منازل است
و مهمترین منازل آن هشت مرحله است:

اول مرحله طلب، دوم تهذیب اخلاق، سوم پدید
آمدن احوال، چهارم شوق و اضطراب، پنجم عشق و
محبت، ششم سکر و حیرت، هفتم فناء و بقاء، هشتم
توحید.

اسکی پیسم

یا فلسفه فرار عقیده به فرار از شرکت در کارهای
اجتماعی و سیاسی و امتناع از قبول پستهای دولتی
و شرکت در امور حکومت. این فلسفه از عهد یونان
قدیم وجود داشته و تازگی ندارد.

اسماء سبعه

عبارت از: حیوة، علم، قدرت، ارادت، سمع، بصر
و کلام است.

اشتقاق

استلام حَجَر

دست کشیدن حج گذاران به حجرالاسود به هنگام
طواف.

استودیو (Stodio)

محل و کارگاه تهیه فیلم که صحنه‌های داخلی آن
را در دکورهایی که در آنجا بسته شده فیلمبرداری
می‌کنند و بعلاوه مجهز به وسایل لازمه برای تهیه و
عرضه فیلم است.

استهلاك

اصطلاحی در فیزیک، به معنی کم شدن تدریجی
دامنه يك حرکت نوسانی، مثلاً آونگ، یا پدیده‌های
مشابه آن به سبب مقاومت محیط یا اصطکاک اجزای
ارتباطیه دستگاه و غیره.

اسراف

نزد فقهاء عبارت از زیاده‌روی در کارهاست و
زیاده‌روی در هر امری را گویند و آن حرام است؛
چنانکه فرمود «ان الله لایحب المرفین».
و بر ذوق جوانمردان، اسراف آن است که حظّ
نفس در آن است و گرچه حبه بود یا ذره.

واژه‌ها و اصطلاحات

هجویری گوید: اصطفاء آن بود که حق تعالی دل بنده را برای معرفت خود فارغ گرداند تا معرفت وی صفاء خود را اندر آن بگستراند و اندرین درجت خاص و عام مؤمنان همه یکی اند از عاصی و مطیع و ولی و نبی. چنانکه خدا می فرماید: «ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات».

اصول دین

در اصطلاح متکلمان در مقابل فروع دین است و آن توحید و عدل و معاد و نبوت و امامت است و یا توحید و عدل و معاد است و یا توحید و معاد و نبوت است. و نزد صوفیان عبارت از صدق نیازمندی به خدا است.

اِطْرَاد

در علم بدیع، نامها و لقبهای ممدوح را بی میانجی لفظی دیگر آوردن؛ مانند:

ترتیب ملك و قاعدهٔ دین و رسم داد.

عبدالحمید احمد عبدالصمد نهاد.

(ابوالفرج رونی)

اِطْنَاب

در علم معانی، معنی را به قصد تأکید، روشنگری، اعتراض، و جز اینها به الفاظی بیش از اندازه آوردن. اطنابی بی فایده را که رعایت غرضی در آن نشده باشد اطناب معل (= ملال آور) خوانند.

اعتذاریه

در علم بدیع، کلماتی از يك رشته و بین در سخن آوردن؛ مانند:

اگر به شعر نکو افتخار شاید کرد،

به من عراق تفاخر کند، تو خود دانی.

(کمال الدین اسماعیل)

اصحاب سکینت کبریٰ

کسانی هستند که دل‌های آنان منور است به انوار ملکوتی و بروق لامعه، به نحوی که ملکه آنها شده باشد و قلوب آنان آرامش یافته باشد در پرتو تجلیات و فیوضات الهی.

اصحاب مجاهدت

اصحاب مجاهدت کسانی هستند که در تبدیل اخلاق بد خود به اخلاق نیکو کوشش می کنند و به تزکیهٔ نفس مشغولند و شب و روز به ساز و سوز به سوهان «لا» نفی و به صیقل «اثبات» رنگ زنگ کثرت بشریت به عشق دلبر از مرآت دل برمی دارند. گر زنگ، تو ز آینهٔ دل پاک کنی، چون درنگری جمال دلبر بینی.

اصحاب یمین

کسانی هستند که در انجام عبادات موفق به توفیق الهی می باشند و لکن به مقام و حال دوام مراقبت نرسیده اند، برخلاف مهربان که به حال دوام مراقبت رسیده اند.

اصطفاء

اصطفاء در لغت به معنی اختیار کردن است.

اعلامیه بالفور

نامه‌ای که آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه انگلستان، به لرد روتسچیلد، رئیس «فدراسیون صهیونیست بریتانیا» نوشت و به «اعلامیه بالفور» مشهور شد. بالفور در این نامه علاقه خود را به تأسیس میهن یهودی در فلسطین اعلام کرد و قول آن را داد. این نامه که به تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ صادر شده، چنین است: «دولت اعلیحضرت تأسیس میهن یهودی در فلسطین را با علاقه تلقی می‌کند، و بهترین مساعی خود را برای تسهیل آن به عمل خواهد آورد. اما به روشنی باید دانست که هیچ کاری که ناقض حقوق مدنی جوامع غیر یهودی ساکن فلسطین یا حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در سایر کشورها باشد، انجام نخواهد شد.» به هر حال در فاصله دو جنگ جهانی به یهودیان اجازه داده شد که سالانه به تعداد محدود به فلسطین مهاجرت کنند و سرانجام دولت فلسطین اشغالی (اسرائیل) در مه ۱۹۴۸ تأسیس شد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه‌ای که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) تصویب کرد و از کلیه کشورهای عضو سازمان دعوت کرد که متن آن را منتشر کنند، و موجبات پخش و انتشار و تفسیر آن را، مخصوصاً در مدارس و مؤسسات تربیتی، فراهم سازند. اساس این اعلامیه، که به تصدیق دولت ایران نیز رسیده است همان اعلامیه حقوق بشر است که در مقدمه قانون اساسی ۱۸۹۱ فرانسه گنجانده شده. اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل يك مقدمه و ۳۰ ماده است.

بر اشعاری گفته می‌شود که شاعر پس از رانده شدن از آستان ممدوح در درد اتهامات با خطاهای گذشته بساط عذرخواهی گشاید و پوزش طلبد. این سبک در بین عرب سابقه داشته مانند اعتذاریه نایغه ذبیانی در دوره جاهلیت به مناسبت رانده شدن از دربار نعمان بن منذر سروده و اعتذاریات مسعود سعد سلمان در دوران حبس و اشعار اعتذاریه فرخی و قطران و انوری دو قصیده یکی مربوط به سلطان محمود و دیگری در اعتذار از امیر یعقوب برادر سلطان است.

اعتراض ← حشوملیح

اعتصاب

تعطیل دسته‌جمعی کار از طرف مستخدمان (کارگران و کارمندان) برای گرفتن امتیازات خاص از کارفرما یا دولت. اعتصاب کارگران معمولاً برای افزایش دستمزد، بهتر شدن وضع کار، و کم کردن ساعات کار است. اعتصاب پس از انقلاب صنعتی پیدا شد و طبقه کارگر که زاییده این انقلاب بود برای دفاع از حقوق خود در برابر کارفرمایان دست به تشکیل سازمانهایی زد و این سازمانها از اعتصاب به عنوان وسیله‌ای مؤثر برای نیل به تقاضاهای کارگران استفاده کردند.

اعراف (عرفانی)

اعراف نوعی از خرما و دیواری است میان بهشت و دوزخ، و نزد صوفیان عبارت است از اطاعت که آن مقام شهود حق است در هر شیئی از اعیان ممکنات و اوصاف آن ممکنات در حال بودن متجلی به صفات، که آن مظهر آن صفات است.

اعنات

در اصطلاح عرفا افعال قلوب مانند تصدیق و یقین و صدق و توکل و محبت و رضا و ذکر و شکر و خشیت و تقوی و مراقبت و فکر و اعتبار و خوف و رجاء و صبر و قناعت و تسلیم و تفویض و غیره را گویند که مربوط به جوارح و اعضاء ظاهری نیست.

در علم بدیع، تکرار يك یا چند حرف یا حرکت پیش از روی که قافیه یا سجع بی آن خود تمام باشد؛ و نیز تکرار يك یا چند کلمه در هر مصراع؛ مانند: تا دلبر سنگدل زر و سیم خواست
از سنگ زر و سیم تراشم چپ و راست.
که سنگ و زر و سیم - اگر چه نیازی بدان نبوده - تکرار شده است.

افلاك

جمع فلک و آسمانهای سبع یا تسع... را گویند و در کلمات عرفا ترکیباتی با کلمه افلاك آمده است، مانند طارم افلاك، سراپرده افلاك، صومعه افلاك، زاویه افلاك، بام افلاك، قبه افلاك، قنديل افلاك، دکانداران افلاك.

افشاری

از آهنگهایی است که در دستگاه شور نواخته می‌شود و شامل پنج ردیف و گوشه است: درآمد، قرائی، عراق، وهاب، مثنوی.

اقاله

فسخ معامله با تراضی طرفین، به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر بهم زدن معامله نماید.

افست

یکی از جدیدترین انواع چاپ است که نسبت به سایر انواع چاپ دارای مزیت‌های فراوانی است. در این نوع چاپ، نوشته و عکس را بر سطح لاستیکی يك سیلندر گردان برمی‌گردانند، آنگاه آنرا با فشار سیلندر دیگر روی کاغذ چاپ می‌کنند. بطور کلی در هر ماشین چاپ افست، سه سیلندر وجود دارد.

اقامتگاه

در اصطلاح حقوقی، محلی که شخص در آنجا سکونت دارد و مرکز مهم امور او نیز در آنجاست. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها است. هیچ کس نمی‌تواند بیش از يك اقامتگاه داشته باشد.

افشان

اصطلاحی است برای نسخه خطی که صفحات آن خال خال است، و در آن لکه‌های ریز الوان سیاه یا طلایی دیده می‌شود.

اقتباس

در علم بدیع، آوردن آیه‌ای از قرآن یا حدیثی در سخن بی‌اشارتی به آیه یا حدیث بودن آن.

افعال قلوب

اقتضاب ← اشتقاق (در علم بدیع)

ای بر دل هر کس ز تو آزار دگر
بر خاطر هر کسی ز تو بار دگر
رفتی به سفر عظیم نیکو کردی
آن روز مبادا که تو یک بار دگر [به سفر بروی]
(عبیدزاکانی)

اقلیتها

این اصطلاح شامل اقلیتهای نژادی، مذهبی و یا زبانی می شود که مقیم کشوری هستند و نژاد یا مذهب یا زبان آنها با اکثریت مردم آن کشور تفاوت دارد مانند ارمنه، آشوریان، یهودیان و زرتشتیان در ایران امروز.

اقلیم ثامن

در اصطلاح علمای اسلامی، هندسه کروی (یعنی علم اشکال مرسوم بر کره) علم اگر خوانده می شود.

اکسیر

انسان کامل را گویند.
ساقی بده آب زندگانی
اکسیر حیات جاودانی
می ده که نمیشود میسر
بی آب حیات، زندگانی

(عراقی)

عالم مثال را اقلیم ثامن گویند زیرا عالم مقدار هشت که هفت قسم آن اقلیم هفتگانه است که در آن مقادیر حسیه است و اقلیم هشتم مقادیر مثالیه است که عالم مثل معلقه است.

اقواء

در علم قافیه، دوگونگی «خدو» و «توجیه»؛ مانند پُر و پَر، سور [فارسی = جشن] و جور [عربی = ستم]. اقواء از عیوب قافیه است.

اُکْنِت

اکمل نزد صوفیه کسی است که در وی جمعیت الهیه به جمیع اسماء و صفات اکثر بود و هر که را حظ کمتر بود انقص از او باشد.

اکملیت چیست دانی ای رفیق
منزل سیر الی الله ای عشیق
در مرایا همچو حق ظاهر شدن
در همه بر خویشتن ناظر شدن

قطعه ای در موسیقی که برای هشت صدا یا هشت ساز مختلف نوشته می شود.

اکتفاء

در علم بدیع، یک کلمه یا جمله ای کامل را از پایان کلام به قرینه معنوی و دلالت سخنان پیشین، حذف کردن؛ مانند:

اگپو
نام اداره پلیس سری و مأمورین امنیت و دستگاه

الکترون

الکترون قسمتی از اتم است که به اندازه $\frac{1}{1846}$ وزن سبکترین اتم‌ها یعنی اتم هیدروژن معمول وزن دارد و دارای مقدار کمی بار الکتروسیسته منفی است. الکترون آنقدر کوچک است که باید چهارصد میلیون از آنرا پهلوی هم قرار داد تا خطی به طول یک میلیمتر را تشکیل دهد و معمولاً به واسطه سبکی زیاد از وزن آن صرفنظر می‌شود.

الفیه

اصطلاحی است که برقصیده‌های هزاربیتی که درباره موضوعهای مختلف گفته شده است و رساله یا کتابی را تشکیل داده، اطلاق می‌گردد؛ مانند: الفیه ابن معطی، الفیه ابن مالک در نحو.

الوهیت

الوهیت اسم مرتبه الهی است و آن حضرت اسماء ذات و صفات و افعال است با سرها و جملتها، اما ربوبیت عبارت است از حضرت اسماء و صفات افعال به تفصیل، پس مرتبت ربوبیت فروتر از مرتبت الوهیت باشد.

خواجه عبدالله گوید: مردی در الوهیت می‌سوخت و از وراء پرده عزت آمدند تا شهادت بر او عرضه کنند.

امانت

در فقه، گذاردن مال معینی است نزد شخصی با استراد عین، و هرگاه تلف شود امین ضامن نیست مگر با شرط ضمانت، و گفته‌اند «لیس علی الامین الا»

جاسوسی روسیه شوروی (سابق) که پس از مرگ استالین از خشونت و بی‌رحمی و شدت عمل آن کاسته شده معتدل تر گردید.

اگو

در روانشناسی، تجربه یا مفهومی که انسان از خودش دارد، یا واحد فعالی که فرد نامیده می‌شود.

اگوتیسم

خودپرستی و خودخواهی و اعتقاد به اینکه پایه و مبنای زندگی بر توجه نسبت به نفس خویشتن است. ماکیاولی ایتالیائی (قرن ۱۶) از پرورش دهندگان این فلسفه بوده است.

التزام (بدیع) ← اعناب

التفات

در علم بدیع، نخست سخنی به یکی از طرق سه‌گانه کلام (تکلم، خطاب، و غیبت) گفتن، و آنگاه روی از آن به طریق دیگر آوردن. التفات از خطاب به غیبت؛ مانند:

ناسزایی را که بینی بختیار
عاقلان تسلیم کردند اختیار
(سعدی)

الحاق

در اصطلاح سیاسی بین‌المللی، اقلام رسمی یک دولت برای ضمیمه کردن ناحیه‌ای به قلمرو حکومت خود است.

الیمین». و در اصطلاح عرفاء بعضی گفته‌اند امانت عبارت از طاعت حق است و بعضی گفته‌اند عشق است و بعضی گفته‌اند ولایت است و بعضی گفته‌اند امامت است.

واژه امشاسپند به معنی «بی‌مرگ مقدّس»، مرکب است از سه جزء: «آ» علامت نفی، «مشا» یعنی مرگ و «سپند» علامت تقدّس. و منظور از امشاسپندان در دین زردشت یعنی صفات «اهورامزدا».

ام الکتاب

عقل اول را از جهت احاطه که به اشیاء دارد به نحو اجما «ام الکتاب» گویند و نفس کلیه را از جهت آنکه مظهر اشیاء است در مقام تفصیل «کتاب مبین» نامند و نفس منطبعه را «کتاب محو و اثبات» نامند به اعتبار احوال لازمه اعیان آنها برحسب استعدادات اصلیه آنها که ظهور آنها مشروط به اوضاع فلکیه است و از آنها مستفیض می‌گردند.

اموال مشاع

اموالی که مالکیت آنها به دو یا چند نفر متعلّق باشد و میان آنها تقسیم نشده باشد. هیچ کس را نمی‌توان مجبور کرد که دارایی خود را در حال اشاعه نگاهدارد، و به موجب ماده ۵۸۹ قانون مدنی، هر شریک المال می‌تواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم اموال مشترک را بنماید، مگر در موردی که تقسیم مالی به موجب ممنوع باشد، یا شرکا به وجه ملزومی ملتزم بر عدم تقسیم شده باشند.

امپریالیزم

این کلمه در قرن بیستم برای آن دسته از کشورهای اروپایی به کار رفت که در طول ۱۸۸۰-۱۹۰۰ تسلط خود را بر سرزمینهای آسیایی و آفریقایی گسترش دادند و «امپراطوری» به وجود آوردند. و نیز بر گسترش سلطه ایالات متحده در آمریکای لاتین و فیلیپین اطلاق شد. امپریالیزم در این معنی را اساساً دارای محرکهای اقتصادی می‌دانند. کمونیستها این کلمه را به معنایی به کار بردند که شایع‌ترین معنای آن است. این اصطلاح را لنین در کتاب «امپریالیزم بالاترین مرحله سرمایه‌داری» به کار برد. لنین به این لفظ معنای فنی خاصی داد و آن را با اندیشه مارکسیستی منطبق کرد. امپریالیزم در نظر او مرحله انحصار در سرمایه‌داری است.

انتحال

یکی از سرفقات شعر، و آن چنان است که شاعری شعر شاعری دیگر را عیناً بی‌تغییر و تصرف در لفظ و معنی آن، یا با اندک تغییر، با آوردن بیت یا ابیاتی بیگانه در میان ابیات شعر، و تغییر تخلص، به خود منسوب سازد.

انتریک (Intrigue)

هیجان فیلم یا عاملی که در تماشای ایجاد هیجان می‌نماید و از نکات مهم فیلم است. آنچه که انتریک قوی بوجود می‌آورد موضوع فیلم نبوده بلکه دکوپاژ، میزانشن و مونتاژ آن است.

هانری فانتن - لاتور می‌توان دید. این مکتب چنان خود را به این موضوعات محدود می‌کند که گوئی وجود دنیای خارج را پاك از یاد برده است.

اندیویدوالیسم

عقیده به اصالت فرد و اینکه در حکومت و وضع قانون اصل فرد است و جامعه فرعی بر آن و جامعه به خاطر فرد بوجود آمده نه فرد برای جامعه (ضد آن کولکتیویسم و تولیتاریانیسم)

انوریتاریانیسم

نام سیستم حکومتی یا فلسفه‌ای که در آن آزادی فردی تحت الشعاع قدرت دولت قرار گرفته باشد و قدرت در دست يك گروه محدود و كوچك متمرکز باشد.

اوپرا (Opera)

مجموعه‌ئی از اشعار و درام که در کنسرتها با موسیقی و آواز و رقص‌های دسته‌جمعی ضمن دکورهای زیبا داستان مهیجی را به صورت رقص و اشعار مهیج نمایش می‌دهند. اپرا از یادگار روم و یونان قدیم است و اولین اپرا در ایتالیا بنام (اریدس) از افسانه‌های یونان اقتباس شد. بتهوون سازنده سمفونی آلمانی يك اپرای اخلاقی بنام (فیدلیو) و واگنر موسیقی‌دان آلمانی اپرای (متر و پولیتین) را ساخته است. اولین استاد واقعی اپرا مونورومی ایتالیائی بود که از قصه‌های اساطیری یونان الهام می‌گرفت.

اودئیل

(در برابر ناسیونالیسم) عقیده به اینکه تأمین صلح عمومی عالم و از میان بردن جنگها و تأمین خیر و سعادت بشر منوط است به حد اعلاى همکارى و دوستى و وحدت ملل جهان تا آنجا که يك حکومت جهانی تشکیل شود.

انتفاضه

کلمه انتفاضه از ریشه «فاض» گرفته شده که به معنای طغیان کردن، جوشیدن، روان شدن، بسیاری، شایع شدن و فاش ساختن آمده است. از آنجا که در زبان عربی ارتباط بسیار نزدیکی میان معنای لغوی و اصطلاحی وجود دارد، کلمه انتفاضه با توجه به معانی فوق، معنای وسیع و عمیقی پیدا می‌کند. انتفاضه در فرهنگ مبارزاتی مردم فلسطین برای بیان مضمون «طغیان توده مردم که به صورت آشکار، فراگیر و پویا جریان دارد» به کار می‌رود.

انتلکتوئل

اصالت هوش و قریحه و عقیده به اینکه علم زاده عقل است و عقل منبع دانش و کشف حقیقت با علم صحیح به واقعیات تنها از طریق علم به وسیله قریحه و هوش عقل میسر است. در اصطلاح سیاست به معنی روشنفکر است.

آنتیمیسم

اصطلاحی که به کار نقاشان اواخر قرن نوزدهم اطلاق می‌شود که شاخه‌ئی از «امپرسیونیسم بسین» بودند. این مکتب اختصاصاً با موضوعات محدود خانگی، مانند صحنه‌هائی از محیط داخلی اتاقها و باغها سروکار داشت. نمونه آغازین آنرا در کار اولیه

مسلمانانی که عقاید دینی آنها در بعضی از فروع از عقیده اهل سنت منحرف شده است اطلاق می کنند. از جمله اهل اهواء: جیریه، قدریه، رافضه، خوارج، مجسمه و معطله اند.

اهل البیوتات

در مآخذ اسلامی، این عبارت نخست بر کسانی که به خانواده های شریف ایرانی انتساب داشته اند اطلاق می شده است، و سپس به طور کلی به معنی اشراف به کار رفته است.

اهل کتاب

در اصطلاح اسلام و قرآن، یهودیان و مسیحیان را گویند که دارای کتاب آسمانی هستند، و اگر چه در آن تحریف کرده اند، باز با مشرکان تفاوت فراوان دارند.

ایت ثیل

یازدهمین سال از دوره دوازده ساله گاهشماری منسوب به خطائیان و ایغورها. ایت ثیل به معنی سال سگ است.

ایدز

واژه ایدز از حروف اول چهار کلمه انگلیسی که معنی آنها «نشانه های کمبود اکتسابی ایمنی» است، ساخته شده و تلفظ آن با کسره برای حرف اول و سکون باقی حروف است، یعنی باید سه حرف اول را مانند صید تلفظ کرد.

دومین سال از دوره دوازده ساله گاهشماری منسوب به خطائیان و ایغورها. این گاهشماری اصلاً چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت. در این گاهشماری اسم هر یک از سالهای این دوره مرکب از اسم یک جانور به اضافه لفظ ثیل [=سال] است. اودثیل به معنی سال گاو است.

اولیگارش‌ی

تسلط گروه اندک بر دولت بدون نظارت اکثریت، و بیشتر بر اقلیتی اطلاق می شود که قدرت دولت را در راه منافع شخصی به کار می برد و اکثریت ناراضی را سرکوب می کند. اولیگارش‌ی در عین حال بر تسلط گروه اندک بر دیگر سازمانها و نهادهای اجتماعی مانند سازمان دینی، اتحادیه های کارگری، حزب و غیره نیز اطلاق می شود. از زمان افلاطون اولیگارش‌ی را در مقابل حکومت فرد (سلطنت مطلقه) و حکومت جمع (دموکراسی) قرار می دهند. افلاطون اولیگارش‌ی را نوع فاسدی از حکومت به شمار می آورد و آن را فساد آریستوکراسی می داند؛ همانگونه که جباریت فساد سلطنت است و سلطه توده فساد دموکراسی است.

اومارگی

استقلال اقتصادی یا بی نیازی اقتصادی یعنی آنکه ملتی کلیه احتیاجات اقتصادی خود را در داخل تهیه کرده از احتیاج به اجناس خارجی آزاد گردد.

اهل الآهوا

اصطلاحی است که متکلمین اهل سنت آنرا بر

بانو

در اصطلاح نجاری، قطعاتی که قاب بندی هر لنگه از در و پنجره را تشکیل می دهد.

باپ / بیباپ (Bop, Bebop)

روشی در نوازندگی است که در حدود ۱۹۴۰ م بوجود آمد. نوازندگی به این شیوه متضمن مهارت بسیار است و غالباً آثار این مکتب هنری عمیق و قابل تفکر است. زمانی که برای اولین بار این شیوه وارد جاز گردید بنظر بسیاری نامعقول و منحرف از ایده اصلی جاز آمد. این مکتب نخستین طریقه از شیوه های مدرن جاز را ارائه داد.

باده

باده نزد صوفیان نصرت الهی است و عشق منیف را نیز باده گویند. لاهیجی گوید: بعضی در مدرسه میان اهل و سوسه بسیار جان کنده اند و کمندی چند از تقلید در گردن افکنده اند نه در میخانه به حق باده عرفان نوشتند و نه در قدم پیر مغان به تهذیب اخلاق کوشند.

ساقیا بادهُ السّت بیار

تا به می بشکنیم رنج خمار

(عراقی)

باد صبا

باد صبا عبارت و اشارت است از نفحات رحمانیه که از طرف مشرق روحانیات می آید، چنانکه حضرت رسالت پناه فرمودند «انی وجدت نفس الرحمان من جانب المیمنی».

واژه ها و اصطلاحات

نفس باد صبا گر به سر کویش وزد

خوشدمان خوشتر از انفاس مسیحا بینند

(عراقی)

باز

در اصطلاح شیمی، ماده ای که اگر آنرا در آب حل کنند تولید یونهای تیدروکسیل (OH) می کند. یون (OH) دارای بار برقی منفی است، مزه اش تلخ است، به لامسه چرب می نماید، و تورنسل قرمز را آبی می کند. بازها به حالت محلول هادی برق اند.

باسونوا Bassa Noval

لغتی برزیلی به معنی (لذت نوین)، (چرخش جدید) یا (شهوة تازه) می باشد. این لغت بیشتر برای بداهه سرانی هائی که غالباً سامبا (Samba) های آرام نیز می باشند، بکار برده می شود. این فرم از موسیقی که صرفاً از آهنگهای برزیلی گرفته شده در حال حاضر نظر بسیاری از موسیقیدانان را به خود جلب کرده است.

بالت

به فرمی از موسیقی کلاسیک اطلاق می شود که يك عده حرکات رقص با قاعده بوسیله حرکاتی با معانی و مفاهیم خاص، همراه با موسیقی بیان شود.

بالشوایسم / بلشوایسم

نام مکتبی از مکاتب مارکسیسم که در آغاز انقلاب روسیه شوروی (سابق) به قیادت نینیشو او موس حزب کمونیست روسیه به وجود آمد و برخلاف

بایکوت

به معنی تحریم است. معمولاً در احزاب سیاسی اخراج اعضا خانن را بایکوت گویند و گاهی تحریم کالاهای صنعتی را نیز بایکوت اصطلاح کرده‌اند.

بتکده

بتکده به معنای باطن عارف کامل است که در آن شوق و ذوق معارف الهیه بسیار باشد.

بحر

در علم عروض قدیم، هر وزن که از تکرار یکی از پایه‌های اصلی، یا ترکیب دو پایه و تکرار آنها به تناوب، حاصل شود. بحر دوگونه است: اصلی و فرعی. بحرهای اصلی از تکرار يك یا دو پایه اصلی پدید می‌آید، و شماره آنها نوزده است؛ و بحرهای فرعی با تغییراتی در پایه‌های هر يك از اوزان اصلی حاصل می‌شود.

براعت استهلال

در علم بدیع، آوردن سخنانی در دیباجه کتاب یا آغاز نامه یا قصیده که به اشارتی لطیف و متناسب، به مضمون کتاب یا نامه یا قصیده رهنمون باشد؛ مانند این مطلع از سعدی در مرثیه ابوبکر ابن سعد ابن زنگی:

دل شکسته که مرهم نهد دگر بارش
یتیم خسته که از پای برکند خارش

بلاء

مارکسیسم معتقد بود که نباید منتظر فساد تدریجی و طبیعی کاپیتالیسم گردید و پرولتاریا باید هر چه زودتر قدرت سیاسی را بدست گرفته، طبقات بورژوا و سرمایه‌دار را براندازد. بالشویسم به معنی اکثریت است و این اصطلاح در آن زمان در برابر مانشویسم به معنی اقلیت معمول گردید و لی بعد منسوخ گردید. حزب مزبور در روسیه بعدها نام کمونیست را به خود گرفت.

بالق

یا بالیغ، لفظ ترکی - مغولی به معنی شهر یا قلعه، که اغلب در جزء اسامی شهرها می‌آید. مانند بش بالق که خرابه‌های آن در محل گوچن حالیه در ترکستان چین واقع است، و خانبالق [= شهرخان] که نام ترکی - مغولی پکن می‌باشد.

بانک جهانی

کنفرانس مالی و پولی ملل متحد که با شرکت ۴۴ ملت در برتون وود، در ایالات متحده آمریکا، در ژوئیه ۱۹۴۴، تشکیل شد و این بانک و صندوق بین المللی پول را به وجود آورد. و این بانک یکی از مؤسسات تخصصی سازمان ملل و در عین حال يك سازمان مستقل بین المللی است. هدف بانک عبارت است از کمک به کشورهای عضو برای رشد اقتصادی از راه تسهیل سرمایه‌گذاری برای مقاصد تولیدی، توسعه دادن تجارت بین المللی، تشویق سرمایه‌گذاریهای خصوصی خارجی با تضمین آنها و شرکت در آنها، و دادن قرضه، در مواردی که سرمایه خصوصی با شرایط مناسب برای مقاصد تولیدی وجود ندارد.

برونزد

در اصطلاح زمین‌شناسی، قسمتی از يك سنگ یا ماده معدنی که در سطح زمین نمایان می‌شود.

برهان

در منطق، استنتاجی که درصدد است صادق یا درست بودن نتیجه‌اش را نشان دهد و معمولاً با عمل برهان خلف جریان می‌یابد. به عبارت دیگر ابتدا فرض می‌شود که نتیجه مورد بحث کاذب یا نادرست است و سپس از این فرض تناقضی استنتاج می‌شود. برهان را باید از استنباط متمایز کرد که در آن از چند مقدمه نتیجه درستی استخراج می‌شود، و اگر مقدمات صادق باشد نتیجه نیز باید صادق باشد، و اگر مقدمات صادق نباشد نتیجه نیز ممکن است صادق نباشد و سابقه هم نداشته است که صادق باشد.

برهان خلف

طریقه توانائی در استدلال، و آن عبارت است از اثبات يك حکم از طریق اثبات دروغ بودن نقیض آن. برهان خلف را برهان غیر مستقیم نیز می‌گویند.

برهنگی

در اصطلاح زمین‌شناسی، سایش زمین بواسطه عوامل مختلف طبیعی آفتاب، باد، باران، یخبندان، آبهای جاری، یخهای متحرک و دریاها.

بدین تراست

اصطلاح جدیدی است در زبان انگلیسی به معنی

در علم کلام شیعه، پیداشدن اوضاع و احوال جدیدی که بنا بر آنها خداوند در تقدیر سابق خود تغییر می‌دهد. چون بدین معنی مستلزم جهل و پشیمانی است و این هر دو برای خداوند محال است، شیعه بدهاء را برای خداوند محال می‌دانند. اهل تسنن در این باره با اهل تشیع اختلاف فراوان دارند.

بدعت

در دین، چیزی را که جزء دین نیست در دین داخل کردن و به عنوان دین قلمداد نمودن. در حدیث وارد است که کسی که سه مرتبه وضو بگیرد بدعت در دین کرده است، یعنی عملی که در دین نبوده به دین ارتباط داده است.

بدیع

علمی که از فنون آرایش سخن - نظم یا نثر - پس از فصاحت و بلاغت آن گفتگو کند.

برشتی

اصطلاح منتقدان نمایش برای هر آنچه یادآور کار برتولت برشت، شاعر، نمایشنامه‌نویس، و کارگردان آلمانی تئاتر باشد. دلمشغولی اصلی برشت تشریح دیالکتیکی روشن، زبان همه فهم و متمرکز کردن هر وسیله تئاتری بر مطرح کردن طنزگونه و ظریف دیدگاه توده‌ای - اعم از هرج و مرج طلبانه، بدبینانه، انقلابی، یا اندیشمندانه - بود. اما عموماً اصطلاح «برشتی» برابر است با رنگهای خاکستری، لباسهای واقعی تیره، نورپردازی درخشان، گفتار متن‌اپیزودی آهسته، و مخاطب ساختن مستقیم تماشاگر با سرودهایی که جابه‌جا در نمایش می‌آید.

«تکیه‌گاه دماغی»، و اکنون در زبانهای دیگر نیز معمول شده است.

بستر

در اصطلاح جغرافیایی، قعر يك مجرای آب یا هر پهنه آب است.

بَستَره

در اصطلاح زمین‌شناسی، سطحی که ماده تشکیل‌دهنده يك چینه سنگ بر آن نهشته شده است و چینه‌های مختلف را از یکدیگر جدا می‌کند.

بَسْتِمَان

اصطلاحی است در رنگ‌سازی قدیم ایران که امروزه بدان «بست» می‌گویند و به کار افزودن مواد چسبناکی چون صمغ، سریش و جز آن به رنگیزه گفته می‌شود تا رنگ چسبندگی یافته و پایدار بماند. این مواد را نیز بَسْتِمَان می‌نامند. از مایع لاک بوره و صابون مصری نیز به عنوان بَسْتِمَان استفاده می‌شود.

بقاء

بقاء عبارت است از بدایت سیر فی الله، چه سیر الی الله وقتی منتهی شود که بادیه وجود را به قدم صدق یگبارگی قطع کند و سیر فی الله آنگاه متحقق شود که بنده را بعد از فنای مطلق وجودی و ذاتی مطهر از لوث حدثان ارزانی دارد تا بدان در عالم اتصاف به اوصاف الهی و تخلق به اخلاق ربانی ترقی کند.

بقاء بالله

بقاء بالله که از مدارج عالیّه سیر الی الله است و در آن مرتبت تفاوت مراتب کمال به حسب تحقق و اتصاف به صفات الهی بسیارست بعضی متحقق به اکثر صفات الهی شده‌اند و بعضی به اقل و باز در این اقل و اکثر تفاوت بسیارست و آن فرد کامل که مستعد آن باشد که به حسب حقیقت و معنی مظهر ذات و مجموع اسماء و صفات الله باشد خواص و احکام اسم کلی الله به جزویات و کلیات در او ظاهر می‌شود و متحقق به همه صفات الهی می‌گردد و آن حضرت خاتم محمدی است.

بلاغت

در علوم معانی و بیان، رسایی کلام و چیره‌زبانی متکلم. رسایی سخن در آن است که مطابق مقتضای مقام و حال شنونده گفته شود. چیره‌زبانی سخنگو در آن است که در هر زمان و حال برگزیدن سخنان بلیغ توانا باشد. چون بلاغت در معنی کلام و فصاحت در الفاظ و چگونگی ترکیب آنهاست. شرط نخستین بلاغت کلام فصاحت آن است.

بله بُری / بله برون

اصطلاحی برای مذاکره کردن خانواده‌های داماد و عروس برای مخارج عروسی. مقدمه بله‌بری خواستگاری است که درخواست ازدواج از خانواده عروس است.

بورژوازی

بورژوازی، در اصل، در فرانسه بر طبقه متوسط

بیات ترك که بنام «بیات زند» نیز خوانده می‌شود، در دستگاه شور خوانده و نواخته می‌شود و شامل شش ردیف و گوشه است، بدین ترتیب: درآمد، روح الارواح، شکسته، قطار، مهدی ضربی و مثنوی.

بیان

در ادبیات، مجموع قواعدی که از چگونگی آوردن معنی واحد به راههای گوناگون - که هر يك با دیگری در آشکاری یا پوشیدگی تعبیر اختلاف دارد - گفتگو می‌کند.

بیت (Beat)

به معنی ضربان موسیقی است. انواع گوناگون هیجانانگیز با توجه به نحوه نواختن آلت موسیقی توسط نوازنده (قبل از بیت، بعد از بیت و یا همراه با بیت) که به انسان دست می‌دهد. این لغت در معنی مذکور، هیچ‌گونه رابطه‌ای با (نسل بیت) یا (بیت نیک‌ها) ندارد.

بیت (عروض)

در علم عروض، شعری مرکب از دو نیمه، در وزن برابر یکدیگر، که بر يك قافیه باشند یا نباشند. هر نیمه را مصراع خوانند.

بیچك

در اصطلاح دادوستد سندی که صرافان ضمن آن وصول مبلغی را اعلام داشته به وعده کوتاه یا عندالمطالبه تعهد پرداخت آنرا می‌نمودند.

سوداگر و کاسبکار و یا شهرنشینانی که بر ملاك دارایی از حقوق سیاسی برخوردار بودند، اطلاق می‌شد؛ اما رفته رفته در مباحثات سیاسی معنای خاص و وسیعی گرفت و مارکسیسم در اشاعه این کلمه نقش مهمی داشت. نظریه مارکسیستی جنگ طبقات به این اصطلاح مفهوم تازه‌ای داد و آن را بر سرمایه‌داران صنعتی و مالی بزرگ نیز اطلاق کرد. بورژوازی در اصطلاح مارکسیستی به معنای سرمایه‌داران، سوداگران، کاسبکاران و دارندگان مشاغل آزاد است، در مقابل پرولتاریا که تنها با فروش نیروی کار خود می‌زید.

بوروکراسی

اصطلاحاً بر قشر اداری هر سازمانی که نیازمند مدیریت وسیع است به خصوص در سازمانهای دولتی اطلاق می‌شود و گاه نیز مراد از آن حاکمیت این قشر به عنوان طبقه است. گسترش وظایف دولت در قرن بیستم در بسیاری از زمینه‌های تولید و خدمات اجتماعی و نیز ظهور دولتهای توتالیتر با سازمان بسیار پیچیده و وسیع که تقریباً بر همه فعالیت‌های اجتماعی نظارت می‌کند، توجه خاص متفکران سیاسی و جامعه‌شناسان را به این پدیده جدید جلب کرده است.

بیات اصفهان

این آهنگ را برخی جزء دستگاه شور و برخی جزء دستگاه همایون می‌دانند و شامل چهار گوشه و ردیف است. درآمد، بیات راجع، حزین، عشاق و مثنوی.

بیات ترك / بیات زند

بیع

در اصطلاح روانشناسی، فعالیت عضله‌ای یا غده‌ای يك سازواره در مواجهه با موقعیت یا انگیزه مخصوص است.

پاسیفیزم

صلح‌دوستی و تنفر از به‌کاربردن نیروی نظامی، به خصوص در روابط میان ملتها. پاسیفیست در درجه اول بر کسانی اطلاق می‌شود که معتقدند جنگ را می‌توان و باید با جانشین کردن وسایل دیگر رفع اختلاف (داوری، حکمیت، و غیره) از میان برداشت.

پانچاشیلا

پانچاشیلا در شریعت بودا به پنج قانون کردار بوداییان عامی اطلاق می‌شود که عبارت است از (۱) اجتناب از کشتن؛ (۲) اجتناب از سرقت؛ (۳) اجتناب از شهوت؛ (۴) اجتناب از دروغ؛ (۵) اجتناب از صرف مسکرات. این اصطلاح را دولت هند که برای اصول پنجگانه سیاست خارجی بود به‌کار می‌برد، و آن اصول عبارتند از (۱) احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها؛ (۲) عدم تجاوز؛ (۳) عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها؛ (۴) احترام متقابل و مساوات در روابط بین‌المللی؛ (۵) همزیستی رژیمهای مختلف. کنفرانس ملل آسیایی و آفریقایی در بانندوگ این اصول را به عنوان «پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز» تصویب کرد.

پدر نفسانی

مراد از پدر نفسانی رسول خداست که آموزگار خلق است و مادر نفسانی وصی اوست چنانکه حضرت رسول به وصی خود حضرت امیر فرمودند من

در اصطلاح فقه و حقوق مدنی، تمليك عين به عوض معلوم. بیع با ایجاب و قبول بایع و مشتری واقع می‌شود. احکام و شرایط آن در قانون مدنی مفصلاً تشریح شده است.

پارس نیل

یا بارس نیل، سومین سال از دوره دوازده ساله گاهشماری منسوب به خطائیان و اویغورها. این گاهشماری اصلاً چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت. در این گاهشماری اسم هر يك از سالهای این دوره مرکب از اسم يك جانور به اضافه لفظ نیل [= سال] است. پارس نیل به معنی سال پلنگ است.

پارلمان‌تاریسم

سیستم حکومت پارلمانی که مسئولیت قوه مجریه را در برابر قوه مقننه دربردارد و رئیس قوه مجریه و وزرای او یا عضو پارلمان و یا منتخب پارلمان هستند.

پاستوریزه

پاستوریزاسیون نه عمل تصفیه است نه ضدعفونی و عمل آن برای این است که میکرب يك جسم مایعی مانند شیر را از بین ببرند به این ترتیب وقتی در دستگاههای مخصوص ۷۵ درجه حرارت داده شود میکرب آن کشته شده و چون به بیست درجه نزول کند میکربها نابود و بی اثر می‌شوند.

پاسخ

می‌شود.

پرولتاریا

در رم باستان به معنای پائین‌ترین طبقات جامعه که فاقد مالکیت بودند، به‌کار می‌رفت و گاهی به معنای طبقات پست هر جامعه به‌کار می‌رود و در این استعمال تحقیرآمیز است. در مفهوم جدید بر طبقه کارگران صنعتی اطلاق می‌شود. این مفهوم را بیشتر مارکسیسم اشاعه داد و این طبقه در فلسفه تاریخی آن دارای اهمیت خاص است.
پرولوگ (اصطلاح حدیث کردن) ← حدیث کردن

پرومیتوس

نام جنبشی در پاریس ۱۹۲۸، به‌وسیله مهاجران گرجستان و اوکرائی برای ایجاد گرجستان مستقل و ارمنستان مستقل و اوکرائی مستقل به‌وجود آمد. این جنبش را آلمانها تقویت می‌کردند.

پریمی تیویسم

عقیده به لزوم رجعت انسان به حالت سادگی و بی‌پیرایگی عهد بدویت و الغای کلیه علائق مدنی و اجتماعی و ابطال تمام محدودیتها به استثناء علایقی که از حس وظیفه مردم حکیم ناشی گردد.

پسی میسم

بدبینی نسبت به همه چیز و بی‌زاری از جهان و از دنیاگذشتگی است.

پلورالیسم

و تو پدر و مادر این آمت هستیم و در اصطلاحات فلسفی آمده که مراد از آباء و پدر تنها عالم علوی است که آباء سبعة گویند.

پراگماتیسم

فلسفه اصالت عمل و واقعیت است و اعتقاد به اینکه حقیقت را سنجش مقدار تطابق فکر با واقعیت فکر با واقعیت و نتایج عملی آن می‌توان کشف و معلوم داشت. واضع این فلسفه ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰) آمریکائی است.

پردوکتور (Productour)

حاصل‌دهنده یا تهیه‌کننده که هزینه فیلم را او می‌پردازد ولی چنانچه به موفقیت محصول خویش علاقمند است و اطلاعاتی نیز از امور فنی و هنری سینما ندارد نباید در امور آن دخالت کند.

پرده

پرده، حاجب میان حق و بنده است و مانعی را گویند که میان عاشق و معشوق باشد و از لوازم طریق باشد از جهت معشوق.

ای پرده‌ساز گشته در این دیر پرده در

تاکی جو کرم بیله‌نشستن به پرده در

(عطار)

پرسوناژ (Personage)

یک فرد یا شخصیت در سناریو و به طریق اولی در فیلم. هر هنرپیشه در فیلم در نقش یک پرسوناژ یا در موارد استثنائی در نقش دو یا چند پرسوناژ ظاهر

خونریزی به تحریک حکومت برای حمله به یهودیان. در ۱۸۸۱ که حمله عمومی در روسیه به یهودیان آغاز گشت، این اصطلاح معمول شد.

پیاله

پیاله کاسه‌ای که بدان شراب نوشند و در اصطلاح سالکان کنایت از محبوب است، و گفته شده است هر ذره‌ای از ذرات موجودات پیاله‌ای است که از آن مرد عارف شراب معرفت نوشد و نیز قرابه و پیاله به معنای صفای ظاهر و باطن آمده است که هر چه در او باشد ظاهر گردد.

اجزای پیاله‌ای که در هم پیوست
بشکستن آن روا نمی‌دارد مست

(باباافضل)

پیچی نیل

نهمین سال از دوره دوازده‌ساله گاهشماری منسوب به خطانیان و ایغورها. این گاهشماری اصلاً چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت. پیچی نیل به معنی سال بوزینه است.

پیر خرابات

پیر خرابات کاملان و راهنمایان را گویند. هر کو به خرابات نشد بی‌دین است زیرا که خرابات اصول دین است گرفتن دامن پیر خرابات یعنی دست همت از جمیع رسوم و عادات رها کردن است.

پیر مغان

اعتقاد به اینکه علایق فرد نباید منحصر به پیوستگی سیاسی وی به دولت باشد بلکه متساویاً باید به گروه‌های دیگر اقتصادی و مذهبی و اجتماعی و غیر آنها پیوستگی داشته باشد و نیز اعتقاد به لزوم تعداد احزاب و جماعات و انواع انجمنها و عقاید و سلیقه‌های مختلف در اجتماع.

پل

در اصطلاح درودگری، چوب بلندی که در وسط تخت یا اثاث دیگر قرار دارد، و تخته‌ها و چوبها بر آن متکی است.

پلاسم

لغت یونانی است و مایعی است شفاف، زردرنگ و قابل انعقاد که حداکثر آن از خون تشکیل شده و در تمام انساج و لنتهای بدن وجود دارد، پلاسمای خونی است شامل ۸ تا ۹ گرم کلرور و ۵ تا ۶ گرم نمک طعام و فسفاتها، کربناتها، پتاسیم، کلسیم، پروتیدها، آلبومین، گلوکز در یک لیتر. علاوه بر این همه مقداری چربی و آمونیاک و اسید اوریک در آن یافت می‌شود.

پوزی تیویسم

فلسفه اثباتی یا قطعیت منسوب به اوگوست کنت فیلسوف فرانسوی قرن ۱۹ که گوید: خارج از حقایق فیزیکی و آثاری که حس شود هیچ چیز قابل شناسائی نیست.

پوگروم

لفظ روسی است به معنی تخریب و غارت و

واژه‌ها و اصطلاحات

جزایر تحت حاکمیت آن و یا به قوای مسلح، کشتیها، و نیروی هوایی آن» است. این پیمان نشانه تغییر جهت استرالیا و زلند جدید به طرف ایالات متحده آمریکا و دوری از انگلستان بود. هربرت مورین، وزیر خارجه انگلستان، در آوریل ۱۹۵۱ در پارلمان انگلستان تمایل دولت خود را به شرکت در این پیمان اظهار کرد.

تابش

در اصطلاح فیزیک، برخورد نور یا به طور کلی امواج برق‌طیسی و انرژی تشعشعی یا پرتابه‌ها - مثلاً الکترونها - با یک سطح مادی.

تابع

در اصطلاح ریاضیات، کمیتی که به ازاء مقادیر کمیتی دیگر موسوم به متبوع یا متغیر مطلق، بر طبق قاعده معینی، مقادیری به آن تعلق گیرد. در این صورت کمیت اول تابع کمیت دوم - یعنی متغیر مطلق - می‌باشد.

تابو

اصلاً به معنی مقدس یا نجس یا ممنوع است. واصطلاحاً دلالت دارد بر شخص یا شیء یا عملی خطرناک، که چون مقدس یا نجس یا منهی و حرام است، باید از آن اجتناب کرد. نقض حرمت تابو را معمولاً قوای فوق طبیعی کیفر می‌دهد و کسی که چنین کند دچار مرگ یا بیماری یا بدبختیهای دیگر می‌گردد.

تألف

پیر مغان انسان کامل است و به معنای رهبر روحانی است و در جانی به معنای می فروش است. گر پیر مغان مرشد ما شد چه تفاوت در هیچ سری نیست که سری زخدا نیست

پیشخوانی

در اصطلاح تعزیه، نوحه‌خوانی به ترتیبی مخصوص قبل از آغاز تعزیه. ترتیب آن این است که پیش از شروع تعزیه، همه بازیکن‌های دستگاه روی سکو می‌آیند؛ دو نفر بچه‌خوان بر عالی‌ترین نقطه تکیه می‌ایستند و بقیه در وسط سکو دایره‌ای تشکیل می‌دهند؛ بچه‌خوانها نوحه‌ای در لحنی زیبا دم می‌گیرند و بقیه آنرا تکرار می‌کنند. گاهی این نوحه به صورت سؤال و جواب خوانده می‌شود و بسیار مؤثر و زیباست.

پیک آب گروپ (Pickup Group)

به گروهی اطلاق می‌شود که بخاطر موقعیت بخصوصی مثلاً ضبط آهنگ، بدور هم گرد می‌آیند.

پیمان امنیت اقیانوس آرام

عنوان پیمان سه‌جانبه امنیت مشترک بین استرالیا، زلند جدید، و ایالات متحده، که در سپتامبر ۱۹۵۱ در سان‌فرانسیسکو بسته شد. به موجب این پیمان که نامحدود به قوت خود باقی است، «هر یک از دولتهای عضو پیمان حمله مسلحانه در اقیانوس آرام علیه دولتهای دیگر عضو را تهدیدی برای صلح و امنیت خود می‌شناسد و برای مقابله با خطر مشترک دست به اقدام خواهد زد.» حمله مسلحانه شامل «حمله به سرزمین مرکزی هر یک از دولتهای عضو یا

تثلیث در لغت به معنی سه گانگی و در دین مسیح عبارت از «اب»، «ابن» و «روح القدس» می باشد. مراد از «اب» خداوند، مراد از «ابن» حضرت عیسی مسیح، و مراد از «روح القدس» فرشته رحمت و بشارت الهی است.

تجاهل العارف

در علم بدیع، از چیزی آشکار و شناخته چنان سخن گفتن و پیرسیدن که گویی آن را ندانسته و نشناخته اند. قصد از آن مبالغه در تشبیه، شگفتی، سرزنش، خوارشمردن و جز اینهاست؛ مانند:
یارب آن روی است یا برگ سمن
یا رب آن موی است یا مشک ختن
(سعدی)

تجدید مطلع

در قصیده ای واحد - به سبب ناتمام ماندن مقصود، و گاه تنگی قافیه - مطلعی دیگر آغاز کردن، و به تبع آن، قافیه های گذشته را از نو آوردن. گاه ممکن است شاعری سه یا چهار بار تجدید مطلع کند.

تجریّد

تجریّد مجرد شدن است، و مجرد کسی باشد که برهنه باشد و در اصطلاح عرفا آن است که ظاهر او برهنه باشد از اغراض دنیوی و چیزی در ملک وی نباشد و باطن او برهنه باشد از اغراض یعنی بر ترك دنیا از خداوند چیزی طلب نکند و از عرض دنیا چیزی نگیرد و بر ترك آنهام عوض نخواهد نه در دنیا و نه در عقبی، بلکه ترك دنیا را از آن جهت کند که دنیا را چیزی نداند و خود را مشغول به امری نکند

از جمله اخلاق کریمه و اوصاف شریفه یکی تودد و تألف است، چنانکه در خبر است «المؤمن آلف و مؤلوف و لاخیر فیمن لا یؤلف و لا یؤلف» وحدت و عزلت که محمودست نسبت به اشرار و اراذل است و إلاّ تألف و صحبت با اختیار اشرف مطالب و اعزّ مآرب است.

تأسیس

در علم قافیه، آلفی که به فاصله يك حرف متحرّك پیش از روی درآید، مانند الف در واژه های کامل و عاقل. رعایت این حرف در قوافی واجب نیست، چنانکه عاقل را با دل قافیه می توان کرد.

تنوکراسی

تنوکراسی نوع حکومتی است که اساس آن را نظام دینی تشکیل می دهد و فرض بر این است که حکومت با خدا و قوانین از جانب اوست و روحانیان، که فرمانروایان نیز هستند، در چنین حکومت اشاعه دهندگان و مفسران فرمانهای خداوند هستند و نماینده آن فرمانروای نامرئی. برجسته ترین نوع حکومت تنوکراتیک حکومت موسی بر بنی اسرائیل بود. حکومت های صدر اسلام و حکومت پاپی در قرون وسطا مدّت محدودی تنوکراتیک بودند.

تبتی

زبانی از گروه زبانهای چین و تبتی، رایج در تبت و صاحب ادبیات مهم مذهبی.
تبتیین (در علم بدیع) ← تفسیر

تثلیث

تحریر

در اصطلاح خط و تذهیب، رسم خطوط بسیار نازک در کنار خطوط طلائی درشت و کنار ترنجها و طرحهای تذهیب.

تحویل

در اصطلاح ریاضیات، لفظی که در بعضی موارد به تغییر دادن شکل يك یا چند عبارت بدون تغییر مقدار آن اطلاق می‌شود.
تحویل (در علم بدیع) ← زشت و زیبا

تخمیر

در اصطلاح کاشی‌کاری، عبارت از آن است که قطعات کاشی را برای معرّف تراشیده از پشت پهلوی هم می‌چینند و با ریختن گچ آنها را به صورت يك پارچه درمی‌آورند. ممکن است قطعات آجر یا مرمر هم در میان کاشیها به‌کار رود.

تدلّیس

تدلّیس در لغت اخفا و عیب کالا پوشیدن است و به اصطلاح عرفا در لباس صلاح فساد کردن و در زیر جبهه عبادت شرك و وزیدن و عبادات را جهت ارائه خلق کردن و ظاهر را آراستن و باطن را تباه کردن است و آن را مفسدت بیشمارست.

آتش زهد و ریا خرمن ایمان را سوخت
حافظ این خرقه شمشینه بینداز و برو

(حافظ)

که عبادت حق را فوت کند و بداند که مال دنیا را ارزشی نیست که بتوان بای بند بدان شد و حطام دنیا و یال اهل دنیا است.

تجنّیس

در اصطلاح حساب، جمع کردن يك عدد صحیح با يك كسر. برای این منظور عدد صحیح را در مخرج كسر ضرب کرده حاصل ضرب را با صورت كسر جمع می‌کنند و مجموع را صورت قرار می‌دهند و همان مخرج را زیر آن می‌نویسند.
تجنّیس (در علم بدیع) ← جناس

تجوید

فن خواندن صحیح قرآن. و آن چنان است که هر حرف را آنگونه که باید، بی‌دشواری و به صورتی که اعراب فصیح تلفظ می‌کنند، ادا می‌نمایند و آنجاها که لازم است حروف را در یکدیگر ادغام کنند.

تحت الحمايگی

وضعیت سرزمینهایی است که رسماً به قلمرو کشور دیگر ملحق نشده‌اند، اما دولت حمایت‌کننده در آن سرزمین دارای حق حاکمیت (گاهی محدود و مشروط) و حق قضاوت است. تعریف دقیق و مشخصی از «تحت الحمايگی» ممکن نیست، زیرا به تعداد تحت الحمايها انواع تحت الحمايگی وجود دارد. در هر حال آنچه حایز اهمیت است شکل آغاز تحت الحمايگی (مثلاً، به موجب قرارداد، واگذاری، یا عرف) است. میزان دخالت دولت حمایت‌کننده در تحت الحمايه بستگی به قرارداد و عرف دارد.

تدویر

در اصطلاح مالی و اقتصادی، هر نوع سازمانی که سیاست بازرگانی چندین مؤسسه مستقل را تحت نظارت خود درآورد، و مخصوصاً بهای کالاهایی را که مؤسسات مذکور تولید می کنند در بازارهای مختلف یکنواخت کرده رقابت را از بین بردارد.

تراموای

ترن و تراموای دو اصطلاح پیوسته هم است. ترن يك عده اطاقهای پیوسته بهم را گویند که بوسیله لکوموتیو در روی خط آهن در شهر حرکت می کند. «مترو» نوع دیگر آن است که در خطوط زیرزمینی شهر حرکت می کند.

ترانزیت

وقتی کالاهای تجارتي از يك کشور به مقصد کشور دیگر حمل می شود، کشوری که بین کشور مبدأ و مقصد واقع شده مبلغی به عنوان ترانزیت دریافت می دارد. جبل الطارق در اقیانوس اطلس محل وصول ترانزیت است. دولت ترکیه در بغاز داردانل مبالغی بابت ترانزیت دریافت می دارد.

ترتیب

در اصطلاح علم و جبر، هر يك از دسته های متمایز - خواه به جهت اختلاف در ترتیب اعضاء یا به جهت تفاوت در لاقبل یکی از اعضاء - متساوی العده و دارای اعضاء متمایز که می توان از عده معینی از اشیاء متمایز تشکیل داد.

ترجمه

در علم بدیع، بیتی یا مصراعی را چنان برداختن که اگر الفاظ آنرا دایره وار نویسند، از هر لفظی بتوان بیت یا مصراع را آغاز کرد. بیت یا مصراعی چنین را مدور خوانند.

تذکر

تذکر به معنای یادآوری است و در اصطلاح صوفیان ذکر خدا گفتن و به یاد خدا بودن و از خلق بریدن و بدو پیوستن است «و ما يتذكر الا من ينيب...» و تذکر فوق و برتر از تفکر است چنانکه فرمودند «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة» زیرا تفکر طلب است و تذکر وجود است، تفکر در مقام فقدان مطلوب است و تذکر در موقع رفع حجاب و خلوص، و خلاص انسانیت از قشور صفات نفس است.

تراد (موسیقی جاز)

شکل استاندارد شده کلمه (Traditional) «روایتی» است و در حال حاضر به قسمی موسیقی متعارفی گفته می شود که بخصوص در انگلستان گروه های جاز دنباله روی روش نیواورلئانی ها، آنرا اجرا می نمایند.

تراژدی (Tragedie)

چه در سینما و چه در تئاتر به نمایشات تأثرآور و رقت انگیز که حوادث فجیع را می نمایند، اطلاق می گردد. نمایشات تراژدیک غالباً با مرگ قهرمان داستان پایان می پذیرد. تراژدی را به فارسی نباید بتوان فاجعه ترجمه کرد.

واژه‌ها و اصطلاحات

سعدی: «قدمی در راه خدا ننه‌ند و درمی بی من و اذی ندهند.»
و رشید و طواط:
هوا شد تیره و گریان بسان دیده و اَمق
زمین سد نازه و خندان بسان چهره عذرا

ترقیل

در علم عروض، یکی از زحافها، و آن افزودن سببی خفیف یا هجائی دراز است بر وتد مجموع آخر پایه در ضرب و عروض. پایه‌ای چنین تغییر یافته را مُرَقَّل خوانند.

ترسایچه

جاذبهٔ ربانی و جالیهٔ روحانی را ترسایچه خوانند. بعضی داروئی را که از عالم ارواح به قلوب و نفوس به طریق غلبه و استیلا فائض گردد و همه را مشغول سازد و از تفرقهٔ نفوس خلاصی دهد، ترسایچه گویند.
ترسایچه‌ای دیدم زَنار کمر کرده
صد معجزهٔ عیسی بی‌درس زبر کرده

تروتسکیسم

عقاید فرقه منشعب از حزب کمونیست روسیه و تابع فلسفه تروتسکی که معتقد به انقلاب جهانی همراه با انقلاب داخلی بود.

ترور

لفظ اروپائی، به معنی ترس و وحشت فوق العاده؛ یا کسی یا چیزی که باعث آن شود. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی

در علم بدیع، گرداندن معنی عبارتی است از زبانی دیگر به نظم پارسی؛ مانند:
بیس که بر آورم ز دستت فریاد
هم بیس تو از دست تو می‌خواهم داد
(سعدی)

که ترجمهٔ این شعر متنبی است:

یا اعدل النَّاسَ الْآفِیْ مَعَامَلَتِی
فیک الخصام و انت الخصم و الحکم

ترجیع بند - ترکیب بند

ترجیع آن است که قصیده را بر چند قطعه تقسیم کنند همه در وزن متفق و در قوافی مختلف و شعرا هر قطعه را (خانه) گویند آنکه فاصله میان دو خانه بیتی مفرد سازند و این بیت را (ترجیع بند) خوانند پس اگر خواهند همان بیت را ترجیع بند همه خانه‌ها سازند و اگر خواهند هر خانه را ترجیع بند علیحده گویند و اگر شعر در فواصل قسمتهای قصیده مکرر شود سایر اقسام را ترکیب بند گویند مانند ترجیع بندهای جمال‌الدین اصفهانی، خاقانی، سلمان ساوجی، هاتف اصفهانی.

تردستریم (Third stream)

شکلی از موسیقی که در آن جاز و اصول کلاسیک با هم ترکیب شده‌اند. این روش موفقیتی بدست نیاورد.

ترصیع

در علم بدیع، همه یا بیشتر الفاظ بیتی یا مصراع‌ی یا پاره‌ای از نثر را با قرینهٔ خود در روی و وزن برابر آوردن؛ مانند:

از توّسل يك فرقه یا حزب است به اعمال شدید برای آنکه قدرت را به دست آورد یا آنرا حفظ کند.

تروریسم

عقیده به لزوم آدم‌کشی و تهدید و تخویف و تخریب و ایجاد وحشت در میان مردم برای برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام دولت یا تحمیل عقیده و فلسفه‌ای به جامعه.

تروکاژ

اصطلاحی است در سینما، حقه‌های سینمایی یا نیرنگهائی که در يك فیلم دیده می‌شود، و برای دو منظور به کار می‌رود: یکی نشان دادن جریاناتی که احتمالاً در واقع اتفاق افتاده یا امکان وقوع آن هست لیکن نمایش آن با تکنیک معمولی محال است؛ مانند آتش‌سوزی در ابنیه‌های عظیم یا خراب‌شدن آنها و غیره، دیگری نشان دادن يك اتفاق محال که تنها پدیدهٔ تخیل است؛ مانند مرد نامرئی و امثال آن.

تریونیون

نام سازمانی از کارگران برای تماس با کارفرما در مورد افزایش حقوق و تقلیل ساعات کار و سایر وسائل مربوط به زندگی.

تسبیغ

در علم عروض، یکی از زحافها، و آن افزودن الفی است در میان سبب خفیف آخر پایه در ضرب و عروض؛ به عبارت دیگر، تبدیل هجای دراز است به هجای درازتر در آخر مصراع. پایه‌ای را که تغییری

چنین یافته است مُسَبِّغ خوانند.

تست

لغت انگلیسی است به معنی آزمایش و درون‌شناسی، سیستم مخصوصی است که با آزمایشهای علمی می‌توان هوش و استعداد اطفال را سنجید.

تسجیع (در علم بدیع) ← سجع

تسلسل خواطر ← تداعی معانی

تسلیم

در علم بدیع، نخست با چیزی همداستانی کردن، آنگاه بر رد آن دلیل آوردن؛ مانند:
 فارون گرفتتم که شدی در توانگری
 سگ نیز با فلّادهٔ زرین همان سگ است
 (سعدی)

تسلیم

تسلیم عبارت از استقبال قضا و تسلیم به مقدرات الهی است. مقام تسلیم فوق مرتبت توکل و رضا است و این مقام حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که مراتب و درجات تکامل را مرتباً پیموده و به اعلی مرتبهٔ یقین رسیده باشد و مرتبت رضا فوق مرتبت توکل است زیرا در توکل کاری را که سالک به خدا می‌سیارد مثل آن است که او را وکیل کند و تعلق خاطر خود را بدان باقی می‌دارد لیکن در مقام تسلیم سالک قطع تعلق می‌کند و بالاتر از رضا است زیرا در مقام رضا هر چه خدا مقرر فرماید موافق طبع سالک

است ولی در این مقام سالک را طبع نمی‌ماند که موافق و یا مخالف باشد.

تشریق

در اصطلاح هیئت قدیم، اولین طلوع مجدد سالیانه یک ستاره در مشرق درست پیش از طلوع آفتاب پس از دوره‌ای که ستاره، به سبب نزدیکی به خورشید ناپدید بوده است. در مقابل تشریق، تعزیر است که اولین طلوع مغربی ستاره می‌باشد.

تسمیط

در علم بدیع، بیت را به چهار بخش کردن و سه بخش نخستین را به سجعی خلاف قافیه آوردن؛ مانند:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن
من خود به چشم خویشان دیدم که جانم می‌رود

(سعدی)

شعری چنین را مُسَمِّط خوانند.

تسهیم (در علم بدیع) ← ارساد

تشابه الاطراف

در علم بدیع، آخرین لفظ یا الفاظ مصراع یا بیتی را در آغاز مصراع یا بیت دیگر دوباره آوردن؛ مانند:
دوباره باد بهار به باغ شد بی سیار
به باغ شد بی سیار نسیمی از هر کنار
(فرصت شیرازی)

تشبیه

در علم بدیع، مانند کردن دو چیز در صفتی به یکدیگر؛ مانند:
عداری جو گل خاطر افروز دید (اسدی)
تشبیه چهار رکن دارد: ۱) مشبه (= مانندشده، عذار)؛ ۲) مشبه به (= آنچه مشبه را بدان مانند کرده‌اند، گل)؛ ۳) ادات تشبیه (= چو)؛ ۴) وجه شبه (= صفت مشترك میان مشبه و مشبه‌به، خاطر افروزی).

تشطیر

در علم بدیع، مصراعهای بیتی را دو لخت کردن و در هر لخت قافیه نگاهداشتن، چنانکه قافیه‌های یک مصراع مخالف قافیه‌های مصراع دیگر باشد؛ مانند:
مده ای رفیق پندم، که نظر بر او فکندم
تو میان ما ندانی، که چه می‌رود نهانی
(سعدی)

تشعیر

نقوش حیوانات و طلاکاری که عموماً در حواشی کتب خطی رسم می‌کنند. در حاشیه قالی نیز بکار می‌رود.

تصحیف

در علم بدیع، الفاظی به قصد اخفای مقصود در سخن آوردن که با تغییر نقطه‌های حروف آنها، معنی آنها تغییر یابد. مانند «توشه» و «بونه» که به تصحیف «بوسه» و «بویه» گردد. دو واژه‌ای چنین را نسبت به یکدیگر مُصَحِّف خوانند.

تصدیر (در علم بدیع) ← ردالعجز علی الصدر

تصریح

جز این نگویم شاهها که رودکی گوید
خداى چشم بد از ملك تو بگردانساد
(مسعود سعد)

تعادل شیمیایی

بسیاری از واکنشهای شیمیایی کامل نیستند، علت آن است که واکنش با واکنش معکوس توأم می باشد و در آخر عمل دو واکنش با سرعت مساوی انجام و دستگاه بدون تغییر باقی می ماند. چنین دستگاهی در حال تعادل شیمیایی می باشد. هر دستگاه شیمیایی در حال تعادل شامل نسبتهای معین از هر يك از مواد حاصل می باشد و این حالت تعادل وابسته به شرایط فیزیکی درجه حرارت و فشار و شرایط شیمیایی غلظت‌های مواد اولیه می باشد و حالت تعادل از به کار بردن قانون اثر جرم یا اثر غلظت نتیجه می شود.

تعارض قوانین

در اصطلاح حقوقی، به وضعی اطلاق می شود که موقع رسیدگی به يك مسئله حقوقی و قضائی بتوان به قوانین بیش از يك سرزمین استناد کرد، و یا آنکه آیینهای دادرسی مختلف شامل آن گردد.

تعجب

در علم بدیع، چیزی را به صفتی شگفت انگیز بیان کردن و از آن شگفتی نمودن؛ مانند:

عاشقم بر قهر و بر لطفش بجید
ای عجب من عاشق این هر دو ضد
(مولوی)

در علم بدیع، در مصراع اول بیتی یا بیت‌هایی پس از مطلع - در قصیده و غزل - نیز قافیه نگاهداشتن؛ مانند:

صبرکن ای دل که صبر شیوه اهل صفاست
جاره عشق احتمال، شرط محبت وفاست
مالک رد و قبول هر چه کند پادشاست
گر بکشد حاکم است، ورنه بنواز درواست
گرچه بخواند، هنوز دست جزع بر دعاست
و رچه براند، هنوز روی امید از قفاست
بیتی چنین را که هر دو مصراع آن دارای قافیه باشد، مُصْرَعُ خوانند.

تصوّف

تصوّف به معنی صوف پوشیدن است که اثر زهد و ترك است و در اصطلاح پاك کردن دل است از محبت دنیا و آراسته کردن ظاهر است من حیث العمل و الاعتقاد.

محمّدبن احمد مقرئ گوید: تصوّف استقامت احوال است یا حق.

تصویر

در اصطلاح فیزیک، مجموعه نقاطی که شعاعهای نور صادر از نقاط مختلف يك شیئی، پس از عبور از يك دستگاه نوری، به جانب آنها متقارب می شوند.

تضمین

در علم بدیع، مصراع یا بیتی یا چند بیت از شاعری دیگر را - با یاد کردن نام وی، اگر شعر مشهور نباشد - در شعر خویش آوردن؛ مانند:

تعدید (در علم بدیع) ← سیاقه الاعداد

تکنی کالر

تعریض

در علم بدیع، سر بسته سخن گفتن و گوشه زدن؛ مانند:

اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن
شکر ایزد که نه در پرده پندار بمان

(حافظ)

از نظر هنری عبارت است از طریقی که هنرمند برای بهتر نشان دادن ادراک خویش انتخاب می کند. طریقه متداول برای فیلمبرداری رنگی از محصولات هالیوود. این طریقه از نظر تجارتي فقط برای فیلمهایی که بخواهند از آن نسخ متعدد چاپ کنند قابل استفاده است. طریقه‌های مهم دیگر عبارتند از: ایستمن کالر، سوو کالر، آگفا کالر، فرایا کالر و غیره، که در محصولات کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد.

تعقید

در علم معانی و بیان، سر راست نبودن و پیچیدگی معنی به سبب بس و پیش افتادن الفاظ از جای خود. در جمله، یا کنایات و اشارات دور از ذهن آوردن. تعقید از عیوب فصاحت کلام است.

توشیح

عبارت است از کلام و مقالی که آخر آنرا تشبیه می آورند که تغییر به دو مفرد شود تا معنایی که در تشبیه پنهان است معلوم و روشن گردد؛ مانند:

در موسم زمستان سعدی دو چیز خواهد
یا آفتاب رونی یا روی آفتابی

(سعدی)

تفریق

در علم بدیع، جداسی افکندن میان دو چیز که از نوع یا همانند یکدیگر باشند به قصد مدح یا ذم، بی آنکه از آغاز آنها را جمع کرده باشند؛ مانند:

سرو را با قد تو نسبت نیست
زانکه جویی است ناتراشیده

تقارب

در اصطلاح هندسه، خاصیت نزدیک شدن به یکدیگر در خطوط مستقیم، و بالاخص گذشتن از یک نقطه است.

تفویق

در لغت جامه باریک ساختن را گویند، و در اصطلاح عبارت است از اینکه متکلم مترادف که وزنهای نزدیک بهم باشد در کلام بیاورد؛ مانند:

فضا گفت: گیر و قدر گفت: ده
ملك گفت: احسن، فلك گفت: زه

تقارب

در اصطلاح فیزیک، عکس فاصله کانونی یک عدسی یا بطور کلی یک دستگاه نوری. اگر فاصله کانونی بر حسب متر بیان شود، تقارب بر حسب دیوپتری خواهد بود.

(فردوسی)

تقدیس

اصطلاحی در دین. به معنی پذیرفتن گفته‌های دیگری در مسائل دینی بدون دلیل در هر يك از آن مسائل. این تقلید به حکم فطرت که رجوع جاهل است به عالم، انجام می‌گیرد. پیروان را مقلدین و پیشوایان را مراجع تقلید گویند.

تقوی

تقوی در لغت به معنی اتقا و پرهیزکاری است و اتخاذاً وقایت است و اصطلاحاً دوری کردن از عقوبت حق است بواسطه انجام طاعات حق و بعضی گویند تقوی فقط احتراز از محرّمات است.

تقیّه

در اصطلاح متکلمان، پوشاندن و اظهار نکردن عقیده دینی، و حتی ترك فرائض آن، در آن هنگام که از آشکار کردن آن خطری متوجه شخص می‌شود. در بین مسلمانان، شیعه تقیه را جایز و در بعضی موارد فرض می‌شمارند. طرفداران تقیه معتقدند که عمل تقیه برای شخص پیغمبر، به سبب آنکه مؤسس دین و مبین احکام است، جایز نیست، ولی پیشوایان دین اگر در انجام یکی از تکالیف مواجه با خطر شدند برای رعایت مصلحت فرد یا جماعت، تقیه برای آنها جایز خواهد بود.

تکریر

در اصطلاح شیمی، تصفیة يك مایع بوسیله تقطیر است.

تکلیس

تقدیس در لغت به معنای تطهیر و اصطلاحاً تنزیه حق است از کل مالایلیق به جنابه و از نقائص کونیه و از تمام آنچه کمال به حساب می‌آید به نسبت به غیر حق از موجودات مجردة و یا غیر مجردة و اخص از تسبیح است و از لحاظ کیفیت و کمیت یعنی اشد تنزیها است از تسبیح چنانکه فرمودند «سبوح قدوس» و این تأخر دلیل به اشد تنزیها بودن است.

تقریب الامثال بالاخبار

در علم بدیع، آوردن مثلثانی در سخن که در معنی نزدیک به اخبار یا آیات قرآن باشد؛ مانند آهن را به آهن برند، که نزدیک است به معنی این آیه: «و كذلك نولّى بعض الظالمین بعضاً بما كانوا یکسبون».

تقسیم

در علم بدیع، نخست چند چیز را یاد کردن، آنگاه درباره هر يك آنچه درخور آن است گفتن؛ مانند:

نو فارغ و شهری به خیال تو در آسوب
از آرزوی وصل تو یا بیم جدائی
جمعی به تزلزل که مبادا روی از بزم
خلقی به سر راه که از خانه درآبی

تقصیر

یکی از اعمال حج، و آن گرفتن ناخن یا مقداری از مو است که به وسیله آن محرم از حالت احرام خارج شده و محل می‌گردد.

نامند.

تلمیح

در علم بدیع، برای اثبات سخن خویش به داستانی مشهور یا آیه‌ای یا حدیثی یا مثلی معروف اشارت کردن، یا اصطلاحات برخی از علوم را آوردن، مانند:

سحر سختم در همه آفاق برفته است
لیکن چه کند با ید بیضا که تو داری
(سعدی)

تله‌پاتی

به معنی الهام و احساس غیبی است اما در روانشناسی آنرا به حس ششم مربوط می‌سازند، کسانی که نیروی الهام یا تله‌پاتی روحی داشته باشند از وقایع آینده مطلع می‌شوند اما هنوز حس تله‌پاتی شکل علمی به خود نگرفته است.

تِم

در اصطلاح موسیقی، موضوع یا ملودی مقدم يك آهنگ است. در بخشهای مختلف يك فوگ، تم متوالیاً تکرار می‌شود.

تَمغا

در اصطلاح دیوانیان و مستوفیان قدیم، عنوان مالیات راهداری و عوارضی که در معابر، دروازه‌ها، و بنادر از کالاهای بازرگانی می‌گرفته‌اند، نظیر گمرک، نواقل و عوارض شهری. در بین اصطلاحاتی که غازان خان مغول در امر مالیات به عمل آورد، مقرر

در شیمی، قراردادن ماده‌ای در تحت تأثیر دمای زیاد. ماده‌ای که تحت عمل تکلیس قرار گیرد ممکن است (۱) رطوبت خود را از دست بدهد؛ (۲) ماده فرّاری از آن خارج شود؛ (۳) دستخوش اکسایش یا احیا گردد.

تکیه

محلّی است که در آن شرح مصائب حضرت امام حسین (ع) به صورت تعزیه یا روضه، بیان شود؛ این محل عبارت است از فضائی محصور که در وسط آن سکونی گرد یا چهارگوش ساخته شده که کار صحنه نمایش را می‌کند و در اطرافش غرفه‌ها و طاقنماهایی است که یا آیین می‌بندند و یا رجال کشور برای تماشای تعزیه از آنها استفاده می‌کنند. تکیه را حسینیه نیز می‌نامند. لفظ تکیه به خانقاه دراویش نیز اطلاق می‌شود.

تلقیح

داخل کردن ویروس یا میکروب تخفیف یافته به بدن از طریق خراش پوست، برای تولید بیماری خفیف به منظور ایجاد ایمنی، یا به قصد تولید بیماری تجربی است.

تلقین

در روانشناسی، جریان ذهنی که نتیجه‌اش قبول بدون استدلال عقاید و افکاری است که به وسیله دیگری القا می‌گردد، یا در تحت شرایط خاصی محصول ذهن خود فرد است، و تحقق بخشیدن به آن عقاید و افکار در عالم عقیده یا عمل است. هرگاه سرچشمه تلقین خود فرد باشد، آنرا تلقین بنفس

تند و کند

اصطلاحی مربوط به طرحهای هندسی معروف به گره‌سازی، که در کاشیکاری، درودگری، گچ‌بری، و آینه‌کاری به کار رود. طرحها را برحسب ریز یا درشت بودن نقوش آنها تند (ریز و درهم) یا کند خوانند.

تنسيق الصفات

در علم بدیع، چند صفت پیاپی یکدیگر برای موصوفی آوردن؛ مانند:

دست حاجت جو بری پیش خداوندی بر
که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود
(سعدی)

تنگ‌وزنیل

دوازدهمین سال از دوره دوازده‌ساله گاهشماری منسوب به خطائیان و اویغورها. تنگ‌وزنیل به معنی سال خوك است. ← اودنیل.

تواجد

تواجد طلب وجدست و بعضی گویند اظهار حالت وجدست بدون وجد. تواجد از جهت معنی نزدیک به تساکر است و تشبّه به اهل وجد و سکر است. در دستورالعمله‌ها است که تواجد استدعاء وجد است از روی تکلف به نوعی از اختیار و صاحب آنرا کمال وجد نباشد.

توبه

در شرع اسلام، پشیمانی گناهکار از گناهی که

داشت که در هر ولایت تمغا را به قرار معین بر لوح نویسند و از روی آن وصول کنند، و زیاده از آن چیزی نستانند. اصل لفظ تمغا در ترکی جغتائی به معنی علامت و نشان و آلتی است که بدان چیزها را مهر و نشان کنند و دواب را داغ نمایند، به همین جهت چنانکه در سنگلاخ آمده «مهر و نشان فرامین پادشاهان ترك را» نیز تمغا گویند.

تناسب (در علم بدیع) ← مراعات نظیر

تناظر

در اصطلاح ریاضیات، قاعده یا قانونی که به موجب آن به هر عضو از مجموعه مفروضی از اشیاء يك یا چند عضو از مجموعه معینی تعلق گیرد. مثلاً هر يك از نسبت‌های پدری و فرزندى تناظرى بین مجموعه انسان‌ها و همین مجموعه برقرار می‌کند؛ در تناظر اول نظیر هر عضو پدر اوست، و در تناظر دوم نظیر هر عضو فرزند یا فرزندان او هستند.

تنافر حروف

در علوم معانی و بیان، دشوار به زبان آمدن واژه‌ای به سبب گریزان بودن حرفهای آن از یکدیگر، مانند خَجَج [آماس گلو]. تنافر حروف از عیوب فصاحت کلمه است.

تنافر کلمات

در علوم معانی و بیان، گریزان بودن واژه‌های سخن از یکدیگر و دشوار به زبان آمدن آنها به سبب تکرار يك یا چند حرف مشابه یا قریب‌المخرج در هر يك؛ مانند «خواجه تو چه تجارت می‌کنی؟»

توزیع

در علم بدیع، پراکندن حرفی در چند کلمه یا کلمه‌ای در چند مصراع؛ مانند:

در چشم منسی و غایب از چشم
زان چشم همی کنم به هر سو

(سعدی)

توشقان ایل

چهارمین سال از دوره دوازده‌ساله گاهشماری منسوب به خطائیان و اویغورها. این گاهشماری اصلاً چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت. در این گاهشماری اسم هر يك از سالهای این دوره مرکب از اسم يك جانور به اضافه لفظ نیل [= سال] است. توشقان نیل به معنی سال خرگوش است.

توشیح

در علم بدیع، در آغاز یا میان هر مصراع یا بیت، حروف یا کلماتی آوردن که چون با یکدیگر جمع شوند، نامی یا لقبی یا سخنی جداگانه یا خود شعری پدید گردد. این چنین شعری را موشح [= آراسته] خوانند:

معشوق دلم به تیر اندوه بخت
حیران شدم و کسم نمی‌گیرد دست
مسکین تن من زبهار محنت شد پست
دست غم دوست پشت من خرد شکست

(وطواط)

مرکب شده از آن جهت که گناه است - نه پشیمانی از نوشیدن شراب از جهت سردرد ناشی از آن - با عزم به اینکه در صورت توانائی بدان گناه باز نگردد. توبه به دو شکل است: توبه انابت، توبه استجابت.

توتالیتزر

در لغت به معنای «جامع» و «فراگیر» است و به عنوان صفت بر رژیمهای سیاسی ای اطلاق می‌شود که دارای این مشخصات باشند: نظارت دولت بر کلیه شئون فعالیت اقتصادی و اجتماعی و انحصار قدرت سیاسی در دست يك حزب حاکم و حذف کلیه اشکال نظارت دموکراتیک جامعه (و غالباً در داخل خود حزب نیز) و توسل به ترور برای سرکوبی هر نوع مخالفت و تسلط يك فرد در رأس حزب و دولت و تلاش برای شکل دادن به جامعه براساس ایدئولوژی حزبی و تجهیز مجموع قوای جامعه در راه هدفهای حزب و دولت و از میان بردن استقلال فرد. در دولت توتالیتزر حدود قانونی‌ای برای مداخلات دولت در حیات جامعه موجود نیست و دولت با یکسان کردن تعلیم و تربیت (و حتی نظارت بر فعالیتهای ادبی و هنری) و در دست گرفتن تمام وسایل ارتباط عمومی و تبلیغ، مجموع قوای جامعه را در خدمت می‌گیرد و هدایت می‌کند.

توتم ← تابو

توریه

توریه به معنای ستر و اخفاست که اهل الله باید حقایق حال خود را بر اهل ظاهر و مبتدیان پنهان دارند تا منکر نشوند.

تومور

می‌ورزند.

تیول

در اصطلاح اداری عهد صفویه، قاجاریه عنوان ملکی که از جانب دولت به کسی (تیولدار) واگذار می‌شده که مستمری و وظیفه خود را از مالیات آنجا به‌طور مستقیم و بلاواسطه اخذ نماید. در اغلب موارد، مبلغی که تیولدار از آنجا حاصل می‌کرد چندین برابر مبلغی بود که تیول به جای آن به وی واگذار می‌شد. لغت تیول در ترکی به معنی بخش و بهره است.

ثلم

در علم عروض، یکی از زحافها، و آن انداختن «ف» است از فعلون، به عبارت دیگر انداختن هجای کوتاه است از آغاز این پایه. عروضیان به جای دو هجای دراز باقیمانده (عولن) فعلن می‌گذارند و آنرا اَنَلَم می‌خوانند.

جاگیر

در عهد سلاطین مغول هند، پاره زمینی که سلاطین به عنوان مستمری یا پاداش خدمت به امرا و صاحبان منصب و اشخاص واگذار می‌کرده‌اند تا محصول آن را بردارند. دارنده جاگیر را جاگیردار می‌گفتند. در اصطلاح اهل دفاتر، این جاگیر به عنوان تیول و اقطاع مشهور بوده است.

جام

جام به معنی کاسه و ظرفی است که در آن مسکرات نوشند و در اصطلاح دل و احوال عارف که

اصطلاحی است در مرگ مهلك سرطان، به معنی توده غیرعادی بافت؛ هر نوع تورم ناسالم که ممکن است خوش خیم یا بدخیم باشد.

تهذیب

تهذیب به معنی پاک کردن و خوب کردن، و تهذیب نفس یعنی پاک کردن درون از رذائل و در اصطلاح سالک محنت ارباب بدایات و شریعتی از شرایع ریاضات است که سالک طریق باید تمام عادات و اخلاق ذمیمه خود را رها کرده و خود را در تکلف و مشقت اندازد تا تمام عاداتهائی که مانع سلوک و سیر اوست به حق طرد نماید و این ابتدائی‌ترین کاری است که سالک باید انجام دهد و بالجمله یکی از طرق ریاضت تهذیب نفس است.

تیرانی

در یونان باستان این کلمه مترادف «دیکتاتوری» بود و تیرانوس کسی بود که در یک شهر قدرت شاهانه داشت. نویسندگان یونانی گاهی از «تیرانوس خوب» سخن می‌راندند. اما در مفهوم جدید این اصطلاح معادل «ستمگری» و «جباریت» است و بر حکومتهایی اطلاق می‌شود که با روش استبدادی مبتنی بر ترور حکومت می‌کنند، اعم از آنکه انقلابی باشند (مانند حکومت روبسییر) یا سنت‌گرای (مانند حکومت ایوان مخوف) یا اولیگارشسی باشد (مانند اسپارت) و حتی دموکراتیک.

تیمچه

سرای سرپوشیده که در حجره‌ها و غرفه‌ها و اطاقهای مختلف آن بازرگانان به کسب و کار اشتغال

است تا از آن مفا (U-) بماند. عروضیان به جای مفا، فَعْل می‌گذارند و آنرا محبوب می‌خوانند.

جبر و قَدَر

در اصطلاح علم کلام، عنوان مسئله معروف فلسفی در باب حدود قدرت و اختیار انسان. جبر عبارت است از اسناد دادن فعل بنده به خدا؛ در مقابل قَدَر که اسناد دادن فعل بنده است به خود او.

جبههٔ خلق

همکاری احزاب کمونیست، سوسیالیست و دیگر احزاب علیه فاشیسم که در اصل «انترناسیونال کمونیست» در ۱۹۳۵م تشکیل آن را پیشنهاد کرد. دولت جبههٔ خلق فرانسه به ریاس لئون بلوم (L. Blum) از ۱۹۳۶م تا ۱۹۳۷م و برای مدّت کوتاهی در ۱۹۳۸م بر سر کار بود. رئیس جمهور اسپانیا، که رئیس جبههٔ خلق اسپانیا بود، در مه ۱۹۳۶م دولتی را منصوب کرد که به «دولت جبههٔ خلق» معروف شد و این دولت گرچه به اصلاحات عمیق اجتماعی اعتقاد داشت، کمونیستها و سوسیالیستها در آن شرکت نداشتند. این دولت را فاشیسم سرانجام سرنگون کرد.

جَذِبَه

در اصطلاح صوفیه، کشش غیبی که به سبب عنایت خاص حق بر بنده می‌رسد، و او را بیواسطه و بدون طی مراحل مجاهده به معرفت و مشاهدهٔ حق می‌رساند.

جریبانه

مالامال بادهٔ معرفت است جام گویند. و بعضی گویند مراد از جام، بدن و از بادهٔ تصفیه، بدن است که عارف کامل از جام باده الهی نوشد و سرمست از توحید گردد.

جام جهان‌نما

مراد از جام جهان‌نما، باطنِ مردِ حق و انسان کامل است.

در جام جهان‌نمای اوّل شد نقش همه جهان مشکّل

(عراقی)

جامعهٔ دفاعی اروپا

سازمانی که قرار بود با داشتن ارتش و بودجه مشترک مسئول دفاع شش کشور آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه، لوکزامبورگ، و هند باشد و پیمان آن در ۲۷ مه ۱۹۵۱م به امضای وزرای خارجهٔ این دولتها رسید، اما به علت رد شدن آن در مجلس ملی فرانسه هرگز به وجود نیامد، و بجای آن اتحادیهٔ اروپای غربی در ۱۹۵۵م تشکیل شد.

جایو

این لغت دیگر به ندرت استعمال می‌شود ولی به رقصی اطلاق می‌گردد که فی البداهه با آهنگی جاز رقصیده شود.

جَبِّ

در علم عروض، یکی از زحافها و آن انداختن دو سبب خفیف یا دو هجای دراز آخر مفاعیلین (U...)

در اصطلاح کشاورزی، مبلغی که مالک به جای عین جنس از درآمد ملک بابت سهم خود دریافت می‌دارد. جریانه بیشتر از باغات گرفته می‌شود.

این معنی را در زبان فارسی معمولاً ترکیب خوانند. جسم مرکب متجانس، یعنی همه مولکول‌های آن یکسانند، مثلاً آب ترکیبی از اکسیژن و هیدروژن است.

جزیه

جماعت نامه

مالیات سرانه که مسلمین به موجب حکم قرآن (سوره توبه ۲۹) هر ساله از کسانی از اهل کتاب که در ممالک مفتوحه اسلامی بوده‌اند و اهل ذمه به‌شمار می‌آمده‌اند می‌گرفته‌اند، در مقابل خراج، که عبارت بوده است از مالیات ارضی که از زمینهای خراجی اهل ذمه می‌گرفته‌اند.

نامه دسته‌جمعی در قدیم، نامه‌ای که اهالی محلی درباره مطلبی - شکر یا شکایت یا تقاضا - به سلطان یا وزیر یا والی می‌نوشتند.

جمع

در علم بدیع، آوردن دو یا چند چیز در سخن که مشمول يك حکم واقع شوند؛ مانند:

مردمان جمله بختند و شب از نیمه گذشت
آنکه در خواب نشد چشم من و پروین است
(سعدی)

جمع و تقسیم

در علم بدیع، نخست چند چیز را مشمول حکمی واحد ساختن، آنگاه آنها را تقسیم و تفسیر کردن؛ مانند:

بی تو چو شمع کرده‌ام گریه و خنده کار خود
گریه به روز دل کنم، خنسنده به روزگار خود

جنابت

در فقه، حالت ناشی از انزال منی (به هر نحوی که باشد)، که در آن شخص از ادای بعضی عبادات ممنوع شود. شخصی را که در این حالت باشد جنب گویند، و این حالت با شست و شوی خاص - غسل جنابت - یا تیمم برطرف می‌شود.

جسم

در اصطلاح هندسه، قسمتی از فضا که از همه طرف محدود باشد، مانند کره و مکعب. در تقسیم اشکال هندسی به نقطه، خط، سطح، و جسم، لفظ حجم را نیز به این معنی استعمال کرده‌اند.

جسم صلب

در اصطلاح مکانیک، جسمی که در تحت تأثیر قوای وارده، از لحاظ شکل و ابعاد، مطلقاً لایتغیر باشد. اگر چه در واقع هیچ جسمی صلب نیست، عملاً بسیاری از اجسام را می‌توان صلب دانست. قسمتی از دینامیک را که از حرکات اجسام صلب بحث می‌کند دینامیک اجسام صلب خوانند.

جسم مرکب

در اصطلاح شیمی، ماده‌ای مرکب از دو یا چند عنصر که ترکیب وزنی مشخص دارد. جسم مرکب به

جناس چپ

حمله‌مان پیدا و ناپیداست باد
جان فدای آنچه ناپیداست باد

اصطلاح سیاسی، که به گروه‌ها و احزاب رادیکال، سوسیالیست، آنارشیست، و کمونیست اطلاق می‌شود. این اصطلاح مأخوذ از رسم نشست در پارلمانهای اروپائی است که در آنها نمایندگان احزاب چپ در طرف چپ و نمایندگان احزاب راست در طرف راست قرار می‌گیرند.

جناس خطّ

در علم بدیع، همسان بودن دو کلمه در خط و اختلاف آنها در نقطه است، مانند: تاخت و باخت.

جناس راست

اصطلاح سیاسی، که به گروه‌ها و احزاب محافظه‌کار، ارتجاعی، هوادار قدرت مطلقه، و فاشیست اطلاق می‌شود.

جناس زاید

جناسی که در آن یکی از دو متجانس حرفی افزون از دیگری در آغاز یا میان یا انجام داشته باشد؛ مانند: شکوه و کوه، حصن و حصین، موی و مویه.

جناس

در علم بدیع، همسان بودن دو یا چند لفظ مختلف المعنی در همه یا برخی از حروف، حرکات، خط، لفظ، و بساطت و ترکیب. دو لفظ همسان را نسبت به یکدیگر متجانس و نسبت به جناس ارکان خوانند.

جناس لاحق

در علم بدیع، همسان بودن دو کلمه در همه حروف جز یک حرف در آغاز یا میان آنها؛ مانند: درد و گرد، درد و دزد.

جناس تام

در علم بدیع، یگانگی دو کلمه در حروف و حرکات و خطّ و بسط یا مرکب بودن. جناس تام دوگونه است: ۱) مماثل، که دو کلمه از یک نوع دستوری باشند، مانند کام [= دهان] و کام [= مقصود]، که هر دو اسمند؛ ۲) مستوفی، که در نوع دستوری مختلف باشند، مانند «باد» در این شعر مولوی که در مصراع نخستین اسم و در مصراع دیگر فعل است:

جناس مزدوج

در علم بدیع، جناسی است که در آن یکی از دو رکن بی‌فاصله پیش از قافیه یا سجع، همانند تمام یا پاره‌ای از قافیه یا سجع، و گاه با یک یا چند حرف افزودن بر آن، آورده می‌شود؛ مانند: عیار و یار در این شعر منوچهری:

با رُخت ای دلبر عیار یار
نیست مرا نیز دگر بار بار

جناس مضارع

در علم بدیع، همسانی دو کلمه که فقط در يك حرف، قریب‌المخرج با یکدیگر اختلاف داشته باشند؛ مانند: حال و خال.

جناس مُطَرَّف

در علم بدیع، همسانی دو کلمه در همه حروف جز حرف آخر؛ مانند: پور و بود، شراب و شراب.

جناس ناقص

در علم بدیع، یگانه بودن دو کلمه در حروف و دوگانه بودن آنها در حرکات؛ مانند: گِل و گُل، دَرَد و دُرْد.

جنس

در زیست‌شناسی، اصطلاحی برای هر يك از دو گروه نر و ماده، برای مشخصات تشریحی و فیزیولوژی نری یا مادگی. هر جنسی استعداد این را دارد که یاخته‌های مخصوص مولد را - که معروف به گامت است - به عمل آورد.

جُنْگ

ظاهراً لفظ هندی است به معنی کشتی بزرگ، دفتر یا کتابی که در آن مطالب مختلف و اشعار پراکنده گردآورده می‌شود.

جهازی

در اصطلاح بنائی، در زمینهای سست و خاک دستی، برای شالوده‌سازی دیوار، پایه‌هایی از عمق

کافی روی طبقه محکم ساخته بین آنها طاق رومی در شکم خاک استوار می‌کنند. نام این کار جهازی چاق کردن است، و روی طاقها دیوار می‌سازند.

جهان وطنی

تعلق داشتن به همه جهان و نداشتن تعلقهای ملی و محلی، و به‌طور کلی عقیده به اینکه جهان میهن مشترک همه مردمان است و مخالفت با ناسیونالیسم و شوونیسم. جهان وطنیها خواستار برداشته شدن موانع ملی سیاسی و فرهنگی و خواهان يك حکومت جهانی هستند که بر همه ملتها و اقوام، صرف نظر از اختلافهای نژادی و فرهنگیشان، یکسان حکومت کند. جهان وطنیها خواهان تفاهم و مدارای سیستمهای مختلف سیاسی و اجتماعی هستند.

چارت (Charts)

الف: تزیینات، که البته به این معنی دیگر به‌کار نمی‌رود.
ب: فهرست‌های مختلف صفحات پرفروش، بخصوص صفحاتی که از ۲۰ هزار بیشتر فروش داشته باشند. امروز تقریباً تمام صفحات جاز در چارت ضبط می‌شوند.

چهارگاه

یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی است، و دارای ۲۷ گوشه و ردیف می‌باشد. درآمد اول، درآمد دوم، درآمد سوم، پیش‌زنگوله، زنگوله، نغمه، کرشمه، قسمت اول زابیل، قسمت دوم زابیل، فرود، مویه، بسته‌نگار، مویه قسمت اول، مویه قسمت دوم، مویه قسمت سوم، حصار اول، حصار دوم، حصار سوم، پس

حجاب

حصار، مخالف، مغلوب، نغمه مغلوب، هدی، پهلوی، رجز منصوری، و گوری.

حجاب به معنی پرده و پوشش و در اصطلاح مانع میان عاشق و معشوق را گویند و انطباع صور را گویند در دل که مانع قبولی تجلی حقایق بود و مانع و اسباب پوشیدگی میان فیوضات و تجلیات حق و انسان چیزهائی است که مخالف با گوهر نفس بوده و با وی مشابَهت و مناسبت نداشته باشد.

چهره

چهره تجلیات را گویند که بر کیفیت آن مطلع شود و نیز گویند چهره عبارت از تجلیات حق است در حال غیبت سالک.

هر که در بزم من آن چهره خندان دیدست

در دل آتش سوزنده گلستان دیدست

(صائب)

حجم مخصوص

در فیزیک و شیمی، حجم واحد جرم يك ماده در دما و فشار معین. از تقسیم حجم بر جرم بدست می آید.

حاجب

در علم قافیه، کلمه‌ای که پیش از قافیه به لفظ و معنی واحد تکرار گردد. قافیه‌ای چنین را محجوب خوانند. پسندیده‌ترین نوع حاجب آن است که میان دو قافیه درآید، مانند:

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت

سست است عدو تا تو کمان‌داری سخت

حمله سبک آری و گران داری رخت

پیری تو به تدبیر و جوان‌داری بخت

(امیر مغزی)

حَدَث

در زبان شرع بول و غایط و نظایر آنها را حَدَث اصغر خوانند و پلیدی جنابت و نظایر آن را حَدَث اکبر، حَدَث اصغر را وضو پاک می‌کند و حَدَث اکبر را غسل.

حدیث کردن

در اصطلاح تعزیه، ذکر نام و خلاصه داستان تعزیه و دعای خیر و طلب آمرزش برای بانی و بزرگان کشور و تعزیه‌خوانها، که پیش از شروع تعزیه بتوسط تعزیه‌گردان به عمل می‌آید، همان است که در مغرب زمین پرولوگ نامیده می‌شود.

حذف

در علم بدیع، سخنی را با الفاظی پرداختن که از يك یا چند حرف خالی باشد؛ مانند:

حال

هر چه به محض موهبت بر دل پاك سالک راه طریقت از جانب حق وارد می‌شود بی تعهد سالک و باز به ظهور صفات نفس زائل می‌گردد آنرا حال می‌نامند و چون حال دائمی شد و ملک سالک گشت مقام می‌خوانند «لاقامة السالک فیه».

حجاز (در موسیقی) ← ابوعطا

غمزه خونریزی تو ریخت گرم خون چه غم
زنده کند دیگرم لعل سخنگوی تو
از قصیده‌ای است که حرف الف در آن ترك شده
است.

حذف

خوشایند چنانکه میان تغزل و مدح پیوستگی حاصل
شود؛ مانند:

افسر سیمین فرو گیرد ز سر کوه بلند
باز مینا چشم و زیباروی و مشکین سر شود
روزهر روزی بیفزاید جو عمر شهریار
بوستان چون بخت او هر روز برناتر شود

(عنصری)

در علم عروض، یکی از زحافها، و آن انداختن
سبب خفیف یا هجای دراز است از آخر پایه. پایه‌ای
را که تغییری چنین یافته است محذوف خوانند.
بمثال، مَفَاعِلُنْ (U - -) را اگر مخدوف سازند مفاعی
(U -) از آن می‌ماند که عروضیان به جای آن فعولن
می‌گذارند.

حذو

حسن تعلیل

در علم بدیع، در وصف چیزی علتی مناسب و لطیف
اما غیر حقیقی یاد کردن مانند:

ترگس همی رکوع کند در میان بغ
زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی

(منوچهری)

در علم قافیه، حرکت حرف پیش از ردف و قید؛
مانند فتحه «د» در دست. اختلاف حذو جایز نیست
مگر در حرف قید در صورتی که حرف وصل به روی
پیوسته باشد؛ مانند فتحه «د» و کسره «ه» در دشتی و
بهشتی.

حسب حال

در علم بدیع، خواهش خویش از ممدوح به الفاظی
نیکو و معانی لطیف بیان کردن؛ مانند:

شاهها ادبسی کن فلک بدخو را
کاسیب رسانید رخ نیکو را
گر گوی خطا کرد به چوگانش زن
ور اسب غلط کرد به من بخش او را

(امیر معزی)

اشعاری است که شعرای ایران تحت تأثیر
تألمات روحی و وضع زندگی شخصی سروده‌اند مانند
اشعار جمال‌الدین اصفهانی و گفتار نظامی در حسب
حال پایان زندگی.

حُسن مطلع

در علم بدیع، شعر را با الفاظی نیکو و روشن و
خوشایند در معنی آغاز کردن چنانکه طبع شنونده
بشنیدن باقی شعر انگیزته شود؛ مانند:

روزی بس خرم است می‌گیر از بامداد
هیچ بهانه نماند ایزد کام تو داد

حسن تخلّص

در علم بدیع، گریز زدن از تشبیب و تغزل در
قصیده به ستایش ممدوح، به شیوه‌ای پسندیده و

واژه‌ها و اصطلاحات

معنی حقیقی یا اصلی یا موضوع له یا ماوضع له، و لفظ را نسبت بدان موضوع خوانند. مانند ماه در معنی کره‌ای که گرد زمین می‌گردد.

حَلّ

در علم بدیع، آوردن مضمون شعری معروف در نثر با خارج ساختن عبارت آن شعر از وزن و صورت شعری، با همه یا بیشتر الفاظ شعر، و گاه تغییری اندک. مانند: «رقیمه رسید. الطاف نواب رکن الدّوله را که شرح داده بودید هر چه فکر می‌کنم خدمتی بسزا برنیاید از دستم» (منشآت قائم مقام) که حلّ مصراع دوم این بیت حافظ در آن آشکار است:

چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست
که خدمتی بسزا برنیاید از دستم

حلول

حلول عبارت از فرود آمدن چیزی است در غیر خود و در اصطلاح به معنی حلول ذات خداست در اشیاء و کسانی که بدین عقیده‌اند که خدا در اشیاء و در مرشد حلول کرده است حلولیه گویند و این عقیده به نظر اکثر عرفا و متصوفه باطل است.

حلول و اتحاد اینجا محالست
که در وحدت دونی عین ضلالست

(شبستری)

حماسه و مفاخره

اشعاری را گویند که شرح پیکارها و حوادث و ماجراهای جنگی را ضمن داستانهای شیرین و تاریخی بیان می‌کند و ضمناً عزّت نفس و شجاعت و مفاخر ملی را وصف می‌کند. شاهنامه فردوسی بهترین

(منوچهری)

حسن مقطع

یا حسن ختام، در علم بدیع، پایان سخن را به خوشترین عبارتی آراستن، چنانکه اثری خوش در خاطر شنونده برجای گذارد؛ مانند:

همیشه اسب مراد تو باد در ناورد
همیشه تیر بقای تو باد در پرتاب

(امیر معزی)

حسن نسق (در علم بدیع) ← تنسیق الصفات

حقّ انتفاع

حقّی که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملك دیگری است یا مالك خاصی ندارد استفاده کند. حقّ انتفاع بوسیله عقد برقرار می‌گردد و مورد آن مالی است که استفاده کردن از آن با بقاء عین آن مال ممکن می‌باشد، اعم از آنکه این مال منقول یا غیر منقول و مشاع یا مفروز باشد.

حقّ شُفعه

حقّ تقدّم شخص به خرید حصّه مال غیر منقولی که در مالکیت مشترک او و شخص دیگر است؛ بشرط آنکه شریک وی قصد فروش حصّه خود را داشته باشد.

حقیقت

در علم بیان، به کار بردن لفظ در معنایی که برای آن وضع شده است. این گونه معنی را نسبت به لفظ

منظم که بطور افقی بالای ازاره یا لب ایوان و کنار سکو و امثال آنها می‌خوابانند، و در طرف کلفتی آن، حجاری مورد نظر معمول و نمایان است.

خرابیات

خرابیات به معنی شراب خانه و در اصطلاح عبارت است از خراب شدن صفات بشریت و فانی شدن وجود جسمانی؛ و خرابیاتی مرد کامل است که از او معارف الهیه بی‌اختیار صادر شده؛ و خراب نیز خرابی عالم بشریت را گویند.

خراج

مالیات اراضی در بلاد اسلام که از غیر مسلمانان اخذ می‌کرده‌اند. اصل لفظ ظاهراً آرامی هلاک یا پهلولی خراگ است، و نزد بعضی از فقها مطلق مالیاتی است که از اهل ذمه گرفته شود، و لیکن غالباً فقط مالیات ارضی بوده است، در مقابل جزیه که مالیات سرانه بشمار می‌آمده است، و در ادوار بعد، عشر یا عشریه و در بعضی موارد نیم‌عشری را که سلاطین از رعیت مسلمان می‌گرفته‌اند، خراج خوانده‌اند.

خَرَب

در علم عروض، یکی از زحافها، و آن انداختن «م» و «ن» مفاعیلین (U - -) است تا از آن فاعیل (-) (U -) بماند؛ به عبارت دیگر اجتماع خرم و کف در این پایه. عروضیان به جای فاعیل، مفعول می‌گذارند و آنرا اخرب می‌نامند.

خرقه

حماسه تاریخی است و حماسه‌های انوری و مسعود سعد سلمان و خاقانی مشهور است، ابن یعین خود را از عنصری و انوری؛ اوحدی و خاقانی خود را از رشید و طواط در این فن برتر دانسته‌اند. حماسه ایلیاد و اودیسه هم از نمونه‌های اشعار حماسی قدیم است.

حیاء

حیاء به معنی شرم و به اصطلاح از جمله احوال مفرّبان است و چندانکه قرب زیادت‌تر حیاء زیادت‌تر است و هر که هنوز حال حیا در او فرود نیامده باشد علامت آن بود که هنوز هیچ مرتبت از مراتب قرب نیافته است.

حیرت

حیرت یعنی سرگردانی. حیرت در اصطلاح اهل الله امری است که بر قلوب عارفین وارد می‌شود در موقع تأمل و حضور و تفکر آنها که آنها را از تأمل و تفکر حاجب گردد.

خاطر

خاطر عبارت از خطابی است که به قلب وارد شود، اعم از آنکه ربانی بود یا ملکی یا نفسانی یا شیطانی، بدون آنکه در قلب اقامت یابد. و بعضی گویند خاطر عبارت از واردی است که بدون سابقه تفکر و تدبّر در قلب پیدا شود.

خاقانی

در اصطلاح معماری و حجاری، سنگهای تراش

واژه‌ها و اصطلاحات

شرایط خاص، و غالباً به دستور پیر و مرشد، در خانقاه یا زاویه از طرف مرید و سالک انجام می‌یابد. به سبب آنکه این مدّت غالباً يك اربعین (چهل روز) طول می‌کشد، آن را چله و چله‌نشینی نیز می‌خوانند.

خلیفه

خلیفه یعنی جانشین و در اصطلاح عرفا مقام خلافت مقامی است که سالک بعد از قطع مسافت و رفع بُعد و دوری میان خود و حق در اثر تصفیه و تجلیه و نفی خاطر و خلع لباس صفات بشری از خود و تعدیل و تسویه اخلاق و اعمال و جمیع آن منازل که ارباب تصفیه معلوم کرده‌اند و طی منازل سائرین و وصول به مبدأ حاصل نموده به اصل و حقیقت واصل گشته و سیرالی‌الله و فی‌الله تمام شده و از خودی محو و فانی گشته به بقای احدیت باقی گشت سزاوار خلافت است و او در این مقام به تجلی ذات متحقق شده و مظهر تمام اسماء و صفات الهی گشته است.

خمار

خمار پیروان کامل و مرشدان واصل را گویند و نیز احتجاب محبوب است به حجب عزت و ظاهر شدن پرده‌های کثرت بر روی وحدت و این مقام تلوین سالک است.

خمریات

بر اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در آن از مسائلی مانند ساقی و ساغر و جام و میکده بحث کند. رباعیات عمرخیّام بهترین نمونه اشعار خمری است.

جامه‌ای که از پاره‌پارها دوخته شده باشد و جامه‌ای را که صوفیان پوشند، خرّقه گویند. هجویری گوید: خرّقه پوشیدن میان این طائفه معتادست و اندر مجمعه‌های بزرگ که مشائخ بزرگ حاضر باشند این کار انجام دهند.

خط کرزن -

نام مرز خاوری لهستان پیشنهادی لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس در شورای عالی متفقین در پاریس در هشت دسامبر ۱۹۱۹ که لهستانها آن را نپذیرفته با پشتیبانی سری فرانسه از آن سرپیچی کردند و پس از جنگ دوم جهانی روسها تقریباً همان خط را مرز بین روسیه و لهستان قرار دادند.

خفته و راسته

در اصطلاح بنّانی، طرحی برای احداث سقفهای آجری و ازاره، که در آن آجرها را منظمأ عمود بر یکدیگر قرار می‌دهند، بطوری که بترتیب يك آجر افقی (خفته) و يك آجر عمودی (راسته) واقع شود.

خفیف

در علم عروض، بحری که از تکرار دوبار فاعلاتن مفاعِلن فَعَلاتن پدید آید؛ مانند:
ماه من طاقت فراق ندارم
جز بوصل تو اشتیاق ندارم

خلوت

در اصطلاح صوفیه، مدّت و دوره، و همچنین عمل انزوا و گوشه‌نشینی، که در مدّت معین و با آداب و

خودمختاری

استقلال سیاسی ملتها و بری بودن آن از تأثیر خارجی را «خودمختاری» گویند. شناسایی اصل خودمختاری ملتها و عمل به آن در حقوق و روابط بین‌المللی برپایه پذیرفته‌شدن نظریه «حق خودمختاری» ملتهاست. در زمان حاضر عمل سازمان ملل متحد برای استقلال دادن یا خودمختار کردن گروههای اقلیت و سرزمینهای مستعمره و حمایت از دولت‌های ضعیف در جهت اعمال دسته‌جمعی حق استقلال ملتها است که نظراً اصل پذیرفته شده‌ای است.

داعی

داعی یعنی خواننده و دعوت‌کننده، و در اصطلاح کسی را گویند که متحقق شده باشد به معرفت علوم سیاست که او را اداره امور مردم ممکن باشد.

دترمینیسم اقتصادی

نام یکی از فرضیه‌های مارکس مبنی بر اینکه خط‌مشی و سیاست دولتها و حوادث تاریخ عموماً نتیجه نیروهای جبری اقتصادی و اسباب و علل اقتصادی است.

دثار

دثار جامه‌ها را گویند که بالای شعار می‌پوشند مانند جبهه و فرجی و غیره و این عمل را در مرتبت کمال عبودیت و بعد از آنکه حقوق شرعی را انجام داده و به مرتبت کمال انسانیت رسیده باشند و طریقت و شریعت را ملزم بدانند انجام می‌دهند.

دخیل

در علم قافیه، حرف متحرکی که میان الف تأسیس و روی درآید، مانند «م» و «ق» در واژه‌های کامل و عاقل. رعایت همسانی حرف دخیل در قوافی واجب نیست.

درام

در تئاتر و سینما عبارت از نمایشی است که از زندگی عادی برداشته شده و مثل زندگی عادی ممکن است در آن هم خنده و هم شادی وجود داشته باشد. درام بهترین نوع داستان برای فیلم‌های سینما است. درام لیریک یا غنائی آن است که قسمتهائی از آن با آواز اجرا شود.

دَرَج

در علم بدیع، آوردن نصّ آیه‌ای از قرآن یا حدیثی را در سخن، دَرَج گویند؛ مانند:

کل در لحاف غنچه خوش خفته بُد سحرگه
باد صبا بر او خواند: یا ایهل المزمّل.

(کمال الدین اسماعیل)

دسانترالیسم

انتقال نظارت و کنترل از قدرت مرکزی به واحدهای محلی (استانها و بخشها). اصطلاح مترادف آن پارتانالیسم است و روش مقابل آن سانترالیسم یا تمرکز است.

دست چپها (اصطلاح سیاسی) ← جناح چپ

دست راستها (اصطلاح سیاسی) ← جناح راست

دستگاه

در اصطلاح موسیقی ایران، آوازی که بسبب طرز بستن درجات گام آن و فواصل جزء آن از آوازهای دیگر متمایز باشد. معمولاً موسیقی ایرانی را شامل هفت دستگاه می‌دانند: ماهور، همایون، سه‌گانه، چهارگاه، شور، نوا، راست پنجگاه؛ و این طبقه‌بندی از اواسط دوره قاجاریه سابقه داشته است.

دسیبل

عبارت از واحد لگاریتمی‌ای می‌باشد که در مورد کارهای الکترونیکی چون رادیو و تلویزیون به منظور تعیین و نشان دادن میزان قدرت تشعشی امواج صوتی و نوری بکار می‌رود.

دشتی

یکی از آوازهای دستگاه شور است. دشتی از زیباترین متعلقات شور، و غم‌انگیز ولی ظریف است؛ آواز چوپانی ایران می‌باشد، و زندگانی بی‌آلایش چوپانان و صحرانشینان را وصف می‌کند، و دارای ۹ ردیف است: درآمد، دشتستانی، چوپانی، گیلکی، غم‌انگیز، امیری، عشاق، مثنوی، و حاجی‌یونی.

دکوپاژ

تعیین دقیق پلان‌ها و مشخصات آنها از قبیل انتخاب کادر و زاویه رویت، نوع ذره‌بین و دوربین فیلمبرداری و تعیین حرکات دوربین و تغییر مکان هنرپیشگان را دکوپاژ گویند؛ به عبارت ساده‌تر تنظیم و ترتیب سناریو برای فیلمبرداری را دکوپاژ نامند.

دکومانتر

فیلمهای حقیقی یا مستند که از روی طبیعت یا پدیده‌ها و عوامل طبیعی تهیه می‌شود و از بهترین نوع محصولات سینمایی است و ارزش فراوان دارد. مبتکر و پدر این نوع سینما، روبرت فلاهرتی است که در ۱۹۵۱م فوت کرد. وی با دوربین فیلمبرداریش ثابت کرد که سینما می‌تواند دریچه‌ای برای نمایش ناشناخته‌های زندگی به مردم باشد. از آثار مهم او می‌توان به «فانوک شمال» محصول سال ۱۹۱۱م و «مردی از آران» محصول سال ۱۹۳۱م اشاره کرد.

دل

دل در اصطلاح معانی مختلفی دارد. در شرح گلشن راز است که دل پیش این طائفه عبارت از نفس ناطقه است و محل تفصیل معانی و به معنی مخزن اسرار حق است که همان قلب باشد.

دل چه باشد مخزن اسرار حق
خلوت جان بر سر بازار حق

دلدار

دلدار و دلبر اغلب در کلمات عشاق به معنی معشوق و محبوب است و دلبر از آن جهت گویند که با کرشمه و ناز خود عاشق را شیدا می‌کند و دلدار از آن جهت که مایه امید حیات اوست.
و بالجمله دلبر در اصطلاح عرفان و متصوفه صفت قابضیت و دلدار صفت باسطیت است و عالم مشهود است یعنی مشاهده ذات حق.

دموکراسی

فلسفه جزمی یا نظری که طبق آن باید کورکورانه از سابقه و سنت تبعیت کرد و آن را اصول و آئین قطعی دانست بدون پرس و سؤال.

دولت کامله الوداد

اصطلاحی است که در قراردادهای تجارتي بین المللی به کار می‌رود. در بعضی از قراردادها ماده‌ای گذارده می‌شود که به موجب آن دو طرف مشمول امتیاز «دولت کامله الوداد» می‌شوند؛ به این معنی که هرگاه هر يك از طرفین دولت سومی را مشمول کاستن تعرفه‌های گمرکی یا امتیازهای تجارتي دیگر قرار دهد، طرف دیگر خودبه‌خود مشمول آن امتیازها خواهد شد.

دیالکتیک

معنی دیالکتیک جستجوی حقیقت از راه مباحثه است. همچنین به معنای مباحثه منطقی از طریق سؤال و جواب است که گفته‌اند اول بار زانو الثابی به آن دست زد و افلاطون آن را گسترش داد.

دیپلوماسی

دیپلوماسی مشتق از «دیپلومات» - به معنای نماینده سیاسی کشوری در کشور دیگر در زبان فرانسه - است و دیپلومات نیز مشتق از «دیپلوما» ی یونانی و لاتینی است که به معنای کاغذ تاشده و سند و تصدیق است. دیپلوماسی در اصطلاح عام و در علم سیاست به سه معنای اصلی به کار می‌رود.

۱- وسیعترین معنای دیپلوماسی روابط میان دولتهاست.

۲- در مورد استعمال دیگر این اصطلاح، که

تاکنون تعریف جامعی از دموکراسی نشده است، از آن جهت که رژیمها و دسته‌های مختلف آن را به معنایی نسبتاً متفاوت به کار می‌برند. ولی عامترین معنای آن برابری فرصتها برای افراد يك جامعه به منظور برخورداری از آزادیها و ارزشهای اجتماعی است. و در معنای محدودتر شرکت آزادانه افراد در گرفتن تصمیمهایی است که در زندگی فرد و جمع مؤثر است. محدودترین معنای این کلمه شرکت آزادانه افراد در گرفتن تصمیمهای سیاسی مهم جامعه (مستقیم یا غیرمستقیم) است.

دوبلاژ (Doublage)

تبدیل و برگرداندن گفتگوهای فیلم از يك زبان (غالباً زبان اصلی) به يك زبان دیگر که چنانچه خوب انجام پذیرد و به خود فیلم و ارزش آن لطمه‌ای نزند اقدام بجایی است.

دوفاکتو

شناسایی يك دولت یا کشور جدید به عنوان دولت یا کشوری که در واقع مستقل و قادر به اعمال قدرت در قلمرو خود است، با اینحال هنوز نمی‌خواهد یا نمی‌تواند تعهدات بین المللی را اجرا کند. بنابراین، شناسایی دوفاکتو شناسایی وجود واقعی يك دولت یا کشور است نه شناسایی حقوقی و قانونی آن. چنانکه بعضی کشورها (مانند انگلستان) شناسایی دوفاکتورا مستلزم روابط کامل دیپلوماتیک نمی‌شمارند و به نمایندگان دولت یا کشور شناخته‌شده مصونیت اعطا نمی‌کنند، اما ایالات متحده آمریکا به نمایندگان چنین دولتی مصونیت اعطا می‌کند.

دوگماتیسم

دیگ (Dig)

لذت بردن، درک کردن، دوست داشتن معانی این لغت در موسیقی جاز است. گاهی اوقات نیز به معنی نگرستن و یا توجه کردن بکار برده می‌شود.

دیه

در فقه و حقوق اسلامی، مالی که بَدَلِ نَفْسِ محسوب می‌شود، و از جانب کسی که مرتکب قتل یا جرح شده است به منظور اسقاط حق قصاص به وَلِيِّ دَمِ پرداخت می‌شود. به فارسی خونبها و در نزد عوام پول خون خوانده می‌شود.

ذات

در اصطلاح متکلمین و فلاسفه اسلامی، گاه مقابل غیر، گاه مقابل صفت، و گاه مقابل عَرَضِ بکار می‌رود. در معنی اول مراد از آن نفس [= خود]، و در معنی دوم و سوم مراد از آن بترتیب اصل شیئی و جوهر است. نزد صوفیه نیز گاه مقابل اسم و اسماء بکار می‌رود که مراد از آن حقیقت حق است در مقابل اسماء حق، که حجاب و نقاب وجود حق است؛ و نیز گاه مقابل است با غیر، که مراد از آن تمیز است بین حق و ما سِوَى.

ذم شبیه به مدح

در علم بدیع، نكوهشی را به نكوهشی دیگر که در آغاز ستایش نماید استوار ساختن؛ مانند:
الحق این مطرب ما گرچه زند سازی بد
لیکن این خاصیتش است که ناخوش خواند

مفهوم آن وسیعتر است، همه توافق دارند و آن اینکه دیپلوماسی مترادف مذاکره است.
۳- بالاخره، دیپلوماسی به عمل دستگاه اداره کننده روابط بین‌المللی و به ویژگیهای شخصی کسانی که مأمور این روابطند نیز اطلاق می‌شود.

دیکتاتوری

عنوان دیکتاتور در روم باستان به کسانی اطلاق می‌شد که در مواقع بحرانی برای مدت شش ماه با اختیارات فوق‌العاده حکومت می‌کردند. بنابراین، دیکتاتوری رومی نوعی قدرت قانونی بود. ولی در اواخر دوره جمهوری سردارانی که قدرت حکومت را به وسایل غیرقانونی تصاحب می‌کردند، این عنوان را به خود بستند و دیکتاتوری صورت غیرقانونی یافت. سولا و یولیوس قیصر محدودیتهای دیکتاتوری را برداشتند و غیرقانونی حکومت کردند.

دیکتاتوری پرولتاریا

ظاهراً اول بار لویی آگوست بلانکی، انقلابی معروف فرانسوی، این اصطلاح را به کار برده است، ولی اهمیت خاص آن در فلسفه سیاسی مارکسیسم است. مارکس در طرح خود برای انتقال جامعه از حالت سرمایه‌داری به سوسیالیستی، یک مرحله عبور موقت را در نظر می‌گیرد که آن را دیکتاتوری پرولتاریا می‌نامد. به نظر مارکس پس از آن که طبقه پرولتاریا قدرت سیاسی را از طریق انقلاب به دست گرفت، یک حکومت طبقه‌ای از آن خود تشکیل می‌دهد. چنین حکومتی مردها را به نسبت کار پرداخت می‌کند و مالکیت وسایل تولید، توزیع، و مصرف را به خود منتقل کرده و سلطه محکمی بر سایر طبقات برقرار می‌کند.

ذولعینین

رادیوگرافی

گراف به معنسی نوشتن است. رادیوگرافی عکسبرداری بوسیله اشعه ایکس است که به دستور پزشك از يك نقطه از بدن عکسبرداری می‌شود.

رادیكاليزم

این اصطلاح هر عمل و نظر سیاسی و اجتماعی را که خواهان تغییرات فوری و قاطع در نهادهای اجتماعی موجود باشد، دربرمی‌گیرد. اصطلاحهای رادیكاليزم و رادیكال بیشتر برای اعمال و نظریات دسته‌های چپ افراطی، اعم از مارکسیست و غیر مارکسیست، که خواهان تحولات اساسی و از ریشه در نهادهای اجتماعی هستند، به کار می‌رود. رادیكال‌ها را غالباً در جناح چپ افراطی قرار می‌دهند و پس از آنها لیبرالها قرار دارند که خواهان تحولات آرامتر هستند و پس از آنها محافظه‌کاران قرار دارند که با هر تحول اساسی مخالفند و پس از آنها راستهای افراطی یا ارتجاعی قرار دارند که خواهان بازگشت به گذشته‌اند.

راست پنجگاه

یکی از دستگاه‌های موسیقی ایران. گام آن شبیه به ماهور است. مشتمل بر نغمه‌های فرعی متعددی است؛ مانند: زنگ شتر، پروان، نغمه، روح افزا، نیریز، عشاق، زابل، نهیب، نوروز - که همه شبیه به راک ماهور هستند، و مشتمل است بر ۳۸ گوشه و ردیف: درآمد اول، درآمد دوم، زنگ شتر، پروانه، نغمه، خسروانی، روح افزا، نیریز، پنجه‌گاه، سپهر، عشاق، بیات عجم، بحر نور، قرچه، مبرقع، فرود، نهیب، عراق، مخبر، آشوب، اصفهانك، بسته‌نگار، حزین،

در اصطلاح صوفیه، کسی که توجه به حق او را از عنایت به خلق بازدارد، یا آنکه حق را در خلق و خلق را در حق ببیند؛ به این معنی وی را ذوالعین و العقل و ذوالعین نیز می‌خوانند.

ذوبحرین

در علم بدیع، شعری که برحسب کشیده یا بریده خواندن مصوّت‌های کوتاه آخرین برخی از کلمات، یا انداختن همزه آغاز برخی از آنها در تلفظ یا نینداختن آن، به دو وزن خوانده شود؛ مانند:

ساقی از آن شیشهٔ منصور دم
در رگ و در ریشهٔ من صور دم

(اهلی شیرازی)

ذوق

در اصطلاح اهل بلاغت، ملکه‌ای که به کمک آن انسان می‌تواند کلام زیبا را از کلام نازیبا تشخیص دهد. در مصطلحات صوفیه، ذوق چیزی است که با آن صوفی حق را محتاج به تحقیق و مراجعه به کتاب نمی‌داند. در این هر دو اصطلاح، ذوق در جای خود نزدیک است به آنچه در اخلاق وجدان خوانده می‌شود، و ملاک تشخیص خیر و شر است.

ذوقافیتین

در علم بدیع، شعری که در آن دو کلمه قافیه آورده شود؛ مانند:

آنانکه بکار عقل در می‌کوشند
بیهوده بود، که گاو نر می‌دوشند

(خیام)

رثا

زنگوله، فرود اول، طرز ابوالچپ، راوندی، فرود دوم، لیلی و مجنون، نوروز عرب، نوروز صبا، نوروز خارا، نفیر، فرنگ، راک، هندی، راک عبدالله، نغمه راک.

راسیسم

رثا یا مرثیه اشعاری است که در ماتم و تعزیت بزرگان و ذکر مصائب یا فضائل و مکارم ائمه اطهار و تعظیم شعائر آنان گفته می‌شود. رودکی اولین کسی است که اشعار رثائی سروده است. انواع آن یکی رثای تشریفاتی، رثای شخصی یا مذهبی است مانند اشعار عمیق بخارائی در مرگ مه‌ملک خاتون دختر سلطان سنجر، خاقانی در رثاء امام محمد مجتبی، امیر معزی در مرگ ملک‌شاه، مرثیه فخرالملک خاقانی در مصیبت فرزندش، کمال‌الدین اصفهانی در رثاء پدر و پسرش، امیر خسرو دهلوی در مرثیه مادر و برادر، جامی در مرثیه برادر، محتشم کاشانی در مرثیه ائمه اطهار سروده‌اند.

نظریه‌ای که میان پدیده‌های فرهنگی و نژاد رابطه‌ای می‌شناسد و بعضی نژادها را ذاتاً بر بعضی دیگر برتر می‌شمارد. راسیسم با مفهوم خاص خویش از نژاد بدون استثناء پدیده‌های اجتماعی نامربوط به زیست‌شناسی مانند فرقه‌های دینی، ملتها، گروههای زبانی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد و درباره آنها حکم می‌کند. خلاصه، راسیسم عبارت است از عقیده به اینکه يك گروه نژادی طبیعتاً محکوم به حقارت است و نژاد دیگر دارای برتری موروثی است. راسیسم چیزی بیشتر از تعصب نژادی است و ریشه‌های آن در عصر جدید به نظریات کنت دوگوبینو، نویسنده فرانسوی می‌رسد که در ۱۸۵۳ م آن را اعلام کرد. در قرن بیستم بزرگترین حامی این نظریه هاستن استوار جمبرلین (۱۸۵۵-۱۹۲۷ م) نویسنده آلمانی انگلیسی الاصل بود.

رجز

در علم عروض، بحری که از تکرار شش یا هشت مستغفلن پدید آید؛ مانند:

ای ساریبان آه‌سنه ران کارام جانم می‌رود
و آن دل که با خود داشتیم بادل ستانم می‌رود

(سعدی)

راسیونالیسم

رد القافیه

فلسفه اصالت عقل و اعتقاد به تفوق عقل بر احساسات و بر همه چیز.
راك (در موسیقی) ← ماهور

در علم بدیع، قافیه مصراع اول قصیده یا غزلی را در آخر بیت دوم باز آوردن؛ مانند:

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کرده است رأی تاختن و عزم کارزار
و اینک بیامده است به بنجاه روز پیش
جشن سده طلایه نوروز نامدار

(منوچهری)

رئالیسم

یعنی واقع‌پرستی و عقیده بر لزوم وفق دادن خود با واقعیات جهان و محیط و جامعه با ایده‌آلهای انسانی است.

رد مطلع

قضا و قدر است و مقام رضا بعد از مقام توکل است. در کشف است که رضا در اصطلاح اهل سلوک تلذذ به بلوی است و گفته شده است که رضا خروج از رضای نفس و بدر آمدن در رضای حق است.

رغبت

رغبت به معنی میل و توجه و علاقه به چیزی است که محبوب باشد و رغبت در هر چیزی بعد از حب بدان حاصل می شود «وهی فوق الرجاء» و رغبت گاه از نفس است که در ثواب است و گاه از قلب است که در حقیقت است و رغبت سر در حق است.

رَقِبَه

در اصطلاح اداری و تداول اهل دفتر در عهد صفویه و بعد از آن، تعدادی ده واقع در يك بلوك یا ناحیه، مخصوصاً دهایی که مجموعاً تشکیل املاك موقوفه و خالصه را می دهد. در لغت، زمینی را که نزدیک به آب رود باشد به این عنوان می خوانده اند، و بعدها مطلق زمین متعلقه ده را رقبه خوانده اند. همچنین مجازاً حق مالکیت نسبت به زمین نیز رقبه خوانده می شود.

رَقْطَاء

در علم بدیع، کلماتی در سخن آوردن که حروف آنها به تناوب یکی نقطه دار و دیگری بی نقطه باشد؛ مانند:

شد قد تو چون صنوبر باغ
بر خدّ تو زلف ازو پر زاغ
رقطاء را ارقط نیز خوانند.

در علم بدیع، نخستین یا دومین مصراع قصیده یا غزلی را در آخرین بیت شعر تکرار کردن؛ مانند:

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر
زار و بیمار غم راحت جانی به من آر
دلَم از پرده بشد دوش که حافظ می گفت
ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

(حافظ)

رَدّه

در اصطلاح فقه، برگشتن شخصی که حکم به اسلام او شده باشد از دین اسلام، خواه در اصل بر مسلمانی ولادت یافته یا کافر بوده و مسلمان شده باشد. در هر دو صورت از وی توبه خواسته می شود؛ اگر توبه کرد بار دیگر مشمول احکام اسلامی می گردد، و اگر توبه نکند و به اسلام برنگردد، قتلش واجب است.

ردیف

در علم قافیه، کلمه یا کلماتی مستقل از قافیه که پس از آن به لفظ و معنی واحد تکرار گردد و شعر در معنی بدان محتاج باشد. این شعر را مُرَدَف [= ردیف دار] خوانند، مانند:

روشنی طلعت تو ماه ندارد
پیش تو گل رونق گیاه ندارد

(حافظ)

رضا

رضا عبارت از رفع کراهت و تحمل مرارت احکام

رقم

که بطور خلاصه آنرا (R & B) می‌نویسند به موسیقی جازی اطلاق می‌شود که سیاهان در شهرهای مهم از جمله شیکاگو آنرا به‌وجود آوردند و از صورت بلوهای گیتار سالهای ۳۰ بصورت تکامل‌یافته ارکستری درآوردند. امروزه این نوع بخصوص از جاز بیشتر با ابزار آمپلی‌فایردار برقی و ارگ برقی اجراء می‌شود.

اصطلاحی برای امضا یا نام کاتب قطعات خط و پردازنده تصاویر و مجالس نقاشی. گاهی در زیر قطعه یا مجلس می‌نوشتند: «عمل...»؛ چنین قطعه یا مجلس را «رقم‌دار» می‌خوانند.

رَمَل

ریشتر

سیستم متداول اندازه‌گیری بزرگی زلزله است که از صفر شروع می‌شود و به ۸ ختم می‌گردد. این سیستم اندازه‌گیری در سال ۱۹۵۳ م. توسط چارلز فرانسیس ریشتر، کارشناس لرزه‌شناسی انستیتوی تکنولوژی کالیفرنیا ارائه شده است. هر درجه ریشتر متناسب با مقدار انرژی رها شده در زلزله است، اما انرژی هر درجه نسبت به درجه بعد، به‌صورت مضربی از ۱۰ افزایش می‌یابد، بنابراین انرژی زلزله‌ای به بزرگی ۶ ریشتر، ۱۰ برابر انرژی ۵ ریشتر و ۱۰۰ برابر انرژی ۴ ریشتر است.

در علم عروض، بحری که از تکرار شش یا هشت فاعلاتن پدید آید؛ مانند:

باز درپوشید گیتی تازه و رنگین قبائی
عالمی را کرد مشکین بوی زلف آشنائی

رند

کلمه رند در اصطلاح متصوفان و عرفا به معنی کسی است که جمع کثرات و تعینات وجوبی طاهری و امکانی و صفات واعیان را از خود دور کرده و سرافراز عالم و آدم است که مرتبت هیچ مخلوقی به مرتبت رفیع او نمی‌رسد.

زاهد ار راه به رندی نبرد معذورست
عشق کاریست که موقوف هدایت باشد

(حافظ)

زحاف

در علم عروض، هر تغییر که به اصول افاعیل عروضی - با افزودن یا کاستن يك یا چند حرف یا ساکن کردن حرفی متحرک - درآورد تا وزنی فرعی بدست آید. برای اینکه میان تغییر ناجایز (که وزن شعر را مختل می‌سازد) و تغییر جایز (که گاه وزنی سنگین و نامطبوع به سبب آن مطبوع و آسان می‌گردد) فرق باشد، عروضیان هر تغییر جایز را زحاف، و جمع آنرا ازاحیف یا زحافات نامند.

رُهاب

قسمتی از فرود آواز افشاری که برعکس افشاری، سوز و گداز کمتر دارد، و حالت تسلی بخش آن مشهود است.

ریتم اندبلوز (Rhythm & Blues)

زشت و زیبا

گفتار خشن را رها می کند، ولی همچنان يك مبارز باقی می ماند و در مواجهه با شر از خود عکس العمل نشان می دهد. سلاح های او حقیقت و محبت و خیرخواهی هستند.

سازمان اتحاد آفریقا

در مه ۱۹۶۳ در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی به وجود آمد و هدفهای آن به موجب منشور سازمان، عبارت است از: الف) پیشبرد اتحاد و همبستگی دولتهای آفریقایی؛ ب) «برافکندن هر نوع استعمار از آفریقا». سی دولت امضاءکننده منشور این سازمان عبارتند از ۱۹ دولت معروف به دولتهای «مونروویا» - بجز توگو و به اضافه کنگوی سابق بلژیک - ۶ دولت معروف به «دولتهای کازابلانکا» - بجز مراکش که موریتانی را به رسمیت نمی شناسد و دولتهای برونندی، لیبی، روندا، سودان، تانگانیکا و اوگاندا.

سازمان همکاری اقتصادی اروپا

این سازمان را شانزده کشور اروپایی - اتریش، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، لوکزامبورگ، نروژ، هلند، و یونان - در ۱۹۴۸ م به منظور هماهنگ کردن فعالیت های کشورهای اروپایی برای کمک به اجرای طرح مارشال و برنامه ترمیم اروپا تأسیس کردند. تشکیلات آن عبارت بود از «شورای عالی» که نمایندگان کشورهای عضو در آن شرکت می کردند و «کمیته اجرایی» مرکب از نمایندگان هفت کشور و يك دبیرخانه دائمی که مسائل و مطالب مورد علاقه سازمان را تهیه می کرد و پیشنهادهای خود را درباره امور و مسائل اقتصادی به شورای عالی، کمیته اجرایی، و کمیته های تخصصی

در علم بدیع، مصراعى یا بيتى گفتن که ذم - یا مدح - نماید اما مصراع یا بيت دنبال آن معلوم دارد که مدح - یا ذم - است؛ مانند:
عزم دارم کز دلت بیرون کنم
و اندرون جان بسازم مسکن

زَلَل (عروض)

در علم عروض، یکی از زحافها [= زحاف، در علم عروض، هر تغییر که به اصول افاعیل عروضی با افزودن یا کاستن يك یا چند حرف یا ساکن کردن حرفی متحرک درآورند تا وزنی فرعی به دست آید]، و آن اجتماع هتم و خرم است در مفاعیلین (U - - -) تا از آن فاع (-) بماند. عروضیان فاع را، که بدینگونه از مفاعیلین بیرون آمده است، زَلَل یا اَزَل گویند.

زَنَار

زَنَار علامت خاصی است که عیسویان راست و در اصطلاح زَنَار بستن عقد خدمت، یعنی در زبان اهل حال اشارت به بستن بند خدمت و طاعت محبوب حقیقی است در هر مرتبت که باشد.

ساتیاگراها

این اصطلاح را مهاتماگاندی، پیشوای نهضت ملی هند وضع کرد؛ و مقصود از آن به کار بردن قدرت روحی در عمل اجتماعی و سیاسی بجای نیروی مادی است. گاندی برای اعمال نیروی روح و پرهیز از به کار بردن نیروی مادی «عدم خشونت» را تجویز می کند که اگر چه به ظاهر منفی است، ولی برای گاندی اصلی مثبت است. به عقیده گاندی پیرو ساتیاگراها اگر چه سلاح خشونت و حتی اندیشه و

به نظر آید. سانسور از اولین جوامع سیاسی و تئوکراتیک آغاز می‌شود، اما از اختراع چاپ به این سو قاطع‌تر به کار رفته است. در قرن شانزدهم میلادی کلیسای کاتولیک اولین صورت کتابهای ممنوع را منتشر کرد. پروتستانها در دوره «اصلاح دینی» از سانسور استفاده می‌کردند. سانسور در عصر ما به دو صورت اعمال می‌شود: سانسور ممانعت‌کننده و سانسور مجازاتی. تفاوت این دو در این است که اولی قبل از انتشار اعمال می‌شود و دومی بعد از انتشار. سانسور ممکن است شخصی و براساس توافق نیز باشد، چنانکه در مسائل امنیت ملی ناشران با یکدیگر توافق داشته باشند که مطلبی را منتشر نکنند.

ستون پنجم

اصطلاحاً بر عوامل خرابکار و جاسوسان يك دولت در سازمان دولت اطلاق می‌شود. این اصطلاح در جنگهای داخلی اسپانیا (۱۹۳۶م - ۳۹) پدید آمد و وجه آن نیز این بود که هنگامی که فرانکو، فرمانده سپاه ضد جمهوری با چهار ستون به مادرید حمله می‌کرد، در همان حال هواداران او در صفوف حکومت به جاسوسی و خرابکاری اشتغال داشتند و این عوامل مخفی «ستون پنجم» نامیده شدند.

سرعت صوت

سرعت انتشار امواج صوتی، که تابع دما و جنس محیطی است که در آن امواج منتشر می‌شوند. در گازها این سرعت تابع فشار نیست و سرعت صوت در هوا در صفر درجه برابر با ۳۳۲ متر در ثانیه (تقریباً معادل ۷۶۰ میل در ساعت) است.

می‌داد. آلمان غربی و اسپانیا به ترتیب در ۱۹۵۵م و ۱۹۵۹م عضو رسمی سازمان شدند و یوگسلاوی به طور محدود اجازه همکاری با سازمان را داشت و کانادا و ایالات متحده اعضای غیررسمی آن بودند. اعضا در ۱۹۶۰م توافق کردند که سازمان توسعه و همکاری اقتصادی جانشین این سازمان شود.

ساقی

ساقی شرابدار را گویند و کنایت است از فیاض مطلق و در بعضی از موارد مراد ساقی کوثر است و به طریق استعارت بر مرشد نیز اطلاق شده است و گفته شده است که مراد از ساقی ذات به اعتبار حب ظهور و اظهار است.

سانترالیسم

سیستم سیاسی که در آن همه کشور از یک مرکز هدایت می‌شود و در مقابل آن سیستمهایی قرار دارند که اداره کشور در آنها متمرکز نیست و به صورت فدرال یا حکومتهای ایالتی و ولایتی اداره می‌شوند. در سیستم اخیر واحدهای محلی (ایالت، جمهوریهای فدرال) کم و بیش از خودمختاری برخوردارند.

سانترالیسم به معنای تمرکز، به طور کلی، برای موارد دیگر نیز به کار می‌رود.

سانسور

ممانعت به وسیله قدرت (سیاسی، دینی، و غیره) از بیان هر عقیده‌ای که برای قدرت یا نظام سیاسی یا ائتلافی که قدرت از آن حمایت می‌کند، خطرناک

سرلوح

اشیاء از قلب او ساقط می شود در حال سکرش و این حال متساکر است.

سلخ

یکی از سرقات شعر، و آن گرفتن شعری است از شاعران دیگر و تغییر دادن ترکیب الفاظ آن. هر که ناموخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار (رودکی)

و بوشکور بلخی از او برده و گفته:

مگر پیش بنشانندت روزگار
که به زو نیابی تو آموزگار

سلوك

سلوك طی مدارج خاص را گویند که همواره سالک باید طی کرده تا به مقام وصل و فنا برسد که از جمله مدارج توبت و مجاهدت و خلوت و عزلت و ورع و زهد و صمت و خوف و رجا و حزن و جوع و ترك شهوت و خشوع و تواضع است که شرح هر يك در محل خود بیان شده و می شود.

سَمَاع

در نزد صوفیه، شرکت دسته جمعی در مجالس غنا و قَوَالی. سماع را غالب صوفیه مباح می دانند، در صورتی که متشرعه غالباً آن را لغو و ناروا می شمرند. اقوال فقها - از سنی و شیعه - در این باب مختلف است: از جمله، بعضی آنرا در صورتی که مشتمل بر فحش و هجو نباشد تجویز می کنند، و بعضی آنرا مکروه بلکه حرام دانسته اند. کسانی که قائل به مباح بودن غنا شده اند - اعم از صوفیه یا فقها - غالباً

از تزیینات نسخ خطی، که عبارت است از نقشی که در بالای نخستین صفحه کتاب رسم می کردند، و گاهی شامل تمام صفحه که در آنها نقش نام کتاب یا عباراتی را می نوشتند. در کتبی که برای سلاطین و امرا نوشته می شد، و در مجموعه ها یا کلیات شعرا در ابتدای هر فصل یا ابتدای هر رساله سرلوح جداگانه ای نقش می کردند. و گاهی این سرلوح یا سرلوحها در دو صفحه تمام نقش می بست که در آن صورت سرلوح مزدوج می گفتند.

سریع

در علم عروض، بحری که از تکرار دوبار مفتعلن مفتعلن فاعلات پدید آید؛ مانند:

پیر زنی را ستمی درگرفت
دست زد و دامن سنجبر گرفت

(نظامی)

سكانس (Sequence)

مجموعه پلانهای مختلف که برحسب نوعشان ممکن است با زاویه دیده ها، فواصل و عدسی های مختلف برداشته شده باشد ولی مربوط به يك آکسیون واحد و پیوسته است.

سکر

سکر یعنی مستی و در اصطلاح صوفیان عبارت از غیبت است بواسطه واردی قوی و سکر را زیادتی است بر غیبت به وجهی، زیرا صاحب سکر هرگاه مستوفی در سکر نباشد مبسوط است و گاهی اخطار

سؤال و جواب

در علم بدیع، سخن بطریق پرسش و پاسخ سرودن. پرسش و پاسخ که بیشتر با کلمات «گفتم» و «گفت» و گاه «پرسیدم» و «پرسید» آغاز می‌شود هر دو در يك مصراع می‌توانند بود یا در دو مصراع یا در دو بیت؛ مانند:

گفتم غم تو دارم، گفتا غم سراید

گفتم که ماه من شو، گفتا اگر برآید

(حافظ)

سوررئالیسم (Surrealisme)

يك مکتب ادبی و هنری که بیان یا دلالت بر ضمیر نیمه‌هوشیار می‌کند بدون اینکه به طرحها و قواعد معموله و روزمره توجه داشته باشد و علاوه حاصل تخیلات و اندیشه‌های بشری را که احتمالاً می‌تواند غیرتعقلی باشد عرضه می‌دارد.

سوسیالیسم

تعریف معمول این اصطلاح که در بسیاری از فرهنگها، از جمله «فرهنگ انگلیسی آکسفورد» می‌توان یافت، این است که: «سوسیالیسم تئوری یا سیاستی است که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید - سرمایه، زمین، اموال، و غیره - بطور کلی و اداره آنها به نفع عموم است.» اما چنین تعریفی نمی‌تواند مبین اختلاف نظرها و روشهای سوسیالیستها در مفاهیم این تعریف و تنوع بسیار مدعیان هواداری آن باشد. از این جهت، يك تعریف واحد و قطعی از سوسیالیست ممکن نیست، زیرا مفهوم «مالکیت و نظارت عمومی» بسیار کشدار و قابل انعطاف است و بر سر آن توافق نهایی وجود ندارد.

تصریح کرده‌اند که سماع در صورتی که همراه با محرّمات شرعی نباشد جایز است، در غیر این صورت البته جایز نیست.

سمفونی

فرمی است که برای يك ارکستر بزرگ تصنیف شده باشد، قواعد آن مانند سونات، اما فرقی با سونات این است که سمفونی دارای چهار قسمت است، در صورتی که سونات شامل سه قسمت است و در سمفونی به جای يك ساز یا دو ساز تمام ارکستر در اجرای آن شرکت می‌کنند.

سِنَاد

در علم قافیه، دوگونگی ردف اصلی یا زائد؛ مانند بَاک و نیک، داشت و راست، تاخت و بافت. سِنَاد از عیوب قافیه است.

سناریو

نمایشنامه مخصوصی که کارگردان فیلم را از روی آن می‌سازد، سناریو گویند. در سناریو نکاتی که برای تهیه فیلم لازم و ضروری است گنجانده می‌شود. سناریو شامل حرکات دوربین، اندازه کادر، حالات و گفتار هنرپیشگان و غیره می‌باشد، که رویهم رفته فیلم را به وجود می‌آورد.

سندیکالیسم

عقیده به لزوم حکومت سندیکاها به وسیله نمایندگان خود در کشور، این فلسفه معتقد به لزوم انقلاب و طغیان است.

سوفیسم

بازگذاشتن مرزهای يك کشور برای اتباع تمام ملل دیگر با شرایط مساوی ورود و خروج به منظور معاملات و کارهای بازرگانی با آزادی تجارت. این اصطلاح بخصوص از سال ۱۸۹۸ به بعد در مورد تجارت با چین و در مورد بنادر چین معمول گشت.

فلسفه سوفسطائی منسوب به یونان قدیم که می‌گوید: «انسان مقیاس همه اشیاء است».

سوویت

سیاقه‌الاعداد

در علم بدیع، چند چیز را دنبال یکدیگر ذکر کردن، و سپس، درباره هر يك جداگانه یا درباره مجموع، وصفی یا حکمی آوردن؛ مانند:
دارم ز استیای تو ای ماه سنگدل
دارم ز انتظار تو ای سرو سیمبر
دل گرم و آه سرد و غم افزون و صبر کم
رخ زرد و اشک سرخ و لبان خشک و دیده تر

(عبدالواسع جبلی)

این کلمه در زبان روسی به معنای «شورا» است و اول بار در انقلاب ۷-۱۹۰۵ م روسیه معنای سیاسی یافت، زیرا در این زمان بود که «شوراهای نمایندگان کارگران» در شهرهای صنعتی تشکیل شد. این شوراهای اعتصابی بزرگ به راه می‌انداختند و در دست احزاب سوسیالیست و سازمانهای آنارشیزت وسیله تهییج انقلابی بودند.

سویت (Suite)

در موسیقی، عبارت است از يك رشته رقص‌های کلاسیک که پی‌درپی نواخته می‌شود. معمولاً رقص‌های تند و آهسته را بطور متناوب در سویت قرار می‌دهند.

سه‌گانه

یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی بوده و شامل پانزده گوشه و ردیف است: درآمد اول، درآمد دوم، آواز، فرود، کرشمه دو قسم، زابل، حصار، مخالف، مغلوب، رهاب، مسیحی، ناقوسی، شاه‌ختانی، تخت قابوس، بسته‌نگار.

بطور کلی آوازها و گوشه‌هایی را که در چهارگاه خوانده می‌شود در سه‌گانه نیز می‌خوانند.

سینه‌کلوب

کانون سینمائی که در آن دوستداران سینما می‌توانند محصولات گرانبها و غیرتجارتی سینمائی را عرضه و درباره آن به بحث و انتقاد پردازند و نیز فرهنگ سینمائی خود را بالا ببرند.

شاخص

در اقتصاد و آمار، رقمی که تغییر قیمت یا تغییر کمیته را نسبت به رقمی که به عنوان پایه یا نرم انتخاب شده است نشان می‌دهد. شاخص اغلب به صورت درصد نمایش داده می‌شود. مثلاً اگر بهای کالاهائی در سال ۱۳۶۹ ش به دو برابر بهای آن در سال ۱۳۵۹ ش رسیده باشد، شاخص ترقی بهای آن ۲۰۰٪ می‌باشد. در علم اقتصاد، از شاخص،

سیاست درهای باز

نمایند، اما چنین نباشد؛ مانند:
گویند اگر زاری کنی دیگر نیازدار ترا
سلطان چه غم دارد اگر بازاری زاری کند.

شراب

شراب غلبات عشق را گویند با وجود اعمال که مستوجب ملامت باشد و مخصوص اهل کمال است که اخص اند در نهایت سلوک.

شطح

در اصطلاح صوفیه، کلام مجذوبانه‌ای که به سبب غلبه و جِد و جَدْبِه، از زبان عارف بیرون می‌آید، و ظاهر آن غالباً خلاف ادب یا خلاف شریعت به نظر می‌آید. از اینگونه است عباراتی مانند «سبحانی ما اعظم شأنی» که بایزید بسطامی گفته است، و یا قول «اناالحق» که به حلاج منسوب است.

شعر دراماتیک

شامل تمام انواع شعری که در صحنه نمایش به نظر می‌رسد و آنها گاهی درام و زمانی تراژدی و وقتی خنثه‌آوری یا تراژدی کمیک یا ملودرام است و گاهی هم صرفاً بنام شعر هجائی است: Satire
انواع دیگر آن که در درجه دوم واقع است اشعار آموزشی، وصفی، اشعار روستائی Lidylle، نامه‌های منظوم Epitre و اشعار هجوی و داستانهای کوتاه منظوم است.

شعر روایی

اشعاری است که يك واقعه تاریخی را برای اندرز

مخصوصاً برای مقایسه فعالیت‌های اقتصادی، هزینه زندگی، میزان اشتغال، سطح مرزها و غیره استفاده می‌شود.

شاتناژ

مأخوذ از واژه فرانسوی شاتنه (Chanter) به معنای خواندن است. تحمیلات ناروایی که فردی از راه گفتار یا کردار یا تهدید به رسوا نمودن، به فردی دیگر وارد سازد تا از او چیزی طلب کند، شاتناژ نامیده می‌شود.

شاتناژ همچنین به عملی اطلاق می‌شود که فردی از شرایط مساعدی که دارد، سوء استفاده کند و آنرا وسیله تهدید فرد یا افراد دیگری قرار دهد تا آن فرد یا افراد برخلاف نظر خود رفتار نمایند.

در اصطلاح سیاسی، شاتناژ به مفهوم تهدید، اشاعه اکاذیب فضیحت بار نسبت به شخصیت‌های سیاسی، برای کسب اطلاعات مورد نظر به کار می‌رود.

شاهد

شاهد یعنی گواه و مشاهده کننده «الشاهد ما یشهد بما غاب عنك». و نیز شاهد به معنی حاضر آمده است و «شاهد الحق شاهد فی ضمیرك» و تجلی جمالی ذات مطلق را در لباس شاهد عیان و بیان فرموده‌اند و گفته شده است که شاهد حق است به اعتبار ظهور و حضور.

شبه اشتقاق

در علم بدیع، آوردن کلماتی در سخن که به سبب همانندی در برخی از حروف، از يك ریشه و بن

بیان کند مانند روایات ملی و حماسی و مذهبی و عشقی - تراژدیهای روانی مانند شاهنامه، روایات عشقی مانند لیلی و مجنون، روانی تمثیلی مانند مثنوی مولوی و منطق الطیر شیخ عطار و قصائد سنائی غزنوی.

شعر رزمی (Epique)

آن نوع اشعاری که شامل داستان قهرمانان است و شاعر صفات و اخلاق مردان جنگی را ستوده و گاهی آنان را به صورت قهرمانان خارق العاده درآورد. از اشعار رزمی معروف می توان ایلیاد و اودیسه همر شاعر یونانی و داستان رزمی انید ویرژیل و کمدی الهی دانته شاعر ایتالیائی و حماسه رولاند فرانسه و بهشت گمشده میلتن و هانریاد ولتر را نام برد.

شعر غنائی (Lyrique)

اشعاری بود که یونانیان با ساز معروف لیر می خواندند و حاکی از احساسات روحی انسانی و مجسم کننده دردها و آلام درونی و شادبها و غم های بشری است مانند نواهای پاندر، و هوراس اثر ژان ژاک روسو و ویکتور هوگو و مرثیه های لامارتین از آن جمله است.

شعر فلسفی

مجموعه اشعاری است که در مسائل فلسفی مانند جبر و تقویض و تدبیر و اختیار و توکل و تسلیم و رضا گفته شود مانند اشعار فلسفی عمر خیام و مولوی.

اشعاری است که شاعر در قبال ناامیلات و محرومیت ها از تیره روزی شکایت می کند مانند شکوه سفر از انوری و عبدالواسع جبلی از رفتار حسودان، خاقانی از حوادث روزگار و جامی در شکایت از جور و ستم مردم، قائم مقام از لشکریان روس شکوه می کند.

شمع

شمع نزد صوفیان نور الهی را گویند و باز گفته شده است که شمع اشارت به پرتو نور الهی است که دل سالک را می سوزد و نیز اشارت به نور عرفان است که در دل عارف صاحب مشهود افروخته می گردد و آن دل را منور کند. و شمع الهی قرآن مجید را گویند.

شناسائی دوژور

شناسائی بی قید و شرط يك دولت یا کشور جدید به عنوان دولت مستقل که در قلمرو خود قدرت مؤثر اعمال می کند و تعهدات بین المللی خود را می خواهد و می تواند اجرا کند. شناسائی دوفاکتو موقت است، اما شناسائی دوژور شامل روابط دیپلوماتیک کامل و مصونیت نمایندگان سیاسی است.

شور

یکی از هفت دستگاه اصلی موسیقی ایرانی است. آهنگهای ابوعطا، دشتی، بیات ترک، افشاری، گاهی بیات اصفهان را نیز جزء این دستگاه می نوازند و می خوانند. شامل ۲۳ ردیف و گوشه است: مقدمه، چهار درآمد، نغمه اول، نغمه دوم، عشیران، سلمک، زیرکش، دوبیتی، قجر، فرود، حسینی، عزال.

واژه‌ها و اصطلاحات

است. و مقدار آن در نواحی مختلف متفاوت بوده است. در مدینه صاع برابر ۴ رطل، در کوفه برابر ۸ رطل، و در بعضی جاها برابر حد متوسط صاع مدینه و کوفه (یعنی ۶ رطل) حساب می‌شده است.

صبحی

صبحی به معنی هر چیزی است که در صبح خورده یا نوشیده شود و آنچه در صبح‌ها از شیر دوشیده شود و بالاخره صبحی چیزی است که در صبحگاهان نوشیده می‌شود و در اصطلاح محدثه با حق را گویند؛ و شراب و باده خمارشکن را گویند.

صحو

صحو یعنی هوشیاری و در اصطلاح رجوع به احساس است بعد از غیبت. و صحو بر حسب سکر است و کسی را که سکر به حق است صحو او به حق است و کسی را که سکر او مشوب با حظ باشد صحو او مصحوب به حظ است و صحو فوق سکر است و مناسب مقام بسط است. سکر در حق است و صحو به حق است و صحو و سکر در صفتند در بنده و پیوسته بنده از خدای خود محجوب است تا اوصاف وی فانی شود.

صحیح

در اصطلاح محدثین و علم حدیث، حدیثی که مرفوع باشد، و سند آن متصل باشد به نقل عدلی که در تحمّل و ادای آن ضابط باشد، و در آن حدیث شذوذ و علت نباشد. توضیح اصطلاحاتی که در این تعریف آمده است بشرح ذیل است: (۱) مرفوع بودن حدیث به معنی این است که حدیث به پیغمبر برسد

مقدمه پائین دسته، درآمد، نعمه، قرچه، کریلی، رضوی، فرود بزرگ، فرود بالا دسته، کرشمه، شهناز، و بیات کرد.

شوق

در اصطلاح صوفیه، داعیه لقاء محبوب، که ذوالنون مصری آنرا بالاترین مقامات سلوک شمرده است. صوفیه شوق را حاصل و مولود محبت حق و داعی وصال محبوب می‌پندارند، و گویند شوق شعله‌ای است که خداوند در قلوب اولیای خویش می‌افکند تا هر چه خواهش و اندیشه و نیاز در دل آنهاست از میان ببرد. از این رو برای شوق اهمیت بسیار قائل شده‌اند؛ و از یحیی معاذ رازی نقل کرده‌اند که گفته است «شوق بازگرفتن جوارح است از شهوات».

شوونیسیم

این اصطلاح از نام نیکولا شووین (N.chauvin) سرباز امپراطوری اول فرانسه گرفته شده است. ستایشهای مبالغه‌آمیز شووین از ناپلئون او را در میان رفقاییش اسباب مسخره ساخت. بطوری که این اصطلاح را از نام او ساختند و نام او اسم مستعار همه کسانی شد که وطن پرستی مبالغه‌آمیز نشان می‌دهند. يك قطعه درام به نام (۱۸۳۱م: Lacocardetricolorela) که یکی از آدماهای آن شووین نام داشت، و ترانه‌ای که به زودی استقبال شدیدی از آن شد، شوونیسیم را در زبان فرانسه تثبیت کرد و از آنجا به دیگر زبانها اشاعه یافت و معنی وطن پرستی افراطی گرفت.

صاع

پیمان‌ه و مقیاسی برای ظرفیت که در بعضی ممالک اسلامی در مورد غلات و امثال آنها بکار می‌رفته

خلوص از مازجت طبع است و دوری از مذمومات است و صفا از صفات انسان است و آنرا اصلی است و فرعی. اصلش انقطاع دل است از اغیار و فرعش، خلوت از دنیای غدار است.

صلاحیت

در اصطلاح حقوقی، اختیار قانونی مأمورین دولت یا وابستگان به دولت برای انجام باره‌ای از امور، مانند صلاحیت مأمورین ثبت احوال در صدور شناسنامه، و صلاحیت سردفتران برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی. صلاحیت دادگاهها اختیاری است که قانون برای رسیدگی به دعاوی معینی به آنها می‌دهد؛ در این صورت می‌گویند دادگاه برای رسیدگی به دعاوی مزبور صالح است یا صلاحیت دارد.

ضرب

در علم عروض، آخرین پایه از مصراع دوم هر بیت را گویند؛ مانند «بود»، بر وزن فعل فعل، در آخر مصراع دوم این بیت:

توانا بود هر که دانا بود
به دانش دل پیر برنا بود

ضرب و جرح

اصطلاح حقوقی. ضرب ایراد صدمه است به بدن شخص دیگر بی‌آنکه اثری از زخم بجای بگذرد. ضرب ممکن است مستقیم (با دست و پا) یا غیرمستقیم (مثلاً با چوب و سنگ) وارد شود. جرح هر ضایعه عضوی است که در بدن شخص بدست غیر حادث شود، مانند زخم یا شکستگی. دو کلمه ضرب و جرح در قانون مجازات ایران بیشتر با هم

نه به صحابی یا تابعی. ۲) متصل بودن حدیث این است که سند حدیث در آغاز یا وسط یا پایان منقطع نشده باشد، یعنی اسامی راویان از آن نیفتاده باشد. ۳) مقصود از عدل کسی است که از محظورات دینی احتراز و انزجار داشته باشد. ۴) «ضابط بودن در تحمّل و ادا» یعنی ناقل حدیث کسی نباشد که اهل غفلت و فراموشکاری و شک باشد. ۵) شدوذ در حدیث این است که برای حدیثی دو روایت باشد، و این دو روایت با هم چنان اختلاف داشته باشند که جمع میان آن دو ممکن نگردد، ولی راوی یکی از این دو روایت در حفظ بر دیگری ارجحیت داشته باشد، در این صورت آن روایت دیگری شاذ است و به آن صحیح گفته نمی‌شود. ۶) علت در حدیث آن است که در آن سستی و وهن نهانی باشد که مایه ضعف آن شود.

صدر

در علم عروض، نخستین پایه از مصراع اول هر بیت را گویند؛ مانند واژه «توانا»، بر وزن فعولن، در این شعر:

توانا بود هر که دانا بود
به دانش دل پیر برنا بود

صراحی

در اصطلاح بنائی، پایه تزئینی گچی یا مرمری، شبیه ستون کوچک است، که تعدادی از آن را ردیف هم قرار داده طارمی ترتیب می‌دهند.

صفا

صفا پاکی و در مقابل کدر است و در اصطلاح

نباشد. مثلاً یکی از روایة آن عادل نباشد، یا حافظه خوبی نداشته باشد، یا در عقیده او شکمی باشد، و یا در سلسله سند حدیث شکافی باشد، مانند آنکه نام بعضی از راویان ذکر نشده باشد. درجات حدیث ضعیف به حسب دوری آن از شرایط صحت فرق می‌کند. فقهای شیعه در تعریف حدیث ضعیف گفته‌اند که آن حدیثی است که فاقد یکی از شروط صحت و حسن و وثوق باشد. حدیث موثق در نظر فقهای شیعه عبارت است از حدیثی که راوی آن ثقة باشد، اما مذهب شیعه امامیه نباشد. بسیاری از علمای شیعه، عمل به حدیث ضعیف را روا ندانسته‌اند.

ضمان درك

در اصطلاح حقوق، مسئولیت فروشنده در موردی که مورد معامله پس از دریافت بهای آن از خریدار متعلق به شخص ثالث در آید. در این صورت فروشنده باید بهای مورد معامله را به خریدار مسترد دارد، و هر گاه خریدار هنگام خرید مال از تعلق داشتن آن به غیر بی‌خبر بوده است، فروشنده باید از عهده خسارت وی نیز برآید.

طامات

در نزد صوفیه، سخنی که به سبب غلبه وجد از صوفی صادر شود و فهم و قبول آن برای عامه دشوار باشد. در ادب صوفیه، طامات نظیر شطحیات، و در بعضی موارد تقریباً مترادف و معادل آن است، و ظاهراً، گذشته از سخنان ادعاً آمیز (که شطح مخصوصاً عبارت از آن است) کارهای آمیخته به دعوی که بعضی از صوفیه بدان کارها تظاهر می‌کرده‌اند طامات خوانده می‌شده است، و در واقع

استفاده می‌شوند.

ضرب / ضربه

در فیزیک نیرویی که در مدت بسیار کوتاهی اثر کند، در حالی که نیرو ثابت باشد ضربه برابر خواهد بود با حاصل ضرب مقدار نیرو در مدتی که تأثیر آن برقرار است. طبق قوانین مکانیک مقدار ضربه همواره برابر است با تغییری که در اثر آن در مقدار حرکت دستگاه متحرك روی می‌دهد.

ضعف تألیف

در علم معانی، نادرستی و سستی سخن به سبب تقدم و تأخری که برخلاف قواعد دستور زبان در اجزای کلام واقع شود، یا حذفی ناجایز که در آنها پیش آید، یا استعمال نابجای کلمه‌ای در ترکیب کلام؛ مانند: (۱) «والا تر از آنچه بود مقامش شد»، به جای «مقامش از آنچه بود والا تر شد»؛ (۲) «از اینکه آن چیزی که مورد نظرم بود شاید موفق بشوم خوشحال بوم»، به جای «خوشحال بوم از اینکه امکان داشت بدان چیزی که مورد نظرم بود توفیق یابم»؛ (۳) «دیروز هوا گرم و من مدتی در استخر شنا کردم» حذف نابجای فعل «بود» از جمله اول؛ (۴) «انوشیروان را با زیردستان مهر و عطوفت می‌کرد»، زاید و نابجا بودن «را» پس از «انوشیروان» که فاعل جمله است. ضعف تألیف از عیوب فصاحت کلام است.

ضعیف

در اصطلاح محدثین، حدیثی که در آن شرط یا شروطی که در حدیث صحیح یا حدیث حسن است

بیشتر بر همین گونه ادعاهای صوفیه است که لفظ طامات اطلاق شده است.

طریقت

منظور از طریقت سیر خاص مراد است که مخصوص سالکان راه حق است مانند ترك دنیا و دوام ذکر و توجه به مبدأ، و تبتل و انزواء و دوام طهارت و وضوء و صدق و اخلاق و غیر آن.

طیش

کلمه طیش در مقابل عیش است و مراد حالتی است که برای خواص فقراء در مقام تجلی حق ظاهر می شود؛ زیرا هرگاه حق تجلی کند بر آنان در طیش اند و هرگاه مستور شود برمی گردند به حظ و عیش خود.

عارف

عارف یعنی شناسنده و کسی است که حضرت الهی او را به مرتبت شهود ذات و اسماء و صفات خود رسانیده باشد و این مقام به طریق حال و مکاشفه بر او ظاهر گشته باشد نه به طریق مجرد علم و معرفت حال. بعضی گویند عارف کسی است که فنای در حق یافته و هنوز به مقام بقاء بالله نرسیده باشد و از مقام تقیّد به مقام اطلاق سیر نموده و «معروف» حق مطلق است که مبدأ و معاد همه است.

عروض

فنی است که از وزن اشعار بحث می کند و نام عروض نیز بدان جهت است که اشعار بدان عرضه

شده است. از مؤلفان عروض ابوالحسن علی بهرامی سرخسی و ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی و از کتب مشهور آن «المعجم فی معانی اشعار العجم» شمس قیس رازی و «حدائق السحر فی دقائق الشعر» رشیدالدین وطواط را می توان نام برد..

عشق

عشق میل مفرط است و اشتقاق عاشق و معشوق از عشق است به معنی فرط حب و دوستی، و نیز مشتق از عشقه است و آن گیاهی است که بدور درخت پیچد و آب آنرا بخورد و رنگ آنرا زرد کند و برگ آنرا بریزد و بعد از مدتی خود درخت نیز خشک شود. عشق نیز چون به کمال خود رسد قوا را ساقط گرداند و حواس را از کار بیندازد و طبع را از غذا بازدارد و میان محب و خلق ملال افکند و از صحبت غیر دوست ملول شود یا بیمار گردد و یا دیوانه شود و یا هلاک گردد.

عصمت

در اصطلاح کلام، یکی از ملکات نفسانی، که صاحب خود را از ارتکاب گناه بازمی دارد. این مَلکه منوط بدانستن معایب گناهان و مناقب طاعات و اعمال خیر است. اشاعره، چون همه افعال بندگان را از خداوند می دانند، در تعریف عصمت گفته اند که عصمت عبارت است از نیافریدن خداوند گناه را در بنده ای از بندگان خود. مسئله عصمت از مسائل کلامی است، و اهل سنت آنرا مختص انبیاء می دانند، ولی شیعه امامیه، علاوه بر عصمت محمد (ص)، به عصمت فاطمه (ع)، و ائمه دوازده گانه نیز قائل هستند، و به همین جهت، از

مطلع، حسن مقطع، لغز و معما.

علم محاضرات

در لغت به معنی محاوره و حاضر جوابی است و در اصطلاح عبارت از این است که برای دیگری کلامی بیاورند که مناسب مقام باشد.

علم یقین

علم یقین عبارت است از ظهور نور حقیقت در حال کشف استتار بشریت به شهادت وجد و ذوق نه به دلالت عقل و نقل، و مادام که نور از ورای حجاب نماید آنرا نور ایمان خوانند و چون از حجاب مکشوف گردد آنرا نور یقین خوانند.

غزل

در لغت به معنی حدیث کردن با زنان و در اصطلاح ابیاتی چند بر يك وزن و قافیه شامل مضامین عاشقانه و تصویر احوال عشاق و جمال معشوق باشد و در مصراع مطلع نیز مانند مطلع قصیده در حرف قافیه موافق است و گفته اند عده ابیات غزل از ۷ تا ۱۳ است و اگر به ۲۱ برسد تغزل است.

غنی کردن

زیاد کردن مقدار نسبی یکی از ایزوتوپها را در مخلوطی از آنها، با روش‌های فیزیکی یا شیمیایی؛ و بخصوص زیاد کردن مقدار نسبی ایزوتوپ شکاف‌پذیر در يك سوخت هسته‌ای را غنی کردن نامند.

حضرت رسول و فاطمه و امامان به چهارده معصوم تعبیر می‌کنند.

عُقَدَتین

در نجوم، دو نقطه تقاطع مدار هر يك از اجرام منظومه شمسی با صفحه دایرة البروج، آنرا که چون جرم از آن بگذرد وارد نیمکره شمالی شود عقده رأس و دیگری را عقده دُنب نامند. عقَدَتین ماه را جوزهرین خوانند.

عکس و تبدیل

در علم بدیع، جابه‌جا کردن پاره‌ای از کلمات در نظم یا نثر. این کار، گاه تغییری در معنی سخن بدید نمی‌آورد؛ مانند:

سرو گلستان من قامت دلجوی یار

قامت دلجوی یار سرو گلستان من

و گاه سبب تغییر می‌گردد، و این پسندیده‌تر است؛ مانند:

گیرم که برکنی دل سنگین ز مهر من

مهر از دلم چگونه توانی که برکنی

علم بدیع

یا علم آرایش سخن را گویند که بوسیله آن محسنات سخن بلیغ شناخته می‌شود. صنایع آن عبارت است از صنایع لفظی و معنوی که بین نظم و نثر مشترك است صنایع لفظی مانند تشبیح، ترجیع، لف و نشر، تجنیس، تضمین، ردالعجز علی الصدر، رد الصدر علی العجز، موشح و ملون. صنایع معنوی مانند تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز، ایهام، مطابقه، مراعات نظیر، براعت استهلال، حسن طلب، اغراق، تمثیل، حسن

فارسی

و فالانخه اسپانیولای متحد به رهبری خوزه ریورا، با برنامه‌ای حاوی الغای احزاب سیاسی، ملی کردن سرمایه‌ها و اصلاحات ارضی، توسعه ارتش، و روش انقلابی برای رسیدن به هدف، به میدان آمد و در جنگهای داخلی (۱۹۳۶-۱۹۳۹م) نقش مهمی داشت.

در اصطلاح بنائی، آجری که گوشه آن را برای استفاده‌های مختلف در ساختمان - از جمله گستردن گچبری تزئینی - از دو جانب بند آخر تراشیده باشند. «فارسی کردن» به معنی «پرانیدن» گوشه آجر است.

فدراسیون

اتحاد چند واحد سیاسی (ایالت، کشور) و تشکیل دولت واحد را گویند. در فدراسیون واحدهای کوچکتر برای خود و بر اتباع خود دارای حدودی از اختیار و اقتدار هستند و غالباً امور خارجی خود را به فدراسیون وامی‌گذارند. قانون اساسی فدراسیون حدود اختیارات داخلی واحدهای تشکیل‌دهنده فدراسیون را، که معمولاً ایالت خوانده می‌شوند، معین کرده و نیز حدود نظارت دولت فدرال (مرکزی) را تعیین می‌کند. در سیستم‌های فدرال غالباً يك دادگاه عالی برای تفسیر قوانین و حل اختلافهای دولتهای ایالتی و دولت مرکزی وجود دارد. در این نوع دولت، تغییر قانون اساسی با موافقت تعداد معینی از ایالتها صورت می‌گیرد.

فراق

فراق یعنی جدائی و فرقت و در اصطلاح صوفیه مقام غیبت را گویند که از وحدت محجوب باشد که اگر يك لمحہ عاشق از معشوق خود جدا شود آن فراق صدساله بود.

و نیز فراق غیبت را گویند از مقام وحدت یعنی بیرون آمدن سالک از وطن اصلی که عالم بطون است به عالم ظهور و از عالم ظهور به عالم بطون و وصال است و این وصال جز از راه مرگ صوری حاصل

فاشیسم

فاشیسم از (Fascismo) گرفته شده است که عنوان اصول نهضت فاشیستی است. فاشیسمو نیز از (Fasces) در زبان لاتینی گرفته شده است و آن علامتی بود مرکب از تبری که بر گرد دسته آن میله‌هایی در امتداد دسته می‌بستند و در پیش حکام به عنوان سمبول قدرت، حمل می‌کردند. این علامت بعداً سمبول حزب فاشیست ایتالیا شد. نهضت فاشیست ایتالیا در مارس ۱۹۱۹م متشکل شد و در ۱۹۲۲م به رهبری موسولینی دولت ایتالیا را در دست گرفت.

فاناتیک

شخص متعصب در يك عقیده یا مذهب را گویند.

فانژیزم یا فالانخیزم

نهضت فاشیست اسپانیا که اینک عنوان ایدئولوژی تنها حزب قانونی اسپانیا «فالانخه اسپانولا ترادیسونالیستها» (Falange Spanla Tradicionalista) است. فالانخیزم را در اصل خوزه آنتونیو پریمودو ریورا، پسر دیکتاتور سابق، پریمو دوریورا، در اکتبر ۱۹۳۳ بنیاد گذاشت. در مارس فالانخیستها با دیگر دسته‌های فاشیست یکی شدند

بود و علیهذا کسی که فانی شده باشد از اوصاف مذمومه - یعنی عاری شده باشد از اوصاف مذمومه - ظاهر شود، اوصاف محموده او و کسی که اوصاف مذمومه بر او غالب شود اوصاف و فضائل محموده او پوشیده می‌شود.

فون

در هنر سینما، به معنی متن است. چنانچه موزیک فون گفته شود منظور موزیکی است که برای تولید احساس و انتریک و برای بیان در صحنه‌ها انجام می‌شود. اگر در مورد يك كادر فیلم به این کلمه اشاره شود، منظور زمینه تصویر و به عبارت دیگر سطوح جدا از موضوع در روی تصویر است.

فونوگراف

دستگاه ضبط صوت را گویند و آن دستگاهی است که اصوات را ضبط و پس از آن تکرار می‌کند. مقدمات این دستگاه در سال ۱۸۷۷ بوسیله ادیسون اختراع شد.

فیزیوگراسی

نظریه اقتصادی که پیروان آن عقیده دارند ثروت حقیقی با یگانه منبع ثروت کشور یعنی آب و زمین و محصولات کشاورزی تأمین می‌شود و سیم و زر فقط به منظور وسیله‌ای برای تسهیل معاملات است.

فیزیولوژی

علم وظایف الاعضا را فیزیولوژی گویند و آن دانشی است که درباره طرز کار اعضای بدن انسان

نشود.

فراکسیون

در لغت به معنی کسر و شکستگی و در اصطلاح عده‌ای هم عقیده یا دسته‌ای از اعضای يك حزب را فراکسیون گویند.

فرانت لاین (Front Line)

به ملودی که از ترکیب چند ساز نظیر ترومپت، ترومبون، ساکسفون و کلارینت پدید آید، اطلاق می‌شود.

فستیوال سینمایی

نمایشگاه یا جشن بین‌المللی سینمایی که در آن برجسته‌ترین محصولات سال کشورهای مختلف - که از طرف خود آن کشورها ارسال گردیده - به معرض نمایش گذارده شده و به انتخاب يك هیئت ژوری که از متخصصین فیلم و خبرگان امور سینمایی تشکیل شده، جوائزی در قسمتهای مختلف تکنیکی به بهترین آنها داده می‌شود؛ مانند فستیوال سینمایی کان، ونیز، برلین.

فنا

مراد از فنا، عباد است در حق و فنای جهت بشریت اوست در جهت ربوبیت. بوسیله کلمه فنا اشاره به سقوط اوصاف مذمومه کنند و بواسطه کلمه بقاء اشاره به قیام اوصاف محموده شود و چون هر بنده خالی از یکی از این دو حالت نیست بنابراین هرگاه یکی از این دو حالت نباشد قسم دیگر خواهد

و حیوان و ارتباط آنها با یکدیگر بحث می کند.

فیلم (Motion - Picture Film)

رشته نوار نرمی که از سلولوئید و چند ماده دیگر ساخته شده و شامل یکسری عکس پشت سرهم می باشد که توسط عدسی يك «Kinetoscope» که بر نقطه کانونی دلخواهی در جلوی نور الکتریکی میزان شده به روی پرده نقل و در يك توالی سریع به سرعت رد می شوند.

توضیح: تعریف بالا تنها از جنبه مکانیکی صحیح است.

برای اداره اموال فرد محجور تعیین می شود. مواظبت شخص مومی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی به عهده قیّم است. در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد، دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او را ندارند.

کاپ

جام مزین یا گلدانی که به عنوان جایزه و نماد قهرمانی، معمولاً در پایان مسابقات به طرف برنده می دهند. این لفظ تسامحاً به هر نوع جایزه دیگر غیر از جام و گلدان هم اطلاق می شود.

قاب قوسین

قاب قوسین مقام قرب الهی و اسمانی است به اعتبار تقابل میان اسماء در امر الهی که دائره وجود می خواند، همچنانکه ابداء و اعاده و نزول و عروج و فاعلیت و قابلیت و آن اتحاد به حق است با بقاء تمیز و دوئیت اعتباریه.

قصیده

ابیاتی چند است بر يك وزن و يك قافیه مشتمل بر مقصود و مطلوب مشخص از قبیل حماسه، هجا و رثا، در صورتی که بیت اول آن مصراع باشد. بعضی گویند عدد ابیات آن ۲۱ و حداکثرش محدود نیست زیرا شعرا قصیده دوست بیتی هم گفته اند مانند قصیده های انوری، فرخی، خاقانی، ظهیر فاریابی.

قیّم

کاپیتالیسم

نوعی سیستم اقتصادی که در آن بخش اعظم فعالیت اقتصادی، بویژه مالکیت و سرمایه گذاری برای تولید کالا، در دست افراد و مؤسسات خصوصی (غیردولتی) است و آنها از طریق رقابت اقتصادی و با محرک کسب سود، فعالیت اقتصادی را هدایت می کنند. عنوان کاپیتالیسم را بیشتر سوسیالیست ها رواج دادند و آن را عنوان سیستمی که با آن مخالف هستند عنوان کردند. مقصود آنها از کاپیتالیسم سیستمی است که در آن اشخاص خصوصی مالک وسایل تولید هستند و آن وسایل را برای کسب سود به کار می برند و آن سود از طریق کمتر پرداختن به کارگران به دست می آید، یعنی کمتر از مبلغی که به نظر سوسیالیست ها، تمام ارزش تولید کارگران است؛ اما مبلغی که پرداخت می شود برابر است با ارزش نیروی کار کارگر تحت شرایط مالکیت خصوصی وسایل تولید و بازار کار.

کاستینگ

کسی که به تقاضای دادستان، از طرف دادگاه

(Blue) کروس یک نمونه کامل از ۱۲ و گاهی اوقات ۸ خط میزان (Bar) است.

کعبه

کعبه عبارت از توجه دل است به سوی خداوند و مقام وصل را نیز گویند و توجه دل است به محبوب و معشوق؛ و مطلوب که در آن مقام عاشق باید محرم شود تا به وصال معشوق نائل شود.

کَفّ

در علم عروض، یکی از زحافها است، و آن انداختن هفتمین حرف ساکن است از پایه‌ای که آخرین جزء آن سبب خفیف باشد؛ به عبارت دیگر، تبدیل هجای دراز آخر پایه است به هجای کوتاه. پایه‌ای را که تغییری چنین یافته، مکفوف خوانند، مانند «مفاعیل» که مکفوف «مفاعیلین» است.

کلوز آپ

به تصویری گفته می‌شود که تنها شامل موضوع بوده و دوربین معمولاً نزدیک موضوع قرار گیرد. فرض کنیم که موضوع تصویربرداری انسان باشد، آن وقت کلوز آپ شامل سر و شانه‌های آن شخص می‌شود.

کلوز شات

صحنه‌ای است که فاصله دوربین تا موضوع طوری گرفته شده است که تنها همه چیز از شانه‌های موضوع به بالا نشان داده می‌شود.

روابط کارگردان و آکتور است، و آن عبارت است از انتخاب آکتور معینی جهت رلهای معین. روابط کارگردان و آکتور نوع دیگری نیز دارد و آن هنگامی است که کارگردان بایستی به آکتورهائی که انتخاب شده‌اند کمک نماید تا آنها بتوانند رل خود را بهتر ایفا نمایند.

کاسموپولیتانیسم

احترام به ایده‌آلها و افکار و عقاید و مؤسسات همه ملل و اقوام جهان است (در برابر شووینیسم یا میهن پرستی افراطی).

کبر

کبر بزرگ داشتن و بهتر دانستن خود از دیگری را گویند چنانکه کمتر گردانیدن خود است از دیگری؛ و کبر از نادانی انسان به نفس خود و یکی از مهلکات انسان است؛ و لکن تکبر در مقابل متکبر عبادت است پس کبر یا ممدوح است و یا مذموم و هر یک را مقام و موقعی است.

کت (Cat)

موسیقیدانان آمریکا این لغت را بیشتر به معنی «شخص» و گاهی به عنوان (موسیقیدان جاز) یا کسی که به جاز علاقمند است، بکار می‌برند.

کروس (Chorus)

به معنی ارکستر یا دسته خوانندگان است. یک کروس کامل شامل ۳۲ خط میزان موسیقی است که متشکل از (La' La' Si' La) می‌باشند. در ریتم‌های بلو

کمدی (Comédie)

کنسرواتیسیم

این عنوان معادل «محافظة کاری» در زبان فارسی است و بر گروهی از عقاید در باب جامعه و دولت اطلاق می‌شود که ترتیب سیاسی و اجتماعی موجود را، بخصوص اگر سابقه طولانی داشته باشد، محترم می‌شمارند و در حفظ آن می‌کوشند. کنسرواتیسیم در سنت سیاسی انگلستان پایگاهی قوی و مشخص دارد. استعمال عنوان محافظه‌کار (کنسرواتیبو) در انگلستان از ۴۰-۱۸۳۰م آغاز شد و از آن زمان این عنوان جای عنوان تاریخی «توری» را گرفت؛ اگر چه عنوان اخیر کاملاً از رواج نیفتاده است. در سیستم سیاسی انگلستان حزب محافظه‌کار همواره یکی از احزاب بزرگ بوده است و مردانی چون ادموند برک (Burke) کولریج، پیل، دیزرائیلی در تکوین سنت محافظه‌کاری سیاسی انگلستان سهم بزرگ داشته‌اند. کنسرواتیسیم هرگز صورت یک فلسفه تدوین شده و منظم را نداشته است.

بیان دراماتیک نکات مضحک و خنده‌آور زندگی انسانی در سینما و تئاتر، به همین نحو تراژدی را نیز می‌توانیم بیان حادّه یا حوادثی که در آن زندگی انسانی با تندی جنایت‌آمیز یا با یک بلای ناگهانی فنا می‌گردد تعریف کنیم.

کمونیسیم

در معنای وسیع کلمه، کمونیسیم بر تئوری و عمل اصلاح طلبانی اطلاق می‌شود که از «زندگی اشتراکی» هواداری می‌کنند و خواهان جامعه‌ای هستند که در آن تسلط سلسله مراتب وجود نداشته باشد و همه اموال و وسایل آسایش و تفریح «به اشتراک» در اختیار همه جامعه یا گزیدگان (elite) حاکم باشد. بعضی از این اصلاح‌طلبان آنارشویست و سندیکالیست بوده‌اند.

کودتا

کمیسیون اقتصادی اروپا

اعمال ناگهانی قدرت برای برانداختن دولت، بدون رعایت قوانین مربوط یا قانون اساسی. کودتا به معنی خاص تنها تغییر ناگهانی رهبر یا رهبران اصلی حکومت می‌باشد. کودتا از حوادث عادی در کشورهای آمریکای لاتین و در بعضی از کشورهای آفریقائی و آسیائی است. لفظ کودتا فرانسوی است و از دو کلمه کو (= ضربه) و اتا (= مملکت) تشکیل یافته است.

کولاژ (Coulage)

به ترتیب چسباندن نوارهای فیلمبرداری شده

در ۲۸ مارس ۱۹۴۷م به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تأسیس شد. و منظور از آن هماهنگ کردن اعمال دولتها برای بالا بردن سطح فعالیت اقتصادی اروپا و افزودن مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و نیز مناسبات این کشورها با سایر کشورهاست. اعضای این کمیسیون عبارتند از کشورهای اروپایی عضو ملل متحد و ایالات متحده آمریکا. کمیسیون برای مسائل مربوط به زغال سنگ، نیروی برق، صنعت و مواد خام، حمل و نقل داخلی، نیروی کار، فولاد، الوار، توسعه بازرگانی، و کشاورزی کمیته‌های فرعی دارد.

امروزه در فرانسه و سایر کشورهای لاتینی این ترتیب معمول است. اما در آلمان و انگلستان مانند یونان باستان حروف الفبا را بکار می‌برند. گام طبیعی بر دو قسم است: گام بزرگ یا ماژور، گام کوچک یا مینور. گام ماژور متشکل از پنج پرده یا تن است؛ در صورتی که گام مینور شامل سه نیم پرده، سه پرده و يك $\frac{1}{4}$ پرده است.

گانگستر

این لغت در مورد جنایتکاران و تبهکاران جسور و مسلحی بکار می‌رود که با کمال جسارت و بی‌باکی اغلب در ممالک خارجی مخصوصاً در کشورهای آمریکا و ایتالیا به کارهای خلاف قانون از قبیل دزدی، قاچاق و کشتار دست می‌زنند. گانگستر از کلمه «گانگ» گرفته شده که در انگلیسی معنی دسته و گروه متحدی را می‌دهد و چون جنایتکاران آمریکائی دسته جمعی برای ربودن پول بانکها و سایر مؤسسات کار می‌کردند، روی این اصل به آنها گانگستر گفتند، و این نام و صفت، رفته رفته به همه دسته‌های جنایتکاران در سراسر جهان اطلاق شد.

گریم (Grime)

آرایش صورت بازیگران به نحوی که کاملاً با تیپ پرسوناژ مورد نظر جور درآیند. بجای این کلمه ندره «Maquilage» نیز بکار برده می‌شود.

گس (Gas)

به معنی موفقیت است. این لغت شبیه لفظ تئاتری معروف «Mow» می‌باشد.

یلانها و سکانها اطلاق می‌شود. این عمل در کشورهای خارجی در روی نسخه کار (Roughcut) صورت می‌گیرد و به هیچ‌وجه دقت در آن بکار نرفته و نباید با مونتاژ اشتباه شود.

کولکتیویسم

عقاید، هدفها و روشهای کسانی که نظارت سیاسی همه جانبه بر امور اجتماعی (و به ویژه اقتصادی) یا از توسعه چنین نظارتی جانبداری می‌کنند. رواج این اصطلاح از زمان تشکیل کنگره بین الملل اول سوسیالیستها، در ۱۸۶۹م در شهر بال، آغاز شد و این لفظ با سوسیالیسم رابطه نزدیک پیدا کرد. به نظر می‌رسد که در اصل از این لغت در کنگره بال برای مشخص کردن يك مکتب سوم سوسیالیست، در مقابل دو مکتب مارکس و پرودون استفاده شده است و قصد این بوده که يك نوع سوسیالیسم یا کمونیسمی ارائه شود که بر قدرت مبتنی نباشد.

گاسپل سانگ (Gospel song)

آواز مذهبی مدرن سیاهپوستان با گوشه‌های قوی جاز که بسیار ریتمیک است.

گام

در موسیقی، عبارت است از هفت صوت متوالی که به طور طبیعی در فواصل معین واقع شده باشد. هر يك از اصوات گام را با يك نت موسیقی تعیین می‌کنند. برای نامگذاری نت‌ها در زبان لاتینی حروف اول سرود سن ژان را انتخاب کرده‌اند و

در حقیقت روح است.

لغز و معما و ماده تاریخ

لغز شعری را گویند که شاعر چیزی را در نظر گیرد. صفات آنرا در کسوت عبارت مشکل و متشابه بدون ذکر نام بیان کند مانند لغز منوچهری درباره حمام و شمع، اما معما شعری است که شاعر نام چیزی را به ابهام و کنایه اظهار کند. ماده تاریخ شعری را گویند که شاعر در شرح وقایع مانند ولادت و جنگ یا مرگ کسی تاریخ وقوع آنرا به طور صریح یا از روی حساب ابجد ذکر کند، کسانی مروزی در تاریخ ولادت خود، حافظ در تاریخ مرگ خواجه قوام‌الدین و شیخ ابواسحق صبا در جلوس فتحعلی شاه و ادیب‌الممالک فراهانی در تاریخ جلوس مظفرالدین شاه اشعاری سروده‌اند.

لُقَطَه

در فقه، مالی که کسی در اماکن عمومی از قبیل معابر و مساجد و بیابان پیدا کند. بر فرد مسلمان واجب است که از راه اطلاع دادن به مردم، صاحب مال را بیابد و آن را به وی باز دهد، و اگر سالی گذشت و مالک پیدا نشد، یا بنده می‌تواند آن را تملک کند، یا صدقه بدهد، یا به‌طور امانت نگاهداری کند.

لگاليسم

عقیده به اصالت قانون و اصول حقوقی و قضائی و نگرستن همه چیز از دریچه حقوقی را گویند.

لئینیسیم

در عهد ساسانیان هر يك از واحدهای بزرگ سپاه را می‌گفتند. تقسیمات کوچکتر از گُند را درفش و از آن کوچکتر را قرشت می‌گفتند. هر درفش بیرق مخصوصی داشت.

گیگ (Gig)

حرفه‌ای مجزا و تنها برای يك موسیقی‌دان را گویند.

لانگ‌شات

به مساحت قابل ملاحظه‌ای در اطراف موضوع فیلم گفته می‌شود. در این تصویر دوربین فاصله بسیاری تا موضوع دارد. بطور کلی لانگ‌شات انتقال و عبور از منظره عمومی است.

لزوم مالایِلْزَم (بدیع) ← اِغْنَات.

لسه‌فر

عدم مداخله دولت در امور اقتصاد و بازار و معاملات و بازرگانی و آزادگذاشتن آنها در دست افراد مردم بدون کنترل دولت را گویند.

لطیفه

لطیفه در اصطلاح صوفیان عبارت از اشارت دقیقی است که مرتسم نبود در فهم از وی و معنی و عبارت گنجایش آنرا نداشته باشد و لطیفه انسان نزد حکما نفس ناطقه را گویند و درویشان دل را گویند و

ماتریالیسم دیالکتیک

اصطلاح موضوعه مارکس که مبنای آن اعتقاد به جبر تاریخی و لزوم تاریخی است در راه تکامل و اینکه نیروهای اقتصادی پایه و اساس حوادث تاریخ است در برابر دیالکتیک هگل یا ایده‌آلیسم که نیروی روحی را محرک عالم بشری می‌دانست.

ماکروفاز

اصطلاح پزشکی است، بطور عام نام هر يك از سلولهای بیگانه‌خواری که در اندامهای مختلف ابدان موجودات زنده قرار دارد. این سلولها غالباً نسبت به دیگر سلولها عظیم‌الجثه‌ترند و تا ۱۰۰ میکرون بزرگی آنها نیز ممکن است برسد.

ماکیاولیسم

مکتب سیاسی منسوب به نیکولوماکیاولی سیاستمدار و متفکر ایتالیائی (۱۴۶۹-۱۵۲۷م). بنیاد ماکیاولیسم بحث روش و هدف در سیاست است. ماکیاولی در کتاب «شهریار» به کاربردن هر وسیله را در سیاست برای رسیدن به هدف مجاز می‌شمارد، و بدین‌گونه سیاست را بکلی از اخلاقی جدا می‌شمارد و از این جهت ماکیاولیسم به معنای به‌کار بردن روشهای غیر اخلاقی برای رسیدن به هدف است. ماکیاولی معتقد است که زمامدار اگر بخواهد باقی بماند و موفق باشد، نباید از شرارت بهراسد و از آن احتراز کند؛ زیرا بدون شرارت حفظ دولت ممکن نیست ... هیچ طراز و مقیاسی برای قضاوت زمامدار در دست نیست مگر موفقیت سیاسی و ازدیاد قدرت، زمامدار برای نیل به قدرت و ازدیاد و حفظ آن مجاز است به هر عملی از زور و حیله و غدر

شکلی خاص از مارکسیسم منسوب به لنین که تجدیدنظری در اصول مارکسیسم نمود تا آنرا با اوضاع و شرایط روسیه تطبیق دهد.

لیبرالیسم

لیبرالیسم به عنوان اصطلاح سیاسی معانی بسیار دارد. اما هیچیک از این معانی از معنای ریشه لاتینی کلمه جدا نیست. لیبرالیسم نظریه یا سیاستی است که خواهان حفظ درجانی از آزادی است در برابر تسلط یا هدایت دولت یا هر مؤسسه دیگری که تهدیدکننده آزادی بشر فرض شود. لیبرالیسم نهضتی است که معتقد است مردم اتباع دولت خود رأی نیستند؛ بلکه قانون باید از آنها در زندگی خصوصیشان حمایت کند و در امور عمومی مردم باید از طریق مجلسی که با انتخابات آزاد برگزیده شده باشد، بر دولت نظارت کنند.

لیزر

کلمه‌ای است ترکیبی که از ترکیب حرفهای نخست چند واژه دیگر ساخته شده است. لیزر نماینده عبارت:

Light Amplification by Stimulated Emission and Radiation و به معنی «تقویت نور توسط گسیل القایی تابش» است.

ماتریالیسم

مکتب مادی یا فلسفه مادیت و اعتقاد به اینکه تنها ماده وجود دارد و همه طبیعت تجلی‌های گوناگون ماده است.

و خیانت و تقلّب و نقش قول دست زند.

مانیتیت

نصرخوانی، مرادخانی، نیشابورك، طوسی، آذربایجانی، فیلی، زیرافکن، ماهور صغیر، ابول، حصار ماهور، گوشه نیریز، شکسته، نهیب، عراق، مخبر، آشوب، اصفهانك، کرشمه، زنگوله، راک هندی، نغمه راک، راک عبدالله، ساقی نامه، صوفی نامه، کشته مرده.

اصطلاح زمین شناسی است، اکسید مغناطیسی طبیعی آهن را گویند که فرمولش (Fe₃O₄) است و وزن مخصوصش بین (۴/۹ تا ۵/۲) متغیر است. رنگ این اکسید آهن سیاه است و خاصیت آهنربائی دارد و بسختی ذوب می شود.

مدوس و یوانتی

اصطلاح سیاسی، قراردادی است بین المللی بین دولتها، به معنی «بگذارید با هم يك طوری زندگی کنیم». این قرارداد - که لفظ رومی است - معمولاً بین کشورهای بسیار نیرومند و بزرگ با همسایگان ضعیف و کوچک آنها بسته می شود؛ ظاهراً می توان رابطه دو کشور فنلاند و شوروی - قبل از اعلام پروستریکا - موناکو و فرانسه، و آمریکا و گرانادا را مثال زد.

مانیتیسیم

اصطلاح فیزیکی است، به معنی تحت تسلط و اراده خود قرار دادن شخص دیگری بوسیله نگاهها و حرکات دست و او را به خواب مغناطیسی فرو بردن. به دیگر معنی، شخصی را به خواب مغناطیسی فرو بردن را گویند.

مراجعه (در علم بدیع) ← سؤال و جواب.

مانکن

مستعمره

این کلمه در اصل به معنای ماندگاه گروهی از اتباع يك دولت در سرزمینی خارج از کشور اصلی بود که با آن رابطه اداری و یا قانونی داشت. این روابط برحسب سنت مستعمره را تابع کشور اصلی می کرد و معمولاً کشور اصلی در سرزمین تابع قدرت قانونگذاری و حاکمیت داشت. این قدرت را بلکستون (Blackston) در «شروچی بر قوانین انگلستان» (۱۷۶۵-۱۷۶۹)، «قدرت کلی قانونگذاری و نظارت کشور مادر» می نامد.

در لغت به معنای پیکر چوبی برای نقاشی و مجسمه سازی و بطور عموم به مدل های زیبایی گفته می شود که در خیاط خانه ها و نمایشگاه های بزرگ مدل های جدید لباس را به تن کرده نمایش می دهند. نقاشی که نقاشی خود را از روی کسی طرح کند از مدل نقاش گویند، اما مانکن مجسمه های چوبی است که برای نمایش مدهای لباس به کار می رود.

ماهور

یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی بوده و شامل ۳۳ گوشه و ردیف است: سه درآمد، درآمد، گشایش، داد، خسروانی، دلکش، خاوران، طرب انگیز،

مسخ

مک کارتیسم

اصطلاح منسوب به جوزف مک کارتی (۱۹۰۹-۱۹۵۷م)، سناتور آمریکایی که در ۱۹۴۶م از ایالت ویسکانسین به این سمت انتخاب شد. مک کارتی نماینده طرز فکر افراطی راست آمریکایی بود که با سیاستمداران لیبرال سر ستیز داشت و عده زیادی را در وزارت امور خارجه و دیگر ارکان دولتی به کمونیست بودن متهم کرد و همچنین گروه زیادی از نویسندگان و روشنفکران آمریکا را به اتهام «فعالیت‌های ضد آمریکایی» به بازجویی کشید.

ملکوت

ملکوت در اصطلاح صوفیه عالم ارواح و عالم غیب و عالم معنی را گویند و بالجمله ملکوت عالم غیب و جبروت عالم انوار و لاهوت ذات حق و عالم ملک عالم اجسام و اعراض است که عالم شهادت را هم گویند.

ملودرام

درام تفریحی، درام آمیخته با رقص و آواز و موسیقی که جنبه‌های حزن‌آور زندگی یا جنبه‌های تفریحی و شاد زندگی را با هم نمایش دهد. از انواع نمایشی است که هدفش تهییج تماشاگران بوسیله بیان هیجان‌انگیز یا پرطمطراق است، بی‌آنکه هیچ‌گونه حقیقت روانشناسی یا قید هنری را در نظر گیرد. در اصطلاح موسیقی، درام عامیانه‌ای است که گاهی با ارکستر همراه است؛ و یا درامی است که برای موسیقی یا اپرا ساخته شده باشد.

مناظره

مسخ تبدیل صورت به صورتی دیگر و تبدیل از وضعی به وضعی دیگر است. در اصطلاح صوفیان و عارفان مسخ عبارت از مسخ قلوب است که مطرودین درگاه را باشد که دارای قلوب متوجه به حق بوده و مسخ شده و اعراض کرده و متوجه به حظوظ نفس شده‌اند.

مسمط

مسمط در لغت به معنی رشته نظم و نوعی قلاده است و در اصطلاح این است که ایبات هم وزن یک قصیده را دسته دسته کنند به طوری که مصراعهای آخر در قافیه موافق باشد و سایر مصراعهای هر دسته در قافیه با یکدیگر موافق و با مصراعهای آخر مخالف باشد. مسمطات منوچهری مشهور است.

مشاهده

مشاهده عبارت از حضور حق است و مشاهده از کسی درست آید که به وجود مشهود قائم بود نه به خود و تا شاهد در مشهود فانی نشود و بدو باقی ننگردد مشاهده او نتوان کرد؛ و شهود تجلی ذات را مشاهده گویند. آسمان چون صاف گردد آفتاب شهود تابش کند.

مطرب

مطرب در اصطلاح صوفیه فیض رسانندگان و ترغیب‌کنندگان را گویند که به کشف رموز و بیان حقایق دل‌های عارفان را معمور دارند و نیز به معنی آگاه‌کنندگان عالم ربانی آید و بالاخره پیر کامل و مرشد مکمل را نیز گویند.

کوچک و سالنهای اشرافی قرن ۱۸ به وجود آمده، حداکثر ۱۰ ساز انجام وظیفه می‌کند و هر ساز آهنگی خاص می‌نوازد. این موسیقی حد فاصل سونات و سمفونی است.

مونتاز

مرتبط ساختن قطعات فیلمبرداری شده مطابق سناریو و با مراعات دقیق دکوپاژ و رعایت مداوم را گویند. مونتاز را می‌توان «میزانسن روی نوار» نامید.

مونولوگ

گفتگو و صحبت يك نفر به تنهایی در سینما و تئاتر است. مونولوگ صحنه‌ای است که هنرپیشه به تنهایی صحبت و بازی می‌کند. در این گونه صحنه‌ها حرف کمتر و ژست و اطوار نقش بیشتری دارند و بطور کلی هنرپیشه بایستی احساسات و افکار خود را بوسیله حرکات چهره و سایر اعضای بدن مجسم کند.

میزانسن

واژه فرانسوی است، به معنای کارگردانی؛ یعنی مجموعه اعمال انتخاب مأمورین فنی و هنرپیشگان، تدوین، دکوپاژ، تنظیم صحنه‌ها و رهبری بازیگران و بطور کلی اجرا یا نظارت بر کلیه امور فنی و هنری مربوط به تهیه فیلم را گویند.

میلیتاریسم

میلیتاریسم بر چهار حالت در سازمان دولت اطلاق می‌شود: جنگجویی، تفوق ارتش در سازمان دولت،

بر شعری اطلاق می‌شود که شاعر دو چیز را برابر هم به گفتگو وامی‌دارد مانند مناظره باد و باران و گل و سرو از انوری؛ کلک و شمع از امیر معزی، شمع و پروانه و رایت و پرده از سعدی؛ پروانه و بلبل از ساوجی؛ زاغ و باز از عنصری.

منشویسم

ایدئولوژی و خط‌مشی سیاسی سوسیالیست‌های معتدل روسیه که بعد از انشعاب (۱۹۰۳ م) بلشویکها (ز.ک. بولشویسم) از «حزب سوسیالیست روسیه» در برابر آنها قرار گرفتند. منشویکها اقلیت حزب و بلشویکها اکثریت آن را تشکیل می‌دادند و این تقسیم‌بندی در کنگره حزبی قبل از انشعاب پیدا شد. منشویکها در انقلاب ۱۹۱۷ م به مخالفت با تسلط بلشویکها برخاستند.

موافقتنامه پولی اروپا

این موافقتنامه را اعضای سازمان همکاری اقتصادی اروپا در ۵ اوت ۱۹۵۵ م. برای تنظیم مبادلات پولی کشورهای عضو منعقد کردند. موافقتنامه تسهیلاتی برای تصفیه حساب ماهانه به دلار فراهم کرد و يك «صندوق اروپایی» با سرمایه ۶۰۰ میلیون دلار برای کمک به پرداخت‌های بانکهای مرکزی و اعطای اعتبارات کوتاه مدت به اعضا تأسیس شد. سازمان اجرایی این موافقتنامه پس از انحلال اتحادیه پرداخت‌های اروپا در ۲۷ دسامبر ۱۹۵۸ م. شروع به کار کرد.

موسیقی مجلسی

در این نوع موسیقی که اساساً برای مجالس

آگاهی را غالباً «آگاهی ملی» می‌خوانند. آگاهی ملی غالباً پدیدآورنده وفاداری و شور و علاقه افراد به عناصر متشکله ملت (نژاد، زبان، سنتها و عادتها، ارزشهای اجتماعی و اخلاقی، و به طور کلی فرهنگ) و گاهی تجلیل فوق العاده از آنها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملتهاست. از آنجا که هر ملت دارای سرزمین خاص است، وفاداری به خاک و فداکاری برای آن و تجلیل از آن از ارکان ناسیونالیسم است.

نام

نام عبارت از طلب شهرت و جاه و هوس نیکنامی و نامداری است و در عشق هر که در بند نام و آوازه است خانه او بیرون دروازه است و خودنمایی و خودستایی و شهرت طلبیدن و در آن استقامت ورزیدن و صورت پرست بودن است.

نئورئالیسم (Neorealism)

مکتب سینمایی شایسته‌ای که پس از جنگ در ایتالیا براساس نمو حقیقت بنیاد نهاده شده و از آن پس مبنای غالب آثار نئورئالیسم ایتالیا بر پایه فقر که مهمترین مسئله مطروحه پس از جنگ این کشور بود قرار گرفت.

نشر

در لغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن و قافیه نباشد با این حال بسیاری از نثرها در حالت موزون گفته شده است.

نسخ

تجلیل از فضایل نظامی، و نظامی کردن (Militarization) کشور. وقتی این چهار حالت به حداکثر فراهم باشند (مثلاً در ژاپن در دوره هیدکی توجو Hideki Tojo، ۱۹۴۰-۱۹۴۴ م) میلیتاریسم کامل است. وقتی دو یا سه حالت وجود داشته باشد میلیتاریسم نسبی است. انواع مختلف میلیتاریسم را می‌توان از تفوق نسبی هر يك از حالت‌های آن شناخت.

میم

در یونان و روم باستان به نمایشی گفته می‌شود که نمایشنامه‌نویس از اخلاق و عادت و آداب مرسوم تقلید کرده و اشخاص و حوادث حقیقی را به شکل کمدی عرضه می‌کرد.

میمیک

اطوار و ژست در چهره هنرپیشگان سینما یا تئاتر هنگام بازی را گویند.

مین ستریم (Mainstream)

بر موسیقیدانان آشکار شده که بین جاز روایتی و جاز مدرن تعداد بیشماری مکاتب جازی مختلف وجود داشت که به حساب هیچ يك از دو گروه مذکور در نمی‌آمدند. لغت مین ستریم به مجموع این مکاتب گفته می‌شود که شامل موسیقی گروه کنت باسی (Count Basie) و سایر گروه‌های مشابه می‌باشد.

ناسیونالیسم

ناسیونالیسم نوعی آگاهی گروهی است؛ یعنی آگاهی به عضویت در ملت یا وابستگی به ملت. این

واريته

به معنی چیزهای مختلف است و در فن نمایش نوعی از آنرا گویند که دارای قسمت‌های مختلف از رقص و آواز و کنسرت باشد و گاهی داستانهای مختلف را در چند پرده جا می‌دهند.

واقعه

واقعه عبارت از امور غیبی است که برای اهل خلوت آشکار شود و اگر در حال حضور باشد مکاشفه گویند و از جمله واقعات بعضی صادق و بعضی کاذب باشد همچنانکه منامات.

وتو

وتو جلوگیری از عمل است و «حق وتو» حق یا توانایی جلوگیری است. بنابراین، وتو یا حق وتو قدرت قانونی يك دستگاه مملکتی یا اعضای چنین دستگاهی است برای جلوگیری از عمل آن دستگاه یا دستگاه دیگر، یا اعضای آن. این لفظ در جریان قانونی فعالیتهای سازمان ملل متحد معنای خاصی دارد. در این مورد حق وتو به معنای حق يك عضو دائمی شورای امنیت برای جلوگیری از عمل تصویب شده به وسیله اعضای دیگر است.

وريسم

عبارت است از پایبند بودن و نمود مستقیم حقایق که می‌توان آنرا با رئالیسم مترادف دانست، با این تفاوت که در وريسم هنرمند الزام بیشتری به پیروی از حقیقت صرف دارد. فیلمهای حقیقی و مستندرا می‌توان از جمله آثار وريست دانست.

خطی است که محققان ریشه آنرا در عهد جاهلیت هم یافته‌اند، اما خط نسخ عربی (اسلامی) پس از خط کوفی در ایران رواج یافت و اینکه شهرت دارد که خط عربی در اول کوفی بوده و ابن مقله خط نسخ را اختراع کرده است بی‌اساس نیست و خطوطی به خط نسخ بر روی پایپروس موجود است که متعلق به اواخر قرن اول هجری است و ابن مقله خط نسخ را موزون و زیبا ساخت و لایق آن قرار دارد که قرآن را بدان خط بنویسند.

نوا

یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی است که دارای ۲۴ گوشه و ردیف است: سه‌درآمد، نغمه، گردانسه، بیات راجع، عشاق، نهضت، گه‌وشت، عشیران، نیشابورك، مه‌جلی، خجسته، ملك حسینی، زمينه حسین، حسین، بوسلیك، نیریزی، عراق، عزال، ناصری، رهاب، مسیحی، شاه‌ختانی، تخت قابوس، نستاری.

نیهیلیسم

اصطلاحی است مأخوذ از واژه لاتینی (Nihil) به معنای هیچ. این لفظ مترادف کلمه (Rien) در زبان فرانسه و (Nothing) در زبان انگلیسی است. نیهیلیسم در اصطلاح فارسی به معنای نه‌گرایی یا نیست‌گرایی یا هیچ‌گرایی و بی‌گرایشی است. روشی است که موضوعات تحمیل‌شده بر اندیشه‌های بشری را به نوعی نفی می‌کند. این نفی هم از جهات فلسفی یعنی چرایی‌ها و چگونگی‌ها معتبر شناخته شده است و هم از جنبه‌های اجتماعی و شامل قراردادهای تحمیلی است که اساساً نیهیلیسم آنها را مطرود می‌شمارد.

وصف

در صنعت شعری يك نوع نقاشی و طراحی از مشهودات و محسوسات طبیعی و جسمانی است که شاعر با ذکر مناظر طبیعی و کیفیات اشخاص سخن می‌راند، مانند اشعار منوچهری در وصف باران و باد؛ و سعدی در وصف عدالت و احسان؛ و فردوسی در وصف جنگ و میدانهای جنگ؛ قطران در وصف زلزله؛ جمال‌الدین اصفهانی در وصف قحطی و حشر و نشر؛ و امیر معزی در وصف شمشیر.

وقفه

وقفه عبارت از توقف بین دو مقام است. علت وقفه آن است که حقوق مقامی را که از آن بیرون آمده ادا نکرده و هنوز مستحق دخول در مقام بالاتر نیست و بنابراین بین دو مقام سرگردان است که هنوز از حقوق مقام اول باقی است.

هجاء و هزل و مطایبه

هجاء و مطایبه عبارت از ذکر ذائل و قبايح و نفی مکارم و فضائل شخصی است که گاهی او را مدح و زمانی هجو می‌کند. قآنی در هجو یکی از دوستان و خاقانی در هجای رشید و طواط اشاراتی دارند. اما هزل آن است که شامل شرح یا حکایتی خنده آور و رکیک باشد.

هجر

هجر و هجران عبارت از التفات کردن به غیر حق است ظاهراً و باطناً و دوری و جدائی و فراق از محبوب را گویند که برای عاشق شیدا بس تلخ و ناگوار است.

هردویکی

اصطلاح و فنی است در کشتی که یکدست از بالای دوش حریف گذرانیده و به پشت و کمرش رسانیده و دست دوم در میان هر دو رانش درآورده، هر دو دست خود را با هم منضم ساخته بزور بر زمین زنند.

هست اول

اصطلاحی است فلسفی که آن جوهری بود که وحدت بدو متحد شد و آن عقل کلی است که او را فیلسوف «عقل فعال» خوانند و آغاز هستی‌ها است.

هفت خلیفه

کنایت از خلفای روح است که هفت عضو باطنی باشد و آن معده، جگر، شش، دل، زهره، سیرز و گرده است.

هورن (Horn)

اصولاً به سازی برنجی اطلاق می‌گردد، ولی در بیشتر موارد به تمام آلات موسیقی گفته می‌شود.

همایون

یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی است که دارای ۲۸ ردیف و گوشه است؛ درآمد، درآمد دوم، آواز دوم، موالیان، چکاوک، بیداد قدیم، بیداد جدید، نی داود، ابوالچپ، راوندی، لیلی و مجنون، طرز، نوروز، عرب، نوروز صبا، نوروز خارا، نفیر، فرهنگ، حاشیه فرهنگ، بیات، عجم، شوشتری، شوشتری

گردان، می‌گلی، بختیاری، موالف، عزال، ناصری، و
جامه دران.

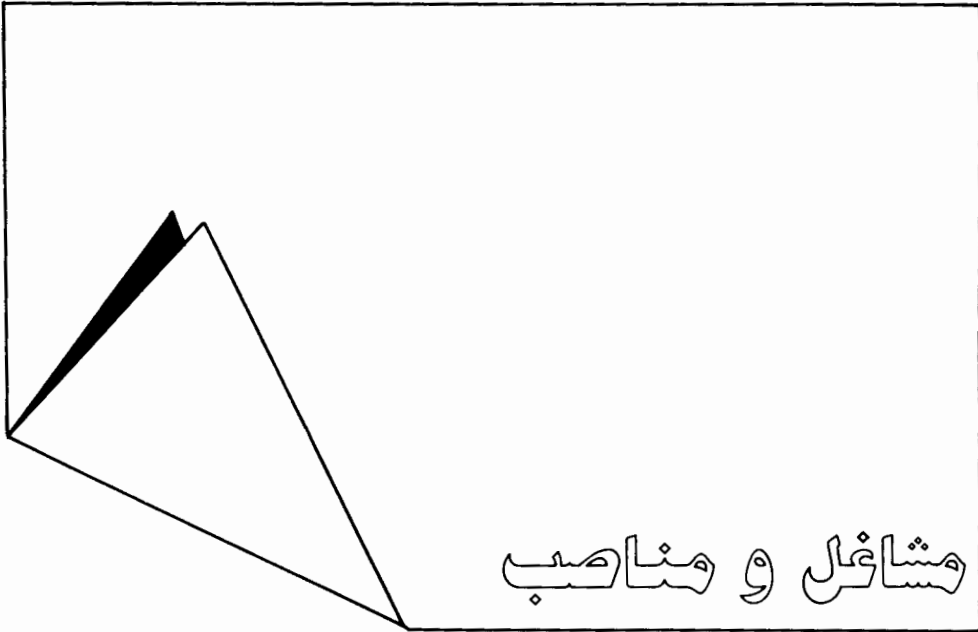
هیپ (Hipe)

این کلمه معادل عبارت (با این) است. ولی در
جمله (من هیپ هستم) منظور این است که (موسیقی
را درک می‌کنم، حواسم با این است). فرم قدیم این
لغت (Hep) بوده است.

یقطه

یقطه یعنی بیداری و در اصطلاح صوفیان بدین
معنی است که خداوند تعلق نفس یعنی روح را بر سه
قسم قرار داده است: یکی آنکه لمعان کند ضوئه آن بر
جميع اجزاء بدن، اعم از ظاهر و یا باطن آنکه آنرا
یقطه نامند؛ دیگر آنکه منقطع شود ضوئه آن بالسکلیه
که موت گویند و سه دیگر آنکه منقطع شود ضوئه آن
از ظاهر بدن دون الباطن که نوم گویند.





آتا

در اصطلاح نظام عهد قاجاریه، عنوان و سمت امیری بوده است که نایب و قائم مقام امیرنظام، و به اصطلاح امروز معاون فرماندهی کل قوا بشمار می‌آمده است.

آجودانباشی کل

به معاون فرماندهی کل سپاه در زمان قاجاریه اطلاق می‌شد. در زمان ناصرالدین شاه آجودان باشی کل سرتیپ اول و امیرتومان و بعد از وزیر جنگ قرار داشت و در تشکیلات جدید وزارت جنگ نفر سوم یعنی اول وزیر جنگ و بعد از او وزیر لشکر و پس از آن آجودان باشی کل قرار می‌گرفت.

آخته‌بیگی ← آخورسالار

آخوربند ← آخورسالار

کلمه‌ای است ترکی به معنی پدر، پدربزرگ، جد، و شخص محترم و روحانی. ترکان آسیای مرکزی اجداد هفتگانه خود را «یتی [= یدی] آتا» می‌نامند. در تاریخ قبایل اغوز از بعضی شخصیت‌های محترم و روحانی مانند «قورقوت آتا» و «ایرقل آتا» نام برده شده است. این شخصیت‌ها حکما و دانایان و یا شعرائی بوده‌اند که نزد مردم حرمت و اهمیتی در حد تقدس داشته‌اند. واژه «آتا» در کلمه اتابک، که از زمان سلجوقیان به بعد متداول شده و به معنی مربی و لله شاهدگان بوده است، نیز به کار رفته است. کلمه آتا از یک طرف از ترکی به مغولی و از مغولی به چینی، و از طرف دیگر از ترکی به زبانهای قفقازی و روسی و نیز از فارسی به اردو رفته است.

آجودانباشی

آخوسالار

لفظ ترکی، کارمند ادارات مرکزی امپراطوری عثمانی که پیش از تأسیس دایرة «تنظیمات» مستقیماً وابسته به «رئیس الکتاب» بود. آمدچی گزارشهای کتبی رئیس الکتاب را استنساخ می کرد و نیز به نگارش اسنادی که اهمیت کمتری داشت می پرداخت، و بطور کلی کار منشیگری رئیس الکتاب را به عهده داشت. بعلاوه در تمام ملاقاتهای رییس افتدی یا سفرا حاضر می شد و صورت جلسات مذاکرات را می نوشت. نام این شغل از لغت فارسی آمد به معنای «آمد، وصول شد» گرفته شده است. این شغل ظاهراً بعد از قرن هفدهم بوجود آمده است. بعد از برچیده شدن دایرة تنظیمات، این شغل اهمیت بیشتری یافت و به «آمدی دیوان همایون» موسوم گشت. کار متصدی آن عبارت از استنساخ مدارکی بود که از وزارتخانه های دیگر و دفاتر ادارات به «صدارت» ارسال می شد و می بایست بعد از اتخاذ تصمیم از طرف شورای وزیران و یا صدراعظم به تصویب پادشاه برسد. اسناد و مدارکی که احتیاج به چنین تشریفاتی نداشت، خود آمدچی بعد از نگارش و ثبت، به حاجب اول دربار می فرستاد.

آسروان

در عهد ساسانیان، در زبان اوستایی به طبقه روحانیان اطلاق می شد که نگهبان آتش مقدس بودند.

آغاجی

منصب و عنسوان برخی از حاجیان و خادمان خاص امیران و پادشاهان سامانی، غزنوی و سلجوقی در قرنهای چهارم و پنجم هجری. این عنوان در چند

در عهد ساسانیان، رئیس اصطبل بود. این سمت در عصر غزنویان لقب و مقامی مهم به شمار می آمده است و کسانی پس از دستیابی به این سمت مقامات بلندتر یافته اند. بیهقی از «پیری» نامی که از سرداران مسعود بود با لقب آخوسالار یاد می کند. امیر آخوری در دوره صفویه نیز منصبی بلند به شمار می آمد و یکی از ۱۴ منصب درجه اول حکومتی (وزارت اعظم، قورچی باشی، قوللر آقاسی، ایشیک آقاسی و جز آن) بود که لقب ارجمند و تشریفاتی «عالیجه» اختصاص به ایشان داشت. شاردن شغل میرآخورباشی را سومین شغل دستگاه شاه صفوی به شمار آورده است. در دوره قاجاریه نیز این شغل و عنوان، از مناصب بلند درباری بود و «اداره اصطبل خاصه مبارکه و امیرآخوری» در زمان ناصرالدین شاه برعهده رجالی بزرگ چون اسدالله خان قاجار، نواب حسن میرزا، و نواب جهانسوز خان بوده است.

آخوند

یا «آخون» و «آخواند»، عنوانی است برای اهل علم. در ترکستان شرقی آنرا به معنای «آقا» بعد از اسم به کار می برند، و در ترکستان غربی به علمای بلندپایه، و در بخش قازان به امام بزرگ آن نواحی اطلاق می شود. در زبان فارسی از عصر تیموریان به بعد آن را به معنای معلم مدرسه و معلم خصوصی به کار برده اند. این کلمه احتمالاً از لغت فارسی «خواند» که خود از «خداوند» مشتق شده، گرفته شده است.

آمدچی

آناطولی می‌رسد. گویا در جنگ دشت بروسه در اواخر سدهٔ هفتم هجری که میان قوای بیزانس-تاتار و اِرطغرل درگرفت، اِرطغرل از آقینجیها استفاده کرد.

آمدجی

یا آمدچی، آمدی، آمدی دیوان همایون واژه‌ای است مرکب از «آمد» فارسی و پسوند «جی» ترکی. کلمهٔ «آمد» بر روی اسناد و مدارک، نامه‌ها و بروات مربوط به تسویهٔ امور مالی و عوارض «تیمارها» و «زعامت‌ها» که به «باب عالی» (نخست‌وزیری) می‌رسید، نوشته می‌شد که مفهوم «رسید، وصول شد» را داشت و به کسی که این وظیفه را انجام می‌داد آمدچی می‌گفتند. آمدچی منشی مخصوص «رئیس‌الکتاب» بود و مستقیماً زیر نظر وی انجام وظیفه می‌کرد.

آیواز

یا «عیواض»، عنوانی برای پیشخدمتان در خانه‌های اعیان قدیم، در ادوار اخیر امپراطوری عثمانی، که متصدی کارهای آشپزخانه و تهیه و خرید نیازمندیهای روزانه از بازار بودند. این پیشخدمتان بیشتر از ارمنیان وان و گاهی از کردان می‌بودند آیوازا لباسی از نیم‌تنه و جلیقه و شلوار ارغوانی‌رنگ و جورابهای پشمی به رنگهای گوناگون می‌پوشیدند، کفش سیاه به پا می‌کردند، حوله‌ای سفید بر دوش می‌افکندند، لنگی باراههای پهن به کمر می‌بستند و کلاهی سرخ (فس) بر سر می‌نهادند. اصل واژهٔ آیواز معلوم نیست و دانسته نیست که از چه زمانی استخدام ارمنیان به عنوان «آیواز» در خانه‌های اعیان ترک معمول شده است. امروز آیواز به عنوان نام خاص مردان نیز متداول است.

جا از تاریخ بیهقی و راحة‌الصدور و جامع‌التواریخ رشیدی به کار رفته است. کاربرد این عنوان در منابع یاد شده نشان می‌دهد که آغاجی پرده‌دار خاص، به اصطلاح امروز پیشخدمت مخصوص پادشاه، و وسیلهٔ رسانیدن مطالب و رسایل میان پادشاهان و اعیان دولت بوده است. آغاجی در نزدیک سرایرده جایگاهی خاص داشته و به هنگام خلوت و استراحت و حتی موقع خواب امیر، می‌توانسته است نزد او برود و پیامها و نامه‌های مهم و فوری را به وی برساند.

آقا

عنوان مغولی، به معنی برادر بزرگ، و به طور کلی بزرگ خانواده. این لفظ قریب به همین معنی در ترکی و اویغوری هم هست. برادر کوچکتر را در مغولی «اینی» می‌خواندند و در تاریخ مغول «آقا» و «اینی» مکرر آمده و مراد از آن به تعبیر مؤلف «جامع‌التواریخ» اعمام و عمزادگان و در حقیقت بر تمام برادران و اولاد و احفاد آنها در یک خانواده این عبارت اطلاق می‌شده. جمع آقا، امروز آقایان است و در قدیم غیر از آن «آقوان» و «آقآن» هم آمده است.

آقینجی

عنوانی برای سواران نامنظم در نخستین سده‌های تشکیل دولت عثمانی که پیش از حملهٔ سپاه با حملات سریع خود در پشت صفوف دشمن و در خاک او ایجاد وحشت و بی‌نظمی و ویرانی می‌کردند. این اصطلاح از کلمهٔ «آقین» به معنی جریان سیل و تاخت و تاز گرفته شده است. وظیفهٔ اصلی آقینجیها شناسایی خاک دشمن و غارت و ویرانی بود. بنا به روایت، تشکیل دسته‌های آقینجی به زمان سلجوقیان

اتابك

خود فرستاده و مأموریت داده می شود. این نماینده نظامی از مصونیت سیاسی نیز برخوردار است.

أحداث

به معنای لغوی جوانان، نوعی چریک شهری که در امور شهرهای شام و بین النهرین علیاً در قرن چهارم تا ششم قمری سهمی عمده داشت و بخصوص در شهرهای حلب و دمشق معروف بود. احداث رسماً وظیفه پلیس را انجام می دادند و مسؤول حفظ نظم عمومی و مبارزه با آتش سوزی و نظایر آن بودند و در مواقع ضروری نیروهای منظم را تقویت می کردند. در برابر این خدمات حقوقی دریافت می کردند که از بعضی از مالیاتهای شهری جمع آوری می شد. آنچه این دسته را از پلیس معمولی متمایز می کرد طرز استخدام بود، زیرا که آنان را از مردم محلی و غیرحرفه‌ای انتخاب می کردند، ولی درست همین امر بود که آنان را عهده‌دار وظیفه‌ای مؤثر می کرد که از وظیفه پلیس بسیار مهم تر بود و غالباً با آن تفاوت کلی داشت.

اخرمار

در عهد ساسانیان، ستاره‌شناس دربار را می گفتند.

ارتشتاران

در عهد ساسانیان، طبقه جنگیان را می گفتند.

أرل

در بریتانیای کبیر و ایرلند، سومین عنوان اشرافی

لقب و عنوان بعضی از امرای آل سلجوق که سلاطین مزبور به سبب اعتماد در حق آنها تربیت و حمایت فرزندان خود را به آنها وامی گذاشته‌اند و این مقام را با خلعت و انعام و تشریف و همواره به امرای بسیار معتبر و محتشم خویش اعطا می کرده‌اند، و بعضی اوقات نیز آنها را عزل می نموده‌اند. عنوان اتابك، غیر از سلاجقه، نیز در بین خوارزمشاهیان و ممالیک مصر رواج یافت، و در نزد امرای اخیر غالباً مراد از آن امرای مستقل بود بدون آنکه کسی از شاهزادگان در تحت قیمومت آنها باشد. بعدها این عنوان نزد امرای گرجستان نیز متداول شد، و حتی در عهد صفویه ظاهراً امرای گرجستان آنرا به صورت اسم خاص نیز به کار می بردند و در عهد قاجاریه نیز میرزاتقی خان امیر کبیر و امین السلطان اتابك لقب یافتند.

اتاشه سفارت

عضو سفارتخانه یا نمایندگی سیاسی است که از لحاظ سلسله‌مراتب اداری در مقام پائین تر می باشد و از طریق مسابقه استخدام می شود و از طرف دولت متبوع خویش مأموریت انجام وظیفه در يك سفارتخانه یا نمایندگی سیاسی زیر نظر اولیاء سفارتخانه و نمایندگی سیاسی دارد.

اتاشه نظامی

يك نفر افسر زمینی یا دریائی است که از طرف دولت متبوع خود در سفارتخانه یا نمایندگی سیاسی، برای اطلاع از وضع نظامی محلّ مأموریت خود و بدست آوردن اطلاعات و گزارش آن به دولت متبوع

اِسْتَبْد

در عهد ساسانیان، رئیس تشریفات سلطنتی.

استوریان ← آخو رسالار

افندی

کلمه ایست ترکی از اصل یونانی Authentēs به معنی بزرگ و پیشوا و بر کسی اطلاق می شود که عرب او را ادیب و فاضل می نامند. عثمانیها آنرا در مقابل «آغا» یا «بگ» استعمال می کنند، و آغا و بیگ درباره مردان جنگی و لشکری گفته می شود. و معنی «افندم» که میم در آخر آن آورده اند «سیدی» به یاء متکلم می باشد و گاهی به زنان «افندم» می گویند و در این صورت به معنی «سیدتی» می باشد.

الغ بیتکچی

رئیس بیتکچیها ← بیتکچی

امبراطور

از لغت ایمبراتور لاتین گرفته شده و به معنی فرمانده می باشد و در اصطلاح به کسی که بر کشورها و ملل مختلف حکومت کند گفته می شود، و فرق آن با پادشاه آن است که شاه معمولاً بر یک مملکت و ملت حکومت دارد، در حالیکه امبراطور بر کشورهای مختلف و ملتهای گوناگون مثلاً امپراطوری روم شامل کشورها و ملل گوناگون بود. همچنین است امپراطوری چین، هند یا هخامنشیان.

موروثی در سلسله مراتب اشرافی، پایین تر از مارکوس و بالاتر از وایکاونت. مقام ارل مطابق مقام کنت در دیگر ممالک اروپا است، و هنوز هم زوجه یک اِزِل عنوان کاونتس (= کُنِتس) دارد. عنوان اِزِل قدیمیترین عناوین اشرافی بریتانیا و اصلاً از اسکاندیناوی است، و مقام ارلها تا سال ۱۳۳۷ م بالاترین مقامات در بریتانیا بود. در دوره فتودالیه، دارندگان لقب ارل فرمانروایان موروثی ناحیه ای بودند، ولی امروزه این عنوان فقط جنبه اشرافی دارد، و حاکی از حق حاکمیتی نیست و حتی گاهی به اسامی اشخاص ملحق می شود.

استاد الدار

عنوان رئیس دربار در عهد خلفای عباسی. صاحب این عنوان متصدی امور راجع به حرم و دستگاه خلفا بوده و به همه امور زنان و خویشان و نزدیکان خلیفه که در قصور خلفا می زیسته اند، نظارت می کرده است.

استاد سرای ← استاد الدار

استاندار

در دوره ساسانیان، استانداران در اصل مباشر املاک سلطنتی بوده اند، و حتی وقتی حکومت نظامی ایالتی به آنان تفویض می شد، اگر در آنجا از املاک سلطنتی چیزی بود، مباشرت و اداره آنها هم به عهده داشتند. بر طبق قانون تقسیمات کشور (سال ۱۳۱۶ ش) حکمران هر استان استاندار نامیده می شود.

اسواران ← ارتشتاران

امیرالحاج

همواره یکی از شغل‌های معظم بوده است و در درگاه پادشاه، گذشته از امیر حاجب بزرگ، هیچ کس از امیرحرس بزرگتر و باشکوه‌تر نبوده است. گردن زدن، دست و پای بریدن، بردار کردن، چوب زدن، به زندان بردن و در چاه افکندن مقصّرین به حکم پادشاه به وسیله او انجام می‌یافته و مردمان از او بیشتر می‌ترسیدند تا از پادشاه.

امیرنظام

عنوان و سمت فرمانده کل قوای نظامی در عهد دولت قاجاریه.

امیرنویان

عنوان و درجه نظامی بالاتر از امیرتومان و سردار در نظام عهد ناصری، و همچنین امتیاز و نشان و حمایل مخصوص این عنوان که گاه به‌طور افتخاری و تشریفاتی به بعضی از شاهزادگان داده می‌شده است. نظام‌الملک وزیر لشکر که بعد از وزیر جنگ در نظام عهد ناصری مقام اول را داشته است لقب امیرنویان اعظم داشته است. لفظ نویان مغولی یا ترکی است به معنی امیر و شاهزاده.

انصار

به کسانی از بنی خزرج و بنی اوس گفته می‌شد که پیامبر اسلام را در مدینه یاری کردند، و این اسم بقدری مورد افتخار آنان قرار گرفت که بر نام قبیله خود ترجیح می‌دادند.

اون باشی ← ده باشی

سرپرست قافله حجّ، اولین امیرالحاج، ابوبکر بود که در سال نهم از طرف رسول (ص) به این امر انتخاب شد. در سال دهم آن حضرت شخصاً سرپرستی حج را داشت. بعدها این وظیفه به خلفا اختصاص یافت که یا شخصاً قافله حج را سرپرستی می‌کردند و یا کسی را به امیری حاج منصوب می‌نمودند. اواخر در ایران نیز مرسوم شده است که هر سال کسی را به سمت امیرالحاج همراه کاروان حج می‌فرستند.

امیربار ← حاجب

امیرباربیگ ← حاجب

امیرتومان

در نظام عهد قاجار، عنوان و درجه‌ای بالاتر از سرتیپ اول و میرینج، و مخصوص عده‌ای از صاحبان عنوان امیرالامراء العظام؛ و همچنین امتیاز و نشان و حمایل مخصوص این عنوان که به‌طور افتخاری و تشریفاتی به بعضی از شاهزادگان و حکام درجه اول و حتی بعضی از شاهزادگان و رجال ایرانی داده می‌شده. تومان لفظ ترکی یا مغولی است به معنی ده‌هزار، و در عهد مغول امیرتومان عنوان امیری بوده است که بر ده‌هزار تن فرماندهی داشته است.

امیر حرس

یکی از مشاغل بزرگ دربار بوده است؛ بدین صورت که در عهد غزنویان و سلاجقه، اجرای سیاست مقصّرین بزرگ به امر پادشاه غالباً به مباشرت امیر حرس بوده است. بنا به قول خواجه نظام‌الملک طوسی در «سیاستنامه»، امیری حرس

ایاغچی

به معنی جام‌دار و آبدار است، و ساقی خاص سلطان را در عهد مغول و حتی صفوی به این عنوان خوانده‌اند. ایاغچی در دستگاه قآن مغول مقام مهمی بوده است. لفظ ایاغچی از لغت مغولی ایاغ به معنی جام شراب است که در ترکی به صورت ایاغ درآمده است.

ایچ آغاسی

ایچ به معنی داخل و معنی ترکیبی آن آغای داخلی است و او کسی است که اجازه می‌دهد داخل خانه شوند.

ایران سپاهبذ ← ارتشتاران

ایشیک آقاسی

در عهد صفویه و قاجار عنوان وزیر تشریفات و سالاربار در دربار پادشاه بوده است. رؤسای تشریفات و مأمورین ایشیک‌خانه نیز عنوان ایشیک آقاسی داشته‌اند، و همه آنها تحت نظارت و ریاست ایشیک آقاسی باشی بوده‌اند. در عهد صفویه ایشیک آقاسی باشی مسئول نظم و ترتیب مجلس پادشاه بود، و محلّ جلوس یا قیام حاضرین مجلس به وسیله او تعیین می‌شد.

ایلچی

ایل در لغت مغولی به معنی صلح، و ایلچی به معنی صلح‌ساز و نظایر آن است. در عهد مغول به فرستاده یا سفیری که برای بستن پیمان صلح یا

رسیدگی به شکایت ستمدیدگان از طرف خان مغول مأموریت می‌یافت گفته می‌شد و در عهد صفویه، و قاجاریه ایلچی عنوان کسانی بود که از طرف دولت مأموریت می‌یافت که با دول خارجی به عقد قراردادی اقدام کند یا برای کارهای ضروری دیگر به کشورهای بیگانه اعزام می‌شد، از جمله کسانی که این عنوان را داشت و به کشورهایی مأموریت سفارت یافت ابوالحسن ایلچی بود. غالباً وزرای مختار ایران در دربار سلاطین اروپا عنوان ایلچی مخصوص پادشاه را داشته‌اند.

ایلخان

در تاریخ ایران عنوان خاص عده‌ای از سلاطین مغول - از اخلاف هولاکوخان مغول - که در ایران سلطنت کرده‌اند. و در ادوار اخیر به معنی رئیس یا ریاست ایل نیز خطاب شده است.

باب عالی

عنوان دیوان وزیر اعظم دولت عثمانی در استانبول، که منزل او نیز بود. باب عالی مجازاً به معنی سلطنت عثمانی استعمال شده است.

بارون

از القاب اروپایی برای مردان.

بای ← بیگ

بخشی

عنوان کاهن و روحانی بودائی در نزد مغول. کلمه

بخشی لغت مفعول است و گفته‌اند به معنی نویسنده و دبیر و خواننده و جراح است. در کتب تواریخ و ملل و نحل، بخشیان در ردیف ساحران و دیانت آنها عبادت اصنام شمرده شده است.

برید

در دوره اسلامی، دستگاه پست و ارتباطات و اطلاعات، و نیز به معنی چاپار و اسب چاپار و قاصد یا پیک، گویند اولین کسی که در اسلام به تعیین برید پرداخت معاویه بود، و غرض او از این امر ایجاد سرعت در امر ارتباطات بین ولایات و مرکز خلافت بود.

بك ← بیگ

بیتکچی

عنوان مغولی، به معنی منشی و محرّر در نزد مغول. این کلمه به صورتهای بیتکچی و بیتکچی هم در کتب تاریخ ضبط شده است. در تاریخهای عهد مغول از بیتکچیها گاه به عنوان «بیتکچیان دیوان» ذکر می‌شود، و در دیوان بزرگ قآن و ایلخانیان بیتکچیها بوده‌اند. نام بیتکچیها در تاریخ در ردیف امرا ذکر شده، و حتی کلیددار «مهر بزرگ» قآن و سلطان هم گاه از بین این طبقه انتخاب می‌شده است و حتی بعضی از بیتکچیان مقام وزارت هم داشته‌اند.

بیگ

لقب یا عنوان کلی نجبا و بزرگان ترك و غالب ممالک اسلامی و همچنین در ایران بعد از اسلام. این کلمه از قرن پنجم قمری به بعد در آخر بعضی اعلام

- مثل طغرل بیگ، یوسف بیگ - به عنوان لقب ذکر می‌شده است. در قرن نهم قمری، کلمه بیگ در دنبال اعلام امرای ترکمان آذربایجان و دیاربکر به کار می‌رفته است - مثل حسن بیگ، یعقوب بیگ. و در عهد صفویه عنوان تشریفاتی افراد قزلباش بوده و بعد از آن در غالب بلاد ایران و ماوراءالنهر عنوان حکام محلی بوده.

بیگم

زن بیگ. در دوره امپراطوری مغول در هند، این لفظ فقط به شاهزاده‌خانمهای خاندان سلطنت اطلاق می‌شد. بعداً استعمالش در مورد بانوان مسلمان خاندانهای اشرافی تعمیم یافت و امروزه در پاکستان به هر زن شوهردار، جز طبقات فقیر، اطلاق می‌شود.

پادوسپان

لقب چهار سردار بزرگ در عهد انوشیروان عادل، گویند انوشیروان مملکت ایران را به چهار قسمت تقسیم کرد و هر قسمت را به پادوسپانی سپرد و این پادوسپانان در پایتخت مملکت اقامت داشتند و از جانب خود مرزبانان و استانداران به حکمرانی محل می‌فرستادند، این کلمه در اصل پاتکستیان «به ضم کاف» بوده و به کثرت استعمال پادوسپان شده و معرب آن فادوسفان است. لقب فرمانروای اصفهان مقارن حمله عرب به ایران نیز پادوسپان بوده، و نیز پادوسپان یکی از ملوک رستمدر طبرستان بوده که از سال ۴۰ هـ. به فرمانروایی رسیده و ۳۵ سال حکومت کرده و جانشینان او را هم که تا سال ۸۴۱ هـ. فرمانروایی داشته‌اند پادوسپانان گفته‌اند، این کلمه پادوسپان و فادوسفان و پادوسپان و پادوسپان نیز گفته شده.

پر Pair

عنوان بعضی از صاحب‌منصبان در روم قدیم که دارای اختیارات کشوری یا لشکری یا هر دو بودند. تریبونهای نظامی یا لشکری شش دسته بودند و مهمترین آنها تریبونهای افسران ارشد لژیون‌ها بودند.

تزار

عنوان امپراطوران سابق روسیه. این لفظ را مدتهای مدید مشتق از عنوان رومی **قیصر** می‌دانستند، ولی امروزه تقریباً مسلم است که از يك لفظ زبان اسلاوونی کهن، که به معنی شاه یا امپراطور از ریشه تاتاری و از بقایای استیلای مهاجمین آسیائی بر روسیه است، مشتق شده است؛ و گواه بر این امر این است که گرجستان و بعضی خان‌نشینهای دیگر «تزار» داشته‌اند.

جائلیق

عنوان رئیس مذهبی در بعضی کلیساهای شرقی، و بالاخص عنوان رؤسای مذهبی ارمنستان، حبشه، و گرجستان. به قول بعضی مآخذ اسلامی، مقامات روحانی پائین‌تر از جائلیق بترتیب بطرك، مطران، اسقف، قسيس و شماس بوده است.

جارچی

افرادی بودند که احکام و اطلاعات دولت یا حکومت را در کوچه و بازار، با صدای بلند، جار می‌کشیدند و به اطلاع مردم می‌رسانیدند، و یا در لشکرکشیها و جنگها فرمانهای فرمانده را در اردوگاهها و میادین جنگ به سپاهیان ابلاغ می‌کردند؛ همان‌گونه که امروز اعلامیه‌های دولتی از رسانه‌های

یکی از عناوین اشرافی قدیم فرانسه است که به تمام سرداران جنگی و درباریان و نمایندگان مجلس داده می‌شد. در دوره فئودالیتیه مقام قاضی القضاة داشتند. اعضای ۱۲ گانه آنها تحت ریاست شاه مرکب از شش عضو روحانی و شش عضو بی‌طرف اداره می‌شد. عضویت پرها در فرانسه موروثی بود و شاهزادگان درجه اول این نام را به ارث می‌بردند و در قرن ۱۸ به مقام نمایندگی مجلس رسیدند و در سال ۱۸۲۸م بکلی این عنوان در فرانسه لغو گردید.

پیشکار

در عهد قاجاریه، عنوان نایب‌الایاله آذربایجان که به سبب اقامت ولیعهد در آنجا، عنوان والی و حاکم نداشته ولیکن درواقع وی حاکم و فرمانروای حقیقی آن ولایت بوده است. رئیس و متصدی امور مالیه هر ابالت و ولایت بزرگ را نیز در آن زمان پیشکار می‌خوانده‌اند. کلمه پیشکار به معنی نایب و معاون و قائم‌مقام، در قدیم نیز شایع بوده است.

تبع

لقب عده‌ای از شاهان حمیری عربستان جنوبی در قرون چهارم و پنجم میلادی. جمع آن تبايعه است. اخبار تبايعه یمن آشفته است، و بعضی از آنها، مثل شمر بخرعش و ابوکرب اسعد به قهرمانان افسانه‌ها بیشتر شباهت دارند.

ترخان ← آغاجی

تریبون

گروهی به اطلاع مردم می‌رسد.

جارچیان تشکیلات خاصی داشتند و افرادی که به این سمت انتخاب می‌شدند، می‌بایست علاوه بر داشتن تهوّر و چالاکی دارای صدای بلند و رسایی هم می‌بودند، و برای ابلاغ امر یا اعلام مطلبی تعلیم می‌دیدند و به فوت و فن کار آشنا می‌شدند، زیرا ممکن بود يك اشتباه جارچی، مردم شهری را بشوهراند یا تدابیر او سپاهی را در حین پیروزی متلاشی و متواری سازد.

تشکیلات جارچی همیشه زیر نظر یکی از رجال کارآزموده و مورد اعتماد بنام «جارچی باشی» اداره می‌شد و تمام اوامر دولتی توسط همین جارچی باشی به اطلاع جارچی می‌رسید.

چپوقچی باشی

چپوقچی کسی است که برای کار تدخین چپق می‌سازد و «باشی» کسی است که در هر حرفه و کاری بر دیگران مقدّم است، بنابراین چپوقچی باشی شخصی است که در خدمت والیان و حاکمان متصدی کار تهیه چپق می‌باشد و کلمه «چی» معنی صاحب را دارد، چنانکه حمامچی به معنی صاحب حمام است.

حاجب

عنوان رئیس تشریفات در دستگاه خلیفه و سلطان، که تعیین اجازه و وقت بار خلیفه و سلطان بوسیله او بوده است. اول دفعه معاویه، ظاهراً به اشاره زیادبن ابیه، به تعیین حاجب جهت خویش پرداخت.

خان

عنوان امرا و رؤسای قبایل ترك و تاتار. امرای بزرگ ترك لقب خان داشته‌اند. نزد ترکان تیموری، کلمه خان از سلطان مهمتر بشمار می‌آمده است، و اختصاص به امرای مهم داشته است. حتی در عهد صفویه لقب «خانی» میان ازبکيه نشان پادشاهی بوده، و صفویه عنوان «خانی» را مهم می‌شمرده و فقط به امرای بزرگ می‌داده‌اند و در ایران، در دوره صفویه، این عنوان غالباً اختصاص به والی و حکمران ولایت داشت.

خاوند

ارباب و ولینعمت در نظام فنسودالیتسه. لفظ فرانسوی آن سینیور، و لفظ انگلیسی آن لُرد است.

خدیبو

عنوان فرمانروایان سلسله‌ای که بتوسط محمدعلی پاشا در مصر تأسیس شد، از زمان تأسیس آن تا سال ۱۹۱۴م که مصر تحت الحمايه انگلستان گردید. اگرچه این عنوان رسماً اول بار از طرف عبدالعزیز، سلطان عثمانی، طبق فرمانی به اسماعیل پاشا اعطا شد، قبلاً محمدعلی خود را بدین عنوان ملقب کرده بود و به همین جهت نام سلسله مذکور گردید.

خلیفه

عنوان و لقب مخصوص جانشین رسمی و ظاهری پیغمبر اسلام، که بعد از رحلت آن حضرت و در واقع بنام او بر تمام امور دینی و دنیوی مسلمین نظارت و اشراف داشته است. این عنوان اول بار برای ابوبکر بکار رفته و متضمن معنی خلیفه رسول الله [= جانشین

حسنعلی خان حاکم بوشهر که در وقایع جنگ ایران و انگلیس و فتح بندر بوشهر بدست انگلیسها اسیر شد (۱۲۷۳ ق).

پیغمبر خدا] بوده است.

داذور

دستور

از مأمورین عالیرتبه روحانی در عهد ساسانی، که ظاهراً متخصص مسائل دینی و مباحث معقول و مشاوره قضائی بوده است و مسائل معضل و مشکوک را به او رجوع می کرده اند. گویند اردشیر اول ساسانی برای تدوین اوستا همه دستوران و مؤبدان مملکت را گرد آورد. لفظ دستور بطور اعم در مورد همه افراد روحانی زردشتی نیز بکار رفته است.

رَبِّن

عنوان علما و مجتهدین جامعه یهود، که نیز بعنوان حاخام یا خاخام مشهورند. یهود مجتهدین و علمای خویش را از باب احترام رَّبِّن [= استاد ما] یا رَبِّي [= استاد من] می خوانده اند، اما خود آنها از قدیم از باب نوعی تواضع و تعارف، خویشان را تلمیذ حاخامیم [= شاگردان حکیم] می خوانده اند. لفظ حاخام یا خاخام که در بین مسلمین راجع به علمای یهود رایج شده است، از اینجاست، و معنی آن بالفظ حکیم عربی یکی است. در هر حال رَّبِّن در اصل عنوان علمای یهود بوده است نه عنوان کاهنان آنها.

سُبَاشی

عنوان فرمانده سپاه در بین ترکان ماوراءالنهر و سلاطین غزنوی. از کسانیکه در تاریخ ایران و ماوراءالنهر به این عنوان مشهورند دو تن را مخصوصاً می توان ذکر کرد: یکی سُبَاشی تکین

عنوان عمومی قضات در عهد ساسانی. داذوران که در واقع حکام شرع بشمار می آمده اند، در جامعه ساسانی در ردیف دستوران و مؤبدان و هیربدان مذکور بوده اند، و لقب رذ داشته اند. مرافعات مربوط به لشکریان در محضر قاضی مخصوص انجام می شد که او را سپاه داذور [= قاضی عسکر] می خواندند. همچنین در رأس قضات داذور داذوران یا داذوران داذور [= قاضی القضاة] بود که او را شهر داذور [= قاضی مملکت] نیز می خواندند. ظاهراً بسیاری از داذوران مؤبد یا هیربد بوده اند.

داروغه

لفظ مغولی به معنی رئیس. در اوائل، این لفظ بطور کلی به حکام اطلاق می شده است، اما بعدها لقب حاکم پایتخت گردیده، لفظ داروغه گاه بطور اضافه، در تسمیه برخی رؤسای ادارات، بکار می رفته است، مثل داروغه فراشخانه، داروغه دفترخانه، و داروغه محاسبات. مع هذا این لفظ وقتی بطور مطلق استعمال می شده مراد از آن رئیس پاسبانان شهر و درواقع چیزی نظیر رئیس نظمیه (شهربانی) بوده است.

دریابگی

عنوان بعضی از افسران و دریاسالارهای نیروی دریائی در دولت عثمانی. در ایران عهد قاجاریه، حاکم و فرمانروای بنادر جنوب ایران عنوان دریابگی داشت. از آن جمله بوده است میرزا

سردار ایلک خان بود و از جانب او در اوایل سلطنت سلطان محمود غزنوی در اطراف خراسان کزو فری کرد؛ دومی حاجب سباشی سردار و حاجب بزرگ سلطان مسعود غزنوی بود و در اکثر دوره سلطنت مسعود مقام لشکری مهم داشت.

ستوربان ← آخورسالار

سرف

در نظام فنودالیه، کارگران و رعایانی که به امر کشاورزی می پرداختند. سرفها نوعی برده بودند، با این تفاوت که خرید و فروش نمی شدند و نسبت به طبقه بردگان قدیم آزادی نسبی بیشتری داشتند. سرفها برخلاف بردگان قدیم، دارای تشکیلات بودند. گرچه اربابها می توانستند سرفها را مطابق میل خود به هر کاری که می خواستند بگمارند، ولی گماشتن سرف به کارها تابع رسوم و عاداتی بود که تجاوز از آن به سختی ممکن بود.

سید

عنوانی که امروز در ایران به اولاد امیرالمؤمنین علی (ع) از نسل امام حسن و امام حسین اطلاق می شود. اولاد حضرت امیر را ابتدا علوی، و طالبی و شریف می گفتند، و بعد بتدریج، مخصوصاً در ایران، عنوان سید به ایشان داده شد. سادات را اگر از اولاد امام حسن باشند سادات حسنی و اگر از اولاد امام حسین باشند سادات حسینی می خوانند، و در این صورت آنانکه جدشان امام موسی کاظم است سادات موسوی و آنانکه نسبشان به امام رضا می رسد سادات رضوی خوانده می شوند.

شاطر

در دوره صفویه و پس از آن، فراش پیاده که معمولاً در پیش اسب شاهان و بزرگان و رجال می دویده و راه را برای عبور آنان باز می کرده است. شأن و حیثیت ارباب حشمت از کثرت تعداد شاطران معلوم می شد. شاطرها در دیدن و تند رفتن از کودکی تمرینها می کردند، و پس از امتحان، استاد می شده اند، و تصدیق یا منثور «شاطردوانی» می گرفته اند. غالباً شغل آنها ارثی بود، و از پدر به فرزند منتقل می شد، و رئیس شاطران دربار شاطرباشی نام داشت. در عهد قاجاریه، وجود شاطرها گذشته از موبک سلطنت، در مراسم استقبال سفرا نیز متداول گشت.

شحنه

عنوان صاحب منصبی که در تاریخ ایران بعد از اسلام و همچنین در قلمرو خلافت عباسی، ریاست محلی بدو واگذار می شد و وظیفه او غالباً این بود که در مجلس و تشریفات و مواقع اعیاد و اوقات رسمی، به عنوان نماینده محل تحت ریاست خویش، حاضر شود و همچنین ابلاغ اوامر و فرمانهای دولت و حکومت به رعایا نیز جزو وظایف او بوده است. در عهد مغول، شهنشاه عنوان حکام مستقل ولایات تابعه بوده است، چنانکه امرای فارس را شهنشاهان مغول می خوانده اند. در دوره صفویه، وظیفه شهنشاه را کلانتر انجام می داده است. عنوان و وظایف شهنشاه کلانتر در عهد ناصری به اداره پلیس محول گشت.

شربتدار

مسئول و متصدی شرابخانه یا شربتخانه دربار.

نظر او کار می کرده است. از میان کسانی که عنوان صاحب جمع داشته‌اند اینان را می‌تواز: ۴۰۰ برد: صاحب جمع خزانه، که آنچه از درآمد شهر یا به دیوان شاهی تعلق داشت تحویل او می‌شده است؛ صاحب جمع قیج‌خانی که مسئول خیاط‌خانه شاهی و حفظ لباس‌های شاهانه بود؛ و صاحب جمعان آبدارخانه، مشعل‌خانه، تفره‌خانه، انبار شاهی، اصطبل شاهی.

صاحب صوبه ← صوبه‌دار

صاحب مهر ← صدراعظم

صحابه

در تعریف صحابه گفته‌اند صحابی کسی است که حضرت رسول را ملاقات کرده و به دین اسلام گرویده باشد و یا اسلام از دنیا رفته باشد. و گفته‌اند ملاقات اعم از آن است که مدت آن کوتاه یا دراز باشد، و در این ملاقات حدیثی از حضرت رسول روایت نکند یا نکند، و در خدمت او به جهاد رفته باشد یا نرفته باشد. مدت ملاقات ممکن است به اندازه یک دیدن باشد و به مجالست نکشد، و این دیدن اعم است از اینکه او را به چشم ببیند یا بعَلَّت عارضه کوری از دیدن با چشم محروم باشد.

صحافی

فن تنظیم و به هم بستن صفحات کتاب یا امثال آن و قرار دادن آنها بین دو جلد به منظور یکجا نگهداشتن صفحات و جلوگیری از فرسوده شدن یا پاره شدن آنها، و تسهیل استفاده از آنها. جلد کتاب ممکن است نازک یا ضخیم باشد. جلد‌های ضخیم را

شربتخانه یا شرابخانه در قدیم محلی بوده است که انواع شربت‌ها، افشره‌ها، مرباها، و حتی معجون و تریاق، و اقسام قرص و شیرینی و جوارش در آنها جهت مصارف خلفا و سلاطین وجود داشته است. امیری که متصدی ساقیگری و نظارت در تهیه و توزیع اقسام مشروبات سفره‌خانه سلطان بوده است میرمجلس یا ساقی نام داشته است، و البته کار او با شغل چاشنی‌گر - که معمولاً قبل از سلطان و برای اطمینان او از عدم مسمومیت غذا و مشروب از آن می‌چشیده است - تفاوت داشته است. در عهد صفویه، شغل شربت‌دار در دست صاحب جمع آبدارخانه، صاحب جمع قهوه‌خانه، و شرابی‌باشی می‌بوده است.

صاحب الطوف ← عسس

صاحب العسس ← عسس

صاحب برید

در دوره اسلامی، متصدی اداره اطلاعات و ارتباطات. در عهد امویان و عباسیان صاحب برید در هر ولایت به منزله جاسوس خلیفه یا مأمور ارسال اخبار و احوال عمال و حکام به او بود و به همین سبب، وقتی بین خلیفه یا سلطان با والی ولایتی کدورت پدید می‌آمد، والی غالباً ارسال اخبار و ارتباط برید را با خلیفه یا سلطان مذکور قطع می‌کرد.

صاحب جمع

در عهد صفویه، عنوان هر یک از رؤسای بیوتات مختلف سلطنتی. در رأس هر یک از بیوتات، صاحب جمعی قرار داشته است، و یک نفر مُشرف زیر

از مقوا می سازند، و روی مقوا پارچه، چرم، پلاستیک
چرم نمد یا ترکیبی است از این مواد.

صدارت

بالا‌ترین منصب اداری و روحانی در روزگار
صفویه. صاحب این منصب عنوان صدر داشته است.
منصب صدارت احتمالاً در دوره تیموری به وجود آمده
است و در روزگار شاهرخ ابن تیمور منصبی کاملاً
رسمی بوده. وظیفه اصلی صاحب این مقام تولیت و
رسیدگی به اوقاف، و تمشیت امور طلاب و سادات و
صرف حاصلات موقوفات بوده است، و در آغاز «صدر
موقوفات» خوانده می شده است. پیش از زمان تیمور،
لفظ صدر [= بزرگ] بعنوان صفت و لقب بکار
می رفته است.

صدراعظم

عنوان صدراعظم، و منصب صدارت عظمی
(صدراعظمی) از زمان سلطان سلیمان اول عثمانی
در دستگاه مملکتی دولت عثمانی تأسیس شد، و از
عهد سلطان احمد ثالث انتخاب صدراعظم بکلی تابع
اراده سلطان بود. صدراعظم همواره مهر سلطنتی را
همراه داشت و بعنوان «صاحب مهر» نماینده
تام الاختیار و باصطلاح «وکیل مطلق» سلطان در امور
نظامی و غیرنظامی بود و در هنگام جنگ ممکن بود
فرماندهی کل قوا را برعهده بگیرد. در سال ۱۹۲۲
این منصب از بین رفت.

صدر خاصه ← صدارت

صدر موقوفات ← صدارت

صوبه دار

صوبه، عنوان رسمی ایالات بزرگ هند بود که در
دوره سلطنت اکبرشاه اتخاذ شد. عنوان صوبه دار و
صاحب صوبه برای فرمانروای صوبه در عهد
جانشینان اکبر معمول گردید و استعمال آنها
یکنواخت هم نبود، چنانچه حاکم بنگاله را نواب
وزیر یا نواب ناظم می خوانند. و خود صوبه‌ها برخی
مانند دهلی و آگره بنام مرکزشان و برخی دیگر مثل
پنجاب، بنگاله، برار، مالوا، و گجرات بنام قدیم
ناحیه‌ای که جزء آن بودند خوانده می شدند.

صوفی

عنوان عمومی هر یک از افراد فرق و سلاسل اهل
تصوّف، و مترادف درویش و عارف و گاه معادل قلندر.
صوفی منسوب است به صوف، به معنی بشم، و اهل
تصوّف ظاهراً به سبب پشمینه‌پوشی از بابت زهد و
بارسانی به این عنوان مشهور شده‌اند.

عسس

نگهبان شب و گشتی و پاسدار شهر در طول مدّت
شب. مطلق پاسبان را حارس می گفتند. گویند اولین
کسی که در جهان اسلام سمت عسس یافت عبدالله
بن مسعود بود، که ابوبکر او را به مراقبت کوچه‌های
مدینه در شب برگماشت. عمر خطاب به کمک اسلم -
که از موالی او بود - و همچنین عبدالرحمان بن عوف
شخصاً شبها به عنوان عسس در مدینه می گشت. در
عهد خلفای اموی، صاحب منصبی به عنوان
صاحب العسس ریاست هر شهری را برعهده
داشت، که بعدها او را گاه صاحب الطوف نیز
می خواندند.

می شد، و از جانب کلاتر خلعت دریافت می داشت، و وظیفه اُرسیدگی به طرز معیشت اهل محل و توزیع و خانه دادن سربازان در بین خانه‌ها و نظایر آن بود. در عنوان ریاست صنف، کدخدا غالباً از بین افراد صنف به طریقه انتخاب یا به طریقه توارث تعیین می شد و وظیفه او حل اختلافات عادی افراد صنف و تعیین میزان و توزیع عادلانه مالیات بین اعضای صنف بود.

گلادیاتور

در روم قدیم، عنوان افراد طبقه مخصوصی که در ملاء عام برای تماشای مردم نبرد می کردند. پیکار گلادیاتورها معمولاً در آمفی تئاترها برگزار می شد. پیکارهای گلادیاتوری احتمالاً نزد اتروسکها اصلاً جزء مراسم تشییع جنازه بود، و از آنجا وارد روم شد.

لرد چانسلر

عالی ترین مقام قضائی در دولت بریتانیا. عنوان رسمی وی «لردهای چانسلر بریتانیای کبیر» است. مقامش بلافاصله بعد از مقام دیوکهای خاندان سلطنت و اسقف اعظم کنتربوری است. لرد چانسلر اصلاً منشی شاه و حافظ مهر بزرگ بود. تا قرن چهاردهم میلادی همیشه از روحانیون و پیشماز سلطنتی نیز بود.

لوطی

یا مشدی، و یا داش، طبقه‌ای از جوانان عوام الناس در دوره قاجار، که اساس کارشان بر حق طلبی و فداکاری و بی پروائی بوده، و برای خود در بین جوانان دیگر امتیازاتی قائل بودند، و نسبت

عمله خلوت

در عهد قاجاریه، عنوان اجزای اندرون و اهل موکب خاص پادشاه یا حاکم. اعضای خلوت همایونی در عهد ناصری غالباً عبارت بوده است از پیشخدمت باشی سلام، آجودان مخصوص، خازن صرف جیب، جامه‌دار خاصه، تفنگدار باشی، خازن رکیب خانه، که تحت نظر رئیس خلوت همایونی، که گاه عنوان وزیر حضور داشته است، بوده اند، و خواجه سربازان و مترجمین حضور و فراش خلوتان نیز جزء عمله خلوت به‌شمار می آمده اند، و در بعضی مواقع، وزیر وظایف و اوقاف و طبیب مخصوص نیز جزو عمله خلوت بوده اند.

عمید

عنوان اداری عالی در سازمان حکومتی سامانیان و غزنویان، و نیز در سراسر دوره سلاجقه. این عنوان، که نمودار مقامی برجسته بوده است، در نقش و وظیفه معینی بر اشخاص اطلاق نمی شده و بنابر آنچه ابن خلکان نوشته است، این عادت اهل خراسان بوده که در مقام احترام این کلمه را بر افراد اطلاق می کرده اند. ولی قرائنی هست که نشان می دهد که عمید هر ناحیه کسی بوده است که متصدی گردآوردن خراج بوده.

کدخدا

در عهد صفویه و قاجاریه، عنوان معتمد و رئیس هر یک از محلات شهر، و نیز گاه عنوان رئیس یک صنف و رسته معین از اصناف بازار که بعضی مواقع رئیس یا باشی نیز خوانده می شد. در مورد اول (معتمد محله)، کدخدا به وسیله اهل محل انتخاب

وکیل

کسی که کاری را برعهده او بگذارند و او در انجام آن کار به هر نحوی که صلاح بداند مختار است.

وکیل همایونی

در زمان صفویه وظیفه او عبارت بود از اداره امور مالی اداری، و از حیث مرتبت در پایه عالی تر از امرای دیگر قرار داشت.

وکیل خرج

کسی است که لوازم معاش و سایر مایحتاج دیگری را خریداری و تهیه کند و به او برساند. به دیگر معنی کسی است که مخارج خانه به عهده وی سپرده شده باشد.

وکیل وزیر اعظم

عنوان شغلی بود در دوره صفویه که در غیاب وزیر اعظم (صدر اعظم) امور را اداره می کرد. وکیل وزیر اعظم در زمان قاجاریه قائم مقام نامیده شده است.

وکیل تسخیری

وکیلی است که برای انجام وکالت انتخابی مأمور شود.

وکیل در توکیل

به سایر طبقات آداب خاصی داشته اند، و از جمله هفت وصله از لوازم لوطیگری، مشدی گری به شمار می آمده که عبارت بوده است از: زنجیر یزدی، جام برنجی کرمانی، دستمال ابریشم کاشی، چاقوی اصفهانی، چیق چوب عناب، شال لام الف لا، و گیوه تخت نازک.

مان بد

به معنی رئیس خانه و خانواده است، و ظاهراً مقصود از مان بدان يك عده از اصیل زادگان زمان اشکانی بودند که مالک مقداری زمین بودند و آنان را اعیان درجه دوم باید خواند.

نوبت نواز

کسی بود که در دوره صفوی در ساعات معین برای اعلام خبری و موقعیتی طبل و نوبت می نواخت و امروزه او را نقاره چی می نامند.

نوبتی دار

شغلی بود در دوره صفویه که مسئول درب بارگاه و خیمه بزرگ سلطنتی بود. باصطلاح او را دربان، کشیکچی نیز می گفتند.

واسپوهر

لقب نجیبای اشکانی و ساسانی و صاحبان مناصب کشوری و لشکری آنان. ظاهراً این واژه تحریفی است از لفظ «ویس پوهر» به معنی پسر طایفه. این لفظ در زبان هخامنشی نیز دیده می شود.

مشاغل و مناصب

کسی است که پادشاه وقت، او را به اراده و رضا بر جای خویش بعنوان جانشین انتخاب کند تا بعد از مرگش امور سلطنت و مملکت را اداره کند.

یوزباشی

کلمه‌ای است ترکی مرکب از «یوز» به معنی صد، «باش» به معنی سر با اضافه حرف «ی» که معنی ترکیبی آن سردار و رئیس صد نفر است. این مقام مولود دوران صفوی است. در زمان شاه عباس اول، صد نفر از غلامان گرجی سفید را خواجه نموده یکی که از همه معتبرتر بود «یوزباشی» ایشان نمودند و یوزباشی دیگری به جهت خواجه‌سرایان سیاه تعیین و به او نیز صد نفر تائین از خواجه‌های سیاه دادند. این مقام تا اواخر قاجاریه متداول بوده است.

کسی است که علاوه بر وکالت در انجام دادن امری اختیار دارد که به فرد دیگری وکالت دهد تا مورد وکالت را انجام دهد.

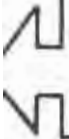
وکیل شهبندر

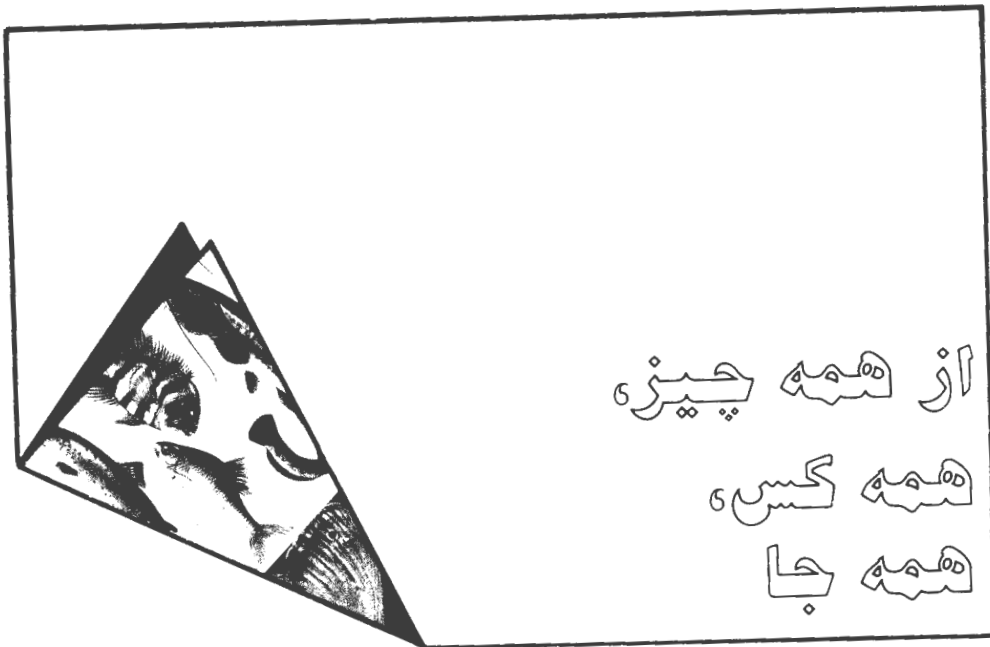
اصطلاح وزارت امورخارجۀ عثمانی در ایران در عهد قاجاریه، مخصوص مأموران عثمانی.

وکیل عمومی

معاون قضایی دادستان، دادیار قضائی، دادیاری که واجد شرایط قضاء است و به جای دادستان در دادگاهها وظایف او را انجام می‌دهد.

ولیعهد





اطلاعات شنیدنی در خصوص جانوران

تقسیم بندی مختصر جانوران

سلسله جانوران متجاوز از ۳۰ شاخه مختلف دارد که ذیلاً شاخه‌های اصلی و بزرگ آنها را تقسیم بندی می‌کنیم.

سلسله جانوران بی‌مهره

۱- شاخه اسفنجها

۱- رده اسفنجهای آهکی (کلسیسپانزیه) اسپیکول از کرینات کلسیم

۲- رده اسفنجهای شیشه‌ای (هیالوسپانزیه) اسپیکول سیلیسی و شش محوری

۳- رده اسفنجهای دموسپونژیه- اسپیکول سیلیسی یک یا چهار محوری و یا دارای پروتئین سیانژین و یا دارای اسپیکول سیلیسی و سیانژین هر دو.

۴- رده اسفنجهای سکروسپانزیه- اسکلت دارای

ماده آهکی، سیلیسی و سیانژین.

۲- شاخه کیسه تنان

۱- رده هیدروزوآ

۲- رده سیفوزوآ

۳- رده آنتوزوآ

۳- شاخه شانهداران

به شکل مدوزهای شفاف (دارای نوارهای مرکزی بدنی موسوم به شانهِ)

۴- شاخه کرمهای پهن

۱- رده تورکیان (کرم‌های پهن آزاد)

۲- رده بادکندهاران (ترماتودها)

۳- رده نواریان (سستوها)

جنس پلاناریا

جنس فسیولا

جنس تنیا

۵- شاخه کرمهای لوله‌ای

۱- جنس آسکاریس

۲- جنس اکیسور

۳- جنس فیلاریا

انگل انسان - خوک

انگل انسان و پستانداران

انگل انسان مولد بیماری فیلاریوز

۶- شاخه کرمهای حلقوی

۱- رده پرتازان

۲- رده کم تاران

۳- رده بی تاران

جنس نرئیس

جنس کرم خاکی

جنس زالو

۷- شاخه نرم تنان

۱- رده دو عصبیها

۲- رده ناوپایان

۳- رده دو کفه‌ایها

۴- رده شکمپایان

۵- رده سرپایان

جنس کیتون

جنس دنتالیوم

جنس آنودونت

جنس هلیکس

جنس سپیا (نرم تن مرکب)

۸- شاخه بندپایان

۱- زیر شاخه ماندیبول داران

۲- زیر شاخه کلیسرداران

۱- کلیسرداران آبی

۲- کلیسرداران هوازی

۹- شاخه خارپوستان

۱- رده ستاره دریایی

۲- رده توتیاها

۳- رده خیار دریایی

۴- رده لاله دریایی

شاخه جانوران مهره‌دار

شاخه طنابداران

۱- زیر شاخه طنابداران اولیه

۱- رده تونبکاتها. مثال: آب پاش دریا

۲- رده سفالوکورداتا. مثال: آمفیوکسوس

۲- زیر شاخه مهره‌داران

۱- رده ماهیها

دهان گردان

ماهیان غضروفی

ماهیان استخوانی

۲- رده دوزیستان

راسته دمداران مانند سمندر

راسته بی دمان مانند قورباغه

۳- رده خزندگان

راسته سوسمار ماندها

زیر راسته سوسماران

زیر راسته ماران

راسته لاک پشتان

راسته تمساحان

۴- رده پرندهگان

زیر رده بد پرواز (راتیت)

زیر رده خوش پرواز (کارینات)

۵- رده پستانداران

۱- زیر رده پستانداران بدون جفت

۲- زیر رده جفت داران

راسته مرغسانان

راسته کیسه داران



اسب	عمر متوسط ۵۰ سال	۱- راسته حشره خواران
اسب آبی	عمر متوسط ۴۰ سال	۲- راسته پوست بالان
افعی	عمر متوسط ۱۰ سال	۳- راسته خفاشان
بلبل	عمر متوسط ۱۲ سال	۴- راسته جوندگان
پروانه	عمر متوسط ۲ ماه	۵- راسته خرگوشان
پشه	عمر متوسط ۶ ماه	۶- راسته آب بازان
جغد	عمر متوسط ۳۵ سال	۷- راسته گوشتخواران
خرگوش اهلی	عمر متوسط ۲۰ سال	۸- راسته شیردریائی
خرگوش وحشی	عمر متوسط ۱۰ سال	۹- راسته بی دندانان
خرس	عمر متوسط ۵۰ سال	۱۰- راسته فردسمان
روباه	عمر متوسط ۵ سال	۱۱- راسته زوج سمان
زنبور عسل	عمر متوسط يك سال	۱۲- راسته خرطوم داران
سگ	عمر متوسط ۲۰ سال	۱۳- راسته پریاتها
سمور	عمر متوسط ۵ سال	
سوسك	عمر متوسط ۳ سال	

عمر متوسط حیوانات و جانوران چقدر است؟

سوسمار	عمر متوسط	۴۰ سال	گوزن	عمر متوسط	۴۰ سال
سهره	عمر متوسط	۱۸ سال	گرگ	عمر متوسط	۱۲ سال
شتر	عمر متوسط	۴۰ سال	گوسفند	عمر متوسط	۱۰ سال
شتر مرغ	عمر متوسط	۳۰ سال	لاك پشت	عمر متوسط	۴۰۰ سال
شير	عمر متوسط	۵۰ سال	لك لك	عمر متوسط	۳۵ سال
صدف	عمر متوسط	۶۰ سال	ماهى	عمر متوسط	۱۰۰ سال
طوطى	عمر متوسط	۱۰۰ سال	مرغ	عمر متوسط	۱۵ سال
عقاب	عمر متوسط	۳۰ سال	مگس	عمر متوسط	۴ ماه
غاز	عمر متوسط	۴۰ سال	ملخ	عمر متوسط	۱ سال
قو	عمر متوسط	۵۰ سال	مورچه	عمر متوسط	۱ سال
قورباغه	عمر متوسط	۲۵ سال	موش	عمر متوسط	۵ سال
قنارى	عمر متوسط	۱۵ سال	ميمون	عمر متوسط	۴۰ سال
فيل	عمر متوسط	۱۰۰ سال			
كك	عمر متوسط	۲ ماه			
كرگدن	عمر متوسط	۶۰ سال			
كلاغ	عمر متوسط	۳۰۰ سال			
گاؤ	عمر متوسط	۲۵ سال			
گر به	عمر متوسط	۱۵ سال			
گاؤ وحشى	عمر متوسط	۱۵ سال			

باهوشترين جانوران جهان

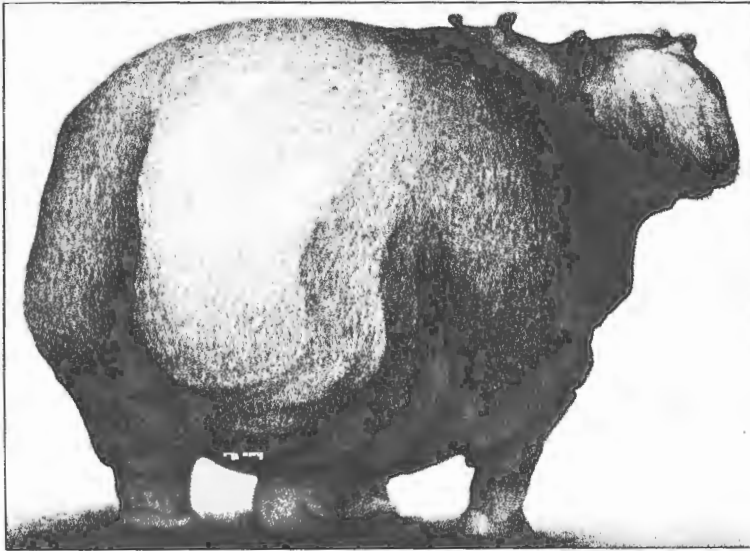
(۱) شميانزه (۲ نوع)

(۲) گوريل

(۳) اورانگوتان

(۴) بابون (هفت نوع)

(۵) ژيبون (هفت نوع)





- (۶) بوزینه (انواع گوناگون)
- (۷) وال كوچك دنداندار (چندگونه)
- (۸) دلفین (حدود ۸۰ گونه)
- (۹) فیل (دو نوع)
- (۱۰) خوك

طولانی‌ترین دوره بارداری پستانداران مشهور

- (۱) فیل آفریقائی ۶۴۰ روز
- (۲) کرگدن ۵۶۰ روز
- (۳) زرافه ۴۵۰ روز
- (۴) وال ۳۶۰ روز
- (۵) اسب ۳۳۷ روز
- (۶) گاو ۲۸۰ روز
- (۷) اورانگوتان ۲۷۵ روز
- (۸) انسان ۲۶۷ روز
- (۹) گوزن شمالی ۲۴۶ روز
- (۱۰) خرس قطبی ۲۴۰ روز
- (۱۱) راسوی آفریقائی ۱۸۰ روز
- (۱۲) پلنگ ۹۳ روز
- (۱۳) گربه ۶۴ روز
- (۱۴) سگ ۶۴ روز
- (۱۵) روباه ۵۴ روز
- (۱۶) کانگارو ۴۰ روز
- (۱۷) خرگوش ۳۱ روز
- (۱۸) موش خانگی ۱۹ روز
- (۱۹) هامستر ۱۶ روز
- (۲۰) صاریغ ۱۳ روز

آفتاب است

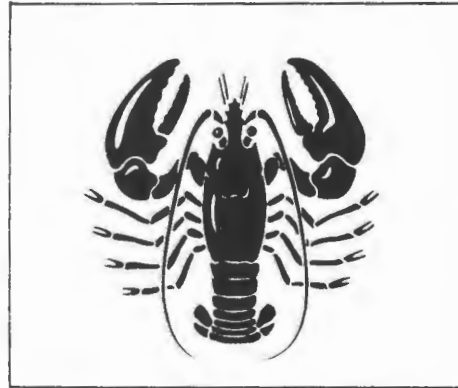
- ۲. اختاپوس : جانوری دریائی با هشت تا دوازده بازوی قوی
- ۳. پازن : نوعی گوزن که در هنگام غضب پا به زمین می‌کوبد

حیواناتی که با اسم آنها کمتر آشنا هستیم

بعضی از جانوران هستند که اسمشان کمتر به گوش برخی از شماها رسیده است. ما در زیر به اسم پاره‌ای از این جانوران اشاره می‌کنیم.

۱. آفتاب پرست : نوعی مارمولک که همیشه در

۴. بیختی : نوعی شتر بسیار قوی هیکل



- اسب : ممالک اوروگوئه، ونزوئلا، انگلستان
 پاندا : چین (در مسابقات ورزشی)
 تیر : مملکت ایتالیا
 داس وچکش : ممالک شوروی واقمار آن (قبل از پروستاریکا)
 درخت سدر : مملکت لبنان
 شتر کوهی : مملکت پرو
 شمشیر : مملکت عربستان سعودی
 شیر : ممالک بلژیک، حبشه، سوئد، نروژ، لوگزامبورگ، هلند
 عقاب : ممالک آمریکا، آلمان، اتریش، اکوادور، اندونزی، بولیوی، سوریه، لهستان، کلمبیا، آلبانی
 کانگورو : مملکت استرالیا
 کیوتزنامه بر : مملکت لیبریا
 کرکس : مملکت شیلی
 گاو : مملکت ایسلند

۵. پنج پایک : خرچنگ
 ۶. بیدستر : نوعی سگ آبی
 ۷. پوپ : نوعی هدهد که به «مرغ سلیمان» مشهور است
 ۸. تارتن : عنکبوت
 ۹. جولاهه : نام دیگر عنکبوت
 ۱۰. چرخ : نوعی مرغ شکاری تیزبر
 ۱۱. چغفر : قورباغه ووزغ
 ۱۲. چکاوک : نوعی پرنده ای بزرگتر از گنجشک
 ۱۳. زنبورخوار : پرنده ای کوچک که دشمن زنبور است
 ۱۴. عروس دریائی : نوعی مرجان
 ۱۵. عقعق : نوعی کلاغ با صدائی شبیه نامش
 ۱۶. کوالا : نوعی خرش کوچک وپشمالو
 ۱۷. لاما : نوعی بارکش صحرائی که مخلوطی است از شتر وگوسفند واسب

منشاء برخی حیوانات از کجاست؟

به موجب کشفیات دانشمندان و بررسی استخوانها و فسیل ها و اسناد و مدارک منشاء تعدادی از حیوانات

جانوران و اشیائی که آرم ملی ممالک جهان هستند آفتاب تابان : ممالک ژاپن وچین.

از همه چیز...

غاز، یونان
طاووس، آسیای جنوبی
کبوتر، اروپا
ماهی قرمز، چین
لاک پشت، آفریقای شمالی
کرم ابریشم، خاور دور

منخص شده است. به موجب این پرویس ها منشاء:
زنبور، آسیا
خر، دره نیل
گر به، مصر و سودان
اسب، استپ های اورازی (اروپا-آسیا)
بز، خاور نزدیک



برخی از حیوانات مظهر چه چیزهایی هستند؟

مظهر	نام جانور
آزادگی و بی گناهی	آهو
هوشیاری و شجاعت	اسب

سگ، اروپا
خروس و مرغ، آسیای جنوب شرقی
خرگوش، اسپانیا
گوسفند، اروپا



شيطنت	بزغاله	فال نيك	باز
ضعيف كشى	ببر	معصومى	بره
حرص و طمع	بوتيمار	بى توجهى و شيدائى	بلبل
فال نيك و بهار	برستو	چندرنگى و بى ثباتى	بو قلمون

از همه چیز

جانوران تاریخی جهان

در ذیل اسامی پاره ای از جانوران که مانند بعضی از آدمها در تاریخ ماندگار و جاودانه شده اند آورده می شود، البته علت شهرت این جانوران بسته به شخصیت افراد مهم وابسته آنهاست:

- آهو : حضرت رضا (ع)
 اژدها : حضرت موسی (ع)
 الاغ : حضرت عیسی (ع)
 بز : أَخْفَس
 رخس : رستم پهلوان

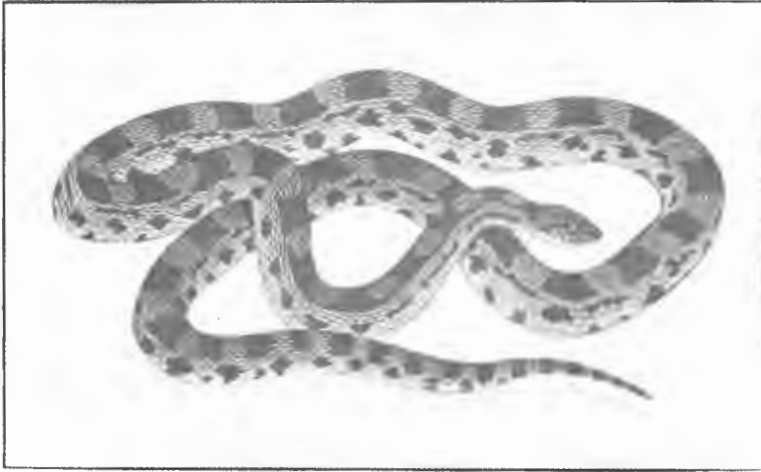


- سگ : اصحاب کهف
 سیمرغ : زال پدر رستم
 شبدریز : اسب خسرو پرویز
 شتر : عایشه همسر حضرت محمد (ص)
 شیر : حضرت علی (ع)
 ذوالجنح : اسب حضرت امام حسین (ع)
 گربه : ابو هریره (از اصحاب حضرت رسول (ص))
 گرگ : رموس و رمولوس (از بانیان رم باستانی)
 لایکا : سگی که به فضا رفت

پلنگ تکبر و بلندپروازی



- جغد : شومی و نحسی
 خروس : شهوت
 خر : کودنی
 خرس : پر خوری
 خرگوش : غفلت
 روباه : مکر و حیله
 سگ : وفاداری
 شیر : شجاعت و قدرت
 شتر : کینه توزی
 طوطی : تقلید
 عقاب : غرور و تکبر
 کرکس : خودپسندی
 کبک : خوش خرامی و طنزازی
 کلاغ : شومی و نحسی
 گربه : بی وفائی و دزدی
 گرگ : درندگی و تجاوز
 موش : حقارت
 میمون : تقلید و اطوار
 هما : سعادت و قناعت
 هدهد : مزده
 لک لک : شادی و نشاط
 سیمرغ : بلندپروازی و همت



- | | | | |
|------------------------------|---------|-----------------------------------|-----------|
| اسب لطفعلی خان زند | : غران | : حضرت آدم (ع) | : مار |
| خرگوشی که به فضا مسافرت نمود | : وروکو | : اسب ناپلئون | : مارانکو |
| خروس سفیدی که در موقع معراج | : خروس | : حضرت یونس (ع) | : ماهی |
| حضرت رسول (ع) در آسمان چهارم | | : ابرهه، سردار حبشی در جنگ مکه | : فیل |
| بود | | : میمونی که به فضا رفت | : نانوا |
| | | : اسب کوراوغلی، قهرمان آذربایجانی | : قیرآت |



از همه چیز...

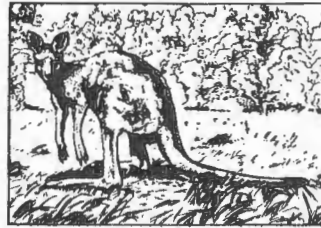
۳۵ سال	کبوتر	۱۵۲ سال	حداکثر عمر جانداران
۳۵ سال	کرم کدو	۱۱۶ سال	استرژن می سی سی پی
۳۴/۹ سال	بوزینه	۸۸ سال	لاک پشت دریانی
۳۴/۸ سال	خرس قطبی	۸۷ سال	سنگ پشت
۳۴ سال	گر به	۷۲ سال	وال
۳۳/۶ سال	زرافه	۷۰ سال	کرکس آمریکائی
۳۳ سال	خرچنگ دراز	۶۹ سال	فیل
۳۲ سال	دلفین	۶۰ سال	غراب (کلاغ)
۳۰ سال	گاودامی	۵۶ سال	صدف آب شیرین
۳۰ سال	جوجه تیغی	۵۴ سال	آلیگاتور
۳۰ سال	ماهی قرمز	۵۱ سال	اورانگوتان
۲۹/۵ سال	شتر	۵۰ سال	اسب آبی
۲۹/۵ سال	قو	۵۰ سال	سگ ماهی
۲۷/۳ سال	سگ	۵۰ سال	شتر مرغ
۲۷ سال	زالو	۴۶ سال	اسفنج
۲۷ سال	گراز		اسب



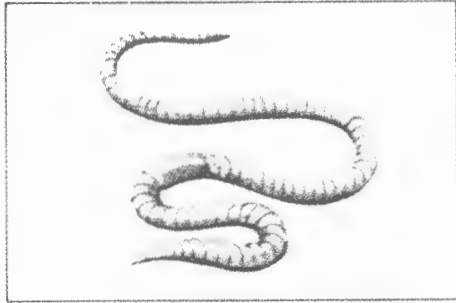
۲۶/۶ سال	گوزن	۴۶ سال	خوک
۲۶ سال	پنگوئن	۴۴ سال	شمپانزه
۲۵ سال	طوطی دم دراز	۴۱ سال	کرکس
۲۵ سال	سمندر	۴۰ سال	ماهی قزل آلا
۲۴/۷ سال	سوسمار خیلا	۳۹ سال	کرگدن
۲۴ سال	کاکلی	۳۹ سال	گوریل
۲۴ سال	حواصیل		ماربوآ

دایرة المعارف مصور

۱۳ سال	ماهی آزاد	۲۴ سال	خفاش
۱۲/۴ سال	مار کبیرا	۲۴ سال	قناری
۱۲ سال	سینه سرخ	۲۳ سال	ژاگوار
۱۲ سال	صدف دریائی	۲۱ سال	بادخورک
۱۱/۵ سال	مارماهی برقی	۲۰/۶ سال	اردک
۱۰ سال	سمور	۲۰ سال	گوسفند
۸ سال	مرغ مگس خوار	۲۰ سال	پرستو
۸ سال	موش	۱۹/۷ سال	کانگارو
۷/۶ سال	خاریشت		
۷ سال	ماهی تون		
۶/۱۰ سال	صاروغ		
۶ سال	کرم خاکی		



۱۹/۵ سال	مارزنگی
۱۹ سال	ماهی حشینه (ساردین)
۱۸ سال	بز
۱۵/۱۰ سال	سار
۱۵/۸ سال	وزغ
۱۵ سال	سنباب
۱۵ سال	غوک
۱۵ سال	راکون



۶ سال	حلزون
۵ سال	زنبور عسل (ملکه)
۵ سال	ستاره دریائی
۴/۸ سال	موش صحرائی
۴/۷ سال	سوسک حمام
۴/۷ سال	اسب دریائی
۴ سال	هامستر
۴ سال	هشت پا
۴ سال	عنکبوت
۴ سال	ماهی مرکب
۴ سال	کنه
۳/۵ سال	آفتاب پرست
۳ سال	حلزون رودخانه



۱۳ سال مورچه (ملکه)



- | | |
|-------------|------------------|
| ۷ میلیون | ۵- الجزایر |
| ۶ میلیون | ۶- آفریقای جنوبی |
| ۶ میلیون | ۷- نیجریه |
| ۶ میلیون | ۸- لهستان |
| ۵/۳ میلیون | ۹- بریتانیا |
| ۴/۶ میلیون | ۱۰- ایتالیا |
| ۳/۴ میلیون | ۱۱- کانادا |
| ۳/۲ میلیون | ۱۲- آلمان |
| ۳ میلیون | ۱۳- رومانی |
| ۲/۵ میلیون | ۱۴- برزیل |
| ۲ میلیون | ۱۵- ژاپن |
| ۱/۷ میلیون | ۱۶- هندوستان |
| ۱/۶ میلیون | ۱۷- ونزوئلا |
| ۱/۵۵ میلیون | ۱۸- دانمارک |
| ۱/۵ میلیون | ۱۹- هلند |



- | | |
|--------|------------------|
| ۲ سال | اسکالوپ |
| ۱۸ ماه | پشه |
| ۱۸ ماه | حلزون درختی |
| ۱۱ ماه | زنبورعسل (کارگر) |
| ۶ ماه | زنبورعسل (نر) |
| ۷۶ روز | خرمگس |
| ۱۲ روز | کر-گرد |



آمار گربه اهلی در جهان

گربه جانوری پستاندار و گوشتخواری است که نامش به گروهی از حیوانات درنده مانند شیر، ببر، پلنگ، بوزینگ و غیره داده شده، بطوری که گروه آنها را بنام این حیوان «گربه سانان» می نامند. این حیوان که در نزد مصریان قدیم مقدس بوده، هم اکنون ۴۰۰ میلیون از نوع اهلی آن در کنار انسانها زندگی می کند. طبق تحقیقات پروفیسور «ژان ماری لگی» در دانشگاه لیون فرانسه، که توانسته آمار دقیقی از ۴۲ کشور جهان تهیه کند، وجود ۴۰۰ میلیون گربه در جهان محرز شده است. در ذیل آمار کشورهای مختلف از لحاظ وجود گربه در آنها نشان داده می شود:

- | | |
|-----------|------------------------|
| ۵۵ میلیون | ۱- ایالات متحده آمریکا |
| ۳۰ میلیون | ۲- اندونزی |
| ۱۲ میلیون | ۳- استرالیا |
| ۸ میلیون | ۴- فرانسه |

۲۰- کلمبیا	۱/۵ میلیون	بحث، بقای نسل آنها را مورد تهدید قرار داده است
۲۱- نیوزیلند	۱/۲ میلیون	ولی در میان دشمنان وارداتی، هیچ کدام به اندازه
۲۲- مجارستان	۱/۲ میلیون	انسان خطرناک نیست. انسان با سکار بی رویه، نسل
۲۳- اتریش	۱/۱ میلیون	بسیاری از مرغان مذکور را از روی زمین برانداخته
۲۴- بلژیک	۱ میلیون	است.
۲۵- فلسطین اشغالی	۱ میلیون	مرغانی که نسلشان نابود شده یا در آستانه نابودی
۲۶- سوئیس	۹۰۰ هزار	قرار گرفته عبارتند از: کاسوار یا شترمرغ
۲۷- شیلی	۸۰۰ هزار	ماداگاسکاری، اموری نیوزیلندی، یلوه‌ها و
۲۸- فنلاند	۵۰۰ هزار	درونت‌های زیره موریس آفریقای جنوبی. ولی در
۲۹- ایرلند	۵۰۰ هزار	نیوزیلند تعداد معدودی از مرغان زمینگیر هنوز یافت
۳۰- سوئد	۳۰۰ هزار	می‌شوند. از جمله دو نوع (کیوی) با چند زیرگونه
۳۱- سنگال	۱۵۰ هزار	که همگی جنگلی هستند و فقط شها از لانه بیرون
۳۲- تاسمانی	۱۰۰ هزار	می‌آیند. ظاهراً عادت اخیر، بقای نژاد آنها را تا به

روزگار ما تضمین کرده است.

یلوه‌واکا، از معدود یلوه‌های باتلاق‌زی نیوزیلندی از موسسه‌ای وارداتی تغذیه می‌کند. لیکن نسل یلوه‌واکا هم در معرض انقراض قرار دارد. در ضمن (اموی بزرگ، تنها نماینده خانواده اموهاست که از بعد از ورود سفیدپوستان به استرالیا هم تا زمان ما جان سالم دربرده است.

حشرات مفید کدامند؟

وقتی اسم حشره به گوش می‌رسد بلافاصله ذهن انسان متوجه حشرات مضر و زیانبار مانند بسه، مگس، سوسک و غیره می‌شود که باید با حشره‌کش به جانسان افتاد، ولی در طبیعت حشرات مفید هم زیاد یافت می‌شود که از جمله آنها باید از زنبور عسل یاد کرد که به ما ماده‌ای مفید و مقوی بنام «عسل» می‌دهد.

کرم ابریشم هم حشره مفیدی است که با تولید یله‌هایی از تارهای ابریشمی بهترین نوع پوشاک را برای انسان فراهم می‌سازد. از اینها گذشته بسیاری از حشرات هستند که با پرواز و حرکت بر روی گلهای

به موجب لیست پروفیسور ژان ماری لگی- در سال ۱۹۹۱ میلادی- در مورد سایر کشورها یا آماری از تعداد گربه‌هایشان در دست نیست و یا تعداد گربه‌هایشان کمتر از یک صد هزار می‌باشد.

پرندگان که پرواز نمی‌کنند در چه نقاطی زندگی می‌کنند؟

مرغانی هستند که قدرت پرواز ندارند. این مرغان بیشتر در نقاطی که دشمن طبیعی و سنتی ندارند زندگی می‌کنند. اغلب اینگونه مرغان در استرالیا و در نیوزیلند اقامت دارند. مرغانی که قابلیت پرواز دارند از این امتیاز برخوردارند که از برابر دشمنان خود به آسمان فرار می‌کنند. به عقیده پرنده‌شناسان این پرندگان به دلیل آنکه در محیط زندگی خود دشمن نداشته تا فرار کنند کم‌کم و با گذشت میلیونها سال قابلیت پرواز را از دست داده‌اند.

در نقاطی که گربه و روباه به عنوان جانوران وارداتی، تکثیر شدند مرغان بی پرواز، دست و پا بسته تسلیم محض شدند و نسل آنها بر افتاد. موش حیوان دیگری است که به دلیل خوردن تخم مرغان مورد

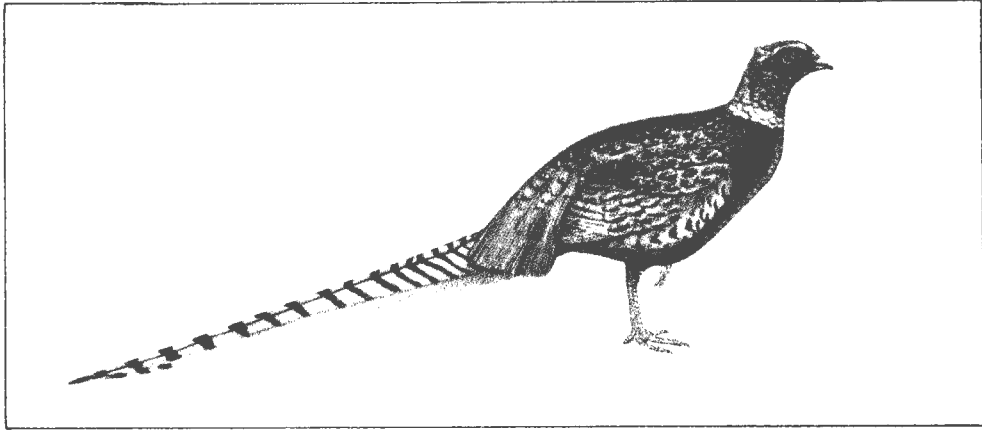


وسیله لقاح گلها و میوه‌ها می‌شوند که نتیجه آن تولید گل‌های رنگارنگ و میوه‌های گوناگون است.

پرنده‌ای در حال انقراض

مدتهاست که پرنده‌ای در حال انقراض، بر سر میز غذای کشاورزان ویتنامی جای دارد. قرقاول ویتنامی فقط ۲۹ سال پیش کشف شد و تصویری شد که نسل آن از میان رفته است. اما عده‌ای از

پرنده‌شناسان به تازگی به جستجوی هرگونه نشانه‌ای از این پرنده زیبا شتافته و متوجه شدند که نسل این پرنده توسط عده‌ای از شکارچیان ویتنامی در حال نابودی است. دانشمندان ویتنامی از کشاورزان محلی خواستند تا هر قرقاول دم سفید را زنده نگاه دارند. در حال حاضر دو قرقاول ویتنامی نر با پر و بال‌های زینتی بسیار زیبای آبی‌رنگ و دم طویل سفیدرنگ جالب خود و یک قرقاول ماده، در



مختلف بدن این حیوانات غول پیکر ثابت شد که در دورانی از حیات کره زمین حیواناتی به نام دایناسور به معنی سوسمارهای وحشتناک در کره خاکی ما وجود داشته است.

چرا حیوانات نمک را دوست دارند؟ اشتیاق به نمک چه به وسیله حیوان و چه از طرف انسان یکی از جالبترین اسرار طبیعت است. ما می دانیم که هزاران سال است نمک به وسیله انسان مصرف شده و برای او ارزش خاصی داشته است. مثلا در مکزیك قدیم نمک آنقدر اهمیت داشته که هر سال دختر زیبایی را برای خدای نمک قربانی می کرده اند، و امروزه می دانیم که وقتی يك نفر زندانی در زندان از تمام غذاهای نمک دار محروم باشد عملا در اثر آرزوی این ماده ممکن است دیوانه شود.

جسم سیال در بدن ما یعنی قسمت مایع آن از محلول نمک است و چون بدن ما به طور مداوم و از راههای زیادی مایع را دفع می کند، بنابر این باید کمبود نمک را نیز جبران کند.

اکنون در حالی که مقدار نمک اقیانوسها به اندازه ای است که می تواند تمام سطح کره زمین را بپوشاند، قسمت خشکی جهان از لحاظ نمک کمبود

هانوی نگاهداری می شوند و این اولین مرتبه است که دانشمندان این پرندگان را از زمانی که توسط پرنده شناس وکواوی در سال ۱۹۶۴ کشف شد، زنده می بینند.

وکواوی می گوید: «باید احتیاطهای زیادی در منطقه زیستگاه جنگلی این پرنده به عمل آید تا بقای حیوان در این منطقه که تنها زیستگاه باقی مانده است، تضمین شود.» هشت گونه قرقاول در ویتنام، به علت شکار و از بین رفتن جنگلها برای کشاورزی و همچنین طی جنگ ویتنام، در معرض خطر نابودی قرار دارند.

آیا مردم قرن های گذشته از وجود دایناسورها آگاهی داشتند؟

از افسانه ها که بگذریم هیچ مدرکی در دست نیست که نشان بدهد اجداد ما در چند هزار سال گذشته که اسناد آن در دست است از وجود حیوانات عظیم الجثه ای بنام دایناسورها آگاهی داشته اند.

برای نخستین بار در سال ۱۸۲۲ فسیل هایی از دایناسورها در ناحیه ساکس انگلستان بدست آمد و پس از آن با پیدا شدن استخوانهای قسمت های

از همه چیز...

هشت پر چگونه جانوری است؟ این جانوار که انواع متعدد و مختلف دارد معمولا سر بزرگی دارد که منقار عظیمی بدان متصل است و تنه آن تخم مرغی و کیسه مانند و کوچک است. هشت بازو و یا هشت پای این جانور در انتها به تنه آن چسبیده اند و بر پوست این بازوها آلت‌های مکنده است که از تن شکار یا هر چیز که به آنها بخورد شیره آنرا می‌مکد، این جانور معمولا در اعماق دریا زندگی می‌کند و روی سنگهای عظیم می‌نشیند. اما شنا کردن هم می‌داند و با سرعت بسیار ناچیزی در دریا پیش می‌رود. غالب انواع آن ترسو و از جانوران دیگر گریزانند. ضمنا گوشت بسیار لذیذی دارد و خورنده فراوان.

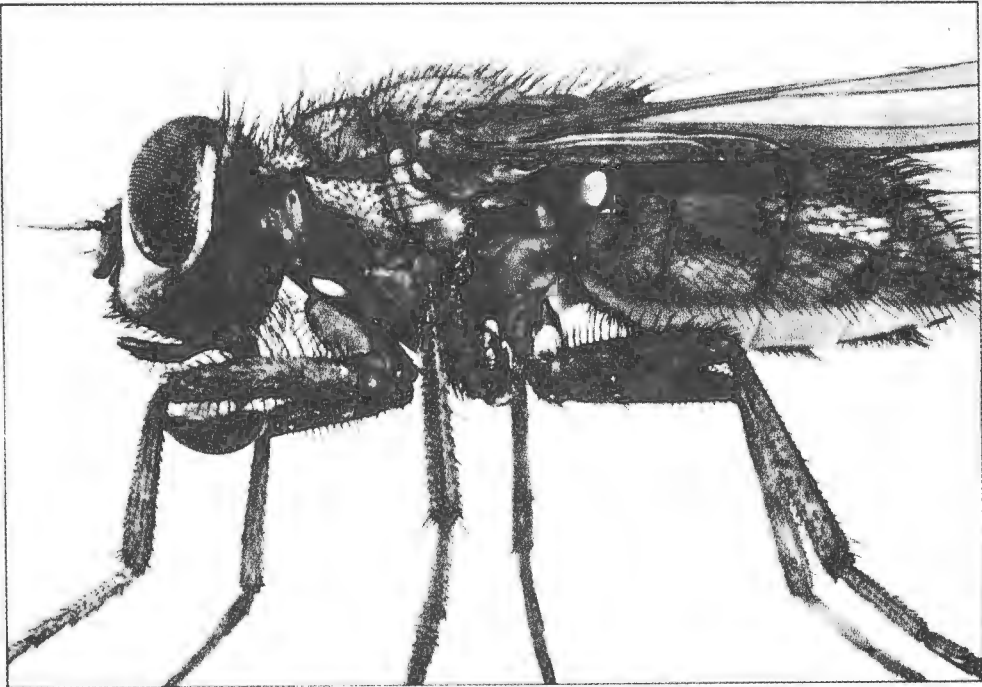
تحمل مگس در زیر آب به چه اندازه است؟ می‌توانید این تجربه را به کار برید. مگسی را به دقت و با احتیاط بگیرید به نحوی که آسیبی بدان نرسد.

دارد. نباتات محتوی مقدار زیادی نمک نیستند و مقدار بیشتری از نمک زمین نیز به وسیله آب باران شسته شده و وارد رودخانه‌ها و دریاها می‌گردد.

با وجود این حیوانات خشکی، بازماندگان موجوداتی هستند که در دریاها زندگی می‌کرده‌اند. جسم سیال بدن آنها هنوز همان است که قبل از انتقال به خشکی بوده است. بدین معنی که ماده سیال بدن آنها هنوز مانند آب دریا می‌باشد. چون نه نباتات و نه خشکی نمی‌توانند نمک کافی به آنها بدهند بنا بر این برای مقدار بیشتر نمک اشتیاق دارند و به خوردن نمک عشق می‌ورزند.

حیوانات گوشت خوار علاقه‌ای به نمک ندارند زیرا آنها نمک را از ماده سیال بدن شکار خود به دست می‌آورند. ولی حیوانات گیاه خوار نیاز بیشتری به نمک دارند و اشتیاق زیادی به خوردن آن نشان می‌دهند.





حشرات و همچنین حیوانات بسیار ریز ذره بینی است که شمارش آنها از لحاظ تعداد، محال است ولی دانشمندان موفق شده اند که انواع مختلف آنها را کشف کنند. حیواناتی را از يك جنس گویند که بتوانند با هم زاد و ولد نمایند. گنجشک و عقاب که کلاغ هر سه جزء پرندگانند ولی از يك جنس و نوع نیستند و از سه نوع مختلف می باشند.

طبق محاسباتی که دانشمندان به عمل آورده اند تاکنون در حدود ۸۷۰۰ نوع پرنده و ۴۵۰۰ نوع پستاندار کشف کرده اند. (پستانداران حیواناتی را گویند که چون به دنیا آیند از شیر مادر تغذیه می کنند، بنابراین انسان هم یکی از حیوانات پستاندار است).

مثلاً می بینیم که در تابستان حشرات از قبیل مگس و پشه و غیره فراوانتر از سایر فصول است و تا به حال ۷۰۰ هزار نوع مختلف از حشرات را بدست

شیشه شفاف و کوچکی را از آب پر کنید و مگس را در آن بیندازید و در شیشه را ببندید. آنگاه شیشه را آرام تکان دهید تا وقتی که مگس مرده بنماید. پنج دقیقه صبر کنید. آب را بیرون بریزید. يك قوطی کبریت یا قوطی دیگر را به همان اندازه یا بزرگتر یا کوچکتر از نمک سوده پر کنید، مگس خیسیده را میان نمک بیندازید و بی آنکه فشاری بر تن آن آید قوطی را ببندید. سه دقیقه صبر کنید. اکنون قوطی را باز کنید. اما مواظب باشد مگس چنان سریع پرواز نکند که نبینیدش.

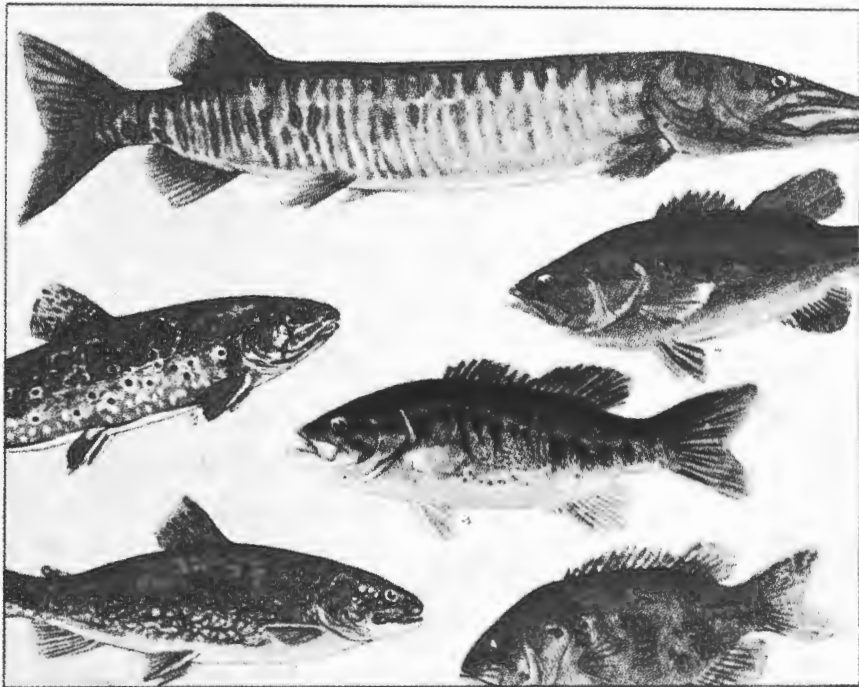
حیوانات جهان چقدر است؟ شمارش حیوانات از محالات است. حیوانات روی کره زمین (علاوه بر حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و اهلی هستند) شامل ماهیها و حیوانات آقیانوسها، رودخانهها، حیوانات جنگلی، خزندگان و کرمها و

از همه چیز...

آورده‌اند. حال اگر ماهیان و خزندگان و غیره را به حساب آوریم به این نتیجه می‌رسیم که جمعاً در روی کره زمین نهصد هزار نوع مختلف حیوان وجود دارد. علم و اشاره است» و یکی از دانشمندان حشره شناس

است.

زنبورهای عسل زبان مخصوصی دارند که «زبان



آلمانی زبان این حیوان را کشف کرده است و پس از مطالعات و تجربیات زیاد روزی مشاهده کرد که گاهی زنبوری در جلوی کندو ظاهر شده و رقص کوتاه و تندی اجرا می‌کند. زنبوران دیگر با دقت رقص او را تماشا کرده سپس همگی با هم به پرواز درآمده و به صحرا رهسپار می‌شوند و مستقیماً به طرف گلی می‌روند که زنبور اولی آنرا نشان کرده بود. دانشمند مزبور مدتی به مطالعه این رقص‌ها پرداخت و بالاخره به این نتیجه رسید که هر نوع رقص معنای خاصی دارد.

زنبور در حین رقص مسیری را که باید رفقاییش به صحرا بروند به آنها نشان می‌دهد. سرانجام دانشمند آلمانی به قدری با زبان زنبورها آشنا شد که

آیا حیوانات با یکدیگر حرف می‌زنند؟ انسانها تنها موجوداتی هستند که به استعانت کلمات و جملات با یکدیگر مربوط هستند، ولی بسیاری از انواع دیگر موجودات با علم و اشاره منظور خود را حالی می‌کنند. مثلاً سار هنگام ترس فریاد می‌کشد و با این فریاد به برادران و دوستانش اطلاع می‌دهد که خطری آنان را تهدید می‌کند، گربه ماده با میومیوی مخصوصی فرزندان خود را صدا می‌کند، اسبها در مقابله و استقبال از همجنسان خود شیبه می‌کشند، زنجیره یا جیرجیرکها موقعی که می‌خواهند همدیگر را به سوی خود بکشانند کناره باله‌ایشان را که مثل دندانهای اره است به هم می‌مالند و این صدا از مشخصات شبهای تابستان

روزی خود رأساً مرغزاری را که زنبور راهنما به رفقایش نشان داده بود قبل از آنکه زنبورها بدانجا برسند پیدا کرد.

چرا کرم شبتاب در تاریکی می درخشند؟
روشنائی بعضی حشرات مانند کرم شبتاب به علت وجود دو نوع مایع است که در بدن آنها تشکیل می شود. این دو مایع خودبه خود تابناک نیستند ولی وقتی در مجاورت هم با هوا ترکیب می شوند درخشندگی پیدا می کنند. اگر حشره ای از این قبیل پیدا کردید، واهمه نکنید، روشنائی او انگشت شما را نخواهد سوخت زیرا این روشنائی مانند نور لامپ فلورسنت سرد است.

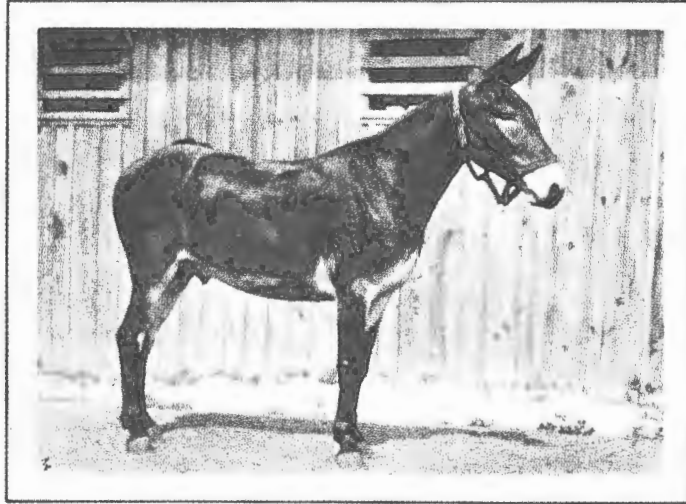
کرم شبتاب حشره ای است به رنگ خاکستری یا گندمی و کرمهای نر دارای بال بوده و شبها به جستجوی کرمهای ماده برمی آیند، البته چون کرمهای ماده خاصیت فسفورانسان دارند در میان علفها می درخشند و کرمهای نر به سهولت آنها را پیدا می کنند.

حیوانات را چگونه اهلی کرده اند؟ در ازمنه سابق قبل از آنکه بشر از زراعت اطلاعی داشته باشد از گوشت شکار و دانه های گیاهان و ریشه های درختان تغذیه می نمود. دانشمندان تصور می کنند که بشر در آن ایام هنگام مراجعه از شکار مقداری توله سگ و توله گرگ همراه خود آورده و آنها را در زیر چادر و درکنار خود نگاهداشته است. این حیوانات پس از رشد و نمو یا مجدداً به جنگل فرار نموده و یا با انسانها خو گرفته و نزد او مانده اند.

بدیهی است آن دسته که خوی سببیت داشتند، کشته می شوند ولی آنها که خوی ملایم تری داشتند در چادرها باقی ماندند و زاد و ولد کردند. به این ترتیب نژاد سگ های اهلی به وجود آمد.

هیچکس از تاریخ اهلی شدن این سگها اطلاعی ندارد. قطعاً این کار را به کرات و در جاهای زیادی معمول داشته اند ولی آنچه مسلم است این است که سگها اولین دسته از حیواناتی هستند که اهلی شدند. آنگاه بشر به اهلی کردن بز پرداخت و کم و بیش اطلاعی از چگونگی اهلی شدن این حیوان در دست





و غالباً به نزدیک دهکده‌هایی که انسان‌ها مزارعی به وجود آورده بودند می‌آمدند تا از این محصول تغذیه نمایند. در این موقع ساکنین روستاها به فکر افتادند که تعدادی از این بزها را در کنار خود نگاهدارند زیرا گوشت این حیوانات به نظرشان بسیار ماکول رسید و از طرفی نگهداری آنها بسیار راحت بود. لذا شروع به مراقبت از این حیوانات نموده و آنها را از حمله حیوانات درنده محفوظ نگاه می‌داشتند. به این ترتیب بزها در حدود هفت هزار سال قبل اهلی شدند.

است. در ایام بسیار قدم در سرزمین‌هایی که امروزه به نام ایران، عراق، اسرائیل و سوریه نامیده می‌شود تپه و ماهورهایی وجود داشت که گله‌های بیشمار بز وحشی در آن تپه‌ها مشغول چرا بودند، سکنه این نواحی از دانه‌های گندم و جوی وحشی که در این تپه‌ها می‌روئید تغذیه می‌کردند.

دیری نگذشت که متوجه شدند می‌توان دانه‌ها را کاشت و از آنها محصول به دست آورد، بزهای وحشی این غلات را که بشر می‌کاشت دوست داشتند



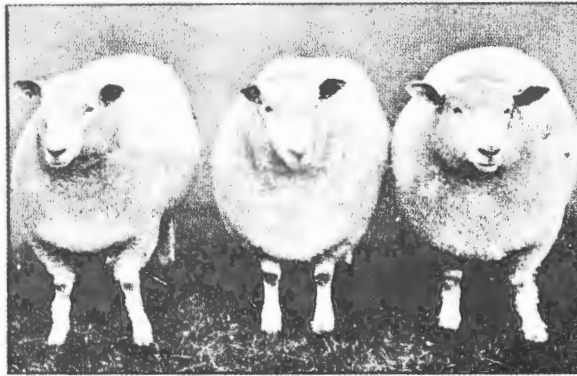
جوجه‌های خود را از صدا، قد و قیافه، هیكل، طرز راه رفتن و بالاخره از روی علائمی که انسان‌ها اطفال را باز می‌شناسند، تشخیص می‌دهند.

ظاهراً جوجه پنگوئن صدای پدر و مادر را می‌شناسد. وقتی پدر و مادرش او را صدا می‌زنند، دوان‌دوان خود را به ایشان می‌رساند. جوجه اردک وقتی سر از تخم درمی‌آورد به جز شکل ظاهری مادرش چیز دیگری نمی‌بیند و اندکی بعد به دنبال همان شکل و قیافه می‌افتد. حال اگر در حین تولد بجای مادرش چشمش به دیگری بیفتد، آن سگ را دنبال

اندکی بعد سکنه همین تپه‌ها به اهلی کردن گوسفند و سپس به اهلی کردن گاو پرداختند.

اکنون پنجهزار سال است که در این سرزمین‌ها الاغ و استر را گرفته و تربیت کرده‌اند.

چگونه حیوانات فرزندان خود را می‌شناسند؟ يك گله بزرگ گوسفند شامل تعداد زیادی گوسفند و میش است که عیناً مانند قطرات آب به یکدیگر شباهت دارند. معمولاً در میان این گله ولو تعداد آن زیاد باشد حیوان به جستجوی فرزند خود می‌پردازد و او را از بوی مخصوصش به سهولت پیدامی‌کند.



خواهد کرد و یا اگر موقع سر از تخم درآوردن چشمش به دانشمندی بیفتد که به مطالعه آن مشغول است به دنبال آن دانشمند خواهد افتاد.

چرا پرندگان نغمه‌سرانی می‌کنند؟ پرندگان زبان مخصوص به خود دارند که بدان وسیله با یکدیگر ارتباط حاصل می‌کنند. این زبان گاهی موزون است و شباهت به آواز خواندن دارد.

پرنده نر برای جلب ماده به نغمه‌سرانی می‌پردازد. همچنین خواندن او بخاطر راندن سایر نرها است که در جنگل یا مزرعه‌ای که او برای سکونت خود اختصاص داده است وجود دارند. و نیز گاهی که می‌خواهد دوستانش را از وجود قفسی در آن

در لحظه تولد بره مادرش نوزاد را می‌بوید و هرگز بوی او را فراموش نمی‌کند. سگ و گربه و بالاخره تمام مادرهای این جهان اطفال خود را می‌شناسند. پنگوئن‌های بزرگسال به شکار می‌روند و بچه‌ها پهلوی یکدیگر مانده و به بازی مشغول می‌شوند، وقتی مادر از شکار برمی‌گردد، تلوتلو خوران از میان یکدسته جوجه گرسنه که تعلق به مادران دیگری هم دارد عبور کرده و تا جوجه‌های خود را پیدا نکند به هیچیک از جوجه‌های دیگر غذا نمی‌دهد، در صورتیکه جوجه پنگوئن‌ها بر حسب ظاهر سرمونی با هم اختلاف ندارند. بنا بر این چگونه جوجه‌های خود را می‌شناسند؟

دانشمندان معتقدند که پنگوئن‌ها مانند انسان

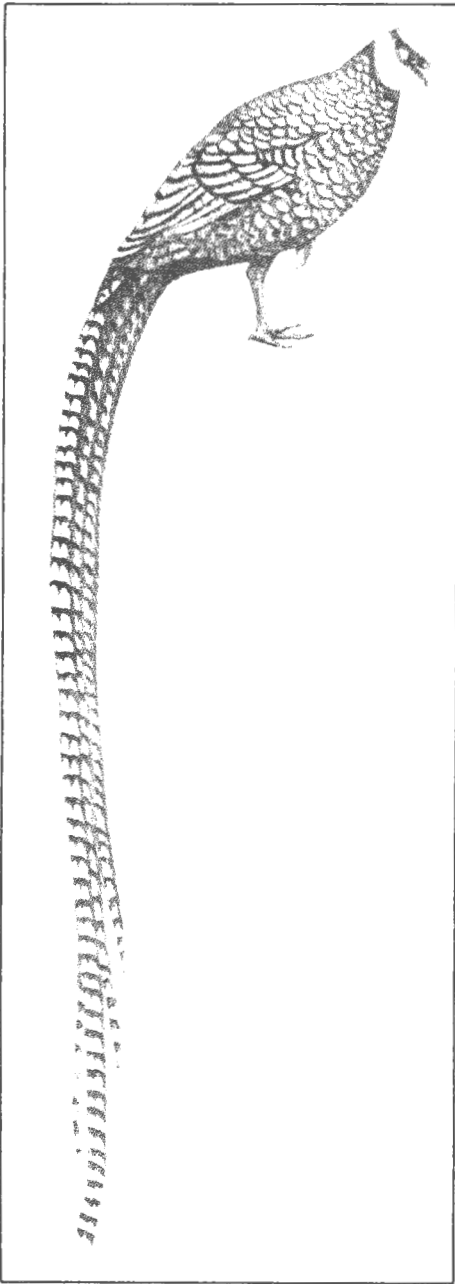
از همه چیز...



می‌کنند که مواد خوراکی پیدا کرده‌اند.
زغن موقعی که می‌خواهد رفقای خود را جمع کند

حول وحوش مطلع سازد نغمه سرائی می‌کند.
بعضی از پرندگان با صدای مخصوص خود اعلام





نوعی از مرغ دریانی که دارای کاکل است و در مردابها زندگی می‌کند، لانه شناور برای خود

صدای مخصوصی سر می‌دهد.

قناریها موقعی که در قفس زندگی می‌کنند به هیج وجه احتیاجی به نغمه‌سرانی ندارند مع‌هذا می‌بینیم که اکثر اوقات به نغمه‌سرانی مشغولند. وقتی مربی، قناری خوش آوازی میان قناریهای محبوس پیدا کند آنرا پرورش می‌دهد تا بهتر نغمه‌سرانی کند و آنرا در قفس قناری پیرخوش آواز می‌اندازد و در حقیقت او را به قناری سالخورده می‌سپارد تا درس آواز به او بدهد!

چرا پرندگان نر و ماده هم‌رنگ نیستند؟ نر و ماده بعضی از انواع پرندگان به هم شباهت دارند ولی غالباً رنگ بال و پرشان با همدیگر متفاوت است. معمولاً رنگ پر و بال جنس نر درخشانتر و پررنگ‌تر از پر و بال ماده است و به وسیله همین رنگ زیبا است که ماده را به سوی خود می‌کشاند

وقتی هنگام تخم‌گذاری فرا می‌رسد ماده در لانه می‌ماند، رنگ کدر و تیره بال و پر ماده به سختی از رنگ لانه تمیز داده می‌شود. این هم‌رنگی در حقیقت نوعی «آرایش و تغییر شکل» است که او و جوجه‌هایش را از آسیب دشمنان محفوظ می‌دارد. پرنده نر با رنگ تند و درخشان خود کمتر به لانه می‌آید زیرا در این صورت وجود او باعث جلب توجه دشمنان شده و برای جوجه‌ها خطر زیادی ببار خواهد آورد.

چگونه پرندگان لانه می‌سازند؟

پرندگان لانه‌های خود را به انواع و اقسام مختلف بنا می‌کنند. نوع انجیرخوار سبزی از چوب و علف می‌یافتد و در آن تخم‌گذاری می‌کند. بعضی از انواع پرستوها تونلی به ارتفاع یک متر در سبب خاکریزها حفر نموده و در انتهای تونل لانه‌ای با پر مرغ و چوب و علف برای خود می‌سازند.

از همه چیز...

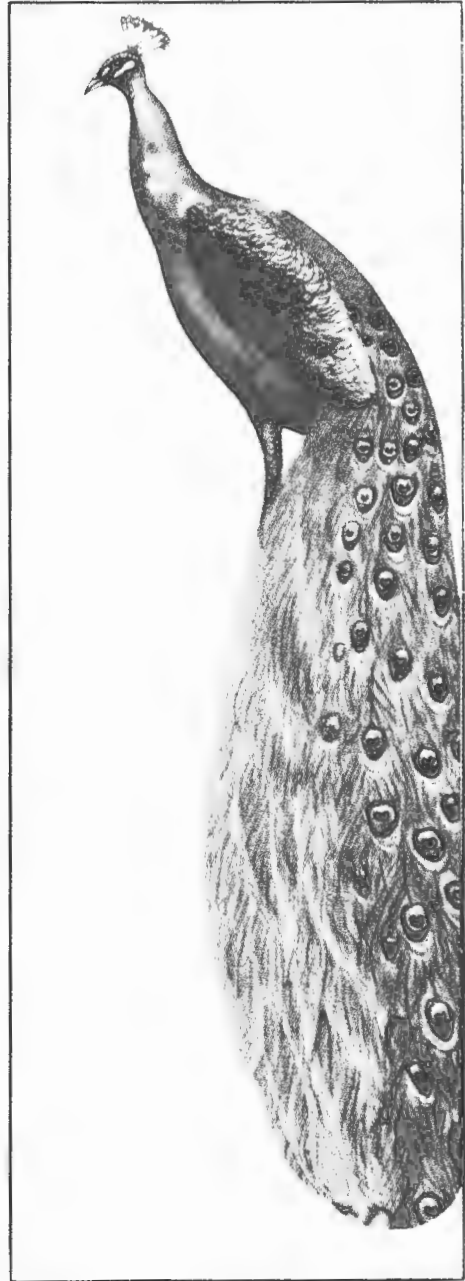


می‌گذارد. نوعی از مرغان گرمسیری يك عمارت واقعی بنا می‌کنند و تعداد دوازده پرنده یا بیشتر در این عمارت که به آپارتمان‌های چندی تقسیم شده است

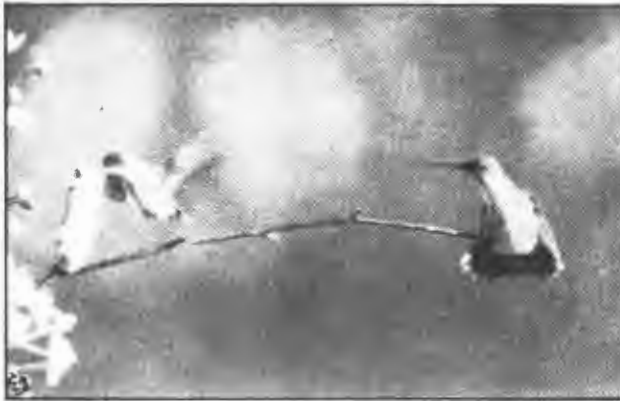


آشیانه می‌کنند.

مرغ مگس‌خوار داخل لانه‌اش را با ابریشم یا با تار عنکبوت یا با پیلۀ کرم ابریشم مفروش می‌کند، سپس مقداری از دانه‌های «لشین خاکستری» که از



می‌سازند. مرغ غواص زیبا مقداری گل به روی هم انباشته و روی نوک آن يك تخم، آری فقط يك تخم



انسانهای اولیه از ساختن خانه‌های بیج در بیج نظیر لانه‌هایی که پرندگان می‌سازند عاجز بودند. مدت‌ها از پیدایش بشر گذشت تا توانست به پای پرندگان برسد حال باید دید پرندگان از کجا و چگونه لانه‌سازی را آموخته‌اند؟

اولاً باید دانست که پرنده هرگز چیزی نمی‌آموزد. وقتی فصل سرما فرا می‌رسد ناگهان پی می‌برد که باید به طریقی خود را از شر سرما حفظ کند. ما نمی‌دانیم فعل و انفعالات ناگهانی به چه طریق در مغز پرندگان به حرکت درمی‌آید اما آنچه مسلم است هرگز پرندگان برای ساختن لانه خود از کسی درسی نیاموخته‌اند.

آیا حشرات ماده ما را می‌گزینند؟ آیا فقط حشرات

تخته سنگها کنده است بر آن می‌افزاید و این دانه‌ها به ابریشم می‌چسبند و رشد می‌کند به طوری که تشخیص لانه این پرنده از شاخه درخت به آسانی امکان پذیر نیست.

نوعی از پرندگان آفریقائی که دارای پاهای باد هستند لانه بزرگی از گل و شاخه‌های باریک درست می‌کنند و به قدری بام این خانه‌ها بزرگ است که انسان می‌تواند روی آن راه برود بدون آنکه سقف لانه فرود آید یا شکسته شود! چلچله‌های دم‌دراز در لوله‌های بخاری لانه می‌گذارند. ترکه‌های نازک را با آب دهن خود بهم چسبانده و از آن سیدی درست می‌کنند، سپس این سبد را به جدار دودکش بخاری یا جاهای دیگر می‌چسبانند و در آن زندگی می‌کنند.

از همه چیز...

پوست ما تزریق کند تا فوراً آن نقطه آماس کرده و به خارش بیفتد.

حشرات ماده کلیه حیوانات را نیش می‌زنند ولی حشرات نر از عصاره گیاهان تغذیه می‌کنند. وقتی حشره‌ای می‌بینید که بالای سرش دو شاخ بزرگ مانند دو آنتن بزرگ دارد یقین بدانید که این حشره نر است و هرگز به شما نیش نخواهد زد! وقتی صدای وزوز حشره‌ای به گوش شما رسید برای آنکه بدانید خطرناک است یا نه لازم نیست آنرا بگیرید بلکه یقین بدانید که آن حشره ماده و خطرناک است و شما را نیش خواهد زد. این وزوزهایی که از حشراتی مانند پشه می‌شنویم مخصوص جنس ماده است و جنس نر ابداً وزوز نمی‌کند.

چرا حیوانات نزاع می‌کنند؟ دو توله سگ با هم مشغول بازی می‌شوند، يك دقیقه بعد با هم کتک‌کاری می‌کنند! قطعاً یکی از آنها دیگری را گاز گرفته است. تمام حیوانات اهلی یا وحشی دارای غریزه دفاعی هستند و به محض اینکه کمترین دردی احساس کنند خوی و طبیعت آنها وادارشان می‌کند که به زدوخورد پردازند و انگهی درد باعث افزایش نیروی عضلانی آنها می‌شود. اگر ضربه به

ماده ما را نیش می‌زنند؟ بعضی افراد هستند که وقتی حشره‌ای از قبیل پشه و ساس و کیک و غیره آنها را می‌گزد، ابداً حساسیتی در مقابل نیش آنها ندارند و نه در محل گزیدگی ورمی حادث می‌شود و نه احساس خارش می‌کنند البته این دسته از مردم که تعدادشان بسیار نادر است از این حیث شانس بزرگی دارند، ولی اکثریت قریب به اتفاق مردم در مقابل نیش حشرات حساسیت دارند، پزشکان معتقدند که همه ما در مقابل ماده‌ای که حشرت در زیر پوست ما تزریق می‌کنند حساسیت داریم.

حشرات نر چندان خطری ندارند. بلکه آنچه خطرناک است حشره ماده است. این حیوان ما را نیش می‌زند، سپس شاخ خود را در سوراخی که به وسیله نیش خود بر روی پوست بدن ما ایجاد کرده فرو نموده و یکی دو قطره خون ما را بیرون می‌کشد، و از این راه تغذیه می‌کند. از خوشبختی حشرات یکی این است که خون بدن ما قابلیت انعقاد زیاد ندارد و زود منعقد نمی‌شود. کما اینکه وقتی سوزنی به دستمان فرو کنیم به این زودپها خون بند نمی‌آید. حشرات ماده در شاخ خود يك مایع ضد انعقاد دارند و این مایع است که ما نسبت به آن حساسیت داریم کافی است که حشره‌ای ذره‌ای از این مایع را در زیر



به جنگ می‌کند. تنها حیوانی که مسائل را از راه تفکر حل می‌کند انسان است.

طبیعتاً انسانها هم خشمگین می‌شوند و بلافاصله به زدوخورد می‌پردازند. البته وقتی چنین پیش آمد کند، باید گفت که انسان از غده‌هایش پیروی کرده و اصلاً از مغزش تبعیت نکرده است.

فیلها دارای غده مخصوصی بین گوشها و چشمهایشان می‌باشند. این غده بطرز اسرارآمیزی متورم می‌شود و نوعی روغن ترشح می‌کند. در این موقع فیلپان یا مربی باید کاملاً مراقب باشد و با احتیاط رفتار کند. زیرا هر لحظه ممکن است به این حیوان خشمی موحش دست دهد و به بهترین دوستانش حمله‌ور گردد.

چرا چشمان گربه در تاریکی می‌درخشند؟ روزها چشمان گربه شبیه پنجره مدوری است که دو پرده طرفین آن کشیده و تقریباً بسته شده باشد. گربه

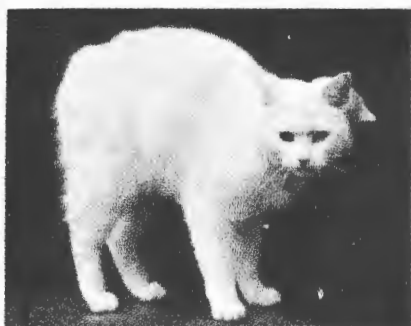
نقطه‌ای از بدنشان وارد شود عیناً مثل آن است که پاشنه تفنگی را کشیده باشند.

البته در بعضی حیوانات تنها محرك آنها درد نیست بلکه صدا، بو و امثال آن ممکن است باعث تحريك خوکه‌ها شود و وقتی خوکی چشمش به خوگ دیگر بیفتد عیناً مثل آن است که نقطه‌ای از بدنش را درد فرا گرفته باشد، سخت عصبانی و خشمگین می‌گردد.

دانشمندان هنوز بعلت اصلی و مکانیسم تحريك حیوانات پی نبرده‌اند و هیچ کس به درستی نمی‌داند آیا حیوانات واقعا دارای خو و غریزه وحشیگری هستند که این غریزه آنها را به زدو خورد می‌کشاند یا عوامل دیگری نیز در کار است.

وقتی سگی را خطری تهدید می‌کند، او دیگر وقت را برای تفکر در باره نقشه جنگی و استراتژیکی تلف نمی‌کند. مغز و غده‌هایش بلافاصله او را وادار





مثل چشمان شما جایی را نمی‌تواند ببیند و همچنین چشمان شما جایی را نمی‌تواند ببیند و همچنین دیگر چشمان او نخواهد درخشید، زیرا نوری وجود ندارد که در آئینه‌های چشم او منعکس گردد، لیکن چشمان گربه بقدری نافذ است که در اندک روشنائی قادر است طعمه خود را شکار کند.

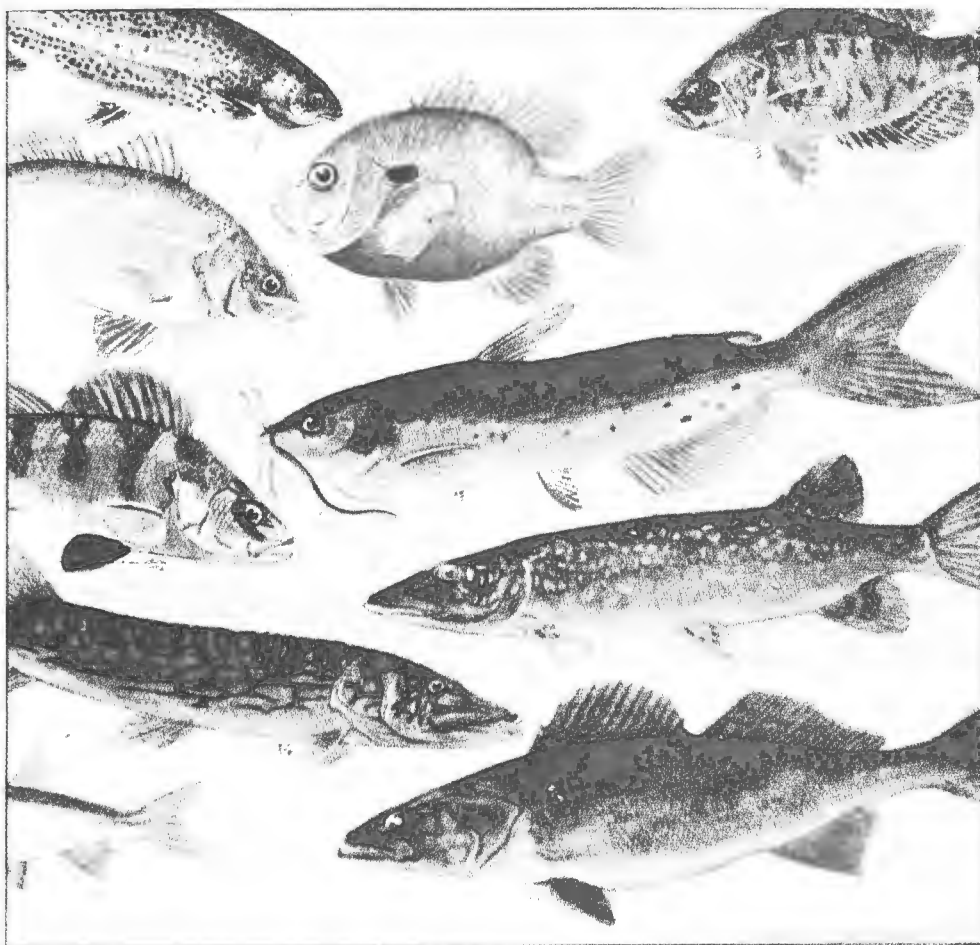
سرعت ماهیها چقدر است؟ سریعترین ماهیهای جهان، نوعی ماهی سفید است که طول آن $1/30$ متر می‌باشد و می‌تواند بطور متوسط ساعتی چهل کیلومتر بپیماید.

اگر شما در فن ماهیگیری بصیرت داشته باشید لابد تصور می‌کنید که ماهی قزل‌آلا سریعتر شنا می‌کند بطوریکه هیچیک از ماهیان به پای او نمی‌رسند! اما این اشتباه است. ماهی قزل‌آلانی که طول آن ۲۵ سانتیمتر باشد، سرعتش از ۹ کیلومتر

می‌تواند از میان این شکاف تنگ که نور از آنجا داخل چشمانش می‌شود، بخوبی ببیند.

ولی شبها این شکاف وسیعتر می‌شود و مثل آن است که پرده‌ها را باز کرده باشند. در این موقع گربه از میان دو پنجره وسیع می‌تواند همه چیز را ببیند ولو اینکه نور ضعیف باشد چرا؟ زیرا انتهای چشمانش دارای شیارهای درخشانی است و مثل این است که هزاران آئینه در آنجا کار گذاشته‌اند. اگر چشمان گربه با نور بسیار ضعیفی هم برخورد کند هر يك از این آینه‌ها آن نور ضعیف را گرفته و تقویت می‌نمایند.

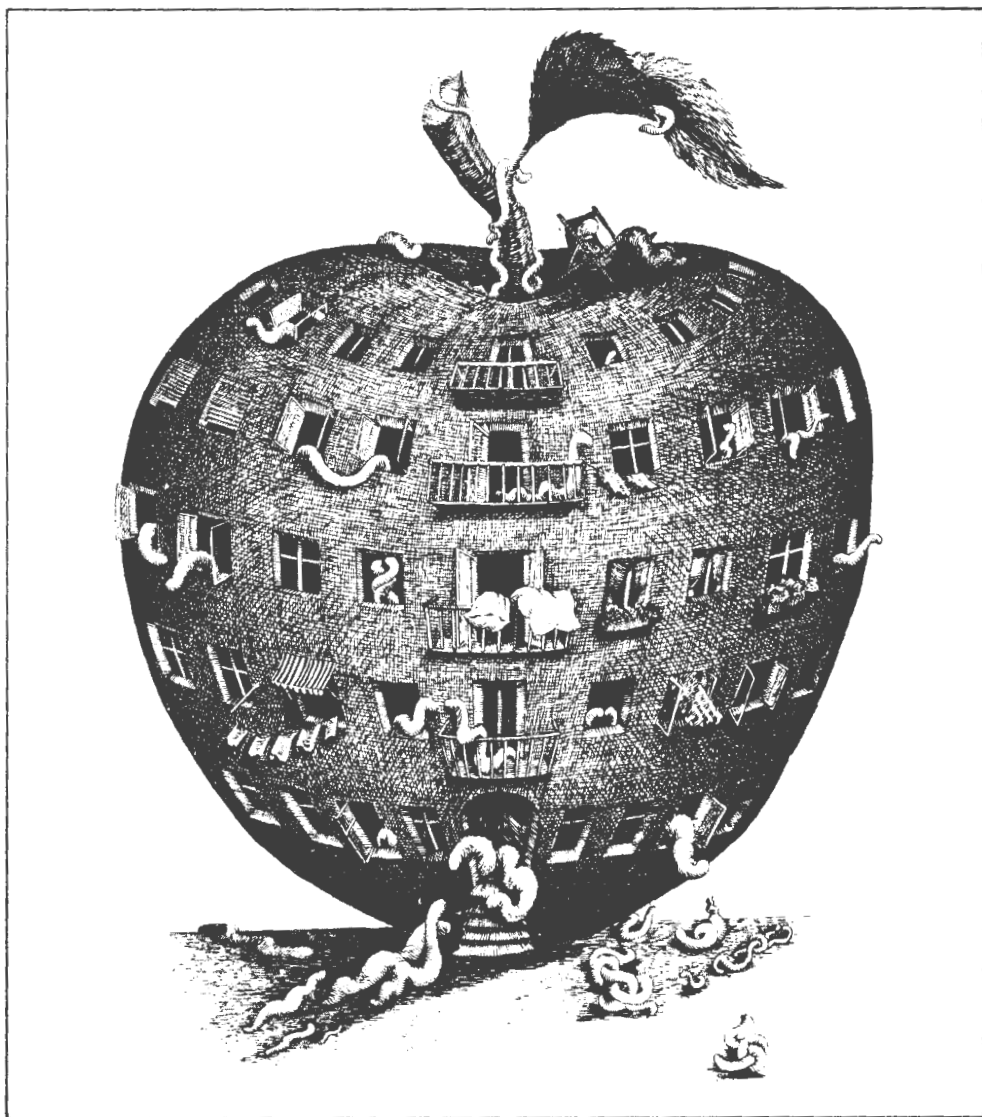
وقتی شبها چشمان گربه را در تاریکی جاده مقابل نور اتومبیل خود درخشان می‌بینید بدان جهت است که آئینه‌های موجود در انتهای چشمهای او نور چراغهای اتومبیل شما را منعکس می‌سازد اگر شما را با يك گربه در اطاق کاملاً تاریکی بیندازند که حتی روشنائی ضعیفی هم در آنجا نباشد چشمان گربه هم



روی شیرین ترین سیبهای باغ که پس از مدتی جستجو آنها پیدا کرده است می نشیند، بعد به کمک شاخه خود سوراخی در آن میوه ایجاد می کند. تخمهای مگس از آن سوراخ به داخل سیب رخنه می کنند. مدتی بعد این تخمها نمو کرده و شکفته می شوند و موجودات ریزی به وجود می آید که اصلاً به مادرشان شباهت ندارند، اینها کرمهای کوچک و سفیدرنگی هستند که از تخم مگس به وجود آمده اند و از آن به بعد تا پائیز به حفر تونل در درون سیبها و به خوردن مواد غذایی آن اشتغال می ورزند، بعد وقتی

در ساعت کمتر است و اگر طول آن ۱۵ سانتیمتر باشد ساعتی شش کیلومتر سرعت دارد.

کرم چگونه داخل سیب می شود؟ خوشمزه ترین سیبها بدون شك سیبی است که کرمی در آن مسکن گزیده و چندین تونل در آن حفر کرده باشد. کرم در سیب بدنیا می آید و در عین حال هم خانه و هم مغازه غذایی فروشی برای او است. همه این حوادث در وسط تابستان شروع میشود. مگسی وزوزکنان به دور باغچه در پرواز است، لحظه ای



شده و دوباره تا وقتی سیبها برسند به زندگی خود ادامه می‌دهد. پس از رسیدن سیبها نظیر سال قبل روی آنها نشسته و آنها را سوراخ کرده و تخم‌ریزی می‌کند.

سیبها بروی زمین می‌افتند، این کرمها در روی زمین مشغول خزیدن میشوند و پوست سختی بر تمام سطح بدنشان روئیده می‌شود.

این پوست به منزله خانه زمستانی آنها است. در داخل این پوست کرم مبدل به مگس می‌شود و تابستان آینده همین مگس از درون آن پوست خارج



روی گلی می نشینند گرده گلها به پای آنها می چسبند و وقتی این حشرات روی گلهای دیگر از همان خانواده می روند گرده ها را به تخمدان این گلها منتقل کرده باعث باروری آنها می گردند. اما انواع دیگر گلها برای تولید مثل احتیاجی به حشرات ندارند، زیرا یا نرینه و مادینه آنها در کنار هم هستند و یا گرده ها به وسیله باد یا وسایل دیگر منتقل می شوند، بنابراین این نوع گلها بی بو و بی عطر هستند.

اطلاعات شنیدنی در خصوص گیاهان

چرا انجیر يك میوه بهشتی است؟ در قرآن کریم از انجیر تعریف شده حتی به آن قسم خورده شده است. این کلام آسمانی ارزش انجیر را نشان می دهد. بسیاری از مادران صبحها به فرزندانشان انجیر می دهند تا باهوش شوند چه بسیار کسانی هستند که در زمستان انجیر را خیسانده و برای اشتها به کودکان می خوراند.

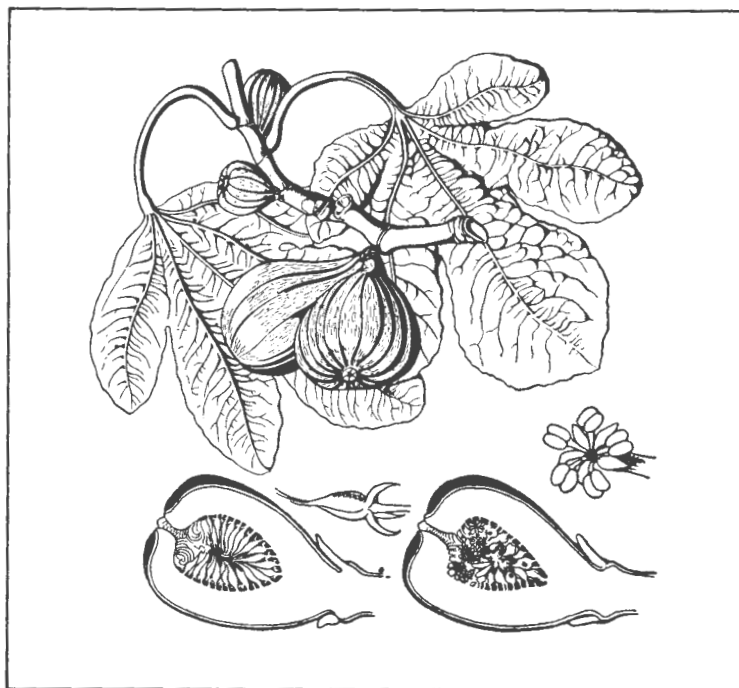
دانش پزشکی به همه این مطالب صحه می گذارد و این واقعیت را از نظر علمی تایید می کند که انجیر میوه با ارزش از لحاظ تامین سلامتی برای همه است.

گاو جنگی برای تحریک او به مبارزه، يك سنت و عادت بسیار قدیمی است که تا به حال کسی در صد تغییر آن بر نیامده است.

هر جسمی را جلوی گاو جنگی تکان دهند، حیوان تحریک خواهد شد. حتی تکان دادن يك پارچه سفید یا سیاه به مراتب حیوان را بیشتر از پارچه قرمز تحریک می کند. زیرا گاو قادر به تشخیص رنگها نیست، ماده گاو هم همینطور است. لذا هر چه را ببیند به نظرش سیاه، سفید، یا خاکستری می رسد، درست مانند مناظری که شما بر پرده تلویزیون مشاهده می کنید.

سگها و گربه ها و بسیاری از حیوانات دیگر اصولاً رنگها را نمی بینند بر عکس مار رنگها را می بیند. همچنین ماهی و بعضی از حشرات و برخی از پرندگان مخصوصاً پرندگانی که در روز مشغول فعالیت هستند، رنگها را می بینند.

نقش عطرو بو در گلها چیست؟ عطر یکی از وسایلی است که به بعضی از گلها کمک می کند تا تولید مثل کرده تکثیر شوند. بوی مطبوع گل حشرات را به خود جذب می کند و آنها وقتی که بر



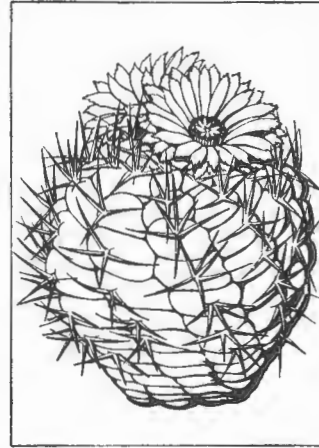
اوریک و کلسترول نقش حیاتی دارد در انجیر به مقدار لازم وجود داشته و می‌تواند حیات و زندگی ما را با سلامت توأم سازد. مواد معدنی دیگر چون منیزیم و مقدار کمی منگنز که در انجیر وجود دارد نیز نقشی حیاتی در حفظ و تعادل بن‌های بدن و خون داشته و از این رو نیز به حفظ سلامت ما کمک می‌نماید. لازم به یادآوری است که امروزه کارخانجات بزرگ داروسازی از مواد موجود در انجیر و خواص حیاتی آن بهره‌گیری نموده و با ساختن داروهای لازم جهت درمان و دفع سموم بدن استفاده می‌نمایند. انجیر به خاطر خاصیت قلبیانی که به بدن می‌دهد سمومی را که بر اثر مصرف زیاد مواد گوشتی در بدن ایجاد می‌شود دفع می‌نماید و نیز به ترشح صفرا کمک می‌نماید. وقتی بدانیم که گذشته از مواد زندگی بخش و حیاتی، انجیر به مقدار کافی دارای ویتامین، آ، ب، ۱، ب، ۲، ب، ۶ ویتامین ث می‌باشد

وجود مقدار زیادی فسفر این حقیقت را نشان می‌دهد که انجیر در پرورش هوش و حافظه بسیار موثر است. سرشار بودن انجیر از پتاسیم تامین کننده سلامتی کودکان ضعیف و کم خون و بی‌اشتها می‌باشد.

داشتن مقدار معتدله‌ی کلسیم در انجیر که سازنده خون و استخوان بوده و در ایجاد عضلات بدن وجودش ضروریست و نیز نیروی اعصاب و قدرت جسمانی را افزون می‌نماید، نشان دهنده ارزش زندگی بخش انجیر است. وجود آهن در انجیر که برای ادامه حیات و فعالیت خونسازی بدن و نیز جذب اکسیژن و تامین سوخت سلولهای بدن بدان نیاز شدید دارد ارزش حیاتی انجیر را دوچندان می‌نماید.

و نیز پتاسیم که برای فعالیت قلب و کلیه وجودش ضروری بوده و در دفع سموم بدن چون اوره و اسید

آنوقت قبول خواهیم کرد که چرا در کتاب آسمانی ما این میوه اینقدر مورد تجلیل قرار گرفته است.



چرا کاکتوس‌ها مقاوم هستند؟ درختها و گیاهان آبی را که بوسیله ریشه از زمین می‌گیرند بوسیله برگها از دست می‌دهند، اما از آنجا که کاکتوس‌ها دارای برگ نیستند هر قدر آب که به وسیله ریشه از زمین بگیرند، حتی اگر مختصر هم باشد، در خود نگهداری می‌کنند، زیرا کاکتوس به جای برگ دارای تیغ‌هایی

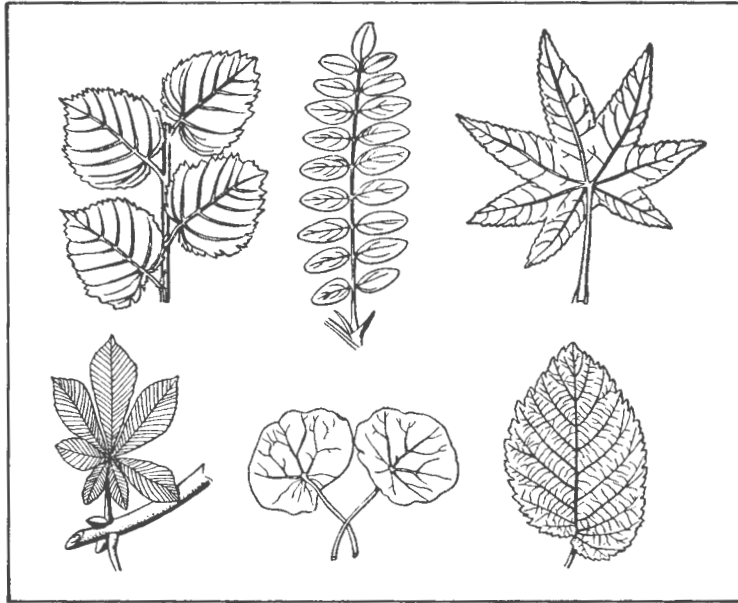


است که مانع تبخیر آب می‌شوند.

چگونه ریشه در خاک نفوذ می‌کند؟ انتهای ریشه نباتات برای کاری که باید انجام دهد بسیار نرم و شکننده به نظر می‌رسد. چه این قسمت باید به زور داخل زمین سفت که گاهی پر از سنگ است بشود. حل این معما بدست سلولهای است که هنگام روئیدن ریشه به وجود می‌آیند. هر سلول دارای پوشش نازکی است که با وجود نازکی، بسیار محکم است و محتوی مایعی است که قسمت اعظم آن آب است. سلولهای ریشه یکی بعد از دیگری از این مایع پر می‌شوند. البته يك سلول به تنهایی چندان نیرومند به نظر نمی‌رسد لیکن در هر ریشه چندین هزار سلول وجود دارد و وقتی این چند هزار سلول نیروی خود را علیه زمین روی هم بگذارند قادرند سوراخی در آن زمین ایجاد کرده و در آن نفوذ کنند ریشه‌های دیگری ممکن است در اطراف روئیده شود. چنانچه ریشه‌ای بتواند در سنگی رخنه کند آن سنگ را می‌شکند و خرد می‌کند! در انتهای هر ریشه سلولهای مخصوصی وجود دارد که به تدریج فرسوده می‌شوند ولی در حین عمل مایعی از آنها جاری می‌شود که برای رخنه در سنگها کمک موثری به ریشه می‌کند.

گاهی اوقات ریشه‌ها قادرند که از زمین یخ بسته یا سنگی که چندین سانتیمتر قطر آن باشد عبور کنند. سلولهای این قبیل ریشه‌ها نیروی لازم را به آن‌ها می‌دهند.

چرا برگها به رنگهای مختلف درمی‌آیند؟ رنگ سبز برگها در تابستان بعلت تولید يك عنصر شیمیائی است که آنرا ماده رنگی (کلروفیل) می‌نامند. برگها علاوه بر این دارای «ماده رنگی زرد» نیز هستند که به چشم دیده نمی‌شود. زیرا رنگ سبز آنرا پوشانده است. در فصل پائیز دیگر برگها ماده رنگی



از چمن منزل را با جعبه‌ای بپوشانید پس از چند روز وقتی جعبه را بردارید ملاحظه می‌کنید که یک مربع زرد رنگ در میان چمن پیدا شده است. گیاهان هم مانند برگها دارای همان ماده سبز هستند و این ماده در نور آفتاب تولید می‌شود. وقتی گیاه از نور آفتاب محروم شود، دیگر ماده سبز تولید نمی‌شود و دانه‌های گیاه تمام ذخیره را مصرف کرده و رنگ سبز ناپدید می‌گردد. اگر گیاه و برگ مدتی مدید از نور محروم باشند از بین می‌روند.

گلها چگونه زاد و ولد می‌کنند؟ نهال جوان از دانه بوجود می‌آید و دانه نیز از گل بدست می‌آید. پس گلها از کجا به وجود می‌آیند؟ تولید مثل گلها عینا شبیه تولید مثل حیوانات است. وقتی نر و ماده بخواهند نوزادانی داشته باشند آنقدر به جستجوی هم برمی‌آیند تا یکدیگر را پیدا کنند. ولی نباتات نمی‌توانند از جای خود حرکت کنند. دهمورد نباتات ناچار پای عده‌ای واسطه یا میانجی به میان می‌آید و

سبز بنام کلروفیل نمی‌سازند، در این موقع رنگ زرد ظاهر می‌شود و برگها زرد رنگ به نظر می‌آیند.

برگهای پائیزی گاهی دارای ماده رنگی سرخ نارنجی بنفش هستند که رنگ زرد را می‌پوشاند لیکن این مواد بجز روزهای آفتابی و شبهای سرد فعل و انفعال نمی‌کنند و به همین دلیل است که برگها در بعضی سالها رنگ درخشانی دارند.

در همان حال که رنگ برگها تغییر می‌کند، قاعده برگها خشک می‌شود و از حالت نرمی بیرون می‌آید و نوعی سد و بند به وجود می‌آید و مانع می‌شود که آب و غذا میان ساقه و برگ درخت جریان پیدا کند. کم برگ از صورت زنده خارج می‌شود و دیگر قسمت جاندار درخت را تشکیل نمی‌دهد، یک تکان یا یک باد حتی یک نسیم مختصر در اواخر فصل پائیز کافی است که آن را به زمین بریزد! در این موقع است که نمایش پایان می‌یابد و پرده می‌افتد اما چرا وقتی روی گیاه را می‌پوشانند گیاه زرد می‌شود؟

خودتان می‌توانید یک آزمایش انجام دهید. قسمتی



سرخ بندرت پیدا میشود وانگهی زنبور عسل رنگ قرمز را نمی بیند.

گل مورد علاقه پروانه های شبانگهی گل آویز زردرنگ است. رنگ این گل روشن است و به همین دلیل این نوع پروانه ها در طی گردش شبانه خود می توانند آنها را ببینند. نوعی گل های سه رنگ هستند که مگسها را بطرف خود می کشانند زیرا از این گلها بوئی نظیر بوی گوشت فاسد متصاعد می شود.

وقتی شما فراموش می کنید چمن منزل را قیچی کنید، گلهای علفی در آن سبز می شود که نه بوی خوبی دارند و نه رنگ زیبایی اما باد بدون توجه به رنگ و بوی آنها «پولن» را با خود به گیاه دیگر منتقل می کند. حیواناتی که به جستجوی «پولن» هستند غذای خود را از قسمت های اصلی گل بدست می آورند. غالب اوقات راهنمای این حیوانات همانا

این واسطه ها غبار زرد رنگ نبات را از قسمت نر به قسمت ماده نبات دیگر منتقل می کند. این میانجی ها عبارتند از باد، حشرات و حتی گاهی پرندگان و موش کور.

غالب این حیوانات «پولن» یا گرد زردرنگ را در حالی که در جستجوی غذا هستند از درختی به درخت دیگر منتقل می سازند. بعضی حشرات مانند زنبور عسل از همین «پولن» تغذیه می کنند و این امر چندان مهم و خطرناک نیست زیرا گلها دارای ذخیره فراوان «پولن» می باشند.

بسیاری از گلها عصاره شیرینی تولید می کنند که حشرات عاشق آن عصاره هستند.

پروانه به گل میخک علاقه وافری دارد. گل میخک قرمز یا سفید است و پروانه برعکس زنبور عسل رنگ سرخ را می بیند. زنبور عسل گل زنبق را دوست دارد. این گل آبی رنگ و یا زرد رنگ است. گل زنبق

از همه چیز. . .

وقتی گلبرگها بسته می شوند «پولن» که عنصر بسیار گرانبهای گل است محفوظ می ماند، اگر حشرات «پولن» را از گلی به گل دیگر منتقل نسازند هیچ دانه ای تشکیل نخواهد شد و برای بهار آینده گلی وجود نخواهد داشت. حشراتی که بر روی گلها می نشینند، معمولاً روزهای آفتابی را که هوا صاف است انتخاب می کنند. چنانچه «پولن» مدتی در لای گلبرگها پنهان و محفوظ بماند برای مواقعی که حشرات شروع به کار می کنند مقدار کافی ذخیره خواهد شد. گلها دارای مغز متفکر نیستند و به دلخواه خود باز و بسته نمی شوند بلکه تا حدودی به درهای خودکار شباهت دارند بدین معنی که فشار آبی که بر اثر وجود نور از قسمتهای داخل نبات بالا می رود، لوله های آنها را باز می کند ولی وقتی نور نباشد این لوله ها آب خود را از دست می دهند و نرم می گردند. در این موقع است که گل بسته می شود. بسیاری از گلها بسته نمی شوند و «پولن» خود را

رنگها است. همچنین بوی گل هم می تواند راهنمای آنها باشد. روی بعضی از گلهای روشن خطوط تیره ای رسم شده است، این خطوط یک راست منتهی به مخزن «پولن» می شود.

شکل گلها نیز می تواند به حیوانات کمک کند. بعضی از گلها مخصوص حشراتی است که زبانشان کوتاه است.

بعضی از گلها مجهز به یک فرودگاه واقعی هستند که حشرات در آن فرود می آیند.

یکی از دانشمندان گلها را بر حسب طریقه انتقال «پولن» آنها طبقه بندی کرده است.

چرا گلها در شب بسته می شوند؟ چون شب فرا رسد گلهایی از قبیل نیلوفر، شقایق، مینا و تقریباً تمام گلها گلبرگشان بسته می شود. حتی بعضی از گلها موقعی که باران می بارد تا وقتی هوا آفتابی نشده باز نمی شوند.



بطریق دیگری محافظت می کنند.

خواهند بود. نباتات دریائی غالباً از چشم ما پوشیده



هستند ولی دارای فوائد بی شماری هستند. ماهیان و حیوانات دریای که خوراک انسان را تشکیل می دهند از همین نباتات تغذیه می کنند.

چرا گلها سرخ می شوند؟ این فقط مردم کمرو نیستند که سرخ می شوند، بلکه انواعی از گلها نیز به طور ناگهانی قرمز می شوند. برای مثال، گلبرگهای بزرگ و زرد رنگ پامچال، کمی پس از گرده افشانی، به رنگ نارنجی مایل به قرمز درمی آید و شهد آن خشک می شود. دو گیاه شناس دانشگاه تل آویو به نامهای آنریکوویچ و لازار، با پژوهشهایی که در باره دو عامل گرده افشانی گل، یعنی پروانه بید وزنبور عسل به عمل آوردند، دریافته اند که حشرات از گلهایی که آشکارا سرخ می شوند دوری می کنند و بیشتر به طرف گلهای زردی که هنوز گرده افشانی نکرده اند جذب می شوند. به این ترتیب، گیاهان به گرده افشانهای خود می فهمانند که نیرویشان را صرف نشستن بر روی گلهای بدون شهد نکنند.

برای کشف اینکه چگونه حشرات موجب سرخ

چگونه بعضی از نباتات زیر آب زندگی می کنند؟ بشر هرگز بدون تنفس گاز نامرئی موجود در هوا به نام «اکسیژن» قادر به ادامه حیات نیست نباتاتی هم که در هوا زندگی می کنند به گاز دیگری بنام «گاز کربنیک» نیازمندند که آنها در هوا موجود است.

نباتات آبی هم بدون گاز کربنیک قادر به زندگی نیستند و شاید تصور کنید که این قبیل گیاهان از حبابهای کوچک هوا که در آب موجود است استفاده می کنند ولی اینطور نیست. گاز کربنیک در آب حل می شود. بنابر این در آب رودخانه ها و دریاچه ها و حتی در اعماق اقیانوسها گاز کربنیک محلول در آب وجود دارد. بنابر این از نظر تئوری گیاهان در اعماق آنها و مثلاً در یک هزار و پانصد متری از سطح آب قادر به زندگی خواهند بود ولی عملاً این امر غیرممکن است زیرا نور خورشید به چنین عمقی نمی رسد و نباتات آبی نمی توانند بدون نور خورشید به حیات خود ادامه دهند. بنابر این این قبیل نباتات یا در سطح آب و یا در عمق کمی قادر به ادامه زندگی

از همه چیز...

بلند و گل‌های بزرگ دارد و دانه آن دراز و سیاه رنگ است که بو می‌دهند و می‌خورند.

ارغوان: درختی است که در بهار گلی بسیار سرخ می‌دهد و گل آن بیش از برگ می‌دمد و آن گل را نیز گل ارغوانی گویند.

اسپرگ: گیاهی است از تیره‌های نزدیک کوکناریان که سنبله‌های آن بسیار دراز است و در رنگ‌ریزی بکار می‌رود.

اسپند: یا سپند از نباتاتی است که دود کردن آن دارای فایده بهداشتی است.

اُکالیپتوس: از درختچه‌هایی که هم در شمال و هم در بعضی از نواحی جنوب ایران می‌روید. این درخت همیشه سبز است و انواع زیاد دارد برگ خشک آن را دم می‌کنند و بخور آنرا برای مداوای سرماخوردگی و زکام بکار می‌برند.

انجیر: درختی است از تیره گزنه‌ها که بلندی آن به ۱۲ متر می‌رسد و در نواحی معتدل و گرم بهتر می‌روید نام علمی این درخت (Ficus) و میوه آن شیرین و لذیذ است.

انگور: این میوه لذیذ که در بعضی از نواحی ایران انگیز نیز خوانده می‌شود از درختچه‌ای بدست

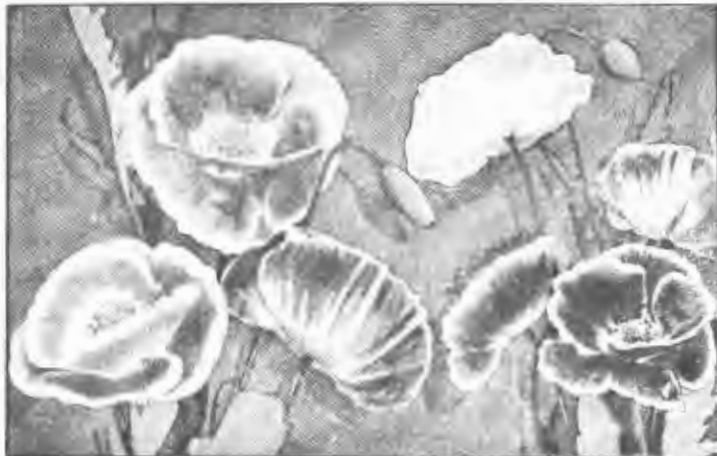
شدن گل‌ها می‌شوند، دو دانشمند نامبرده گل‌ها را لمس کردند، اما اثری مشاهده نشد. ولی با کشیدن شهد گل‌ها توسط لوله‌های کوچک مویین یا با گرده افشانی، توانستند تغییر رنگ را مشاهده کنند. شگفت‌آورتر از همه این بود که کشیدن شهد و سپس بازگردانیدن سریع آن به شهدگاه، سرخی گلبرگ را از بین می‌برد و رنگ گل‌ها را باز می‌گرداند. این امر پرسشهای جالب توجهی را در این زمینه که چگونه شهدگاه عوامل گرده افشانی خود را تشخیص می‌دهد، برمی‌انگیزد

درخت چوب پنبه چه نوع درختی است؟ چوب پنبه سبک‌ترین نوع چوبی است که در طبیعت وجود دارد و بیشتر برای در بطری‌ها و یا وسایل ماهیگیری به کار می‌رود.

چوب پنبه از پوست نوعی درخت بلوط بدست می‌آید که مخصوصاً برای استفاده از پوست کاشته می‌شود.

راجع به این نباتات چه می‌دانید؟

آفتاب گردان: گل معروفی است که ساقه‌های





بادنجان: از کاستنی‌های فصلی که در تابستان رشد می‌کند و گل‌های بنفش و برگ‌های دراز و تخم کوچک زردرنگ و میوه بنفش یا سیاه دارد.

باقلا: یا بافالی، از گیاهان دولبه، دارای گل‌های سفید یا خالهای سیاه، در ایران دانه‌های آن بصورت آب‌پز یا در پلو به مصرف خوراک می‌رسد و در اروپا بیشتر دانه‌های بافلا را به حیوانات اهلی می‌خورانند.

برنج: غله‌ایست که در نواحی پر آب و بر باران آسیای شرقی و جنوب شرقی و ایالات شمالی ایران و خوزستان و اصفهان می‌روید دانه سفید رنگ و کشیده و انواع گوناگون دارد.

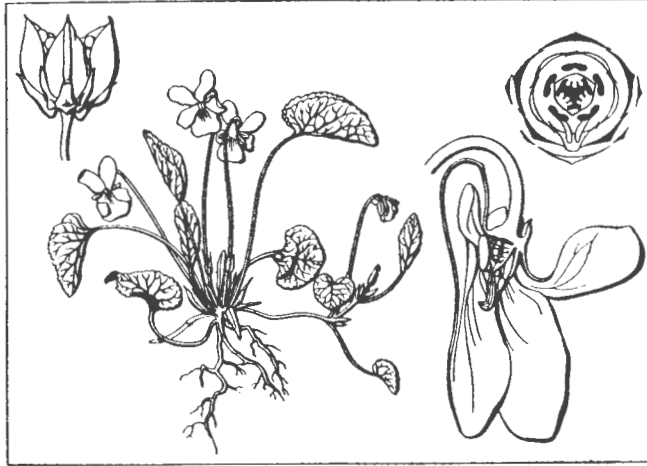
بلوط: از گیاهان خانواده (Fagaceae) که در ایران انواع گوناگون آن وجود دارد. نام بلوط از ریشه پهلوی (Balut) گرفته شده، چوب آن بسیار سخت و میوه آن دارای مواد غذایی بسیار مفید است.

بنفشه: از ریشه پهلوی (Vanafshak) از گیاهان تیره

می‌آید که از تیره رزها و مهمترین جنس آن مویا رز است که در اکثر نقاط متعادل سطح زمین کاشته می‌شود، انگور انواع و موارد استفاده بسیار دارد. شراب و سرکه و الکل از انگور بدست می‌آید. انگور بیدانه خشک بنام کشمش و انگور سفید و درست خشک بنام مویز و دانه‌های خشک انگور سیاه بنام شاهانی خوانده می‌شود.

بابونه: نباتی است پربرگ دارای گل سفید، در زمین‌های شن‌زار ایران می‌روید و نوع وحشی آن بسیار معطر است. این گیاه هم در تغذیه به کار می‌رود و هم مصرف طبی دارد.

بادام: از ریشه پهلوی (Vatam) درختی است از دسته بادامی‌ها از تیره گل سرخسپان مغز هسته آن که درشت می‌شود گاهی تلخ و بعضی از جنس‌های آن شیرین است. این درخت را در کردستان بادامک می‌خوانند.



قدیم از ساقه آن چیزی می ساختند شبیه بادبزنی و روی آن با مرکب مخصوص می نوشتند. پرسیاوشان: یا پرسیاوش، از گیاهان خود روی داروئی ایران است.

بسته: دانه مغزدار است که مغزش لذید و متمایل به سبز خوش رنگ و بسیارمقوی است درخت بسته درازخنی شور بهتر پرورش می یابد. پیاز: گیاهی است از نوع سیر از دسته سوسن ها از تیره سوسنی ها ساقه زیرزمینی این گیاه که مقدار زیادی مواد غذایی ذخیره می کند از گیاهان غذایی بسیار سودمند است.

تاتوره: گیاهی است از تیره بادنجانیان از گیاهان دولیه پیوسته گلبرگ، کیسولهای آن دارای خار بسیار است و به چهار شکاف باز می شود، ماده سمی آن به نام داتورین از مواد مخدر قوی است.

تاجریزی: نام میوه گیاهی است که یکی از داروها می باشد و در طب معروف به عنب الثعلب (انگور روباه) است و خوشه و دانه ای شبیه به انگور دارد.

ترخان، ترخون: یک نوع سبزی است که خام خورده می شود.

ترنج: چین و شکن که از درهم فشرده گی حاصل شود.

بنفشه ها دارای گلهای نامنظم و مهمیزدار و بر دو نوع است: یکی بنفشه معطر که گل آن در طب بعنوان ملین بکار می رود و دیگر بنفش سه رنگ یا بنفشه فرنگی که برای زینت کاشته می شود.



پاپیروس: گیاهی از نوع نی و جگن که مصریان

فشرده می‌دهد. میوه آن خوراکی است و برگ آن برای تغذیه کرم ابریشم بکار می‌رود و انواع مختلف دارد مانند توت سفید، توت قرمز، توت سیاه (شاتوت یا شاه‌توت).

توت فرنگی: گیاهی است از تیره گل سرخسیان که میوه آن لذیذ است و در آب و هوای معتدل و اراضی رسی، شنی و آهکی و باغچه‌های آفتابی بعمل می‌آید. ساقه این گیاه خزنده و برگهای سه برگه است و انواع زیاد دارد.

جو: از ریشه پهلوی (jav) از دسته غلات است و سنبله آن ساده و شاخه‌های انتهایی زبانک آن دراز و دانه‌های آن به زبانچه چسبیده است.

چای: گیاهی است که درخت آن به حالت خودرو ممکن است به ارتفاع ده متر برسد ولی چون برگهای آنرا همه ساله می‌چینند برورش یافته آن از دو متر

میوه‌ای است از نوع مرکبات که پوستی مانند پوست نارنج دارد و ترش مزه است.

ترنجبین: از نباتات طبی است.

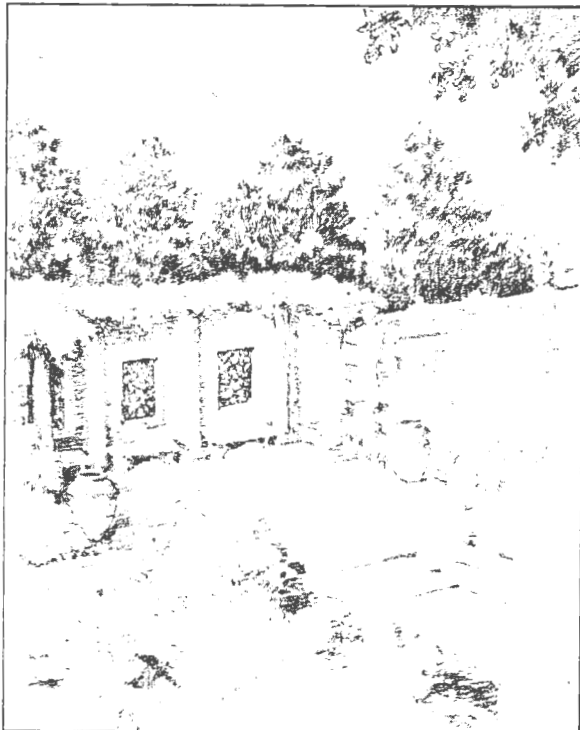
تره: هر نوع سبزی خوردنی.

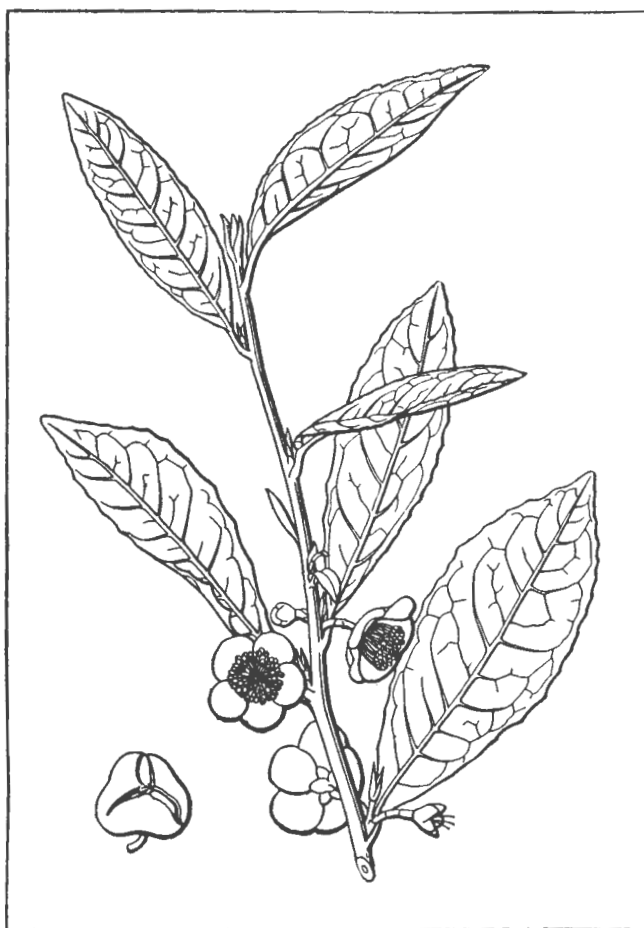
تره تیزک: یا شاهی یا ترتیزک گیاهی است از تیره چلیپائیان که مصرف غذایی فراوان دارد.

تمشک: گیاهی است از دسته تمشک‌ها از تیره گلسرخیان که به حالت وحشی در نواحی ساحلی گرم و مرطوب خاصه در مازندران و گیلان فراوان است.

میوه این درخت ترش و شیرین و از توت فرنگی ریزتر است و در شمال بنامهای گوناگون مانند تلو، تلاس، تمش، تموش خوانده می‌شود. در کتب قدیمی بنام توت سه گل خوانده شده است.

توت: از ریشه پهلوی (Tut) درختی است از تیره گزنه‌ها که گل‌های ماده آن تشکیل سنبله‌های بهم





نواحی ایران می‌روید. در کردستان و بعضی نواحی غرب ایران درخت تبریزی را چنار و درخت چنار را «جوهر» می‌خوانند. چوب این درخت در صنایع مختلف از جمله در نجاری به کار می‌رود.

حنا: از نباتات رنگی ایران که از بوته آن رنگ قرمز و زرد مخصوص بدست می‌آید صحیح این لغت (حناء) است.

حنظل: میوه بوته‌ای و بسیار تلخ است.

خارخسک: گیاهی است از تیره چتریان که ساقه‌های دراز و چترهای کم گل و دانه‌هایی است که

بلندتر نمی‌شود. این درختچه در نقاط معتدل و نسبتاً مرطوب می‌روید و پس از بعمل آوردن برگهای آن چای معمولی بدست می‌آید که دارای ماده (Theine) (شبهه به کافئین) است.

چغندر: گیاهی است از تیره اسفناجیان دارای جنس‌های متعدد و در ریشه‌های ضخیم آن مواد غذایی بسیار مخصوصاً قند اندوخته می‌شود. چغندر قند دراز و کشیده رنگ و چغندر معمولی گرد و سرخ یا زرد است.

چنار: از درختان برگ پهن بی‌میوه که در غالب



الکتاب المصوّر

خرما: میوه تابستانی بسیار شیرینی است که در مناطق گرمسیری می‌روید و هستهٔ بلندی دارد.

درخت خرما تنه بلندی دارد و همیشه شاخه‌های زائد آنرا می‌زنند و فقط قسمتی از آنها در قسمت بالای درخت باقی است. میوه درخت خرما مستقیماً از تنه درخت خارج می‌شود و خوشه‌های بزرگی تشکیل می‌دهد.

خرمالو: میوه شبیه به گوجه‌فرنگی، طعم آن شیرین و لذیذ و شبیه به طعم خرما می‌نورس است. درخت خرمالو در تهران فراوان است.

خلر: نخودفرنگی - دانه‌های شبیه باقلا.

خیار: میوه بوستانی سبز و درازی است که گل‌های

برجستگی‌های روی آنها بصورت خارهای کوچک و منحنی در می‌آید و به لباس می‌چسبند.

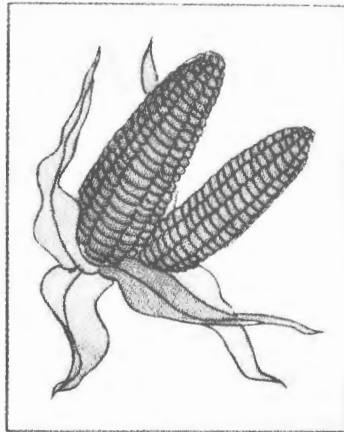
خارشتر: بوتهٔ خاری است که در دشت‌های کم‌رطوبت می‌روید و شتر آنرا با رغبت تمام می‌خورد، این گیاه از دستهٔ اسپرس‌ها و دارای صمغی است که آنرا ترنجبین می‌گویند و مصرف طبی دارد.

خربز، خربزه: میوه شیرین و لذیذی که بوته آن روی زمین کشیده می‌شود و از محصولات صیفی است.

خردل: گیاهی است از تیرهٔ چلیپائیان که نوع سفید و سیاه دارد و دانه سیاه آن بیشتر مصرف می‌شود.

از همه چیز...

انواع ریواس در صنعت چرمسازی بکار می‌رود.
زردآلو: میوه زرد رنگ خوشبو و خوش طعم
وهسته‌دار که پیش از سایر میوه‌های درختی می‌رسد.
زرد چوبه: از گیاهان منطقه فوق استوایی که
ریشه آن زرد رنگ است و جزو ادویه در خوراك
مصرف می‌شود و برای تهیه رنگ نیز به کار می‌رود.
زعفران: میوه جنگلی شبیه سیب و از آن کوچکتر



که رنگ آن مانند ازگیل است و در خراسان آنرا علف
شیران و علف خرس می‌گویند.
زعفران: گل گیاهی است که پیاز آنرا با رعایت
شرایط خاصی می‌کارند و از سال چهارم کشت به بعد
محصول می‌دهد. این گیاه از نباتات رنگی و طبی
است و مصرف غذایی نیز دارد.
زنجبیل گیاهی است که ریشه آن زیر خاک
پراکنده می‌شود. ریشه زنجبیل قهوه‌ای رنگ است و
کوبیده و سوده آنرا در ادویه برای خوشبو ساختن
غذا بکار می‌برند. گیاه منطقه فوق جنوبی و جنوب
شرقی است.
زیتون: از درختان جنگلی ایران در منطقه گیلان
که میوه آن گوشتی و دارای هسته و از میوه‌های
روغن‌دار و دارای مصرف غذایی گوناگون و مصارف
طبی است.

زرد و برگهای عریضی دارد و بوته‌اش روی زمین
کشیده می‌شود.
خیارشنب، چنبر: یک نوع خیار دراز و شیارداری
است که بوته و گلش شبیه به خیار سبز است.
دارچین: پوست چوبی است بسیار خوشبو و
برای لذیذ کردن اغذیه به کار می‌رود. از چوبهای
مناطق حاره است.

ذرت: گیاهی از تیره غلات و دانه‌های آن دارای
مقدار زیاد نشاسته است. آرد ذرت بجای آرد گندم
برای تغذیه به کار می‌رود. خوشه ذرت مرکب از یک
هسته چوبی و مقداری دانه‌های زرد یا سفید است که
منظم و پیوسته و هر یک به اندازه نخود کوچک و تمام
سطح خوشه از این دانه‌ها پوشیده است. بلال، گندم
مکه، گندم مصری، گندم مکی، نامهایی است که در
مورد ذرت بکار می‌رود.
روناس: از گیاهان رنگی ایران. از تیره روناسیان
و شبیه به گیاه شیرینیر. هم به حالت خودرو وجود
دارد و هم کاشته می‌شود و رنگ قرمز و زرشکی از آن
بدست می‌آید که (Alizarine) خوانده می‌شود.
ریواج، ریواس: از گیاهان طبیعی ایران که
بهترین نوع آن در شاهرود بدست می‌آید و ساقه و
برگ آن به مصرف خوراك می‌رسد. ریشه بعضی از

سدر: درخت کنار، برگ این درخت را که در سایه خشک می کنند سوده و نرم کرده برای شستشوی بدن بکار می برند. میوه آن مانند آلوچه و دارای مصرف دارویی است.

سرخس: گیاهی است که در طب قدیم از آن استفاده می شده و از داروها بوده است.

سرو: درخت مخروطی شکلی است که همیشه سبز است و شعراء قد محبوب را به آن تشبیه کنند. سماق: میوه گیاهی است ترش مزه که مصرف طبی و غذایی دارد. انواع آن، سماق شکی و شهری است.

سنبل: گیاهی گلدار از تیره سوسنی ها که گل های بنفش یا سفید آن به شکل خوشه است.

سنبل الطیب: از گیاهان طبی که عصاره آن برای تسکین دردهای قلب و اعصاب مفید است.

سوسن: گلی است مانند زنبق به رنگهای سفید و

زرد و کیود.

سیب: از میوه های متنوع و خوش طعم که به رنگهای سرخ و سفید و زرد و طعم شیرین و ترش بدست می آید.

سیب زمینی: گیاهی از تیره بادنجانیان، برگهای آن مرکب و میوه آن قرمز و سمی ولی ساقه های زیرین آن دارای مواد نشاسته ای فراوان و قسمتی از غذای انسان است.

سیر: بیخ گیاهی که شبیه به پیاز و دارای طعم و بوی تند است.

شابلوط: از گیاهان خانواده (Fajaceae) نوعی بلوط که در شمال ایران کاشته می شود ولی بحال بومی و خودرو تاکنون دیده نشده، میوه آن لذیذ و مقوی و دارای مصرف غذایی است.

شاتره: گیاه دارویی بسیار سبز که طعم آن کمی تلخ است و مصرف دارویی دارد.



از همه چیز...

شلغم: یا شلجم گیاهی است از تیره چلیپاییان و ریخته دوکی شکلی دارد که خوردنی است. شمشاد: درخت و درختچه ایست که برگ آن در سراسر سال سبز و دارای چوب بسیار محکم است و انواع بسیار دارد مانند شمشاد رسمی، شمشاد اناری، شمشاد نعنایی.

شنبلله: گیاه علفی از دسته شیدرها از تیره پروانه داران. یکساله گل زرد می دهد و در بستانها کاشته می شود. برگ تازه با خشک آنرا در قورمه سبزی پلو مصرف می کنند. سنبلله و شملید نیز به همین معنی است. شیرین بیان: از گیاهان طبی است که ارزش و

شاهدانه: گیاهی دویابه از تیره گزنه هاست که در ساقه آن الیاف بافتنی فراوان و دانه های آن روغنی و بوسیده از کرک های آلوده به روغن است که بوی زننده و نامطبوع دارد. از این کرکها که دارای خاصیت سمی است نوعی بنگ و از برگ شاهدانه نوعی حشیش درست می کنند.

شب بو، شب بوی: از تیره چلیپاییان، کاسه آن دارای چهار کاسبرگ مستقیم که از خارج اندکی برآمدگی دارند. جام آن چهار گلبرگ دارد به شکل صلیب، پرچمهای آن شش و دو عدد کوچک تر از چهارتای دیگر است. گل زرد و صورتی شب بو معطر و عطر آن هنگام تب بیشتر است.



تأثیر آن در پاره ای از معالجات مورد توجه محافل پزشکی جهان قرار گرفته است. صنوبر: یا ابودقیق، از درختان جنگلی ایران که در یزد و کاشان بنام شالك و در کرمان و همدان بنام تبریزی خوانده می شود. عدس: از حبوبات خوردنی.

عرعر: نام درخت است: ۱- (Communis Lunierus) از تیره ناژویان (مخروطیان) که برگهای آن مانند خار و میوه آن قرمز رنگ و بقدر نخود است و

شیدر: از گیاهان علوفه ایران که در اکثر نواحی کاشته می شود و نوعی از آن که گلهای بسیار زیبا دارد برای تزئین باغچه ها کاشته می شود. شفتالو: میوه لذیذ و آبداری که يك نوع هلو خوانده می شود. در بعضی از نواحی ایران شلیل را شفتالو گویند. هلو، نوع پرورش یافته و پیوند شده شفتالو است.

شقایق: گلی است از تیره کونکاریان که گلهای آن به رنگ سرخ تیره و لکه های سیاه است

کاج: درختی است از تیره مخروطیان که برگ‌های دائمی دارد و برگهای سوزنی آن سه به سه در غلافی قرار گرفته است، این درخت بنام صنوبر و ناژو نیز خوانده شده است.

کاجیره: گیاهی که از گل زرد آن برای تهیه رنگ و از دانه‌های آن برای گرفتن روغن نباتی استفاده می‌شود. کافشه و کازیره نیز گفته می‌شود.

کاکائو: میوه درختی است که در مناطق گرمسیر می‌روید و مرکز عمده کشت آن آسیای جنوب شرقی بخصوص جزایر مجاور آن منطقه است.

کاکتوس: گیاه خاردار است که در نواحی گرمسیر وجود دارد.

کتان: گیاهی است که مانند پنبه در نواحی مرطوب و معتدل می‌روید و الیاف ساقه‌های آن برای بافتن پارچه به کار می‌رود، ساقه آن تا یک متر و نیم رشد می‌کند و دارای برگ‌های باریک و گل لاجوردی

آنرا پیرونیز گویند. ۲- (Ailanthus Gldodulosa) از گیاهان نزدیک تیره شمعدانیان و درختی است دارای برگهای مرکب و برگچه‌های بسیار و ارتفاع آن به ۲۰ متر می‌رسد و صمغ بسیار متعفن‌نی دارد. سرکوهی را نیز در بعضی نواحی ایران (عرعر) می‌خوانند.

عناب: درختی است از تیره عنابها دارای میوه‌هایی شبیه سنجید که در پزشکی بعنوان ملین به کار می‌رود. رنگ پوست میوه آن سرخ خوشرنگ است.

فلفل سبز: میوه گیاهی است که در تابستان کاشته می‌شود و مرکب از غلات سبزرنگ و درون آن تند و دارای انواع زیاد است.

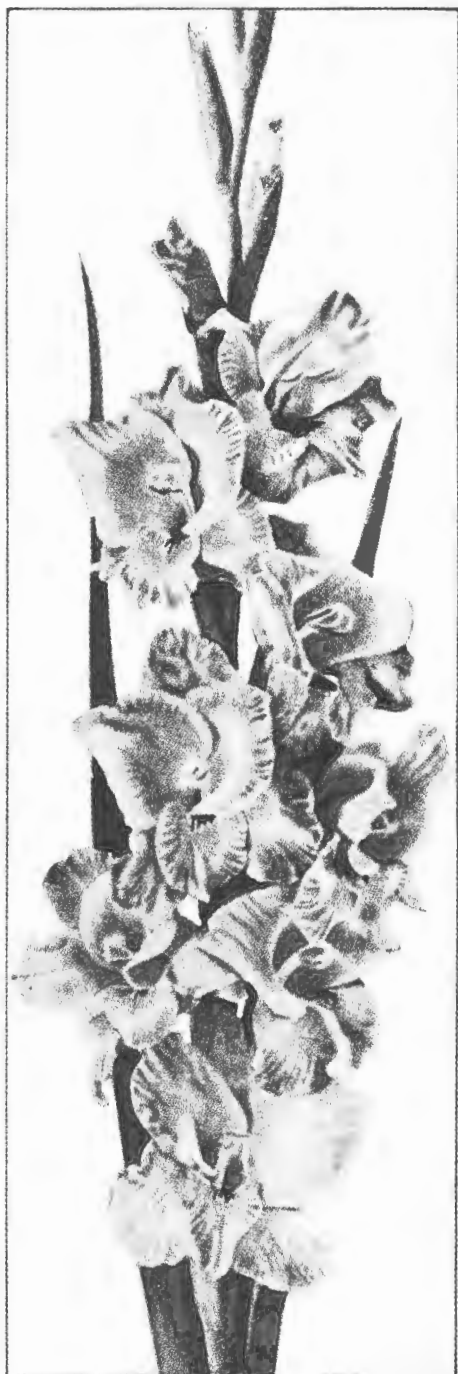
فندق: یا فندق درخت میوه‌دار که بوی آن در جنگلهای ایران وجود دارد و در بعضی از شهرستانها مانند قزوین آن را می‌کارند و پرورش می‌دهند، هسته دولبه این درخت روغن دار و مقوی است.



است.

کدو: نهالی است از نوع کدوها دارای میوه‌های بزرگ خوراکی و اقسام مختلف دارد مانند: کدو تنبل، کدوی حلوانی.

قهوه: میوه درختی است که بیشتر در مناطق گرمسیر حبشه و عربستان و امریکای جنوبی و مرکزی (مخصوصاً برزیل) می‌روید و گویا نخستین بار از حبشه به سایر نواحی منتقل گردیده است.



کرچک: از نباتات روغنی که از دانه‌های آن روغن گرفته می‌شود و در طب و صنعت صابون‌سازی مصرف دارد.

کرفس: کلفس، کرسب، کرسف: گیاهی است از طایفه چتریان که برگ سبز و ساقه سفید آن مصرف غذایی دارد.

کلم: کرنب، کرم، گیاه غذایی از تیره چلیپانیان که جنسهای گوناگون دارد و اندوخته مواد غذایی آن یا در ریشه یا در برگ و یا در گل جمع می‌شود.

کنجد: از نباتات روغنی که از دانه آن روغن گرفته می‌شود و در صنایع مختلف از جمله صابون‌سازی مصرف می‌شود و روغن آن خوراکی است.

کنگر: از گیاهان غذایی خودرو که برگهای آن خاردار و ساقه‌اش سفیدرنگ و دارای طعم مطبوع و هم خام و همه پخته آن خوردنی است.

کوکب: از گلهای پرپر زیبا که ساقه بلند و رنگهای گوناگون دارد و معمولاً پیاز آن در بهار کاشته می‌شود.

گاوزبان: گیاه خودروی طبیعی است که گلهای بنفش تیره رنگ آن مصرف پزشکی دارد.

گردو: درخت تنومند و پرشاخ و برگ از دسته غان‌ها، مخصوص مناطق معتدله که میوه آن دارای پوست سبز و مغز روغن‌دار و چوب آن محکم و قیمتی و دارای مصارف صنعتی است، جوز-گردکان نام دیگر آن می‌باشد.

گز: نوعی از درختان و درختچه‌های مناطق جنگلی ایران در شمال و غرب و جنوب که چوب آن سخت و محکم است.

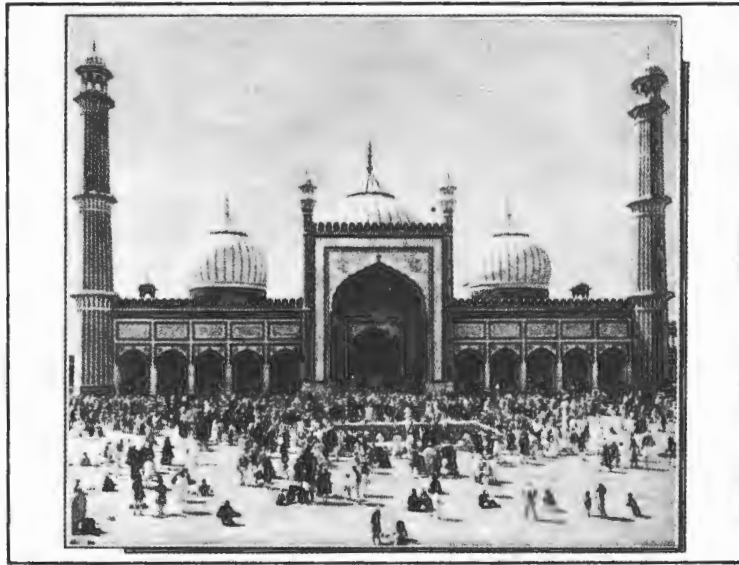
گلایول: نوعی گل شیپوری شکل که به رنگهای مختلف عمل می‌آید و از بهترین گلهای تزئینی است.

گل سرخ: نام دسته‌ای از گلهاست که انواع زیاد دارد و بهترین نوع آن *Damascena Rosa* از تیره گل

سرخ، گلبرگ‌های بسیار معطر و پرپر دارد.
 گل مریم: از گل‌های سفید معطر و با دوام که فصلی کاشته می‌شود و یک بار گل می‌دهد.
 گندم: گیاهی است از تیره غلات، یک ساله و باساقه نازک بند بند و توخالی، برگ‌های بی‌دمبرگ ولی نیم‌دار آن ساقه را در محل گره‌ها می‌پوشاند، گل گندم از سنبله‌هایی تشکیل می‌شود.
 نیلوفر: نوع معروف آن گل نیلوفر است که گل‌های زرد یا سفید و ماده لعابی بسیار دارد. نوع دیگر آن نیلوفر آبی دارای برگ‌های پهن و شناور و گل‌های سفید یا زرد درشت و زیباست.
 ورغست: برغست، اسفناج خودروی صحرائی که بیشتر در کنار جویبارها می‌روید.
 ون: درخت زیبایی گنجشک از تیره زیتونیان با برگ‌های مرکب و میوه خشکی که اطراف آن بال دارد و دارای هسته روغن‌دار معطر است و از عطر آن برای نوشابه‌ها استفاده می‌شود. جنسی از این درخت ماده‌ای قندی ترشح می‌کند بنام شیر خشت. در

بلوچستان درخت (بنه) را (ون) می‌نامند.
 هلیله زرد: میوه گیاهی است که در مناطق گرمسیر می‌روید و مصرف داروئی دارد.
 هلو: هلو میوه‌ای است از انواع بادامیها که هسته آن ناهموار و پوست آن کرک‌دار است. جنس‌های آن به نام شلیل و انجیر خوانده می‌شود.
 همیشه بهار: میش بهار، گیاهی است از دسته آفتابی‌ها دارای گل‌های زرد و فندقه‌های خمیده که جز در زمستان‌های سرد همیشه گل دارد. برگ‌های آن محسرك است و بیشتر برای زینت به کار می‌رود. همیشه بهار کوهی از دسته آفتابی‌ها دارای برگ‌های کرک‌دار بوده و گل‌ها و ریشه آن قی‌آور است.
 هندبیا: گیاه کاسنی که عصاره تلخ آن مصرف داروئی دارد. هند بید نیز بهمین معنی است.
 یاس: نهال گلی است که گل سفید زیبا و معطر دارد و بعضی از نهال‌های یاسمن گل‌هایی به رنگ دیگر نیز می‌دهد. گل یاسمن را یاس می‌گویند.





اطلاعات شنیدنی در خصوص ادیان و مذاهب و ابنیه مختلف جهان

- به زبان دانمارکی : گوره
- به زبان اسپانیایی : دیوس
- به زبان اینکا : یایا
- به زبان کلدانی : نابو

حکومت‌های مذهبی

در میان حکومت‌های مختلفه جهان، بعضی از حکومتها صرفاً به خاطر توسعه و ترویج و تبلیغ دین یا مذهب بخصوصی به وجود آمده‌اند و مدتها نیز به نحوی زمام امور را بدست گرفته و بالاخره از بین رفته‌اند. مهم‌ترین این حکومتها عبارتند از:

- ۱- حکومت خلفای راشدین در قلمرو اسلامی
- ۲- حکومت خلفای اموی در قلمرو اسلامی
- ۳- حکومت خلفای عباسی در قلمرو اسلامی
- ۴- حکومت خلفای فاطمی در کشور مصر

- لفظ «خدا» در زبانهای مختلف
- نام خدا در همه زبانها تقریباً از چهار حرف تشکیل یافته است، بدین گونه:
- به زبان فارسی : ایزد
 - به زبان فرانسه : دی یو
 - به زبان لاتین : رنوس
 - به زبان آشوری : آرات
 - به زبان هلندی : آگور
 - به زبان سانسکریت : دیوا
 - به زبان مصر قدیم : آتون
 - به زبان سریانی : ایلو
 - به زبان آلمانی : گوت (به تشدید «ت»)
 - به زبان عربی : الله
 - به زبان عبری : یهوه
 - به زبان یونانی : تتوس

حکومت‌های یاد شده، یعنی حکومت پاپها و حکومت سعودی رنگ مذهبی دارند و بقیه منحل و یا منقرض شده‌اند.

ادیان جهان به ترتیب پیدایش

- (۱) آئین هندو :
 زمان پیدایش : پیش از تاریخ
 آورندهٔ دین : معلوم نیست
 سرزمین : هند
 کتابهای مقدس : «ودا»ها، «اویانیشاد»ها

- ۵- حکومت اسمعیلیه در کشور ایران
 ۶- حکومت علویان در کشور ایران
 ۷- حکومت صفویه در کشور ایران
 ۸- حکومت پاپها در قلمرو مسیحیت
 ۹- حکومت سعودی در عربستان سعودی
 ۱۰- حکومت زیدیه در کشور یمن
 ۱۱- حکومت جمهوری اسلامی در کشور ایران
 در حال حاضر گذشته از آنکه از سال ۱۳۵۷ شمسی حکومت جمهوری اسلامی در کشور عزیزمان ایران برپا و هر روز پر قدرت تر از روز پیش در عرصهٔ داخلی و خارجی نمایان است، تنها دو تا از





قرن سیزدهم پیش از میلاد	زمان پیدایش	پیش از تاریخ	آئین شینتو
حضرت موسی (ع)	آورنده دین	معلوم نیست	آورنده دین
فلسطین	سرزمین	ژاپن	سرزمین
تورات	کتاب مقدس	تورات	کتاب مقدس





- | | | | |
|--------------------------|--------------|---|-------------|
| قرن ششم پیش از میلاد | زمان پیدایش | : | آئین چینی |
| «سیدارتا گائوماتا» مشهور | آورنده دین | : | زمان پیدایش |
| به «بودا» | | : | آورنده دین |
| هند | سرزمین | : | سرزمین |
| «تری پتیاکا» به معنی «سه | کتابهای مقدس | : | کتاب مقدس |
| سبد دانش». | | : | آئین بودا |

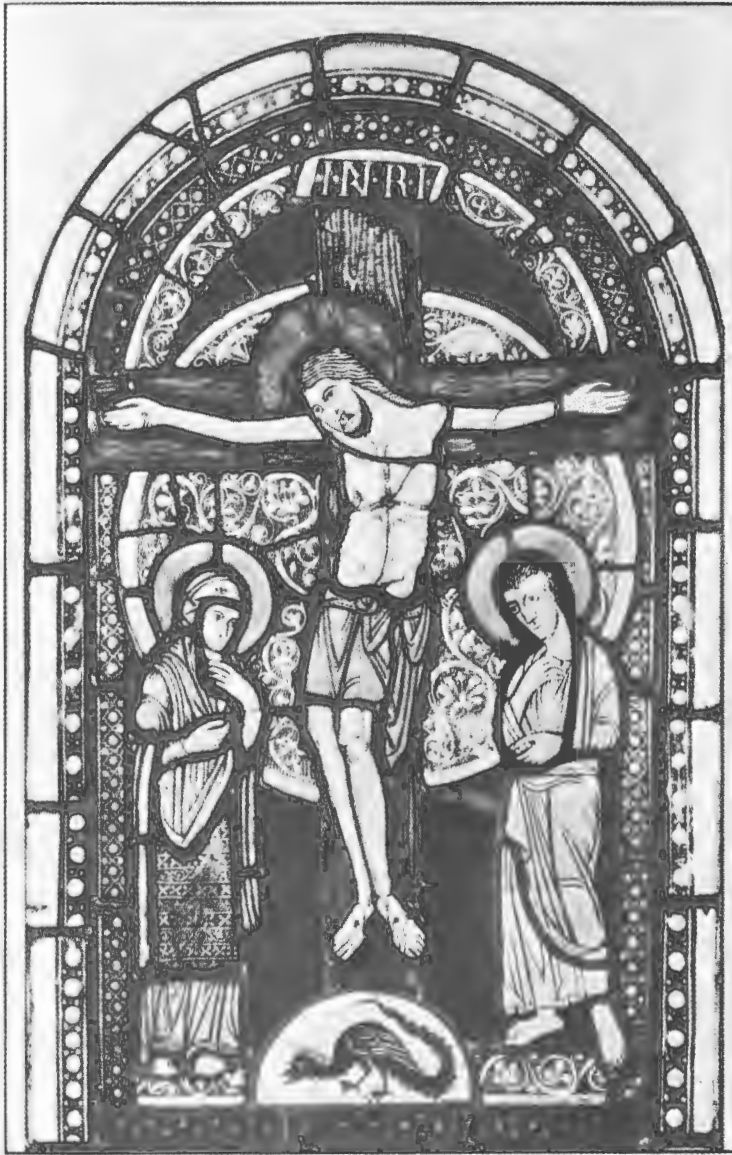


از همه چیز...

کتابهای مقدس	:	آئین کنفوسیوس	۶)
«آنالکتز» و پنج «کینگ»	:	قرن ششم پیش از میلاد	زمان پیدایش
۷) آئین لائوتسه	:	«چی یوکونک» که بعدها	آورنده دین
زمان پیدایش	:	«کونک فوتسه» خوانده	
آورنده دین	:	شد، یا «کنفوسیوس»	
سرزمین	:	چین	سرزمین
کتاب مقدس	:		
«تائو-ته کینگ»	:		

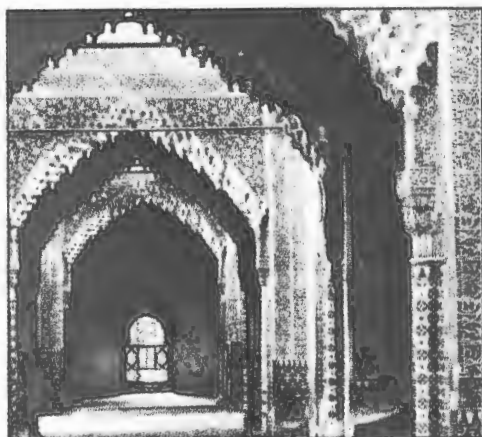


٨) آئين زرتشت	:	قرن ششم پيش از ميلاد	زمان پيدائش
زمان پيدائش	:	زرتشت	آورنده دين
آورنده دين	:	ايران	سرزمين
سرزمين	:	اوستا	كتاب مقدس
٩) آئين مسيح	:	سي سال بعد از ميلاد مسيح (ع)	زمان پيدائش
زمان پيدائش	:	عيسى (ع)	آورنده دين
آورنده دين	:	فلسطين	سرزمين
سرزمين	:	انجيل	كتاب مقدس



از همه چیز...

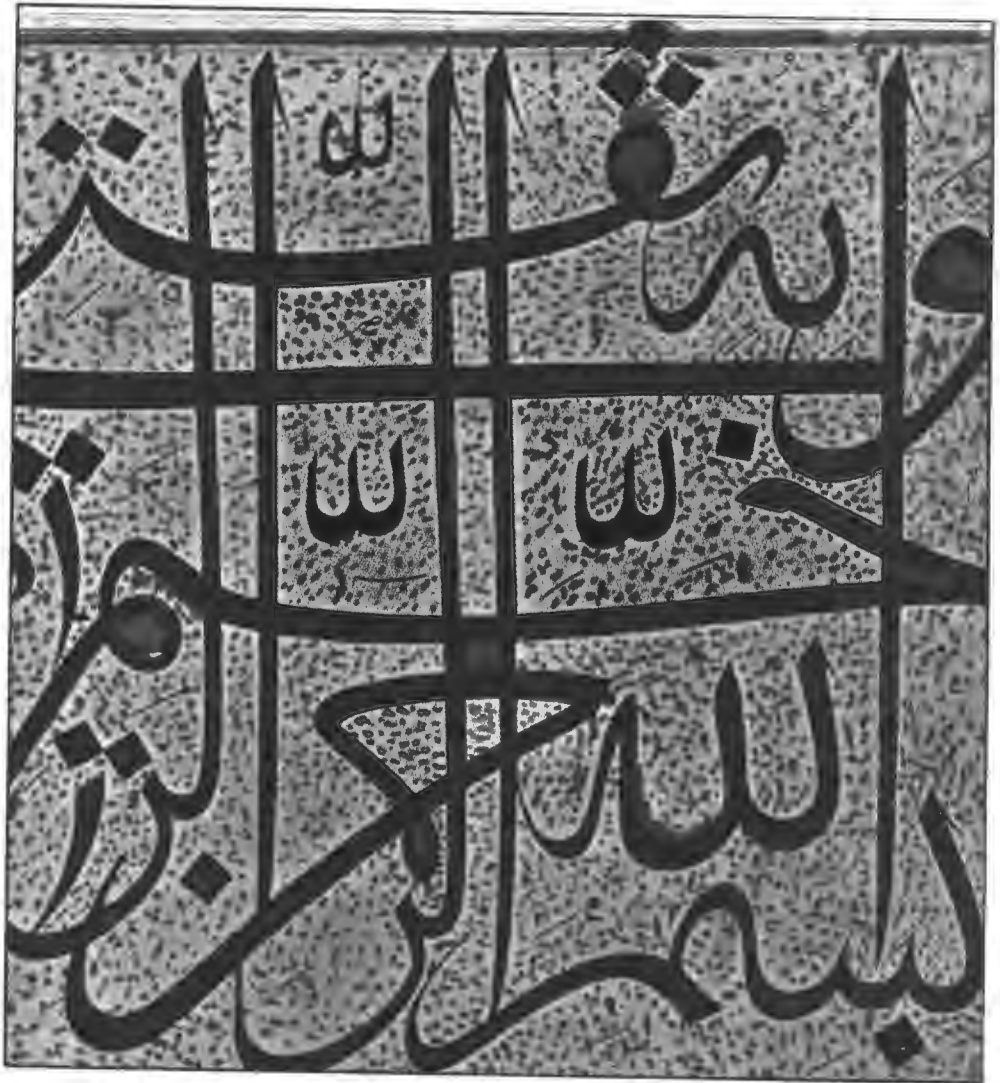
سرزمین : ۱۰ آئین اسلام
عربستان : زمان پیدایش
قرآن مجید : ۶۲۲ میلادی
کتاب مقدس : حضرت محمد (ص)
آورنده دین



خدایان معروف هندو

۱. اگنی، خدای آتش
۲. اندر، خدای باران
۳. اشنی کمار و اشوینی گمار، خدایان طب
۴. برهما، فرشته خالق، آفریدگار
۵. برن، موکل آب
۶. پرچایت، خداوند آفرینش
۷. دیوس، خدای آسمان
۸. سورج، خدای آفتاب
۹. شیوا، خدای نابودکننده
۱۰. گیان اندری، الهه عقل
۱۱. مروت، فرشته باد
۱۲. متر، موکل آفتاب
۱۳. مریتو، موکل مرگ
۱۴. ماترسوا، موکل باد
۱۵. ویشنو، خدای نابودکننده
۱۶. ورن، موکل آب





شمار سوره‌های قرآن و شمار آیات و کلمات و حروف هر یک از سوره‌ها

(۱) الفاتحة: ۷ آیه، ۲۹ کلمه، ۱۴۲ حرف دارد. گفته‌اند که این نخستین سوره کامل و یا دومین و یا پنجمین سوره‌ای بوده که بطور کلی به مکه نازل شده و یا هم به مکه و هم به مدینه نازل گردیده است.

(۲) البقرة: ۲۸۶ آیه (یا ۲۸۵ و یا ۲۸۷) آیه، ۶۲۲۱

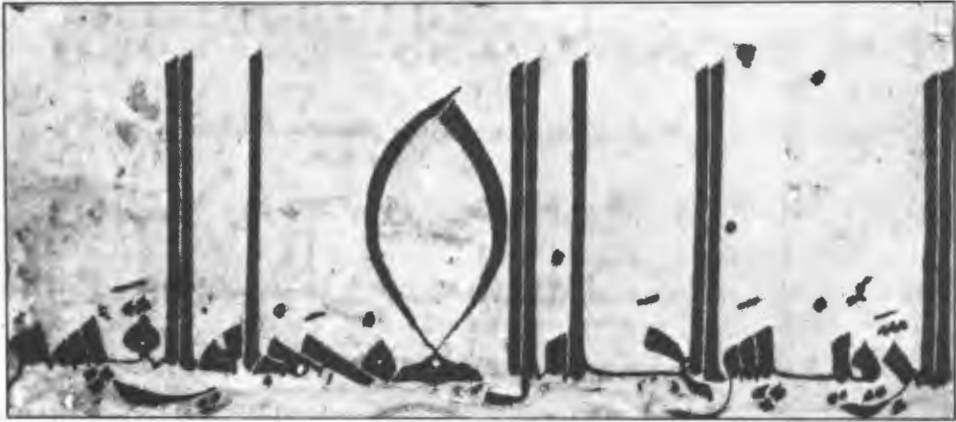
کلمه و ۲۵۵۰۰ حرف.

الم ذلك الكتاب و قسطا من القرآن هم نامیده شده است. در نزول، سوره ۸۷ و یا ۸۶ و جز آیه ۲۸۱ که به منی در حجة الوداع آمد بقیه مدنی است.

(۳) آل عمران: ۲۰۰ آیه (و یا ۱۹۹)، ۳۴۸۰ کلمه،

۱۴۵۲۵ حرف، سوره ۸۹ در نزول و مدنی است.

(۴) النساء: ۱۷۶ آیه (۵ و ۱۷۷ هم گفته‌اند)،



محسوب می‌دارند.

(۱۰) یونس: ۱۰۹ (یا ۱۱۰) آیه، ۱۸۳۲ کلمه،

۷۵۶۷ حرف. در نزول سوره ۵۱ و جز آیات ۴۰ و ۹۴ تا ۹۶ مکی است.

(۱۱) هود: ۱۲۳ - (۲ یا ۱۲۱) آیه - ۱۷۱۵ کلمه - ۷۵۱۳ حرف، در نزول سوره ۵۲ و جز آیات ۱۲، ۱۷، ۱۱۴ مکی است.

(۱۲) یوسف: ۱۱۱ آیه، ۱۷۶۶ کلمه، ۷۱۶۶ حرف. در نزول سوره ۵۳ و جز آیات ۱، ۲، ۳، ۷، مکی است. نام دیگر آن احسن القصص (بفتح قاف) می‌باشد. عجارده گزاف گویی کرده و آنرا جزء قرآن نمی‌شماردند، ولی در تمام مصاحف موجود بوده است.

(۱۳) الرعد: ۴۳ آیه (۴۴ تا ۴۷ هم گفته‌اند)، ۸۵۵ کلمه، ۳۵۰۶ حرف. در نزول، سوره ۹۶ و به مدینه نازل شد.

(۱۴) ابراهیم: ۵۲ آیه (۵۱، ۵۴، ۵۵ هم گفته‌اند)، ۸۳۱ کلمه، ۳۴۳۴ حرف، در نزول سوره ۷۲ و جز دو آیه ۲۷ و ۲۸ مکی است.

(۱۵) الحجر: ۹۹ آیه، ۶۵۴ کلمه، ۲۷۶۰ حرف، در نزول سوره ۵۴ و جز آیه ۸۷ مکی است.

(۱۶) النحل: ۱۲۸ آیه، ۲۸۴۰ کلمه، ۷۷۰۷

کلمه، ۱۶۰۳۰ حرف. در نزول سوره ۹۲ و مدنی است.

(۵) المائدة: ۱۲۰ آیه (۳ و ۱۲۲ هم گفته‌اند)، ۲۸۰۴ کلمه، ۱۱۹۳۳ حرف، العقود و المنقذ هم نامیده شده. سوره ۱۱۲ بود که در مدینه نازل شد (جز آیه ۳ که به عرفات، حجة الوداع آمد).

(۶) الانعام: ۱۶۵ آیه (۷ و ۱۶۶ هم گفته‌اند)، ۳۸۶۰ کلمه، ۱۲۲۵۴ حرف، سوره ۵۵ و در مکه نازل شد (جز آیات ۲۰، ۲۳، ۹۱، ۹۳، ۱۱۴، ۱۴۱، ۱۵۱، تا ۱۵۳ که مدنی است).

(۷) الاعراف: ۲۰۵ یا ۲۰۶ آیه، ۳۸۲۵ کلمه، ۱۳۸۷۷ حرف دارد المص، سوره ۳۹ در نزول مکی، جز آیات ۱۶۳ تا ۱۷۰.

(۸) الانفال: ۷۵ آیه (۷۶ یا ۷۷ آیه هم گفته‌اند)، ۱۰۹۵ کلمه، ۵۰۸۰ حرف سوره ۸۸، در نزول مدنی است جز آیات ۳۰ تا ۳۶.

(۹) التوبة: ۱۲۹ (و یا ۱۳۰) آیه، ۴۰۹۸ کلمه، ۱۰۴۸۸ حرف دارد. نامهای دیگری هم دارد: الفاضحة، المنقرة، الجوث، المدممة، المشققة، المبعثرة، براءة، الحافرة، المثيرة، العذاب. در نزول سوره ۱۱۳ به مدینه، جز دو آیه آخر که گفته‌اند مکی است. و دیدیم که چون بسمله ندارد آنرا جزء انفال

(۲۸) القصص: (یا موسی و فرعون): ۸۸ (یا ۸۷) آیه، ۱۴۴۱ کلمه، ۵۸۰۰ حرف، در نزول، سوره ۴۹ جز آیات ۵۲ تا ۵۵ و ۸۵ بقیه مکی است.

(۲۹) العنکبوت: ۶۹ آیه، ۱۹۸۱ کلمه، ۴۱۹۵ حرف، در نزول، سوره ۸۵ که جز آیات ۱ تا ۱۱ بقیه مکی است.

(۳۰) الروم: ۶۰ (یا ۵۹) آیه، ۸۱۹ کلمه، ۳۵۲۴ حرف، در نزول، سوره ۸۴ که جز آیه ۱۷ بقیه مکی است.

(۳۱) لقمان: ۳۴ (یا ۳۳) آیه، ۵۴۲ کلمه، ۲۱۱۰ حرف، در نزول، سوره ۵۷ که جز آیات ۲۷ تا ۲۹ مکی است.

(۳۲) السجدة (یا المضاجع یا سجدة لقمان یا جزر): ۳۰ (یا ۲۹ آیه)، ۳۸ کلمه، ۱۵۰۰ حرف، در نزول، سوره ۷۵ که جز آیات ۱۶ تا ۲۰ بقیه مکی است.

(۳۳) الاحزاب: ۷۳ آیه، ۱۲۸۰ کلمه، ۵۷۹۶ حرف، در نزول، سوره ۹۰ که مکی است.

(۳۵) السبأ: ۵۴ (یا ۵۵) آیه، ۸۸۳ کلمه، ۱۵۱۲ حرف، در نزول سوره ۵۸ که جز آیه ۶ بقیه مکی است. در مصحف اُبی، سوره ای به نام داود مذکور است که گفته اند سبا است.

(۳۵) الفاطر (یا الملائكة): ۴۵ (یا ۴۶) آیه، ۷۹۷ کلمه، ۳۱۳۰ حرف، در نزول، سوره ۴۳ که مکی است. (۳۶) یس: ۸۳ (یا ۸۲) آیه، ۷۲۹ کلمه، ۳۰۰۰ حرف، در نزول، سوره ۴۱ که جز آیه ۴۵ بقیه مکی است.

(۳۷) الصافات: ۱۸۲ (یا ۱۸۱) آیه، ۸۲۰ کلمه، ۳۸۲۳ حرف، در نزول سوره ۵۶ که مکی است.

(۳۸) ص: ۸۸ (یا ۸۵ یا ۸۶) آیه، ۷۳۲ کلمه، ۳۰۲۹ حرف، در نزول، سوره ۳۸ که مکی است.

(۳۹) الزمر یا (الفرف): ۷۵ (یا ۷۲ یا ۷۳) آیه، ۱۱۹۲ کلمه، ۴۷۰۸ حرف، در نزول، سوره ۵۹ که

حرف. النعم هم نامیده شده، در نزول، سوره ۷۰ بجز آیات ۱۲۶ تا ۱۲۸ مکی است.

(۱۷) الاسراء: ۱۱۱ آیه (یا ۱۱۰)، ۱۵۳۳ کلمه، ۶۴۶۰ حرف. بنی اسرائیل هم نامیده شده بجز آیات ۵۷، ۳۳، ۳۲، ۲۶ و ۷۳ تا ۸۰ مکی است.

(۱۸) الکهف: ۱۱۰ (و یا ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۱) آیه، ۱۵۷۹ کلمه، ۶۳۶۰ حرف. در نزول، سوره ۶۹ و جز آیات ۲۸ و ۸۳، تا ۱۰۱ مکی است.

(۱۹) مریم: ۹۸ آیه (یا ۹۹)، ۹۸۲ کلمه، ۳۸۰۲ حرف. در نزول، سوره ۴۴ و جز دو آیه ۵۸ و ۷۱ مکی است.

(۲۰) طه: ۱۳۵ آیه (۱۳۴، ۱۳۲) و ۱۴۰ آیه هم گفته شده)، ۱۳۴۱ کلمه، ۵۲۴۲ حرف، در نزول، سوره ۴۵ بجز دو آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ مکی است.

(۲۱) الانبیاء: ۱۱۲ (یا ۱۱۱) آیه، ۱۱۶۸ کلمه، ۴۸۹۰ حرف، در نزول، سوره ۷۳ مکی است.

(۲۲) الحج: ۷۸ آیه (یا ۷۶، ۷۵، ۷۴) آیه، ۱۲۹۱ کلمه، ۵۰۷۰ حرف. در نزول سوره ۱۰۳ و به مدینه نازل شد، جز آیات ۵۲ تا ۵۵ که میان مکه و مدینه نزول یافت.

(۲۳) المؤمنون: ۱۱۸ (یا ۱۱۹) آیه، ۱۸۴۰ کلمه، ۴۸۰۲ حرف، در نزول سوره ۷۴ که مکه است.

(۲۴) النور: ۶۴ (یا ۶۲) آیه، ۱۳۱۶ کلمه، ۵۶۸۰ حرف، در نزول، سوره ۱۰۲، مدنی.

(۲۵) الفرقان (یا تبارک): ۷۷ آیه، ۸۹۲ کلمه، ۳۷۳۳ حرف، در نزول، سوره ۴۲، مکی جز آیات ۶۸ تا ۷۰.

(۲۶) الشعراء (یا طسم): ۲۲۷ (یا ۲۲۶) آیه، ۱۲۹۷ کلمه، ۵۵۲۲ حرف، در نزول، سوره ۴۷، مکی جز آیات ۱۹۷ و ۲۲۴ تا ۲۲۷ که مدنی است.

(۲۷) النمل: ۹۳ (یا ۹۲، ۹۴ و ۹۵) آیه، ۱۱۴۹ کلمه، ۴۷۹۹ حرف، در نزول سوره ۴۸ و مکی است. در مصحف اُبی: طس، سلیمان نامیده شده بود.

جز آیات ۵۲ تا ۵۴ بقیه مکی است.
 (۴۰) المؤمن (یا الفافر یا الطول): ۸۵ (یا ۸۲) یا
 (۸۶) آیه، ۱۱۹۹ کلمه، ۴۹۶۰ حرف، در نزول، سوره
 ۶۰ جز دو آیه ۵۶ و ۵۷ بقیه مکی است.
 (۴۱) فصلت (یا حم السجدة یا المصاییح): ۵۴ (یا
 (۵۳) آیه، ۷۹۶ کلمه ۳۳۵۰ حرف، در نزول سوره ۶۱
 که مکی است.
 (۴۲) الشوری (یا حم عسق): ۵۳ (یا ۵۰) آیه،
 ۸۶۶ کلمه ۳۵۷۷ حرف، در نزول سوره ۶۲ که جز
 آیه‌های ۲۳ تا ۲۵ و ۲۷ بقیه مکی است.
 (۴۳) الزخرف: ۸۹ (یا ۸۸) آیه، ۸۳۳ کلمه، ۳۴۰۰
 حرف، در نزول سوره ۶۳ و جز آیه ۵۴ بقیه مکی
 است.
 (۴۴) الدخان: ۵۹ (یا ۵۶ یا ۵۷) آیه، ۳۴۶ کلمه،
 ۱۴۳۱ حرف، در نزول سوره ۶۴ و مکی است.
 (۴۵) الجاثیة (یا الشریعة): ۳۷ (یا ۳۶) آیه، ۴۸۸
 کلمه، ۲۱۹۱ حرف، در نزول سوره ۶۵ که جز آیه ۱۴
 بقیه مکی است.
 (۴۶) الاحقاق: ۳۵ (یا ۳۴) آیه، ۶۴۴ کلمه،
 ۲۵۹۸ حرف، در نزول سوره ۶۶ که جز آیات
 ۳۵، ۱۵، ۱۰ بقیه مکی است.
 (۴۷) محمد (ص) یا القتال (الذین کفروا): ۳۸
 (یا ۳۹ و یا ۴۰) آیه، ۵۳۹ کلمه، ۲۳۴۹ حرف، در
 نزول سوره ۹۵، جز آیه ۱۳ که در راه هجرت نازل
 شد بقیه مدنی است.
 (۴۸) الفتح: ۲۹ آیه ۵۶۰ کلمه ۲۴۳۸ حرف، در
 نزول سوره ۱۱۱ که در برگشتن از حدیبیه نازل شد
 و مدنی است.
 (۴۹) الحجرات: ۱۸ آیه، ۳۴۳ کلمه، ۱۴۹۶
 حرف، در نزول سوره ۱۰۶ و مدنی است.
 (۵۰) ق (یا الباسقات): ۴۵ آیه، ۳۵۷ کلمه،
 ۱۴۹۴ حرف، در نزول سوره ۳۴، جز آیه ۳۸ بقیه
 مکی است.

(۵۱) الذاریات: ۶۰ آیه، ۳۶۰ کلمه، ۱۲۸۷
 حرف، در نزول سوره ۶۷ که مکی است.
 (۵۲) الطور: ۴۹ (یا ۴۷ یا ۴۸) آیه، ۳۱۲ کلمه،
 ۱۵۰۰ حرف، در نزول سوره ۷۶ و مکی است.
 (۵۳) النجم: ۶۲ (یا ۶۱) آیه، ۳۰۸ کلمه، ۱۴۰۵
 حرف، در نزول سوره ۲۳ و جز آیه ۳۲ بقیه مکی
 است.
 (۵۴) القمر (اقتربت الساعة): ۵۵ آیه، ۳۴۲ کلمه،
 ۱۴۲۰ حرف، بجز آیه‌های ۴۴ تا ۴۶ بقیه مکی است.
 (۵۵) الرحمن یا سوره آلاء: ۷۸ (یا ۷۶ یا ۷۷) آیه،
 ۳۵۱ کلمه، ۱۶۳۶ حرف، در نزول سوره ۹۷ و مدنی
 است.
 (۵۶) الواقعة: ۹۶ (یا ۹۷ یا ۹۹) آیه، ۳۷۸ کلمه،
 ۱۷۰۳ حرف، در نزول سوره ۴۶ بجز دو آیه ۸۱ و ۸۲
 بقیه مکی است.
 (۵۷) الحديد: ۲۹ (یا ۲۸) آیه، ۵۴۴ کلمه، ۲۴۷۶
 حرف، در نزول سوره ۹۴ و مدنی است.
 (۵۸) المجادلة، الظهار، قدسمع ۲۲ (یا ۲۱) آیه،
 ۴۷۳ کلمه، ۱۷۹۲ حرف، در نزول سوره ۱۰۵ و
 مدنی است.
 (۵۹) الحشر: ۲۴ آیه، ۴۴۵ کلمه، ۱۹۱۳ حرف،
 در نزول سوره ۱۰۱ و مدنی است.
 (۶۰) الممتحنة، الامتحان، المودة: ۱۳ آیه، ۳۴۸
 کلمه، ۱۵۱۰ حرف، در نزول سوره ۹۱ و مدنی است.
 (۶۱) الصف، الحواریین، عیسی: ۱۴ آیه، ۲۲۱
 کلمه، ۹۰۰ حرف، در نزول سوره ۱۰۹ و مدنی است.
 (۶۲) الجمعة: ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه، ۷۲۰ حرف، در
 نزول سوره ۱۱۰ و مدنی است.
 (۶۳) المنافقون: ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه، ۷۷۶ حرف،
 در نزول سوره ۱۰۴ و مدنی است.
 (۶۴) التغابن: ۱۸ آیه، ۲۴۱ کلمه، ۱۰۷۰ حرف،
 در نزول سوره ۱۰۸ و مدنی است.
 (۶۵) الطلاق، النساء، القصری: ۱۲ (یا ۱۱) آیه،

۲۴۸ کلمه، ۱۰۶۰ حرف، در نزول سوره ۹۹ و مدنی است.

(۶۶) التحريم: ۱۲ آیه، ۲۴۶ کلمه، ۱۱۶۰ حرف، در نزول سوره ۱۰۷ و مدنی است.

این سوره و سوره پیش از آن به مناسبت آغاز سوره، یا ایها النبی هم خوانده شده است.

(۶۷) الملك، المنجية، الواقعية، تبارک: ۳۰ آیه، ۳۳۰ کلمه، ۱۳۰۰ حرف. در نزول سوره ۷۷ و مکی است.

(۶۸) القلم، ن والقلم: ۵۲ آیه، ۳۰۰ کلمه، ۱۲۵۶ حرف، در نزول سوره اول و ۲ و ۵ هم گفته شده، جز آیه‌های ۱۷ تا ۳۳ و ۴۸ تا ۵۰ بقیه مکی است.

(۶۹) الحاقة: ۵۲ و یا ۵۱ آیه، ۲۵۶ کلمه، ۱۰۸۴ حرف، در نزول سوره ۷۸ و مکی است.

(۷۰) المعارج: ۴۴ و یا ۴۳ آیه، ۲۱۶ کلمه، ۱۰۶۱ حرف، در نزول سوره ۷۹ و مکی است.

(۷۱) نوح: ۲۸ یا ۲۹ یا ۳۰ آیه، ۲۲۴ کلمه، ۹۲۹ حرف، در نزول سوره ۷۱ و مکی است.

(۷۲) الجن: ۲۹۸ آیه، ۲۳۵ کلمه، ۸۷۰ حرف، در نزول سوره ۴۰ و مکی است.

(۷۳) المزمل: ۲۰ یا ۱۹ یا ۱۸ آیه، ۲۸۵ کلمه، ۸۳۸ حرف، در نزول سوره ۳ و یا ۴ بجز آیه‌های ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ بقیه مکی است.

(۷۴) المدثر: ۵۶ یا ۵۵ آیه، ۲۵۵ کلمه، ۱۰۱۰ حرف، در نزول سوره ۲ و یا ۳ و مکی است.

(۷۵) القيامة: ۴۰ و یا ۳۹ آیه، ۱۹۹ کلمه، ۶۵۲ حرف، در نزول سوره ۳۱ و مکی است.

(۷۶) الدهر، الانسان، الابرار، هل اتى: ۳۱ آیه، ۲۴ کلمه، ۱۰۵۴ حرف، در نزول سوره ۹۸ و مدنی است.

(۷۷) المرسلات، العرف: ۵۰ آیه، ۱۸۱ کلمه، ۸۱۶ حرف، در نزول سوره ۳۳ و جز آیه ۴۸ بقیه مکی است.

(۷۸) النبأ، عم يتساءلون، التَّسَاوُلُ، المعصرات: ۴۰ یا ۳۹ آیه، ۱۷۳ کلمه، ۷۷۰ حرف، در نزول سوره ۸۰ و مکی است.

(۷۹) النازعات: ۴۶ یا ۴۵ آیه، ۱۳۹ کلمه، ۷۵۳ حرف، در نزول سوره ۸۱ و مکی است.

(۸۰) عبس، السَّفَرَةُ، اعمى: ۴۲ یا ۴۱ یا ۴۰ آیه، ۱۳۳ کلمه، ۵۳۳ حرف، در نزول سوره ۲۴ و مکی است.

(۸۱) التكویر، كورت: ۱۲۹ آیه، ۱۱۴ کلمه، ۵۳۳ حرف، در نزول سوره ۷ و مکی است.

(۸۲) الانفطار، انفطرت: ۱۹ آیه، ۸۰ کلمه، ۳۲۷ حرف، در نزول سوره ۸۲ و مکی است.

(۸۳) المطففين، التطفيف: ۳۶ آیه، ۱۷۷ کلمه، ۸۳۰ حرف، در نزول سوره ۸۶ و مکی است.

(۸۴) الانشقاق، انشقت: ۲۵ یا ۲۴ یا ۲۳ آیه، ۱۰۹ کلمه، ۴۳۰ حرف، در نزول سوره ۸۳ و مکی است.

(۸۵) البروج: ۲۲ آیه، ۱۰۹ کلمه، ۴۵۸ حرف، در نزول سوره ۲۷ و مکی است.

(۸۶) الطارق: ۱۷ یا ۱۶ آیه، ۶۱ کلمه، ۲۴۵ حرف، در نزول سوره ۳۶ و مکی است.

(۸۷) الاعلی: ۱۹ آیه، ۷۲ کلمه، ۲۷۰ حرف، در نزول سوره ۳۸ و مکی است.

(۸۸) الغاشية: ۲۶ آیه، ۷۲ کلمه، ۳۳۰ حرف، در نزول سوره ۶۸ مکی است

(۸۹) الفجر: ۳۰ یا ۲۹ یا ۳۳ آیه، ۱۳۷ کلمه، ۵۷۷ حرف، در نزول سوره ۱۰ و مکی است.

(۹۰) البلد: ۳۲ آیه، ۸۲ کلمه، ۳۳۰ حرف، در نزول سوره ۳۵ و مکی است.

(۹۱) الشمس، ناقة، صالح: ۱۵ یا ۱۶ آیه، ۵۴ کلمه، ۲۴۷ حرف، در نزول سوره ۲۶ و مکی است.

(۹۲) الليل: ۲۱ آیه، ۷۱ کلمه، ۳۰۲ حرف، در نزول سوره ۹ و مکی است.

کلمه، ۱۲۵ حرف، در نزول سوره ۱۷ جز آیات ۴ تا ۷ بقیه مکی است.
 (۱۰۸) الكوثر: ۳ آیه، ۱۰ کلمه، ۴۲ حرف، در نزول سوره ۱۵ و مکی است.
 (۱۰۹) الكافرون، جحد: ۶ آیه، ۲۶ کلمه، ۹۴ حرف، در نزول سوره ۱۸ و مکی است.
 (۱۱۰) النصر، التودیع: ۳ آیه، ۱۹ کلمه، ۷۸ حرف، گفته‌اند آخرین سوره (۱۱۴) بود که در حجة الوداع به منی نازل شد.
 (۱۱۱) لهب، ابی لهب، المسد، تبت: ۵ آیه، ۲۰ کلمه، ۷۷ حرف، در نزول سوره ۶ و مکی است.
 (۱۱۲) الاخلاص، التوحید، الصمد: ۴ یا ۵ آیه، ۱۵ کلمه، ۴۷ حرف، در نزول سوره ۲۲ و مکی است.
 امام فخر رازی در تفسیر خود بیست نام برای آن ذکر می‌کند از آن جمله:

سوره اساس، برائة، جمال، معرفة، مقشقة، مانعة، نجات، نسبة الرب، نور، تفريد، تجريد، ولاية...
 (۱۱۳) الفلق: ۵ آیه، ۲۳ کلمه، ۷۴ حرف، در نزول سوره ۲۰ و مکی است.
 (۱۱۴) الناس: ۶ یا ۷ آیه، ۲۰ کلمه، ۷۹ حرف، در نزول سوره ۲۱ و مکی است.

مساجد

مساجد در دوران اولیه اسلام: در زمان پیغمبر اسلام (ص) و خلفای راشدین، چنانکه در همه امور و شئون مسلمانان سادگی و بی‌آلایشی حکمفرما بود، در ساختمان معابد و مساجد نیز همین حالت وجود داشت. مساجد زمان پیغمبر در مدینه و مکه عبارت بود از قطعه زمین محصوری که چند ستون در آن استوار و سقفی از حصیر و لیف خرما بر آنها نهاده شده بود تا مومنان از گزند آفتاب و باران در امان باشند و منبر ساده‌ای نیز برای خطابه و وعظ در گوشه‌ای از آنجا نهاده بودند، دیگر هیچگونه

(۹۳) الضحی: ۱۱ آیه، ۴۰ کلمه، ۱۹۲ حرف، در نزول سوره ۲ یا ۳ یا ۱۱ و مکی است.
 (۹۴) الانشراح، الم نشرح، شرح: ۸ آیه، ۲۷ کلمه، ۱۰۳ حرف، در نزول سوره ۱۲ و مکی است.
 بعضی آنرا با «والضحی» بهم می‌پیوندند.
 (۹۵) التین: ۸ آیه، ۳۴ کلمه، ۱۵۰ حرف، در نزول سوره ۲۸ و مکی است.
 (۹۶) العلق، اقرأ: ۱۹ یا ۲۰ آیه، ۹۲ کلمه، ۲۸۰ حرف، در نزول ۵ آیه نخستین آن آغاز نزول بوده و مکی است.
 (۹۷) القدر، انا انزلناه: ۵ یا ۶ آیه، ۳۰ کلمه، ۱۱۲ حرف، در نزول سوره ۲۵ و مکی است.
 (۹۸) البینة، البریة، لم یکن، القيامة: ۸ یا ۹ آیه، ۹۴ کلمه، ۳۹۲ حرف، در نزول سوره ۱۰۰ و مدنی است.
 (۹۹) الزلزال، الزلزلة: ۸ یا ۹ آیه، ۳۵ کلمه، ۱۴۹ حرف، در نزول سوره ۹۳ و مدنی است.
 (۱۰۰) العاديات: ۱۱ آیه، ۴۰ کلمه، ۱۶۳ حرف، در نزول سوره ۱۴ و مکی است.
 (۱۰۱) القارعة: ۱۱ یا ۱۰ یا ۸ آیه، ۳۶ کلمه، ۱۵۰ حرف، در نزول سوره ۳۰ و مکی است.
 (۱۰۲) التكاثر: ۸ آیه، ۲۸ کلمه، ۱۲۰ حرف، در نزول سوره ۱۶ و مکی است.
 (۱۰۳) العصر: ۳ آیه، ۱۴ کلمه، ۶۸ حرف، در نزول سوره ۱۳ و مکی است.
 (۱۰۴) الهمزة، لمزة: ۹ آیه، ۳۳ کلمه، ۱۳۰ حرف، در نزول سوره ۳۲ و مکی است.
 (۱۰۵) الفیل، الم ترکیف: ۵ آیه، ۲۳ کلمه، ۹۶ حرف، در نزول سوره ۱۹ و مکی است.
 (۱۰۶) قریش، لایلاف: ۴ یا ۵ آیه، ۱۷ کلمه، ۹۳ حرف، در نزول سوره ۲۹ و مکی است: بعضی آنرا جزء سوره فیل شمرده‌اند.
 (۱۰۷) الماعون، أرایت، الذین: ۷ یا ۶ آیه، ۲۵



در کشورهای شام و مصر و عراق و پس از آن ایران و هند و آفریقا و مغرب (مراکش، تونس، اسپانیا) ساخته شد.

مشخصات و مزایای مساجد ایران: ساختمان مساجد کشورهای مصر و شام و لبنان و فلسطین چه از نظر فن معماری و تزئینات و چه از نظر مواد و مصالح ساختمانی شباهت کامل به یکدیگر دارند، مناره‌ها و محرابها و ستونهای سنگی و منابر چوبی و سنگی و سبک ساختمانی نظیر یکدیگر است ولی مساجد ایران جهات ممتازه زیادی دارد. از خصایص مساجد ایران کاشی کاریهای بسیار ظریف و زیبا و

ساختمان باشکوه و تزئینات و صنایع معماری و تصاویر و نقوش در آنها وجود نداشت ولی روحانیت و عظمت و شکوه معنوی بر سراسر آن پرتو انداخته بود و همان محل ساده و بی آرایش و پیرایش جایگاه نماز جماعت و جمعه مومنان و محل موعظه پیغمبر بزرگ اسلام و شور مسلمانان در امور اجتماعی بود. دوران این سادگی و بساطت بسیار کوتاه بود و از اواسط قرن اول هجری که فتوحات اسلام گسترش یافت و حکومت اسلامی در دست امویان و عباسیان به صورت سلطنت و پادشاهی درآمد ساختمانهای بزرگ و باشکوهی بنام مساجد و مدارس

جوار مزار عارف نامی بایزید بسطامی باقیمانده است. خطوط و نقوش برجسته بر روی آجر و آجرکاریهای بسیار ظریف و دقیق که در دوران سلاجقه متداول بوده و نمونه‌ای از آن در یکی از شبستانهای مسجد جامع اصفهان هنوز باقی است. از خصایص سبک معماری مساجد ایران شکل مناره‌ها و جفت و قرینه بودن آنها و تزئینات کاشی کاری و یا

مقرنس کاریهای ممتاز است که در بعضی از آنها از قبیل مسجد گوهرشاد در مشهد و مسجد شیخ لطف‌الله و مدرسه چهارباغ در اصفهان و مسجد وکیل در شیراز این صنایع به حد کمال است. همچنین گچ بریهای بسیار زیبا و ظریف از عصر ایلخانیان که نمونه آنها در مسجد جامع اصفهان و مسجد مجاور مزار شیخ احمد جام در خراسان و مسجد بسطام در





در تمام اوقات شبانه روز مردم بسیاری از شهرستانهای مختلف و کشورهای اسلامی در آنجا در رفت و آمد و نمازگزاران هستند و در هر گوشه و شبستانی مدرس و واعظ و ذاکر و مساله‌گویی به تدریس و وعظ و بیان احکام دینی اشتغال دارد. در مواقع معین نماز نیز چندین امام به اقامه نماز جماعت می‌پردازند و تمام شبستانهای متعدد و وسیع و صحن مسجد پر از نمازگزاران می‌شود چنانکه هیچ جای خالی باقی نمی‌ماند. گاهی مسلمانانی که پیرو مذهب حنفی یا شافعی هستند نیز برای انجام نماز در این مسجد حاضر می‌شوند و با کمال آزادی بر وفق سنت و مذهب خود به نماز می‌ایستند.

مسجد جامع عتیق شیراز: این مسجد از مساجد بسیار قدیمی است و ظاهراً در نیمه دوم قرن سوم هجری به فرمان عمرولیت دومین پادشاه از خاندان صفاری ساخته شده است. معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی که از مورخان و نویسندگان قرن هشتم هجری است در باره این مسجد شرحی نوشته که ترجمه آن چنین است:

«...قاضی ناصرالدین بیضاوی در کتاب نظام- التواریخ خود نوشته است که مسجد جامع عتیق از

تذهیب آنهاست. همچنین تزئینات محراب و مقرنس‌کاریهای بسیار ظریف و ایوانهای باشکوه و متقابل نیز از مختصات مساجد ایرانی می‌باشد.

مسجد گوهرشاد: این مسجد در شهر مشهد و در جنوب ساختمان‌های آستان قدس رضوی قرار گرفته و وصل به آنها می‌باشد و هم اکنون یکی از کفش‌کنهای ورود به حرم مطهر در ضلع شمال شرقی مسجد قرار دارد.

بانی این مسجد ملکه نیکوکار و خیراندیش گوهرشاد آغا زوجه میرزا شاهرخ بن امیر تیمور گورگانی است که در سال ۸۲۱ هـ. از اموال خالص خود به ساختمان این مسجد پرداخته است. چنانکه در هرات نیز مسجد و مدرسه باشکوهی به فرمان وی ساخته شده است. نام بانی در دو جا در روی کاشی بسیار نفیس معرق نوشته شده. یکی در کتیبه مقصوره به خط فرزند خطاط و هنرمندش میرزا بایسنقر و دیگر در دیوار رو به قبله ایوان دارالسیاده.

این مسجد از نظر زیبایی و آبادی و دایر بودن در همه اوقات شبانه‌روز و داشتن موقوفات بسیار و صرف درآمد موقوفات در مصرف موقوف علیه شاید در میان مساجد تمام کشورهای اسلامی بی‌مانند باشد.



گفت من نیز به همین امید و برای همین غرض این کار را کردم. عمرو از این سخن متأثر شد و دستور داد که زن را به حال خود گذارند و متعرض وی نگردند... در وسط این مسجد «قرآن خانه» ای است به صورت مکعب متساوی الاضلاع که در آن کتاب‌ها و مجموعه‌ها و جزواتی از قرآن کریم وجود دارد که بسیاری از آنها به خط صحابه و تابعان است و نیز در آن قرآنهایی به خط امیرالمومنین علی و حسین و علی بن الحسین و جعفر علیهم السلام می‌باشد... این مسجد بر اثر طول زمان و از میان رفتن موقوفات آن خراب و بایر شده بود ولی اخیراً به همت امام مسجد و جمعی از مردم نیکوکار تعمیرات زیادی در آن انجام یافته ولی چون بدون نظارت اداره باستانشناسی این تعمیرات صورت گرفته متأسفانه رعایت اصول فنی در آن به عمل نیامده است. بی‌شک در طول مدتی که متجاوز از هزار سال است چندین بار حالت خرابی و تعمیر در آن راه یافته و شاید از سبک و اساس نخستین آثار کمی در آن باقی مانده باشد.

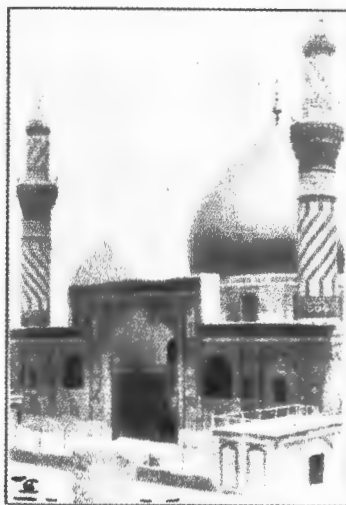
خوشبختانه بنای قرآن خانه (بنت المصحف خانه خدا) که بنای مربعی است هم اکنون در وسط صحن

بناهای عمرو بن لیث است و در باره ساختمان آن گفته‌اند که چون عمرو لیث ساختن آن را کرد دستور داد که تیرهای چوبی برای ساختمان آن فراهم کنند. به وی خبر دادند که زنی نیکوکار و پارسا از مردم سروستان دارای بوستانی است که در آن تیرهای بسیار است و آن را از مال حلال خود به دست آورده است. عمرو و کس نزد آن زن فرستاد تا تیرها را از او بخرند. زن پارسا گفت نخست آنها را قطع کنید پس از آن بها را معین نمایید. چون درختان را بریدند گفت آنها را به جای ساختمان ببرید بعد در باره قیمت گفتگو می‌کنیم. چون آنها را به سر کار بردند و دیوارها و ستونها و طاقها تمام شده بود گفت آنها را بر روی سقف کار کنید سپس بها را حساب می‌کنیم. چون تیرها به کار گذارده شده و سقف پایان یافت گفت مرا نیازی به بهای تیرها نیست، آنها را در راه خدا دادم. چون این خبر به عمرو رسید در خشم شد و گفت یا بهای تیرها را بپذیرید و یا آنها را از جای برکنید.

زن نیکوکار نزد عمرو آمد و گفت: ای امیر برای چه کس این خانه را بنیان نهادی؟ گفت برای خداوند بزرگ و برای دریافت ثواب و طلب خشنودی وی.

از همه چیز. . .

طغرل بیک سلجوقی ۴۴۲ هـ. خرابی زیادی به مسجد وارد شد و در سال ۴۴۴ هجری ترمیم یافت. به گفته شاردن بنای نخستین مسجد کوچک بوده و به وسیله خلیفه عباسی المنصور توسعه یافته است.



مسجد وجود دارد و کتیبه‌ها و کاشی کاریهای نفیس از قرن هشتم در اطراف آن باقیمانده است. و کتیبه‌ی نیز به نام شاه ابواسحق اینجو مورخ به سال ۷۵۲ ق. هنوز در گلدسته آن موجود است

مسجد دوره عباسی را با خشت خام ساخته بودند (هنوز از خشتهای قطور خام در چهل ستون ودالان ورودی صفه «عمر» آثاری دیده می‌شود).

مافروخی نوشته است که این مسجد کتابخانه بزرگی داشته که فهرست آن در سه مجلد بزرگ نوشته شده بوده است. یکبار باطنیان کتابخانه مسجد را آتش زدند و ملک‌شاه سلجوقی آن را تعمیر و ترمیم کرد. در کتیبه سردر شمالی به این تعمیرات که بعد از آتش‌سوزی واقع شده تصریح شده است. ساختمانی در شمال شرقی بنام «صفه» و «مسجد عمر» وجود دارد که به وسیله عمر بن عبدالعزیز عجللی از خاندان ابی‌دلف که والی همدان و اصفهان بود (۲۸۱ هـ.) انجام یافته و ضمیمه مسجد گردیده است و خوشبختانه با وجود گذشت زمان هم اکنون محکم و استوار برجاست.

مسجد شاه اصفهان: این مسجد نیز از نظر

مسجد جامع اصفهان: این مسجد از نظر قدمت و عظمت و صنعت و وسعت و اشتمال بر معماریهای دوره‌های مختلف بی‌نظیر است و مجموعه‌ای است از شاهکارهای معماری چندین قرن که شاید ابتدای آن از قرن سوم اسلامی شروع و اضافات و تعمیرات تا قرن دهم و یازدهم هجری بوسیله سلاطین و امرای سلجوقی مغول، صفویه و قاجاریه و حتی تراکمه و افغانه انجام یافته و در سنوات اخیر نیز بوسیله اداره کل اوقاف و باستان‌شناسی ترمیم و تعمیر جامعی با رعایت اصول فنی و حفظ اسلوب قدیمی در آن به عمل آمده است.

بنا به گفته مافروخی نویسنده کتاب «محاسن اصفهان» (۴۲۱ هـ.) این مسجد نخست به وسیله عربهای دهکده تیران (۶۰ کیلومتری اصفهان) ساخته شده سپس در سال ۲۲۶ هـ. زمان المعتصم عباسی ساختمان مسجد از نو بنیاد گردید. در زمان

هم قبله و محراب مسجد راست باشد یکی از شاهکارهای معماری آن زمان است و مشهور است که در مهندسی این بنا دانشمند و عالم ذوفنون عصر شیخ بهاء‌الدین عاملی نیز دست داشته است. با اینکه سمت قبله نسبت به میدان انحراف دارد این انحراف به وضعی متناسب و هنرمندانه در دهلیز مسجد رفع شده و در نتیجه قبله مسجد راست گردیده است.

در دو طرف سر در دو مناره بلند به ارتفاع ۴۸ متر قرار دارد. کاشیهای سردر تمام معرق و بسیار نفیس و عالی است. مشهور است که هفت شاهکار بی نظیر در ساختمان و تزئینات مسجد وجود دارد. یکی از آنها شکل دو طاووس بسیار زیبا بر روی کاشی معرق پیشانی سردر است. در کتیبه پیشانی سردر از خطوط دو تن خطاط مشهور دوره صفویه، علیرضای عباسی و محمدرضا امامی دیده می‌شود. در این کتیبه که تاریخ سردر را تعیین می‌کند (۱۰۲۱ هجری) نام شاه عباس کبیر ذکر شده است.

یکی دیگر از نفایس هفتگانه دو ستون پیچ لاجوردی بسیار ظریف و زیبایی است که از دو طرف سردر اصلی شروع و در تیزی سقف به یکدیگر متصل می‌شوند.

در اصلی مسجد از چوب چنار است که روپوش بسیار ظریف و منقشی از نقره و طلا بر روی آن کشیده شده و نقش و نگار و خطوط زیبایی بر روی آن دیده می‌شود. موافق اشعاری که بر روی لنگه راست در نوشته شده روپوش نقره و طلای آن به امر شاه صفی در سال ۱۰۴۷ انجام یافته است.

دیگر از شاهکارهای هفتگانه سنگ آب بسیار بسیار ظریفی است از سنگ مرمر که در وسط دهلیز مدخل مسجد قرار دارد و بر آن نقوش زیبا و خطوطی کنده شده است. خاصیت این سنگ آب آنست که هنگام نواختن دست به آن صدای چینی می‌کند.

عظمت و صنعت و تزیینات یکی از بدایع معماری ایران است و برخلاف مسجد جامع بنای آن دارای يك سبك و ساختمان‌های آن همه متعلق به يك عصر و بانی است و چون از تاریخ بنیان آن زمان دیری نگذشته اساس و صورت بنا سالم و استوار مانده و تغییرات بزرگی در آن راه نیافته است. ساختمان مسجد شاه به فرمان شاه عباس کبیر و در دوره درخشان پادشاهی آن پادشاه صفوی انجام یافته از آغاز ساختمان تا پایان ۱۹ سال طول کشیده است (۱۰۲۱-۱۰۴۰ هجری).

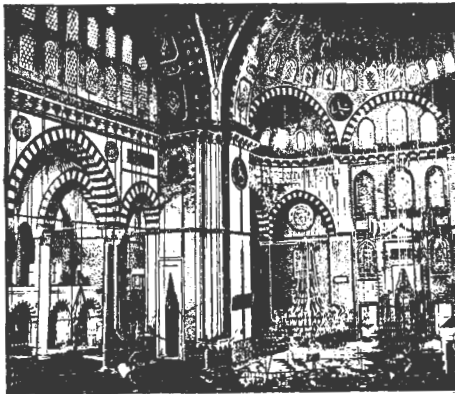
مسجد شاه در ضلع جنوبی میدان نقش جهان قرار گرفته است و روبروی آن در ضلع شمالی سردر قیصریه و نقاره‌خانه و در ضلع شرقی مسجد شیخ لطف‌الله و در ضلع غربی کاخ با شکوه عالی قابو قرار دارد. شاه عباس کبیر که در پیشرفت امور کشور و آبادی شهر پایتخت اصفهان همواره کوشا بود با ساختمان این بناهای با شکوه در چهار طرف میدان بر عظمت و زیبایی آن افزود، چنانکه میدان بی نظیر نقش جهان به طول ۵۱۲ متر و عرض ۱۶۰ متر با این ساختمانهای عظیم و تزیینات و تنظیمات داخلی در زمان آبادی مورد اعجاب و تحسین سیاحان و مسافران قرار می‌گرفت و تحقیقاً در نوع خود بی نظیر بود. هم اکنون نیز با اینکه در اصفهان و شهرستانهای دیگر ایران میدانهای بزرگی احداث شده است هیچ کدام از نظر زیبایی و وسعت و سبك بنا به پایه این میدان نمی‌رسد.

باری بنیان مسجد عظیم و زیبایی در جنوب میدان و ساختمان سردر باشکوه و مناره‌های زیبا که در آن همه در کاشیهای معرق و نقش و نگار و خطوط کتیبه‌های آن نهایت ظرافت و نفاست به کار رفته است بر زیبایی و شکوه میدان چندین برابر افزوده است. هنرمندی مهندسان و طراحان در اینکه هم سردر مسجد نسبت به وضع میدان راست و مستقیم و

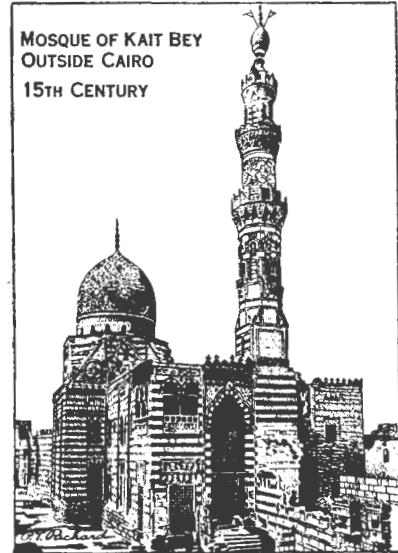
از همه چیز...

سراسر دیوارهای مسجد از کاشیهای رنگین و اسلیمی‌های زیبا و شفاف تزئین شده است. ضلع جنوبی مسجد که در حقیقت بنای بزرگ و شبستان بزرگ و در هر یک از شبستانهای طرفین دارای هشت ستون سنگی هشت ضلعی است در چهار ردیف با ازاره سنگهای مرمر یک پارچه رنگارنگ و کاشیهای بسیار نفیس منقش و پنجره‌های کاشی معرق بسیار زیبا و نفیس، در وسط این شبستان سنگابه بسیار ظریفی نظیر سنگابه دهلیز مسجد وجود دارد که موافق اشعار منقوش بر آن در عصر شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۹۵ ساخته و پرداخته شده است.

در شبستان شرقی نیز سنگابه مرمری قرار دارد که مساحت محیطش یک متر است. در بدنه جنوبی این شبستان خشتهای کاشی ایوان نصب شده که در آنها بر خلاف معمول و سابقه اشکال طیور و حیوانات نقش گردیده است.



شبستان اصلی که زیر گنبد قرار گرفته از جهت نوع کاشیهای معرق رنگارنگ و تزئینات و خطوط و سنگهای مرمر نمونه عالی صنعت معماری است. این گنبد نیز مانند سایر گنبدهای بزرگ دارای دو پوشش است. بلندی سقف شبستان تا زیر پوشش اول ۲۴



پس از ورود به دهلیز مسجد دو راهرو سرپوشیده وجود دارد که یکی از طرف راست و دیگری از سمت چپ به شکل نیم دایره ناقصی منتهی به فضای مسجد می‌شوند و سقف و دیوارهای این دالانها و دهلیز ورودی همه از بهترین کاشیهای رنگارنگ و خطوط بنایی و کوفی تزئین یافته است. در چهار طرف مسجد چهار ایوان و شبستانهای متعدد وجود دارد که ایوان جنوبی منتهی به گنبد عظیم و محراب مسجد می‌شود. ازاره‌های پیرامون مسجد تمام از سنگهای نفیس مرمر است. در دهلیز سمت راست لوحه سنگ مرمری به سال ۱۰۳۸ نصب شده که در آن فرمان شاه عباس در باره بخشودن مالیات از صنف سلمانی و خاصه تراش نوشته شده است. در همین سمت یک لوحه سنگ سماق یک پارچه شفاف نصب شده است که تصویر نمای ایوان جنوبی در آن نقش می‌بندند ولی متأسفانه قسمتهای پایین سنگ بر اثر رطوبت و طول زمان از صفا و شفافیت افتاده است. این سنگ نیز یکی دیگر از شاهکارهای نفیس هفتگانه مسجداست.

متر و مساحت فضای زیر گنبد $22/5 \times 22/5$ متر است. بلندی تمام گنبد ۵۴ متر و ارتفاع مناره‌های طرفین ایوان ۵۲ متر و فاصله میان دو پوشش گنبد ۱۲ متر است.

در ساختمان این گنبد نیز مانند اغلب گنبدهای بزرگ برای اینکه کثیرالاضلاعی تبدیل به دایره شود قسمت پائین چهار پهلو و در بالا هشت پهلو و بالاتر ۱۶ پهلو و بعد کم کم تبدیل به دایره می‌شود.

در زیر گنبد نزدیک محراب منبری يك پارچه که از سنگ مرمر بسیار نفیس ساخته و پرداخته شده است قرار دارد. این منبر دارای ۱۴ پله و به طول $4/10$ متر و یکی از نفیس‌ترین کاشی‌های مسجد است. محراب مسجد نیز دارای بهترین کاشیهای معرق و سنگهای گلدانی شکل رنگارنگ و تزئینات بسیار عالی است. در بالای محراب دریچه بسیار زیبا و نفیسی وجود دارد که بنا بر مشهور قرآن منسوب به خط حضرت سید سجاد و جبه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در آنجا محفوظ بوده است (اکنون هر دو در موزه چهل ستون است). این دریچه و قطعه فیروزه‌ای که در سقف گنبد نصب شده هر دو از نفیس‌ترین هفتگانه است.

در دو گوشه جنوب شرقی و جنوب غربی دوازده قرار دارد که جای طالبان علم بوده و هر کدام دارای صحن و حجرات و مدرس و مسجد می‌باشد. زاویه جنوب غربی به نام مدرسه سلیمانیه و از بناهای شاه سلیمان صفوی است (۱۰۷۸ هجری) و دری به خارج دارد. در شمال این مدرسه دو قطعه سنگ یکی مرمر و یکی سیاه نصب شده که به منزله نصف النهار و شاخصی است که در تمام فصول وقت ظهر شرعی را می‌توان به وسیله آن معین کرد.

زاویه جنوب شرقی به نام «مدرسه ناصریه» و دارای هشت حجره است که دری به خارج دارد.

مسجد شیخ لطف‌الله: چنانکه در شرح مسجد شاه بیان شد مسجد شیخ لطف‌الله در ضلع شرقی

میدان نقش جهان و در مقابل کاخ با شکوه عالی قاپو قرار دارد. بنیان این مسجد نیز به فرمان شاه عباس کبیر قبل از ساختمان مسجد شاه در سال ۱۰۱۱ هجری آغاز گردید و تا سال ۱۰۲۸ هجری ادامه یافت و چون شیخ لطف‌الله که از علمای زمان و نزدیکان شاه بود برای امامت مسجد معین شد، از همان زمان مسجد به نام وی شهرت یافت.

امتیاز و شهرت این مسجد یکی از جهت گنبد بسیار زیبا و متناسب آن است که به یقین نظیر و قرین ندارد و توازن و ظرافت و زیبایی آن را به کاسه چینی وارونه مانند کرده‌اند. دیگر از آن جهت است که این گنبد باشکوه و سردر عظیم دارای محوطه و صحنی نیست و زیر ساختمان و شبستان گنبد خالی و شبستان زمستانی است. به همین جهت این مسجد و گنبد از سطح مجاور خود به اندازه شش پله بلندتر است.

سردر مسجد دارای کاشیهای معرق بسیار ظریف و زیباست و در کتیبه آن که به خط رقاع از خطاط هنرمند دوره صفویه علیرضای عباسی است نام شاه عباس کبیر دیده می‌شود (۱۰۱۲ هـ). در کتیبه دوم زیر گنبد نیز نام همین خطاط دیده می‌شود (۱۰۲۵). در طرفین محراب نام معمار محمدرضا بن استاد حسین بنای اصفهانی و سال اتمام بنا ۱۰۲۸ هـ نوشته شده است.

نقش و نگار کاشیهای گنبد از قسمت خارجی آن و شکل و سبک ساختمان گنبد و موزونیت و تناسب آن و همچنین عظمت و زیبایی داخلی گنبد و کاشی کاری بسیار زیبا و نفیس آن هر بیننده را در نظر اول دچار حیرت و اعجاب می‌کند.

بلندی گنبد تا زیر سقف ۳۲ متر و ارتفاعش از روی زمین ۴۲ متر و محیط آن ۷۰ متر است.

روشنایی شبستان زیرگنبد از پنجره‌های ۱۶ گانه بسیار ظریف و مشبکی است که با کاشیهای معرق

از همه چیز...

خلف مرحوم شیخ عبدالمیمون ثانی است. حیاط مدرسه دارای دوازده حجره و دو بالاخانه می باشد. حوضی که در حیاط مدرسه است از هشت تخته سنگ ساخته شده، عرض آن دو تکه و طول آن هم دو تکه تا ته حوض فرو رفته است. قریه خلیجیان که در يك فرسخی شمال شهر سنندج است با چند باغ از طرف مرحوم امان الله خان والی وقف تعمیر مسجد و اعاشه مدرس و طلاب و خادم است.

شعر آخر قصیده ناطق اصفهانی:

باددایم دارالاحسان امان الله خان

جای حمد و جای مدح و جای علم ۱۲۲۷

شعر آخر قصیده خرم کردستانی:

دارالاحسان امان الله خان بادامام ۱۲۲۷ مجمع

طاعات و احسان منهج صدق و یقین ۱۲۲۸
امان الله خان اردلان والی برای بنای این مسجد و قلعه حکومتی از اصفهان مهندس و معمارکاشی کار و حجار و نجار و فخار آورده است.»

مسجد جامع مظفری در کرمان: از مساجد



تزیین شده و نور از آنها به داخل مسجد می تابد و جلوه خاصی به کاشیهای سقف می دهد. این شبستان که در حقیقت تمام مسجد از آن تشکیل شده است منتهی به محراب بسیار زیبایی می شود که از ابتدای ورود نظر هر بیننده را به خود می کشاند و چنانکه قبلاً هم گفته شد زیر این شبستان خالی است و شبستان زمستانی دیگری قرار دارد.

چنانکه مشهور است این مسجد را شاه عباس کبیر به جهت عبدالله که یکی از علمای مشهور زمان بود ساخت ولی چون مشارالیه امامت مسجد جامع را داشت، شیخ لطف الله برای امامت آنجا برگزیده شد و پس از ساختمان مسجد شاه، این مسجد مخصوص شاه و نزدیکانش گردید.

مسجد دارالاحسان: در سنندج (کردستان) که آن را مسجد جامع نیز گویند از بناهای مرحوم امان الله خان اردلان معروف به «بزرگ» والی کردستان است. این مسجد در نهایت زینت و استحکام و در دیوار آن کاشی کاری است. شبستان خیلی بزرگی دارد که بر بیست و چهار عدد ستون سنگی بنا شده و دارای ۳۵ سقف گنبدی است به علاوه دو ایوان بزرگ عالی هم دارد یکی در سمت قبله و دیگری در طرف مشرق. تقریباً دو ثلث قرآن در کتیبه دور مسجد و ایوان و اطراف ستونها به خط خیلی قشنگ کتیبه شده است. میرزا محمدصادق (ناطق) اصفهانی قصیده ای برای اتمام این مسجد گفته که هر مصراع آن تاریخ اتمام مسجد است و آنرا در سنگ مرمر ایوان رو به قبله به خط نستعلیق بسیار خوشی نقر و مرتسم کرده اند و مرحوم میرزا فتح الله (خرم) کردستانی قصیده غرائی در مقابل آن گفته که مصراع اول هر يك از اشعار آن تاریخ بنا و مصراع دوم تاریخ اتمام است و این قصیده نیز در کتیبه سنگ مرمر ایوان شرقی منقور و منقوش است. خط نسخ و نستعلیق این کتیبه ها یادگار مرحوم شیخ حسن

قدیمی بزرگ و از بناهای تاریخی شهر کرمان مسجد جامع مظفری است که اکنون در سمت شرقی شهر کرمان واقع و به مسجد کبیر مشهور است. بنای این مسجد مانند دیگر مساجد ایران به سبک بناهای اسلامی ایران و شامل سه ایوان بزرگ غربی، شمالی و جنوبی است و در دو طرف هر ایوان شبستانهای مسجد قرار دارد.

موافق کاشی کاری سردر بزرگ مسجد که خوشبختانه هنوز باقی و کتیبه آن سالم است آغاز بنا در سال ۷۵۰ هجری به فرمان محمدبن مظفر بن منصور بن حاجی خراسانی الاصل آغاز گردیده است این محمدبن مظفر که بعنوان بنده ضعیف در کتیبه از وی نام برده شده است همان امیرمحمد ملقب به مبارزالدین، مرد شجاع و نیرومند و سرسلسله خاندان آل مظفر است که جدش منصور از خراسان هجرت کرد و در یزد ساکن شد، امیر محمد در قرن هشتم سلسله ای را تشکیل داد که مدتی در یزد و فارس و کرمان امارت داشتند و معاصر با خواجه حافظ شیرازی می باشد.

در کتاب «تاریخ محمود کتبی» که خلاصه ای از «تاریخ مواهب الهی» است درباره چگونگی بنای مسجد و علت آن و تغییری که در اواخر عمر به حال امیر محمد راه یافته بود شرحی بدین قرار نوشته است.

بنای مسجد جامع «... درسته اثنی و خمسین و سبعمائه به توبه و انابه و جد و اجتهاد در طاعت و عبادت و تلاوت کلام الله و سماع حدیث رسول (ص) اشتغال می نمود و در امر به معروف و نهی از منکر به اقصی الغایه می کوشید.

چون احوال ملك روی به صلاح نهاد عمارت ساخت دین را در پیش گرفت. در ظاهر شهر قدیم کرمان به درب زرنده، مسجد جامع بنا فرمود... و اکنون بحمدالله تعالی از صبح تا شام مسلمانان در آنجا به

اقامت فرایض و نوافل مشغول می باشند و در محله سرمیدان نزدیک قصر همایون دارالسیاده عمارت کرد که محل آثار نبوی و منزل اشراف و سادات است... و اخراجات عمارت این هر دو موضع مبارک از حاصل املاک موروثی میبد کرد و یک دینار از هیچ جای دیگر به آن ضم نکرد...»

اختلافی که در کتیبه و این نوشته در باره تاریخ نامشهود است ممکن است ناشی از اختلافات آغاز ساختمان و پایان آن باشد یعنی تاریخ کتیبه (۷۵۰ هجری) تاریخ آغاز و تاریخ ۷۵۲ هجری تاریخ اتمام بنا باشد.

مساجد معروف جهان

الف) ازبکستان

۱) مسجد کالایان: این مسجد در بخارا در سال ۱۵۱۴ بر روی بنای مسجدی که تاریخ بنای آن مشخص نیست ساخته شد. مناره این مسجد ۴۵/۶ متر ارتفاع دارد که این مناره مربوط به بنای قبلی است که مسجد بر روی آن ساخته شده و مناره در سال ۱۱۲۷ توسط ارسلان شاه ساخته شده. ساختمان این مسجد به خاطر کاشی کاریهای زیبای آن در یاد ماندنی است.

۲) مسجد چهاربکر: این مسجد در بخارا واقع است و بنای آن مربوط به سالهای ۶۳-۱۵۶۰ است و به این مسجد غالباً در اعیاد مذهبی مراجعه می شده و کمتر برای نمازگزاران مورد استفاده واقع می شده است.

۳) مسجد بی بی خانم: این مسجد در سمرقند واقع است. اگر چه در افواه شایع است که این مسجد توسط همسر تیمور ساخته شده ولی تحقیقات نشان داده است که مسجد توسط تیمور بر روی بنای مسجد قدیمی و ویرانی ساخته شده است و آغاز بنای آن مربوط به ۱۱ مه ۱۳۹۹ است. برای ساختمان

است. ساختمان این مسجد در سال ۳۷-۵۳۲ توسط امپراطور ژوستینیان تحت نظارت آنته میوس معمار مشهور وی بنا گردید. شبستان این مسجد ۲۶۵ پا طول و ۱۰۲ پا عرض دارد و ارتفاع آن تا گنبد ۱۸۴ پا است. این شبستان بر روی چهار رواق استوار شده است. کف این بنا از سنگهای مرمرین رنگین و موزائیک طلائی گرانبها پوشیده شده و سنگفرشها در قالبهائی از کاشی هائی با تصاویر شخصیتها و چهره های مذهبی جای گرفته است.

ت (فلسطین

مسجد الاقصی: اقصی به معنای دور است. این مسجد ابتدا معبدی بوده که توسط سلیمان ساخته شد و نیز بیت المقدس خوانده می شد. در اسلام مسجد الصخره نامیده می شود و مسلمانان معتقدند که حضرت محمد از این جایگاه مقدس به عالم ملکوت عروج کرد (مراجعه شود به قرآن سوره ۱۷). جلال-الدین سیوطی در کتابی که در باب مسجد الاقصی نوشته شده است به این نکته اشاره دارد که مسجد الاقصی از آن جهت با نام الاقصی خوانده شد که دورترین نقطه مقدسی است که برای زیارت تعیین شده است.

ج) عربستان سعودی

۱) **مسجد الخلف:** مسجدی است در منی واقع در سه مایلی مکه. اعراب معتقدند که حضرت آدم در این مکان مدفون شده است. بدین صورت که سر وی در زیر يك دیوار و پای وی در زیر دیوار مقابل آن و بدنش در زیر گنبد مسجد جای گرفته است.

۲) **مسجد النبی:** یا مسجد پیامبر از نظر اهمیت پس از مسجد الاقصی دومین مسجد معتبر جهان اسلام است. در مورد احداث این مسجد روایت است که حضرت محمد دستور داد که برای اعوان و انصارش و نیز جوانانی که به اسلام گرویده اند، مسجدی تاسیس شود. عده ای از اطرافیان حضرت

این مسجد تیمور بهترین بنایان و معمارانی را که در قلمرو تیموریان بود فرا خواند. مسجد دارای يك صحن بزرگ و چهار ایوان است.

۴) **مسجد تیلیاکاری:** این مسجد در بخارا از سنگهای گرانبها در سال حدود ۱۶۶۰ ساخته شده است.

ب) افغانستان

۱) **مسجد گوهرشاد:** واقع در هرات. این مسجد توسط همسر شاهرخ فرزند تیمور بنا گردیده که از این مسجد فقط يك مناره آن باقیمانده است.

۲) **شاهرخ شاه در دو مایلی هرات بنام گذرگاه، مسجدی بنام خواجه عبدالله انصاری بنا نهاد.** تاریخ بنای این مسجد مربوط به سال ۲۹-۱۴۲۸ است. این مسجد هم اکنون به خاطر نوع کاشیکاریها و معماری ساختمانش نمایشگر هنر و معماری عصر تیموریان است.

پ) ترکیه

۱) **مسجد کبیر دیاریکن:** یکی از مساجد معروف آناتولی است که بسیار به سبک معماری سوری شبیه است. در خارج صحن این مسجد مجسمه هایی وجود دارد که مربوط به عصر سلجوقیان است ولی به احتمال قوی این مجسمه ها با سحر و جادو در رابطه بوده است.

۲) **مسجد جامع علاءالدین:** در شبه جزیره آناتولی واقع است. این مسجد در زمانهای مختلف در فاصله بین سالهای ۱۱۵۵ تا ۱۲۲۰ ساخته شده است و در صحن آن يك مقبره قرار دارد.

۳) **مسجد اولوکامی:** واقع در دیوریک ترکیه، این مسجد در عصر سلجوقیان ساخته شده و یکی از افتخارات معماری عصر سلجوقیان است.

مسجد ایاصوفیه: این مسجد که سانتا صوفیه خوانده می شد در اصل کلیسای بزرگ قسطنطنیه بود و بعدها تبدیل به مسجد و امروز تبدیل به موزه شده

کلیساهای معروف ایران: تعداد کلیساهایی که از زمان پذیرش مسیحیت از طرف ارامنه در ایران بنا گردیده تاکنون به درستی مشخص نشده است. مسلماً این امر از طرفی به علت کمبود مطالعات علمی در این زمینه و از طرف دیگر ویرانی و بازسازی مجدد تعداد زیادی از کلیساهای ارامنه و تعویض نام آنها می باشد که در نتیجه تشخیص دقیق تعداد آنها را بسیار دشوار کرده است. امید است با همکاری مقامات و متخصصین مختلف هر چه زودتر این کمبود برطرف گردد.



کلیساهای مشهور جهان

- | | |
|------------|--------------------------|
| در هامبورگ | ۱- کلیسای میثائل |
| در مونیخ | ۲- کلیسای فروئن کرشه |
| در مونیخ | ۳- کلیسای لیپ فراو |
| در مونیخ | ۴- کلیسای پترز |
| در لندن | ۵- کلیسای وست مینستر |
| در لندن | ۶- کلیسای سنت پال |
| در رم | ۷- کلیسای سن پتر |
| در رم | ۸- کلیسای سن پل بی ویوار |
| در رم | ۹- کلیسای سنت ماری |

زمین به ایشان اهدا کردند. حضرت از قبول زمین سر باز زد و اصرار کرد که حتماً زمین مسطح تری با قیمت بیشتری خریداری شود. پس از خریداری زمین، ابتداء دیوارهای مسجد را از سنگهای سخت و ناهموار و خشت خام و تنه درخت خرما و سقف آن از شاخه ها و برگ درخت خرما پوشانده شده بود. در این مسجد بهره گیری از هرگونه تزئین ممنوع شده بود.

پس از فتح خیبر در سال هفتم هجری، حضرت محمد و جانشینان او مسجد را ترمیم کردند. از آنجا که حضرت محمد اولین سنگ بنای این مسجد را نهاده است و ابوحریره خود شاهد بوده است که حضرت محمد برای بنای این مسجد توده های شن و خاک را حمل می کرده است، این مسجد دومین بنای معتبر اسلامی به شمار می آید.



«کلیساهای»

کلیسا در فارسی کلمه ای است که از واژه «کلیسیا» که به معنی مجمع مقدس است گرفته شده و در عهد عتیق این لفظ مخصوصاً بر مجمع مقدس بنی اسرائیل دلالت می کرد. ولی در عصر حاضر مقصود مجمع پیرامون حقیقی عیسی مسیح است و منظور از بنی اسرائیل همان پیروان راستین مسیح می باشد.



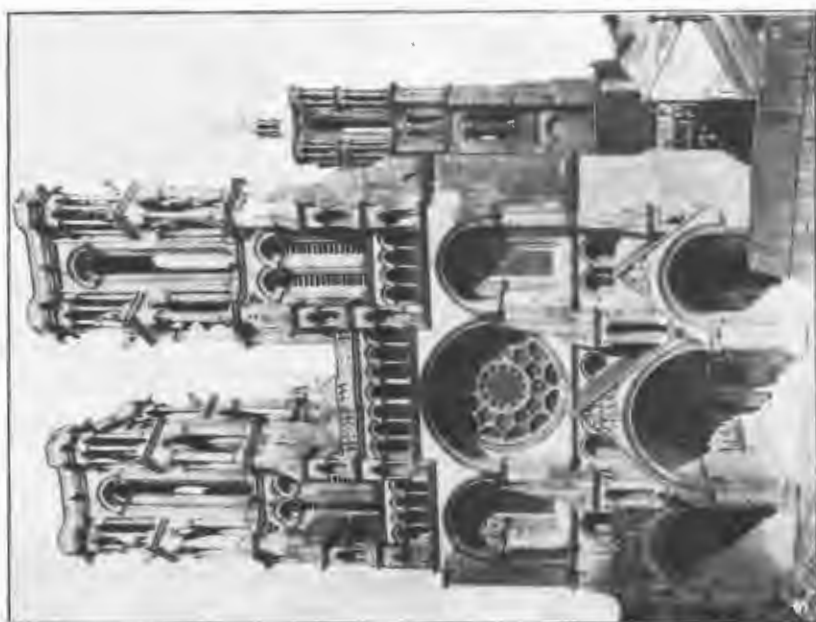
- | | | | |
|----------|-------------------------------|----------|--------------------------------|
| در ونیز | ۱۵- کلیسای سانتاماریا دلا سوت | در رم | ۱۰- کلیسای سن لاتران |
| در ونیز | ۱۶- کلیسای سان سالوادور | در رم | ۱۱- کلیسای سن لونی |
| در ناپل | ۱۷- کلیسای سانتاچاریا | در میلان | ۱۲- کلیسای دومو |
| در ناپل | ۱۸- کلیسای سان گن نارو | در میلان | ۱۳- کلیسای سانتاماریا دل گرازی |
| در پاریس | ۱۹- کلیسای سن سوپلیس | در ونیز | ۱۴- کلیسای سان مارکو |

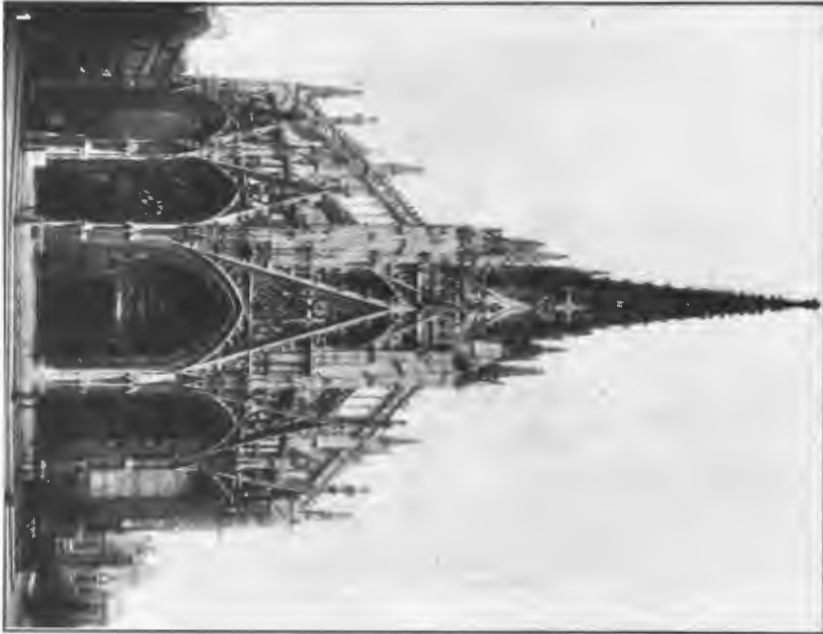
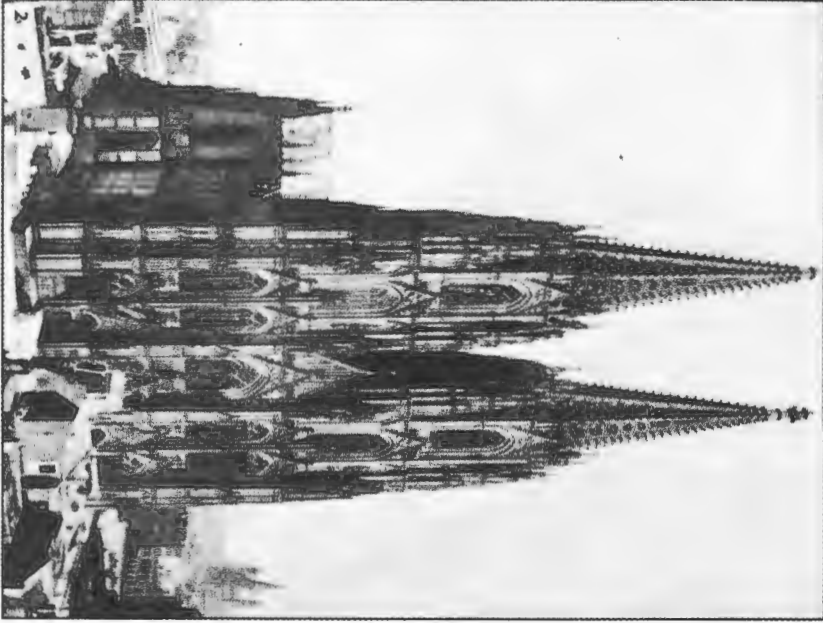


دایرة المعارف مصوّر

- | | | | |
|--------------|----------------------------|-----------------|----------------------------|
| در مادرید | ۲۷- کلیسای شاپل | در پاریس | ۲۰- کلیسای سن استاش |
| در مادرید | ۲۸- کلیسای کاتدرال سن میشل | در پاریس | ۲۱- کلیسای نوتردام دوپاری |
| در برلن غربی | ۲۹- کلیسای ویلهلم دوم | در پاریس | ۲۲- کلیسای سن اتین دومونت |
| در پاریس | ۳۰- کلیسای مادلن | در آمستردام | ۲۳- کلیسای آگنی تکن |
| در رم | ۳۱- کلیسای سن پیر | در دوسلدورف | ۲۴- کلیسای لامبرت |
| در فلورانس | ۳۲- کلیسای سانتا کروچه | در وین | ۲۵- کلیسای استفان |
| در بروکسل | ۳۳- کلیسای کوکابرك | بارسلون اسپانیا | ۲۶- کلیسای ساگرادا فامیلیا |





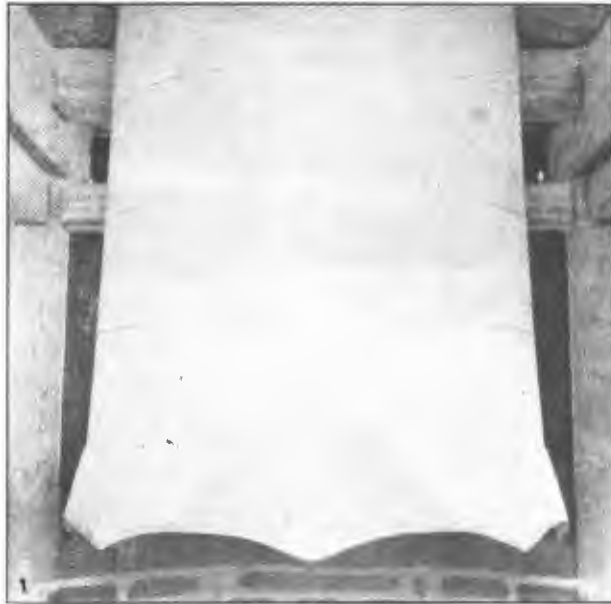






از همه چیز...

ناقوسهای بزرگ جهان		نام
۱۹/۰۴	ناقوس مون مارتر (پاریس)	تزار کولوکول (کرملین)
۱۷/۰۹	ناقوس اوکموتز (چکسلواکی)	ناقوس مسکو (مسکو)
۱۱۷	ناقوس نوتردام (پاریس)	ناقوس مهنیگون (ماندالی، برمه)
۱۷	ناقوس کامباناگوردا (کلیسای تولیدو در اسپانیا)	ناقوس چونان (هونشو - ژاپن)
۱۷	ناقوس وین (وین)	ناقوس بزرگ پکینگ (چین)
۱۶/۷۵	ناقوس کلیسای سنت پال (لندن)	ناقوس کلیسای کلن (آلمان)
۱۳	ناقوس ارفوت (آلمان)	ناقوس نانکینگ (چین)
۶۰/۵	ناقوس تالار استقلال (آمازون)	
۶/۵	ناقوس دانتزیگ (لهستان)	



موزه‌های مهم دنیا

آلمان:

گالری ملی هنری: در سال ۱۸۷۶ م. در شهر برلن تأسیس شده و دارای آثار تاریخی و هنری است.

موزه راین لند: در سال ۱۸۲۰ م. در بن دایر شده و قسمت عمده آثار آن مربوط به تاریخ طبیعی است. اتازونی:

موزه و کتابخانه تاریخی آلاسکا: در سال ۱۹۲۰ م. دایر گردیده.

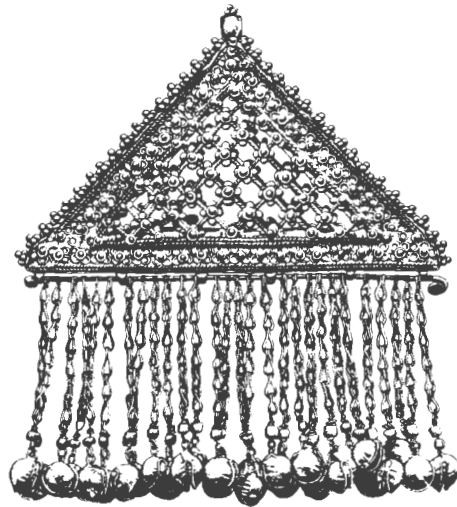
موزه هنری بالتیمور: در سال ۱۹۱۴ م. تأسیس شده و دارای آثار نفیس از قرن دوم تا قرن ششم میلادی است.

موزه هنرهای زیبای بستن: در سال ۱۸۷۰ م.

تأسیس شده و دارای مجسمه‌های زیبای چینی و ژاپنی و رومی و یونانی و تابلوهای نفیس نقاشی از استادان بزرگ و آثار هنری اسلام و مصر و هندوستان است.

موزه ماساچوست: در سال ۱۸۸۶ م. تأسیس شده و دارای آثار تاریخی و هنری از کشورهای مختلف است، پاره‌ای از آثار آن از نفیس‌ترین و گرانبهاترین آثار تاریخی است که در سایر موزه‌های دنیا وجود ندارد.

موزه هنری متروپولیتن: در سال ۱۸۷۰ م. در نیویورک تأسیس شده و دارای آثار هنری آمریکا و اروپا و آثار باستانی مصر و روم و کشورهای آسیائی است، کتابخانه آن در حدود ۱۵۰ هزار جلد کتاب





دارد.

اتریش:

موزه تاریخی شهر وین: در سال ۱۸۸۷ م. تأسیس شده و دارای آثار نفیس باستانی است.
موزه آکادمی هنرهای زیبا: در سال ۱۸۲۰ م. در شهر وین دایر شده و دارای مجسمه‌های تاریخی و تابلوهای نفیس نقاشی است.

موزه هنری آلبرتینا: در سال ۱۷۷۶ م. در شهر وین تأسیس شده و دارای مقدار زیادی تابلوهای نقاشی و مینیاتور است.
اسپانیا:

موزه ملی باستانشناسی: در سال ۱۸۶۷ م. تأسیس شده و دارای آثاری از ما قبل تاریخ و مصر قدیم و آثاری از هنرهای اسلامی است و در حدود ده هزار نسخه کتاب خطی قدیمی دارد.

موزه مردم شناسی: در سال ۱۸۷۵ م. در مادرید

تأسیس شده و دارای مجسمه‌ها و مومیائی‌ها و آثار تاریخی دیگر می‌باشد.

موزه مادرید: در سال ۱۹۲۴ م. تأسیس شده و دارای آثار نفیس نقاشی. منبت کاری. کاشی‌سازی. و آثار ذیقیمت دیگر می‌باشد.
انگلستان:

بریتیش موزئوم: موزه بریتانیای کبیر، در سال ۱۷۵۳ م. در شهر لندن تأسیس شده و دارای آثاری از ما قبل تاریخ و آثار باستانی گرانبها از کشورهای مختلف و آثار هنری نفیس نقاشی و کاشی‌سازی و انواع مسکوکات و کتابهای خطی است، کتابخانه مهمی نیز دارد که دارای ۶ میلیون نسخه کتاب خطی و چاپی است.

موزه ویکتوریا و آلبرت: در سال ۱۸۵۲ م. در شهر لندن تأسیس شده و دارای آثار هنری از

دایرة المعارف مصوّر

موزه ملی روم: در سال ۱۸۸۹ م. تأسیس شده و دارای آثار باستانی از روم و یونان قدیم است.
موزه ملی ناپل: در قرن ۱۸ میلادی تأسیس شده و دارای آثار باستانی است.

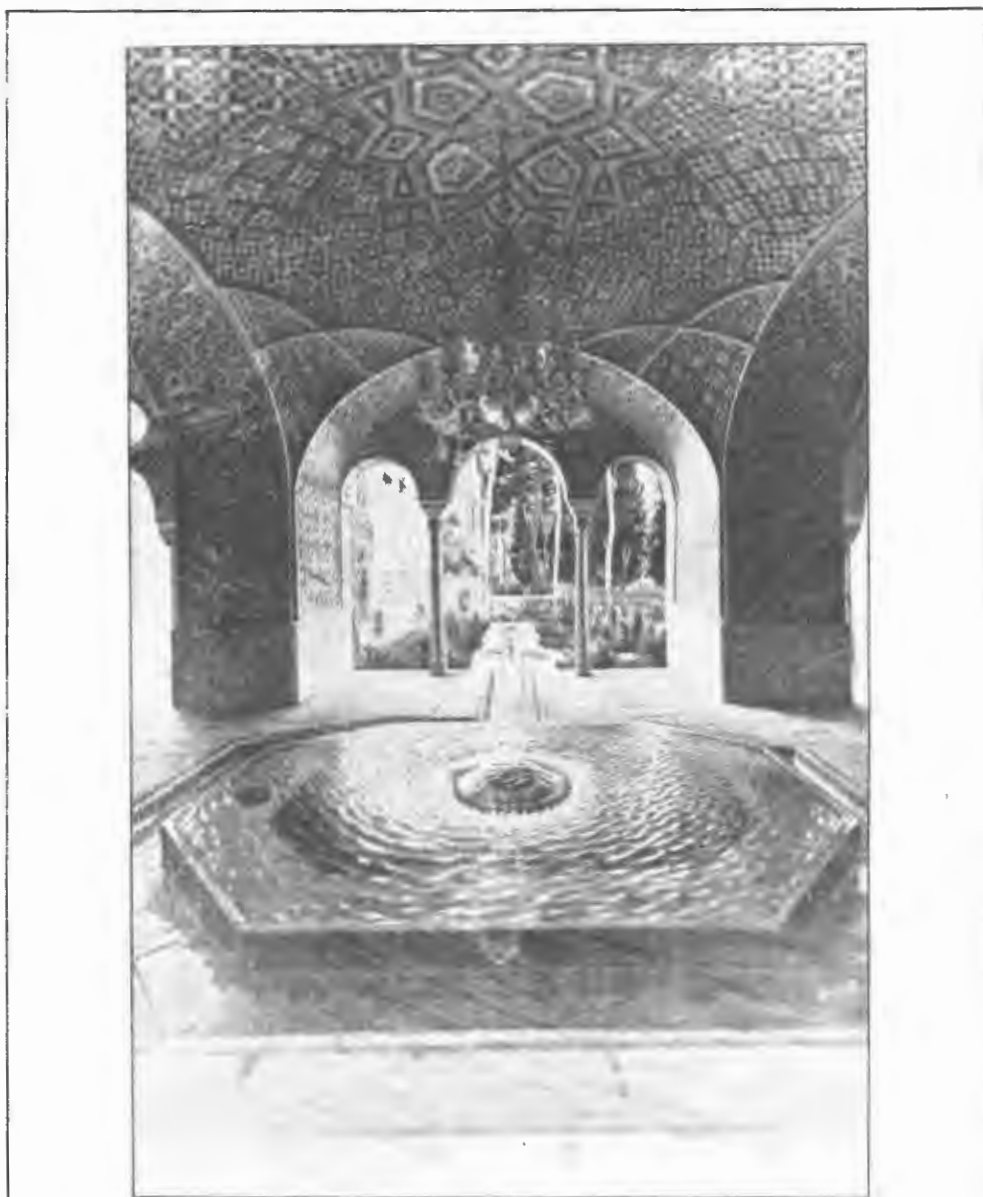
کشورهای مختلف دنیا است.
موزه لندن: در سال ۱۹۱۲ م. تأسیس شده و دارای آثار و اسنادی مربوط به تاریخ شهر لندن می باشد.
ایتالیا:



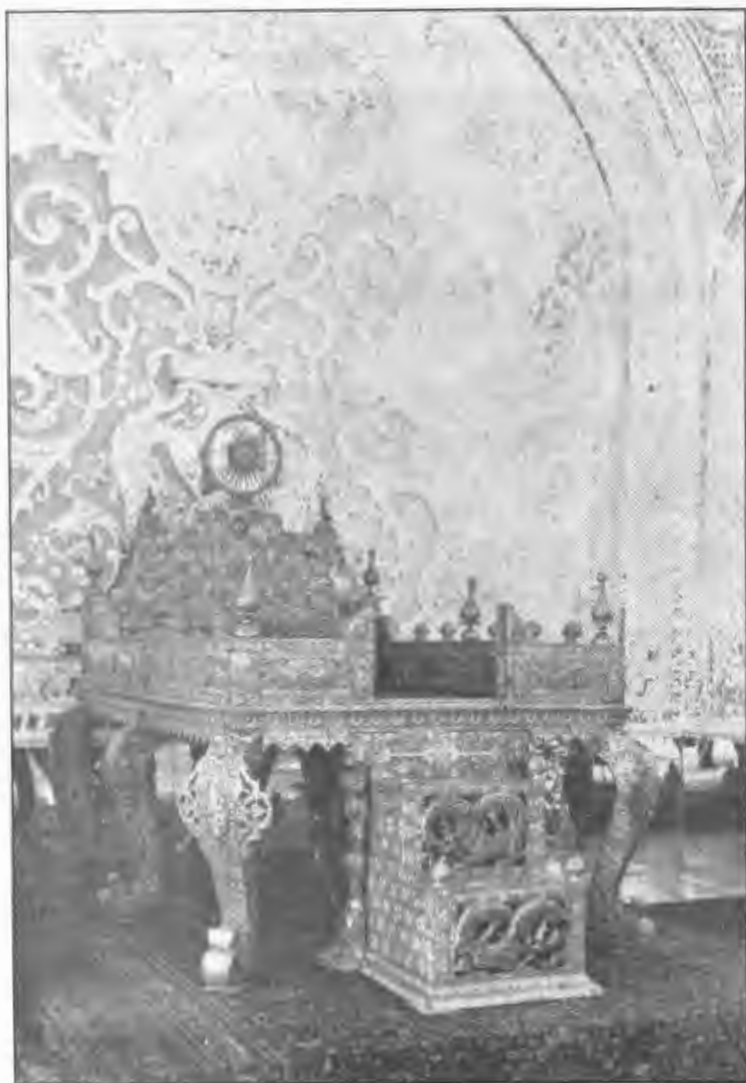
از همه چیز...

ایران:
قرار داده شده بود، اکنون دارای آثار تاریخی گرانبها
و تابلوهای نفیس نقاشی است که اغلب آنها کار
کمال الملك است، تخت طاوس نیز در آنجا است.

موزه کاخ گلستان: در زمان ناصرالدین شاه
قاجار دایر شده و سابقاً جواهرات سلطنتی در آن



خلوت کریمخانی اثر کمال الملك - موزه کاخ گلستان



تخت طاووس. کاخ گلستان

عتیقہ گرانہا است.

موزہ ایران باستان، موزہ ملی: در سال ۱۳۱۶ ش. دایر شدہ و دارای آثار نفیس باستانی و اشیاء





از همه چیز...

موزه باستانشناسی: در سال ۱۸۶۶ م. تأسیس شده و دارای آثار ماقبل تاریخ و آثاری از جنگهای اعراب با اسپانیا است.
ترکیه:

موزه استانبول: در سال ۱۸۴۶ م. تأسیس شده و دارای آثار تاریخی است.

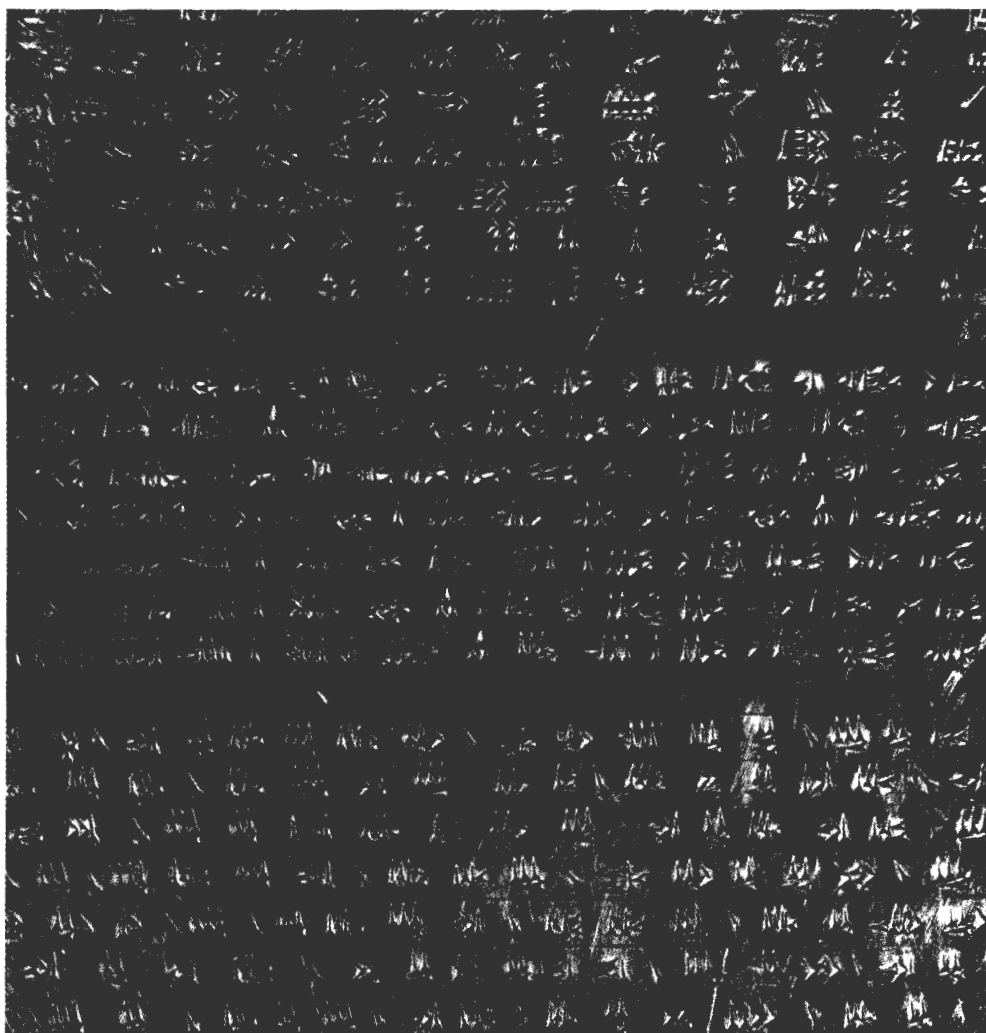
موزه آنکارا: در سال ۱۹۲۳ م. دایر شده و دارای آثار تاریخی و هنری است.

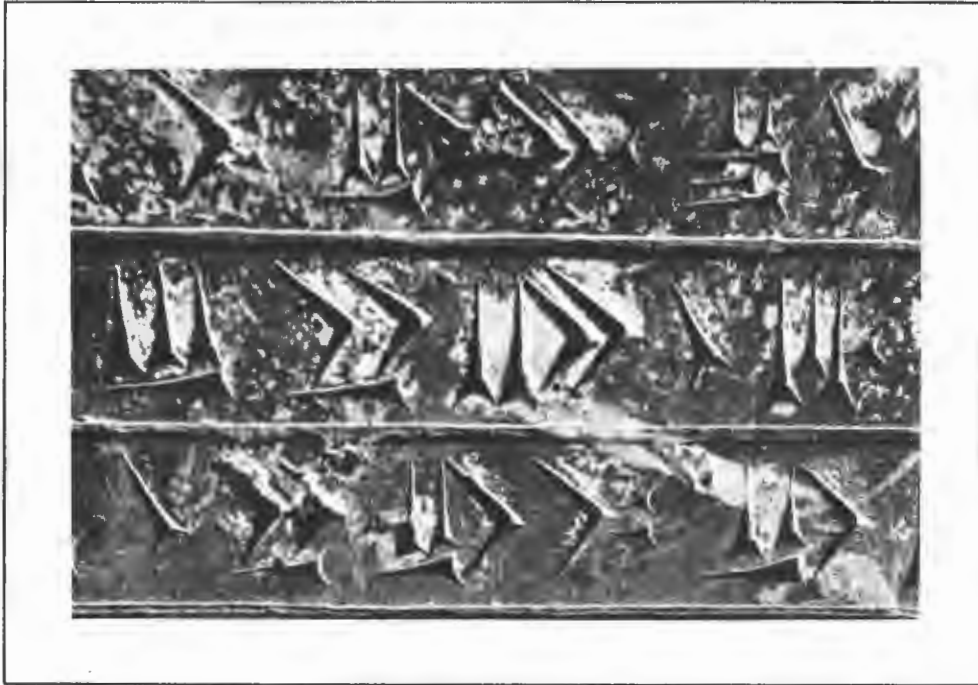
بلژیک:

موزه سلطنتی هنرهای زیبا: در سال ۱۸۱۰ م. تأسیس شده و دارای تابلوهای نقاشی از استادان بزرگ است و کتابخانه آن نیز متجاوز از صد هزار جلد کتاب دارد.

پرتغال:

موزه ملی هنر قدیم: در سال ۱۸۸۳ م. تأسیس شده و دارای آثار هنری است. کتابخانه هم دارد.





چکوسلواکی:

موزه ملی: در سال ۱۸۱۸ م. در شهر پراگ
تأسیس شده و دارای آثار نقاشی و مجسمه‌سازی
است.

دانمارک:

موزه ملی: در سال ۱۸۰۷ م. در کپنهاگ تأسیس
شده و دارای آثار ماقبل تاریخ دانمارک و اشیاء
تاریخی و انواع سکه‌ها و مدالها است.

موزه هنرهای زیبا: در شهر کپنهاگ دایر شده و
دارای مجسمه‌ها و تابلوهای نقاشی از استادان بزرگ
اروپا است.

روسیه:

موزه تاریخی مسکو: در سال ۱۸۷۳ م.
تأسیس شده و دارای آثار باستانی و آثار هنری و
آثاری از دوران قدیم روسیه است.

موزه تولستوی: در سال ۱۹۱۱ م. تأسیس

شده و دارای آثار تاریخی است، در قسمت کتابخانه
آن مقدار زیادی از نوشته‌های تولستوی که به خط
خود اوست با کتابهای چاپ شده او که به زبانهای
مختلف ترجمه شده نگاهداری می‌شود.

ژاپن:

موزه ملی: در سال ۱۷۹۲ م. در استکهلم تأسیس
شده و دارای تابلوهای نقاشی بسیار و مینیاتور و
مجسمه‌ها و آثار هنری دیگر می‌باشد، کتابخانه هم
دارد.

موزه تاریخی: در سال ۱۸۷۴ م. در استکهلم
دایر شده و دارای آثاری از ماقبل تاریخ و آثار
تاریخی است.

سودان:

موزه خرطوم: در شهر خرطوم دایر شده و دارای
آثار تاریخی است.

سوریه:



موزه ملی: در شهر دمشق دایر گردیده و دارای آثار تاریخی است.

سوئیس:

موزه هنرهای تاریخی: در سال ۱۹۱۰ م. در ژنو تأسیس شده و دارای آثار تاریخی مهم از مصر و برخی کشورهای آسیائی و تابلوهای نفیس از نقاشان بزرگ اروپا است.

عراق:

موزه بغداد: در سال ۱۹۲۳ م. در بغداد تأسیس شده و دارای آثار مهم تاریخی است که بعضی از آنها از پنجهزار سال قبل از میلاد است.

فرانسه:

موزه لوور: در سال ۱۷۹۳ م. در شهر پاریس تأسیس شده و دارای آثار گرانبهای تاریخی از دوره فنیقی ها و آشوریها و کلدانیها و سومریها و اقوام دیگر و مجسمه ها و تابلوهای نقاشی نفیس می باشد،

کتابخانه هم دارد.

موزه ملی ورسای: دارای آثار تاریخی و آثار هنری قدیم می باشد.

لبنان:

موزه ملی: در شهر بیروت دایر شده و دارای آثاری از دوره فنیقی ها و یونانی ها و رومی ها و البسه قدیمی است.

لهستان:

موزه ملی: در سال ۱۸۶۲ م. تأسیس شده و دارای آثار تاریخی و هنری از مصر و یونان و روم قدیم است.

موزه باستانشناسی: در سال ۱۹۲۸ م. دایر شده و دارای آثار ماقبل تاریخ و آثار باستانی کشورهای مختلف می باشد.

مجارستان:

موزه تاریخی: در سال ۱۸۸۶ م. در بوداپست

تأسیس شده، بیشتر آثار آن مربوط به زندگانی مردم نروژ در قدیم و آثاری از کلیساها و بناهای قدیمی است.

هلند:

موزه آمستردام: در سال ۱۱۰۸ م. در شهر آمستردام تأسیس شده و دارای آثار تاریخی و آثار هنری نفیس از نقاشی و مجسمه‌سازی و کاشی‌سازی است.

موزه لاهه: در سال ۱۸۲۱ م. در شهر لاهه تأسیس شده و دارای تابلوهای نفیس از نقاشان بزرگ است.

هندوستان:

موزه ملی: در سال ۱۹۴۸ م. در دهلی نو تأسیس شده و دارای آثار قدیمی و آثار هنری و تابلوهای نقاشی و مینیاتور و مجسمه‌سازی است.

موزه بارودا: در سال ۱۸۹۴ م. تأسیس شده و دارای آثار ماقبل تاریخ و دوره‌های بعد و آثار هنری هندوستان است.

تأسیس شده و دارای آثار تاریخی و آثاری از دوره‌های قدیم بوداپست می‌باشد.

موزه هنرهای زیبا: در سال ۱۸۹۲ م. در بوداپست دایر شده و دارای آثاری از مصر قدیم و آثار هنری از نقاشی و مجسمه‌سازی و منبت‌کاری استادان بزرگ است.

مصر:

موزه مصر: در سال ۱۹۰۰ م. در شهر قاهره تأسیس شده و دارای آثاری از ماقبل تاریخ و دوره فراغت و آثار هنری و تاریخی است.

موزه هنرهای اسلامی: در سال ۱۸۸۱ م. در شهر قاهره تأسیس شده و دارای آثار گرانبها از هنرهای اسلامی است.

نروژ:

موزه آثار قدیمی: در سال ۱۸۲۸ م. در شهر اسلو دایر شده و دارای آثاری از ماقبل تاریخ و قرون وسطی است.

موزه مردم نروژ: در سال ۱۸۹۴ م. در اسلو



از همه چیز...

بناهای تاریخی و مشهور جهان

می باشد. از مدتها قبل برای جلوگیری از کج شدن این برج اقداماتی بعمل آمده است. قبل از جنگ جهانی دوم قریب ۹۰۰ تن سیمان و بتون در سوراخهایی که زیر سمت فرو رفته برج حفر شد تزریق گردید تا مانع کج شدن برج گردد، و بدین وسیله تا حد بسیاری از کج شدن آن جلوگیری شد ولی در اثر گلوله بارانی که در اواخر جنگ در این ناحیه بعمل آمد امواج انفجار دوباره کج شدن برج را شدت داد، و اخیراً اقدامات زیادی برای جلوگیری از ادامه کج شدن این برج انجام گرفته است تا برج در حالت فعلی خود محفوظ بماند.

قصر مالمزون: نام این قصر از کلمه مالمزون (Mala mansio اقامتگاه بد) اقتباس شده است.

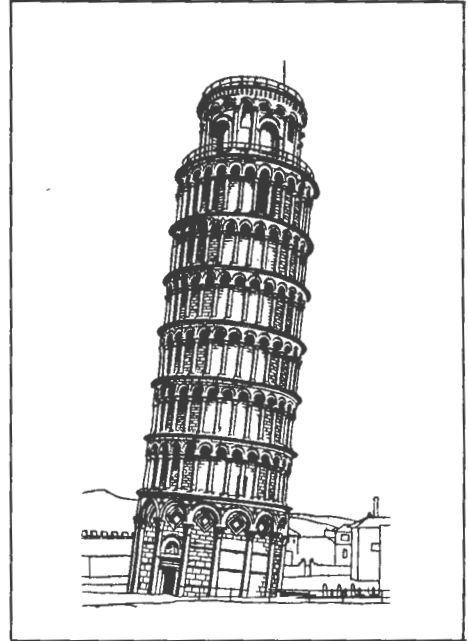
قصر مالمزون که در چند فرسخی پاریس واقع شده است اقامتگاه ژوزفین زوجه ناپلئون کبیر بود. در اطراف این قصر پارکهای زیبا و مجسمه های دلربا دیده می شود.

ژوزفین در مالمزون در سال ۱۸۱۴ فوت کرد و ناپلئون پس از شکست در «واترلو» در سال ۱۸۱۵ برای به یاد آوردن ایام خوشی که با ژوزفین در مالمزون صرف کرد، چند روزی در این قصر بسر برد. این کاخ در قرون وسطی بیمارستان جذامیها بود و سپس منزل یکی از اشراف گردید تا اینکه ژوزفین پس از مرگ شوهر اولش الکساندر بوهارنه آنرا خرید و در آن اقامت گزید.

در این کاخ ناپلئون کبیر، طرح لژیون دونور را پدید آورد و هنوز آن میزی که این طرحها رویش نوشته شده در این کاخ دیده می شود.

این قصر اکنون موزه ویر از خاطرات ژوزفین و ناپلئون بناپارت می باشد.

گوشه ناطقین: در قسمت شمال شرقی هایدپارک،



برج پیزا: در سال ۱۱۷۴ م. در شهر پیزا واقع در ساحل ایتالیا که آن موقع با شهرها و بنادر معروفی مانند ژن و ونیز رقابت می کرده یکی از مهندسیین عالیقدر برجی ساخت که امروز جزو دیدنی ترین بناهای دنیاست و سالیانه ۱۵۰,۰۰۰ نفر توریست از آن بالا می روند. شگفتی این برج ۸ طبقه این است که قریب ۱۶ فوت کج است و علاوه بر این در هر سال یک چهارم اینج کج تر می شود، به طوری که اگر به این ترتیب به کج شدن ادامه دهد تا سال ۲۱۰۰ طوری تعادل آن از میان خواهد رفت که خواهد افتاد. این برج از ابتدا به واسطه سستی زمین که کم کم می شد مهندس سازنده آن بعد از ساختن چند طبقه متوجه این موضوع گردید و در طبقات بعدی کجی آنرا راست نمود ولی برج به کج شدن ادامه داد و از این جهت اکنون علاوه بر آنکه کج است خمیده نیز

گوشه ناطقین قرار دارد که مرکز نطق و خطابه است. در اینجا نطق‌های بسیار جالب و شنیدنی ایراد می‌شود.

گویند روزی یکی از سیاه‌پوستان شروع به دفاع از هموطنان خود کرد و درباره اینکه سیاه‌پوست از هر لحاظ با سفیدپوست برابر است داد سخن داد. یکی از سفیدپوستان که نطق او را می‌شنید اعتراض کرد و سخنانی در باره پستی نژاد سیاه و برتری نژاد سفید گفت، سیاه‌پوست فوراً در پاسخ اظهار داشت نه تنها نژاد سیاه از نژاد سفید چیزی کم ندارد بلکه بر او برتری هم دارد. چنانکه هم اکنون ملاحظه می‌فرمائید بنده که سیاه پوستم بالاتر قرار گرفته‌ام و شما که سفیدپوستید پائین و زبردست من هستید.

برج لندن: کمی بعد از فتح انگلستان ویلیام اول معروف به ویلیام فاتح این برج را ساخت. در زمان شارل دوم این برج قصر گشت و در آن از زمان قدیم

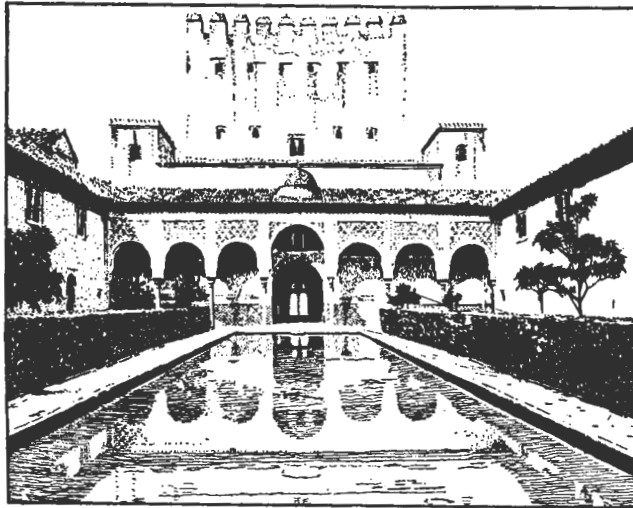
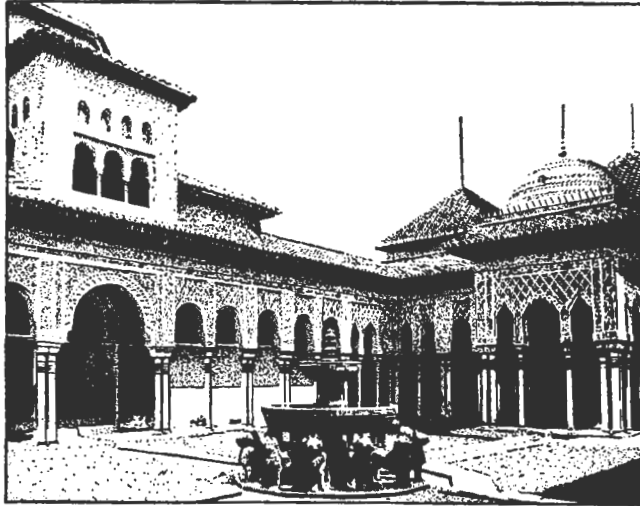
افراد برجسته زندانی می‌شده‌اند.

این قصر صحنه فجیع‌ترین و جنایت‌آمیزترین حوادث تاریخ انگلستان بوده است. مثلاً «آن بولین» و «کاترین هوارد» و «لیدی جین گری» در اینجا به قتل رسیدند و ادوارد پنجم در عنفوان جوانی در اینجا بطرزی فجیع زندانی و کشته شد.

لرد هوو که ضد دولت انگلستان به هیتلر پیوسته بود، در همین جا اعدام گردید.

برچسگادن: قصر بیلاقی هیتلر در نزدیکی مونیخ می‌باشد. این کاخ در زمان هیتلر از قصور بسیار زیبا و با شکوه دنیا بود. در روی تپه‌ای مرتفع پوشیده از جنگلهای انبوه ساخته شده و اغلب اوقات سال‌ها آن را فرا می‌گرفت. در این گونه مواقع با شلیک توپ مه را از بین می‌بردند. چمبرلین چنان تحت تأثیر ابهت این کاخ قرار گرفت که خاطره آن را هرگز فراموش نکرد.

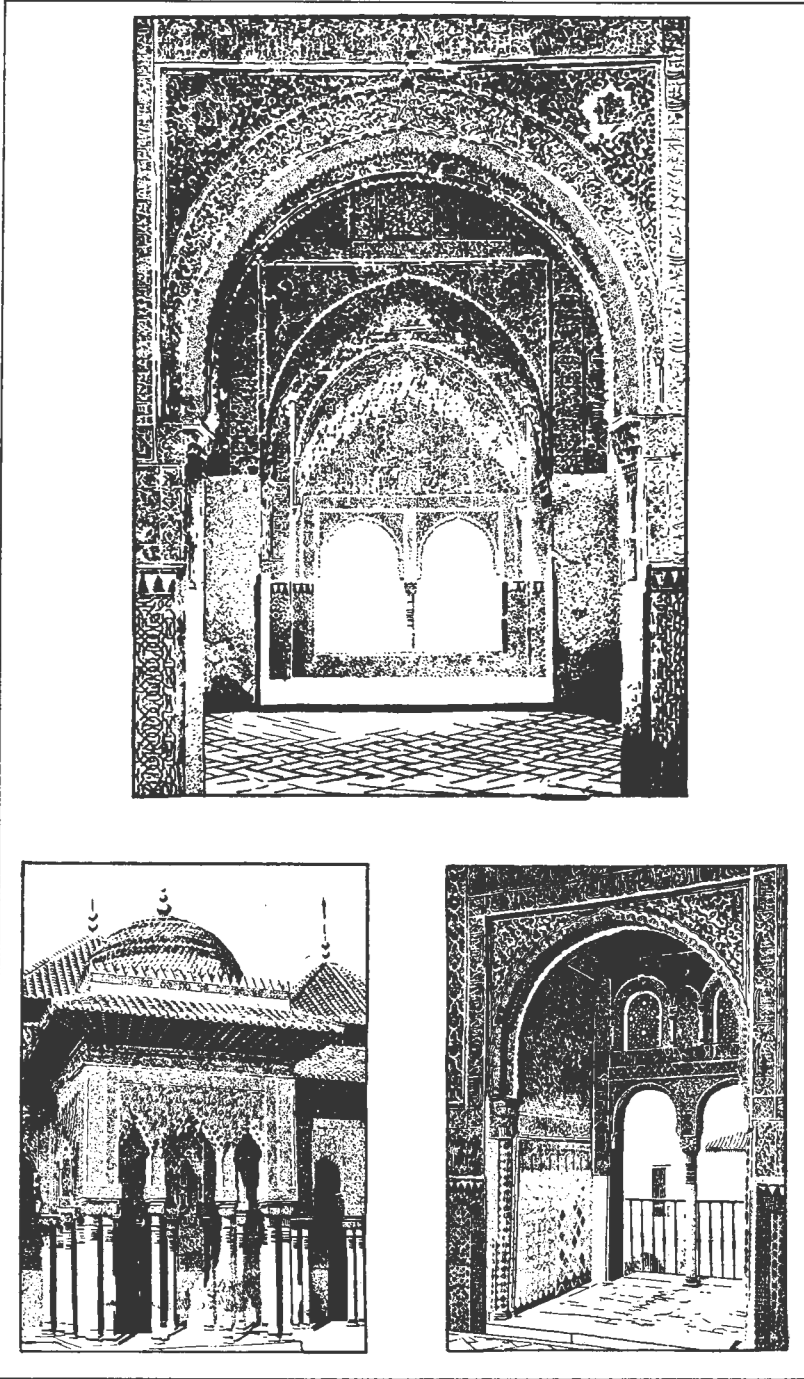




سالن قصر با ۱۲۸ ستون مرمری کلا از مرمر ساخته شده و مقر خلیفه بوده است ولی سقفهای تمام قصر بوسیله ۴۳۱۲ ستون که آنها نیز از سنگ مرمر الوان ساخته شده بر روی زمین استوار گشته است. دیوارها و سقف سالن مقر خلیفه با جواهرات گوناگون تزئین شده بود.

قصر الحمراء به این سادگیها قابل توصیف

قصر الحمراء: در اسپانیا دارای یکصد و بیست و هشت ستون از مرمر سفید است. در کنار این قصر دو کاخ دیگر بنا شده که مربوط به زمان خلفاست، یکی از آنها برای کارمندان اداری و دیگری برای سربازان بود. برای ساختن قصر الحمراء روزانه ده هزار کارگر به کار مشغول بودند و هر روز شش هزار تخته سنگ تراشیده می شد.



از همه چیز...

کاخ سفید واشنگتن: شروع ساختمان کاخ سفید هنگامی بود که دولت آمریکا بسیار جوان بود. نقشه این بنا را مهندس ساختمانی به نام «جیمز هوبان» James Hoban ریخت. در سالهای ابتدائی کاخ سفید به رنگ سفید نبود، بلکه از سنگهای خاکستری ساخته شده بود و به نام منزل هامیلتون مشهور بود. در جنگهای استقلال آمریکا به دست انگلیسی‌ها شهر واشنگتن تصرف شد و بسیاری از ساختمانهای معروف آن شهر منجمده کاخ سفید امروزی توسط انگلیسی‌ها آتش زده شد، و چون شهر و کاخ دوباره به تصرف امریکائیان درآمد جرج واشنگتن خواست در آنجا اقامت کند. اما تمام ساختمان دودزده و سیاه بود و روی این اصل همه ستونهای و دیوارهای کاخ را دوغ آب مالیدند و کاخ سیاه را به صورت کاخ سفید درآوردند و با وجود همه

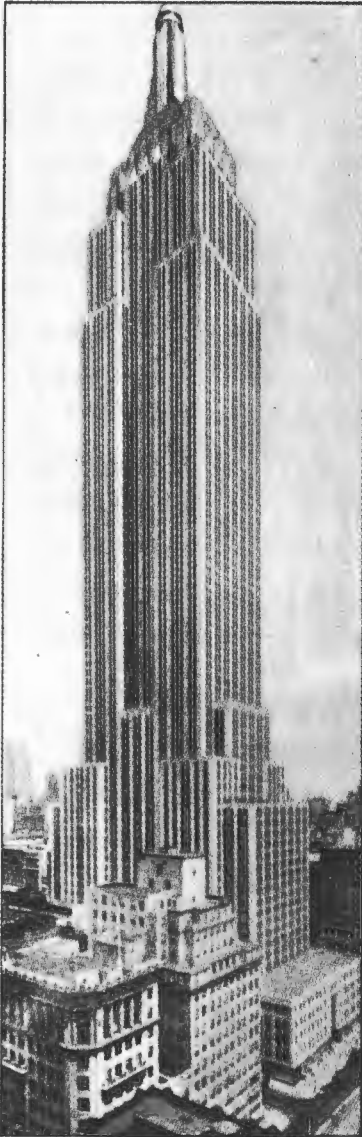
نیست. حوضها و فواره‌های آن فوق‌العاده زیبا و منظره‌ای بسیار باشکوه داشت. الحمرام در حقیقت یکی از شاهکارهای بشری و زاده هوس بود.

هنوز يك قرن از بنای آن نگذشته بود که این قصر از دست صاحبان اولیه و بانیان آن بیرون رفت و به دست صاحبان جدیدش افتاد. قصر الحمرام در قرن سیزدهم به دست محمد پنجم در شهر قرناطه ساخته شده است.

مجسمه بودا: در نمازخانه «تودائی‌جی» در ژاپن که از برنز ساخته شده قرار دارد. ساختمان آن مربوط به سنوات ۷۴۳ تا ۷۴۹ م است.

طول این مجسمه پانزده متر و فقط گوش آن به تنهایی سه متر ارتفاع دارد. برای این مجسمه ۴۳۷ تن برنز و برای مطلا کردن آن ۱۴۴ کیلو طلای خالص مصرف شده است.





است.

دیوار چین: در سال ۲۹۴ قبل از میلاد ساخته شده است و طولش ۱۷۸۲ کیلومتر می‌باشد. برای ساخت این دیوار مجبور شدند سی و چهار شهر در مسیر آن بسازند. از روی آن چهار اراهه در کنار هم به

تعمیرات کلی و اساسی بعدی نام کاخ سفید همچنان بر روی آن باقی ماند. در زمان ریاست جمهوری «هاری ترومن» وضع ساختمان کاخ سفید خراب بود، از این جهت دستور تجدید بنای دوباره آن داده شد، و در سال ۱۹۵۲ ساختمان آن تمام گردید. در حال حاضر این منزل دارای ۱۰۷ اتاق و ۳۱ حمام و دستشویی است. بعضی از اتاقهای کاخ سفید به خود رئیس جمهور و همکارانش اختصاص دارند که کارهای دولتی را در آنجا بررسی می‌کنند. معروفترین اتاقهای کاخ سفید عبارتند از: اتاق شرقی، اتاق آبی، اتاق سبز، در خاتمه این را باید اضافه کرد که اتاق آبی اختصاص به پذیرائی از مهمانان خارجی دارد.

عمارت استیت بیلدینگ: این بنا که دارای صد و دو طبقه و ارتفاعش ۳۸۱ متر است ناگهان در قلب مانهاتان سر برادر آورد. این ساختمان زمینی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع را اشغال کرده است. ابتدا هتل والدروف آسترویا در این محل قرار داشت ولی بعداً عمارتی پنجاه طبقه در مجاورت آن ساخته شد و هتل مزبور به محل جدید نقل مکان نمود.

عمارت استیت بیلدینگ به سرعت بنا گردید. بدین معنی که چهارده طبقه آن در عرض ده روز بالا رفت. این بنا دارای ۶۴۰۰ پنجره و ۷۷ آسانسور می‌باشد که بعضی از آنها یکسره از کف زمین تا طبقه ۸۰ را در عرض یک دقیقه طی می‌کنند.

کلیسای سنت پال لندن: این بنای مهیب و بدترکیب که دومین کلیسای بزرگ دنیاست نمونه‌ای از بی‌ذوقی انگلیسی است. این بنا طبق نقشه کریستوفررن ساخته شده و در ایام جنگ جهانی آسیب بسیار دیده است.

در این کلیسا، ولینگتون، هوریشیو نلسون، رن و الکساندر فلمینگ مدفونند. قسمت داخلی این کلیسا به اندازه قسمت خارجی‌اش بدترکیب و موحش



قرار دارد که قبلا دو معبد در آنجا وجود داشت. یکی از این معبدها، در سال ۴۹۷ قبل از میلاد به دست ایرانیان سوزانده شد و معبد دیگری خراب گردید. پارتنون در عرض ۲۴ قرن عمر، چندین مرتبه مورد حمله بیگانگان قرار گرفت و زخمهای بیشمار بر پیکر نازنینش وارد گردید، مثلاً در سال ۱۶۷۷ م بر اثر انفجار گلوله‌ای که از طرف قشون ونیز افکنده شده بود معبد پارتنون منفجر گشت و سقفش فرو ریخت.

علت انفجار این معبد آن بود که در آن زمان پارتنون به قورخانه تبدیل شده بود. پارتنون که بر جای مرتفعی قرار دارد هم از نزدیک زیباست و هم از دور.

پارتنون نشانه‌ای است از کمال و رمزی است از جمال، هر کس يك بار پارتنون را ببیند هرگز آنرا فراموش نخواهد کرد. سنگهای سفید آن، آسمان نیلی فام با ابرهای سفیدش که آهسته و آرام در فضای

راحتی عبور می‌کنند.

این دیوار به منظور جلوگیری از هجوم وحشیان ساخته شده بود و در روی لبه آن به فواصل مختلف پاسگاهها کشیک می‌دادند.

آجر مصرفی آن به وسیله دهها هزار کارگر در همان محل ساخته می‌شد، و سنگ‌های عظیم را به سبک مصریها از فواصل بعید بدان محل حمل می‌نمودند. حتی در پاره‌ای موارد خاک رس هم از نقاط دور بدانجا حمل می‌شد.

وقتی خاقان چین بنام هونگ تی به سال ۲۱۰ پیش از میلاد مرد هنوز ساختمان سیصد و شصت کیلومتر از این دیوار به پایان نرسیده بود. با توجه به اینکه این دیوار از اعماق دره‌ها و از فراز رودخانه‌ها و کوه‌ها می‌بایستی بگذرد آنوقت می‌توان پی به عظمت کار بشری برد.

معبد پارتنون: معبد پارتنون که یکی از زیباترین و جذابترین بناهای تاریخی آن می‌باشد در جایی

لایتناهی سیر می‌کند، سروهائی که اطراف آتن اینجا و آنجا دیده می‌شود، سکوت شیرینی که بر فضایش گسترده شده اینها همه يك خاطره شیرین فراموش نشده در آدمی باقی می‌گذارد. پارتنون دارای ظرافت و عظمت تخت جمشید نیست، ولی جذابیت مخصوص به خود دارد.

تاج محل: یکی از دل انگیزترین بناهای جهان تاج محل می‌باشد که در شهر «آگرا» واقع در هندوستان است. شاه جهان در سال ۱۶۳۱م يك سال بعد از فوت همسر عزیزش نورجهان بنای آن را شروع کرد و مدت ۲۲ سال صرف ساختن این بنا گردید، که تاکنون به عنوان بزرگترین یادگار عشق مورد توجه عموم قرار گرفته است و شاید بتوان گفت که هیچکدام از آثار بزرگ معماری جهان خاطره يك معشوقه را به این خوبی مجسم نمی‌کند. این بنا دارای يك گنبد مرکزی است، و چهار گنبد کوچکتر در اطراف آن قرار دارد و چهار مناره ظریف نیز در چهار گوشه ایوان اطراف بنا قد برافراشته است. در زیر گنبد مرکزی که نور از دو جدار مشبك مرمری آن نفوذ می‌کند آرامگاه امپراطور شاه جهان و همسرش نورجهان قرار دارد. شاه جهان برای ساختن تاج محل چند تن از درباریان خود را به ممالک دوردست فرستاد تا زیباترین نقشه‌های موجود معماری را به دست آورند و مبالغ هنگفتی صرف خرید قالیهای عالی و چراغهای طلا و شمعدانهای جواهرنشان گردید. پی‌های عمارت تاج محل تا ۴۴ فوت در زمین فرو رفته است و هر آجری که در ساختمان این بنا بکار رفته با دست قالب‌گیری شده و به خوبی پخته گردیده است. برای ساختن آن به مدت ۲۲ سال کارگران ماهر وقت صرف کرده‌اند و مبلغ ۳ میلیون لیره که در آن زمان پول بسیار گزافی بوده صرف مخارج آن شده است.

کولیزیوم Colisium: که ۱۶۰۰ قدم طول و ۷۵

قدم عرض و ۱۶۵ قدم ارتفاع دارد در سال ۶۰ الی ۷۹ م به دستور «وسپاسیان» ساخته شد و به وسیله «تیتوس» تکمیل گشت. تیتوس برای تکمیل آن ۱۲۰۰۰ اسیر یهودی را به بیگاری واداشت و پس از چهار سال به مجرد اینکه ساختمان افتتاح شد کلیه اسرا را طعمه حیوانات درنده ساخت. کولیزیوم تاریخچه عجیبی دارد. این بنای شوم برای مدتی کشتارگاه بیگناهان بود، سپس به يك قلعه مخوف مبدل گشت و بعد در موقع بروز طاعون بیمارستان گشت و سرانجام در قرون وسطی مبدل به تئاتر شد و در زمان ناپلئون کبیر به صورت اصطبل درآمد و اکنون محل تماشاست. کولیزیوم در موقع آبادیش دو در داشت، یکی موسوم به «در زندگی» و دیگری موسوم به «در مرگ»، تماشاچیان از در زندگی وارد می‌شدند و اجساد مقتولین از «در مرگ» خارج می‌گردید. در کولیزیوم بیش از ۸۰,۰۰۰ نفر جای می‌گرفتند و ۲۰,۰۰۰ نفر هم می‌توانستند ایستاده تماشا کنند. کولیزیوم قریب ۲۰۰۰ سال عمر دارد و اکنون سمبل کشور ایتالیا می‌باشد و به عقیده دانشمندی که گفته است: تا کولیزیوم برپاست دم بر جای است.

فونتن بلو: Fontainebleau: در ۳۸ کیلومتری پاریس واقع گشته و به فرمان لوئی چهاردهم ساخته شده است و به تدریج تبدیل به کاخ پادشاهی گشته است. ناپلئون کبیر کاخ فونتن بلو را به ذوق خود تزئین کرد و باغهای جدیدی در آن احداث نمود.

ناپلئون سوم تغییراتی در کاخ فونتن بلو داد و آن را به صورت بهتری درآورد. قصر فونتن بلو در بین کاخ‌های قدیمی فرانسه در درجه دوم قرار می‌گیرد.

موزه لوور (کاخ بزرگ) LeGrand Palais این موزه علمی که قبل از جنگ به همت دو فیزیکدان بزرگ فرانسوی ژان پرن و لاتزون ساخته شد در دوران بعد از جنگ تکامل بسیار یافته است.

از همه چیز...

و دارای همان حرکات است و تمام مسائل اساسی نجوم در آن برای حضار شرح داده می‌شود.

حق ورود به این موزه بسیار ناچیز و برای محصلین علوم و معلمان مجانی است.

کاخ سن ژرمن: در قریه‌ای به نام سن ژرمن آن‌لای در نزدیکی پاریس واقع شده. این کاخ که یکی از زیباترین کاخهای فرانسه است در سال ۱۵۳۵ م ساخته شد و سابقاً مقر سلاطین فرانسه بود و امروزه موزه ملی آثار عتیق است.

اهمیت تاریخی آن بخصوص از آن لحاظ است که در سال ۱۵۷۰ معاهده صلح مابین کاتولیکها و پروتستانها در این محل منعقد شد.

مجسمه آزادی: در مدخل خلیج نیویورک در

تمام اکتشافات علمی در نجوم و فیزیک و شیمی و حیات‌شناسی و صنعت و طب و غیره و چگونگی تحولات و پیشرفت آنها به کمک تصاویر یا فیلم سینما و یا ماشینهای خودکار بر مستمعین نشان داده می‌شود و همواره عمال موزه که غالب آنها از دکترهای علوم هستند برای ادای توضیحات در اختیار مردم می‌باشند.

هر روز در این محل چندین فیلم راجع به مسائل علمی نمایش داده می‌شود و هر هفته چندین سخنرانی به وسیله استادان دانشگاهها به زبان ساده ایراد می‌شود که حضور در آن برای عموم آزاد است.

قسمت نجوم آن بخصوص دارای يك آسمان مصنوعی است که کاملاً به شکل آسمان ساخته شده



«گویا» دیده می‌شود. در تابلوهای با عظمت گویا که جلال و قدرت سنفونیهای بتھون را به یاد آدمی می‌آورد، شما توحش و بربریت جنگ، زشتی فقر و وحشت مرگ را می‌بینید.

موزه پرادو رستوران بزرگ و مجللی دارد که در آن می‌توان با پرداخت ۱۰ پرتا ساندویج بخورید و با پرداخت ۴۰ پرتا نهار کامل که شامل سوپ، بیفتک، تخم مرغ و قارچ و دسر است میل نمائید.

تماشای موزه پرادو وقت کافی می‌خواهد، لذا به مجرد ورود به مادرید به سراغ آن بروید زیرا چنانچه تماشای آن را به آخرین روز اقامت خود در مادرید بگذارید ممکن است نتوانید آن را چنانکه باید و شاید تماشا کنید.

قصر ورسای: بنای این قصر که یکی از معروفترین بناهای تاریخی جهان می‌باشد کار ژول هاردوئن مانسار (۱۶۴۵-۱۷۰۸) می‌باشد. لوئی سیزدهم در ورسای شکارگاهی کوچک ساخته بود. بعد لوئی چهاردهم که به سبب خاطرات و یادگارهای دوره فرزند پاریس را دوست نمی‌داشت و برای مجد و جلال روزافزون خود مکانی خاص می‌پسندید، از سال ۱۶۶۴ م آنرا وسعت بخشید و بیشتر اوقات را در آنجا بسر می‌برد پس از امضای صلحنامه نیمگ (۱۶۷۸) عزم کرد که ورسای را مقر همیشگی خویش سازد و اینکار در ۶ ماه مه ۱۶۸۲ انجام پذیرفت ساخت قصر در ۱۶۹۵ یعنی بعد از سی و یک سال به پایان رسید. چندین سال سی هزار نفر در آن کار می‌کردند و قریب ۶۴ (شصت و چهار) میلیون لیره که دوست میلیون لیره امروزی است خرج شد و هزاران نفر تلف گشتند. قصر ورسای و متعلقاتش که گنجایش ده هزار نفر دارد در جلوی پارکی به مساحت هشت هزار هکتار که محصور در دیوار می‌باشد بنا شده و محل تقاطع چهل و چهار کیلومتر راه است. نمای عمارت به طول نیم کیلومتر بر روی قطعه زمین

جزیره کوچک «بدلونه» مجسمه عظیمی روی سکوی مرتفعی قرار دارد. این مجسمه که امروز در همه جهان مظهر آمریکاست و مجسمه آزادی نام دارد دارای ۳۳ متر ارتفاع است و بلندی پایه‌اش ۲۴ متر می‌باشد. طول دست راست مجسمه ۴/۵ متر و انگشتانش هر کدام ۵۰ سانتی‌متر است.

برای ساختمان آن دوست تن مس بکار رفته است. این مجسمه را فرانسوی‌ها به عنوان گروگان دوستی و برادری به ملت آمریکا هدیه کرده‌اند و در ۱۰۷ سال پیش یعنی روز ۲۸ اکتبر ۱۸۸۶ مراسم گشایش آن انجام گرفت.

در داخل مجسمه پلکان مارپیچی وجود دارد که به وسیله آن می‌توان به راهروی واقع در داخل مشعل رسید، این مشعل مظهر آزادیست. در شهبای جشن و اعیاد يك ردیف نورافکن قوی مجسمه را روشن می‌کند و در داخل سرفرشته که خالی است سالتی وجود دارد که برای برگزاری مهمانیها و ضیافتها از آن استفاده می‌شود. ساختن این مجسمه کار مجسمه‌سازی است بنام «پارتولدی» که در سال ۱۸۳۴ به دنیا آمده و در سال ۱۹۰۴ نیز در گذشته است. شهر پاریس از کارهای این هنرمند آثار زیادی دارد.

در سال ۱۸۸۹ آمریکا نمونه کوچکی از این مجسمه را ساخت و به فرانسه هدیه کرد. آن مجسمه اکنون روی پل «گرنل» قرار دارد.

موزه پرادو: این موزه که در مادرید پایتخت اسپانیا واقع شده یکی از بزرگترین موزه‌های دنیاست. اگرچه کوچکتر از موزه‌های لوور و واتیکان است ولی از لحاظ آثار گرانبها، بسیار غنی است.

در این موزه آثار: ال گرگو، گویا، تی‌شیان، تئورتو، روبنس، وان دایک، موریللو، ریبرا و بروگل دیده می‌شود.

بهترین قسمت موزه، اطایقی است که در آن آثار

از همه چیز. . .

کوچکی پدید می‌آورد. بر روی آن طبقه دیگری است نرده دار و بسیار کوتاه که بام مسطح عمارت را می‌پوشاند. دوک دو سن سیمون به واسطه نبودن بام برجسته در این بنا گفته است هر که قصر را می‌بیند گمان می‌برد که ناقص مانده یا حریقی قسمت بالای آنرا را از میان برده است. تزئینات عمارت را بسیار دقیق و ظریف و به طرز عالی ساخته‌اند و عظمت و شکوه آنرا در وجود انسانی تأثیرهاست.

بلند مسطحی هویدا است و به وسیله دو پلکان، هر يك به ارتفاع صد و سه پله و به پهنای بیست متر که عرض خیابان است، به آن دست می‌یابند. قصر را در حقیقت يك طبقه بیشتر نیست و قسمت برابر با زمین که اساس و پایه‌ای محکم است از سنگ چینهای منظم ساخته شده و چندین درگاه دایره شکل نزدیک به هم دارد. طبقه بالا را ستونهایی که به فاصله‌های معین قرار گرفته از یکدیگر جدا کرده، ایوانهای



کاخ ورسای

علايم اتومبيل هاى كشورها

نام كشور	علامت	نام كشور	علامت	نام كشور	علامت	نام كشور	علامت
آرژانتين	RA	برمه	BA	لهستان	S	سوئد	S
آلبانى	AL	بلژيك	B	مصر	CH	سوئيس	CH
آلمان	D	بلغارستان	BG	مراكش	SM	سيام	SM
اتازونى	USA	پاكستان	P	مكزيك	SU	شوروى (سابق)	SU
اسپانيا	E	پاناما	PA	نروژ	RCH	شيلى	RCH
استراليا	AUS	پرتغال	P	واتيكان	IRQ	عراق	IRQ
اتريش	A	تركيه	TR	هائيتى	AF	فرانس	AF
ايران	IR	چكسلواكى	CS	هلند	SF	فنلاند	SF
اندونزى	RI	چين	RS	هند	PI	فيليبين	PI
انگلستان	GB	دانمارك	DK	هنگ كنگ	CDN	كانادا	CDN
ايتاليا	I	رومانى	R	يوگسلاوى	CO	كلمبيا	CO
برزيل	BR			يونان	C	كوبا	C
					KWT	كويت	KWT
					RL	لبنان	RL



جشنهای ملی در کشورهای جهان

آرژانتین	: انقلاب سال ۱۸۱۰ م. در ۲۵	پرتغال	: عید ملی در ۱۰ ژوئن
آمریکا	: اعلام استقلال ۱۷۷۶ م. در ۴	تایلند	: تولد پادشاه در ۵ سپتامبر
	ژوئیه	ترکیه	: اعلام جمهوری ۱۹۲۹ م. در ۲۹ اکتبر
		تونس	: عید ملی در اول ژوئن
		چکسلواکی	: عید ملی در ۹ مارس
		چین	: اعلام جمهوری ۱۹۱۱ م. در ۱۰ اکتبر



ایران	: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش
اردن هاشمی	: اعلام استقلال در ۲۵ مارس
اسپانیا	: عید ملی ۱۹۳۶ م. در ۱۸ ژوئیه
افغانستان	: اعلام استقلال ۲۷ مارس
اندونزی	: اعلام استقلال ۱۹۴۵ م. در ۱۷ اوت
برزیل	: اعلام استقلال ۱۸۲۲ م. در ۷ سپتامبر
بریتانیای کبیر	: تولد ملکه انگلستان ۲ ژوئن
بلژیک	: عید ملی ۱۸۳۱ م. در ۲۱ ژوئیه
پاکستان	: روز پاکستان در ۲۳ مارس

- دانمارك : تولد پادشاه فردريك نهم در ۱۱ مارس
- رومانی : عيد ملی ۱۹۴۴ م. در ۲۳ اوت
- ژاپن : تولد امپراطور هيراهيتو ۱۹۰۱ م. در اول اوت
- سوريه : عيد ملی در ۱۷ آوريل
- سوئیس : اعلام تأسيس کنفدراسيون ۱۹۲۱ م. در اول اوت
- سوئد : تولد شاه گوتساو ششم در ۱۱ نوامبر
- شیلی : اعلام استقلال ۱۸۱۰ م. در ۱۸ سپتامبر
- عربستان سعودی : تاجگذاری ملك سعود در ۱۲ نوامبر
- فنلاند : اعلام استقلال ۱۹۱۷ م. در ۶ دسامبر
- فرانسه : عيد ملی ۱۷۸۹ م. در ۱۴ ژوئيه
- کانادا : اعلام کنفدراسيون ۱۸۱۷ م. در اول ژوئيه
- کویت : اعلام استقلال در ۱۹ ژوئن
- لوکزامبورگ : تولد ملکه شارلوت در ۲۳ ژانويه
- لهستان : عيد ملی ۱۹۴۴ م. در ۲۲ ژوئيه
- مراکش : جلوس سلطان حسن دوم در ۳ مارس
- مکزیک : اعلام استقلال ۱۸۱۰ م. در ۱۶ سپتامبر
- هند : اعلام جمهوری ۱۹۵۰ م. در ۲۶ ژانويه
۱. ميدان آزادی: تهران، علامت کشور ایران.
۲. آسیای بادی: در هلند، علامت کشور هلند
۳. مجسمه بودا: در توکیو، علامت کشور ژاپن
۴. برج ایفل: در پاریس، علامت کشور فرانسه
۵. کاخ کرملین: مسکو، علامت کشور شوروی - (سابق)
۶. مجسمه طفل: در بروکسل، علامت کشور بلژیک
۷. مجسمه آزادی: در نیویورک، علامت کشور آمریکا
۸. ستاره شش پر: در اسرائیل، علامت رژیم اشغالگر قدس
۹. مجسمه دختر دریائی: در اسلو، علامت کشور نروژ
۱۰. مناره های مسجد ایاصوفیه: در استانبول، علامت کشور ترکیه.
۱۱. مجسمه ابوالهول: در قاهره، علامت کشور مصر
۱۲. برج کج پیزا: در پیزا، علامت کشور ایتالیا
۱۳. عمارت تاج محل: در دهلی، علامت کشور هندوستان
۱۴. کانگورو: علامت کشور استرالیا
۱۵. خانه کعبه: در مکه، علامت کشور عربستان سعودی
۱۶. بنای آکروپولیس: در آتن، علامت کشور یونان
۱۷. درخت سدر: در جبال دوز، علامت کشور لبنان
۱۸. رولت قمار: علامت کشور موناکو
۱۹. چرخ و فلک: در وین، علامت کشور اتریش
۲۰. فیل سفید: علامت کشور تایلند
۲۱. ساعت بیگ بن: در لندن، علامت کشور انگلیس

غولهای صنعت جهان

علامت و «سمبل» ممالک مختلفه جهان
هر کشوری معمولاً علامت مشخصه ای از

از همه چیز...

می خورد يك نام مستقل نبوده و از به هم پیوستن حروف اولین کلماتی درست شده است که «سازمان فرهنگی و علمی و تربیتی ملل متفق» معنی می دهد، به این ترتیب که از برداشتن حروف اول این کلمات یعنی:

United Nations Educational Scientific and Cultural Organisation.

کلمه یونسکو (Unesco) پیدا شده و مصطلح شده است.

کیمونو چیست؟

در زبان ژاپنی، کیمونو به معنی لباس ساده است. کیمونوها جامه و روپوش گشاد و راحتی هستند که آن را زنان و مردان ژاپن می پوشیدند، ولی در حال حاضر کیمونو برای مردها لباس منزل شده و حکم روپوش شامبر فرنگی ها را پیدا کرده است، و در بیرون خانم ها از آن استفاده می کنند.

کیمونو جامه ملی ژاپنی هاست و يك سنت چند قری دارد. هر کیمونو با آستینهای گشادش، یکبارچه تهیه می شود، یعنی يك پارچه راست گوشه به عرض ۴۰ سانتی متر را طوری برش می دهند و به هم می دوزند که يك پوشاک گشاد و راحت با دامن افتاده و آستینهای گشاد به دست می آید.

کیمونو را مطابق رسم به كمك يك حمایل پهن که به دور کمر بسته می شود، می پوشند، و این حمایل را اوبی گویند. کیمونو می تواند نخی یا ابریشمی باشد.

تاریخچه منو

در زمان انقلاب کبیر فرانسه که پختن غذاهای لذیذ و گرانیقیمت ممنوع اعلام شده بود، يك آشپز معروف پارسی به نام روز برای آنکه از مشتریان خاص خود درستورانش خوب پذیرائی کند، به فکر

پردرآمدترین و پول سازترین صنایع جهان در سال ۱۹۹۰ میلادی عبارت بودند از:

۱- جنرال موتورز از آمریکا ۲۲۳ میلیارد مارک سود.

۲- اکسون از آمریکا ۱۵۲ میلیارد مارک سود.

۳- رویال داچ شل از هلند-انگلیس ۱۴۱ میلیارد سود.

۴- فورد موتور از آمریکا ۱۳۶ میلیارد مارک سود.

۵- I.B.M از آمریکا ۱۱۱ میلیارد مارک سود.

۶- موبیل از آمریکا ۹۷ میلیارد مارک سود.

۷- بریتیش پترولیوم از انگلیس ۸۷ میلیارد مارک سود.

۸- جنرال الکتریک از آمریکا ۷۶ میلیارد مارک سود.

۹- AT اند T از آمریکا ۷۴ میلیارد مارک سود.

۱۰- تکزاکو از آمریکا ۶۹ میلیارد مارک سود.

۱۱- دایملر بنز از آلمان ۶۵ میلیارد مارک سود.

۱۲- فولکس واگن از آلمان ۵۳ میلیارد مارک سود.

قرون وسطی چه زمانی بوده است؟

قرون وسطی عبارت است از يك دوره از تاریخ بشر که از زمان سقوط امپراتوری روم و تجزیه آن به دو امپراطوری روم غربی و روم شرقی آغاز می شود و تا فتح قسطنطنیه ادامه پیدا می کند. ولی به عقیده بعضی مورخین، این دوره از سال ۲۵۰ م. شروع و به سال ۱۵۴۳ م (فتح قسطنطنیه) پایان می یابد. و برخی از مورخین نیز اعتقاد بر این دارند که قرون وسطی از سال ۴۱۰ و یا از سال ۴۷۶ شروع شده است. ولی همه این مورخین پایان آنرا همان سال فتح قسطنطنیه (استانبول فعلی واقع در ترکیه) می دانند که به دست سلطان محمد فاتح عملی شد.

یونسکو یعنی چه؟

یونسکو که مخصوصاً بیش از سایر واحدهای سازمان ملل متحد نام آن به گوشها و چشمها

دسته‌های سیار تشکیل داده در شهرها و آبادیها مخصوصاً در بازارهای روز بساط نمایشی خود را برپا می‌کردند.

در تئاتر عروسکی، عروسکها دو نوع هستند: دستی یا چماقی. عروسکهای دستی را با نخهائی که عروسک باز به انگشتانش می‌بندد به حرکت درمی‌آورد. در ایران تئاتر عروسکی به نام خیمه شب‌بازی از زمان قاجار متداول و رایج شد.



ابتکاری افتاد، به این ترتیب که صورت این غذاها را روی کارتی نوشته پنهانی به مشتریهای خود می‌داد و وقتی آنها غذای موردنظر خود را انتخاب می‌کردند علامتی روی کارت می‌گذاشتند و روز مخفیانه آن غذاها را سرمیز می‌آورد.

به این ترتیب اولین کارت «منو» غذا به بوجود آمد.

پانتومیم چیست؟

پانتومیم نمایشی است که حرف ندارد، یعنی بازیگر روی صحنه نمایش را در سکوت اجرا می‌کند، منتها چیزی را که باید بگوید با حرکات و بویژه با حالات صورت بیان می‌کند. بازیگرانی را نیز که چنین بازی می‌کنند پانتومیم گویند.

معروفترین پانتومیم جهان، مارسل مارسو فرانسوی است. مارسو در پانتومیم بقدری مهارت دارد که از پله‌ای که وجود ندارد، با ژستها و حرکات بالا می‌رود. نقش دیگری که شهرت مارسو را به اوج رسانده، حرکات صامت مردی است که کوشش می‌کنند پروانه‌ای را که وجود ندارد بگیرد.

از پانتومیم‌های قدرتمند گذشته، می‌توان از ژان بابتیست دپورو فرانسوی نام برد که در سال ۱۸۴۶ م. وفات یافت. بعدها از زندگی او فیلمی به نام «کودکان اولمپ» تهیه شد.

تئاتر عروسکی در چه زمانی به وجود آمد؟

تئاتر عروسکی در عصر باستان در مصر و یونان وجود داشت و متداول بود، و از آن تاریخ تاکنون محبوبیت خود را به ویژه در میان کودکان حفظ کرده است، بخصوص که تئاتر عروسکی غالباً قصه‌ها و افسانه‌های ملی کشورها را به نمایش می‌گذارد. در اروپا تئاتر عروسکی طی قرن ۱۶ در ایتالیا به اوج محبوبیت رسید و گردانندگان تئاتر عروسکی

از همه چیز...

طبق روایات و احادیث اهل سنت، حضرت محمد(ص) ده نفر از اصحاب خود را وعده بهشت داده و بهشت را بر آنان بشارت داده است. این ده نفر را «عشره مبشره» می‌گویند که عبارتند از:

۱. ابوبکر بن ابی قحافه
۲. عمر بن الخطاب
۳. عثمان بن عفان
۴. علی بن ابیطالب
۵. طلحة بن عبدالله
۶. زبیر بن عوام
۷. سعد بن وقاص
۸. سعد بن زید
۹. عبدالرحمن بن عوف
۱۰. ابو عبیده بن جراح

ده فرمان تاریخی حضرت موسی (ع) کدامند؟

ده فرمانی که حضرت موسی(ع) از طرف خداوند برای یهودیان جهان، از کوه طور آورد از این قرار است:

۱. من هستم یهوه، خدای تو که ترا از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آورد.
۲. ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد.
۳. نام یهوه خدای خود را به باطل میر.
۴. شش روز مشغول باش و کار کن، اما روز هفتم متعلق به خدای تو یهوه است.
۵. پدر و مادر خود را احترام کن.
۶. قتل نکن.
۷. زنا مکن.
۸. دزدی مکن.
۹. بر همسایه خود شهادت دروغ مده.
۱۰. به خانه همسایه خود طمع موز، و به زن

همسایهات و غلامش و کنیزش و الاغش و به هر



کدام شهر جهان از نظر پیروان هر سه دین بزرگ الهی مقدس است؟

بیت المقدس یا به گفته یهودیان اورشلیم از نظر پیروان سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهود مقدس است. از نظر یهودیان این شهر پایتخت قدیم بنی اسرائیل و محل معبد حضرت سلیمان است. از نظر مسیحیان زادگاه و محل به صلیب کشیدن حضرت مسیح، و از نظر اسلام اولین قبله‌گاه مسلمانان و محلی است که حضرت محمد(ص) از آنجا به سفر معراج رفت. امروزه دیوار ندبه از نظر یهودیان مقدس است.

عشره مبشره چه کسانی بودند؟

چیزی که متعلق به همسایه‌ات باشد طمع مکن.

عدد هفت در فرهنگ ملل مختلف

فلسفه هفت‌سین چیست؟ به طور مقدمه باید دانست که عدد «هفت» نزد ایرانیان قدیم مقدس بود و بخاطر ستارگان هفت‌گانه یعنی «زهره، مشتری، عطارد، زحل، مریخ، زمین و خورشید» عدد هفت را گرامی می‌داشتند. نیاکان ما که دارای مذهب زرتشتی بودند معتقد بودند که عقل مقدس یعنی «اهورامزدا» که به او «سپند مینو» نیز می‌گفتند، شش وزیر بزرگ داشت که به آنها «امشاسپندان» می‌گفتند یعنی مقدسین جاودانی که این شش امشاسپند با «سپند مینو» تشکیل (هفت سپند) می‌دادند.

علت این که هفت‌سین، به راستی هفت «سین» است اشاره به هفت «امشاسپند» است و چون کلمه «سپند» با سین شروع می‌شده روی این اصل به علامت آن هفت مقدس جاودانی، چیزهایی در نظر گرفته شده‌اند که هم با حرف سین شروع شده باشند و هم مورد استفاده مثبت بشر واقع شوند.

عدد هفت در قدیم: مردم بابل عدد هفت را مقدس می‌شمردند، طبقات آسمان و زمین و سیارات هفت بوده است، ایام هفته هفت روز است.

هفت از نظر مذاهب: به عقیده هندیها در آئین برهما انسان هفت بار می‌میرد، عروس و داماد باید هفت قدم به اتفاق هم بردارند، هفت قدم جلو می‌رفتند و قسم می‌خوردند، در آئین زرتشت هفت



از همه چیز...

باید روی زمین قرار گیرد.

هفت در تصوف: هفت وادی سلوک در تصوف معروف است (۱ طلب، ۲ عشق، ۳ معرفت، ۴ استغنا، ۵ توحید، ۶ حیرت، ۷ فنا، مولوی می گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم يك كوچه ایم

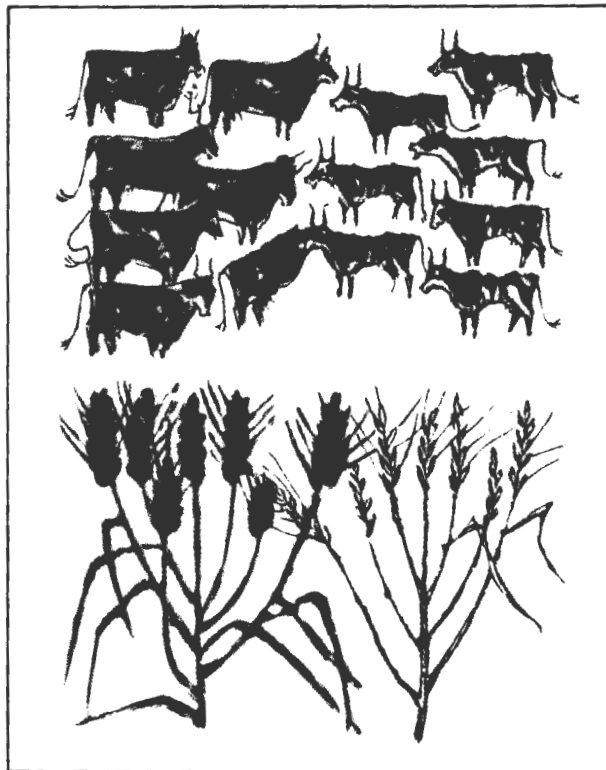
هفت در تاریخ: همراهان داریوش با خود او هفت

تن بودند، در نقش رستم در بالای آرامگاه داریوش

فرشته مقرب بود، در تورات مذکور است که هفت نر و ماده را با خود بگیر تا نسلی بر جهان بماند.

هفت در آئین مسیح: هفت معجز از ۳۳ معجز را مسیح در انجیل ذکر کرده است، در انجیل از هفت روح پلید صحبت شده است، به نظر فرقه کاتولیک هفت گناه اصلی و هفت نوع توبه و هفت نوع آداب و هفت نوع شادی و هفت غسل تعمید وجود دارد.

هفت در اسلام: آسمان هفت طبقه دارد، فرعون در خواب هفت گاو چاق و هفت گاو لاغر را دید که



هفت نقش ملاحظه می شود، جنگهای هفت ساله در زمان لوئی ۱۱ واقع شد، ازدهای هفت سر معروف است، هفت پسر گشتاسب به هفت راهزن تبدیل شدند، و هفت خوان رستم و اسفندیار معروف است. معابد هفت طبقه: در بابل و آشور هر معبدی

گفتند هفت سال خشکسالی و هفت سال فراوانی می شود. جهنم هفت طبقه دارد، گناهان اصلی هفت است در اعراب جاهلیت هفت بار طواف دور کعبه مرسوم بود، هفت تن قاری قرآن معروف بودند، هفت بار شستن اشیاء ناپاک، هفت عضو بدن هنگام نماز

عجایب هفتگانه جهان

اهرام مصر: ساختمان نخستین هرم مصری از سه هزار سال پیش از میلاد مسیح آغاز گردید و آخرین آن در سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد به پایان رسید. اهرام

هفت طبقه داشت و هر طبقه به نام یکی از سیارات و هفت رنگ بود (سرخ، سیمین، سفید، سیاه، ارغوانی، آبی و سبز). حصار اکباتان هفت دیوار داشت، آرامگاه کورش هفت پله دارد.



از همه چیز...

مسیح در ناحیه افسوس در جنوب اسمیرنا ساخته شد. در ساختمان این معبد عظیم مردم چندین شهر دست داشتند و خواه به وسیله کمکهای مادی و یا تنظیم نقشه کمک و همکاری نمودند. این معبد را معبد افسوس نیز می‌خوانند. پس از ساخته شدن این معبد رفته رفته جنبه تقدس پیدا کرد و از تمام نقاط برای زیارت بدانجا می‌شتافتند.

مساحت معبد ۴۲۵ در ۲۲۵ فوت بود، معبد دارای ۱۲۷ ستون بوده که از مرمر مخصوص بسیار گرانبها ساخته شده بود، طول هر يك از ستونها به ۶۰ فوت (در حدود ۲۰ متر می‌رسید).

در سال ۴۶۵ بعد از میلاد مسیح اروس توستن تنها به خاطر کسب شهرت و قدرت معبد را به آتش کشید ولی معبد به کلی نابود نشد و پس از چندی آن را تعمیر کردند و تالار تازه‌ای جهت آن تعبیه نمودند.

بنا به روایات تاریخی هل مقدس (سنت هل) در همین معبد بت‌پرستان را به پرستش خدای یگانه دعوت نمود و خشم تمام مردم را با این کار خود برافروخت. پس از وی نرون دستور تخریب معبد را صادر نمود و دستور نرون اجرا شد ولی بازم آثار آناری از معبد باقی ماند تا آنکه آخرین بقایای آن را «ریک» رئیس قوم گوتها از میان برد.

آرامگاه موسولوس: در قرن ششم قبل از میلاد در شهر هالیکارناس پادشاهی می‌زیست به نام موسولوس که همسری به نام آرمیس داشت. پس از مرگ موسولوس همسر بیوه او دستور داد تا آرامگاه بسیار مجلل و بزرگی از مرمر خالص در شهر هالیکارناس برای وی بنا کنند، و بدین ترتیب پنجمین عجائب سبعة دنیای قدیم بوجود آمد. این بنا که به شکل چهارگوش بود ۱۴۰ متر محیط داشت و سقفش هرمی بود که در رأس آن کالسهک پیروزی با چهار اسب حامل شاه و ملکه بود.

مقبره موسولوس پس از حمله اعراب و بربرها

مصر که هر يك شاهکاری از معماری و مهندسی و هنر به شمار می‌روند مقبره فراعنه بزرگ مصری بوده‌اند که درون آنها اشیاء گرانبها متعلق به فراعنه و لوازم زندگی آنها و بالاخره جسد مومیائی شده آنها با نهایت دقت با رعایت نکات علمی (برای محفوظ ماندنشان) قرار داده می‌شد.

قدیمی‌ترین هرم مصری در ناحیه ساکارا قرار دارد که بهمین نام نیز خوانده می‌شود. بزرگترین و کامل‌ترین هرم مصری هرم کنوس است که در نزدیکی گیزه در جنوب قاهره قرار دارد.

هرم کنوس در حدود ۱۳ جریب زمین را می‌پوشاند. ارتفاع اصلی آن ۴۸۱ پا (فوت) بوده که اکنون به علت جابجا شدن سنگهای بزرگ آن ۴۵۰ فوت ارتفاع دارد، و کف این هرم مساحتی معادل ۷۵۶ فوت مربع را می‌پوشاند.

باغهای معلق بابل: بنا به روایات تاریخی، باغهای معلق بابل به وسیله نبوکدنصر (بخت النصر) ساخته شده.

بخت النصر پس از ویران کردن معبد سلیمان در ۶۰۰ سال پیش از میلاد باغهای معلق را برای ملکه خود ساخت.

بنا بر روایات تاریخی باغ بزرگ معلق شامل ۵ طبقه با ایوان بوده است که هر طبقه با ۵۰ فوت فاصله بر روی طبقه زیرین بنا شده هر يك از طبقات شامل مقادیر فراوانی گل و گیاه و درخت‌های کمیاب و زیبا بوده است.

از آنجائی که ارتفاع این باغ بزرگ بسیار زیاد بوده و شاخه‌های درختان و گلها به سوی زمین و مخصوصاً به طرف طبقات زیرین آویزان شده است، این باغها را باغهای معلق بابل نام نهاده‌اند.

در حال حاضر کوچکترین اثری از این تپه و باغهای مربوط به آن وجود ندارد.

معبد دیانا/ معبد آرمیس ۵ سال پیش از تولد

هنوز برجها مانده بود، ولی نجیب‌زادگان و سواران «سن ژان» آن را خراب کردند تا سنگ‌هایش را برای ساختن استحکامات و برج و بارو بکار ببرند. بعداً در طول سالیان متمادی سنگ مرمرهای محوطه‌ای را که بنا روی آن واقع شده بود سوزاندند و از آن آهک ساختند.

در قرن نوزدهم قسمت‌های گرانبه‌ای این ساختمان به بریتیش میوزیوم حمل گردید و هنوز هم در آنجا نگهداری می‌شوند.

این بنا در حدود چهل و پنج متر ارتفاع داشت. فانوس دریائی اسکندریه: این فانوس در زمان بطلمیوس دوم جانشین اسکندر و به دست سوسترات معمار عصر قدیم ساخته شده است. این فانوس در جزیره کوچک فارو بنا شده بود و از همین جاست که کلمه «فار» به معنای چراغ دریائی را برای این نوع ساختمانها و منارهائی که چراغ دریائی بر فراز آن است به کار می‌برند.

یونانی‌ها معتقد بودند که این برج ۲۷۲ متر ارتفاع داشته، ولی اعراب که ده قرن بعد توانسته‌اند به مصر قدم گذارند گفته‌اند که ارتفاع خرابه‌های برج به ۱۶ متر می‌رسید.

این فانوس روی پایه‌ای چهارگوش که ۶۹ متر ارتفاع داشته بنا شده بود. در سال ۱۳۷۵ م. بر اثر زلزله شدیدی که در اسکندریه و سایر نقاط اطراف آن روی داد، برج دریائی زیر و رو شد و از خرابه‌های آن هم چیزی بدست نیامد. این فانوس برای آن ساخته شده بود که شبها راهنمای ملوانان برای رسیدن به بندر اسکندریه باشد.

مجسمه زئوس: در سال ۴۳۲ پیش از میلاد مسیح به وسیله فیدياس مجسمه‌ساز مشهور یونان ساخته شده است. این مجسمه که چهارمین عجایب سבעه دنیای قدیم بود در شهر المپیا حاکم نشین الیاس (یوناس) نصب گردید و ۱۵ متر ارتفاع داشت.

مجسمه زئوس از طلا و عاج تراشیده شده بود. تنه‌اش از چوب آبنوس بود که قسمت‌های عریانش را عاج نشان کرده بودند تا برهنه وانمود شود، و بقیه بدنش با طلا اندوده شده بود. تاجی از درخت خار که آن هم طلای خالص بود روی سر داشت و مجسمه کوچک الهه پیروزی را به دست راست گرفته بود و عضای سلطنت را دست چپ داشت. مجسمه زئوس در خلال جنگهای گوناگون خود به کلی نابود گشت.

مجسمه رودس: در جنوب شهر هالیکارناس جزیره‌ای وجود داشت به نام رودس که ساکنانش عموماً ملوان بودند. مردم جزیره رودس دارای ذوق هنری مجسمه‌سازی بودند و به گفته یکی از تاریخ‌نویسان آن عصر در آن جزیره قریب سه هزار مجسمه معمولی وجود داشت که صد فقره آن غول‌آسا بود. مشهورترین این مجسمه‌ها مجسمه عظیم و غول‌پیکر رب النوع خورشید به نام هلیوس بود که مجسمه رودس نامیده می‌شد.

این مجسمه عظیم قریب ۴۰ متر ارتفاع داشت و پس از ۵۶ سال عمر بر اثر زلزله از بین رفت. مورخان گویند که پس از هجوم اعراب و فتح جزیره رودس خرده‌های مجسمه را به يك نفر یهودی فروختند که برای حمل تکه‌های آن ۹۰۰ شتر کرایه کرده بود.

عجایب هفتگانه قرون وسطی

۱. کولوسئوم رم (کولیزه)
۲. دخمه‌های اسکندریه
۳. دیوار بزرگ چین
۴. استونهنج
۵. برج کج پیزا
۶. برج چینی نانکنگ
۷. مسجد ایاصوفیه در قسطنطنیه

عجایب هفتگانه جهان امروز

هفت علم اولیه

در قدیم به جای همه فنون و رشته‌های علمی امروزی که در دانشگاهها تدریس می‌شود، تنها هفت علم وجود داشت که به آنها علوم هفتگانه می‌گفتند، که عبارتند از:

۱) ساختمان امپایر استیت: در آمریکا، با ۱۰۲ طبقه و گنجایش ۸۰۰۰۰ نفر.
۲) تلسکوپ جودرل بنگ: در انگلستان، به قطر ۷۵ متر.



۱. هندسه
 ۲. هیئت
 ۳. موسیقی
 ۴. منطق
 ۵. حساب
 ۶. صرف و نحو
 ۷. سخنرانی
- ۳) پل گلدن گیت: در آمریکا، به طول ۴۲۰۰ فوت.
- ۴) کانال پاناما: در پاناما، به طول ۵۰ میل که اقیانوس اطلس و آرام را به هم وصل می‌کند.
- ۵) اسپوتنیک ۱: در شوروی، با وزنی حدود ۱۱ کیلوگرم هر ۹۶ دقیقه یک بار به دور زمین چرخید تا اینکه در جو سوخت.
- ۶) سد هوور: در آمریکا، به طول ۱۲۴۴ فوت، ارتفاع ۷۲۶ فوت و آبگیر آن ۲۴۷ میل فوت است.
- ۷) ناتیلوس: در آمریکا، اولین زیردریایی اتمی جهان.

آثار تاریخی و دیدنی ممالک جهان

۱- انوالید: مقبره ناپلئون بناپارت در آنجا واقع

- ۱۱- مجسمه ابوالهول: از آثار تاریخی مصر قدیم (مصر)
- ۱۲- برجسگادن: کاخ هیتلر در جنگ جهانی دوم (نزدیک مونیخ)
- ۱۳- مسجد ایاصوفیه: کلیسای سنت صوفی سابق که اکنون سمبل کشور ترکیه است (استانبول)
- ۱۴- ایوان مدائن: بارگاه سلطنتی سلاطین ساسانی (نزدیک بغداد)
- ۱۵- پارک برقیز: از پارکهای بسیار معروف رم (رم)
- ۱۶- معبد ابوسمبل: یکی از معابد بزرگ مصر است (پاریس)
- ۲- برج لندن: زمانی محل اعدام سلاطین و بزرگان انگلستان بوده (لندن)
- ۳- تاج محل: مقبره نورهان بیگم همسر جهانگیر پادشاه هند (آگرا)
- ۴- برج ایفل: برجی آهنی که ۳۰۰ متر ارتفاع دارد (پاریس)
- ۵- برج پیزا: برجی کجی است در کشور ایتالیا (پیزا)
- ۶- پارتنون: معبد بزرگ یونان قدیم (آتن)
- ۷- باستیل: زندان مشهور فرانسوی (پاریس)



- ۸- مجسمه آزادی: واقع در جزیره مانهاتان که سمبل کشور آمریکا است (نیویورک)
- ۹- معبد دلفی: از معابد معروف یونان (آتن)
- ۱۰- جیزه: مرتفع ترین اهرام مصر با ۴۷ متر ارتفاع (مصر)
- ۱۷- ویرانه های کاخ نرون: (رم)
- ۱۸- حمامهای کاراکالا: از آثار تاریخی سال ۱۰۶ م. (رم)
- ۱۹- معبد ژوپیترا: (جزیره سیسیل)

از همه چیز...

- ۲۰- خانه کتیروشلی: (رم)
۲۱- مجسمه رودس: یکی از عجایب سبعة جهان
۲۲- عمارت بی.بی.سی: بنای مرکزی رادیو لندن (لندن)
۲۳- مجسمه تنودور: واقع در میدان سیرک (استانبول)
۲۴- خانه کارلایل: خانه مورخ و فیلسوف معروف انگلیسی (لندن)
۲۵- ستون کلتوپاترا: هدیه از سوی مصریان به دولت انگلیس در سال ۱۸۲۰ میلادی (لندن)
۲۶- معبد مناسکی: از معابد مشهور هندوستان (دهلی)
۲۷- معبد آسمان: از معابد مشهور چین (پکن)
۲۸- هاید پارک: از بزرگترین پارکهای لندن (لندن)
۲۹- معبد متیلا: از معابد مشهور مکزیک (مکزیک)
۳۰- برج ایشنهایمر: از بناهای قرون وسطی (فرانکفورت)
۳۱- آبخوخانه هوف بروهاوس: (مونیخ)
۳۲- مسجد عمر: (بیت المقدس)
۳۳- برج کلاه فرنگی: ۲۹۴ پلکان دارد (ایتالیا)
۳۴- معبد بروبودور: با ۱۱۱ متر طول (اندونزی)
۳۵- برج بلم: متعلق به قرن ۱۶ م. (لیسبون)
۳۶- پارک بوتانیک: (لیسبون)
۳۸- برج گرد: از بناهای کریستیان چهارم (کپنهاک)
۳۹- باغ لوکسزامبورگ: در نزدیکی دانشگاه سوربن (پاریس)
۴۰- پل الکساندر سوم: (پاریس)
۴۱- خانه کعبه: (مکه)
۴۲- خانه بتھون: مرکز الهامات بتھون (وین)
۴۳- خانه صلح: مقر اعضای دیوان بین المللی داوری (لااهه)
۴۴- قبرستان پرلاشز: (پاریس)
۴۵- پاساژ بزرگ: محل شیک ترین و زیباترین مغازه های هلند (لااهه)
۴۶- کاتاگومبها: قبر تنوفیل گوتیه (پاریس)
۴۷- ستون کنگره: برج مرتفعی در بلژیک (بروکسل)
۴۸- عمارت پارلمنت: محل انعقاد جلسات مجلس نمایندگان عام انگلستان (لندن)
۴۹- چشمه معجزه: (رم)
۵۰- ساعت گل: ساعتی که با گل و گیاه به طرز جالبی درست شده (ژنو)
۵۱- مقر سازمان ملل: (نیویورک)
۵۲- اکروپلیس: از تفرجگاههای کشور یونان (آتن)
۵۳- اکول میلی تر: مدرسه نظامی که زمانی ناپلئون شاگرد آنجا بود (پاریس)
۵۴- مسجد سلطان احمد: یکی از مساجد بزرگ ترکیه (استانبول)
۵۵- قلعه سرخ: از قلعه های مهم کشور هندوستان (دهلی)
۵۶- راشترایانی: مقبره رئیس جمهوری هند (دهلی)
۵۷- مسجد ابن طولون: از مساجد مهم مصر (قاهره)
۵۸- مسجد المؤید: از مساجد مهم مصر (قاهره)
۵۹- معبد اپولو: از معابد مهم ایتالیا (رم)
۶۰- پارک ال ریترو: از پارکهای مشهور اسپانیا (مادرید)
۶۱- اسکالا: معروفترین تالار اپرای جهان (میلان)
۶۲- پارک پراتر: از پارکهای مشهور اتریش (وین)
۶۳- قلعه هامپتن کورت/ کاخ لعنت زده هانری

هتل دورگو ملیوسکی : مسکو ۱۷۵ متر	هشتم: (لندن)
هتل دوویل : فیلادلفیا ۱۶۳ متر	۶۴- بلوار مادلن: (پاریس)
کلیسای استراسبورگ : ۱۴۷ متر	۶۵- قلعه اگرشوز: (اسلو)
هرم مصر : ۱۳۷ متر	۶۶- هوفگارتن پارک: از پارکهای مهم آلمان
سنت اتین : وین ۱۳۷ متر	(دوسلدروف)
	۶۷- گراند بولوار: (پاریس)

آلوده ترین شهرهای بزرگ جهان

۲۶. دهلی نو	۱. میلان
۲۷. ورشو	۲. شن یانگ
۲۸. آتن	۳. تهران
۲۹. برسلو	۴. ستول
۳۰. توکیو	۵. ریودوژانیرو
۳۱. کاراکاس	۶. سانوپولو
۳۲. اوزاکا	۷. پاریس
۳۳. هامپلتون	۸. پکن
۳۴. آمستردام	۹. مادرید
۳۵. کینهاک	۱۰. مانیل
۳۶. بمبئی	۱۱. کیانگ سو
۳۷. کریس چرج	۱۲. گلاسکو
۳۸. سیدنی	۱۳. فرانکفورت
۳۹. لیسبون	۱۴. زاگرب
۴۰. هلسینکی	۱۵. سیانتیاگو
۴۱. مونبخ	۱۶. بروکسل
۴۲. کوالالمپور	۱۷. کلکته
۴۳. هوستون	۱۸. لندن
۴۴. شیکاگو	۱۹. نیویورک
۴۵. بانکوک	۲۰. شانگهای
۴۶. تورونتو	۲۱. هنگ کنگ
۴۷. ونکوور	۲۲. دوبلین
۴۸. بخارست	۲۳. سنت لوئیس
۴۹. تل آویو	۲۴. مدلین
	۲۵. مونترال

۶۸- تپه لیکابتوس: از زیباترین ارتفاعات یونان (آتن)

۶۹- ارلان پارک: از پارکهای معروف سوئیس (بال)

۷۰- باغهای گیو: قریب ۳۰ جریب زمین را اشغال کرده (لندن)

۷۱- پیکادلی سرکس: مرکز مغازه ها و کاباره ها (لندن)

۷۲- ریجنت پارک: قریب ۴۷۲ جریب زمین را اشغال کرده است (لندن)

۷۳- پل برج: یکی از پلهای بزرگ و دیدنی (لندن)

۷۴- فولی برژر: اولین موزیک هال معروف فرانسه (پاریس)

۷۵- جنگل کامبر: از جنگلهای بسیار زیبای بلژیک (بروکسل)

مرتفع ترین بناهای جهان

امپایر استیت	: نیویورک ۴۴۸ متر
برج تکیو	: ۳۳۱ متر
کرایسکر بیلدینگ	: نیویورک ۳۱۹ متر
برج ایفل	: پاریس ۳۰۰ متر
بانک مانهاتان	: نیویورک ۲۸۳ متر
ارت.آ	: نیویورک ۲۵۹ متر
گنبد سن پیر	: رم ۱۳۲ متر
ویورست بانک	: نیویورک ۲۴۲ متر
دانشگاه لومولسوف	: مسکو ۲۰۸ متر
والدوف آستوریا	: نیویورک ۱۸۹ متر

از همه چیز...





پیدایش و سرگذشت طلا

چرا بشر از ابتدا به طلا علاقه پیدا کرد؟ چرا فلزات دیگر برای او چنین ارزش و مقامی را ندارند؟ اینها پرسشهایی است که برای هر کس پیش آمده است. طلا يك فلز نرم و متراکم و ارزشمند به رنگ زرد روشن است که درخشندگی زیبایی دارد... و یکی از عللی که موجب گردید طلا برای بشر ارزش یابد همین درخشش آن بود. يك شاعر انگلیسی می گوید: «درخشش طلا پرستش آن را بوجود آورد... زرق و برق طلا بشر فریب خوار را فریفت و برای همیشه او را

اسیر ساخت...» اما علت این که بشر طلا را در شمار ارزنده ترین فلزات می شناسد تنها درخشش آن نیست. طلا جز زرق و برق ظاهری محاسن دیگری هم داشت که بشر اولیه آنرا درك کرده بود. در طول قرنها تغییر نمی کند: طلا فشرده گی و تغییرناپذیری خاصی دارد. این فلز برخلاف فلزات دیگر زنگ نمی زند و قرنها لایتغیر می ماند. طلا در هیچ اسیدی حل نمی شود و فقط در تیزاب یا سیانور پتاسیم و سیانور سدیم قابل حل است، این محاسن بود که ارزش طلا را برای بشر بالا برد. وزن مخصوص طلا (يك سانتی متر مکعب آب) ۱۹/۳

از همه چیز...

فیزیکدانها در صد سال پیش از چند گرم طلا مفتول نازک طولی ساخته بود که می توانست دور کره زمین حلقه زند. طلا معمولاً بطور غیر مخلوط در کانه پیدا می شود، زیرا طلا از لحاظ شیمیائی قابل انحلال نیست. طلا در سنگهای بزرگ بصورت پراکنده و قطعات ریز نهفته است. استحکام طلا هفت برابر سنگهای سیلیسی است.

طلا و اقوام قدیم: مصریان، آسوریان نژادهای بومی ایتالیا و بسیاری از نژادهای متمدن دنیای قدیم طلا را می شناختند و برای آن ارزش قائل بودند.

اژه ایها که در جزایر اژه زندگی می کردند نیز با طلا آشنائی داشتند و به آن «عشق می ورزیدند» و حتی در یکی از کتب قدیمه آمده است که برخی از اژه ایها از شدت حرص و ولع برای آنکه دیگران طلاها را از آنها بزور نستانند طلاها را قطعه قطعه فرو می دادند و پس از رفع خطر فوراً آنها را بالا می آوردند! اهالی جزیره کرت نیز طلا را با ارزش می دانستند و اصولاً در بازارهای خود هر هفته برای آن قیمت گذاری می کردند و همه کوششان این بود که بیش از مردم ایران و یونان طلا بدست آورند.

تب طلا: تب طلا یک تب قدیمی است ... این تب از آن تبهای زودگذر نیست؛ بلکه تبی است که قرنهاست بجان بشر افتاده و نمی ریزد... از قدیم الایام کیمیاگران با هزار حرص و ولع و با کوشش و تلاش خستگی ناپذیر در بدر دنبال طلا عمر می گذاشتند. یورش تب آلود مردم آمریکا به قطب شمال نیز در تاریخ سابقه ندارد.

کیمیاگران قرون وسطی با آنکه در کوششهای خود برای ساختن طلا با شکست مواجه می شدند اما هرگز از اصرار دست بر نمی داشتند. اصرار آنها سرانجام موجب کشف بسیاری از قوانین شیمیائی در کیمیاگری شد. شاید بتوان گفت پایه های علم شیمی را کیمیاگران ریخته اند.

و یک دسی متر طلا ۱۹/۳ کیلوگرم وزن دارد. طلا نرمترین فلزات است و می توان از آن ورقه هائی به ضخامت یکهزارم میلیمتر ساخت. چون طلا نرم است آنرا با فلزات دیگری مانند نقره و مس مخلوط می کنند تا سخت شود.

اختلاط طلا و نقره: وقتی طلا با نقره مخلوط شد آنرا برای تهیه زیورآلات و جواهرات بکار می برند و وقتی آنرا با مس مخلوط می کنند از آن برای ضرب سکه استفاده می نمایند. اختلاط فلزات دیگر با طلا موجب تغییر رنگ آن می گردد.

بیست تا چهل درصد نقره می تواند رنگ طلا را به رنگ سبز مبدل سازد. مس می تواند رنگ زرد طلا را تیره سازد و طلای سکه های انگلیس که ۲۲ عیار دارد و اندکی قرمز رنگ است با مس مخلوط شده است. باید دانست که سکه های انگلیسی طلا دارد و تغییر رنگ طلا معمولاً به مقدار فلزی که با آن اختلاط می یابد بستگی دارد. طلا در دو هزار و ششصد درجه حرارت مانند آب می جوشد و بخاری ارغوانی از روی آن برمی خیزد.

عیار چیست؟ غالباً شنیده اید که مردم می گویند این طلا هیجده عیار یا دوازده عیار دارد. این اصطلاحی است که زرگرها و جواهر فروشان ساخته اند. طلای ناب، بیست و چهار عیار است. اگر گفته شود که این طلا هیجده عیار دارد منظور این است که هیجده قسمت آن طلای خالص و شش قسمت دیگر آن نقره است. در نتیجه طلای دوازده عیار نصف طلا و نصف نقره است. معمولاً برای ضرب مسکوک طلا نه قسمت طلا و یک قسمت مس را مخلوط می کنند. طلاهای مخلوط ممکن است دوازده یا چهارده یا شانزده یا بیست و دو عیار داشته باشند.

مفتولی بدور زمین: با اندکی از طلا می توان سیمهای باریک طولانی ساخت چنانکه یکی از

چه حد بشر را اسیر ساخته است. مزدك انگیزه اصلی هر جنگ و جدالی را از زر و زن می دانست و امروز نیز این مثل در همه زبانها متداول است: زرمایه زور است. اما مردان مصلح همیشه تب طلا را تقبیح کرده اند و گفته اند که وقتی بشر طلا دارد به يك حیوان وحشی تبدیل می شود.

بخاطر طلا: اندوخته های طلای دنیای قدیم در گنجینه های مدفون است که گاهگاهی برخی از آنها کشف می شود. جنسون گنج یابی و پرستش گنج از اینجا ریشه گرفته است. تاکنون بخاطر طلا بشر متحمل زحمتهای شده و جنگهای فراوانی بخاطر طلا کرده است، بیشتر داستانها و فیلمهایی که تب طلا زمینه آنها تشکیل داده است نشان می دهد که طلا تا





معدن طلا، معادن اصلی و فرعی: مصریهای قدیم طلا را با شست و شوی شن بدست می آوردند. این شنها از معادن طلا جدا می شد و با آب به کنار رودخانه نیل کشیده می شد. بعد از مصریها، آشوریها، بابلیها، ایرانیها و بالاخره یونانیها به استخراج طلا به روش خود دست زدند. رومیهای باستان طلا را از معادن ایتالیا و فرانسه و اسپانیا خارج می کردند. در آنزمان طلا ارزش فراوان داشت زیرا بسیار کمیاب بود... استخراج طلا بوسیله صنعتی از قرن نوزدهم که معدن بزرگ کشف گردید آغاز شد و تولید صنعتی آن به نحو افزونی هر سال بالا رفت.

معدن طلا در مناطق کوهستانی و در میان سنگها بدست بیاید آنرا معدن اصلی می نامند. امروزه این نوع معدن را با وسایل صنعتی استخراج می کنند. آنها سنگها را با ماشینهای بزرگ خردکننده خرد می کنند آنگاه با وسایل شیمیائی مخصوصی طلا را از مواد خارجی جدا می کنند و طلای خالص را بدست می آورند. قدما سنگ طلا را در دستگاههایی مثل هاون می کوبیدند و می سائیدند آنگاه جیوه به آن اضافه می کردند تا طلا و خاک از هم جدا شوند. جیوه با طلا مخلوط می شد و سپس بوسیله حرارت دادن و تبخیر جیوه، طلای خالص باقی می ماند.

راههای قدیمی: اگر طلا در شن و خاک رودخانه پیدا شود آنرا معدن غیر اصلی یا معدن ثانوی می نامند.

ساده ترین راه برای جدا کردن شن و طلا این است که شخص طلا را در تشتکی مخصوص بریزد و آب روی آن بگرداند، درست مثل ماسه شویی... خاکها کم کم شسته می شود و طلای سنگین در ته تشتک باقی می ماند. اما با این وسیله طلا با زحمات بسیار و به مقدار کم بدست می آید. یکی دیگر از

چوب بری بود. او با اسب گردش می کرد و سرانجام به سان فرانسیسکو رسید و آنجا را برای محل کارخانه پسندید زیرا این ناحیه جنگلهای فراوان داشت و یک رودخانه هم از کنار آن می گذشت و حمل و نقل چوب را به نقاط دیگر آسان می ساخت.

چندی از اقامت این مرد در حوالی سان - فرانسیسکو نگذشته بود... ناگهان یک روز بر سیبل اتفاق در ساحل رودخانه، سنگ بزرگ زردرنگی را مشاهده کرد. این سنگ قطعات طلا داشت. این مرد جستجو را دنبال کرد و سرانجام به کشف یکی از بزرگترین معادن طلای جهان توفیق یافت و ثروت بیکرانی بهم زد.

بخشش سرخپوستان: سرخپوستان آمریکا در موقع حمله سفیدپوستان به مرکز آمریکا طلاهای بسیار داشتند و اهمیت چندانی برای آن قائل نبودند و در ازای مقداری غذا همه را به سفیدپوستها می بخشیدند.

می گویند اعرابی که مداین را غارت کردند نیز طلاهای بدست آمده را در بازار کوفه با نمک عوض می کردند و از این که در این معامله برد با آنها بوده مباحات می نمودند.

شمش بزرگی به ابعاد چهارده متر: مقدار تولیدی طلای سال ۱۹۳۶ م بیش از سی و دو میلیون و ۹۷۰ هزار اونس بود که قیمت آن برابر اونسی ۴۵ دلار، به یک میلیارد و صد و پنجاه و چهار هزار دلار می رسید. این مقدار طلا یک مکعب چهارده متر در چهار متری می سازد. مقدار طلاهایی که از ۱۴۹۲ تا ۱۹۴۰ م استخراج شده است در حدود یک میلیارد و ۲۲۲ میلیون اونس است که به قرار اونسی ۳۵ دلار قیمت آن از ۴۳ میلیارد دلار تجاوز می کند. این مقدار طلا شمش بزرگی به ابعاد چهارده متر می سازد و هم اکنون مجموع این طلا سرنوشت دهها ملت را در این جهان تعیین می کند.

اعتبار ملتها: در حال حاضر در زندگی اقتصادی

طرق جدا کردن طلا و شن این است که آب را از بالا در داخل مجرائی از چوب براه اندازند و در پائین مجرا برآمدگیهای چوبی تعبیه کنند و سپس خاک و شن را در بالای مجرا با آب جاری مخلوط کنند و پائین بفرستند. سرعت جریان آب شن و خاک طلا را می شوید و ذرات طلا در برآمدگیهای چوبی که در پائین مجرا تعبیه شده است مرسوب می شود.

طلا در آب و شن: دانشمندان شیمی کشف کرده اند که در هر یک تن آب دریا یک میلی گرم طلا وجود دارد و قیمت آن بسیار جزئی است. معمولاً طلائی که از کانها استخراج می شود با مقداری نقره، مس، پلاتین و عناصر دیگر همراه است.

کشف آمریکا و ... کشف آمریکا و استخراج کانهای طلای قاره جدید و چپاول طلاهای سرخپوستان بوسیله مهاجران سفیدپوست موجب ازدیاد طلای آمریکا و بهم خوردن تعادل اقتصادی آمریکا و اروپا گردید و در وضع اروپا اثرات خاصی بجا گذاشت. در سالهای ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ م از آمریکای جنوبی ۴۸ میلیون اونس طلا استخراج شد. در سالهای بین ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۵ م استخراج طلا در آسکا و یوکون و ترانسوال و آفریقای جنوبی یکبار دیگر میزان موجودی طلای جهان را بالا برد. از بعد از جنگ جهانی میزان موجودی طلا همچنان بالا رفت، بطوری که یکسال قبل از جنگ جهانی دوم مقدار آن از مقدار تمام طلاهای استخراج شده بین سالهای ۱۴۹۲ تا ۱۶۰۰ میلادی بیشتر بود.

بزرگترین تولیدکننده طلا در جهان: در حال حاضر بزرگترین کشور تولیدکننده طلا آفریقای جنوبی است. کشورهای روسیه، کانادا، آمریکا و استرالیا پس از این کشور قرار دارند.

در ماه ژانویه ۱۸۴۸ م یک آمریکائی جسور بنام «جمس» در کرانه ها و در جنگلهای کالیفرنیا در جستجوی محل مناسبی برای احداث یک کارخانه



چند نکته: ظاهراً اولین پادشاهی که در ایران سکه زد، داریوش بود و اولین ملتی که سکه طلا زد فنیقی‌ها بودند که ثروت آنها در دنیای قدیم معروف بود. در حال حاضر بیشتر طلای دنیا در ایالات متحده متمرکز شده است. استخراج طلا در آفریقای جنوبی از اواخر قرن نوزدهم در ناحیه ترانسوال و اورانژ آغاز شد. کلمه طلا در ادبیات آمریکا با کلمه برده مترادف و متداعی است و هر کس که کلمه طلا را در شعر می‌بیند معمولاً باید در انتظار دیدن کلمه برده هم باشد. این به آن علت است که طلای آمریکا که جریان استخراج آن داستانهای مفصلی دارد بوسیله بردگان استخراج شده است. این بردگان با مزد قلیلی این کارشاق را انجام می‌دادند.

دستگاه طلا یاب: در گمرک برخی از کشورهای جهان دستگاهی به نام انسپکتوب یا دستگاه مفتش وجود دارد که مسافرین موقع ورود به کشور باید از جلوی آن عبور کنند. این دستگاه نشان می‌دهد که شخص طلا همراه دارد یا نه.

ملتها نقش ارزنده و پیچیده‌ای را ایفا می‌کند. طلا اکنون پایه اقتصاد و تجارت و بانکداری است. اعتبار اقتصادی هر کشور اکنون بسته به طلاست.

پشتوانه طلا: پشتوانه اسکناس هر کشوری را طلا تشکیل می‌دهد. امروزه کمتر طلای مسکوک رواج دارد اما همه کشورهای جهان طلا را پشتوانه اسکناسهایی که به جریان می‌گذارند قرار داده‌اند. این پشتوانه ممکن است صددرصد و یا کمتر باشد. وقتی اسکناس «در گردش» صددرصد پشتوانه موجود داشته باشد به این معنی است که مؤسسه انتشار اسکناس هر مقدار پول کاغذی که به جریان نهاده است بهای آنرا طلای ذخیره دارد. اگر پشتوانه شصت درصد باشد یعنی بهای مقدار طلای ذخیره شش دهم اسکناسی است که به جریان گذاشته شده است و به عبارت دیگر بانک ناشر برای ده ریال شش ریال طلا دارد.

ضرب مسکوک طلا از آغاز پیدایش طلا و کشف ارزش آن متداول بوده است و بشر از این فلز گرانبها زیور آلات و اشیاء ذیقیمت می‌ساخته است. امروزه مقادیر زیادی از مسکوکات و اشیاء طلا که چند هزار سال قبل ساخته شده است در دست است و نشانه اهمیت است که بشر از زمان بسیار قدیم برای طلا قائل بود.





پیدایش و تاریخچه پول

می نمودند و به تدریج يك یا چند کالا که دارای ارزش عمومی و بیشتر بود وسیله مبادله کالاهای مختلف قرار گرفت. ده‌ها و بلکه صدها شیئی مختلف در ادوار گوناگون به این طریق نقش وسیله مبادله و در حقیقت نقش پول امروزی را به عهده داشته است.

وسیله مبادله که بعداً بصورت پول درآمد نسبت به محیط و زمان متفاوت بود. مثلاً در میان قبایل حبشه قرن‌ها سنگ نمک به عنوان پول و وسیله معامله بکار می‌رفته است. در یونان قدیم گاوئر و در سیلان فیل نقش پول را داشته و در قرن نوزدهم در برنثو جمجمه انسان به عنوان پول محسوب می‌گردید. البته بسیاری از وسائل مزبور به عنوان سرمایه و وسیله معیار سنجش ثروت اشخاص و قبایل بود و در جریان معاملات با در نظر گرفتن معیارهای فوق وسائل دیگری بکار می‌بردند.

میلیونها مردم جهان با تلاش و فعالیت مداوم، نیرو و عمر خود را صرف می‌کنند و حاصل این کوششها و زحمات را بصورت پول دریافت می‌نمایند. بی‌تردید می‌توان گفت که امروز اساس گردش چرخهای اجتماع بر پول نهاده شده است و وسیعترین روابط اجتماعی انسان به کمک پول انجام می‌گیرد. امروز حتی کودکان هم می‌دانند که پول چیست و چه ارزشی دارد. باید گفت که کمتر کسی پیدا می‌شود که هر روز با مقداری پول سروکار نداشته باشد و بهمین نسبت هم کمتر کسی از خود سؤال می‌کند که پول از کجا پیدا شده، تاریخچه آن چیست و در ازنه باستانی چه چیزی بجای پول وجود داشته است؟

در ایام قدیم مردم کالاهائی را که احتیاج داشتند مستقیماً با وسائلی که خودشان تولید می‌کردند مبادله

قروض و معاملات تعهدی ناشی شده است. نخستین شکل پول پس از کالاها و اشیاء مختلف سکه بود. اولین سکه‌ها ظاهراً در حدود اواخر قرن هشتم قبل از میلاد در لیدی (آسیای صغیر) ضرب شده است. ضرب سکه از طریق یونان در ایتالیا و سایر کشورهای ساحل مدیترانه متداول گردید و در شرق نیز پس از لیدی در ایران و هندوستان سکه ضرب شد.

ضرب سکه: ضرب سکه در چین پس از کشورهای دیگر متداول گردید ولی چینها خودشان مستقلاً مبادرت به این کار کردند و آنرا از ملل دیگر یاد نگرفتند. ژاپنها و کره‌ای‌ها ضرب سکه را از چین اقتباس نمودند.

نخستین سکه‌های یونان از فلزات خالص (۹۹۰ تا ۹۹۸ درهزار) و یا از جنس آلیاژ طبیعی طلا و نقره به نام الکترون ضرب می‌شد. پس از آن سکه‌های طلا متداول گردید. در زمان حکومت امپراتورهای روم به فلز طلا به نسبت‌های مختلف مس اضافه می‌کردند به طوری که در اواخر حکومت روم بعضی از سکه‌ها فقط در حدود دو درصد و حتی کمتر طلا داشته است. مخلوط کردن فلزات دیگر نظیر مس یا آلیاژ طلا و نقره در ابتدا بخاطر تقلیل مخارج تهیه سکه صورت می‌گرفت ولی به تدریج متوجه گردیدند که سکه‌های مزبور دوامشان از سکه‌های خالص و آلیاژ طلا و نقره بیشتر است.

در اروپا سکه‌های اجزاء واحد پول برای ارزیابی از مس خالص ساخته می‌شد. در سالهای پس از انقلاب کبیر فرانسه (سال ۱۷۸۹) به علت کمیابی مس برای ضرب سکه‌های مزبور زنگهای کلیساها را ذوب می‌کردند و از آن سکه می‌زدند. آلیاژی که برای ساختن زنگهای مزبور بکار می‌رفت ترکیب مخصوصی از مس و قلع و روی بود. از آنجا که این نوع سکه‌ها از نظر دوام و سبکی بسیار خوب از کار

کله گاو و جمجمه انسان بجای پول: مثلاً گاو در بعضی از قبایل آفریقا و جمجمه انسان در برنثو ارزش مخصوصی داشته و به عنوان سرمایه بزرگ محسوب می‌شده است و ارزش کالاها را هم نسبت به آن می‌سنجیدند ولی در اغلب موارد فقط نظیر پستوانه و منبع ثروت عمل می‌نموده و در مبادلات مستقیماً بکار نمی‌رفته است.

به نظر برخی از محققین پول در جریان آداب مذهبی و اجتماعی بوجود آمده و این مراسم نقش مهمتری در ایجاد پول داشته است. به نظر این عده وسائلی که بعداً در مبادلات مورد استفاده قرار گرفته در ابتدا به رسم خون‌بها، شیربها و هدایای مخصوصی در تشریفات مختلف تقدیم می‌شده و از اینجا به تدریج بصورت وسیله مبادله درآمده است.

شاید سنگین‌ترین پولی که رواج داشته يك نوع پول سنگی در جزیره پاپ واقع در جنوب اقیانوس کبیر بوده و سبکترین پول از جنس پر در جزایر هبرید رواج داشته است.

پول اولیه معمولاً عبارت از يك شیئی مفید بود و در جریان تکامل پول این طور به نظر می‌رسد که به تدریج اشیاء زینتی بجای اشیاء مفید، وسیله اصلی مبادلات گردیده است.

طلا و نقره: رواج دو فلز زینتی طلا و نقره به عنوان پول ظاهراً از همین امر سرچشمه گرفته است و رابطه زینت آلات با پول از بکار رفتن سکه‌های پول به عنوان وسائلی تزئینی نیز بخوبی آشکار می‌گردد.

لغات مربوط به نام واحدهای پول نیز اغلب مربوط به اندازه‌ها و وزنهای مختلف فلز آنهاست مثلاً درخما (دراهم) به معنی مشت پر (و معمولاً مشت پر از میخهای آهنی) بوده و پوند، لیورا، روبل نام وزنهای مشخصی از فلز بوده است. ولی نام پولها و اسناد کاغذی از قبیل اسکناس و حواله سفته از

یکسال ۳۵۲ نفر در انگلستان به اتهام تقلب در چاپ اسکناس تحت تعقیب قرار گرفتند. باید گفت که از آن تاریخ تا امروز يك مبارزه فنی بین متخصصین تهیهکننده اسکناس و جاعلین آن در جریان است. مدتی سازندگان اسکناس با بکاربردن نقوش و زمینه‌های مختلف با جاعلین مبارزه می‌نمودند ولی اختراع عکاسی وسیله خوبی در اختیار جاعلین اسکناس قرار داد. با اختراع این وسیله هرگونه نقش و علامتی را می‌شد تقلید و جعل نمود.

درآمد، در سال ۱۸۵۱ بطور رسمی برای ضرب سکه‌های کوچک از این آلیاژ استفاده نمودند. این آلیاژ پس از آن در تمام کشورها متداول گردید. چاپ اسکناس: اسکناس مدتهای مدید پس از ضرب سکه متداول شد. اولین بار چینیه‌ها در حدود قرن نهم میلادی اسکناس منتشر نمودند و آنرا «چاو» می‌نامیدند. این کار بعداً در اروپا متداول شد. اسکناسهای اولیه شامل مبالغ بزرگ بود. در اواخر قرن ۱۸ هنگامی که اسکناسهای کوچکتر انتشار یافت بازار تقلب اسکناس رواج یافت و فقط در ظرف



از همه چیز...

در دوره اسلامی مسکوکات طلا به اسم دینار، نقره به اسم درهم و مس به اسم فلس در جریان بود. در دوره مغول سکه‌های طلا مجدداً کمیاب شد و معاملات اغلب با سکه‌های نقره انجام می‌گرفت. کلمه تومان که به معنی ده هزار است و کلمه مغولی می‌باشد از این تاریخ متداول گردید و به ده هزار دینار يك تومان گفته شد.

در دوره صفویه سکه‌هایی به اسم عباسی، لاری، صدی، شاهی، محمودی و غیره وجود داشت. درباره سکه عباسی تونوت یکی از سیاحان اروپائی در قرن هفتم میلادی می‌نویسد:

«رواج عباسی بیش از سکه‌های دیگر است، از آنرو که این پول بدستی بهترین پول جهان بشمار می‌رود. وزن آنها به اندازه‌ای صحیح و یکسان است که وقتی بخواهند مقدار زیادی از این پول را تادیه کنند در هر يك از دو کفه ترازو بیست و پنج عباسی قرار داده و با هم قیاس می‌کنند و تنها موقعی به آزمایش دقیق يك يك سکه‌ها می‌پردازند که اندک تفاوتی درون آنها دیده شود.»

نادرشاه افشار نیز پس از فتح هندوستان سکه‌های جدیدی از طلا بنام اشرفی و از نقره به نام نادری ضرب نمود. بعضی از این سکه‌ها در هندوستان و به مناسبت فتح آن کشور بدست نادر، ضرب شده است. واحد پول ایران در دوره سلطنت قاجاریه تغییر پیدا کرد. در زمان فتحعلی‌شاه قاجار قران واحد پول ایران گردید. قران معادل يك دهم تومان و برابر با ۵ عباسی و یا ۲۰ شاهی بود. در این دوره نامهای عباسی و شاهی و محمودی رسماً تغییر یافتند و شاهی اسم جدید سکه مس شد. ولی چنانکه می‌دانیم اصطلاح عباسی تا مدتهای مدید در میان مردم متداول بود و اغلب ما آنرا به معنای چهارشاهی بکار برده‌ایم. قبل از سلطنت ناصرالدین شاه ضرابخانه‌های مختلف در شهرهای بزرگ ایران وجود داشت و امتیاز

برای مقابله با این خطر در سال ۱۸۵۶ شخصی بنام هنری ادبری ابتکاری در چاپ اسکناس بکار برد. وی زمینه اصلی اسکناس را با يك رنگ به چاپ می‌رساند و بر روی این رنگ يك رنگ دیگر که به اصطلاح رنگ محافظ بود چاپ می‌کرد. عکسی که از این نوع اسکناس تهیه می‌کردند بعلت اختلاط دو رنگ تیره و مغشوش درمی‌آمد و قابل استفاده نبود. تکمیل وسائل عکاسی، عکسبرداری از این نوع اسکناسها را نیز میسر ساخت و ناشرین اسکناس ناچار يك رنگ دیگر به دورنگ قبلی اضافه کردند و اسکناس را با چاپ سه‌رنگ مختلف بر روی هم تهیه نمودند.

اسکناسهای جدید برای مشخص بودن و آسان‌باز شناختن آنها از اسکناس جعلی دارای مشخصات بخصوصی است که تقلید همه آنها مشکل است. از جمله این مشخصات این است که کاغذ اسکناس را از نوع مخصوصی تهیه می‌کنند و دولتهای چه در جریان تهیه کاغذ و چه در جریان چاپ اسکناس نظارت کامل دارند و با بکار بردن نقشها و زمینه‌های مختلف در کاغذ مواعی در راه جعل اسکناس بوجود می‌آورند.

پول در ایران: تا آنجا که اطلاع داریم قدیمی‌ترین پول ایران به فرمان داریوش کبیر ضرب شده است. سکه داریوش کبیر از طلا بود و نویسندگان یونانی آنرا به نام خود داریوش «دریکوس» نامیده‌اند.

در دوره‌های بعد علاوه بر سکه طلا سکه نقره نیز ضرب شد. هخامنشیان علاوه بر سکه طلا سکه نقره هم داشتند و اشکانیان بیشتر به ضرب سکه‌های نقره دست می‌زدند.

در زمان حکومت ساسانیان مسکوکات طلا به سبک سکه‌های رومی درآمد. این مسکوکات از ترکیب طلا، نقره و مس ضرب می‌گردید.

ضرب پول به اشخاص واگذار می شد.
در زمان ناصرالدین شاه تصمیم گرفته شد ضرب
سکه را به انحصار دولت درآورند و برای این منظور
از خارج وسائیل جدید ضرب وارد کردند و یکنفر
متخصص اتریشی استخدام نمودند.
در این زمان جدولی برای پول ایران به ترتیب زیر
تهیه شد:
سکه طلا
یک تومان
به نام اشرفی

نیم تومان
سکه نقره
یک قران، نیم قران، نیم شاهی
سکه مس
دوشاهی، یک شاهی، نیم شاهی
ولی این جداول بلا اجرا ماند.
وضع پول بعد از قاجاریه: پس از قاجاریه واحد
پول ایران مجدداً تغییر یافت. در سال ۱۳۰۸ شمسی
قانون تعیین واحد پول ایران به تصویب مجلس



وزن کردن پول

از همه چیز...

نوشته و بر بالای آن از دو طرف لاله‌الله الاله ... و خارج از مرکز صواب از نیم درهم رقم‌زده و بشیوه مسطور در قلم ساخته و فروتر از آن امیران چین تحریر کرده و در میانه دایره کشیده آورده... در ماه ذی‌قعدة سنه ثلث و ستمانه (۶۹۳ قمری) در تبریز چاه روان شد (این تاریخ برابر است با حدود سال ۱۲۹۳ میلادی).

تاریخ وصاف سپس می‌نویسد که این دستور باعث ناراحتی شدید مردم گردید و چنان عدم تعادل و آشوبی در وضع اقتصادی مملکت بوجود آورد که در همان ابتدای امر «امرا به اتفاق صاحب دیوان عرضه داشتند که اگر این کار چند روز دیگر برقرار ماند دست از رونق مملکت می‌باید شست و در نتیجه ایلخان فرمان دیگری دائر بر لغو رواج چاو صادر نمود و به این طریق اولین اسکناس ایران بدون اینکه جریان کامل پیدا کند متوقف گردید.

بعد از آن تاریخ پول کاغذی در ایران بوجود نیامد و سالهای طولانی دیگر سخنی از آن نرفته است.

در دوره‌ای از معاملات تجارتي می‌توان گفت «بیجک» که در میان صرافان و تجار رواج داشت نقش يك نوع پول کاغذی را بازی می‌نمود. «بیجک» عبارت از سندی بود که صراف ضمن آن وصول مبلغی را اعلام داشته و به وعده کوتاه عندالمطالبه تعهد پرداخت می‌نمود و معمولاً در مقابل بروات تسلیمی تجار صادر می‌شد و برحسب میزان معروفیت و اعتبار صراف در بازار رواج می‌یافت.

بیجک ابتدا به مبلغ مشخص و معینی صادر نمی‌گردید، بلکه نام بیجک متفاوت بود و بعد بعضی از مؤسسات در شیراز و اصفهان بیجکهای به ارزش مساوی در جریان گذاردند که نسبتاً رواج یافت ولی بعلت امتیاز انحصاری بانک شاهنشاهی در نشر اسکناس موقوف گردید.

قبل از انتشار اسکناس بانک شاهنشاهی «بانک

شورای ملی رسید و طبق این قانون نام واحد پول از قران به ریال تبدیل شد. مطابق مقررات این قانون واحد پول ریال طلا است که به صد دینار تقسیم می‌شود و از نظر برابری آنرا مساوی يك شلینگ انگلیسی گرفتند. قرار شد سکه‌های طلای يك پهلوی معادل با ۲۰ ریال طلا و نیم پهلوی معادل با ۱۰ ریال طلا ضرب شود.

در سال ۱۳۱۰ قانون «اصلاح قانون واحد و مقیاس پول» به تصویب رسید و طبق این قانون وزن قانونی ریال طلا به يك پنجم وزن سابق تقلیل داده شد و علاوه بر سکه‌های نقره سکه پهلوی طلا معادل با صد ریال و نیم پهلوی معادل با ۵۰ ریال تعیین گردید.

انتشار پول کاغذی: پول کاغذی در ایران از اواخر قرن سیزدهم هجری (حدود سال ۱۸۹۰ میلادی) از طرف بانک شاهنشاهی متداول گردید ولی سابقه پول کاغذی در ایران بسیار قدیمی‌تر از این تاریخ می‌باشد.

در اواخر قرن هفتم هجری (اواخر قرن سیزدهم میلادی) حکومت ایران در دست ایلخانان مغول بود. خزانه کیخاتو ایلخان مغول تهی گشت و وی با وزیرش صدرجهان در فکر چاره بودند. عزالدین مظفر از نزدیکان صدرجهان از وجود پول کاغذی در چین اطلاع داشت و به راهنمایی ایلچی قوبیلای قآن حکمران مغول چین ایلخان را بر آن داشت که پول کاغذی را در ایران رواج دهد. ایلخان به این منظور دستور داد که همه زر و سیم را باید به «چاوخانه» تحویل دهند و در عوض پول کاغذی «چاوه» دریافت دارند. شرح این واقعه در تاریخ وصاف به تفصیل آورده شده است.

تاریخ وصاف پس از ذکر مطالب فوق می‌نویسد: ... و صورت چاو بدین منوال بود. پیرامن سطح کاغذ یاره مربع مستطیل چند کلمه به خط ختائی

محل پرداخت ذکر شده بود. هر شعبه بانک برای تبدیل اسکناسهای بانک به قران بانک توانست به مقدار کافی مسکوک بپردازد. در امتیازنامه بانک ذکر شده بود که «هر آینه بانک نتواند قیمت یکی از بلیطهای خود را ادا نماید نشر بلیطهای بانک در تمام مملکت منع خواهد گردید» لذا بانک برای حفظ امتیاز نشر اسکناس به تلاش افتاد و در نتیجه سفارت انگلیس رسماً به دولت اعلام داشت که دولت انگلیس اسکناسهای بانک شاهنشاهی را ضمانت نموده و اعلام می‌دارد که در صورتی که بانک قادر بپرداخت آن نگردد دولت انگلیس ظرف دو ماه وجه آنرا به نقره یا طلا خواهد پرداخت.

مجلس شورای ملی با توجه به این تضمین و وضع بحرانی مملکت قانونی تصویب نمود که طبق آن اسکناسهای بانک برای مدت شصت روز در پایتخت رواج اجباری یافت.



پس از تأسیس بانک ملی ایران فکر واگذاری حق نشر اسکناس به این بانک قوت گرفت. در سال ۱۳۰۹ قانون بازرخرد امتیاز نشر اسکناس از بانک شاهنشاهی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و بعداً طبق قانون دیگری حق انتشار اسکناس به بانک ملی ایران واگذار شد. اسکناس بانک ملی برای نخستین بار در اول فروردین ۱۳۱۱ منتشر گردید و این روز در تاریخ اقتصادی ایران روز درخشان و برجسته‌ای است.

جدید شرق» (انگلیسی) که از تاریخ ۱۲۶۶ قمری شعباتی در ایران تأسیس کرده بود حواله‌های پنج‌قرانی عهده خزانهدار خود که به رویت قابل پرداخت بود صادر کرد و این حواله‌ها که قابل استفاده در معاملات کوچک بود تا حدی هم رواج یافت.

علاوه بر این مردم با بعضی پولهای کاغذی خارجی در ایران آشنا بودند و در پاره‌ای از ایالات شمالی نیز منات کاغذی روس اعتبار داشت و در معاملات مورد استفاده قرار می‌گرفت. ضمناً باید دانست که لغت اسکناس نیز از طریق زبان روسی وارد زبان فارسی شده است.

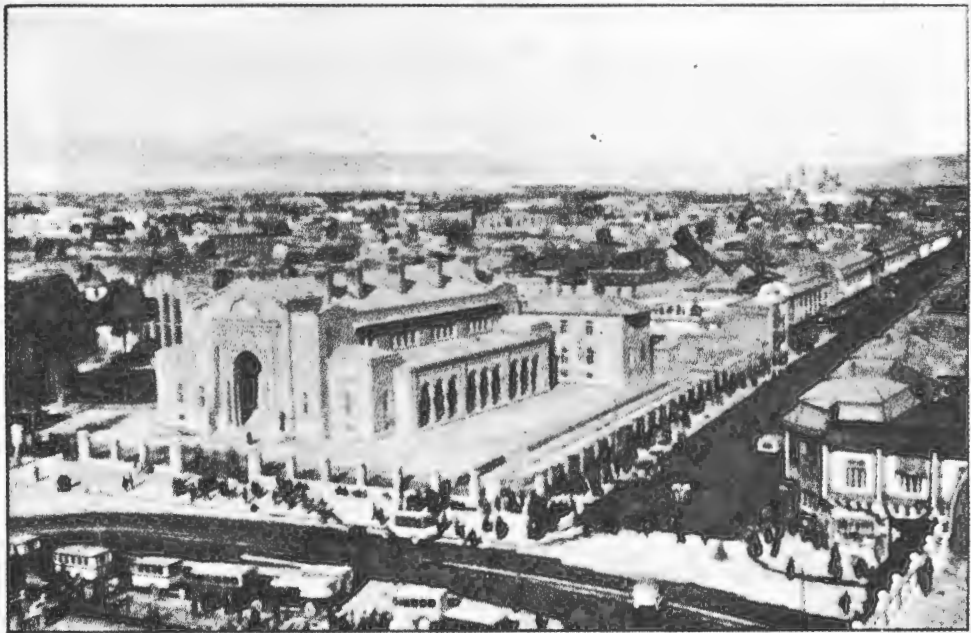
اولین پول رسمی کاغذی: اولین پول رسمی کاغذی به وسیله بانک شاهنشاهی در ایران متداول گردید. این بانک که در حدود سال ۱۲۶۹ قمری (سال ۱۸۹۰ میلادی) رسماً شروع بکار کرد دارای حق امتیاز نشر اسکناس بود. در امتیازنامه بانک در باره نشر اسکناس نوشته شده بود «بانک شاهنشاهی چون بانکی است دولتی حق مانع غیر نشر بلیطهای بانک بی اسم خواهد داشت که به محض رویت قابل ادا خواهد بود».

بلیطهای بانک شاهنشاهی در ابتدا به آسانی رواج نیافت و با وجودی که عده‌ای از اهالی چنانکه ذکر شد بعلت وجود منات روس در شمال و بعضی پولهای انگلیسی در جنوب با پول کاغذی تاحدودی آشنا بودند از دریافت آن خودداری می‌کردند. بهمین جهت اداره‌کنندگان بانک برای توزیع بلیطها بین مردم تدبیری اندیشیدند و به صرافان معتبر و عمده اعتبار بدون ربح اعطاء کردند و در مقابل این اعتبار به آنها اسکناس دادند و اسکناس بوسیله خود این صرافان در شهر بجریان افتاد.

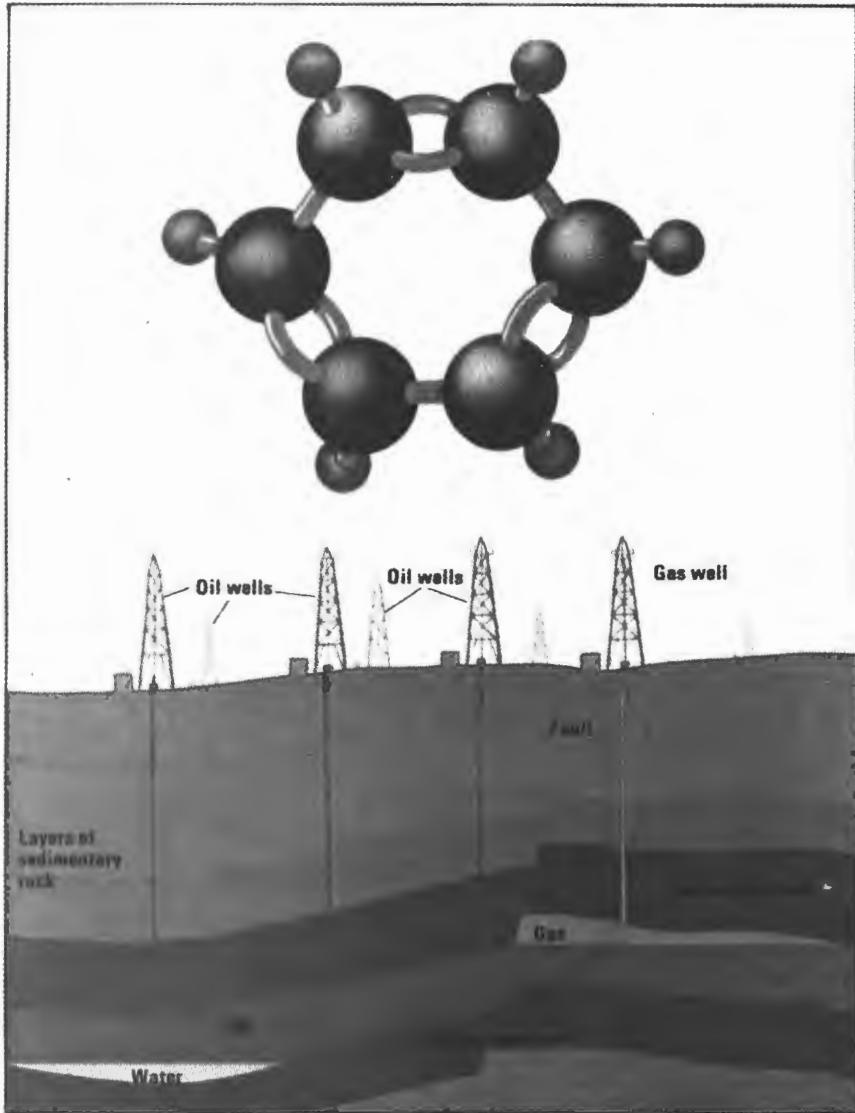
وجه اسکناسهای بانک شاهنشاهی فقط در شعبه‌های محل صدور قابل پرداخت بود و بر روی آن



دروازه خیابان چراغ برق و عمارت بانك شاهي



ساختمان جدید بانك شاهي و قسمتی از خیابان چراغ برق



تاریخچهٔ پیدایش نفت

درجات مختلف است که از لحاظ شیمیایی با یکدیگر ترکیب شده‌اند و مواد غیرخالصی مانند سولفورها و نیتروژن در خود دارند.

بیشتر اوقات نفت در طبقات سنگهای رسوبی قرار دارد و در این طبقات با ریگ و شن همراه است. بنابراین مهمترین نواحی که دارای نفت است

نفت مایعی است که از لحاظ ترکیب، بسیار پیچیده و از لحاظ رنگ و وزن متفاوت است. نفت مخلوطی است از نیدروکربنها که قسمت عمدهٔ آن به صورت مایع بوده و شامل نیدروژن و کربن به

از همه چیز...

حدود ۴ متر مکعب نفت از آن استخراج گردید، رفته‌رفته ناحیه پنسیلوانیا به صورت مرکز مهم صنایع جدید نفت درآمد.

ابتدا نفت در اروپا فقط به مصرف روشنایی می‌رسید ولی از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰م به واسطه اختراع موتور انفجاری و گسترش صنعت اتومبیل‌سازی، نفت اهمیت بیشتری پیدا کرد. پس از سال ۱۹۱۰م اختراع موتور دیزل یعنی موتوری که با احتراق داخلی کار می‌کند، سبب شد که نفت از این لحاظ هم معمولی‌ترین و پرمصرف‌ترین سوختها بشود و در کشتیهایی که روی رودهای بزرگ رفت‌وآمد می‌کردند یا در کشتیهای صید ماهی و خطوط آهن به کار رود، زیرا کشتیهای صید ماهی که با ماشین بخار حرکت می‌کردند مجبور بودند به بندر آمده و در هر پانزده روز یک مرتبه ذخیره زغال‌سنگ خود را تجدید کنند در صورتی که با داشتن موتور نفتی می‌توانستند ۵۳ روز یا بیشتر در دریا بمانند.

کمی قبل از جنگ جهانی اول کشف بزرگی باعث شد که صنعت نفت به پیشرفت مهمی نائل آید. این کشف همانا پی بردن به استعمال مستقیم روغنهای سنگین نفت در کشتیهای بزرگ بود، چه این ماده سوختنی با وزن مساوی، ۷۰ درصد بیشتر از زغال سنگ حرارت می‌داد، احتیاج کمتری به کارگر داشت، به علاوه پاکیزه‌تر از زغال سنگ بوده و ضمناً جای کمتری را می‌گرفت. به این جهت روز به روز بر عده کشتیهای بزرگ تجارتي و مسافری و جنگی افزوده شد. در ضمن باید موارد استعمال متعدد نفت و هزاران نوع مواد مختلف حاصل از آن را به حساب آوریم.

یکی از عللی که نباید فراموش کرد ترقی و پیشرفتی است که در طرز تجسس و روش کشف معادن نفت مانند گمانه‌زدن و حفر چاه با وسایلی تازه‌تر حاصل شده است. این قبیل گمانه‌زدنها غالباً

تأقدیسها هستند چه در جلگه‌ها و چه در فلات. برای رسیدن به این طبقات باید چاه زد. عمق چاههای نفت بسیار متفاوت است به طوری که اولین چاهی که در ناحیه پنسیلوانیا زده شد حدود ۲۰ متر عمق داشت ولی چاههایی که امروزه زده می‌شود به مراتب عمیق‌تر است. مثلاً در ناحیه وایومینگ آمریکا عمق چاهها به بیش از ۶۰۰۰ متر می‌رسد. و نیز هزینه چاه زدن و رسیدن به نفت بسیار زیاد است، همه چاهها هم به نفت نمی‌رسند.

سالها قبل تصور می‌کردند که نفت فقط برای معالجه روماتیسم و سرطان مفید است ولی امروزه نفت ماده اولیه ذی‌قیمتی به‌شمار می‌رود که حرکت اتومبیلها، تانکها، کشتیها و هواپیماها به آن بستگی دارد.

با وجودی که توسعه و پیشرفت بازرگانی نفت خیلی تازه است مع‌هذا استفاده از نفت به صور مختلف قرن‌هاست ادامه دارد، از جمله می‌گویند در بین‌النهرین در ازمئه قدیم آجرهایی که بابلها برای ساختن برج بابل به کار بردند با نوعی آسفالت ساخته شده بود و مصریان برای حفظ جسد مردگان خود آنها را با نفت مومیائی می‌کردند. فنیقیها نیز برای محافظت چوب کشتیهایشان نفت را به کار می‌بردند. در رومانی و برمه نفت را در چراغ می‌ریختند و نیز بصورت دارو مصرف می‌کردند. سرخ‌بوستان آمریکا نیز نفت را به عنوان دارو می‌خوردند و برای رفع سردرد، دندان‌درد و در معالجه روماتیسم از نفت به صورت استعمال خارجی استفاده می‌کردند.

توسعه صنعت نفت در نیمه قرن نوزدهم نتیجه افزایش تقاضا برای به کار بردن آن به صورت یک منبع روشنایی بود.

از سال ۱۸۵۹ میلادی که اولین چاه نفت به وسیله یک آمریکایی به عمق حدود ۲۰ متر زده شد و روزانه



است و نه تنها وسایل موتوری را به حرکت درمی آورد، بلکه از وسایل گرم کننده ساختمانها نیز می باشد. نفت تصفیه شده منبع هزاران ماده مختلف است که باعث حرکت ماشینها می شود، آسفالتی که از نفت گرفته می شود در سقف ساختمانها و کف جاده های شوسه به کار می رود. خواه مستقیماً در نتیجه احتراق و خواه غیرمستقیم از راه تهیه الکتریسته، وسایل روشنایی بسیاری از ملل جهان را فراهم می کند. از فرآورده های نفتی در تهیه الیاف مصنوعی برای تولید البسه، ساختن لاستیک مصنوعی و انواع وسایل پاک کردن اشیا مانند صابون و سایر گردهای پاک کننده، رنگها و انواع پلاستیک و ترکیبات متعددی که در ساختن کودهای مصنوعی و داروهای حشره کش، داروها و حتی در تهیه بعضی مواد خوراکی استفاده می شود.

چنانچه گفتیم نفت در دنیای معاصر نقش حیاتی پیدا کرده است و برای بدست آوردن آن، کشورهای صنعتی گاه با یکدیگر رقابت و کشمکش داشته، حتی به جنگ هم متوسل شده اند؛ و گاه با یکدیگر در غارت هر چه بیشتر آن دست اتحاد داده اند تا به کمک

نتایج مثبتی به دست می دهد. امروزه گروههای بی شمار از مهندسين و کارشناسان و اهل فن با اطلاعات علمی و تشکیلات دقیق تقریباً تمام نواحی دنیا را در جستجوی نفت طی می کنند.

اهمیت نفت و تأثیر سیاسی آن در دنیای معاصر: در جنگ جهانی اول ارزش نفت به عنوان سوخت و تهیه روغنهای مختلف انواع ماشینها مشهود شد و در طی جنگ جهانی استفاده های دیگری از آن به عمل آمد و به صورت يك ماده اولیه در ساختن لاستیک مصنوعی و مواد منفجره و آتشزا به کار رفت. بنابراین نفت چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، خواه به صورت خام و خواه به صورت تصفیه شده در زندگی بشر مقام بسیار مهمی دارد که مورد توجه دائمی کشورها قرار گرفته است. امروزه تقریباً تمام سوخت دنیا از نفت است و به همین مناسبت مقدار تولید سالانه آن هموار رو به افزایش می باشد.

هیچ محصولی را در دنیا نمی توان از لحاظ افزایش سریع تولید آن با نفت مقایسه کرد. در حال حاضر نیمی از مجموع ذخایر انرژی دنیا از نفت



بعد به طور سراسیمه نقب زده و به نفتی که در زیر آب دریا بود می‌رسیدند. بعداً حفر چاه نفت در دریاچه‌ها و خلیجها و اراضی که در زیر عمق کم آب دریا قرار گرفته‌اند یعنی در فلات قاره به کمک وسایل و تجهیزات مخصوصی صورت گرفت و یا با کشتیهای مخصوصی شروع به حفر چاه کردند. خلیج ماراکائیبو Maracaibo در سواحل کشور ونزوئلا نیز میدان نفتی در فلات قاره بود که نفت آن استخراج شد. بعداً در خلیج مکزیک، در دریای خزر و خلیج فارس به مقادیر عظیمی نفت در فلات قاره رسیدند.

مسائل مربوط به پالایش نفت و فرآورده‌های مهم آن: هدف از تصفیه نفت به دست آوردن فرآورده‌هایی از آن به وسیله تقطیر است. در پایان قرن ۱۹ با توجه به این که نفت سفید و بنزین

هم؛ این ثروت ارزشمند جهان سوم را به یغما برند. بسیاری از کودتاهایی که در سالهای اخیر در کشورهای نفت خیز اتفاق افتاده، توسط این نفتخواران صورت گرفته است که می‌کوشیده‌اند تا با تجمیل رژیم‌های طرفدار و دست‌نشانده، منافع خود را حفظ کنند و جریان نفت را به کشور خود تضمین نمایند. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران، یک نمونه از اینگونه مداخله‌هاست.

اکتشاف و استخراج نفت در فلات قاره: بسیاری از اراضی نفت خیز، در زیر دریا یا دریاچه‌ها قرار گرفته‌اند و استفاده از آنها نیز مقرون به صرفه است. برای استخراج این منابع مجبورند در زیر آبهای دریا یا آبهای ساحلی به حفر چاه اقدام کنند. اولین اقدام در این زمینه در آبهای مجاور کالیفرنیا در فلات قاره آن صورت گرفت. روش کار بدین طریق بود که ابتدا در کناره دریا حفر چاه صورت گرفت و



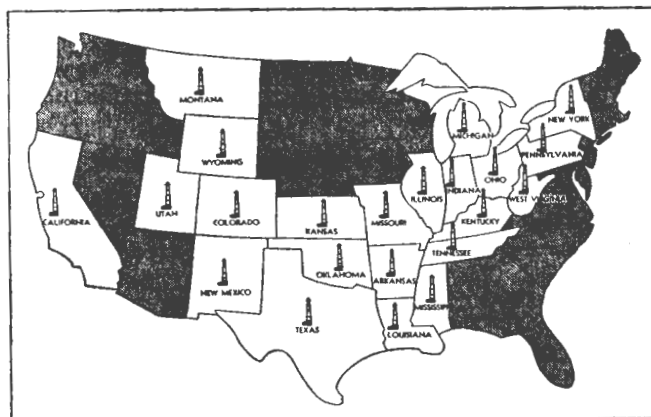
از میدان نفت هستند باید تمام محصول نفت خام را به وسیله لوله دریافت کنند.

با آغاز رفت و آمد به وسیله اتومبیلها و با توسعه ای که در تقاضا صورت گرفت کلیه محصولاتی که در نتیجه تصفیه نفت خام حاصل می گردید ارزش پیدا کرد و بازارها در تعیین محل تصفیه خانه ها مؤثر واقع شدند. مخصوصاً در دوران جنگ جهانی در اطراف جهان تصفیه خانه های زیادی ساخته شد.

پراکندگی جغرافیایی نفت در جهان: نیمکره غربی: ایالات متحده آمریکا همواره یکی از عمده ترین کشورهای تولیدکننده نفت بوده است. میزان تولید این کشور در حدود ۸/۶ میلیون بشکه در روز است. با وجود این، آمریکا یکی از واردکنندگان عمده نفت نیز هست و تقریباً نیمی از مصرف خود را از خارج تأمین می کند. مکزیك نیز از تولیدکنندگان مهم نفت است. این

مخصوص موتور هواپیما مهمترین مواد مورد نیاز بود تصفیه کنندگان در ایالات متحده آمریکا نفت خامی را تصفیه می کردند که ۶۰ تا ۷۰ درصد نفت سفید Kerosine داشت. همین طور در کشورهای که زمستان سرد دارند، تقاضا برای نفت کوره زیاد است و تولید نفت کوره به حداکثر افزایش می یابد و با توجه به مصرف زیاد بنزین در تابستان تولید آن بیشتر می گردد.

تصفیه خانه ها یا در محل استخراج نفت خام یا در محل حمل از کشتی به خشکی یا در مجاورت بازارهای محصول قرار گرفته است. در ابتدای پیدایش صنعت نفت، نفت سوخت و روغنهای نفتی تنها محصولات با ارزش نفتی بودند و حجم تجارت نفت نیز در بازارها زیاد نبود، تصفیه خانه ها در محل استخراج نفت خام ساخته می شدند تا در بهای حمل و نقل صرفه جویی شود، زیرا تصفیه خانه هایی که دور



ترتیب، عمده‌ترین کشورهای نفت خیز در منطقه هستند.

تجارت جهانی نفت: چنانکه قبلاً دیدیم، آمریکا یکی از عمده‌ترین واردکنندگان نفت است. پس از این کشور، مهم‌ترین واردکننده نفت، ژاپن است که روزانه ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت می‌خرد. در میان کشورهای اروپای غربی: آلمان، ایتالیا و فرانسه بیش از دیگران نفت وارد می‌کنند. انگلستان نیز تا سالهای اخیر، از عمده‌ترین واردکنندگان نفت محسوب می‌شد؛ ولی با اکتشاف و استخراج نفت در دریای شمال که روزانه به دو میلیون بشکه می‌رسد، این کشور به مرز خودکفایی رسیده است.

عمده‌ترین کشورهای صادرکننده نفت، دولتهایی هستند که در سازمانی به نام «اوپک» گرد آمده‌اند. در مورد این سازمان و نحوه قیمت گذاری نفت، به طور کامل مطالعه خواهیم کرد.

چگونگی توزیع نفت (کشتیهای نفتکش، لوله‌ها و وسایل دیگر): قسمت عمده نفت خام جهان از نواحی دور از مراکز مهم تقاضای نفت، استخراج می‌شود. بنابراین حمل آن برای فرستادن به مراکز تصفیه و بازارهای فروش اجباری است و این امر مستلزم وسایل حمل و نقل مخصوص مانند:

کشور، قسمت عمده تولیدات خود را صادر می‌کند. میزان صادرات مکزیک در حدود ۲ میلیون بشکه در روز است.

در سایر کشورهای آمریکای جنوبی نیز نفت موجود است. در میان این کشورها، ونزوئلا و اکوادور از اهمیت بیشتری برخوردارند. صادرات ونزوئلا در حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز است.

نفت حوزه دریای خزر: کشورهای واقع شده در کناره این دریا که سابق بنام شوروی شهرت داشتند در سالهای اخیر، همواره در صدر کشورهای تولیدکننده نفت قرار داشته‌اند. میزان استخراج نفت در این منطقه روزانه در حدود ۱۲ میلیون بشکه است. این کشورها مقداری از نفت خود را به کشورهای اروپای شرقی صادر می‌کند و در عوض، قسمتی از نیازهای خود را از کشورهای دیگر تأمین می‌نماید. عمده‌ترین مناطق استخراج نفت در شوروی سابق، نواحی اطراف دریای خزر، قفقاز و باکو است.

منطقه خلیج فارس: عربستان با تولید روزانه ۸ تا ۱۰ میلیون بشکه، سومین کشور تولیدکننده در جهان است و تقریباً تمام آن را صادر می‌کند. به این ترتیب، این کشور، بزرگترین صادرکننده نفت است. ایران، عراق، کویت، امارات متحده و قطر نیز به



نفت از تمام صحرای شام عبور کرده و به بنادر سوریه و لبنان در کنارهٔ مدیترانه می‌رسند یا لوله‌هایی که نفت را از میدانهای صحرای بزرگ آفریقا تا کنارهٔ لیبی و الجزایر در کنار دریای مدیترانه حمل می‌کنند. با وجود آن که لوله ارزاترین وسیلهٔ حمل و نقل است ولی باید بین دو نقطهٔ معین دستگاههای تلمبه‌زنی موجود باشد تا فشار حفظ شود، این امر مستلزم سرمایه‌گذاری و هزینهٔ زیاد است. از لحاظ اقتصادی کشیدن لوله‌های حمل نفت به وضعی است که هر چه قطر لوله بیشتر باشد بهای نفت حمل شده ارزاتر می‌شود، به همین مناسبت همیشه میدان نفت و تصفیه‌خانه را به وسیلهٔ يك لوله با قطر زیاد متصل می‌کنند و از کشیدن دو یا چند لولهٔ موازی خودداری می‌نمایند. محصول نفت تصفیه شده هم اگر به مقادیر زیادی باشد از تصفیه‌خانه تا مراکز مصرف به وسیلهٔ لوله حمل می‌شود.

نفتکشها: اگر بین میدان نفت و تصفیه‌خانه یا بین تصفیه‌خانه و مراکز مصرف، دریا یا خلیجی فاصله باشد باید نفت را با کشتی نفتکش حمل کرد. در مقایسه با لوله‌های حمل نفت، نفتکشها عیبی دارند و

لوله‌های حمل نفت، کشتیهای نفتکش، قایقهای بسیار بزرگ و اتومبیلهای تانکر است. برای این که بین چاه نفت و مراکز مصرف کننده جریان نفت همیشه برقرار باشد صاحبان صنایع نفت باید وسایل حمل و نقل را در دست داشته باشند. نفت خام چون مایع است حمل آن آسان می‌باشد و اگر حمل نفت را با حمل سایر مواد نیروزا مقایسه کنیم می‌بینیم که حمل و نقل آن با حجم زیاد بسیار ارزاتر تمام می‌شود.

حمل نفت به وسیلهٔ لوله ارزاترین نوع حمل و نقل است و در درجهٔ بعد از نظر ارزانی، حمل و نقل نفت با کشتیهای نفتکش است. برای این که بهای حمل و نقل را کاهش دهند کشتیهای نفتکش عظیم اقیانوس پیما ساخته‌اند. محصولات نفتی را به مقادیر کمتر در ظروف مخصوص جداگانه حمل می‌کنند مانند سیلندر برای حمل گاز مایع، چلیک برای حمل نفت، بنزین و روغنهای چرب کننده.

خط لوله: همین که نفت از چاه خارج می‌شود به وسیلهٔ تلمبه و لولهٔ حمل نفت به تصفیه‌خانه یا انبارها می‌رسد. به طور مثال در عراق لوله‌های حمل



چنانکه دیدیم، استفاده و بهره‌برداری از نفت دارای مراحل پیچیده‌ای است. ابتدا با مطالعات زمین‌شناسی باید دید که آیا در منطقه مورد نظر، نفت وجود دارد یا خیر؟ سپس به کمک دستگاه‌های ویژه به حفاری پرداخت. در بسیاری موارد، عمق این چاهها به چند هزار متر می‌رسد. بنابراین تجهیزات عظیمی مورد نیاز است. همه چاهها نیز به نفت نمی‌رسند و گاه برای رسیدن به آن باید دهها چاه حفر نمود. در بسیاری از چاهها، نفت و گاز با یکدیگر مخلوط و همراه هستند؛ در نتیجه شروع به فوران می‌کنند و گاهی ماهها طول می‌کشد تا چنین چاهی را مهار نمایند. برعکس در برخی موارد نیز برای استخراج آن لازم است که به چاه، گاز تزریق نمایند تا در اثر فشار آن، نفت بیرون آید.

پس از رسیدن نفت به دهانه چاه، باید آنرا حمل نمود. تأسیس خطوط لوله، گام بعدی است تا نفت خام به بندرهای صادراتی و یا به پالایشگاهها برسد. در بندار صادرکننده نفت، اسکله‌های بخصوصی لازم است. نفتکش‌های عظیمی نیز مورد نیاز است تا نفت

آن این است که موقع مراجعت، خالی برمی‌گردند و حال آن که لوله‌ها همیشه پر از نفت است. اما مزایایی که نفتکشها دارند این است که می‌توانند تغییر مسیر بدهند به علاوه بندر مبدأ و بندر مقصدشان را می‌توان تغییر داد.

حجم نفتکشها از چند صد تن تا بیش از یک صد هزار تن است. نفتکشهای کوچک برای حمل نفت در کناره‌ها و نفتکشهای بزرگ برای حمل نفت در اقیانوسهاست. از نظر اقتصادی ساختن نفتکشهای عظیم مقرون به صرفه است و کارخانه‌های کشتی‌سازی ژاپن در سالهای اخیر شروع به ساختن کشتیهای نفتکش گول‌پیکر کرده‌اند که حجم آنها گاه به ۵۰۰,۰۰۰ تن (۳/۵ میلیون بشکه) می‌رسد.

البته ساختن نفتکشهای عظیم به علت کمی عمق کانالها از جمله کانال سوئز و بنداری که می‌توانند این کشتیهای بزرگ نفتکش را جا بدهند محدود می‌شود. به‌طور مثال کشتیهای پانصد هزار تنی نمی‌توانند از کانال سوئز عبور کنند.

هفت‌خواهران نفتی و چگونگی پیدایش آنها:



عظیمی به وجود آمده، بر بازارهای نفت تسلط پیدا کرده‌اند. این شرکتها، عظیم‌ترین آزمایشگاههای خاکشناسی را دارند؛ به بهترین و جدیدترین تکنولوژی‌های حفاری در سطح زمین و اعماق دریاها مجهزند؛ دارای پالایشگاهها و مجتمع‌های پتروشیمی در سرتاسر جهان هستند؛ و قسمت اعظم نفتکش‌هایی که در اقیانوسها به کار مشغولند، در مالکیت این شرکتهاست.

سابقه تأسیس کمپانیهای بزرگ نفتی به يك قرن قبل باز می‌گردد. در آن زمان که اهمیت نفت هنوز برای بیشتر مردم دنیا معلوم نبود، پای به عرصه وجود

را به مراکز مصرف برسانند. پالایشگاهها هم دارای تجهیزات و دستگاههای بسیار پیچیده‌ای هستند تا بتوانند نفت خام را به صورت مواد سوختی دیگر درآورند. همچنین کارخانه‌های پتروشیمی نیز نیازمند ماشین‌آلات، کوره‌ها و مخازن عظیمی هستند تا بتوانند انواع محصولات را از نفت بدست آورند.

آنچه گفته شد، تنها بخشی از فعالیت‌هایی است که باید صورت گیرد تا نفت از اعماق زمین بیرون آمده به دست مصرف‌کنندگان برسد. اکثر کشورهای دارنده نفت، فاقد تجهیزات و سرمایه‌های لازم برای این کار هستند؛ در نتیجه به مرور زمان، شرکت‌های

از همه چیز...

توانست راه آهن را که در آن روز تنها وسیله حمل و نقل مواد نفتی بود، زیر نفوذ خود بگیرد. به این ترتیب، رقابت با شرکت او دشوارتر گردید. پس از چند سال، این شرکت، قسمت اعظم تولید نفت در آمریکا را بدست گرفت؛ به طوری که در اوایل قرن حاضر، ۸۵٪ کل نفت خام این کشور، در پالایشگاههای آگزان تصفیه می شد.

شرکت آگزان بعدها به منابع نفتی خارج از آمریکا نیز دسترسی پیدا کرد و در ونزویلا، اندونزی و عراق سرمایه گذاری نمود. چندی بعد قسمتی از سهام را در کنسرسيوم نفتی ایران بدست آورد؛ همچنین بخشی از سهام آرامکورا در عربستان از آن خود نمود. در حال حاضر نیز این شرکت، روزانه بیش از ۲ میلیون بشکه نفت از عربستان تحویل می گیرد.

شرکت آگزان دارای صدها کشتی نفتکش است که در آبهای عالم، به حمل و نقل نفت مشغولند. مجموع ظرفیت این کشتی ها، ۷۰ میلیون بشکه است که ۱/۳ تمام نفتکش های جهان را شامل می شود.

این شرکت بزرگترین تصفیه کننده و توزیع کننده جهانی نفت است. ۱۲٪ پالایشگاههای جهان در اختیار این شرکت است (در حالیکه تمامی اعضای اوپک، بر روی هم ۶٪ پالایشگاههای دنیا را در اختیار دارند.) آگزان بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال، فروش دارد و سود آن در سال ۱۹۸۱، بیش از ۶ میلیارد دلار بوده است. این شرکت در پنجاه کشور شعبه دایر کرده است و بیش از ۱۳۳،۰۰۰ نفر حقوق بگیر در سرتاسر جهان دارد.

گذاشتند و امتیاز بهره برداری از منابع عظیم سرزمینهای نفت خیز را در مقابل شرایط آسان و ناچیزی بدست آوردند. در نتیجه استفاده از این ذخایر سرشار و ارزان، به سرعت تبدیل به غولهایی شدند که تمامی بازارهای جهان را قبضه نمودند. مهمترین این کمپانها، هفت شرکت هستند که به «هفت خواهران نفتی» مشهور شده اند.

هفت غول مزبور عبارتند از:

- | | |
|-------------------|---|
| Exxon | ۱) آگزان |
| Royal Dutch Shell | ۲) رویال دوچ شل |
| British Petroleum | ۳) بریتیش پترولیوم |
| Texaco | ۴) تگزاکو |
| Gulf | ۵) گلف |
| Mobile | ۶) موبیل |
| | ۷) استاندارد اویل کالیفرنیا
Standard Oil of California |

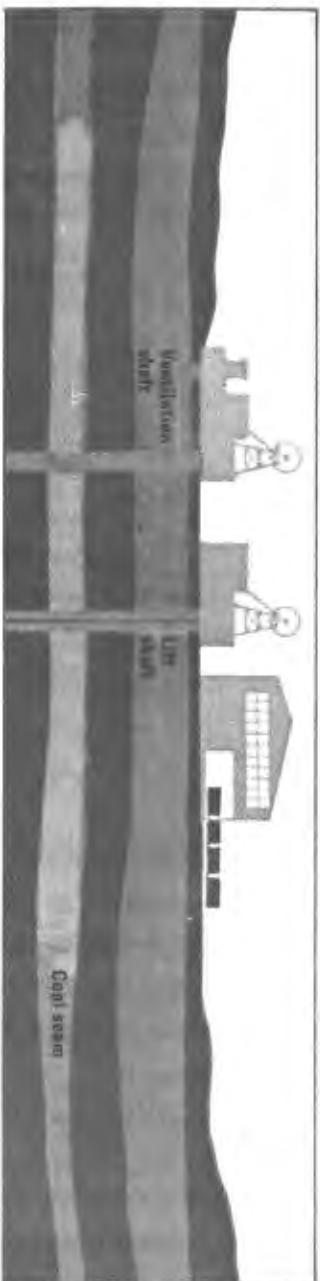
بریتیش پترولیوم، انگلیسی است. رویال دوچ شل تابعیت انگلیسی - هلندی دارد؛ و پنج کمپانی دیگر، آمریکایی هستند. بیش از ۶۰٪ پالایشگاهها و ۵۰٪ کشتیهای نفتکش در جهان، به این هفت شرکت تعلق دارد.

در اینجا، یکی از هفت خواهران را به طور مشروح تر مطالعه می کنیم.

شرکت نفت آگزان: نخستین غول نفتی که به وجود آمد، آگزان بود. این شرکت در ابتدا نام دیگری داشت و توسط راکفلر (Rockefeller) بنیاد گذارده شد. وی بیش از یک قرن پیش، در آمریکا شرکتی برای پالایش نفت ایجاد کرد و بزودی کسان دیگری را که با سرمایه های کوچکتر در این کسب و کار وارد بودند از میدان بدر کرد و با تدابیری

اطلاعاتی در مورد هفت خواهران نفتی

متوسط سود در سالهای اخیر	تعداد حقوق بگیران	میزان پالایش (درصد نسبت به جهان)	حساب عملکرد در يك سال	ملیت	نام شرکت
۷/۶ میلیارد دلار	۱۳۳,۰۰۰	٪۱۲	۴۲ میلیارد دلار	آمریکایی - انگلیسی	اکران
۵/۶ میلیارد دلار	۱۶۴,۰۰۰	٪۱۰	۳۳ میلیارد دلار	هندی	روبال دوج شل
۲/۴ میلیارد دلار	۷۶,۰۰۰	٪۵	۲۳ میلیارد دلار	آمریکایی	تکراکو
۳/۲ میلیارد دلار	۷۳,۰۰۰	٪۵/۵	۱۸ میلیارد دلار	آمریکایی	موپیل
۴/- میلیارد دلار	۶۸,۰۰۰	٪۵	۱۸ میلیارد دلار	انگلیسی	بریتیش پترولیوم
۲/۴ میلیارد دلار	۳۹,۰۰۰	٪۵	۱۷ میلیارد دلار	آمریکایی	استاندارد اویل
۱/۶ میلیارد دلار	۵۲,۰۰۰	٪۳	۱۶ میلیارد دلار	آمریکایی	کالپرنیا گلف





سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)

**Organization of petroleum Exporting
Countries (O.P.E.C)**

سخن، ارزش بیشتری نیز یافته بود. نفت مورد نیاز صنایع اروپا، از مناطقی تأمین می شد که خود، چندان استفاده ای از این ماده نمی کردند. و مهمتر اینکه استخراج آن نیز بر عهده این کشورها نبود. هفت کمپانی بزرگ، انحصار تولید، حمل و نقل و فروش نفت را در جهان بدست داشتند. این کمپانی ها، همه آمریکایی و یا اروپایی بودند؛ و بنابراین در «قیمت گذاری» نیز منافع خریداران نفت

تاریخچه تأسیس: اروپا در طول جنگ دوم، صدمه بسیار دید. پس از جنگ، وقتی نوبت بازسازی ویرانه ها فرا رسید نیاز به يك ماده حیاتی کاملاً محسوس بود: نفت. چرخ تمامی کارخانه ها و صنایع اروپا را همین ماده حیاتی بگردش درمی آورد. کلمانسو، نخست وزیر فرانسه در جنگ اول جهانی گفته بود: «ارزش هر قطره نفت به اندازه خون سربازان ماست» و در پایان جنگ جهانی دوم، این

می‌کند، دستور داد که در تمام کشورهای نفتخیز خلیج فارس و از جمله ایران ده درصد از بهای نفت که به حکومت‌های محلی می‌پردازند کسر گردد. به این ترتیب، بار دیگر قیمت‌ها سقوط کرد و به ۱/۷۸ دلار برای هر بشکه رسید. این اقدام خودسرانه، کشورهای نفت خیز را به چاره‌اندیشی وادار نمود.

کشورهای نفت خیز که تا آن‌زمان در قبال شرکت‌های نفت متحد نشده بودند، برای اولین بار تصمیم گرفتند که نمایندگان خود را به یک کنفرانس رسمی بفرستند تا راجع به قیمت نفت با یکدیگر مذاکره نمایند. نمایندگان پنج کشور عربستان، ایران، عراق، کویت و ونزوئلا که ۸۰٪ از نفت دنیا را تولید می‌کردند، در شهریورماه ۱۳۳۹/۱۹۶۰م در بغداد جمع شدند و این اجتماع، پایه اولیه تشکیل اوپک گردید.

در این کنفرانس، نمایندگان تمام کشورهایی که حضور یافته بودند، می‌گفتند برای ما درآمد نفت از لحاظ اقتصادی در درجه اول اهمیت قرار دارد، زیرا تعادل بودجه‌های ما وابسته به درآمد نفت است و پروژه‌های عمرانی خود را بایستی با درآمد نفت به اجرا درآوریم و تزلزل بهای نفت سبب تزلزل بودجه‌های ما می‌شود. در پایان کنفرانس قطعنامه‌ای صادر شد که با اندکی دقت در مفاد آن می‌توان به روشنی دریافت که در این اجلاس، اعضای شرکت کننده درخواست‌های بسیار ساده و کوچکی را مد نظر قرار داده بودند. آنان می‌خواستند که قیمت نفت پائین‌تر نیاید و ثابت بماند. حتی تلویحاً اظهار داشته بودند که اگر کمپانی‌ها بار دیگر خواستند که چنین عملی را انجام دهند، با کشورهای عضو مذاکره نمایند و وضع را به آنان توضیح دهند.

از سوی دیگر، برای رفع نگرانی از کمپانی‌ها و کشورهای مصرف کننده نیز، به آنان اطمینان داده بودند که نفت، همچنان به «وجهی منظم و مقرون به

را در نظر می‌گرفتند و نه فروشندگان آنرا. کشورهای نفت خیز نیز چون به تنهایی قادر به اکتشاف و استخراج نفت، حمل و فروش آن نبودند به ناچار خودسری کمپانی‌ها را تحمل می‌کردند.

در سال (۱۹۴۷م/۱۳۲۶ ه. ش) بهای هر بشکه نفت، ۲/۲۲ (هر دلار صد سنت) بود. در همین زمان، قیمت محصولات صنعتی که کشورهای نفت خیز وارد می‌کردند روزبروز بالاتر می‌رفت. این کشورها برای اینکه بتوانند هزینه کالاهای وارداتی خود را بپردازند، از کمپانی‌های نفتی درخواست می‌کردند که سطح تولید نفت را در کشورشان بالا ببرند تا با فروش بیشتر، پول بیشتر بدست آورند. افزایش تولید نفت، باعث زیاد شدن عرضه در بازار جهانی می‌گردید و همین امر باعث می‌شود که قیمت آن پائین بیاید. پائین آمدن قیمت‌ها، درآمد کشورهای نفت خیز را کاهش می‌داد و آنان نیز برای جبران همین امر، مجدداً از کمپانی‌های تولیدکننده درخواست می‌کردند که سطح تولید را افزایش دهند. افزایش مجدد تولید، کاهش جدیدی را در قیمت‌ها برجای می‌نهاد. و این «دور» همچنان ادامه داشت.

ده سال بعد، قیمت نفت به بشکه‌ای ۲/۰۴ دلار رسیده بود؛ در حالیکه در همین چند سال قیمت محصولات صنعتی چندین برابر شده بود؛ ولی کمپانی‌ها، همچنان خواستار نفت ارزانتری بودند و در سال (۱۹۵۹م/۱۳۳۸ ه. ش) پس از مذاکره با کشورهای نفتخیز خلیج فارس، یکباره ۱۸ سنت از بهای هر بشکه کاستند و قیمت آنرا به ۱/۸۶ دلار تقلیل دادند. کشورهای نفتخیز اعلام کردند که این آخرین کاهش قیمت خواهد بود و از این پس، دیگر با کاهش بهای نفت موافقت نخواهند کرد.

در ژوئیه (۱۹۶۰م/۱۳۳۹ ه. ش) مدیر عامل شرکت نفت «اگزان»، بدون مشاوره با هیچکس، حتی کمپانی‌های همدست خود، به‌بهانه اینکه ضرر

از همه چیز...

سازمان درآید، مشروط بر آنکه تقاضای عضویت وی مورد موافقت بقیه اعضا قرار گیرد.
 از آن هنگام تاکنون، هشت کشور دیگر نیز به اوپک پیوسته‌اند و در حال حاضر، این سازمان دارای سیزده عضو است. اعضای اوپک عبارتند از:
 - در آفریقا: لیبی، الجزایر، نیجریه، گابن
 - در آمریکای لاتین: ونزوئلا، اکوادور
 - در خاورمیانه و آسیا: عربستان، عراق، کویت، قطر، امارات متحده عربی، ایران، اندونزی
 مقرر اوپک ابتدا در ژنو بود، سپس در سال (۱۹۶۵م/۱۳۴۴ ه. ش) به وین منتقل شد.

صرفه» در اختیار ملل مصرف‌کننده قرار خواهد گرفت و به «منافع عادلانه» کمپانیها صدمه‌ای وارد نخواهد آمد. به این ترتیب، اجلاس مذکور و تشکّل کشورهای نفت‌خیز، هراسی در میان کشورهای صنعتی و کمپانیهای نفتی ایجاد نکرد.
 اجلاس بعدی کشورهای صادرکننده نفت، در ژنو تشکیل شد: (۱۹۶۱م/۱۳۴۰ ه. ش) و طی این اجلاس بود که اوپک به طور رسمی به وجود آمد. علاوه بر پنج کشور مؤسس، قرار بر این شد که هر کشور دیگری که به عنوان صادرکننده مقادیر عمده نفت خام شناخته شود، می‌تواند به عضویت این

کشور	نفت به میلیارد تن (هر تن کمی بیش از ۷ بشکه است)
امارات متحده عربی	۲۰
ایران	۶۰
عراق	۳۰
کویت	۶۰
قطر	۷
عربستان	۱۴۰
الجزایر	۴۰
لیبی	۳۰
آفریقا (منهای لیبی و الجزایر)	۱۱۵
آمریکای شمالی	۶۰
آمریکای جنوبی	۳۰
آسیای جنوب شرقی	۱۵
شوروی، چین و اروپای شرقی	۱۰۰

جدول تولید روزانه نفت
در کشورهای عضو اوپک

۸۲۷۰۰۰	الجزایر	۱
۲۷۳۰۰۰	اکوادور	۲
۱۹۷۰۰۰	گابن	۳
۱,۳۷۴,۰۰۰	اندونزی	۴
۳,۱۴۰,۰۰۰	ایران	۵
۳,۱۴۰,۰۰۰	عراق	۶
۱,۳۵۰,۰۰۰	کویت	۷
۱,۲۳۳,۰۰۰	لیبی	۸
۱,۶۱۱,۰۰۰	نیجریه	۹
۳۷۱,۰۰۰	قطر	۱۰
۵,۳۸۰,۰۰۰	عربستان	۱۱
۱,۰۹۵,۰۰۰	امارات متحده عربی	۱۲
۱,۹۴۵,۰۰۰	ونزوئلا	۱۳
۲۲,۰۸۶,۰۰۰	جمع	



مقیاس و اوزان مختلف

حساب ابجد چیست؟ حساب ابجد حسابی است که در گذشته برای شمارش بکار می‌رفت و عبارت از حروف الفبای زبان عربی بود که طبق قراردادی هر کدام نماینده عددی بود و مثل اعداد ریاضی امروزی از ترکیب آنها ارقام دلخواه به وجود می‌آمد. این جور حساب بیشتر به کار شاعرانی که «ماده تاریخ» می‌ساختند می‌آمد. در هر حال حروف و معادل عددی آنها را نشان می‌دهیم:

الف = ۱	ب = ۲
ج = ۳	د = ۴
هـ = ۵	و = ۶
ز = ۷	ح = ۸
ط = ۹	ی = ۱۰
ک = ۲۰	ل = ۳۰
م = ۴۰	ن = ۵۰
س = ۶۰	ع = ۷۰
ف = ۸۰	ص = ۹۰
ق = ۱۰۰	ر = ۲۰۰
ش = ۳۰۰	ت = ۴۰۰
ث = ۵۰۰	خ = ۶۰۰
ذ = ۷۰۰	ض = ۸۰۰
ظ = ۹۰۰	غ = ۱۰۰۰

اعداد رومیان قدیم چه شکلی بود؟ رومیان قدیم برای نشان دادن اعداد و ارقام، به جای عدد شکل‌های مخصوصی بکار می‌بردند که هر شکل نماینده عدد مزبور بود، و معمولاً تا هزار نیز بیشتر شکل نداشتند. اشکال مزبور از این قرارند:

۱. I نماینده عدد یک
۲. V نماینده عدد پنج
۳. X نماینده عدد ده
۴. L نماینده عدد پنجاه

از همه چیز...

۵. C نماینده عدد صد

۶. D نماینده عدد پانصد

۷. M نماینده عدد هزار

و از ترکیب این هفت عدد (شکل) هر عددی که می‌خواستند بدست می‌آوردند. معمولاً هر شکل که علامت عدد کمتر باشد اگر طرف چپ عدد بزرگتر قرار گیرد از آن کم می‌شود و اگر طرف راستش قرار گرفت به آن اضافه می‌شود. مثلاً اگر علامت ۷ طرف چپ L قرار گیرد (=VL) مراد عدد ۴۵ است یعنی از L (=۵۰) رقم ۷ (=پنج) را کم می‌کنیم. و اگر ۷ طرف راست L باشد منظور ۵۵ خواهد شد، یعنی در مرحله اول پنج را از پنجاه کسر می‌کنیم و در مرحله دوم پنج را با پنجاه جمع می‌کنیم.

در باره وزن‌ها و مقیاس‌ها

در سال ۱۳۰۴ شمسی سیستم متری در ایران پذیرفته شد و به صورت قانون درآمد و از آن پس، به طور رسمی، مقیاس‌های دیگر به کار نرفت. این سیستم در اواخر سده هیجدهم در فرانسه شکل گرفت. بدین ترتیب که در آغاز طول نصف‌النهار را به دست آوردند و $\frac{1}{40000000}$ آن را واحد طول قرار دادند و نام «متر» بر آن نهادند. از آن پس، متر مبنای مقیاس‌های جدید شد. به همین مناسبت، مجموعه این مقیاس‌ها را سیستم متری نامیدند و در سال ۱۸۷۵، «قرارداد متر بین‌المللی» به تصویب رسید و دفتری بین‌المللی برای وزن‌ها و مقیاس‌ها به وجود آمد. این دفتر در شهر سور (فرانسه) وجود دارد. الگوهای اصلی سیستم متری عبارت است از: متر بین‌المللی، کیلوگرم بین‌المللی و لیتر، بریتانیا و کشورهای مشترک‌المنافع و آمریکا به سیستم‌های دیگری وابسته‌اند. ولی محافل علمی این کشورها، ضرورت پذیرفتن سیستم متری را مطرح کرده‌اند، اما تاکنون به طور رسمی آن را نپذیرفته‌اند، برای کسانی که تنها

یکی از آن مقیاسها را می‌دانند، تبدیل یکی به دیگری و فهم مطلبهای علمی مشکل است.

پوند / پاوند: مقیاس وزن در انگلستان، برابر $۴۵۳/۶۹$ گرم.

اونس: واحد اندازه‌گیری حجم مایعات در کشورهای انگلوساکسون، هر اونس برابر $۲۸/۴۱$ سانتیمتر مکعب است.

اینچ: واحد مقیاس طول در انگلستان، برابر $۲/۵۴$ سانتیمتر است.

اسب بخار: واحد توان در دستگاه هر اسب بخار ۷۵ کیلوگرم بر ثانیه یا ۷۳۶ وات اسب. این واحد یادگار جیمزوات است و گویند برای تخمین نیروی ماشین بخار، تجربه‌هایی با بهترین اسبهای بارکش انجام داد.

فوت: واحد طول در انگلستان برابر $۳۰/۴۸$ سانتیمتر، و نیز برابر است با $\frac{۱}{۳}$ یارد و ۱۲ اینچ. فوت پوندال: واحد کار در سلسله اف. پی. اس (فوت-پوند-ثانیه) کاری که نیروی یک پوند در تغییر مکان یک فوت انجام می‌دهد.

فوت شمع: واحد انگلیسی روشنایی و برابر با یک لومن بر یک فوت مربع است.

فارنهایت: واحد انگلیسی درجه حرارت که برابر $\frac{۱}{۵}$ سانتیگراد است. در تقسیم‌بندی فارنهایت نقطه انجماد آب ۳۲ و نقطه جوش آن ۲۱۲ درجه اختیار می‌شود.

گالن: مقایسی است برای سنجیدن مایعات. گالن انگلیسی، بنابر قانون اوزان و مقیاسها در سال ۱۹۶۳ میلادی، مساوی است با حجمی که ده پوند آب مقطر اشغال می‌کند و برابر $۴/۵۴۵۹$ لیتر است. گالن آمریکایی برابر $۵/۸۳۲۷$ گالن انگلیسی است.

مایل/میل: هر مایل مساوی است با $۱۶۰۹/۳$ متر.

یارد: واحد اندازه‌گیری طولی است که در آمریکا و انگلستان به کار می‌رود برابر $۰/۹۱۴۴$ متر، یا ۳ فوت است.

گره دریایی: برابر با ۶۰۸۰ فوت یا ۱۸۵۲ متر است.

وات: واحد توان. هر ۷۳۶ وات برابر با یک اسب بخار است.

واحد ایکس: واحد طول است. مقدار آن مساوی $۱۰/۱۱$ سانتیمتر است که برای بیان طول موجهای اشعه ایکس به کار می‌رود.

واحدهای بین‌المللی:

۱۰ میلیمتر = یک سانتیمتر = $۰/۳۹۳۷$ اینچ

۱۰۰ سانتیمتر = یک متر = $۱/۰۹۳۶$ یارد

۱۰۰۰ متر = یک کیلومتر = $۰/۶۲۱۳۷$ مایل

واحدهای حجم انگلیسی برای جامدات:

۱۷۲۸ اینچ مکعب = ۱ فوت مکعب

۲۷ فوت مکعب = ۱ یارد مکعب

۱ اینچ مکعب = $۱۶/۳۸۷$ سانتیمتر مکعب

مقیاس طول در گذشته و حال: مقیاس طول در حال حاضر در جهان با سیستم‌های متری مانند متر، سانتیمتر و میلیمتر و در کشورهای انگلوساکسون اینچ و فوت و یارد و مایل محاسبه می‌شود ولی در زمانهای گذشته هر کشور اندازه‌های مربوط به خود را داشت (در ایران ما با وجب و ذرع و فرسخ محاسبه می‌کردیم).

در خارج برای تعیین این اندازه‌ها از اعضای بدن انسان استفاده می‌کردند. در انگلستان فوت اندازه پای یک آدم متوسط بود (که آنهم با اندازه‌گیری طول پای چندین نفر و بعد تقسیم حاصل جمع به تعداد آن افراد مساوی $۳۰/۴۸$ سانتیمتر شد). کوبیت یا ذراع اندازه آرنج تا نوک انگشتان یعنی ۱۸ تا ۲۲ اینچ بود و یارد که $۹۱/۴۴$ سانتیمتر باشد با اندازه فاصله بینی آلفردشاه تا نوک انگشتانش (وقتی که دستش را

از همه چیز...

- چارک، یا ۲۵۶۰ مثقال، یا ۱۱/۸۷۸۴ کیلوگرم.
(۸) يك من شاه = مساوی است با ۱۲۸۰ مثقال،
یا دو من، یا ۵/۹۳۹۲ کیلوگرم.
(۹) يك پوط = مساوی است با ۵/۵ من، یا
۳۵۲۰ مثقال، یا ۱۶/۲۳۲۸ کیلوگرم.

۴۵ واحد شمارش

- (۱) اصله برای درخت، چوب و الوار
(۲) باب برای دکان، خانه
(۳) بار برای کالاهایی که به مقیاس معینی
بسته بندی می شوند
(۴) برگ برای کاغذهای جلد نشده
(۵) بند برای يك دسته کاغذ و مقوا به مقدار معین
(۶) تخته برای قالی، پتو و فرش
(۷) توپ برای پارچه های ندوخته
(۸) تیر برای فشنگ
(۹) توپ برای لباس دوخته
(۱۰) جام برای شیشه پنجره، آئینه
(۱۱) جفت برای کفش، جوراب، دستکش
(۱۲) جلد برای کتاب
(۱۳) جین برای قرقره، دکمه، مداد
(۱۴) حب برای قند، آب نبات، قرص
(۱۵) حلقه برای اشیاء گرد، چاه
(۱۶) دانه برای گردو، مداد، و دیگر اشیاء قابل
شمارش
(۱۸) دستگاه برای ماشین آلات، رادیو،
تلویزیون...
(۱۹) دسته برای گل و گیاه و...
(۲۰) دوجین برای بسته های دوازده تایی
(۲۱) دهنه برای دکان و مغازه
(۲۲) دوجین برای بسته های دوازده تایی (کمربند،
گردنبند)، قنات
(۲۴) سر برای گاو، گوسفند، گله، افراد خانواده

باز نکه می داشت) معین شده بود.

اندازه های اهرام مصر نشان می دهد که در
مصر قدیم مقیاس طول ذرع بود که دو برابر فاصله
آرنج تا نوک انگشت وسطی بوده و نصف آن به
حساب مقیاس امروزی ۵۳ سانتیمتر می شده است.
(تقریباً اندازه نیم ذرع هائی که پارچه فروشان قدیم
ایران پارچه را با آن اندازه گیری می کردند).
امروزه دانشمندان به اندازه های کوچکتر از متر
و سانتیمتر و میلیمتر احتیاج دارند. به همین دلیل
برای اندازه های جدید نامهای تازه ای معین کرده اند.
يك هزارم میلیمتر که يك میلیونم متر باشد میکرون یا
میکرومتر نام دارد. يك هزارم میکرومتر نانومتر نامیده
می شود و يك هزارم نانومتر پیکومتر است که در واقع
يك میلیونم میلیونم متر است (عدد ۱ با ۱۲ صفر).

يك خروار و يك نخود

- در کشور ما با وجودی که اساس سیستم «متریک»
پذیرفته شده است، هنوز اوزان و مقیاسات قدیمی نیز
رواج قانونی دارند، این مقیاسات عبارتند از:
(۱) يك خروار = مساوی است با صدمن، یا ۴۰۰
چارک یا ۳۰۰ کیلوگرم، یا ۴۰۰ سیر، یا ۶۴۰۰۰
مثقال.
(۲) يك من = مساوی است با ۴ چارک، یا ۴۰
سیر، یا ۶۴۰ مثقال، یا ۳ کیلوگرم.
(۳) يك چارک = مساوی است با ۱۰ سیر، یا ۱۶۰
مثقال یا ۷۴۲/۴ گرم.
(۴) يك سیر = مساوی است با ۱۶ مثقال، یا
۷۴/۲۴ گرم.
(۵) يك مثقال = مساوی است با ۴/۶۴ گرم یا ۲۴
نخود.
(۶) يك نخود = مساوی است با ۰/۱۹۳۳ گرم، یا
۴ گندم.
(۷) يك ری = مساوی است با ۴ من، یا ۴۰

مقیاس طول: يك متر = ۱۰ دسیمتر = ۱۰۰ سانتیمتر
 ۱۰۰۰ سانتیمتر = ۱۰ متر
 اضعاف متر: ذرع = ۱۰۴ سانتیمتر
 دکامتر = ۱۰ متر = ۱۰۰۰ سانتیمتر
 هکتومتر = ۱۰ دکامتر = ۱۰۰ متر
 کیلومتر = ۱۰ هکتومتر = ۱۰۰۰ متر
 مقیاس سطح: سانتیمتر مربع = ۱۰۰ میلیمتر

مربع

دسیمتر مربع = ۱۰۰ سانتیمتر مربع
 متر مربع = ۱۰۰۰۰ سانتیمتر مربع
 آر = ۱۰۰ متر مربع
 جریب = ۱۰۰۰ ذرع
 هکتار = ۱۰۰ آر = ۱۰۰۰۰ مترمربع
 کیلومتر مربع = ۱۰۰ هکتار = ۱۰۰۰۰۰۰ مترمربع

یارد مربع = ۰/۸۳۶ مترمربع

اینچ مربع = ۶/۵۱ سانتیمتر مربع

مقیاس حجم: سانتیمتر مکعب = ۱۰۰۰ میلیمتر

مکعب

دسیمتر مکعب = ۱۰۰۰ سانتیمتر مکعب = ۱۰۰۰۰۰۰ میلیمتر مکعب
 متر مکعب = يك استر = ۱۰۰۰ دسیمتر مکعب
 = ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ میلیمتر مکعب
 اینچ مکعب = ۱۶/۳۸۶ سانتیمتر مکعب
 یارد مکعب = ۰/۷۶۴ متر مکعب
 مقیاس وزن: واحد وزن عبارت از گرم است که معادل با وزن يك سانتیمتر مکعب آب مقطر ۴ درجه سانتیگراد حرارت در خلاء می باشد.

سانتی گرم = ۱۰ میلی گرم

دسی گرم = ۱۰ سانتی گرم = ۱۰۰ میلی گرم

گرم = ۱۰ دسی گرم = ۱۰۰۰ میلی گرم

دکاگرم = ۱۰ گرم

هکتوگرم = ۱۰ دکاگرم = ۱۰۰ گرم

۲۵) سگّه برای انواع پول فلزی
 ۲۶) شعله برای لامپ و شمع و نظایر آن
 ۲۷) شیشه برای ظروف مایعات.
 ۲۸) طاقه برای پارچه، شال، شال گردن
 ۲۹) طغرا برای نامه، پاکت، سندهای دیگر
 ۳۰) عدد برای پرندگان
 ۳۱) عدل برای دسته های بزرگ و سنگین کالا

پنبه، پارچه، کاغذ

۳۲) عراده برای توپ و تانک، اسلحه سنگین
 چرخ دار

۳۳) فال برای گردو

۳۴) فروند برای وسایل نقلیه هوایی و دریائی

۳۵) فقره برای اسناد پرداختی (چک و سفته)

۳۶) قبضه برای از چاقو تا مسلسل

۳۷) قراسه برای بندکفش، مواد، لوازم التحریر

۳۸) قطره برای اشک، خون، جوهر و بعضی

مایعات

۳۹) قطعه برای عکس، شعر، زمین، فرش

۴۰) قلاده برای جانوران وحشی

۴۱) قواره برای زمین و پارچه (برای يك دست

لباس کامل)

۴۲) گله برای دسته های مختلف جانوران

۴۳) لوله برای اشیاء استوانه شکل و خمیری

شکل مانند ماتیک و خمیردندان

۴۴) نسخه برای کتاب، روزنامه، مجله

۴۵) نفر برای انسان، شتر، درخت خرما

۴۶) رأس برای حیوانات بجز شتر

اوزان و مقیاسهای سیستم متریک

در سیستم متریک واحد طول متر است که مساوی يك چهل میلیونم طول نصف النهار کره زمین می باشد. این سیستم در سال ۱۸۷۵ میلادی از طرف دانشمندان برگزیده بین المللی وضع گردیده است.

از همه چیز...

ذرع.
 كيلومتر = ۱۰۰۰ متر = ۳۲۸۰ فوت = ۹۶۰ ذرع.
 ذرع = ۱۰۴ سانتی متر = ۱۶ گره = ۳۲ بهر.
 یارد = ۰/۹۱۴ متر = ۳۶ اینچ.
 اینچ = ۲/۵۴ سانتی متر = ۰/۸۳ فوت.
 فوت = ۱۲ اینچ = ۰/۳۰۵ متر = ۰/۳۳۳ فرسنگ.
 فرسنگ = ۶۰۰۰ ذرع = ۶ کیلومتر
 میل انگلیسی = سه پا = ۳۶ اینچ = ۹۱/۴ سانتی متر.
 میل جدید جغرافیائی = ۷۴۲۰ متر.
 آر = ۱۰۰ متر مربع (مربعی که هر ضلعش ۱۰ متر باشد)
 هکتار = ۱۰۰۰۰ متر مربع = جریب = ۲/۴۷ ایگر.
 ایگر = ۰/۴۰۴ هکتار = ۴۰۴۸ متر مربع
 لیتر = ۱۰۰۰ سانتی متر مکعب = یک کیلوگرم آب.
 میلی لیتر = یک سانتی متر مکعب = گنجایش یک گرم آب.
 گرم = ۱۵/۴۳ گرین = (تقریباً ۵ نخود).
 کیلوگرم = ۱۰۰۰ گرم = ۲/۲ پوند = تقریباً یک سوم من تبریز
 تن = ۱۰۰۰ کیلوگرم = تقریباً سه خروار.
 من شیراز = ۷۲۰ مثقال = ۴۵ سیر.
 من تبریز = ۵ کیلوگرم.
 خروار = ۱۰۰ من تبریز.
 مثقال = ۲۴ نخود = ۴/۶۸ گرم.
 سیر = ۱۶ مثقال = ۱/۳ من تبریز.
 نخود = ۱/۳۳ مثقال = ۴ گندم.

اوزان و مقیاسهای ایران

در حال حاضر در کشور ما اصول سیستم متریک رسمی بوده و مورد قبول می باشد، لهذا بعضی اوزان که سابقاً متداول بوده، اکنون نیز به کار برده می شود. این اوزان عبارتند از:

یک خروار = ۶۴۰۰۰ مثقال = ۲۹۶/۹۶ کیلوگرم = صدمن سقظ.

کیلوگرم = ۱۰ هکتوگرم = ۱۰۰۰ گرم
 تن = ۱۰۰۰ کیلوگرم
 یک لیتر آب = یک کیلوگرم
 یک لیور فرانسه = ۴۹۷/۵ گرم (تقریباً نیم کیلو)
 یک پوند انگلیسی = ۱۶ انس انگلیسی = ۴۵۳/۶ گرم = ۱۶ قیراط انگلیس
 اونس = ۱/۱۶ پوند
 هندرویت انگلیسی = ۱۱۲ پوند
 هندرویت آمریکائی = ۱۰۰ پوند
 حجم مایعات: سانتی لیتر = ۱۰ میلی لیتر
 دسی لیتر = ۱۰ سانتی لیتر = ۱۰۰ میلی لیتر
 لیتر = ۱۰ دسی لیتر = ۱۰۰ سانتی لیتر = ۱۰۰۰ میلی لیتر
 دکالتر = ۱۰ لیتر = ۱۰۰ دسی لیتر
 هکتولتر = ۱۰ دکالتر = ۱۰۰ لیتر
 کیلولتر = ۱۰ هکتولتر = ۱۰۰۰ لیتر
 یک بشکه = ۴/۹۱۹ هکتولتر
 یک لیتر معادل با حجم یک کیلوگرم آب خالص در شرایط استاندارد می باشد و این حجم تقریباً معادل ۱۰۰۰ سانتی متر مکعب و یا یک دسی متر مکعب است.

متر مکعب = ۱۰ هکتولتر = ۱۰۰۰ لیتر

مقایسه چند واحد طول

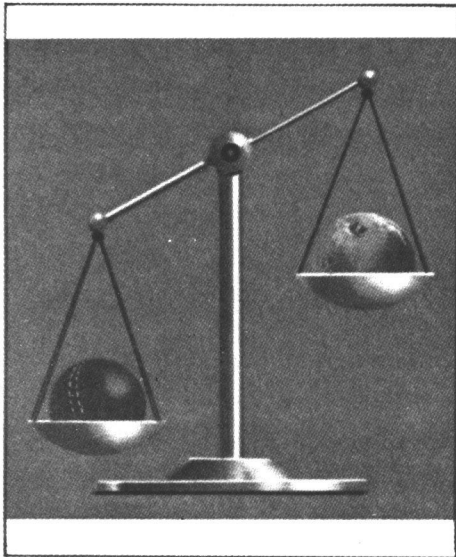
واحد طول	متر	یارد	فوت (۱۲ اینچ)
متر	۱	۱/۰۹۳۶	۳/۲۸۰۹
یک ذرع	۱/۰۴	—	—
یارد	۰/۹۱۴۴	۱	۳
فوت	۰/۳۰۴۸	۰/۳۳۳۳	۱
اینچ	۲/۵۴۰ CM	—	۰/۰۸۳

مقیاسها و روابط آنها با یکدیگر

متر = ۱۰۰ سانتی متر = ۳/۲۸ فوت = ۰/۹۶

برابریها در سیستم متریک

- (۱) يك ميل برابر است با $۱۶۰۹/۳۵$ متر
 (۲) يك يارد برابر است با $۰/۹۱۴۴$ متر
 (۳) يك فوت برابر است با $۰/۳۰۴۸$ متر
 « $۳۰/۴۸$ سانتیمتر»
 (۴) يك اینچ برابر است با $۰/۰۲۵۴$ متر « $۲/۵۴$ سانتیمتر»
 (۵) يك متر برابر است با « $۱/۰۹۳۶۱۱$ » یارد -
 $۳/۲۸۰۸$ فوت - $۳۹/۳۷$ اینچ
 (۶) يك پوند برابر است با « $۰/۴۵۳۵۹۲۴$ »
 کیلوگرم « $۴۵۳/۵۹۲۴$ گرم»
 (۷) يك اونس برابر است با $۲۸/۳۴۹۵۲۷$ گرم
 (۸) يك گرن برابر است با $۰/۰۶۴۷۹۸۹۱۸$ گرم
 (۹) يك کیلوگرم برابر است با $۲/۲۰۴۶۲۳۳$
 پوند - $۳۵/۲۷۳۹۵۷$ اونس
 (۱۰) يك گرم برابر است با $۰/۰۰۲۲۰۴۶۲$ پوند -
 $۰/۰۳۵۲۷۳۹$ اونس
 (۱۱) يك گالن برابر است با $۳/۷۸۵۳$ لیتر
 (۱۲) يك کوارت برابر است با $۰/۹۴۶۳۲۳$ لیتر
 (۱۳) يك پابنت برابر است با $۰/۴۷۳۱۶۷$ لیتر
 (۱۴) يك لیتر مایع برابر است با $۱/۰۵۶۷۱۰$
 کوارت - $۲/۱۱۳۴$ پابنت.



- يك من سقط = ۶۴۰ مثقال = $۲/۹۶۹۶$ کیلوگرم =
 ۴ چارك = ۴۰ سیر.
 يك چارك = ۱۶۰ مثقال = $۷۴۲/۴$ گرم = ده سیر.
 يك سیر = ۱۶ مثقال = $۷۴/۲۴$ گرم.
 يك مثقال = $۴/۶۴$ گرم = ۲۴ نخود.
 يك نخود = $۰/۱۹۳۳$ گرم = چهار گندم.
 يك ری = ۲۵۶۰ مثقال = $۱۱/۸۷۸۴$ کیلوگرم =
 چهارمن سقط.
 يك من شاهسی = ۱۲۸۰ مثقال = $۵/۹۳۹۲$
 کیلوگرم = دو من سقط.
 يك پوط = ۳۵۲۰ مثقال = $۱۶/۳۳۲۸$ کیلوگرم =
 پنج من و نیم سقط.
 يك قیراط = $۲۰۵/۹$ گرم.
 مقایسه چند واحد وزن:
 من = ۳ کیلوگرم = $۶/۶۱۳۸$ پوند انگلیسی.
 کیلوگرم = $۰/۳۳۳$ من = $۲/۲۰۴۶$ پوند
 انگلیسی.
 پوند انگلیسی = $۰/۱۵۱۲$ من = $۰/۴۵۳۶$
 کیلوگرم.
 هندردویت آمریکا = $۴۵/۳۶$ کیلوگرم.
 هندردویت انگلیسی = $۵۰/۸۰$ کیلوگرم.
 ۱ تن آمریکائی = $۹۰۷/۲$ کیلوگرم = $۱۷/۸۵۷$
 پوند.
 ۱ تن انگلیسی = ۱۰۱۶ کیلوگرم = ۲۰ پوند
 مقایسه چند کیل مایعات:
 ۱ لیتر = $۰/۲۲۰۰$ گالن امپریال = $۰/۲۶۴۲$
 گالن آمریکا.
 گالن امپریال = $۴/۵۴۶$ لیتر = $۱/۲۰۰۹$ گالن
 آمریکا
 گالن آمریکا = $۳/۷۸۵۳$ لیتر = $۰/۸۳۲۷$ گالن
 امپریال

چند واحد مقیاس از چاپخانه ها

- يك پنط = معادل $۰/۳۷۵$ میلیمتر.
 يك سیسرو = ۱۲ پنط = $۴/۵$ میلیمتر.
 يك گوادراد = ۴ سیسرو = ۱۸ میلیمتر.
 اشپون = ۳ = ۱۲ سیسرو = ۵۴ میلیمتر.



قمری ارتباط و همگامی ندارند. می‌دانیم که هر ماه قمری در حدود بیست و نه روز و نیم است و در نتیجه دوازده ماه قمری در حدود یازده و یک چهارم روز کمتر از سال خورشیدی است.

به این جهت بسیاری از ملل محاسبات و تقویم قمری را رها کردند و اساس تقویم خود را بر مبنای محاسبات خورشیدی قرار دادند.

تقسیمات هفته مانند تقسیمات ماه و سال از قدیم متداول نبوده و ظاهراً بعدها به وجود آمده است. به نظر برخی تعیین هفت روز به عنوان تقسیمات فرعی یک ماه به نام هفت ستاره‌ای بوده که قدیمیان آنرا می‌شناختند بخصوص که در بعضی از زبانها اساس روزها با اسامی ستارگان مزبور یکی است یا اینکه نزدیک به آن است مثلاً در زبان لاتین یکشنبه روز آفتاب دوشنبه ماه و روزهای دیگر به نام زحل و ستارگان دیگر نامیده شده است.

زمان و تقویم در ایران و جهان: برای تعیین زمان بشر اولین بار از خود طبیعت استفاده نمود. واحدهای سال، ماه و شبانه روز از روی عوامل طبیعت اندازه‌گیری شده و علاوه بر اندازه‌های فوق واحدهای قراردادی نیز وجود دارد که برخی از آنها در زمانهای مختلف بوجود آمده و در هر دوران و در نزد هر ملت وضع مخصوصی داشته است. سال را بر مبنای گردش خورشید (بطوری که سابقاً فکر می‌کردند) قراردادند و تقسیمات «ماه» را از مدت تغییرات ماه آسمان اقتباس نمودند.

لغت «ماه» در اغلب زبانها همان نام قمر زمین یا یکی از مشتقات آن است. در نوشته‌های مصر قدیم نیز علامت کلمه «ماه» همان شکل قمر زمین بود. چون مجموع دوازده ماه قمری نزدیک به یک سال شمسی است در تقویم‌های خورشیدی نیز سال را به دوازده ماه تقسیم نمودند. البته این ماهها با ماههای

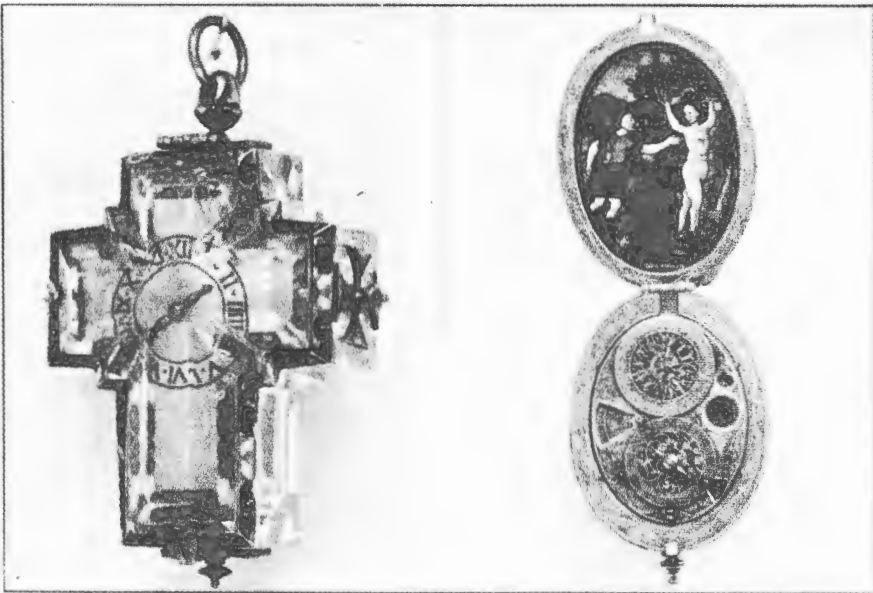
گاوآهن باز می‌کنند می‌خوانند یا صبح را زمانی که گاوها را به گاو آهن می‌بستند می‌نامید.

تقسیمات و فصول مختلف سال نیز از روی وقایع طبیعی انجام می‌گرفته است، مثلا مهاجرت دسته‌ای از پرندگان علامت فرا رسیدن فلان فصل و یا روئیدن گل مخصوصی علامت فرا رسیدن تابستان بوده و یا سبز شدن درخت معینی نشانه آغاز فصل کشتیرانی به شمار می‌رفته است. تقسیم فصول مربوط به وضع جوی هر منطقه است چنانکه در برخی نقاط سه فصل و در برخی حتی دو فصل محسوب می‌نموده‌اند. در ابتدا که سال را با توجه به وقایع جوی محسوب می‌داشتند، اختلالاتی به وجود می‌آمد. مثلا در قسمتی از هندوستان فصل بادهای موسمی جنوب غربی و بادهای شمال شرقی هر يك علامت يك فصل معینی بوده ولی بین این دو فصل مدتی فاصله بود.

تقسیمات زمان از روی وقایع طبیعی: قدیمیان در محاسبه سن اشخاص کمتر به شمارش سالها می‌پرداختند بلکه به جای آن سن اشخاص را با

بشر ابتدائی سالها را مانند امروز شمارش نمی‌کرد بلکه برای شمردن یا نشان دادن مدت زمان به عوامل طبیعی یا وقایع مختلف اشاره می‌کرد مثلا کودکی که هشت برف دیده هشت سال دارد و یا قبل از تولد طفل از مادر نه بار ماه نوظاهر می‌شود.

اصطلاحات و محاسبه روز و شب ظاهرا بعدها به وجود آمد به طوری که در بسیاری زبانهای ابتدائی اسامی مشخصی برای روز و شب وجود ندارد. در بعضی زبانها آن را روشنی و تاریکی و در بعضی آفتاب و تاریکی می‌نامند. روزها به عنوان آفتابها و شبها بعنوان تعداد خوابها یا سحرها و غروبها محاسبه می‌شد. مثلا کسی که در مسافرت بود و شش بار به خواب رفته ۶ روز سفر کرده است. تعیین و نامگذاری اوقات روز بر حسب وضع خورشید در لحظات مختلف صورت می‌گرفت و اوقات روز به نام سحر، ظهر و غروب تعیین می‌شد یا پاره‌ای از این تقسیمات روز با توجه به اشتغالات انسان در آن زمان نامیده می‌شد مثلا هومر، شب را زمانی که گاوها را از





در میان ملل قدیم مصریها اولین یا لا اقل در شمار اولین مللی بودند که تقویم قمری را به وجود آوردند. مصریها آغاز سال خود را بر پایه حرکات ستاره سیروس که به نام شعرای یمانی یا ستاره کاروان کش مشهور است تنظیم می نمودند. آنها تقارن نقطه اوج این ستاره را با بالا آمدن آب نیل در نتیجه آغاز فراوانی مشاهده کرده و این زمان را به منزله آغاز سال برگزیدند. اقدام بعدی تقسیمات فرعی بین دو وضع اوج این ستاره بود، مصریها در ابتدا دوازده ماه را سی روز (جمعاً سیصد و شصت روز) حساب می کردند و ۵ روز اضافی را تحت عنوان روزهای اضافی سال به دوازده ماه مزبور اضافه نمودند. این دوازده ماه را به سه فصل تقسیم می نمودند. فصل اول را فصل طغیان آب و سیل و چهار ماه دوم را فصل کاشتن و بذرافشانی و چهار ماه آخر را فصل تابستان یا فصل درو و برداشت محصول می نامیدند، ولی منجمین مصری این مسئله را که ستاره مزبور هر چهار سال یک بار یک روز دیرتر به منطقه اوج خود

وقایعی که برای همه آشنا بود (نظیر جنگلها، سیلها و زمان شیوع امراض مسری و غیره) می سنجیدند این روش در بابل و در میان اعراب قبل از اسلام متداول بود. بسیاری از ملل قدیم بخصوص برخی از آنها آشنائی بسیاری به احوال و حرکات ستارگان داشتند. این ملل سال را از وضع و موقعیت ستارگان تشخیص می دادند.

مثلا موقع کشت یا برداشت محصول را با توجه به ارتفاع و موقعیت ستاره ای که می شناختند تعیین می نمودند. شمارش روزهای یک ماه نیز در بسیاری نقاط با توجه به وضع ماه صورت می گرفت. نام روزها در بعضی نقاط نام حالات مختلفی است که ماه طی آن شب داشته است. امروز نام هفت روز را داریم که به صورت یک هفته در زمان تکرار می شود. مثلا پس از سیری شدن هفت روز مجدداً نام روزها از شنبه شروع می شود. چینی های قدیم مانند بسیاری ملل شرق آسیا یک دوره کامل روزها را شصت روز می شمردند و تعداد اسامی روزها شصت بود.



می‌رسد نادیده گرفته بودند و به این طریق آنها سال کیسه نداشتند و این امر با گذشت سالهای متمادی باعث اختلافاتی در تقویم می‌گردید و فقط پس از هر یکهزار و چهارصد و شصت سال آغاز سال مجدداً به نقطه اول برمی‌گشت.

در مصر قدیم هر سال را به نام وقایع مختلف و یا نسبت به سلطنت فراعنه نامگذاری می‌نمودند. در اسناد قدیم مصر ماهها نام مخصوص ندارد و فقط به عنوان نام اول و دوم سال نامیده می‌شود.

ظاهراً نیشان یا نوسانو به معنی قربانی بوده و عیار به معنی شکوفه بوده است.

در مصر قدیم شب و روز هر کدام به دوازده قسمت تقسیم می‌شد، ولی چون طول شب و روز در فصول مختلف اختلاف داشت تقسیمات مزبور زمان ثابتی نبود و به این طریق با ساعت امروزی ما که میزان ثابتی است کاملاً فرق داشت.

روزهای ماه طبق اسامی این روزها به چند قسمت تقسیم شده بود ولی تقسیمات هفتگانه وجود نداشت. شبانه روز به شش قسمت می‌شد و سه قسمت به روز و سه قسمت به شب اختصاص داشت. این تقسیمات هر کدام نام مخصوصی نظیر طلوع، غروب و غیره داشت.

تقویم بابلیها: از میان ملل قدیم تقویم بابلیها در حدود دوهزار سال قبل از میلاد سابقه دارد. تقویم بابلیها از نظر تقسیم ماهها تا حدودی شباهت به تقویم سومریها دارد. سومریها در حدود دو هزار و

بابلیها تقسیمات کوچکتری برای هر قسمت از قسمت‌های ماه داشتند. هر قسمت از این تقسیمات ثابت بود و آنرا با مقدار معینی آب که از درون سوراخ

تقویم سومریها دارد. سومریها در حدود دو هزار و

از همه چیز...

است. در روم تقسیمات هشت روزه وجود داشت ولی این تقسیمات فقط فاصله بین تشکیل دو بازار روز بود و هیچ گونه مبنای مذهبی و طبیعی نداشت. رومیهای قدیم اعیاد را در روزهای فرد جشن می گرفتند و اگر جشنی بیش از یک روز طول می کشید در روز زوج جشن را تعطیل می کردند و آنرا مجدداً در روز بعدی ادامه می دادند.

تقویم یهودیان: محاسبه سال و تقویم یهودیان نیز از پاره ای نظرات شبیه بابلیها و همسایگان آنان بود و یهودیان برای جلوگیری از اختلافات ماههای قمری با سال شمسی در هر دوره نوزده ساله یک ماه به سالهای سوم، ششم، هشتم، یازدهم، چهاردهم، هفدهم و نوزدهم اضافه می نمودند و به این طریق نوزده سال قمری را نزدیک و در حدود نوزده سال شمسی حساب می نمودند.

تقویم بومیان امریکائی: بومیان امریکا نیز از ایام قدیم تقویم هائی داشتند که بعضی از آنها در نوع خود جالب است، مثلاً سال بومیان بعضی از نقاط مرکزی و جنوبی مشتمل بر سیصد و شصت و پنج روز بود. این سال به هیجده ماه تقسیم می شد و هر ماه بیست روز داشت.

تقویم میلادی بر اساس سال خورشیدی ترتیب داده شده است ولی به علت اشکال در محاسبات در قرن شانزدهم میلادی اختلاف سال مزبور با سال نجومی به ۱۰ روز رسید.

در سال ۱۵۲۸ میلادی پاپ گرگوار هشتم دستور داد این ده روز را در محاسبه نیاورند. به این طریق سال مسیحی را بر سال نجومی مطابقت داد. از آن تاریخ تقویم اصلاح شده مزبور که به نام تقویم گرگواری مشهور شد به تدریج در کشورهای مسیحی متداول گردید. اشتباه محاسبه این تقویم در ۳۳۰۰ سال در حدود یک روز است.

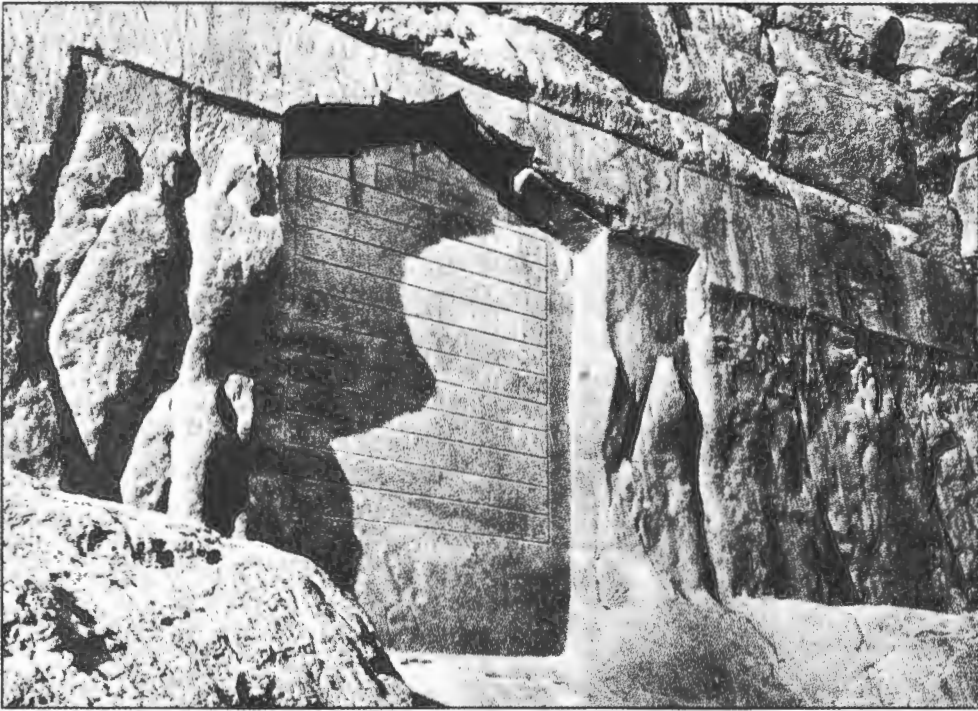
ظرف مخصوصی بیرون می ریخت می سنجیدند. این ظروف در حقیقت یک نوع ساعت آبی بود.

سال هندوان: در هندوستان از زمانهای بسیار قدیم سال قمری و شمسی را با یکدیگر تلفیق می نمودند و ماههای سال قمری را طوری محاسبه می کردند که آغاز سال با شروع سال خورشیدی چندان فاصله نداشت، ولی متأسفانه از جزئیات روشهایی که آنان برای این منظور به کار می بستند اطلاعی در دست نیست.

سال خورشیدی هندوان به دوازده ماه تقسیم می گردید و سال را نسبت به حرکت خورشید در بروج مختلف محاسبه می نمودند، اسامی روزها نیز که بعدها در هند متداول بود به نام خورشید، ماه، مریخ، عطارد و نظایر آن نامیده می شد. هندیها نیز روز را به قسمت های چندی تقسیم می نمودند که برخی از این تقسیمات با طرز تقسیمات ساعت و دقیقه شباهت بسیار دارد.

یونانیها و زمان: در تقویم های یونان قدیم نیز سال هنگامی آغاز می گردید که خورشید در منطقه معینی از آسمان قرار داشت و اول ماه را نخستین روز هلال محسوب می کردند. در اینجا نیز اختلاف طول ماههای قمری یا سال شمسی اختلافاتی بوجود می آورد و یونانیان برای رفع این اشکالات راههایی در نظر گرفته بودند. از جمله اینکه اختلافی را که طی هشت سال به وجود می آمد (۹۰ روز تمام) به روزهای سال آخر یا به روزهای هر سال تقسیم می نمودند. در یونان نیز روزهای ماه به هفته ها تقسیم نمی گردید و ظاهراً تقسیمات ماه به هفته به شکل امروزی به دوران مسیحیت تعلق دارد. یونانیها ماه را به سه قسمت تقسیم می نمودند و برای هر قسمت اسم مخصوصی داشتند.

رومیها و زمان: تقویم رومیها تقریباً شبیه تقویم یونانیان بود. اسامی ماههای دوازده گانه رومی تقریباً همانهایی است که امروز در سال میلادی متداول



تقویم در ایران

پرستش آتش) مرغ زن (مرغ چمن زن)، گرم پد (پای گرما).

اول سال مصادف با اول پائیز بود و از این لحاظ با تاریخ بابلی مطابقت داشت.

در مورد طرز محاسبه سال اطلاعاتی نداریم. بعضی از اسم ماه انامک که به معنی بی نام است تصور نموده اند که این اسم از سالهای کیبسه برای ماه سیزدهم به کار می رفته است ولی این نظر صحیح نمی نماید، زیرا داریوش در دو سال متوالی این اسم را ذکر کرده و روشن است که ممکن نبود دو سال بی دربی کیبسه باشد و نامک به معنی ماه خدایان بی نام است.

در باره اینکه مبداء تاریخ را چگونه و از چه زمانی

از تقویم و سال شماری در عصر هخامنشی اطلاعات زیادی در دست نداریم. در کتیبه بزرگ بیستون که از داریوش اول باقی مانده اسامی ماههای ایرانی ذکر شده است. این اسامی عبارتند از: باغ یادیش، ادوک نیش، آثریادی برای سه ماه پائیز. انامک، مرغ زن، ویخن برای سه ماه زمستان گرم پد، ثورواهر، نای گرچیش برای سه ماه بهار. اسامی سه ماه تابستان معلوم نیست.

در این زمان حساب اوستائی که بعداً در ایران متداول بود معمول نبوده است و اسامی ماههای کتیبه بیستون غیر از اسامی ماههای دوره اشکانیان و ساسانیان می باشد. اسم بعضی از این ماهها تا حدی به زبان امروزی نزدیک است مثل آثریادی (یاد آتش)،

هورنات	بنام	۳ خرداد
تستری	بنام	۴ تیر
امرات	بنام	۵ امرداد
خسترویریا	بنام	۶ شهریور
میر	بنام	۷ مهر
آبها-آناهیت	بنام	۸ آبان
آن-آتش	بنام	۹ آذر
خالق - اهورمزد	بنام	۱۰ ددو
وهومنه	بنام	۱۱ وهمن
سینتا آرمیتی	بنام	۱۲ سیند آرمذ

ماه دارای ۳۰ روز بوده که به چهار قسمت هشت روز، هفت روز، هشت روز، هفت روز تقسیم می‌شد و هر دسته از این روزها به نام خدائی مهم آغاز می‌گردید و بقیه نامها نیز نام مربوط به خدایان و دستیاران آنها بوده است.

سال چنانکه گفتیم دارای دوازده ماه سی روزه بوده و ۵ روز دیگر به آخر یکی از ماهها اضافه می‌کردند تا سال ۳۶۵ روز گردد و این پنج روز همان است که به نام اندرگاه یا خسته مسترقه می‌شناختند.

این تقویم با سال نجومی در حدود نهم ساعت اختلاف دارد. این اختلاف در هر چهار سال در حدود یک روز می‌شود. در دوره ساسانیان طرق متداول کیسه کردن این بود که این روزها را هر صد و بیست سال یکبار جمع می‌کردند (در این مدت اختلاف به ۳۰ روز می‌رسید) و یک ماه به آخر سال اضافه می‌نمودند و آن سال را بهیزک یعنی مبارک می‌نامیدند. به عقیده پاره‌ای مستشرقین در زمان ساسانیان سه نوع تقویم وجود داشت:

(۱) تقویم قمری که در آن هر سال قمری ۳۵۵ یا ۳۵۳ روز داشت و هر ماه مرکب بود از شش هفته پنج روزه این نوع تقویم روستائی بود و بیشتر در میان مانویان غیر ایرانی رواج داشت.

(۲) تقویم کشوری و رسمی شمسی که ذکر آن

حساب می‌کرده‌اند اطلاعی در دست نیست و حتی نمی‌دانیم که آیا اصولاً در آن زمان مبداء تاریخی منظور می‌کرده‌اند یا نه؟ سکه‌های هخامنشی نیز کمکی به این موضوع نمی‌نماید زیرا در این سکه‌ها تاریخ گذاشته نشده است. ولی چون در بابل ابتدای سلطنت شاهان را آغاز و مبداء تاریخ می‌دانستند و از طرف دیگر می‌دانیم که مادها و بارتها چیزهای زیادی را از بابلیها و آشوریه‌ها اقتباس کرده بودند احتمال می‌رود که در دوره هخامنشی نیز به همین ترتیب رفتار می‌شده است.

در زمان اشکانیان: در زمان اشکانیان تقویم دو ترتیب داشت: تقویم سلوکی و تقویم پارسی. مبداء تاریخ سلوکی از ابتدای تاسیس این دولت بود. (۳۱۲ ق.م)

در این تقویم که قمری است سال دوازده ماه است و هر سه سال یکبار عده ماهها را به جای دوازده ماه سیزده ماه حساب می‌کردند تا با سال شمسی برابر گردد. این تقویم تقلیدی از تقویم یونانی و مقدونی است.

مبداء تاریخ پارتها ابتدا سلطنت تیرداد اول پادشاه اشکانی است. (۲۴۷ ق.م) در این تقویم سال شمسی است و اسامی دوازده ماه همان اسامی اوستائی است. بر روی سکه‌های اشکانی هر دو تاریخ ذکر می‌شد ولی در میان مردم فقط تاریخ پارسی رواج داشت.

در باره چگونگی سال کیسه در دوره اشکانیان اطلاعی نداریم.

در دوره ساسانیان تقویم اوستائی متداول بوده. در این تقویم سال دارای دوازده ماه بوده که هر کدام به نام یکی از ایزدان بزرگ نامیده شد. این دوازده ماه عبارتند از:

۱) فروردین	بنام	فروشی‌ها
۲) اردیبهشت	بنام	اش و هشت

گذشت (سال ۳۶۵ روز شامل ۱۲ ماه سی روزه با ۵ روز اضافی)
 (۴ تقویم دینی که مبتنی بر ماه شمسی بود. بطریقی که در بالا ذکر شد با یک ماه اضافه در هر ۱۲۰ سال)

در دوره اسلامی: با وجود تقویم هـ.ق مالیاتها را در آغاز سال شمسی می گرفتند، ولی چون بعد از ساسانیان کیبسه صورت نگرفته بود آغاز سال یا نوروز با سال نجومی اختلاف پیدا کرده بود. در دوره ای چنان شده بود که مالیاتها را قبل از بدست آمدن محصول مطالبه می نمودند. برای رفع این اشکال احتیاج به اصلاح تقویم به وسیله کیبسه کردن سال بود ولی خلفای اسلامی در ابتدا با این امر موافقت نمی کردند، زیرا چنانچه می دانیم در میان اعراب دوره جاهلیت سال قمری دارای دوازده ماه بود و هر سه سال یکبار با جمع کردن روزهای اضافی یک ماه بر سال اضافه می نمودند ولی بعد از اسلام این کار منع گردید و به استناد همین تحریم، خلفا از جاری کردن کیبسه در سال شمسی نیز خودداری می نمودند تا اینکه المعتضد بالله خلیفه عباسی برای ثابت کردن نوروز در فصلی که مناسب جمع کردن مالیات باشد کیبسه را جاری ساخت.

با وجود این اصلاح باز نقائصی در تقویم شمسی موجود و اختلافاتی پیدا می شد تا اینکه در سال ۴۶۸ هجری (۱۰۷۵-۱۰۷۴ میلادی) در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی عده ای از دانشمندان مامور بررسی سال نجومی و اصلاح تقویم گردیدند که از جمله مشاهیران حکیم عمر خیام بود.

طبق نوشته دائرة المعارف اسلامی در این تقویم نیز در ابتدا ظاهراً سال را مرکب از دوازده ماه سی روزه می گرفتند و ۵ روز اضافی را به آخر ماه دوازدهم می افزودند، و چون به این طریق سال در حدود شش ساعت با سال نجومی اختلاف پیدا می کرد آن را در

هر چهار سال یکبار به سال اضافه می کردند و سال کیبسه ۳۶۶ روز بود. مبداء تاریخ جدید دهم رمضان ۴۷۱ هجری مطابق با ۱۵ مارس ۱۰۷۹ م. بود. در باره این تقویم الغ بیک در مقدمه زیج می نویسد:

«... و به چهار سال یک روز کیبسه باشد و چون شش بار یا هفت بار به چهار کیبسه افتد یک بار کیبسه به پنج سال افتد»

طبق این محاسبه هر ۳۷۷۰ سال یک روز خطا حاصل می شود و حال آنکه در تقویم گرگوری که تقویم اصلاح شده مسیحی است هر ۳۳۳۰ سال یک روز خطا ایجاد می شود و به این ترتیب مشاهده می شود که تقویم ایرانی که از آن تاریخ به نام تقویم جلالی مشهور شد از تقویم گرگوری دقیق تر است.

روزهای هفته چگونه نامگذاری شدند؟ در تاریخ اولیه بشر زمانی بوده که روزها دارای اسم نبوده اند و دلیل آن خیلی ساده است: بشر هنوز هفته را اختراع نکرده بود.

در آنروزها، تنها تقسیم و اجزاء زمان «ماه» بود، و در ماه تعداد زیادی روز بود که نمی شد برای هر یک نامی انتخاب کرد. ولی وقتی انسان ساختمان شهرها را شروع کرد، خواست که روز مخصوصی را برای دادوستد اختصاص دهد و به اصطلاح روزی را مخصوص بازار کند. بعضی اوقات روزهای مخصوص بازار به طور ثابت ده روزی یک دفعه بود، گاهی هم هر هفت روز یا پنج روز می شد. بابلی ها تصمیم گرفتند که روز بازار هر هفت روز یک مرتبه باشد. در این روز افراد کار نمی کردند، فقط به دادوستد و مراسم مذهبی می پرداختند.

یهودیان هم همین رویه را دنبال کردند، ولی هر هفت روز یک مرتبه را اختصاص به کارهای مذهبی دادند. به این طریق هفته بوجود آمد. هفته در حقیقت

نامهای سی روز در ماه‌های قدیم

همان طوری که امروز برای هر روز هفته نام مخصوصی داده شده است، در قدیم برای روزهای ماه نیز نامهای مخصوصی انتخاب شده بود و اگر نام روزی با نام ماه یکی بود همان روز را جشن می‌گرفتند اسامی بدین قرار بود:

- ۱) اورمزد روز
- ۲) بهمن روز
- ۳) اردیبهشت روز
- ۴) شهریور روز
- ۵) سنندارمذ روز
- ۶) خرداد روز
- ۷) امرداد روز
- ۸) دیبازر روز
- ۹) آذر روز
- ۱۰) آبان روز
- ۱۱) خور روز
- ۱۲) ماه روز
- ۱۳) تیر روز
- ۱۴) گوش روز
- ۱۵) دیبا مهر روز
- ۱۶) مهر روز
- ۱۷) روشن روز
- ۱۸) روشن روز
- ۱۹) فروردین روز
- ۲۰) بهرام روز
- ۲۱) رام روز
- ۲۲) باد روز
- ۲۳) دیب دین روز
- ۲۴) دین روز
- ۲۵) آرد روز
- ۲۶) اشتاد روز
- ۲۷) آسمان روز

فاصله بین روزهای دادوستد بود. یهودیان به هر يك از این هفت روز نامی دادند، ولی در واقع این اسامی عبارت از شمارشی بود از بعد از روز «سبت» (یعنی روز شنبه) به عنوان مثال، چهارشنبه را که چهارمین روز هفته است (چهار روز پس از سبت) به همین مناسبت اسم گذاری کرده‌اند.

وقتی مصریها هفت روز هفته را قبول کردند، روزها را به اسم پنج سیاره بعلاوه خورشید و ماه نامیدند. رومیها نیز اسامی مصری را برای ایام هفته خود برگزیدند: روز خورشید، روز ماه، روز مریخ، روز عطارد، روز ژوپیتر، روز ونوس، و روز ساتورن یا کیوان.

امریکائیکها اسامی روزهای هفته را از رومیها نگرفته‌اند، بلکه از انگلوساکسونها گرفته‌اند که اغلب روزها را به اسامی خدایان خود می‌نامیده‌اند، که تقریباً همان خدای رومیها هم بوده‌اند. روز خورشید چنین شد، «سانادیک» یا «ساندی» روز ماه «موناندیگ»، یا «ماندی» خوانده می‌شد. روز مریخ روز «تیو» که خدای جنگ آنها بوده نامیده می‌شد، و این روز «تیوزدگ» یا «تیوزدی» خوانده شد. به جای اسم مرکوری (عطارد)، اسم خدای «ودن» به چهارشنبه «ونزدی» داده شد. اسم رومی ژوپیتر (صاعقه) روز خدای صاعقه «تور» شد، و «ترزدی» یا پنجشنبه گردید. روز بعد برای «فریگ» درست شد، که همسر خدای آنها «ادوین» بود، و بنابراین «فرایدی» یا جمعه ساخته شد.

روز کیوان تبدیل به «ساترنزدگ» شد که ترجمه است از لمة رومی، و سپس «ساتوردی» یا شنبه گردید.

به هر حال، روز فاصله بین طلوع و غروب آفتاب بود که رومیها آنرا از نصف شب به بعد حساب می‌کردند، و اغلب ملت‌های امروزی هم همین روش را به کار می‌برند.

(۱) واندمیر (منسوب به انگورچینی)	۲۸ رامیان روز
(۲) برومر (منسوب به مه)	۲۹ مار اسپند روز
(۳) فریمر (منسوب به مه سرد و غلیظ)	۳۰ انیران روز

زمستان:

- (۱) نیوز (منسوب به ابر)
- (۲) پلوویوز (منسوب به ابر)
- (۳) وانتوز (منسوب به باد)

بهار:

- (۱) ژرمینال (منسوب به جوانه زدن)
- (۲) فلورئال (منسوب به باران)
- (۳) پره ریا (منسوب به چمن)

تقویم اوستایی: تقویمی که در ایران قبل از اسلام و اقل در عهد ساسانیان در ایران معمول بود و در آن، سال دارای ۳۶۵ شبانه روز و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ شبانه روز اضافی در آخر سال محسوب می‌شد. چون سال شمسی حقیقی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه روز است لذا در هر چهار سال یک شبانه روز یا به طور دقیقتر در هر ۱۲۸ سال ۳۱ شبانه روز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتد.

ماهها در تقویم اوستایی

- (۱) فروردین (۲ اردیبهشت (۳ خرداد (۴ تیر (۵ امرداد (۶ شهریور (۷ مهر (۸ آبان (۹ آذر (۱۰ دی (۱۱ بهمن (۱۲ اسفند ارمذ.

روزها در تقویم اوستایی

- (۱) هرمز (۲ بهمن (۳ اردیبهشت (۴ شهریور (۵ اسفند ارمذ (۶ خرداد (۷ امرداد (۸ دی به آذر (۹ آذر (۱۰ آبان (۱۱ خور (۱۲ ماه (۱۳ تیر (۱۴ جوش (۱۵ دی به مهر (۱۶ مهر (۱۷ سروش (۱۸ رشن (۱۹ فروردین (۲۰ بهرام (۲۱ رام (۲۲ باد (۲۳ دی به دین (۲۴ دین (۲۵ ارد (۲۶ اشتاد (۲۷ آسمان (۲۸ زامیاد (۲۹ ماراسفند (۳۰ انیران.

تقویم جلالی یا ملکی: تقویمی شمسی که در

اعیاد ملی ایرانیان در قدیم

نوروز یا نوروزشاهان اول فروردین ماه	
نوروز بزرگ	۶ فروردین ماه
بازگیران	۱۷ فروردین ماه
گلستان جشن	۳ اردیبهشت
خورداد جشن	۶ خرداد
نیلوفر	۶ تیر
تیرگان کوچک	۱۳ تیر
تیرگان بزرگ	۱۴ تیر
امرداد جشن	۱۸ مرداد
شهریور جشن	۴ شهریور
مهرگان کوچک	۱۷ مهر
مهرگان بزرگ	۲۲ مهر
آبان گان	۱۰ آبان
فروردگان	۱۶ آبان
بهار جشن	اول آذر
آذر جشن	۱۰ آذر

تقویم در ملل مختلف

تقویم انقلابی فرانسه: تقویم رسمی فرانسه از ۲۴ نوامبر ۱۷۹۳ تا ۳۱ دسامبر ۱۸۰۵ م که به موجب فرمان کنوانسیون در پنجم اکتبر ۱۷۹۳ مقرر گردید ولی مبداء آن ۲۳ سپتامبر ۱۷۹۲ (روز اعتدال خریفی و روز پس از اعلام جمهوریت) قرار داده شد. سال منقسم به ۱۲ ماه ۳۰ روزه گردید و ۵ روز اضافی عید بوده که سال کولوتید خوانده می‌شد.

ماههای تقویم انقلابی فرانسه

پائیز:

تقویم رومولوس، فرمانروای رم، در ۷۳۸ ق م وضع شده است، در این تقویم سال ۳۰۴ شبانه روز و به ۱۰ ماه تقسیم می شود. رومیها به ۶۰ شبانه روز اضافی که در وسط زمستان می افتاد توجهی نداشتند و گاهی ماههای اضافی قرار می دادند بعدا آن دو ماه را نیز برای تکمیل تقویم به آنها افزودند. این تقویم نه تنها بی نظمی های تقویم قمری-شمسی را دارد، بلکه از وقتی که پونتیفکس ماکسیموس (سال ۲۰۰ ق م) اختیار تنظیم تقویم را به دست گرفت، مطابق میل خود برای کوتاه کردن یا دراز کردن دوره تصدی مشاغل، آنرا تغییر می داد و تقویم قیصری اصلاح شده این تقویم است.

ماههای تقویم رومولوس

- (۱) مارتیوس.
- (۲) آپریلیس.
- (۳) مایوس.
- (۴) یونیوس.
- (۵) کوینتیلیس.
- (۶) سکستیلیس.
- (۷) ستمبر.
- (۸) اکتبر.
- (۹) نومبر.
- (۱۰) دکمبر.
- (۱۱) یانوارویس.
- (۱۲) فیرواریوس.

تقویم شمسی: سال شمسی (اعتدالی) فاصله زمانی، دو عبور متوالی خورشید، از اعتدال ربیعی و مساوی ۳۵۶ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه، طول متوسط سال اعتدالی در هر قرن ۵۳ ثانیه کم می شود. در قرن دوم قبل از میلاد ابرخس، منطقه البروج را به ۱۲ قسمت تقسیم کرد و هر یک را برج نامید و آغاز سال را از اعتدال ربیعی حساب کرد. تا پیش از یازدهم فروردین ۱۳۰۴ اسامی ماهها

زمان جلال الدوله ملکشاه سلجوقی (قرن پنجم هـ.ق) تأسیس گردید، مبدأ این تقویم روز جمعه ۹ رمضان ۴۷۱ هـ.ق مطابق با اول فروردین ۴۵۸ هـ.ش است. سال جلالی از اول بهار آغاز می شود و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ یا ۶ روز اضافی به دنبال ماه دوازدهم است. نام ماهها مطابق تقویم اوستایی و کیبسه معمولا هر چهار سال یک بار اجرا می شود و در هر ۳۳ یا ۲۹ سال یک بار کیبسه، ۵ سال یکبار اجرا می شود.

تقویم رسمی ایران: به موجب قانون یازدهم فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی بر پایه تقویم جلالی برقرار گردید. در این تقویم: اول سال روز اول بهار و آغاز تقویم، هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه است.

ماه و روز تقویم رسمی

بهار:

فروردین	(۱)	۳۱ روز
اردیبهشت	(۲)	۳۱ روز
خرداد	(۳)	۳۱ روز

تابستان:

تیر	(۱)	۳۱ روز
مرداد	(۲)	۳۱ روز
شهریور	(۳)	۳۱ روز

پائیز:

مهر	(۱)	۳۰ روز
آبان	(۲)	۳۰ روز
آذر	(۳)	۳۰ روز

زمستان:

دی	(۱)	۳۰ روز
بهمن	(۲)	۳۰ روز
اسفند	(۳)	۲۹ روز

در سال کیبسه اسفند ۳۰ روز است.

تقویم رومولوس: قدیمیترین تقویم رومیان،

برحسب برجها بود.

ماههای خورشیدی یا برجها

روز بالغ شد و اعتدال ربیعی که در سال ۳۲۵ بعد از میلاد در ۲۱ مارس بود به ۱۱ مارس انتقال یافته بود. گرگوریوس ۱۰ شبانه روز از سال ۱۵۸۲ اسقاط نمود و مقرر کرد که از آن سال به بعد سالهایی که شماره آنها به دو صفر منتهی می شود کیسه محسوب نشود، مگر اینکه این شماره به ۴۰۰ قابل قسمت باشد.

اسامی ماههای تقویم گرگوری

روز ۳۱	(۱) ژانویه
روز ۲۸ یا ۲۹	(۲) فوریه
روز ۳۱	(۳) مارس
روز ۳۰	(۴) آوریل
روز ۳۱	(۵) مه
روز ۳۰	(۶) ژوئن
روز ۳۱	(۷) ژویه
روز ۳۱	(۸) اوت
روز ۳۰	(۹) سپتامبر
روز ۳۱	(۱۰) اکتبر
روز ۳۰	(۱۱) نوامبر
روز ۳۱	(۱۲) دسامبر

تقویم نجومی: مبنای این تقویم، دوره متوسط دو عبور متوالی زمین از یک نقطه آسمان و مدت آن ۳۶۵/۲۵۶۳۶ شبانه روز شمسی متوسط می باشد.

ماههای سال نجومی

روز ۳۱	(۱) ایت ایل (سگ)
روز ۳۱	(۲) تنگوزایل (خوک)
روز ۳۱	(۳) اود ایل (گاو)
روز ۳۱	(۴) بارس ایل (پلنگ)
روز ۳۱	(۵) سیچقان ایل (موش)
روز ۳۱	(۶) تخاقوی ایل (مرغ)
روز ۳۰	(۷) توشقان ایل (خرگوش)
روز ۳۰	(۸) پیچی ایل (میمون)
روز ۳۰	(۹) قون ایل (گوسفند)

روز ۳۰	(۱) حمل (بره)
روز ۳۱	(۲) ثور (گاونر)
روز ۳۱	(۳) جوزا (دوقلو)
روز ۳۱	(۴) سرطان (خرچنگ)
روز ۳۱	(۵) اسد (شیر)
روز ۳۱	(۶) سنبله (خوشه)
روز ۳۱	(۷) میزان (ترازو)
روز ۲۹	(۸) عقرب (کزدم)
روز ۳۰	(۹) قوس (کمان)
روز ۲۹	(۱۰) جدی (بزغاله)
روز ۳۰	(۱۱) دلو (ظرف آب)
روز ۳۰	(۱۲) حوت (ماهی)

تقویم قیصری (یولیانی) Julian Calendar تقویمی که در سال ۴۶ ق م در رم به وسیله یولیوس قیصر مقرر گردید، و مدت سال را در ۳۶۵ شبانه روز، و هر چهار سال یک بار در ۳۶۶ شبانه روز تثبیت می کرد و در آن نام و ترتیب و تعداد روزهای دوازده ماه سال کما بیش با آنچه اکنون در اروپا معمول است مطابق بود و تقویم قیصری بیش از ۱۵۰۰ سال رواج کامل داشت. در این تقویم سال به طور متوسط ۳۶۵/۲۵ شبانه روز حساب می شود که تقویم گرگوری اختلاف آنرا با تقویم شمسی اصلاح کرد.

تقویم گرگوری: تقویمی که امروز در بیشتر ممالک متمدن رایج است، و پاپ گرگوریوس سیزدهم در ۱۵۸۲ آنرا معمول ساخت. این تقویم از اصلاح یولیانی حاصل شده است، که در آن سال ۳۶۵ شبانه روز محسوب می شود مگر هر چهار سال یک بار که آن را ۳۶۶ شبانه روز حساب می کنند، یعنی کسر سال را به جای ۰/۲۴۲۲ برابر ۰/۲۵ شبانه روز می شمارند.

خطای این تقویم در قرن ۱۶ میلادی به ۱۰ شبانه

- (۱۰) نوبت ایل (اسب) ۳۰ روز
 (۱۱) لوی ایل (نهنگ) ۳۰ روز
 (۱۲) ایلان ایل (مار) ۳۰ روز

تقویم هجری قمری: تقویم قمری و دینی ممالک اسلامی است. مبدأ تاریخ هجری اول محرم سالی است که حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه هجرت فرموده است.

تاریخ هجری مبتنی بر دوره حرکت قمر به دور زمین می باشد. سال قمری مرکب از ۱۲ ماه قمری است، ۳۵۴ یا ۳۵۵ شبانه روز دارد. در نتیجه ماههای قمری با فصول ارتباطی ندارند و همراه از رؤیت هلال تا رؤیت هلال ماه دیگر طول می کشد و مدت آن هم هیچگاه از ۳۰ روز تجاوز نمی کند و از ۲۹ روز نیز کمتر نیست و منجمین تقویم قمری متوسط را اعتبار می کنند که در آن طول ماهها ثابت و از محرم به بعد، متناوباً ۳۰ و ۲۹ شبانه روز است. چون طول سال قمری ۳۵۴/۳۶۷ شبانه روز است و ۰/۰۳۶۷ شبانه روز اضافی در طی ۳۰ سال ۱۱ شبانه روز می شود و در هر دوره ۳۰ ساله ۱۱ روز را به ترتیب در سالهای ۲ و ۵ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۵ (یا ۱۶) و ۱۸ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۹ کیسه می کنند، بدین ترتیب که در هر یک از این سالها، یک شبانه روز به ذی الحجه اضافه می کنند تا ۳۰ شبانه روز شود.

ماههای تقویم قمری:

- (۱) محرم
 (۲) صفر
 (۳) ربیع الاول
 (۴) ربیع الثانی
 (۵) جمادی الاولى
 (۶) جمادی الاخری
 (۷) رجب
 (۸) شعبان
 (۹) رمضان

- (۱۰) شوال
 (۱۱) ذی القعدة
 (۱۲) ذی الحجه

تقویم یهود: تقویمی قمری-شمسی است و مبدأ آن ۳۷۶۱ ق م (تاریخ روایتی خلقت آدم) است و صورت کنونی آن از ۳۶۰ بعد از میلاد است. اسامی کنونی ماهها از اصل بابلی و آشوری است، و در دوره اسارت بابلی جایگزین اسامی قدیمتر شد. هر ۱۹ سال یک دوره قمری تشکیل می دهد که از آن سالهای ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۹ م، کیسه است. سال ۵۶۸۲ اولین سال سیدمین دوره قمری است. سالهای معمولی را بر حسب اینکه، ۳۵۴، ۳۵۳ یا ۳۵۵ شبانه روز داشته باشد، ناقص، معتدلی و تمام می نامند. سالهای کیسه یک ماه اضافی دارد، و مشتمل بر ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ شبانه روز است.

تقویم یهود به سبب قواعد گوناگونی که برای تنظیم اعیاد دینی دارد، پیچیده است. سال دینی از اول نisan و سال عرفی از اول تشری آغاز می شود.

ماههای تقویم یهود

- (۱) تشری ۳۰
 (۲) حشوان ۲۹ (معتدل و ناقص) یا ۳۰ تمام
 (۳) کسلو ۲۹ ناقص یا ۳۰ (معتدل و تمام)
 (۴) طوت ۲۹
 (۵) شباط ۳۰
 (۶) آذار ۲۹ در سالهای کیسه ۳۰ و آذار ۲۹ (این ماه فقط در سالهای کیسه می آید)
 (۷) نisan ۳۰
 (۸) ایار ۲۹
 (۹) سیوان ۳۰
 (۱۰) تموز ۲۹
 (۱۱) آب ۳۰
 (۱۲) ایلول ۲۹

مبنای تقویمها

هجری قمری مطابق ۱۶ ژوئن ۶۳۲ میلادی است.

سالها

سال اعتدالی: تقویم شمسی را ببینید.
سال انحرافی: مدت زمان، بین دو عبور متوالی زمین از نزدیکترین وضع آن به خورشید و مدتش قریب $365/25964$ شبانه روز متوسط است.
سال شمسی: تقویم شمسی را ببینید.
سال عرفی: مدت زمانی است، نزدیک به سال شمسی حقیقی و مشتمل بر تعداد صحیحی شبانه روز شمسی متوسط، سال عرفی عادی 365 شبانه روز و سال عربی کیبسه 366 شبانه روز می باشد.
سال قمری: مساوی ۱۲ ماه هلالی و برابر $354/3670$ شبانه روز شمسی متوسط است.

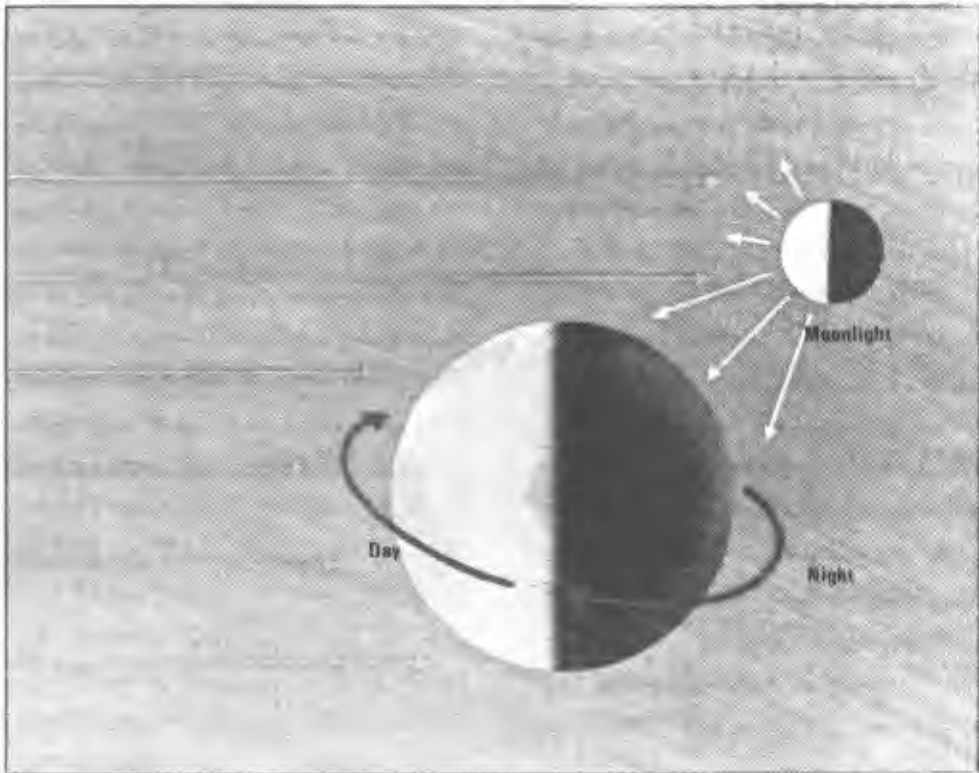
تاریخ اسکندری: همان تاریخ رومی است.

تاریخ رومی: مبنای این تاریخ ۳۱۲ ق م یعنی ۱۲ سال بعد از مرگ اسکندر ملعون مصادف با سلطنت سلوکوس نیکاتور است و به تاریخ اسکندری نیز معروف است.

تاریخ مسیحی: مبنای این تاریخ ۴ روز پس از تولد حضرت عیسی (ع) می باشد که در تقویم گرگوار استفاده شده است.

تاریخ هجری: مبدأ این تاریخ روز جمعه محرم سالی است که حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه هجرت فرمود.

تاریخ یزدگردی: مبدأ این تاریخ جلوس یزدگرد یعنی روز سه شنبه بیست و دوم ربیع الاول سال یازده





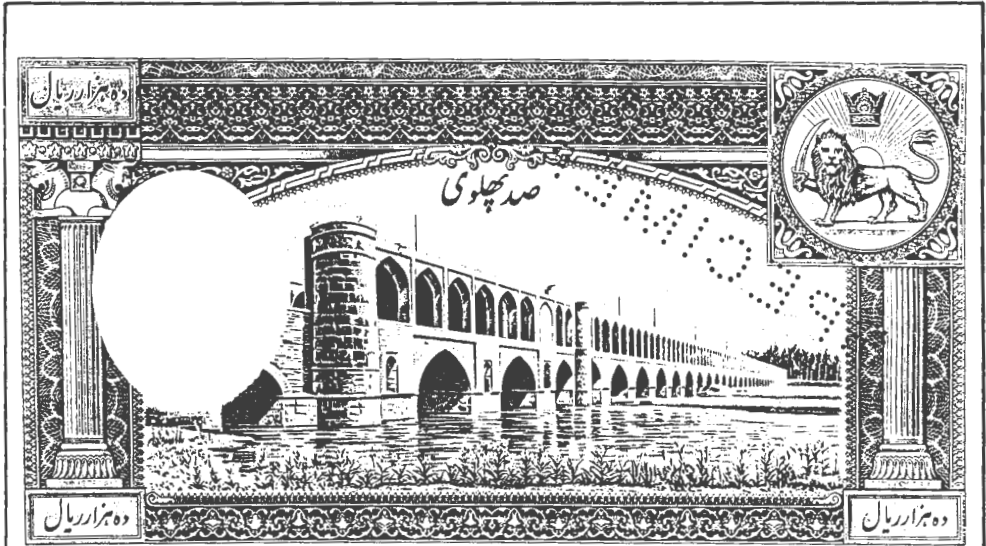
واحد مهمترین پولهای جهان

نام کشور	واحد پول
آرژانتین	پزو
آلبانی	لک
اتیوپی	دلار اتیوپی
اردن	دینار اردنی
اسرائیل	پوند اسرائیلی
اسپانیا	پزتا
اتریش	شیلینگ
اندونزی	روپیه
ایتالیا	لیر
اکوادور	سوکر
اتازونی	دلار
السالوادور	کولون
ایران	ریال
ایرلند	پوند ایرلندی
استرالیا	پوند استرالیایی
ایسلند	کرونا
آفریقای جنوبی	راند
بلژیک	فرانک
انگلستان	پوند پالیره انگلیسی
برمه	کیات
برزیل	کروزرو
بلغارستان	لو
بولیویا	نو
پاکستان	روپیه پاکستانی

پاراگوئه	گوارانی	نیکاراگوئه	کوردوبا
پاناما	بالبوا	نپال	روبیہ نہالی
پرتقال	اسکودو	ونزولا	بولیوار
پرو	سول	هندوراس	لمپرا
ترکیہ	لیرہ ترک	ہائیتی	گوردو
تایلند	بہت	ہلند	گولدن
تونس	دینار	ہندوستان	روبیہ ہندی
چکسلواکی	کرونا	یونان	دراخم
چین ملی	دلار جدید فرمز	یمن	ریال نقرہ
دانمارک	کرون	یوگسلاوی	دینار
دومینیکن	پزو	افغانستان	افغانی
روسیہ	روبل	کانادا	دلار
رومانی	لو	چین	یوان دارک
زولاندنو	پوند زولاند	فنلاند	مارکا
ژاپن	ین	گواتمالا	کنترال
سوئیس	فرانک سوئیس	ہنگ کنگ	دلار
سوئڈ	کرون	فلسطین	لیرہ فلسطین
سیلان	روبیہ سیلانی	فیلیپین	پزو
سوریہ	پوند سوریہ ای	لہستان	زلاتی
سودان	پوند سودانی	واتیکان	لیر
شیلی	اسکودو	کلمبیا	پزو
عراق	دینار عراقی	کاستاریکا	کولون
عربستان	ریال سعودی	کوبا	پزو
غنا	پوند غنائی	لبنان	لیرہ لبنان
فرانسہ	فرانک نو	لوکزامبورگ	فرانک
اتحادیہ مالایا	دلار مالایائی	لیبی	پوند لیبی
مجارستان	فورنیت	اتحادیہ افریقائی	اسٹرلینگ
مراکش	درہم	جنوبی	
موناکو	فرانک موناکو	کامبوج	ریل
مصر	پوند مصری	کرہ شمالی	ہورون
مغولستان	توقریک	کرہ جنوبی	ہورون
مکزیک	پزو	کنگو بلیزیک	فرانک گنگو
نروژ	کرون	کاتانگا	فرانک

از همه چیز...

کیپ	لاتوس	دینار	کویت
روبل	لیتوانی	فرانک گینه	گینه
دلار آمریکائی	لیبریا	فرانک گینه	گینه پرتقال
فرانک سوئیس	لیختن اشتاین	فرانک گینه	گینه اسپانیا



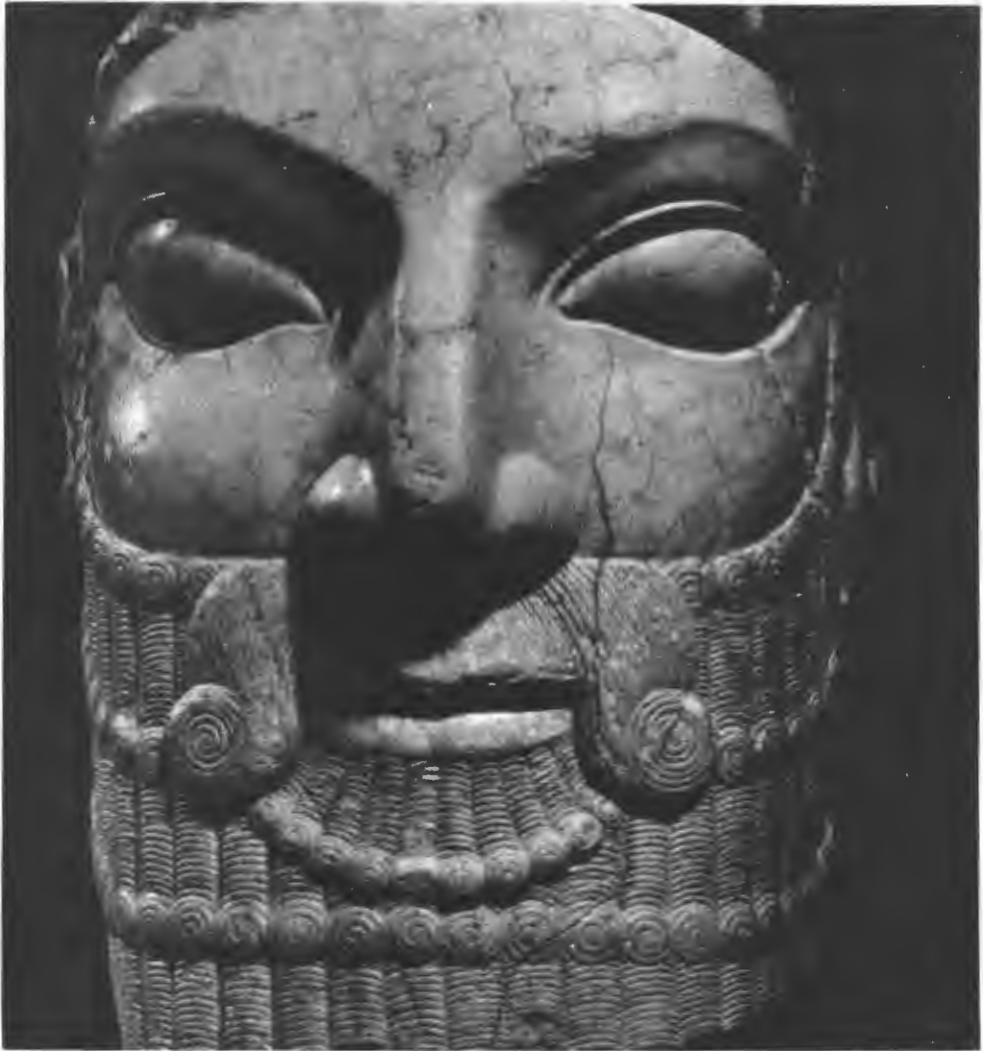
خلاصه تاریخ ایران

دایرة المعارف مصور

منقرض کننده	پایتخت	قرن	آخرین شاه	سرسلطه	سلسله
کتیباد	—	—	گرشاسب	کومرث	پیشدادیان
اسکندر ذوالقورین	—	—	گشتاسب	کتیباد	کیانیان
—	—	—	—	—	کادوسیان
—	—	—	—	—	کاسپیان
ابو خ گال	کردستان	هزاره دوم و سوم ق م	تی ری کان	ایمنا	کورثیان
ماد	جنوب اروپه	هزاره اول ق م	—	—	مان نا
—	آذربایجان	قرن ۸ و ۷ ق م	—	ایش یا کای	سکاها
کیا کسار	بختیاری	هزاره دوم ق م	—	اکوم	کاسپیان
ماد	مغرب ایران	هزاره سوم	—	—	لوریسیان
کوروش	همدان	(قرن ۷ ق م)	ایختویوکو	دی آوکس	ماد
اسکندر مقدونی	پازارگاد	(قرن ۴-۷ ق م)	داریوش سوم	کوروش	هخامنشی
—	—	(قرن ۴ ق م)	—	—	فرته کاره
رومیان	سلوکیه، انطاکیه	(۳-۳ ق م)	انتیوخوس سیزدهم	سلوکوس	سلوکیان
اردشیر بابکان	تیسفون	(۳-۳ ق م)	اردوان پنجم	ارشاک	اشکانیان
مسلمانان عرب	تیسفون	(قرن ۳-۷ م)	بزرگد سوم	اردشیر بابکان	ساسانیان
معتصم	طبرستان	(۲۲۴ هـ.ق)	مازنیار	قازن بن سوخرا	قازن وند
—	طبرستان	(قرن ۲-۱ هـ.ق)	خورشید دوم	گیل گاهه باره	دایویان
—	نور و کجور	(قرن ۱-۴ هـ.ق)	استنذار	پادوسیان	پادوسیانان
مسلمانان عرب	سغد	(قرن ۱-۲ هـ.ق)	دیو اشتی	اخشید	سغدیان
—	رودبار	(قرن ۲-۴ هـ.ق)	—	مرزیان	جستاییان

ابومسلم خراسانی	دمشق	(قرن ۲-۱ هـ.ق)	مروان حصار	معاویه	امویان
هولاکوخان	بغداد	(قرن ۷-۲ هـ.ق)	مسئمم	سفاح	عباسیان
جلال الدین شاه	آذربایجان	(قرن ۷-۲ هـ.ق)	زن اتابک خاموش	روادین متقی ازدی	روادین
عباسیان	آذربایجان	(قرن ۳-۴ هـ.ق)	ابوالمنصور فتح	ابوالساج	ساجیان
رواد	آذربایجان	(قرن ۴ هـ.ق)	ابوالهجیا	مرزبان	سالاریان
—	نام	(قرن ۵-۴ هـ.ق)	—	محمد	کگریان
یعقوب لیث	نیشابور	(قرن ۳ هـ.ق)	محمد بن ظاهر	طاهر بن حسین	طاهریان
عباسیان	همدان	(قرن ۳ هـ.ق)	—	ابودلف	بنی دلف
محمود غزنوی	زرخج سیستان	(قرن ۳ هـ.ق)	خلف بانو	یعقوب لیث	صفاریان
اسفار بن شبرویه	طبرستان (آمل)	(قرن ۴-۳ هـ.ق)	حسن بن قاسم	حسن بن زید	علویان طبرستان
ایله خانان	بخارا	(قرن ۴-۳ هـ.ق)	اسماعیل بن نوح	نصر بن اسد	سامانیان
—	خوارزم	(قرن ۵-۳ هـ.ق)	ابوالحادث	احمد بن فریعون	فریونیان
—	تهستان	(قرن ۴ هـ.ق)	بوسهل بن علی	احمد بن سیمجور	سیمجوریان
ابن کاکویه	گرگان	(قرن ۵-۴ هـ.ق)	مهاء الدوله ابو محسن	علی	آل بویه
طلعل بیله	گنجه	(قرن ۴-۳ هـ.ق)	جستان	مرد آویخ	آل زیار
—	خوارزم	(قرن ۴ هـ.ق)	شاهنشاه بن محمود	منجم یاسنی محمد بن شداد	شدادیان
محمود غزنوی	نیشابور	(قرن ۷-۵ هـ.ق)	ابوالعباد	ابو علی	عامریان
خوارزمشاهیان	غزنین و بلخ	(قرن ۴-۳ هـ.ق)	ابوالقاسم محمود	طلعل اول	سلجوقیان
غوریان	غیر زکوه	(قرن ۷-۵ هـ.ق)	خسر و ملک	البتکین	غزوریان
خوارزمشاهیان	فارس	(قرن ۸-۵ هـ.ق)	جلال الدین علی	عزالدین حسین	غزوریان
—	آذربایجان	(قرن ۷-۶ هـ.ق)	ملک اردشیر	فضل بن علی	شاهکاره
جلال الدین خوارزمشاه	فارس	(قرن ۷-۶ هـ.ق)	مظفر الدین	ابلدگر	اناکان آذربایجان
مغول	فارس	(قرن ۷-۶ هـ.ق)	آبش خانان	سلغر	ابابکان فارس

مقترض کننده	بایخت	قرن	آخرین شاه	سرسلمه	سلسله
ابراهیم بن شاهرخ آل مظفر	لرستان یزد	(قرن ۹-۹ هـ.ق) (قرن ۸-۵ هـ.ق)	غیاث الدین حاجی شاه	ابوطاهر بن محمد ظهر الدین	اتابکان لرستان اتابکان یزد
الجابو چنگیزخان	کرمان خوارزم	(قرن ۸-۷ هـ.ق) (قرن ۷-۵ هـ.ق)	شاه جهان جلال الدین	براق حاجب استر	قراخانیان خوارزمشاهیان
سربداران جانی بیک اوزبک	مراغه، سلطانیه —	(قرن ۸-۷ هـ.ق) (قرن ۸ هـ.ق)	ابوشیروان عادل ملک اشرف	هولاکو خان شیخ حسن	ایلخانیان مغول جورانیان
امیر تیمور الغ بیک	سبزوار گرگان	(قرن ۸ هـ.ق) (قرن ۹-۸ هـ.ق)	علی مؤید سلطانعلی	امین الدوله عبدالرزاق طغاتیمو رجان	سربداران طغاتیموریه
سلطان محمدخوارزمشاه شیبیک خان اوزبک	کاننفر هرات	(قرن ۷-۴ هـ.ق) (قرن ۱۰-۸ هـ.ق)	سلطان عثمان بندیع الزمان	عبدالکریم تیمور	ایلک خانیه گورکانیان
اوزون حسن آل مظفر	تبریز فارس	(قرن ۹-۸ هـ.ق) (قرن ۸ هـ.ق)	حسعلی جمال الدین	قوامحمد آق خواجه	قره قویونلو امرای اینجو
امیر تیمور امیر تیمور	هرات فارس	(قرن ۸-۷ هـ.ق) (قرن ۸ هـ.ق)	غیاث شاه منصور	شمس الدین محمد مبارزالدین محمد	آل کرت آل مظفر
قراویوسف شاه اسماعیل صفوی	بغداد آذربایجان	(قرن ۹-۸ هـ.ق) (قرن ۱۰-۸ هـ.ق)	سلطان حسین سلطان مراد	شیخ حسن بزرگ قراویوسف	آل جلایر آق قویونلو
نادرشاه کریمخان	اصفهان، قزوین مشهد	(قرن ۱۲-۱۰ هـ.ق) (قرن ۱۳-۱۲ هـ.ق)	شاه عباس سوم نادر میرزا	شاه اسماعیل نادر	صفویان افشاریه
آقا محمدخان قاجار رضا شاه	شیراز تهران	(قرن ۱۳-۱۲ هـ.ق) (قرن ۱۴-۱۲ هـ.ق)	لطیفلی خان احمدشاه	کریمخان آقا محمدخان	زندیه قاجاریه
امام خمینی (ره)	تهران	(قرن ۱۴ هـ.ق)	محمد رضا شاه	رضا شاه	پهلوی



پایتخت سلاطین و فرمانروایان ایران

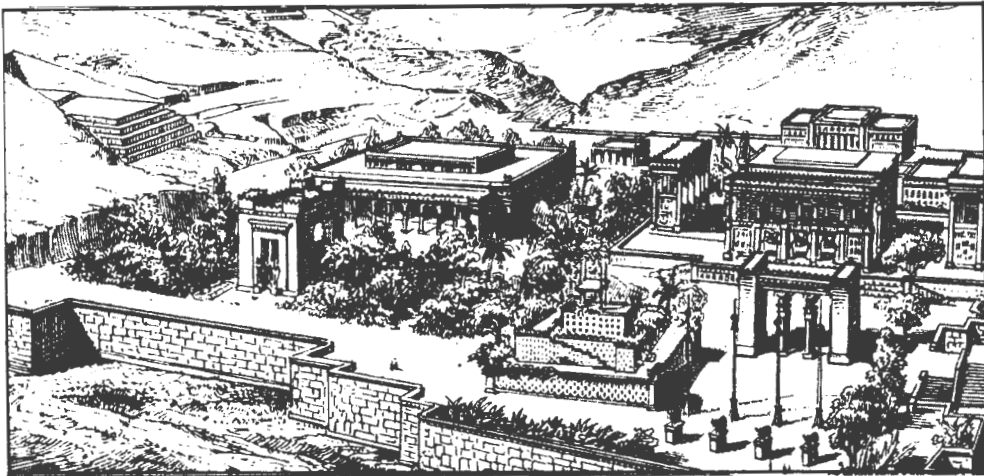
پایتخت	جمشید جم (پیشدادی)	تخت جمشید	پایتخت	داریوش اول (هخامنشی)	پایتخت	استخر (فارس)
پایتخت	منوچهر (پیشدادی)	شوش	پایتخت	داریوش اول (هخامنشی)	پایتخت	آمل
پایتخت	کیقباد (پیشدادی)	صد دروازه	پایتخت	اشك دوم (هخامنشی)	پایتخت	استخر
پایتخت	دیااکو/دیوکس (مادی)	داریوم	پایتخت	اشك دوم (اشکانی)	پایتخت	همدان
پایتخت	کوروش کبیر (هخامنشی)	سلوکیه	پایتخت	سلوکوس اول (سلوکی)	پایتخت	پاسارگاد



از همه چیز...



انطاكيه	پایتخت	سلوكوس اول (اشكاني)	خوارزم	پایتخت	قطب الدين محمد (خوارزمشاهي)
تيسفون	پایتخت	اردوان پنجم (اشكاني)	جرجانيه	پایتخت	سلطان محمد (خوارزمشاهي)
تيسفون	پایتخت	اردشير اول (ساساني)	مراغه	پایتخت	هولاكو (مغول)
دستگرد	پایتخت	خسر وپرويز (ساساني)	تبريز	پایتخت	ابا قاخان (مغول)
نیشابور	پایتخت	طاهر ذواليمینين (صفاری)	سلطانيه	پایتخت	اولجايتو (مغول)
زرنج (زرننگ)	پایتخت	يعقوب لیث (صفاری)	هرات	پایتخت	میرزا شاهرخ (گورکانی)
بخارا	پایتخت	امیر اسمعیل (سامانی)	سمرقند	پایتخت	میرزا شاهرخ (گورکانی)
غزنین	پایتخت	سلطان محمود (غزنوی)	تبريز	پایتخت	قره محمد تورمش (قره قویونلو)
بلغ	پایتخت	سلطان مسعود (غزنوی)	دیار بکر	پایتخت	بهاء الدین قره عثمان (آق قویونلو)
نیشابور	پایتخت	سلطان مسعود (غزنوی)	تبريز	پایتخت	اوزون حسن (آق قویونلو)
غزنین	پایتخت	مودود (غزنوی)	تبريز	پایتخت	شاه اسمعیل اول (صفوی)
آمل	پایتخت	حسن بن زید (علوی)	قزوین	پایتخت	شاه طهماسب اول (صفوی)
اصفهان	پایتخت	مردآویز (زیاری)	اصفهان	پایتخت	شاه عباس کبیر (صفوی)
شیراز	پایتخت	علی عمادالدوله (آل بویه)	مشهد	پایتخت	نادرشاه (افشاری)
بغداد	پایتخت	احمد معزالدوله (آل بویه)	تبريز	پایتخت	ابراهیم شاه (افشاری)
شیراز	پایتخت	عضدالدوله (آل بویه)	مشهد	پایتخت	شاهرخ شاه (افشاری)
فیروزکوه	پایتخت	علاء الدین حسین (غوری)	شیراز	پایتخت	کریمخان زند (زندیه)
نیشابور	پایتخت	طغرل اول (سلجوقی)	کرمان	پایتخت	لطفعلی خان (زندیه)
اصفهان	پایتخت	ملکشاه (سلجوقی)	تهران	پایتخت	آغامحمدخان (قاجار)
مرو (شاه جهان)	پایتخت	سنجر (سلجوقی)	تهران	پایتخت	رضا شاه (پهلوی)
شیراز	پایتخت	سنقر (اتابک فارس)	تهران	پایتخت	محمد رضا (پهلوی)



از همه چیز...





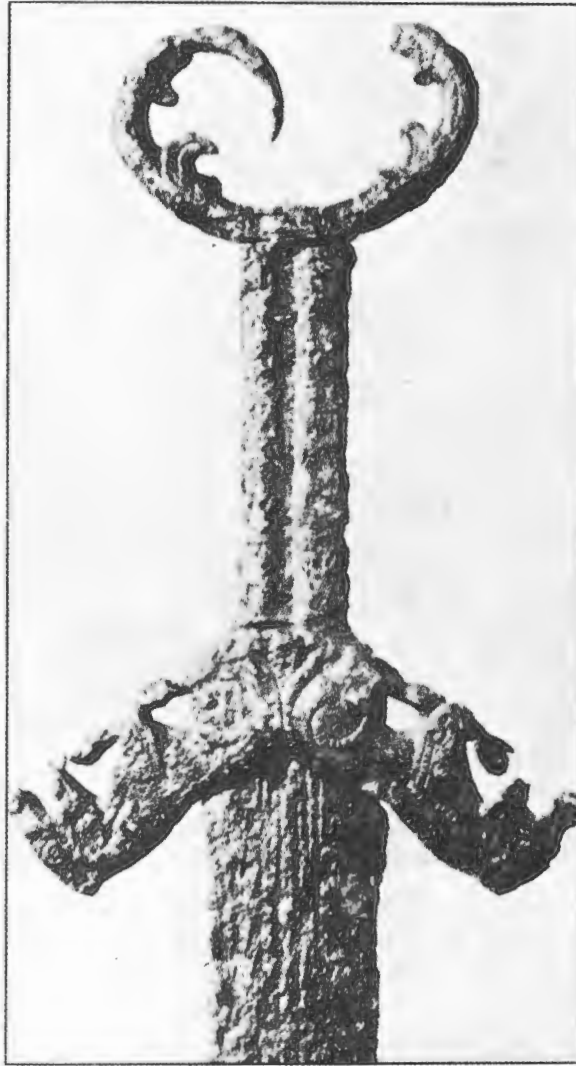
فهرست جنگهای معروف ایران با دول دیگر

اسلامی مان، تقدیم می‌داریم، نخست به صورت سالشمار اتفاق این جنگها، بعد به صورت «شناسنامه جنگهای ایران».

نام جنگ	کشور حریف	در زمان	نتیجه جنگ برای ایران
سارد (۱)	لیدیّه	کورش	پیروزی
بابل (۱)	بابل	کورش	پیروزی
ماسازت	ماسازتها	کورش	شکست

در تاریخ پر از فراز و نشیب کشورمان ایران، همواره جنگهای گوناگونی ثبت شده است که این جنگها گاه به خاطر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورمان بوده و یا به خاطر انتقام از متجاوزین و سرکشان کشورها و قبایل مجاور بوده است. این جنگها، مثل دیگر کشورهای جهان، گاه با پیروزی همراه بود، و گاهی نیز با شکست. در هر حال فهرستی از این جنگها را از دوران برقراری سلطنت کورش در ایران تا حمله صدام بعثی به کشور

به لوز	مصر	کمبروجیه	پیروزی	تیسفون (۲)	رومیان	بلاش سوم	شکست
کارتاز	کارتاز	کمبروجیه	شکست	نصیبین (۳)	رومیان	اردشیر پنجم	شکست
نوبی و ناپاتا	حبشه و سودان	کمبروجیه	شکست	هرمز دگان (۱)	اشکانیان و ساسانیان	اردشیر پنجم	پیروزی
عیلام	عیلام	داریوش	پیروزی	هرمز دگان (۲)	اشکانیان و ساسانیان	اردشیر اول	پیروزی
بابل (۲)	بابل	داریوش	پیروزی	ارمنستان (۲)	اشکانیان و ساسانیان	اردشیر اول	پیروزی
سکانه	سکاها	داریوش	پیروزی	ارمنستان (۲)	اشکانیان و ساسانیان	ساسانی	پیروزی
مقدونیه	یونان	داریوش	بی نتیجه	فارس	رومیان	اردشیر اول	پیروزی
سارد (۲)	یونان	داریوش	پیروزی		ساسانی	ساسانی	
میله	یونان	داریوش	شکست				
ماراتون	یونان	داریوش	شکست				
بابل (۳)	یونان	خشایارشا	پیروزی	نصیبین (۴)	رومیان	شاپور اول	پیروزی
ترموپیل	یونان	خشایارشا	پیروزی	انطاکیه (۱)	رومیان	شاپور اول	پیروزی
سالامیس (دریائی)	یونان	خشایارشا	پیروزی	انطاکیه (۲)	رومیان	شاپور اول	شکست
آتن (۱)	یونان	خشایارشا	پیروزی	تیسفون (۳)	رومیان	بهرام دوم	شکست
آتن (۲)	یونان	خشایارشا	پیروزی	ارمنستان (۳)	رومیان	بهرام سوم	شکست
یلانه	یونان	خشایارشا	شکست	عر بستان	اعراب	شاپور دوم	پیروزی
مصر (۱)	مصر	اردشیر اول	پیروزی	نصیبین (۵)	رومیان	شاپور دوم	بی نتیجه
		هخامنشی		سنگارا	رومیان	شاپور دوم	پیروزی
کوناکسا	یونان	اردشیر دوم	پیروزی	تیسفون (۴)	رومیان	شاپور دوم	پیروزی
اسپارت (دریائی)	اسپارت یونان	اردشیر دوم	پیروزی	ارمنستان (۴)	رومیان	شاپور دوم	بی نتیجه
تب نیت	صیدا	اردشیر دوم	پیروزی	نئودوزوبولیس	رومیان	بهرام گور	پیروزی
مصر (۲)	مصر	اردشیر دوم	پیروزی	آواریر	ارامنه	یزدگرد دوم	پیروزی
گرانیکوس	یونان (اسکندر)	اردشیر دوم	شکست	ارمنستان (۵)	خزرها	قباد اول	پیروزی
ایوس	یونان (اسکندر)	اردشیر دوم	شکست	ارمنستان (۶)	رومیان	قباد اول	پیروزی
گوگل (اربل)	یونان (اسکندر)	اردشیر دوم	شکست	لازیکا (۱)	رومیان	قباد اول	پیروزی
در بند فارس	یونان (اسکندر)	اردشیر دوم	شکست	انطاکیه (۳)	رومیان	قباد اول	پیروزی
هگتام بولیس	سلوکی ها	آنتیوکوس	بی نتیجه	انطاکیه (۴)	رومیان	انوشیروان	پیروزی
ماگتزی	رومیان	آنتیوکوس	شکست		ساسانی	ساسانی	
سوریه (۱)	سلوکیها	فرهاد دوم	پیروزی	لازیکا (۲)	رومیان	انوشیروان	پیروزی
نصیبین (۱)	رومیان	سافاتروک	پیروزی		ساسانی	ساسانی	
کاره	رومیان	ارد اول	پیروزی	پترا	رومیان	انوشیروان	پیروزی
سوریه (۲)	رومیان	ارد اول	شکست		ساسانی	ساسانی	
تخت سلیمان	رومیان	فرهاد چهارم	پیروزی	یمن	حبشه	انوشیروان	پیروزی
ارمنستان (۱)	رومیان	بلاش اول	پیروزی		ساسانی	ساسانی	
تیسفون (۱)	رومیان	خسر و اشکانی	شکست	انطاکیه (۵)	رومیان	انوشیروان	پیروزی
سوریه (۳)	رومیان	بلاش سوم	شکست		ساسانی	ساسانی	
سلوکیه	رومیان	بلاش سوم	شکست	بلخ	ترکان	هرمز چهارم	پیروزی
نصیبین (۲)	رومیان	بلاش سوم	شکست		ساسانی	ساسانی	



قلمه دارا (۱)	رومیان	هرمز چهارم	شکست	قسطنطنیه	رومیان	خسرو پرویز	بی نتیجه
ساحل دجله	رومیان	هرمز چهارم	پیروزی	نینوا	رومیان	خسرو پرویز	شکست
پست کوه	رومیان	ساسانی	شکست	دستگرد	رومیان	خسرو پرویز	شکست
جنوب دریاچه ارومیه	رومیان	ساسانی	شکست	زنجیر (ذات السلاسل)	مسلمانان	یزدگرد سوم	شکست
قلمه دارا (۲)	رومیان	خسرو پرویز	شکست	عين التمر	مسلمانان	یزدگرد سوم	شکست
فلسطين	رومیان	خسرو پرویز	پیروزی	بل (جسر)	مسلمانان	یزدگرد سوم	پیروزی
	رومیان	خسرو پرویز	پیروزی	لویب	مسلمانان	یزدگرد سوم	شکست

از همه چیز...



دیلمی	ساسانی	قادسیه	مسلمانان	یزد گرد سوم	شکست	تانسیر	هندیان	معرالدین محمد	پیروزی
بن سام غوری	ساسانی	تیسفون (۵)	مسلمانان	یزد گرد سوم	شکست	طرابوزان	رومیان	طغرل اول	پیروزی
سلجوقی	ساسانی	جلولا	مسلمانان	یزد گرد سوم	شکست	ملازگرد	رومیان	طغرل اول	پیروزی
سلجوقی	ساسانی	نهایند	مسلمانان	یزد گرد سوم	شکست	بیت المقدس	رومیان	طغرل اول	پیروزی
سلجوقی	ساسانی	«فتح الفتوح» (۱)	عباسیان	منصور خلیفه	شکست	رمه	رومیان	طغرل اول	پیروزی
سلجوقی	عباسی	همدان	عباسیان	عباسی	شکست	رمه	رومیان	طغرل اول	پیروزی
سلجوقی	عباسی	کابل	بودائیان	یعقوب لیث	پیروزی	انطاکیه (۶)	رومیان	ملکشاه سلجوقی	پیروزی
شکست	صفاری	نیشابور	طاهریان	یعقوب لیث	پیروزی	انطاکیه (۷)	رومیان	سلطان محمد	شکست
شکست	صفاری	دیرالعاقول	عباسیان	یعقوب لیث	شکست	مرو	غزان	سلطان سنجر	شکست
شکست	صفاری	بلخ (۱)	سامانیان	عمرولیت	شکست	مرو	غزان	سلطان سنجر	شکست
شکست	صفاری	بلخ (۱)	صفاریان	امیر اسمعیل	پیروزی	قطوان	قراختانیان	سلطان سنجر	شکست
شکست	سامانی	پنجاب	هندیان	سبکتکین	پیروزی	جند (۱)	ترکان	اتسزخوارزمشاه	پیروزی
شکست	غزنوی	کتر	ترکان	سلطان محمود	پیروزی	هزار اسب	غوریان	سلطان محمد	پیروزی
شکست	غزنوی	ری	آل بویه	سلطان محمود	پیروزی	ماوراء النهر	قراختانیان	سلطان محمد	پیروزی
شکست	غزنوی	سومنا	هندیان	سلطان محمود	پیروزی	پروان	مغولان	جلال الدین	پیروزی
شکست	غزنوی	هانسی	هندیان	سلطان محمود	پیروزی	سند	مغولان	جلال الدین	شکست
شکست	غزنوی	دندانقان (۱)	سلجوقیان	سلطان مسعود	پیروزی	گرنی	مغولان	جلال الدین	شکست
شکست	غزنوی	دندانقان (۲)	غزنویان	طغرل اول	پیروزی	تفلیس (۱)	مغولان	جلال الدین	شکست
شکست	سلجوقی	بغداد (۱)	عباسیان	احمد معزالدوله	پیروزی	اصفهان	مغولان	جلال الدین	شکست
شکست	دیلمی	میافارقین	عباسیان	عضدالدوله	پیروزی	خلاط	رومیان	جلال الدین	شکست
شکست	عباسی					یاسی چمن	رومیان	جلال الدین	شکست
شکست	عباسی					دیار بکر	مغولان	سلطان محمد	شکست

بخارا	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	مشهد (۱)	ازبکان	شاه طهماسب صفوی	شکست
سمرقند	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	زورآباد	ازبکان	شاه طهماسب صفوی	پیروزی
خجند	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	تبریز (۱)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	شکست
جند (۲)	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	تبریز (۲)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	شکست
جرجانیه	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	هرات (۱)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	شکست
بلخ (۲)	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	مشهد (۲)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	شکست
مرو (۱)	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	مشهد (۳)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	پیروزی
نیشابور	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	تبریز (۳)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	شکست
هرات (۱)	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	تبریز (۴)	عثمانیان	شاه طهماسب صفوی	شکست
اربل (۲)	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	شیروان (۴)	شیروانیان	شاه طهماسب صفوی	پیروزی
رودبار	مغولان	سلطان محمد خوارزمشاه	شکست	تبریز (۵)	عثمانیان	سلطان محمد صفوی	شکست
آنقره	عثمانیان	رکن الدین خورشاه اسماعیلی	شکست	باسمنج	عثمانیان	سلطان محمد صفوی	شکست
شروان (۱)	شروانیان	امیر تیمور گورکانی	شکست	هرات (۳)	ازبکان	شاه عباس کبیر صفوی	شکست
شروان (۲)	شروانیان	سلطان جنید صفوی	شکست	مشهد (۴)	ازبکان	شاه عباس کبیر صفوی	شکست
شروان (۳)	شروانیان	سلطان حیدر صفوی	شکست	هرات (۴)	ازبکان	شاه عباس کبیر صفوی	شکست
شروان	شروانیان	شاه اسماعیل صفوی	پیروزی	نهاوند	عثمانیان	شاه عباس کبیر صفوی	پیروزی
طاهراآباد مرو	ازبکان	شاه اسماعیل صفوی	پیروزی	تبریز (۶)	عثمانیان	شاه عباس کبیر صفوی	پیروزی
محمودآباد	ازبکان	شاه اسماعیل صفوی	پیروزی	بغداد (۲)	عثمانیان	شاه عباس کبیر صفوی	پیروزی
چالدران	عثمانیان	شاه اسماعیل صفوی	شکست	وان	عثمانیان	شاه عباس کبیر صفوی	پیروزی
				شبللی	عثمانیان	شاه عباس کبیر صفوی	پیروزی

صفوی	عثمانيها	مرادته (۱)	عثمانيها	نادرشاه افشار	بيروزی
تفليس (۲)	گرجیها	شاه عباس کبير	بيروزی	نادرشاه افشار	بيروزی
تفليس (۳)	عثمانيان	شاه عباس کبير	بيروزی	نادرشاه افشار	بيروزی
تبريز (۷)	عثمانيان	شاه عباس کبير	بيروزی	نادرشاه افشار	بيروزی
بغداد (۳)	عثمانيان	شاه عباس کبير	بيروزی	نادرشاه افشار	بيروزی
گمرون (بندرعباس)	پرتغاليها	شاه عباس کبير	بيروزی	نادرشاه افشار	بيروزی
هرمز	پرتغاليها	شاه عباس کبير	بيروزی	نادرشاه افشار	بيروزی
مشهد (۵)	ازبکان	شاه صفی	بيروزی	کریم خان زند	بيروزی
بغداد (۴)	عثمانيها	شاه صفی	بيروزی	آغا محمدخان	بيروزی
همدان (۱)	عثمانيها	شاه صفی	بيروزی	آغا محمدخان	بيروزی
مريوان	عثمانيها	شاه صفی	بيروزی	فتحعلی شاه	شکست
تبريز (۸)	عثمانيها	شاه صفی	بيروزی	فتحعلی شاه	بيروزی
بغداد (۵)	عثمانيها	شاه صفی	بيروزی	فتحعلی شاه	بيروزی
بغداد (۶)	عثمانيها	شاه صفی	شکست	فتحعلی شاه	بيروزی
فرح آباد	روسها	شاه عباس دوم	شکست	فتحعلی شاه	بيروزی
قندهار (۱)	هنديها	نادرشاه	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
کرمان (۱)	افاغنه	شاه سلطان حسين	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
کرمان (۲)	افاغنه	شاه سلطان حسين	شکست	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
گلون آباد	افاغنه	شاه سلطان حسين	شکست	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
تبريز (۹)	عثمانيها	شاه طهماسب دوم	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
تبريز (۱۰)	عثمانيها	شاه طهماسب دوم	شکست	فتحعلی شاه قاجار	شکست
مهمان دوست دامغان	افاغنه	شاه طهماسب دوم	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	شکست
سرده خوار	افاغنه	شاه طهماسب	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
ورامين	دوم			فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
مورچه خورت	افاغنه	شاه طهماسب	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	شکست
اصفهان	دوم			فتحعلی شاه قاجار	شکست
زرقان فارس	افاغنه	شاه طهماسب	بيروزی	فتحعلی شاه قاجار	شکست
همدان (۲)	عثمانيها	شاه طهماسب	شکست	فتحعلی شاه قاجار	شکست
تبريز (۱)	عثمانيها	شاه طهماسب	شکست	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
تبريز (۱۱)	عثمانيها	شاه طهماسب	شکست	فتحعلی شاه قاجار	بيروزی
کرکوک (۱)	عثمانيها	نادرشاه افشار	شکست	ناصرالدین شاه	بيروزی
آق دربند (۱)	عثمانيها	نادرشاه افشار	بيروزی	ناصرالدین شاه	شکست
ليلان	عثمانيها	نادرشاه افشار	بيروزی	ناصرالدین شاه	بيروزی
بغداد (۷)	عثمانيها	نادرشاه افشار	بيروزی	جمهوری اسلامی	بيروزی

۱۲ حمله بزرگی که به ایران شده است

کشور اسلامی مان ایران تاکنون در طول حیات سیاسی خود با حملات مختلفی از طرف اقوام و ممالک مختلف روبرو شده است که این حملات گاهی با شکست توأم بوده و گاهی با پیروزی، در هر حال به مهمترین این حملات اشاره می‌رود:

۱- حمله اسکندر مقدونی در سال ۳۲۵ قبل از میلاد

۲. حمله رومیان در سال ۵۴۰ میلادی

۳. حمله هون‌ها در سال ۳۵۰ میلادی
۴. حمله اعراب در سال ۱۳ هجری
۵. حمله ترکان در سال ۱۹۵ هجری
۶. حمله مغولان در سال ۶۱۶ هجری
۷. حمله تیموریان در سال ۷۷۱ هجری
۸. حمله ازبکان در سال ۹۱۳ هجری
۹. حمله افغانها در سال ۱۱۳۲ هجری
۱۰. حمله روسها در سال ۱۲۱۸ هجری
۱۱. حمله متفین در سال ۱۳۲۰ شمسی
۱۲. حمله عراقی‌ها در سال ۱۳۵۹ شمسی



دولت‌هایی که از کودتای سال ۱۲۹۹ شمسی تا انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷ شمسی بر ایران حکومت کرده‌اند



دولت سیدضیاء (۵ اسفند تا ۸ خرداد ۱۳۰۰)

نخست وزیر	سیدضیاء الدین طباطبایی	تجارت و فواید عامه	موقرالدوله (محمود موقر)
عدلیه	منصورالسلطنه (مصطفی عدل)	معارف	نیرالملک (رضاقلی هدایت)
خارجه	مدیرالملک (محمود جم) - معززالدوله	صحبّه و امور خیریه	مؤدّب الدوله (علی اصغر مؤدّب نفیسی)
جنگ	مسعود کیهان - سردار سپه	داخله	نخست وزیر
مالیه	عیسی فیض - مدیرالملک	معاون	احمد عامری
پست و تلگراف	مشیرمعظم (تقی خواجوی)		



دولت قوام السلطنه (۱۴ خرداد تا ۲ بهمن ۱۳۰۰)

نخست وزیر	قوام السلطنه (احمد قوام)	پست و تلگراف	مشار السلطنه. شهاب الدوله (اسدالله ملک آرا)
خارجه	محتشم السلطنه (حسن اسفندیاری)	تجارت و فواید عامه	ادیب السلطنه (حسین سمیعی)، عمید السلطنه، نیر السلطان (مصطفی نوایی)
جنگ	مصدق السلطنه، مشار السلطنه (اسدالله قدیمی)	معارف	ممتاز الدوله (اسماعیل ممتاز)، دکتر امیراعلم
مالیه	سردار سپه (رضا پهلوی)	صحه و امور خیریه	حکیم الدوله (حسن ادهم)
عدلیه	کفیل - معتمد السلطنه (عبدالله وثوق)، مصدق	داخله	نخست وزیر
	عمید السلطنه (ابراهیم عمید)، مشار السلطنه، عمید السلطنه		



دولت مشيرالدوله (۳ بهمن ۱۳۰۰ تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۱)

نخست وزير	مشيرالدوله (حسن پيرنيا)	عبدالاحسين تيمورتاش)
خارجه	حكيم الملك (ابراهيم حكيم)	اعتلاء السلطنه (احمد پيرنيا)
جنگ	سردار سپه	اديب السلطنه
ماليه	مدير الملك	نير الملك
عدليه	سردار معظم خراساني	نخست وزير
		پست و تلگراف
		تجارت و فوايد عامه
		معارف
		داخله



دولت قوام السلطنه (۱۷ خرداد تا ۷ بهمن ۱۳۰۱)

محتشم السلطنه	معارف	قوام السلطنه (احمد قوام)	نخست وزیر
وحیدالملک (عبدالحسین شیبانی)	پست و تلگراف	سردار سپه	جنگ
نخست وزیر	خارجہ	مشار السلطنه	عدلیہ
نخست وزیر	داخلہ	عمید السلطنه	فوائد عامہ
		فہیم الملک (خلیل فہیمی)	مالیہ



دولت مستوفى الممالك (٢٦ بهمن ١٣٠١ تا ٢٥ خرداد ١٣٠٢)

سردار سپه	جنگ	مستوفى الملك (حسن مستوفى)	نخست وزير
نصر الملك	پست و تلگراف	نصر الملك (حسنعلى كمال هدايت)،	ماليه
مخير السلطنه (مهديقلی هدايت)	تجارت و فوايد عامه	بهاء الملك (عليرضا قره گوزلو)	خارجه
نخست وزير، كفيل - اديب السلطنه	داخله	ذكاء - الملك (محمد على فروغی)	معارف
ممتاز الملك (مرتضى ممتاز)	عدليه	محتشم السلطنه	



دولت مشیرالدوله (۲۳ خرداد تا ۴ آبان ۱۳۰۲)

سردار سپه	جنگ	مشیرالدوله	نخست وزیر
فہم الدولہ (مصطفی قلی ہدایت)،	پست و تلگراف	مصدق السلطنہ	خارجہ
اعتلاء السلطنہ		حکیم الملک	عدلیہ
نخست وزیر	داخلہ	ذکاء الملک	مالیہ
عدل الملک	تجارت	حکیم الدولہ	معارف



دولت سردار سپه (۶ آبان ۱۳۰۲ تا ۲۱ آبان ۱۳۰۴)

اديب السلطنه، نصرت الدوله	سردار سپه	نخست وزير
عزالممالك (امان الله اردلان)	ذکاء الملك، مشارالملك (حسن مشار)	خارجه
مشارالدوله،	سليمان ميرزا، مستشارالدوله (صادق)،	معارف
سردارمعظم خراسانى	مشارالدوله (حكمت) عمادالسلطنه	
قاسم صوراسرافيل، امير اقتدار،	مديرالملك، ذکاء الملك،	ماليه
نخست وزير، قوامالدوله (شكراله صدرى)	نصرت الدوله (فيروز فيروز)	
نخست وزير	سرلشكر خدايارخان، امير اقتدار (محمود	پست و تلگراف
عدل الملك (حسين دادگر)	انصارى)، سردار اسعد (جعفر قلى اسعد)	
	معاوضالسلطنه (ابوالحسن پيرنيا)،	عدليه



دولت ذكاه الملك (۲۸ آذر ۱۳۰۴ تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۵)

سردار اسعد	پست و تلگراف	ذكاه الملك (محمد على فروغی)	نخست وزیر
علی اکبر داور	فوائد و تجارت	عدل الملك (حسین دادگر)	داخله
کفیل - مشار اعظم (یوسف مشار)	علوم و اوقاف	مشار الملك	خارجہ
مرتضی قلی بیات	مالیہ	امیر طهماسبی	جنگ
		عماد السلطنه	عدلیہ



دولت مستوفى الممالك (١٦ خرداد ١٣٠٥ تا ١٢ خرداد ١٣٠٦)

نصر الملك، محمد تدين، نصير الدوله (بدر)	معارف	مستوفى الممالك (حسن مستوفى)	نخست وزير
كفيل- منصور الملك (على منصور)،	داخله	وثوق الدوله (حسن وثوق)،	ماليه
احتشام السلطنه (محمود علامير)، عماد السلطنه		محتشم السلطنه، نصرت الدوله	جنگ
كفيل- منصور السلطنه، وثوق الدوله،	عدليه	ذكاء الملك	خارجه
على اكبرداور		تقى زاده (قبول نكرد)، مشار الممالك	
مشير اعظم (احمد اتابكى)	پست و تلگراف	(على قلى مسعود انصارى)	
		مخبر السلطنه	فوايد عامه



دولت مخبرالسلطنه (۱۶ خرداد ۱۳۰۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۱۲)

نخست وزیر	مهدی قلی هدایت	فوائد عامه	نخست وزیر، حبیب شیبانی، محمود جم
خارجہ	علی قلی انصاری، کفیل-فتح الله پاکروان	عدلیہ	کریم بوذرجمہری، سرلشکر طہماسپی
مالیہ	کفیل- ابوالقاسم عمید، فرزین- فروغی	اقتصاد ملی	علی اکبرداور
	فیروز فیروز، هدایت، محمدعلی فرزین		محمدعلی فروغی
معارف	حسن مشار، حسن تقی زاده	طرق و شوارع	کفیل- عنایت الله سمعی
	محمد تدین، یحیی فراگوزلو کفیل-		باقر کاظمی، رضا افشار، عبدالمجید
جنگ	عماد الملک (محسنی)	صناعت و فلاح (رئیس)	فیروز، علی منصور، حسن تقی زاده
داخلہ	جعفر قلی اسعد	تجارت (رئیس کل)	مهدی فرخ
پست و تلگراف	حسن سمعی، کفیل- زرین کفش	فلاح (رئیس کل)	یاسانی
	اسماعیل صوراسراقیل،		علی اکبر حکیمی
	دیراعظم بہرامی		



دولت فروغی (۲۶ شہریور ۱۳۱۲ تا ۱۲ آذر ۱۳۱۴)

محمود جم	داخلہ	محمد علی فروغی	نخست وزیر
محسن صدر	عدلیہ	جعفر قلی اسعد، کفیل	جنگ
علی اکبر بہمن، مظفر اعلم	ادارہ کل تجارت (رئیس)	سر لشکر احمد نخبوان	مالیہ
امین، مصطفی قلی بیات	صنعت و فلاحت (رئیس)	علی اکبر داور	طرق و شوارع
کفیل - علی اصغر حکمت	معارف	علی منصور	خارجہ
		باقر کاظمی	پست و تلگراف
		محمد علی دولت شاہی، نظام الدین حکمت	



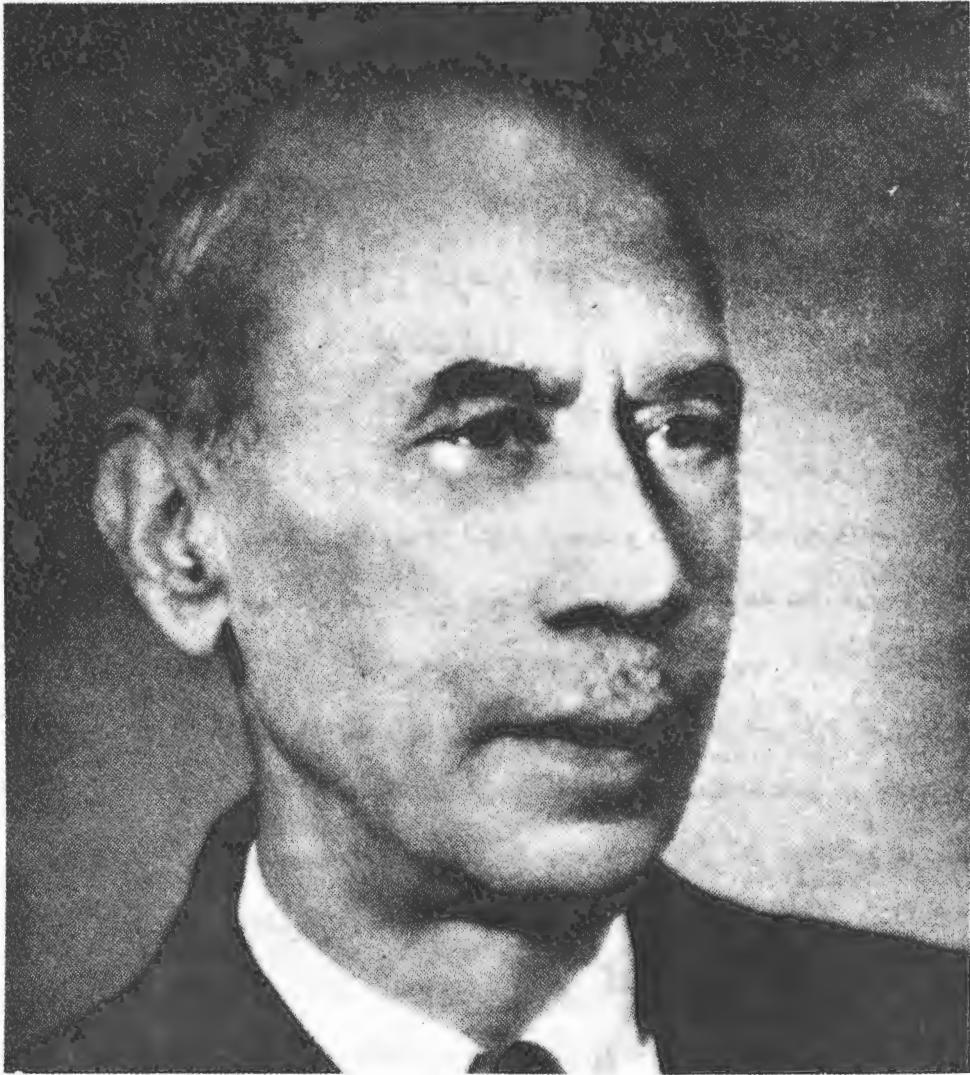
دولت جم (۱۳ آذر ۱۳۱۴ تا ۲ آبان ۱۳۱۸)

نخست وزیر، ابوالقاسم فروهر، علی منصور	داخله	محمود جم	نخست وزیر
علی منصور	پیشه و هنر	محسن صدر، احمد متین دفتری	عدلیه
حسین علا	بازرگانی	علی اکبر داور، کفیل- محمود بدر	مالیه
مصطفی قلی بیات، احمد حسین عدل، حسین رخشانی	رئیس کل فلاحت	کفیل- سرلشکر احمد نخجوان، کفیل- سرلشکر امیر فضلی	جنگ
مظفر اعلم، صادق وثیقی، حسین علاه	رئیس کل تجارت	باقر کاظمی، عنایت الله سمعی، علی سهیلی، مصطفی عدل، علی سهیلی، مظفر اعلم	خارجه
امین، سرلشکر امان الله جهانبانی، مهدی فرخ	رئیس کل صناعت	علی اصغر حکمت، اسماعیل مرآت، حکمت علی منصور، مجیدآهی، محمد سجادی	معارف
		نظام الدین حکمت، ابراهیم علم	طرق و شوارع پست و تلگراف



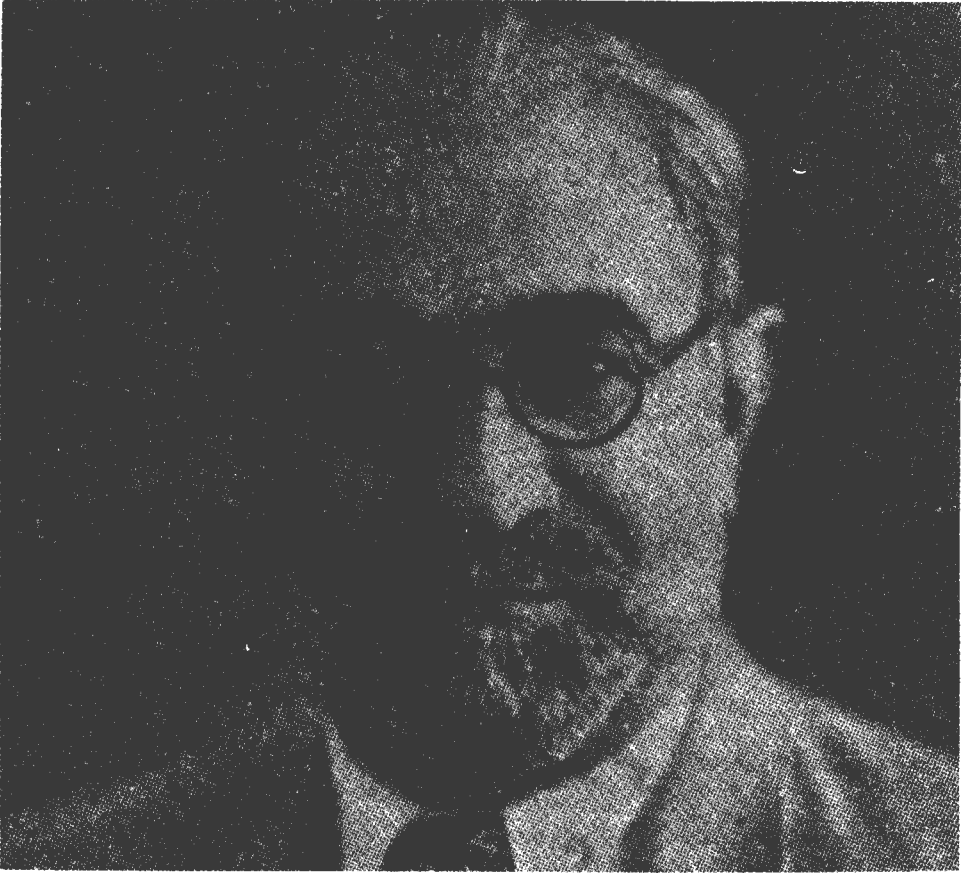
دولت متین دفتری (۳ آبان ۱۳۱۸ تا ۵ تیر ۱۳۱۹)

ابراهیم علم	پست و تلگراف	احمد متین دفتری	نخست وزیر
سرتیپ رضاقلی امیر خسروی	دارایی	علی اصغر حکمت	کشور
کفیل - صادق وثیقی	بازرگانی	مظفر اعلم	خارجہ
کفیل - محمد سروری	دادگستری	کفیل - سرلشکر احمد نخبوان	جنگ
سرتیپ تاج بخش، مصطفی قلی رام	اداره کل کشاورزی	علی منصور	پیشه و هنر
علی معتمدی	معاون	اسماعیل مرآت	فرهنگ
		محمد سجادی	راه



دولت منصورالملک (۵ تیر ۱۳۱۹ تا ۴ شهریور ۱۳۲۰)

اسماعیل مرآت	فرهنگ	علی منصور	نخست وزیر
کفیل - سرلشکر احمد نخجوان	جنگ	مظفر اعلم	خارجہ
صادق وثیقی	بازرگانی	علی سہیلی	کشور
کفیل - محمد سروری، مجید آہی	دادگستری	سرتیپ رضاقلی امیر خسروی،	دارایی
نخست وزیر	پیشہ و ہنر	کفیل - عباس قلی گلشانیان	
مصطفی قلی رام	رئیس کل کشاورزی	محمد سجادی	راہ
		ابراہیم علم	پست و تلگراف



دولت فروغی (۵ شہریور تا ۱۸ اسیفند ۱۳۲۰)

سر لشکر محمد نخجوان		محمد علی فروغی	نخست وزیر
کفیل - عباس قلی گلشانیان،	دارایی	علی سہیلی	خارجہ
حسن مشرف نفیسی، یداللہ عضدی		مجید آہی، عباس قلی گلشانیان	دادگستری
کفیل - صادق وثیقی،	بازرگانی	جواد عامری، سر لشکر امان اللہ جہانبانی	کشور
عباس قلی گلشانیان، عبدالحسین ہزبر		سہید احمد امیر احمدی، باقر کاظمی	
علی اصغر حکمت	پیشہ و ہنر	محمد سجادی، سر لشکر جہانبانی	راہ
مصطفی قلی آرام، علی اکبر حکیمی	کشاورزی	ابراہیم علم، حمید سیاح،	پست و تلگراف
اسماعیل مرآت، باقر کاظمی،	بہداری	حسنعلی کمال ہدایت	
علی اصغر حکمت		اسماعیل مرآت، عیسی صدیق اعلم،	فرہنگ
عباس قلی گلشانیان، مجید آہی	اقتصاد ملی	محمد تدین، مصطفی عدل	
(و کشاورزی و خواروبار)		کفیل - سر لشکر احمد نخجوان،	جنگ



دولت سهیلی (۱۸ اسفند ۱۳۲۰ تا ۱۵ مرداد ۱۳۲۱)

عبدالحسین هزبر	پیشه و هنر	علی سهیلی	نخست وزیر
احمد حسین عدل	کشاورزی	علی اصغر حکمت	بهداری
فضل الله بهرامی	پست و تلگراف	محمود بدر	دارایی
نخست وزیر، مهدی فرخ	کشور	سرلشکر امان الله جهانبانی	جنگ
نخست وزیر، محمد ساعد	خارجہ	مصطفی عدل	فرهنگ
مجید آهی	دادگستری	یدالله عضدی	راه
			بازرگانی و



دولت قوام السلطنه (۱۸ مرداد تا ۲۵ بهمن ۱۳۲۱)

حمید سیاح، محسن رئیس	پست و تلگراف	احمد قوام	نخست وزیر
عبدالحسین هزبر	پیشه و هنر	علیرضا قراگوزلو، جواد عامری	دادگستری
احمد حسین عدل	و بازرگانی	محمد ساعد	خارجہ
مهدی فرخ	کشاورزی	باقر کاظمی، فضل الله بهرامی	کشور
سپہبد احمد امیراحمدی	خواواریار	حسن تقی زاده، باقر کاظمی،	دارایی
صادق صادق، ابراهیم حکیمی	جنگ	اللہیار صالح	فرہنگ
علی امینی	مشاور	علی اکبر سیاسی	راہ
	معاون	یدالله عضدی، علی معتمدی	بهداری
		دکتر اسماعیل مرزبان، عبداللہ انتظام	



دولت سهیلی (۲۸ بهمن ۱۳۲۱ تا ۷ فروردین ۱۳۲۳)

علی اکبر سیاسی	فرهنگ	علی سهیلی	نخست وزیر
نصرالله انتظام	پست و تلگراف	علی اصغر حکمت، محسن صدر	دادگستری
اللهیار صالح	دارایی	امان الله اردلان	بهداری
محمد تدین	خواروبار		بازرگانی و
احمد اعتبار	کشاورزی	محمود بدر	پیشه و هنر
نخست وزیر، حسین سمعی، محمد تدین	کشور	سپهبد احمد امیر احمدی	جنگ
محمد تدین، حسین سمعی،	مشاور	عبدالحسین هزبر	راه
خلیل فهیمی		محمد ساعد	خارجہ



دولت ساعد (۸ فروردین تا ۲ آذر ۱۳۲۳)

ابوالقاسم فروهر، یوسف مشار	پست و تلگراف	محمد ساعد مراغه‌ای	نخست وزیر
سرلشکر علی ریاضی، قاسم غنی، باقر کاظمی	فرهنگ	اسدالله ممقانی، اللهیار صالح	دادگستری
محمود نریمان، ابوالقاسم فروهر، علی اصغر زرین کفش	دارایی	عبدالحسین هژبر، محمد سروری	کشور
محمود فاتح، ناصر اعتمادی (نصرالدوله)	کشاورزی	ابراهیم زند، سرلشکر محمدحسین فیروز	جنگ
نخست وزیر	خارجہ	کفیل - سرتیپ عبدالله هدایت	راه
مرتضی قلی بیات، مصطفی عدل، خلیل فهیمی	مشاور	حمید سیاح، محمود نریمان	بازرگانی و
معاون (امور پارلمانی) محمد نخعی، آقاخان اشرفی		امان الله اردلان، محمد نخعی	پیشه و هنر
		دکتر قاسم غنی، دکتر سعید مالک، کفیل - دکتر منوچهر اقبال	بهداری



دولت بیات (۴ آذر ۱۳۲۳ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۴)

نخست وزیر	مرتضی قلی بیات	فرهنگ	عیسی صدیق اعلم
دادگستری	مصطفی عدل	راه	نصرالله انتظام
کشور	محمد سروری	بهداری	دکتر سعید مالک
خارجہ	محسن رئیس، نصرالله انتظام	جنگ	ابراهیم زند
دارایی	امان الله اردلان	پست و تلگراف	نادر آراسته
بازرگانی و پیشه و هنر	حسنعلی کمال هدایت	مشاور	خلیل فہیمی، علی کبر سیاسی



دولت حكيم الملك (۲۲ اردیبهشت تا ۲۳ خرداد ۱۳۲۴)

ابوالقاسم نجم	بازرگانی و	ابراهيم حكيمى	نخست وزير
غلامحسين رهنما	پيشه و هنر	دكتور اسماعيل مرزبان	بهدارى
اللهيار صالح	فرهنگ	نصرالله خلمبرى	كشاورزى
نخست وزير	دادگستري	عبدالحسين هژير	دارايى
حسنعلى كمال هدايت	كشور	ابراهيم زند	جنگ
	مشاور	نادر آراسته	راه
		انوشير وان سبهيدى	خارجه



دولت صدرا لاشراف (۲۲ خرداد تا ۲۲ مهر ۱۳۲۴)

محمد نخعی	کشاورزی	محسن صدر	نخست وزیر
احمد اعتبار	پست و تلگراف	حسنعلی کمال هدایت	دادگستری
نادر آراسته	راه	محمود بدر	دارایی
انوشیروان سبهبیدی	خارجہ	عباس قلی گلشائیان	بازرگانی و
غلامحسین رهنما	فرهنگ	ابراهیم زند	پیشه و هنر
نخست وزیر، کفیل- احمد فریدونی	کشور	دکتر سعید مالک	جنگ
مصطفی عدل	مشاور		بهداری



دولت حكيم الملك (۷ آبان تا ۳۰ دی ۱۳۲۴)

سرلشكر محمد حسين فيروز	راه	ابراهيم حكيمي	نخست وزير
دكتور سعيد مالك	بهدارى	امان الله اردلان	دادگستري
محمود نريمان	پست وتلگراف	ابوالقاسم نجم	خارجہ
احمد حسين عدل	كشاورزى	خليل فهيمى، اللهيار صالح	کشور
نخست وزير، هاشم صهبا	پيشه و هنر	سرلشكر على رياضى	جنگ
نخست وزير	بازرگانى	عبدالحسين هزبر	دارايى
اللهيار صالح وحسنعلى كمال هدايت	مشاور	غلامحسين رهنما	فرهنگ



دولت قوام السلطنه (۳ بهمن ۱۳۲۴ تا ۵ دی ۱۳۲۶)

شمس‌الدین امیرعلایی، احمدحسین عدل	کشاورزی	احمد قوام	نخست وزیر
ابوالحسن صادقی، محمد سجادی	اقتصاد ملی	انوشیروان سبهدی، اللهیار صالح،	دادگستری
سبهد احمد امیراحمدی، محمود جم	جنگ	علی اکبر موسوی زاده، مصطفی عدل	
مظفر فیروز، محمدولی فرمانفرمایان،	کار و تبلیغات	مرتضی قلی بیات، عبدالحسین هزبر	دارایی
سلمان اسدی، احمد آرامش		سرلشکر محمدحسین فیروز،	راه
نخست وزیر، سرلشکر فرج‌الله آق‌اولی	کشور	ابوالحسن صادقی، غلامحسین فرهر	
نخست وزیر، انوشیروان سبهدی،	خارجہ	احمدعلی سپهر، ایرج اسکندری، حمیدسیاح	پیشه و هنر
موسی نوری اسفندیاری		دکتر منوچهر اقبال، دکتر مرتضی یزدی،	بهداری
انوشیروان سبهدی، علی اصغر حکمت	مشاور	دکتر اقبال	
علی اکبر موسوی زاده، محمدعلی		سهام‌الدین غفاری، دکتر اقبال،	پست و تلگراف
همایون‌نجاه، مصطفی منصور عدل		اعزاز نیک‌پی، علی نصر، جواد بوشهری	
علی امینی، احمد آرامش، اعزاز نیک‌پی	معاون	محمدتقی بهار، فریدون کشاورز، علی	فرهنگ
		شایگان، عیسی صدیق اعلم	



دولت حكيم الملك (٦ دى ١٣٢٦ تا ٢٥ خرداد ١٣٢٧)

ابوالقاسم نجم	دارايى	ابراهيم حكيمى	نخست وزير
سهيبد مرتضى يزدان پناه	جنگ	محمد سرورى	دادگستري
محمد وارسته	پست و تلگراف	سرلشكر آق اولى، سهيبد امير احمدى	كشور
باقر كاظمى، موسى نورى اسفنديارى	خارجہ	محمد سجادى	اقتصاد ملى
باقر شاهرودى	كشاورزى	على معتمدى، امان الله اردلان	راه
على سهيلى و عبدالحسين هزير	مشاور	على اكبر سياسى	فرهنگ
		دكتور سعيد مالك	بهدارى



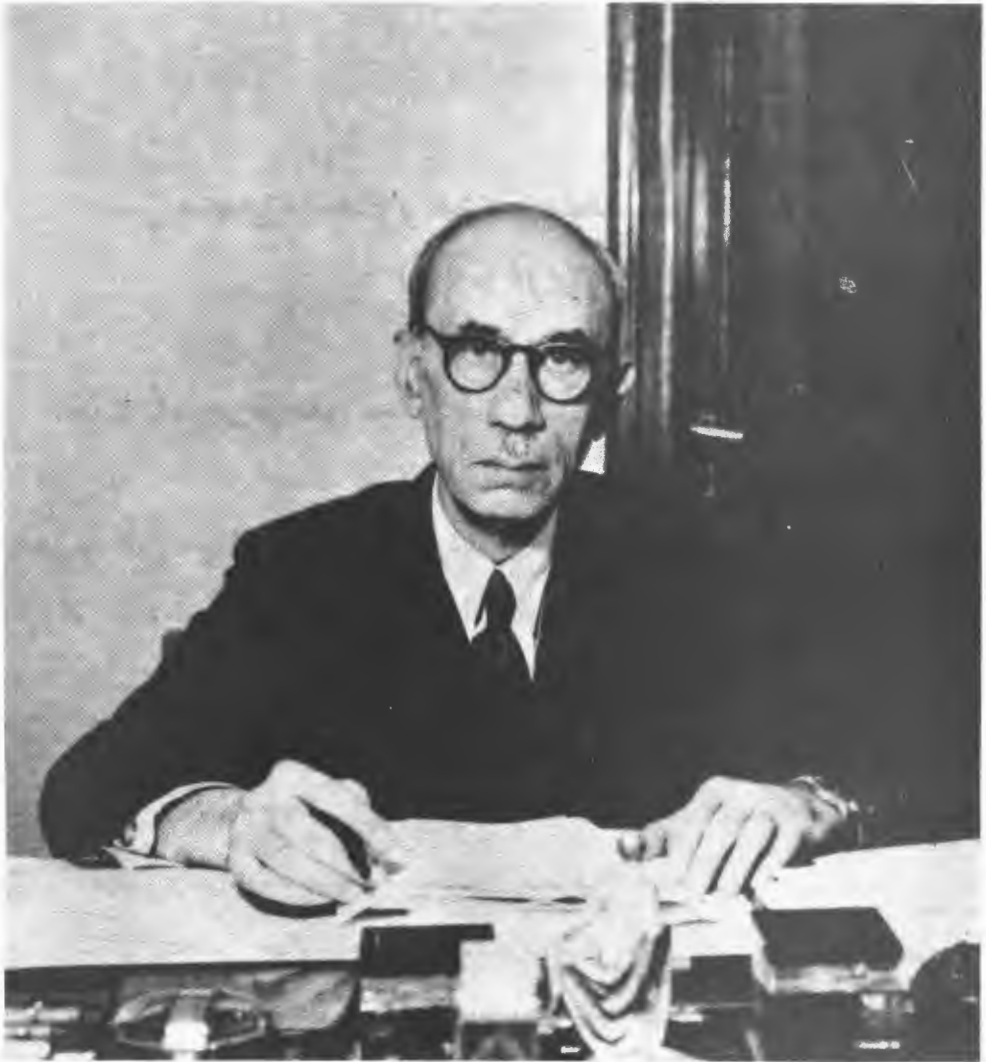
دولت هژیر (۲۷ خرداد تا ۲۵ آبان ۱۳۲۷)

دکتر اقبال	فرهنگ	عبدالحسین هژیر	نخست وزیر
جواد بوشهری، فخرالدین شادمان	کشاورزی	محمدعلی نظام مافی، عباس قلی گلشائیان	دادگستری
دکتر عباس ادهم	بهداری	خلیل فهیمی، نخست وزیر	کشور
سپهبد امیر احمدی	جنگ	امان الله اردلان، محمدعلی وارسته	دارایی
فخرالدین شادمان، آقاخان اشرفی	اقتصاد ملی	موسی نوری اسفندیاری	خارجہ
جمال امامی و مصطفی عدل	مشاور	نادر آراسته	پست و تلگراف



دولت ساعد (۱۷ آذر تا ۲ فروردین ۱۳۲۹)

نادر آراسته	پست و تلگراف	محمد ساعد مراغه‌ای	نخست وزیر
آقاخان اشرفی	اقتصاد ملی	محسن صدر، محمد سجادی	دادگستری
محمد سجادی، نادر آراسته، حمید سیاح	راه	دکتر امیراعلم، دکتر منوچهر اقبال،	بهداری
احمد مقبل	کشاورزی	دکتر عباس ادهم	خارجہ
نخست وزیر، دکتر اقبال	کشور	علی اصغر حکمت	جنگ
جمال امامی، طاهری یزدی، مصطفی عدل	مشاور	سپهبد امیر احمدی	فرهنگ
ابراهیم فهیمی		محمد سجادی، عبدالحمید زنگنه	دارایی
		عباس قلی گلشانیان	



دولت منصورالملک (۱۴ فروردین تا ۶ تیر ۱۳۲۹)

محمد علی وارسته	بهداری	علی منصور	نخست وزیر
سیدجلال تهرانی	پست و تلگراف	علی هیئت	دادگستری
اسدالله علم	کشاورزی	سپهبد مرتضی یزدان پناه	جنگ
علی امینی، صادق وثیقی	اقتصاد ملی	ابراهیم زند، امان الله اردلان	کشور
حسین علا	خارجہ	مسعود کیهان	فرهنگ
نخست وزیر، محمد علی وارسته، محمد سجادی	دارایی	محمد نخعی	کار
		دکتر منوچهر آقبال	راه



دولت رزم آرا (۶ تیر تا ۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

کفیل - جعفر شریف امامی	راه	سر لشکر حاج علی رزم آرا	نخست وزیر
دکتر جهانشاه صالح	بهداری	کفیل - محمود صالحی	خارجہ
کفیل - امیر قاسم اشرافی	پست و تلگراف	سر لشکر عبدالله هدایت	جنگ
محمد نخعی، غلامحسین فروهر، اسدالله علم	کار	تقی نصر، کفیل - عبدالباقی شعاعی	دارایی
ابراهیم مهدوی	کشاورزی	غلامحسین فروهر	دادگستری
نخست وزیر، امان الله اردلان	کشور	محمد علی بوذری	فرهنگ
خلیل فہیمی	مشاور	شمس الدین جزایری، عبدالحمید زنگنه	اقتصاد ملی
علی نصر	معاون	مرتضی آزموده، عبدالله دفتری	



دولت علا (۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا ۱۲ اریهشت ۱۳۳۰)

سرلشکر حسن ارفع	راه	حسین علا	نخست وزیر
حسنعلی فرمند	کشاورزی	شمس الدین امیر علایی	دادگستری
احمد زنگنه	پست و تلگراف	عبدالله انتظام	خارجہ
دکتر عباس نفیسی	بهداری	سرلشکر فضل الله زاهدی	کشور
کفیل - حبیب نفیسی	کار	محمدعلی وارسته	دارایی
کفیل - جمشید مفخم	اقتصاد ملی	سپهبد علی اصغر نقدی	جنگ
علی دشتی	مشاور	حبیب آموزگار	فرهنگ



دولت مصدق (۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ تیر ۱۳۳۱)

محمد مصدق	نخست وزیر	دارایی	محمدعلی وارسته، محمود نریمان
علی هیئت، شمس‌الدین امیرعلایی	دادگستری	کفیل - علی اصغر فروزان	
باقر کاظمی	خارجہ	کشاورزی	حسنعلی فرمند، خلیل طالقانی
سرلشکر فضل‌الله زاهدی، امیرعلایی،	کشور	کار	امیر تیمور کلالی
ابراهیم امیر تیمور کلالی	بهداری	فرهنگ	کریم سنجابی، محمود رخسانی
دکتر حسن ادهم، دکتر محمدعلی ملکی	پست و تلگراف	اقتصاد ملی	امیرعلایی، علی امینی
یوسف مشاور، غلامحسین صدیقی	راه	مشاور	دکتر حسن ادهم
جواد بوشهری		معاون	حسین فاطمی



دولت قوام (۲۸ تیر تا ۳۱ تیر ۱۳۳۱)

این دولت به مجلس معرفی نشد

دکتر منوچهر اقبال (معاون: منوچهر تیمورتاش)	راه	احمد قوام	نخست وزیر
جمال امامی (معاون: سید محمدعلی شوشتری)	کشور	رضا تجدد (معاون: عمید)	دادگستری
اعزاز نیک بی (معاون: مهدی پیراسته)	پست و تلگراف	علی سهیلی	خارجہ
سیدجلال تهرانی، علی اقبال	مشاور	علی امینی	دارایی
	معاون	احمد آرامش	کار
عباس اسکندری	(امور پارلمانی)	غلامحسین فروهر	اقتصاد ملی
حسن ارسنجانلی	معاون (تبلیغات)	احمد حسین عدل (معاون: دریابیگی)	کشاورزی



دولت مصدق (۳۱ تير ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

داور رجبي، جهانگير حق شناس	راه	دکتر محمد مصدق	نخست وزير
علي اکبر اخوي	اقتصاد ملي	باقر کاظمي	دارايي
مهدي آنر	فرهنگ	غلامحسين صديقي	کشور
دکتر صبار فرمانفرمايان	بهداري	ابراهيم عالمي	کار
نخست وزير	دفاع ملي	خليل طالقاني	کشاورزي
داور رجبي	مشاور	عبدالعلي لطفی	دادگستري
ملك اسماعيلي، سرلشکر مهنا	معاون	حسين نواب، حسين فاطمي	خارجہ
		سيف الله معظمي	پست و تلگراف



دولت زاهدی (۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۸ اسفند ۱۳۳۳)

دکتر جهانشاه صالح	بهداری	سرلشکر فضل الله زاهدی	نخست وزیر
ابوالقاسم پناهی، دکتر مسعودملکی	کار	عبدالله انتظام	خارجہ
نخست وزیر، کفیل - محمدحسین جهانپانی	کشور	علی امینی	دارایی
علی اصغر حکمت، امیرحسین	مشاور	سرلشکر عبدالله هدایت	جنگ
ایلخان ظفر، محمدسجادی،		جمال الدین اخوی، فخرالدین شادمان	دادگستری
محمدحسین جهانپانی محمدنمازی		محمد مهران (قبول نکرد)، رضاجعفری	فرهنگ
جمال امامی، جمال الدین اخوی		سرتیپ عباس فرزندگان	پست و تلگراف
غلامرضا فولادوند	معاون	غلامعلی میکده، سرلشکرعباس گرزن	راه
موسی سراهندی	معاون اداری	علی اصغر پورهمايون، فخرالدین شادمان	اقتصاد ملی
		احمد حسین عدل	کشاورزی



دولت علا (اول فروردین ۱۳۳۴ تا ۱۲ فروردین ۱۳۳۶)

امیر قاسم اشراقی	پست و تلگراف	حسین علا	نخست وزیر
سرلشکر ولی انصاری	راه	عبدالله انتظام، علیقلی اردلان	خارجہ
ابراهیم کاشانی	اقتصاد ملی	سہید عبدالله ہدایت،	جنگ
خلیل طالقانی، محمود ناصری	کشاورزی	سرلشکر احمد وثوق	
دکتر جهانشاہ صالح	بہداری	اسدالله علم	کشور
محسن نصر	کار	علی امینی، کفیل۔ علی اصغر فروزان	دارایی
علیقلی اردلان، رضا گنجہ ای	صنایع و معادن	محمد سجادی، غلامحسین فروہر	
	مشاور و نایب	محمود مہران	فرہنگ
عبدالله انتظام	نخست وزیر	جمال الدین اخوی، علی امینی،	دادگستری
محمد نمازی، خلیل طالقانی، احمد مقبل	مشاور	عباسقی گلشانیان	



دولت دکتر اقبال (۱۴ فروردین ۱۳۳۶ تا ۶ شهریور ۱۳۳۹)

امیر قاسم اشراقی	بست و تلگراف	دکتر منوچهر اقبال	نخست وزیر
مصطفی تجدد، عباسقلی نیساری، عبدالحسین اعتبار، حسنعلی منصور	بازرگانی	علیقلی اردلان، علی اصغر حکمت، جلال عبده، عباس آرام	خارجہ
آفاخان بختیار، جمشید آموزگار، حسنعلی منصور، عبدالرضا انصاری	کار	فتح الله جلالی، سرلشکر نادر باتمانقلیچ، رحمت اتاہکی	کشور
کفیل - محمد مجلسی، محمد علی هدایتی	دادگستری	محمود مهران	فرہنگ
سرلشکر احمد وثوق	جنگ	دکتر عبدالحسین راجی، دکتر محمدحسین ادیب	بہداری
خلیل طالقانی، نصرت الله کاشمی	مشاور	علی اصغر ناصر، سرلشکر علی اکبر ضرغام	دارایی
معاون (رئیس ساواک) سہبہد تیمور بختیار		سرلشکر ضرغام، موسی خطاطان	گمرکات و انحصارات
دکتر غلامرضا کیان	معاون (پارلمانی)	سرلشکر ولی انصاری	راہ
مصطفی الموتی	معاون	سرتیپ حسن اخوی، جمشید آموزگار	کشاورزی
		جعفر شریف امامی	صنایع و معادن



دولت شریف امامی (۹ شهریور ۱۳۳۹ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۰)

صنایع و معادن	طاهر ضیائی	نخست وزیر	جعفر شریف امامی
کار	احمد علی بهرامی	دادگستری	محمد هدایتی، محمد علی ممتاز
گمرکات و انحصارات	محمد رضی ویشکانی	خارجہ	یدالله عضدی، حسین قدس نخعی
بازرگانی	علی اصغر پورهمایون	بهداری	دکتر جهانشاه صالح، دکتر جواد آشتیانی
کشاورزی	ابراهیم مهدوی	فرهنگ	محمود مهران، عیسی صدیق اعلم،
مشاور (سرپرست)			دکتر جهانشاه صالح
امور اقتصادی	محمد سجادی	راه	سرلشکر ولی انصاری، ابوالحسن بهنیا
مشاور (رئیس)		جنگ	سپهبد علی اصغر نقدی
سازمان برنامه	خسرو هدایت، احمد آرامش	دارایی	سرلشکر علی اکبر ضرغام،
معاون (رئیس ساواک)	سپهبد تیمور بختیار		عبدالباقی شعاعی
مشاور		پست و تلگراف	عبدالحسین اعتبار
(انتشارات و رادیو)	نصرت الله معینیان	کشور	سپهبد مهدی قلی علوی مقدم،
مشاور	اشرف احمدی، حسن نبوی		سپهبد صادق امیر عزیزی



دولت امینی (۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ تا ۲۹ تیر ۱۳۴۱)

کشاورزی	حسن ارسنجانی	علی امینی	نخست وزیر
بازرگانی	جهانگیر آموزگار	نورالدین الموتی	دادگستری
فرهنگ	محمد درخشش	حسین قدس نخعی، عباس آرام	خارجہ
مشاور (سرپرست)		سپهبد صادق امیر عزیزی	کشور
امور اقتصادی)	علی اصغر پورهمایون	سپهبد علی اصغر نقدی	جنگ
مشاور	محسن نصر، هادی اشتری	عبدالحسین بهنیا کفیل-	دارایی (گمرکات
	ناصر ذوالفقاری	محمد علی هنجنی	و انحصارات)
معاون (رئیس ساواک)	سپهبد تیمور بختیار	هوشنگ سمیعی	پست و تلگراف
	سرلشکر حسن پاکروان	عطاالله خسروانی	کار
معاون		غلامعلی فرہور، تقی سرلک	صنایع و معادن
(انتشارات و تبلیغات)	نصرت الله معینیان	جمال گنجی	راه
معاون (امور مذهبی)	شریف العلمای خراسانی	دکتر غلامحسین طباطبائی (قبول نکرد)	بهداری
معاون	مسعود فروغی، علی وثوق، احمد نامدار	دکتر ابراهیم ریاحی	



دولت علم (۳۰ تیر ۱۳۴۱ تا ۱۸ اسفند ۱۳۴۲)

اسدالله علم	نخست وزیر
غلامحسین خوشبین. محمد باهری	دادگستری
عباس آرام	خارجہ
سہیدصادق امیرعزیزی. مہدی پیراستہ	کشور
سہید علی اصغر نقدی. کفیل۔	جنگ
سہید اسدالله صنہی	دارایی
عبدالحسین بہنیا. کفیل۔ غلامرضا ہرزگر	فرہنگ
پرویز ناتل خانلری	راہ
داود رجیبی. نصرت اللہ معینیان.	
حسن شالچیان	بہداری
دکتر ابراہیم ریاحی	پست و تلگراف
ہوشنگ سمعی	بازرگانی
غلامحسین جہانشاہی	صنایع و معادن
طاہر ضیائی	اقتصاد (بازرگانی)
و صنایع معادن)	
علی نقی عالیخانی	
کار	
عطا اللہ خسروانی	
کشاوری	
حسن ارسنجانہی. سہید اسماعیل ریاحی	
مشاور	
نصرا اللہ انتظام. مسعود فروغی.	
سہید امیرعزیزی. غلامحسین خوشبین	
قائم مقام (رئیس	
سازمان ہرنامہ)	
صفی اصفیا	
معاون (تہلیفات)	
جہانگیر تفضلی. نصرت اللہ معینیان	
معاون (رئیس ساواک) سرلشکر حسن پاکروان	
معاون (رئیس	
جلب سیاہان)	
مہدی شیبانی	
معاون (سرپرست	
اموراداری واستخدامی)	
منوچہرگودرزی	
معاون	
علی نقی کئی. رسول پرویزی	



دولت منصور (۱۷ اسفند ۱۳۴۲ تا ۷ بهمن ۱۳۴۳)

اطلاعات	حسنعلی منصور	نخست وزیر
آبادانی ومسکن	باقر عاملی	دادگستری
آب وبرق	عباس آرام	خارجہ
مشاور (رئیس)	جواد صدر	کشور
سازمان برنامه)	سپهبد اسدالله صنیعی	جنگ
مشاور (امور	امیرعباس هویدا	دارایی
اداری واستخدامی)	عبدالعلی جهانشاهی	فرهنگ
مشاور	هادی هدایتی	آموزش و پرورش
(امور پارلمانی)	مهرداد پهلبد	فرهنگ و هنر
مشاور	محمود کشفیان. حسن شالچیان	راه
محمد نصیری. هادی هدایتی. محمود کشفیان	جمشید آموزگار	بهداری
حسن شالچیان. عبدالعلی جهانشاهی	فرهنگ شفیی. فتح الله ستوده	پست و تلگراف
معاون	علی نقی عالیخانی	اقتصاد
(رئیس ساواک)	سپهبد اسماعیل ریاحی	کشاورزی
سرلشکر حسن پاکروان	عطاالله خسروانی	کار
معاون		
(جلب سیاحان)		
قاسم رضایی		



دولت هویدا (۱۱ بهمن ۱۳۴۳ تا ۲۷ مهر ۱۳۴۶)

منصور روحانی	آب و برق	امیرعباس هویدا	نخست وزیر
	مشاور (امور	یاقر عاملی، جواد صدر	دادگستری
منوچهر گودرزی	اداری و استخدامی)	عباس آرام، اردشیر زاهدی	خارجہ
جواد منصور، غلامرضا نیک پی، محمود-	مشاور	جواد صدر، عبدالرضا انصاری	کشور
کتفیان، محمدنصری، عبدالله جهانشاهی	-	سپهبد اسدالله صنیعی	جنگ
	مشاور (رئیس	نخست وزیر، جمشید آموزگار	دارایی
صفی اصفیا	سازمان برنامه	مهرداد پهلبد	فرهنگ و هنر
	معاون	هادی هدایتی	آموزش و پرورش
سپهبد نعمت الله نصیری	(رئیس ساواک)	حسن شالچیان	راه
ناصر یگانه	معاون پارلمانی	جمشید آموزگار، دکتر منوچهر شاهقلی	بهداری
معاون (جلب سیاهان) قاسم رضانی	معاون (رئیس	فتح الله ستوده	پست و تلگراف
	دقتر بودجه)	علی نقی عالیخانی	اقتصاد
عبدالمجید مجیدی	معاون	سپهبد اسماعیل ریاحی	کشاورزی
غلامرضا نیک پی، یدالله شهبازی،	معاون	عطاء الله خسروانی	کار
حسن تدین، کریم پاشا بهادری		سرلشکر حسن پاکروان،	اطلاعات
		هوشنگ انصاری، جواد منصور	



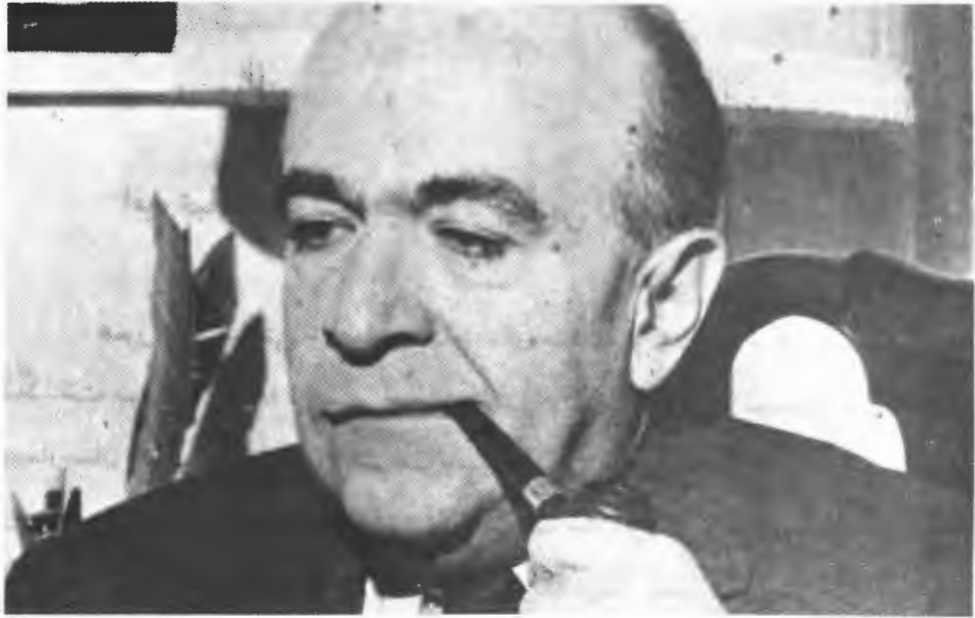
دولت هویدا (۲۷ مهر ۱۳۴۶ تا ۲۰ شهریور ۱۳۵۰)

نخست وزیر	امیرعباس هویدا	آبادانی و مسکن	هوشنگ نهاوندی. غلامرضا نیک‌پی
دادگستری	جواد صدر. منوچهر پرتو	محمد یگانه. کورس آموزگار	
خارجہ	اردشیری زاهدی	آب و برق	منصور روحانی
کشور	عبدالرضا انصاری. عطاءالله خسروانی	مشاور (امور)	منوچهر گودرزی. حسین کاظم‌زاده.
	حسن زاهدی	اداری و استخدامی	محمود کشفیان
جنگ	سپهبد اسدالله ضعیفی. سپهبد رضا عظیمی	مشاور (امور اجرایی)	غلامرضا نیک‌پی. هادی هدایتی
دارایی	جمشید آموزگار	مشاور (امور اقتصادی)	صفی اصفیا
فرهنگ و هنر	مهرداد پهلبد	مشاور (امور)	
آموزش و پرورش	هادی هدایتی. فرخ روپارسا	حمل و نقل)	منوچهر گودرزی
علوم و آموزش عالی	مجید رهنما. حسن کاظم‌زاده	مشاور (پارلمانی)	ناصر یگانه. محمود قوام صدیقی
راه	حسن شالچیان	مشاور	محمد نصیری. محمود کشفیان
بهداری	دکتر منوچهر شاهقلی	معاون (رئیس ساواک)	سپهبد نعمت‌الله نصیری
پست و تلگراف	فتح‌الله ستوده	معاون (رئیس)	
اقتصاد	علی نقی عالیخانی، هوشنگ انصاری	جلب سیاحان)	قاسم رضائی
کشاورزی	حسن زاهدی، ایرج وحیدی.	معاون (رئیس اوقاف)	نصیر عصار
تولیدات کشاورزی	عبدالمجید مجیدی. منوچهر گودرزی.	معاون (رئیس)	
	سپهبد اسدالله ضعیفی	دفتر بودجه)	حسین کاظم‌زاده. علی هزاره
منابع طبیعی	ناصر گل‌سرخ	معاون (رئیس)	سپهبد پرویز خسروانی
اصلاحات ارضی	سرهنک عبدالعظیم ولیان	ترتیب بدنی)	
کار	عطاءالله خسروانی. عبدالمجید مجیدی	معاون	یدالله شهبازی. حسن تدین.
اطلاعات	جواد منصور. محمد سام		کریم پاشا بهادری



دولت هویدا (۲۸ شهریور ۱۳۵۰ تا اول مهر ۱۳۵۴)

سازمان برنامه	امیر عباس هویدا	نخست وزیر
مهدی سمعی. عبدالمجید مجیدی	صادق احمدی	دادگستری
مشاور (نایب نخست)	عباس علی خلعتبری	خارجہ
وزیر در امور اقتصادی	محمد سام. جمشید آموزگار	کشور
مشاور (امور اجرائی)	جمشید آموزگار	دارایی
مشاور (امور)	هوشنگ انصاری	امور اقتصاد و دارایی
اداری و استخدامی	ارتشبد رضا عظیمی	جنگ
مشاور (امور پارلمانی)	مهرداد پهلید	فرهنگ و هنر
مشاور	حسن شالچیان. جواد شهرستانی	راه
منوچهر کلالی. منوچهر گودرزی.	فتح الله ستوده. کریم معتمدی	پست و تلگراف
محمد یگانه	دکتر منوچهر شاهقلی.	بهداری
معاون (رئیس ساواک)	پروفسور انوشیروان پویان	کار و امور اجتماعی
ارتشبد نعمت اله نصیری	عبدالمجید مجیدی. امیر قاسم معینی	آموزش و پرورش
معاون (رئیس)	فرخ روبراسا	علوم و آموزش عالی
سپهبد پرویز خسروانی.	حسین کاظم زاده. دکتر منوچهر شاهقلی	آب و برق
تربیت بدنی)	ایرج وحیدی	آبادانی و مسکن
معاون (رئیس)	کورس آموزگار. همایون جابری انصاری	اطلاعات
جلب سیاحان)	حمیدرهنما. غلامرضا کیانپور	تعاون و
سیروس فرزانه	عبدالمعظم ولیان. رضا صدیقیانی	امور روستا
معاون (رئیس اوقاف)	منصور روحانی	کشاورزی
معاون (رئیس)		مشاور (رئیس)
دفتر بودجه)		
معاون (رئیس)		
دفاع غیر نظامی)		
سپهبد محسن مبصر		
معاون		
یدالله شهبازی. حسین تدین. اکبر اعتماد.		
احمد کاشفی. سپهبد محمد بهروز.		
سپهبد مشاور		



دولت هویدا (اول مهر ۱۳۵۴ تا ۲۵ مرداد ۱۳۵۶)

آموزش عالی	دکتر عبدالحسین سمیعی. قاسم معتمدی	امیر عباس هویدا	نخست وزیر
تعاون و امور روستائی	رضا صدقیانی	صادق احمدی	دادگستری
مشاور (در)		عباسعلی خلعتبری	خارجہ
امور اقتصادی	صفی اصفیا	جمشید آموزگار	کشور
مشاور (امور زنان)	مهناز افخمی	هوشنگ انصاری	دارایی
مشاور (رئیس سازمان)		ارتشبد رضا عظیمی	جنگ
برنامه	عبدالمجید مجیدی	مهرداد بهلید	فرهنگ و هنر
مشاور	ضیاء الدین شادمان	جواد شهرستانی - ابراهیم فرح بخشیان	راه
معاون (رئیس ساواک)	ارتشبد نعمت الله نصیری	کریم معتمدی	پست و تلگراف
معاون (رئیس دفاع)		دکتر انوشیروان پویان - دکتر شیخ الاسلام زاده	بهداری
غیر نظامی	سپهبد محسن مبصر	دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده	رفاه اجتماعی
معاون (رئیس اوقاف)	محمد حسین احمدی	ایرج وحیدی - پرویز حکمت	نیرو
معاون (رئیس حفاظت)		احمد هوشنگ شریفی - منوچهر گنجی	آموزش و پرورش
محیط زیست	اسکندر فیروز	امیر قاسم معینی - منوچهر آزمون	کار و امور اجتماعی
معاون (رئیس)		فریدون مهدوی. منوچهر تسلیمی	بازرگانی
انرژی اتمی	اکبر اعتماد	منصور روحانی	کشاورزی
معاون (امور مالی)	احمد کاشفی	همایون جابری انصاری	مسکن و شهرسازی
معاون	سپهبد محمد بهروز	غلامرضا کیانپور	اطلاعات
محمود قوام صدیقی - حسین تدین		فرخ نجم آبادی	صنایع



دولت آموزگار (۲۷ مرداد ۱۳۵۶ تا ۴ شهریور ۱۳۵۷)

داریوش همایون	جهانگردی	جمشید آموزگار	نخست وزیر
	فرهنگ و	غلامرضا کیانپور	دادگستری
منوچهر گنجی - شمس الدین مفیدی	آموزش عالی	عباسعلی خلعتبری	خارجه
مهناز افخمی	مشاور (امور زنان)	اسدالله نصر اصفهانی	کشور
	مشاور (رئیس)	ارتشبد رضا عظیمی	جنگ
محمد یگانه - مرتضی صالحی	سازمان برنامه)		امور اقتصادی
	مشاور (در	هوشنگ انصاری - محمد یگانه	و دارایی
صفی اصفیا	امور اقتصادی)	مهرداد پهلبد	فرهنگ و هنر
مشاور (امور پارلمانی) محمود کاشفی. هلاکو رامبد	مشاور (امور اجرایی) منوچهر آگاه	مرتضی صالحی - عباس صفویان	راه و ترابری
	مشاور (رئیس ساواک) ارتشبد نصیری - سیهید ناصر مقدم		کشاورزی و
	معاون (رئیس حفاظت منوچهر فیلی	احمدعلی احمدی	عمران روستاها
	محیط زیست)	دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده	بهداری و بهزیستی
	معاون (رئیس اوقاف) علی فرشچی	کریم معتمدی	پست و تلگراف و تلفن
	معاون (رئیس	منوچهر گنجی	آموزش و پرورش
	انرژی اتمی) اکبر اعتماد	امیر قاسم معینی	کار و امور اجتماعی
	معاون (رئیس	تقی توکلی	نیرو
	دفاع غیر نظامی) سیهید محسن مبصر	کاظم خسروشاهی	بازرگانی
صادق کاظمی - محمود کاشفی	معاون	فیروز توفیق	مسکن و شهرسازی
		محمد رضا امین	صنایع و معادن
			اطلاعات و



دولت شریف امامی (۵ شهریور تا ۱۴ آبان ۱۳۵۷)

آموزش و پرورش	منوچهر گنجی	نخست وزیر	جعفر شریف امامی
صنایع و معادن	محمد رضا امین	دادگستری	حسین نجفی
بهداری و بهزیستی	دکتر نصرالله مقتدر مزدهی	خارجہ	امیرخسر و افشار
کار و امور اجتماعی	کاظم ودیعی	کشور	ارتشبد قره باغی
نیرو	جهانگیر مهدمینا	جنگ	ارتشبد رضا عظیمی
مسکن و شهرسازی	پرویز آوینی	امور اقتصادی	محمد یگانه
اطلاعات و جهانگردی	دکتر محمد رضا عاملی تهرانی	فرهنگ و هنر	محسن فروغی
مشاور (امور بازرگانی)	عزت الله یزدان پناه	راه و ترابری	حسن شالچیان
مشاور (امور اجرایی)	منوچهر آزمون - مصطفی پایدار	کشاورزی و	
مشاور (رئیس)		عمران روستاها	امیرحسین امیر پرویز
سازمان برنامه	حسینعلی مهران	بازرگانی	محمد رضی ویشکانی
مشاور (رئیس اوقاف)	علینقی کنی	علوم و آموزش عالی	هوشنگ نهاوندی - ابوالفضل قاضی -
معاون	علی فرداد	پست و تلگراف و تلفن	کریم متمدی
			شریعت پناهی



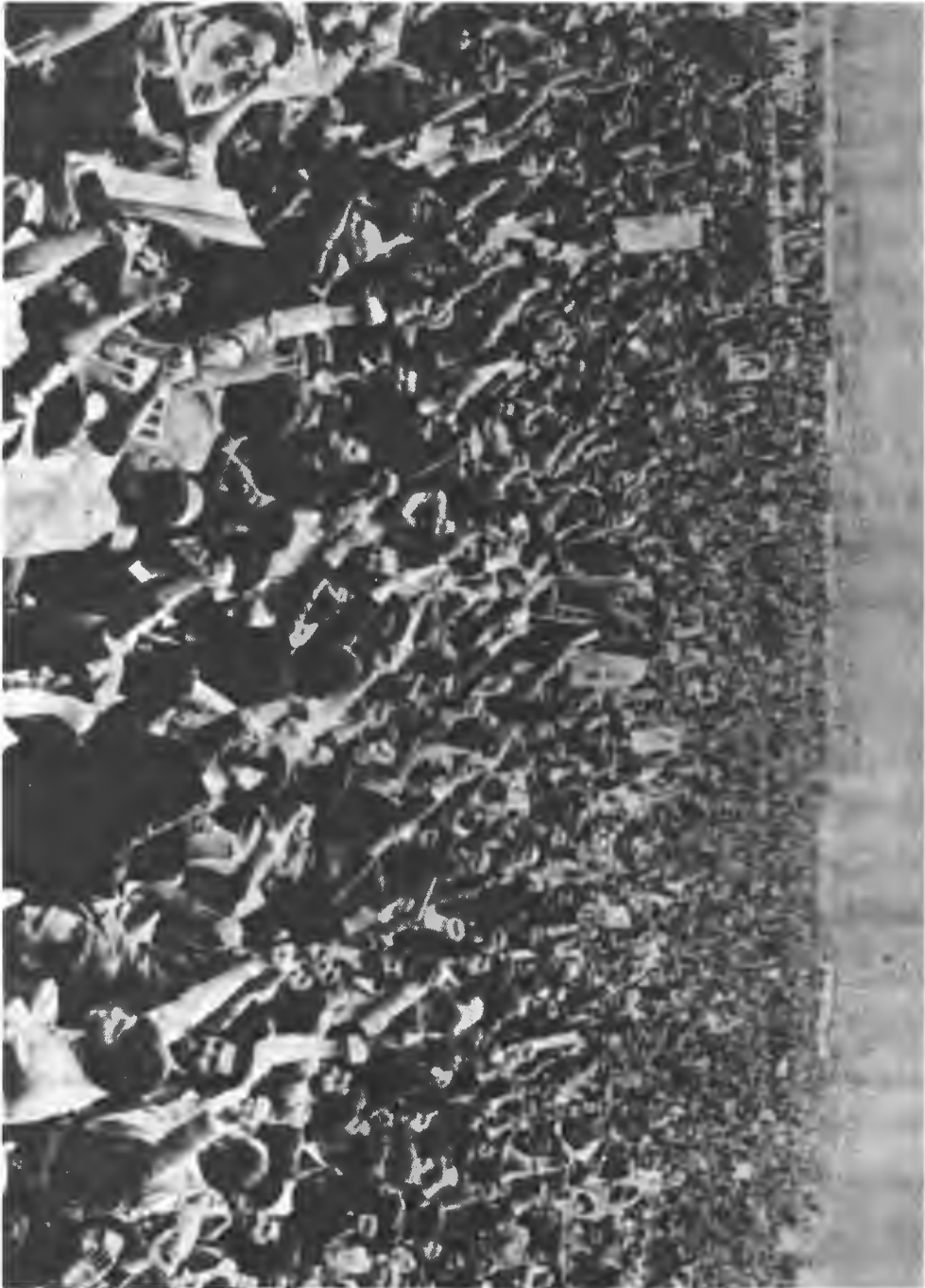
دولت ازهارى (۱۵ آبان تا ۱۷ دى ۱۳۵۷)

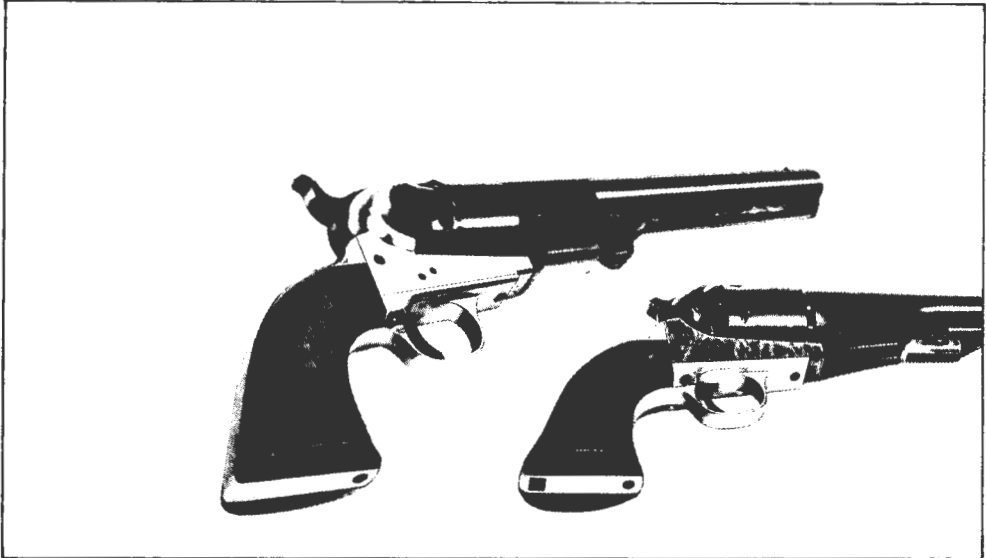
صنایع و معادن	محمد رضا امین	ارتشبد غلامرضا ازهارى	نخست وزیر
کار و اموراتجتماعى	ارتشبد غلامعلى اوىسى	محمد باهرى	دادگستری
آموزش و پرورش	دکتر محمد رضا عاملی تهرانى	امیر خسرو افشار	خارجہ
جنگ	نخست وزیر	ارتشبد قره باغى. شهید صادق امیر عزیزى	کشور
اموراتقتصادى و دارایى	حسنتعلی مهران	دریاسالار کمال حبیب الهی	فرهنگ و هنر
فرهنگ و آموزش عالی	شمس الدین مفیدى	محسن فروغى	اطلاعات و جهانگردى شهید ابوالحسن سعادت مند
معاون	محسن شریعتمداری. علی فرداد	بست و تلگراف و تلفن کریم معتمدی	



دولت بختیار (۱۷ دی تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

ارتشبد جعفر شفقت	شاپور بختیار	نخست وزیر
اطلاعات و جهانگردی سیروس آموزگار	یحیی صادق وزیری	دادگستری
پست و تلگراف و تلفن لطفعلی صمیمی	احمد میرفندرسکی	خارجہ
کشاورزی منوچهر کاظمی	محمد امین ریاحی	آموزش و پرورش
امور اقتصادی و دارایی رستم پیراسته	دکتر منوچهر آزمون	بهداری
صنایع و معادن عباسقلی بختیار	جواد خادم خرم آبادی	مسکن و شهرسازی
معاون محمد مشیری یزدی. علی فرداد	منوچهر آریانا	کار و امور اجتماعی
	ارتشبد فریدون جم (قبول نکرد).	جنگ





يك دهه ترور (۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱)

اول مارس ۱۹۸۶: «اولاف پالمه» نخست وزیر سوئد، در میانه شب در استکهلم به قتل رسید.

اول ژوئن ۱۹۸۷: «رشید کرامی» نخست وزیر لبنان، در انفجار هلی کوپتری که وی را از تریپولی به بیروت منتقل می کرد، جان باخت.

۱۶ اکتبر ۱۹۸۷: «توماس سانکارا»، رئیس جمهوری بورکینافاسو، در جریان يك کودتا كشته شد.

۲۲ نوامبر ۱۹۸۹: «رنه معوض» رئیس جمهوری تازه نفس لبنان، در يك بمب گذاری از پای درآمد.

۲۶ نوامبر ۱۹۸۹: «احمد عبدالله» رئیس جمهوری کومور، به دست سربازان شورشی كشته شد.

۱۰ سپتامبر ۱۹۹۰: «ساموئل دونه»، رئیس جمهوری لیبیا، به دست شورشیان به قتل رسید.

۲۱ مه ۱۹۹۱: «راجیو گاندی» نخست وزیر هندوستان بر اثر انفجار بمبی قوی در «سری پرمبودور» واقع در ایالت تامیل نادو از پای درآمد.

در فهرست زیر اسامی رؤسای مملکت و یا دولتی که طی ده سال به قتل رسیده اند، آورده می شود:

۲۹ مه ۱۹۸۱: «ضیاء الرحمن»، رئیس جمهوری بنگلادش، در يك جریان کودتا كشته شد.

۳۰ اوت ۱۹۸۱: «محمد علی رجائی»، رئیس جمهوری ایران به همراه نخست وزیر وقت حجت الاسلام باهنر، در يك سوء قصد جان خود را از دست دادند.

۶ اکتبر ۱۹۸۲: «انورسادات» رئیس جمهوری مصر، در جریان يك سان نظامی در قاهره از پای درآمد.

۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲: «بشیر جمیل» که چند هفته پیش از آن به ریاست جمهوری لبنان منصوب شده بود، در بیروت به قتل رسید.

۳۱ اکتبر ۱۹۸۴: «ایندیرا گاندی» نخست وزیر هند به دست دو نفر از سیک ها که محافظین وی بودند، در دهلی نو كشته شد.

۲۵ علت عجیب مرگ

(۵) اسکندر کبیر (پادشاه مقدونی ۳۲۳-۳۵۶ ق.م.) به دنبال دوروز میگساری و عیاشی در اثر تب درگذشت.

(۶) الکساندر (پادشاه یونان ۱۹۲۰-۱۸۹۳) يك ميمون خانگی گازش گرفت و در اثر عفونت خون درگذشت.

(۷) تامس آت وی (نمایشنامه‌نویس انگلیسی ۱۶۸۵-۱۶۵۲) مرد فقیری بود. به دنبال روزها گرسنگی سرانجام يك گيته به دست آورد و با آن يك دست پيچ گوشت خرید و از شدت ولع همان لقمه دهان پرکن اول گلوگیرش شد و خفه‌اش کرد.

(۸) تامس می (مورخ انگلیسی ۱۶۵۰-۱۵۹۵) بر اثر بلعیدن غذای زیادی، خفه شد.

(۹) جان وینستون (ماجراجوی بریتانیا ۱۶۲۹-۱۵۵۷) وی در سن ۷۲ سالگی از اسب به زمین افتاد و میخی که وارونه بر زمین افتاده بود، در

(۱) آرنولد بنت داستان نویس انگلیسی (۱۹۳۱-۱۸۶۷) وی برای آنکه ثابت کند آب شهر پاریس از نظر بهداشتی کاملاً سالم است، يك لیوان از آن خورد و در اثر تیفوئید ناشی از آن درگذشت.

(۲) آگاتوکلس (خودکامه سراقیوز ۲۸۹-۳۶۱ ق.م.) در اثر قورت دادن خلال دندان خفه شد.

(۳) آلن پینکرتون (مؤسس آژانس کارآگاهی آمریکا ۱۸۸۴-۱۸۱۹) هنگام نرمش صبحگاهی به زمین خورد و زبانش لای دندان ماند و زخم شد و در اثر قانقاریای ناشی از این زخم درگذشت.

(۴) آیزادورا دانکن (رقاص آمریکائی ۱۹۲۷-۱۸۷۸) هنگامی که در اتومبیل بود، شال گردن بلندش به چرخ عقب اتومبیل گیر کرد و گردنش شکست و خفه شد.



از همه چیز...

خشم ناشی از مستی، با سیخ بخاری به دوستش حمله کرد، اما خودش توی بخاری افتاد و سوخت. (۲۰) گریگوری یفیموویچ راسپوتین (۱۸۷۱-۱۹۱۶) وزنه‌ای به بدنش بستند و در رود نوا غرقش کردند.

(۲۱) لایونل جانسن (شاعر انگلیسی ۱۸۶۷-۱۹۰۲) از روی چهار پایه پشت بار به زمین افتاد و در اثر زخمهای حاصله درگذشت.

(۲۲) لنگلی کالیر (کلکسیونر آمریکائی ۱۸۸۶-۱۹۴۷) در خانه خود و در تله‌ای مهلك درگذشت. تله را برای دستگیری دزدان کار گذاشته بود.

(۲۳) مارکوس لیسینیوس کراسوس (سیاستمدار رومی ۱۱۵-۵۳ ق.م) این رهبر بدنام و صراف رمی به دست سربازان پارتی با ریختن طلای مذاب در حلقش درگذشت.

(۲۴) هنری اول (پادشاه انگلیسی ۱۰۶۸-۱۱۳۵) در اثر افراط در خوردن مارماهی دچار نازاحتی روده شده و مرد.

(۲۵) یوسف اشماعیلو (کشتی گیر ترك متوفی ۱۸۹۸ م.) بر اثر سنگینی طلاهایی که بر کمرش بسته بود در دریا غرق شد، چون نتوانست براحتی شنا کند.

وقایع مهم مذهبی در جهان

۳۹۰۰ سال قبل از میلاد	جنگ هابیل و قابیل
۲۴۰۳ سال قبل از میلاد	توفان نوح
۲۰۸۵ سال قبل از میلاد	بعثت حضرت ابراهیم
۲۰۰۵ سال قبل از میلاد	تولد حضرت اسماعیل
۱۸۸۷ سال قبل از میلاد	تولد حضرت یوسف
۱۶۵۲ سال قبل از میلاد	قیام حضرت موسی
۱۳۹۰ سال قبل از میلاد	ظهور برهما در هند
۱۱۲۷ سال قبل از میلاد	قتل عام یهودیان بدست سامسون

سرش فرورفت.

(۱۰) جروم ناپلئون بناپارت (آخرین بناپارت آمریکائی ۱۸۷۸-۱۹۴۵) در سنترال پارک نیویورک، پایش به زنجیر سگ زنش گرفت و افتاد و در اثر زخمهای حاصله درگذشت.

(۱) جورج، دوک کلارنس (انگلیسی ۱۴۴۹-۱۴۷۸) به دستور برادرش ریچارد سوم در خمره شراب خفه شد.

(۱۲) جیمز داگلاس، ارل مورتون (۱۵۲۵-۱۵۸۱) بوسیله دستگاهی شبیه گیوتین که خودش آن را به اسکاتلندیان معرفی کرده بود، سربریده شد.

(۱۳) رودولفوفی یرو (ژنرال مکزیکی ۱۸۸۰-۱۹۱۷) اسبش در شن روان گرفتار شد و سنگینی طلاهایی که به همراه داشت باعث فرورفتن به درون ماسه‌ها شد.

(۱۴) زنوکسیس (نقاش یونانی، قرن پنجم ق.م.) به تصویری که از يك ساحره پیر کشیده بود آنقدر خندید که یکی از رگهایش پاره شد و مرد.

(۱۵) ژرار دونروال (نویسنده فرانسوی ۱۸۰۸-۱۸۵۵) با بند پیشیند، خود را از تیر چراغ خیابان حلق آویز کرد.

(۱۶) فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶) بر اثر گرفتاری در يك سرمای ناگهانی گرفتار شد و درگذشت.

(۱۷) فالک فیتز وارن چهارم (بارون انگلیسی ۱۲۶۴-۱۲۳۰) در بازگشت از يك جنگ، اسبش در باتلاق افتاد و فالک که زره پوشیده بود، درون زرهش خفه شد.

(۱۸) کلادیوس اول (امپراتور روم ۵۴ م. - ۱۰ ق.م.) با يك پر آغشته به سم خفه شد.

(۱۹) کنت اریک مگنوس آندرئاس هرس سنتنبورگ (۱۸۹۵-۱۸۶۰) این انگلیسی در اثر



۴ مبدأ سال مسیحی
۳۰ بعد از میلاد
۷۰ سال بعد از میلاد
۳۰۶ سال بعد از میلاد

آغاز سال مسیحی
اعلام مسیح
تخریب بیت المقدس
آزادی مسیحیان



۱۰۰۶ سال قبل از میلاد
۹۶۸ قبل از میلاد
۹۶۳ سال قبل از میلاد
۵۸۸ سال قبل از میلاد
۴ مبدأ سال مسیحی

تشکیل سلطنت اسرائیل
سلطنت حضرت سلیمان
بنای معبد سلیمان
اسارت یهود
ولادت حضرت مسیح



از همه چیز...

(۵) فیلادلفیا قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به سال ۱۷۸۷ م به تصویب رسید.

(۶) قسطنطنیه دولت روم شرقی بدست سلطان محمد فاتح امپراتور عثمانی در سال ۱۴۵۳ منقرض شد.

(۷) لندن: در سال ۱۲۱۵ م قانون مشروطیت انگلستان صادر شد.

(۸) مسکو: برای شکست دادن ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۱۲ م، شهر توسط روسها آتش زده شد.

(۹) میلان: دین مسیح در سال ۳۱۳ م به فرمان قسطنطین امپراتور روم آزاد و رسمی شد.

(۱۰) هیروشیما: اولین بمب اتمی جنگی برای شکست ژاپن در سال ۱۹۴۵ م منفجر شد.

جنگهای صلیبی چه مدت طول کشید؟

از جمله معروفترین جنگهای مذهبی جهان، جنگهای صلیبی است که از سال ۱۰۹۹ م مطابق با ۴۹۳ هجری تا سال ۱۲۷۰ م یعنی ۱۷۱ سال بین مسلمانان و مسیحیان ادامه داشت. این ۱۷۱ سال جنگ در هشت جنگ خلاصه شده است، بدین ترتیب:

جنگ اول صلیب در سال ۱۰۹۹ م

جنگ دوم صلیب از سال ۱۱۴۷ م تا سال ۱۱۴۹ م

جنگ سوم صلیب از سال ۱۱۸۹ م تا سال ۱۱۹۲ م

جنگ چهارم صلیب از سال ۱۲۰۲ م تا سال ۱۲۰۴ م

جنگ پنجم صلیب در سال ۱۲۱۹ م تا سال ۱۲۲۱ م

جنگ ششم صلیب از سال ۱۲۲۸ م تا سال ۱۲۲۹ میلادی

جنگ هفتم صلیب از سال ۱۲۴۸ م، تا سال ۱۲۵۴ م

جنگ هشتم صلیب در سال ۱۲۷۰ م.

طولانی ترین جنگهای صلیبی، جنگ هفتم بود که

به مدت ۶ سال به طول کشید. معروفترین قهرمانان

و سرداران این جنگها، صلاح الدین ایوبی از مسلمانان

ولادت حضرت رسول (ص) ۵۷۰ سال بعد از میلاد

بعثت حضرت رسول (ص) ۶۱۱ سال بعد از میلاد

رحلت حضرت رسول (ص) ۶۳۲ سال بعد از میلاد

ده واقعه تاریخی در ده شهر جهان

(۱) بغداد: خلافت عباسیان در سال ۶۵۶ ه.ق به دست هلاکوخان مغول منقرض شد.

(۲) تبریز: شاه اسماعیل اول صفوی در سال ۹۰۷ ه.ق سلسله صفوی را تأسیس کرد.

(۳) پاریس: ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۴ م به امپراتوری رسید.



(۴) دهلی: محمدشاه هندی در سال ۱۱۵۱ ه.ق تاج

سلطنت را به نادرشاه افشار هدیه کرد.

وریشارد شیردل (انگلستان) و لوئی مقدس (فرانسه)
از مسیحیان بودند.

محاکمات غیر جنائی جهان

(۱) سقراط (۳۹۹ ق.م) وی در سن ۷۰ سالگی به
دو گناه متهم شد. بی‌ایمانی به خدا، و به فساد
کشانیدن جوانان آتن. محکوم به سرکشیدن جام
شوکران شد.

(۲) مانی (۲۷۶ یا ۲۷۷ م) به جرم خروج از دین،
در زمان بهرام اول ساسانی، به قتل رسید و جسدش
را از دروازه شهر شاپور بیاویختند.

(۳) حلاج (۳۰۹ هـ.ق / ۹۲۱ م) به جرم دعوی
«انال‌الحق»، در زمان خلیفه عباسی، به طرز فجیعی

کشته شد.

(۴) حسنک وزیر (۴۴۲ هـ.ق / ۱۰۳۰ م) به جرم
قرمطی بودن، در زمان سلطان مسعود غزنوی، در بلخ
به دار آویخته شد.

(۵) گاليله (۱۶۳۳ م) به جرم اینکه می گفت که
«خورشید مرکز جهان است نه زمین» محکوم شد.

(۶) جادوگران سلیم (۱۶۹۲ م)

(۷) جان پیتزرینگر (۱۷۳۵)

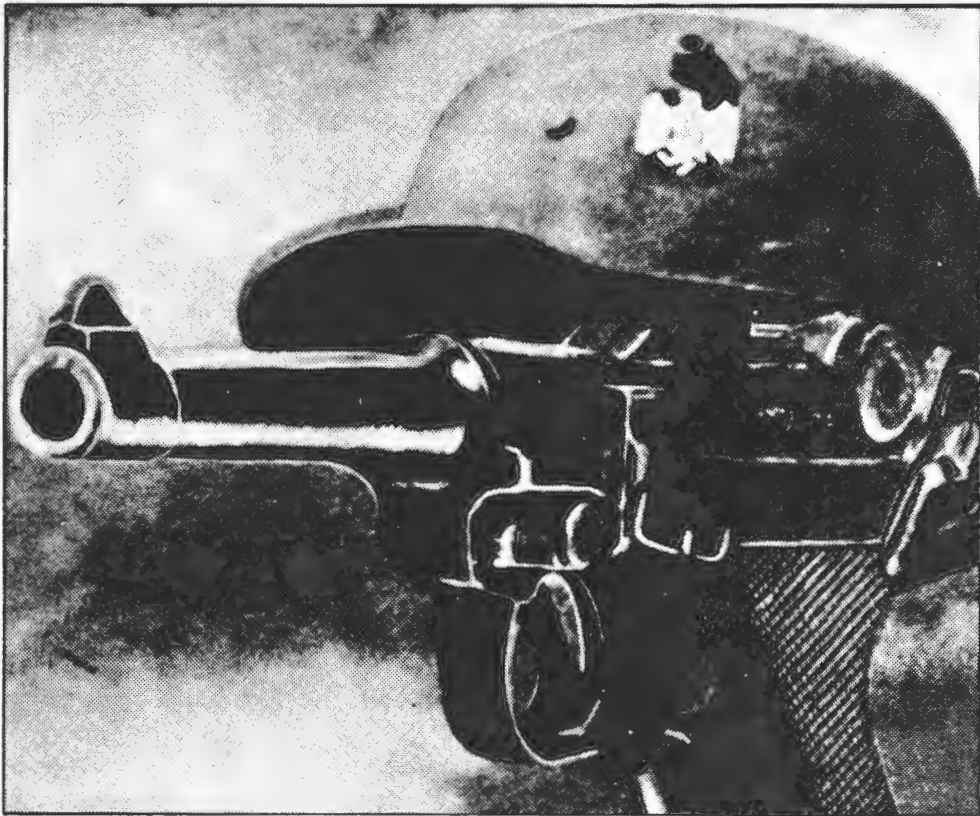
(۸) کشیش هنری وارد بیچر (۱۸۷۵)

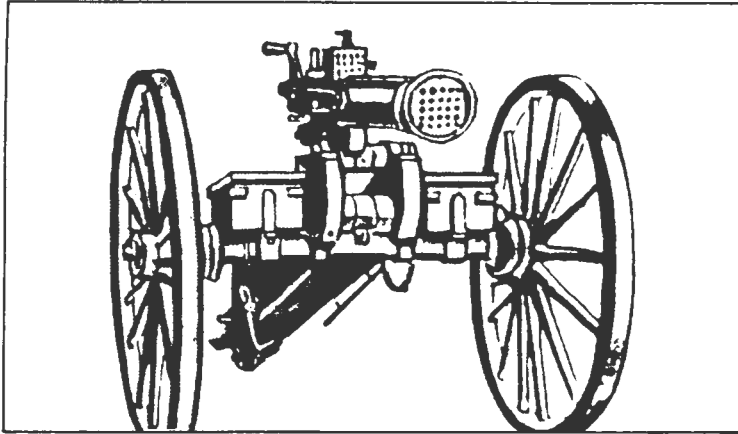
(۹) سروان آلفرد دریفوس (۱۸۹۴ و ۱۸۹۹)

(۱۰) اسکار وایلد (۱۸۹۵)

(۱۱) جورج آرچر-شی (۱۹۹۰)

(۱۲) جان تی سکوپس (۱۹۲۵ م)





سالشمار جنگ جهانی دوم ۱۹۳۹-۱۹۴۵

۱۹۳۹ م:

۱۴ مارس: انحلال جمهوری چک اسلواکی که طبق کنفرانس مونیخ در ۳۰ سپتامبر سال قبل (۱۹۳۸) در اثر تسلیم انگلیس و فرانسه به تقاضای هیتلر دائر به تسلیم سودت به آلمان از طرف چک اسلواکی کشور مزبور در ۵ نوامبر تجزیه شده بود.

تصرف کارپات، اوکرانی بدست نیروهای مجارستان

۱۶ مارس: تصرف بوهیما و موراویا به دست نیروهای نازی و تحت الحمایه قرار دادن آن دو ناحیه از طرف آلمان.

۲۲ مارس: انضمام به آلمان از طرف هیتلر.
۷ مه: اعلام اتحاد نظامی و سیاسی بین آلمان و ایتالیا.

۱۱ مه: آغاز جنگ ششماهه مرزی بین نیروهای ژاپن با قوای مغولی شوروی در میخوکوئو نزدیک دریاچه بور (تعداد کشتگان ۲۰/۰۰۰ نفر).

۲۲ مه: امضای پیمان نظامی ده ساله بین آلمان و ایتالیا در برلن.

۲۴ اوت: امضای پیمان عدم تعرض دهساله بین آلمان نازی و روسیه شوروی پس از عقد پیمان بازرگانی در ۱۹ اوت.

اول سپتامبر: اعلام جنگ آلمان (به رهبری آدولف هیتلر) به لهستان و آغاز حمله به آن کشور با چند لشکر مکانیزه به تعداد ۱/۷۰۰/۰۰۰ نفر و نیروی هوایی در برابر ۶۰۰/۰۰۰ نفر سرباز لهستانی با تجهیزات ضعیف.

۲ سپتامبر: اعلام بیطرفی دولت ایتالیا.

۳ سپتامبر: اعلام جنگ انگلیس و فرانسه به آلمان.

۵ سپتامبر: انتصاب ژنرال اسموتس به نخست وزیر اتحادیه آفریقای جنوبی و رد پیشنهاد بیطرفی اتحادیه از طرف مجلس مقننه.

۸ سپتامبر: اعلام خطر محدود از طریق روزولت رئیس جمهور امریکا به مردم امریکا (۱۷ مه ۱۹۴۱)
اعلام خطر ملی نامحدود شد و هر دو اعلام در ۲۸ آوریل ۱۹۵۲ از طرف ترومن ملغی گردید.

۱۷ سپتامبر: حمله روسیه به لهستان از خاور و رسیدن به آلمانها در روز بعد در برست لیتوسک.

جنگ بین دو کشور که تا ۱۲ مارس ۱۹۴۰ به طول انجامید (عقد پیمان صلح در ۱۲ مارس و واگذاری تنگه کارلیان و شهر ویبورگ و پایگاه دریائی هانگرو اراضی دیگری به روسیه).

۱۳ دسامبر: تخریب رزمناو گراف اشپی آلمان به وسیله رزمناوهای انگلیسی در جنوب اقیانوس اطلس و پناهندگی آن به مونت ویدو و انفجار عمدی و غرق آن به دست فرمانده ناو (دسامبر) به سبب الزام به ترك بندر.

۱۴ دسامبر: اخراج روسیه از جامعه ملل به سبب تجاوز به فنلاند.
۱۹۴۰ م.

۱۴ ژانویه: تشکیل کابینه جدید ژاپن به ریاست دریادار میتسوماسا.

۲۱ سپتامبر: ترور ارماند کالینسکو نخست وزیر رومانی به دست اعضاء گروه فاشیستی موسوم به گارد آهن.

۲۷ سپتامبر: سقوط ورشو به دست آلمانها پس از بمباران و تخریب شهر.

۲۸ سپتامبر: قرارداد بین آلمان و روسیه در تقسیم خاک لهستان بین دو کشور.

۲ اکتبر: اعلام منطقه ممنوعه در اطراف نیمکره باختری از طرف کنفرانس پان امریکن.

۳ نوامبر: تغییر قانون بیطرفی امریکا مورخ مه ۱۹۳۷ و لغو وضع فوق العاده (توقیف ناوهای حامل اسلحه در بندر) و صدور اجازه فروش اسلحه به کشورهای متحارب در برابر پول نقد.

۳۰ نوامبر: حمله سپاه روسیه به فنلاند و آغاز





۱۳ آوریل: حمله واحدهای دریائی انگلیس به مارویک و غرق کلیه ناوهای آلمان در آن بندر و تصرف شهر تا ۹ ژوئن.

۲۰ آوریل: پیاده شدن قوای انگلیس و فرانسه در جنوب نروژ و مجبور شدن به ترك نروژ پس از دو هفته (۳ مه)

۳۰ آوریل: شکست قوای نروژ در برابر آلمان و فرار هاگون هفتم پادشاه نروژ با کابینه‌اش به لندن برای ادامه مقاومت.

۱۰ مه: حمله آلمان به بلژیک و هلند و لوکزامبورگ بدون اعلام قبلی. استعفای نوبل چمبرلن نخست وزیر انگلیس و تشکیل کابینه مختلط تازه (از محافظه کاران و کارگران) به ریاست وینستون چرچیل.

۱۱ مه: اعزام قوا از طرف فرانسه و انگلیس به بلژیک برای کمک به آن کشور.

۱۲ مه: عبور آلمانیها از مرز درسدن

۱۳ مه: تسلیم رتردام به آلمانیها پس از بمباران آن

۱۴ تا ۱۸ فوریه: استعفای کابینه و پارلمان پاراگوئه و آغاز حکومت ژوزه فلیکس.

۱۵ فوریه: تشکیل کابینه جدید بلغارستان به ریاست بوگدان فی洛夫

۱۶ فوریه: حمله ناوهای انگلیسی به آبهای ساحلی نروژ.

۲۰ مارس: استعفای ادوارد دالادیه نخست وزیر فرانسه و تشکیل کابینه تازه در روز بعد به ریاست پل رنؤ.

۴ آوریل: انتصاب وینستون چرچیل به ریاست اداره برنامه دفاعی انگلیس.

۹ آوریل: حمله نیروهای دریائی و هوائی آلمان به نروژ و تصرف اوسلو، برگن، تروندهایم، استاوانگر و مارویک و حمله آلمان به دانمارک و تصرف آن کشور بدون مقاومت.

۱۱ آوریل: مقاومت قوای نروژ و از بین رفتن چهار رزمناو و چهار ناو حمل سربازان آلمانی و پس گرفتن تروندهایم و برگن از آلمانیها.



انگلیسی و ۱۲۰,۰۰۰ فرانسوی از دونکرك و رها کردن کلیه تجهیزات و ذخائر برای آلمانها. تعداد کشتگان و اسرای انگلیسی در این فرار ۳۰,۰۰۰ نفر.

۱۰ ژوئن: اعلام جنگ ایتالیا به فرانسه و انگلیس و حمله به جنوب فرانسه.

۱۳ ژوئن: تخلیه پاریس پیش از رسیدن آلمانها بدان شهر و تصرف پاریس بدست نیروی آلمان. انتقال دولت فرانسه به تورو از آنجا به بوردو و افتادن حکومت به دست مارشال هنری فیلیپ پتن (بجای پل رنو) در ۱۶ ژوئن و اقدام پتن برای صلح با آلمان (۱۷ ژوئن).

۲۲ ژوئن: پیمان متارکه جنگ بین فرانسه و آلمان.

شهر و فرار هیئت دولت هلند به ریاست ملکه ویلهلمینا به لندن.

۱۷-۲۱ مه: پیشروی قوای مکانیزه آلمان در شمال فرانسه، سقوط بروکسل و نامور و عقب نشینی قوای انگلیسی و بلژیک به لا اوستند و دونکرك.

۲۶ مه: تصرف بولونی بدست آلمانها و اتمام غذا و ذخائر نیروهای بلژیک و تسلیم آنها به دستور لئوپولد سوم پادشاه بلژیک.

۲۸ مه: عقب نشینی ۲۵۰,۰۰۰ قوای انگلیس به دونکرك و آغاز فرار از دونکرك از راه دریا.

۲۸ مه: تسلیم لئوپولد سوم پادشاه بلژیک با ۵۰۰,۰۰۰ سرباز به آلمان و اعلام خلع لئوپولد از طرف حکومت بلژیک مقیم فرانسه.

۴ ژوئن: فرار و نجات ۲۱۵,۰۰۰ سرباز

از همه چیز...

- ۴ ژوئیه: تصرف ناوهای فرانسوی که در سواحل انگلیس لنگر انداخته بودند به دست انگلیس.
- ۵ ژوئیه: قطع رابطه حکومت ویشی (فرانسه) با انگلیس در اثر حمله انگلیس به رزمناوهای فرانسوی در اوران دو روز پیش از این تاریخ.
- ۱۰ ژوئیه: تصویب تشکیل حکومت مطلقه جمعی در فرانسه از طرف مجلس فرانسه ویشی و واگذاری اختیارات و قدرت مطلقه به مارشال پتن.
- ۱۶ ژوئیه: انتصاب شاهزاده فوماروکونویه به سمت نخست وزیر ژاپن برای اجرای برنامه وحدت و دفاع ملی.
- ۱۸ ژوئیه: نامزدی فرانکلین روزولت از طرف کنوانسیون ملی حزب دمکرات در شیکاگو برای احراز پست ریاست جمهوری برای بار سوم.
- ۲۰ ژوئیه: امضای لایحه تشکیل نیروی دریائی برای دفاع از دو اقیانوس از طرف روزولت.

- ۲۵ ژوئن: ورود رزمناوهای ژاپنی به سواحل هند و چین فرانسه.
- ۲۸ ژوئن: نامزد شدن وندل ویلکی و شارل مک ناری از طرف کنوانسیون حزب جمهوریخواه آمریکا در فیلادلفیا برای ریاست جمهور و نیابت ریاست جمهور آمریکا.
- ژوئیه: تصرف جزایر بغاز انگلیس از طرف آلمانیها و تشدید بمباران شهرها و راهها و ناوهای انگلیس از طرف آلمانیها.
- ۱ ژوئیه: رد ضمانت انگلیس و فرانسه نسبت به استقلال و تمامیت ارضی رومانی از طرف دولت رومانی و جلب کمک از آلمان و تشکیل کابینه تازه به ریاست ایوان گیرگونی (۳ ژوئیه).
- ۳ ژوئیه: غرق ناوهای فرانسوی در اوران به دست نیروهای انگلیس به سبب امتناع آنها از تسلیم به انگلیس.



برای تصرف داکار در آفریقای خاوری و عدم موفقیت آنها و ترك آن محل در ۲۵ سپتامبر.

۲۶ سپتامبر: اعلام وضع فوق العاده از طرف روزولت نسبت به صدور آهن و فولاد از امریکا.

۲۷ سپتامبر: عقد پیمان دهساله بین آلمان و ایتالیا و ژاپن در برلن و تعهد كمك به یکدیگر.

۹ اکتبر: تصرف دوالا در ساحل کامرون واقع در باختر افریقا از طرف نیروی فرانسه آزاد به ریاست دوگل.

۸ اکتبر: ورود نیروهای آلمان به رومانی برای حفظ چاههای نفت.

۱۰ اکتبر: بمباران شدید لندن بوسیله يك واحد آلمانی به اتفاق هواپیماهای ایتالیایی.

۱۱ اکتبر: آغاز ورود نیروهای آلمان به رومانی تحت عنوان تعلیم سربازان و حفظ چاههای نفت از خطر انگلیس و تسلط بر رومانی.

۲۸ اکتبر: ملاقات آدولف هیتلر با بنیتو موسولینی دیکتاتور ایتالیا در فلورانس

۲۸ اکتبر: رد تقاضای های دولت ایتالیا از طرف یونان راجع به واگذاری پایگاههای یونان به ایتالیا و آغاز حمله ایتالیا به یونان از راه آلبانی.

۳۰ اکتبر: پیاده شدن قوای انگلیس در جزیره کرت و سایر جزایر یونان و اعزام ۱۳۴ هواپیمای جنگی از طرف روسیه برای یونان طبق يك پیمان.

۱۲ نوامبر: ملاقات مولوتف با هیتلر در برلن و جمع شدن نیروهای روسیه در مرز رومانی.

۱۳ نوامبر: غرق یا تخریب نصف ناوهای ایتالیایی که در بندر تاراتو لنگر انداخته بودند.

۲۰ نوامبر: الحاق مجارستان به پیمان اتحادیه رم، برلن، توکیو.

۲۳ نوامبر: الحاق رومانی به اتحادیه رم، برلن، توکیو.

۲۷ نوامبر: اعدام ۶۴ نفر رؤسای حکومت زمان

۲۱ ژوئیه: الحاق سه کشور مستقل لیتوانی، لاتویا و استونی در ساحل بالتیک به روسیه شوروی.

۲۷ ژوئیه: تصویب طرح قیومیت مشترک نسبت به مستعمرات اروپائی در نیمکره غربی از طرف کنفرانس پان امریکن در هاوانا.

۶ اوت: حمله نیروهای ایتالیا به سومالی لندن انگلیس در آفریقا و تصرف تمام آن در ۱۹ اوت.

۸ اوت: بمباران شدید فرودگاهها و کارخانجات انگلیس.

۱۵ اوت: بمباران انگلیس از طرف یکهزار هواپیمای آلمانی و بمباران برلن و دوسلدروف و اسن از طرف انگلیسها برای تلافی.

۱۷ اوت: اعلام محاصره دریائی انگلیس و اعلام خطر نسبت به آبهای اطراف آن کشور از طرف آلمان.

۷ سپتامبر: شدت بمباران لندن که تعداد کشتگان را به روزی ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر رسانید.

۱۳-۱۵ سپتامبر: حمله نیروی ایتالیا به مصر از خاک لیبی.

۱۶ سپتامبر: از بین رفتن ۱۸۵ هواپیمای انگلیس در اثر بمباران هوائی آلمان.

۱۶ سپتامبر: وضع قانون نظام وظیفه در کشورهای متحده آمریکا و احضار مردان بین سنین ۲۱ و ۳۶ به خدمت سربازی به منظور تشکیل ارتشی به تعداد ۱,۲۰۰,۰۰۰ و تصدّد ۸۰۰,۰۰۰ نفر ذخیره که در نتیجه تا ۱۶ اکتبر ۱۶,۴۰۰,۰۰۰ نفر ثبت نام کردند و قرعه کشی در ۲۹ اکتبر آغاز گردید.

۲۲ سپتامبر: آغاز تصرف هندوچین فرانسه به دست قوای ژاپنی پس از صدور اجازه استفاده سه فرودگاه هوائی از طرف فرانسه و دادن امتیازات دیگر به ژاپن.

۲۳ سپتامبر: کوشش نیروی دریائی انگلیس و نیروی زمینی فرانسه آزاد به ریاست ژنرال دوگل

از همه چیز...

۲۰ مارس: جنگ دریائی ماتاپان و غرق پنج
رزمناو ایتالیائی از طرف نیروی دریائی انگلیس در
آبهای بین کرت و یونان.

۲۲ مارس: پیشروی انگلیسها در حبشه و تسلیم
آدیس آبابا.

۶ آوریل: شکست ایتالیائیها و تصرف تمام اراضی
ایتالیا در شرق آفریقا به دست انگلیس تا پایان سال
۱۹۴۱.

۶ آوریل: حمله قوای آلمان به یونان و یوگسلاوی
و تصرف بلگراد (۱۰ آوریل).

۱۰ آوریل: ایجاد پایگاه دریائی در گروتلند از
طرف امریکا با موافقت دولت دانمارک.

۲۷ آوریل: ورود نیروی آلمان به آتن، فرار
۴۸,۰۰۰ نفر یونانی و ۶۰,۰۰۰ سرباز انگلیسی مقیم
خاک یونان پس از رها کردن تجهیزات و اسلحه در
خاک این کشور.

۱ مه: بمباران روزانه لندن از طرف آلمانها و ایجاد
خسارات هنگفت و خرابیهای فراوان به شهر لندن و
کارخانجات و آب و گاز.

۲ مه: آغاز اغتشاش و جنگ داخلی در عراق
برای بدست گرفتن حکومت از طرف طرفداران
محور و شکست آنها به سبب دخالت انگلیس و ورود
نیروی انگلیس.

۱۷ مه: اعلام پارلمان ایسلند دائر به جدائی این
کشور از دانمارک.

۲۰ مه: حمله دستجات چتر باز آلمانی به کرت و
وارد آمدن خسارات سنگین به ناوهای جنگی انگلیس
در آبهای کرت.

۲۷ مه: اعلام حالت خطر ملی به طور نامحدود
در کشورهای متحده امریکا از طرف روزولت رئیس
جمهور.

۲۷ مه: غرق يك ناو انگلیسی از طرف ناو عظیم
آلمانی «بیسمارک» در اقیانوس اطلس و تخریب ناو

کارول پادشاه سابق رومانی و توسعه شورش و
اغتشاش در تمام کشور.

۳ دسامبر: حمله متقابل قوای یونان و شکست
نیروی ایتالیا و آلبانی و افتادن ربع اراضی آلبانی
بدست یونان، اعزام ۵۰,۰۰۰ سرباز آلبانی برای
کمک به ایتالیا.

۸ دسامبر: آغاز حمله انگلیسها به نیروی ایتالیا
در شمال آفریقا و مصر و تصرف سیدنی برانی و آغاز
حمله به لیبی (۱۲ دسامبر).

۱۴ دسامبر: اخراج پیرلاوال از شورای وزیران
فرانسه از طرف مارشال پتن.

۲۳ دسامبر: انتصاب آنتونی ایدن به سمت وزیر
خارجہ انگلیس و اعزام ویسکونت هالیفاکس بعنوان
سفیر کبیر به امریکا.
۱۹۴۱ م.

۵ ژانویه: تسلیم نیروی ایتالیا در باردیا به قوای
انگلیس با دادن ۲۵,۰۰۰ اسیر.

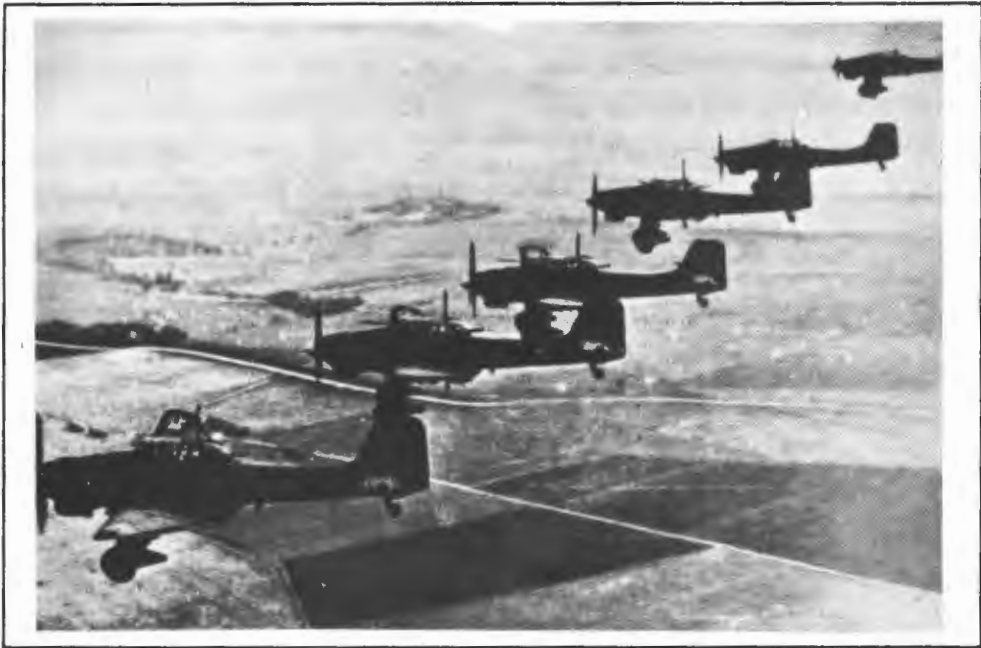
۸ ژانویه: تأسیس کمیته چهارنفری از طرف
روزولت برای اداره امور تولید در امریکا به منظور
دفاع.

۱۵ ژانویه: حمله نیروی انگلیس از سودان و کنیا
به حبشه و اریتره و جنگ بر ضد قوای ایتالیا.

۲۲ ژانویه: افتادن تو بروک در لیبی به دست قوای
انگلیس و پیروزی انگلیس در ناو بین غازی پایتخت
سیرنائیک (هفت فوریه) و گرفتن ۱۱۴,۰۰۰ اسیر با
دادن ۳,۰۰۰ نفر تلفات.

۲۸ فوریه: دادن رای اعتماد به اتفاق آراء به
حکومت چرچیل از طرف پارلمان انگلیس.

۱۱ مارس: تصویب لایحه وام و اجاره از طرف
کنگره امریکا که طبق آن به رئیس جمهور اختیار
داده شد که به ملی که دفاع از آنها را برای دفاع از
آمریکا لازم و حیاتی تشخیص دهد کمک مالی
و غیرمالی انجام دهد.



۲۹ ژوئن: رسیدن نیروی آلمان به گروندو، برست
لیتوسک و ویلنا پایتخت لیتوانی.
۲۰-۱ ژوئیه: تصرف ریگا پایتخت لتونی به دست
آلمان و عقب نشینی روسها، تلفات سنگین در اطراف
بیالیستوگ.
۱۳ ژوئیه: عقد پیمان کمک متقابل بین انگلیس و
روسیه.

۱۴ ژوئیه: اعلام منشور آتلانتیک: نشر اعلامیه
مشترک مربوط به هدف صلح از طرف روزولت و
چرچیل به نمایندگی آمریکا و انگلیس که طبق آن
اعلام نمودند کشورهای آنها هدف توسعه طلبی یا
ایجاد تغییری در مرزها بدون رضایت مردم کشورهای
مربوطه ندارند و حقوق تمام ملل در انتخاب طرز
حکومت خودشان مورد احترام است و متفقین میل
دارند استقلال و تمامیت کشورهای آنها که به زور از آنها
گرفته شده به آنها عودت داده شود.
۱۶ ژوئیه: تصرف اسمولنسک (روسیه) به دست

بیسمارک از طرف نیروی هوایی و دریائی انگلیس.
۳۱ مه: پایان اغتشاشات عراق پس از ورود
نیروی انگلیس و متارکه جنگ بین احزاب متحارب.
۴ ژوئن: تصرف موصل پس از تصرف بغداد
بدست انگلیسها و برقراری حکومت طرفدار انگلیس
در عراق.

۱۶ ژوئن: تعطیل کنسولگریهای آلمان در آمریکا
به دستور دولت آمریکا.

۱۹ ژوئن: تعطیل کنسولگریهای آمریکا در
سرزمینهای متصرفی محور در اروپا به دستور
دولتهای آلمان و ایتالیا.

۲۲ ژوئن: حمله نیروی آلمان به روسیه در يك
جبهه به طول چهار هزار کیلومتر که مرحله تازه ای را
در جنگ دوم جهانی آغاز کرد.

۲۳ ژوئن: صدور اعلامیه حکومت ویشی مبنی بر
اینکه در اثر تقاضای ژاپن اجازه داده است که هند
و چین فرانسه تحت کنترل نظامی ژاپن قرار گیرد.



آلمانیها.

۱۸ اوت: امضای لایحه تشدید مدت خدمت نظام وظیفه در آمریکا از طرف روزولت تا ۱۸ ماه بر مدت معمول.

تبدیل حکومت ملی اصل و نمایندگی در هلند به حکومت مطلقه به وسیله یک کمیسیون آلمانی.

۲۴ اوت: تعهد چرچیل برای کمک به آمریکا در صورت وقوع جنگ بین ژاپن و آمریکا.

۲۵-۲۹ اوت: حمله نیروهای انگلیس و روس به ایران از جنوب و شمال و ایجاد حکومتی که با آنها همکاری کند. استعفای رضا شاه پهلوی (۱۶ سپتامبر) و جانشینی محمدرضا شاه پهلوی.

۴ سپتامبر: آغاز محاصره لنینگراد از طرف آلمانها که تا ژانویه ۱۹۴۳ به طول انجامید.

۱۹ سپتامبر: تصرف کیف و پولناوا بدست آلمانها و پیشروی به طرف اورل، بریانسک و یالما، اودسا، تانکاتروگ و خارکف تا ۲۴ اکتبر و ورود به

شبه جزیره کریمه در جنوب روسیه در اواخر اکتبر. آغاز محاصره مسکو در جبهه شمال روسیه و انتقال پایتخت روسیه به کوئی بیشف.

۲۴ سپتامبر: امضای منشور آتلانتیک از طرف پانزده دولت که ۹ دولت آن در تبعید بود. دولتهای مزبور بدین قرار بودند: اتریش، بلژیک، کانادا، چک اسلواکی، فرانسه آزاد، انگلیس، یونان، لوکزامبورگ، هلند، زلاند جدید، نروژ، لهستان، روسیه، اتحادیه افریقای جنوبی و یوگسلاوی.

۱۷ اکتبر: غرق رزمناو کیرنی امریکائی در نزدیکی ایسلند به وسیله اژدرافکن آلمانی.

۱۷ اکتبر: استعفای کابینه برنس فومومارو کونویه در ژاپن بر اثر فشار نظامیان و انتصاب ژنرال هیدکی توئیو که طرفدار محور بود به سمت نخست وزیر و وزیر جنگ.

۲۱ اکتبر: اعدام پنجاه نفر فرانسوی در نانتن از طرف آلمانها بر اثر ترور یک نفر افسر آلمانی.

۲۳ اکتبر: حمله متقابل ارتش هشتم انگلیس به ریاست ژنرال مونتگمری در جبهه افریقا و خارج کردن قوای رمل از مصر (۱۲ نوامبر)

۳۱ اکتبر: غرق رزمناو روبین جیمز آمریکائی به وسیله يك اژدر آلمانی.

۶ نوامبر: اعطای يك بیلون دلار اعتبار وام اجازه به روسیه شوروی از طرف امریکا.

۱۵ نوامبر: محاصره سواستوپول از طرف آلمانها و تصرف آن پس از هشت ماه محاصره.

۱۶ نوامبر: تصرف کوچ و روستوف بدست آلمانها.

۲۵ نوامبر: الحاق بلغارستان به اتحادیه رم، برلن، توکیو.

۲۹ نوامبر: صدور اعلامیه ژنرال تیو نخست وزیر ژاپن مبنی بر اینکه نفوذ انگلیس و امریکا باید از

خاور قطع گردد.

۲ دسامبر: تقاضای روزولت از ژاپن مبنی بر اینکه هدفهای ژاپن در هندوچین توضیح داده شود.

۶ دسامبر: تقاضای روزولت از هیروهیتو امپراطور ژاپن برای کمک به حفظ صلح.

۷ دسامبر: حمله هوائی ناگهانی ژاپن به پایگاه دریائی امریکا در پرل هاربر، هاوائی و فیلیپین و به نیروی دریائی انگلیس در هنگ کنگ و مالایا، غرق هشت رزمناو بزرگ و چندین ناو کوچک آمریکائی در پرل هاربر و وارد آمدن خسارت هنگفت بر اثر این حمله و از بین رفتن ۱۷۷ هواپیما و وارد آوردن تلفات شامل ۲،۳۴۳ نفر مقتول، ۸۷۶ نفر مفقود و ۱،۲۷۲ نفر مجروح.

۸ دسامبر: اعلام حالت جنگ بین امریکا و ژاپن از طرف کنگره امریکا. حمله ژاپن به جزایر گوام



از همه چیز...

تایلند به انگلیس و آمریکا به تاریخ يك ماه بعد یعنی ۲۵ ژانویه ۱۹۴۲ گردید.

۲۳ دسامبر: تصرف دو جزیره کوچک سن پیر و میکلون در ساحل نیوزلند که در تصرف حکومت ویشی بود از طرف قوای فرانسه آزاد.

۲۵ دسامبر: تصرف هنگ کنگ به دست ژاپنها و پیشروی آنها به طرف آسیای جنوب شرقی.
۱۹۴۲ م.

۲ ژانویه: تصرف مانیل و کاویت به دست ژاپنها.
۱۱ ژانویه: آغاز تصرف جزائر هند شرقی هلند از طرف ژاپنها.

۱۳ ژانویه: انتصاب دونالدسون به سمت رئیس کمیته تولیدات جنگی آمریکا و آغاز تسریع در برنامه برنامه تسلیحات.

۱۵ ژانویه: گشایش کنفرانس کشورهای

ویک و تصرف آنها.

۱۰ دسامبر: غرق ناوهای پرنس آف ویلز و ریپلس انگلیس عازم سنگاپور از طرف نیروی هوایی ژاپن در ساحل مالایا.

۱۱ دسامبر: اعلان جنگ از طرف آلمان و ایتالیا به آمریکا.

۱۵ دسامبر: تصویب بودجه برای دفاع از آمریکا از طرف کنگره آمریکا به مبلغ ۱۰,۰۷۷,۰۷۷,۰۰۵ دلار.

۱۹ دسامبر: تجدید نظر در قانون نظام وظیفه آمریکا از طرف کنگره و مشمول کردن مردان بین سنین ۲۰ تا ۴۴.

۲۰ دسامبر: اعلان جنگ انگلیس به ژاپن.

۲۱ دسامبر: عقد پیمان اتحاد ده ساله بین تایلند و ژاپن در بانکوک که منجر به اعلان جنگ از طرف





«اوروگوئه» به دست ژنرال «آلفردو بالدومیر» رئیس جمهور و تشکیل شورای دولتی از تمام احزاب به جز کمونیستها و هرریستا.

۷ فوریه- ۱ مارس: جنگ دریای جاوه، تخریب بیشتر واحدهای دریائی ملل متحد به دست ژاپنیا و گشایش راه پیروزیهای ژاپن در جزایر هند شرقی، سقوط «پاتاویا» در شش مارس.

۷ مارس: تخلیه رانگون از طرف انگلیسها و تصرف برمه به دست ژاپنیا.

۸ مارس: تصرف رانگون در برمه به دست ژاپنیا. موافقت آمریکا و انگلیس در انتصاب ژنرال «ژوزف استیلول» به سمت فرمانده قوای چینی در برمه و ریاست ستاد ارتش در جنگ چین و تصویب ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ پوند و ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار اعتبار برای جلوگیری از تورم زیاد پول در چین.

۹ مارس: تکمیل فتح جاوه با تصرف تیمور (۲۰ فوریه) از طرف ژاپنیا و تهدید استرالیا، انتصاب

آمریکائی در ریودوژانیرو و دعوت جمهوریهای امریکائی به اتحاد در برابر تجاوز به قاره آمریکا.

۲۴ ژانویه: غرق پنج ناو ژاپنی در بغازهای ماکاسار.

۲۹ ژانویه: توافق روسیه و انگلیس در احترام به تمامیت ارضی و شناختن استقلال سیاسی و حاکمیت ایران.

۳۰ ژانویه: امضای قانون کنترل قیمتها در امریکا از طرف روزولت برای محدود کردن تورم پول.

۱ فوریه: انتصاب «ویدکون کوئیس لینگ» به سمت رئیس حکومت دست نشاندۀ نروژ از طرف فرمانده آلمانی در نروژ.

۷ فوریه: انحلال حکومت مشروطۀ نروژ به دست «کوئیلینگ» و آغاز دیکتاتوری وی در آن کشور.

۱۵ فوریه: تصرف سنگاپور به دست ژاپنیا و گرفتن ۶۰,۰۰۰ نفر اسیر.

۲۳ فوریه: انحلال مجلسین قانونگذاری

از همه چیز...

اواخر سال آزاد گردیدند).

۱۴ آوریل: تجدید ورود پیرلاوال به شورای حکومت فرانسه درویشی (که در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ از طرف مارشال پتن اخراج شده بود) بر اثر فشار دولت آلمان.

۱۴-۲۰ آوریل: تجدید حمله قوای مکانیزه آلمان در لیبی و رسیدن آنها به مرز مصر (۲۹ مه).

۱۸ آوریل: بمباران توکیو از طرف ۱۶ هواپیمای بمب افکن امریکائی.

۵ مه: ورود قوای انگلیس به ماداگاسکار برای جلوگیری از نفوذ ژاپن (و ورود به پایتخت ماداگاسکار در ۲۳ سپتامبر و عقد پیمان متارکه جنگ در ۵ نوامبر).

۷ مه: جنگ دریای کورال، فلج کردن تدارکات احتمالی ژاپن برای حمله به استرالیا به وسیله تخریب ناوهای ژاپنی از طرف نیروهای دریائی

«ژنرال دوگلاس مک آرتور» امریکائی به سمت فرمانده قوای متفقین در جنوب باختری اقیانوس آرام (۱۷ مارس).

۴ آوریل: آغاز جلوگیری از ادامه کلیه ساختمانها در امریکا از طرف کمیته تولیدات جنگی به منظور حفظ مواد خام برای مصارف تسلیحاتی.

۱۱ آوریل: آغاز حمله متقابل انگلیسها در لیبی و عقب نشینی قوای ژنرال رومل آلمانی.

۱۱ آوریل: رد پیشنهاد اعطای استقلال داخلی به هندوستان پس از پایان جنگ (که به وسیله سر استافورد کریبس نماینده سری حکومت انگلیس به مردم هند پیشنهاد شده بود) از طرف پیشوایان ملیون هند و تقاضای ملیون دائر به اعطای استقلال فوری به هند، بروز اغتشاش درهند و توقیف «مهاتماگاندی»، «جواهر لعل نهرو»، و «ابوالکلام آزاد» پیشوایان جنبش استقلال هند از طرف حکومت انگلیس (که در



وهوانی متفقین بین گینه جدید و جزایر سلیمان.
۲۶ مه: عقد پیمان بیست ساله کمک متقابل بین
چرچیل و «ویاچسلاو مولوتف» به نمایندگی انگلیس
و روسیه.

۲۷ مه: آغاز حمله شدید دوم مجدد به مصر و
رسیدن رومل به العلمین و هفتاد میلی اسکندریه و
توقف ۴ ماهه در آنجا.

۴-۷ ژوئن: حمله نیروی دریائی ژاپن به جزیره
میدوی و شکست ژاپنیها در برابر نیروی دریائی
وهوانی امریکا و وارد آمدن خسارات هنگفت به
ژاپنیها.

۹ ژوئن: توافق بین امریکا و انگلیس در استفاده
از کلیه منابع غذایی و تولیدی در راه حصول به
پیروزی.

۱۲ ژوئن: تصرف «ات تو» در جزایر الوسین از
طرف ژاپنیها که آنها را به اوج پیروزیهای خود
رسانید و همزمان بود با پیشرفت آلمانها به طرف
مناطق قفقاز.

۱۸ ژوئن: آغاز انعقاد کنفرانسهای انگلیس و
آمریکا بین چرچیل و روزولت در واشنگتن.

۳۰ ژوئن: تصویب اعتبار ۴۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
دلاری برای دفاع نظامی از طرف کنگره امریکا
(تصویب چنین مبلغی هنگامت در تاریخ امریکا
بی سابقه بود).

۹ ژوئیه: پیروزی نیروی چین ملی بر ژاپنیها در
ایالت «کینانگ سه».

۱۵ ژوئیه: تصرف میلزوو بدست آلمانها.

۲۴ ژوئیه: تصرف روستوف به دست آلمانها و
پیشروی سریع در خاک قفقاز و نزدیک شدن به دریای
خزر.

۷ اوت: پیاده شدن نیروی امریکا در جزائر
سلیمان و تصرف فرودگاههای ژاپنی در گوادال کانال.

۱۲ اوت: آغاز کنفرانس چهار روزه چرچیل و

استالین در مسکو و مذاکره در گشایش جبهه دوم در
اروپا.

۲۰ اوت: تصرف مایکوب و عبور از رود دن از
طرف آلمانها.

۲۲ اوت: آغاز حمله به استالینگراد.

۳۰ اوت: اعلام الحاق لوکزامبورگ به آلمان از
طرف آلمان و آغاز سربازگیری به عنوان نظام وظیفه
در آن کشور و اعتصاب عمومی کارگران در برابر این
تصمیم و قتل و تبعید عدهای از کارگران از طرف
آلمان.

۶ سپتامبر: تصرف نوروسلیک به دست آلمانها.
۱۴ سپتامبر: ورود آلمانها به بخشی از شهر
استالینگراد.

۸ نوامبر: پیاده شدن نیروهای آمریکائی (در
افریقای شمالی فرانسه).

۱۱ نوامبر: پیشروی نیروهای آلمان در خاک
فرانسه به تلافی حمله امریکا به افریقای شمالی
فرانسه.

۱۲ نوامبر: پیروزی امریکا در جنگ سه روزه در
«جزائر سلیمان» و غرق ۱۸ ناو جنگی و باربری
ژاپن.

۱۷ نوامبر: معرفی «پیرلاوال» از طرف مارشال پتن
بعنوان جانشین خود و تفویض قدرت وضع قانون و
تصویب نامه به وی که نشانی از ازدیاد فشار آلمان به
حکومت «ویشی» و کنترل آلمانها نسبت به آن منطقه
بود.

۲۷ نوامبر: غرق بقیه رزمناوهای فرانسوی که در
«تولون» لنگر انداخته بودند به دست ملوانان کشتیها
به منظور جلوگیری از افتادن آنها به دست آلمانها.

۱۶ دسامبر: پایان هفتادوهفتمین دوره اجلاس
کنگره امریکا پس از طولانیترین جلسه در تاریخ
امریکا.

۱۹۴۳ م.

از همه چیز...

۱۲ مارس: تمدید مدت وام و اجاره از طرف کنگره آمریکا تا یک سال بعد.

۱۹ مارس: حمله نیروی آمریکا به تونس از طریق الجزایر و تصرف «القطار».

۲۲ مارس: تاکید چرچیل برای طرح نقشه‌هایی به منظور تشکیل کابینه تازه‌ای از ملل اروپا و آسیا.

۳۰ مارس: پیشروی ارتش هشتم انگلیس در جنوب تونس و رسیدن به قوای آمریکائی القطار (۸ آوریل).

مارس-ژوئیه: جمع‌آوری قوا از طرف روسیه و رسیدن تجهیزات جنگی و ۶,۵۰۰ هواپیمای آمریکائی به کمک این کشور و تقلیل تجهیزات جنگی و اسلحه آلمان به سبب بمباران کارخانجات اسلحه‌سازی آلمان از طرف آمریکائیان.

۲۷ آوریل: اعلام قطع رابطه دولت روسیه شوروی با حکومت لهستان در تبعید. توضیح سخنگوی روسیه در روز بعد که مقصود توقف روابط بوده نه قطع روابط

۸ - ۱۲ مه: پایان مقاومت محور در شمال آفریقا و تصرف تونس به دست متفقین، تلفات محور در جنگ آفریقا ۹۵۰,۰۰۰ کشته و اسیر و ۸,۰۰۰ هواپیما و تعداد زیادی ناو به ظرفیت ۲,۴۰۰,۰۰۰ تن.

۱۲ مه: ورود چرچیل به واشنگتن برای مذاکره با روزولت در مورد گشایش جبهه دوم در اروپا و بحث در مسائل عمومی راجع به جنگ جهانی و اطمینان دادن به کنگره آمریکا که در صورت کشیده شدن جنگ آمریکا با ژاپن در خاور دور انگلیس دوش بدوش آمریکا به جنگ خواهد پرداخت.

۲۹ مه: اعلامیه روزولت مبنی بر اینکه اداره تجهیزات جنگی آمریکا به ریاست «جیمز برنرز» بزرگترین مأمور مرکزی کشور آمریکا در تعقیب برنامه مساعی جنگی در جبهه داخلی است.

۱۸-۱ ژانویه: آغاز عقب‌نشینی آلمانها و تجدید تصرف شهر «موزدوک» و نجات دادن لنینگراد پس از هفده ماه محاصره و وارد شدن تلفات زیاد به لشکر آلمانی در استالینگراد و تقلیل آنها به ۸۰,۰۰۰ نفر. ۱۴-۲۴ ژانویه: کنفرانس کازابلانکا، کنفرانس ده روزه روزولت و چرچیل در کازابلانکا در ساحل مراکش و صدور اعلامیه مشترک در تاریخ ۲۷ ژانویه مبنی بر تصمیم آنها به حمله مشترک در سال ۱۹۴۳ و مجاهده در تسلیم نمودن بدون شرط قوای محور به متفقین.

صدور اعلامیه چرچیل در ۱۲ فوریه مبنی بر تصمیم به حمله به اروپا در ظرف نه ماه.

۲۴ ژانویه: تصرف طرابلس به دست ارتش هشتم انگلیس و راندن نیروی محور به خاک تونس ۲ فوریه: تسلیم باقیمانده قوای آلمان در استالینگراد به روسها.

۶ فوریه: عزل یازده عضو از کابینه ایتالیا از طرف بنیتو موسولینی نخست وزیر که «کنت نویل گاللیاز وچیانو» داماد وی نیز یکی از آنها بود و قبول پست وزارت خارجه از طرف خود موسولینی.

۷ فوریه: انتصاب ژنرال «دوایت آیزنهاور» به سمت فرمانده کل قوای متفقین در شمال آفریقا.

۸ فوریه-۱۲ مارس: تجدید تصرف کورسک و «بلگورود» و «روستوف» و «خارکف» و «رژو» و «ویاسما» بوسیله روسها و رسیدن تعداد کشتگان و اسرای آلمانی در سه ماه زمستان این سال به نیم میلیون نفر.

۲۸ فوریه: انتخاب کلیه ۴۵ نماینده مجلس ملی ترکیه (کاموتای) از طرف حزب عامه و تجدید انتخاب ژنرال عصمت اینونو به سمت رئیس جمهور (۸ مارس).

۴ مارس: تخریب ناوهای ژاپنی عازم گینه جدید به وسیله بمباران هوائی متفقین.



۱۶ ژوئیه: تأسیس اداره و جنگ اقتصادی از طرف روزولت در آمریکا.

۲۶ ژوئیه: استعفای کابینه موسولینی در ایتالیا و توقیف وی و جانشینی مارشال پیر بادوگلیو که روز ۲۸ ژوئیه انحلال حزب فاشیست را اعلام کرد. موسولینی در ۱۵ سپتامبر بوسیله سربازان آلمانی از زندان نجات یافته و در مناطقی از ایتالیا که هنوز در تحت تسلط آلمان بود تأسیس حزب فاشیست جمهوریخواه ایتالی را اعلام نمود.

۱۱-۲۴ اوت: کنفرانس ملاقات چرچیل و روزولت با عده زیادی از مشاوران و کارشناسان و مذاکره در باره گشایش جبهه دوم در اروپا، تأسیس سازمان ملل متحد، شناسائی کمیته آزادی ملی فرانسه از طرف آمریکا و انگلیس، روسیه و کانادا، به عنوان مدیر حکومت الجزایر و مستعمرات فرانسوی ماوراء دریاها.

غیبت نماینده روسیه در این کنفرانس و فراخواندن سفیر کبیر روسیه از واشنگتن در این موقع

۴ ژوئن: تشکیل کمیته آزادی ملی فرانسه به عضویت ژنرال «شارل دوگل» و ژنرال «هانری ژبرو» و تعهد این کمیته در کمک به ملل متفق در جنگ با قدرتهای محور.

ژوئیه-۳۱ دسامبر: بروز جنگهای دریائی در آبهای جزایر جنوب غربی اقیانوس آرام و عقب راندن ژاپنها تا دماغه «گلوستر».

۵ ژوئیه: صدور اعلامیه دولت ژاپن مبنی بر اینکه واگذاری شش ایالت را به مساحت ۷۴,۷۷۰ میل مربع و جمعیت ۲,۸۷۰,۰۰۰ نفر به مالایا تصویب کرده است.

۵ ژوئیه-۳۱ دسامبر، ادامه جنگ بین روسیه و آلمان و دست به دست شدن شهرهای روسیه به تکرار بین دو طرف و عقب نشینی آلمانها تا «اسمولنسک» و «دنیپر» و تجدید تصرف «کیف» و «زیتومیر» به دست روسیه.

۱۰ ژوئیه: حمله نیروهای مشترک آمریکائی، انگلیسی و کانادائی به «سیسیل» با ۲,۵۰۰ ناو.

از همه چیز...

هوانی.

۹ سپتامبر: قبول شرایط تسلیم ایتالیا به متفقین از طرف کابینه «بادوگلیو» (این شرایط از طرف انگلیس و آمریکا و روسیه دیکته شده بود).
۹ اکتبر: آغاز حملات نیروهای پارتیزانی یوگسلاوی بر ضد نیروهای محور به رهبری مارشال تیتو (ژوسپ بروز) در ناحیه تریست.
۱۳ اکتبر: اجازه دادن پرتغال به انگلیس برای استفاده از جزایر ازور بعنوان پایگاه دریائی و هوانی متفقین.

۹ نوامبر: تشکیل بنگاه کمک و احیای ملل متحد در واشنگتن زیر نظر مدیرکلی که مسئول کمیته‌ای مرکب از نمایندگان ۴ دولت آمریکا و انگلیس و روسیه و چین بود و تعهد چهار دولت در تأمین بودجه

از طرف مطلعین سیاست، به وجود شکافی بین سه قدرت بزرگ تفسیر شد.

۲۹ اوت: مرگ ناگهانی یوریس سوم پادشاه بلغارستان و جانشینی فرزند شش ساله سیمون دوم و واگذاری حکومت به شورای نیابت سلطنت به عضویت پرنس سیریل عموی جوان پادشاه و بوگلدان فیلوف و ژنرال نیکلاء میخوف نیا به تصویب پارلمان (۹ سپتامبر).

۲۹ اوت: غرق ۲۹ ناو از جمله ۱۸ ناو دانمارک در بندر کپنهاگ از طرف ملوانان در اثر اقدام آلمان برای تصرف آنها و فرار ۱۳ ناو به سوئد و افتادن شش ناو به دست آلمانیها.

۳ سپتامبر: حمله دریائی و ورود نیروهای متفقین به خاک ایتالیا در جنوب با کمک نیروهای دریائی و



این بنگاه.

۱۹۴۴ م.

در این سال در حدود ۵۰۰ زیردریائی آلمان را متفقین از بین بردند و خطر زیردریائیهای آلمان بسیار تقلیل یافته نیروی دریائی آلمان ضعیف گردید و نیروی دریائی متفقین پیروزمند شد.

۲۳ ژانویه: دومین حمله دریائی متفقین به خاک اروپا و پیاده شدن قوای آنها در سواحل نزدیک رم. فوریه: رسیدن روسها به استونی و به مرزهای لهستان پیش از جنگ.

۱ فوریه: تصویب متمم قانون اساسی جماهیر شوروی روسیه مبنی بر اجازه تاسیس کمیسریهای دفاع و روابط خارجی جداگانه در هر يك از جمهوریهای اجزاء کشور و تشکیل ارتش جداگانه

۷-۲ دسامبر: کنفرانس تهران. ملاقات روزولت و چرچیل و استالین در تهران و انجام مذاکرات و صدور اعلامیه مبنی بر حصول توافق کامل سه دولت در مورد نقشه‌ها و عملیات جنگی و صدور اعلامیه مبنی بر وعده کمک اقتصادی به ایران در خلال جنگ و پس از آن، در این هنگام شمال ایران در تصرف قوای نظامی روس و جنوب تحت قوای انگلیس و راههای ایران تحت نظر نیروهای آمریکائی بود.

۲۹-۲۷ دسامبر: تصرف راههای آهن آمریکا به دست نیروهای نظامی به سبب تصمیم کارگران راه آهن به اعتصاب در ۳۰ دسامبر، حل اختلاف و رفع دخالت ارتش پس از ۲۲ روز (در ۱۸ ژانویه ۱۹۴۴).





۱۷ فوریه: به دام افتادن ده لشکر آلمانی نزدیک چوکسی و از بین رفتن یا اسارت نفرات آنها.

۲۲ مارس: تصرف مجارستان به دست نیروهای آلمان و تشکیل حکومت دست نشانده به ریاست دوئم سرتوچای بعنوان نخست وزیر و وزیر امور خارجه.

۲۶ مارس: تجدید تصرف اوکرائی و رسیدن روسها به مرز رومانی.

۱۸ آوریل: استعفای کابینه مارشال بادوگلیو در ایتالیا و دعوت مجدد ویکتور امانوئل سوم از او برای تشکیل کابینه تازه.

۹ مه: تجدید تصرف سواستوپول و کریمه بدست روسها.

۵ ژوئن: ورود ارتش پنجم آمریکا به رم اولین پایتخت اروپائی که از تصرف محور بدر آمد.

۶ ژوئن: حمله به نرماندی، سومین حمله بزرگ دریائی و هوائی متفقین به خاک اروپا در شربورگ

(که جمعاً ارتش جماهیر شوروی را تشکیل دهند) و مجاز بودن هر يك از آنها در مذاکره عقد و پیمان با کشورهای خارجی (هدف این کار آن بود که دولت شوروی بتواند در سازمان ملل متحد آینده یا کنفرانسهای بین المللی نماینده های متعدد بفرستد و اکثریت آراء را بدست آورد ولی موفق نگشت و هیچ يك از جمهوریهای عضو پیمان جداگانه ای با کشورهای خارجی منعقد نساختند).

۲ فوریه - ۱۶ ژوئن: حمله آمریکائیان به جزایر مارشال و تصرف بعضی جزایر دیگر و عقب راندن ژاپنیها تا جزایر ماریانا.

۱۱ فوریه: واگذاری اداره امور کشوری جزایر سیسیل و ساردینیا و بخش جنوبی سرزمین ایتالیا تا مرزهای ایالات سالرنو و پوتنرا به حکومت ایتالیائی ایتالیای آزاد.



شناخته می شوند.

۱۸ ژوئیه: استعفاي ژنرال هيدكى توبو، نخست وزير ژاپن و كليہ وزراي کابينه و انتصاب ژنرال کونياكى کوئيو به عنوان نخست وزير و آدميرال ميتوماسايونائي به عنوان نايب نخست وزير.

۲۱: نامزدی فرانکلن روزولت برای ریاست جمهوری آمریکا در مرتبه چهارم در کنوانسیون ملی حزب دمکرات در شیکاگو و نامزدی هاری ترومن برای نیابت رئیس جمهور.

۴ سپتامبر: آزادی بروکسل به دست ارتش دوم انگلیس.

۵ سپتامبر: اعلان جنگ روسیه به بلغارستان و رسیدن قوای روسیه به صوفیه (۱۶ سپتامبر).

۸ سپتامبر: قبول شرایط متارکه جنگ پیشنهادی روسیه با موافقت متفقین از طرف بلغارستان.

۲ اکتبر: تسلیم نیروی لهستانی ژنرال بور (تادئو کوموروسکی) که بر ضد آلمانیهای متصرف ورشو قیام کرده بود به آلمانیها.

۱۳ اکتبر: تصرف بلگراد به دست نیروهای روسی

فرانسه با کمک ۴,۰۰۰ ناو ۱۰,۰۰۰ هواپیما آغاز شد. حمله نیروهای متفقین به فرماندهی ژنرال آیزنهاور به اراضی تحت کنترل آلمان و گشایش جبهه تازه در باختر اروپا.

۱۶ ژوئیه: آغاز بمباران هوایی جزیره کیوشو (خاک اصلی ژاپن) و ادامه بمباران شهرهای ژاپنی تا پایان جنگ و هنگام تسلیم ژاپن.

۱۷ ژوئن: آغاز نوع بمباران تازه ای از طرف آلمانها نسبت به شهرهای انگلیس به وسیله رهاکردن هواپیماهای بی خلبان و پر از مواد منفجره به وسیله راکت.

۲۶ ژوئن: حمله روسیه به فنلاند و تصرف ویبورگ و تجدید تصرف ویتبسک به دست روسها.

۱۱ ژوئیه: شناسائی کمیته ملی آزاد فرانسه به ریاست ژنرال شارل دوگل از طرف امریکا به عنوان حکومت دفاکتوی کشوری فرانسه در مناطق آزاد شده آن کشور. صدور اعلامیه ژنرال آیزنهاور خطاب به حکومت آلمان مبنی بر اینکه نیروهای پارتیزانی و زیرزمینی فرانسوی به بعنوان محاربین با آلمان

از همه چیز...

ایتالیا و واداشتن وی به تشکیل دادن کابینه تازه (۹ دسامبر) و قبول کابینه جدید از طرف متفقین (که در ۲۳ اکتبر استقلال ایتالیا را به رسمیت شناخته بودند) پس از عدم موافقت انگلیس با نخست وزیری و وزارت خارجه کنت کارلو اسفورزا.

۱۰ دسامبر: مذاکره برای عقد پیمان بیست ساله اتحاد و امنیت متقابل بین فرانسه و روسیه در مسکو به وسیله ژنرال دوگل.

۲۵ دسامبر: ورود چرچیل نخست وزیر انگلیس و انتونی ایدن وزیر خارجه او به آتن برای پایان دادن به جنگ داخلی بین احزاب یونان، تفویض نیابت سلطنت ژرژ دوم پادشاه یونان (۳۰ دسامبر) به اسقف بزرگ داماس کینوس و تشکیل دولت جدید به

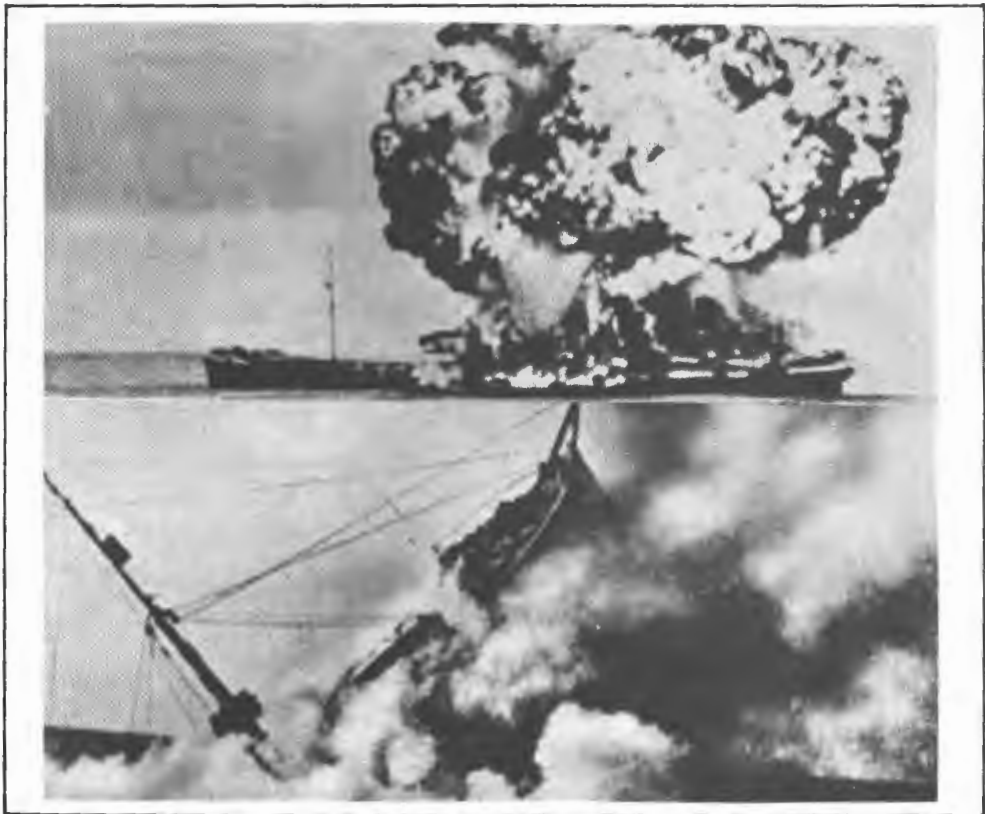
و یوگسلاوی.

۳۰ اکتبر: پراکندگی نیروهای آلمان در یوگسلاوی و رسیدن روسها به نزدیکی بوداپست (۲ هفته بعد) و مقاومت شدید بوداپست تا ۱۳ فوریه ۱۹۴۵.

۲۱-۲۲ اکتبر: جنگ در دریای فیلیپین، عقب نشینی قوای ژاپن، غرق چهل ناو و تخریب ۴۶ ناو و ۴۰۵ هواپیمای ژاپن و تمرکز بیشتر قوای امریکا در جزیره ساموس (۲۶ اکتبر).

۱۰ نوامبر: تشکیل کابینه جدید فنلاند به دست یوهایاسی کیوی. شناسائی حزب کمونیست و آماده شدن این حزب برای مبارزه در انتخابات.

۲۶ نوامبر: استعفای ایوانو بونومی نخست وزیر



وسيله وى.

اتفاق مشاوران و فرماندهان نظامى و سياسى خود و صدور اعلاميه ۱۲ فوريه مبنى بر توافق و تصميم مشترك به شكست دادن آلمان و تصرف آن كشور و اخذ غرامات و كمك به كشورهاي آزادي يافته اروپا و كمك به تشكيل يك سازمان بين المللى براي تأمين صلح و امنيت در جهان و تصميم به تشكيل كنفرانس ملل متحد در سانفرانسیسكو.

۱۹ فوریه-۱۷ مارس: جنگ سخت ایوجیما و تصرف فرودگاه در ۷۵۰ میلی یوکوهاما از طرف نیروی آمریکا که به بهای ۱۹۹۳۸ نفر تلفات (شامل ۴۱۹۸ کشته) برای آمریکا تمام شد.

۲۱ فوریه: پیشنهاد تشکیل کنفرانس سالیانه وزرای خارجه کلیه جمهوریهای آمریکائی در

۳۱ دسامبر: وعده ژنرال چیان کای چک به مردم چین برای تأسیس حکومت مشروطه پیش از پایان جنگ.
۱۹۴۵ م.

۱ ژانویه: الحاق فرانسه به سازمان ملل متحد (به عنوان عضو اصلی از پنج کشور) سه سال پس از الحاق دولت فرانسه آزاد در تبعید به ملل متحد.

۶ ژانویه: قطع رابطه دیپلماسی حکومت ترکیه با ژاپن.

۷-۱۲ فوریه کنفرانس کریمه: ملاقات روزولت و چرچیل و استالین به نمایندگی سه کشور امریکا و انگلیس و روسیه در یالتا (در شبه جزیره کریمه) به



از همه چیز...

۵ آوریل: لغو پیمان عدم تجاوز ۵ ساله بین روسیه و ژاپن از طرف دولت روسیه شوروی (این پیمان در ۱۳ آوریل ۱۹۴۱ منعقد شد، و یکی از شرایط آن این بود که یک سال پیش از پایان آن ممکن است از طرف هر یک از طرفین پیمان لغو شود).

۱۲ آوریل: درگذشت ناگهانی فرانکلن روزولت رئیس جمهور امریکا در ورام اسپرینگ و جانشینی هاری ترومن معاون ریاست جمهور.

۲۱ آوریل: عقد پیمان کمک متقابل و همکاری ۲۰ ساله روسیه شوروی و حکومت موقتی لهستان، عدم موفقیت روسیه در به دست آوردن کرسی برای نمایندگی لهستان در کنفرانس ملل متحد در سانفرانسیسکو.

کنفرانس کشورهای امریکائی در چابولته در مکزیکوسیتی.

۳ مارس: اعلان جنگ فنلاند به آلمان.

۱۷ مارس: طرح قانون اساسی اتحادیه عرب طی یک جلسه عمومی در قاهره.

۲۱ مارس: پیشروی ناو هواپیمابر امریکائی در آبهای ژاپن و حمله به ناوهای ژاپن که منجر به غرق ۱۵ رزمناو و ۴۷۵ هواپیما گردید. در این جنگ تلفاتی به ناوهای امریکائی وارد نیامد.

۱۱ آوریل: حمله دریائی و زمینی نیروهای امریکا به اکیناوا، غرق یاماتو رزمناو ۴۵,۰۰۰ تنی ژاپنی و ۵ ناو دیگر و تصرف فرودگاهی به فاصله ۳۲۵ میلی شهرهای ژاپن.





و دانمارك.

۷ مه: تسلیم بلاشروط حكومت موقتی آلمان به ریاست دریدار دوینتر به متفقین. قطع روابط سیاسی اسپانیا با آلمان.

۸ مه: اعلان پایان جنگ از طرف ترومن رئیس جمهور امریکا در امریکا و چرچیل در انگلیس و نامگذاری هشت مه به نام روز پیروزی.

۹ مه: اعلان پایان جنگ در روسیه از طرف استالین و امضای رسمی و پایان تشریفات تسلیم آلمان در برلن.

۱۲ مه: تقاضای ایونو بونومی نخست وزیر ایتالیا از متفقین برای اعزام نیرو به تریست و تصرف آن، اخطار انگلیس و امریکا به مارشال تیتو مبنی بر اینکه تریست باید در تحت و اداره متفقین باقی بماند.

۱۸ مه: اعلان ترومن رئیس جمهور امریکا به

۲۹ آوریل: دستگیری و قتل موسولینی به دست نیروهای ضد فاشیست ایتالیائی هنگام فرار وی به سوئیس.

مه - اوت: وقوع بزرگترین حمله هوائی در تاریخ از طرف امریکا که منجر به درهم شکستن نیروی دریائی و کارخانجات ژاپن و قطع روابط دریائی ژاپن گردید، نیروی هوائی امریکائی مقدار ۴۰،۰۰۰ تن بمب در مدت يك ماه بر مراکز صنعتی ژاپن فرو ریخت.

۱ مه: خودکشی آدولف هیتلر در برلن در هنگام بمباران شهر بوسیله روسها و ورود نیروی روسی به خرابه‌های شهر برلن. آغاز مذاکرات دریدار کارل دوینتر بعنوان رئیس شورای حكومت موقتی آلمان با متفقین برای تسلیم آن.

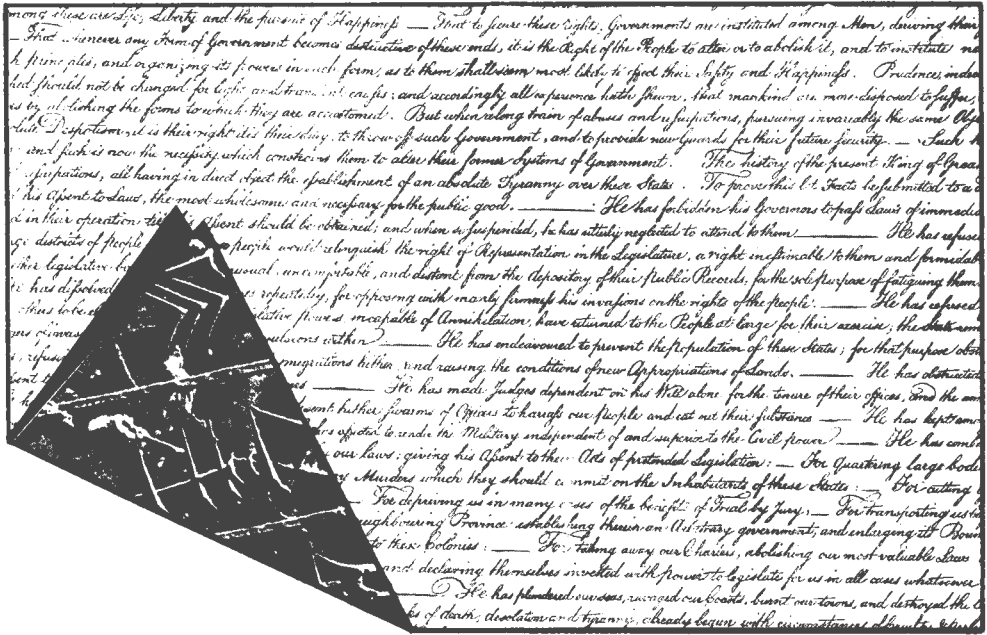
۴ مه: انحلال رژیم ناسیونال سوسیالیست آلمان و تسلیم نیروی آلمان در شمال باختری آلمان و هلند

از همه چیز...

۲۰ مه: خارج شدن نیروهای امریکائی از
تریست و موافقت مارشال تیتو با خارج کردن
نیروهای یوگسلاوی از کارینت.

سفیرکبیر فرانسه مبنی بر اینکه آمریکا بخشی از
منطقه متصرفی آمریکا را در آلمان تخلیه خواهد کرد
و به فرانسه تسلیم خواهد کرد.





گزیده‌ای از رخداد‌های مهم تاریخی از دوران باستان تا آغاز قرن بیستم

۱۵ اکتبر ۵۳۹ ق.م

سرزمین تاریخی «بابل» بعد از جنگی سخت به تصرف کوروش سرسلسله سلاطین هخامنشی درآمد. این سرزمین که در ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد امروزی قرار داشت، در آن زمان توسط «نبوئید» اداره می‌شد. با وجوی که بابل دارای حصارهای محکمی بود، کوروش دستور داد تا مسیر رود دجله را تغییر دادند و از مجرای آن وارد بابل شد و آن سرزمین را تصرف کرد.

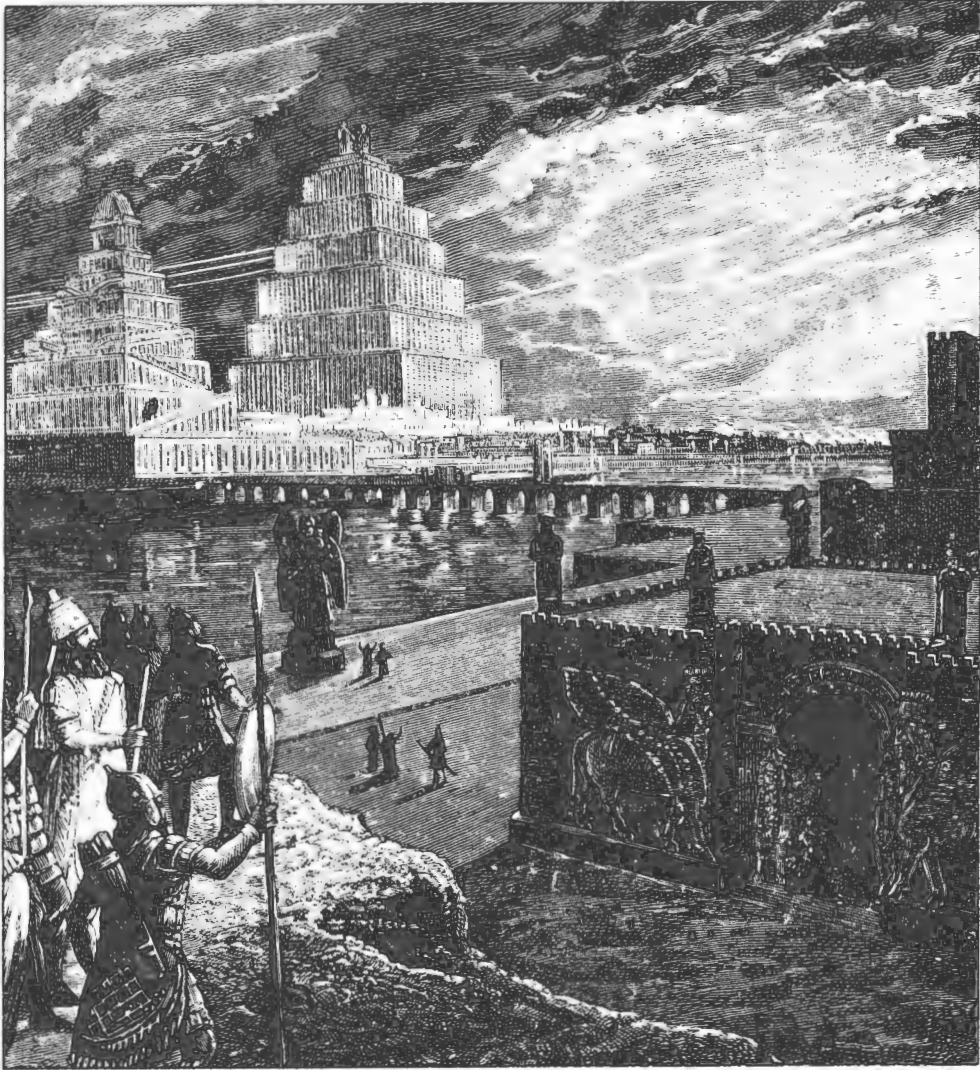
به فرمان کوروش، پادشاه هخامنشی ایران، دو روز بعد از اینکه سپاهیان هخامنشی سرزمین بابل را پس از شکست «نبوئید» پادشاه آن تسخیر کردند، اسرای یهودی که تعدادشان به ۴۲ هزار نفر می‌رسید و توسط بخت‌النصر «نبوکدنصر» از اورشلیم به اسارت به بابل آورده شده بودند، آزاد شدند و به فلسطین برگشتند تا برای خود معبد تازه‌ای بسازند. آزادی اسرای یهودی، فردای روز تاجگذاری کوروش انجام شد.

۲۱ مارس ۵۳۸ ق.م

محاصره تاریخی «بابل» به فرمان کوروش

۱۳ اکتبر ۵۳۹ ق.م





بنای شهر اسکندریه که امروزه یکی از مهمترین و فعالترین بنادر جنوبی دریای مدیترانه محسوب می‌شود به فرمان اسکندر فاتح معروف یونانی آغاز شد. در آن زمان اسکندر که در اوج قدرت خویش بود، می‌خواست در هر کشوری که فتح می‌کند یادگاری از خویش باقی بگذارد که نام او را جاویدان کند. بنای «اسکندریه» اولین یادگار از این نوع

آغاز شد. حصار بابل ۷۶۰۰ متر طول، ۲۳ متر ارتفاع و ده متر عرض داشت. به علت وجود رود دجله دیگران تصور می‌کردند که کوروش قادر به فتح بابل نخواهد بود اما کوروش دستور داد آب دجله را برگردانند و از راه آن وارد بابل شد و بعد از استیلا بر آن کشور، اسرای یهودی را آزاد ساخت و به فلسطین فرستاد.

۸ اوت ۳۳۳ ق.م

است که در کشور مصر ساخته شد.

۲۸ ژوئن ۳۲۳ ق.م

اسکندر مقدونی، فاتح معروف یونانی که در تاریخ از او به نام اسکندر کبیر یاد شده است، پس از ۳۳ سال زندگی در اوج اقتدار دیده از جهان فرو بست. وی روز ۱۶ دسامبر ۳۵۶ قبل از میلاد متولد شده و در ۲۰ سالگی بجای پدرش فیلیپ دوم پادشاه مقدونیه به سلطنت رسیده بود. اسکندر ابتدا یونان را تصرف کرد و بعد به جهانگیری پرداخت و ممالک بسیاری را در آسیا تسخیر کرد.

۲۸ اوت ۲۵۶ ق.م

از همه چیز...

سلسله تاریخی و معروف «اشکانیان» به توسط یکی از شجاع ترین سرداران اقوام دلیر و جنگجوی «پارت» به نام «ارشک» یا «آرشاک» بعد از پیروزی بر «وه آنتیوخوس سوم» یا «آنتیوکوس» بنیان گذاشته شد و به این ترتیب سلسله نیمه یونانی «سلوکیها» منقرض شد. سلطنت اشکانیان مدت ۴۸۲ سال طول کشید و در ۱۸ ژانویه ۲۲۶ م با تأسیس سلسله ساسانی پایان یافت.

۲۰ سپتامبر ۲۱۷ ق.م

جنگ تاریخی معروف به «ترازیمن» در حوالی دریاچه‌ای زیبا به همین نام میان امپراتوری مقتدر روم و کشور جنگجوی کارتاژ با پیروزی کارتاژیها به



از سپاهیان «پمپه» که قبلاً از ژول سزار شکست خورده بودند در این جنگ علیه سزار می جنگیدند، با این همه فارناس مغلوب شد.

۳ ژانویه ۴۳ ق.م

دومین اتحاد مثلث در امپراتوری روم قدیم به ابتکار «مارک آنتونی» یکی از سرداران قدیم تأسیس شد. در این اتحاد که به شیوه اتحاد مثلث «ژول سزار - پومپه و کراسوس» سه سردار روم برای اداره امور امپراتوری دست اتحاد به هم داده بودند جز مارک آنتونی، اکتاویوس و لپیدوس نیز شرکت داشتند. این اتحادیه روز ۲۳ اوت ۳۱ ق.م منحل شد.

۱۹ مارس ۴۲ ق.م

جنگ تاریخی میان «مارک آنتونی» سردار معروف رومی و دو تن دیگر، از سران توطئه قتل ژول سزار، امپراتور روم که به جنگ «انتقام» معروف است، با پیروزی مارک آنتونی پایان یافت.

مارک آنتونی سردار بزرگ روم، که همه او را جانشین ژول سزار و امپراتور آینده روم می دانستند، پس از پیروزی بر «کاسیوس» و «بروتوس» سبب شد که هردوی آنها خودکشی کردند.

۱۰ نوامبر ۳۶ ق.م

جنگ تاریخی امپراتوری مقتدر روم به فرماندهی «آنتوان» سردار معروف رومی و دولت پادشاهی اشکانی ایران به فرماندهی «اشک چهاردهم / فرهاد چهارم» آغاز شد. بهانه این جنگ استمداد پادشاه ارمنستان از امپراتوری روم بود. با وجود کثرت سپاهیان رومی نتیجه جنگ به نفع ایران تمام شد و «آنتوان» با عده کمی از سپاهیانش که زنده مانده بودند به روم گریخت.

۲۵ دسامبر ۱ م

پایان رسید. این جنگ اولین برخورد مهم میان دو کشور در جریان جنگهای دوره دوم «بونیک» بود و سرداری کارتاژیها با «آنیبال» معروف بود که با ۲۰ هزار پیاده و ۶ هزار فیل سوار و اسب سوار به حمله پرداخته بود.

۳۱ مارس ۱۸۳ ق.م

«آنیبال» سردار شجاع و پادشاه بزرگ و میهن پرست کارتاژی، بعد از ۱۹ سال درگیری و متواری بودن، خودکشی کرد و به این ترتیب یکی از قویترین و کینه توزترین دشمنان امپراتوری روم از میان رفت، آنیبال، بعد از شکست سختی که از «سی پیون» سردار سپاهپوست رومی در ۵ نوامبر ۲۰۲ ق.م در آفریقا خورد گریخت و تا روز مرگش آواره بود.

۲۵ آوریل ۱۴۶ ق.م

«کشور کارتاژ» جنگجوترین دشمن امپراتوری معروف روم باستان، توسط نیروهای رومی تصرف شد و به این ترتیب استقلال کارتاژ با وجود جنگها و شجاعتهای افسانه‌ای «آنیبال» پادشاه بزرگ کارتاژ از بین رفت. کارتاژ که عربها به آن «قرطاجنه» می گویند، در شمال آفریقا قرار داشت و تونس امروزی جزئی از آن بود. پس از کارتاژ «نومیدیه» یا الجزایر امروزی در سال ۱۴۵ ق.م بدست رومیان افتاد.

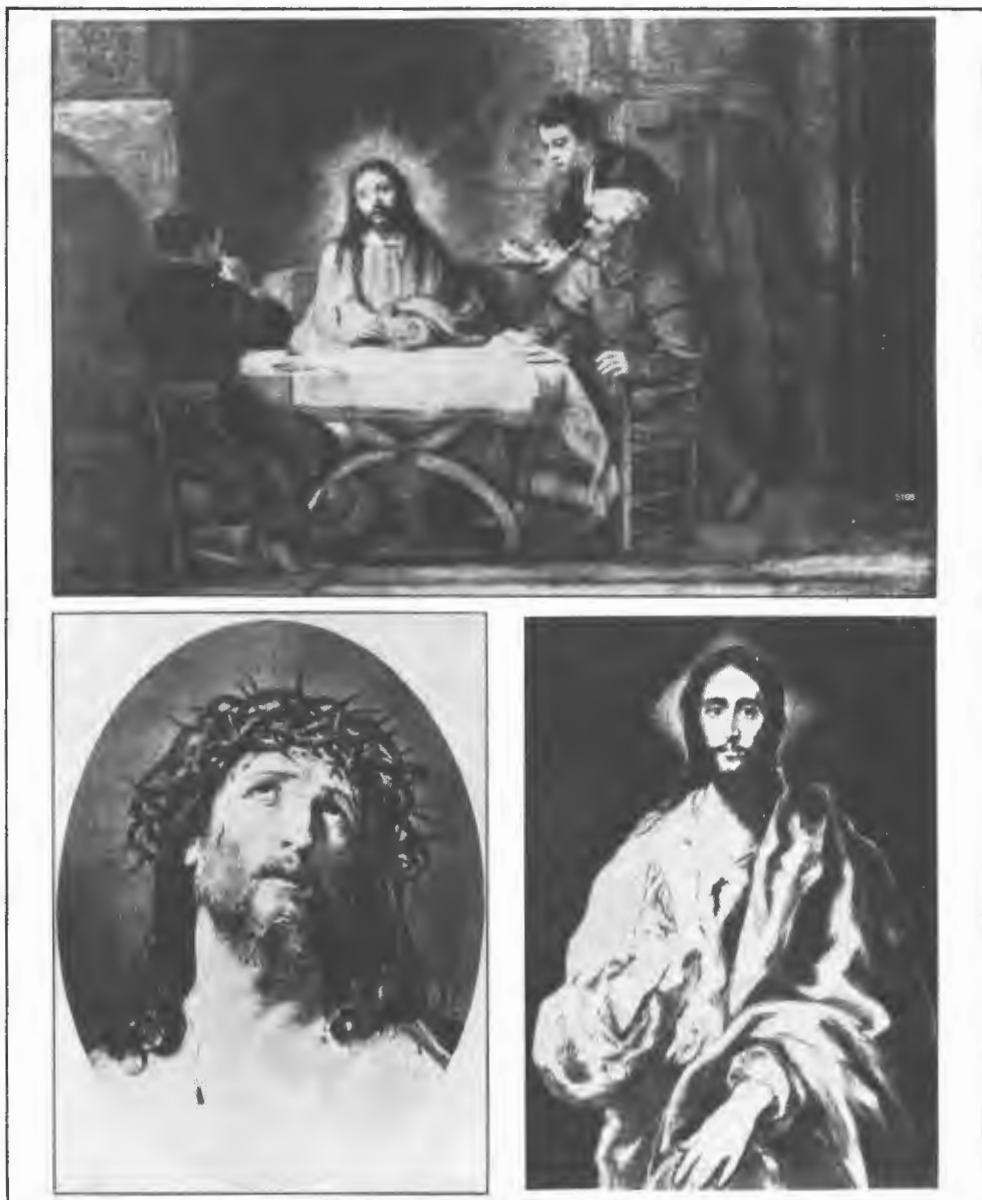
۶ دسامبر ۴۷ ق.م

جنگ خونین و مهم آسیای صغیر میان دو مدعی نیرومند رهبری امپراتوری روم اتفاق افتاد. در این جنگ، ژول سزار، سردار پیروز و رهبر ملت روم علیه «فارناس» که قصد ایجاد نوعی دیکتاتوری در امپراتوری روم قدیم داشت می جنگید. گرچه جمعی

از همه چیز...

به پیامبری مبعوث گردید دین خود را آشکار ساخت
و این ترتیب ماجراهای مذهبی عیسویان و رومیان که
سرانجام به اعدام او منجر شد، آغاز گردید.

حضرت «عیسی مسیح» پیامبر بزرگ عیسویان
جهان در بیت اللحم «اورشلیم» بدنیا آمد. در آن زمان
«سزار» بر روم سلطنت داشت و از طرف او «هرودوس»
نامی حاکم فلسطین بود. عیسی مسیح پس از اینکه



سلطنت «اشك شانزدهم» از پادشاهان سلسله اشکانی آغاز شد. وی که «ارد» نام داشت، از شاهزادگان اشکانی بود. در زمان سلطنت «فرهاد پنجم - اشك شانزدهم» وی به كمك عده‌ای از سرداران ناراضی کودتائی ترتیب داده و بعد از خلع «فرهاد پنجم» از سلطنت و قتل او، خود با نام «ارد دوم - اشك شانزدهم» پادشاه شد. «ارد» روز ۱۷ اوت ۶ میلادی در شکارگاه کشته شد.

سلطنت و زندگی «فرهاد پنجم» پانزدهمین شاهنشاه سلسله اشکانی پایان یافت و در جریان يك کودتا که توسط جمعی از سرداران وی رهبری می‌شد، بعد از خلع از سلطنت به قتل رسید. رهبر این کودتا، یکی از شاهزادگان اشکانی به نام «ارد» بود که بعدها با نام «ارد دوم» به سلطنت رسید. «فرهاد پنجم - اشك شانزدهم» روز ۱۴ سپتامبر ۲ ق.م بعد از مسموم کردن پدرش «فرهاد چهارم» به سلطنت رسیده بود.



۲۷ ژوئیه ۱۶ م

قبول کرد و چون روز ۱ فوریه ۵۴م به تحریک نرون «کلودیوس» مسموم شد، نرون امپراتور شد و مدت ۱۴ سال امپراتوری کرد. حریق رم و کشتار مسیحیان و قیام رومیان در زمان او اتفاق افتاد.

۱۲ سپتامبر ۵۱ م

سلطنت و زندگی «گودرز / اشک بیستم» یکی از دیکتاتورترین پادشاهان سلسله اشکانی به پایان رسید. «گودرز» یکی از ۳ فرزند «اردوان سوم / اشک هجدهم» بود و مدتها بعد از مرگ پدر، بین دو برادر جنگ بود تا بعد از پیروزی بر برادرش «اردوان / اشک نوزدهم» سلطنت مستقل خود را آغاز کرد. بعد از «گودرز» برادر دیگرش «وانان دوم» به سلطنت رسید.

۲۲ اکتبر ۷۰ م

سرزمین فلسطین بعد از جنگی سخت توسط سپاهیان امپراتوری روم تصرف شد و به این ترتیب دوران اشغال مداوم این سرزمین یهودی نشین، در حدود ۱۹ قرن یعنی ۱۹۰۰ سال توسط ممالک و ملل مختلفه آغاز شد. فتح فلسطین که در جریان آن عده زیادی از یهودیان اسیر و کوچانیده شدند در زمان امپراتوری سلطه فلاویوسها و توسط «تیتوس» انجام گرفت.

۱ فوریه ۵۴ م

«نرون» امپراتور ستمکار و دیکتاتور قسی القلب روم، بعد از مرگ پدرخوانده اش «کلودیوس» به امپراتوری روم رسید و در این زمان ۱۷ ساله بود. مرگ کلودیوس را به او نسبت می دهند و او غیر از پدر خوانده اش، مادر و برادرخوانده و زن خود را نیز کشت و در مدت ۱۴ سال امپراتوری، خونهای زیادی ریخت، وی در ۸ اوت ۶۸م خودکشی کرد.

۱۹ اکتبر ۱۰۷ م

سلطنت «اردوان سوم» هجدهمین شاهنشاه سلسله اشکانی آغاز شد. وی از شاهزادگان اشکانی بود و از زمان «فرهاد چهارم» حاکم آذربایجان بود. در زمان سلطنت «وانان / اشک هفدهم» وی به عنوان اینکه «وانان» تربیت رومی دارد و قادر به اداره ایران نیست علیه او قیام کرد و «وانان» ناچار به ارمنستان گریخت و «اردوان سوم» در این روز به سلطنت رسید.

۲۷ ژوئیه ۱۶ م

سلطنت ده ساله «وانان / اشک هفدهم» هجدهمین پادشاه سلسله اشکانی با فرار او به ارمنستان پایان یافت. «وانان» یکی از فرزندان «فرهاد چهارم» بود که در دربار روم به صورت گرگان بسر می برد و تربیت رومی داشت. بعد از قتل «ارد دوم / اشک شانزدهم» وی به ایران آمد و روز ۳۰ اکتبر ۶م به سلطنت رسید. «وانان» بعدها با کمک امپراتوری روم به سلطنت ارمنستان رسید.

۷ آوریل ۳۰ م

عیسی مسیح، پیامبر بزرگ عیسویان به دستور «پونتوس پیلات» حکمران رومی فلسطین و در زمان امپراتوری «تیبیریوس» مصلوب شد. حضرت مسیح توسط یکی از حواریونش به نام «یهودا» به چنگ رومیان که با تعالیم وی مخالف بودند، افتاد و چون حاضر نشد از ادامه تعالیم خود سرباز زند، محکوم به مرگ شد و در این روز او را به صلیب کشیدند.

۳۱ ژانویه ۳۷ م

«نرون» یکی از ستمکارترین دیکتاتوران و امپراتوران روم باستان در «آنتیوم» قدم به عرصه وجود گذاشت. «کلودیوس» امپراتور روم او را به فرزندی

امپراتوری نیرومند «چین» تصرف شد و از آن پس تا اواخر قرن نوزدهم میلادی، این سرزمین جزء چین محسوب می‌شد. با ایجاد اتحادیه هندوچین در ۷ فوریه ۱۸۹۹ م به نفوذ چین خاتمه داده شد.

۱۱ مه ۱۹۴ م

جنگ سه‌ساله ایران و روم بر سر توسعه نفوذ سیاسی در مناطق بین‌النهرین (یعنی عراق امروزی) با حمله ایران بخاطر تصرف مناطق غربی بین‌النهرین (که در اشغال سپاهیان امپراتوری روم بود) آغاز شد. در آن زمان بر ایران «بلاش چهارم / اشک بیست‌وششم» و بر امپراتوری روم

سلطنت «خسرو / اشک بیست‌وسوم» بعد از مرگ «بلاش اول / اشک بیست‌ودوم» بر قلمرو اشکانیان آغاز شد. «بلاش اول» روز ۳۰ اوت ۷۷ م فوت کرد و در فاصله مرگ او تا جلوس «خسرو» که ۳۰ سال فترت بود دو نفر فرمانروائی کردند که اهمیت چندانی ندارند. «خسرو» معاصر با «ترازان» امپراتور روم بود.

۲۹ ژوئن ۱۱۱ م

سرزمین «ویتنام» که شامل منطقه بسیار وسیعی مرکب از ممالک امروزی ویتنام، لانوس و کامبوج می‌شد توسط سپاهیان



از همه چیز...

۲۰ نوامبر ۲۱۶ م

سلطنت «بلاش پنجم / اشك بیست و هفتم» شاهنشاه سلسله اشکانی پایان یافت. «بلاش پنجم» یکی از دو فرزند «بلاش چهارم» بود و وقتی بلاش چهارم بدرود حیات گفت، بین «بلاش پنجم» و «اردوان» پنجم» فرزندان او بر سر جانشینی او اختلاف افتاد و کار به جنگ کشید. ابتدا «بلاش پنجم» پیروزی نسبی بدست آورد ولی پس از مدتی سلطنت در این روز از برادرش شکست خورد و اردوان پنجم به سلطنت رسید.

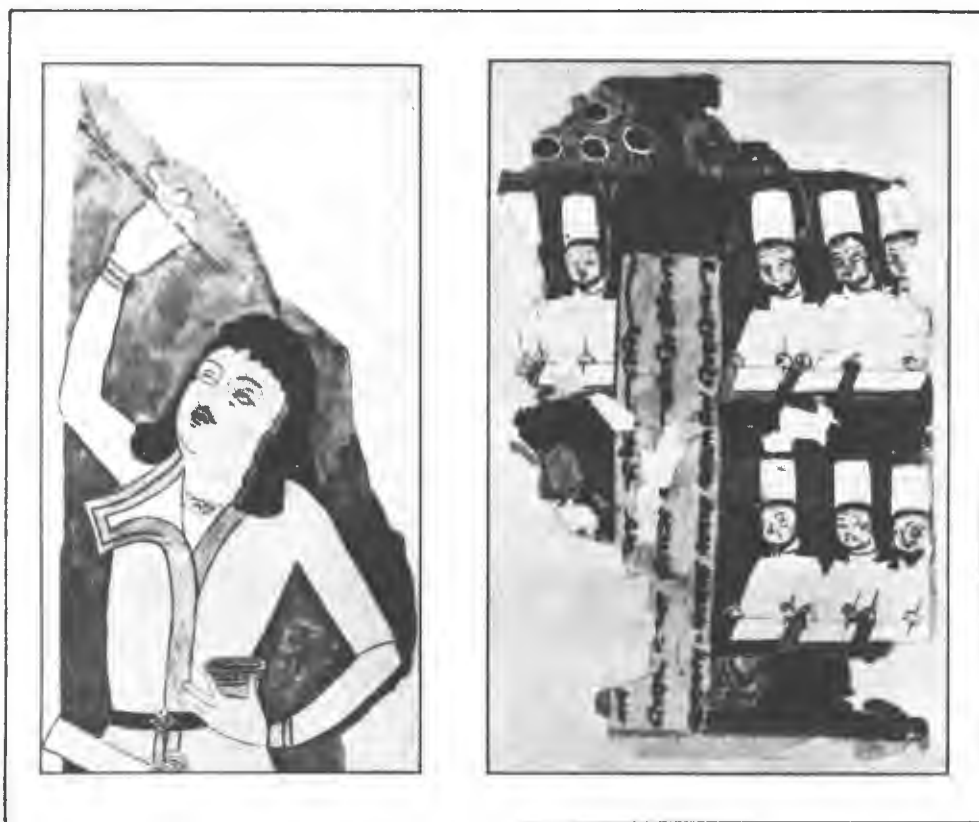
۲۰ نوامبر ۲۱۶ م

«سپتیم سوروس» سلطنت داشتند. نتیجه این جنگها که روز ۱۵ ژانویه ۱۹۷ م به پایان رسید پیروزی رومیها بود.

۱۵ ژانویه ۱۹۷ م

جنگهای تاریخی معروف به «جنگ سه ساله بین النهرین» با پیروزی سپاهیان امپراتوری روم به پایان رسید و «بلاش چهارم / اشك بیست و هشتم» شاهنشاه اشکانی ایران که از روز ۱۱ مه ۱۹۴ م جنگ با روم را برای تصرف بین النهرین غربی آغاز کرده بود شکست خورد و علاوه بر عدم موفقیت در تصرف بین النهرین غربی چند شهر دیگر را نیز از دست داد.





بود و مادرش «مریم» نام داشت. بعدها خانواده مانی به همدان رفتند و در این شهر بود که مانی اصول مذهب خود را آشکار کرد. وی روز ۲۶ فوریه ۲۷۷ م در ۶۱ سالی مرد.

۲۴ ژوئن ۲۱۷ م

جنگ خونین و مهم «اترودی» در ناحیه ای به همین نام، میان سپاهیان نیرومند امپراتوری روم و ارتش کارتاز با پیروزی درخشان «آنیبال» سردار رشید و ورزیده کارتازی پایان یافت. در این جنگ سپاهیان کارتازی کمی بیش از نصف سپاه روم بودند ولی با این وصف ۳۰ هزار سپاه رومی را بسختی درهم شکستند و این شکست مقدمه شکستهای بعدی روم

سلطنت «اردوان پنجم» آخرین شاهنشاه سلسله اشکانی بعد از اینکه برادرش «بلاش پنجم / اشک بیست و هفتم» را بر سر جانشینی پدرشان «بلاش چهارم» شکست داد، آغاز شد. «اردوان پنجم / اشک بیست و هشتم» با «کاراکالا» و «ماکری نوس» امپراتوران معروف روم معاصر بود. وی در جنگ با «اردشیر بابکان» سرسلسله ساسانیان شکست خورد و سلسله اشکانی منقرض شد.

۱۴ آوریل ۲۱۶ م

«مانی» از داعیان پیامبری در ایران طی سلطنت ساسانیان در «مردینو» حوالی «بابل قدیم» متولد شد. پدرش «پاتک» مردی سرمایه دار و فیلسوفی روشن بین

از همه چیز...

قیام تاریخی «اردشیر بابکان» سرسلسله شاهنشاهان ساسانی علیه «اردوان پنجم / اشک بیست و هشتم» آخرین فرمانروای اشکانی آغاز شد. اردشیر بابکان بعد از پیروزیهای متعدد در کرمان و خوزستان و اصفهان، در جنگ «هرمزگان» خوزستان در ۱۴ ژانویه ۲۲۴ م «اردوان پنجم» را به سختی شکست و دو سال بعد روز ۱۸ ژانویه ۲۲۶ م با قتل «اردوان» سلسله اشکانی منقرض شد.

۱۴ ژانویه ۲۴۴ م

جنگ تاریخی معروف به «هرمزگان» در سرزمین خوزستان میان «اردشیر بابکان» سرسلسله ساسانیان

از دولت کارتاژ و پادشاه جنگجوی آن کشور «آنیبال» بود.

۲۳ اوت ۲۱۸ م

دوره دوم جنگهای تاریخی میان امپراتوری روم و کشور کارتاژ، با حمله انتقامجویانه کارتاژیها به رهبری سردار و پادشاه نام آورشان آنیبال، آغاز شد. این دوره از جنگهای دو کشور که در حدود سه سال طول کشید به «جنگهای دوم پونیک» معروف است و در کلیه مراحل نبرد، آنیبال که ۲۰ هزار پیاده و ۶ هزار اسب سوار و فیل سوار داشت بر ارتش روم پیروز شد.

۲ سپتامبر ۲۲۳ م



۳۱ ژانویه ۲۲۷ م

«مانی» پیشوای مانویان در دوره سلطنت شاپور اول ساسانی به زندان افتاد و به این ترتیب دوران زجر و آزار و قتل عامهای پیروان وی در قلمرو ساسانیان به دستور «هرمز اول» پادشاه ساسانی آغاز شد. مانی که در زمان سلطنت شاپور اول دین و مذهب رسمی اعلام شده بود، ماه بعد، روز ۲۶ فوریه ۲۷۷ م در زندان گندی شاپور جان سپرد. پیروان مانی، در تاریخ بنام «مانویان» معروف شده‌اند.

۱۲ ژانویه ۲۸۱ م

«تیسفون» یکی از مهمترین شهرهای ایران در دوران سلطنت سلسله ساسانیان، به تصرف «کاروس» امپراتور روم درآمد. در آن زمان بر ایران «بهرام دوم» پنجمین پادشاه ساسانی سلطنت داشت و چون سرگرم جنگ با طوایف «سکا» در شرق بود، «کاروس» امپراتور روم به ایران تاخت و بین النهرین و تیسفون را گرفت. کمی بعد به سبب مرگ «کاروس» بر اثر صاعقه، رومیان به کشور خود بازگشتند و تیسفون آزاد شد. ایوان مدائن (طاق کسری) که بارگاه سلطنتی سلاطین ساسانی بود، در این نقطه قرار داشت و بعدها به دوران حکومت عباسیان توسط منصور دوانیقی خلیفه عباسی ویران شد.

۲ ژانویه ۲۸۲ م

«بهرام دوم» پنجمین پادشاه ساسانی بعد از ۷ سال سلطنت، درود حیات گفت. این پادشاه فرزند «بهرام اول» بود. وقتی «بهرام اول» در سال ۲۷۵ م درود حیات گفت «بهرام دوم» بجای او نشست. وی در ابتدای سلطنت خونریز و ظالم بود. ولی بعد به نصایح موبدان زرتشتی تغییر روش داد و عادلانه

و «اردوان پنجم / اشك بیست و هشتم» آخرین فرمانروای اشکانی اتفاق افتاد. در این جنگ با وجودی که سپاهیان اشکانی بیشتر بودند، مع هذا به سبب وجود اختلاف میان سرداران اشکانی، «اردوان پنجم» شکست خورد و با قتل او در ۱۸ ژانویه ۲۲۶ م سلسله اشکانی منقرض شد.

۱۸ ژانویه ۲۲۶ م

«اردوان پنجم / اشك بیست و هشتم» آخرین شاهنشاه سلسله اشکانی، بعد از دو سال گریز و در بدری به قتل رسید و «اردشیر بابکان» که از روز ۲ سپتامبر ۲۲۳ م برای تأسیس سلسله ساسانی علیه او قیام کرده بود، به مقصود نهائی خود رسید. سلطنت اردوان پنجم از روز ۲۰ نوامبر ۲۱۶ م آغاز شده بود.

۱۸ ژانویه ۲۲۶ م

شاهنشاهی و فرمانروائی اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله معروف و تاریخی «ساسانیان» بر متصرفات وسیعی که از سلسله منقرض شده اشکانیان باقی مانده بود آغاز شد و به این ترتیب ساسانیان سلطنت ۴۱۶ ساله خود را شروع کردند. اردشیر پسر «بابک» و نوه ساسان بود و ساسان موبد معبد «ناهید» در «استخر» فارس بود. سلطنت اردشیر اول تا سال ۲۴۱ م طول کشید.

۱۸ ژانویه ۲۲۶ م

حکومت سلسله معروف «اشکانیان» بعد از ۴۸۲ سال که بر نواحی وسیعی از دنیای قرون اول و دوم و سوم قبل از میلاد و بعد از میلاد در آسیا فرمانروائی کردند بدست «اردشیر بابکان» بنیانگذار سلسله ساسانی پایان یافت و منقرض شد. این سلسله روز ۲۸ اوت ۲۵۶ ق.م توسط «ارشك / اشك اول» تأسیس شده و در این مدت اشکانیان سلطنت کردند.

از همه چیز...

فرمان معروف به «فرمان میلاد» توسط امپراتور
مقتدر «کنستانتین» فرمانروای روم صادر شد و به این
ترتیب مبارزات ۳۰۰ ساله مسیحیان برای آزادی آن

رفتار نمود. بعد از وی «بهرام سوم» به سلطنت رسید.

۳۱ اوت ۳۱۳ م



ارمنستان که وسیعتر بود به ایران و قسمت غربی به امپراتوری روم تعلق گرفت.

۲۱ ژوئن ۳۹۴ م

بازیهای ورزشی «المیک» معروفترین و محبوبترین مسابقات بینالمللی در یونان و روم باستان به دستور «تئودوزیوس» امپراتور معروف روم



منسوخ شد. این مسابقات که دوران جدید آن در قرن بیستم توسط «بارون دوکوبرتن» فرانسوی برگزار گردید، هر چهار سال یکبار در یکی از شهرهای یونان برگزار می شد. سابقه بازیهای المیک به ۷۷۰ سال قبل از میلاد مسیح می رسد.

۱۷ ژانویه ۴۲۰ م

«یزدگرد اول» یکی از معروفترین سلاطین سلسله ساسانی بعد از ۲۱ سال سلطنت بدرود حیات گفت. این پادشاه که در تواریخ ایران بنام «گناهکار» و در تواریخ مسیحیان بنام «نیکوکار» معروف است در سال ۳۹۹ میلادی بعد از مرگ عموی خویش «بهرام چهارم» به سلطنت رسیده بود. چون با مسیحیان به

دین به نتیجه مثبت رسید.

بموجب این فرمان، «کنستانتین» امپراتور روم که جزء اولیاء الله درآمد دین مسیح را در سراسر قلمرو امپراتوری روم رسمی اعلام کرد و رومیان مجبور به قبول دین جدید شدند.

۸ ژانویه ۳۶۳ م

دومین دوره جنگهای تاریخی میان امپراتوری روم و دولت پادشاهی ایران در زمان سلطنت ساسانیان با پیروزی درخشان سپاهیان ساسانی به پایان رسید. این جنگها از روز ۲۱ آوریل ۲۵۹ م با حمله «شاپور دوم / شاپور ذوالاکتاف» به متصرفات روم آغاز شده بود. در جریان جنگ «ژولین ژولیانیوس» امپراتور روم که حریف شاپور دوم بود به قتل رسید.

۱۵ اکتبر ۳۸۳ م

جمهوری «سان مارینو» یکی از کوچکترین جمهوریهای امروزی جهان بوجود آمد. سان مارینو کشوری است به مساحت ۹۸ کیلومتر مربع با ۱۵ هزار نفر جمعیت که در دامنه کوه «تیتانو» از جبال «آپنین» در ایتالیا قرار دارد. تنها قراردادی که «سان مارینو» با ممالک خارجی امضاء کرده است قرارداد ۱ دسامبر ۱۸۹۷ است که به موجب آن سان مارینو با ایتالیا، پیمان عدم تجاوز و ایجاد مودت امضاء کرده است.

۱۴ ژانویه ۳۸۵ م

«ارمنستان» یکی از سرزمینهایی که مورد اختلاف و جنگ میان دو قدرت بزرگ دنیای قرون اولیه میلادی یعنی کشور ایران و امپراتوری روم بود، برای اولین بار میان ایران و روم تقسیم شد و این تقسیم به توصیه و پیشنهاد «شاپور سوم» پادشاه ساسانی صورت گرفت. در این ماجرا قسمت شرقی

از همه چیز...

خود او در سال ۴۳۱م از طرف کلیسای روم طرد و محکوم شد، چون کلیسای روم «مسیح» را کاملاً دارای جنبه آسمانی می دانست. در این شورش پس از کشتار عده ای از نسطوریان بقیه به ممالک دیگر از جمله ایران پناهنده شدند و مقیم گردیدند.

۲۱ ژانویه ۴۹۳م

جنگ تاریخی مذهبی میان «یزدگرد دوم» شانزدهمین پادشاه ساسانی بامردم «ارمنستان» آغاز شد. علت این جنگ توسعه دین مسیح در ارمنستان بود و حال آنکه دین رسمی ایران، دین «زرتشت» بود. «یزدگرد دوم» برای برانداختن مسیحیت از ارمنستان عده زیادی از عیسویان را کشت و بار دیگر دین زرتشت را در آن سرزمین و نیز قسمتهای دیگری از بین النهرین توسعه و رواج کامل داد.

۸ ژوئن ۵۰۳م

مهربانی رفتار می کرد، مسیحیان او را نیکوکار خواندند ولی زرتشتیان به این سبب او را گناهکار گفتند.

۱۲ مه ۴۵۱م

حمله بزرگ و پرتلفات «آتیل» رهبر و سردار اقوام وحشی «هون» به اروپای مرکزی و مخصوصاً بلژیک که در آن زمان بداشتن خزانه های مملو از زر و سیم در کلیساها معروف بود آغاز شد. در این حمله، آتیل ۷۵ هزار نفر سپاه داشت و با وجود پیروزیهای اولیه، بعلت دخالت تئودور پادشاه ویزیگوتهای علیه آتیل، پادشاه هون شکست خورد.

۲۲ ژانویه ۴۵۷م

شورش بزرگ مذهبی در امپراتوری روم بر ضد پیروان مذهب «نسطوری» آغاز شد. این دین، توسط شخصی به نام «نسطوریوس» بنیانگذاری شد؛ ولی





سلطنت «خسرو انوشیروان» تمام شد. این جنگ در زمان امپراتوری «ژوستی نین» امپراتور روم و به فرمان او برای تسخیر پاره‌ای متصرفات غربی ایران آغاز شد ولی بعد از ۷ سال رومیان چنان شکست خوردند که «ژوستی نین» استعفا داد و «تیبیریوس» جانشین او با دادن ۴۵ هزار سکه طلا انوشیروان را حاضر به صلح کرد.

۱۶ نوامبر ۵۷۹ م

«خسرو اول / انوشیروان ملقب به عادل» بعد از ۵۲ سال سلطنت بدرود حیات گفت و با مرگ او،

قرارداد صلح معروف به «تجدید خراج» میان امپراتوری روم و دولت ساسانی ایران به امضاء رسید و به این ترتیب رومیان دوباره خراجگزار ایرانیان شدند. جنگ بر سر تجدید پرداخت باج و خراجی که رومیان به موجب معاهده ۷ سپتامبر ۴۵۱ م تعهد پرداخت آنرا کرده بودند در زمان «قباد اول» ساسانی اتفاق افتاد و با شکست رومیان، دوباره امپراتور روم حاضر به پرداخت باج و خراج شد.

۲۴ ژوئیه ۵۷۹ م

دوره هفت ساله جنگهای ایران و روم در زمان

از همه چیز...

۵ ژانویه ۶۰۳ م

«جنگ ۲۴ ساله» یکی از طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ‌های ایران و امپراتوری روم در زمان سلطنت «خسرو پرویز» بیست و سومین پادشاه سلسله ساسانی آغاز شد. این جنگ به سبب قتل

دوران سلطنت پسرش «هرمز چهارم» آغاز گردید. «خسرو انوشیروان» در سال ۵۳۱ م بعد از مرگ پدرش «قباد اول» به سلطنت رسیده بود. در زمان او بارها ایران و روم جنگیدند و انوشیروان هربار فاتح شد. او نامدارترین و شجاع‌ترین سلاطین ساسانی محسوب می‌شود.





۲۷ آوریل ۶۲۸م

شورش بزرگ ایران معروف به «شورش سرداران» آغاز شد. در این شورش سرداران بزرگ ایرانی علیه خسرو دوم ساسانی معروف به «خسرو پرویز» قیام کردند زیرا وی که در جنگ با «هراکلیوس» امپراتور روم از او شکست خورده بود گناه را متوجه بعضی سرداران خود کرده و آنها را کشته بود. پایان این شورش، خلع خسرو پرویز از سلطنت و آغاز سلطنت فرزندش «شیرویه» بود.

۱۹ سپتامبر ۶۲۹م

قرارداد تاریخی معروف به «قرارداد استرداد صلیب» میان امپراتوری روم و پادشاهان ایران به امضاء

«موریس» امپراتور روم که حامی و دوست «خسرو پرویز» بود و برای گرفتن انتقام او از «فوکاس» امپراتور جدید روم اتفاق افتاد و تا ۱۳ سپتامبر ۶۲۷م طول کشید.

۱۳ سپتامبر ۶۲۷م

جنگهای معروف به «جنگ ۲۴ ساله» که یکی از خونین‌ترین مبارزات دولت ساسانی ایران و امپراتوری روم در قرن هفتم میلادی محسوب می‌شود، با پیروزی «خسرو پرویز» پادشاه ساسانی پایان یافت. این جنگها که عامل اصلی بروز آن گرفتن انتقام خون «موریس» امپراتور روم و حامی «خسرو پرویز» از «فوکاس» امپراتور جدید بود، از روز ۵ ژانویه ۶۰۳م شروع شده بود.

از همه چیز...

جریان جنگ وزیر بعد از شکست، هنگام فرار کشته شدند و سرانجام، این جنگ با پیروزی حضرت علی (ع) تمام شد.

۱۷ ژوئیه ۶۵۸ م

جنگ تاریخی «نهران» بین حضرت علی علیه السلام و جمعی از سپاهیان سابقش که از صف مبارزین او خارج شده و «خوارج» لقب گرفته بودند اتفاق افتاد. در این جنگ که در نزدیکی رود «دجله»، در سرزمین عراق امروزی اتفاق افتاد، خوارج به سرداری «عبدالله الراسبی» به سختی از حضرت علی (ع) شکست خوردند و کینه ناشی از این شکست سبب شهادت حضرت علی (ع) بدست یکی از آنان بنام «ابن ملجم» گردید.

۱۸ ژوئیه ۶۵۸ م

اولین حملات سپاهیان معاویه، فرمانروای معروف سوریه که سودای خلافت در سرداشت، به امپراتور روم شرقی آغاز شد. معاویه قبلاً عازم فتح مصر بود ولی بعد از اینکه کار مصر را به سردار معروف خود «عمرو بن عاص» واگذار کرد بسراغ «قسطنطین دوم» امپراتور روم شرقی رفت و او را در ۳۰ مه ۶۶۰ م وادار کرد تا خلافت او را به رسمیت بشناسد.

۵ فوریه ۶۷۰ م

اولین حکومت عربی در شمال آفریقا تأسیس شد و مؤسس این حکومت، سرداری شجاع بنام «عقبه بن نافع» بود که پسر خاله «عمرو عاص» محسوب می شد. عقبه بن نافع از مصر لشکرکشی کرد و اولین پیروزی وی «برقه» بود سپس با کمک اقوام «بربر» که امروزه در مراکش ساکنند، حکومت مسیحی شمال آفریقا را برانداخت و در آنجا حکومت اسلامی را در زمان خلافت معاویه تأسیس کرد.

رسید و به این ترتیب، مبارزاتی که مدت ۲۳ سال در زمان «خسرو پرویز» جریان داشت، و مدت دو سال نیز میان آن وقفه ایجاد شده بود پایان یافت. یکی از شرایط این قرارداد پس دادن صلیب مقدس حضرت عیسی بود که در زمان خسرو پرویز از بیت المقدس به ایران آورده شده بود.

۱۶ فوریه ۶۳۲ م

سلطنت «یزدگرد سوم» آخرین تاجدار سلسله سلطنتی ساسانی آغاز شد. قبل از وی، در یک دوران پر آشوب و هرج و مرج، نظام سیاسی و مذهبی ایران از هم گسیخته شده بود و «یزدگرد سوم» نیز که جوانی بی تجربه بود قادر به تجدید مجد و عظمت ساسانیان نشد. در زمان سلطنت او بود که اعراب مسلمان به ایران حمله کردند و دولت ساسانی را منقرض کردند.

۲۳ نوامبر ۶۴۴ م

«عمر بن الخطاب» دومین خلیفه اسلام که بر اثر ضربات کارد مردی ایرانی بنام فیروز معروف به «ابولؤلؤ» غلام «مغیره بن شعبه» حاکم کوفه از پای درآمده بود، بدرود حیات گفت.

عمر بن الخطاب، که یکی از وفادارترین یاران پیغمبر بود بعد از مرگ «ابوبکر» اولین خلیفه راشدین بجای او خلیفه شد و ده سال خلافت کرد. جانشین او «عثمان بن عفان» از خاندان بنی امیه بود.

۱۵ دسامبر ۶۵۶ م

جنگ تاریخی «جمل» بین حضرت علی علیه السلام از یکسو و عایشه همسر پیغمبر بزرگوار اسلام و دو تن از یارانش «طلحه و زبیر» از طرف دیگر آغاز شد. در این جنگ که به خاطر مخالفت عایشه با خلافت حضرت علی (ع) برپا شده بود، عایشه سوار بر شتری جنگ را اداره می کرد. طلحه در

۱۳ ژوئیه ۶۷۸ م

«عایشه» یکی از مشهورترین زنان دنیای اسلام که به «ام المومنین» ملقب بود، بعد از ۶۶ سال زندگی بدرد حیات گفت. این زن سیاستمدار که به سال ۶۱۲ میلادی متولد شده بود دختر «ابوبکر» خلیفه اول و همسر حضرت محمد بن عبدالله (ص) بود و در بسیاری از وقایع تاریخی دنیای صدر اسلام منجمله جنگ جمل علیه حضرت علی علیه السلام شرکت داشت.

۱۲ ژوئیه ۷۱۱ م

برای اولین بار در تاریخ مجاهدات اسلام، یک سردار مسلمان با سپاهی گران به اسپانیا حمله کرد و به این ترتیب انتشار دین مبین اسلام در ممالک مسیحی مذهب قاره اروپا نیز آغاز شد. سرداری که در این روز به اسپانیا حمله کرد «طارق بن زیاد» بود. وی از تنگه بین دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس گذشت و آنرا جبل الطارق نامید. این تنگه میان مراکش و اسپانیا قرار دارد.

۹ ژانویه ۸۹۶ م

نبردهای ۲۵ ساله میان انگلیسیها و دانمارکیها با پیروزی «آلفرد کبیر» پادشاه جوان و شجاع انگلستان به پایان رسید و نه تنها آن کشور، بلکه تمام اروپای غربی از قید سلطه احتمالی دانمارکیها نجات یافتند.

جنگهای ۲۵ ساله انگلستان و مهاجمین نیمه وحشی دانمارکی از روز ۱۸ ژوئیه ۸۷۱ م با حمله آلفرد کبیر شروع شده بود.

۱۱ مارس ۹۰۴ م

جزیره مالت معروف به «گوشواره مدیترانه» به تصرف اعراب مسلمان درآمد و در جریان تسخیر این جزیره، اعراب که از شمال آفریقا به آنجا تاخته بودند، مجبور به تحمل یکی از خونین ترین جنگهای خود شدند زیرا اهالی آنجا تا آخرین نفس با دشمن جنگیدند و با وجود سلطه طولانی اعراب نیز، هیچگاه از دین خود که مسیحی بود دست نکشیدند.





ابتکار پاپ گرگوار هفتم روحانی معروف قرن یازدهم میلادی تشکیل شد. در این کنفرانس که کلیه ممالک مسیحی مذهب جهان نماینده‌ای به آن اعزام داشته بودند تصمیم گرفته شد که از سلاطین و امپراتوران ممالک مسیحی در مورد انتخاب پاپها و کاردینالها و اسقفها و کشیشها خلع ید شود. این خلع ید سبب جنگهای بسیاری بین پاپها و فرمانروایان مسیحی اروپا شد.

۲۶ سپتامبر ۱۱۴۶م

تخلیه بیت المقدس، شهر مذهبی «مسیحیان، یهودیان و مسلمانان» از مسیحیان آغاز شد و این ماجرا در جریان جنگهای صلیبی اتفاق افتاد. بیت المقدس که زادگاه حضرت عیسی مسیح بود در این زمان بدست صلاح الدین ایوبی سردار سپاه مسلمانان فتح شده بود و چون نمی‌خواست برخلاف مسیحیان که بعد از تصرف هر شهری سکنه مسلمان آنرا می‌کشتند مسیحیان را بکشد، دستور تخلیه بیت المقدس را داد.

۱۸ فوریه ۱۲۰۱م

«خواجه نصیرالدین طوسی» ریاضیدان و دانشمند

۲۶ سپتامبر ۹۶۶م

پس از شش سال تلاش و جنگهای کوچک و بزرگ سرانجام لهستان وحدت سیاسی خود را بدست آورد و در سایه این وحدت، به صورت یکی از نیرومندترین ممالک اروپای قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی درآمد. عامل اصلی ایجاد اتحاد نواحی مختلف لهستان شاهزاده جوان و دلیر لهستانی «میشیگوی» بود که در سال ۹۶۶م خود وی، به فرمانروائی رسید.

۱ ژانویه ۱۰۶۶م



«ویلیام فاتح» یا «ویلیام اول» پادشاه معروف انگلستان سلطنت ۲۱ ساله خود را آغاز کرد. وی بعد از «هارولد اول» به سلطنت رسید و تا سال ۱۰۸۷م پادشاهی کرد. چون وی در روز اول ژانویه به سلطنت رسیده بود، دستور داد از آن به بعد آغاز سال مسیحی که تا آن موقع اول بهار بود، به روز اول ژانویه تغییر پیدا کند، و این رسم هنوز هم پابرجا و استوار است.

۴ ژانویه ۱۰۷۳م

کنفرانس مذهبی معروف به «کنفرانس خلع ید» به

بزرگ بغداد بعضی به دجله ریخته شد و بعضی طعمه آتش شد.

۲۰ فوریه ۱۲۵۸ م

خلافت آل عباس بعد از ۵۲۴ سال، با تسخیر بغداد مقر خلافت عباسیان بدست هلاکوخان مغول و کشته شدن المستعصم بالله سی و هشتمین و آخرین خلیفه عباسی به پایان رسید. هلاکوخان مغول بعد از تصرف بسیاری از سرزمینهای عباسیان در محرم سال ۶۵۶ هجری بغداد را محاصره کرد و در صفر همان سال که مصادف با فوریه ۱۲۵۸ م است سلسله عباسیان را برانداخت.

۲۴ آوریل ۱۲۷۱ م

سفر تاریخی «مارکو - پولو» سیاح و جهانگرد معروف ونیزی به آسیا شروع و در این سفر، که تا روز ۱۰ اکتبر ۱۲۹۱ م مدت بیست سال به طول انجامید مارکو پولو تا «کام بالو» یا «خانبالغ» که امروزه «پکن» نامیده می شود (و در آن زمان پایتخت «قوییلای قآن» امپراتور مغولی چین بود) رفت. نتیجه این سفر کتاب معروف «عجایب» به قلم مارکو پولو بود.



بزرگ و منجم معروف قرن هفتم هجری ایران، در شهر طوس متولد شد، نامش محمد و کنیه اش ابوجعفر بود و پدرش حسن نام داشت، این مرد بزرگ که شهرت بین المللی دارد وزیر هلاکوخان مغول شد. خواجه نصیرالدین طوسی پس از ۷۳ سال زندگی در روز ۲۶ ژوئن ۱۲۷۴ م در بغداد وفات یافت.

۹ آوریل ۱۲۰۱ م

در يك جنگ خونین، سپاهیان مغول که در آن زمان در اروپای شرقی سرگرم تصرف ممالک و سرزمینهای مختلف بودند موفق شدند که سپاه متحد آلمان و لهستان را که برای جلوگیری از آنان علیرغم همه اختلافات خود متحد شده بودند، در «لیگ فیتز» شکست دهند. در این شکست وحشتناک نیمی از سپاهیان آلمان و لهستان کشته شدند و بقیه به کشورهای خود گریختند.



۱۳ فوریه ۱۲۵۸ م

بغداد، پایتخت تاریخی و بزرگ خلفای عباسی به تصرف هلاکوخان مغول درآمد و در این ماجرا علاوه بر کسانانی که در جریان مدافعه از شهر خویش بدست مغولان از پای درآمدند نیمی از سکنه شهر نیز پس از سقوط توسط آن قوم شریر قتل عام شدند. در این روز بسیاری از بناهای بغداد طعمه آتش شد و مقابر خلفای عباسی ویران گردید و از کتب کتابخانه

از همه چیز...



۱ مارس ۱۲۹۸ م

یکی از خونین‌ترین و تاریخی‌ترین جنگ‌های دریائی جهان، در دریای مدیترانه اتفاق افتاد و در این جنگ خونین بزرگ که در قرن سیزدهم میلادی واقع شد مردم بندر تاریخی «ونیز» با مردم بندر «ژن / جنوا» که در آن روزگار رقابت بازرگانی و دریانوردی داشتند روبرو بودند. نتیجه این جنگ، با وجودی که «ونیزیها» قدرت بیشتری داشتند، به سود نیروی دریائی «ژن» تمام شد.

۲۴ مارس ۱۳۱۱ م

«خواجه امیر خسرو دهلوی» شاعر و سخن‌سرای بزرگ ایرانی که مقیم هند بود در شهر زیبای «پیتال» در هند، قدم به عرصه وجود گذاشت. از دوران جوانی به شاعری مشغول شد و خیلی زود به سبب ذوق سلیم و طبع حساسی که داشت، شهرت یافت و جزء سرشناسان و ادبا درآمد. خواجه امیر خسرو دهلوی که بزرگترین شاعر پارسی‌گوی هندوستان است، پس از ۵۴ سال زندگی به سال ۱۳۶۵ م درگذشت.

۱۱ ژانویه ۱۳۲۵ م

بنای شهر «مکزیکو» پایتخت کشور جمهوری مکزیك در آمریکای امروزی توسط آخرین پادشاه سلسله «آرتک»‌ها که «مونتئزوما» نام داشت آغاز شد. نام اولیه و قدیمی «مکزیکو» يك نام بومی بنام «تنوك - تیتلان» بود و هدف «مونتئزوما» از ساختمان آن، ایجاد يك مرکز بزرگ روحانی «آرتک» بود و بعدها به عنوان پایتخت مکزیك انتخاب گردید.

۲۶ اوت ۱۳۴۶ م

برای اولین بار در تاریخ جنگ، اسلحه «توپ» مورد استفاده واقع شد. اولین مورد استفاده توپ در

جنگ کرسی بین امپراتوری انگلستان و دولت فرانسه بود و مبتکر آن انگلیسیها بودند. به علت وجود این اسلحه سهمگین، پادشاه فرانسه فیلیپ ششم با وجود برتری نفرات نسبت به انگلیسیها، و در حالیکه در آستانه پیروزی بر دشمن بود، به سختی شکست خورد.

۲۵ مه ۱۳۶۰ م

برای اولین بار در تاریخ اکتشافات جغرافیائی برای تصرف سرزمینهای تازه توسط دولتهای دریانورد اروپائی، خلیج گینه کشف شد. کاشف یا کاشفان خلیج گینه که در مغرب قاره آفریقا واقع شده و جزء اقیانوس اطلس محسوب می‌شود، دسته‌ای از ملاحان اهل «دیپ» واقع در شمال فرانسه امروزی بودند. آغاز نفوذ فرانسویان در این قاره از همین زمان است.

۱۳ ژوئیه ۱۴۰۰ م

قدیمی‌ترین ارتش جهان که از بدو تأسیس تاکنون به همان صورت باقیمانده و حتی لباسهای افراد آن نیز عوض نشده است، تأسیس شد. تعداد افراد این ارتش که بیشتر جنبه تشریفاتی دارد ۸۳ نفر و از مردم سوئیس هستند. این ارتش که همیشه نفرات آن سوئسی هستند در این روز برای حفاظت جان پاپ «بنوای سیزدهم» تأسیس شد و هنوز هم همان وظیفه را بعهده دارند.

۱۲ مارس ۱۴۰۳ م

اولین آسایشگاه مخصوص بیماران روانی در لندن تأسیس شد و به این ترتیب فعالیت بهداشتی و پزشکی برای نجات دیوانگان از بیماری رقت‌انگیزی که داشتند آغاز گردید. تا قبل از تأسیس آسایشگاه دیوانگان، بیماران روحی را در «دیر»‌های مخصوص

از همه چیز...

۱۲ آوریل ۱۴۸۷ م

برای اولین بار در تاریخ اکتشافات دریانوردی در قرن پانزدهم، دریانوردان پرتغالی از خط استوا گذشتند. اکتشافات قبلی اروپائیان در اقیانوس اطلس تا این تاریخ محدود به نیمه شمالی خط استوا بود اما در این روز چهار کشتی پرتغالی به فرماندهی دریانوردی بنام «هانری دوکراتزو» از خط استوا گذشتند و به این ترتیب راه برای اکتشافات دریائی دیگران، از جمله دریانورد ایتالیائی «کریستف کلمب» باز شد.

۱۹ ژانویه ۱۴۹۲ م

با شکست مسلمانان «غرناطه» و تصرف این شهر بدست نیروهای مسیحی آخرین حکومت اسلامی در اسپانیا از بین رفت و به این ترتیب بساط حکومت و قدرت اسلام در آن کشور از میان رفت. چون «ایزابل» و «فردیناند» ملکه و پادشاه اسپانیا این پیروزی را بعد از ۹ ماه محاصره که از روز ۲۵ آوریل ۱۴۹۱ م شروع شده بود بدست آورده بودند به «سلاطین کاتولیک» ملقب شدند.

۲۹ مارس ۱۵۰۰ م

«کاستاریکا» یکی از ممالک مستقل امروزی آمریکای مرکزی در جریان چهارمین سفر دریائی کریستف کلمب کاشف بزرگ ایتالیائی کشف شد. کاستاریکا که میان ممالک پاناما و «نیکاراگوا» قرار دارد ۵۱ هزار کیلومتر مربع مساحت و در حدود ۲ میلیون نفر جمعیت دارد و پایتخت آن نیز «سان ژوزه» نام دارد. این کشور تا قبل استقلال، جزء مستعمرات اسپانیا بود.

۴ سپتامبر ۱۵۰۰ م

برای اولین بار یک زن، در علم طب درجه دکتري

زندانی می کردند. بعد نگهداری آنان به عهده دولت محول شد و انگلستان اولین کشوری بود که برای دیوانگان، آسایشگاه مخصوص ساخت.

۶ ژانویه ۱۴۱۲ م

«زانداریک» دختر دهقانی که بعدها بصورت یکی از تاریخی ترین و مقدس ترین شخصیت های سیاسی و نظامی و دینی فرانسه درآمد در شهری بنام «دومرمی» واقع در «اورلئان» متولد شد. به دوران تسلط انگلیسها بر فرانسه که استقلال آن کشور در خطر بود، وی قیام کرد و فرانسویان به تحریک اودشمن را شکست دادند، ولی خود اسیر انگلیسها شد و روز ۳۰ مه ۱۳۴۱ م بجرم جادوگری او را سوزاندند.

۲۷ آوریل ۱۴۱۳ م

بزرگترین محاکمات تاریخی جهان در شهر «کنستانین» انجام شد. در این محاکمه بزرگ که جنبه مذهبی داشت به امر پاپ «الکساندر پنجم» رهبر کاتولیکهای جهان مردی بنام «ژان هوس» را که علیه قدرت و نفوذ «پاپ» قیام کرده بود، محاکمه کردند. گرچه «هوس» در این محاکمه تبرئه شد ولی سال بعد مجدداً محاکمه شد و این بار به جرم کفرگویی، در آتش سوزانده شد.

۱۶ مه ۱۴۴۹ م

امیرعلیشیرنوائی، سیاستمدار دوران سلطنت تیموریان و ادیب معروف قرن ۱۶ م / ۱۰ ه. ق. چشم به جهان گشود. وی که در خانواده ای ادب دوست و هنرپرور متولد شده بود، بعدها به وزارت سلطان حسین بایقرا یکی از آخرین سلاطین تیموری ایران رسید و خدمات فراوان به علم و ادب و هنر ایران کرد. عمده شهرت و معروفیت سلطان حسین بایقرا بخاطر وزارت علیشیرنوائی بود.

به تصور اینکه خلیج مصب رودی است که کشف کرده به خاطر تصادف کشف آن با اول ژانویه آن را ریودوژانیرو یعنی رود ژانویه نامید، و این اسم همچنان بر آن شهر باقی ماند.

۲۵ فوریه ۱۵۰۴م

معاهده تاریخی «بیمان ترك جنگ» که سبب خروج فرانسویان از ناپل برای دومین بار شد، میان لوئی دوازدهم پادشاه فرانسه و «فردیناند» پادشاه «آراگون» به امضاء رسید و به موجب آن لوئی دوازدهم، ناپل را به فردیناند واگذاشت. ناپل که مورد ادعای فرانسه بود روز ۳۰ آوریل ۱۵۰۰م به کمک فردیناند به تصرف لوئی دوازدهم درآمده بود.

گرفت و این یکی از هیجان انگیزترین وقایع جهان در قرن شانزدهم میلادی محسوب می شد.

این خانم دکتر، دوشیزه جوانی به نام فلورانس از مردم شهر فلورانس ایتالیا بود که در ۲۴ سالگی از دانشگاه «پادووا» فارغ التحصیل شد. دانشگاه پادووا اولین دانشگاه در اروپا و جهان است که درهای خود را به روی زنان باز کرد.

۱ ژانویه ۱۵۰۲م

«ریودوژانیرو» پایتخت سابق کشور پهنابریزیل در آمریکای جنوبی از طرف جمعی از دریانوردان پرتغالی کشف شد و چون رئیس دریانوردان خلیج «گوانابارا» را که ریودوژانیرو مشرف بر آن است دید،



از همه چیز...

۳۱ ژانویه ۱۴۶۲م در لوبوا قدم به عرصه وجود گذاشت و پس از مرگ شارل هشتم در ۲۰ اوت سال ۱۴۹۸م در ۳۶ سالگی به سلطنت رسیده بود.

۲۳ دسامبر ۱۵۲۱م

برای اولین بار در تاریخ مسیحیت، کتاب عیسویان یعنی «انجیل» به زبانی غیر از زبان «لاتین» که زبان مذهبی اروپای مسیحی می‌شود ترجمه شد. در این روز «مارتین لوتر» بنیانگذار مذهب «پروتستان» انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. به این ترتیب، عده بیشتری از مردم به معانی «انجیل» آشنا شدند و بر طرفداران و معتقدین به مارتین لوتر که به آنها «پروتستان» می‌گفتند افزوده شد.

۲۱ اوت ۱۵۱۴م

جنگ تاریخی چالدوران، که یکی از بزرگترین و خونین‌ترین جنگهای تاریخ ایران و عثمانی است، در دشت مسطحی به همین نام بین تبریز و خوی درگرفت. در این جنگ شاه اسمعیل اول صفوی فرمانده ایرانیان و سلطان سلیم خان عثمانی ملقب به «یاووز» فرمانده عثمانی‌ها بود. با وجود همه تلاش و ابراز شجاعت‌های ایرانیان جنگ به نفع عثمانیان به پایان رسید.

۱ ژانویه ۱۵۱۵م

لونی دوازدهم پادشاه محبوب فرانسه که «پدر ملت» لقب داشت، پس از ۱۷ سال سلطنت و ۵۳ سال زندگی بدرود حیات گفت. این پادشاه بزرگ روز



۱۲ آوریل ۱۵۳۱ م

معاهده تاریخی نظامی و مذهبی معروف به «معاهده اسمال کالد» در شهری به همین نام در آلمان به امضاء رسید. به موجب معاهده اسمال کالد، کلیه شهرهای آلمانی که به مذهب تازه «پروتستان» گرویده بودند با یکدیگر اتحاد بستند که از یکدیگر دفاع کنند و به این ترتیب مذهبی که «مارتین لوتر» ابداع کرده بود، سبب تقسیم امپراتوری آلمان به دو قسمت پروتستان و کاتولیک شد.

۱۲ اکتبر ۱۵۳۲ م

حمله سپاهیان اسپانیایی برای تصرف کشوری در آمریکای جنوبی به نام «پرو» آغاز شد. فرمانده این سپاهیان مرد بی‌رحم و خونریزی به نام «فرانسوا پیزارو» بود که او را «فاتح پرو» لقب داده بودند. «فرانسوا پیزارو» بعد از فتح پرو عدّه زیادی از مردم بیچاره و بزرگان بومیان پرو را به قتل رسانید و خود نیز سرانجام به دست جمعی کشته شد.

۱ ژانویه ۱۵۳۳ م

زجر و آزار و کشتار دسته جمعی پیروان مذهب پروتستان در فرانسه به فرمان فرانسوی اول پادشاه آن کشور آغاز شد. در آن زمان پروتستانها که ابتدا در آلمان بودند در سایر ممالک همسایه آلمان نیز رخنه کرده و عدّه زیادی به دین تازه که توسط مارتین لوتر بنیان گذاشته شده بود پیوسته بودند. نتیجه کشتار پروتستانها مهاجرت هنرمندان، علما و بزرگان ادب فرانسه به ممالک دیگر اروپا بود.

۲۷ فوریه ۱۵۴۰ م

مجمع «سربازان مسیح» یا فرقه «ژزونیت‌ها» فعالیت خود را رسماً آغاز کرد و به این ترتیب پس از شش سال که از پیدایش این فرقه توسط «این‌یاس

دولوویلا» می‌گذشت، فدائیان عیسی که برای نجات دین مسیح از شر پروتستانها قیام کرده بودند، عملیات خود را آغاز کردند. سربازان مانند یک ارتش، دارای دسته‌بندیها و فرماندهان کل و جزه بودند.

۶ ژانویه ۱۵۴۱ م

سفر تاریخی «ماژلان» دریانورد بزرگ و مکتشف نامدار پرتغالی آغاز شد و این اولین سفر بزرگ دریانورد معروف بود، ماژلان برای کشف جزایر و بنادر تازه برای تصرف به نفع اسپانیا در این روز عازم اقیانوسها و دریاها شد و مدت دو سال بر پهنه اقیانوسها از سوئی به سوئی روان بود. ماژلان چندبار دیگر نیز به سفرهایی طولانی اقدام کرد. یکی از نتایج مهم اکتشافات دریاسالار پرتغالی پیداکردن راههای تازه دریائی برای سهولت در امر بازرگانی میان ممالک اروپائی با ممالک تازه آسیا مخصوصاً هندوستان بود.

۱۲ ژوئیه ۱۵۴۶ م

«مارتین لوتر» روحانی معروف آلمانی که موجد مذهب تازه‌ای در دین مسیح بنام مذهب «پروتستان» شد، پس از ۶۳ سال زندگی بدرود حیات گفت. «مارتین لوتر» روز ۱۳ مه ۱۴۸۳ م در «دیس لین» متولد شده و پس از نیل به مقام کشیشی از روز ۱۸ اوت سال ۱۵۱۷ م علیه پاپ لئون دهم قیام کرده بود. به پیروان مارتین لوتر «پروتستان» می‌گویند.

۱۳ مارس ۱۵۶۳ م

اولین جنگ مذهبی بین پروتستانها و کاتولیکهای فرانسه که با حمله پروتستانها از روز ۲۲ مه ۱۵۶۲ م آغاز شده بود، با پیروزی نسبی پروتستانها به پایان رسید و علت پایان جنگ آن بود که «کاترین دومدیس» ملکه فرانسه و مادر شارل نهم پادشاه

۳ فوریه ۱۵۷۰ م

فرمان تاریخی معروف به «فرمان سن ژرمن» توسط شارل نهم پادشاه جوان فرانسه صادر شد و با صدور این فرمان که تاحدودی به نفع پروتستانها بود، سومین جنگ مذهبی بین پروتستانها و کاتولیکها به پایان رسید. به موجب فرمان سن ژرمن حقوق و مزایائی که به موجب فرمان آم بواز در ۱۳ مارس ۱۵۶۳ م برای پروتستانها در نظر گرفته شده بود تجدید شد.

۳ فوریه ۱۵۷۰ م

جنگ سوم مذهبی میان کاتولیکها و پروتستانهای فرانسه پس از قریب به دو سال با پیروزی کاتولیکها به پایان رسید. این جنگ از روز ۲۸ ژوئن ۱۵۶۸ م آغاز شده بود. سردار کاتولیکها برادر شارل نهم پادشاه فرانسه یعنی «هانری دوک دانژو» بود و سرداری پروتستانها را پرنس دوکنده به عهده داشت. این جنگ به موجب فرمان «سن ژرمن» به پایان رسید.

۲۹ مارس ۱۵۷۳ م

فرمان تاریخی معروف به «فرمان آزادی» توسط شارل نهم پادشاه جوان فرانسه به نفع پروتستانها که در آن کشور به قدرت کامل رسیده بودند صادر شد و این سومین فرمانی بود که در طول سلطنت وی صادر می شد.

«فرمان آزادی» که به موجب آن نوعی آزادی مذهبی به گروه پروتستان داده می شد، بعد از پیروزی پروتستانها در جنگ «لاروشل» صادر شد.

۲۹ مارس ۱۵۷۳ م

جنگ چهارم مذهبی میان پروتستانها و کاتولیکهای فرانسه با پیروزی نظامی و مذهبی

فرانسه به موجب فرمان تاریخی معروف به فرمان «آم بواز» امتیازاتی برای پروتستانها در نظر گرفته بود. این فرمان سبب ایجاد يك صلح ۴ ساله در فرانسه شد.

۳ فوریه ۱۵۶۵ م

حمله امپراتوری نیرومند عثمانی برای تصرف جزیره کوچک مالت که در جنوب جزیره معروف سیسیل، در دریای مدیترانه قرار دارد آغاز شد. هدف امپراتوری عثمانی از این حمله آن بود که می خواست دامنه متصرفات خود را در مغرب توسعه دهد و برای این منظور، تصرف مالت لازم بود. با وجود برتری ترکها بر مدافعین جزیره، مع هذا ترکها شکست خوردند و مالت تسخیر نشده باقی ماند.

۱۱ ژوئیه ۱۵۶۷ م

«محکمه خون» یا شورای انقلابات، به فرمان فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا و هلند توسط «دوک دالب» که مأمور سرکوبی شورش پروتستانهای هلند شده بود، برای مجازات شورشیان در هلند تأسیس شد. این شورش از روز ۱ مارس ۱۵۶۶ م آغاز شده بود و دوک دالب پس از سرکوبی شورشیان، به موجب احکام «محکمه خون» بیش از ۵ هزار نفر را بیرحمانه اعدام کرد.

۲۳ مارس ۱۵۶۷ م

دومین جنگ میان کاتولیکها و پروتستانهای فرانسه آغاز شد. جنگ اول روز ۱۳ مارس ۱۵۶۳ م با صدور فرمان «آم بواز» پایان یافته بود. پس از چهار سال صلح، جنگ دوم در این روز شروع شد و در حدود يك سال یعنی تا روز ۱۴ مه ۱۵۶۸ م طول کشید. این جنگ در زمان سلطنت شارل نهم اتفاق افتاد.

فرانسه در قرن شانزدهم میلادی اولین رهبر آن محسوب می‌شود.

۶ ژوئیه ۱۵۸۵ م

هشتمین و آخرین جنگ مذهبی میان کاتولیکها و پروتستانهای فرانسه که در ضمن طولانی ترین این جنگها نیز محسوب می‌شود آغاز شد. این جنگ که در زمان هانری سوم آغاز شد و در زمان هانری چهارم پایان یافت وسیله‌ای بدست دولتهای خارجی برای مداخله در کار فرانسه داد. فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا و کاتولیکها و الیزابت اول ملکه انگلیس به پروتستانها کمک می‌کردند. این جنگ روز ۲۲ ژوئیه ۱۵۹۳ م پایان یافت.

۲۱ مارس ۱۵۹۲ م

اولین هیئت بازرگانی ایران، به فرمان شاه عباس کبیر، فرمانروای مقتدر سلسله صفویه برای پیدا کردن بازار فروش جهت مصنوعات ایرانی و مخصوصاً ابریشم، عازم ممالک اروپائی شد؛ و اولین کشوری که مهماندار هیئت ایرانی شد کشور «ونیز» بود. این هیئت همچنین وظیفه داشت که از میان ممالک اروپائی، متحد نیرومندی برای جنگ با عثمانی برای ایران انتخاب کند. از این سفر نتیجه مثبتی بدست نیامد.

۲۶ ژانویه ۱۶۰۲ م

فرهنگستان علمی و ادبی معروف «گنکور» که یکی از مراکز و مجامع بسیار مهم فرانسه و اروپا و جهان محسوب می‌شود کار خود را بطور رسمی آغاز کرد. این فرهنگستان طبق وصیتنامه «ادموند گنکور» ادیب معروف قرن هفده فرانسه برای ترویج علم و ادب و تشویق نویسندگان جوان به خلق آثار پرارزش ادبی از ده عضو تشکیل شده و هرساله جایزه‌ای به

پروتستانها پایان یافت و شارل نهم پادشاه آن کشور ضمن فرمان تاریخی معروف به «فرمان آزادی» به پروتستانها، آزادی مذهبی داد. این جنگ که آخرین جنگ مذهبی در دوران سلطنت شارل نهم محسوب می‌شود از روز ۱۶ ژوئیه ۱۵۷۲ م آغاز شده بود.

۶ آوریل ۱۵۷۶ م

جنگ پنجم مذهبی میان کاتولیکها و پروتستانهای فرانسه پس از مدتی در حدود دو سال، با پیروزی پروتستانها که خواهان برابری امتیازات اجتماعی و سیاسی و مذهبی بودند پایان یافت. این جنگ که از روز ۱۳ آوریل ۱۵۷۴ م آغاز شده بود، اولین جنگ در زمان سلطنت هانری سوم محسوب می‌شود. جنگ پنجم با صدور فرمان «بولی یو» پایان یافت.

۲۴ ژوئیه ۱۵۷۷ م

ششمین جنگ میان کاتولیکها و پروتستانهای فرانسه با پیروزی کاتولیکها پایان یافت و در جریان این جنگ که کاتولیکها همه نیروهای خود را متحد ساخته بودند، عده زیادی از پروتستانها به قتل رسیدند و با این وصف پروتستانها آنقدر قوی بودند که دو ماه بعد، جنگ هفتم را آغاز کردند. جنگ ششم مذهبی فرانسه با حمله کاتولیکها از روز ۲۰ ژوئن ۱۵۷۶ م آغاز شده بود.

۱۸ نوامبر ۱۵۷۷ م

اتحادیه مذهبی معروف به «اتحاد مقدس» در فرانسه تأسیس شد و در این اتحادیه افراد کاتولیک مذهب فرانسوی برای مقابله با پروتستانها که طی چند جنگ مذهبی، امتیازاتی از شاه فرانسه بدست آورده بودند با یکدیگر متحد شدند. مبتکر ایجاد این اتحادیه که چند جنگ دیگر مذهبی را در فرانسه باعث شد «دوک دوگیز» بود و هانری سوم پادشاه

از همه چیز...

اکتشافی هلند، کشف و شناخته شد.
کاشف نیویورک يك انگلیسی بنام «هنری
هودسون» بود که در خدمت هلندیها بود. در منطقه‌ای
که هودسون کشف کرده بود، بعدها شهری بنام
«نیوآستردام» از طرف هلندیها ساخته شد و بعدها
انگلیسی‌ها آنرا به «نیویورک» تغییر نام دادند.

۵ مه ۱۶۰۹م

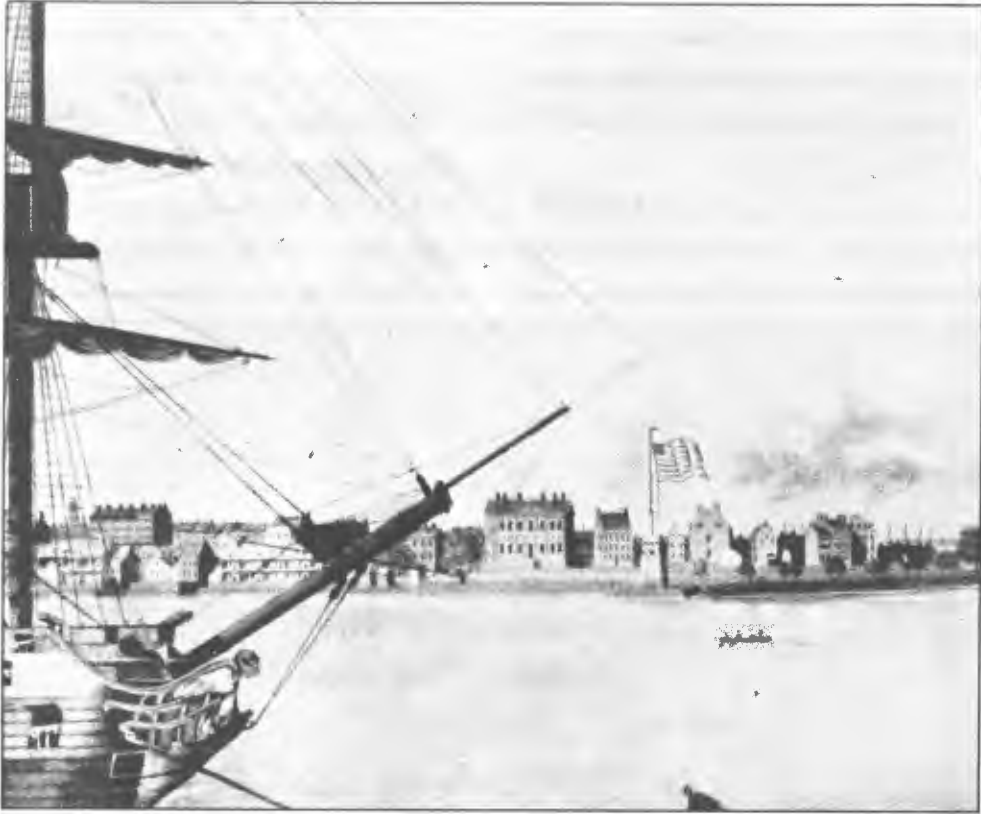
بهترین نویسندگان می‌دهد.

در جریان تأسیس فرهنگستان «گنکور» برادر
«ادموند گنکور» که «میشل گنکور» نام داشت نیز،
سهام مؤثری داشت.

۱۷ ژوئن ۱۶۰۹م

«نیویورک» بزرگترین و پرجمعیت‌ترین بنادر
امروزی جهان توسط سرنشینان يك ناوچه کوچک





اولین روزنامه جهان که تا حدودی شبیه روزنامه‌های امروزی است، در کشور آلمان چاپ و منتشر شد. این روزنامه که «لوز» نام داشت، صنعت و حرفه‌ای را در جهان بوجود آورد که امروزه یکی از ارکان مهم و برجسته سیاست و اقتصاد و فرهنگ محسوب می‌شود. در حال حاضر فقط چند نسخه از این روزنامه باقی است که در موزه‌های مهم جهان نگهداری می‌شود.

اتحاد مذهبی معروف به «اتحاد مقدس» در سرزمین آلمان بوجود آمد. در این اتحادیه بزرگ سیاسی و مذهبی، کلیه امرا و پادشاهان آلمانی که مذهب کاتولیک داشتند گرد هم آمدند تا در مقابل «اتحاد انجیلی» که توسط پیروان کالون در ۲ آوریل ۱۶۰۸ م بوجود آمده بود، مقاومت کنند. ریاست این اتحادیه با «ماکسی میلیون» دوک «باویر» بود.

۲۶ آوریل ۱۶۳۰ م

از همه چیز...

محل» در شهر «اگرا» در کنار رود مقدس «جومنا» ساخته شده و يك گنبد و چند مناره سفید دارد و ۱۸ سال ساختمان آن طول کشید. تاج محل، مقبره «ممتاز بانو بیگم» زن ایرانی شاه جهان بود.

۲۶ ژوئن ۱۶۳۲م

ساختمان یکی از زیباترین و تاریخی‌ترین ابنیه هندوستان بدستور «شاه جهان» فرمانروای گورکانی هند آغاز شد و بعد از اتمام ساختمان، آنرا «تاج محل» نامیدند. تاج محل یا به اسم دیگرش «ممتاز



۱۶ نوامبر ۱۶۳۲ م

«پیزا» متولد شده بود. گرماسنج، ترازوی آبی و دوربین نجومی از اختراعات اوست. قانون گردش زمین به دور خورشید از بهترین ابداعات گالیله محسوب می‌شود که بخاطر آن کم مانده بود زنده در آتش سوخته شود.

جنگ تاریخی و بزرگ «لوت سن» در ناحیه‌ای به همین نام در آلمان میان نیروهای گوستاو آدولف پادشاه سوئد و فرمانده پروتستانهای سوئد و آلمان با «والن اشتاین» سردار فردیناند دوم امپراتور آلمان و اتریش که رهبری کاتولیکها را به عهده داشت، اتفاق افتاد. این جنگ با وجودی که گوستاو آدولف کشته شد با پیروزی درخشان سوئدیه‌ها و پروتستانها پایان یافت.

۱۳ ژوئن ۱۶۴۳ م

اولین مهاجرت اروپائیان به سرزمینی در شرق آمریکای امروز آغاز شد و این مهاجرت، مقدمه ایجاد یکی از معروفترین و مهمترین ایالات امروزی آمریکا یعنی «پنسیلوانیا» گردید. اولین دسته مهاجرین که در این روز وارد پنسیلوانیا شدند سوئدی‌ها بودند. ۳۸ سال بعد، چارلز دوم آنجا را به «ویلیام پن» از بزرگان مذهب «کواکر» بخشید و به این سبب نام آن پنسیلوانیا شد.

۱۴ آوریل ۱۶۳۴ م

مجمع الجزایر «گودالوپ» که دریای «آنتیل» قرار دارد به تصرف فرانسه درآمد. این مجمع الجزایر که شامل ۲ جزیره بزرگ و ۵ جزیره کوچک است مرکز عمده کشت نیشکر، موز، قهوه، کاکائو بوده و به سبب اهمیت اقتصادی آن، به صورت یکی از ایالات فرانسه اداره می‌شود، مردم آن دو سناتور و سه نماینده مجلس در پاریس دارند، و پایتخت آن «پاس تر» نامیده می‌شود.

۹ مه ۱۶۵۰ م

ساختمان «تاج محل» یکی از زیباترین و تاریخی‌ترین بناهای کشور هندوستان که به سبک معماری مخلوط «اسلامی - هندسی» ساخته شده است، پس از ۱۸ سال به پایان رسید. این بنا که ساختمان آن روز ۲۳ نوامبر ۱۶۳۲ م به دستور شاه جهان امپراتور هند آغاز شد، با مرمر سفید در داخل باغ زیبایی ساخته شده و ارتفاع آن ۲۱۰ فوت است. معمار این ساختمان یک استاد شیرازی بنام «استاد عیسی» بود.

۴ ژانویه ۱۶۴۲ م

کودتای «چارلز اول» پادشاه معروف انگلستان در قرن هفدهم میلادی علیه پارلمان آن کشور انجام شد و به علت بیداری وکلای پارلمان که کمر به مخالفت با چارلز اول و اقدامات او بسته بودند این کودتا بی نتیجه ماند. هدف چارلز اول توقیف ۵ نفر از وکلا بود. این واقعه سبب اصلی شورش مردم لندن به طرفداری از وکلای پارلمان گردید.

۳۰ آوریل ۱۶۵۳ م

کودتای تاریخی «کرامول» دیکتاتور معروف انگلستان در قرن هفدهم میلادی علیه پارلمان آن کشور با پیروزی کرامول پایان یافت و او پس از آنکه وکلا را به زور سرنیزه از مجلس خارج کرد، اعلانی به در مجلس آویخت که (این خانه بدون

۸ ژانویه ۱۶۴۲ م

«گالیله» منجم و ریاضیدان معروف ایتالیائی، بدرد حیات گفت و به این ترتیب دفتر زندگی ۷۸ ساله او بسته شد. گالیله روز ۱۵ فوریه ۱۵۶۴ م در

از همه چیز. . .

روحانی بود.

۱۴ مه ۱۶۸۸ م

«پتر کبیر» امپراتور نامدار روسیه اولین قیام خود را برای تصاحب تاج و تختی که متعلق به او بود آغاز نمود. پتر کبیر، فرزند «آلکسی» امپراتور معروف روسیه بود. بعد از مرگ آلکسی، برادران و خواهر بزرگترش مانع از سلطنت او شدند و ابتدا فتودور و سپس ایوان و بعد سوفی خواهرش سلطنت کردند. قیام پتر کبیر در این روز علیه ایوان بود که با پشتیبانی سوفی از ایوان به ضرر پتر کبیر تمام شد.

اثاثیه اجاره داده می‌شود). بعد از این کودتا بود که اداره امور انگلستان بطور رسمی با لقب «لرد پشتیبان جمهوری» به او محول شد.

۱۳ ژوئیه ۱۶۸۲ م

اعلام‌نامه مذهبی معروف به «مواد چهارگانه» به دستور لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه توسط يك انجمن روحانی که در پاریس تشکیل شد، صادر گردید و «بوسونه» دانشمند و عالم معروف در تدوین آن سهم موثری داشت. مهمترین مواد این اعلام‌نامه که برای کاهش قدرت پاپ «اینوسان یازدهم» تدوین شده بود عدم اطاعت پادشاهان از پاپها در امور غیر



۵ نوامبر ۱۶۸۸ م

حمله تاریخی «گیوم دورانس» شاهزاده معروف هلندی به انگلستان آغاز شد. در این حمله، ۱۴ هزار هلندی به دستور گیوم دورانس در سواحل «توربه» در انگلستان پیاده شدند تا ژاک دوم را از سلطنت آن کشور خلع کنند و علت این حمله، استبداد مردم انگلستان از گیوم دورانس بود. روز ۲۷ نوامبر همان سال لندن بدست گیوم دورانس افتاد و ژاک دوم به فرانسه گریخت.

۱۳ فوریه ۱۶۸۹ م

اعلام نامه تاریخی «حقوق» که یکی از مهمترین امتیازاتی است که ملت انگلستان از سلاطین خود بدست آورده است، توسط گیوم سوم پادشاه و ماری دوم ملکه انگلستان در جشن تاجگذاری آندو خوانده شد و به این ترتیب قسمت عمده‌ای از اختیارات پادشاه از جمله اخذ مالیات، سر بازگیری و اجرای قوانین از او سلب شد. این امتیازات بعدها در اختیار پارلمان انگلستان قرار گرفت.

۵ ژانویه ۱۶۹۱ م

اولین اسکناس در اروپا چاپ شد. این اسکناس توسط مردی بنام «یوهان پالمتروک» برای بانک «استکهلم بانک» چاپ شده و به معرض انتشار در سوئد و سپس در سراسر اروپا درآمد. قبل از چاپ این اسکناس مبادلات نقدی به وسیله سکه‌های چهارگوش و بزرگ انجام می‌شد. از این اسکناس در حال حاضر چند نسخه وجود دارد که یکی در موزه خود بانک است.

۱ ژانویه ۱۷۰۴ م

شورش بزرگ مردم مجارستان علیه امپراتور اتریش، لئوپولد اول که عده زیادی از آنها را به قتل رسانده بود آغاز شد و چون سردار شورشیان در این

قیام «راکوکزی» نام داشت در تاریخ از این شورش بنام «شورش راکوکزی» یاد شده است. این جنگ و شورش هفت سال بعد در زمان سلطنت ژوزف اول جانشین لئوپولد روز ۲۱ اوت ۱۷۱۱ م. پایان یافت.

۲۹ اوت ۱۷۰۴ م

جنگهای خونین معروف به جنگهای سه‌ساله، با پیروزی درخشان پتر کبیر امپراتور نامدار روسیه پایان یافت و در نتیجه ایالات (انگری - لیونی و استونی) که تا آن زمان متعلق به سوئد بود به تصرف روسها درآمد. در این جنگها که از روز ۲۷ مارس ۱۷۰۱ م با حمله پتر کبیر به متصرفات «شارل دوازدهم» پادشاه سوئد آغاز شده بود، نیمی از سوئدیا از بین رفتند.

۲۳ ژوئیه ۱۷۱۱ م

عهدنامه تاریخی معروف به «معاهده بروث» میان امپراتوری عثمانی و امپراتوری روسیه به امضاء رسید و به موجب آن با وجودی که عثمانیها در جنگ با روسیه که از روز ۱۴ نوامبر ۱۷۱۰ م آغاز شده بود پیروز شده بودند، به نفع روسیه از متصرفات خود چشم پوشیدند و در عوض، مبالغ هنگفتی رشوه گرفتند و برگشتند. این جنگ به تحریک شارل دوازدهم برپا شده بود.

۶ مارس ۱۷۱۴ م

جنگهای سیزده ساله میان فرانسه و اسپانیا از یک سو و دولتهای عضو اتحاد کبیر لاهه یعنی انگلستان، هلند، آلمان و پادشاهان کوچک آلمانی پایان یافت. این جنگها به سبب سلطنت فیلیپ پنجم نوه لونی چهاردهم بر اسپانیا و به ابتکار انگلیس برپا شد. این جنگها که سبب نابودی بسیاری از سپاهیان دول جنگجو شد، به موجب معاهده راشات در

از همه چیز. . .

منعقد گردید و با امضای این قرارداد مقدمات تیره‌روزی لهستان و تقسیم آن کشور بین روسیه و پروس که بعدها اتریش هم به آنان افزوده شد، فراهم گردید. این قرارداد میان فردریک دوم پادشاه پروس و کاترین کبیر امپراتریس روسیه امضاء شد و مهمترین ماده آن این بود که دو دولت نگذارند کوچکترین قدمی به نفع لهستانها برداشته شود.

۱۱ آوریل ۱۷۴۵ م

جنگ معروف به «۷۳ روزه» میان انگلیسیها و اسپانیاییها در آمریکا، بخاطر تصرف قلعه مستحکم «لوتیز بورگ» که يك پایگاه معتبر نظامی اسپانیایی بود، آغاز شد. در آن زمان انگلیسیها رفته‌رفته به اهمیت آمریکا پی برده و قصد تسخیر همه آمریکا را داشتند و اولین جنگ آنها نیز با اسپانیا بر سر لوتیز-بورگ بود و پس از ۷۳ روز جنگ، روز ۲۳ ژوئن ۱۷۴۵ م انگلیسیها آنرا گرفتند.

۵ ژانویه ۱۷۶۲ م

«الیزابت» امپراتریس روسیه، پس از ۵۳ سال زندگی و ۲۱ سال سلطنت بدرود حیات گفت. وی دختر پتر کبیر و کاترین اول بود و روز ۱۷ نوامبر ۱۷۰۹ م در مسکو متولد شده بود و دوران سلطنت او به آرامش سپری شد. وی علاقه زیادی به آرایش و پیرایش داشت و اوقات خود را به این کار می‌گذراند و چون مرد، خواهرزاده‌اش پتر سوم بجای او به سلطنت رسید.

۸ مارس ۱۷۸۷ م

شبه‌جزیره کریمه، در ساحل شمالی دریای سیاه، در زمان سلطنت کاترین کبیر ملکه روسیه، به آن امپراتوری منضم شده و پایگاههای دریائی مطمئنی در دریای سیاه بدست روسها افتاد. شبه جزیره

۱۷۱۴ م پایان یافت.

۳ مارس ۱۷۳۴ م

جنگهای «سیسیل» میان اسپانیا و اتریش برای تصرف این جزیره که در جنوب ایتالیا قرار دارد آغاز شد. در آن زمان جنگهای دوساله اتریش و فرانسه در ایتالیا جریان داشت و اسپانیا که به موجب قرارداد اسکوریال به فرانسه کمک می‌کرد در نواحی جنوبی ایتالیا به اتریش حمله برد. این جنگ بعد از ۶ ماه با تصرف سیسیل و ناپل به پایان رسید.

۲۱ مه ۱۷۳۸ م

لشکرکشی نادرشاه افشار، سرسلسله افشاریه برای تأدیب محمدشاه گورکانی فرمانروای مقتدر هندوستان به آن کشور آغاز شد. علت این لشکرکشی آن بود که در جریان محاصره قندهار برای سرکوبی یاغیان افغان، جمعی از آنان به هندوستان پناه برده و محمدشاه به دستور نادر برای استرداد آنان اقدامی نکرده بود. این لشکرکشی به جنگ کرنال و شکست هند و تسخیر آن کشور تمام شد.

۱ مه ۱۷۵۷ م

معاهده دوم «ورسای» درست يك سال بعد از امضاء معاهده اول ورسای میان لوئی پانزدهم پادشاه فرانسه و ماری ترز امپراتریس اتریش که سخت از فردریک دوم پادشاه پروس به وحشت افتاده بودند، به امضاء رسید. علت امضاء این معاهده، حمله فردریک دوم به منطقه ساکس و تصرف آن سرزمین بود. با این قرارداد، جنگهای ۷ ساله اتریش و پروس و فرانسه آغاز شد.

۱۱ آوریل ۱۷۶۴ م

قرارداد سری روسیه و پروس در مورد لهستان

۹ ژانویه ۱۷۹۲ م

قرارداد صلح میان دو امپراتوری نیرومند عثمانی و روسیه در محلی بنام «ژاسی» به امضاء رسید و با امضای این قرارداد جنگهای اروپا در قرن هجدهم بکلی پایان یافت. این جنگها از روز ۱۶ اوت ۱۷۸۷ م با اعلان جنگ امپراتوری عثمانی به اتحاد امپراتوری روسیه و اتریش آغاز شده بود. در پایان جنگ روسها همه اراضی را که از عثمانیها گرفته بودند به آن کشور پس دادند.

۲ فوریه ۱۷۹۲ م

معاهده تاریخی «برلن» در پایتخت کشور پروس میان لئوپولد، امپراتور اتریش و فردریک گیوم پادشاه پروس به امضاء رسید. معاهده برلن نتیجه ملاقاتی بود که میان این دو زمامدار معروف اروپای قرن هجدهم در روز ۱۲ اوت ۱۷۹۱ م در «پیل نیتز» صورت گرفته بود. معاهده تاریخی پروس و اتریش در برلن علیه انقلابیون فرانسه و برای سرکوبی آنان بود.

۱ ژانویه ۱۷۹۳ م

کشتار فجیع و تاریخی معروف به «قتل عام فویان» در پاریس پایتخت فرانسه اتفاق افتاد و در این ماجرای خونین بیش از سه هزار نفر از سیاستمداران، سرداران نظامی، علماء، و اشخاص برجسته فرانسوی که به گناه مخالفت با انقلاب کبیر فرانسه زندانی بودند بدست مأمورین انقلابی در داخل زندانها اعدام شدند. عامل اصلی این کشتار «روسیسیر» بود.

۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ م

«روسیسیر» انقلابی معروف فرانسه در قرن هجدهم میلادی، پس از ۳۶ سال زندگی در جریان مبارزات انقلابیون، همراه با جمعی از طرفدارانش از

کریمه مدتها مابهنزاع میان روسیه و عثمانی بودولی چون سکنه آنجا که بیشتر قزاق و تاتار بودند میل به جانب روسها داشتند، در این روز به روسیه ملحق شدند.

۶ ژانویه ۱۷۸۹ م

شورش مذهبی و سیاسی هلند، علیه سلطه و فرمانهای ژوزف دوم امپراتور اتریش که فرمان آزادی مذهب در سراسر قلمرو امپراتوری خویش را صادر کرده بود، آغاز شد. علت این شورش این بود که آزادی مذهبی موجب می شد تا امور مذهبی و سیاسی هلند زیر نظر دربار اتریش اداره شود. این شورش که رهبر آن «آئروس بلانشون» نام داشت به نفع هلندیها تمام شد.

۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ م

زندانی تاریخی «باستیل» که به «عمارت استبداد» معروف بود و عده زیادی از مردم سالهای متمادی در آن زندانی بودند، در جریان اولین وقایع انقلاب فرانسه ویران شد. قبل از ویرانی این زندان، انقلابیون به «هتل دزن والید» که اسلحهخانه دولتی بود حمله کرده و ۲۸ هزار تفنگ غارت کرده بودند. در نتیجه این وقایع لوئی شانزدهم تسلیم نظریات انقلابیون شد و روز ۱۷ ژوئیه ۱۷۸۹ م نظریات آنها را پذیرفت.

۲۸ نوامبر ۱۷۹۲ م

جنگ خونین ۲۲ روزه معروف به «جنگ بلژیک» با پیروزی درخشان سپاهیان انقلاب فرانسه به سرداری ژنرال «دوموریه» فرمانده نامدار آن کشور پایان یافت. این جنگ از روز ۶ نوامبر ۱۷۹۲ م با حمله سربازان فرانسوی که سرود «مارسیز» می خواندند به خط دفاعی «ژماپ» آغاز شد و در نتیجه این پیروزی سراسر کشور بلژیک به تصرف فرانسه درآمد.

از همه چیز. . .

معاهده تاریخی معروف به «تولنتینو» در شهری به همین نام در ایتالیا میان ناپلئون بناپارت سردار پیروز فرانسوی و «پاپ می ششم» رهبر بزرگ مذهبی ایتالیا و جهان به امضاء رسید. به موجب این قرارداد، شهرهای بولونی و آنکون و ایالت رمانی که جزء متصرفات پاپ بود به فرانسه واگذار شد و علاوه بر آن ۳۵ میلیون فرانک غرامت جنگی و تعدادی تابلوهای نقاشی و اشیاء نفیس تاریخی به فرانسه داده شد.

۲۱ ژوئیه ۱۷۹۸ م

جنگ خونین و تاریخی معروف به «جنگ اهرام» در کنار اهرام ثلاثه مصر میان سپاهیان فرانسوی و نیروهای معروف به «ممالیک» که در آن زمان مالک الرقاب مصر بودند اتفاق افتاد. در این جنگ چون افراد فرانسوی به صورت مربع می جنگیدند، سواران ممالیک کاری از پیش نبردند و بعد از آنکه دو هزار نفر از ممالیک در مقابل ۳۰ نفر فرانسوی کشته شدند، جنگ به سود فرانسه پایان یافت.

۱۱ مه ۱۷۹۸ م

فرقه «ژاکوبین»ها که یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین جمعیت‌های سیاسی دوران انقلاب کبیر فرانسه محسوب می‌شد، در دوران حکومت هیئت مدیره فرانسه از میان رفت. این فرقه که اولین جمعیت سیاسی متشکل در دوران انقلاب کبیر فرانسه محسوب می‌شود، روز ۲۷ اکتبر ۱۷۸۹ م توسط «دانتون» تأسیس شد و از هواداران الغای سلطنت در فرانسه بود.

۲۳ فوریه ۱۷۹۹ م

حمله ناپلئون بناپارت سردار ارتش انقلابی جمهوری فرانسه به سرزمین شام آغاز شد و به این

جمله «سن ژوست» به وسیله گیوتین اعدام شد. «ماکسی میلیان روبسپیر» روز ۲۱ سپتامبر ۱۷۵۸ م در «آراس» متولد شده و بعد از اعدام لونی ۱۶ و ایجاد حکومت جمهوری، مدت ۴ ماه از روز ۵ آوریل ۱۷۹۴ م تا روزی که اعدام شد، با قدرت حکومت کرد.

۳۰ نوامبر ۱۷۹۷ م

کنگره تاریخی معروف به «راشتات» در شهری به همین نام در آلمان آغاز بکار کرد و اعضاء این کنگره، مأمور بودند که برای رفع مناقشات آلمان و فرانسه چاره‌ای بیندیشند. این کنگره مدت ۱۸ ماه مشغول مذاکره بود و در ابتدا ناپلئون به نمایندگی فرانسه در آن شرکت داشت. کار کنگره به جایی نرسید و به علت آغاز جنگ مجدد میان اتریش و فرانسه، کنگره راشات در ۳ آوریل ۱۷۹۹ م تعطیل شد.

۱۴ ژانویه ۱۷۹۷ م

خونین‌ترین جنگهای شمال ایتالیا میان ۱۶ هزار فرانسوی به سرداری ناپلئون بناپارت و ۴۰ هزار اتریشی به سرداری «آلویزی» در محلی به نام «ریولی» اتفاق افتاد. این منطقه در انتهای دره «آدیژ» واقع شده و همه چیز به نفع اتریشی‌ها بود ولی بار دیگر به سبب تاکتیک درخشان نظامی سردار فرانسوی اتریشی‌ها شکست خوردند و علاوه بر ۱۰ هزار نفر اسیر در حدود ۵ هزار نفر نیز از سپاه اتریش کشته شدند.

جنگ «ریولی» یکی از جنگهای مهمی بود که ناپلئون بناپارت قبل از احراز مقام امپراتوری فرانسه در آن شرکت کرد و با نبوغ نظامی خاص خویش پیروز شد.

۱۷ فوریه ۱۷۹۷ م



از همه چیز...

آن را به خاطر نداشت. برای شرکت در این مراسم، پاپ «پی هفتم» مجبور به اقامت چهارماهه در پاریس شده بود.

۲۱ نوامبر ۱۸۰۶ م

فرمان تاریخی معروف به «فرمان برلین» توسط ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه صادر شد. به موجب این فرمان کلیه ممالک اروپائی که یا زیر نفوذ فرانسه بودند و یا با آن کشور دوست بودند از هرگونه تجارت با انگلستان ممنوع شدند و به این ترتیب محاصرهٔ بری اقتصادی توسط ناپلئون در جواب محاصرهٔ بحرّی که توسط انگلستان از روز ۱۶ مه همان سال آغاز شده بود، شروع گردید.

۲۵ ژانویه ۱۸۰۷ م

حملهٔ بزرگ نیروهای روسیه، علیه سپاهیان فرانسوی که به رهبری ناپلئون بناپارت امپراتور خود می‌جنگیدند آغاز شد. تزار الکساندر امپراتور روسیه از کلیه امکانات خود، برای کوبیدن ناپلئون استفاده کرده بود و با وجود این، وقتی در ۸ فوریه در آن سال جنگ روس و فرانسه پایان یافت، با وجود کشته‌های فراوان از هر دو کشور نتیجه قطعی عاید هیچ‌کدام نشد.

۸ فوریه ۱۸۰۷ م

جنگ خونین و دهشتناک «ایلو» در حوالی گورستانی به همین نام در «لیتوانی» که در آن زمان جزء متصرفات لهستان بود میان بازماندهٔ سپاه پروس و روسیه که به کمک پروسها آمده بودند اتفاق افتاد. در این جنگ ۸۰ هزار روسی و پروس با ۵۰ هزار فرانسوی روبرو بودند و فرماندهی روسها را «بنینگ‌سن» عهده‌دار بود. نتیجهٔ جنگ ۱۸ هزار کشتهٔ روسی و ۷ هزار کشتهٔ فرانسوی به سود فرانسه

ترتیب دوران تازه‌ای از جنگهای فرانسه با امپراتوری عثمانی آغاز شد. علت این لشکرکشی آن بود که عثمانی به تحریک انگلستان به فرانسه اعلان جنگ داده بود. با وجود پیروزیهای اولیهٔ فرانسه، جنگ عثمانی و فرانسه در شام بی نتیجه ماند.

۲۰ مارس ۱۸۰۰ م

جنگ تاریخی و خونین «هلیوپولیس» در ناحیه‌ای به همین نام در سرزمین مصر میان نیروهای فرانسه به سرداری ژنرال «کلبِر» و ۷۰ هزار سرباز متحد عثمانی و انگلستان اتفاق افتاد. این جنگ، به علت خلف وعدهٔ انگلیسها که روز ۲۸ ژانویه ۱۸۰۰ با فرانسویان در مورد واگذاری مصر به انگلیسها امضاء شده بود اتفاق افتاد و نتیجهٔ آن، پیروزی درخشان فرانسویان و کشته شدن ۲۲ هزار نفر از سپاه متحدین بود.

۱۹ ژانویه ۱۸۰۴ م

یکی از بزرگترین توطئه‌های تاریخ فرانسه که علیه جان و حکومت ناپلئون بناپارت کنسول دایمی فرانسه صورت گرفته بود کشف شد و اعضای آن دستگیر شدند. این توطئهٔ بزرگ که در تاریخ از آن بنام «توطئهٔ کادووال» یاد شده است به رهبری «ژرژ کادووال» رهبر شورشیان وانده و عضویت دوک دانگین و مارشال «مورو» به نفع مارشال مورو ترتیب داده شده بود.

۲ دسامبر ۱۸۰۴ م

مراسم تاریخی «تقدیس» ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه توسط پاپ «پی هفتم» رهبر بزرگ جامعهٔ مسیحیت جهان در کلیسای تاریخی «نوتردام» پاریس برگزار شد. در این مراسم، تظاهرات و تجملاتی دیده شد که تا آن زمان در دنیا کسی نظیر

بود.

امپراتور فرانسه با فتحعلی شاه قاجار پادشاه ایران می شد و در مقابل تعلیم ارتش ایران به سبک اروپائی توسط فرانسه، ایران لشکرکشی فرانسه را به هندوستان تسهیل می کرد. نماینده ایران در این قرارداد میرزارضاخان قزوینی بود.

۴ مه ۱۸۰۷ م

معاهده تاریخی «فین کن اشتاین» بین ایران و فرانسه در محلی به همین نام که در لهستان واقع است امضاء شد. این معاهده موجب اتحاد ناپلئون بناپارت



از همه چیز...

سرزمین بردگان بود آغاز گردید. در آن زمان هنوز ایالات متحده آمریکا استقلال خود را به دست نیاورده و در شمار مستملکات بریتانیای کبیر محسوب می‌شدند. قانون مربوط به این امر در مارس ۱۸۰۷ م تصویب شده بود.

۱ ژانویه ۱۸۰۸ م

قانون معروف به «منع برده‌داری» در سراسر دومینیونهای آمریکا به مرحله اجرا درآمد و به این ترتیب مرحله اول مبارزه با برده‌فروشی در آمریکا که



جنگ خونین «دافیتو» در جریان جنگهای ۵ ساله مردم اسپانیا با ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه در محلی به همین نام اتفاق افتاد. در این جنگ که بخاطر اعتراض میهن پرستان آن کشور علیه اقدامات ناپلئون در اسپانیا از روز ۷ مه ۱۸۰۸ م آغاز شده بود، میهن پرستان با چنگ و دندان علیه فرانسویان می جنگیدند و سرانجام نیز با وجود برتری و تفوق فرانسویها پیروز شدند.

کشور شیلی در آمریکای جنوبی استقلال خود را بدست آورد و مردم شیلی این استقلال را پس از ۲۷۴ سال مبارزه و پیکار علیه اسپانیا و پرو تحصیل کردند. اسپانیا که بعد از کشف آمریکا توسط کریستف کلمب بر بسیاری از زمینهای آن قاره در نیمکره غربی دست یافته بود، از سال ۱۵۳۶ میلادی شیلی را نیز تصرف کرد و مدت اشغال شیلی توسط اسپانیا ۲۷۴ سال به طول انجامید. امروزه شیلی با رژیم جمهوری



اداره می شود.

۳۰ اکتبر ۱۸۱۳ م

واقعه تاریخی «هانو» بعد از شکست ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه در جنگ لایپزیگ اتفاق افتاد.

در این واقعه تاریخی، اکثریت مردم باویر که ابتدا متحد ناپلئون بودند وقتی دانستند او شکست خورده است به او خیانت کردند و در محلی بنام «هانو» درصدد کوبیدن او برآمدند؛ اما بعد از يك جنگ کوتاه، باویرها به سختی شکست خوردند و فرانسویها به فرانسه بازگشتند.

۱ فوریه ۱۸۱۴ م

نبرد خونین معروف به «روتیر» در محلی به همین نام نزدیک رود «اوب» بین ۱۶۰ هزار نفر سپاهیان «پروسی، اتریشی و سوئدی» با ۲۴ هزار نفر سپاهیان فرانسه اتفاق افتاد. در این جنگ هر سرباز فرانسوی با ۴ نفر سرباز متحدین روبرو بود، با این فرق که فرانسویها خسته و خردسال و کهنسال و متحدین مجهز و تازه نفس بودند. نتیجه این جنگ، شکست سخت ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه بود.

۱۰ فوریه ۱۸۱۴ م

جنگ تاریخی «شامپور» میان نیروهای ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه و مارشال «بلوخر» سردار روسی در حوالی شهری کوچک به همین نام اتفاق افتاد. در این جنگ بلوخر که در دیدار اول یعنی جنگ «روتیر» در ۱ فوریه ۱۸۱۴ م پیروز شده بود، به علت سرعت عمل و تاکتیک نظامی ناپلئون مغلوب شد و ۸ هزار نفر از سپاهیان او کشته شدند و ۳۸ توپ او به غنیمت رفت.

۱۸ فوریه ۱۸۱۴ م

از همه چیز...

جنگ بزرگ معروف به «مونت رو» در نزدیکی ساحل رود «اوب» میان باقیمانده سپاهیان اتریشی که به فرمان شوارزنبورگ سردار معروف خویش می جنگیدند با ارتش فرانسه به فرماندهی ناپلئون بناپارت اتفاق افتاد. شوارزنبورگ که قبلاً در دو جنگ مورمان و نانتز شکست خورده بود این بار شکست سخت تری خورد و به آن طرف رود اوب عقب نشینی کرد.

۴ آوریل ۱۸۱۴ م

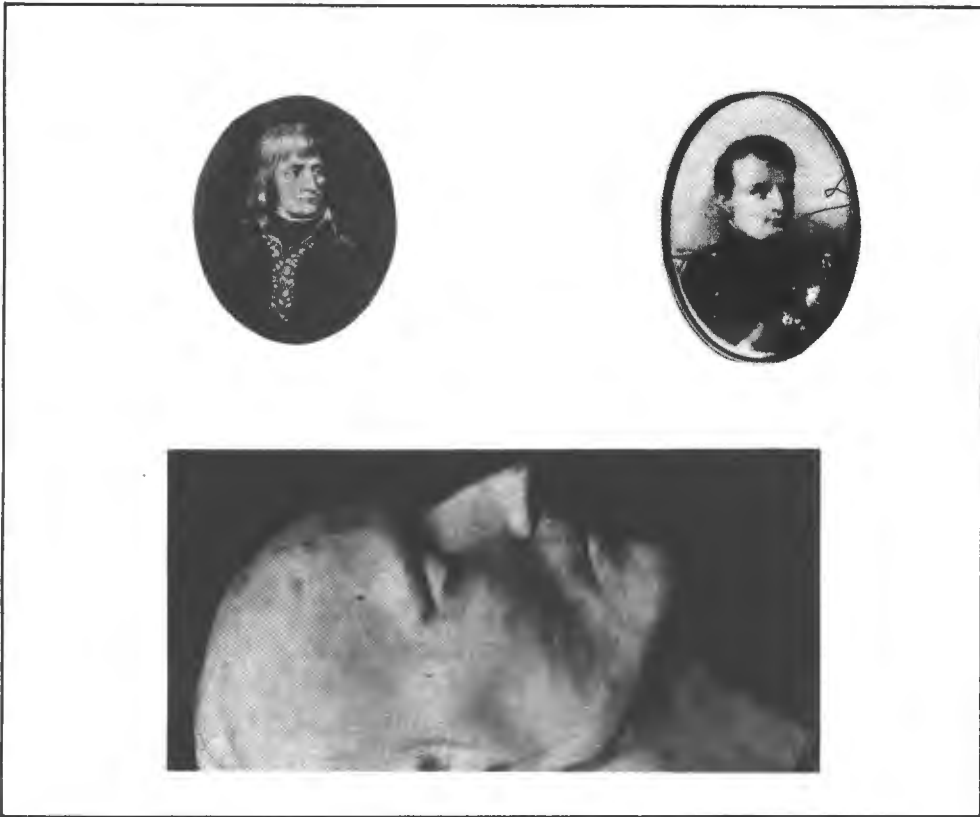
اولین استعفای ناپلئون بناپارت امپراتور کبیر فرانسه از سلطنت آن کشور به فشار متفقین که او را شکست داده بودند صورت گرفت و قرار شد که وی با عنوان پادشاه جزیره الب، به آن جزیره کوچک که در دریای مدیترانه قرار داشت، تبعید شود. دوران سلطنت امپراتور بزرگ در آن جزیره کوچک، کمتر از یکسال طول کشید و روز ۲۰ مارس ۱۸۱۵ م به فرانسه بازگشت.

۸ ژانویه ۱۸۱۵ م

جنگ تاریخی «نیوآورلن» در جریان جنگهای انگلیس و آمریکا اتفاق افتاد و با وجودی که انگلیسیها بیش از ۵ برابر آمریکائیهان نیرو داشتند، مع هذا ژنرال جکسون فرمانده نیروهای آمریکائی موفق شد با کمک «ژان لافیت» دزد دریائی حادثه جوئی که نیروهای خود را در اختیار او گذاشته بود بر انگلیسیها پیروز شود. در این جنگ تلفات انگلیسیها ۱۴۰۰ نفر و تلفات آمریکائیهان ۱۳ نفر بود.

۱۸ ژوئن ۱۸۱۵ م

جنگ تاریخی «واترلو» آخرین نبرد ناپلئون با نیروهای متحد اروپائی در قریه ای به همین نام در بلژیک اتفاق افتاد. در این جنگ ۱۶۰ هزار انگلیسی



کرد و بعد از شکست واترلو در ۱۸ ژوئن ۱۸۱۵ سلطنت ۱۰۰ روزه او پایان یافت.

۱۵ ژوئیه ۱۸۱۵ م

اسارت و تبعید «ناپلئون بناپارت» امپراتور بزرگ و سردار شجاع فرانسه پس از جنگها و پیروزیهای درخشان زیاد، آغاز شد و کشتی «بلروفون» او را که به دولت انگلستان پناهنده شده بود به عنوان يك اسیر جنگی به جزیره سنت هلن که در اقیانوس اطلس میان آمریکای جنوبی و آفریقا واقع شده است فرستادند و ناپلئون تا روز مرگش (روز ۵ مه ۱۸۲۱ م) در آن جزیره بود.

۲۴ نوامبر ۱۸۱۸ م

و پروسی با ۲۹۶ توپ، و ۷۵ هزار فرانسوی و ۲۴۶ توپ شرکت داشتند و بلوخر سردار پروسی و «ولینگتون» سردار انگلیسی با ناپلئون روبرو بودند. با وجود تلاش زیاد ناپلئون وی بسختی شکست خورد و این شکست پایان زندگی سیاسی او بود.

۲۲ ژوئن ۱۸۱۵ م

ناپلئون بناپارت برای دومین بار از تاج و تخت فرانسه استعفا داده و این بار بعلت خیانت «ژوزف فوشه» که در خیانت راه «تالیران» را دنبال می کرد، اقدامات او برای نجات فرانسه بی ثمر ماند. ناپلئون پس از فرار از جزیره الب در ۲۸ فوریه ۱۸۱۵ سلطنت ۱۰۰ روزه را در ۲۰ مارس همان سال آغاز

از همه چیز...

مصرف کنندگان داشت روی این اصل اشخاص زیادی در تکمیل آن کوشیدند تا سرانجام در سال ۱۸۵۵م «توبکر» سوئدی از اختلاط دو ماده شیمیایی فسفر و کلرات دوپتاس کبریت امروزی را ساخت.

۱۰ فوریه ۱۸۲۸م

قرارداد شوم و ننگین «ترکمانچای» در قریه‌ای به همین نام که مقر ستاد ارتش پاسکویچ فرمانده سپاهیان روسی در جنگ با ایران بود امضاء شد. به موجب این قرارداد روسیه تزاری علاوه بر آنچه که قبلاً به موجب معاهده گلستان در قفقاز تصرف کرده بود ایروان و نخجوان و بخشی از دشت مغان را تصرف کرد و رود ارس سرحد دو کشور تعیین شد. نماینده ایران در این قرارداد عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه قاجار بود.

۳۰ ژانویه ۱۸۲۹م

«گریبایدوف» نویسنده و شاعر روسی، در جریان مأموریت برگرداندن اسرای گرجی از ایران، به علت خشونت زیاد در تهران به قتل رسید. این مرد که در عین مهارت در قلمزنی، در شمشیرزنی ماهر بود روز ۴ مارس سال ۱۷۹۵م متولد شده و در جنگهای دوره دوم روس و ایران جزء افسران روسی بود.

۱ ژوئیه ۱۸۴۰م

جنگ تاریخی تریاک که یکی از مهمترین و مؤثرترین جنگهای دنیا در قرن نوزدهم محسوب می‌شود، در سرزمین آسمانی چین آغاز شد و طرفین این جنگ انگلیسی‌ها و چینی‌ها بودند. علت جنگ، جلوگیری دولت چین از ورود تریاک به آن کشور و اصرار انگلستان به فروش تریاک به چین بود. نتیجه جنگ، شکست چین و پیروزی انگلستان و تصرف بندر معروف هنگ کنگ بدست انگلیسیها بود.

کشور شیلی، در آمریکای جنوبی اعلام استقلال کرد و به این ترتیب دوران تقریباً سصد ساله تسلط اسپانیا بر این کشور پایان یافت. شیلی که به صورت نواری باریک از شمال به جنوب آمریکای جنوبی در مغرب آن قاره کشیده شده مجموعاً ۷۳۸/۸۰۳ کیلومتر مربع مساحت و در حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد. شیلی از سال ۱۵۴۰م به تصرف اسپانیا درآمده بود.

۷ سپتامبر ۱۸۲۲م

کشور برزیل پهناورترین ممالک آمریکای جنوبی و تنها مستعمره کشور پرتغال در آن قاره استقلال خود را اعلام کرد و عامل این استقلال «دون پدروی اول» دومین پادشاه برزیل بود. «برزیل» روز ۱۶ نوامبر ۱۵۰۰ توسط پرتغالیها کشف شده و از روز ۲۷ فوریه ۱۵۰۹م به صورت مستعمره پرتغال درآمده بود. سلطه پرتغال بر این کشور ۳۱۳ سال طول کشید.

۳ اکتبر ۱۸۲۵م

«بولیوی» استقلال خود را بدست آورد. این کشور که امروزه با رژیم جمهوری اداره می‌شود در مرکز آمریکای جنوبی و نزدیک به مغرب آن کشور قرار گرفته، ۴۱۲/۷۷۷ مایل مربع مساحت و نزدیک ۵ میلیون نفر جمعیت دارد و پایتخت آن يك شهر نیمه اسپانیولی و زیبا بنام «لاپاز» است. بولیوی از سال ۱۵۰۵ میلادی به مدت ۳۲۰ سال مستعمره اسپانیائیه بود.

۳۱ دسامبر ۱۸۲۷م

کبریت اختراع شد و مخترع این وسیله تأمین حرارت و روشنایی، برای اولین بار «جان واکر» داروساز انگلیسی بود. کبریت «جان واکر» به سختی روشن می‌شد و علاوه بر آن، خطرات زیادی برای

۱۶ ژانویه ۱۸۴۶ م

جنگ دوساله آمریکا و مکزیک آغاز شد. بهانه جنگ آزار مهاجران آمریکائی در مکزیک بود و بخاطر حفظ منافع اتباع آمریکائی، ایالات متحده آمریکا در این روز به مرزهای مکزیک حمله کرد. این جنگ تحت شرایط نامساوی جریان یافت زیرا مکزیکها ضعیف تر از آمریکائیهها بودند. در پایان جنگ، تکزاس، کالیفرنیا، نوادا، آریزونا و نیومکزیکو به تصرف آمریکا درآمد.

۱۷ ژوئیه ۱۸۵۱ م

برای اولین بار از ستارگان آسمان عکسبرداری شد و این اقدام که تحول بزرگ و بی سابقه‌ای در امر

درخشانی که بدست آورد سبب تکمیل وسایل عکاسی برای تحقیق بیشتر درباره آسمان و عکسبرداری دقیق تر فضائی از ستارگان شد.

۱۲ مارس ۱۸۵۴ م

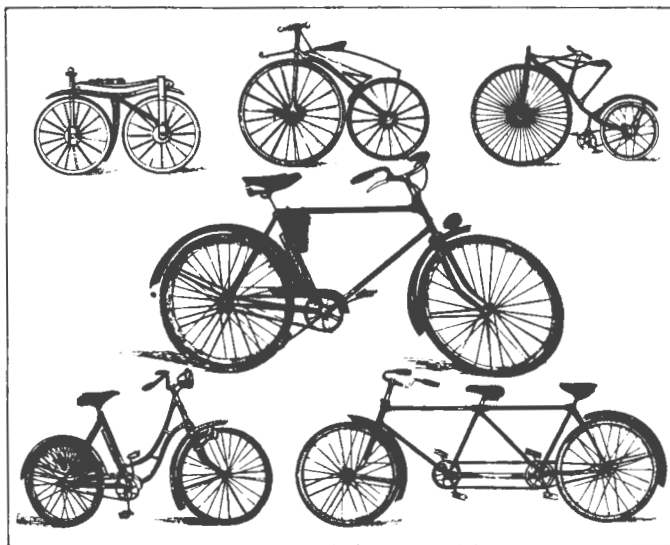
معاهده تاریخی «قسطنطنیه» در استانبول شهر تاریخی ترکیه بسته شد. در جریان امضای این معاهده بزرگ که جنگ کریمه نتیجه آن بود، انگلستان و فرانسه که از توسعه قدرت روسیه در اروپا بیم داشتند، با امپراتوری عثمانی علیه آن کشور قراردادی بستند و کمی بعد دولت ساردنی نیز به آنان پیوست. در جنگ کریمه روسیه از قوای چهار دولت متحد شکست خورد.



۱۲ دسامبر ۱۸۵۵ م

اولین دوچرخه به سبک دوچرخه‌های امروزی توسط یک صنعتگر هنرمند فرانسوی به نام «ارنست

هیئت و نجوم بیار آورد توسط «جوزف فرمانس» ستاره‌شناس و منجم معروف انگلیسی صورت گرفت. وی این عکسبرداری را در شب انجام داد و نتیجه



کار حفر ترعه سوئز، برای اتصال آب دریای مدیترانه به دریای سرخ آغاز شد. حفر این ترعه که ابتکار آن از داریوش اول پادشاه هخامنشی ایران بود، توسط «فردیناند دولسیس» معمار و مهندس برجسته فرانسوی صورت گرفت.

ده سال بعد، یعنی روز ۱۷ نوامبر سال ۱۸۶۹م ترعه حفر شد. طول کانال سوئز ۱۶۸ کیلومتر، عرض آن بین ۸۰ و ۱۳۵ متر و عمق آن ۱۲ متر است.

۶ ژانویه ۱۸۶۱م

کشور امروزی «رومانی» بوجود آمد. این کشور روز ۱۳ سپتامبر ۱۸۵۹م با اتحاد دو پرنس نشین معروف بنام «مولداوی» و «والاشی والاجیا» پایه گذاری شد. بعد از دو سال که ایالات و شهرهای دیگری نیز به این اتحاد ملحق شدند، در این روز کشوری بنام رومانی، یا «رومانیا» بوجود آمد.

میشو» اختراع شد. این دوچرخه از چوب ساخته شده بود که بیشتر بکار راه پیمائی در زمینهای صاف می خورد. بعدها این دوچرخه توسط خود میشو به آهنی مبدل شد و مک میلن اسکاتلندی برای آن زنجیر و رکاب و زین و ترمز اختراع کرد و دوچرخه امروزی درست شد.

۳۰ مارس ۱۸۵۶م

معاهده تاریخی «پاریس» در پایتخت فرانسه بین دولت امپراتوری روسیه تزاری از یکسو و دولتهای فرانسه، انگلیس، اتریش، پروس، عثمانی و ساردنی که متفقین بودند از سوی دیگر امضاء شد و این معاهده، پایان جنگ کریمه را اعلام داشت. به موجب این قرارداد امتیازاتی که روسیه در معاهده خونکار اسکله سی در ۸ ژوئیه ۱۸۳۳م بدست آورده بود لغو شد و دریای سیاه، يك دریای آزاد اعلام گردید.

۲۵ آوریل ۱۸۵۹م

۱ ژانویه ۱۸۶۳ م

اعلامیه تاریخی «آزادی سیاهپوستان» توسط آبراهام لینکلن شانزدهمین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا صادر شد. در این اعلامیه رئیس جمهوری آمریکا که سرگرم جنگ با طرفداران برده‌داری و برده‌فروشی بود صریحاً اعلام کرده بود که سیاهان نیز بشر بوده و از کلیه حقوق و امتیازات سفیدپوستان باید بهره‌مند باشند و باید همه برده‌ها آزاد شوند.

۱۵ مه ۱۸۶۳ م

اولین کنفرانس بین‌المللی ژنو، براساس پیشنهاد کمیته سه‌نفری مرکب از «هانری دونان، ژنرال دوفور، گوستاو مورینو» برای ایجاد یک سازمان جهانی امدادی و خیریه در شهر «ژنو» سویس تشکیل شد و نتیجه این کنفرانس، تأسیس سازمان صلیب سرخ جهانی بود. در این کنفرانس بین‌المللی، نمایندگان ۱۶ کشور اروپائی شرکت داشتند.

۱۵ آوریل ۱۸۶۵ م

«آبراهام لینکلن» شانزدهمین رئیس جمهوری آمریکا بعد از ۵۶ سال زندگی ترور شد و قاتل او شخصی بنام «جان ویلکز بوث» بود. «لینکلن» روز ۱۲ فوریه ۱۸۰۹ م متولد شده و تا قبل از رسیدن به مقام ریاست جمهوری با فقر و زحمت فراوانی روبرو بود. در سال ۱۸۶۱ وی در ۵۲ سالگی به ریاست جمهوری رسید. لینکلن یکی از ۵ رئیس جمهوری جاودانی آمریکا محسوب می‌شود.

۲۰ ژوئن ۱۸۶۷ م

قرارداد فروش سرزمین یخبندان آلاسکا بین امپراتوری روسیه و ایالات متحده آمریکا به همت «ویلیام سوارد» در زمان ریاست جمهوری

«اندرو جانسون» به امضاء رسید. آمریکا این سرزمین را که ۵۸۶/۴۰۰ مایل مربع مساحت دارد به مبلغ هفت میلیون و دویست هزار دلار از دولت امپراتوری روسیه خریداری کرد.

۲۴ ژوئیه ۱۸۶۸ م

«پلاستیک» اختراع شد و مخترع آن یک آمریکائی بنام «جان وسلی هیات» بود. علت اختراع پلاستیک این بود که سازندگان گوی بلیارد که از عاج درست می‌شد، برای کسی که وسیله‌ای برای ساختن این گویها از چیزی غیر از عاج (که بسیارگران تمام می‌شد) درست کند ۱۰ هزار دلار جایزه تعیین کرده بودند. جان وسلی هیات با کشف ماده‌ای که از سلولئید بود جایزه را برد و عصر پلاستیک به این ترتیب آغاز شد.

۶ اوت ۱۸۷۷ م

برای اولین بار در تاریخ نجوم و ستاره‌شناسی، اعلام شد که در کرهٔ مریخ آثاری دال بر وجود حیات و زندگی دیده شده است. اعلام‌کنندهٔ این امر، یک منجم و عالم مشهور هیئت از مردم ایتالیا به نام «جیوانی شیپارلی» بود که تحقیقات فراوانی دربارهٔ مریخ کرده و آثاری از کانالهای موازی در مریخ دیده بود. این کانالها بعدها از طرف منجم دیگری به نام «لاول» نیز تأیید شد.

۷ مه ۱۸۷۸ م

«دینامیت» شناخته شد و مخترع این ماده انفجاری سریع‌التأثیر یک شیمیدان سوئدی بنام «آلفرد برنارد نوبل» بود. نوبل که بعد از اتمام تحصیلات خود به علت اشتیاق زیاد به شیمی به تحقیقات مختلف دربارهٔ مواد انفجاری دست زده بود، در این روز از اختلاط «نیتروگلسیرین» و «نبنه

از همه چیز. . .

بعدی بین روسیه و ژاپن شد.

۲۲ دسامبر ۱۸۹۴ م

محاکمه «دریفوس» یکی از پرسروداترین و تاریخی‌ترین محاکمات جهان آغاز شد و در طول محاکمه همه مردم دنیا نگران نتیجه آن بودند. در این محاکمه «دریفوس» افسر یهودی فرانسوی به اتهام جاسوسی برای آلمانیها محاکمه و محکوم شد و سرانجام پس از ۱۲ سال، بیگناهی او اعلام شد و دوباره در مورد او اعاده حیثیت شد. در این محاکمه «امیل زولا» نویسنده معروف فرانسه به نفع دریفوس قیام کرده بود.

۵ ژانویه ۱۸۹۵ م

دریفوس افسر معروف فرانسوی که ماجرای محاکمه او یکی از هیجان‌انگیزترین وقایع قرن نوزدهم جهان در فرانسه بود، به اتهام خیانت به میهن و افشای اسرار نظامی به آلمان خلع درجه شد و در این روز مراسم خلع درجه نظامی در میدان مدرسه نظامی به عمل و به حبس ابد در جزیره شیطان محکوم شد. وی چندی بعد به علت دفاع امیل زولا نویسنده معروف تیرنه و آزاد شد.

۲۲ آوریل ۱۸۹۵ م

انقلاب بزرگ «کوبا» برای آزاد کردن این جزیره از قید استعمار اسپانیا آغاز شد و این سومین انقلابی بود که در دومین نیمه قرن نوزدهم، توسط آزادیخواهان و استقلال‌طلبان آن سرزمین اتفاق می‌افتاد. قیام اول در سال ۱۸۶۸ م و قیام دوم ۱۰ سال بعد در ۱۸۷۸ م هر دو بشدت سرکوب شده بودند. انقلاب ۱۸۹۵ م کوبا با واگذاری جزیره کوبا از طرف اسپانیا به آمریکا پایان یافت.

باروت» دینامیت را بوجود آورد. نوبل بعدها بعثت پشیمانی از این اختراع، کلیه ثروت خود را وقف اعمال خیرخواهانه برای بشریت کرد.

۱۸ آوریل ۱۸۸۸ م

«انستیتو پاستور» یکی معروفترین مراکز تحقیقاتی بهداشتی و درمانی جهان، طی تشریفات خاصی، در پاریس پایتخت فرانسه ساخته شد. این انستیتو که دولت فرانسه به پاس قدردانی از زحمات فراوان لوئی پاستور دانشمند بزرگ فرانسوی تأسیس آن را تقبل کرده بود، مرکز بزرگترین تحقیقات طبی است و در کلیه شهرهای جهان شعبات آن وجود دارند.

۱۵ سپتامبر ۱۸۹۲ م

«ویروس» خطرناکترین دشمن بشر به وسیله یک زیست‌شناس معروف و دانشمند روسی به نام «ایوانوسکی» کشف شد و از آن سال به بعد تمام سعی و کوشش اطباء و دانشمندان زیست‌شناس جهان صرف این شده است که راه فراری در مقابل این دشمن خطرناک برای بشر پیدا کنند. ویروس عامل بسیاری از بیماریهایی است که بشر وسیله‌ای برای پیشگیری آنها ندارد و مهمترین این بیماریها «آنفلوآنزا» است.

۲۵ ژوئیه ۱۸۹۴ م

جنگ تاریخی و دامنه‌دار «چین و ژاپن» با حمله نیروهای ژاپنی به سواحل چین آغاز شد و به این ترتیب، آتش کشتار در خاور دور روشن شد. علت بروز این جنگ آن بود که دولت ژاپن می‌خواست با استفاده از ضعف اخلاقی چینی‌ها، اراضی وسیعی را در شبه‌جزیره کره و شمال خاک اصلی چین تصرف کند. این تمایلات سرانجام سبب بروز جنگ

۱۰ مارس ۱۸۹۶ م

۲۶ ژوئیه ۱۸۹۸ م

«رادیوم» گرانبهاترین و کمیاب‌ترین فلزات جهان، پس از چند سال آزمایش و تجربه، به همت یک زن و شوهر فیزیکدان بنام «پیر کوری» و «مادام کوری» کشف شد و به این ترتیب راه برای معالجه پاره‌ای از امراض که احتیاج به مواد رادیواکتیویته داشتند باز شد.

رادیوم که یکی از فلزات ثبت‌شده جدول «مندلیف» است با علامت اختصاری «R» مشخص شده است.

شکست تاریخی «آدوا» در محلی به همین نام، نصیب سپاهیان ایتالیائی شد که به قصد تصرف حبشه به آن سرزمین حمله کرده بودند. هدف ایتالیائیها، تسخیر حبشه و اتصال اریتره در شمال، با سومالی در جنوب حبشه بود و با وجودی که ایتالیائیها، به توپ و مسلسل مجهز بودند و حبشیان با نیزه و سپر می‌جنگیدند مع‌هذا در آدوا که در حبشه واقع شده است ده هزار ایتالیائی کشته شدند.





تاریخچه مختصر موسیقی

برتر از اصوات و سروصداهاست، موسیقی یکی از طرق بیان و اظهار آگاهانه انسانهاست.

چه سبب شد که انسان موسیقی را «اختراع کند»؟ بشر چگونه کشف کرد که بازی اصوات می تواند مبین و ترجمان روح و احساساتش باشد؟ از هزاران سال پیش، یعنی تقریباً از زمان پدید آمدن موسیقی، تابحال بشر به تحقیق و تدقیق در این باره مشغول است، حتی انسانهای اولیه نیز می کوشیدند برای این سؤال پاسخی بیابند. آنان ماهیت سحر آسای موسیقی را جز اینکه بگویند عطیه خدایان است، بطریق دیگری توجیه نمی توانستند کرد. هر ملتی بنحوی خاص داستان این احسان و بخشش را ضمن افسانهها و قصص بیان داشته است. می توان گفت که تمام ملل و اقوام مختلف از این قبیل قصص برای خود ساخته و آنها را در طول هزاران سال سینه به سینه به یکدیگر نقل کرده اند.

پس از سپری شدن هزاران یا حتی میلیونها سال آن طور که انجیل می گوید: «هنوز بر از بحر جدا نگشته بود». اما با وجود این در آن عهد نیز که هنوز جنبنده ای روی زمین نمی زیست، جهان ماوای خاموشان نبود. امواج کوه پیکر با صخره های عظیم برخورد می کرد، باد در شاخسارها می پیچید و از تماس آب، با سنگها و سنگریزه ها آوای دلنشینی برمی خاست. بعدها جانوران در روی زمین پدیدار شدند و با اصوات به سخن گفتن با یکدیگر آغاز کردند و پرندگان به هنگام دمیدن صبح صادق به نغمه پردازی پرداختند.

اما به این اصوات، سروصداها و نغمات، موسیقی نمی توان اطلاق کرد. موسیقی فقط و فقط از آن انسانهاست. زیرا فقط انسان به زیور دانائی آراسته شده است. به کمک موسیقی است که انسانها هیجانات درونی خود را بیان می دارند. موسیقی چیزی





چینی‌ها خیلی پیش از این با موسیقی آشنائی داشته‌اند. چهار هزار و پانصد سال پیش از این پادشاه مقتدری به نام هائونگ تی Haong Ti «فرمان داد» تا موسیقی را اختراع کنند و چهچه مرغان و زمزمه جویباران را سرمشق دانایان و خردمندان کشور خویش قرار داد. در ژاپن روزی و روزگاری الهه خورشید قهر کرد و به پناهگاه خود خزید، مردم هر چه عقلشان را روی هم گذاشتند جز این حيله‌ای بخاطرشان نرسید که با سرودن الحان متوالی و پیوسته، او را به بیرون آمدن اغوا کنند (در این افسانه مراد از الهه قهر کرده خورشید، کسوف می‌باشد)،

یونانیها همس را به شکرانه بخشیدن موسیقی ستایش می‌کردند. اما همس خدای بازرگانی و بازرگانان بود و به نظر ما بعید می‌آید که بتواند با موسیقی سروکاری داشته باشد. ولی از نظر دور نباید داشت که او در عین حال پیک و قاصد خدایان دیگر نیز بود. قطعاً هنگامی که او ضمن گردش و سیاحت در ساحل دریای مدیترانه، رشته روده‌ای را که از برادرش آپولون به سرقت برده بود بر روی کاسه لاک‌پشتی استوار کرد، از جانب ابومنش یعنی زئوس و محبوبه‌اش مایا، مأموریتی به عهده داشته است و بدین ترتیب است که اولین ساز یعنی لیر بوجود آمد.

برکت و باروری مزارع خویش دعا می کردند. یکی از مبلغین مذهبی به نام (سیبره Sibree) صحنه‌ای از مداوای به وسیله موسیقی را که خود در ماداگاسکار ناظر و شاهد وقوع آن بوده است بدین نحو شرح می دهد:

«روزی دوبار مراسم رقص برگزار می شد. به طرز مخصوص جوال خانه را به صحن حیاط آورده در کنار يك سکه نقره‌ای توی هاوونی چوبی گذاردند و روی هاون حصیری پهن کرده بیمارانی را که به طرز شگفت‌آوری بزرگ کرده بودند روی آن نشاندند، بعد طبل‌ها، گیتارهای بومی و فلوت‌ها را به صدا آوردند. تمام ساکنین ده گرداگرد بیمار حلقه زده در حین آنکه زنان و دختران آوازی يك نواخت می خواندند مردان و کودکان بلاانقطاع دست می زدند، در این موقع زنی که برای این موقع خاص برگزیده شده بود و از خاندان سرشناسی به نظر می آمد برخاست و به رقص آغاز کرد. در همین احوال زنی که پشت سر بیماران پنهان شده بود با بیلی که در دست داشت به شدت بر صفحه فلزی لبه تیزی که از طناب کهنه‌ای آویخته بود، ضربه می زد بدین طریق پهلوی گوش بیماران سروصدای کرکننده و حشمتناکی پدید می آمد. آنان گمان داشتند بدین نحو می توانند روح خبیث را از بدن بیمار خارج کرده به جان یکی از رقص کنندگان بیندازند. در جمیع این احوال که هر آن صدای طبل‌ها فزونی می گرفت، دستهای بیشتری به هم کوفته می شد و حنجره‌های تازه‌ای در آواز شرکت می جست. هر دو بیمار با وجود آنکه صدای گوش خراش چندش‌آوری برخاسته بود همچنان ساکت و بی حرکت برجای خود نشستند. ناگهان با حال تعجبی که به من دست داده بود دیدم هر دو بیمار از جا برخاسته و در حلقه نوازندگان به رقص پرداختند».

نیروی مسحور کننده اصوات تا به روزگار ما نیز

حتی امروز نیز در ژاپن به هنگام وقوع کسوف، مردم بخواندن آوازه‌ای فوق‌العاده قدیمی متوسل می شوند. در ایران نیز عوام بر بام می روند و طشت می کوبند.

یکی از قبایل آمریکای شمالی معتقدند که موسیقی از جانب یکی از خدایان به نام تسکانی پوکا Tezcatinpoca مرحمت شده است. و چنین می پندارند که اوپلی از لاک پشت‌ها و نهنگ‌ها ساخته است که در موقع آواز خواندن و نوازندگی با استفاده از آن خورشید صعود می کند. حبشی‌ها نیز خدائی دارند بصورت کبوتر. به زعم آنان این خداوند خواندن و نوشتن را به آنها آموخته و موسیقی را به آنان ارزانی داشته است.

در افسانه‌های ژرمنی (هایمدال Heimdall) قاپچی آسمانها بوق غول‌آسانی دارد که آنرا زیر شجره الحیات دفن کرده است و هرگاه آنرا به صدا درآورد روز قیامت آغاز خواهد شد و او در آن روز همه خوانندگان و موسیقیدانان را در پناه خود خواهد گرفت و چون خود او نیز موسیقیدان و آوازخوان بوده است برایشان شفاعت خواهد کرد (داستان سورسرافیل نیز مضمونی شبیه به این دارد).

بدین نحو تمام ملل قدیم تاریخ و داستان پدید آمدن موسیقی را با قصه‌ها و افسانه‌ها در آمیخته‌اند. حتی در قرون وسطی نیز چنین می پنداشتند که موسیقی را (یوبال Jubal) پسر (کاین Kain) اختراع کرده است.

از طرف دیگر به آن دلیل که موسیقی را عطیه خدایان می پنداشتند، آنرا وسیله نزدیک شدن به خدایان و نیروهای مابعدالطبیعه قرار دادند. با توسل به آن از طرفی چشم‌زخم و ارواح خبیثه را از خود می راندند، مرگ و بیماری را طرد می کردند و از انقلابات جوی و حریق احتراز می نمودند، و از طرف دیگر برای جلب عطف خدایان، نزول باران و



شناختن مبداء و منشاء موسیقی برای ما کمال استفاده را دربردارد زیرا کشف این نکته به شناسایی ماهیت موسیقی کمک بسیار می‌نماید و به همین دلیل است که تاکنون علما و فلاسفه فرضیات متعددی در این باره کرده‌اند که از میان آنها سنسور، نیچه، هاوس اگر و هر در را باید نام برد.

در ادوار اخیر علما و محققین با تحقیق در احوال ملل بدوی، وحشی و نیمه‌وحشی طریق مطمئن تری برای تتبع در این زمینه برگزیده‌اند. فرانسویان قبل از دیگران به مطالعه در این باره ابراز رغبت نمودند. نخست ژان ژاک روسو در اثر خود بنام (فرهنگ موسیقی Dictionnaire de la musique) ۱۷۶۷ و بعد از او دولاپوردر کتاب (تحقیقی درباره موسیقی قدیم و جدید Essai sur la musique ancienne et moderne) ۱۷۸۰ این بحث را پیش کشیدند، مردم سیاحت پیشه انگلستان نیز پس از فرانسویان به تحقیق در این موضوع پرداختند و در این اواخر آلمانی‌ها تحت عنوان علم موسیقی سنجشی به این تحقیقات رونق عمیق بسزائی بخشیدند.

برجا مانده است و هنوز هم که هنوز است مردمی که در مراحل پائین تمدن هستند در بهار برای باروری مزارع و گاوهای خود با خواندن سرودها دعا می‌کنند. آویختن زنگوله به گردن گاوهای که به چرا می‌روند نیز دلیل به همین است. در همین قرن بیستم نیز هنگامی که کاتولیک‌ها در کلیسا به عبادت مشغولند و صدای دلنواز ارگ طنین می‌افکند دستخوش جذب و شور می‌گردند.

آنچه در فوق گذشت شمه‌ای بود از عقاید و افسانه‌های ملل قدیمی یا قبایلی که در مراحل پائین تمدن زندگی می‌کنند ولی باید متذکر بود که ما مردمی که در عهد سیادت علوم طبیعی زندگی می‌کنیم به هیچ وجه به افسانه‌های کهن به دیده تحقیر نمی‌نگریم بلکه می‌کوشیم زیبایی و حکمتی را که در این قصص نهفته به بهترین وجهی دریابیم اما بهر حال به این اشارات و کنایات استعارت‌آمیز دل خوش نمی‌توانیم ساخت بلکه باید با وسایلی که در اختیار داریم به تحقیق و تتبع درباره منشاء موسیقی بپردازیم.

کنند. بدین طریق پای موسیقی نیز که روزگاری عطیه خدایان بود در نبردی که به خاطر کسب قدرت و امتیازات طبقاتی درگیر بود، کشیده شد.

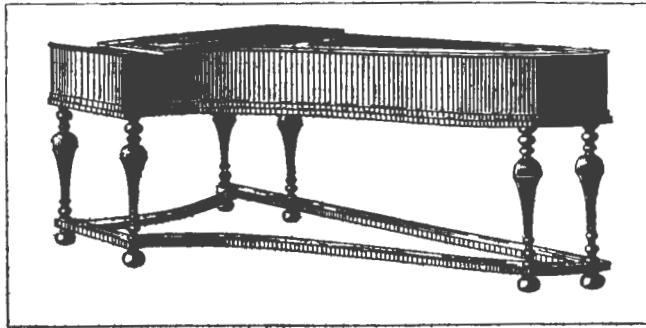
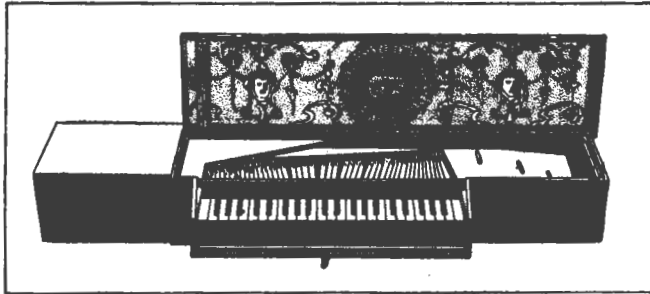
از آنچه در فوق ذکر شد چنین برمی آید که موسیقی از زبان مشتق شده است. موسیقی در آغاز همان سخن گفتن بود که در آن هر صدائی کشش خاصی می یافت. زیر و بم شدن ناپایدار اصوات بعدها اندک اندک به وضع ثابتی گرائید. تحقیقات علمی صحت این نظریه را به ثبوت رسانیده اند.

بعدها پرسش دیگری پیش آمد. پرندگان چرا نغمه بردازی می کنند؟ برای دلربائی، نغمه سرائی مرغان را جز به مفاصله که به خاطر تکثیر نسل انجام می گیرد به چیز دیگر تعبیر نمی توان کرد، انسانها هم فقط بخاطر نیایش خدایان سرود نمی خواندند بلکه عشق و علاقه ای هم که به یکدیگر و جنس مخالف داشتند آنها را به این کار تحریض و تشویق می کرد. و اما جلب مهر و محبت جنس مخالف و ترانه سردادن منحصر به انسانهای اعصار اولیه نیست، ترانه های ملی قرون وسطی نیز همچون ترانه ها و سرودهای ملی و محلی کنونی همه و همه آوازهای عشقی هستند. مردمی که این ترانه ها را ساخته اند به کمک الفاظی که به ندرت تعقید و پرده پوشی در آن دیده می شود کوشیده اند که یار را با خود بر سر مهر آورند. به گمان چارلز داروین، مهرورزی و جفت جوئی مردم را بر آن داشته است که دست نیاز بسوی موسیقی دراز کنند و از این وسیله سحرآسا برای برآوردن حاجت خویش کمک گیرند.

با وجود آنچه گذشت پنهان نباید داشت که عوامل فوق العاده مهم نیز در کار پدیدآوردن موسیقی سهم بسزائی داشته اند. در روزگاران گذشته هنگامی که انسانهای اولیه درختی را می افکندند یا بارگرانی را حمل می کردند، احساس می کردند که اگر از نظر زمانی فاصله معینی را رعایت کنند و یا به زبان دیگر

آیا موسیقی از مشتقات زمان است؟ وقتی که مردم از حال عادی خارج و دستخوش احساسات می گردیدند صدای خود را بلند می کردند و به اصوات کشش و دوامی دلخواه می دادند. در صحت این فرضیه تردید زیاد روا نباید داشت. کارل شتومیف استاد سابق فلسفه دانشگاه برلین تاریخ شروع و آغاز موسیقی را از لحظه ای می داند که مردم ناگزیر شدند برای تفهیم و تفهّم به اصوات متوسل جویند و به زعم او از همین اصوات است که علم موسیقی به معنای امروزی آن بوجود آمده است. مطالعه در موسیقی قبایل مختلف ممکن است ما را به کشف پیوستگی های نژادی که بین این قبایل موجود است رهنمون شود. سخن گفتن هنرپیشه ها روی صحنه در روزگار ما نیز به نوعی آواز می ماند. تغییر لحن و اعظ و اتخاذ لحن تازه ای هم همان آواز است. ملل قدیم نیز هنگامی که به نیایش خدایان می پرداختند مسلماً چنین می کردند. آنان در حال عبادت سخت تحت تأثیر هیجان درونی خود قرار می گرفتند و این هیجان و شوریدگی و ادارشان می ساخت چیزی را که کلمات یارای بیان آنرا نداشت اظهار کنند.

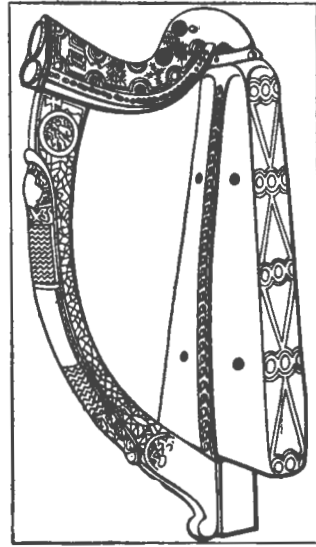
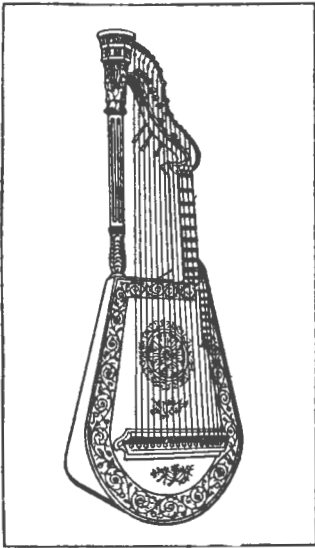
نکته ای که بسیار جالب توجه است و نباید آنرا ناگفته گذاشت این است که استفاده از موسیقی برای هر فرد مجاز نبوده و پیشه موسیقیدانی خاص کاهنان، جادوگران و طبییان گردید. اینان خواندن بسیاری از ترانه ها و نواختن برخی از سازها را به خود منحصر ساخته بودند. البته آشکار است که دیگران حق دست زدن به این سازها را نداشتند و حتی اگر چشم زنی به این سازها می افتاد واجب القتل شناخته می شد. موسیقی نیز مانند خیلی از چیزهای دیگر در دست بعضی وسیله احراز نفوق و کسب امتیازات شد. کشیشان می کوشیدند با انحصار موسیقی به خودشان سری توی سرها بیرون بیاورند و مقام و وضعی استثنائی برای خودشان ایجاد



حیاتی ملل بدوی نمود به تئوری جالب توجهی در مورد پیدایش موسیقی دست یافت که آنرا در کتاب بسیار گرانبهای خود بنام (کار و ریتم L'arbeit und Rhythmus) اظهارداشته است. طبق این تئوری که صحت آن از سایر فرضیه‌ها بیشتر است کارهای دسته‌جمعی و متحدالشکل این خاصیت را دارند که با ملحوظ داشتن وزن و ریتم در آن، بهتر و سهل‌تر انجام می‌گیرند. موزون بودن از صعوبت و توانفرسانی کار می‌کاهد و به همین دلیل است که حتی در جایی که ظاهراً محلی برای موزون بودن کار نمی‌توان یافت مردم خودبخود این قبیل کارها را موزون انجام می‌دهند و برای رعایت و نگهداشتن وزن به ناچار آواز می‌خوانند. «بوشر» سرودها و آوازهای گوناگون ملل و قبایل مختلف را ذکر می‌کند که برای امور متفاوت روزمره خود از قبیل آرد کردن، ریسیدن، بافتن و بلند کردن و حمل بارهای سنگین و

اعمال خود را با یکدیگر موزون نمایند، انجام دادن کار برایشان سهل‌تر خواهد شد. در کار دسته‌جمعی موزون هر فردی مقداری از نیروی خود را ذخیره می‌کند. حتی امروز کار بر این منوال است و هر يك از ما هر روز در کوچه و بازار ناظر کار موزون دسته‌جمعی کارگران هستیم. همین حالا هم وقتی انسانهای قرن بیستم بار گرانی را با نیروی بدنی خود بجائی حمل می‌کنند از نظر حفظ هماهنگی و موزون بودن کار دسته‌جمعیشان تفاوتی با انسانهای هزاران سال پیش ندارند.

در حین انجام دادن کارهای دسته‌جمعی بوده که اندک‌اندک ریتم یا وزن که مهمترین عنصر موسیقی است پا به عرصه وجود گذاشته رو به کمال رفت، شاید هم بتوان مدعی شد که نخست وزن بوجود آمده است و سپس موسیقی. بر اثر تحقیقات گرانبهائی که عالم اقتصاد ملی «کارل بوشر» درباره مقتضیات



تشخیص اینکه هارمونی شگفت‌آور صداها از چند نوع صدا (سوپرانو - آلتو - تنور) تشکیل می‌شد امری بود سخت دشوار. در مدت محدودی هم در پردهٔ واحدی آواز می‌خواندند ولی بلافاصله دسته دیگری که صدایشان توانائی بیشتری داشت يك اکتاو بالاتر می‌رفتند، در حالیکه سیاه‌پوستان غول‌پیکری که در برابر ماشین‌های فشار ایستاده بودند با صدای رعدآسای باس خود چنان می‌خواندند که بطور قطع دم نیرومند ارك اگر آنرا می‌شنید، دچار رشك و حسد می‌گردید. بعد از این آواز آهنگ دیگری را آغاز کردند به نام (بغلطان، جردان، بغلطان) که از آهنگهای ملی مخصوص سیاهان به‌شمار می‌رفت.

آوازی مهیب، عجیب و مهیج بود و حرکات بدنی کارگران با این آواز سریع‌تر شد. و به جرأت می‌توانم گفت که اگر دستهایشان بکار بند نبود قطعاً دست می‌زدند زیرا در حین آواز خواندن نمی‌توانستند از هیچیک از حرکات بدنی خود جلوگیری کنند. چهرهٔ آنان در این حال جذبه و خلسه، روحانیت و ملاحظی

غیره پدید آورده‌اند. از آن جمله از قول یکی از رهبران آواز دسته‌جمعی به نام (لورینگ Levering) طرز کار عده‌ای از سیاه‌پوستان آمریکائی را در حین آماده کردن برگهای تنباکو چنین نقل می‌کند:

«در تالار بزرگی در حدود یکصد و پنجاه تن، زن و مرد و دختر و کودک، در برابر میز درازی ایستاده با برگهای تنباکو سرگرم کار بودند. ناگهان يك نفر آغاز خواندن کرد و دو یا سه لحن سر داد. دیری بر این نگذشت که آواز دسته‌جمعی پرتوان، دلکش و جذابی در تالار طنین افکند. فوراً آواز قدیمی (نان آسمان) را بازشناختم. در حین خواندن این آواز که قطعاً آهسته‌ای بود، قسمت فوقانی بدن خود را با ملاحظ خاصی به این سو و آن سو خم می‌کردند. از هر حرکتی حال جذبه و شور به خوبی هویدا بود. شوریدگی دلها بالاخره به سر انگشتان انتقال یافت. چنان با نرمی و مهرورزی برگهای تنباکو را در روی میز لمس می‌کردند که گفתי تارهای بانجو (گیتار مخصوص سیاهان) را می‌خواهند به ارتعاش درآورند.

خاص یافته بود.»

بوشر چنین می گوید که در مورد قبایلی که از سایرین عقب مانده تر هستند فقط ملودی با ریتم (وزن) بستگی دارد و هنگام کارهای دسته جمعی، متن توسط یکی از حضار قرائت می شود و بعد دیگران ترجیع واحدی را با هم می خوانند. بوشر این را آغاز هنر دراماتیک می داند و در حرکاتی که به منظور از پیش بردن کاری صورت می گیرند، او جوانه های موسیقی و شعر را تشخیص می دهد. عقیده بوشر را در این مورد تحقیقات متعدد مورد تأیید قرار داده اند. زیرا در قدیمی ترین درامهائی که به دست ما رسیده است همواره ارتباطی بسیار نزدیک بین شعر و موسیقی را با هم توأم می بینیم که با حرکات موزون بدنی نیز همراهی دارد. انشعاق رشته های مختلف هنری فقط در جریان تکامل هنر صورت وقوع یافته است اما بطور قطع و یقین می توان اظهار داشت که حرکات موزون بدنی و موسیقی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند و همانطور که بار دیگر نیز یادآور شدیم ریتم یا وزن یکی از اساسی ترین ارکان موسیقی را تشکیل می دهد. (بولو) چنین گفته است که «در آغاز فقط وزن وجود داشت»، واگر نیز این نظر را تأیید نموده است. کودکان هم در ضمن بازیهای خود به ثبوت رسانیده اند که وزن را زودتر و بهتر احساس می نمایند و به همین دلیل است که بنا به توصیه (ژاک دالکروز) امروز به حق تربیت موسیقی کودکان را با وزن آغاز می کنند. باز تذکر این مطلب در اینجا زاید به نظر نمی رسد که قابلیت درک و احساس وزن مختص و منحصر به انسانهای متمدن قرن بیستم نیست و مطالعه و تحقیق در زندگی قبایل بسیار عقب مانده که چندین هزار سال از کاروان بدور مانده اند به این نتیجه منتج می شود که این مردم وحشی یا نیمه وحشی از این لحاظ با انسانهای قرن بیستم برابری دارند. یکی از محققین به نام

از همه چیز. . .

(ماینرس) تحت عنوان «درباره احوال سیاهپوستان آفریقائی» در ۱۷۹۰ چنین می نویسد:
«چه هنگام راه رفتن و بازی کردن و چه موقع رقصیدن، آواز خواندن و کار کردن همیشه وزن و ریتم را رعایت می کنند. گول ترین و خرف ترین سیاهان بدون کوچکترین وجه تمایزی، خیلی بهتر از سربازان و موسیقیدانان، پس از مطالعه و تمرین های بسیار وزن را احساس می کنند.»

حالا اگر با در نظر گرفتن مطالب فوق در افسانه هائی که می گویند موسیقی را خدایان به بشر ارزانی داشته اند تحقیق کنیم، چنین نتیجه خواهیم گرفت که خدایان به مسافران برای سفر دورودراز و خسته کننده ای که در پیش داشتند، توشه راهی بخشیده بودند که عبارت بود از قدرت درک و احساس ریتم و الحان. هر گاه که این مسافران از بیابانهای خشک و بی آب و علف می گذشتند به صدای گامهای خود یا چاریائی که مرکوبشان بود گوش فرا می داشتند و بعد این ریتم را با کلمات و الفاظی که بر زبان می آوردند منطبق ساختند و از این رهگذر به مرور دهور ترانه های کوچکی پدید آمد که در تنهائی رفیق راه و مونس دل مسافران می گردید و از رنج طاقت فرسای سفرشان اندکی می کاست. اما با یادآوری این مطلب که در آن روزگاران فقط بازرگانان و پیشه وران رنج سفر را به خود هموار می ساختند، می توان به این راز پی برد که چرا در آن افسانه کهن یونانی هرمس خدای بازرگانان در اختراع موسیقی سهم شایسته ای به عهده داشته است.

هزاران سال پیش از این مردم دریافتند که ترکیب بعضی از اصوات مطبوع است در حالی که برخی از اصوات دیگر تأثیری نامطبوع و حتی گوشخراش در شنونده بجا می گذارد و این همان چیزی است که ما امروز آنرا به (کونسونانس) و (دیزونانس)، تعبیر

بعدها دسته بزرگ موسیقی جاز یا موسیقی (سوینگ) تکامل یافت. در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ موسیقی که به نام (جاز جدید) مشهور است به وجود آمد. این جاز جدید از حیث آهنگ و ضرب خیلی پیچیده‌تر از انواع سابق جاز بود. نوازندگان در موقع نواختن آهنگهای خود، ضرب بیشتر بکار می‌بردند و زنده طبل نیز شیوه پیچیده‌تری اجرا می‌کرد.

بنابراین ملاحظه می‌شود که موسیقی جاز نوعی از موسیقی است که دائم در تغییر است ولی در هر حال خاصیت اصلی و تم اساسی خود را حفظ می‌کند.

انواع آلات موسیقی

الف: بزمی

(۱) نای، یا نی: از آلات موسیقی بادی است که از زمان قدیم تاکنون در ایران معمول است و احتیاج به شرح ندارد. درباره نی شاعران ایرانی علاوه بر مولوی که از زبان «نی» سخنها گفته و شکایتها کرده است:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدائیهها شکایت می‌کند
خاقانی نیز در وصف نی گوید:

نای است چون طفل حبش
ده دایگانش تُرک وش
نه چشم دارد شوخ وش
صد چشم حیران بین در او

مقصود از ده دایه انگستان نوازنده و مقصود از نه چشم سوراخهای نی است.

(۲) بربط: ساز زهی دسته‌داری است شبیه سه‌تار که برخلاف آن دسته‌اش کج بوده است. این ساز دارای ۴ زوج سیم بوده و مانند تار نواخته می‌شده است. بربط از قدیم در ایران وجود داشته و نواختن

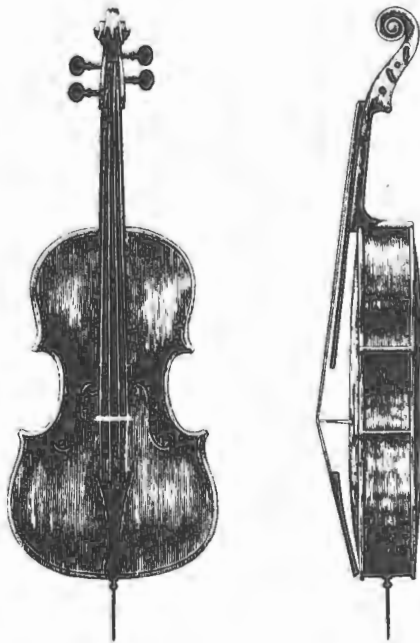
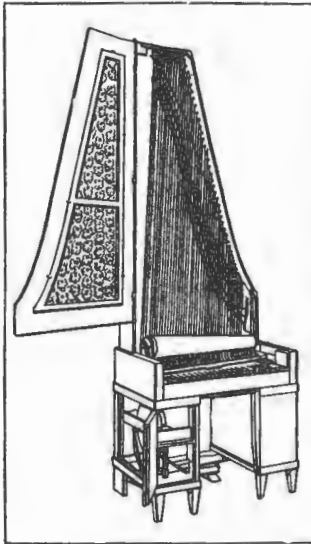
می‌کنیم. البته این کشف نیز با گذشت زمانی مدید همراه بود و چنین نتیجه‌ای نیز ضمن تجارب زندگانی روزمره بدست‌مارسیدملاً شبانان یا شکارچیان از فواصل نسبتاً بعید به کمک اصوات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند و از پاسخی که از جانب دیگر می‌رسید گاهی سرور و گاهی اشمئزاز به آنان دست می‌داد.

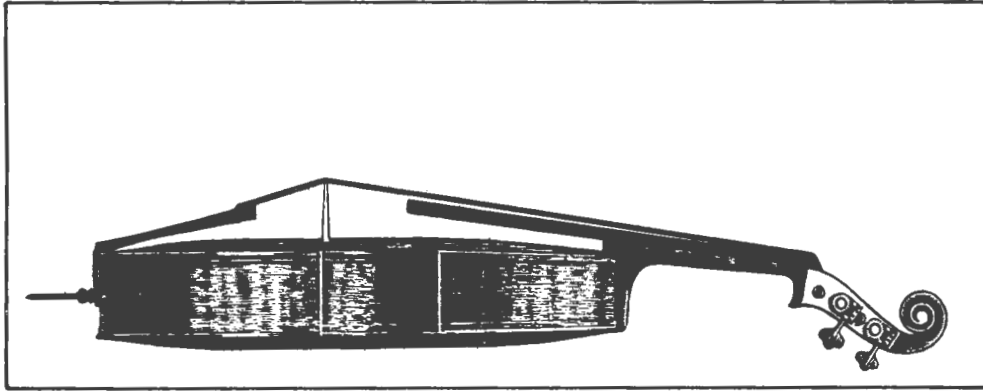
ممکن است از ما بپرسند که خوب کدام يك از فرضیات و تئوریهائی را که در مورد پیدایش موسیقی آورده‌اند باید به عنوان نظر و فرضیه صحیح مورد توجه و امعان نظر قرار داد؟ و ما برای کدام يك از اینها باید قطعیت و نفوذ قایل شویم؟ پاسخ ما این است که فعلاً ادامه مباحثات بی‌سرانجام را به عهده دانشمندان و متبتعین باید گذاشت.

موسیقی جاز چیست؟ جاز نامی است که به يك قسم موسیقی متداول و معروف داده شده است. موسیقی جاز در آغاز، مخصوص سیاهان آمریکا بود ولی بعدها مرکب از مجموعه‌ای از آهنگها و موسیقی نقاط مختلف جهان شد.

يك خاصیت اساسی موسیقی جاز ضرب آن است. آهنگ جاز معمولاً عناصری است آمیخته از موسیقی آفریقائی و اروپائی؛ ولی بیشتر آهنگهای اروپائی اجزاء متشکل آن را تشکیل می‌دهد. یکی دیگر از خصوصیات موسیقی جاز ارتجالی بودن آن است، یعنی در حین نواختن آن، آناً ساخته و اجرا می‌شود؛ موسیقی جاز غالباً به این شکل ساخته می‌شود که نوازنده خود ابتکار می‌کند و آن را می‌نوازد.

در طول سالیان، موسیقی جاز تغییر شکلها داده و تحول یافته است ولی در هر حال خصوصیات اساسی خود را حفظ کرده است. قدم عمده در راه تکامل موسیقی جاز در شهر (نیواورلئان) برداشته شد که در آنجا آهنگهای سیاهان و سفیدپوستان درهم آمیخته و منعکس‌کننده روحیات آنان شده است.





کاسه سه‌تار است. روی کاسه آن را پوست کشیده و بر روی پوست خرکی کار گذاشته‌اند که سیمها بر روی آن قرار می‌گیرند. برای نواختن آن را بطور عمودی روی زمین می‌گذارند و کمانه را بر روی سیمهای آن می‌کشند و محل انگشتها را تغییر می‌دهند. نوازنده آن را کمانچه‌کش می‌گویند. قبل از آمدن ویلون به ایران، کمانچه زیاد معمول بوده است.

ب: رزمی

۱) کوس: نوعی طبل بزرگی است که صدای بلند و پرتیننی داشته و در جنگ بکار می‌رفته است. مانند طبلهای بزرگ امروزی دو طرف آنرا پوست می‌پوشانیده است.

۲) کرنا: آلت موسیقی بادی بلندی است که صدای آن هم بم می‌باشد و چون سوراخ ندارد و با کمک انگشتان نواخته می‌شود، پرده ندارد. فقط وقتی در آن می‌دمیده‌اند صدای بمی خارج می‌شده که به کمک کوس و سایر آلات موسیقی رزمی آهنگهای مخصوص به جنگ و تهییج سربازان را می‌نواخته‌اند.

۳) بوق: آلت بادی دیگری است شبیه کرنا، منتهی کوتاهتر که آن نیز در جنگ مورد استفاده بوده است. اقسام مختلف طبلهای بزرگ و کوچک نیز وجود داشته و مورد استفاده بوده‌اند.

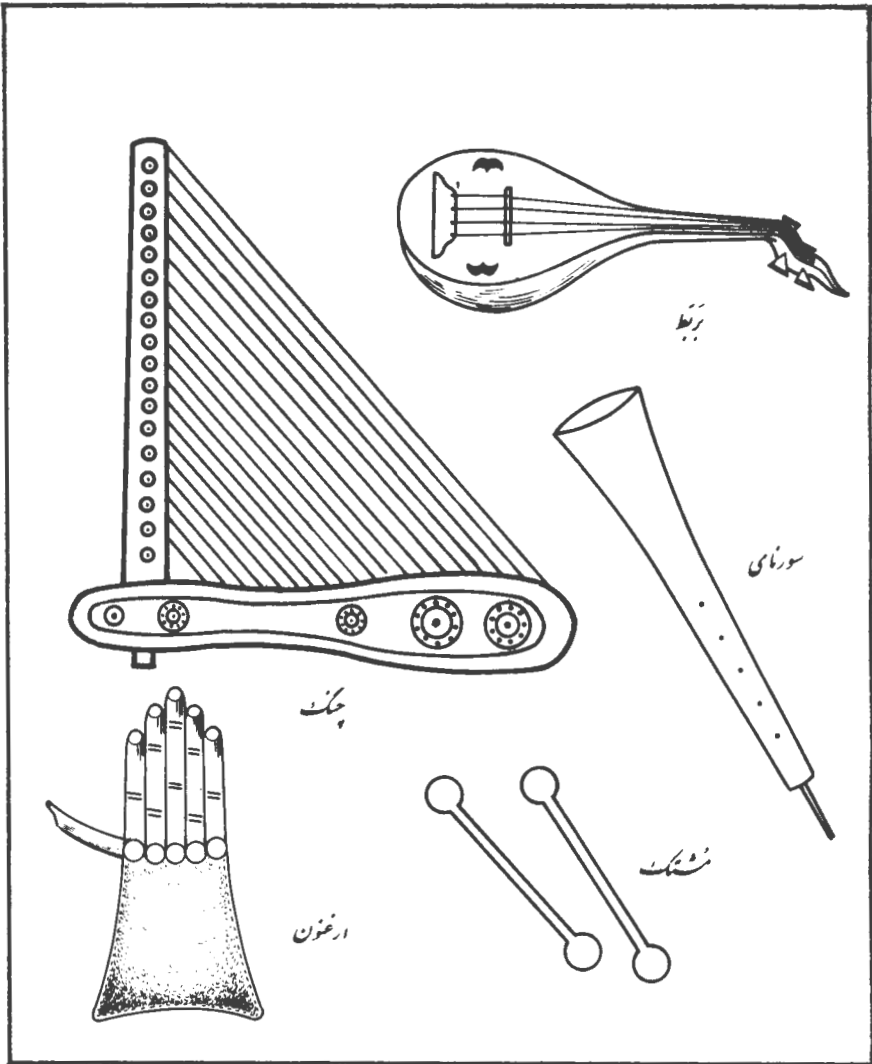
آن در نواحی فارس نشین بیشتر معمول بوده است. عود امروزی تغییر یافته این ساز است.

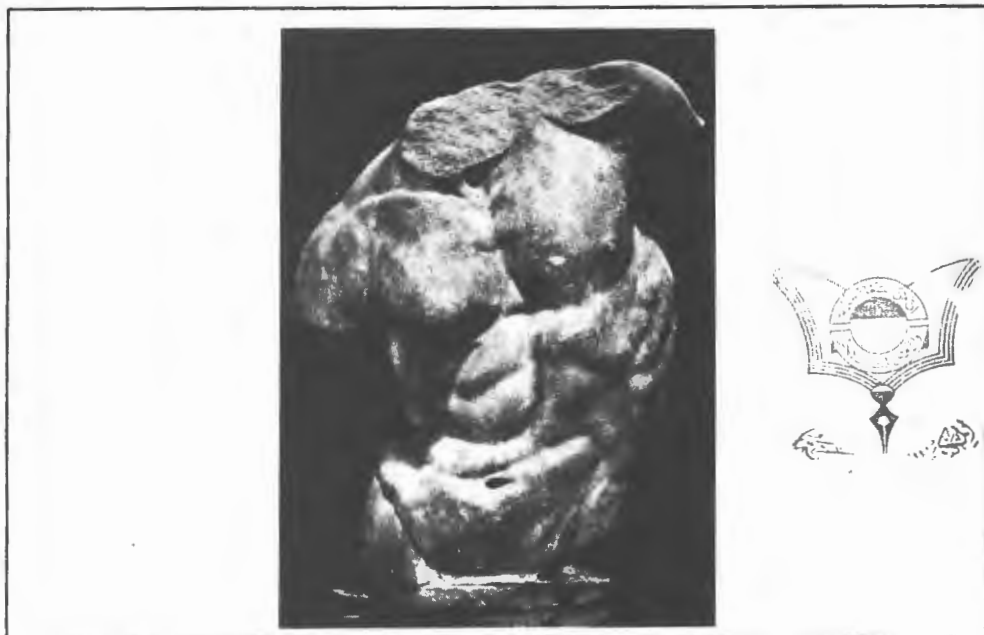
۳) چنگ: از قدیمی‌ترین سازهای زهی است که از قدیم در ایران و غالب ممالک دیگر معمول بوده است و در شکل آن تغییراتی داده شده تا به صورت امروزی که در اصطلاح بین‌المللی هارپ خوانده می‌شود درآمده است. این ساز از قدیم سیم داشته ولی امروزه بر اثر تکامل دارای ۴۶ سیم است که با حرکت انگشتان روی تارهای آن نواخته می‌شود. هارپ امروز در ارکسترهای سنفونیک مورد استعمال دارد.

۴) تنبور: ساز زهی قدیمی شبیه به سرنا است که دسته‌ای راست و بلند دارد و مانند تار پرده‌بندی شده است؛ ولی تعداد پرده‌های آن کمتر است. کاسه تنبور بزرگتر و دهانه آن بدون پوست است. این ساز را با چهار انگشت دست راست بدون شست می‌نوازند. نواختن تنبور در قدیم در طبرستان و دیلم و امروزه در کردستان متداول است.

۵) رباب: از آلات زهی موسیقی ایران است که فقط دارای دو سیم بوده و بوسیله کشیدن کمانه (آرشه) روی سیمها نواخته می‌شده است.

۶) کمانچه: ساز زهی است که امروزه متداول است. این ساز دارای چهار سیم و کاسه‌ای شبیه





شاهکارهای مجسمه‌سازی جهان

مجسمه آزادی (آمریکا): این مجسمه در مدخل بندر نیویورک آمریکا نصب شده و ۲۳ متر ارتفاع و ۲۵۵ تن وزن و ۱۶۰ پله دارد.

مجسمه آتاتورک و همراهان (ترکیه): این مجسمه که در استانبول در میدان استقلال قرار دارد، رهبر استقلال ترکیه را با همه همراش نشان می‌دهد.

مجسمه ابوالهول (مصر): این مجسمه غول پیکرترین مجسمه‌های مصر باستان و در نزدیکی قاهره قرار دارد و تنها ارتفاع صورتش ۵ متر است.

مجسمه اطلس (ایتالیا): این مجسمه، اطلس را در حالی که کره زمین را به دوش دارد مجسم کرده است و امروزه در تصرف موزه ناپل است.

مجسمه بودا (افغانستان): این مجسمه اولین مجسمه بزرگ از بوداست و در شهر (بامیان) ساخته شده و در مدخل غارهای سنگی واقع شده است.

مجسمه بودا (چین): این مجسمه که ۱۵ متر

البته، تعداد مجسمه‌های موجود در میدان‌های شهرهای مختلف و موزه‌های متعدد دنیا که هر یک در حد خود شاهکار هنری محسوب می‌شوند، بسیار است و برای شناختن آنها باید به کتب مخصوص هنری مراجعه کرد ولی قسمتی از معروف‌ترین مجسمه‌های جهان در قدیم و زمان حاضر (که بعضی از آنها بکلی نابود شده‌اند) از این قرارند:

مجسمه آمنوفیس سوم (مصر): این مجسمه در حال نشسته تراشیده شده و بر فراز سنگی به وزن ۴۰۰ تن قرار دارد و متعلق به مصر باستان است.

مجسمه آخناتون (مصر): این مجسمه نیز که متعلق به یکی از محترم‌ترین شخصیت‌های مصر باستان است در موزه قاهره قرار دارد.

مجسمه آدرین (ایتالیا): این مجسمه به صورت نیم‌تنه ساخته شده و هنگام حفاری در نزدیکی مقبره آدرین امپراتور مشهور روم پیدا شد.

از همه چیز...

ارتفاع آن است به سبک مجسمه‌های یونان باستان تراشیده شده و ارزش هنری فراوان دارد.
مجسمه بودا (ژاپن): این مجسمه که (بودای بزرگ) نام دارد برنزی است و ۴۳۸ تن وزن دارد و تنها گوش آن سه متر ارتفاع دارد.

مجسمه بودا (تایلند): این مجسمه که از برنز ساخته شده، بودا را در حالی که نشسته و دست راستش را بطرف زمین دراز کرده است نشان می‌دهد.
مجسمه بوسه (فرانسه): این مجسمه اثر (اگوست رودن) مجسمه‌ساز مشهور فرانسوی است و دختر و پسری را در حال بوسیدن یکدیگر می‌نمایاند.

مجسمه پریکلِس (انگلستان): این مجسمه نیم‌تنه از سردار بزرگ یونان قدیم ساخته شده و در تصرف موزه بزرگ بریتانیای کبیر است.

مجسمه تنودور (ایتالیا): این مجسمه «تنودور» امپراتور معروف روم قدیم را با افراد و خانواده‌اش در لژ مخصوص امپراتوری مجسم کرده است.

مجسمه جفرسون (آمریکا): این مجسمه که از توماس جفرسون رئیس جمهوری آمریکا تمام قد ساخته شده برنزی است و در بنای یادبود او برپا شده است.

مجسمه دو عاشق (سیلان): این مجسمه که از لحاظ هنری دارای ارزش فراوانی است از یک دختر و یک پسر عاشق ساخته شده است.

مجسمه دختر ماهی (نروژ): این مجسمه، بر فراز تخته‌سنگ سیاهی در ساحل دریا ساخته شده و یک دختر دریا را که سمبل نروژ است نشان می‌دهد.

مجسمه رودس (؟): این مجسمه که ۴۰ متر ارتفاع داشت در جزیره رودس در دریای مدیترانه ساخته شده بود ولی اینک وجود ندارد.

مجسمه رامسس دوم (مصر): این مجسمه که ۱۳ متر ارتفاع آن است از فرعون معروف مصر

ساخته شده و در حال حاضر در اختیار مصر است.
مجسمه رؤسای جمهوری آمریکا (آمریکا):

این مجسمه از صورت ۴ رئیس جمهوری آمریکا (واشنگتن، جفرسون، لینکلن و تنودور روزولت) در حفره‌های کوه (بلاک هیل) در داکوتای جنوبی ساخته شده است.

مجسمه ژئوس (یونان): این مجسمه که از آثار و عجایب هفتگانه قدیم بود، توسط فیدپاس مجسمه‌ساز یونانی از خدایان یونان ساخته شده بود.

مجسمه زمستان (فرانسه): این مجسمه که از آثار (ژیراردون) مجسمه‌ساز معروف فرانسوی است در حال حاضر در موزه پاریس است.

مجسمه شاپور اول (ایران): این مجسمه فلزی تمام قد که قسمت‌هایی از آن از بین رفته در مدخل غار شاپور در کازرون فارس قرار دارد.

مجسمه شیوا و پارواتی (هندوستان): این مجسمه از مفرغ ساخته شده و تجسمی از دو خدای مورد علاقه هندیان (شیوا) و (پارواتی) است.

مجسمه قربانیان بمب اتمی (ژاپن): این مجسمه‌ها، تجسمی از قربانیان اولین بمب اتمی است که در بندر هیروشیما در ژاپن منفجر شد.

مجسمه گواتاما (هندوستان): این مجسمه که ۱۸ متر ارتفاع دارد از سنگ یکپارچه تراشیده شده و ساختن آن مدت ۱۰ سال طول کشیده است.

مجسمه گرگ و دو طفل (رم): این مجسمه که سمبل شهر رم پایتخت ایتالیاست (رموس و رمولوس) را در حال شیرخوردن از گرگ می‌نمایاند.

مجسمه گاندی و همراهان (هندوستان): این مجسمه که به یادبود مهاتما گاندی مرد مقدس هندوستان ساخته شده او را با همراهان خود نشان می‌دهد.

مجسمه لینکلن (آمریکا): این مجسمه بزرگ و غول‌پیکر از (آبراهام لینکلن) رئیس جمهوری

مرد را در حال تفکر نشان می‌دهد و اثر (اگوست رودن) است و در موزه کشور فرانسه قرار دارد. مجسمه مسیح (شیلی): این مجسمه گول‌پیکر و بزرگ در مرز کشور شیلی و آرژانتین قرار گرفته و حضرت مسیح را در حال ایستادن نشان می‌دهد.

آمریکا در شهر واشنگتن ساخته شده است. مجسمه منمون (مصر): این مجسمه‌های بزرگ و عظیم که هر يك ۱۸ متر طول دارند محافظین در ورودی معبد آمنوفیس هستند. مجسمه مرد متفکر (فرانسه): این مجسمه، يك

